
قرآن مجید

# قرآن مجید

ترجمه فارسی

مبنی بر اردو ترجمه

حضرت میرزا طاهر احمد

خلیفة المسیح الرابع رحمه اللّٰه تعالی

مترجم : سید عاشق حسین

ناشر: انتشارات اسلم انترنا سیونال با مسئولیت محدود

اسلام آباد . تلفورڈ . سی . انگلستان

# THE HOLY QUR'AN

**ARABIC TEXT AND PERSIAN TRANSLATION**

First published in UK in 1989

Present edition (completely new translation) printed in India in 2003

Translated into Persian by : Syed Aashiq Hussain Shah



*Published by :*
Islam International Publications Limited
"Islamabad"
Sheephatch Lane
Tilford, Surrey GU10 2AQ
United Kingdom

*Printed in India at:*
Printwell
146-Industrial Focal Point
Amritsar (Punjab) India

**ISBN : 1 85372 784 9**

بِسم اللّٰه الرَّحمٰنِ الرَّحیم

# پیشگفتار

هست فرقان آفتاب علم و دین تا برندت از گمان سوی یقین
هست فرقان از خدا حَبْلُ المَتِین تا کشندت سوی ربُّ العالمین
هست فرقان روز روشن از خدا تا دهندت روشنئی دیده ما

قرآن کتاب آسمانی مبنی بر کلام خدای متعال آفرینندهٔ همه جهانهااست. این کلام خدای‌متعال بیش از ۱۴۰۰ سال قبل برحضرت محمدﷺ خیرالانام،خاتم النبیین بعنوان کمال نعمت درحجاز[عربستان]فرودآمد وتعلیم دین واحکام شریعة را تکمیل نموده ونازل آمدن هرگونه احکام شریعت راپایان داد.این کتابی یگانه است که میتواند جوامع بشری را از جمله ابعادش برای تامین نیازهای این دنیاوآخرت که در رأس همه آنها شناسائی و عبادت خدای یگانه است بروشنی هدایت نماید و بطوریکه از اشعار مزبور در فوق از حضرت میرزا غلام احمد قادیانی مسیح موعود و مهدی معهود علیه السلام حاکی است قرآن آفتاب علم و دین است که تعلیم آن انسان را از هرگونه شك و شبه پاك نموده و تا بکمال یقین میرساند. این بسوی خدای متعال میکشد و این روز روشن است که دیده ها را روشنئی میبخشد.

درآغاز نزول قرآن که از سال ۶۱۰ میلادی شروع شد تعداد مردم باسواد درصدی بسیارکم راتشکیل میدادا‌ماخدای متعال نازل کننده این کلام بندگان خدمتگذار خود مانند حضرت علی،ابوبکر،زید بن ثابت، زبیر ابن الاعوام رحمت خدابرایشان باد رابرای نوشتن واژههای کلام تهیه فرمود و آن کلام پاك کلمه بکلمه نگاشته شد. زاید برآن افراد زیادی از یاران پیغمبر اکرم

ﷺ قرآن را به همان صورت که وحی میشد ازبر مینمودند.برای‌اعراب از برکردن شعرهامرچندطولانی‌ترمیبودمشکلی نداشت. درحقیقت آنان دراین کار توانائی فوق العاده و بی نظیری داشتند و هزارها اشعار شعرا را از بر مینمودند.

برای نگهداری از قرآن همان از ابتدای نزول تا تکمیل آن کتاب مقدس مردو روش یعنی نوشتن و از برکردن پیش گرفته شد و درنتیجه واژه‌های این کتاب خجسته بدون تحریف و دست خوردگی درصورت اصلی خود ثابت مانده است. همان از آن زمان تا اکنون فیلسوفان و نویسندگان اروپائی بسیار سعی بخرج دادند تا بتوانند حقایق این کلام را وارونه نشان دهند ولی با شکستی کامل روبرو شده اند.

قرآن ادعانمودکه چنانچه همه متفکرین عالم گرد آیند و کنگره جهانی تشکیل داده وهمدیگر را یاری دهند و بهم فکرکنند تاسورهٔ همانند کوچکترین سورهٔ قرآن را بیآورند،نخواهند توانست پیروزی بدست آورند. بهمین ترتیب مدعی شد که خدای متعال نازل کننده آن کلامی مقدس است و او خود آنرا نگهداری خواهد نمود.

همین علت است که باوجودشدیدترین انتقادات عاقبت انتقادکنندگان مجبور به پذیرفتن این حقیقت شدندکه قرآن مقدس که امروز در دست ما مسلمانان است همان قرآن است که از طرف خدای متعال برپیغمبراسلام حضرت محمد ﷺ وحی فرستاده شد وایشان آنرابدست یاران خود سپردند. در اینمورد نویسندگان جهانی بارها در نوشته های خود رای مثبت خویش را اظهار داشته اند که اینجا نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

طبق قرآن ایمان آوردن به وحدانیت خدا، همه پیغمبران، کتب آسمانی، وجود

فرشتگان، روز قیامت و قضاء و قدر لازم است.
قرآن توحید خدای متعال آفریدگار و پروردگار همه جهانها را اولی تر از همه اعتقادات قرارداده است.
قرآن اعلام نمود که بسوی هر قریۀ و مردم هر زمان رسولان فرستاده شد. بطوریکه میفرماید:

وَ اِنْ مِّنْ اُمَّةٍ اِلَّاخَلاَ فِیهَانَذِیْرٌ

ترجمه : و نیست قومی مگرآنکه در ایشان مشداردمندۀ نباشد.

وَلَقَدْبَعَثْنَافِیْ کُلِّ اُمَّةٍ رَّسُوْلاً اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوْاالطَّاغُوْتَ

ترجمه :و یقینًا در هرقومی رسولی برانگیختیم [تا ابلاغ نماید که ای مردم!] خدا را عبادت کنید و از سرکشان دوری گزینید.
قرآن ایمان آوردن به تمامی رسولان بلا امتیاز زمان و مکان لازم قرارداد. ضمناًبرای آتیه هم علی الخصوص در سوره جمعه مژدۀ داد که آن رسول یعنی محمد ﷺ در آخرین نیز مبعوث میشود که در امر واقع دلالت بر ظهور حضرت مسیح موعود ومهدی معهود میکند و ظهور این پیکر پاك از احادیث نبوی ﷺ و از کتب ادیان دیگر ثابت است. طبق سورة الصّف قرآن این وجود عالی مقام دین اسلام که کمال همه ادیان است را بر هرکدام بخش دین برتر به اثبات خواهد رساند.
بعقیده جماعت احمدیه جهانی در اسلام آن وجود پاك نامی صد سال پیش در قادیان شهری کوچك در هندوستان بنام میرزا غلام احمد قادیانی ظهور کرد و دیری نپایید که ایشان بنیادجماعت احمدیه در اسلام را بنا نهادند و همه جهانیان را بسوی اسلام بطریق جالب دعوت کرده اعلام فرمودند که خدا

یکتا است و رسول اکرم حضرت محمد ﷺ خاتم النبیین است و قرآن همه کتب آسمانی را پایان دهنده است و من همان مسیح موعود و مهدی معهود هستم که درباره او ادیان قبلی و رسول اکرم ﷺ مژده دادند و به جماعت خود سفارش نمودند که قرآن را بدست گرفته و به تعلیم آن عمل کنان همه جهانیان را بسوی اسلام که تنها دین راستین در جهان است دعوت نمایند.
پس سپاس مخصوص خدا را که جماعت امروز در بیشتر از صدوپنجاه هفت کشور دنیا مراکز برای اشاعت دین دارد و قرآن را در هفتادوشش زبان جهانی ترجمه کرده که از اینها پنجاه و شش به چاپ رسیده و بیست زیر چاپ است موجب گسترش تعلیم قرآن در زبانهای محلی مردم جهانی شده است و بازهم بر سبیل پیشوائی حضرت میرزا طاهر احمد خلیفة المسیح الرابع رحمه الله تعالی امام عالی سعی جماعت برآنست که قرآن در بیشتر زبانهای جهانی ترجمه کرده و منتشر نموده شود. "ایم تی آ" سیمای مسلم تلویزن روزانه بیست و چهار ساعت تعلیم قرآن را با دیگر برنامه های سودمند به اکناف جهان پخش مینماید.
اینك ترجمه بزبان فارسی است و سپاس خدای متعال را که کوشش ما به ثمر رسید. اساس این ترجمه، ترجمه اُردو زبان ازحضرت امیرالمومنین خلیفة المسیح الربع است و این ترجمه ایشان بطریق جدیدی و نتیجه تفکر و کوشش شب و روز چندین سال ایشان است و ایشان ترجمه را فراخور علم جدید بیان فرموده به اثبات رسانده اند که قرآن محض مجموع اساطیر پیشینیان نیست بلکه بعنوان سرگذشت های پیشینیان بسیار پیشگوئیهای حیاتی را بیان کرده است که هرکدام در زمان خود بظهور رسیده و این

سلسله در آتیه نیزتا قیامت ادامه خواهد داشت.
این ترجمه فارسی نتیجهٔ کاری شب و روز آقای سید عاشق حسین است و از این همکاری ایشان قدر شناسی نموده لازم میدانیم که از نامهای آن دوستان گرامی هم یاد آوری شود که قبلاً درکار مقدماتی ترجمه همکاری کرده وقت طولانی خویش را در این راه خرج داده بودند:
(۱) آقای محمد افضل احمدی (۲) آقای عبدالخالق (۳) آقای ریاض باری (٤)شادروان آقای ملك مشتاق احمد (۵) شادروان آقای نعمت علی
در پیشگاه پروردگار عالمیان دست به دعا است که او قادر و توانا این ترجمه را موجب هدایت بیشتر مردم قرار دهد و هرکدام به هرنحوی هم در تکمیل این کار خجسته کوشش و یاری کرده است، او قبول فرموده او را اجری بزرگ اعطاء بفرماید. آمین

با احترامات فوق

منیرالدین شمس

آدیسنال وکیل التصنیف جماعت احمدیه

فوریه ۲۰۰۳

| شماره جزء و نام | صفحه | نام وشماره سوره | صفحه | تعدادآیات |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ١ | | الفاتحة ١ | ٢ | ٧ |
| ١ الٓمٓ | ١ـ ٤٦ | البقرة ٢ | ٣ | ٢٨٧ |
| ٢ سيقول | ٤٧ـ٨٨ | | | |
| ٣ تلك الرسل | ٨٩ـ١٣٣ | آل عمران ٣ | ١٠٦ | ٢٠١ |
| ٤ لن تنالوا | ١٣٤ـ١٧٨ | النساء ٤ | ١٦٦ | ١٧٧ |
| ٥ والمحصنٰت | ١٧٩ـ٢٢٠ | | | |
| ٦ لايحب اللّه | ٢٢١ـ٢٦٤ | المائده ٥ | ٢٣٢ | ١٢١ |
| ٧ واذاسمعوا | ٢٦٥ـ٣١٣ | الانعام ٦ | ٢٧٩ | ١٦٦ |
| ٨ ولواننا | ٣١٤ـ٣٥٨ | الاعراف ٧ | ٣٣٢ | ٢٠٧ |
| ٩ قال الملاء | ٣٥٩ـ٤٠٤ | الانفال ٨ | ٣٩١ | ٧٦ |
| ١٠ واعلموا | ٤٠٥ـ٤٤٧ | التوبة ٩ | ٤١٧ | ١٢٩ |
| ١١ يعتذرون | ٤٤٨ـ٤٩٤ | يونس ١٠ | ٤٦١ | ١١٠ |
| | | هود ١١ | ٤٩٢ | ١٢٤ |
| ١٢ ومامن دابة | ٤٩٥ـ٥٤١ | يوسف ١٢ | ٥٢٥ | ١١٢ |
| ١٣ ومابرى نفسى | ٥٤٢ـ٥٩٣ | الرعد ١٣ | ٥٥٧ | ٤٤ |
| | | ابراهيم ١٤ | ٥٧٤ | ٥٣ |
| ١٤ ربما | ٥٩٤ـ ٦٣٩ | الحجر ١٥ | ٥٩٣ | ١٠٠ |
| | | النحل ١٦ | ٦٠٦ | ١٢٩ |
| ١٥ سبحن الذى | ٦٤٠ـ٦٩١ | بنىاسرائيل ١٧ | ٦٤٠ | ١١٢ |
| | | الكهف ١٨ | ٦٦٩ | ١١١ |
| ١٦ قال الم | ٦٩٢ـ٧٤٣ | مريم ١٩ | ٧٠٠ | ٩٩ |

| شماره جزء و نام | صفحه | نام وشماره سوره | | صفحه | تعدادآیات |
|---|---|---|---|---|---|
| | | حمٓ السجده | ٤١ | ١١٥٨ | ٥٥ |
| ٢٥ اليه يرد | ١١٧٣ـ١٢٢٨ | الشورىٰ | ٤٢ | ١١٧٥ | ٥٤ |
| | | الزخرف | ٤٣ | ١١٩٣ | ٩٠ |
| | | الدخان | ٤٤ | ١٢١٠ | ٦٠ |
| | | الجاثيه | ٤٥ | ١٢١٩ | ٣٨ |
| ٢٦ حم | ١٢٢٩ـ١٢٩٠ | الاحقاف | ٤٦ | ١٢٢٩ | ٣٦ |
| | | محمد | ٤٧ | ١٢٤٢ | ٣٩ |
| | | الفتح | ٤٨ | ١٢٥٤ | ٣٠ |
| | | الحجرات | ٤٩ | ١٢٦٧ | ١٩ |
| | | قٓ | ٥٠ | ١٢٧٥ | ٤٦ |
| | | الذّرٰيت | ٥١ | ١٢٨٤ | ٦١ |
| ٢٧ قال فماخطبكم | ١٢٩١ـ١٣٦٠ | الطور | ٥٢ | ١٢٩٦ | ٥٠ |
| | | النجم | ٥٣ | ١٣٠٤ | ٦٣ |
| | | القمر | ٥٤ | ١٣١٥ | ٥٦ |
| | | الرحمٰن | ٥٥ | ١٣٢٣ | ٧٩ |
| | | الواقعه | ٥٦ | ١٣٣٧ | ٩٧ |
| | | الحديد | ٥٧ | ١٣٤٩ | ٣٠ |
| ٢٨ قدسمع اللّه | ١٣٦١ـ١٤٢١ | المجادله | ٥٨ | ١٣٦١ | ٢٣ |
| | | الحشر | ٥٩ | ١٣٧٠ | ٢٥ |
| | | الممتحنه | ٦٠ | ١٣٧٩ | ١٤ |
| | | الصّف | ٦١ | ١٣٨٧ | ١٥ |

# ١ - سورة الفاتحة

این سورة در دوره ابتدائی مکه نازل شده بود و مطابق بعضی از روایات مستند در مدینه دوباره نازل شد و با بسم الله هفت آیت دارد.

این سورة خلاصه جمله مضامین قرآن است و بعلت همین دلیل یکی نام این سورة ام الکتاب نیز است. علاوه بر این نامهای دیگر نیز دارد مثلاً فاتحةَ الکتاب، الصلوة، الحمد، ام القرآن، السبع المثانی، الشفاء، الکنز وغیره.

خدای متعال حضرت مسیح موعود علیه السلام را علی الخصوص علم تفسیر این سورة اعطا کرد. لذا حضرت مسیح موعود تفسیر این سورة را علی الخصوص در زبان عربی رقم نمودند.

# سُوْرَةُ الْفَاتِحَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِىَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ اٰيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارها رحم کننده(١)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢﴾

ستایش مطلق برای خدا پروردگار همه جهانها است(٢)

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿٣﴾

[اوبلااستدعاوبلا امتیاز] بینهایت بخشندهٔ بارهارحمکننده است (٣)

مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ ﴿٤﴾

مالك روز جزاء(٤)

اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ﴿٥﴾

تنها ترا عبادت میکنیم و تنها از تو یاری میجوئیم(٥)

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ﴿٦﴾

ما را براه راست هدایت کن(٦)

صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ ﴿٧﴾ ع

بر راه آنانکه بر ایشان انعام کردی بر ایشان که غضب کرده نشد و گمراه نشدند(٧)

# ۲ -سورة البقرة

این سورة دراولین و دومین سال دوره مدینه نازل شده بود و با بسم الله ۲۸۷ آیت دارد.

همان درابتداء این سورة اعتقادات اساسی مانند خدای متعال، وحی و الهام و ایمان به آخرت بیان میشوند. درسورة الفاتحة سه گروه عبارت از انعام یافته، مغضوب علیهم وضالین، ذکرشده بودند. سورة البقرة پس از ذکر گروه انعام یافته، تفصیل از نواقص اعتقادات گروه مغضوب علیهم و زشت کاریها و فسق و فجور آنها بیان میکند.

این سورة معجزه ای شگفت انگیزاست که وقایع پیغمبران گوناگون را از ابتداء آفرینش گرفته تا ذکرحضرت اقدس محمدﷺ ارائه داده و تاقیامت مخاطرات درپیش اسلام را نیزخاطرنشان کرده است. پس از ذکرحضرت آدم علیه السلام سخن ازپیغمبران متعلق به ادیانی بزرگ گفته میشود که شامل حضرت ابراهیم علیه السلام،حضرت موسیٰعلیه السلام،حضرت عیسیٰ علیه السلام و آنحضرت ﷺ است. خواندن این سورة چنین میرساند گویی که شریعت بتمام دراین نازل شده است و هیچ پهلوی از شریعت اسلامی باقی مانده به نظر نمیرسد. اگرچه درسورتهای بعدی برخیجنبه هایدیگرنیز یافت میشود. امااین سورة هرموضوعی را فیحد ذاته احاطه کرده دیده می شود. در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند که یك قسمت هرچیز بمنزله قلّه آن میباشد و قرآن مجید را قلّه سورة البقرة است. در این سورة آیتی است که سردار همۀ آیتهای قرآن میباشد و آن آیت الکرسی است. پس

این شأن اعجازی آنحضرت ﷺ است که این سورة به ایشان اعطاء شد. این سورة عبارت از مسائل نماز و روزه و زکوة و حج نیزاست. علی الخصوص حاکی از ذکر آن ادعیه حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام است که ایشان هنگام بازسازی بیت اللّٰه دربارگاه خداوندی عرض نموده بودند.

در این سورة سخن از آن میثاق نیز میرود که خداوند با بنی اسرائیل بسته بود و آنان از روی بدبختی خود به نقض آن پیمان برخاستند و بعدها همین پیش زمینه برای بعثت حضرت مسیح علیه السلام اثبات شد.

درپایان این سورة آیتی است از آنچه چنین برمیآید که مجمل هرکدامین ادعیه در آن فراگرفته شده است و گویی که آن بعنوان یك گنج لامتناهی ادعیه اعطاء شده است.

☆ سُوْرَةُ الْبَقَرَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِىَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَتَانِ وَ سَبْعٌ وَّ ثَمَانُوْنَ اٰيَةً وَّ اَرْبَعُوْنَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارها رحم کننده(١)

الٓمّٓ ②

أنَا اللّٰهُ اَعْلَمُ ـ منم خدا داناتر از همه(٢)

ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ ③

این"آن" کتابی است. در این هیچ شکی‌نیست.متقیان راهدایت دهندهٔ است(٣)

الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ④

ایشان که بغیب ایمان آورند نماز بپای دارند و انفاق کنند از آنچه بدیشان رزق دادیم(٤)

وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ⑤

وآنانکه ایمان میآرندبه آنچه به سوی تونازلکرده شد و آنچه پیش ازتونازلکرده آمد وآنان به آخرت یقین دارند(٥)

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ⑥

همانهاندبرهدایتی‌ازپروردگارخود و همانها رستگارانند(٦)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ

یقینًا آنانکه کفرکردند [دراینحال که]برآنان برابراست خواه آنهارا

| | |
|---|---|
| ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۞ | بترسانی یاآنهارانترسانی، ایمان نمیآرند(۷) |
| خَتَمَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَعَلٰى سَمْعِهِمْ ؕ وَعَلٰۤى اَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ؗ وَّلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۞ | خدا بر قلبهای آنها و برگوشهای آنهامهرنهاده وبرچشمان آنان پردهٔ است وآنهاراعذابی‌بزرگ است(۸) |
| وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ ۞ | وبرخی از مردم اند که گویند ما به خدا و به روز آخرت ایمان آوردیم حالانکه آنهاایمان آوردگان نیستند (۹) |
| يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ وَمَا يَخْدَعُوْنَ اِلَّاۤ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ۞ | خدعه کنند به خدا و آنانکه ایمان آوردند حالانکه خدعه نکنند جز به خود شان و درك نمیکنند(۱۰) |
| فِىْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ ۙ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ مَرَضًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۙ بِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ۞ | درقلبهای آنهامرضی است.پس خدا مرضی را به آنها افزایش داد و آنهارا عذابی دردناك است بدانچه دروغ می گفتند(۱۱) |
| وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوْا فِى الْاَرْضِ ۙ قَالُوْۤا اِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُوْنَ ۞ | و چون به آنها گفته شود فساد در زمین نکنید گویند ما فقط اصلاح کنندگانیم(۱۲) |
| اَلَاۤ اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُوْنَ وَلٰكِنْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ۞ | باش!یقینًا همانهافسادکارانند ولی درنمییابند(۱۳) |

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا كَمَآ اٰمَنَ النَّاسُ قَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ كَمَآ اٰمَنَ السُّفَهَآءُ ؕ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَآءُ وَلٰكِنْ لَّا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٤﴾

وچون به آنها گفته شود ایمان آورید آن طور که مردم ایمان آورده اندگویند: آیا ایمان آوریم بطوریکه بیخردان ایمان آورده اند. باش!آنهاخود بیخرد اند ولی نمیدانند(١٤)

وَاِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْٓا اٰمَنَّا ۚ وَاِذَا خَلَوْا اِلٰى شَيٰطِيْنِهِمْ ۙ قَالُوْٓا اِنَّا مَعَكُمْ ۙ اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ ﴿١٥﴾

و چون دیدن کنند به آنانکه ایمان آوردند گویند،ما ایمان آوردیم و دمیکه بسوی شیطانهای خود جدا شوند گویند یقینًا ما با شمائیم. براستی ما [بآنها] فقط تمسخر کنندگانیم(١٥)

اَللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِىْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿١٦﴾

خدابه سخریه آنهاپاسخ دهد و به آنهافرصت دهد تا درسرکشی خود سرگردان شوند(١٦)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى ۪ فَمَا رَبِحَتْ تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِيْنَ ﴿١٧﴾

همانها اند که گمراهی را ببهای هدایت خریدند.پس نه داد و ستد به آنها سودی داد و نه هدایت یافتگان شدند(١٧)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِى اسْتَوْقَدَ نَارًا ۚ فَلَمَّآ اَضَآءَتْ مَا حَوْلَهٗ ذَهَبَ اللّٰهُ بِنُوْرِهِمْ

مثل آنان بمثل آنست که آتشی بر افروخت. پس دمیکه آن [آتش]

وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمٰتٍ لَّا يُبْصِرُوْنَ ﴿۱۸﴾

پیرامون او را روشن ساخت خدا نور آن [افروزنده] ها را برگرفت و آنهارا درتاریکیها[بطوری] ترک کرد که هیچ نمیدیدند(۱۸)

صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿۱۹﴾

کر، گنگ، کور اند.پس آنها [به هدایت ] برنگردند(۱۹)

اَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَآءِ فِيْهِ ظُلُمٰتٌ وَّرَعْدٌ وَّبَرْقٌ ۚ يَجْعَلُوْنَ اَصَابِعَهُمْ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ؕ وَاللّٰهُ مُحِيْطٌۢ بِالْكٰفِرِيْنَ ﴿۲۰﴾

یا[مثل آنان]مانند بارانی است که ازآسمان فروریزد.درآن تاریکیهاو رعدوبرق است.بعلت غرشهای ابر از ترس مرگ، سرانگشتان خود را در گوشهای خود مینهند و خدا کافران را احاطه کرده است(۲۰)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ ؕ كُلَّمَآ اَضَآءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيْهِ ۙ وَاِذَآ اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوْا ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۲۱﴾ ع

نزدیك است برق بینائی آنان را برگیرد.هرگاه آن برآنهامیدرخشد درآن [کمی] راه میروندوهرگاه آن برآنها تاریك سازدمیایستندواگر خدابخواهدشنوائیآنان و بینائی آنان را بر میگیرد. یقینًا خدا بر هرچیز مدام قدرتمند است(۲۱)

ع ۲ ۱۳ ۲

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوْا رَبَّكُمُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۲۲﴾

ای‌مردم‌اعبادت کنید آن پروردگار خودراکه آفریدشمارا و آنانرا که

قبل از شما بودند تا تقویٰ را فرا گیرید(۲۲)

الَّذِیْ جَعَلَ لَکُمُ الْاَرْضَ فِرَاشًا وَّالسَّمَآءَ بِنَآءً وَّاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ اَنْدَادًا وَّاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۲۲﴾

آنکه زمین را برای شما گسترشی و آسمان را (از روی بقای شما) شالوده ای ساخت وآبی از آسمان فروریخت پس بدان هرنوع میوه ها را رزقی برای شما درآورد.پس برای خدا شریکانی قرار ندهید حالانکه شما میدانید(۲۳)

وَاِنْ كُنْتُمْ فِیْ رَیْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّنْ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا شُهَدَآءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ﴿۲۴﴾

واگرشمادرتردیدیدازآنچه بربنده خودنازلکردیم پس هیچ سورهٔ ی مثل آنرابیآریدوسرپرستان خود جزخدا[فراگرفته ها]رافراخوانید اگر شماراست گویانید(۲٤)++

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا

پس اگرنکنیدومرگزنتوانیدکنید

++آیت۲٤: درقرآن مجیداعلام گاهی برای آوردن نظیر یك سورة وگاهی ده سورة و گاهی برای جمله قرآن است.آنجا که اعلام برای آوردن نظیر یك سورة است منظور از آن توان سورة البقرة هم شد. ازاین سورة چنین برمیآید گویی که جمله مسائل قرآن در این سورة بیان شده است و آنجا که اعلام برای آوردن نظیر ده سورة است بدین معنای است که انسان هرکدام ده سورة قرآن را هرکجا از آن بخواهد چه کوچك تر از سوره های آخیر چه طولانی تر. بگزینند او عاجز از آوردن نظیر آن خواهد ماند تا چه رسد به اینکه همهٔ قرآن باشد.

النَّارَ الَّتِیْ وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِیْنَ ﴿۲۵﴾

پس بترسیدازآن آتش که سوخت آن انسانها و سنگهایست.آن برای کافران آماده شده است(۲۵)

وَبَشِّرِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ؕ كُلَّمَا رُزِقُوْا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِّزْقًا ۙ قَالُوْا هٰذَا الَّذِیْ رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ۙ وَاُتُوْا بِهٖ مُتَشَابِهًا ؕ وَلَهُمْ فِیْهَاۤ اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۙۗ وَّهُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۲۶﴾

و مژده بده به آنانکه ایمان آوردند ونیکوکاریهاانجام دادندکه ایشان راباغهایست که دردامنه آنها نهرها روانست.هرگاه ازآن[باغ]ها میوه هایبعنوان رزقیداده شوندگویند، اینکه همان است که قبلا هم داده شدیم حالانکه قبلاً مانندآن [رزق] داده شده بودند و ایشانرا در آن [باغ] ها جفت های پاکشده باشند و ایشان درآن جاودانند(۲٦)

اِنَّ اللّٰهَ لَا یَسْتَحْیٖۤ اَنْ یَّضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوْضَةً فَمَا فَوْقَهَا ؕ فَاَمَّا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا فَیَعْلَمُوْنَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ ۚ وَاَمَّا الَّذِیْنَ كَفَرُوْا فَیَقُوْلُوْنَ مَاذَاۤ اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا ۘ یُضِلُّ بِهٖ كَثِیْرًا ۙ وَّیَهْدِیْ بِهٖ كَثِیْرًا ؕ وَمَا یُضِلُّ بِهٖۤ اِلَّا الْفٰسِقِیْنَ ﴿۲۷﴾

هماناخدا عار ندارد که مثلی زند آنچه به پشه است تاآنچه برتر از آنست. پس نسبت به آنانکه ایمان آورده اند میدانند که این از پروردگار ایشان حق است و اما نسبت به آنانکه کفرکردند گویند خدارا ازاین مثل منظور چیست؟ بسیاری‌رابدین[مثل] گمراه میکند

وکسیرا با این گمراه نمی گرداند جز فاسقان(۲۷) ++

الَّذِيْنَ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيْثَاقِهٖ وَيَقْطَعُوْنَ مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ يُّوْصَلَ وَيُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٢٨﴾

[یعنی] آنانکه عهد خدایی را پس از توثیق آن بشکنند و ببرند آن [مناسبات]را که خدا امر به پیوند آن کرده و در زمین فساد کنند همانها زیانکارانند(۲۸)

كَيْفَ تَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَكُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَاَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيْكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٢٩﴾

چطور خدارا انکار کنید حالانکه شما مردگانی بودید پس او شما را زنده کرد.باز شمارا بمیراند و باز شما رازنده خواهدکرد.سپس بسوی او باز گردانیده خواهید شد(۲۹)

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا ثُمَّ اسْتَوٰٓى اِلَى السَّمَآءِ فَسَوّٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٣٠﴾ ع ۳ ۹ ۳

اوست آنکه جمیع آنچه در زمین است را برایشماآفرید.سپس نظر رابسوی آسمان گماشت وآنراهفت آسمان متوازن ساخت و او به هر چیز صاحب علم دائمی است(۳۰)

++آیت۲۷: فمافوقها ـ چیزی که پشه برخود برداشته است.آنچه فوق آنست و آن میکروب مالیریای است و بیشترین مردم جهان جان خود را از مالیریا و بیمارهای مالیریائی از دست میدهند و جمله "خداشرم ندارد" رامفهوم اینست که قطعاً جای شرمندگی نیست زیرا این مثل بسیار برتراست.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوٓا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۖ قَالَ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣١﴾

و [یادکن] چون پروردگار تو به فرشتگان گفت یقینًا من در زمین خلیفهٔ ی‌قراردهنده ام.گفتندآیا در آن قراردهی آنراکه درآن فسادکند وخونها بریزدحالانکه ماباستایش تو تسبیح گوئیم و تقدیس تو را بیان کنیم. گفت یقینًا من میدانم آنچه شما نمیدانید(۱ ۳)

وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣٢﴾

و[خدا]جمله نامهارابه آدم آموخت. سپس آن[آفریده]هارا برفرشتگان عرضه نمودو گفت به نامهای‌ایشان مراخبردهید اگر شما راستگویان اید(۲ ۳)++

++آیت ۳۲:واژه اسماء چندین معنای داردمثلاً :

(۱ )حقایق اشیاء(سر الخلافه)ـ

(۲ )اسماء زبان عربی(منن الرحمان)ـ

(۳)آن صفات که درفرشتگان نبودند.

(٤)نامهای آن پیغمبران که ظهور ایشان از نژاد آدم قراربود و فرشتگان را دراین باب هیچ دانشی نبود و هنگامیکه آدم نامهای آن پیغمبران را خواند فرشتگان مبهوت ماندند.

[ بر صفحه ۱۳ ادامه دارد]

| | |
|---|---|
| قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿۳۲﴾ | [فرشتگان]گفتند.تو پاکی.نیست ما رادانشی‌جزآنچه بماآموختی همانا تو مدام دانای صاحب حکمت ای(۳۲) |
| قَالَ يٰٓاٰدَمُ اَنْۢبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ ۚ فَلَمَّآ اَنْۢبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ ۙ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیْٓ اَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۙ وَاَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ ﴿۳۴﴾ | [خدا]گفت:ای آدم! نامهای ایشان رابدیشان خبربده.پس چون [آدم] نام های آنانرا بدیشان خبر داد فرمودآیانگفته بودم بشماکه یقینًا من میدانم غیبهای آسمانها و زمین و میدانم آنچه عیان کنید و آنچه نهان کنید(۳۴) |
| وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ؕ اَبٰى وَاسْتَكْبَرَ ۫ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۳۵﴾ | و چون بفرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید پس ایشان سجده کردند جزابلیس.اواباکرد و تکبر نمودو ازکافران بود(۳۵) |

---

بقیه آیت۳۲: در نتیجه بعثت پیغمبران نیز موضوع یَسفِكُ الدِّمَا راست میاید ولی بنحوی دیگر. فرشتگان را تا این حد اندازه ای بود که وقتی که کسی از جانب خدا نماینده ای مامور شد خون در زمین ریخته خواهد شد اما ایشان را به این امر علم نبود که پیغمبران در اینمورد تقصیری نخواهند داشت بلکه مقصر مخالفان ایشان خواهند بود.

وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٦﴾

وگفتیم ای آدم تو و زوجت در بهشت مسکن بگزین و شما دوی هرجای درآن خواستید فراوان بخورید و به نزدیك آن درخت نروید وگرنه هر دوی شما از ستمکاران خواهید شد(٣٦) ++

فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۖ وَقُلْنَا ٱهْبِطُوا۟ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٧﴾

پس شیطان آندو را ازآن [درخت] لغزاندو آندورا ازآن[حالت]که در آن بودند بدرکرد و گفتیم بیرون روید[درحالیکه]بعضی ازشمابیعضی دشمن شوند و شمارا تا زمانی در این زمین قرارگاه و بهره برداری است(٣٧)

فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٣٨﴾

پس آدم از پروردگارخود کلماتی فراگرفت وتوبه کنان بسوی او روی آورد یقیناًاو است که بسیار

++آیت ٣٦: اینجا واژه "شجره "بمعنای آن احکام شریعت است که به اوامر نهی مربوط میباشد و اگرخلاف آنها عمل شود آنگاه برای انسان امن ازگیتی نابود میگردد.ضمناً در اینجا خطاب به دونفراست اما بدین معنای نیست که تنها آدم و حوا درجنت زیست میکردند. زیرا واژه های آیتی مجاور"اهبطوا منها جمیعاً" میفهماند که دیگرانی از بنی آدم نیز در آنجا زندگی میکردند.

قُلْنَا اهْبِطُوْا مِنْهَا جَمِيْعًا ۚ فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ مِّنِّيْ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۳۹﴾

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۴۰﴾ ع

يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوْا بِعَهْدِيْٓ اُوْفِ بِعَهْدِكُمْ ۚ وَاِيَّايَ فَارْهَبُوْنِ ﴿۴۱﴾

وَاٰمِنُوْا بِمَآ اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُوْنُوْٓا اَوَّلَ كَافِرٍۢ بِهٖ ۠ وَلَا تَشْتَرُوْا بِاٰيٰتِيْ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۠ وَاِيَّايَ فَاتَّقُوْنِ ﴿۴۲﴾

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۴۳﴾

پذیرنده توبه و بارها رحمکننده است(۳۸)

گفتیم همه از آن خارج شوید. پس زمانیکه شمارا ازسوی‌من هدایتی آید پس آنانکه ازهدایتم پیروی کنند پس نه برایشان بیمی باشد و نه ایشان اندوهگین شوند(۳۹)

وآنانکه انکارکردند و به آیات ما تکذیب کردندهمانهااهل آتشند.آنها مدت دراز در آن میمانند(۴۰)

ای‌بنی اسرائیل‌ابیادآورید نعمتی را که برشماارزانی داشتم وبعهد من وفا کنید من بعهد شما وفاکنم و تنها از من بترسید(۴۱)

وایمان آوریدبه آن[کلام]که تصدیق کنندۀ آن نازلکردیم که بشمااست و به انکار آن پیشی نگیرید و به آیاتم بهائی ناچیز نگیرید و تنها مرا تقوی کنید(۴۲)

وحق را بباطل قاطی نکنید و نه حق را کتمان کنید حالانکه شما

میدانید(٤٣)

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْا مَعَ الرّٰكِعِيْنَ ﴿٤٤﴾

و نمازرابپای دارید و زکات دهید و بتعظیم کمرخم کنید بابتعظیم کمرخم کنندگان(٤٤)

اَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٤٥﴾

آیا مردم را به نیکی امر کنید و خودتانرا فراموش میکنیدحالانکه شما کتاب میخوانید پس چرا به خرد نمییابید(٤٥)

وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ ؕ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخٰشِعِيْنَ ﴿٤٦﴾

و با صبرونمازیاری‌جوئید وحتمًا آن گرانست جز بر فروتنان(٤٦)

الَّذِيْنَ يَظُنُّوْنَ اَنَّهُمْ مُّلٰقُوْا رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ ﴿٤٧﴾ ع

آنانکه باورکنند که پروردگارخود را دیدارخواهندکرد و اینکه آنان بسوی او بازگشتگانند (٤٧)

يٰبَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِىَ الَّتِىْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّىْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٨﴾

ای بنی اسرائیل!بخاطرآوریدآن نعمتم را که برشما ارزانی داشتم وآنکه من شمارابرعالمیان فضیلت دادم(٤٨)

وَاتَّقُوْا يَوْمًا لَّا تَجْزِىْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْـًٔا وَّلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَّلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٤٩﴾

و بترسیدروزیکه کسی بکار کسی نیآید و نه شفاعت ازاوپذیرفته شودو نه بدلی از او گرفته شودو نه آنان یاری کرده شوند(٤٩)

وَإِذْ نَجَّيْنَٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٥٠﴾

و[بیاد آورید]هنگامیکه شما را از فرعونیان که شمارابدترین عذاب میکردند نجات دادیم.آنهاپسران شمارامیکشتند و زنان شمارازنده میگذاردند شمارااز‌پروردگارشما درآن آزمایشی بزرگ بود(۵۰)

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ ٱلْبَحْرَ فَأَنجَيْنَٰكُمْ وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥١﴾

وآنگاه که دریارابرایشما شکافتیم و شما را نجات دادیم درحالیکه فرعونیان را غرق ساختیم و شما [این همه را] تماشامیکردید(۵۱)

وَإِذْ وَٰعَدْنَا مُوسَىٰٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ ﴿٥٢﴾

و هنگامیکه بموسی وعدهٔ چهل شب دادیم. سپس بعد از[رفتن] او گوساله را [معبود] فراگرفتید و شما ستم کاران بودید(۵۲)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٣﴾

باز ازآن پس ازشما درگذشتیم تا باشدکه شما سپاسداری کنید(۵۳)

وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٤﴾

هنگامیکه به موسی کتاب دادیم و فرقان تا باشد که شما هدایت یابید(۵۴)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلْعِجْلَ

و وقتیکه موسی‌بقوم خودگفت ای قوم من!گوساله را [معبود] گرفته

فَتُوبُوٓا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوٓا أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُۥ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٥﴾

یقینًا شمابر جانهای خودستمکردید. پس توبه کنان بسوی پروردگار خود روی آورید و نفوس خود را بکشید.این برایشمانزدآفریدگار شما بسیار بهتر است.پس او توبه را پذیرفته بر شما مهربان شد. یقینًا او بسیار توبه پذیر و بارها رحم کننده است(۵۵)++

وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٦﴾

و چون گفتید ای موسیاهرگز تورا باورنکنیم تاآنگاه که خدا را آشکارا ببینیم پس صایقه شما را فراگرفت و شماچشم دوخته میدیدید(۵٦)

ثُمَّ بَعَثْنَٰكُم مِّنۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٧﴾

بازشمارا از[حالتیمانند]مرگ بر خیزاندیم تاباشد شما سپاسداری کنید(۵۷)

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَٰتِ مَا

وافکندیم برشما سایه ابرها وبر شما ترنجین و سلوی نازلکردیم.

++آیت ۵۵: فاقتلوا انفسکم ـ به این معنای نیست که همدیگر را بکشید بطوریکه معمولاً علمای میپندارند بلکه به این معنای است که از گناهان خود توبه کرده و نفس های خود را بکشید.

رَزَقْنٰكُمْ ؕ وَمَا ظَلَمُوْنَا وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿۵۸﴾

بخورید پاکیزه های را از آنچه به شما رزق اعطا کنیم و ستم به ما نکردند بلکه برجانهای خویش ستکاران بودند(۵۸)

وَاِذْ قُلْنَا ادْخُلُوْا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوْا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَّ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّ قُوْلُوْا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطٰيٰكُمْ ؕ وَسَنَزِيْدُ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۵۹﴾

و چون گفتیم بداخل این قریه بشوید و بخورید از آن هرجا خواستیدبفراوانی و اطاعت کنان داخل درب[بزرگ]شوید وبگویید "بار سبك کرده شود". ما از خطاهای‌شمادرگذریم وحتماًاحسان کنندگان را زیادخواهیم داد(۵۹)

فَبَدَّلَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِيْ قِيْلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿۶۰﴾ ع ۶ ۱۳ ۶

پس بدل کردند آنانکه ستمکردند سخن راغیرازآنکه برای‌آنان گفته شد.پس عذابی‌نازلکردیم ازآسمان بر آنانکه ستم کردند بدانعلت که نافرمانی میکردند(۶۰)

وَاِذِ اسْتَسْقٰى مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ؕ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ؕ قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ؕ كُلُوْا وَاشْرَبُوْا مِنْ رِّزْقِ اللّٰهِ

و چون موسٰی آب برای قوم خود خواست آنگاه گفتیم ضربه بعصای خود بر تخته سنگ بزن. آنگاه دوازده چشمه از آن جوشید و هر کدامین مردم مشربگاه خود را

وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦١﴾

بشناخت. بخورید از رزق خدا و بنوشید و بطور فتنه گر فساد در زمین مگسترانید(٦١)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۖ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۚ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦٢﴾

وچون گفتید:ای موسیٰ! مانخواهیم توانست بریك طعام صبرکنیم پس درحق ما ازپروردگار خود دعاکن که برای ما آن چیزهابیرون آورد که زمین میرویاند ـ سبزی و خیار و گندم و عدس و پیازش. او گفت: مگر میخواهید آنچیز را که بهتراست تبدیل کنید باآنچیز که پستتراست؟ در شهری داخل شوید پس یقیناً برای شما است آنچه خواسته ایدوذلت وبیچارگی بر آنها افکنده شد و با غضب خدا بازگشتند.این بدانعلت بودکه آنها به آیتهای خدا انکار می کردند و انبیاء را بناحق می کشتند.[بلی!] این بدانعلت بودکه نافرمانی کرده و تجاوزگری همی کردند(٦٢)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ

همانا! کسانیکه ایمان آوردند و

وَالصّٰبِـِٔيْنَ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦٣﴾

آنانکه یهوداند ونصاری و پیروان دیگر کتابهای الهی هرکه به خدا و روز آخرت ایمان آورد و شایسته کاری ها انجام داد پس برای همهٔ آنان پاداش آنان نزد پروردگار آنانست و نه بر ایشان بیمی است و نه ایشان اندوه خورند(٦٣)++

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَ ؕ خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوْا مَا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿٦٤﴾

وچون پیمانی موثق شماراگرفتیم و طور را بر شما بلند کردیم - آنچه را به شما در داده ایم بقوت بگیرید و آنچه را در آن است ذکر کنید تا توانید [از ملاك] مصؤن باشید(٦٤) ++ص.٢٢

++آیت ٦٣:این آیت قرآن و دیگر آیتهای متشابه آن عدالتمندی را مثلهای بلند مرتبت میباشند.دراین امرجای تردید نیست که نجات ترجیحاً به آنان داده شود که ایمان راستین بر محمد رسول الله ﷺ بیاورند اما میتوان بسیار کثیر مردم باشند که پیغام اسلام به ایشان درست ابلاغ نشده باشد.بلکه میلیونهای مردم اند که پیغام اسلام را درنیافته اند.لذا قرآن مجید اعلام میکند که اگر مردم این قبیل اعتقاد به خدا داشته باشند و یقین دارند که پس از مرگ برانگیخته و برسیده شوند پس اگر ایشان عمل کنند برآن شریعت خود که برای ایشان نازل شد و آنرا میدانند پس درقبال آن نیکیها که برای خدا انجام دهند به پاداشی نیکوتر برخوردار شوند و ایشان را هیچ اندوهی فرا نخواهد گرفت.

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٦٥﴾

بازهم سرپیچی کردید. پس اگر فضل خدا و رحمت او برشما نبود حتماً از زیانکاران میشدید(٦۵)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْا مِنكُمْ فِى ٱلسَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ﴿٦٦﴾

و همانا دانسته اید آنان را از خودتان که درمورد سبت تجاوز کردند ـ آنگاه به آنها گفتیم که بوزینگان خوار شوید(٦٦)++

فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

پس ما این[بیحرمتی]سبت رابعلت

++آیت ٦٤: "و رفعنا فوقکم الطور"برخی از مفسران از این واژه ها چنین خیال میکنند که کوه طور آناً از زمین راست کرده شده بود حال اینکه معنای این فقط اینقدر است که آنگاه ایشان درسایه کوه طور بودند. بسااوقات یك کوه کمی پیش آمدگی دارد و به رهگذری که از نزدش بگذرد چنین بچشم میخورد گویی که آن بر او خم شده است.گاهی درسایۀ چنین کوه لشکری کامل میتواند جاگیرد.

آیت٬ ٦٦ـ قردة خاسئین ـ منظور میمون اصلی نیست بلکه علمای کجروانند که آنان فرمان برگشت به مقام ابتدائی‌تر خود داده میشوند .طبق نظریه ارتقائی دارون انسان قبلاً میمون بود. پس این نشانه ای است از صداقت قرآن که حالت ابتدائی انسان ازمیمون ظاهرکرده شد. یقیناً منظور از این علمای کجروانند. چنانچه رسول الله ﷺ نیزهمینطورپیشگوئی‌فرمودند:"تکون فی امتی‌فزعة فیصیرالناس الی‌علمائهم فاذا هم قردة و خنازیر" یعنی در امت من ترس و وحشت پدید خواهد آمد آنگاه مردم بسوی علمای خودشان خواهند رفت آنگاه خواهند دید که درآنجا میمونها و سؤرها نشته اند...[کنزالعمال جلد١٦ صفحه ٨٠ حدیث شماره ٣٨٧٢٢٧ ناشر موسسة الرسالة بیروت ١٩٨۵ .

وَمَوۡعِظَةً لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾

منظره ای پیش روی آن و پشت سر آن موجب عقوبت و برای متقیان پندی بزرگ قرار دادیم(٦٧)

وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تَذۡبَحُواْ بَقَرَةً ۖ قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿٦٨﴾

وگامیکه موسی بقوم خود گفت، ماناخدابه شمافرمان دهدکه گاؤی [خاص]رابکشید.گفتند،آیامارا به سخریه میگیری؟او گفت پناه به خدامیبرم که ازجاهلان باشم(٦٨)

قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكۡرٌ عَوَانُۢ بَيۡنَ ذَٰلِكَ ۖ فَٱفۡعَلُواْ مَا تُؤۡمَرُونَ ﴿٦٩﴾

گفتند بخاطر ما از پروردگارخود دعا کن برای ما روشن سازد که آن چیست؟ گفت، همانا او گوید آن گاؤیاست نه خیلی سالخورده ونه جوان ـ میانه ایندواست. پس بجاآوریدآنکه فرمان شوید(٦٩)

قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوۡنُهَا ۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفۡرَآءُ فَاقِعٌ لَّوۡنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ ﴿٧٠﴾

گفتند،بخاطرما از پروردگارخود دعا کن بماروشن سازدکه رنگش چیست؟ گفت،همانا فرماید یقیناً آن گاویست زرد فام خیلی روشن که رنگش بینندگان را سرور میآرد(٧٠)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧١﴾

گفتند بخاطر ما از پروردگارخود دعا کن برای ما پیداترسازد که آن چیست؟ چه همه گاؤهای برما مشتبه شده اند و انشاء الله حتماً ما هدایت یافتگانیم(۷۱)

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٢﴾

گفت همانا اوگفته است حتمًاآن گاوی‌است بدون رام که بزمین شخم زند و نه بکشت آبیاری کند. آن سالم است و لکه ای در آن نیست. گفتند اکنون حقیقت را آوردی. پس آنرا ذبح کردند حال آنکه [قبلاً]کنندگان نبودند(۷۲)

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٣﴾

وهنگامیکه نفسی‌را کشتیدودرباره آن اختلاف کردید و خدا آشکار کننده بود آنچه را شما پنهان می کردید(۷۳)++

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٤﴾

پس گفتیم [بخاطر ارزیابی] این [واقعه]را بابرخی‌دیگرشبیه به آن مقایسه کنیداینگونه خدا مردگان را [بامواخذه قاتلان آنها] زنده کند و آیتهای خودرا به شما نشان

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۚ وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٥﴾

دهد تا شما بخرد بیابید(٧٤)++

بازازآن پس قلبهای شما سفت شد گویی آنها مانند سنگ بود یا در سنگدلی ازآنهم سختترحالانکه از سنگهابعضی است که حتماً از آنها نهرهای بیرون آید و یقیناً از آنها بعضی است که چون بشکافد از آنها آب بیرون آید و یقیناً ازآنها برخی است که از خشیت خدا فرودآید و نیست خدا بغفلت از آنچه میکنید(٧٥)

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٦﴾

آیا انتظار دارید که شمارا باور کنند حالانکه گروهی از آنها کلام خدارا میشنوند وپس ازفراگرفتن آن در آن تحریف میکنند حالانکه آنها خوب میدانند(٧٦)

++آیات ٧٣_ ٧٤:مفسران معنای این آیات نیزدرست فرانمیگیرندوگویندکه اگرکسیکشته شود آنگاه چند تکه گوشت گاوٴی بر بدن مقتول بزنید و براثر این عمل مشخص میگردد که قاتلش کیست[تفسیرفتح البیان]درحالیکه قرآن دراینجا بوضوع بیان میکندکه به حالات مقتول رای کرده حالات همانندش را مقایسه کنید که این قضیه چگونه روی نمود.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٧﴾

ومنگامیکه با آنانکه ایمان آوردند دیدن کنندگویند ما ایمان آوردیم و هنگامیکه برخی از آنها ببرخی دیگر سوا میشوند گویند : آیا به آنها آن امور بیان میکنید که خدا برشما وا کرده است تا بوسیله مان به شما نزد پروردگارتان محاجه کنند پس آیا عقل نمی کنید؟(۷۷)

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٨﴾

آیا نمیدانند که یقینًا خدا میداند آنچه را نهان کنندوآنچه را عیان کنند(۷۸)

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٩﴾

و میان آنهابیسوادان اند که هیچ دانشی به کتاب جز آرزو های [خود] ندارند و آنان فقط حدس میزنند(۷۹)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا

پس هلاکست برآنانکه کتاب را با دست خودنوشته بازگویند این از جانب خدا است تابدل آن بهائی ناقابل بگیرند. پس برای آنها هلاك است ازآنچه دست های آنان

يَكْسِبُوْنَ ﴿۸۰﴾

نوشت و هلاك است برای آنان بعلت آنچه کسب کنند(۸۰)

وَقَالُوْا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ اِلَّآ اَيَّامًا مَّعْدُوْدَةً ؕ قُلْ اَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللّٰهِ عَهْدًا فَلَنْ يُّخْلِفَ اللّٰهُ عَهْدَهٗٓ اَمْ تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۸۱﴾

و گویند هرگزآتش بما لمس نکند جزچند روز. بگوآیاازخداپیمانی گرفته اید؟پس هرگز خدا خلاف پیمان خود نکند یا بر خدا حرف میزنید آنچه را نمیدانید(۸۱)

بَلٰى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَّاَحَاطَتْ بِهٖ خَطِيْٓــَٔتُهٗ فَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۸۲﴾

حقیقت اینست آنکه بدی کسب کرد تا آن انتهاکه خطاهایش او را فراگرفت پس همانهااهل آتش اند. آنهادرآن مدت درازمیمانند(۸۲)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۸۳﴾ ع ۹ ۱۱

وکسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند ایشان اهل بهشتند ایشان درآن جاویدانند(۸۳)

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّذِى الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ؕ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿۸۴﴾

وچون[ازآنها]میثاق بنی اسرائیل گرفتیم که بغیرازخدابکسیعبادت نکنید و به والدین با حسن عمل رفتارکنید وبه خویشان و یتیمان و تهی دستان نیز و به مردم سخن نیکوی بگویید ونماز بپای دارید و زکات دمید. بازهم [از پیمان]

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٥﴾

ثُمَّ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٦﴾

روگردانی کردید جز اندك از شما و شما اعراض کنندگان بودید(۸٤)

وچون [ازشما] پیمانی موثق شما گرفتیم که خون خودتان را نه ریزید و افرادخود را ازشهرهای خود بیرون نرانید. پس اقرار کردید و شما گواه بودید(۸۵)

بازهم شما اید آنانکه مردم خود را میکشید وگروهی ازخودتان را از شهرهای آنان بیرون میرانید. شما بگناه و تعدی برخلاف آنها به همدیگرپشتبانی میکنید واگر نزد شمااسیر شده بیآیند آنان را فدیه گرفته آزاد میکنید حالانکه آن بیرون کردن آنان بر شما حرام بود. پس آیا به بعضی ازبخش های کتاب ایمان آورده و به بعضی انکار میکنید؟ پس چیست پاداش کسی از شما که اینگونه عمل کند جز ذلت در زندگانی دنیا و روز

أُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۫ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿۸۷﴾ ع

روز قیامت به سوی عذابی سخت تر برگردانده شوند و خدا بغفلت نیست ازآنچه میکنید(۸۶)
همانهاند که زندگی دنیا را ببهای آخرت خریدند.پس نه عذاب از آنها کاسته شود و نه آنها یاری کرده شوند(۸۷)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ بِالرُّسُلِ ۫ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ؕ اَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰٓى اَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ ۚ فَفَرِيْقًا كَذَّبْتُمْ ۫ وَفَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ ﴿۸۸﴾

و یقینًا موسٰی را کتاب دادیم و بعد از او هم پیاپی رسولان فرستادیم. عیسٰی ابن مریم را آیتهای روشن دادیم و او را با روح القدس تائید نمودیم. پس آیا هرگاه شما رارسولی بیآید با آن سخنان که نفس های شماخوش نداردتکبرخواهیدکرد؟و به بعضی از ایشان تکذیب کرده و بعضی را خواهید کشت؟(۸۸)

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ؕ بَلْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيْلًا مَّا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۸۹﴾

وگفتند، دل های ما مجسم پردهٔ است. در حقیقت خدا آنها را بعلت کفرشان لعنت کرده است پس بکمی ایمان میآورند(۸۹)

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتٰبٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ ۙ وَكَانُوْا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُوْنَ عَلَى الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۚ فَلَمَّا جَآءَهُمْ مَّا عَرَفُوْا كَفَرُوْا بِهٖ ۫ فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿۹۰﴾

وچون آمد ایشانرا کتابی‌ازجانب خداکه آن[تعلیم] را تصدیق میکرد که در دست آنها بود حالانکه قبلًا داشتند برخلاف آنها که کفرکردند [ازخدا]یاری میطلبیدندپس هرگاه آمد آنانرا آنچه را شناختند به آن انکار کردند. پس لعنت خدا باد برکافران(۹۰)

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهٖۤ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَّكْفُرُوْا بِمَاۤ اَنْزَلَ اللّٰهُ بَغْيًا اَنْ يُّنَزِّلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۚ فَبَآءُوْ بِغَضَبٍ عَلٰى غَضَبٍ ؕ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿۹۱﴾

بسیار بداست آنچه ببهای جانهای خود بدست آوردندکه آن حق را انکارمیکنندکه خداناز‌لکرد[خلاف] این [امر] سرکشیده که خدا بر هرکه ازبندگان خودمیخواهدفضل خودرانازل میکند.پس باغضب بر غضب بازگشتندوکافران را عذابی خوارکنندۀ است(۹۱)

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا بِمَاۤ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا نُؤْمِنُ بِمَاۤ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُوْنَ بِمَا وَرَآءَهٗ ۗ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ؕ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُوْنَ اَنْۢبِيَآءَ اللّٰهِ مِنْ قَبْلُ اِنْ

وچون بدیشان گفته شودکه ایمان آورید بر آنچه خدا نازل کرده است گویند ما برآن ایمان آورده ایم که برمانازلکرده آمد وانکار کنند ازآنچه جزآنست حالانکه آن

كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴿٩٢﴾

حق است.آن تصدیق کننده برای آنچه است که نزدآنهاست.بگو پس قبلاًچراپیغمبران خدارا میکشتید اگر شما ایمان آوردگانید؟(٩٢)

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ مُّوْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْۢ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ﴿٩٣﴾

و یقینًاموسٰی بانشانه های روشن نزد شماآمده بود بازهم شمابعد از او گوساله را [معبود] بگرفتید و شما ستمکاران بودید(٩٣)

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَ ؕ خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاسْمَعُوْا ؕ قَالُوْا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا ۗ وَاُشْرِبُوْا فِىْ قُلُوْبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ؕ قُلْ بِئْسَمَا يَاْمُرُكُمْ بِهٖٓ اِيْمَانُكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴿٩٤﴾

ووقتیکه پیمان شما[ازشما]گرفتیم وطور را برشما افراشتیم [به این فرمان که] آنچه رابشمادرداده ایم بقوت بگیرید و گوش فرا دهید. گفتند شنیدیم ونافرمانی کردیم و بعلت کفر آنها به قلبهای آنها محبت گوساله نوشانیده شد. بگو بسیارزشت است آنچه ایمانتان شما را به آن امرکند اگر شما مومنانید(٩٤)

قُلْ اِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ عِنْدَ اللّٰهِ خَالِصَةً مِّنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ﴿٩٥﴾

بگو اگرخانه خدادیگران را ترک کرده خالصانه برایشما است پس به مرگ آرزوکنید اگر شما راست

گويانيد(٩٥)

وَلَنْ يَّتَمَنَّوْهُ اَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٦﴾

و هرگز به آن آرزو نكنند بسبب آن چه دستهاى آنان پيش فرستاده است و خداستمكاران راخوب ميداند(٩٦)

وَلَتَجِدَنَّهُمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَيٰوةٍ ۚ وَمِنَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا ۚ يَوَدُّ اَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ اَلْفَ سَنَةٍ ۚ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهٖ مِنَ الْعَذَابِ اَنْ يُّعَمَّرَ ؕ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٩٧﴾

وبراى زندگى آنهارا حريصترين همه مردم خواهى يافت حتّى از آنها [هم بيشتر]كه شرك كردند. هركدام از آنها دوستدارد كاشكى هزار سال عمر داده شود حالانكه اگر طول عمر داده شود [اينهم] عذاب راز او دوركننده نيست و خدابينا است به آنچه ميكنند(٩٧)

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيْلَ فَاِنَّهٗ نَزَّلَهٗ عَلٰى قَلْبِكَ بِاِذْنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٩٨﴾

بگو آنكه دشمن جبرائيل است پس [بداند]بيگمان اوست كه اين [كلام]رابرقلب توبفرمان خدانازل كرد تصديق كننده آن را كه پيش روى آن است و مومنان را هدايت و مژده است(٩٨)

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّلّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَرُسُلِهٖ وَجِبْرِيْلَ وَمِيْكٰلَ فَاِنَّ اللّٰهَ عَدُوٌّ

هر كه دشمن خدا و فرشتگانش و رسولانش وجبرائيل وميكائيل

لِّلْكٰفِرِيْنَ (۹۹)

است پس یقیناً خدا دشمن کافران است (۹۹)

وَلَقَدْ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ ۚ وَمَا يَكْفُرُ بِهَآ اِلَّا الْفٰسِقُوْنَ (۱۰۰)

و بیگمان نشانه های تابان برتو نازلکرده ایم و کسی به آنها انکار نکند جز فاسقان(۱۰۰)

اَوَكُلَّمَا عٰهَدُوْا عَهْدًا نَّبَذَهٗ فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ ۭ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ (۱۰۱)

آیاهرگاه عقدعهد نمایندگروهی از آنها [عهد] را دور خواهدانداخت؟ بلکه اکثرآنهاایمان ندارند(۱۰۱)

وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيْقٌ مِّنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ ۙ كِتٰبَ اللّٰهِ وَرَآءَ ظُهُوْرِهِمْ كَاَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ (۱۰۲)

وهرگاه آنانرا رسولی‌آمد ازجانب خداتصدیق کننده آنچه نزدآنانست گروهی از آنانکه کتاب داده شدند کتاب خدا را پشت سر انداختند گویی آنها نمیدانند(۱۰۲)

وَاتَّبَعُوْا مَا تَتْلُوا الشَّيٰطِيْنُ عَلٰى مُلْكِ سُلَيْمٰنَ ۚ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٰنُ وَلٰكِنَّ الشَّيٰطِيْنَ كَفَرُوْا يُعَلِّمُوْنَ النَّاسَ السِّحْرَ ۗ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوْتَ وَمَارُوْتَ ۭ وَمَا يُعَلِّمٰنِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰى يَقُوْلَآ اِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۭ فَيَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُوْنَ بِهٖ

و آنان پیروی کردند آنچه را که شیطانها خلاف ملك سلیمان می خواندند و سلیمان کفرنکرد بلکه شیطانها کفرکردند ـ آنها به مردم جادوئی میآموختندو[بعکس] آنچه دربابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل کرده شد [داستان این طور است که] آندو چیزی به

بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۚ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾

کسی نمیآموختند تا آنگاه که میگفتند: مافقط بطور آزمایش ایم پس کفرمکن ـ پس آنها از آندو سخنی فرامیگرفتندکه به آن میان زن و شوهر جدائی میفکنندند و آنان بوسیله آن به کسی زیان رسانند نبودند جز به اذن خدا و [شاگردان شیطانها] آن امر فرا میگرفتند که آنانرا زیان میزد و آنهارا سودی نمیدادحالانکه خوب دانسته بودند آنکه این معامله کرد برایش در آخرت سهمی نیست و بسیار زشت بود به بهائی آنچه جانهای خود را فروختند کاشکی میدانستند(١٠٢ ++

++هاروت و ماروت دو انسان بودند که اینجافرشته سیرت یاد شده اند و ایشان برای برانگیختن انقلاب چنان امور میآموختند که هدایت بود که مخفی نگهداشته حتّی کسی به همسرخود هم افشانکند. البته ایشان اینکار به فرمان خدا میکردند و اما بعدها ایشان را مثل قرار داده این طریق کار از راه سرکشی برای سرنگونی دولتهای استوار دنبال کرده شد. قرآن هاروت و ماروت را بیگناه گرداند چه ایشان اینکار برای خدا میکردند در حالیکه دیگر مردم اینکار از روی خود گرایی میکنند.

وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَمَثُوْبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ ؕ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠٤﴾

واگر ایمان میآوردندو تقوی اختیار میکردند یقیناً پاداش[آن] از جانب خدا خیلی نیکوی میشد کاشکی می دانستند(١٠٤)

ع ٧/١٣ ١٢

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقُوْلُوْا رَاعِنَا وَقُوْلُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوْا ؕ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٠٥﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید[به رسول ما] "راعنا" مگویید.بلکه بگویید که برما نگاه بفرماو گوش فرادهید و برای کافران عذابی دردناك است(١٠٥)++

مَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ وَلَا الْمُشْرِكِيْنَ اَنْ يُّنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ ؕ وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿١٠٦﴾

دوست ندارند آنانکه کفر کردند ازاهل کتاب و نه مشرکان که بر شما از پروردگار شما خیری نازل شود و خدا هرکه را خواهد خاص رحمت خود بر میگزیند و خدا را فضلی عظیم است(١٠٦)

مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰيَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَاْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ اَوْ مِثْلِهَا ؕ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٠٧﴾

هرچه آیتی رانسخ کنیم یا از یاد محو سازیم بهترازآن یا مانند آن را میآریم. آیا نمیدانی که یقیناً

++آیت ١٠٥- دراین آیت گفتن "راعنا" منع شده است چه آنها به بهانه "راعنا" یعنی بر ما رحم کن "راعینا" یعنی "ای چوپان ما" میگفتند و قرآن به آنها هدایت کرد که گفتار راست رابکارگرفته باید "انظرنا"گفته شود.

خدا بر هرچیز که بخواهد مدام قدرتمند است(۱۰۷)++

اَلَمۡ تَعۡلَمۡ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلۡكُ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ ؕ وَمَا لَكُمۡ مِّنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ مِنۡ وَّلِىٍّ وَّلَا نَصِيۡرٍ ﴿۱۰۸﴾

آیا نمیدانی که یقیناً خدا است که پادشاهی آسمانها و زمین ازآن اوست و شمارا بغیرازخدا کسی سرپرستیویاوری‌نیست(۱۰۸)

اَمۡ تُرِيۡدُوۡنَ اَنۡ تَسۡـَٔلُوۡا رَسُوۡلَـكُمۡ كَمَا سُئِلَ مُوۡسٰى مِنۡ قَبۡلُ ؕ وَمَنۡ يَّتَبَدَّلِ الۡكُفۡرَ بِالۡاِيۡمَانِ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِيۡلِ ﴿۱۰۹﴾

آیا دوستدارید که به رسول خود سؤال کنید چنانکه قبلاً موسی سوال کرده شد؟پس آنکه ایمان را به کفر تبدیل کند حتماً از راه راست گمراه شد(۱۰۹)

وَدَّ كَثِيۡرٌ مِّنۡ اَهۡلِ الۡكِتٰبِ لَوۡ يَرُدُّوۡنَكُمۡ مِّنۡۢ بَعۡدِ اِيۡمَانِكُمۡ كُفَّارًا ۚ

بسیاری از اهل کتاب دوستدارند کاشکی شما را پس از ایمانتان

++آیت ۱۰۷ـ مفسران درمورد این آیت هم عموماً لیزمیخورند و ترجمهٔ میکنند که آیتی که خدای متعال درقرآن نازلکرده آن توان نسخ شد و یکی بهتر ازآن توان آمد و بدینسان این جدل طویلی ناسخ و منسوخ راه افتاد و مفسران پنجصد آیت راناسخ ومنسوخ قراردادند درحالیکه از قرآن هیچ هم نسخ نیست. قبل ازحضرت مسیح موعود علیه السلام تازمان حضرت شاه ولی الله شاه محدث دهلوی این مسئله تا حد اکثر حل شده بود جز پنج آیت و آنان نیز از برکت علم الکلام حضرت مسیح موعود علیه السلام حل و فصل شدند. جماعت احمدیه اعتقاد دارد که ازقرآن هیچ هم نسخ نیست بلکه اینجا اشاره به شریعتهای قبلی است چه هرگاه آنها نسخ یابفراموشی سپرده شدند پس همانندآنها یا بهتر از آنها نازل کرده شد.

حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۚ فَاعْفُوْا وَاصْفَحُوْا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١١٠﴾

کافرانی بازگردانند بعلت حسدی که از نفسهای آنها است پس از آنکه حق برای آنان آشکار شد. پس عفو کنید و درگذرید تا آنگاه که خدا فیصل خود را صادر کند همانا خدابرهرچیز که بخواهد مدام قدرتمند است(۱۱۰)

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ؕ وَمَا تُقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿١١١﴾

و نماز را بپای دارید و زکات دمید وهرچه نیکی‌برای نفس خود پیش فرستیدآنرا نزد خدا بیابید یقیناًخدا بینااست به آنکار که میکنید(۱۱۱)

وَقَالُوْا لَنْ يَّدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُوْدًا اَوْ نَصٰرٰى ؕ تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ ؕ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١١٢﴾

وگویند هرگزکسی مگرآنکه یهود است یامسیحی‌وارد بهشت نشود. این [تنها] آرزوهای آنانست. بگو دلیلی ثابت خود بیاوریداگرشما راستگویانید(۱۱۲)

بَلٰى ۗ مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗۤ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ ۪ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿١١٣﴾

بلی‌امرکه خودرا به خدابسپارد و احسان کننده است پس پاداش او نزدپروردگارش است و نه ایشان دربیم شوند ونه ایشان اندومگین

گردند(۱۱۳)

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ لَيْسَتِ النَّصٰرٰى عَلٰى شَىْءٍ ۖ وَّقَالَتِ النَّصٰرٰى لَيْسَتِ الْيَهُوْدُ عَلٰى شَىْءٍ ۙ وَّهُمْ يَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۱۴﴾

و یهودیان گفتند [بنائی] مسیحان بر چیزی نیست و مسیحان گفتند [بنائی]یهودیان برچیزی‌نیست در حالیکه آنها کتاب میخوانند. بر همین منوال گفتند ناآگاهان شبیه به گفتارشان. پس خدا روز قیامت میان ایشان در امری که داشتند در آن اختلاف میکردند فیصل خواهد داد(۱۱۴)

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِىْ خَرَابِهَا ۗ اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَآ اِلَّا خَآئِفِيْنَ ۬ؕ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ وَّلَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿۱۱۵﴾

و کیست ستم کارتر از آنکه بازداشت که در مساجد خدا ذکر اوبرپاکرده شود و درپی ویرانی آنهاسعی‌کرد آنها را سزاوار نبود که وارد آنها میشدند مگر ترسان. آنهارا ذلت دردنیاوآنهارادرآخرت عذابی بسیار بزرگ است(۱۱۵)

وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَاَيْنَمَا تُوَلُّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۱۶﴾

و ازآن خدا است مشرق و مغرب. پس بهرسو روکنید همان جا جلوه خدااست.یقیناً خدا خیلی گشایش بخشای مدام دانائی است(۱۱۶)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ۙ سُبْحٰنَهٗ ؕ بَلْ لَّهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ﴿۱۱۷﴾

وگفتند خداپسری برگزیده است. اوپاك است بلكه هرچه درآسمانها و زمین است ازآن اوست. همه فرمانبرداران اویند(۱۱۷)

بَدِيْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَاِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿۱۱۸﴾

او آغاز کننده آفرینش آسمانها و زمین است وچون امری را مقدّر کندپس آنرافقط میگوید باش پس آن رونهاده و منتها میشود (۱۱۸)

وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاْتِيْنَاۤ اٰيَةٌ ؕ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّثْلَ قَوْلِهِمْ ؕ تَشَابَهَتْ قُلُوْبُهُمْ ؕ قَدْ بَيَّنَّا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿۱۱۹﴾

و آنانكه هیچ دانشی ندارند می گویند چرا خدا بما تکلم نمیکند یا مارا آیتی‌نمیآید.برهمین منوال کسانیکه قبل از آنان بودند شبیه به گفتار آنان گفتند. دلهایشان بهم متشابه شده اند. یقینًا ما آیات را برای قومی که باور کنند بروشنی بیان کرده ایم(۱۱۹)

اِنَّاۤ اَرْسَلْنٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا ۙ وَّلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحٰبِ الْجَحِيْمِ ﴿۱۲۰﴾

یقینًاما تورا مژده دهنده و هشدار دهندهٔ باحق فرستاده ایم و درباره جهنمیان پرسیده نشوی(۱۲۰)

وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُوْدُ وَلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ؕ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ

وهرگزیهودونصاریٰ ازتوخوشنود نشوندتاآنگاه که ازکیش آنهاتقلید

هُوَ الْهُدٰى ۭ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ بَعْدَ الَّذِىْ جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿۱۲۱﴾

نکنی. بگو. یقینًا هدایت خدائی هدایت حقیقی است و اگر از تحریك نفس آنها تقلید کنی پس از اینکه دانش بتوآمده است هیچ کس تو را از خدا سرپرست و یاریگر نباشد(۱۲۱)

اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَتْلُوْنَهٗ حَقَّ تِلَاوَتِهٖ ۭ اُولٰۗىِٕكَ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ ۭ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِهٖ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿۱۲۲﴾

کسانیکه ما به آنها کتاب داده ایم و آنرا سزاوار تلاوت آن تلاوت میکنند همانهاند که به آن ایمان میآرندو هرکه این[کتاب]را انکار کندپس همانهازیانکاراانند(۱۲۲)

يٰبَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّىْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۲۳﴾

ای‌بنی‌اسرائیل بیادآرید آن نعمتم را که برشما ارزانی داشتم و این که من شما را بر همه جهانیان فضیلیت دادم (۱۲۳)

وَاتَّقُوْا يَوْمًا لَّا تَجْزِىْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْــــًٔا وَّلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿۱۲۴﴾

وبترسید از روزیکه کسی بدرد کسی نخورد و بدل از او قبول کرده نشود و نه شفاعت بدو سود دهدونه آنان یاری شوند(۱۲۴)

وَاِذِ ابْتَلٰٓى اِبْرٰهٖمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ ۭ قَالَ اِنِّىْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

وهنگامیکه ابراهیم راپروردگارش بکلماتی آزمایش کرد و او آنها را

إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٥﴾

بپایان برد[خدا]گفت:یقینًا من تو را برای مردم امامی بزرگ برگزیننده ام. او گفت و از نژادم نیز. [خدا] گفت قرارم به ستم گران نرسد(١٢٥)++

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا ۖ وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ۖ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿١٢٦﴾

و وقتی ماخانه[خود]رابرای مردم مَرجع تکراری و جای امن قرار دادیم و ازمقام ابراهیم جای نماز بگیرید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که شمادوی‌خانه ام رابرای طواف کنندگان و معتکفان ورکوع کنندگان و سجده آرندگان

++آیت ١٢٥ : دراین آیت سخن از آن آزمایش حضرت ابراهیم گفته میشود وقتی ایشان به رتبه نبوت برگزیده شده بودند و وقتیکه ایشان آن آزمایش را بپایان بردند آنگاه بدیشان گفته شد که شمارا امام برای مردم بسیار کثیری برمیگزینیم. فرقه شعیان از مطلب این آیت استدلال کرده میگویند که رتبه امامت بالاتر از رتبه نبوت است زیرا طبق این آیت یك نبی به رتبه امامت برگزیده میشود. این استدلال صحیح نیست .حقیقت اینست که رتبه امامت محض بالاتر از رتبه نبوت نیست بلکه آن امامت که از روی رتبه نبوت میرسد بالاتر شناخته میشود. اینجا حضرت ابراهیم با واژه های «اماماًللناس» خطاب شده اند و مفهوم اینست که بپاداش بپایان بردن این آزمایش شما تا روز قیامت برای مردم جهان بعنوان مثال آورده میشوید.

پاك بداريد(١٢٦)

وَإِذْ قَالَ إِبْرٰهِمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْءَاخِرِ ۖ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٢٧﴾

وچون ابراهيم گفت.پروردگارا! اينراشهرىايمن وامن دهنده بساز و اهل آنرا آنكه از آنان به خدا و روزآخرت ايمان آرد از ميوه هاى هرنوع رزق اعطا كن. او گفت آن كه كفركند اورا نيزكمى بهره مند خواهم ساخت.سپس او را ناچاراً بسوىعذاب آتش بكشم و[آن] بسيار زشت جايگاه است(١٢٧)

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرٰهِمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمٰعِيلُ ۖ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٨﴾

ووقتيكه ابراهيم پاياهاى بيت [خانه خدا]را استوار ميكرد نيز اسماعيل [بااينداعاكه]پروردگارا! از ما قبول بفرما. يقينًا توخيلى شنواى دانائى(١٢٨)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٩﴾

پروردگارا!ما را دو بنده فرمان بردار خود و از ذريت ما امتى فرمانبردار خود برگزين و ما را اسلوب عبادات و قربانيهاى ما بيآموز و توبه قبول كرده بر ما ميل بفرما. يقينًا توبينهايت توبه

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٣٠﴾

پذیروبارهارحمکننده ای(۱۲۹)
پروردگارا ادرآنان رسولی بزرگ ازخودایشان برانگیزکه آیات تو را بر آنهافروخواندو بدیشان علم کتاب وحکمت بیآموزد وبدیشان پاك سازد یقینًا تو صاحب غلبه کامل صاحب حکمت ای(۱۳۰)

وَمَنْ يَّرْغَبُ عَنْ مِّلَّةِ اِبْرٰهِمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ۚ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنٰهُ فِي الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهُ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿١٣١﴾

و کیست که از ملت ابراهیم رو گردانی کند جزکسیکه خود را به نادانی برانگیخت ویقینًااو را در دنیا برگزیدیم و درآخرت نیز از صالحان خواهد بود(۱۳۱)

اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْلِمْ ۙ قَالَ اَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٣٢﴾

[بیادآورید]وقتیکه خدا به او گفت گردن نه. او[بیساخته]گفت من که [از پیش] برای پروردگار جهانها گردن نهاده ام(۱۳۲)

وَوَصّٰى بِهَا اِبْرٰهِمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ ۚ يٰبَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾

وابراهیم ازاین بابت بفرزندان خود توصیه کردو هم یعقوب : ای فرزندان من!یقینًا خدا این دین را برای شما برگزیده است. پس هرگز نمیرید جز درحالیکه شما

مسلمانید(۱۳۳)

اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ اِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ اِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِى قَالُوا نَعْبُدُ اِلٰهَكَ وَاِلٰهَ اٰبَآئِكَ اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ اِلٰهًا وَّاحِدًا وَّنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۴﴾

آیاشماحضور داشتیدچون یعقوب را مرگ فرارسید؟ هنگامیکه او از فرزندان خود پرسید: چیست را پس ازمن عبادت کنید؟گفتند: معبودتو ومعبودپدران تو ابراهیم و اسمٰعیل و اسحٰق را عبادت خواهیم کرد که معبود یگانهٔ است وما فقط فرمانبرداران او خواهیم بود(۱۳۴)

تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۵﴾

این امتی بود که درگذشت. برای آن بودآنچه آن کسب کرد و برای شما است آنچه شماکسب میکنید وشما پرسیده نشوید درباره آنچه آنان میکردند(۱۳۵)

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا اَوْ نَصٰرٰى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ اِبْرٰهٖمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۶﴾

و گویند یهود بباشید یا نصرانی تاهدایت بیابید.بگو[نه خیر] بلکه تنها امت ابراهیم حنیف [مورد نظرم]است و قطعًا او از مشرکان نبود(۱۳۶)

قُولُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا

بگوئید ایمان آوردیم به خدا و

أُنْزِلَ اِلَىٰٓ اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَمَآ اُوْتِيَ النَّبِيُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ ۖ وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ﴿۱۳۷﴾

آنچه برما فروفرستاده آمد و آنچه بسوی ابراهیم و اسمٰعیل و اسحٰق و یعقوب و اسباط فروفرستاده شد و آنچه به موسٰی و عیسٰی داده شدوآنچه بهمه انبیاء از پروردگار ایشان اعطا شد.میان هیچکدام از ایشان جدائی نمیفکنیم و مابرای او تسلیم شده ایم (۱۳۷)

فَاِنْ اٰمَنُوْا بِمِثْلِ مَآ اٰمَنْتُمْ بِهٖ فَقَدِ اهْتَدَوْا ۚ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا هُمْ فِيْ شِقَاقٍ ۚ فَسَيَكْفِيْكَهُمُ اللّٰهُ ۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۗ ﴿۱۳۸﴾

پس اگر آنان ایمان بیآورند بطوریکه شما بر آن ایمان آورده اید پس آنها هدایت یافتند و اگر روی بر تابند پس[عادتاً] آنها مدام در نفاق اند.پس خدا شمارا به[سرکوبی] آنها بس است و او بس شنوای مدام دانا است(۱۳۸)

صِبْغَةَ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً ۫ وَّنَحْنُ لَهٗ عٰبِدُوْنَ ﴿۱۳۹﴾

رنگ خدا را بگیرید و کیست نیکوتر ازخدا در رنگ و ما او را عبادت میکنیم (۱۳۹)

قُلْ اَتُحَآجُّوْنَنَا فِي اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۚ وَلَنَآ اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ ۚ وَنَحْنُ لَهٗ مُخْلِصُوْنَ ۙ ﴿۱۴۰﴾

بگو آیا درباره خدا بما محاجه میکنید باآنکه او پروردگار ما و هم پروردگارشما است و اعمال

مابرای مٰا است واعمال شمابرای شماست و مافقط برای‌اوخالص شده ایم(١٤٠)

اَمْ تَقُوْلُوْنَ اِنَّ اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطَ كَانُوْا هُوْدًا اَوْ نَصٰرٰى ؕ قُلْ ءَاَنْتُمْ اَعْلَمُ اَمِ اللّٰهُ ؕ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهٗ مِنَ اللّٰهِ ؕ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٤١﴾

آیامیگوئید که ابراهیم و اسمٰعیل و اسحٰق و یعقوب و اسباط حتمًا یهودیامسیحی بودند.بگوآیا شما زیاد میدانیدیاخدا؟وکیست ستم کارتر ازآنکه آن گواهی را کتمان کند که ازخدا نزد او[امانت]است و خدا بغفلت نیست از آنچه می کنید(١٤١)

تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ ۚ وَلَا تُسْئَلُوْنَ عَمَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٤٢﴾ ع

١٦ ع ١٢ ١٦

این امتی بود که درگذشت. برای آن بود آنچه آن کسب کرد و برای شما است آنچه شماکسب کنید و شما پرسیده نشوید از آنچه آنان میکردند(١٤٢)

سَيَقُولُ السُّفَهَآءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلّٰىهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِيْ كَانُوْا عَلَيْهَا ؕ قُلْ لِّلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ؕ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿۱۴۳﴾

حتمًا گویند بیخردان از مردم که چه آنان را از آن قبلهٔ خود که برآن بودند برگرداند.بگو مشرق ومغرب ازآن خدا است. هرکه را خواهد به صراط مستقیم هدایت میکند(۱٤۳)

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَّسَطًا لِّتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ عَلَيْكُمْ شَهِيْدًا ؕ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِيْ كُنْتَ عَلَيْهَآ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَّتَّبِعُ الرَّسُوْلَ مِمَّنْ يَّنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ ؕ وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِيْرَةً اِلَّا عَلَى الَّذِيْنَ هَدَى اللّٰهُ ؕ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِيْعَ اِيْمَانَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۴۴﴾

واینگونه شمارا امت میانی قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و رسول بر شما گواه باشد ـ آن قبله که [قبلا] برآن بودی فقط برای این قرارداده بودیم تا آنکه ازپی‌رسول برود را ازآنکه روی پاشنه های‌خودبرگرددبازشناسیم وبراستی‌این گران بودجزبرآنان را که خدا هدایت کرد و نیست خدا که ایمانتان را ضایع دهد یقیناًخدا به مردم بسیار مهربان بارها رحم کننده است(۱٤٤)++

قَدْ نَرٰى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَآءِ ۚ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضٰهَا ۠ فَوَلِّ وَجْهَكَ

هماناديديم برگشتن روی تورا بسوی آسمان پس لازم بود که تو

++آیت۱٤٤ : خیر الامور اوسطها ـ [الحدیث]

شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٥﴾

را بسوی قبله بگردانیم که آن به تو خوش میآمد.پس روی خود را بسوی مسجد حرام بگردان وشما هرکجاباشیدروی‌خودرابسوی آن بگردانیدویقیناًآنانکه کتاب داده شدند مسلمًا میدانند که این از پروردگارآنان حق است وخدابی خبرنیست ازآنچه میکنید(١٤٥)

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۚ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٦﴾ وقف لازم

ومرچندتو آنان را که کتاب داده شدند هر آیتی هم میآوردی نه بودندکه ازقبله تو تقلیدمیکردند و تو هم نیستی که مقلد قبله آنها باشی و نه بعضی از آنان از قبله بعضی تقلید کنند و اگر از هوای نفسانی آنها تقلیدکنی بعد ازآنکه دانش بتوآمدیقینًا تو درآنصورت از سنمکارانی(١٤٦)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٧﴾ يغفرمنزل

کسانیکه به آنان کتاب داده ایم آنان [با مشاهده آثار الهی در رسول]او را میشناسند بطوریکه پسران خود رامیشناسند و همانا

| | |
|---|---|
| | گروهی از آنهاحق را پنهان کنند در حالیکه آنها میدانند(۱۴۷) |
| اَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ ﴿١٤٨﴾ | [حتمااین]حق است ازپروردگار تو۔ پس ازدودلان مباش(۱۴۸) |
| وَلِكُلٍّ وِّجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيْهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرٰتِ ۗ اَيْنَ مَا تَكُوْنُوْا يَاْتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٤٩﴾ | و هرکدام را محل توجه است که اوبسوی آن روی میآرد. پس در نیکیها از همدیگر سبقت جویید. مرکجاباشید خدا همه شمارا جمع کرده خواهدآوردیقینًا خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است(۱۴۹) |
| وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَاِنَّهٗ لَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ ۗ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٥٠﴾ | و ازمرکجابیرون آمدیپس روی خود رابسویمسجدحرام بگردان یقینًاآن از پروردگارتوحق است و نیست خدا به غفلت از آنچه عمل کنید(۱۵۰) |
| وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ شَطْرَهٗ ۙ لِئَلَّا يَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ ۙ اِلَّا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْهُمْ ۗ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِيْ ۗ | وازمرکجابیرون آمدیپس روی خود را بمسجدحرام بگردان و شما هرکجا باشید روی خود را بسوی آن بگردانید تا مردم را برشماحجتی نباشد جزکسانی از آنانکه ستم کردند.پس از آنان نه |

وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۱﴾

ترسید بلکه از من بترسید و تا نعمت خودرابر شمابکمال برسانم و تاشما هدایت بیابید(۱۵۱)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۱۵۲﴾

بطوریکه رسولی در شما ازخود شما فرستاده ایم که آیات ما را بر شما فرو میخواند و شما را پاك میسازد و به شما کتاب می آموزد وحکمت [آنرا] و بشما می آموزدآنچه رانمیدانستید(۱۵۲)

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿۱۵۳﴾

پس یادکنید مرا منهم یاد بدارم شمارا وشکر کنیدمراومرا ناشکری نکنید(۱۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۴﴾

ای‌آنانکه ایمان آورده اید با صبر و نماز[ازخدا]یاری جویید.حتمًا خدا با صابران است(۱۵۴)

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿۱۵۵﴾

وآنانرا که درراه خداکشته شوند مرده مگوئید بلکه ایشان زنده اند و اما شما درك نکنید(۱۵۵)

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۶﴾

وحتمًا شمارا از بیم وگرسنگی و زیان دارائیها و جانها و میوهها بکمی آزمایش کنیم وبه شکیبایان

مژده بده(۱۵٦)

الَّذِينَ إِذَآ أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

آنانکه هرگاه ایشانرا سختی برسد گویندهمانا ماازآن خداایم وحتمًا مابسوی اوبازگشتگانیم(۱۵۷)

أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

ایشانند که بر آنان از پروردگار ایشان برکتهای است و رحمت و ایشان هدایت یافتگانند(۱۵۸)

إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ ٱلْبَيْتَ أَوِ ٱعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾

یقینًا صفاو مروه از شعارهای خدا است.پس هرکه حج این بیت کند یاعمره بجاآرد بر او هیچ گناهی نیست که ایندوی را طواف نیز کند و هرکه بکوشد تا زیادتی بر نیکی باشد پس یقینًا خدا سپاس نواز مدام داناast(۱۵۹)

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلْهُدَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِى ٱلْكِتَٰبِ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ ﴿١٥٩﴾

همانا آنانکه کتمان کنند آنچه از نشانه های تابان وهدایت که نازل کرده ایم ازاین پس که آنرابرای مردم در کتاب به روشنی بیان کردیم همانها اند که خدا بر آنها لعنت کند و همه لعنت کنندگان برآنها لعنت کنند(۱٦۰)

| | |
|---|---|
| اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا وَاَصْلَحُوْا وَبَيَّنُوْا فَاُولٰٓئِكَ اَتُوْبُ عَلَيْهِمْ ۚ وَاَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ﴿۱۶۱﴾ | مگر آنانکه توبه کردند و اصلاحِ کردندو آن[نشانه های تابان خدا] را به صراحت بیانکردندپس آنان اند که توبه قبول کرده بر آنان میل کنم و من پذیرندۀ توبه بارهارحمکننده ام(۱۶۱) |
| اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَمَاتُوْا وَهُمْ كُفَّارٌ اُولٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۶۲﴾ | مماناآنانکه کفرکردند ومردند در حالیکه آنها کافران بودند آنانند که برآنها لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم است (۱۶۲) |
| خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ﴿۱۶۳﴾ | مدت دراز در آن[لعنت] بمانند و نه عذاب از آنها کاسته شود و نه آنها مهلت داده شوند(۱۶۳) |
| وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿۱۶۴﴾ | ومعبود شمامعبود یگانهٔ است. نیست معبودی جز او که رحمٰن و رحیم است(۱۶۴) |
| اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِيْ تَجْرِيْ فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ مَّآءٍ فَاَحْيَا بِهِ | یقینًا در آفرینش آسمانها و زمین و از پس هم آمدن شب و روز و کشتیهای که درردریاحرکت کنند باآنچه [کالا] که بمردم سود دهد و آبی که خدا از آسمان نازلکرد |

ع ۱۹ / ۱۱ / ۳

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٥﴾

پس به آن زمین را بعدازمردنش احیاء نمود و جنبندگانی هرگونه را درآن گسترش داد وتغییر دادن رخ بادهاسوبسو و ابرها که بین آسمان و زمین مسخرندحتمًا آیاتی است قومی را که عقل کنند(۱۶۵)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٦﴾

وکسانی از مردم اند که درمقابل خدا همتایان برگزینند و مانند محبت خدا با آنها محبت کنند درحالیکه آنانکه ایمان آوردند درمحبت خداثابتتر[ازهر محبت] اند و کاشکی آنانکه ستمکردند حالی شوندچون عذاب رامشاهده کنند [بفهمند] که نیرو تمامًا ازآن خدا است و آنکه حتمًاخدا سخت عذاب است(۱۶۶)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٧﴾

هنگامیکه آنانکه پیروی شدند از آنها که [از آنان] پیروی کردند بیزاری جویندوعذاب را مشاهده کنند وهمه اسباب[نجات]آنها قطع

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا ۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ۖ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٨﴾ ع

شود(۱٦۷)

و کسانیکه پیروی کردند گویند: کاشکی ما را مجالی بود که از آنها همانگونه بیزاری میکردیم که ازمابیزاری‌کرده اند. اینگونه خدا اعمال آنانرا برای آنها مایه حسرتهای خود آنان بنمایش خواهد گذاشت و آنها بیرون روندگان از آتش نباشند(۱٦۸)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٩﴾

ای‌مردم! بخورید ازآن حلال و پاکیزه های که در زمین است و گام برگامهای شیطان ننهید همانا او دشمنی آشکارشمااست(۱٦۹)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾

همانا او شمارا فرمان کندفقط به زشتی و فحشائی و اینکه بسوی خدا آن سخنان منسوب کنید که خودتان هم نمیدانید(۱۷۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧١﴾

و هنگامیکه به آنها گفته شود که آنراپیروی کنید که خدانازلکرده است گویند:بلکه ماپیروی کنیم آنچه را که برآن پدران خود را

یافتیم.آیاهر چند پدران آنها خرد نداشتند و راه هدایت نه پیموده بودند[بازهم ازآنهاپیروی خواهند کرد؟](۱۷۱)

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ۚ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧٢﴾

ومثل آنانکه کفرکردندبمثل آن است که بانگ میزند به آنچه که نمیشنود.[این چیزی نیست] مگر اینکه خواندن و صدا زدن [بی تاثیر] است.آنهاکر، لال،کوراند پس آنها عقل نمیکنند(۱۷۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٣﴾

ایآنانکه ایمان آورده ایدبخورید از پاکیزههای که بشما رزق داده ایم و به خدا سپاس گویید اگر شما عبادت را خاص او می گذارید(۱۷۳)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٤﴾

[خدا]برشماحرام کرده است فقط مردار و خون و گوشت خوك و آنچه جزخدا بنام کسی دیگرذبح کرده شود.اما آنکه [ازگرسنگی] ناچارگردد و به رغبت نخورد و تجاوزگرنیست پس بر او گناهی

نیست. همانا خدا بسیار آمرزندهٔ بارها رحمکننده است(۱۷٤)

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَشْتَرُوْنَ بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۙ اُولٰٓئِكَ مَا يَاْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٧٥﴾

همانا کسانیکه آنچه را کتمان کنند که خدا در کتاب نازلکرده است و ببدل آن بهائی ناقابل می پذیرند آنانندکه درشکمهای خود نمیخورند جز آتش و خدا در روزقیامت بدیشان حرف نزند و نه ایشانرا پاکسازد و برای آنها عذابی دردناك است(۱۷۵)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَآ اَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٦﴾

آنان اند که گمراهی را ببهائی هدایت خریدندوعذاب را ببهائی آمرزش. پس بر آتش آنها چه شیکیبا اند(۱۷٦)

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ نَزَّلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ ۗ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِي الْكِتٰبِ لَفِيْ شِقَاقٍ بَعِيْدٍ ﴿١٧٧﴾

این بدانعلت است که خدا کتاب را با حق نازل کرده است و کسانیکه در کتاب اختلاف کرده اند به عناد خوی بسیار فرو رفته اند(۱۷۷)

لَيْسَ الْبِرَّ اَنْ تُوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ

نیکی آن نیست که روی خود را بسوی مشرق و مغرب بگردانید

بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيّٖنَۚ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِى الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِۙ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِى الرِّقَابِۚ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَۚ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْاۚ وَالصّٰبِرِيْنَ فِى الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ الْبَاْسِؕ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْاؕ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿۱۷۸﴾

بلکه نیکی ازآن اوست که به خدا و روز آخرت و فرشتگان وکتاب وپیغمبران ایمان آورد ومال دهد بدوستی او به خویشان و یتیمان و مستمندان و مسافران و سائل ها و برای آزادی گردنها و نماز را بپای دارد و زکوت دهد و به عهدخودوفاکنند هرگاه عهد بندند و در فقرو رنج و هنگام کارزار شکیبایان اند همانهاندکه صداقت راپیش گرفتندوهمانهاند که متقی اند(۱۷۸)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِى الْقَتْلٰىؕ اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰىؕ فَمَنْ عُفِىَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ شَىْءٌ فَاتِّبَاعٌۢ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍؕ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌؕ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۷۹﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید قصاص کشتگان برشما واجب کرده شد. آزاد به آزاد و بنده به بنده و زن بزن است وکسیکه برایش چیزی ازجانب برادرش عفوشودپس پیروی کردن بروش پسندیده و بدو پرداختن است با برتربهائی - این ازپروردگار شما تخفیف و رحمت است. پس

هرکه از این پس تعدی نماید او را عذابی دردناکست(۱۷۹)

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۸۰﴾

و شما را در قصاص حیات است ای خردمندان تا باشد که تقوی را اختیارکنید(۱۸۰)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرًا ۚ الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۱﴾ؕ

برشمافرض کرده شد هنگامیکه یکسی ازشما مرگ فرارسد اگر دارائی بازگذارد درحق والدین و خویشان به متعارف وصیت کند. این بر متقیان واجب است(۱۸۱)

فَمَنْۢ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۲﴾ؕ

پس هرکه آنرا پس از شنیدن آن تغییر دهد پس مسلمًا گناهش بر آنان است که آنرا تغییردهند. یقینًاخدابسیارشنوای مدام دانا است(۱۸۲)

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ اِثْمًا فَاَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۸۳﴾ع

ع ۲۲ ۶

پس آنکه از وصیت کننده وهمه طرفداری کردن یا گناه کردن را دارد بازمیان [وارثان] سازگاری نماید پس بر او گناهی نیست. همانا خدا آمرزندهٔ بارها رحم

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ۙ﴿۱۸۴﴾

اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ ؕ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ؕ وَعَلَى الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِيْنٍ ؕ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ ؕ وَاَنْ تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۱۸۵﴾

کننده است(۱۸۳)

ای آنانکه ایمان آوردید روزه بر شمافرضکرده شد بطوریکه فرض کرده شدبرآنانکه قبل ازشما بودندتاباشدکه متقی‌شوید(۱۸٤)

همین چند روزهایست .پس کسی ازشما که مریض است یا بر سفر پس شمار را در روزهای دیگر تکمیل کند و بر آنانکه طاقتش آورند فدیه غذادادن به نیازمندی است.پس هرکه بکوشد نیکی را فراتر از فرض بعمل آورد آنگاه این برای اوبسیارنیکواست.اگر روزه بگیریدبرای شمابهتر است اگر شما میدانید(۱۸۵)++

++آیت ۱۸۵- یطیقون را دو معانی است (۱)آنانکه طاقت آورند(۲)آنانکه طاقت نیآورند- دراین واژه سلب و ایجاب هردو معنی موجود است- معانی اش اینست آنانکه بسبب مجبوری آنی و بیماری نتوانند روزه بگیرند و برای روزه طاقت میآورند باید فدیه بپردازند و باید روزه های ناگرفته را در روزهای دیگر بگیرند وآنانکه روزه گرفتن را اصلاً طاقت نیآورند برای آنان فدیه دادن بس است و بعدها روزه گرفتن هم لازم نیست.

شَهۡرُ رَمَضَانَ الَّذِیٓ اُنۡزِلَ فِیۡهِ الۡقُرۡاٰنُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَبَیِّنٰتٍ مِّنَ الۡهُدٰی وَالۡفُرۡقَانِ ۚ فَمَنۡ شَهِدَ مِنۡکُمُ الشَّهۡرَ فَلۡیَصُمۡهُ ؕ وَمَنۡ کَانَ مَرِیۡضًا اَوۡ عَلٰی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنۡ اَیَّامٍ اُخَرَ ؕ یُرِیۡدُ اللّٰهُ بِکُمُ الۡیُسۡرَ وَلَا یُرِیۡدُ بِکُمُ الۡعُسۡرَ ۫ وَلِتُکۡمِلُوا الۡعِدَّةَ وَلِتُکَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰی مَا هَدٰىکُمۡ وَلَعَلَّکُمۡ تَشۡکُرُوۡنَ ﴿۱۸۶﴾

ماه رمضان آنست که درآن قرآن مردم راهدایت ونشانه های‌روشن به تفصیل هدایت و امور حق را از باطل جداکننده،نازلکرده شد. پس آنکه ازشمااین ماه را دریابد پس باید روزه های آن را بدارد وآنکه مریض است یا مسافر پس شمار را در روزهای‌دیگر تکمیل کردن است.خدا برایشما آسانی میخواهد و برای شما دشواری نمیخواهد و تا شمار را[براحتی] تکمیل کنیدوخدا رابزرگ دارید بنابرآن هدایت که به شمادرداد و تاشماسپاس بگذارید(۱۸۶)

وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِیۡ عَنِّیۡ فَاِنِّیۡ قَرِیۡبٌ ؕ اُجِیۡبُ دَعۡوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ ۙ فَلۡیَسۡتَجِیۡبُوۡا لِیۡ وَلۡیُؤۡمِنُوۡا بِیۡ لَعَلَّهُمۡ یَرۡشُدُوۡنَ ﴿۱۸۷﴾

و هنگامیکه بندگانم تورا از من بپرسند پس یقینًا من نزدیك ام و دعای دعاکننده راهرگاه ازمن دعا کند مستجاب نمایم.پس باید سخنم رالبیك گویندوبمن ایمان آرند تا آنان هدایت یابند(۱۸۷)

اُحِلَّ لَکُمۡ لَیۡلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ اِلٰی

شبهای‌صیام نزدیکی‌کردن با زنان

نِسَآئِكُمْ ۚ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ ۖ فَالْـَٔانَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٨﴾

خودبرايشماحلال كرده شد. آنها شمارا لباس اند شما آنهارا لباس ايد.خدا دانست كه شمابه نفسهاى خودحق كشى‌ميكرديد پس او بر شما برحمت خود متمايل شد و ازشماعفونمود.پس اكنون با آنان مباشرت كنيدوبجوئيد آنچه خدا درحق شمانوشته است و بخوريد و بيآشاميد تا آنگامكه دربامگاه خط سپيدى از خط سياهى [شب] برايشما آشكارگردد. سپس روزه را تا شب تكميل كنيد و به آنان نزديكى نكنيد درحاليكه شما در مساجدمعتكفانيد.اين حدهاى خدا است پس نزديك آنها نشويد.اين طور خدا آيتهاى خود را براى مردم بصراحت بيان ميكند تا باشد كه آنان تقوى را پيش گيرند(١٨٨ )++ص:٦٢

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ

و مالهاى خود را ميان خود به فريب نخوريد و نه آنها را به

اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۱۸۹﴾

فرمانروایان عرضه نمایيدتاپارهٔ از مالهای مردم را بگناه بخورید درحالیکه شمامیدانید(۱۸۹)

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْاَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ ظُهُوْرِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى وَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۱۹۰﴾

درباره هلالها از تو میپرسند.بگو اینها وسیله تعیین وقت برای مردم و حج است و نیکی این نیست که به خانه ها ازپشت آنها داخل شوید. بلکه نیکوکاراوست که تقوی فراگیرد و به خانه ها از درهای آنهاداخل شود و تقوی را پیش گیرید تاباشد که شما رستگار شوید(۱۹۰)

وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ ﴿۱۹۱﴾

و در راه خدا قتال کنید آنهارا که به شماقتال کنندو تعدی نکنید همانا خداتجاورگران را دوست نه

آیت ۱۸۸ـ عموماً اصحاب رسول در ماه رمضان شبگاه از نزدیکی‌کردن به همسران پرهیز میجستند و دراین آیت ایشان مجازساخته شدند و درآیتی مجاور نزدیکی کردن فقد هنگام اعتکاف نهی شده است. زاید برآن دراینجا خط سپیدی و خط سیاهی را ذکر است. مفهومش این نیست که در تاریکی رفته این دو خط را بازشناسید بلکه معنای آن اینست که چون قبل از گسترش روشنائی صبحگاه. نخستین تیغ آفتاب بامدادی پدید آید سحرگاه پایان میيابد.

دارد(۱۹۱)

وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوْهُمْ وَاَخْرِجُوْهُمْ مِّنْ حَيْثُ اَخْرَجُوْكُمْ وَالْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقٰتِلُوْهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّٰى يُقٰتِلُوْكُمْ فِيْهِ ۚ فَاِنْ قٰتَلُوْكُمْ فَاقْتُلُوْهُمْ ؕ كَذٰلِكَ جَزَآءُ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۱۹۲﴾

و[حین قتال]آنهارابکشید هرکجا آنهارادریابیدوبیرونکنیدآنهاراز جائیکه شمارابیرون کرده بودند و فتنه سختتر از قتل است ونزد مسجد حرام با آنها قتال نه کنید تاآنگاه که بشما درآن قتال کنند. پس اگر به شما قتال کنند آنگاه شما آنهارا بکشید.پاداش کافران همین است(۱۹۲)

فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۹۳﴾

پس اگر دست بردارند پس خدا بسیار آمرزندۀ بارها رحم کننده است(۱۹۳)

وَقٰتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ لِلّٰهِ ؕ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۹۴﴾

و با آنها قتال کنید تا آنگاه که هیچ فتنه باقی‌نماند و[فراگرفتن] دین برای خدا باشد پس اگر باز ایستندآنگاه تعدی نیست جز بر ستمکاران (۱۹٤)++

---

++آیت۱۹٤ : فرمان قاتلوا خلاف آنهایست که مردم را بزور شمشیر به ارتداد وا میدارند و در اینصورت جنگ دفاعی جایز است تا آن انتها که آنها از فتنه ارتداد دست بردارند.

اَلشَّهۡرُ الۡحَرَامُ بِالشَّهۡرِ الۡحَرَامِ وَالۡحُرُمٰتُ قِصَاصٌ ؕ فَمَنِ اعۡتَدٰى عَلَيۡكُمۡ فَاعۡتَدُوۡا عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا اعۡتَدٰى عَلَيۡكُمۡ ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعۡلَمُوۡٓا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الۡمُتَّقِيۡنَ ﴿۱۹۵﴾

ماه حرام بعوض ماه حرام وهمه حرمتهای‌راقصاص است. پس آنکه برشماتجاوزکند پس براو تجاوز کنید به مثل آنچه برشما تجاوز کرد و ازخدابترسید وبدانید که خدا با متقیان است(۱۹۵) ++

وَاَنۡفِقُوۡا فِىۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ وَلَا تُلۡقُوۡا بِاَيۡدِيۡكُمۡ اِلَى التَّهۡلُكَةِ ۛۚ وَاَحۡسِنُوۡا ۛۚ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الۡمُحۡسِنِيۡنَ ﴿۱۹۶﴾

و در راه خدا انفاق کنید وخود را بدستهای‌خود بهلاك مندازید واحسان کنید. حتمًا خدا محسنان را دوست دارد(۱۹۶)

وَاَتِمُّوا الۡحَجَّ وَالۡعُمۡرَةَ لِلّٰهِ ؕ فَاِنۡ اُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا اسۡتَيۡسَرَ مِنَ الۡهَدۡىِ ۚ وَلَا تَحۡلِقُوۡا رُءُوۡسَكُمۡ حَتّٰى يَبۡلُغَ الۡهَدۡىُ مَحِلَّهٗ ؕ فَمَنۡ كَانَ مِنۡكُمۡ مَّرِيۡضًا اَوۡ بِهٖٓ اَذًى مِّنۡ رَّاۡسِهٖ فَفِدۡيَةٌ مِّنۡ صِيَامٍ اَوۡ صَدَقَةٍ اَوۡ نُسُكٍ ۚ فَاِذَآ اَمِنۡتُمۡ فَمَنۡ تَمَتَّعَ بِالۡعُمۡرَةِ اِلَى الۡحَجِّ فَمَا

وحج وعمره رابخاطرخدا تکمیل کنید.پس اگر بازداشته شوید آن گاه هرچه ازقربانی میسرشود [بدهید]وسرخود را متراشید تا آنگاه که قربانی‌به جای[ذبح]خود برسد.پس کسی ازشما که مریض است و او را درسرش آزاری است پس از روزه یا صدقه داده

++آیت۱۹۵: ماههای که درآنها قتال حرام است البته قتال درآنها آنگاه جایز است وقتیکه کسی مخالف یا غیرمسلم به آنها احترام نگذارد. هرگز برای مسلمانان لازم نیست که بی دفاع دست بسته بنشینند.

اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ اِذَا رَجَعْتُمْ ؕ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ؕ ذٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ اَهْلُهٗ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿۱۹۷﴾

یاقربانی کرده فدیه دادن است. پس هرگاه ایمن شدید آنوقت آن که بخواهدازعمره باحج بهره مند شودآنگاه هرچه از قربانی میسر شود [بدهد] و آنکه [توان] نیابد پس روزه سه روز گرفتن است هنگام حج وهفت چون برگردید ـ اینست ده[روز] تمام.این برای کسی است که خانواده او نزد مسجدحرام نیستندو به خداتقوی پیشگیرید و بدانیدکه خداسخت عقوبت است(۱۹۷)

اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمٰتٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ ۙ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ؕ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللّٰهُ ؕ وَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى ۫ وَاتَّقُوْنِ يٰۤاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿۱۹۸﴾

ماههای‌حج مشخص است پس آنکه دراینهابه حج تصمیم گرفت آنگاه درحج نه شهوت رانی است، نه زشتکاری است و نه جدل است و هرچه نیکی انجام دهید خدا آن را بداند و توشهٔ راه جمع کنید پس حتمًا بهترین توشهٔ راه تقویٰ است و از من بترسید ای خردمندان (۱۹۸)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكُمْ ؕ فَاِذَآ اَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفٰتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ص وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدٰىكُمْ ج وَاِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الضَّآلِّيْنَ ﴿۱۹۹﴾

بر شما باکی نیست که از پروردگار خود خواهان فضل باشید. پس چون از عرفات برگردید آنوقت نزدمشعرحرام خدارا ذکر کنید و او را یادکنید بدانسان که اوشما راهدایت داده است وازاین پیش شمایقیناً ازگمراهان بودید(۱۹۹)

ثُمَّ اَفِيْضُوْا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۰۰﴾

سپس[شمانیز] برگردیدازجائیکه مردم برمیگردندو ازخدا آمرزش بخواهید.یقیناً خدابسیار آمرزنده بارها رحمکننده است (۲۰۰)

فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ اٰبَآءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا ؕ فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهٗ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿۲۰۱﴾

پس منگامیکه مناسك حج را تمام کنیدآنوقت خدارایادکنید آنگونه که پدران خود را یادمیکنید بلکه سرشارتر ازآن یاد. پس کسی از مردم است که گوید پروردگارا! بده مارادردنیا و او را در آخرت هیچ بهرهٔ نیست(۲۰۱)

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۲﴾

وکسی ازآنهامیگوید:ای پروردگار ما! اعطاکن مارا نیکوی در دنیا و نیکوی درآخرت و مارا ازعذاب

آتش نگه دار(٢٠٢)

أُولَٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا۟ ۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

همانهاندکه ایشانرا پاداشی است از آنچه کسب کنند وخدا زود حساب است(٢٠٣)

وَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ فِىٓ أَيَّامٍ مَّعْدُودَٰتٍ ۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِى يَوْمَيْنِ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ لِمَنِ ٱتَّقَىٰ ۗ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٤﴾

و در این روزهای معدود خدا را یادکنید.پس آنکه برشتابد در دو روزبراوباکی‌نیست وآنکه تاخیر کندبازبراو باکی‌نیست[این]برای اوست که تقوی کند و از خدا بترسید و بدانید که شما بسوی او محشورکرده شوید(٢٠٤)

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُۥ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَيُشْهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِى قَلْبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلْخِصَامِ ﴿٢٠٥﴾

و ازمردم کسی است که گفتارش درباره حیات دنیاتورا خوش آید و خدارا گواه نماید بر آنچه در دلش است حالانکه اوستیزه گری سرسخت است(٢٠٥)

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ ٱلْحَرْثَ وَٱلنَّسْلَ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْفَسَادَ ﴿٢٠٦﴾

و چون صاحب اختیار گردد در زمین سعی کند تا در آن فساد بگستراند وکشت ونسل را بهلاك برساند وخداهرگزفسادرا دوست ندارد(٢٠٦)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٧﴾

وچون بدوگفته شودکه برای خدا تقوی اختیارکن خود خواهی او رابرگناه ثابت میدارد.پس جهنم برای او بس است و یقیناً آن جایگاه بسیار زشت است(۲۰۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٨﴾

وکسی ازمردم است که جان خود رابطلب خوشنودیخدا میفروشد وخدا بربندگان بسیار مهربان است(۲۰۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٩﴾

ایکسانیکه ایمان آورده ایدهمگی شمابه حلقه اطاعت درآئید و گام بر گام های شیطان ننهید. یقینًا اودشمنیآشکارشما است(۲۰۹)

فَإِن زَلَلْتُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢١٠﴾

پس اگرلغزیدید از آن پس که نشانه هایروشن شمارا آمد آنگاه بدانید که خدا صاحب غلبهٔ کامل صاحب حکمت است(۲۱۰)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١١﴾ ع ۲۵ ۱۴ ۹

آیا فقط برای این انتظاردارند که خدا آنانرا درسایه های ابرها بیآید و فرشتگان و کارگذرانیده شود و باز گشت همه اموربسوی

خدااست(۲۱۱)

سَلْ بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ كَمْ ءَاتَيْنَٰهُم مِّنْ ءَايَةٍۭ بَيِّنَةٍ ۗ وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٢١٢﴾

بپرس از بنی اسرائیل چه بسا آیت های تابان بدیشان داده بودیم و هرکه نعمت خداراتبدیل کند ازآن پس که آن او رابرسد آنگاه یقینًا خدا سخت عقوبت است(۲۱۲)

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا ۘ وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٣﴾

زندگی دنیا بکسانیکه کفرکردند زیبا بنمایش گذارده شد و آنها به کسانی که ایمان آوردند تمسخر میکنند و کسانیکه تقویٰ پیش گرفتند روز قیامت بالاتر از آنها باشند وخدا رزق رابهرکه خواهد بیحدوحساب اعطاکند(۲۱۳)

كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَمَا ٱخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ

مردم یك امت بودند. پس خدا انبیاء را مژده دهندگان و بیم دهندگان فرستاد وباایشان کتابی باحق نازلکرد تا در میان مردم قضاوت کند درآن امور که درآن اختلاف کردند و اختلاف در این [کتاب] فقط آنهائی میان خود

اٰمَنُوْا لِمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهٖ ؕ وَاللّٰهُ يَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿۲۱۴﴾

گردن کشی کنان کردند که آن [کتاب]داده شدند پس ازآنکه آنها را نشانه های آشکار آمده بود. پس خدا آنان را که ایمان آورده بودند به اذن خود برای آنچه در آن اختلاف میکردندرهنمائی کرد وخدا هرکه را خواهد رهنمائی به صراط مستقیم میکند(۲۱٤)++

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ؕ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَآءُ وَ الضَّرَّآءُ وَ زُلْزِلُوْا حَتّٰى يَقُوْلَ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ ؕ اَلَاۤ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ﴿۲۱۵﴾

آیاگمان کردید که وارد بهشت شوید در حالی که هنوز شما را حالتی همچون کسانیکه قبل از شمابودند نیآمده است ایشان را سختیها ورنجهای رسیدولرزانده شدند تاآن انتها که رسول وآنان که با اوایمان آورده بودند فریاد

++آیت۲۱٤ : قبل ازاینکه پیغمبری ظهورکندمردم همه ایشان همسنگ میشوند.اگرچه ظاهراًبه رسولان قبلی ایمان دارند اما درفسق و فجور بهم میباشند. این سخن کلی است که پیش از ظهور رسولی همه ملتها چه مومن چه غیرمومن همه یك روش را دنبال میکنند. دمیکه آن پیغمبر کتاب و فرامین آنرانسبت به امر و نهی توضیح میدهد آنگاه مخالفت آن پیغمبر مردم را در دو گروه منقسم میسازد که یکی از آنان پیروان پیغمبر و دیگران مخالفان او میباشند.

زدندانجام یاری‌خداتابچند کشد؟ باش! یاری خدا یقیناً نزدیک است(۲۱۵)

يَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ۗ قُلْ مَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ السَّبِيْلِ ؕ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ﴿٢١٦﴾

مسئلت کنند از توکه چه انفاق کنند؟بگوهرچه ازمال انفاق کنید پس برای والدین وخویشان و یتیمان ونادارن ودرماندگان راه است وهرچه نیکوکاری کنید پس خداحتمّابه آن آگاه است(۲۱۶)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰٓى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْـًٔا وَّهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰٓى اَنْ تُحِبُّوْا شَيْـًٔا وَّهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٢١٧﴾ ع ٢٦ ٦ ١٠

قتال برشما واجب کرده شد ولو آن شمارا ناخوش داشت و امکان داردکه چیزی شماراناخوش دارد و آن برای شمابهتراست و امکان دارد که چیزی شمارا خوش دارد و آن برایشما بسیار بد است و خدا میداند حالیکه شما نمی دانید(۲۱۷)

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيْهِ ؕ قُلْ قِتَالٌ فِيْهِ كَبِيْرٌ ؕ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَكُفْرٌۢ بِهٖ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ وَاِخْرَاجُ اَهْلِهٖ مِنْهُ اَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ

مسئلت کنندازتودرباره ماه حرام یعنی‌قتال درآن ـ بگوقتال در آن [گناهی] بزرگست و بازداشتن از راه خدا و به اوانکار کردن و از

اَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ حَتّٰى يَرُدُّوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ اِنِ اسْتَطَاعُوْا ۗ وَمَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَاُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۚ وَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢١٨﴾

مسجد حرام [باز داشتن] و اهل [اصلی] آنرا ازآن بیرون راندن نزدخدا[گناهی]بزرگتر ازآنست و فتنه بزرگتر از قتل است و آنها شمارا پیوسته کارزارکنند تا آن نهایت که اگر طاقت آورند شما را از دین شما بازگردانند و هر که از شما از دین خود بازگردد و بمیرد درحالیکه او کافر است پس همانها که اعمالشان دردنیا و آخرت پوچ شد و همانها اهل آتشند. آنها مدت دراز در آن خواهند ماند(۲۱۸)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۙ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢١٩﴾

یقیناًکسانیکه ایمان آوردند و آنها که مهاجرت نمودند و در راه خداجهادکردندایشانند که رحمت خدا میخواهند وخدا آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۲۱۹)

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۗ قُلْ فِيْهِمَآ اِثْمٌ كَبِيْرٌ وَّمَنَافِعُ لِلنَّاسِ ۡ وَاِثْمُهُمَآ اَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا ۗ

درباره شراب و قمار از تو مسئلت کنند.بگو دراینددو[جنبه] گناه بزرگتر است و برای مردم

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ۬ قُلِ الْعَفْوَ ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ ۙ﴿۲۲۰﴾

فوائدنیزاست و[جنبهٔ]گناه ایندو بزرگتر از بهره ایندو است و مسئلت کنند چه چیز انفاق کنند. بگوآنچه زاید بر نیاز است. این گونه خداآیات خود رابخاطرشما به تصریح بیان میکندتاباشد شما تفکر کنید(۲۲۰)++

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ؕ وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْيَتٰمٰى ؕ قُلْ اِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ؕ وَاِنْ تُخَالِطُوْهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَعْنَتَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۲۲۱﴾

درباره دنیاوآخرت و از یتیمان تورا میپرسند. بگو اصلاح کردن آنان نیکوکاری است و چنانچه به آنان آمیزش کنیدپس برادران شمایند و خدا اصلاح آورنده را ازفسادکننده خوب میداند و اگر خدا میخواست حتماً شما رأ به سختی روبرو میساخت.یقیناًخدا

++آیت۲۲۰:در این آیت برای حرام و حلال یك اصل استوار بیان شده است.آن چیزها که مصرف آنها سودمندتر از زیان است هلالند وچیزهائیکه سودمند اماضرر آنها زیادترازفایده است آنها حرامند. الکحل اگرنوشیده شود ضررمیرساند لذا کم نوشیدن نیز حرام است.اما در علم طب الکحل را اهمیتی فوق العاده است. عصارهٔ بوی خوش در محلول الکحل بهم آمیخته هرچند برلباس پاشیده شود هرگز مستی نمیآرد.

وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ ۚ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۚ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۖ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

ع ٢٧ ١١

صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(١٢٢)

وبازنان مشرکه ازدواج نکنید تاآنگاه که ایمان آورند و کنیزك مومنهٔ بهتراز زنی مشرکه است ولو شمارا خوش دارد و مردان مشرك را [بازنان مومنه] تزویج ندهید تا آنگامکه ایمان آرند و حتماً بندهٔ ی مومن بهتر از[آزاد] مشرك است ولو شمارا خوش دارد.همانها اند که بسوی آتش دعوت میکنندوخدا بفضل خود به سوی بهشت وآمرزش میخواند و آیتهای‌خودرابرای مردم بروشنی بیانکنندتاآنان پندبگیرند(٢٢٢)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۖ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ ۖ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ ۖ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾

و درباره قاعدگی ازتو میپرسند بگو آن[حالت] رنج است.پس در قاعدگی از زنان دوری جویید و با آنها نزدیکی نکنید تاآنگاه که پاك شوندپس چون پاك شوند پس باآنهانزدیکی کنیداز طریقی

که خدا بشما فرمان کرده است. یقینًاخدا بسیار توبه کنندگان و پاکان را دوستدارد(۲۲۳)

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ ۖ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُم مُّلَاقُوهُ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٤﴾

زنان شما کِشت شما اند. پس بیآیید بنزد کِشت خود بطوریکه بخواهیدوچیزی برای نفسهای خود پیش بفرستید و از خدا بترسید وبدانید که حتمًا شما باأو ملاقات کنیدوبمومنان مژده بده(۲۲٤)+

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِّأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾

وخدا را هدف سوگندهای خود قرارندهید تاازنیکی کردن، تقوی کردن و بین مردم اصلاح نمودن گریز کنید و خدا بسیار شنوای مدام داناast(۲۲۵)

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٦﴾

خدا شمارا برقسمهای بیهوده شما مواخذه نکند اما بسبب آن[گناه] که قلبهای شما کسب کند شما را مواخذه کند و خدابسیارآمرزنده

+آیت۲۲٤: ستمگران این آیت را برای نزدیکی غیرعادی بازنان خود جواز قرار میدهند. این ظلم بزرگی است. کلمه حرث یعنی کشت دال بر آن اعضای بدن است که موجب تولدنسل اندرصوریتکه نزدیکی غیرعادی هرگزموجب تولدنسل نیست.

بردبار است(۲۲۶)

لِلَّذِيْنَ يُؤْلُوْنَ مِنْ نِّسَآئِهِمْ تَرَبُّصُ اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ ۚ فَاِنْ فَآءُوْ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۲۷﴾

وبرای کسانیکه درباره زنان خود ایلاء کنند چهارماه انتظار کشیدن است. پس اگر رجوع کنند آنگاه خدا آمرزنده ی بارها رحمکننده است(۲۲۷)

وَاِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَاِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۲۲۸﴾

و اگر به طلاق آهنگ کنند پس یقینًا خدا شنوای مدام دانا است(۲۲۸)

وَالْمُطَلَّقٰتُ يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ ثَلٰثَةَ قُرُوْٓءٍ ۭ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ اَنْ يَّكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِيْٓ اَرْحَامِهِنَّ اِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۭ وَبُعُوْلَتُهُنَّ اَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِيْ ذٰلِكَ اِنْ اَرَادُوْٓا اِصْلَاحًا ۭ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِيْ عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ۠ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۭ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۲۲۹﴾ ع ۲۸/۷

و زنانیکه طلاق داده شوندتاسه پاکی خودرانگهدارندوبرای آنان روانیست آنچه راخدادر رحمهای آنان خلق کرده کتمان نمایند اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارندو درآنصورت شوهران آنان بیشترحقدارند که آنها را باز گیرند چنانچه بسازگاری اراده کنند و زنان را [حقوق] است چنانکه به متعارف کسی [مرد] را بر آنها است درحالیکه مردان را بر آنان رجحان هم است و خدا

صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت است(۲۲۹)

اَلطَّلَاقُ مَرَّتٰنِ ۖ فَاِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ تَسْرِيْحٌۢ بِاِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْـًٔا اِلَّآ اَنْ يَّخَافَآ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۗ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۙ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيْمَا افْتَدَتْ بِهٖ ۗ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَا ۚ وَمَنْ يَّتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿۲۳۰﴾

طلاق دو بار است.بعدًابمتعارف نگه داشتن است یا بوجه نیکو رهاکردن است وشمارا روانیست که چیزی از آنچه به آنها دادید پس گیرید مگر اینکه آندوی بترسند که حدهای خدا را بپا نه خواهند کرد و اگر بترسیدکه آن دوی‌حدهای خدا را بپا نخواهند کرد پس بر آندو باکی نیست که آنزن[بخاطر بپایان دادن تنازعه] بدوستی‌چیزی رادرحق مرد ترک کند.این حدهای‌خدااست و ازآنها تجاوز نکنید و هرکه از حدهای خدا تجاوزکند پس آنانندکه ستم کارانند(۲۳۰)

فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْۢ بَعْدُ حَتّٰى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهٗ ۗ فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ اَنْ يَّتَرَاجَعَآ اِنْ ظَنَّآ اَنْ

پس اگراو آنزن راطلاق دهد پس آن زن برای اوحلال نمیگردد تازمانیکه آنزن باشوهری بغیراز او نکاح کند. پس اگراو [هم] به

يُّقِيمَا حُدُوْدَ اللهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٢٣١﴾

آنزن طلاق دهددرآنصورت برآندو باکی نیست که بهم دیگررجوع کننداگریقین دارند که [این بار] حدهای خدا را بپامیکنند و این حدهای‌خدااست که آنها را برای قومی که میدانند بصراحت بیان کرده ایم(۲۳۱)

وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ سَرِّحُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ ۠ وَلَا تُمْسِكُوْهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوْا ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهٗ ۗ وَلَا تَتَّخِذُوْٓا اٰيٰتِ اللهِ هُزُوًا ۠ وَاذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَمَآ اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهٖ ۗ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٢٣٢﴾ ع

و هنگامیکه به زنان طلاق دهید و بغایت مدت معین خود برسند آنگاه یا آنها را طبق دستور نگه دارید یا آنهارابمتعارف رهاکنید و بازمدارید آنان را به اذیت تاتعدی کنید و هرکه اینکار کند یقینًا برخود ستم کرد و آیات خدا را بباد سخریه نگیرید و بخاطر آریدنعمت خدا را برخود و آنچه ازکتاب وحکمت بر شما نازلکرد. بدینوسیله او به شما پند میدهد و از خدا بترسید و بدانید که خدا بهرچیز نیک دانا است(۲۳۲)

ع ۲۹ / ۳ / ۱۳

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳۲﴾

و وقتیکه بزنان خود طلاق دادید و بغایت مدت معین خود برسند پس آنهارابازندارید که با[دیگر] شوهران خود نکاح کنند چون آندو به متعارف رضای هم بروند. این پند به او داده میشود آنکه از شمابه خدا و روزآخرت ایمان دارد.این[طریق] شما را نیکوتر و پاکترکننده است وخدا میداند درحالیکه شما نمیدانید(۲۳۲)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ

و بایستی مادران کودکان خود را دو سال تمام شیردهند بخاطر آن [مرد]که میخواهد رضاعت را بپایان برد وخوراك و لباس آن زنان به متعارف برصاحب فرزند است و تنی تکلیف نمیشود جز توانایش. مادر بمناسبت کودکش آزار داده نه شود و هم نه پدر بمناسبت فرزند خود و بر وارث هم مانند آنست و اگر آن دو با رضایت و مشورت هم بخواهند

عَلَيۡكُمۡ إِذَا سَلَّمۡتُم مَّآ ءَاتَيۡتُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿٢٣٤﴾

شیر را باز گیرند پس بر آندو باکی نیست. اگر بخواهید به فرزندان خود [از جای دیگر] ارضاع کنید بازهم بر شما گناهی نیست وقتیکه آنچه بمتعارف طی کردید پرداخت کرده باشید و از خدا بترسید و بدانید که خدا بینا است به آنچه عمل کنید (٢٣٤)

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗاۖ فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ﴿٢٣٥﴾

و کسانی از شما که بمیرند و همسران باز گذارند آنزنان خود را چهار ماه و ده روز نگهدارند. پس هرگاه بنهایت زمان معین خود برسند آنگاه درمورد آنچه بمتعارف درحق خود انجام دهند بر شما گناهی نیست و خدا مدام آگاهست بآنچه انجام دمید (٢٣٥)

وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا عَرَّضۡتُم بِهِۦ مِنۡ خِطۡبَةِ ٱلنِّسَآءِ أَوۡ أَكۡنَنتُمۡ فِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ سَتَذۡكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّآ أَن تَقُولُواْ قَوۡلٗا

و هیچ گناهی برشما نیست اگر به خواستگاری [آن] زنان به آنها بکنایه تعریض کنید یا در دلهای خود پنهان دارید. خدا میداند که حتمًا شما آنها رابخاطر خواهید

مَّعْرُوْفًا ۚ وَلَا تَعْزِمُوْا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتّٰى يَبْلُغَ الْكِتٰبُ اَجَلَهٗ ۗ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِيْٓ اَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوْهُ ۚ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿۲۳۵﴾

داشت. امابا آنها قرار مخفی نگذارید جز اینکه سخنی نیکوبگوئید و قصد عقدازدواج نه کنید تاآنگاه که بنهایت زمان معیّن خود برسند و بدانید که خدا میداند آنچه در دلهای شماست پس از [عقوبت] اوحذرکنید وبدانید که خدا آمرزنده بردبار است(۲۳۶)

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ مَا لَمْ تَمَسُّوْهُنَّ اَوْ تَفْرِضُوْا لَهُنَّ فَرِيْضَةً ۖ وَّمَتِّعُوْهُنَّ ۚ عَلَى الْمُوْسِعِ قَدَرُهٗ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهٗ ۚ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوْفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۲۳۶﴾

شمارا گناهی نیست اگر بزنانی طلاق دهید که به آنها نزدیکی نکرده اید یا مهریه آنها مقرر نداشته اید وآنها راکمی بهرمند کنید.توانگر را فراخور توانائی او و بر ناتوان فراخورتوانائی اوبفرض است.[این باید]بمتعارف کمی متاعی باشد واین برمحسان لازم تراست(۲۳۷)

وَاِنْ طَلَّقْتُمُوْهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمَسُّوْهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيْضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ اِلَّآ اَنْ يَّعْفُوْنَ اَوْ يَعْفُوَا الَّذِىْ

واگربه آنهاطلاق دهیدقبل ازاین که به آنها نزدیکی کردید وبرای آنهامهریه مقرر داشته ایدآنگاه نصف آن[بدهید]که مقررکردید

بِيَدِهٖ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَاَنْ تَعْفُوْٓا اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى ۚ وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۲۳۸﴾

جز اینکه آنها ببخشندیا آنکس ببخشد که عقدنکاح دردست او است واگردرگذریداین نزدیکتر به تقوٰی است و میان خود برتر بهائی رافراموش نکنیدیقینًاخدا بینااست به آنچه میکنید(۲۳۸)

حٰفِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى ۗ وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قٰنِتِيْنَ ﴿۲۳۹﴾

بر نمازهای [خود] مراقبت کنید خصوصًانمازمیانه راوبرای‌خدا با تسلیم کامل بپاایستید(۲۳۹)++

فَاِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا اَوْ رُكْبَانًا ۚ فَاِذَآ اَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَّا لَمْ تَكُوْنُوْا تَعْلَمُوْنَ ﴿۲۴۰﴾

پس اگر بیمدارید آنگاه پیادگان یاسواران[نمازبخوانید]باز چون ایمن شدید آنگاه خدارایادکنید همانطورکه اوآموخت شما را آن چه را نمیدانستید(۲۴۰)

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ اَزْوَاجًا ۖ وَّصِيَّةً لِّاَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا اِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ اِخْرَاجٍ ۚ فَاِنْ خَرَجْنَ فَلَا

وآنان ازشماکه میمیرندوهمسران باز گذارند در حق همسران خود برای بهره گیری یك ساله بدون اخراج[ازمنازل]وصیت کنندزپس

آیت ۲۳۹– واژه صلاة وسطی را معنای عمومی نماز ظهراست حالانکه صلاة وسطی هریك آن نماز است که عینأمیان مشغولیات خوانده شود. هر چند مشغولیات بیشتر اهمیت این نماز بیشتر.

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤١﴾

اگرآنها[بمیل خود]در روند آنگاه درباره آنچه بمتعارف درحق خود انجام دهند برشماگناهی نیست و خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(٢٤١)

وَلِلْمُطَلَّقٰتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤٢﴾

و زنان مطلقه را نیزبمتعارف بهره مندساختن است.[این درحق آنها]برمتقیان بفرض است(٢٤٢)

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٢٤٣﴾ ع ٣١ ٧ ١٥

اینطورخدا آیتهای خود را برای شما روشن سازد تا شما عقل کنید(٢٤٣)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوْفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ ۠ فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوْتُوْا ۟ ثُمَّ اَحْيَاهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٢٤٤﴾

آیا جهت آنها حالی نشدی که از خانه های خود از ترس مرگ خارج شدندو هزاران بودند؟پس خدا به آنها گفت که مرگ را قبول کنید سپس [این طور] آنها را زنده کرد. یقینًا خدا بر مردم بسیار فضل بخشاء است و اما بیشتر مردم [به او] سپاسداری نمیکنند(٢٤٤)++

++آیت ٢٤٤: معنای موتوا مرگ بدنی نیست چه خودکشی حرام است[بقیه ص٨٤]

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٥﴾

و قتال کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای مدام دانا است(۲۴۵)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً ۚ وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٦﴾

کیست آنکه به خدا قرض حسنه دهدتااوآنرابرایش چندین برابر بیفزاید و خدا [رزق را] جمع میکند و می گشاید و شما بسوی او بازگردانیده میشوید(۲۴۶)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا ۖ قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا ۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ

آیابحال سرداران بنی اسرائیل بعد از موسیٰ نگاه نکردی چون آنهابه پیغمبری گفتندبرایماپادشاه برانگیزتا در راه خداقتال کنیم. گفت،آیا چون نیستید اگر جنگ بر شماواجب گردد جنگ نکنید؟ گفتند و چیست مارا که در راه خدا جنگ نکنیم حالانکه از خانه های‌خود وازفرزندان خودبیرون

بقیه ص: ۸۳ قرآن از طرف دیگر بارها اعلان کرده است هرکه یکبار ازین دنیا رفت دوباره برنمیگردد لذا معنی موتوا وارد کردن مرگ بر هوائی نفسانی است بطوریکه قول صوفیان است موتوا قبل ان تموتوا ـ قبل ازآنکه شمارا فوت آید خودتان بمیرید.

تَوَلَّوۡا اِلَّا قَلِيۡلًا مِّنۡهُمۡ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيۡمٌۢ بِالظّٰلِمِيۡنَ﴿۲۴۷﴾

رانده شدیم.پس گامیکه جنگ بر آنهالازم کرده شد روی برتابیدند جز اندکی از آنها و خدا به ستم کاران بخوبی آگاه است(۲۴۷)

وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ اِنَّ اللّٰهَ قَدۡ بَعَثَ لَـكُمۡ طَالُوۡتَ مَلِكًا ؕ قَالُوۡٓا اَنّٰى يَكُوۡنُ لَهُ الۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ اَحَقُّ بِالۡمُلۡكِ مِنۡهُ وَلَمۡ يُؤۡتَ سَعَةً مِّنَ الۡمَالِ ؕ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اصۡطَفٰىهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهٗ بَسۡطَةً فِى الۡعِلۡمِ وَالۡجِسۡمِ ؕ وَاللّٰهُ يُؤۡتِىۡ مُلۡكَهٗ مَنۡ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيۡمٌ﴿۲۴۸﴾

وپیغمبرآنان بدیشان گفت.خدا برای شما طالوت را پادشاه برانگیخته است گفتند چطور میشودکه او را برماسلطنت باشد حالانکه ما برای پادشاهی سزا وارتر از اوهستیم و او فراخی مال هم نداده شده است. گفت: یقینًا خدا او را برشما برگزیده و او را در علم و جسم فراخی افزوده است و خداپادشاهی خود را به هرکه بخواهد در میدهد و خدا گشایش بخشاء صاحب علم دائمی است(۲۴۸)++

وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ اِنَّ اٰيَةَ مُلۡكِهٖۤ اَنۡ يَّاۡتِيَكُمُ التَّابُوۡتُ فِيۡهِ سَكِيۡنَةٌ مِّنۡ رَّبِّكُمۡ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ اٰلُ مُوۡسٰى وَاٰلُ هٰرُوۡنَ

و پیغمبرایشان بدیشان گفت همانا علامت پادشاهی او آن است که بشما تابوتی میرسدکه درآن از پروردگار شما سکینه و

تَحۡمِلُهُ الۡمَلٰٓئِكَةُ ؕ اِنَّ فِىۡ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لَّكُمۡ اِنۡ كُنۡتُمۡ مُّؤۡمِنِيۡنَ ﴿۲۴۹﴾

باقیمانده آن چیزاست که آل موسٰی و آل هارون وا گذاشتند. فرشتگان آنرا برداشته باشند یقینًا شمارا دراین آیتهای است اگر شما دارندگان ایمان اید(۲۴۹)++

ع ۳۲ ۱۶

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوۡتُ بِالۡجُنُوۡدِ ۙ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ مُبۡتَلِيۡكُمۡ بِنَهَرٍ ۚ فَمَنۡ شَرِبَ مِنۡهُ فَلَيۡسَ مِنِّىۡ ۚ وَمَنۡ لَّمۡ يَطۡعَمۡهُ فَاِنَّهٗ مِنِّىۡٓ اِلَّا مَنِ اغۡتَرَفَ غُرۡفَةً ۢ بِيَدِهٖ ۚ فَشَرِبُوۡا مِنۡهُ اِلَّا قَلِيۡلًا مِّنۡهُمۡ ؕ فَلَمَّا جَاوَزَهٗ هُوَ وَالَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا مَعَهٗ ۙ قَالُوۡا لَا طَاقَةَ لَنَا الۡيَوۡمَ بِجَالُوۡتَ وَ جُنُوۡدِهٖ ؕ قَالَ الَّذِيۡنَ يَظُنُّوۡنَ اَنَّهُمۡ مُّلٰقُوا اللّٰهِ ۙ كَمۡ مِّنۡ فِئَةٍ قَلِيۡلَةٍ غَلَبَتۡ فِئَةً كَثِيۡرَةً ۢ بِاِذۡنِ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيۡنَ ﴿۲۵۰﴾

پس هنگامیکه طالوت با لشکر خود رهسپارشد گفت:یقینًا خدا شما را از نهری آزمایش میکند. پس هرکه ازآن [بپُری]بنوشد از من نیست و آنکه ازآن نمینوشد ازمن است مگرآنکه به کفی بدست خودبگیرد.پس نوشیدند از آن مگر اندکی از آنها. پس هنگامیکه او و آنانکه با او ایمان آورده بودند از آن نهر عبور کردند [نافرمانان] گفتند: امروز به[مقابل] جالوت و لشکریانش مارا تابی نیست. آنانکه گمان کردند که آنان ازخدا دیدارکننده اند گفتند چه بساگرومی‌کم تعداد

باذن خدا بر گروهی بسیار تعداد غالب آمدند و خدا با شکیبایان است(۲۵۰)++

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٥١﴾

پس گامیکه برای [مقابله] جالوت ولشکریانش نمودار شدند گفتند: پروردگاراصبربرما نازل کن و قدمهای ماراثابت بدار و مارا بر قوم کافران یاری کن(۲۵۱)++

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللّٰهِ ۛ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَاٰتٰهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهٗ مِمَّا يَشَآءُ ؕ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ ۙ لَّفَسَدَتِ الْاَرْضُ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ ذُوْ فَضْلٍ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢٥٢﴾

پس ایشان به اذن خدا آنها را هزیمت دادند و داؤد جالوت را کشت و خدا او را پادشاهی و حکمت درداد و آموخت او را از آنچه دوستداشت واگرخدا بعضی از مردم را با بعضی حفظ نمی کردحتمًا زمین پر فساد میشد و اما خدا را بر عالمیان فضلی فراوان است(۲۵۲)++

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ؕ وَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٢٥٣﴾

این آیتهای خدا است که بر تو بحق میخوانیم و بیگمان تو از پیغمبران هستی(۲۵۳)

آیتها۲٤۸ تا۲۵۲ـ اگراین آیات به دقت خوانده شوندمراد از طالوت همان حضرت

داؤد علیه السلام اند که دشمن ایشان جالوت بود. پس اگر این آیتها در تسلسل خوانده شوند واژه های جلوتر "قتل داؤد جالوت" روشن میسازند که آن جالوت که دراینجا مذکوراست دشمن حضرت داؤدبودکه ازدست ایشان شکست خورد. قبل ازین ایشان بنام داؤدخوانده نشدند. علت این معلوم میگردد که ایشان را نبوت و حکمت پس ازین غلبه اعطا شد و مراد از حکمت، نبوت بدون شریعت نیز میباشد.

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ۘ مِنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللّٰهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجٰتٍ ۚ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِيْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَلٰكِنِ اخْتَلَفُوْا فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلُوْا ۗ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ﴿٢٥٤﴾

ایشان پیغمبران اند که بعضی از ایشان را بر بعضی فضیلت دادیم بعضی از ایشان اند که خدا با ایشان [رویا روی] تکلم کرد و بعضی را رفعت رتبه و مقام داد وعیسیٰ بن مریم را نشانه هایی آشکاردادیم و او راباروح القدس تاییدنمودیم واگرخدا میخواست آنانکه پس ازایشان بودند ازاین پس که نشانه های روشن به آنان آمده بود به جان همدیگر نمی پرداختند واماآنها[ازهم] اختلاف کردند.پس ازآنهابودند که ایمان آوردند و از آنها بودند که انکار کردند وخدا اگرمیخواست بقتل همدیگر نمیپرداختند و اما خدا انجام دهد هرچه میخواهد(۲۵٤)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا شَفَاعَةٌ ۚ وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٥٥﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید انفاق کنید از آنچه بشما درداده ایم از آن پیش که روزی فرا رسد که در آن نه دادوستد باشد

ونه دوستی و نه شفاعت وکافران اند که ستمکاراانند(۲۵۵)

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ۚ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ ؕ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ ؕ مَنْ ذَا الَّذِیْ یَشْفَعُ عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ؕ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۚ وَلَا یُحِیْطُوْنَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِیُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ۚ وَلَا یَئُوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ ﴿۲۵۶﴾

خدااجز او کسی معبود نیست ـ مدام زنده قائم بالذات ـ نه او را غنودگی فرا گیرد و نه خواب. هرچه درآسمانها است و هرچه در زمین ازآن او است. کیست که درمحضراو بلااذن اوشفاعت کند. او میداند هرچه پیش روی آنها است و هرچه پشت سرآنها است وازعلم او احاطه نکنند هیچ هم مگربه آن [اندازهٔ] که او بخواهد. پادشاهی او برآسمانهاوزمین پهن است.نگهداری‌هردو به اوسنگینی نکند. او صاحب بلندترین شأن و صاحب عظمت است(۲۵٦)

لَآ اِكْرَاهَ فِی الدِّیْنِ ۙ قَدْ تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ ۚ فَمَنْ یَّكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَیُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰی ۗ لَا انْفِصَامَ لَهَا ؕ وَاللّٰهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ﴿۲۵۷﴾

دردین اجبارنیست.مسلمًا هدایت ازگمراهی‌بازشناخته شد. پس هر که به طاغوت انکارکندوایمان به خداآورد پس اوچنگ زد به دست گیره که آنراگسیختن نیست و

اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۗ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَوْلِيٰٓـُٔهُمُ الطَّاغُوْتُ يُخْرِجُوْنَهُمْ مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ ۗ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۲۵۸﴾

خدابسیارشنواصاحب علم دائمی است(۲۵۷)+ +

خدادوستدارآنان است که ایمان آوردند.آنانراازتاریکیها بروشنی بیرون میآورد وآنانکه کفرکردند دوستان آنها طاغوت اند که آنها راازروشنی به تاریکی ها بیرون میآرند. آنها اهل آتشند که مدت دراز در آن میمانند(۲۵۸)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْ حَآجَّ اِبْرٰهٖمَ فِيْ رَبِّهٖٓ اَنْ اٰتٰىهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ ۘ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّيَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۙ قَالَ اَنَا اُحْيٖ وَاُمِيْتُ ۗ قَالَ اِبْرٰهٖمُ فَاِنَّ اللّٰهَ يَاْتِيْ بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِيْ كَفَرَ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۲۵۹﴾

آیا بحال آنکس نگریستی که با ابراهیم در مورد پروردگارش محاجه کردچه خدااورا پادشاهی درداده بود و چون ابراهیم گفت پروردگارم آنست که زنده میکند و میمیراند. او گفت منهم زنده میکنم و می میرانم.ابراهیم گفت براستی‌خدا خورشید را ازشرق

++آیت ۲۵۷ـ مطابق این آیة ایمان کسی را بااجبار تبدیل کردن کلیة منع است لا اکراه فی‌الدین ـ مفهومش اینست که اجبار در دین به ذرهٔ هم جایزنیست البته برکسیکه حق آشکار شد مثلش طوری است گویی که او چنگ زده به دستگیرهٔ ی که دستش میتوان برید ولی از آن دستگیره جدا نتوان کرد.

میآرد تو آنرا از غرب بیآر.پس آنکه کفرکرده بودسرگشته ماند و خدا قوم ستمگران را هدایت نمیدهد(۲۵۹)++

اَوْ كَالَّذِىْ مَرَّ عَلٰى قَرْيَةٍ وَّهِىَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوْشِهَا ۚ قَالَ اَنّٰى يُحْىٖ هٰذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ فَاَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهٗ ؕ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ؕ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ؕ قَالَ بَلْ لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ اِلٰى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۚ وَانْظُرْ اِلٰى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَانْظُرْ اِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا ؕ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗ ۙ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٦٠﴾

یامثل آنکس را[اندیشیدی]که بر شهری گذر کرد درحالیکه آن بر سقفهای‌خود افتاده بود؟او گفت: خداچطورآنرابعد ازمرگش زنده کند؟ پس خدا وی را وادار به [حالتی مانند] مرگ صد سالگی کرد. سپس وی را برخیزاند. پرسید چند[دراینحالت] ماندی؟ او گفت: روزی یا پارهٔ از روز. [خدا]گفت: بلکه صدسال ماندی. پس بسوی خوردنی خود و آشامیدنی خود بنگر که آن ناپوسیده است و به اولاغ خود بنگر.اینست تا تو را برای مردم

++آیت ۲۵۹ـ شأن استدلال حضرت ابراهیم اینست چون شخص متقابل ایشان خورشیدپرست بود بدوگفتند.برخورشیدغلبه بیاب. پروردگارم آنراازشرق می آرد تو آنراازغرب بیآر.پس اومبهوت ماندچه اونمیتوانست حرفی‌خلاف دین خود برزند.

وَإِذْ قَالَ إِبْرٰهِمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتٰى ۖ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ ۖ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَاعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۶۰﴾ ع ۳۵

آیتی قراردهیم وبسوی استخوانها بنگرکه چطورآنهارا برخیزانیم سپس به آنهاگوشت میپوشانیم. پس چون امر بر او روشن شد گفت:بخردیافته ام که خدا به هر چیزمدام قدرتمند است(۲٦۰)++

و [آیاتدبرکردی] چون ابراهیم گفت: پروردگارا ! مرا نشان بده چگونه مردگان را زنده کنی؟ گفت، آیا ایمان نیآورده ای؟او گفت:بلی، واما [پرسیده ام]تاقلبم اطمینان بیابد.اوگفت،چهارپرنده بگیرو آنهارا با خود رام کن باز ازآنهایکایک رابرمرکوهیبگذار. سپس آنها را بخوان که بشتاب

آیت ۲٦۰ــ ظاهراً از این آیت چنین میرسدبطوریکه مفسران نیزاخذکرده اند که خدا شخصی را به صدسال میراند و پس از صد سال زنده نمود که خورد و خوراك و اولاغش وغیره موجود و سالم بود. این استنباطی بی اساس و گستاخگوئی نسبت به قرآن است. درحقیقت خدا او را در حالت خواب یك شبی. رویدادهای صدسال آینده را نشان داد. پس وقتیکه او بیدار شد خداوند بدو گفت اینك نگاه کن که الاغت و هم خورد و خوراکت همینطور موجود است که شب اینجا گذارده بودی.

نزد تو میآیند و بدان که خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۲٦۱)++

مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ؕ وَاللّٰهُ يُضٰعِفُ لِمَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿۲٦۲﴾

مثل کسانیکه مالهای خود را در راه خدا انفاق میکنند بمثل دانهٔ است که هفت خوشه میرویاند. درهرخوشه صد دانه باشد و خدا بهرکه میخواهد [از اینهم]فزونتر میدهد وخدا فراخ عطاء صاحب علم دائمی است(۲٦۲)

اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ مَآ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَآ اَذًى ۙ

آنانکه مالهای خود را در راه خداانفاق میکنندسپس آنچه انفاق

آیت۲٦۱ـ مفسران درمورد این آیت نیزاشتباه میکنندچون میپندارندکه به حضرت ابراهیم فرمان شده بود که چهار پرنده را بپروراند و باز آنها را قیمه قیمه کرده کم کم قیمه را به اطراف شمال، جنوب، شرق وغرب بنهد و ازآن پس آنهارابسوی خود بخواندتامیآیند. لغت زبان عربی هرگز بدین معنا اجازه نمیدهد. کلمات "صرهن الیك" بمعنای "اَمِلْهُنَّ. مِن الصّور اي اَلمَيْلُ" است ـ فعل صُر از صور مشتق است یعنی مایل کردن پس "صرهن الیك" را معنی است که آنهارا بسوی خود مایل کن و رام[انس گرفته]کن وقال بعضهم: صرهن اي صح بهن ـ بعضیهاگفتندکه صرهن را معنای است که آنها را صدا کرده بسوی خود بخوان [مفردات امام راغب]پس بر همین منوال آن روان خجسته که میخواهند به خدا انس گیرند چون خدا ایشان را ندا بزنند بی اختیار بسوی خدا میگرایند.

لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾

میکنند منتی و اذیتی را بدنبال نمی آرند پاداش ایشان نزد پروردگارایشان است ونه ایشان در بیم باشند و نه ایشان اندوه خورند(۲٦۲)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾

سخنی نیکو و گذشت بهتر از آن صدقه است که آن با آزاری دنبال شود و خدا بی نیاز بردبار است(۲٦٤)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید صدقات خود را با منت و آزار بهدرندمید مانند کسیکه مال خود رابریاءمردم انفاق کند و ایمان به خدا و روزآخرت نمیآرد. پس مثل او بمانند سنگی ممور است که بر آن [لایه] خاك باشد. برآن بارانی سنگین قطران ببارد و آنرا تهی‌وتمیزبگذارد.مرچه کسب کنند برآن هیچ اختیاری ندارند و خدا قوم کافران را هدایت نمیدمد(۲٦۵)

وَمَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ اَصَابَهَا وَابِلٌ فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ ۚ فَاِنْ لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۲۶۶﴾

ومثل آنانکه انفاق کنند مالهای خود را بطلب خوشنودی‌خدا و برای‌استواری‌بعضی‌ازنفوس خود همچون آن باغی است که برجای بلند واقع باشد [و] آنرا بارانی سنگین قطران برسد پس میوه خود را فزونتربیآرد واگر باران سنگین قطران به آن نرسد همین باران نم نم بسنده است و خدا به آنچه کنید بینا است(۲٦٦)

اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُوْنَ لَهٗ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ لَهٗ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ ۙ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهٗ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ ۖ فَاَصَابَهَآ اِعْصَارٌ فِيْهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۶۷﴾ ع

آیا کسی ازشما دوستدارد که او راباغی ازخرماوانگورباشدکه در دامنه آن نهرها روان باشد. برای او در آن میوه های‌هرنوع باشد واو را پیری‌رسیده باشددرحالی که اورا فرزندان ناتوان باشند. آنگاه آنرا گردبادی برسد که درآن آتش[سان گرما]باشد پس آن[باغ]بسوزد.اینگونه خداآیات رابرایشماروشن میسازد تا باشد شماتفکر کنید(۲٦۷)

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا۟ ٱلْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوا۟ فِيهِ ۚ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٨﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید انفاق کنید از آن پاکیزه های که کسب کنید و ازآنچه که از زمین برایشما بیرون آوردیم و قصد نه کنید به ناپاك که از آن [درراه خدا] انفاق کنید حالیکه خودتان گیرنده آن نیستید مگر اینکه در مورد آن نادیده بگیرید و بدانید که خدا بی نیاز صاحب ستایش است(۲٦۸)

ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ ۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٩﴾

شیطان شمارا تهدید تهیدستی کند و بفحشائی فرمان میدهد حالیکه خدا شمارا ازخود وعده آمرزش و فضل میدهد و خدا فراخ عطاء صاحب علم دائمی است(۲٦۹)

يُؤْتِى ٱلْحِكْمَةَ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ ٱلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْرًا كَثِيرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢٧٠﴾

مرکه را خواهد حکمت اعطا کند و آنکه حکمت داده شد پس یقینًا اوخیری فراوان داده شد و کسی پندنگیردجز صاحبان خرد(۲۷۰)

وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُهُۥ ۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ

وهرچه ازنفقه انفاق کردیدیااز نذرماندرکردیدپس یقینًاخدا آن

اَنْصَارٍ ﴿۲۷۱﴾

را میداند و ستمکارانرا یاوری نیست(۲۷۱)

اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقٰتِ فَنِعِمَّا هِيَ ۚ وَاِنْ تُخْفُوْهَا وَتُؤْتُوْهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ؕ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّاٰتِكُمْ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۲۷۲﴾

اگر صدقات را آشکارا دمید پس این خیلی خوب است و اگر آنها راپنهان کنیدوآنهارا به تهیدستان بدمیدپس آن برای شما نیکوتر است و [خدا] بسی ازگناهان شما راازشمادورکند وخدا مدام آگاه است به آنچه انجامدمید(۲۷۲)

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدٰىهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلِاَنْفُسِكُمْ ؕ وَمَا تُنْفِقُوْنَ اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّٰهِ ؕ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ يُّوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ﴿۲۷۳﴾

هدایت آنها بر تو نیست ولکن خدااست که بهرکه خواهد هدایت میدهد و هرچه ازمال انفاق کنید پس بنفع خود شما است و شما که فقط بطلب خوشنودی خدا انفاق میکنید وهرچه ازمال انفاق کنید بلاکم و کاست به شما باز گردانیده شودوقطعًاشماستمکرده نشوید(۲۷۳)

لِلْفُقَرَآءِ الَّذِيْنَ اُحْصِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ضَرْبًا فِي الْاَرْضِ ۫ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ اَغْنِيَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ ۚ

[این انفاق] برای آن نیازمندان است که درراه خدامحصورکرده شدند و آمدوشد درزمین راطاقت

تَعْرِفُهُمْ بِسِيمٰهُمْ ۚ لَا يَسْـَٔلُوْنَ النَّاسَ اِلْحَافًا ؕ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ﴿۲۷۴﴾

نیآرند. نادانی آنان را بعلت خودداری آنان [ازسوال کردن] توانگر میشمارد [اما] ایشان را ازسیمای‌ایشان میشناسی. ایشان از مردم با اصراروالحاح سوال نمیکنند و هرچه از مال انفاق کنید پس یقینًا خدا به آن آگاه است(۲۷۴)

اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَّ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۲۷۵﴾

آنانکه اموال خود را شب و روز نهان و عیان انفاق کنند پس آنان را پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان است و نه ترسی برایشان باشد و نه ایشان اندوه خورند (۲۷۵)

اَلَّذِيْنَ يَاْكُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا يَقُوْمُوْنَ اِلَّا كَمَا يَقُوْمُ الَّذِىْ يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْٓا اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبٰوا ۘ وَاَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا ؕ فَمَنْ جَآءَهٗ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ فَانْتَهٰى فَلَهٗ مَا سَلَفَ ؕ وَاَمْرُهٗٓ اِلَى اللّٰهِ ؕ وَمَنْ عَادَ

آنهاکه رباخورند نمیایستند مگر مانند ایستادن آنکه مسّ شیطان او را حواس باخته ساخته است این بدانعلت است که آنها گفتند که تجارت مانند ربأ است در حالیکه خدا تجارت را حلال و ربارا حرام ساخته است.پس آنکه

فَأُولَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٧٦﴾

به او پندی‌ازپروردگارخودبرسد ودست[از ربأ] بردارد پس آنچه گذشته است برای‌اواست وکارش باخدااست وآنکه اینکار را اعاده کندپس همانهاندکه اهل آتشند. آنهادرآن مدت درازبمانند(۲۷۶)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَوٰا وَيُرْبِي الصَّدَقَٰتِ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٧﴾

خدا ربأ را میزداید و صدقات را میفزایدوخداهرناسپاسی بزهکار را دوست ندارد(۲۷۷)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا الزَّكَوٰةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٨﴾

بیگمان کسانیکه ایمان آوردند و نیکوکاریهاکردند و نماز را بپای داشتند و زكوٰت دادند آنها را پاداش ایشان نزد پروردگار ایشانست. نه بیمی‌برایشان باشد ونه ایشان اندوه خورند(۲۷۸)

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَوٰٓا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٧٩﴾

ای آنانکه ایمان آورده اید از خدا بترسیدوترک کنید آنچه از ربأ باقی مانده است اگر شما مومنانید(۲۷۹)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ

پس اگر [ترك]نكنيد آنگاه از خداو رسول اعلام جنگ بشنوید

اَمْوَالِكُمْ ۚ لَا تَظْلِمُوْنَ وَلَا تُظْلَمُوْنَ ﴿٢٨٠﴾

واگرتوبه کنید آنگاه رأس المال شمابرای شما است. نه ستم کنید ونه ستم برشماکرده شود(٢٨٠)

وَاِنْ كَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ ۗ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٨١﴾

و اگرکسی تهیدست است پس تا توانگری مهلت دادن است و اگر صدقه دهید شما را نیکوتر است کاش شمامیدانستید(٢٨١)

وَاتَّقُوْا يَوْمًا تُرْجَعُوْنَ فِيْهِ اِلَى اللّٰهِ ۗ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٢٨٢﴾

وبترسید از روزیکه درآن بسوی خدا بازگردانیده شوید.سپس هر جان داده شود درخورآنچه کسب کرد و قطعًا آنها ستم کرده نشوند(٢٨٢)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوْهُ ۗ وَلْيَكْتُبْ بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِالْعَدْلِ ۖ وَلَا يَاْبَ كَاتِبٌ اَنْ يَّكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ ۚ وَلْيُمْلِلِ الَّذِىْ عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـًٔا ۗ فَاِنْ كَانَ الَّذِىْ عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيْهًا اَوْ ضَعِيْفًا اَوْ لَا

ای کسانیکه ایمان آورده اید! چون بهمدیگر برای زمانی معین به وام معامله کنید آنگاه آنرا بنویسید و نویسندهٔ میان شما باید به داد بنویسد و نویسندهٔ ی خودداری نکند از اینکه بنویسد. پس باید بنویسد بطوریکه خدا او را آموخته است و بایدیکته گویدآنکه بر اوحق[دیگری]است

يَسْتَطِيعُ اَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَاِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَاَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰيهُمَا فَتُذَكِّرَ اِحْدٰيهُمَا الْاُخْرٰى وَلَا يَاْبَ الشُّهَدَآءُ اِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْئَمُوا اَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا اَوْ كَبِيرًا اِلٰى اَجَلِهِ ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰى اَلَّا تَرْتَابُوا اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَلَّا تَكْتُبُوهَا وَاَشْهِدُوا اِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَاِنْ تَفْعَلُوا فَاِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّٰهُ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۲۸۲﴾

وبایدازخداپروردگارخودبترسد و هیچ هم از آن کم و کاست نکند پس اگر آنکه بر او حق [دیگری] است نادان یا ناتوان است یانتواند اینکه دیکته گوید [آنگاه بجایش] دیکته گوید بداد آنکه ولی او است و دو مرد گواه راازمردان خودبگواهی بگیرید. پس اگردو مرد نباشند آنگاه یك مردودو زن از گواهان که آنها را دوستداریدچه اگریکیازآندو زن فراموش کند پس دیگری یادش بدهد و گواهان هرگاه خوانده شوند خودداری نکنند و[معامله] کوچك است یابزرگ ازنوشتن [قرارداد کامل] آن بمدتی معین بتنگ نیآییداین طرزعمل شما نزدخدا منصفانه ترو به برقراری شهادت اقدامیاستوارتر وبه این امرنزدیکترباشد که به شك مبتلا نگردید[نوشتن لازم است] مگر

وَاِنْ كُنْتُمْ عَلٰى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا كَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوْضَةٌ ؕ فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِى اؤْتُمِنَ اَمَانَتَهٗ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ ؕ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ؕ وَمَنْ يَّكْتُمْهَا فَاِنَّهٗۤ اٰثِمٌ قَلْبُهٗ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿۲۸۴﴾

ع ۳۹ ۲ ۷

لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ؕ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِىْۤ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ

اینکه دادوستد بین شما حاضر و دست وبدست باشد. آنگاه برشما باکی نیست که آنرا نه نویسید و چون بهم دادوستد [مدت دار] کنیدگواه بگیرید و آزار داده نه شود نویسنده و نه گواه و اگر بکنید پس مسلمًا این برای شما گناهی بزرگست و ازخدابترسید درحالیکه خدا به شما میآموزد و خدابهرچیزنیك داناست(۲۸۳)
و اگر بر سفر باشید و نویسندهٔ نیابید آنگاه گروئی بدست ـ و اگرکسی ازشماکسی‌را امین داند پس باید آنکه امین شناخته شد امانت او را ادا کند وباید از خداپروردگارخودبترسدوگواهی راکتمان نکنید وهرکه آنراکتمان کندپس یقینًا قلبش گناهکار است وخدامیداندآنچه میکنید(۲۸٤)
هرچه درآسمانهااست وهرچه در زمین ازآن خدااست واگرآنچه

يُحَاسِبْكُم بِهِ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۲۸۵﴾

را که در دلهای شما است عیان کنید یا آنرا نهان کنید خدا شما را با آن محاسبه خواهد کرد.پس هرکه را بخواهد میآمرزد و هرکه راخواهدعذاب میدهد وخدا برهر چیز مدام قدرتمند است(۲۸۵)

اٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهٖ وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلٌّ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ ﴿۲۸۶﴾

ایمان آورد رسول برآنکه بر او از پروردگار او نازلکرده شد و مومنان.هریك به خداو فرشتگان او و کتابهای او و رسولان او ایمان آورد [بااین گفتار که ما] میان هیچکدام ازرسولان او فرق نمی گذاریم وگفتند ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگاراطالب بخشش تو هستیم و بازگشت به سوی تواست(۲۸۶)

لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ اِنْ نَّسِيْنَآ اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهٗ عَلَى

خدا کسی را مکلف نمیکند مگر باندازه توانایش. درحق او است آنچه[نیکی]بدست آورد وبرخلاف او است آنچه [بدی] بدست آورد. پروردگارا! اگرفراموش کنیم یا

الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ ۚ وَاعْفُ عَنَّا ۗ وَاغْفِرْ لَنَا ۗ وَارْحَمْنَا ۗ اَنْتَ مَوْلٰنَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۲۸۷﴾ ع

خطا ما را به مواخذه نگیر. پروردگارا! باری برما نگذار که بر پیشینیان ما[در نتیجه گناهان آنها] گذارده بودی. پروردگارا! باری بر ما نگذار که ما را به آن تاب آوردن نیست و از ما عفوکن و مارا بیامرز و بر ما رحم کن. توئی مولای ما پس مارا در مقابل قوم کافران پیروزی اعطاء کن(۲۸۷)

# ۳ - سورة آل عمران

این سورة در سومین سال هجرت در مدینه نازل شد و با بسم اللہ ۲۰۱آیت دارد.

دراین سورة مخصوصاًسخن از آن سه گروه ضالین گفته میشود که در سورة الفاتحه مذکور اند و از این جهت درباره آغاز مسیحیت، تولد حضرت مریم و تولد معجزانۂ حضرت عیسٰی علیه الصلوة و السلام و از آن سلوك مهر و برتربهائی که خداوند درحق حضرت مریم علیهاالصلوة والسلام نشان داد و چطور او رزقی را از غیب برای ایشان میفرستاد نیز ذکر میشود. اوضاع حاکی از اینست که آرزو فوق العادۂ ی که به دل حضرت زکریا علیه السلام درمورد فرزندی پاك راه یافت ناشی از فکرکردن ایشان نسبت به پاکیزگی حضرت مریم بود.

در این سورة معجزات حضرت عیسٰی علیه السلام از این جهت یاد شدند که آنچه ازخواندن بایبل درباره معجزات ایشان اشتباهاً فراگرفته میشود قرآن آن همه را با بیان کردن حقیقت معجزات رد کرده است. اینجا سخن از وفات طبیعی حضرت عیسی نیز گفته میشود.

در این سورة درمقابل میثاق یهود ذکر از میثاق انبیاء که از همه ای پیغمبران گرفته شد یافت میشود.میثاق انبیاء مجملاًعبارت از اینست که اگر بعد از شما چنین پیغمبران خداوند ظهورکنند که به تعلیمات نیکوی شما تصدیق کننده و برآن عمل کنندگان باشند آنگاه بر ملتهای شما بفرض است که به ایشان یاری دهند. این آن میثاقی است که در سورة الاحزاب

نیز تذکر داده میشود و از آنحضرت ﷺ نیز همین میثاق گرفته شده بود.

دراین سورة علاوه بر دیگرامور فلسفهٔ قربانی از دارائی ها نیز بیان شده است یعنی قربانی شما تا آنگاه که چیزی را که دوست دارید و آنچه زیباترین بچشم بخورد، در راه خدا انفاق نکنید، پذیرفته نمیشود.

پیروزی معجزانه آنحضرت ﷺ در بدر که زمان پیروزیهای اسلام از آن پس آغازگرفت نیز یاد کرده میشود. ذکر از جنگ احد نیز است که چگونه یاران رسول الله ﷺ در پیروی حضرت اسماعیل علیه السلام جانهای خود را قربان مانند گاؤ و میشها در راه خدا کردند ولی دامن رسول الله ﷺ را از دست ندادند.

☆ سُوْرَةُ آلِ عِمْرَانَ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَتَا اٰيَةٍ وَّ اٰيَةٌ وَّ عِشْرُوْنَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①
بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحمکننده(۱)

الٓمّٓ ②
أَنَااللّٰهُ اَعْلَمُ - منم خدا داناتر از همه(۲)

اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَيُّوْمُ ③
خداا جز او هیچ معبود نیست او لم یزل و لایزال است(۳)

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ④
او کتاب را برتو بحق نازل کرد تصدیق کننده آنچه پیشروی‌آنست ونازلکردتورات وانجیل را (٤)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ⑤
ازاین قبل مردم راهدایت ونازل کرد فرقان را. یقینًا آنانکه به آیتهای‌خداکفرکردندآنانرا۶ذابی سخت است و خدا صاحب غلبه کامل وانتقام گیرنده است(۵)

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَآءِ ⑥
یقینًاخدااست که چیزی براو در زمین و نه در آسمانها مخفی نمی ماند(٦)

هُوَ الَّذِیْ يُصَوِّرُكُمْ فِی الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ⑦
اوست آنکه به شما شکل میدهد در رحمها هر طور که میخواهد.

هیچ معبودی نیست مگر او که صاحب غلبهٔ کامل صاحب حکمت است(۷)

هُوَ الَّذِیٓ اَنۡزَلَ عَلَیۡكَ الۡكِتٰبَ مِنۡهُ اٰیٰتٌ مُّحۡكَمٰتٌ هُنَّ اُمُّ الۡكِتٰبِ وَاُخَرُ مُتَشٰبِهٰتٌ ؕ فَاَمَّا الَّذِیۡنَ فِیۡ قُلُوۡبِهِمۡ زَیۡغٌ فَیَتَّبِعُوۡنَ مَا تَشَابَهَ مِنۡهُ ابۡتِغَآءَ الۡفِتۡنَةِ وَابۡتِغَآءَ تَاۡوِیۡلِهٖ ؔۚ وَمَا یَعۡلَمُ تَاۡوِیۡلَهٗۤ اِلَّا اللّٰهُ ؔۘ وَالرّٰسِخُوۡنَ فِی الۡعِلۡمِ یَقُوۡلُوۡنَ اٰمَنَّا بِهٖ ۙ كُلٌّ مِّنۡ عِنۡدِ رَبِّنَا ۚ وَمَا یَذَّكَّرُ اِلَّاۤ اُولُوا الۡاَلۡبَابِ ۝۸

اوست آنکه نازل کردبرتوکتاب را [که] از آنست آیتهای[بعنوان] محکمات[که]آنها مادر کتاب اند و برخی دیگر [بعنوان] متشابهات است.پس آنانکه در دلهای آنها کجی است آنگاه آنها ازپی فتنه گری‌وبخاطرتاویلش آنچه ازآنرا دنبالکنندکه متشابهات است حال آنکه تاویلش نداندمگرخداوآنان که به علم نافذاند.ایشان میگویند ما براین ایمان آوردیم و همه ای آن ازپروردگارماست وکسی‌پند نمیگیردجزخردمندان(۸)++

رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوۡبَنَا بَعۡدَ اِذۡ هَدَیۡتَنَا وَهَبۡ

پروردگاراانگذارکه دلهای ما کج

آیت ۸ـ برخی‌ازآیتهای قرآن دراین معنا محکمات اندکه ازآنها دیگرهیچ معنای نادرست نتوان گرفت و اما تاویل آیت های متشابه احتمال میدهد که معنای نادرست گرفته شود. پس اگر این تاویل عطف به محکمات کرده شود آنگاه آیت های محکم آنرا ردمیکنند و به همین دلیل آنان ام الکتاب گفته میشوند.

لَنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۹﴾

گرددپس از آنگاه که ماراهدایت دادی ومارا ازنزدخودرحمت بده. یقیناًتوبسیارفراخ اعطائی(۹)

رَبَّنَآ اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيْهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ﴿۱۰﴾ ع

ای‌پروردگارما!یقیناً تومهٔ مردم رابرای‌روزیکه درآن شکی نیست جمع کننده ای. یقیناً! خدا خلف وعده نمیکند(۱۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُھُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـــًٔا ۭ وَاُولٰۗىِٕكَ ھُمْ وَقُوْدُ النَّارِ ﴿۱۱﴾

البته آنانکه کفرکردند مالهای آنان و فرزندان آنان در مقابل خداهیچ بکارآنان نیآیند و همانها سوخت آتش اند(۱۱)

كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ ۙ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۚ فَاَخَذَھُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ ۭ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿۱۲﴾

مانند شیوهٔ قوم فرعون و آنهائی که پیش از آنهابودند به آیات ما تکذیب کردندپس خدا آنها را به گناهان آنان بگرفت وخداسخت عقوبت است(۱۲

قُلْ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَتُغْلَبُوْنَ وَتُحْشَرُوْنَ اِلٰى جَهَنَّمَ ۭ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۱۳﴾

بگوبه آنها که کفرکردند که حتماً مغلوب کرده شوید و جمع کرده به سوی‌جهنم برده شوید و آن جایگاهی بسیار زشت است(۱۳)

قَدْ كَانَ لَكُمْ اٰيَةٌ فِيْ فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۭ فِئَةٌ

یقیناًبرایشما آیتی بود در دو

تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٤﴾

گروه که رویا روی هم شدند. گروهی بخاطر خدا قتال میکردند و دیگری کافر بودندکه آنها را ایشان بچشم ظاهر دو برابرخود میدند وخدا بهرکه بخواهد مورد تاییدیاری‌خود قرار میدهد.یقینًا اهل بصیرت را دراین مایهٔ عبرت است(۱٤)

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿١٥﴾

مردم رااغراض نفسانی‌نسبت به زنان وپسران وفراوانی‌طلاونقره و اسب های نشاندار و دامها و کشت.آراسته بنمایش گذارده شد. اینهمه متاع دنیا است و آن خدا است که نزد او بازگشتگاهی نیکوتراست(۱۵)

قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٦﴾

بگوآیاشمارا به چیزهای نیکوتر از این آگهی دهم؟ آنانکه پرهیز کاری‌کنند رانزدپروردگار ایشان باغهایست که دردامنه آنهانهرهای روان است ـ درآنهاجاویدانند و زوجهای پاك شده و خوشنودی

خدا است وخدا به بندگان بینا است(۱۶)

اَلَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اِنَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۷﴾

[این برای] آنانست که گویند: ای پروردگار ما! یقینًا ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را برای ما بیآمرز و مارا ازعذاب آتش نگهدار(۱۷)

اَلصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالْقٰنِتِيْنَ وَالْمُنْفِقِيْنَ وَالْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاَسْحَارِ ﴿۱۸﴾

[این باغها برای]صبرکنندگان و راستگویان و فرمان برداران و انفاق کنندگان واستغفار کنندگان صبح گاهان است(۱۸)

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿۱۹﴾

خدااستوار بر دادگواهی دهدکه یقینًا هیچ معبودی‌نیست جزاو و فرشتگان واهل دانش [نیزگواهی دهندکه] هیچ معبودی نیست جز او که صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۱۹)

اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ وَمَنْ

مرآینه دین نزد خدا اسلام است وآنها که کتاب داده شدند اختلاف نکردند مگر ازهم سرکشی کنان از آن پس که علم به ایشان آمد و

يَّكۡفُرۡ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيۡعُ الۡحِسَابِ ﴿۲۰﴾

هر كه به آيتهای خدا انكار كند پس يقينًا خدا زود حساب است(۲۰)

فَاِنۡ حَآجُّوۡكَ فَقُلۡ اَسۡلَمۡتُ وَجۡهِىَ لِلّٰهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ؕ وَقُلۡ لِّلَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الۡكِتٰبَ وَالۡاُمِّيّٖنَ ءَاَسۡلَمۡتُمۡ ؕ فَاِنۡ اَسۡلَمُوۡا فَقَدِ اهۡتَدَوْا ۚ وَاِنۡ تَوَلَّوۡا فَاِنَّمَا عَلَيۡكَ الۡبَلٰغُ ؕ وَاللّٰهُ بَصِيۡرٌۢ بِالۡعِبَادِ ﴿۲۱﴾

پس اگر به تو محاجه كنند آنگاه بگو: من توجه خود را خالصانه تسليم رضای خدا كرده ام و هم ايشان كه از من متابعت كردند و بگو به آنانكه كتاب داده شدند وبيسوادها آيا اسلام آورده ايد؟ پس اگر اسلام آوردند آنگاه يقينًا هدايت يافتند و اگر روی برتابند پس برتو فقط ابلاغ كردن[پيغام] است وخدا ببندگان بيناست(۲۱)

اِنَّ الَّذِيۡنَ يَكۡفُرُوۡنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقۡتُلُوۡنَ النَّبِيّٖنَ بِغَيۡرِ حَقٍّ ۙ وَّيَقۡتُلُوۡنَ الَّذِيۡنَ يَاۡمُرُوۡنَ بِالۡقِسۡطِ مِنَ النَّاسِ ۙ فَبَشِّرۡهُمۡ بِعَذَابٍ اَلِيۡمٍ ﴿۲۲﴾

يقينًا آنانكه به آيات خدا انكار كنند و بناحق به مخالفت انبياء ميپردازند و شديداً مخالفت كنند به آنانكه به استواری انصاف امر كنند پس به آنها به عذابی دردناك مژده بده(۲۲)++

اُولٰٓئِكَ الَّذِيۡنَ حَبِطَتۡ اَعۡمَالُهُمۡ فِى الدُّنۡيَا وَالۡاٰخِرَةِ ۫ وَمَا لَهُمۡ مِّنۡ نّٰصِرِيۡنَ ﴿۲۳﴾

همانهاند كه اعمال ايشان به هدر رفت در دنيا و درآخرت و ايشان

++آيت ۲۲: قتل بمعنای شديد مخالفت و تحريم اجتماعی نيز است.

را کسی از یاوران نباشد(۲۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَٰبِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

آیا ندیدی بسوی آنها که سهمیهٔ از کتاب داده شدند،بسوی کتاب خوانده میشوند تا میان ایشان قضاوت کند با این وجودگروهی از آنها پشت گردانده میروند و آنها اعراض کنندگانند(۲٤)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ ۖ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٥﴾

این بدانعلت است که آنان گفتند که آتش ماراهرگزلمس نکند جز روزهای معدود و فریب دادآنهارا دردین خودآنچه برمیبافتند(۲۵)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَٰهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

پس چطورباشد هنگامیکه آنان را جمع کنیم برای روزیکه در آن شکی نیست و هرتن آنچه کسب کرد تمام داده شود و قطعًا آنها ستم کرده نشوند(۲٦)

قُلِ اللَّهُمَّ مَٰلِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ ۖ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٧﴾

بگوای خدای من مالك سلطنت! هرکه راخواهی سلطنت میدهی و از هر که خواهی سلطنت پس می گیری و هر که راخواهی ارجمند گردانیوهرکه را خواهیخوار

کنی.خیربدست تو است. بیگمان توبرهرچیزمدام قدرتمندای(۲۷)

تُولِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ۖ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٨﴾

توشب را به روزداخل کنی و روز را به شب داخل کنی و از مرده زنده بیرون آری و از زنده مرده بیرون آری و رزق را به هر که خواهی بیحساب میدهی(۲۸)

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكٰفِرِينَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّٰهِ فِي شَيْءٍ اِلَّآ اَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقٰةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهٗ ۗ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٩﴾

و مومنان بغیراز مومنان کافران رادوست نگیرند و هرکه اینکار کند پس [اورا] ازخدا درچیزی [تعلق]نیست جزاینکه ازآنهاکاملاً درحساب باشید و خدا شمارا از خویشتن برحذرسازد وبازگشت به سوی خدا است(۲۹)

قُلْ اِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ اَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ ۗ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٠﴾

بگوخواه پنهان کنید هرچه در سینه های شماست یا آنرا عیان کنیدخدا آنرا میداند و میداند آنچه درآسمان هاست و آنچه در زمین است وخدا بر هرچیزمدام قدرتمند است(۳۰)

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ

روزیکه هرجان آنچه از نیکی

مُّحۡضَرًا ۚۛ وَّمَا عَمِلَتۡ مِنۡ سُوۡٓءٍ ۚۛ تَوَدُّ لَوۡ اَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهٗۤ اَمَدًاۢ بَعِيۡدًا ؕ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفۡسَهٗ ؕ وَاللّٰهُ رَءُوۡفٌۢ بِالۡعِبَادِ ﴿۳۰﴾

بجاآورد وآنچه از بدی انجام داد را پیشروی خود حاضر یابد و آرزوکند کاشکی میان او و میان آن[بدی] فاصلهٔ دور میبود وخدا شمارا از نفس خود میترساند در حالیکه خدابربندگان بس مهربان است(۳۱)

قُلۡ اِنۡ كُنۡتُمۡ تُحِبُّوۡنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوۡنِىۡ يُحۡبِبۡكُمُ اللّٰهُ وَيَغۡفِرۡ لَـكُمۡ ذُنُوۡبَكُمۡ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ ﴿۳۱﴾

بگو اگر خدا را دوستدارید پس ازمن اقتداکنید.خداشمارا دوست داشته وگناهان شما را برای شما خواهدآمرزید و خدا آمرزگار ی بارها رحمکننده است(۳۲)

قُلۡ اَطِيۡعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوۡلَ ۚ فَاِنۡ تَوَلَّوۡا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الۡكٰفِرِيۡنَ ﴿۳۲﴾

بگوخداو[این] رسول را پیروی کنید.پس اگرپشت کنندپس خدا هرگزکافرانرادوست ندارد(۳۳)

اِنَّ اللّٰهَ اصۡطَفٰۤى اٰدَمَ وَنُوۡحًا وَّاٰلَ اِبۡرٰهِيۡمَ وَاٰلَ عِمۡرٰنَ عَلَى الۡعٰلَمِيۡنَ ۙ ﴿۳۳﴾

یقینًا خدا، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را درمقابل همه جهانیان برگزید(۳۴)

ذُرِّيَّةًۢ بَعۡضُهَا مِنۡۢ بَعۡضٍ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيۡعٌ عَلِيۡمٌ ۚ ﴿۳۴﴾

بعضی ازایشان نسلهای بعضی اند و خدا بسیار شنوای مدام دانا است(۳۵)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾

[بیادآرید] هنگامیکه زنی عمران گفت: ای پروردگار من!یقینًامن آنچه را در شکم من است [از گرفتاریهای‌دنیا]رهانیده برای تو نذرکردم.پس از من بپذیر. یقینًا توبسیارشنوائی دانائی(۳٦)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَٰنِ الرَّجِيمِ ﴿٣٧﴾

پس هنگامیکه او آنرا زائید گفت پروردگارا! من که آن را دختر زائیده ام حالیکه خدا نیکتر می داند آنچه راکه زائیده بودونرینه مانند مادینه نیست و[افزود] من وی را مریم نام داده و نژاد وی را از شیطان رانده درگاه درپناه تو میگذارم(۳۷)++

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا

پس پروردگارش اورا بطریقی نیکوتر پذیرفت و وی را بنحوی

++آیت ۳۷:چون زن عمران درباره دختربچه زاده خود[حضرت مریم]گفت اینکه دختری است حالانکه من از خدا پسری خواسته بودم آنگاه خدا گفت خدا نیک میداند که پسر و دختر جدا جدا اند اما دختری که به تو اعطا شد این مانند دختران عامی نیست بلکه خدای متعال در این صلاحیت نهاده است که وی را میتوان بدون مقاربت بچه ای متولد شود.

زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ ۙ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ قَالَ يٰمَرْيَمُ اَنّٰى لَكِ هٰذَا ؕ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۸﴾

نیکوتر رشدونمو کرد و زکریا را کفیل وی برگماشت. هرگاه ذکریانزد وی وارد محراب میشد نزدش رزقی میيافت. او گفت:ای مریم این به تو از کجا میآید؟ وی گفت:این از نزد خدا است. یقینًاخدا آنکه را میخواهد رزق بدون حساب اعطا میکند(۳۸)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهٗ ۚ قَالَ رَبِّ هَبْ لِىْ مِنْ لَّدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۚ اِنَّكَ سَمِيْعُ الدُّعَآءِ ﴿۳۹﴾

اینجاذکریا ازپروردگارخود دعا کرد.پروردگاراامرا از نزد خود نژادی پاك بده. یقینًا تو بسیار شنوندهٔ دعائی(۳۹)

فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُّصَلِّىْ فِى الْمِحْرَابِ ۙ اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَّحَصُوْرًا وَّنَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۴۰﴾

پس فرشتگان به او درحالیکه او در محراب برپا ایستاده عبادت میکرد نداکردند که خدا تورا به یحیٰیمژده میدهدکه تصدیق کننده کلمه خدا و سردار و نگهدارنفس خود وازنیکوکاران بررتبه نبوت باشد(۴۰)

قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِىْ غُلٰمٌ وَّقَدْ بَلَغَنِىَ الْكِبَرُ وَامْرَاَتِىْ عَاقِرٌ ؕ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ

اوگفت:ای پروردگار منا چطور مرا پسری امکان دارد درحالیکه

يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿٤١﴾

پیری مرا در رسیده و همسرم نازا است. اوگفت، همینطور خدا هرچه خواهد انجام میدهد(٤١)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْٓ اٰيَةً ؕ قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمْزًا ؕ وَاذْكُرْ رَّبَّكَ كَثِيْرًا وَّسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿٤٢﴾ ع

اوگفت،پروردگارا!برای من آیتی قراربده.گفت:آیتی‌برای‌تواینست که سه روزبه مردم جزرمزی‌حرف نزن و پروردگار خود را بسیار یاد کن و شبگاه و بامگاه او را تسبیح بگو(٤٢)

وَاِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰىكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰىكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٣﴾

وچون فرشتگان گفتند.ای مریم! یقیناًخدا تورا برگزیده و تورا پاك کرده وتورا برزنان جهانیان فضیلت داده است(٤٣)

يٰمَرْيَمُ اقْنُتِيْ لِرَبِّكِ وَاسْجُدِيْ وَارْكَعِيْ مَعَ الرّٰكِعِيْنَ ﴿٤٤﴾

ای مریم! فرمانبردار پروردگار خود باش و سجده کن و باتعظیم کمرخم کنندگان کمرخم کن(٤٤)

ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ ؕ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يُلْقُوْنَ اَقْلَامَهُمْ اَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ ۠ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٤٥﴾

این از خبرهای نهان است که آنرا بر تو وحی مینمائیم و تو نزد آنها نه بودی هنگامیکه قرعهٔ خود رامیزدند که کدامین از آنها کفالت مریم را به عهدهٔ بگیرد و

نه تو نزد آنها آنگاه بودی که ستیزه میکردند(٤٥)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٦﴾

چون فرشتگان گفتند: ای مریم یقینًاخداازجانب خودترابه کلمهٔ پاك مژدهٔ میدهد که نامش مسیح ابن مریم باشد. او دردنیا صاحب منزلت و هم درآخرت از مقربان خواهد بود(٤٦)

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿٤٧﴾

و حرف زند بمردم در گهواره و در کهولت و از نیکوکاران بباشد(٤٧)++

قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٨﴾

وی گفت: ای پروردگار من!پسر برای من چگونه میتواند بود حالیکه هیچ بشر مرا لمس نکرده است.او گفت همینطور خدا هرچه خواهد میفریند. هرآن به امری

---

++آیت ٤٧:این آیت را یکی این تفسیرکرده میشودکه او درگهواره سخن میگفت و دعوی رسالت میکرد.اگراینطوربود یقیناً یهودیان او را همان در کودکی میکشتند. درحقیقت او خوابهای خود را در گهواره بیان میکرد چه کودکانی درگهواره می توانند خوابهای نیکو بینند و بیان کنند. ولی رسالت به او در سن کهولت داده شد و آنگاه یهودیان به مخالفت برخاستند.

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ﴿۴۹﴾

وَرَسُوْلًا اِلٰى بَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۙ اَنِّىْ قَدْ جِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ ۙ اَنِّىْٓ اَخْلُقُ لَكُمْ مِّنَ الطِّيْنِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ فَاَنْفُخُ فِيْهِ فَيَكُوْنُ طَيْرًاۢ بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ وَاُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَاُحْىِ الْمَوْتٰى بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ وَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَاْكُلُوْنَ وَمَا تَدَّخِرُوْنَ ۙ فِىْ بُيُوْتِكُمْ ۗ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۵۰﴾

تقدیر کند پس به آن میگوید باش، آنگاه آن روی نهاده و منتها می شود(۴۸)

و [خدا] او را کتاب و حکمت بیآموزد و تورات و انجیل (۴۹)

ورسولی باشد بسوی بنی اسرائیل [و ابلاغ کند] که من شمارا از پروردگار شما آیتی آورده ام که من برایشما ازگل همچون پرندهٔ بیآفرینم. پس درآن بدمم که آن به اذن خدا [بیدرنگ ] پرندهٔ [طیر روحانی]بگردد و کوری مادرزاد و پیسی را شفاء بدهم ومردگان [روحانی] را به اذن خدا زنده بنمایم و شما را خبر دهم به آنچه بخوریدو آنچه درخانه های خود بیاندوزید. یقینًا شمارادراین امر حتمًاآیتی است اگر شما ایمان آوردگانید(۵۰)++

++آیت۵۰: جمله کلمات این آیت تعبیرمیطلبند. درگل دمیده مرغی پرواز کننده را درآوردن دال براین تمثیل است که مردمان زمینی‌ازدمیدن حضرت عیسی[ص:۱۲۲]

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿۵۱﴾

و تصدیق کننده آنراکه درتورات پیشروی من باشد تا بعضی ازآن چیزها که بر شما حرام شده بود را برایشما حلال نمایم وازجانب پروردگارتان برایشماآیتی‌آورده ام.پس به خدا تقوی کنید و مرا اطاعت کنید(۵۱)

اِنَّ اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿۵۲﴾

یقیناًخداپروردگارم و پروردگار شماست.پس او را عبادت کنید. همین راه راست است(۵۲)

فَلَمَّآ اَحَسَّ عِيْسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِيْٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاشْهَدْ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ﴿۵۳﴾

پس هنگامیکه عیسٰی‌احساس کرد که درآنها[میل]کفراست اوگفت. کیستندکه [برای خواندن] بسوی خدایارانم شونداحواریان گفتند

---

در بلندیهای روحانی پرواز میکردند. همین طورکوری مادر زاد وپیسی‌آنانند که دلهای‌ایشان پیسی‌وکورند. بعنوان مثال از بسیارکثیر آیتهای قرآن پیدا است که کلمه کوران معنی کوران ظاهری رانمیدهد بلکه منظورش کوران دلهایند درحالیکه زنده کردن مردگان هم همین مفهوم را میپردازد که مردگان روحانی را زندگانی روحانی اعطا کرده شود.

اَنَبِّئُكُمْ بِمَا تَاْكُلُوْنَ غالباً منظور ازین واژهاآموزش خورد و خوراك است و بیان شده است که حضرت عیسی بقوم خویش هدایت میکردند که کدام چیز را بخورند و از کدام یکی پرهیز نمایند.

رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ اَنۡزَلۡتَ وَاتَّبَعۡنَا الرَّسُوۡلَ فَاكۡتُبۡنَا مَعَ الشّٰهِدِيۡنَ ﴿۵۴﴾

ما یاران خدا ایم. ما به خدا ایمان آورده ایم و گواه باش که ما مسلمانانیم(۵۳)

پروردگارا!ما ایمان آوردیم به آنچه نازل کردی و رسول را پیروی کردیم. پس ما را در گواهان [حق] بنویس(۵٤)

وَمَكَرُوۡا وَمَكَرَ اللّٰهُ‌ ؕ وَاللّٰهُ خَيۡرُ الۡمٰكِرِيۡنَ ﴿۵۵﴾ ع

و[منکران مسیحی]تدبیر کردند و خدا نیزتدبیرکرد و خدا بهترین تدبیر کنندگانست(۵۵)

اِذۡ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيۡسٰۤى اِنِّىۡ مُتَوَفِّيۡكَ وَرَافِعُكَ اِلَىَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا وَجَاعِلُ الَّذِيۡنَ اتَّبَعُوۡكَ فَوۡقَ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡۤا اِلٰى يَوۡمِ الۡقِيٰمَةِ‌ ۚ ثُمَّ اِلَىَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَاَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيۡمَا كُنۡتُمۡ فِيۡهِ تَخۡتَلِفُوۡنَ ﴿۵۶﴾

هنگامیکه خدا گفت: ای عیسٰی! من ترا وفات دهندهٔ و بسوی خود رفع کنندهٔ ام و ترا پاك کرده جدا کنندهٔ ام از آنها که کفر کردند و آنهارا که از تو پیروی کردند بر آنها که کفر کردند تا روز قیامت برتر قرار دهندهٔ ام. پس بازگشت شما بسوی من است. آنگاه میان شما در اموریکه درآنها اختلاف میکردید فیصل خواهم داد(۵۶)++

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٥٧﴾

پس آنانکه کفرکردندرا بعذابی شدید در دنیا و در آخرت معذّب کنم و آنها را کسی از یاوران نباشد(۵۷)++

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

و اما کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند آنها را پاداش ایشان کامل داده شود و خدا ستمکارانرادوست ندارد(۵۸)++

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٩﴾

اینست از آیتها و ذکری حکمت مندکه آنرابرتومیخوانیم(۵۹)++

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٦٠﴾

یقینًا مثل عیسی نزد خدا بمثل آدم است.وی را او از گل آفرید. سپس او را گفت: باش، پس او روی نهاد و منتها شد(۶۰)++

++آیات ۵۶تا۶۰ :اینجاکلمه متوفیك پیشتروکلمه رافعك پس ازآن آمده است.اگرچه منظور از رافعك بلندی درجات است اما برای آنانکه اصرار میورزند که منظور از این رفع بدنی است این دلیل محکمی است که اول وفات واقع شد و پس از آن بالابردن است.پس ثابت شد که منظور از این رفع روحانی است.

[در صفحه ۱۲۵ ادامه دارد]

اَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْمُمْتَرِيْنَ﴿٦١﴾

حق از جانب خدا است پس هرگز از دو دلان مباش(۶۱)

فَمَنْ حَآجَّكَ فِيْهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَآءَنَا وَاَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَّعْنَتَ اللّٰهِ عَلَى الْكٰذِبِيْنَ﴿٦٢﴾

پس هرکه از این پس که دانش به تو آمد دراینمورد به تومحاجه کند آنگاه بگوبیآییدکه پسران ماوپسران شما وزنان ماوزنان شما و نفوس ما و نفوس شما را بخوانیم سپس مباهله کنیم و بر دروغگویان لعنت خداافکنیم(۶۲

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ﴿٦٣﴾

یقیناًاین بیان حق است و هیچ معبودی نیست جز خدا و یقیناً خدا صاحب غلبه کامل صاحب

---

بقیه آیات ۵۶ـ۶۰:از صفحه ۱۲۴ :

مثال عیسٰی با آدم بدین منظور آورده شد که در آغاز حضرت آدم براثر فرمان "کُن" از گل بوجود آمدند و با این وجود انسان بودند و چون حضرت عیسٰی نیز در نتیجه فرمان "کن" بوجود آمدند پس ایشان نیز انسان است.

دراینجا واژه کن فیکون اشاره بسوی آغاز آفرینش انسان است و منظور اینست که چون خدابه آفرینش انسان آهنگ کرد پس فرمود باش آنگاه او آغازکرد وبرایش مقدر بود که تا پایان تکمیل ارتقاءخود ادامه دهد.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌۢ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا إِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَّلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللّٰهِ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٥﴾

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِيٓ إِبْرٰهِيمَ وَمَآ أُنْزِلَتِ التَّوْرٰىةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْۢ بَعْدِهِۦ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٦﴾

هٰٓأَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ حٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِۦ عِلْمٌ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

حکمت است(٦٣)

پس اگر روی برتابند پس یقیناً خدا مفسدان را بخوبی میداند(٦٤)

بگو ای اهل کتاب بیآیید بسوی سخن که میان ما و شما یکسان است اینکه عبادت نکنیم جز به خداوچیزی را با او شریك قرار ندهیم و کسی از ماکسی را جز خدا پروردگار نگیرد پس اگر روی برتابندپس بگو.گواه باشید [فقط] ما مسلمانیم(٦٥)

ای‌اهل کتاب!چرادرموردابراهیم محاجه میکنیددرصورتیکه تورات وانجیل فقط پس ازاو نازل آمده بود.پس آیابخردنمییابید؟(٦٦)

گوش کنید!شما کسانی هستید که بهم نزاع میکنید در آن امری که به آن شما را دانشی است پس برای چه جدل میکنید در آن امر که شما را به آن هیچ دانشی نیست! و خدا میداند و شما

مَا كَانَ اِبْرٰهِيْمُ يَهُوْدِيًّا وَّلَا نَصْرَانِيًّا وَّلٰكِنْ كَانَ حَنِيْفًا مُّسْلِمًا ؕ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿۶۸﴾

اِنَّ اَوْلَى النَّاسِ بِاِبْرٰهِيْمَ لَلَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ؕ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۶۹﴾

وَدَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يُضِلُّوْنَكُمْ ؕ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ﴿۷۰﴾

يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ﴿۷۱﴾

يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُوْنَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوْنَ الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۷۲﴾

وَقَالَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اٰمِنُوْا

نمیدانید(٦٧)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه پیوسته به خدا متمایل فرمانبردار بود و قطعًا از مشرکان نبود(٦٨)

براستی نزدیکترین کسانی به ابراهیم آنانند که از او پیروی کردند و این پیغمبر و کسانیکه ایمان آوردند و خدا وَلی مومنان است(٦٩)

گروهی از اهل کتاب دوستدارند کاشکی شما را گمراه سازند در حالیکه جز خود کسی راگمراه نسازند اما درنمییابند(٧٠)

ای‌اهل کتاب!چرا به آیتهای خدا انکار میکنیدحالیکه شما [آنهارا] مشاهده میکنید؟(٧١)

ای اهل کتاب!چراحق را بباطل درهم میآمیزید وحق راکتمان می کنید با آنکه شما میدانید.(٧٢)

و گروهی از اهل کتاب گفتند:

بِالَّذِيٓ اُنْزِلَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوْٓا اٰخِرَهٗ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿۷۲﴾

اوائل روز ایمان آورید به آنکه نازل کرده شد بر آنانکه ایمان آوردند وآخرش انکارکنیدتاباشد که آنهابازگردند(۷۲)

وَلَا تُؤْمِنُوْٓا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِيْنَكُمْ ؕ قُلْ اِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ ۙ اَنْ يُّؤْتٰٓى اَحَدٌ مِّثْلَ مَآ اُوْتِيْتُمْ اَوْ يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ؕ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ ۚ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿۷۴﴾

و ایمان نیآورید جز به آنکه از دین شماپیروی کند.بگو براستی هدایت خدا هدایت است. این [لازم نیست]که احدی داده شود مانند آنچه شما داده شدید یا [اگر نداده شوندپس حق خود شمرده] نزدخداباشمامحاجه کنند بگو یقیناًفضل بدست خدااست. آنرادردمدبه هرکه میخواهدوخدا خیلی‌گشایش بخشای صاحب علم دائمی است(۷٤)

يَّخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿۷۵﴾

هرکه راخواهد خاص رحمت خود قرار میدهد و خدارا فضلی عظیم است(۷۵)

وَمِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مَنْ اِنْ تَاْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُّؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ اِنْ تَاْمَنْهُ بِدِيْنَارٍ لَّا يُؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ اِلَّا مَادُمْتَ

و ازاهل کتاب کسی است اگر انبوهٔ مال بدو بسپاری‌حتماًآن را به تو بازگرداند و از آنان کسی

عَلَيْهِ قَآئِمًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ ۚ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٦﴾

است اگر بدیناری بدو بسپاری به تو بازنگرداند مگر اینکه برسرش وایستی. این بدانعلت است که آنها گویند که در مورد امیان برما راه [ایراد] نیست و بر خدا دروغ میبندند با آنکه آنها [حقیقت را] خوب میدانند (۷٦)

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٧﴾

بلی امر که بعهد خدای وفا کرد و تقویٰ پیش گرفت پس یقینًا خدا دوستدار متقیان است (۷۷)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٨﴾

یقینًا آنانکه عهدهای خدا و سوگند های خودرا ببهای ناچیز معامله کنند مانهاند که هیچ بهرهٔ برایشان درآخرت نباشد و خدا به آنها تکلم نکند و روز قیامت بسویشان ننگرد و آنهارا پاك نسازد و آنها را عذابی دردناکست (۷۸)

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ ۚ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

و یقینًا ازآنها [اهل کتاب] گروهی اند که به [خواندن] کتاب زبان خود را میچرخانند تا آن را از کتاب بپندارید درحالیکه آن از

وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۚ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٩﴾

کتاب نیست وگویند آن ازجانب خدا است حالانکه آن از جانب خدا نیست. آنها بر خدا دروغ بندند باآنکه آنها میدانند(۷۹)

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتٰبَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٨٠﴾

امکان ندارد بشری را که خدا او را کتاب و حکمت و نبوت دهد باز از آن پس به مردم گوید که خدارا رهاکرده بندگان من باشید و اما [گوید] مردان خدا پرست باشید بدانعلت که شما بکتاب آموزش میدهیدو بدانعلت که شما [از آن] آموزش میگیرید(۸۰)

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰئِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ ع ٨ ٩ ١٦

وبه شمااین امرنکند که فرشتگان و پیغمبران راخدایان برگزینید. آیااوشمارابکفرامرکندپس ازآنکه شما فرمانبردارشده اید؟(۸۱)

وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتٰبٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۗ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ

و چون خدا میثاق انبیاء گرفت. درحالیکه شماراازکتاب و حکمت درداده ام بازاگر شما را رسولی بیآید تصدیق کننده به آنچه در دست شما است باید به او ایمان

وَاَخَذۡتُمۡ عَلٰى ذٰلِكُمۡ اِصۡرِىۡ ؕ قَالُوۡۤا اَقۡرَرۡنَا ؕ قَالَ فَاشۡهَدُوۡا وَاَنَا مَعَكُمۡ مِّنَ الشّٰهِدِيۡنَ ﴿۸۲﴾

آورید و باید او را یاری دهید. گفت،آیاشما اقرار میکنید و در اینمورد بمن عقد پیمان میکنید؟ گفتند، ما اقرار کردیم.گفت پس گواه باشید و منهم با شما از گواهان هستم(۸۲)++

فَمَنۡ تَوَلّٰى بَعۡدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓـئِكَ هُمُ الۡفٰسِقُوۡنَ ﴿۸۳﴾

پس هرکه از این بعد روی برگرداندپس همانهاند که فاسقان اند(۸۳)

اَفَغَيۡرَ دِيۡنِ اللّٰهِ يَبۡغُوۡنَ وَلَهٗۤ اَسۡلَمَ مَنۡ فِى السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ طَوۡعًا وَّكَرۡهًا وَّاِلَيۡهِ يُرۡجَعُوۡنَ ﴿۸۴﴾

پس آیا آرزوی دارند جز به دین خدا درحالیکه هرچه درآسمانها و در زمین است چاروناچار فرمان برداراوشده است و بسوی او بازگشت داده شوند(۸٤)

++آیت ۸۲ـ درقرآن کریم دو میثاق راذکراست ـ یکی‌میثاق بنی‌اسرائیل و دومین میثاق انبیاء که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم هم گرفته شد [الاحزاب ۸] مرکزیت کلام اینست که هرگاه شمارارسولانی‌آیند که همان سخنان گویند که شما میگویید پس اقرار کنید که هرگزایشان را انکار نکرده وبلکه تصدیق خواهیدکرد. اینجابرای این موضوع توضیع لازم است که رسولی بسوی رسولان که فرستاده نمیشود بلکه رسولان بسوی قومهای خود میآیند.پس منظورهمانست وپیغمبران گفته شدندکه به قومهای‌خویش توصیه کنید که هرگاه رسولی آید که مصدق من است پس او را انکارنکنید بلکه حتماًاو را یاری دهید.

قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَ الْاَسْبَاطِ وَمَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ ۖ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ ۖ وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ﴿۸۵﴾

بگوما به خدا و آنچه بر ما نازل کرده آمد و آنچه بر ابراهیم و اسمٰعیل و اسحٰق و یعقوب و اسباط نازل کرده شد و آنچه به موسیٰ و عیسیٰ و پیغمبران از پروردگار ایشان داده شد ایمان آورده ایم و میان هیچکدام از ایشان جدایی نمیفکنیم و ما برای او تسلیم شده ایم(۸۵)

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ ۚ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿۸۶﴾

و هرکه دینی جزاسلام را دوست دارد پس هرگز از او قبول کرده نشود و او در آخرت از زیان کاران باشد(۸۶)

كَيْفَ يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوْٓا اَنَّ الرَّسُوْلَ حَقٌّ وَّجَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ ۭ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۸۷﴾

چطورخداقومی‌را هدایت دهد که پس از ایمان خود کفر کردند با آنکه گواهی داده بودند که این رسول حق است و ایشان را ادلّه روشن آمده باشند وخدا به قومی ستمکار هدایت نمیدهد(۸۷)

اُولٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمْ اَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿۸۸﴾

همانهاند که پاداش آنها این است که بر آنها لعنت خدا و فرشتگان

و همه مردم باد(۸۸)

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ﴿۸۹﴾

آنها درآن بمدت دراز میمانند. نه عذاب از آنان کاسته شود و نه آنان مهلت داده شوند(۸۹)

اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوْا ۗ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۹۰﴾

مگر کسانیکه پس از این توبه کردند واصلاح کردند درآنصورت خدا بسیار آمرزنده بارها رحم کننده است(۹۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوْا كُفْرًا لَّنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الضَّآلُّوْنَ ﴿۹۱﴾

یقینًا آنها که کفر کردند پس از ایمان خود سپس برکفر همی افزودند توبه آنها قطعًا پذیرفته نشودوهمانهاندکه گمراهانند(۹۱)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَمَاتُوْا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْ اَحَدِهِمْ مِّلْءُ الْاَرْضِ ذَهَبًا وَّلَوِ افْتَدٰى بِهٖ ۭ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ وَّمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿۹۲﴾ ع

البته آنانکه کفر کردند و مردند در حالیکه آنها کافران بودند از هیچ کدامین آنها طلاء به پری زمین هم پذیرفته نشود اگرچه بخواهندکه آنرا فدیه دهند. همانها اند که برایشان عذابی دردناک است و آنها را کسی از یاوران نباشد(۹۲)

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰى تُنْفِقُوْا مِمَّا تُحِبُّوْنَ ۬ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ﴿٩٣﴾

هرگزبه نیکی نایل نمیشوید تا آنگاه که ازآن چیزماانفاق کنیدکه دوست دارید و آنچه از چیزی انفاق کنید یقینًاخدابه آن خوب دانا است(۹۳)

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اِلَّا مَا حَرَّمَ اِسْرَآءِيْلُ عَلٰى نَفْسِهٖ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرٰىةُ ؕ قُلْ فَاْتُوْا بِالتَّوْرٰىةِ فَاتْلُوْهَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٩٤﴾

همه غذاها بربنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل برخود حرام کرد از آن پیش که تورات نازلکرده میشد. بگو، پس تورات رابیآرید و آنرا بخوانید اگرشما راستگویانید(۹٤)

فَمَنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٩٥﴾

پس هر که از این پس بر خدا دروغ بربافدپس همانهاستمکاران اند(۹۵)

قُلْ صَدَقَ اللّٰهُ ۫ فَاتَّبِعُوْا مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا ؕ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿٩٦﴾

بگوخدا راست گفت. پس از ملت ابراهیم حنیف پیروی کنید و او از مشرکان نبود(۹٦)

اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ مُبٰرَكًا وَّهُدًى لِّلْعٰلَمِيْنَ ۚ ﴿٩٧﴾

یقینًااولین خانهٔ که برای [فایده] مردم بناکرده شدآنست که در بکّه است ـ خجسته و هدایت برای

فِيهِ ءَايَٰتٌۢ بَيِّنَٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ ۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٨﴾

همه جهانها است(۹۷)++
درآن آیتهای روشن است[یعنی] مقام ابراهیم وهرکه داخل آن شد ایمن باشدواین حق خدا بر مردم است که حج خانه [او] کنند هرکه بسوی‌آن راه بردن راتوان دارد و هرکه انکارکندآنگاه یقینًاخدا از همه جهانها بی نیاز است(۹۸)

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾

بگو،ای اهل کتاب!چراآیتهای‌خدا راانکارمیکنیددرحالیکه خداگواه است بر آنچه عمل کنید(۹۹)

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَآءُ ۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٠٠﴾

بگو،ای‌اهل کتاب!چراآنکس راکه ایمان آورده است ازراه خدا آنرا کج خواسته بازمیدارید با آنکه [برحقیقت]گواه اید وخدا بغفلت نیست ازآنچه عمل کنید(۱۰۰)

---

آیت۹۷ـ اینجا اوّل بَیتٍ وضع للنّاس گفته شد و وضع لِلّٰه نه گفته شد. دراین واژه ها بدین امراشاره است که چون آدمی از غارها بر سطح زمین بیرون آمده مسکن گزید پس نخستین تعمیر خانه کعبه باعث شد که او آموزش فرهنگ و مدنیت راآغازکند. بهمین دلیل دراین جا نام مکّه بجای مکه، بکّه گفته شد که نام باستانی آن مقام عالی مرتبت است.

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنْ تُطِيْعُوْا فَرِيْقًا مِّنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ يَرُدُّوْكُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ كٰفِرِيْنَ ﴿١٠١﴾

ای‌آنانکه ایمان آورده ایداگر شما ازپی گروهی ازآنها که کتاب داده شدند رفتید شماراپس ازایمانتان کافران بازگردانند(١٠١)

وَكَيْفَ تَكْفُرُوْنَ وَاَنْتُمْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ اٰيٰتُ اللّٰهِ وَفِيْكُمْ رَسُوْلُهٗ ؕ وَمَنْ يَّعْتَصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿١٠٢﴾ ع

وچگونه انکارکنیدحالانکه آیتهای خدابرشماخوانده میشود ورسول او درشمااست وهرکه به خداچنگ زد پس حتمًا به صراط مستقیم هدایت داده شد(١٠٢)

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ حَقَّ تُقٰتِهٖ وَلَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿١٠٣﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید خدا را تقوی‌کنید سزاوارتقوای او و هرگزنمیرید مگر درحالیکه شما مسلمانید(١٠٣)++

وَاعْتَصِمُوْا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيْعًا وَّلَا تَفَرَّقُوْا ۪ وَاذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَآءً فَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوْبِكُمْ

و همگی به رسن خداچنگ بزنید و تفرقه نیفکنید و نعمت خدا را بر خود بخاطر آورید چون شما دشمن همدیگربودید.پس اودلهای

آیت١٠٣ـ لاتموتن الا وانتم مسلمون رااین معنای نیست که پیش ازمرگ مسلمان بشوید زیرامرگ دراختیار انسان نیست. مفهوم اینست که هیچ گاه درهیچ بخش زندگی‌اسلام راترك نکنید تا هرگاه شمارا مرگ آید بایدعمل کننده برتعلیم اسلام باشید.

فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهٖٓ اِخْوَانًا ۚ وَكُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۗ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١٠٤﴾

شمارا بهم پیوند داد پس بنعمت او برادران شدید، و شما برکنار حفره آتش بودید پس او شمارا ازآن نجات داد.اینگونه خدا آیت های‌خود را برای شما به صراحت بیان کند تا باشد که شما هدایت بیابید(١٠٤)

وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ اُمَّةٌ يَّدْعُوْنَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٠٥﴾

وبایدازشماجماعتی‌باشد[که] مدام بسوی‌نیکی بخوانندو به معروفات امرکنند و از منکرات بازدارند و همانهاموفق شدگانند(١٠٥)

وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ تَفَرَّقُوْا وَاخْتَلَفُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ ۗ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٠٦﴾

و نباشیدمانندآنانکه ازهم پاشیده وبه اختلاف برخاستند ازاین پس که ایشان رانشانه های‌روشن آمده بودوآنهایندکه برآنهاعذابی بزرگ است(١٠٦)

يَّوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوْهٌ وَّتَسْوَدُّ وُجُوْهٌ ۚ فَاَمَّا الَّذِيْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوْهُهُمْ ۚ اَكَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿١٠٧﴾

روزیکه چهرهائی‌بدرخشندو چهره هائی تیره گون باشند.آنگاه آنان که چهره های آنان تیره گون گردند [خطاب شوند] آیا پس از ایمان خودکافرشده بودید؟ اینک

[طعم]عذاب بچشید چه شما انکار همی کردید(۱۰۷)

وَاَمَّا الَّذِيْنَ ابْيَضَّتْ وُجُوْهُهُمْ فَفِيْ رَحْمَةِ اللّٰهِ ۭ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿١٠٨﴾

واماآنانکه چهرههای ایشان روشن گردد آنگاه در رحمت خدا اند و ایشان در آن جاویدانند(۱۰۸)

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۭ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

این آیتهای خدا است که آنها را برتو بحق میخوانیم وخدا برای جهانهامیچ ستم نمیخواهد(۱۰۹)

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿١١٠﴾ ع

وازآن خدااست هرچه درآسمانها است ومرچه در زمین است و همه اموربه خدابرگردانده شود(۱۱۰)

كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ ۭ وَلَوْ اٰمَنَ اَهْلُ الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۭ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ وَاَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿١١١﴾

شمابهترین امت ایدکه برای‌مردم درآورده شدید. شمابه معروفات امرمیکنیدوازمنکرات نهی میکنید و به خدا ایمان میآورید و اگر اهل کتاب ایمان میآوردند حتمًا برایشان بهتر بود و در آنان هم مومن اند در حالیکه بیشتر آنان فاسقانند(۱۱۱)

لَنْ يَّضُرُّوْكُمْ اِلَّآ اَذًى ۭ وَاِنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ يُوَلُّوْكُمُ الْاَدْبَارَ ۣ ثُمَّ

هرگزنتوانند بشما رنجی‌برسانند جز گزندی ناچیز و اگر به شما

لَا يُنْصَرُونَ﴿١١٢﴾

بجنگند به شما پشت برگردانند سپس یاری داده نشوند(۱۱۲)

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَ مَا ثُقِفُوٓا اِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُونَ الْاَنْبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ﴿١١٣﴾

خواری برآنها افکنده شد هرجای یافته شوند جز آنانکه در [پناه] پیمان خدا و در[پناه]پیمان مردم اند وباغضب خدا بازگشتند و بر آنها درماندگی‌افکنده شد چه آنها به آیتهای خدا انکار میکردند و انبیاء رابناحق سخت مخالفت می کردند و این بدانعلت بود که نافرمانی میکردند و تعدی همی کردند(۱۱۳)

لَيْسُوا سَوَآءً مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَّتْلُونَ اٰيٰتِ اللّٰهِ اٰنَآءَ الَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴿١١٤﴾

همه یکسان نیستند. در اهل کتاب گروهی [بر مسلك خود] برقرار اند. آنان در پاره های شب آیات خدا را تلاوت کرده و سجده می کنند(۱۱٤)

يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرٰتِ وَاُولٰٓئِكَ مِنَ

ایشان ایمان به خدا و روزآخرت میآورند و بمعروفات امر کنند و از منکرات نهی کنند و در کارهای نیکو از همدیگر سبقت

الصّٰلِحِيْنَ﴿١١٥﴾

جویند و همانها اند که ازشایسته کارانند(۱۱۵)

وَمَا يَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُّكْفَرُوْهُ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالْمُتَّقِيْنَ﴿١١٦﴾

وهرچه نیکوکاری کنند پس هرگز به آن ناسپاسی‌کرده نشوند وخدا متقیان راخوب میداند(۱۱۶)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَاۤ اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ؕ وَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ﴿١١٧﴾

یقینًا آنها که کفر کردند آنها را مالهای آنان و اولاد آنان هیچ هم بی نیاز از خدانسازد و همانهاند که اهل آتشند. آنها درآن مدت دراز میمانند(۱۱۷)

مَثَلُ مَا يُنْفِقُوْنَ فِيْ هٰذِهِ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيْحٍ فِيْهَا صِرٌّ اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوْۤا اَنْفُسَهُمْ فَاَهْلَكَتْهُ ؕ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ﴿١١٨﴾

مثل هر آنچیز که آنها دراین دنیا خرج کنندبمثل بادی است که در آن سرمائی‌شدیدباشدوبرکشتزار قومی‌بوزد که برجانهای خود ستم کردند و آن[کشت]رانابودسازد و خدابرآنها ستم نکرد بلکه آنها بر جانهای خود ستم کنند(۱۱۸)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا بِطَانَةً مِّنْ دُوْنِكُمْ لَا يَاْلُوْنَكُمْ خَبَالًا ؕ وَدُّوْا مَا عَنِتُّمْ ۚ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَآءُ مِنْ

ای کسانیکه ایمان آوردید کسی را جز مردم خود دوست صمیمی نگیرید.آنها به گزند شما کوتاهی نکنند ـ دوست دارند که شما رنج

أَفْوَاهِهِمْ ۚ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٩﴾

بکشید. یقینًا کینه آنها از دهانهای آنها پدیدار است و آنچه دلهای آنان پنهان سازد از این بزرگتر است. البته ماآیتهای خود را برای شما بوضوح بیان کرده ایم اگر شما عقل کنید(۱۱۹)

هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۖ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا ۖ وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ ۚ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٢٠﴾

اینک شمااید که آنها را دوست دارید درحالیکه آنهاشمارا دوست ندارند و شما بکتاب بتمامی آن ایمان دارید وهرگاه بشما ملاقات کنند گویند ما ایمان آورده ایم و چون جدا شوند بر شما پر خشم سرانگشتان خودرا میگزند. بگو بخشم خود بمیریدحتمًا خدابه امورسینه ها داناست(۱۲۰)

إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا ۖ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢١﴾ ع ۱۲ ۱۱ ۳

اگرخوبی‌بشمارسد آنهارا ناخوش دارد و اگر سختی بشما رسد به آن خرسند شوند و اگرصبرکنید و تقویٰ اختیارکنید نیرنگی آنها هیچ گزندی بشما نرساند. یقینًا خدا احاطه کننده است آنچه را

عمل کنند(۱۲۱)

وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ ۗ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٢﴾

و [بیاد آر] هنگامیکه بامداد از خانواده خود جدا شدی تامومنان را برای جنگ در سنگرها ترتیب دهی و خدا بسیار شنوای دانا است(۱۲۲)

اِذْ هَمَّتْ طَّآئِفَتٰنِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا ۙ وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا ۗ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٣﴾

هنگامیکه دوگروه از شما درصدد شدند که بلغزند درحالیکه خدا وَلی آندو بود و مومنان باید تنها برخدا توکل کنند(۱۲۳)

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَّاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ ۚ فَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

ویقیناً‌خدا[قبلاً] شمارادربدرياری کرد حال آنکه شما ناتوان بودید. پس برای‌خدا تقوی کنید تا باشد که شما سپاس بگذارید(۱۲٤)

اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ يَّكْفِيَكُمْ اَنْ يُّمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلٰثَةِ اٰلٰفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُنْزَلِينَ ﴿١٢٥﴾

چون بمومنان میگفتی‌که آیابرای شمابس نیست که پروردگارشمابا سه هزار فرشته فروفرستادگان شمارا مددکند؟(۱۲۵)

بَلٰٓى ۙ اِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَاْتُوكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ

بلی،اگرشکیبائی‌گزینید و تقویٰ پیش گیرید درحالیکه آنها از خشم خود[جوشان]بر شما بتازند

اَلۡفٍ مِّنَ الۡمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِيۡنَ ﴿١٢٦﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشۡرٰى لَـكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوۡبُكُمۡ بِهٖ‌ ؕ وَمَا النَّصۡرُ اِلَّا مِنۡ عِنۡدِ اللّٰهِ الۡعَزِيۡزِ الۡحَكِيۡمِ ۙ‏ ﴿١٢٧﴾ لِيَقۡطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡۤا اَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ فَيَنۡقَلِبُوۡا خَآئِبِيۡنَ ﴿١٢٨﴾ لَيۡسَ لَكَ مِنَ الۡاَمۡرِ شَىۡءٌ اَوۡ يَتُوۡبَ عَلَيۡهِمۡ اَوۡ يُعَذِّبَهُمۡ فَاِنَّهُمۡ ظٰلِمُوۡنَ ﴿١٢٩﴾ وَلِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الۡاَرۡضِ‌ ؕ يَغۡفِرُ لِمَنۡ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنۡ يَّشَآءُ‌ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ ﴿١٣٠﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا لَا تَاۡكُلُوا الرِّبٰٓوا اَضۡعَافًا مُّضٰعَفَةً‌ ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمۡ

آنگاه خداشمارابا پنجهزار فرشته عذاب کننده یاری کند(۱۲۶) و خدا این [وعده]برایشما فقط مژده قرارداد و تا دلهای شما بآن اطمینان یابد درحالیکه یاری فقط از نزد خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت داده میشود(۱۲۷) تادسته ای را از آنهاکه کفرکردند حك کندیاآنهاراسخت خوارنماید پس نامراد برگردند(۱۲۸) هیچ از امر در اختیار تونیست ـ خواه[خدا]برآنان توبه قبولکرده متمایل شودیاعذابشان دهد بحر حال آنها ستمگرانند(۱۲۹) وآنچه درآسمانها است و آنچه در زمین ازآن خدا است. او هرکه را خواهدمیآمرزد و هرکه را خواهد عذاب کند وخدا آمرزگاری بارها رحمکننده است(۱۳۰) ای کسانیکه ایمان آورده اید رباء را سودهائی چند برابر کشیده

تُفْلِحُوْنَ ﴿۱۳۱﴾
نخوریدوتقوای‌خداپیش گیریدتا باشدکه شما رستگارشوید(۱۳۱)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِيْٓ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ ﴿۱۳۲﴾
و بترسید از آن آتش که برای کافران مهیا شده است(۱۳۲)

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿۱۳۳﴾
و اطاعت کنید از خدا و رسول تا رحم کرده شوید(۱۳۳)

وَسَارِعُوْٓا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ ۙ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۳٤﴾
و بشتابید بسوی آمرزشی از پروردگارخودوبهشتی‌که فراخی آن بر آسمانها و زمین محیط است. آن برای متقیان مهیا شده است(۱۳٤) ++

الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ فِي السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكٰظِمِيْنَ الْغَيْظَ وَالْعَافِيْنَ عَنِ
[یعنی]آنانکه انفاق کنندرخوش حالی‌وتنگدستی و فروخورندگان

++آیت ۱۳٤– از این آیت برمیاید که جنت بر آسمان مقامگاه جداگانهٔ نیست. چه در این آیت فرمانست که هرچندعرض زمین وآسمانست همان قدرعرض جنت است. چون آنحضرت صلی‌الله علیه وسلم این آیت را بر اصحاب خود خواندند یکی از ایشان پرسیدیارسول الله اگرجنت فقط بر آسمان و زمین محیط است پس جهنم کجاست؟ ایشان فرمودند سبحان الله فاین الیل اذا جاءَ النهار[مسند احمدبن حنبل – مسندالمکیین،حدیث ردیف ۱۵۱۰۰ ، تفسیر الرازی زیر آیت هذه] که سبحان الله چون روز آید آنگاه شب کجامیباشد یعنی جهنم هم همانجاست مگرشماآنرا درك نمیکنید. پس این تصور باطل است که جنت و جهنم راعرض جداگانهٔ است. جنتیان و جهنمیان همان در یك کاینات زندگی میکنند.

النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٥﴾

خشم و ازمردم گذشت کنندگان و خدامحسنانرا دوست دارد(١٣٥)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٦﴾

بعلاوه آنانکه چون فحشائی‌کنندیا برجانهای خود ستم کنند بیادخدا میافتند - پس برای گناهان خود آمرزش میطلبند وکیست جز خدا که گناهان بیآمرزد- وآنان دانسته اصرار نمیورزند بر آنچه انجام داده باشد(١٣٦)

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٧﴾

همانها اند که مزد ایشان از پروردگار ایشان آمرزش و باغ هایست که در دامنه آنها نهرهای روانست و در آنها جاویدانند و عمل کنندگان را چه نیکو مزدی است(١٣٧)

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٨﴾

البته سننی پیش از شما گذشته است. پس بگردید در زمین پس بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چه سان بود(١٣٨)

هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٩﴾

این بیان است برای مردم [تا راستی‌وناراستی‌بازشناخته شود]

و متقیان را هدایت و نصیحت است(۱۳۹)

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٤٠﴾

وسست نشویدوغم نخوریدوحتمًا شما غالب آیندگانید اگر شما مومنانید(۱۴۰)

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤١﴾

اگرجراحتی بشما رسیده پس یقینًا جراحتی مانند آن به قومی [متقابل] هم رسیده است واین روزگاری است که آنرامیان مردم میگردانیم تا خدا آنانکه ایمان آورده اند را بیآزماید و از شما شهیدان برگزیندوخدا ستمکاران را دوست ندارد(۱۴۱)

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٢﴾

و تاخدا آنان را که ایمان آورده اند پاك نمایدو کافران را نابود سازد(۱۴۲)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٣﴾

آیاگمان میکنید که وارد بهشت شویددرحالیکه هنوزخداکسانی‌را از شما که جهاد کرده اند آزمایش نکرده است؟ و [این روش خدا بدانعلت است تا] خدا شکیبایان

را بشناسد(١٤٣)

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَاَيْتُمُوْهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ (١٤٤)

ویقیناً شما مرگ را آرزو میکردید پیش از اینکه آنرا برخوردکنید پس اکنون آنرا دیده اید و شما خیره خیره مینگرید(١٤٤)

وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ اَفَاْئِنْ مَّاتَ اَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَّنْقَلِبْ عَلٰى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَّضُرَّ اللّٰهَ شَيْـًٔا وَسَيَجْزِى اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ (١٤٥)

و نیست محمدجز پیغمبری. یقیناً پیش از او پیغمرانی گذشته اند. پس آیا اگراو وفات کند یا کشته شودروی پاشنهای خودبازگردید؟ وهرکه برپاشنه های خود بازگردد پس هرگز به خدا هیچ زیانی نه رساند و یقیناً خدا به سپاسداران پاداش میدهد(١٤٥) ++

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتٰبًا مُّؤَجَّلًا وَمَنْ يُّرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا

و به هیچ کس امکان نیست که بمیرد جز به اذن خدا.این نهایت زمانی نوشته شده است و هر که

++١٤٥ـ دراین آیت وفات مسیحی را اعلان قطعی است چون گفت که محمد هم رسول خدااست و از رسولی بیش نیست و هرچند رسولان قبل از ایشان بودند همه درگذشتند. چون کلمه "خلا" مطلقاً درباره کسی گفته شود منظور ازآن چنین گذشتن نیست که مسافری میگذرد بلکه در اینجا مفهوم "گذشتن" وفات است.پس اگر حضرت عیسٰی رسولی بودند حتماً وفات یافته اند.

نُؤْتِهِ مِنْهَا ۚ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا ۚ وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٦﴾

ثواب دنیا خواهد او را از آن دهیم و هرکه ثواب آخرت خواهد او را ازآن دهیم و سپاسداران را پاداش حتماً میدهیم(١٤٦)

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٧﴾

و چه بسا پیغمبر بودند که بسیار ربانیون با آنان همراه قتالکردند پس برای [سختی] که به ایشان رسیدنه کمزورشدندونه[به دشمن] افتادگی نشان دادند و خدا صبر کنندگان را دوست دارد(١٤٧)

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٨﴾

و سخن ایشان نبود جز اینکه گفتند: پروردگارا! گناهان ما و تجاوزگری ماکه در کارخود کرده ایم برای ما بیآمرز و قدمهای ما ثابت بدار و مارا در مقابل قوم کافران پیروزی اعطا کن(١٤٨)

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٩﴾ ع

پس ایشان را پاداش دنیا و پاداش نیکوی آخرت دادیم و خدا شایسته کاران را دوست دارد(١٤٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ

ای‌آنانکه ایمان آورده اید اگر از

كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٥٠﴾

پی آنان رفتید که کفرکردند شما را بر پاشنه هایتان برگردانند و شمازیان کشیده بازگردید(۱۵۰)

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥١﴾

بلکه خدا مولای شما است و او بهترین یاوران است(۱۵۱)

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَانًا ۖ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۚ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥٢﴾

حتمًا ما در قلبهای آنها که کفر کردند بیم افکنیم چه آنها شریک خدا قرار دادند آنچه را که برای آن او هیچ دلیلی نازل نکرد و مأوی آنها آتش است و ستمکاران راچه زشت جای گاه است(۱۵۲)

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُۥٓ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِۦ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَآ أَرَاكُم مَّا تُحِبُّونَ ۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٣﴾

و البته خدا وعده خود را به شما راست گردانید هنگامیکه باذن او آنها را از بیخ بر میکندید تا آنگاه که شماترسیدید و درمورد دستور[رسول] بهم ستیزیدید و نافرمانی کردیدپس از آنکه خدا آنچه به شما نشان داد که دوست داشتید ـ کسانی از شمابودند که طالب دنیا بودند و کسانی ازشما بودند که طالب آخرت بودند.

سپس او شمارا از آنها دور کرد تا شمارا بیآزماید و یقیناً او از شماعفو کرد و خدا را بر مومنان فضلی فراوان است(١٥٣ )

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ وَّالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِىٓ أُخْرَىٰكُمْ فَأَثَٰبَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٤﴾

هنگامیکه پا بفرار گذاشته پشت سر به کسی نمیدیدید و رسول [ایستاده]در دستهٔ آن دگرتان شما را فرامیخواند پس خدا شمارا به عوض یك اندوه، اندوهی بزرگ رساند تاافسوس نخورید بر آنچه از دست دادید و نه به آن سختی که به شما رسید و خدا آگاه است بدانچه عمل کنید(١٥٤ )

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً مِّنكُمْ ۖ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَٰهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَىْءٍ ۗ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِىٓ

سپس بعد از اندوه بخاطر آرامش برشما چرت نازلکرد که دستهٔ از شمارا فرامیگرفت درحالیکه عدهٔ بودندکه آنهارا جانهای‌خود غمناك مینمودوبه خدامانندگمان جاهلیت بغیر از حق گمان میبردند. آنان میگفتند.آیاازامرچیزی بدست ما است؟بگوبراستی امر بتمامی آن

اَنۡفُسِهِمۡ مَّا لَا یُبۡدُوۡنَ لَكَ ؕ یَقُوۡلُوۡنَ لَوۡ كَانَ لَنَا مِنَ الۡاَمۡرِ شَیۡءٌ مَّا قُتِلۡنَا هٰهُنَا ؕ قُلۡ لَّوۡ كُنۡتُمۡ فِیۡ بُیُوۡتِكُمۡ لَبَرَزَ الَّذِیۡنَ كُتِبَ عَلَیۡهِمُ الۡقَتۡلُ اِلٰی مَضَاجِعِهِمۡ ۚ وَلِیَبۡتَلِیَ اللّٰهُ مَا فِیۡ صُدُوۡرِكُمۡ وَلِیُمَحِّصَ مَا فِیۡ قُلُوۡبِكُمۡ ؕ وَاللّٰهُ عَلِیۡمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوۡرِ ﴿۱۵۵﴾

بدست خدا است ـ در دلهای خود پنهان کنند آنچه برای توآشکار نمیسازند. گویند.اگرازامرچیزی دراختیارمابودقطعًا دراینجاکشته نمیشدیم. بگواگرشما درخانه های خودتان هم بودیدحتمًابرای آنها که قتل مقدر شده بود بسوی قتل گاههای خودبیرون میآمدندو[این به آن علت است] تاخدا بیآزماید آنچه درسینه های شما است و تا خالص گرداند آنچه در دلهای شما است و خدا به امور سینه ها دانا است(۱۵۵)

اِنَّ الَّذِیۡنَ تَوَلَّوۡا مِنۡكُمۡ یَوۡمَ الۡتَقَی الۡجَمۡعٰنِ ۙ اِنَّمَا اسۡتَزَلَّهُمُ الشَّیۡطٰنُ بِبَعۡضِ مَا كَسَبُوۡا ۚ وَلَقَدۡ عَفَا اللّٰهُ عَنۡهُمۡ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوۡرٌ حَلِیۡمٌ ﴿۱۵۶﴾ ع ۱۶/۷

یقینًاکسانی از شما که برگشتند روزی که دو لشکر روبروی هم شدند این شیطان بود که آنها را لغزانید بعلت برخی ازآن اعمال که کسب کردند والبته خدا ازآنها عفو نمود یقینًا خدا آمرزگاری بردبار است(۱۵۶)

یٰۤاَیُّهَا الَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡا لَا تَكُوۡنُوۡا كَالَّذِیۡنَ

ای کسانیکه ایمان آورده اید مانند

كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٧﴾

آنها نشوید که انکار کردند و در موردبرادران خود چون در زمین سفرکردندیابه غزوه بیرون آمدند گفتند:اگر نزد ما بودند نمیمردند وکشته نمیشدند.خدامیخواهد این [آرزو] را در دلهای آنان حسرتی قراردهدوخدااست که زنده میکند ومیمراند وخدا بینای آنست که عمل کنید(۱۵۷)

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٨﴾

و اگرکشته شدید در راه خدا یا مردید یقینًا آمرزش و رحمت خدا نیکوتر از آن است که جمع کنید(۱۵۸)

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٩﴾

و اگر مردید یا کشته شدید حتمًا به سوی خدا محشور کرده شوید(۱۵۹)

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۖ

پس بسبب رحمت خدا است که بر ایشان نرم شدی و اگر تو تندخو و سختدل بودی یقینًا آنها از پیرامون توپراکنده میشدند. پس از آنهاعفو کن و برای ایشان

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٦٠﴾

آمرزش بطلب و درامر[مهم]با آنها مشورت کن و هنگامیکه تصمیمی بگرفتی پس برخدا توکل کن یقیناً خداتوکل کنندگان رادوست دارد(١٦٠)++

إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۖ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦١﴾

اگرخداشمارایاری کند پس کسی برشما غالب شونده نیست و اگر شماراترك کند پس کیست بعد از او که شمارا یاری کند.پس باید مومنان برخداتوکل کنند(١٦١)

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ ۚ وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٢﴾

و امکان پذیرنیست پیغمبری را که خیانت کند وهرکه خیانت کند روزقیامت[شومی] آنچه راخیانت کرد باخودآورد.سپس هرتن بتمام داده شود آنچه کسب کرد و آنها

++آیت ١٦٠- دراین آیة نخست نرم دل بودن آنحضرت صلی الله علیه وسلم را ذکر است بطوریکه جای دیگر فرمود: بالمومنین رءوف رحیم (التوبه ١٢٨)دومین بدین امراعلان قطعی است که اصحاب طمع ورزیده گرد آنحضرت جمع نشده بودند و اگر آنحضرت گنجهای جهان راهم برآنان هزینه میکردند بازهم همچون پروانه ها گرد آنحضرت جمع نمی شدند. با این وجود هم گفته شد که در امور مهم با آنان مشورت کن اما تصمیم نهائی بدست تواست و لازم نیست که مشورت آنان قبول کرده شود و وقتیکه تصمیم گرفتی برخدا توکل کن و او یاور تو میشود.

ستم نشوند(١٦٢)

اَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللّٰهِ كَمَنْۢ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ وَ مَاْوٰىهُ جَهَنَّمُ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٦٣﴾

پس آیاآنکه ازپی رضای‌خدا برود مانندِاوست که با سخط خدا باز گردد و مأوی او جهنم است و چه زشت بازگشتگاهی‌است(١٦٣)

هُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٦٤﴾

آنان نزد خدا به مراتبی مختلف [منقسم]اند و خدا بینای آن است که میکنند(١٦٤)

لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ اِذْ بَعَثَ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهٖ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ ۚ وَاِنْ كَانُوْا مِنْ قَبْلُ لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿١٦٥﴾

یقیناًخدا بر مومنان منت نهاد چون رسولی در ایشان از خود ایشان برگزید. او آیتهای او را برای ایشان تلاوت میکند وایشان را پاك میسازد و ایشان را دانش کتاب وحکمت میآموزد درحالیکه قبلاً یقیناً در گمراهی آشکارا بودند (١٦٥)

اَوَلَمَّآ اَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةٌ قَدْ اَصَبْتُمْ مِّثْلَيْهَا ۙ قُلْتُمْ اَنّٰى هٰذَا ؕ قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اَنْفُسِكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٦٦﴾

آیا هرگاه بشما سختی برسد که دوبرابر آن[بدشمن]رساندید [باز هم]گویید که این ازکجااست.بگو آن ازجانب نفسهای‌شمااست.یقیناً خدا بر هرچیز مدام قدرتمند

است(١٦٦)

وَمَآ اَصَابَكُمۡ يَوۡمَ الۡتَقَى الۡجَمۡعٰنِ فَبِاِذۡنِ اللّٰهِ وَلِيَعۡلَمَ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ ﴿١٦٧﴾

و آن گزندی که شمارا در آنروز رسید که دو گروهی روبروی هم شدند پس آن به اذن خدا بود و برای این بود تا مؤمنان را نمایان سازد(١٦٧)

وَلِيَعۡلَمَ الَّذِيۡنَ نَافَقُوۡا ۖۚ وَقِيۡلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡا قَاتِلُوۡا فِيۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ اَوِ ادۡفَعُوۡا ؕ قَالُوۡا لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالًا لَّااتَّبَعۡنٰكُمۡ ؕ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ اَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡاِيۡمَانِ ۚ يَقُوۡلُوۡنَ بِاَفۡوَاهِهِمۡ مَّا لَيۡسَ فِيۡ قُلُوۡبِهِمۡ ؕ وَاللّٰهُ اَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُوۡنَ ﴿١٦٨﴾

و تا آنانکه دو روئی کردند را بشناسد و [چون] به آنها گفته شد بیآیید در راه خدا قتال کنید یا دفاع کنید گفتند اگر جنگ کردن را میدانستیم حتمًادنبال شما می آمدیم.آنهادرآنروزنزدیکتربکفراز ایمان بودند. آنان به زبان های خود میآورند که دردلهای آنان نیست و خدا داناتر به آن است که کتمان کنند(١٦٨)

اَلَّذِيۡنَ قَالُوۡا لِاِخۡوَانِهِمۡ وَقَعَدُوۡا لَوۡ اَطَاعُوۡنَا مَا قُتِلُوۡا ؕ قُلۡ فَادۡرَءُوۡا عَنۡ اَنۡفُسِكُمُ الۡمَوۡتَ اِنۡ كُنۡتُمۡ صٰدِقِيۡنَ ﴿١٦٩﴾

آنانکه برای برادران خودگفتند با آنکه خودشان در عقب نشتند که اگرازپی‌مامیرفتندکشته نمیشدند. بگو پس مرگ را ازجانهای خود برگردانید اگر شما راستگویان

ايد(١٦٩)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ قُتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَمْوَاتًا ۭ بَلْ اَحْيَاۗءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُوْنَ ١٧٠

و آنانکه در راه خدا کشته شوند مرده مپندارید بلکه زنده اند و از نزد پروردگارخود رزق داده شوند(١٧٠)

فَرِحِيْنَ بِمَآ اٰتٰىھُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۙ وَيَسْتَبْشِرُوْنَ بِالَّذِيْنَ لَمْ يَلْحَقُوْا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِھِمْ ۙ اَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا ھُمْ يَحْزَنُوْنَ ١٧١

بسیارخرسندندبدآنچه خدا بفضل خود ایشان را در داده است و درباره بازماندگان خود که هنوز با ایشان ملحق نشده اند مژدگان دریابند که آنان را هیچ بیمی نیست وایشان اندوهناك نخواهند شد(١٧١)

وقف لازم

يَسْتَبْشِرُوْنَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ اَجْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ ١٧٢

ایشان نویدهائی میابند به نعمت و فضل خدا و اینکه خدا پاداش مومنان را به هدر نمیدهد(١٧٢)

ع ١٧ ٨ ١٦ معانقة عند المتقدمين

اَلَّذِيْنَ اسْتَجَابُوْا لِلّٰهِ وَالرَّسُوْلِ مِنْۢ بَعْدِ مَآ اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ڛ لِلَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا مِنْھُمْ وَاتَّقَوْا اَجْرٌ عَظِيْمٌ ١٧٣

آنانکه به خدا و رسول لبیك گفتند پس از آنکه به ایشان جراحتی رسیده بود، کسانی از ایشان را که احسان کردند و تقوی را پیشه کردند پاداش بزرگی است(١٧٣)

اَلَّذِيْنَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوْا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ اِيْمَانًا ۖ وَّقَالُوْا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ ﴿١٧٤﴾

[یعنی] کسانیکه مردم به آنان گفتند: همانا مردم بر خلاف شما جمع شده اند پس از آنهابترسید [این] بر ایمان ایشان افزود و گفتند. خدا مارا بس است و او چه نیکوکارسازاست(١٧٤)

فَانْقَلَبُوْا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوْٓءٌ ۙ وَّاتَّبَعُوْا رِضْوَانَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ ذُوْ فَضْلٍ عَظِيْمٍ ﴿١٧٥﴾

پس بانعمت خداوفضل بازگشتند. گزند به ایشان لمس نکردوایشان خوشنودی خدارا دنبال کردند و خدا را فضلی بزرگ است(١٧٥)

اِنَّمَا ذٰلِكُمُ الشَّيْطٰنُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَآءَهٗ ۖ فَلَا تَخَافُوْهُمْ وَخَافُوْنِ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٧٦﴾

یقینًا این تنها شیطان است که دوستان خود رامیترساند پس از آنها نترسید و ازمن بترسید اگر شما مومنانید(١٧٦)

وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِيْنَ يُسَارِعُوْنَ فِى الْكُفْرِ ۚ اِنَّهُمْ لَنْ يَّضُرُّوا اللّٰهَ شَيْـًٔا ۗ يُرِيْدُ اللّٰهُ اَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِى الْاٰخِرَةِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٧٧﴾

و تو راغمناك نسازند آنانکه در کفر بشتاب پیش میروند. یقیناً آنها هیچ گزندی به خدا نرسانند. خدا میخواهد درآخرت برایشان هیچ سهمی قرار ندهد و برایشان عذابی بزرگ است(١٧٧)

اِنَّ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْاِيْمَانِ لَنْ

براستیآنانکه کفررا ببهای ایمان

يَّضُرُّوا اللّٰهَ شَيْـًٔا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾

خریدند هرگزبه خدا هیچ گزندی نرسانند و آنها را عذابی دردناک است(۱۷۸)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّاَنْفُسِهِمْ ۚ اِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوٓا اِثْمًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٩﴾

و کسانیکه کفرکردند گمان نکنند که مهلت دادن ما آنانرا درحق آنان بهتر است.آنانرامهلت فقط برای این میدهیم تا بر بزهکاری بیفزایند و آنها را عذابی خوار کنندهٔ است(۱۷۹)

مَا كَانَ اللّٰهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلٰى مَآ اَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّٰى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۗ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَجْتَبِي مِنْ رُّسُلِهِ مَنْ يَّشَآءُ ۖ فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ ۚ وَاِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ اَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٨٠﴾

نیست خدا که مومنان را رها سازد برآن حال که برآن شمااید تا آنگاه که پلید و ناپاك را از حلال و پاك تمیز دهد و نیست خدا که همه شمارا بر غیب مطلع سازد وبلکه خدا ازپیغمبران خود هرکه رامیخواهد برمیگزیند. پس به خدا و رسولان او ایمان آرید و اگرایمان آرید و تقویٰ پیش گیرید پس شما را مزد بزرگی است(۱۸۰)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ اٰتٰهُمُ

و کسانیکه بخل ورزند بدآنچه ما

اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ ؕ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ؕ سَيُطَوَّقُوْنَ مَا بَخِلُوْا بِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَلِلّٰهِ مِيْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿١٨١﴾

که خداآنان رابفضل خود اعطا کرد گمان نکنند که آن برای آنان نیکو است بلکه آن برای آنان خیلی زشت است.آنچه ماکه درآن بخل کردند در روزقیامت طوق آنهاگردانده شودو میراث آسمانها وزمین ازآن خدااست وخدا به آن چه عمل کنید آگاه است(١٨١)

لَقَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ فَقِيْرٌ وَّنَحْنُ اَغْنِيَآءُ ۘ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوْا وَقَتْلَهُمُ الْاَنْۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۙ وَّنَقُوْلُ ذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿١٨٢﴾

یقینًاخدا شنید گفتارآنانکه گفتند خدا تهیدست است و ما ثروتمند ایم.حتمًانوشته داریم آنچه گفتند و [اینکه] آنها رسولان را بناحق بشدت مخالفت کردند و گوئیم عذابی سوزنده بچشید(١٨٢)

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿١٨٣﴾

اینست بدانچه دستهای شما پیش فرستاد واینکه خدا برای بندگان ستم ران نیست(١٨٣)

اَلَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ عَهِدَ اِلَيْنَآ اَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يَاْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَاْكُلُهُ النَّارُ ؕ قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِيْ

آنانکه گفتند یقیناًخداازماپیمانی گرفته است که بهیچ رسولی‌ایمان نیاوریم تا آنگامکه مارا قربانی بیارد که آتش آن را بخورد. بگو

بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالَّذِىْ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوْهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٨٤﴾

پیش از منهم پیغمبرانی نزدشمابا نشانه های روشن و با آن [سخن] که میگویید آمده بودند پس چرا با ایشان ستیزه جوئی‌سرسخت کردید اگر شما راست گویان اید(١٨٤) ++

فَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَآءُوْ بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ ﴿١٨٥﴾

پس اگربتو تکذیب کرده اند پس رسولانی پیش از تو نیز تکذیب شده بودند. ایشان با نشانه های روشن و صحیفه ها و کتاب درخشنده ای آمده بودند(١٨٥)

++آیت ١٨٤: یهود اعتقاد داشتند هرچه قربانی بحضور خدا آورده شود علامت قبولیت آن اینست که آتشی ازآسمان باریده آن قربانی را میخورد. لذا از آنحضور صلی الله علیه وسلم مطالبه شد که چنین قربانی را بیآر که آتش از آسمان باریده آنرا بخورد. آنگاه خدا در پاسخ این مطالبه گفت که اگر رسولی راستگو را این علامت است پس به قول شما در زمان رسولان قبلی هم قربانی میشد و آتش از آسمان آمده آنرا میخورد پس با این وجود چرا دیگر انبیاء را مخالفت شدیدی کردید؟

++ معنای قتل ضرب شدیدهم است بطوریکه نوشته است تکون استعارة الفعل علی قسمین:احدهماأن یشبّه الضرب الشدید مثلاً بالقتل. و یستعارله اسمه ثم یشقّ منه قتل بمعنی ضَرَبَ یَضرِبُ ضَرباً شَدیداً [تفسیر روح المعانی سورة الفتح زیرآیت انا فتحنالك فتحاً مبینا].

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٦﴾

هرتن چشندهٔ مرگ است وپاداش خود بتمام فقط روز قیامت داده شوید پس آنکه از آتش نگاه داشته و به بهشت داخل کرده شد پس یقیناً موفق شد و زندگی دنیاجزبهره گیری فریبنده چیزی نیست(١٨٦)

لَتُبْلَوُنَّ فِيٓ أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوٓا أَذًى كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٧﴾

حتمًا در مالهای خود و جانهای خود آزموده شوید و البته از آنانکه پیش از شما کتاب داده شدند و کسانیکه شرك ورزیدند سخنانی‌دل آزاربفراوانی خواهید شنید اگر صبرکنید و تقویٰ پیش گیرید پس این از کار های پر همت است( ١٨٧ )

وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٨﴾

ومنگامیکه خدا از آنها که کتاب داده شدند پیمانی‌بگرفت که حتمًا شما این کتاب را برای مردم بروشنی بیان کرده و هرگز آنرا کتمان نخواهید کرد. اما آنها آن [میثاق] راپشت سرخود نهادند و

به[عوض]آن بهائی ناچیز گرفتند. پس چه زشت است آنچه می خرند(۱۸۸)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَفْرَحُوْنَ بِمَآ اَتَوْا وَّ يُحِبُّوْنَ اَنْ يُّحْمَدُوْا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوْا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۸۹﴾

کسانیکه به کرده های خود دلشاد شوند و دوستدارند که برای آن کارها نیز ستوده شوند که انجام نداده اند پس هرگز آنها را از عذاب رستگار نه پندار بلکه آنها را عذابی دردناك است(۱۸۹)

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۘع ﴿۱۹۰﴾

ع ۱۹ ۹ ۱۰

و پادشاهی آسمانها و زمین ازآن خدا است وخدا به هرچیز مدام قدرتمند است(۱۹۰)

اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿۱۹۱﴾

بیگمان در آفرینش آسمانها و زمین ودگرگونی شب و روزبرای خردمندان نشانه هایست(۱۹۱)

الَّذِيْنَ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى جُنُوْبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُوْنَ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا ۚ سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۹۲﴾

کسانیکه ایستادگان و نشتگان و برپهلوهای‌خود خدا را یادمیکنند و درآفرینش آسمانها و زمین فکر واندیشه کنند[وبیساخته گویند] پروردگاراهرگز تواین[عالم] را بلامقصودنیاآفریده ای‌توپاکی پس

رَبَّنَآ اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهٗ ؕ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿۱۹۳﴾

مارا ازعذاب آتش نگهدار(۱۹۲) پروردگارا!آنکه را به آتش داخل کردی پس او را خوارگرداندی و ستمکاران را هیچکس یاور نه باشد(۱۹۳)

رَبَّنَآ اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا ۖ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ ﴿۱۹۴﴾

پروردگارا! یقینًا ما گوش کردیم منادیئی را که به ایمان منادی میکرد که برپروردگارخودایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم. ای پروردگار ما! پس گناهان ما را برای ما بیآمرز و زشتی های ما را از ما دور کن و ما را با نیکو کاران بمیران(۱۹٤)

رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ﴿۱۹۵﴾

پروردگارا!مارا درده آن وعدهٔ که توبرای ما بر رسولان خود فرض نمودی[یعنیمیثاق النبیین]و روز قیامت مارا خوار نگردانی. یقیناً توخلاف وعده نمیکنی(۱۹۵)++

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ اَنِّيْ لَآ اُضِيْعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى ۚ

پس پروردگارایشان دعایایشان را استجابت نمود [وفرمود] که من عمل هیچ عمل کنندهٔ از شما

بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۚ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٦﴾

خواه مرد است یا زن ضائع نمیدهم. بعضی از شما از بعضی اند. پس کسانیکه مهاجرت کردند و ازخانه های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزاریده شدند وقتال کردند و کشته شدند یقینًا من زشتیهای ایشان را از ایشان دورکرده وحتمًا آنها را وارد باغ های نمایم که دردامنۀ آنها نهرهای روانست.این مزدی از محضرخدا است و خدا است که نزد او بهترین مزد است(١٩٦)

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٧﴾

آمدو رفت آنها در شهرها که کفر کردند تو را نفریبد(١٩٧)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٨﴾

این بهره ای ناچیز موقتی است. سپس مأوی آنان جهنم است و چه زشت جایگاهی است(١٩٨)

---

++آیت ١٩٥ :پس از عَلی کلمه لسان رسلك نیست بلکه فقط رسلك است.این "عَلی" بغرض است و مفهومش اینست بطوریکه توسط پیغمبران برقوم های ایشان تو فرض کرده بودی که آنان یعنیقومهابه رسولیآینده حتماً یاری کنند پس اگرآنان اینطور نکننداین اشتباه است وگرنه خداکه بحرحال طبق وعده رسولان راغالب مینماید.

لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّلْاَبْرَارِ ﴿۱۹۹﴾

امآنانکه به پروردگار خود تقوی کنند برایشان باغهای است که در دامنه آنهانهرهای روان است. آنان درآنهاجاویدانند. این از نزد خدا پذیرائی‌است وآنچه نزدخدااست برای نیکان نیکوتراست(۱۹۹)

وَاِنَّ مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَمَنْ يُّؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ خٰشِعِيْنَ لِلّٰهِ ۙ لَا يَشْتَرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيْلًا ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿۲۰۰﴾

ویقینًاازاهل کتاب کسانی اند که به خداوآنچه بسویشما نازل کرده شدوآنچه بسوی‌آنان نازلکرده آمد برای‌خدا فروتنان ایمان می‌آورند آیتهای خدا را به بهاء ناچیز نمی فروشند آنانند که پاداش ایشان نزد پروردگارایشان است. یقینًا خدا زود حساب است(۲۰۰)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اصْبِرُوْا وَصَابِرُوْا وَرَابِطُوْا ۫ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۲۰۱﴾

ای‌آنانکه ایمان آوردید صبر کرده وبه صبرسفارش کنیدوبه نگهداری مرزهاآماده باشید و به خدا تقوی کنیدتاشماپیروزمند شوید(۲۰۱)

++آیت۲۰۱ـ مفهوم"رابطوا"برطول مرزاسبهابستن است یعنی‌هیچگاه ازحمله دشمن بی خوف نباشید بلکه بر مرزها حاضر بوده میتوان اخبار آنطرف مرز را بدست آورد همینطور بر مرزها اسبها بستن دشمن را برای حمله ناگهانی مجال نمیدهد.

# ٤ - سورة النساء

این سورة درمیان سومین و پنجمین سال مجرت نازل شد و با بسم الله ١٧٧ آیت دارد.

آغاز این سورة با چنین آیتی میشود درچه شروع شدن آفرینش معجزانه ای انسان ذکرشده است. گویی واژه آدم را تفسیری جدید درآورده میشود.

این سورة به آخرین قسمت سورة قبلی وابستگی عمیقی دارد. درآخر سورةقبلیعلاوه برتعلیم صبربه این امرآموزش داده میشود که بهمدیگر برای شکیبائیسفارش کرده وازمرزهایخودنگهبانیکنید.ضمناًدراین سورة سخن از کار زارهای هولناکی با دشمنان اسلام گفته میشودکه درنتیجه آن بسیاري از زنان بیوگان وبچه هایتیمان میمانند.برایحل مشکلات ناشیازجنگهاو درباب حقوق بیوگان و یتیمان پیشنهادیاست که بابیش ازیك زن عقدازدواج بسته شودبشرطیکه انصاف رعایت کرده شودواگرانصاف امکان پذیرنیست باید به یك زن اکتفاکرده شود.

ضمناً به اصل اساسی برای نظام وراثت طبق تعلیم اسلام تفصیل داده میشود.

دراین سورة از مناسبات یهودیان و مسیحیان بهمدیگر و بعثت حضرت مسیح به اینصورت ذکرمیشودکه چون یهود همه پیمانهای خود را نقض کرده و سختدل شده و تلاش کرده که حضرت مسیح را بدار آویخته بکشند آنگاه چگونه خداوند به نجات حضرت مسیح برآمدوکوششهای یهودیان را برای کشتن حضرت مسیح به دار کشیده به ناکامی و بی مرادی روبروی نموده و

حضرت مسیح را ازآن تمامی‌تهمتهاپاك ثابت گرداندکه یهودیان براو و مادر پاکدامن او زده بودند.

مضافاًدراین سورة ازهجرت حضرت مسیح نیز درصورت این پیشگوئی مذکور است که ازاهل کتاب هیچ گروهی‌باقی‌نخواهدماندکه به صداقت ووفات طبیعی‌ایشان ایمان نیآورده باشد. این پیشگوئی بصورت مهاجرت ایشان از راه افغانستان به کشمیر تحقق یافته است.

☆ سُوْرَةُ النِّسَاءِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ سَبْعٌ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ اَرْبَعَةٌ وَّ عِشْرُوْنَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمُ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيْرًا وَّ نِسَآءً ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِىْ تَسَآءَلُوْنَ بِهٖ وَالْاَرْحَامَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيْبًا ②

ای مردم اتقوی کنید پروردگارخود را آنکه شمارا از یکتن آفرید و جفت آنرا ازخود آن درآورد و از آندو مردان و زنان فراوان گسترانید و بترسید ازآن خدای که بنام او ازهم درخواست کنیدو [تعلق]رحمها[رارعایت کنید]یقیناً خدا بر شما نگهبان است(۲)

وَاٰتُوا الْيَتٰمٰۤى اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيْثَ بِالطَّيِّبِ ۠ وَلَا تَاْكُلُوْۤا اَمْوَالَهُمْ اِلٰۤى اَمْوَالِكُمْ ؕ اِنَّهٗ كَانَ حُوْبًا كَبِيْرًا ③

و یتیمان را مالهای آنان بدهید و ناپاکیزه هارا ببدل پاکیزهها نه گیرید و مالهای آنهارا با اموال خود موردطعمه قرار ندهید. حتمًا آن گناهی بزرگست(۳)

وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِى الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ۚ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا

واگربیم داریدکه درموردیتیمان بداد رفتارنتوانید کنیدآنگاه آنکه از زنان شماراخوش آید دو و سه وچهار را به عقدازدواج درآرید

فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ۚ ذٰلِكَ اَدْنٰۤى اَلَّا تَعُوْلُوْا ۝٣

واگر بیم دارید که بداد رفتار نخواهیدکرد پس یکی [بس] است یاآنانکه دستهای راست شما مالك است.این نزدیکتر [به این] است که شما بی‌عدالتی نکنید(٤)++

وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً ۚ فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَیْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِیْٓـًٔا مَّرِیْٓـًٔا ۝٤

و مهریه های زنان به آنها با طیب خاطربپردازیدواگربدوستی بشما ازآن وادهندپس آنرابمیل ورغبت بکارخودببرید(۵)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِیْ جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِیٰمًا وَّارْزُقُوْهُمْ فِیْهَا وَاكْسُوْهُمْ وَقُوْلُوْا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوْفًا ۝٥

و ندهید به ابلهان آنمال خود که خدا باعث استواری شماقرارداد و آنانرا ازآن بخورانیدوآنانرا بپوشانید و به آنان سخن نیکوی بگویید(٦)

++آیت ٤ـ دو، سه و چهار زن گرفتن بمنزله فرمان نیست بلکه مفهوم این است که یکوقت فقط چهارتازوجه توان داشت درحالیکه قبل ازآن در اعراب تعداد زنان را هیچ حدوحصری نبود.لذااین آیت تعدادزوجات رابجای اضافه محدودمیسازد. البته حالت جنگ.چون بسیارکثیرزنان اسیر می‌آرد وکفالت یتیمان، گرفتن بیش از یك زن رااجازه میدهد بشرطیکه عدل را توان رعایت کرد.کسانیکه این اجازه را بهانه قرارداده بیشترازیك زن میگیرندوزن قبلی راکالمعلق رهامیکنند هرگز تعلیم اسلام را اقتداء نمیکنند بلکه هوائی نفسانی خود را پیروی کرده بیش از یك زن میگیرند.

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٧﴾

و یتیمان را بیآزمایید تا آنوقت که به سن نکاح برسند. آنگاه اگر درآنها احساس خردکنید پس مال های آنان را به آنان برگردانید و آن [اموال] را اسرافًا و عجولانه بربزرگ شدن آنها پیشی‌گرفته نخورید،وآنکه ثروتمند است باید [ازآن اموال] پرهیزکند و آنکه نادارست بطریق مناسب بخورد. پس گامیکه مالهایشان را به آنان بازدهیدپس برآنها گواه قراردهید و خدا برای حساب گرفتن بس است(۷)

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿٨﴾

مردان را از آنچه والدین و خویشان ارث گزارندسهمی است وهم زنان راسهمی است ازآنچه والدین وخویشان ارث گذارند خواه آن کم است یازیاد. این سهمی بفرض است(۸)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ

و اگر هنگام تقسیم خویشان [که حق ندارند] ویتیمان و مساکین

وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ⑨

حاضر آیندآنگاه بدیشان هم بدهید وبه آنان سخن نیکوی‌بگویید(۹)

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعٰفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللّٰهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ⑩

و باید بترسند آنها که اگر پس از [فوت]خودفرزندانی‌ناتوان وا گذارند که برایشان علاقه مند بودند و باید به خدا تقوی پیش گیرند و باید لب به گفتار راست و درست بگشایند(۱۰)

اِنَّ الَّذِينَ يَاْكُلُونَ اَمْوَالَ الْيَتٰمٰى ظُلْمًا اِنَّمَا يَاْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا ط وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ⑪ ع

مسلمًاکسانیکه اموال یتیمان را به ستم میخورند درشکمهای خود فقط آتش پر میکنند و یقیناً در آتشی شعله ور افکنده شوند(۱۱)

يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِىٓ اَوْلَادِكُمْ ق لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَيَيْنِ ج فَاِنْ كُنَّ نِسَآءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ج وَاِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ط وَلِاَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ اِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ ج فَاِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُ وَلَدٌ وَّوَرِثَهُ اَبَوَاهُ فَلِاُمِّهِ الثُّلُثُ ج فَاِنْ كَانَ

خدا به شما درباره فرزندان شما توصیه میکند.سهم مرد برابر دو زن است واگرآنهاازدو زن بیشتر باشند آنگاه برایشان دوسوم آنست که کسی ارث گذاشت و اگریك زن است پس وی رانصف است و برای والدین آن [متوفی] هریك از آندو را یك ششم آنست که او ارث گذاشت اگر او را

لَهٗٓ اِخْوَةٌ فَلِاُمِّهِ السُّدُسُ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصِيْ بِهَآ اَوْ دَيْنٍ ؕ اٰبَآؤُكُمْ وَاَبْنَآؤُكُمْ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا ؕ فَرِيْضَةً مِّنَ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٢﴾

اولاد بود. و اگر او را اولاد نه بود و والدینش از او ارث برند آنگاه مادرش رایك سوم است و اگراو را برادران [وخواهران] باشندآنگاه برای‌مادرش یك ششم است پس از[ادای حق] وصیت که اوکردیا بدهی.پدران شماوپسران شما نمیدانید که کدامین از آنها ازجهت سودمندی شما نزدیك تر اند. این ازجانب خدا معین شده است.یقینًا خدا مدام دانا و صاحب بسیارحکمت است(۱۲)

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ اَزْوَاجُكُمْ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُنَّ وَلَدٌ ۚ فَاِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصِيْنَ بِهَآ اَوْ دَيْنٍ ؕ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّكُمْ وَلَدٌ ۚ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِّنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوْصُوْنَ بِهَآ اَوْ دَيْنٍ ؕ وَاِنْ

و برایشما نصف آنچه است که زنان شماارث گذارند اگر آنهارا اولادنیست. پس اگر آنهارا اولاد است آنگاه برای شما یکچهارم است از آنچه که آنها ارث گذارند پس از [ادای‌حق]وصیت که کرده باشندیا بدهی و برای ایشان یك چهارم از آنچه است که شما ارث گذارید وشما را اولادی نیست و

كَانَ رَجُلٌ يُّوْرَثُ كَلٰلَةً اَوِ امْرَاَةٌ وَّلَهٗٓ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ ۚ فَاِنْ كَانُوْٓا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى الثُّلُثِ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصٰى بِهَآ اَوْ دَيْنٍ ۙ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً مِّنَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَلِيْمٌ ﴿١٣﴾

اگر شما اولاد داریدآنگاه برایشان یك هشتم است از آنچه که ارث گذارید پس از [ادای حق] وصیتی که کرده باشید یابدهی و اگر ارث گذار مردی است یا زنی کلاله [یعنی بی فرزند و بلا پدر ومادر]و او رابرادری یاخواهری است پس سهم هریك آنها یك ششم است و اگر آنها بیشتر از آن باشند آنگاه آنها در یك سوم بهم شریکند پس از [ادای حق] وصیت که کرده شد یا بدهی و بلا مضرت کسی.این از جانب خدا سفارش است و خدا مدام دانا ی بردبار است(۱۳)

تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۗ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٤﴾

این حدهای خدا است و هرکه از خداورسولش پیروی‌کند او وارد باغهای کرده شودکه دردامنه آنها نهرهای‌روانست و درآنجا جاودان باشد و این پیروزی بزرگ است(۱٤)

وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَتَعَدَّ حُدُوْدَهٗ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيْهَا ۠ وَلَهٗ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿١٥﴾

ع ٢ / ١٣

وهرکه ازخداورسولش نافرمانی کند و از حدود او تجاوز نماید او به آتشی وارد کرده شود که درآن مدت دراز بماند و او را عذابی رسوا کننده است(١٥ )

وَالّٰتِيْ يَاْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَآئِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْكُمْ ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِي الْبُيُوْتِ حَتّٰى يَتَوَفّٰهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا ﴿١٦﴾

و آنهائی از زنان شما که به فحشائی مرتکب شده باشندبرآنها چهارگواه از خودتان بگیرید.پس اگرآنهاگواهی دهند آنگاه زنان را درمنازل نگهداریدتاآنگاه که فوت به آنهابرسدیاخدا برایشان راهی آن دگر قراردهد(١٦ )++

وَالَّذٰنِ يَاْتِيٰنِهَا مِنْكُمْ فَاٰذُوْهُمَا ۚ فَاِنْ تَابَا وَاَصْلَحَا فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمَا ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيْمًا ﴿١٧﴾

و آندو مرد از شما که به آن [فحشائی] مرتکب شوند پس به آنها کیفر[بدنی] بدهید. پس اگر توبه کنند و روی به اصلاح آورند آنگاه از آنها اعراض کنید. یقیناً خدا پذیرنده توبه و بارها رحم

---

++آیت ١٦ـ کلمات "خدا برایشان راهی آن دگر قراردهد" را دو مفهوم توان باشد یکی اینکه شوهرش پیشتر درگذرد و زوجه آزاد شود و دومین اینکه شوهرش وی‌راطلاق دهد تا با مردی دیگر عقد ازدواج بندد.

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوٓءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰٓئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٨﴾

کننده است(۱۷)

یقیناًبرخدا فقط توبه آنها قبول کردن است که فحشائی را به حماقت[خود]ارتکاب کنند و ازآن پس بزودی توبه کنند پس آنانند که خدا توبه قبول کرده بر آنان متمایل شود و خدا مدام دانا ی صاحب بسیار حکمت است(۱۸)

++آیات ١٦_١٧ :این آیات راتعلق به جنسی بی راهی است آنچه را امروزها "گی مومنت"میگویندیعنی مردبامرد و زن با زن بی‌حیائی‌را ارتکاب کند.برای زنان چهارگواه لازم اند ولی برای‌مردان لازم نیستند.این برای عصمت زنان ازتهمت بیجا نگهداری است. این فرمان که بیرون رفتن اینچنین زنان را بازداریداین معنای نداردکه آنانرا درخانه هاحبس کنید بلکه مفهومش اینست که نگذارید که آنها بلا اجازت تنهاازخانه بیرون روند و موجب گسترش این بی‌حیائی شوند.

اینجاسوال برمیآید که این جلوگیری چرا برای مردان الزامی نیست. بدیهی است که قرآن کریم مردان را برای اداره کردن مخارج و سایر نیازهای زندگی‌خانواده مسؤل میگرداند واگرآنان درمنازل بازداشته شوند دیگر زندگانی روزانه خانواده به دشواری روبرو میشود.لذا بجای نگهداری در منازل فرمان شد که آنان کیفر بدنی داده شوند و این کیفرمشروط به هشتادیاصدشلاّق نیست بلکه این کیفر بر حسب حالات است. درحالیکه اگر احتیاطی‌فوق بکارگرفته شود نیازبه کیفری‌باقی نمیگذارد.اگرکیفربدنی به زنان جایزبودپس درزندگی حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم حتیّ یك مثل بایدصورت عمل میگرفت حالانکه بعضی‌از زوجات آنحضرت گاهی موجب ناراحتی ایشان هم شدند که قرآن دراینمورد ذکر کرده است.

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ ج حَتّٰٓى اِذَا حَضَرَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ اِنِّىْ تُبْتُ الْئٰنَ وَلَا الَّذِيْنَ يَمُوْتُوْنَ وَهُمْ كُفَّارٌ ط اُولٰٓئِكَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٩﴾

و نیست توبه آنها که بفحشائی عمل همی‌کنندتاآن انتهاکه هرگاه بکسی از آنها فوت فرارسد گوید یقیناً اکنون من توبه میکنم و نیست [توبه]آنهاکه بمیرندحالانکه آنهاکافرانند.همانهاند که برای‌آنها عذابی‌دردناك مهیاکرده ایم(١٩)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَرِثُوا النِّسَآءَ كَرْهًا ط وَلَا تَعْضُلُوْهُنَّ لِتَذْهَبُوْا بِبَعْضِ مَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اِلَّآ اَنْ يَّاْتِيْنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ج وَعَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ج فَاِنْ كَرِهْتُمُوْهُنَّ فَعَسٰٓى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْئًا وَّيَجْعَلَ اللّٰهُ فِيْهِ خَيْرًا كَثِيْرًا ﴿٢٠﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید شما را حلال نیست که میراث زنان را به اجبار ببرید و برآنها تنگ نگیریدتاازآنچه به آنهاداده باشید بکمی ببرید مگر اینکه فحشائی آشکارابیآرند و با آنان به رفتار نیکوئی زندگی کنید.پس اگرشما راخوش نداردآنگاه چه بساچیزی رادوست ندارید‌وخدادرآن برکت فراوانی نهاده است(٢٠)

وَاِنْ اَرَدْتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ لا وَّاٰتَيْتُمْ اِحْدٰىهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَاْخُذُوْا مِنْهُ شَيْئًا ط اَتَاْخُذُوْنَهٗ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٢١﴾

واگرمیل کنیدکه زن را با زنی دیگر بدل کنید و به یکی ازآنها پوست گاو پر از زروسیم [یعنی مالی فراوان] داده باشید بازهم

وَكَيْفَ تَأْخُذُوْنَهٗ وَقَدْ اَفْضٰى بَعْضُكُمْ اِلٰى بَعْضٍ وَّاَخَذْنَ مِنْكُمْ مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ﴿٢١﴾

هیچ چیزی از او پس نگیرید. آیاآنرا با تهمت و گناهی آشکارا پس خوامیدگرفت؟(۲۱)

و از چه روی آنرا میگیرید با آنکه بعضی‌ازشماببعضی[درخلوت] بهم رسیده اندوآنها ازشما پیمانی محکم[ وفاء] گرفته اند(۲۲)

وَلَا تَنْكِحُوْا مَا نَكَحَ اٰبَآؤُكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ؕ اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّمَقْتًا ؕ وَسَآءَ سَبِيْلًا ﴿٢٣﴾ ع

و نکاح نکنید با آنها از زنان که پدران شما نکاح کرده باشند جز آنچه گذشته است. بلاشك این فحشائی بزرگ و نفرت انگیز و رامی بسیار زشت است(۲۳)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ اُمَّهٰتُكُمْ وَبَنٰتُكُمْ وَاَخَوٰتُكُمْ وَعَمّٰتُكُمْ وَخٰلٰتُكُمْ وَبَنٰتُ الْاَخِ وَبَنٰتُ الْاُخْتِ وَاُمَّهٰتُكُمُ الّٰتِيْٓ اَرْضَعْنَكُمْ وَاَخَوٰتُكُمْ مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَاُمَّهٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبَآئِبُكُمُ الّٰتِيْ فِيْ حُجُوْرِكُمْ مِّنْ نِّسَآئِكُمُ الّٰتِيْ دَخَلْتُمْ بِهِنَّ ۫ فَاِنْ لَّمْ تَكُوْنُوْا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا

برایشماحرام کرده شدند مادران شماودختران شما وخوامران شما و عمه های شما وخاله های شما و برادرزادگان شما وخوامرزادگان شماومادران شما که بشما شیر دادند و خوامران رضاعی شما و مادران زنان شماودختران که در کنار تربیت شماپرورش میبابند ازآن زنان شما که با آنها نزدیکی

جُنَاحَ عَلَيْكُمْ ۡ وَحَلَآئِلُ اَبْنَآئِكُمُ الَّذِيْنَ مِنْ اَصْلَابِكُمْ ۙ وَاَنْ تَجْمَعُوْا بَيْنَ الْاُخْتَيْنِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۙ﴿۲۴﴾

کرده باشید.پس اگربا آنها نزدیکی نکردید آنگاه هیچ گناهی برشما نیست، و همسران آن پسران شما که از صلب شما اند و اینکه دو خواهر رابهم درنکاح خود درآرید جزآنچه گذشت.یقیناً خدا آمرزندهٔ بارهارحم کننده است(۲۴)

وَّالْمُحْصَنٰتُ مِنَ النِّسَآءِ اِلَّا مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ۚ كِتٰبَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ ۚ وَاُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَآءَ ذٰلِكُمْ اَنْ تَبْتَغُوْا بِاَمْوَالِكُمْ مُّحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ ۗ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهٖ مِنْهُنَّ فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ فَرِيْضَةً ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا تَرٰضَيْتُمْ بِهٖ مِنْۢ بَعْدِ الْفَرِيْضَةِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿۲۵﴾

وآنان اززنانیکه شوهردارند[نیز بر شماحرامند]جزآنانکه دستهای راست شمامالك است.این برشما فریضه خدا است و آنچه بغیراز آنست برای‌شماهلال گردانده شد اینکه خواستگاری کنید بامالهای خودپارسایان و نه زناکاران.پس چنانچه ازآنان کام دل بردیدپس به آنان مهریهٔ بفرض بپردازید و دراین امر بر شما باکی‌نیست که پس از تعیین مهریه به [تغییر]آن برضای‌هم برسید.یقیناًخدا مدام دانا ی صاحب حکمت است(۲۵)

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ يَّنْكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ ۗ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِكُمْ ۗ بَعْضُكُمْ مِّنْۢ بَعْضٍ ۚ فَانْكِحُوْهُنَّ بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ وَّلَا مُتَّخِذٰتِ

واگربکسی ازشما توان نیست که با زنان مومنه آزاد عقد ازدواج بندد آنگاه از آن کنیزکان مومنه خودکه دست راست شمامالك شد [نکاح کند] و خدا به ایمان شما داناتراست.بعضی ازشما ازبعضی اند.پس باآنان نکاح کنیدبااجازه مالکان ایشان و آنان را مهریه

اَخْدَانٍ ۚ فَاِذَآ اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ مِنَ الْعَذَابِ ؕ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ ؕ وَاَنْ تَصْبِرُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٦﴾

آنان بدستور بدهید [اگر] پاک ـ دامنان اند نه زناکاران و نه دوست گیرندگان مخفی. پس گامیکه عقد ازدواج بسته باشند بازاگرفحشائی آورند آنگاه کیفر آنان نسبت به زنان آزاد نصف است.این [رعایت]برای کسی از شما است که ازگناه میترسد و صبرکردن شما درحق شما بهتر است و خدا آمرزگاری بارها رحم کننده است(٢٦)

يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوْبَ عَلَيْكُمْ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٧﴾

خدامیخواهد برایشما به روشنی بیان کند و شمارا به راه آنان رهنمائی کند که پیش از شما بودند و اوتوبه قبولکرده بر شما برگردد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(٢٧)

وَاللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَيُرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوٰتِ اَنْ تَمِيْلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا ﴿٢٨﴾

و خدا میخواهد که توبه قبول کرده برشمابرگرددوآنانکه هوای نفسانی را دنبال میکنند دوست دارند که برغبت کامل طرفدار

[آنها] بشوید(۲۸)

يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُّخَفِّفَ عَنْكُمْ ۚ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيْفًا ﴿٢٩﴾

خدا میخواهد که [بار را] ازشما سبك كند وانسان ناتوان آفریده شد(۲۹)

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ ۗ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ﴿٣٠﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید مالهای خود را میان خود بباطل مورد طعمه قرارندهید جز اینکه دادوستد برضای هم شما باشد و خودرا[دراقتصاد]بهلاك نرسانید. یقیناًخدا درحق شما بارها رحم کننده است(۳۰)

وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيْهِ نَارًا ؕ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿٣١﴾

و هرکه اینکار تعدی کنان و ستم کنان انجام دهد پس بزودی او را به آتش افکنیم و این خدا را آسان است(۳۱)

اِنْ تَجْتَنِبُوْا كَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِيْمًا ﴿٣٢﴾

اگرشما از گناهان سنگین که از آنها نهی میشوید دوری گزینید ما بدی های شما را ازشما دور سازیم و شمارا به مقام ارجمندی داخل نماییم(۳۲)

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰى

و به آن برتری که خدا بعضی

بَعۡضٍ ؕ لِلرِّجَالِ نَصِيۡبٌ مِّمَّا اكۡتَسَبُوۡا ؕ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيۡبٌ مِّمَّا اكۡتَسَبۡنَ ؕ وَسۡـَٔلُوا اللّٰهَ مِنۡ فَضۡلِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَىۡءٍ عَلِيۡمًا ﴿۳۳﴾

ازشمارابربعضی‌داده است حرص نخورید مردان را سهمیهٔ است ازآنچه آنها کسب کنند و زنان را سهمیهٔ است از آنچه آنها کسب کنند و از خدا فضل او را طلب کنید.یقینًاخدابهرچیز مدام دانا است(۳۳)

وَلِكُلٍّ جَعَلۡنَا مَوَالِىَ مِمَّا تَرَكَ الۡوَالِدٰنِ وَالۡاَقۡرَبُوۡنَ ؕ وَالَّذِيۡنَ عَقَدَتۡ اَيۡمَانُكُمۡ فَاٰتُوۡهُمۡ نَصِيۡبَهُمۡ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَىۡءٍ شَهِيۡدًا ﴿۳۴﴾ ع ۵ ۸ ۲

ووالدین وخویشان هرچه به ارث گذارند برای هرکدام میراثدار قرار داده ایم و با آنانکه پیمان موثق خود بسته اید به آنهاهم سهمیهٔ آنان بدهید. یقینًا خدا بر هرچیز گواه است(۳٤)

اَلرِّجَالُ قَوّٰمُوۡنَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعۡضَهُمۡ عَلٰى بَعۡضٍ وَّبِمَاۤ اَنۡفَقُوۡا مِنۡ اَمۡوَالِهِمۡ ؕ فَالصّٰلِحٰتُ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلۡغَيۡبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ ؕ وَالّٰتِىۡ تَخَافُوۡنَ نُشُوۡزَهُنَّ فَعِظُوۡهُنَّ وَاهۡجُرُوۡهُنَّ فِى الۡمَضَاجِعِ وَاضۡرِبُوۡهُنَّ ۚ

مردان برزنان سرپرستندبدانچه رجحان که خدا بعضی از آنان را بر بعضی درداده است و بدانعلت که ازمالهای خود [برزنان] هزینه میکنند پس زنان شایسته کار فرمانبردار و در نهان هم نگه دارنده به آنچیزها اند که خدا نگه داشت [آنهافرمان] کرد و آن

فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ﴿٣٥﴾

زنان که ازسرکشی آنها میترسید [مقدمًا] به آنها اندرز دهید باز آنهارا درخوابگاهها تنها بگذارید و آنهارا [بالضرورت] کیفربدنی بدهید. پس اگرازشماتمکین کنند بازبرخلاف آنها راه[تجاوزگری] تلاش نکنید.یقینًا خدابسیاربلند بسیاربزرگست(٣٥)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا ۚ إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٦﴾

واگرشمامیان آندو ترس نفاق دارید آنگاه داوری از خانواده آنمرد و داوری‌ازخانواده آن زن تعیین کنید.اگرآندووفق رادوست دارند یقینًاخدا میان آندو وفق خوامدداد یقینًا خدا صاحب علم دائمی خوب آگاه است(٣٦)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ

و خدا را عبادت کنید و چیزی را با او شریك قرار ندهید و احسان کنیدبه والدین وخویشان و یتیمان و همسایهٔ خویشی و همسایه بیگانه وهمدمان و راه گذران و آنها که در ملك دستهای

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٧﴾

راست شمااندو قطعاً خدا دوست ندارد آنکه خود پسند و فراخنده است(۳۷)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٣٨﴾

[یعنی]آنانکه بخل میورزند و مردم را ببخل امرمیکنند وکتمان میکنند آنچه خدا بفضل خود آنها را داده است و برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده ایم(۳۸)

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٩﴾

وآنانکه مالهای خود را بریاء مردم انفاق میکنندو برخدا ایمان ندارند و نه بر روزآخرت و آنکه شیطان او را همدمی است پس چه زشت همدمی است(۳۹)

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

وبرایشان چه مشکلی بود اگربه خدا و به روز آخرت ایمان می آوردند و انفاق میکردند از آنچه خدا به آنان اعطا کرده است و خدابه آنان خوب آگاه است(۴۰)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ

یقیناً خدا باندازه ذرهٔ هم ستم نکند و اگر نیکوکاری باشد آنرا

أَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٤١﴾

میفزاید و از نزد خود پاداشی بزرگ اعطا میکند(٤١)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيْدٍ وَّجِئْنَا بِكَ عَلٰى هٰٓؤُلَآءِ شَهِيْدًا ﴿٤٢﴾

پس چطورشود حال چون از هر كدام امت گواه ای آوریم و تو را بر همه آنها گواه آوریم (٤٢)

يَوْمَئِذٍ يَّوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَعَصَوُا الرَّسُوْلَ لَوْ تُسَوّٰى بِهِمُ الْاَرْضُ ۭ وَلَا يَكْتُمُوْنَ اللّٰهَ حَدِيْثًا ﴿٤٢﴾

آنروز كسانیكه كفر كردند و به رسول نافرمانی كردند بخواهند كاشكی [دفن شده]خاك برآنها یكسان كرده میشد و هیچ سخن راازخداكتمان نتوانند كنند(٤٣)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْتُمْ سُكٰرٰى حَتّٰى تَعْلَمُوْا مَا تَقُوْلُوْنَ وَلَا جُنُبًا اِلَّا عَابِرِيْ سَبِيْلٍ حَتّٰى تَغْتَسِلُوْا ۭ وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰٓى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُوْرًا ﴿٤٤﴾

ای كسانیكه ایمان آورده اید بنماز نزدیك نشوید درحالیكه درحواس نباشید تا آنگاه كه بدانید آنچه میگویید و نه در حالت جنابت مگراینكه رهگذر اید. تاآنگاه كه غسل كنید و اگر شما بیمارید یا برسفریدیاكسی از شما ازجای قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیكی كردید و آب درنیابید آنگاه بخاك پاكیزه تیمم كنید. پس برصورتهای خود

و بردستهای‌خودمسح کنید.یقینًا خدا بسیار عفوکننده ی آمرزنده است(٤٤)

اَلَمۡ تَرَ اِلَى الَّذِيۡنَ اُوۡتُوۡا نَصِيۡبًا مِّنَ الۡكِتٰبِ يَشۡتَرُوۡنَ الضَّلٰلَةَ وَيُرِيۡدُوۡنَ اَنۡ تَضِلُّوا السَّبِيۡلَ ﴿٤٥﴾

آیا بحال آنها نگریستی‌که بخشی از کتاب داده شدند گمراهی را میخرند و دوستدارند که شمااز راه بی راه شوید(٤۵)

وَاللّٰهُ اَعۡلَمُ بِاَعۡدَآٮِٕكُمۡ‌ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا ۙ وَّكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيۡرًا ﴿٤٦﴾

وخدا دشمنان شما را زیاده تر میداند و خدا بس است برای دوستی کردن و خدا بس است برای مدد کردن(٤٦)

مِنَ الَّذِيۡنَ هَادُوۡا يُحَرِّفُوۡنَ الۡكَلِمَ عَنۡ مَّوَاضِعِهٖ وَيَقُوۡلُوۡنَ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَاسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٍ وَّرَاعِنَا لَـيًّۢا بِاَلۡسِنَتِهِمۡ وَطَعۡنًا فِى الدِّيۡنِ‌ؕ وَلَوۡ اَنَّهُمۡ قَالُوۡا سَمِعۡنَا وَاَطَعۡنَا وَاسۡمَعۡ وَانۡظُرۡنَا لَـكَانَ خَيۡرًا لَّهُمۡ وَاَقۡوَمَ ۙ وَلٰـكِنۡ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُوۡنَ اِلَّا قَلِيۡلًا ﴿٤٧﴾

کسانی از آنها که یهودند بعضی کلمات راازجای‌خودتغییر میدهند و میگویند ماشنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو درحالیکه هیچ شنوانشوی‌و"راعنا" زبانهای‌خود را برتابیده و دردین طعنه زده و اگرآنان میگفتندشنیدیم واطاعت کردیم و گوش فرما و بر مانگاه بفرما مسلمًا برایشان نیکتر و برقرارتر میبود و اما خدا

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اٰمِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّطْمِسَ وُجُوْهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰٓى اَدْبَارِهَآ اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ اَصْحٰبَ السَّبْتِ ؕ وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴿٤٨﴾

بسبب کفرشان به آنها لعنت کرد پس قطعًا آنها ایمان نیآورند جز چندی(٤٧)

ای کسانیکه کتاب داده شدید ایمان آرید به آنچه نازل کرده ایم تصدیق کنندهٔ آنکه در دست شمااست پیش از آنکه بعضی چهرهها را داغدار سازیم و آنها را بر پشتهای خود بازگردانیم یا لعنشان کنیم بطوریکه براصحاب سبت لعنت کرده بودیم و امر خداحتمی الوقوع است(٤٨)

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افْتَرٰٓى اِثْمًا عَظِيْمًا ﴿٤٩﴾

یقینًاخدانیآمرزدکه به او شریکی قرارداده شود و بغیر از این بیآمرزد برای آنکه بخواهدوآنکه باخداشریك قراردهدپس یقینًا گناهیبزرگ بربافته است(٤٩)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْ ؕ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَآءُ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٥٠﴾

آیا بحال آنها ننگریستیکه خود را پاك قرارمیدهند؟ بلکه خدا هر که را خواهد پاك مینماید و آنهابه اندازه رشته میان هستهٔ هم

ستم کرده نه خواهند شد(۵۰)

اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ ۭ وَكَفٰى بِهٖٓ اِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٥١﴾

ببین چطور برخدا دروغ بر میبافند و این بس است گناهی نمایان(۵۱)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ وَيَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰٓؤُلَاۗءِ اَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا سَبِيْلًا ﴿٥٢﴾

آیابحال آنهانگریستی که بخشی ازکتاب داده شدندباینهمه بربتان وشیطانهاایمان میآورند و درباره آنهاکه کفرکردندمیگویندکه اینها ازآنان که ایمان آوردند ازروی مسلك راسترانـد(۵۲)

اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ ۭ وَمَنْ يَّلْعَنِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ نَصِيْرًا ﴿٥٣﴾

همانهاند که خدا لعنشان کرد و آنکه را خدالعنت کرد پس هرگز برای‌اوکسی‌رایاورنیابی(۵۳)

اَمْ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَاِذًا لَّا يُؤْتُوْنَ النَّاسَ نَقِيْرًا ﴿٥٤﴾

آیا آنان را سهمی در پادشاهی است پس درآنصورت که بمردم باندازه نقیری هم ندهند(۵٤)

اَمْ يَحْسُدُوْنَ النَّاسَ عَلٰي مَآ اٰتٰىھُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ فَقَدْ اٰتَيْنَآ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاٰتَيْنٰھُمْ مُّلْكًا عَظِيْمًا ﴿٥٥﴾

آیاحسدبرند مردم رابدانعلت که خدا بفضل خود آنهارا درداد.پس البته مابه آل ابراهیم هم کتاب و حکمت داده بودیم و ایشان را پادشاهی بزرگ اعطا کرده

فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ ؕ وَكَفٰى بِجَهَنَّمَ سَعِيْرًا ﴿٥٦﴾

بودیم(۵۵)
پس ازآنها بود آنکه به آن ایمان آورد و از آنها بود آنکه از آن روی گردانید و [این قبیل مردم را] جهنم سوزان بس است(۵٦)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا ؕ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُوْدُهُمْ بَدَّلْنٰهُمْ جُلُوْدًا غَيْرَهَا لِيَذُوْقُوا الْعَذَابَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿٥٧﴾

همانا آنانکه به آیتهای ما انکار کردند حتمًا آنهارا به داخل آتش کنیم. هرگاه پوستشان سوخته شود پوستهای دیگر برایشان تبدیل کنیم تا عذاب را بچشند. یقینًا خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۵۷)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ لَهُمْ فِيْهَآ اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ؗ وَّنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيْلًا ﴿٥٨﴾

وکسانیکه ایمان آوردند و اعمال شایستهٔ انجام دادند حتمًا ایشان را وارد باغ های نمایم که در دامنه آنها نهرهای روان است و درآنهاجاودانان اند.برایشان در آنها زوج های پاکیزه اند وایشان راواردسایه های‌آکنده نمایم(۵۸)

اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓى اَهْلِهَا ۙ وَاِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ

یقینًاخدا به شما دستورمیدهد که امانات را بحقداران آنهابسپارید

| | |
|---|---|
| تَحۡكُمُوا بِالۡعَدۡلِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمۡ بِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيۡعًۢا بَصِيۡرًا ﴿۵۹﴾ | و هنگامیکه میان مردم حکومت کنیدبدادحکومت کنید. همانا چه پربرکت است آنچه خدا به شما نصیحت میکند.حتماً خدا بسیار شنوای بیناست(۵۹)++ |
| يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡۤا اَطِيۡعُوا اللّٰهَ وَاَطِيۡعُوا الرَّسُوۡلَ وَاُولِى الۡاَمۡرِ مِنۡكُمۡ ۚ فَاِنۡ تَنَازَعۡتُمۡ فِىۡ شَىۡءٍ فَرُدُّوۡهُ اِلَى اللّٰهِ وَالرَّسُوۡلِ اِنۡ كُنۡتُمۡ تُؤۡمِنُوۡنَ بِاللّٰهِ وَالۡيَوۡمِ الۡاٰخِرِ ؕ ذٰلِكَ خَيۡرٌ وَّاَحۡسَنُ تَاۡوِيۡلًا ﴿۶۰﴾ ع ۸ ۹ ۵ | ای‌کسانیکه ایمان آورده اید از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید وازصاحبان امرخود و اگر در امری [باصاحبان امر] اختلاف پیداکنید پس آنرابه خدا و رسول برگردانید اگر شما به خدا و روز آخرت ایمان دارید. این بسیار خوب است و از جهت فرجام نیکوتراست(۶۰)++ |
| اَلَمۡ تَرَ اِلَى الَّذِيۡنَ يَزۡعُمُوۡنَ اَنَّهُمۡ اٰمَنُوۡا | آیانگریستی‌بحال آنها که گمان |

++آیت ۵۹ـ اینجا مفهوم امانت حق رأی‌درانتخابات است که درنتیجه آن حق حکومت بدست میآید پس حق رأی امانتی است که باید برسد او را که حقدار آنست و این جمهوریت واقعی است و چون رأی آورده حکومت به دست آید باید دادگری بکارگرفته و از جانبداری حزبی خود داری شود. درجمهوریت دروغین امروزه با افراد حزب خویش انصاف میشود البته با حزب مخالف بیعدالتی روا پنداشته میشود.

بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَحَاكَمُوْٓا اِلَى الطَّاغُوْتِ وَقَدْ اُمِرُوْٓا اَنْ يَّكْفُرُوْا بِهٖ ؕ وَيُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّضِلَّهُمْ ضَلٰلًا ۢ بَعِيْدًا ﴿۶۱﴾

برند که ایمان آورده اند بدآنچه که برتو نازلکرده شد و آنچه که پیش از تو نازل کرده آمد؟ آنان دوستدارند که داوری را بسوی شیطان برند حالیکه فرمان شده بودند که اوراانکارکنند وشیطان دوستدارد که آنها را در گمراهی دور گمراه سازد(۶۱)

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلٰى مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلَى الرَّسُوْلِ رَاَيْتَ الْمُنٰفِقِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْكَ صُدُوْدًا ۚ ﴿۶۲﴾

وآنگاهکه گفته شوندکه بیآییدبه آنکه خدا نازلکرده و به رسول، منافقان را بینی که دوری‌گزینند از تو دور(۶۲)

فَكَيْفَ اِذَآ اَصَابَتْهُمْ مُّصِيْبَةٌ ۢ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ ثُمَّ جَآءُوْكَ يَحْلِفُوْنَ ۖ بِاللّٰهِ اِنْ اَرَدْنَآ اِلَّآ اِحْسَانًا وَّتَوْفِيْقًا ﴿۶۳﴾

پس چسانست چون به آنهاگزندی میرسد بعلت آنچه دستهای آنان پیش فرستاد آنگاه سوگند یاد کرده نزدتو میآیند که مارا جز احسان و اصلاح قصدی دیگر نبود(۶۳)

آیت ۶۰ ص#۱۹۰- کلمه منکم از آیت اولی الامر منکم را ترجمه کرده برخی علماء این استدلال میکنند که حاکم باید از خود مسلمانان باشد و حاکمی غیر مسلم را اطاعت لازم نیست.این عقیده اشتباهی‌است[ص#۱۹۲]

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٤﴾

همانهاندكه خداحال دلهای آنانرا خوب میداند.پس از آنها اعراض کن و به آنها پند بده وبه آنها سخنی بگو که در نفسهای آنان رسنده باشد(٦٤)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٥﴾

ونفرستادیم هیچ رسولی را مگربه اذن خدااطاعت شود اگر نزدتو میآمدند گامیکه برجانهای خود ستمکردند و ازخدا آمرزش میخواستند و هم رسول برای آنان آمرزش میطلبیدحتماً خدا را پذیرنده توبه و بارها رحم کننده مییافتند(٦٥)

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

پس نخیر.سوگندبه پروردگارتو ایمان[واقعی]نمیآرند تا آنگاه که

بقیه صفحه ١٩١ـ زیراآنهمه مسلمانان که در کشورهای غیرمسلم زیست میکنند یا مجرت کرده به چنین کشوری میروند زیر فرمان قوانین حکومت آن کشور زندگی میکنند.

دومین وقتیکه حاکم مسلمان است بااوجه اختلاف توان باشدکه آن بسوی‌خدا ورسول فرستاده شود.اینجامنظورازخداورسول تعلیم قرآن است.پس حاکم خواه مسلمان است یاغیرازمسلمان اگرفرمان دهد که برخلاف تعلیم اساسی قرآن عمل کنید درآنصورت فرمانش را ردکرده پیروی ازقرآن کردن است.

حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٦﴾

تو راداورقرارندمند درآنچه ازهم ستیزه دارندو ازآن پس درباره آنچه قضاوت کنی در دلهای خود تنگی نداشته باشندو کاملاً گردن نهند(٦٦)

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ ۖ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ﴿٦٧﴾

واگرما برآنان فرض کرده بودیم که نفسهای خود را بکشید و از منازل خود بیرون روید هیچکس به آن عمل نمیکردجزاندك ازآنها و اگرآنها عمل میکردند آنرا که به آن توصیه شدندحتمًابرای آنان نیکووپایدارتر برای ثبات قدمها میبود(٦٧)

وَإِذًا لَّآتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٨﴾

و درآنصورت حتمًا آنهارا از نزد خودپاداشی بزرگ میدادیم(٦٨)

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٦٩﴾

و یقینًاآنهارابراه راست هدایت میکردیم(٦٩)

وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۚ

و هرکه ازخدا و این رسول اطاعت کندپس ایشان باکسانی اند که خدا برایشان انعام کرد یعنی‌ازانبیاءو صدیقان و شهیدان

وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ﴿٧٠﴾

و صالحان و ایشان بسیارخوب رفیقانند(۷۰)++

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧١﴾

این فضلی است ازجانب خدا و خدا را بس دانشی است(۷۱)

ع ۹ / ۱۱ / ٦

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا ﴿٧٢﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید وسیله حفاظت خودرا فراگیرید. باز خواه گروه گروه کوچ کنید یا درجمع کوچ کنید(۷۲)

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ ۚ فَإِنْ

ویقیناً از شما است آنکه حتماً

++آیت۷۰ـ دراین آیت بسیارامور مورد توجه است ـ(۱)الرسول ـ ال بمعنی خاص و منظور آنحضرت ﷺ است یعنی این رسول خاص.(۲)اگراین رسول را پیروی کنیدازجمله آنان شوید که انبیا، صدیقان، شهیدان و صالحان را شامل دارند و مفهوم اینست که ازمتابعت آنحضرت ﷺ نبی‌هم میتواند باشدیعنی آنکه از ایشان اطاعت کننده است(۳)علماء اصرار میورزند که معنی"مع" «همراه» است و«از» نیست و در تایید استدلال خود کلمات "حسن اولئك رفیقا" را میآورند که "ایشان بهترین همراهان هستند"یعنی با انبیاء میباشند و خود ایشان انبیاء نیستند. این جمله نسبت به آنحضرت ﷺ گستاخ گوئی است زیرادراینصورت معنای این آیت اینست که آنانکه آنحضرت ﷺ رااطاعت کنند با انبیاء میتوانند باشند ولی خود ایشان نبی‌نشوندوهمینطورباصدیقان وصالحان وشهیدان میباشندوخودایشان شامل این گروه نیستند درحالیکه "مع"در آیتهای دیگر مثلاً آل عمران ۱۹٤. النساء ۱٤۷ .الحجر۳۲ بمعنای"مِن"آمده است.بعلاوه بعدازمع الذین انعم الله علیهم کلمه من النبیین است واین"من" بیانیه گفته میشود. که مفهومش "ازایشان" است.

اَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةٌ قَالَ قَدْ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ اِذْ لَمْ اَكُنْ مَّعَهُمْ شَهِيْدًا ﴿٧٣﴾

تاخير كند و اگر شمارا سختى رسد گويد، خدا بر من منت نهاد كه با آنها بينندهٔ [آن سختى] نشدم(٧٣)

وَلَئِنْ اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللّٰهِ لَيَقُوْلَنَّ كَاَنْ لَّمْ تَكُنْۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهٗ مَوَدَّةٌ يّٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوْزَ فَوْزًا عَظِيْمًا ﴿٧٤﴾

و اگربشمافضلى ازخدا رسدحتمًا گويد گويى هيچ دوستى ميان شما و ميان او نبوده، اى كاش من با آنها بودم پس به پيروزى بزرگ موفق ميشدم(٧٤)

فَلْيُقَاتِلْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يَشْرُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۭ وَمَنْ يُّقَاتِلْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ اَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٧٥﴾

پس حتماً در راه خدا آنان قتال كنند كه زندگى دنيا را ببهائى آخرت ميفروشند و آنكس كه در راه خدا قتال كند بازكشته شود ياغلبه يابد پس [درهرصورت] او را پاداشى بزرگ دهيم(٧٥)

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَّدُنْكَ وَلِيًّا ۚ وَّاجْعَلْ لَّنَا

و چيست شمارا كه قتال نكنيد در راه خدا و براى آن مردان و زنان وكودكان كه ناتوان كرده شدند.آنانكه گويند.پروردگارا! ما راازين شهركه ساكنانش ستمكار اندبيرون بساز وبراى ما از نزد

مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ﴿٧٦﴾

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۚ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ الطَّاغُوْتِ فَقَاتِلُوْٓا اَوْلِيَآءَ الشَّيْطٰنِ ۚ اِنَّ كَيْدَ الشَّيْطٰنِ كَانَ ضَعِيْفًا ﴿٧٧﴾ ع

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ قِيْلَ لَهُمْ كُفُّوْٓا اَيْدِيَكُمْ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۚ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللّٰهِ اَوْ اَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوْا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ ۚ لَوْلَآ اَخَّرْتَنَآ اِلٰٓى اَجَلٍ قَرِيْبٍ ؕ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيْلٌ ۚ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقٰى ۗ وَلَا تُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٧٨﴾

خود سرپرستی قراربده و برای ماازمحضرخودیاوری بگمار(٧٦)

آنانکه ایمان آوردند در راه خدا قتال میکنند و آنانکه کفر کردند در راه شیطان قتال میکنند. پس شمادوستان شیطان را قتال کنید یقینًا نیرنگ شیطان ناتوان است(٧٧)

آیا بسوی آنان ننگریستی که به آنها گفته شد که دست بردارید و نماز بپای دارید و زکات دهید. پس هرگاه قتال بر آنها واجب کرده شد ناگهان گروهی ازآنها میترسند از مردم مانند ترسیدن از خدا یا سختتر ازآن ترس و گفتند:پروردگارا!چرا قتال بر ما فرض کردی؟ چرا نه مارا مدتی کوتاه مهلت دادی. بگو بهره گیری دنیا خُرد است و آخرت برای آنکس خیلی بهتراست که تقویٰفراگرفت و به اندازه رشته

اَيْنَ مَا تَكُوْنُوْا يُدْرِكْكُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِيْ بُرُوْجٍ مُّشَيَّدَةٍ ؕ وَاِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَّقُوْلُوْا هٰذِهٖ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَّقُوْلُوْا هٰذِهٖ مِنْ عِنْدِكَ ؕ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ فَمَالِ هٰٓؤُلَآءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ حَدِيْثًا ﴿٧٩﴾

میان هسته ستم نشوید(۷۸)
هرکجاباشید مرگ شمارا دریابد ولوشما دربرجهای استوارباشید واگرآنهارا نعمت برسد میگویند این ازجانب خدااست واگر به آنهاگزند برسد گویند[ای محمد] این از نزد تو است. بگوهرچیز ازجانب خدااست. پس این مردم راچیست که به فراگرفتن سخن نزدیك نمیشوند(۷۹)

مَآ اَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ۫ وَمَآ اَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَّفْسِكَ ؕ وَاَرْسَلْنٰكَ لِلنَّاسِ رَسُوْلًا ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿٨٠﴾

هرچه نعمت به توبرسد ازجانب خدااست وهرچه گزند بتو برسد پس ازنفس تواست وتورارسولی برای همه جهانهافرستاده ایم و خدا بطورگواه بس است(۸۰)

مَنْ يُّطِعِ الرَّسُوْلَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ ۚ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَآ اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ﴿٨١﴾

هرکه این رسول را پیروی کند پس او خدا را پیروی میکند و هرکه روی برتابد پس ما تو را برآنهانگهبانی نفرستاده ایم(۸۱)

وَيَقُوْلُوْنَ طَاعَةٌ ۫ فَاِذَا بَرَزُوْا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ

ومیگویند<اطاعت>.اما هرگاه از نزد توبیرون روند عدهٔ از آنها

الَّذِیْ تَقُوْلُ ؕ وَاللّٰهُ یَكْتُبُ مَا یُبَیِّتُوْنَ ۚ فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِیْلًا ﴿۸۲﴾

جز آنچه گفتی را مبحث قرار داده شب میگذارندوخدا مینوسد آنچه بیتوته کنند پس از آنها اعراض کن و برخدا توکل کن وخدا بس کارسازاست(۸۲)

اَفَلَا یَتَدَبَّرُوْنَ الْقُرْاٰنَ ؕ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوْا فِیْهِ اخْتِلَافًا كَثِیْرًا ﴿۸۳﴾

پس آیا به قرآن تأمل نمیکنند که اگر جزخدا ازجانب کسی دیگر بود یقینًا در آن بسیار اختلاف مییافتند(۸۳)++

وَاِذَا جَآءَهُمْ اَمْرٌ مِّنَ الْاَمْنِ اَوِ الْخَوْفِ اَذَاعُوْا بِهٖ ؕ وَلَوْ رَدُّوْهُ اِلَى الرَّسُوْلِ وَاِلٰۤى اُولِی الْاَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِیْنَ یَسْتَنْۢبِطُوْنَهٗ مِنْهُمْ ؕ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّیْطٰنَ اِلَّا قَلِیْلًا ﴿۸۴﴾

وهرگاه آنهاراخبراز امن یاخوف برسد آنرا پخش میکنند و اگر [بجای پخش کردن]آنرا بعرض رسول یاصاحبان امر ازخودشان میرساندند کسانی از آنها که میتوانند استدلال کنند یقینًا از حقیقت آگاه میشدند و اگر فضل خداورحمت او برشمانبود حتماً

+آیت۸۳:این آیت برصداقت قرآن دلیلی است که دراین هیچ اختلافی نیست باآنکه بیست و سه سال بر نبی امی نازل میآمد و در این طول مدت حتّی یکی درس خوانده هم میتواند خیلیازسخنان رافراموش کند پس یك نبی امی را چطور ممکن بود که کتابی را از خود میساخت و آن مغایرت نداشته باشد.

فَقَاتِلْ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ ۚ لَا تُكَلَّفُ اِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِیْنَ ۚ عَسَى اللّٰهُ اَنْ یَّكُفَّ بَاْسَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا ؕ وَاللّٰهُ اَشَدُّ بَاْسًا وَّاَشَدُّ تَنْكِیْلًا ﴿۸۵﴾

مَنْ یَّشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً یَّكُنْ لَّهٗ نَصِیْبٌ مِّنْهَا ۚ وَمَنْ یَّشْفَعْ شَفَاعَةً سَیِّئَةً یَّكُنْ لَّهٗ كِفْلٌ مِّنْهَا ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ مُّقِیْتًا ﴿۸۶﴾

وَاِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوْا بِاَحْسَنَ مِنْهَاۤ اَوْ رُدُّوْهَا ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ حَسِیْبًا ﴿۸۷﴾

از شیطان پیروی میکردید جز کمی(٨٤)

پس قتال کن درراه خدا و تو تکلیف کرده نمیشوی جز نفس خود ومومنان را به قتال تشویق کن. بعیدنیست که خداجنگ آنان راجلوگیرد که کفر کردند و خدا سختتراست درجنگ و سخت تر است درعقوبت(٨٥)

هرکه شفاعت نیکوی مینماید او راازآن بهرهٔ است وهرکه شفاعت بدی‌نماید او را از آن بهرهٔ است وخدابرهرچیزنیرومنداست(٨٦)

وچون شماراارمغانی تقدیم کرده شودشمانیکوترازآن تقدیم کنید یا لااقل همانندی‌را بازگردانید. یقینًاخدابرهرچیزحساب گیرنده است(٨٧)++

++آیت٨٧:تعلیم است که چون ارمغانی داده شودباید دهنده را بهتر ازآن یا حد اقل همانندش پس بدهید.مفهومش این نیست که همان ارمغان برگردانید یا کالائی مادی بهتراز آن بدهیدبلکه تعلیمی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم[صفحه ٢٠٠]

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۚ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيْثًا ﴿٨٨﴾ ع ١١/٨

خدا نیست هیچ معبودی جزاو. حتمًا شما راجمع کندبسوی روز قیامت که درآن شکی نیست و که راستتر ازخدادرسخن است(۸۸)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنٰفِقِيْنَ فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ اَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوْا ۚ اَتُرِيْدُوْنَ اَنْ تَهْدُوْا مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿٨٩﴾

پس چیست شمارا که درباره منافقان دوگروه شده ایدحالانکه خداآنهارانگونسارساخت بدآنچه کسب کردندآیامیخواهید هدایت دهیدآنکس را که خدا گمراه قرار داده است و هرکس را خداگمراه قراردهدپس هرگزبرای او راهی نخواهی یافت(۸۹)

وَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ كَمَا كَفَرُوْا فَتَكُوْنُوْنَ سَوَآءً فَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ اَوْلِيَآءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوْهُمْ وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُّمُوْهُمْ ۠ وَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ

دوستدارند کاشکی شماهمانطور کفرکنیدکه آنهاکفرکردندپس باهم یکسان شوید پس ازآنهادوست نه گیریدتاآنگامکه درراه خدامجرت کنند.پس اگرروی‌برتابندپس آنها را بگیرید وآنهارابکشید مرجای

بقیه صفحه ۱۹۹ـ باگفتن "جزاکم اللهُ خیراً" بما دادند بهترین تحفه هایست اما برخی از مردم اینراحیله برای پنهان داشتن حرص خود قرار میدهند. ایشان ارمغان میگریند اما متناوباً فقط جزاکم الله گفتن را بس میدانند.

وَلِيًّا وَّلَا نَصِيرًا ﴿٩٠﴾

آنها را دریابید ونگیرید از آنها دوستی و نه یاریگر(۹۰)

اِلَّا الَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ اِلٰى قَوْمٍۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيْثَاقٌ اَوْ جَآءُوْكُمْ حَصِرَتْ صُدُوْرُهُمْ اَنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ اَوْ يُقَاتِلُوْا قَوْمَهُمْ ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقٰتَلُوْكُمْ ۚ فَاِنِ اعْتَزَلُوْكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ وَاَلْقَوْا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ ۙ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيْلًا ﴿٩١﴾

مگرکسانیکه بقومی مربوط اند که میان شما و میان آنها میثاقی است یا آنها نزد شما میآیند که سینه های ایشان [ازین جهت] احساس تنگی کند که شماراجنگ کنند یا قوم خود راجنگ کنند و خدا اگردوست داشت آنهارا بر شمامسلط میکردآنگاه حتماً بشما قتال میکردند. پس اگر از شما کناره گیری کنند و بشما قتال نه کنند و دست آشتی به سوی شما دراز نمایند آنگاه خدا برای شما برخلاف آنها هیچ جوازی قرار نداده است(۹۱)

سَتَجِدُوْنَ اٰخَرِيْنَ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّاْمَنُوْكُمْ وَيَاْمَنُوْا قَوْمَهُمْ ؕ كُلَّمَا رُدُّوْٓا اِلَى الْفِتْنَةِ اُرْكِسُوْا فِيْهَا ۚ فَاِنْ لَّمْ يَعْتَزِلُوْكُمْ وَيُلْقُوْٓا اِلَيْكُمُ السَّلَمَ

کسانی دیگر را خواهی یافت که میخواهندکه هم ازشماایمن باشند و هم از قوم خود ایمن باشند. هرگاه بسوی‌فتنه گری برگردانده شونددرآن واژگون کرده شوند.

وَيَكُفُّوٓا اَيْدِيَهُمْ فَخُذُوْهُمْ وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوْهُمْ ۚ وَاُولٰٓئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ﴿٩٢﴾

پس اگرازشما کناره گیری نکنند و دست آشتی بسوی شما دراز نه کنندودستهای خود را باز ندارند پس آنهارابگیرید و آنهارابکشید هرجا آنها را یافتید. همانهاند که برعلیه آنها ما شما را حجتی روشن اعطا کرده ایم(۹۲)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَّقْتُلَ مُؤْمِنًا اِلَّا خَطَـًٔا ۚ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَّدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ اِلٰٓى اَهْلِهٖٓ اِلَّآ اَنْ يَّصَّدَّقُوْا ؕ فَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ ؕ وَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيْثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ اِلٰٓى اَهْلِهٖ وَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ ۫ تَوْبَةً مِّنَ اللّٰهِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿٩٣﴾

و نشاید مومنی را که مومنی را بکشد مگر بخطا و هرکه مومنی را به خطا بکشد آنگاه بنده ای مومن را آزاد کردن و خون بهاء مقررشده[به رضای هم] به وارثان او اداکردن است جزاینکه آنها عفونمایند و اگر او [مقتول] از قومی دشمن شما باشد و مومن است بازهم یك بندهٔ مومن را آزادکردن است واگر او ازقومی است که میان شماو میان آنها میثاقی است آنگاه خون بهاء مقررشده [به رضای‌هم] به وارثان اوپرداختن و بنده ای مومن را

آزاد کردن است و آنکه را این توان نیست آنگاه دو ماه متوالی روزه گرفتن است.این توبه از خدا [بفرض] است و خدا دانائی صاحب حکمت است(۹۳)

وَمَنْ يَّقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهٗ جَهَنَّمُ خٰلِدًا فِيْهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهٗ وَاَعَدَّ لَهٗ عَذَابًا عَظِيْمًا ﴿۹۴﴾

و آنکه مومنی را بعمد بکشد پس پاداش اوجهنم است.اودرآن مدت درازمیماند و خدا بر اوخشمناک شد و او را لعنت کرد و برایش عذابی‌بزرگ مهیاکرده است(۹٤)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِذَا ضَرَبْتُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوْا وَلَا تَقُوْلُوْا لِمَنْ اَلْقٰۤى اِلَيْكُمُ السَّلٰمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا ۚ تَبْتَغُوْنَ عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۫ فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيْرَةٌ ؕ كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوْا ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿۹۵﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید وقتی در راه خدا مسافرت کنید آنگاه دقت کنید وآنکس را که به شماسلام کند، نگوییدکه تو مومن نیستی.شما خواهان مالهای دنیا هستیدپس نزدخداغنایمی فراوان است.شما ازین پیش همین طور بودید. پس خدا برشما منت نهاد. پس[خوب]رسیدگی کنیدیقیناً خدا آگاه است بدآنچه عمل کنید (۹۵)++ حاشیه ص:۲۰٤

لَا يَسْتَوِى الْقٰعِدُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ غَيْرُ اُولِى الضَّرَرِ وَالْمُجٰهِدُوْنَ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ؕ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِيْنَ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقٰعِدِيْنَ دَرَجَةً ؕ وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى ؕ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِيْنَ عَلَى الْقٰعِدِيْنَ اَجْرًا عَظِيْمًا ۙ﴿۹۶﴾

خانهٔ نشینان ازمومنان بلا داشتن گزندوجهادکنندگان باما‌لهای‌خود و جانهای خود درراه خدایکسان نیستند.خدا جهادکنندگان بامال های‌خودوجان های‌خود رابرخانه نشینان رتبهٔ نمایان اعطا کرده است حالانکه خدابه هرکس وعدهٔ نیکوئی‌داده است وخدا مجاهدین رابرخانه نشینان فضیلت پاداشی معظم داده است(۹۶)

دَرَجٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَّرَحْمَةً ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿۹۷﴾ ع ۱۳ ۱۰

[این]ازجانب اومراتب وآمرزش و رحمت است و خدا آمرزگاری بارها رحم کننده است(۹۷)

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِىْٓ اَنْفُسِهِمْ قَالُوْا فِيْمَ كُنْتُمْ ؕ قَالُوْا كُنَّا مُسْتَضْعَفِيْنَ فِى الْاَرْضِ ؕ قَالُوْٓا اَلَمْ

یقیناًآنانکه فرشتگان آنهاراوفات دهندکه برجانهای خود ستم رانند [فرشتگان به آنها]گویند: شما در چه حال بودید؟پاسخ دهند:ما که

++آیت۹۵ :ازاین آیت پیدا است که هرکدام را که راه میرود دشمن پنداشته تشدد کردن مجازنیست.برای شناختن کسی فقط سلام گفتنش به شما بس است.اما شگفت انگیز است که در این زمان دگرگونیها علمای کجروانان از گفتن سلام سختی میکنند.

تَكُنۡ اَرۡضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوۡا فِيۡهَا ؕ فَاُولٰٓئِكَ مَاۡوٰىهُمۡ جَهَنَّمُ ؕ وَسَآءَتۡ مَصِيۡرًا ۙ﴿۹۸﴾

میهن ناتوان ساخته شده بودیم. [ملائك]گویند:آیازمین خدا فراخ نبودتادرآن هجرت میکردید؟پس همانهاند که مأوی آنهاجهنم است وچه زشت جای گامی است(۹۸)

اِلَّا الۡمُسۡتَضۡعَفِيۡنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالۡوِلۡدَانِ لَا يَسۡتَطِيۡعُوۡنَ حِيۡلَةً وَّلَا يَهۡتَدُوۡنَ سَبِيۡلًا ۙ﴿۹۹﴾

جزآن مردان و زنان و کودکان ناتوان ساخته که نه هیچ حیله ای را در اختیار داشتند و نه راهی [نجات را] مییآفتند(۹۹)

فَاُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ اَنۡ يَّعۡفُوَ عَنۡهُمۡ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُوۡرًا ﴿۱۰۰﴾

پس آنانند که بعید نیست که خدا ازایشان عفو نماید و خدا بسیار عفوکننده ی آمرزنده است(۱۰۰)

وَمَنۡ يُّهَاجِرۡ فِىۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ يَجِدۡ فِى الۡاَرۡضِ مُرٰغَمًا كَثِيۡرًا وَّسَعَةً ؕ وَمَنۡ يَّخۡرُجۡ مِنۡۢ بَيۡتِهٖ مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوۡلِهٖ ثُمَّ يُدۡرِكۡهُ الۡمَوۡتُ فَقَدۡ وَقَعَ اَجۡرُهٗ عَلَى اللّٰهِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوۡرًا رَّحِيۡمًا ﴿۱۰۱﴾ ع ۱۴ ۱۱

ومرکه درراه خدامهاجرت کند در زمین فرصتهای بسیاربرای‌خوار ساختن[دشمن]وفراخی‌بیابدوآنکه ازخانه خودبسوی خدا و رسول مهاجرت کنان بیرون رود پس [دراینحال]مرگ به اوفرارسدپس اجرش برخدااست وخداآمرزنده ی بارها رحم کننده است(۱۰۱)

وَاِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِى الۡاَرۡضِ فَلَيۡسَ

ومرگاه درزمین سفر [جهاد] کنید

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَقْصُرُوْا مِنَ الصَّلٰوةِ ۖ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ يَّفْتِنَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ اِنَّ الْكٰفِرِيْنَ كَانُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا ﴿١٠٢﴾

پس شما را باکی نیست که نماز را کوتاه کنید اگر بیمدارید که آنانکه کفر کردند شما را دچار آزمایش سازند.یقینًا کافران شما را دشمنی آشکار اند(۱۰۲)

وَاِذَا كُنْتَ فِيْهِمْ فَاَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ مَّعَكَ وَلْيَاْخُذُوْٓا اَسْلِحَتَهُمْ ۚ فَاِذَا سَجَدُوْا فَلْيَكُوْنُوْا مِنْ وَّرَآئِكُمْ ۖ وَلْتَاْتِ طَآئِفَةٌ اُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوْا فَلْيُصَلُّوْا مَعَكَ وَلْيَاْخُذُوْا حِذْرَهُمْ وَاَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَدَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ تَغْفُلُوْنَ عَنْ اَسْلِحَتِكُمْ وَاَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيْلُوْنَ عَلَيْكُمْ مَّيْلَةً وَّاحِدَةً ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ كَانَ بِكُمْ اَذًى مِّنْ مَّطَرٍ اَوْ كُنْتُمْ مَّرْضٰٓى اَنْ تَضَعُوْٓا اَسْلِحَتَكُمْ ۚ وَخُذُوْا حِذْرَكُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ اَعَدَّ لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿١٠٣﴾

و هنگامیکه تومیان آنان باشی و برای‌ایشان پیش نمازی کنی آن گاه باید گروهی از آنها با تو بیایستند و بایدسلاح خود را دم دست بدارند و هنگامیکه سجده کردندپس بایدپشتسرشما بروند وگروهی‌دیگرکه نمازنخوانده اند بیآیندو با تونمازبخوانند و باید اسلحه خود و وسایل دفاع خود را برگیرند. آنانکه کفرکردند دوستدارندکه شما از اسلحه خود و بارواسباب خود غافل بشوید تا آنهایکباره برشما بتازند، و بر شماباکی نیست که اگر شما را از باران مشکلی است یا مریض اید که اسلحه را بنهید و احتیاط

لازم را درپیش گیرید. البته خدا برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده است(١٠٣)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلٰوةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِيٰمًا وَّ قُعُوْدًا وَّ عَلٰى جُنُوْبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ ۚ إِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتٰبًا مَّوْقُوْتًا ﴿١٠٤﴾

و هنگامیکه نماز بپایان بردید پس خدارا ایستادگان و نشتگان و بر پهلوهای‌خود یادکنید و هر گاه آسوده خاطر شدید پس نماز رابپای دارید. یقینًا نماز برای مومنان طبق وقت مقرر واجب است(١٠٤)

وَلَا تَهِنُوْا فِي ابْتِغَآءِ الْقَوْمِ ۖ إِنْ تَكُوْنُوْا تَأْلَمُوْنَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُوْنَ كَمَا تَأْلَمُوْنَ ۚ وَتَرْجُوْنَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُوْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٠٥﴾ ع

ودرتعقیب قومی [مخالف] سست نه شوید.اگرشمارنج میکشیدپس یقینًاآنهام رنج میکشند بطوری که شمارنج میکشیدحالیکه شماز خدا امید داریدبه آنچه آنها امید ندارند و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(١٠٥)

ع ١٥ ٤ ١٢

إِنَّآ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَآ أَرٰىكَ اللّٰهُ ۗ وَلَا تَكُنْ لِّلْخَآئِنِيْنَ خَصِيْمًا ۙ ﴿١٠٦﴾

یقینًا ما کتاب را بسوی تو بحق نازل کردیم تا بین مردم طبق آن فیصل دهی که خدا به تو نمایانده است و در حق خیانت کاران

ستیزه کننده ای مباش (١٠٦)

وَّاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۚ﴿١٠٧﴾

و ازخداآمرزش بخواه یقینًا خدا بسیارآمرزندهٔ ی بارهارحمکننده است(١٠٧)

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا اَثِيْمًا ۙ﴿١٠٨﴾

و جدال نکن ازآنهاکه به جانهای خود خیانت کرده اند.یقینًا خدا دوست ندارد آنرا که خیانتکاری گنهکار است(١٠٨)

يَّسْتَخْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ اِذْ يُبَيِّتُوْنَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطًا ﴿١٠٩﴾

آنها از مردم پنهان میشوند ولی ازخدا نتوانند پنهان شوند و او باآنها است چون آن گفتگو کرده شب بسر برند که او را خوش ندارد وخدااحاطه کننده آن است که عمل میکنند(١٠٩)

هٰٓاَنْتُمْ هٰٓؤُلَاۗءِ جٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۣ فَمَنْ يُّجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَمْ مَّنْ يَّكُوْنُ عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا ﴿١١٠﴾

اینك شماآن کسانیدکه در زندگی دنیا ازجهت آنهاستیزه کنید پس [بگویید] چه کس در روز قیامت ازجهت آنهاباخدا مجادله کند؟ یا چه کس حامی آنان شود؟(١١٠)

وَمَنْ يَّعْمَلْ سُوْۗءًا اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهٗ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١١١﴾

و مرکه زشتکاری کند یا برجان خودستم راندسپس ازخداآمرزش

بخواهدخداراآمرزندۀ بارها رحم کننده مییابد(۱۱۱)

وَمَنْ يَّكْسِبْ اِثْمًا فَاِنَّمَا يَكْسِبُهٗ عَلٰى نَفْسِهٖ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿۱۱۱﴾

وهرکه گناه کسب کندپس آنرا فقط برخلاف جان خود کسب کند وخدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۱۲)

وَمَنْ يَّكْسِبْ خَطِيْٓـَٔةً اَوْ اِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهٖ بَرِيْٓــًٔا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿۱۱۲﴾

وهرکه خطاکندیاگناه سپس برای آن بربیگناهی‌تهمت زندپس یقینًا او تهمتی بزرگ و گناهی آشکار بدوش گرفته است(۱۱۳)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهٗ لَهَمَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ اَنْ يُّضِلُّوْكَ ؕ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّاۤ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّوْنَكَ مِنْ شَيْءٍ ؕ وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ ؕ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيْمًا ﴿۱۱۴﴾

واگرنبودبرتوفضل خدا و رحمت اوحتمًاگروهی ازآنها قصدداشتند که ترا گمراه سازند حالانکه جز خودشان کسی راگمراه نسازند و نتوانندهیچ گزندی بتو برسانند وخدابرتوکتاب وحکمت نازلکرد وبه توآموخت آنچه نمیدانستی و خدارابرتوفضلی‌بزرگست(۱۱٤)

لَا خَيْرَ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنْ نَّجْوٰىهُمْ اِلَّا مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ مَعْرُوْفٍ اَوْ اِصْلَاحٍ

دربسیاری از مشورتهای مخفی آنها جنبۀ نیکی نیست مگر اینکه کسی به صدقه یا نیکی امر کند

بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١١٥﴾

یامیان مردم سازگاری دهد و هر که این را به خوش نودی خدا آرزوکرده انجام دهد پس حتمًااو را پاداشیبزرگ دهیم(١١٥ )

وَمَنْ يُّشَاقِقِ الرَّسُوْلَ مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدٰى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيْلِ الْمُؤْمِنِيْنَ نُوَلِّهٖ مَا تَوَلّٰى وَنُصْلِهٖ جَهَنَّمَ ۚ وَسَآءَتْ مَصِيْرًا ﴿١١٦﴾ ع

ع ١٧ ٣ ١٤

و هرکه بمخالفت رسول برخیزد پس ازآنکه هدایت براو روشن شد وغیراز راه مومنان را دنبال کندمااورا بهمان جهت برگردانیم که اوبرگشته است و او را به داخل جهنم نمایم و آن چه زشت جایگاه است(١١٦ )

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا بَعِيْدًا ﴿١١٧﴾

قطعًاخدانمیآمرزدکه باàو شریکی قرارداده شود و آنچه بغیرازآن است برای هرکه خواهد میآمرزد و هرکه به خدا شریك قراردهد پس یقینًااودر نهایت ضلالت گم گشته است(١١٧ )

اِنْ يَّدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلَّآ اِنٰثًا ۚ وَاِنْ يَّدْعُوْنَ اِلَّا شَيْطٰنًا مَّرِيْدًا ﴿١١٨﴾ لا

آنها نمیخوانند بغیراز او مگر [بتان]مادگان را ونمیخوانند جز شیطانی سرکش را(١١٨ )

لَّعَنَهُ اللّٰهُ ۘ وَقَالَ لَاَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ

خدا وی را لعنت کردحالیکه وی

نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٩﴾

گفت: یقینًا من از بندگان تو سهمی معیّن خواهم گرفت(۱۱۹)

وَّلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ اٰذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ ۚ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطٰنَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١٢٠﴾

وحتمًا آنها را گمراه سازم و آنها را به امیدهای بیفکنم وحتمًا آنهارا فرمان دهم آنگاه برگوش های چهار پایان جراحت رسانند و حتمًا آنها را فرمان دهم آنگاه آفرینش خدارا تغییر دهند و هرکه جزخدا شیطان را دوست گرفت پس یقینًا او به زیانی آشکارا دچار گردد(۱۲۰)++

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢١﴾

او آنهارا وعده های دهد وآنهارا به آرزوهای بیافکند و شیطان آنها

++آیت۱۲۰ـ این آیة حاکی از یك پیشگوئی بزرگست که در زمانی "Genetic Engineering [علم تکوین]ایجاد خواهد شدیعنی دانش پژوهان تلاش کنند تا آفرینش خدا راتغییر دهند بطوریکه امروز میشود. چون اینکار باامر شیطان صورت عملگیرد لذا آنان زیانکاران بزرگ گفته شدند و کیفرآنان جهنم بیان شد. درمورد ایجادات همین یك پیشگوئی‌جنبهٔ اخطارراهمراه دارد.قرآن مجیدپرازکثیرپیشگوئی هاست امانسبت به هیچکدام جنبه اخطارذکرنشد. پس جینیتك انجیپرنگ به همان اندازه جایزاست تابرای حفاظت آفرینش خدابکارگرفته شود واگربرای‌تبدیلی آفرینش بکار رود به زیان بزرگی توان منجر شد.گروه بزرگی ازدانش پژوهان نیزاستفاده ازجینیتك انجیپرنگ رابرای‌تبدیلی‌آفرینش خدامخالفت میکنند.

را جز فریب هیچ وعدهٔ ی نمی دمد(۱۲۱)

أُولَٰٓئِكَ مَأْوَٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾

همانهایندکه مأوی‌آنان جهنم است و ازآن گریزگاهی نیابند(۱۲۲)

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا ۚ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند و شایسته کاریهاکردند حتمًا آنهارا بداخل باغهای نمائیم که در دامنه آنها نهرهای روان است، آنان در آنها جاویدانند.این وعدهٔ راست خدا است وچه کس راست تر از خدا در قول است(۱۲۳)

لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَآ أَمَانِىِّ أَهْلِ الْكِتَٰبِ ۗ مَن يَعْمَلْ سُوٓءًا يُجْزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدْ لَهُۥ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾

[فیصل] نه به آرزوهای شما باشد ونه به آرزوهای اهل کتاب. هرکه زشتکاری‌کنداوبه آن پاداش داده شود و جزخداکسی را یارویاور نخواهدیافت(۱۲٤)

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾

و هرکه از مردان و زنان شایسته کاریها کند و او مومن است پس همانهاند که بداخل بهشت کرده شوند و به اندازه نقیری هم ستم نشوند(۱۲۵)

وَمَنْ اَحْسَنُ دِيْنًا مِّمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَّاتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا ؕ وَاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرٰهِيْمَ خَلِيْلًا ﴿١٢٦﴾

و کیست نیکوتر ازآنکس دردین که روی خود را تمامًا بسوی خدا بیآرد و احسان کننده باشد و از پی دین ابراهیم حنیف برود و خدا ابراهیم را دوست گرفته بود(١٢٦)

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيْطًا ﴿١٢٧﴾

ع ١٨ ١١ ١٥

ومرچه درآسمانهااست ومرچه در زمین است ازآن خدا است وخدا مرچیزرافراگرفته است(١٢٧)

وَيَسْتَفْتُوْنَكَ فِي النِّسَآءِ ؕ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيْكُمْ فِيْهِنَّ ۙ وَمَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ فِيْ يَتٰمَى النِّسَآءِ الّٰتِيْ لَا تُؤْتُوْنَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُوْنَ اَنْ تَنْكِحُوْهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الْوِلْدَانِ ۙ وَاَنْ تَقُوْمُوْا لِلْيَتٰمٰى بِالْقِسْطِ ؕ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِهٖ عَلِيْمًا ﴿١٢٨﴾

وجهت زنان ازتوفتوی میپرسند. بگوخداجهت آنان شمارا فتوی میدهد و[متوجه سازدبه]آنچه در کتاب جهت آن زنان یتیم برشما خوانده شدکه شما آنهارانمیدمید آنچه درحق آنان فرض است باآن که دوستداریدبدیشان نکاح کنید و بخاطر مستضعفان از کودکان نیز[خدا فتوی میدمد]و[تاکید می کند]که برای یتیمان باعدالتمندی بپاخیزیدومرچه نیکوکاری انجام دمید پس یقینًا خدا به آن خوب

آگاه است(١٢٨)

وَاِنِ امْرَاَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوْزًا اَوْ اِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ اَنْ يُّصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ؕ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ؕ وَاُحْضِرَتِ الْاَنْفُسُ الشُّحَّ ؕ وَاِنْ تُحْسِنُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿١٢٩﴾

واگر زنی از شوهرش بیم ناساز گاری یا عدم توجه ای را دارد پس بر آندو باکی نیست که بهم اصلاح نموده میان خودصلح دهند و صلح[بهرحال]بهتراست و بخل درنفسها بودیعت نهاده شده است و اگراحسان کنیدوتقویٰ راپیش بگیرید پس حتماً خدا آگاه است به آنچه عمل کنید(١٢٩)

وَلَنْ تَسْتَطِيْعُوْٓا اَنْ تَعْدِلُوْا بَيْنَ النِّسَآءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيْلُوْا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوْهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ؕ وَاِنْ تُصْلِحُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٣٠﴾

ومرگزنتوانید که بین زنان بداد رفتارکنیدمرچندعلاقه مندید. پس [اقلاًمیتوانیدبه یکسو]باتمام میل متمایل نشویدگویی آن [یکی]را معلق بگذارید واگراصلاح آورید وتقویٰ کنیدپس یقیناًخداآمرزگار بارمارحمکننده است(١٣٠)++

++آیت١٣٠ :درصورت بیشتراز یك زن با مرکدام محبت یکسان داشتن دراختیار نیست چه این به دل تعلق دارد البته کارانصاف دراختیارانسان است. پس تاکید شدکه اگر زنان بیشتر از یکتن باشند باید بداد رفتار شود و هیچ کدام از آنان چنین ترك کرده نشود که از وی نگهداری نکنید.

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللّٰهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهٖ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ وَاسِعًا حَكِيْمًا ﴿۱۳۱﴾

واگرآندوجداشوندپس خداهریك رابموجب گشایش اوبی‌نیازسازد و خدا گشایش بخشأ ی صاحب حکمتی فراوان است(۱۳۱)

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَاِيَّاكُمْ اَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ ؕ وَاِنْ تَكْفُرُوْا فَاِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَنِيًّا حَمِيْدًا ﴿۱۳۲﴾

و ازآن خدااست هرچه درآسمانها است و هرچه در زمین است و آنانراکه پیش ازشماکتاب داده شدند توصیه کرده بودیم و هم شما را که خدا را تقوی پیش گیرید و اگر انکار کنید پس یقینًا ازآن خدا است هرچه در آسمانها است و هرچه در زمین است و خدا بی نیازی صاحب ستایش است(۱۳۲)

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ﴿۱۳۳﴾

و برای خدا است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و خدا را کارسازی بس است(۱۳۳)

اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ اَيُّهَا النَّاسُ وَيَاْتِ بِاٰخَرِيْنَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيْرًا ﴿۱۳۴﴾

اگر او بخواهد شما را از بین میبرد ای فرزندان آدم‌او دیگران را میآرد و خدا بر این امر مدام

قدرتمنداست(١٣٤)

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ﴿١٣٥﴾

هرکه ثواب دنیا بخواهد پس نزد خدا هم مزد این دنیااست و هم مزدآخرت وخدابسیار شنوای بینا است (١٣٥)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاۗءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلٰٓي اَنْفُسِكُمْ اَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ ۚ اِنْ يَّكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيْرًا فَاللّٰهُ اَوْلٰى بِهِمَا ۣ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰٓى اَنْ تَعْدِلُوْا ۚ وَاِنْ تَلْوٗٓا اَوْ تُعْرِضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿١٣٦﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید برای خدا گواهی داده استوار کنندگان داد گری باشید هرچند برخلاف خودتان یا والدین و خویشان باشداگر کسی ثروتمند است یا تهیدست پس خدانگهبان هردوی‌آنان است.پس ازپی هوای نفسانی‌خود نرویدمباداازدادگری بگریزید.اگر سخن بپیچانید یا پهلوتهی کنید پس خدا آگاه است به آنچه مکنید(١٣٦)++

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْ نَزَّلَ عَلٰي رَسُوْلِهٖ

ای‌کسانیکه ایمان آورده ایدایمان آوریدبه خداورسولش وآن کتاب

++آیت ١٣٦ :این آیت تعلیم عدل را هنگام گواهی دادن هم بکار میبندد یعنی بر هرکدام گواه بفرض است که گواهی بداد دهد هرچند برخلاف خویشتن یا والدین یا خویشاوندان باشد.

وَالْكِتٰبِ الَّذِیْٓ اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًاۢ بَعِيْدًا ﴿۱۳۷﴾

که او بر رسول خود نازل کرده است و آن کتاب که قبلاً نازل کرده آمد و هر که انکار کند به خدا و فرشتگان او و کتابهای او و رسولان او و روز آخرت پس یقینًا او در نهایت گمراهی گم گشته است(۱۳۷)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ ازْدَادُوْا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيْلًا ؕ ﴿۱۳۸﴾

یقینًاکسانیکه ایمان آوردند باز انکارکردند باز ایمان آوردند و بازانکارکردند بازبرکفرافزودند نیست خداکه آنهارابیآمرزد وآنها راراه هدایت بنمایاند(۱۳۸)++

بَشِّرِ الْمُنٰفِقِيْنَ بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمَا ۙ ﴿۱۳۹﴾

مژده بده به منافقان که برایشان عذابی دردناک است(۱۳۹)

الَّذِيْنَ يَتَّخِذُوْنَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ اَيَبْتَغُوْنَ عِنْدَهُمُ

[یعنی]آنانکه مومنان را رهاکرده کافران رادوست میگیرندآیا نزد

++آیت۱۳۸ـ این آیت به این عقیده نفی میکند که مجازات مرتد قتل است. لذا فرموداگرکسیمرتدگردد بازایمان آرد بازمرتدشودبازایمان آوردپس کارش با خدا است و اگر درحالت کفربمیرد پس حتماً جهنمی است و اگر مجازات او قتل است دیگر ذکر از تکراراً ایمان آوردن او و تکرارأمرتد شدن او هرگزالزامی نبود.

الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِيْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖٓ ۖ اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْكٰفِرِيْنَ فِيْ جَهَنَّمَ جَمِيْعًا ﴿١٤١﴾

الَّذِيْنَ يَتَرَبَّصُوْنَ بِكُمْ ۚ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللّٰهِ قَالُوْٓا اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ ۖ وَاِنْ كَانَ لِلْكٰفِرِيْنَ نَصِيْبٌ ۙ قَالُوْٓا اَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۗ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ وَلَنْ يَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكٰفِرِيْنَ عَلَى

آنهاخواهان عزت اند؟پس یقیناً عزت تماماًازآن خدااست(۱٤۰)

والبته او در کتاب برشما نازل کرده است که مرگاه بشنوید که به آیتهای خداانکارکرده یابه آنها تمسخرمیشود پس مرگز باآنان ننشینید تاآنگاه که به سخنی جز آن درآیند [وگرنه] یقیناًشما مم آنگاه مانندآنهابشوید یقینًا خدا جمیع منافقان و کافران را در جهنم جمع کننده است(۱٤۱)++

[یعنی]آنانکه درباره شما [برای خبرمای بد] چشمدارند پس اگر برایشما ازجانب خدا فتح باشد گویند، آیا ما با شما نبودیم و اگرکافران را[درپیروزی] سهمی باشدگویند:آیا[نخست]برشماغلبه نیافته بودیم وشما را از مومنان

++آیت۱٤۱ :اینجابوضوع فرمانست که آنهائیکه پیغمران وکلام الهی‌را بباد سخریه میگیرند باآنها نه نشینید الاممانندآنهامیشوید.امافرمان این نیست که با آنها قطع رابطه کنید بلکه آنان که ازین کار توبه کنند با آنان رابطه داشتن مجاز است.

الْمُؤْمِنِيْنَ سَبِيْلًا ﴿١٤٢﴾ ع

نگهداری نکرده بودیم؟ پس خدا در روز قیامت میان شما قضاوت کندهرگزخداکافران را اختیاری برمومنان ندهد(١٤٢)

اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ ۚ وَاِذَا قَامُوْٓا اِلَى الصَّلٰوةِ قَامُوْا كُسَالٰى ۙ يُرَآءُوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿١٤٣﴾

البته منافقان به خدا خُدعه کنند حالانکه اوخودش آنهارا به خدعه گرفتارکند و[آنانندکه]چون بنماز بپاخیزند بابی میلی بپاخیزند و به رخ مردم میکشند وخدا را یاد نکنندجزاندکی(١٤٣)

مُّذَبْذَبِيْنَ بَيْنَ ذٰلِكَ ۖ لَآ اِلٰى هٰٓؤُلَآءِ وَلَآ اِلٰى هٰٓؤُلَآءِ ۗ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿١٤٤﴾

میان این دودلان میمانند و نه به طرف اینانند و نه به طرف آنانند و هرکه را خدا گمراه سازد پس هرگز برای او راه [هدایت] نمی یابی(١٤٤)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۗ اَتُرِيْدُوْنَ اَنْ تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ﴿١٤٥﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید مومنان را رها کرده کافران را دوست نگیرید. آیا میخواهید تا برای خدا دلیلی روشن برخلاف خود فراهم آورید؟(١٤٥)

اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ فِى الدَّرْكِ الْاَسْفَلِ مِنَ

بیگمان منافقان درپائین ترین

النَّارِ ۚ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ﴿١٤٦﴾

درجه آتشند و برایشان هیچ یاوری نخواهی یافت(١٤٦)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٧﴾

مگر آنانکه توبه کرده واصلاح کردند و به خدا[باوفاداری]چنگ زدند و دین خود را برای خدا خالص نمودند.پس آنانند که با مومنان اندوبزودی‌خدامومنان را پاداش بزرگی میدهد(١٤٧)

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَآمَنتُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾

خدا به عذاب کردن شما چه کار دارد اگرسپاس گذاردید و ایمان آوردیدبلکه خداکه بسیارنوازنده سپاس صاحب علم دائمی است (١٤٨)

| | |
|---|---|
| لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوٓءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظُلِمَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا عَلِيْمًا ﴿١٤٩﴾ | خدا دوست ندارد آشکارا سخن گفتن رابگفتارناپسند جزکسی که براوستم شده است وخداشنوائی صاحب علم دائمی‌است(١٤٩) |
| اِنْ تُبْدُوْا خَيْرًا اَوْ تُخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوٓءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيْرًا ﴿١٥٠﴾ | اگرعیان کنیدنیکی رایاآنراپنهان داریدیاازبدی‌چشم فروبندید پس یقینًاخدا عفو کنندهٔ مدام قدرتمند است(١٥٠) |
| اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّفَرِّقُوْا بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَّنَكْفُرُ بِبَعْضٍ ۙ وَّيُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَّخِذُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ۙ﴿١٥١﴾ | یقینًاکسانیکه به خداو رسولان او انکارکنندومیخواهندکه میان خدا ورسولان اوتفریق کنندوگویند به بعضی‌ماایمان آوریم وببعضی‌انکار کنیم ودوستدارند که راهی میان اینرا پیش گیرند(١٥١)++ |
| اُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا ۚ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿١٥٢﴾ | همانها کافران حقیقی اند و برای کافران عذابی رسوا کننده مهیا کرده ایم(١٥٢) |
| وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ اُولٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ | وکسانیکه به خدا و رسولان او ایمان آوردند ومیان هیچ کدام از |

++ آیت ١٥١ :این آیت منکران حدیث[فرقه اهل قرآن] را که حدیث نبوی راانکارکرده و درگفته خدا و گفته رسول تفریق مینمایند، رد کرده است.

اُجُوْرَهُمْ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿۱۵۲﴾ ع ۲۱/۱۱

ایشان تفریق نکردند آنانند که او به ایشان پاداش ایشان بزودی بدهد و خدا آمرزگار ی بار ها رحم کننده است(۱۵۲)++

يَسْـَٔلُكَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتٰبًا مِّنَ السَّمَآءِ فَقَدْ سَاَلُوْا مُوْسٰۤى اَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقَالُوْۤا اَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذٰلِكَ ۚ وَاٰتَيْنَا مُوْسٰى سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ﴿۱۵۳﴾

امل کتاب از تو مسئلت کنند که کتابی رابرآنان ازآسمان [بصورت عینی]فرودآر.پس البته از موسی ازاینهم بزرگترخواسته بودندپس گفتند:خدا را بما آشکارا فرابنما. پس صاعقه آنانرابعلت ستمگری آنان بگرفت. سپس گوساله را [به معبودیت]گرفتندبعدازاینکه نشانه های تابان آنان راآمده بود. باین همه از آن نادیده گرفتیم و به موسی حجتی روشن دادیم(۱۵٤)

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّوْرَ بِمِيْثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوْا فِى السَّبْتِ وَاَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيْثَاقًا

و بسبب پیمان ایشان طور را فرازایشان بلند کردیم وگفتیم به ایشان که [خدارا] اطاعت کنان بداخل در شوید و گفتیم به آنان

++آیت۱۵۲ : اینجا تکراراً گفته شد آنانکه به خدا و رسول ایمان میارند در گفته خدا و گفته رسول تفاوت نمیگذارند.

غَلِيظًا ﴿١٥٥﴾

که درباره سبت تجاوزنکنید و از آنان پیمانی موثق گرفتیم(١٥٥)

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٦﴾

پس ببهم زدن آنان پیمان خویش و انکار آنان به آیتهای خدا و بنا حق مخالفت شدیدآنان ازپیمبران و سخن ایشان که قلبهای ما در پرده است بلکه بحقیقت خدا بعلت کفر آنان بر [دل] آنها مهر نهاده است پس ایمان نیاورندجز کمی (١٥٦)

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ﴿١٥٧﴾

بعلاوه بکفرآنان وگفتن آنان بهتان بزرگی برخلاف مریم(١٥٧)

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٨﴾

وبگفتارآنان که یقیناًماعیسی ابن مریم پیغمبرخدا را کشتیم حال آنکه نه او را بقتل رساندند و نه او را[تامرگ] بدار آویختند بلکه [جریان] برای آنان مشتبه ساخته شدوالبته کسانیکه دراین اختلاف دارندحتمًا درباره آن متردد اند. آنها را در مورد آن هیچ دانشی نیست جز اینکه از گمان پیروی

| | |
|---|---|
| | میکنند و به یقین او را نه کشتند(۱۵۸)++ |
| بَل رَّفَعَهُ اللّٰهُ اِلَيۡهِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيۡزًا حَكِيۡمًا﴿۱۵۹﴾ | بلکه خدااو رابسوی‌خودرفع کرد و یقینًا خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۱۵۹)++ |
| وَاِنۡ مِّنۡ اَهۡلِ الۡكِتٰبِ اِلَّا لَيُؤۡمِنَنَّ بِهٖ قَبۡلَ مَوۡتِهٖ ۚ وَيَوۡمَ الۡقِيٰمَةِ يَكُوۡنُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيۡدًا ۚ﴿۱۶۰﴾ | نیست [گرومی]ازامل کتاب مگر که پیش از مرگ او حتماً بر او ایمان آرد و در روز قیامت او بر آنان گواه خواهدبود(۱۶۰)++ |

++آیت ۱۵۸: این آیت این ادعا اشتباهی یهود را رد میکند که ما مسیح را بقتل رساندیم حالانکه آنان مسیح را نه بقتل رسانده کشته بودند و نه بدار کشیده. صَلَبُوہٗ را منظور فقط بدار آویختن نیست بلکه نتیجه اش را بدست آوردن است یعنی بدار آویخته بمرگ رساندن است زیرا که بسیاری مردم بدار آویخته زنده فرو آورده میشوند و هیچ گاه گفته نمیشود که آنها بدارکشیده کشته شدند. لذا این آیت حاکی از این نتیجه است که یقیناً آنان به کشتن مسیح موفق نشده بودند. "شُبِّهَ لهم"را این تفسیر اشتباه است که شخصی دیگر مشابه مسیح شده بود و سپس او بدارکشیده کشته شد حالانکه این قطعاً برخلاف محاوره زبان عربی است وگرنه باید ذکرازآن نفرمیشدکه شبیه مسیح رااختیارکرده مشابه مسیح گردید. "شُبِّهَ لَهُم" را واضحاً این معنای است که آنان به شبهه افتادند و جریان برآنان مشتبه گردید.

++آیت ۱۵۹:این آیت این ادعای بعضی از علماء را رد میکند که رفع حضرت عیسٰی بسوی آسمان شدوواضحاًحاکی ازاینست که بل رفعه الله الیه یعنی خدارفع او را بسوی خود کرد.سؤال اینست که کدام جا خالی از خدااست که رفع حضرت مسیح به آنسو کرده شد؟حقیقت اینست درجای که مسیح بود خداهمانجابود[ص#۲۲۵]

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦١﴾

پس آنها که یهود بودندپاکیزه های راکه[قبلاً]برآنان حلال بود به علت تجاوزگری آنان و بازداشتن آنان(مردم رالجوجانه)از راه خدا برآنها حرام نمودیم(١٦١)

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَوٰا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦٢﴾

و[بعلت]گرفتن آنان رباء حالیکه از آن نهی شده بودند و خوردن آنها مالهای مردم بباطل[کیفرشان کردیم]وبرای کافران ازآنهاعذابی دردناك آماده کرده ایم(١٦٢)

لَّٰكِنِ الرَّٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَوٰةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

اما آنکسان از آنان [یهود]که بعلم نافد و مومنان[راستین]اند ایمان میارند به آنچه برتونازلکرده شد وآنچه قبل ازتونازلکرده آمدوبپا دارندگان نماز ودهندگان زکات و

پس رفع را معنیٰ بلندی درجات است.

++آیت١٦٠ :ان من اهل الکتاب را دو مفهوم میتوان باشد. یکی اینکه ازاهل کتاب یك نفرهم نیست که قبل از مرگش بر او ایمان نیآرد و دومین اینکه ازاهل کتاب یك گروهی هم نیست که پیش از مرگش بر وی ایمان نیآوردوهمین درست است.اگر اولین معنا گرفته شود یعنی اگرمفهوم "مرگش" مرگ مسیح گرفته شود این فقط ادعای است زیرامیلیونهایهود مردندکه نه قبل ازمرگ خودشان برمسیح[ص: ٢٢٦]

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ اُولٰٓئِكَ سَنُؤْتِيْهِمْ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١٦٣﴾ ع

ایمان آوردگان به خدا و روز آخرت ایشانندکه بزودی ایشانرا پاداش بزرگی بدهیم(١٦٣)

اِنَّآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ كَمَآ اَوْحَيْنَآ اِلٰى نُوْحٍ وَّالنَّبِيّٖنَ مِنْۢ بَعْدِهٖ ۚ وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَعِيْسٰى وَاَيُّوْبَ وَيُوْنُسَ وَهٰرُوْنَ وَسُلَيْمٰنَ ۚ وَاٰتَيْنَا دَاوٗدَ زَبُوْرًا ﴿١٦٤﴾ ۚ

یقینًا ما بسوی تو وحی فرستاده ایم همانگونه که وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبران پس از او و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمٰعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسیٰ و ایوب و یونس وهارون وسلیمان و به داؤد زبور داده بودیم(١٦٤)

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنٰهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ؕ وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوْسٰى تَكْلِيْمًا ﴿١٦٥﴾ ۚ

وپیغمبرانی‌اندکه قصص ایشان از این پیش برتو بیان کرده ایم و بعضی رسولان اندکه قصص ایشان برتو بیان نکرده ایم و خدا با موسی بسیارتکلم کرد(١٦٥)++

رُسُلًا مُّبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ لِئَلَّا يَكُوْنَ

رسولانی را مژده دهندگان و بیم

---

بقیه آیت۱٦٠ : ایمان آوردند و نه قبل از فوت مسیح بر او ایمان آوردند. لذا موضوع "گروه"بدانعلت درست است زیراکه حضرت مسیح پس ازهجرت خودبسوی قبائلی گمشده آنوقت وفات یافتند که افرادی کم وبیش از هرقبیله بر ایشان ایمان آورده بودند و این واقعه درکشمیر صورت گرفته بود.

لِلنَّاسِ عَلَى اللّٰهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٦﴾

دمندگان [فرستادیم] تا پس از [آمدن] رسولان مردم را درمقابل خدا حجتی نباشد و خدا صاحب غلبه کامل صاحب فراوان حکمت است(١٦٦)

لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ ۚ وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ شَهِيدًا ﴿١٦٧﴾

اماخدا گواهی میدهد که هرچه او بر تو نازلکرده است بعلم [نافذ] خود نازلکرده است و فرشتگان نیز گواهی میدهند درحالیکه خدا بطورگواه بس است(١٦٧)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٦٨﴾

یقیناًکسانیکه کفرکردند و از راه خدا بازداشتند البته درنهایت گمراهی فرورفته اند(١٦٨)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٩﴾

یقیناً کسانیکه کفرکردند و ستم راندند نمیشود که خدا آنان را بیآمرزد و نه [ممکن است] که آنها

++آیت١٦٥ :از احادیث اثبات میشود که تعداد انبیاء در کل عالم یکصد وبیست و چهارهزار است و افضل ترین همه ایشان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم هستند. قرآن فقط چندین پیغمبران را بعنوان مثال ذکر کرده است و آن حالات که بر ایشان و بر قومهای ایشان در زمان خود ایشان گذشته بود بر رسولانی دیگر که در قرآن مذکور نیستند و قومهای ایشان نیز بر همین منوال گذشته است.

اِلَّا طَرِيۡقَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيۡنَ فِيۡهَاۤ اَبَدًا ؕ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيۡرًا ﴿۱۷۰﴾ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ الرَّسُوۡلُ بِالۡحَقِّ مِنۡ رَّبِّكُمۡ فَاٰمِنُوۡا خَيۡرًا لَّكُمۡ ؕ وَاِنۡ تَكۡفُرُوۡا فَاِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيۡمًا حَكِيۡمًا ﴿۱۷۱﴾

را بر راهی بنهد(۱٦۹)

جزراه جهنم که درآن مدت دراز بمانندوخدارااین آسانست(۱۷۰)

ای‌مردم!شمارارسول ازپروردگار شما بحق آمده است. پس ایمان آرید که برایشما بهتراست و اگر کفرکنیدآنگاه یقیناًازآن خدااست هرچه در آسمانها و زمین است و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۷۱)

يٰۤاَهۡلَ الۡكِتٰبِ لَا تَغۡلُوۡا فِىۡ دِيۡـنِكُمۡ وَلَا تَقُوۡلُوۡا عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الۡحَـقَّ ؕ اِنَّمَا الۡمَسِيۡحُ عِيۡسَى ابۡنُ مَرۡيَمَ رَسُوۡلُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهٗ ۚ اَلۡقٰهَاۤ اِلٰى مَرۡيَمَ وَرُوۡحٌ مِّنۡهُ ۖ فَاٰمِنُوۡا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ ۚ وَلَا تَقُوۡلُوۡا ثَلٰثَةٌ ؕ اِنۡتَهُوۡا خَيۡرًا لَّكُمۡ ؕ اِنَّمَا اللّٰهُ اِلٰـهٌ وَّاحِدٌ ؕ سُبۡحٰنَهٗۤ اَنۡ يَّكُوۡنَ لَهٗ وَلَدٌ ۘ لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الۡاَرۡضِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيۡلًا ﴿۱۷۲﴾ ع ۲۳

ای اهل کتاب دردین خود تجاوز گری نکنید وبرخدا هیچ نگویید جزراستی.مسیح عیسی بن مریم نیست مگر رسول خدا و کلمهٔ او است که آنرابسوی مریم نازلکرد و ازجانب او روحی‌است.پس به خدا و رسولان او ایمان آرید و نگویید"سه"دستبرداریدکه خوش بختی‌شمااست.یقیناًتنهاخدامعبود یگانه است.اومنزه است که او را پسری باشد. ازآن او است هرچه

درآسمانها است و هرچه در زمین است و خدا کارسازی بس است (۱۷۲)++

لَنْ يَّسْتَنْكِفَ الْمَسِيْحُ اَنْ يَّكُوْنَ عَبْدًا لِّلّٰهِ وَلَا الْمَلٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُوْنَ ۗ وَمَنْ يَّسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهٖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ اِلَيْهِ جَمِيْعًا ﴿۱۷۳﴾

هرگزمسیح ناپسند نداردکه بندهٔ خداباشد و نه فرشتگان مقربان او و هرکه ازعبادت او خود داری نماید وتکبرکندپس حتماً او همه را بسوی خود جمع کند(۱۷۳)

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۚ وَاَمَّا الَّذِيْنَ اسْتَنْكَفُوْا وَاسْتَكْبَرُوْا

پس آنانکه ایمان آوردندوشایسته کاریها کردند پس او ایشان را پاداش ایشان بتمام دهد و ایشان را بفضل خود بیفزاید و اما آنها

++آیت۱۷۲ :مسیحیان ازاین آیت استنباط میکنند که مسیح یك رسول معمولی نبود بلکه کلمهٔ خدا بود و این کلمات را عطف به بایبل میکنند که درابتداء اوکلام بود وکلام باخدا بودوکلام خدابود[یوحناباب۱ آیت۱] آنان مسیح را کلمة الله یا کلام الله قرارمیدهند.البته ده آیت آخیرسوره کهف این ادعارادمیکنندوخصوصاً دراین آیت که اگرتمامیدریاهامرکب شوند و دریا های مانند آنها کمك کنند بازهم کلمات خدا تمام نمیشوند. پس مفهوم کلمه ،"کن" گفتن خدای است که درنتیجه آن همه چیزها جاندار و بی جان بوجود آمدند و مسیح هم یکی ازآنها بود.

++آیت ۱۷۳ :دراین آیت از جانب حضرت عیسٰی به این امر انکار میشود که ایشان از بنده بودن خدا انکار میکردند چه این آن بهتان بزرگ است که مقام حضرت مسیح را بالا نمیبرد بلکه ایشان را انکار کننده ای قرار میدهد.

فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٤﴾

که[عبادت را]ناپسندکرده و تکبر نمودند پس او آنهارا بعذابی دردناك معذب کند و برای خودشان جزخدا یارویاوری نیابند(١٧٤)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ﴿١٧٥﴾

ای مردم! شماراحجت بزرگی از خداآمده است وبسوی شما نوری روشن کننده نازلکرده ایم(١٧٥)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿١٧٦﴾

پس اماآنانکه به خداایمان آوردند و به اوچنگ زدندپس حتمًاایشان را بداخل رحمت و فضل خود نماید و ایشان را براه راست هدایت دهد(١٧٦)

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن

فتوی‌میخواهندازتو بگو خدا شما را درباره کلاله فتوی میدهد. اگر مردی بمیرد که او را فرزندی نیست اما او را خواهری است آنگاه برای آن خواهر نصف آن است که او ارث گذاشت حالانکه او آن خواهررا وارث کامل است اگر وی را فرزندی نیست و اگر دوخواهراندآنگاه آندورا دو سوم

تَضِلُّوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾

ع ٢٤/٥/٤ آنست که آن برادر ارث گذاشت و اگر برادرانی مردان و زنان اند آنگاه مرد رابرابر دو سهم زن است. خدا برای شما بروشنی بیان نموده است مبادا گمراه شوید و خدا به هر چیز نیک آگاه است(۱۷۷)

# ۵ ـ سورة المائده

این سورة در آخر دور مدنی نازل شده بود و با بسم الله ۱۲۱ آیت دارد.

دراین سورة حقیقت از بسیاری معجزات حضرت مسیح علیه السلام بیان شده است.این بیان تفسیرها که "خوانی نعمت" بصورت عینی بر ایشان از آسمان نازل شده بود پردهٔ ازحقیقت این نیز با این بیان برداشته میشود که درحقیقت این یك پیشگوئی بودکه ملتهای مسیح درنتیجه دعاها و قربانی های حضرت مسیح برخوردار به رزقی فراوان خواهند شد. اما اگر ایشان به این نعمتها ناسپاسی کنند که بدبختانه علامات آن به ظهور آمده است، آنگاه در مقابلش عقوبت هم آنقدر هولناك داده خواهد شد که هیچگاه به جهانیان داده نشده است.

آن نواقص که در یهود بعلت عهد شکنی پدید آمد امت محمدی از آنها جلوتر متنبه ساخته شده اند.

پیش از این در سوره البقرة سخن از حلال و حرام بودن انواع خوردنیها گفته شده است. اما دراینجا آن یك سخن تازه ای گفته میشود که اسلام را بر هریك دین دیگر ممتاز مینماید و آن اینست که رزق نه فقط حلال بلکه باید طیب نیز باشد. پس اگرچه رزق بظاهرحلال است بازهم نیکوتر این امراست که تا وقتیکه آن به نهایت خود پاکیزه و صحت افزا نباشد از میل کردن آن خود داری کرده شود.

پیش از این ذکر از تعلیم درهرحال استوار ماندن بر عدالتمندی

رفته است. اینك در این سورة موضوع گواهی آغاز میشود و سخن از استوار ماندن برعدالت نسبت به گواهی بدین نحوی قشنگ گفته میشود که اگر با قومی دشمنی دارید بازهم باید به حقوق ایشان رعایت شود و حساب خود را با آنان تسویه کرده دامن دادگری را از دست ندهید.

در این سورة مجدداً ذکر ازمیثاق کرده بیان میشود که چگونه یهود چون آنان میثاق را نقض کردند به چنگ بغض و عناد درآمده به هفتاد و دو فرق منقسم شدند و این زمینه بعثت حضرت عیسٰی اثبات شد. ایشان پی هفتاد وسومین فرق نجات دهنده ای را ریختند. اما بعنوان پیشگوئی این سخن هم گفته میشود که قوم ایشان از نصیحت ایشان بهره مند نشده و گروه درگروه منقسم شده و بدنبال حسدوکینه وغرض ورزی میان ایشان بنای جنگ های‌جهانی نهاده خواهد شد و در این جنگها ملت های مسیحی ضد همدیگر خواهند جنگید.

دراین سورة آنجا که سخن از پیکار قومها و قتل و غارتگری همدیگر آنان میرود ذکرخصوصی از آن یك گروه میشود که ستمگری و سفاکی را به نهایت آن خواهدرساند[آیة ٣٤]. امروزها ذکر از رفتار ظالمانه نسبت به کودکان درکشورهای اروپائی نیزیافت میشودچه جائیکه سخن از اوضاع کشورهای شرقی بمیان آورده شودکه پر از این نوع روشها میباشد.چنین جرمهای هولناك وجود دارد که بایددرمقابل آنهاعقوبت نیزبنحوی عبرتناك کرده شود تا موضوع آیة "فشرد بهم من خلفهم" تکمیل شود و عقوبتهای هولناك رامشاهده کرده مجرمانی‌باقیمانده دست از این زشتکاریها بردارند.

این سورة صدای را برخلاف هرنوع ستمکاریها بلند میکند. ضمناً گفته

میشود که نمیتوان رخصت داد که دین کسی به اجبار تغییرداده شود. اگر کسانی براثر سختی اجبار مرتد شوند آنگاه خداوند بعوض آنان قومهای اعطانماید که آنان در عدد از عدد مرتدها بسیارکثیرباشند و در حق مومنان مهرورزی و درمقابل کافران سرسختی نشان دهند.

در این سورة ذکری از آن تعلیم قرآن نسبت به عدل و انصاف یافت میشود که در هیچکدام کتاب دنیا وجود ندارد و فرموده میشود که علاوه برایمان آوردگان برآنحضرت ﷺ پیروان دیگر ادیان نیز اگر برتعلیم خود مخلصانه عمل کنند و بر آخرت یعنی‌براعتقاد جواب گوئی نسبت به اعمال خود استوار باشند آنگاه خداوند ایشان را درمقابل بهترین اعمال ایشان بهترین پاداش خواهد داد.باید ایشان درمورد فرجام خود هرگز در بیم نباشند و اندوه نخورند.

درمورد آن ذکر از بغض و عناد همدیگر که در این سورة ادامه دارد علتهای دیگر نیز بیان میشود.یکی از این علتها شراب و دومین قمار است. اگرچه اینها دارای کمی مزّیت نیز میباشد ولی مضرات اینها درمقابل مزایای اینها بزرگتر است.

در این سورة سخن از وفات مسیح علیه السلام بصراحت گفته و ایشان بعنوان رسولی یکتاپرست معرفی میشوند. ایشان هیچگاه قوم خود را تعلیم به پرستش سه تائی و شرك نداده بودند و این آموزش از جانب ایشان نبود که خدای یگانه را رها کرده من و مادرم هر دو تائی را بر مقام معبودیت برگزینید.

☆ سُوْرَةُ الْمَائِدَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ اِحْدٰى وَ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةَ عَشَرَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلا امتیاز] بسیاربخشنده،بارمارحم کننده(۱)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَوْفُوْا بِالْعُقُوْدِ ۗ اُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيْمَةُ الْاَنْعَامِ اِلَّا مَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَاَنْتُمْ حُرُمٌ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيْدُ ②

ای کسانیکه ایمان آورده اید بِه پیمانها وفا کنید.حلال کرده شد برایشمادامهای چهارپاجزآنچه بر شماخوانده میشود.اماحلال قرار دهندگان شکار نشوید در حالیکه شما دراحرام اید.مماناخدا فیصل میدهد آنچه میخواهد(۲)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحِلُّوْا شَعَاۗىِٕرَ اللّٰهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَاۗىِٕدَ وَلَآ اٰۗمِّيْنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنْ رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۭ وَاِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوْا ۭ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا ۘ وَتَعَاوَنُوْا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ۠ وَلَا تَعَاوَنُوْا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۠

ای کسانیکه ایمان آورده اید بی احترامی نکنید شعایرالله را و نه ماه حرام را و نه قربانی و نه دامهای راکه برای قربانی قلاده بسته شد ونه کسانیرا که درتلاش فضل و خوشنودی پروردگارخود به بیت حرام قصد کرده باشند و چون احرام درآوریدآنگاه شکار کنیدودشمنی قومیکه شماراازبیت حرام بازداشتند شما را وا ندارد

وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۖ اِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ③ 

که تجاوزکنید و. در نیکوکاری و تقویٰ همکاری کنید و برگناه و ستم همکاری‌نکنیدواز خدابترسید. یقیناً خداسخت عقوبت است(۳)+

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيْرِ وَمَآ اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوْذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيْحَةُ وَمَآ اَكَلَ السَّبُعُ اِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ ۫ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَاَنْ تَسْتَقْسِمُوْا بِالْاَزْلَامِ ۖ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ ۖ اَلْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ۖ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ

حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت خوك و آنچه بنام غیر ازخدا ذبح کرده شود و خفه کرده، زیرکتك مرده و مرده از بلندی فروافتاده و ضربه شاخ خورده و آنچه را درنده خورد مگرآنچه را[پیش از مرگش] ذبح کنید و نیزذبح کرده بر قربانگاه های‌معبودان باطله واینکه باتیرها قرعه افکنید ـ اینهمه ناپاك است. امروزآنانکه کفرکردند از[مداخله کردن در] دین شما نومید شدند.

++آیت۳:درآیات ۳ و ۹ این سورة فرمان شده است که با دشمن هم بداد کامل رفتارکرده شود ـ خواه آن دشمنی بعلت اختلافات دنیائی‌است یابراساس اختلافات دینی است.دراین آیت ۳ گفته شد که اگرچه دشمن شما را از رفتن به خانه کعبه بازداشت بازهم علت این دشمنی دینی شما را به بیدادگری مجاز نمیگرداند. اگر مسلمانان این دو آیت را صمیمانه بعمل میآوردند هیچگاه گمراه نمیشدند.

لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ ۙ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٤﴾

پس ازآنهانترسیدوازمن بترسید. امروز من دین شمارا برای شما کامل کردم ونعمت خود رابرشما تمام نمودم و اسلام را دین شما پسندکردم. پس آنکه درگرسنگی بیچاره گردد، تمایل بگناه ندارد پس یقینًا خدا آمرزگاری بارها ترحم کننده است(٤)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۙ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ ۖ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥﴾

مسئلت کنند چه برای آنان حلال کرده شده است.بگو، برای شما حلال کرده شد همه پاکیزه ها و آنچه به بعضی ازجانوران شکاری برای شکار میآموزید [بدانید که] شما آنها را از آنچه میآموزید که خدابشماآموخت پس بخورید از آنچه آنها برای شما نگهدارند و نام خدا برآن بخوانید و خدا را تقوی فراگیرید. یقینًا خدا زود حساب است(٥)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ ۖ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ

امروز حلال کرده شد برشما همه پاکیزهها،و طعام [پاکیزه] آنها که

وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ ۖ وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ الْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ اِذَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ مُحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ وَلَا مُتَّخِذِيْٓ اَخْدَانٍ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِالْاِيْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ ۖ وَهُوَ فِى الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٦﴾ ع٦

کتاب داده شدند نیزبرشماحلال است درحالیکه طعام شما برای ایشان هلال است وزنان پاکدامن ازمومنات و زنان پاکدامن ازآنان که پیش از شما کتاب داده شدند چون به نکاح درآورده آنان را مهریه آنان بپردازید و زناکاران و گیرندگان به دوستی مخفی نه باشید[نیزحلالند]وهرکه به ایمان انکارکندحتمًاعملش ساقط شود و اودرآخرت اززیانکاران است(٦).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قُمْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوْا وُجُوْهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوْا بِرُءُوْسِكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوْا ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰٓى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِّنْهُ ؕ مَا يُرِيْدُ

ای‌کسانیکه ایمان آورده ایدهرگاه بنمازبپاخیزیدپس رویهای‌خود و دستهای خود را تاآرنج بشویید و سرهای‌خودرامسح کنیدوپاهای خود راتاقوزق[بشویید]و اگرشما جنبی باشیدآنگاه[استحمام کرده] خود راخوب پاك كنيد واگر شما بیمارید یا درمسافرت یا کسی از شما از قضای حاجت آمده است یا با زنان مباشرت کردید و آب

اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧﴾

درنیابید آنگاه با خاکی پاکیزه تیمم کنید و بردستهای خود و روهای‌خود از آن مسح کنید.خدا را خوش نداردکه برشماسخت گیرد واما دوست دارد شما را پاکسازد و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندتا شماسپاسداری کنید(۷)

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُم بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٨﴾

و یادکنید نعمت خدارا برخود و آن پیمانش را که او به شما بست چون گفتید که شنیدیم و فرمان بردیم وازخدابترسید.یقیناًخدابه رازهای‌سینه ماخوب دانااست(۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۚ اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید قیام کنندگان به استواری برای خدا بحق داد گواهان باشید و هرگز شما را دشمنی قومی بر نیانگیزد که داد نکنید این نزدیکتر به تقویٰ است و از خدا بترسید. یقیناً خدا آگاه است به آن عمل که انجام دهید(۹)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۙ

خدا وعده داده به کسانی که

لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ⑩

ایمان آوردندونیکوکاری کردندکه برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است(۱۰)

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ⑪

و آنها که کفر کردند و آیتهای ما را رد کردند آنها اهل جهنم اند(۱۱)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَّبْسُطُوْٓا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۗ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ⑫ ع

ای کسانیکه ایمان آورده اید نعمت خدا را بر خودتان یادکنید چون قومی آهنگ داشت که دست های[شر]خود را بسوی شما دراز کنند پس او دست های آنان را از شما بازداشت و از خدا بترسید. پس باید مومنان فقط بر خدا توکل کنند(۱۲)

وَلَقَدْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۚ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيْبًا ۗ وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّيْ مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ اَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاٰمَنْتُمْ بِرُسُلِيْ وَعَزَّرْتُمُوْهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّاُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ

و یقیناًخدا میثاق بنی اسرائیل [نیز] گرفته است و ما درآنها دوازده سردار برگماشته بودیم و خداگفت یقیناًمن باشماهستم اگر نمازراپای داشتید وزکات دادید و به رسولان من ایمان آوردید و به ایشان یاری دادید و به خدا

وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ ۚ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٣﴾

قرضه حسنه تقدیم نمودید حتمًا گناهان شمارا از شما دور ساخته شما را وارد باغهای نمایم که در دامنه آنها نهرهای روانست .پس آنکه از این بعدکفر کرد پس او از راه راست گمراه شد(۱۳ )

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَٰسِيَةً ۖ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ ۙ وَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾

پس بسبب نقض کردن آنها پیمان خود را لعنشان کردیم و قلبهای آنانرا سفت ساختیم.آنها کلمات را از موضع خود برمیگرداندند و فراموش کردند بخشی ازآنچه را که برای آن خوب تذکر داده شده بودند وپیوسته برخیانت آنهاجز کمی ازآنهامطلع میشوی.پس عفو کن از آنان و نادیده بگیر.یقینًا خدا محسنان را دوست دارد(١٤ )

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذْنَا مِيثَٰقَهُمْ فَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا۟

وکسانیکه گفتند ما نصاریٰ هستیم از آنان [نیز] پیمانی موثق آنان گرفتیم. پس آنها[نیز]بخشی ازآن رافراموش کردند که به آن اکیداً نصیحت شدند. آنگاه مامیان آنان

يَصْنَعُونَ ﴿١٥﴾

تاروزقیامت عداوت و کینه مقدر نمودیم و حتمًا خدا آنها را به [بدفرجام]آن[صنائع]آگاه سازد که میساختند(١٥)

يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ ۚ قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَكِتَٰبٌ مُّبِينٌ ﴿١٦﴾

ای اهل کتاب یقینًا شما را آمد رسول ماکه برایشما بسیاری‌ازآن امور که شماازکتاب[خود] کتمان میکردید بصراحت بیان میکند و از بسیاری نادیده میگیرد. یقینًا شمارا ازخدا نوری وکتابی‌روشن آمده است(١٦)

يَهْدِى بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذْنِهِۦ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٧﴾

خدا بوسیله آن آنانرا که ازپی خوشنودی‌او روند به راه سلامتی هدایت میکندوایشان راباذن خود از تاریکیهابسوی روشنی درآورد و ایشان را بسوی صراط مستقیم هدایت نماید(١٧)

لَّقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ ٱلْمَسِيحَ ٱبْنَ مَرْيَمَ

البته کفرکردندآنهاکه گفتند یقینًا اوخداعیسیٰ ابن مریم است. بگو کی را برخداهیچ هم اختیاراست اگر او بخواهدکه عیسیٰ‌ابن مریم

وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨﴾

ومادرش و هرچه درزمین است همگی را نابودسازد و ازآن خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است.او میآفریند هرچه دوستدارد و خدا به هرچیز مدام قدرتمند است(۱۸)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ ۚ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ ۖ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ ۚ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٩﴾

و یهودونصاریٰ گفتند ما فرزندان خداومقبولان اوئیم. بگوپس چرا او شمارا بسبب گناهانتان عذاب میدهد؟بلکه شمائیدبشری از آنان که او آفریده است.او میآمرزد آنکه را خواهد و آنکه را خواهد عذاب میدهد و پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است ازآن خدا است و بازگشت بسوی او است(۱۹)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۖ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

ای‌اهل کتاب!یقینًا شمارا رسول ماپس از انقطاع طولانی رسولان آمده است که [امورمهم] را برای شما به روشنی بیان میکند مبادا بگویید که مارانه مژده دهنده آمد

شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٠﴾

و نه بیم دهندۀ پس یقینًا شمارا مژده دهندۀ و بیم دهندۀ آمده است و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است(۲۰)

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلَ فِيْكُمْ اَنْبِيَآءَ وَجَعَلَكُمْ مُّلُوْكًا ۖ وَّاٰتٰكُمْ مَّا لَمْ يُؤْتِ اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢١﴾

و [بیادآورید] هنگامیکه موسٰی بقوم خود گفت: ای قوم من نعمت خدارا برخودتان بیادآورید چون او درشما رسولان برگزید و شما را پادشاه برگماشت و شما را در داد آنچه که به هیچ یك از جهانها نداده بود(۲۱)

يٰقَوْمِ ادْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِيْ كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوْا عَلٰٓى اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿٢٢﴾

ای قوم من! به این ارض مقدس در آیید که خدا برایشما نوشته است و برپشتهای‌خود برنگردید وگرنه زیانکاران بازگردید(۲۲)

قَالُوْا يٰمُوْسٰٓى اِنَّ فِيْهَا قَوْمًا جَبَّارِيْنَ ۖ وَاِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَا حَتّٰى يَخْرُجُوْا مِنْهَا ۚ فَاِنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَا فَاِنَّا دٰخِلُوْنَ ﴿٢٣﴾

گفتند.ای موسیٰ!یقینًا در این [ارض مقدس] قومی بسیار سخت گیر اند وهرگز ما به آن وارد نه شویم تاآنگامکه آنها ازآن بیرون نروند. پس اگرآنها ازآن بیرون روند آنگاه یقینًا ما بداخل آن

شویم(۲۳)

قَالَ رَجُلٰنِ مِنَ الَّذِيْنَ يَخَافُوْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۚ فَاِذَا دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّكُمْ غٰلِبُوْنَ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوْٓا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٢٤﴾

ازکسانیکه میترسیدند دومردکه خدا برآندو انعام کرده بود گفتند: بر آنها از در[بزرگ] وارد شوید.پس آنگاه که [یکبار] داخل آن شدید پس حتمًا شما غالب آیندگانید وبس برخداتوکل کنید اگر شما مومنان اید(۲٤)

قَالُوْا يٰمُوْسٰٓى اِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَآ اَبَدًا مَّادَامُوْا فِيْهَا فَاذْهَبْ اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَآ اِنَّا هٰهُنَا قٰعِدُوْنَ ﴿٢٥﴾

گفتند:ای‌موسی قطعًاما به آن وارد نشویم تا آنگامکه آنها درآن اند. پس برو تو و پروردگارت هردو بجنگید ما اینجا نشتگانیم(۲۵)

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ لَآ اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِيْ وَاَخِيْ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٦﴾

اوگفت: ای پروردگار من‌ایقینًامن جزخویشتن و برادرم بر کسی اختیار ندارم.پس میان ما و میان قوم فاسقان تفکیك بنما(۲٦)

قَالَ فَاِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً ۚ يَتِيْهُوْنَ فِي الْاَرْضِ ۗ فَلَا تَاْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٧﴾ ع

[خدا]گفت:یقینًااین [ارض مقدس] چهل سال برآنان حرام کرده شد. آنان درزمین سرگردان میمانند. پس برای قوم زشتکاران افسوس مخور(۲۷)

ع ٤ ٧ ٨

وَاتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَاَ ابۡنَیۡ اٰدَمَ بِالۡحَقِّ‌ۘ اِذۡ قَرَّبَا قُرۡبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنۡ اَحَدِهِمَا وَلَمۡ يُتَقَبَّلۡ مِنَ الۡاٰخَرِ ؕ قَالَ لَاَقۡتُلَـنَّكَ‌ ؕ قَالَ اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الۡمُتَّقِيۡنَ ﴿۲۸﴾

و قصه دوفرزند آدم را برای آنان بحق حکایت کن گامیکه آندو قربانی‌تقدیم نمودند.آنگاه قربانی یکی‌ازآندوپذیرفته شدوازدیگری پذیرفته نشد.اوگفت:حتمًا من ترا میکشم. اوپاسخ داد براستی خدا فقط قربانی پرهیزکاران را می پذیرد(٢٨)

لَئِنۡۢ بَسَطْتَّ اِلَىَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِىۡ مَاۤ اَنَا بِبَاسِطٍ يَّدِىَ اِلَيۡكَ لِاَقۡتُلَكَ‌ۚ اِنِّىۡۤ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الۡعٰلَمِيۡنَ ﴿۲۹﴾

اگر تو دست خود را بسوی من درازکردی تا مرابکشی نیستم من که دست خود رابسوی تودرازکنم تاترا بکشم.یقینًامن از پروردگار جهانهابیمدارم(٢٩)

اِنِّىۡۤ اُرِيۡدُ اَنۡ تَبُوۡٓاَ بِاِثۡمِىۡ وَاِثۡمِكَ فَتَكُوۡنَ مِنۡ اَصۡحٰبِ النَّارِ‌ۚ وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الظّٰلِمِيۡنَ‌ۚ ﴿۳۰﴾

یقیناً من میخواهم که توگناه من وگناه خود را بدوش گرفته [در محضرخدا]برگردی تاازجمله اهل جهنم بشوی و ستمکاران را همین پاداش است(٣٠)

فَطَوَّعَتۡ لَهٗ نَفۡسُهٗ قَتۡلَ اَخِيۡهِ فَقَتَلَهٗ فَاَصۡبَحَ مِنَ الۡخٰسِرِيۡنَ ﴿۳۱﴾

بازهم نفسش قتل برادر خود را برایش زیبا بنمایش گذاشت.پس او را کشت و از جمله زیانکاران

شد(۳۱)

فَبَعَثَ اللّٰهُ غُرَابًا يَّبْحَثُ فِي الْاَرْضِ لِيُرِيَهٗ كَيْفَ يُوَارِيْ سَوْءَةَ اَخِيْهِ ؕ قَالَ يٰوَيْلَتٰۤى اَعَجَزْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِثْلَ هٰذَا الْغُرَابِ فَاُوَارِيَ سَوْءَةَ اَخِيْ ۚ فَاَصْبَحَ مِنَ النّٰدِمِيْنَ ۚ ۛ ﴿۳۱﴾

آنوقت خدا کلاغی را فرستاد که درزمین میکند تا او را بفهماند که جسد برادرش را چسان بپوشاند. گفت.وانفسا!اعاجزماندم که مانند این کلاغ میشدم تا جسد برادرم را میپوشاندم. پس او از جمله پشیمانان شد(۳۲)

مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ ۛ ۚ كَتَبْنَا عَلٰى بَنِيْۤ اِسْرَآءِيْلَ اَنَّهٗ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسَادٍ فِي الْاَرْضِ فَكَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيْعًا ؕ وَمَنْ اَحْيَاهَا فَكَاَنَّمَاۤ اَحْيَا النَّاسَ جَمِيْعًا ؕ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنٰتِ ۫ ثُمَّ اِنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ فِي الْاَرْضِ لَمُسْرِفُوْنَ ﴿۳۲﴾

بدانعلت ما بربنی اسرائیل فرض نمودیم که هرکه نفسی رابکشد که او کسی را نکشته باشدیافساد در زمین نکرده باشد آنگاه گویی او همه مردم را کشت و هرکه او را زنده داشت آنگاه گویی او همه مردم رازنده کرد و یقیناًرسولان ما ایشان را با نشانه های آشکار آمدندالبته بازهم بسیاری از آنها در زمین تجاوزگرانند(۳۳)

اِنَّمَا جَزٰٓؤُا الَّذِيْنَ يُحَارِبُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا اَنْ يُّقَتَّلُوْۤا اَوْ يُصَلَّبُوْۤا اَوْ تُقَطَّعَ اَيْدِيْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ

یقیناًپاداش آنانکه باخدا ورسول او بجنگند و سعی کنند در زمین فساد بگسترانند فقط اینست که

مِّنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْاَرْضِ ؕ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٣٤﴾

بسختی کشته شوند یابدارکشیده شوندیادستهای آنان یاپاهای آنان ازسمت مخالف بریده شود یا از میهن تبعید شوند.این برای آنان خواری در دنیا است و برای آنها درآخرت عذابی بزرگ است(٣٤)

اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَقْدِرُوْا عَلَيْهِمْ ۚ فَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٥﴾

مگر آنها که توبه کنند پیش از اینکه برآنهاغلبه یابید.پس بدانید که خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است(٣٥)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوْٓا اِلَيْهِ الْوَسِيْلَةَ وَجَاهِدُوْا فِيْ سَبِيْلِهٖ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٣٦﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید خدا راتقوی‌فراگیرید و واسطه تقرب او راتلاش کنید و در راه او جهاد کنید تا موفق شوید(٣٦)++

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا وَّمِثْلَهٗ مَعَهٗ لِيَفْتَدُوْا بِهٖ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٣٧﴾

یقیناًکسانیکه کفرکردنداگرچه از آن آنهامیبودجمیع آنچه در زمین است بلکه مانند آن باآن علاوه تا آنرا روز قیامت به نجات ازعذاب

++آیت ٣٦:مراد از وسیله آنحضرت صلی الله علیه وسلم است واکنون هیچ وسیله نیست جزآنحضرت[ص] که تعلق رامستقیماًباخدابرقرارسازد. آن دعا که بعد ازآذان خوانده میشود با ذکر کلمه وسیله همین موضوع را تایید میکند.

فداكنند از آنها پذيرفته نميشد و براى آنها عذابى دردناكست(٣٧)

يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِيْنَ مِنْهَا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٣٨﴾

آرزوكنند كه از آتش بيرون روند و آنان ازآن بيرون روندگان نه باشند براى آنان عذابى پايدار است(٣٨)

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوْا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٣٩﴾

و مرد دزد يا زن دزد دستهاى آندو را ببريدكه پاداشى باشد به آنچه آندو كردند[اين]ازخدا عبرتى است و خدا صاحب غلبه كامل صاحب حكمت است(٣٩)++

فَمَنْ تَابَ مِنْۢ بَعْدِ ظُلْمِهٖ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوْبُ عَلَيْهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٤٠﴾

پس آنكه پس ازستمكارى خود توبه كرد و اصلاح نمود پس يقينًا خدا توبه قبولكرده براو متمايل شوديقينًا خدا آمرزندهٔ بارمارحم كننده است(٤٠)

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

آيانميدانى كه پادشاهى آسمانها و

++آيت ٣٩:كلمات "السارق والسارقة" بردزدها حرفه وخوگرفته ها از مرد و زن دلالت ميكند و آنكس كه بعلت تهيدستى چيزى از خوردنيها و نوشيدنيها بدزد او شامل اين فرمان نيست. هنگام مَخمَصَه يعنىگرسنگى شديدكه خوك هم جايز ميشود. گرسنه اى اگر چيزى بلااجازه بخورد مورد آن كيفرنيست كه دستش بريده شود.

وَالْاَرْضِ ۖ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ ۖ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤١﴾

زمین ازآن خدا است. او هرکه را خواهدعذاب دهد وهرکه راخواهد میآمرزد و خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است(٤١)

يٰۤاَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِيْنَ يُسَارِعُوْنَ فِى الْكُفْرِ مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْۤا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوْبُهُمْ ۛ وَمِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا ۛ سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ سَمّٰعُوْنَ لِقَوْمٍ اٰخَرِيْنَ ۙ لَمْ يَاْتُوْكَ ۖ يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ مِنْۢ بَعْدِ مَوَاضِعِهٖ ۚ يَقُوْلُوْنَ اِنْ اُوْتِيْتُمْ هٰذَا فَخُذُوْهُ وَاِنْ لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوْا ۖ وَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهٗ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۖ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُّطَهِّرَ قُلُوْبَهُمْ ۖ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ ۖۚ وَّلَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٤٢﴾

معانقة ٣ عندالمتقدمین

ای رسول تورااندوهگین نسازند آنهاکه درکفر میشتابندیعنی آنانکه بادهان های‌خودگویندایمان آورده ایم درحالیکه دلهای آنان ایمان نه آورده است، نیزآنانکه یهودشدند. آنان دروغ را بدقت شنوندگانند و[سخنان]قومی دیگرراکه نزد تو نیآمده اند هم بدقت شنوندگانند و کلمات را بعداز قرار دادن در مواضع خودتحریف میکنندو[دار ودسته خودرا]گویند:اگراین داده شویدآنرابگیریدواگراین داده نه شویدپس حذرکنید وکسیکه خدا آزمایش او راخواهد،پس توبرای [نجات]او از خدا، هیچ اختیار نه داری. همانهاند که خدا نمیخواهد که دلهای آنان پاك گردد برای

سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ اَكّٰلُوْنَ لِلسُّحْتِ ۭ فَاِنْ جَاۗءُوْكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ ۚ وَاِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَّضُرُّوْكَ شَيْــــًٔا ۭ وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ (٤٣)

آنان خواری است دردنیا وآنانرا درآخرت عذابی‌بزرگ است(٤٢) دروغ را بدقت شنوندگان وحرام رافزونترخورندگان،پس اگراینها نزد تو بیآیند خواه میان آنان داوری کن یا اعراض کن و اگر از آنان اعراض کنی پس هرگز هیچ ضرری بتو نه رسانند و اگر داوری کنی پس میان آنان بداد داوری کن. یقینًا خدا داد گران را دوستدارد(٤٣)

وَكَيْفَ يُحَكِّمُوْنَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيْهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ ۭ وَمَآ اُولٰۗىِٕكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ (٤٤) ع ٩/١٠

وچطورتو را داورقراردهند حالی که تورات نزد آنان است درچه حکم خدااست؟بازهم آنان پس از آن روی برتابیده میروند و هرگز آنان ایمان آوردگان نیستند(٤٤)

اِنَّآ اَنْزَلْنَا التَّوْرٰىةَ فِيْهَا هُدًى وَّنُوْرٌ ۚ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّوْنَ الَّذِيْنَ اَسْلَمُوْا لِلَّذِيْنَ هَادُوْا وَالرَّبّٰنِيُّوْنَ وَالْاَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوْا مِنْ كِتٰبِ اللّٰهِ وَكَانُوْا عَلَيْهِ

یقینًا ما تورات را نازل کردیم در چه هدایتی بود نیز نوری. پیغمبران آنانکه [کلیةً به خدا گردن نهادند برای یهودیان بدآن داوری میکردند و خداپرستان و

شُهَدَآءَ ۚ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوْا بِاٰيٰتِيْ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۗ وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ ﴿٤٥﴾

هم دانشمندان بعلت آنکه نگهداری کتاب بعهده ایشان بود [بدآن داوری میکردند]و بر آن گواه بودند. پس نترسید از مردم بلکه ازمن بترسیدوآیتهایم را ببهایی ناچیز معامله نکنیدوآنکه داوری نکند مطابق آنچه خدا نازل کرده است پس همانها کافرانند(٤٥)

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيْهَآ اَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ ۙ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْاَنْفَ بِالْاَنْفِ وَالْاُذُنَ بِالْاُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ ۙ وَالْجُرُوْحَ قِصَاصٌ ۗ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهٖ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهٗ ۗ وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٤٦﴾

و فرض کرده بودیم برآنان در آن [تورات] که جان به جان و چشم به چشم و بینی به بینی وگوش به گوش و دندان به دندان و به جراحتها قصاص است.پس کسیکه آنرا[بدوستی] تصدّق کند پس آن برای[گناهان]اوکفارهٔ است و آنکه داوری نکند به آنچه خدا نازل کرد پس همانهاستمکارانند(٤٦)

وَقَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ بِعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ ۖ وَاٰتَيْنٰهُ الْاِنْجِيْلَ فِيْهِ هُدًى وَّنُوْرٌ ۙ

و پی ردپا ایشان گرفته عیسی ابن مریم را بدنبال فرستادیم تصدیق کننده آنچه از تورات که پیشروی او بود و او را انجیل

وَّمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَهُدًى وَّمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٧﴾

دادیم درچه هدایتی بود نیزنوری وتصدیق کننده برای آنچه بود که ازتورات پیشرویاوبود ومتقیان را هدایتی و پندی بود(٤٧)

وَلْيَحْكُمْ اَهْلُ الْاِنْجِيْلِ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فِيْهِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٤٨﴾

وبایداهل انجیل داوریکنندطبق آنچه خدا در آن نازل کرده است وآنکه داوری نکند طبق آنچه خدا نازلکرد پس همانهافاسقانند(٤٨)

وَاَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتٰبِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَهُمْ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَّمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلٰكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِيْ مَآ اٰتٰىكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرٰتِ ۚ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ﴿٤٩﴾

و کتاب را بسوی تو بحق نازل کرده ایم تصدیق کننده برای آنچه ازکتاب که پیشرویآنست و برآن نگهبانست. پس میان آنان داوری کن مطابق آنچه خدا نازلکرده است و هوس رانی آنهاراپیروی نکن دور از آنچه حقّ که تورا آمده است. برای هرکدام ازشما مسلکی ودینی قرارداده ایم واگر خدامیل داشت حتمًا شما را یك امت میساخت واما [میخواهد] که شمارابیآزماید درآنچه شمارا داد پس در نیکیها از همدیگر سبقت

جویید. بازگشت همه شما بسوی خدا است. آنگاه او شما را آگاه سازد به آنچه شما درآن اختلاف میکردید(٤٩)

وَاَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ اَنْ يَّفْتِنُوْكَ عَنْۢ بَعْضِ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ ؕ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ اَنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّصِيْبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوْبِهِمْ ؕ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ لَفٰسِقُوْنَ ﴿٥٠﴾

و[بازاکیداًگویم که] داوری کن میان آنها مطابق آنچه خدا نازل کرد و هوای نفسانی آنهارا دنبال نکن و از آنهاحذرکن که تو را از بعضی آن تعلیم که خدا به تونازل کرده است به آزمایش نیفکنند. پس اگر روی برتابند آنگاه بدان که خدا حتماً میخواهد که بعلت بعضی از گناهان آنان بر آنان مصیبت بیافکنند و حتمًا بسیاری از مردم فاسقانند(٥٠)

اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُوْنَ ؕ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿٥١﴾ ع ٧

پس آیا داوری[به طریق] جاهلیت را دوست دارند؟و اهل یقین را نیکوتر در داوری کردن از خدا کیست؟(٥١)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُوْدَ وَالنَّصٰرٰۤى اَوْلِيَآءَ ۘ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ؕ

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوست نگیرید.آنها

وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاِنَّهٗ مِنْهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٢﴾

[فقط] همدیگر را دوست اند و آنکس از شما که آنها را دوست گیرد پس یقیناً او ازآن آنها شد. یقیناًخداستمکاران راهدایت نمی دهد(٥٢)

فَتَرَى الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ يُّسَارِعُوْنَ فِيْهِمْ يَقُوْلُوْنَ نَخْشٰٓى اَنْ تُصِيْبَنَا دَآئِرَةٌ ۗ فَعَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّاْتِيَ بِالْفَتْحِ اَوْ اَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهٖ فَيُصْبِحُوْا عَلٰى مَآ اَسَرُّوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ نٰدِمِيْنَ ۗ ﴿٥٣﴾

پس آنان را که دردلهاشان مرضی است ببینیدرآنهاپرشتاب میروند گویند.میترسیم مباداسختی زمان مارا برسد.پس نزدیك است که خدابیآرد[روز]پیروزی یاامری از نزدخود. آنگاه پشیمان شوند بر آنچه دردلهای‌خودپنهان کنند(٥٣)

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَهٰٓؤُلَآءِ الَّذِيْنَ اَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ ۙ اِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۗ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَاَصْبَحُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿٥٤﴾

و کسانیکه ایمان آوردند گویند آیاهمانهاندکه به خداقسمهای جدّی خودمیخوردندکه حتمًاآنان باشما اند. اعمال ایشان بهدر رفت پس زیانکاران شدند(٥٤)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَنْ يَّرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَسَوْفَ يَاْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُّحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَهٗٓ ۙ اَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ اَعِزَّةٍ

ای کسانیکه ایمان آورده ایدهرکه از شما از دین خود برگردد پس حتمًا خدا قومی را[ببدل]آورد که اوایشانرا دوست داشته و ایشان

عَلَى الْكٰفِرِيْنَ يُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا يَخَافُوْنَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٥٥﴾

او را دوست داشته باشند ـ بر مومنان مهربان وبر کافران بسیار سخت باشند ـ در راه خدا جهاد کنند و از ملامت هر ملامت کننده ناترس باشند.این فضل خدااست. اواینرا میدهد هرکه را دوستدارد وخدا گشایش بخشأی صاحب علم دائمی است(۵۵)

اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رٰكِعُوْنَ ﴿٥٦﴾

یقینًادوست شما فقط خدا است و رسول او و آنانکه ایمان آوردند آنانکه نمازرا بپای‌دارند و زکٰوت دهند و آنانکه[بحضورخدا]بتعظیم کمرخم کنندگانند(۵٦)

وَمَنْ يَّتَوَلَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿٥٧﴾ ع

و هرکه دوست گیرد خدا را و رسولش و آنانکه ایمان آوردند پس یقینًا گروه خدائی اند که ایشان پیروزمندان اند(۵۷)

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِيْنَ

ای کسانیکه ایمان آورده اید از

++آیت ۵۵:این آیت این خیال را رد میکند که کیفر مرتدی قتل است و میگوید که اگر کسی ازشما از دین مرتد گردد آنگاه خداوند شمارا بدلش قومی بزرگ اعطا میکند که ایشان با مومنان محبت داشته و درمقابل کافران استوار باشند.

اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ
أَوْلِيَآءَ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٥٨﴾

آنانکه پیش شماکتاب داده شدند
کسانیکه دین شمارا به تمسخر و
بازی‌گرفتند و کافران را دوستان
برنگزینید و ازخدا بترسید اگر
شاموَمنانید(۵۸)

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَوٰةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا
وَلَعِبًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ﴿٥٩﴾

و چون شما بنماز فراخوانید آنها
آنرابتمسخر و بازی میگیرند چه
آنهاقومی اندکه عقل نکنند(۵۹)

قُلْ يَٰٓأَهْلَ الْكِتَٰبِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ
أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ
مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٦٠﴾

بگوای‌اهل‌اکتاب ازما فقط برای
این انتقاد میکنید که به خدا و
آنچه برما نازل کرده شد و آنچه
پیش از ما نازل کرده آمد ایمان
آورده ایم و براستی که بسیاری
از شما فاسقانند(۶۰)

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً
عِندَ اللَّهِ ۚ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ
وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ
الطَّٰغُوتَ ۚ أُولَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ
عَن سَوَآءِ السَّبِيلِ ﴿٦١﴾

بگو آیا شما را به بدتر ازین
خبر دهم که نزد خدا [برای شما]
پاداشی‌است؟آنکس که خدا او را
لعن کرد و بر او خشم گرفت و
بعضی‌ازآنهارا بوزینگان وخوکان
قرارداد درحالیکه آنها شیطان را
پرستیدند همانها بدتر در رتبه و

وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓا ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِۦ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿٦٢﴾

گمراهتر از راه اند(٦١)
و چون نزد شما میآیند گویند ما ایمان آوردیم حالانکه آنها بکفر خود بداخل شده بودند و با همان خارج شدند و خدا داناتراست به آنچه پنهان کنند(٦٢)

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَٰنِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٣﴾

وبسیاری‌را ازآنها درگناه و تعدی و حرام خوردن آنان بر همدیگر پیشی‌گرفته بسیارکوشا می بینی. چه زشت است آنچه میکنند(٦٣)

لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ الرَّبَّٰنِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٤﴾

چرا ربّانیان و دانشمندان[مامور برنگهداری کلام الله] آنها را از گفتن آنان گناه را و ازخوردن آنان حرام بازنداشتند.یقینًازشت است آنچه میکردند(٦٤)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ ۚ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا ۘ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ ۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا ۚ وَأَلْقَيْنَا

و یهودیان گفتند که دست خدا بسته است. دستهای خود آنها بسته است و لعنت شدند بموجب آنچه گفتند. بلکه هردو دست خدا باز است. او انفاق کند هرگونه میخواهد و آنچه برتوازخدای تو

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ؕ كُلَّمَآ اَوْقَدُوْا نَارًا لِّلْحَرْبِ اَطْفَاَهَا اللّٰهُ ۙ وَيَسْعَوْنَ فِى الْاَرْضِ فَسَادًا ؕ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٦٥﴾

نازلکرده شدالبته بسیاری را از آنها درسرکشی و کفر بیفزاید و میان آنان تاقیامت دشمنی و کینه افکنده ایم. هرگاه آتش جنگ را برافروزند خدا آنرا فرونشاند و درزمین به گستردن فساددوندگی کنند و خدا فسادکاران را دوست ندارد(٦۵)

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْكِتٰبِ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَاَدْخَلْنٰهُمْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿٦٦﴾

واگراهل کتاب ایمان آورده و تقویٰ پیش میگرفتندحتمًا بدیهای آنان را از آنان دور مینمودیم و حتمًا آنانرا وارد باغهای پرنعمت میکردیم(٦٦)

وَلَوْ اَنَّهُمْ اَقَامُوا التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ مِّنْ رَّبِّهِمْ لَاَكَلُوْا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ ؕ مِنْهُمْ اُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ؕ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٦٧﴾ ع

و اگرآنها تورات و انجیل را و آنچه بر آنان ازخدای آنان نازل کرده شد برپا میداشتند آنگاه از فرازخود و از زیر پاهای خود میخوردند. گروهی از آنها میانه رو اند درحالیکه چه زشت است آنچه بسیاری از آنان میکنند(٦٧)

يٰۤاَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ مَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ

ای رسول ابخوبی ابلاغ کن آنچه

رَّبِّكَ ۖ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۚ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

برتو ازخدای توفروفرستاده شد و اگر بجانیآوری گویی پیغام او رانرسانده ای وخدا تورا ازمردم حفظ مینماید. یقینًا خدا به قوم کافران هدایت نمیدهد(٦٨)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٩﴾

بگوای‌اهل کتاب نیستید برامری تا آنگاه که بپای ندارید تورات و انجیل را و آنچه برشماازخدای شما نازل کرده شد و البته آنچه بر تو از پروردگارتونازل کرده شدبسیاری را از آنها در سرکشی و کفرمیفزاید. پس برقومی کافر افسوس مخور(٦٩)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٧٠﴾

یقینًاکسانیکه ایمان آوردند و آنانکه یهودوصابیو مسیحی شدند هرکه به خدا و روزآخرت ایمان آورد ونیکوکاری کرد پس نیست بیمی بر آنان و نه آنان اندوه خورند(٧٠)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا ۖ كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا

یقینًا ما میثاق بنی اسرائیل گرفتیم و بسوی آنان رسولانی

لَاتَهْوَىٰٓ اَنْفُسُهُمْ ۙ فَرِيْقًا كَذَّبُوْا وَفَرِيْقًا يَّقْتُلُوْنَ ﴿٧١﴾

فرستاديم. هرگاه آنان را رسولی آمد با آن چيزی كه به دلهای آنان خوش نداشت آنگاه گروهی را تكذيب كرده و به گروهی ستيزه گری ظالمانه ميپرداختند(٧١)

وَحَسِبُوْٓا اَلَّا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ فَعَمُوْا وَصَمُّوْا ثُمَّ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوْا وَصَمُّوْا كَثِيْرٌ مِّنْهُمْ ؕ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٧٢﴾

وپنداشتند كه فتنهٔ نخواهد بود. پس كور و كر شدند. باز ازاين پس خدا توبه قبول كرده بر آنان متمايل شد.بازهم بسياری از آنان كور و كر ماندند وخدا بينای آن بود كه انجام ميدادند(٧٢)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ ؕ وَقَالَ الْمَسِيْحُ يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ ؕ اِنَّهٗ مَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَاْوٰىهُ النَّارُ ؕ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿٧٣﴾

همانا كفركردند آنهاكه گفتند خدا اومسيح ابن مريم است درحاليكه مسيح ميگفت:ای‌بنی‌اسرائيل به خداپروردگارمن وپروردگارخود عبادت كنيد.براستی او آنكه به خداشريك قراردهدپس يقيناًخدا بهشت را بر او حرام نموده و مأوی او آتش است و ستمكاران راكسی‌ياورنيست(٧٣)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ ثَالِثُ

البته آنها كفركردند كه گفتند

ثَلٰثَةٍ ۘ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّآ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ؕ وَاِنْ لَّمْ يَنْتَهُوْا عَمَّا يَقُوْلُوْنَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۷۴﴾

يقينًا خدا سومين سه است حالانکه جز معبود یگانه هیچ معبودی نیست و اگر باز نیایستند از آنچه میگویند آنگاه حتمًا به کسانی از آنها که کفر کردند عذابی دردناک برسد(۷۴)

اَفَلَا يَتُوْبُوْنَ اِلَى اللّٰهِ وَيَسْتَغْفِرُوْنَهٗ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۷۵﴾

پس آیا توبه کنان بسوی خدا خم نمیشوند و از او آمرزش نمی طلبند حالیکه خدا بسیار آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۷۵)

مَا الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ اِلَّا رَسُوْلٌ ۚ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ؕ وَاُمُّهٗ صِدِّيْقَةٌ ؕ كَانَا يَاْكُلٰنِ الطَّعَامَ ؕ اُنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْاٰيٰتِ ثُمَّ انْظُرْ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿۷۶﴾

مسیح ابن مریم فقط رسولی است. یقینًا رسولانی که پیش از او بودند در گذشته اند و مادرش درستکاره بود. هر دوی غذا می خوردند. بنگر چطور آیتهای خود را برای آنان بوضوح بیان می کنیم. سپس بنگر به کجا گول زده برده میشوند(۷۶)++

++آیت ۷۶: دراین آیت نیز وفات حضرت عیسٰی را تذکراست زیرا واژه قدخلت بطوریکه قبلاً بیان شد برای گذشتن راه گفته نمیشود بلکه بروفات گفته میشود. برای این بیشتر دلیل اینست که او و مادرش هردوی غذا میل میکردند گویی اکنون آندو غذا نمیخورند زیرا هردوی درگذشته اند. اگرحضرت عیسٰی[ص۲۶۳]

قُلْ اَتَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا ؕ وَاللّٰهُ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿۷۷﴾

بگوآیا خدا را ترک کرده عبادت میکنید آنچه را که نه زیان و نه سود شمارا اختیار دارد؟ و خدا است که اوبسیار شنوائی صاحب علم دائمی است(۷۷)

قُلْ يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوْا فِيْ دِيْنِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوْۤا اَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوْا مِنْ قَبْلُ وَاَضَلُّوْا كَثِيْرًا وَّضَلُّوْا عَنْ سَوَآءِ السَّبِيْلِ ﴿۷۸﴾ ع ۱۰ ۱۱ ۱۴

بگو ای اهل کتاب! بناحق دردین خود تجاوزگری نکنید و هوای نفسانی آنمردم را پیروی نکنید که پیش از شما گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه اعتدال گمراه شدند(۷۸)

لُعِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْۢ بَنِيْۤ اِسْرَآءِيْلَ عَلٰى لِسَانِ دَاوٗدَ وَعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ؕ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿۷۹﴾

کسانی از بنی اسرائیل که کفر کردند بر آنها از زبان داؤد و عیسیٰ ابن مریم لعنت افکنده شد چه نافرمانی کردند و داشتند تجاوز میکردند(۷۹)

كَانُوْا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُّنْكَرٍ فَعَلُوْهُ ؕ

آنان بازنمیایستادند ازبدیکه آن

بقیه آیت ۷۶:بعلت رفع الی السما طعام خوردن را ترک کرده اند آنگاه حضرت مریم که برآسمان بالا نرفته اندو با این وجود ایشان طعام خوردن را ترک کرده اند. پیدااست که علت وفات ایشان است. لذا حضرت مسیح نیز مانند مادر خود غذا نمیخورند زیرا که ایشان نیز در گذشته اند.

لَبِئۡسَ مَا كَانُوا يَفۡعَلُونَ ﴿٨٠﴾

رامیکردند. یقینًا زشت بود آنچه میکردند(۸۰)

تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنۡهُمۡ يَتَوَلَّوۡنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ لَبِئۡسَ مَا قَدَّمَتۡ لَهُمۡ أَنفُسُهُمۡ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَفِي الۡعَذَابِ هُمۡ خَالِدُونَ ﴿٨١﴾

بسیاری را ازآنها میبینی دوست میگیرندآنهاراکه کفرکردند. البته زشت است آنچه نفسهای آنان برای آنان پیش فرستاد که خدا بر آنان خشمناك شد و آنها مدت دراز در عذاب ماندگارند(۸۱)

وَلَوۡ كَانُوا يُؤۡمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَا اتَّخَذُوهُمۡ أَوۡلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنۡهُمۡ فَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾

و اگر ایمان میداشتند به خدا و این پیغمبروآنچه بر او نازلکرده شد هرگزآنها[کافران]را دوست نمیگرفتند و اما بسیاری از آنها فاسقانند(۸۲)

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الۡيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشۡرَكُوا ۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقۡرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنۡهُمۡ قِسِّيسِينَ وَرُهۡبَانًا وَأَنَّهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٨٣﴾

یقیناً در دشمنی آنانکه ایمان آوردند سختتر یهودیان و آنها را میبابی‌که شرك کردند و یقینًا در دوستی‌آنهاکه ایمان آوردندنزدیك ترآنهارا میبابی‌که گویندماسیحی ایم چه در ایشان عبادت گذاران و اختیار کنندگان رهبانیت اند و اینکه ایشان تکبرنمیکنند(۸۳)

وَإِذَا سَمِعُوا مَآ أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّٰهِدِينَ ﴿٨٤﴾

وهنگامیکه میشنوند آنچه را که به سوی این پیغمبر نازلکرده شد بینی‌که چشمان ایشان اشك ریزد ازآنچه حق راشناختند - گویند پروردگارا! ماایمان آوردیم. پس ما را با گواهان بنویس(۸٤)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّٰلِحِينَ ﴿٨٥﴾

وچیست مارا که به خدا و به آن حق ایمان نیآوریم که مارا آمده است با آنکه آزمند بودیم که پروردگار ما مارا به گروه نیکو کاران درآرد(۸۵)

فَأَثَٰبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٦﴾

پس خدا ایشان را پاداش داد بموجب آنچه گفتند بهشتهای که در دامنه آنها نهرهای روان است. ایشان درآنها جاویدانند و پاداش محسنان همین است(۸٦)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِنَآ أُولَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ الْجَحِيمِ ﴿٨٧﴾

و کسانیکه کفر کردند و آیات ما را رد نمودند همانها اهل جهنم اند(۸۷)

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓا ۚ إِنَّ اللَّهَ

ای‌کسانیکه ایمان آورده ایدحرام مگردانید آن پاکیزههای را که

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٨﴾

خدابرای شماحلال نموده است و تجاوز نکنید. یقیناً خداتجاوزگران را دوست ندارد(۸۸)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا
اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٩﴾

وبخورید حلال وپاکیزههای از آنچه خدا بشما رزق درداده است و تقوای آن خدا را پیش گیرید که شما به او ایمان آورندگان اید(۸۹)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ
وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ
الْأَيْمَانَ ۖ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ
مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ
أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ
رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ
أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا
حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٩٠﴾

خدا شمارا به سوگندهای یاوه شماواخذه نکنداماشمارا مواخذه کند به آن وعده های که قسمها خورده کردید .آنگاه کفاره این به ده مسکین طعام دادن است از [آن طعام] میانهٔ که به خانواده خود اطعام کنید یا به آنان لباس دادن است یاگردن بندهٔ آزادکردنست پس آنکه ندارد پس روزهٔ سه روز [گرفتن]است.این کفاره عهد شما است چون سوگند خورده باشید و ازسوگندهای خودحفاظت کنید. اینگونه خدا آیتهای‌خود را برای

شمابصراحت بیان مینمایدتاباشد که شماسپاسداری کنید(۹۰)++

يَآأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوٓا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۹۱﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید مسکرات و قمار باختن و بت پرستی و تیرهای قمارهمه ناپاک و از عمل شیطان است. پس از آنها اجتناب کنید تا باشد که شما موفق شوید(۹۱)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطٰنُ أَنْ يُّوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّنْتَهُونَ ﴿۹۲﴾

یقینًا شیطان دوستدارد که از طریق مسکرات و قمار میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شمارا از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما بازایستادگانید؟(۹۲)

وَأَطِيعُوا اللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوٓا أَنَّمَا عَلٰى رَسُولِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ ﴿۹۳﴾

و ازخدااطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید و[ازبدی]حذرکنید و اگر پشت کنید پس بدانید که بر رسول مافقط آشکارا ابلاغ کردن است(۹۳)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

کسانیکه ایمان آوردندونیکوکاری

---

++آیت ۹۰:درگفتگوی روزانه کلمات والله بالله را عادتاً برزبان راندن قابل مواخذه نیست ولیقسم را جداً بدروغ خوردن مورد مواخده است.

جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوٓا إِذَا مَا اتَّقَوا وَّءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ اتَّقَوا وَّءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوا وَّأَحْسَنُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٤﴾

کردند را گناهی نیست در آنچه بخورندآنگاهکه تقوی کنندوایمان آورند وشایسته کاری کنند و باز [فراتر]تقوی کنند و[فراتر]ایمان آورند بازهم تقویٰ کنندواحسان کنند و خدا محسنان را دوست دارد(۹٤)

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُۥٓ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٥﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده ایدحتمًا خدا شمارا آزمایش کند از طریق چنین شکار که دستهای شما و تیرهای شما به آن برسد تاخدا نمایان سازد آنانرا که غایبانه از او میترسند.پس آنکه پس از این تعدی نماید آنگاه برایش عذابی دردناك است(۹۵)

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ ۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًۢا بَٰلِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّٰرَةٌ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوْ

ای‌کسانیکه ایمان آورده ایدشکار نکشید درحالیکه احرام گرفته اید و آنکه ازشما آنرا بعمد بکشد آنگاه بطورکیفر مانند آن چهارپا که اوکشت و دو دادگر از شما به آن فیصل دهند قربانی به کعبه

عَدۡلُ ذٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوۡقَ وَبَالَ اَمۡرِهٖ ؕ عَفَا اللّٰهُ عَمَّا سَلَفَ ؕ وَمَنۡ عَادَ فَيَنۡتَقِمُ اللّٰهُ مِنۡهُ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيۡزٌ ذُو انۡتِقَامٍ ﴿۹۶﴾

رسیده دادن است یا کفارهٔ غذا دادن به مسکینان است یا معادل آن روزه گرفتن است تااوعقوبت کارخودرابچشد.خدا عفو نمود از آنچه گذشت. پس آنکه تکرار کند خدا از او انتقام گیرد و خدا صاحب غلبه کامل انتقام گیرنده است(۹۶)

اُحِلَّ لَـكُمۡ صَيۡدُ الۡبَحۡرِ وَطَعَامُهٗ مَتَاعًا لَّـكُمۡ وَلِلسَّيَّارَةِ ۚ وَحُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ صَيۡدُ الۡبَرِّ مَا دُمۡتُمۡ حُرُمًا ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِىۡۤ اِلَيۡهِ تُحۡشَرُوۡنَ ﴿۹۷﴾

برایشماشکاردریائیوطعام کردن آن حلال کرده شد.این برای بهره مندی شماومسافران است و شکار خشکی برایشما حرام کرده شد مادامیکه احرام گرفته اید و خدا را تقوی پیش گیرید که بسوی او محشور کرده شوید(۹۷)

جَعَلَ اللّٰهُ الۡـكَعۡبَةَ الۡبَيۡتَ الۡحَـرَامَ قِيٰمًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهۡرَ الۡحَـرَامَ وَالۡهَدۡىَ وَالۡقَلَاۤئِدَ ؕ ذٰ لِكَ لِتَعۡلَمُوۡۤا اَنَّ اللّٰهَ يَعۡلَمُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الۡاَرۡضِ وَاَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَىۡءٍ عَلِيۡمٌ ﴿۹۸﴾

خدا کعبه بیت حرام را موجب پایداری[دین واقتصاد]مردم قرار داد و ماه حرام و[دامهای]قربانی و دامهای قلاده بگردن بسته را. این[تنبیه] است تا بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانها است و

اِعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَاَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۹۹﴾

مَا عَلَى الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلٰغُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿۱۰۰﴾

قُلْ لَّا يَسْتَوِى الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ اَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ يَٓا اُولِى الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰۱﴾ ع ۱۳

يَٓا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَسْـَٔلُوا عَنْ اَشْيَآءَ اِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَاِنْ تَسْـَٔلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْاٰنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۱۰۲﴾

آنچه در زمین است واینکه خدا به هرچیز دانا است(۹۸)

و بدانید که خدا سخت عقوبت است و اینکه خدا آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۹۹)

نیست بررسول مگربخوبی ابلاغ کردن پیغام را وخدا میداند آنچه عیان کنیدوآنچه نهان کنید(۱۰۰)

بگو ناپاك و پاك یکسان نیست هرچند فراوانی ناپاك ترا شگفت آورد. پس ای خردمندان خدا را تقوی کنید تا موفق شوید(۱۰۱)

ای کسانیکه ایمان آورده اید نه پرسید ازآنچیزها که اگر بر شما آشکارگردد شماراناپسندآیدواگر ازآنهابپرسیدمیکه قرآن نازل شود برای شما فاش ساخته شود. خدا از آنها نادیده گرفته است و خداآمرزندهٔ ی بردبارست(۱۰۲)+

++آیت۱۰۲:بسیاری ازاموربوضاحت ممنوع نشدندواین درحق نوع انسان رحمتی است ودرخور موقعیت برای خودرایی‌کردن نیزاشاره است.امابعضیها را[ص:۲۷۱]

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٣﴾

البته قومی پیش از شما نیز این [سخنان] پرسیده بودند. سپس به آنها انکار کنندگان شدند(۱۰۳)

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِن بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ ۙ وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۖ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٤﴾

وخدامقررنداشته است بحیره و نه سائبه و نه حام و اما آنها که کفرکردندبرخدادروغ میبندند و بیشترآنها عقل نمیکنند(۱۰۴)++

++بقیه آیت ۱۰۲: عادت بود که هنگام نزول وحی سوالهای دگرگونه میکردند. آنگاه لازم بود که آنهاپاسخ داده میشدند والا میپنداشتند که سوالهای که به خاطر خطورکند وحی به آنهاپاسخ نمیگوید.درآیت مجاور ذکرازقومی است که درگذشته بود و گفته شود که آنان هنگام نزول وحی سوال کرده خودشان را به دشواریها روبرو کرده بودند.

++آیت۱۰٤ :بحیرة":بَحَرتُ البَعِیررامعنای‌است"شققت اذنه شقّاًوّاسِعًا"من گوش شتر راخوب شکافتم(مفردات)وبحیرة آن شترماده راگویندکه گوشهایش شکافته شده باشد.درزمان جاهلیت رسم براین بودکه چون شترمادهٔ ی‌ده تابچه میزادگوشهایش راشکافته وآنراآزادمیگذاردند ـ نه کسی‌برآن سوارمیشدونه آن بارمیشد(مفردات).

سائبة:منظور آن شترماده است که در چراگاه آزاد گذارده شود و آن نه از آبشخور بازداشته شود و نه ازچرا.درزمان جاهلیت این رسم آنوقت بعمل میآمد چون آن شترماده پنج تا بچه رامیزاد.

وصیلة:اینهم در زمان جاهلیت رسمی بود که چون بزی ماده دوبچه نروماده را دوقلومیزادآنهاراذبح نمیکردند تا با ذبح کردن یکی به دومین اذیت نشود.

حام:گاوی نر که اگر از نسلش ده بچه زاده میشدآنرامیرهانیدند و برآن نه کسی سوارمیشدونه ازآن کاری دیگرگرفته میشد و نه ازآب و چرا بازداشته میشد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۚ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٥﴾

ووقتی برای آنان گفته شود بیآیید بسوی آنچه خدا نازلکرده است و بسوی رسول گویند، مارابس است آنچه پدران خود را برآن یافتیم. آیااگرپدران آنان هیچ ندانستند و نه هدایت یافتند؟ [بازهم بس است](۱۰۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ ۖ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٦﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید [تکلیف] بر شما نفسهای خودتان است. آنکس که گمراه شد شمارا زیان نرساند وقتیکه بر هدایت باشید. بازگشت جمیع شما بسوی خدا است. پس او شماراآگاه سازد به آنچه شما میکردید(۱۰۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ ۚ

ای کسانیکه ایمان آورده اید چون به احدی از شما مرگ فرارسد هنگام وصیت برای گواهی میان خودتان دوگواه دادمند ازخودتان گرفتن است. یا اگر درزمین سفر میکنید و مصیبت مرگ شما را برسد، دوتن دیگر غیراز خودتان

تَحۡبِسُوۡنَهُمَا مِنۡۢ بَعۡدِ الصَّلٰوةِ فَيُقۡسِمٰنِ بِاللّٰهِ اِنِ ارۡتَبۡتُمۡ لَا نَشۡتَرِىۡ بِهٖ ثَمَنًا وَّلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبٰى ۙ وَلَا نَكۡتُمُ شَهَادَةَ ۙ اللّٰهِ اِنَّاۤ اِذًا لَّمِنَ الۡاٰثِمِيۡنَ ﴿۱۰۷﴾

را[گواه مقرر کنید].شما آندو را پس از نمازی نگهدارید. اگر از آندو شك دارید پس آندو به خدا سوگندیادکنند که به این [گواهی] هیچ بهاء قبول نکنیم مرچند [خلاف]خویشاونداست ونه کتمان کنیم گواهی خدا را که در آن صورت یقینًا ما از جمله گناه کاران میشویم(۱۰۷)

فَاِنۡ عُثِرَ عَلٰۤى اَنَّهُمَا اسۡتَحَقَّاۤ اِثۡمًا فَاٰخَرٰنِ يَقُوۡمٰنِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِيۡنَ اسۡتَحَقَّ عَلَيۡهِمُ الۡاَوۡلَيٰنِ فَيُقۡسِمٰنِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَاۤ اَحَقُّ مِنۡ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعۡتَدَيۡنَاۤ ۖ اِنَّاۤ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيۡنَ ﴿۱۰۸﴾

پس اگرآگاهی حاصل شد که آندو مرتکب گناه شده اندآنگاه بجای آندوی دوتن دیگرازآنانکه برعلیه حقشان دوتن اولی مرتکب شدند بلند شوند. پس به خدا سوگند یادکنند که گواهی آنان راستتر از آن دو تن است و [ازانصاف] تجاوز نکرده ایم.یقینأدرآنصورت ما از ستمکاران میشویم(۱۰۸)

ذٰلِكَ اَدۡنٰۤى اَنۡ يَّاۡتُوۡا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجۡهِهَاۤ اَوۡ يَخَافُوۡۤا اَنۡ تُرَدَّ اَيۡمَانٌۢ بَعۡدَ اَيۡمَانِهِمۡ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاسۡمَعُوۡا ؕ وَاللّٰهُ

این [طریق] نزدیکتر است که [گواهان اولی] گواهی رأی العین دهند وگرنه در بیم میمانند مبادا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿۱۰۹﴾

پس از سوگندهای آندو [دیگر] سوگندهای آنها رد کرده شود و برای خدا تقوی فراگیرید و گوش بازدهید و خدا قوم فاسقان را هدایت نمیدهد(۱۰۹)

يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُوْلُ مَاذَآ اُجِبْتُمْ ۭ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا ۭ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿۱۱۰﴾

روزیکه خدا همه رسولان را جمع کند و بپرسد: شما را چه جواب داده شد؟ [رسولان] گویند: ما را هیچ دانشی نیست یقینًا توئی که به غیبها دانا هستی(۱۱۰)

اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِيْ عَلَيْكَ وَعَلٰى وَالِدَتِكَ ۘ اِذْ اَيَّدْتُّكَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۣ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۚ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ۚ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّيْنِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِيْ فَتَنْفُخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًا ۢ بِاِذْنِيْ وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِيْٓ

وقتیکه خدا گفت. ای‌عیسٰی ابن مریم! بیاد آر آن نعمتم را بر خویش وبر مادرت چون تورا با روح القدس تایید کردم. تو در گهوارهٔ و کهولتی به مردم حرف میزدی وچون توراکتاب وحکمت وتورات وانجیل آموختیم وچون تو باذنم از گل مانند شکل پرنده خلق میکردی باز درآن می دمیدی پس باذنم پرندهٔ ی میشد و باذنم کور و پیسی را شفا میدادی و

اِسۡرَآءِيۡلَ عَنۡكَ اِذۡ جِئۡتَهُمۡ بِالۡبَيِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا مِنۡهُمۡ اِنۡ هٰذَاۤ اِلَّا سِحۡرٌ مُّبِيۡنٌ ﴿۱۱۱﴾

چون باذنم مردگان را بیرون میآوردی وچون بنی اسرائیل را از تو باز داشتم آنگاه که بانشانه های تابان نزد آنان آمده بودی و کسانی از آنها که کفرکرده بودند گفتند، این چیزی جز جادوئی آشکارا نیست(۱۱۱)

وَاِذۡ اَوۡحَيۡتُ اِلَى الۡحَوَارِيّٖنَ اَنۡ اٰمِنُوۡا بِىۡ وَبِرَسُوۡلِىۡ‌ ۚ قَالُوۡۤا اٰمَنَّا وَاشۡهَدۡ بِاَنَّنَا مُسۡلِمُوۡنَ ﴿۱۱۲﴾

و هنگامیکه بسوی حواریان وحی فرستادم که بر من و رسولانم ایمان بیآورید. گفتند ما ایمان آوردیم و گواه باش به اینکه ما فرمانبرداران شده ایم(۱۱۲)

اِذۡ قَالَ الۡحَوَارِيُّوۡنَ يٰعِيۡسَى ابۡنَ مَرۡيَمَ هَلۡ يَسۡتَطِيۡعُ رَبُّكَ اَنۡ يُّنَزِّلَ عَلَيۡنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ‌ ؕ قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنۡ كُنۡتُمۡ مُّؤۡمِنِيۡنَ ﴿۱۱۳﴾

چون حواریان گفتند: ای عیسٰی ابن مریم! آیا پروردگارتو را امکان است که برای ما خوانی نعمتها از آسمان فروآرد؟ [مسیح] گفت: برای خدا تقوی فراگیرید اگر شما مومنانید(۱۱۳)

قَالُوۡا نُرِيۡدُ اَنۡ نَّاۡكُلَ مِنۡهَا وَتَطۡمَئِنَّ قُلُوۡبُنَا وَنَعۡلَمَ اَنۡ قَدۡ صَدَقۡتَنَا وَنَكُوۡنَ

ایشان گفتند: ما دوستداریم از آن بخوریم و دلهای ما اطمینان یابد و بدانیم که بما راست گفته

عَلَيۡهَا مِنَ الشّٰهِدِيۡنَ ﴿۱۱۴﴾ | ای و برآن گواهان شویم(۱۱۴)

قَالَ عِيۡسَى ابۡنُ مَرۡيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَآ اَنۡزِلۡ عَلَيۡنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ تَكُوۡنُ لَنَا عِيۡدًا لِّاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَاٰيَةً مِّنۡكَ ۚ وَارۡزُقۡنَا وَاَنۡتَ خَيۡرُ الرّٰزِقِيۡنَ ﴿۱۱۵﴾

عیسیٰ ابن مریم گفت: ای خدا ای پروردگارما! خوانی نعمتها از آسمان بر ما فرود بیآر که اولین مارا و آخرین مارا عیدی و آیتی از تو باشد و بما رزق اعطا کن و تو بهترین رزق دهندگانی(۱۱۵)

قَالَ اللّٰهُ اِنِّىۡ مُنَزِّلُهَا عَلَيۡكُمۡ ۚ فَمَنۡ يَّكۡفُرۡ بَعۡدُ مِنۡكُمۡ فَاِنِّىۡۤ اُعَذِّبُهٗ عَذَابًا لَّاۤ اُعَذِّبُهٗۤ اَحَدًا مِّنَ الۡعٰلَمِيۡنَ ﴿۱۱۶﴾

خداگفت:حتمًامن آنرابرشمانازل کنم.پس آنکه ازشمابعداً ناسپاسی کندآنگاه حتمًا او را عذابی دهم که هیچ یك از جهانیان رانخواهم داد(۱۱۶)

وَاِذۡ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيۡسَى ابۡنَ مَرۡيَمَ ءَاَنۡتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُوۡنِىۡ وَاُمِّىَ اِلٰهَيۡنِ مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ ؕ قَالَ سُبۡحٰنَكَ مَا يَكُوۡنُ لِىۡۤ اَنۡ اَقُوۡلَ مَا لَـيۡسَ لِىۡ بِحَقٍّ ؕ اِنۡ كُنۡتُ قُلۡتُهٗ فَقَدۡ عَلِمۡتَهٗ ؕ تَعۡلَمُ مَا فِىۡ نَفۡسِىۡ وَلَاۤ اَعۡلَمُ مَا فِىۡ نَفۡسِكَ ؕ اِنَّكَ اَنۡتَ عَلَّامُ الۡغُيُوۡبِ ﴿۱۱۷﴾

و[بخاطرآورید]وقتیکه خدا گفت، ای عیسیٰ ابن مریم! آیا به مردم گفته بودی که من و مادرم را جز خدا دو معبود بگیرید؟ [عیسیٰ] گوید، توپاکی. برایم غیرممکن بود که سخنی میگفتم که به آن برایم حقی نیست.اگر آنرا گفته بودم پس حتمًاتو آنرا میدانستی تو میدانی آنچه در دلم است و

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِي بِهِۦٓ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۖ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٨﴾

من نمیدانم آنچه در دل تواست. یقینًا تو که به همه رازها نیك دانائی(۱۱۷)++

من برای آنان چیزی نگفتم جزآن چه مرا امرکرده بودی که خدا را عبادتکنیدکه پروردگارم و پروردگارتان است و مراقب بودم بر آنان تا دمیکه در آنان بودم. پس گامیکه مرا وفات دادی بس توبر آنان مراقب بودی و تو برهرچیز گواه هستی(۱۱۸)++

++آیت۱۱۷ :سخن ازاین موضوع میرود که روزقیامت حضرت عیسیٰ گویند که هیچگاه من بمردم این آموزش نداده بودم که من و مادرم را جز خدا به معبودیت برگزینید. این امر از بایبل نیز ثابت است و در انجیل حتیّ یك آیت هم نیست که در آن حضرت مسیح گفته باشند که من و مادرم را جز خدا معبود بسازید. بلکه بعکس چون شیطان ایشان را بطور آزمایش گفت که مرا سجده کن بازهم ایشان به او نگفتند که باید تو مرا سجده کنی.

++آیت۱۱۸ :روز قیامت از این بیان حضرت مسیح که تا آنگاه که من میان آنان بودم چیزی جز آن نگفتم که به من گفتی روشن میسازد که تا وقتیکه حضرت مسیح درمیان ایشان در فلسطین بودند هیچگاه ایشان آنانرا برای پرستش خود نیآموختند اما چون از آنجامجرت کردند بعدمابخشیازقومش که پیشوای آنان سنت پال بود حضرت مسیح را معبود برگزیدند.

إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ ۚ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٩﴾

اگرعذابشان کنی بازهم آنان بندگان تویند واگر برای آنان بیآمرزی پس یقیناً توصاحب غلبه کامل صاحب حکمت ای(١١٩)++

قَالَ اللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ ۚ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢٠﴾

خداوند گفت، این روزی است که راستگویان را راستگوئی ایشان سود میدهد.آنان را باغهای است که دردامنه آنها نهرهای روانست. ایشان در آنها جاویدانند.خدا از آنان خوشنود شد و آنان از او خوشنودشدند.این پیروزیبسیار بزرگ است(١٢٠)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢١﴾ ع

پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنها است ازآن خدا است و او به هر چیز مدام قدرتمند است(١٢١)

++آیت ١١٩ :حضرت مسیح علیه السلام از روی این آیة با حکمت بزرگ درحق گناهکاران دعای آمرزش کرده اند که اگر تو آنان را عذاب کنی بندگان توینند و اگر بیآمرزی تو صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت هستی.

# ۶ - سورة الانعام

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۶۶ آیت دارد.

آخرین آیت سورة گذشته حاکی از این امر بود که هرچه در تمام جهانها و درمیان آنها است را مالك خدای متعال است و در آغاز این سورة مجدداً این ذکر باوضاحت بیشتر و شأن والاتر بدین ترتیب شده است که ستایش مخصوص برای آن خدای متعال به تنهائی است که آفریدگار زمین و آسمان است و برای پی بردن کنه وجودآنهاباوجودحائل بودن تاریکیهای گوناگون آن نور فراست نیزاعطاء کرده شد که بوسیله اش آن تاریکیها پیوسته دورخواهد شد. پس پیشرفت علمی امروز پرده ای را از تاریکیهای آفرینش زمین و آسمان به طریقی برداشته است که پیوسته انسان را علمی بیشتراز کُنه وجود آنها و مافیها، بدست میرسد و هریك تاریکی به نور تبدیل میشود. بطوریکه درآغاز ذکر از دور شدن تاریکیهای آسمان یافت میشود همانطور ذکر از تبدیل شدن تاریکیهای دشت و دریا به نور نیز یافت می شود. ضمناً از آسمانها عذابها نیز برانسانها بعلت تاریکیهای درونی ایشان، نازل میشود. آیت ۶۶ این سورة عبارت از این موضوع میباشد.

یکسو پژوهشگران علم اند که تاریکیهای آسمان و زمین در نتیجه پژوهش ایشان تبدیل به نور کرده میشود و از سوی دیگر آن بندگان بزرگ خداوند مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگرانند که خداوند ایشان را ملکوت زمین و آسمان نشان میدهد و نور آسمانی بر ایشان میبارد بطوری که در آیت ۷۶ ذکر میشود.

در این سورة پیوسته ذکر از پیغمبران و نازل شدن کتابها و نور هدایت برایشان، یافت میشود. بعلاوه دراین سورة دانه های سربسته و هسته های را شکافته ازتاریکیهای آنهاجوانه زدن درختانی سرسبز را ذکر است. بر همین منوال ستارگان را ذکر است که چگونه آنها تاریکیهای دشت و دریا را دور کرده موجب رهنمائی مسافران میشوند.

در رکوع این سورة که با آیت ردیف ۹٦ میآغازد آیتی بزرگ عبارت از این موضوع است که ازسبزه، دانه های رویهم چیده میرستد و باز میوه های میروئید. بایدبر فرایند رسیدن این میوه ها فکرکرد. کسانی را که به آیتهای خداوند مؤمن اند در این نشانه های بیشمار است.

ضمناً سبزه از کلوروفِل [CHLOROPHYLL] نمو میکند. این امر نشانه ای بزرگ است. پژوهندگان علم را در این هیچ عمل ارتقائی دیده نمیشود. این یك ماده شیمی است که از هرکدام ماده شیمی دیگر پیچیده تر است و بمحض آغاز زندگی ضرورت از کلوروفل پیش میآید که انسان از آن بوجود آمد.آنگاه کلوروفل کدام مراحل را عبورداده بوجودآمد، این مسئله هنوز هم لاینحل است. خصوصاً قابل توجه این امر است که کلوروفل حیات را از نور میسازد و نه از آتش. همان موضوع نور که آن کدامین انقلابات را در زمین و آسمان بوجود آورد، درپایان این سورة، به اوج خود میرسد.

این سورة حاکیازچنین توهمات فرسوده ازمشرکان است که مربوط به "انعام" یعنی دامهای است. خدای متعآل آنها را موجب استواری زندگانی مردم قرارداد ولی آنان تمامی سخنان پرحکمت نسبت به دامها را بعلت رسم های مشرکانه ضایع دادند.

در پایان این سورة توضیح ازحلال وحرام بودن نه تنها در تعلق دامها داده میشود بلکه سخنان ازجهت حرام وحلال بودن امور اخلاقی نیز بیان شده است.به بیان دیگر همراه با حلال و حرام بودن غذاهای جسمانی ذکر از حلال و حرام بودن غذاهای روحانی نیز رفته است. علاوه برآن تعلیم از نشان دادن حسن عمل را درحق والدین که برای فرزندان خود متحمل به زحماتی طاقت فرسا میشوند، آموخته میشود.

منتها، درپایان این سورة چنین آیتی است که فرمانبردار بودن آنحضرت ﷺ را برای پروردگارخود با آن کمال ذکر میکند که ذکر کردن بهتر از آن امکان ندارد و در تمامی کتابهای آسمانی ، آیتی عبارت از این موضوع یافت نمیشود. آنحضرت ﷺ فرمان میشوند که اعلام کنند، نمازهایم و قربانیهایم همه آنها، نه تنها از دامهای چهارپا بلکه قربانیهای احساسات قلبی، زندگانیم و مرگم خالصةً برای خدای من وا گذار شده است.

☆ سُوْرَةُ الاَنْعَامِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ سِتٌّ وَّ سِتُّوْنَ ايَةً وَّ عِشْرُوْنَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّوْرَ ۬ ثُمَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ②

ستایش مطلق برای خدا است آنکه آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیهاونورها پدیدآورد. بازهم کسانیکه کفر کردند به پروردگار خود شرک میورزند(۲)

هُوَ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ مِّنْ طِيْنٍ ثُمَّ قَضٰٓى اَجَلًا ؕ وَاَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهٗ ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُوْنَ ③

او است آنکه شمارا از گِل آفرید سپس نهایت زمانی راتعیین کرد و[علم] نهایت زمانی معیّن نزد او است بازهم شمادودلی‌کنید(۳)++

وَهُوَ اللّٰهُ فِی السَّمٰوٰتِ وَفِی الْاَرْضِ ؕ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُوْنَ ④

و همان خدااست درآسمانها و در زمین.اومیدأند نهان شمارا وعیان شمارا و میداندآنچه میکنید(٤)

++آیت۳: ازکلمه "اجل" مرگ تصادفی یامرگ ازبیماری منظوراست که میتوان قبل از آن مدت معین پیش آیدکه برای‌عمرعادی‌امکان پذیراست. مثلاًانسان هم برای صنائع خود اجل مسمی مقرر میکند مثلاً فلان فلان پل حداکثر برای فلان مدت درست کار میکندو ازآن پس خراب کرده شود ولی تصادفاً میتوان زودتر از اجل مسمی[مدت معین] از بین برود.

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝٥

وآنان را هیچ آیتی از آیتهای پروردگار آنان نمیآید مگر ازآن اعراض کنندگانند(۵)

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝٦

پس آنان تکذیب کردند بحق هر گاه آنانرا آمد.پس بزودی آنانرا خبرهای[تکمیل]آن[سخن]برسد که به آن استهزاء میکردند(۶)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝٧

آیاندیدند که چه بساقومهای پیش از آنان را هلاك نمودیم که آنان را آن قدرت در زمین داده بودیم که چنان قدرت بشمانداده ایم و بر آنها ابرها، بارانی ریزه ریز باریده فرستادیم ونهرهای‌ساختیم که به تصرف آنها روان بود. سپس آنان را بعلت گناهان آنها هلاك نمودیم وپس ازآنان دیگرقومهای را رشدونمو دادیم(۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝٨

و اگرکتابی نوشته درکاغذ بر تو نازل میکردیم بازآنرا با دستهای خودلمس میکردندحتماًآنهاکه کفر کردند میگفتند، این فقط جادوئی

وَقَالُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ؕ وَلَوْ اَنْزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْاَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُوْنَ ﴿۸﴾

آشکار است(۸)

و گویندچرافرشتهٔ براو نازل نه کرده شد؟بگواگر فرشتهٔ را نازل میکردیم حتمًا کارگذرانیده میشد آنموقع آنها هیچ فرصتی داده نمی شدند(۹)

وَلَوْ جَعَلْنٰهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنٰهُ رَجُلًا وَّلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَّا يَلْبِسُوْنَ ﴿۹﴾

و اگراین[رسول] را فرشتهٔ ی بر میگزیدیم [بازهم] حتمًا او را [به شکل]آدمی برمیگزیدیم و امر را بر آنها مشتبه میداشتیم آنچه را [حالا] مشتبه میپندارند(۱۰)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِيْنَ سَخِرُوْا مِنْهُمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿۱۰﴾ ع ۱۱ ۷

ویقینًا پیش از تومم به پیغمبران تمسخرشد.پس آنانراکه به ایشان تمسخرکردند آن [سخن]فراگرفت که به آن تمسخرمیکردند(۱۱)

قُلْ سِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ ﴿۱۱﴾

بگو، سیرکنید در زمین سپس بنگرید فرجام مکذبان چطور[بد] بود(۱۲)

قُلْ لِّمَنْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ قُلْ لِّلّٰهِ ؕ كَتَبَ عَلٰى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ؕ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ؕ

بگو ازآن کیست آنچه در آسمانها و زمین است؟ بگو ازآن خدا است. او رحمت را برخود فرض

اَلَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٣﴾

کرده است و حتمًا شمارا تا روز قیامت گردآورد درچه شکی‌نیست و کسانیکه بخویشتن زیان دادند پس آنهاایمان نخواهند آورد(١٣)

وَلَهٗ مَا سَكَنَ فِي الَّيْلِ وَالنَّهَارِ ؕ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿١٤﴾

و ازآن او است آنچه در شب و روزساکن شود و اوبسیار شنوای دانا است(١٤)

قُلْ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ؕ قُلْ اِنِّيْٓ اُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١٥﴾

بگو،آیابغیرازخداکه ابداع کننده آفرینش آسمانهاوزمین است کسی دیگررادوست بگیرم؟ درحالیکه اومیخوراند وخورانیده نمیشود. بگویقینًامن فرمان شده ام که اولین هر آنکس باشم که ایمان آوردوهرگزازمشرکان مباش(١٥)

قُلْ اِنِّيْٓ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٦﴾

بگواگرپروردگارخودرانافرمانی کنم یقینًامن ازعذاب روزی‌بزرگ میترسم(١٦)

مَنْ يُّصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهٗ ؕ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ ﴿١٧﴾

کسیکه آنروز [عذاب] از او برگردانده شودآنگاه یقینًا او بر اوترحم کرد واین پیروزی‌آشکار است(١٧)

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨﴾

و اگرخدا بتو زیان برساند پس نیست آنرا دورکننده ای جزاو و اگراو توراخیری‌رساندپس او بر هرچیز مدام قدرتمند است(۱۸)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٩﴾

و او بربندگان خود باشأن جلالی غالب است و او صاحب حکمت مدام آگاه است(۱۹)

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُل لَّا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٢٠﴾

بپرس،کدام سخن بزرگتر گواهی است؟ بگو: خدا بین من و بین شما گواه است واین قرآن بسوی من وحی‌شده است تا باآن مشدار دهم به شما و مرکس را که این برسد. آیا شما حتماً گواهی می دهید که جزخدا معبودانی دیگر مستند؟ بگو، من گواهی نمیدهم بگو:یقیناًفقط اومعبودیگانهٔ است و یقیناً من برکنار ام از آنچه شما شرک میورزید(۲۰)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ ۘ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢١﴾

کسانیکه ما به ایشان کتاب دادیم آنرا میشناسند بطوریکه فرزندان خود را میشناسند. آنانکه خود را

به خسارت انداختند پس آنها ایمان نیآرند(۲۱)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾

وکیست ستمکارتر ازآنکس که بر خدا دروغ بربافت یا به آیتهای او تکذیب کرد. یقیناً ستمکاران موفق نمیشوند(۲۲)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾

و روزیکه جمیع آنهارا جمع کنیم بازآنهاکه شرك ورزیدند راگوئیم کجا اند شریکان شما که شماآنان را[شریك خدا]میپنداشتید؟(۲۳)

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾

سپس هیچ فتنه آنهاباقی نماندجز اینکه گویند،سوگند به خدای ما که پروردگارما است هرگز ما مشرکان نبودیم(۲٤)

انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ۚ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

نگاه کن چگونه خلاف خود دروغ گویند و آنچه برمیبافتند از آنها گم گردد(۲۵)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ

و از آنان کسانیند که گوش به تو فرا میدهند درحالیکه بر دلهای آنان پردهٔ افکنده ایم [بعلت آن ممکن نیست] که آنرا درك کنند و

لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتّٰى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۲۶﴾

درگوشهای آنان سنگینی است و اگر نشانهٔ تمامتر هم مشاهده کنند به آن ایمان نیآورند [بیباك اند] تا آن انتها که چون نزد تو آیند به تو محاجه کنند. کسانیکه کفر کردند گویند این فقط داستانهای پیشینیان است(۲۶)

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۲۷﴾

و آنان از آن باز میدارند و هم [خودشان]ازآن دوری میجویند و نیستندهلاك کنندگان جزخودشان را و درك نمیکنند(۲۷)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۸﴾

وکاش میدیدیچون برآتش [کمی] نگه داشته شوند پس گویند ای کاشکی بازگردانیده شویم و به آیتهای پروردگارخود تکذیب نه کنیم و از مومنان بشویم(۲۸)

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۲۹﴾

حقیقت اینست که برای آنان پدیدار شده است آنچه قبلاًپنهان میداشتند. اگرچه برگشت داده شوند حتماً آنرا تکرار کنند که ازآن نهی شده بودند و حتماً آنها

دروغگویانند(۲۹)

وَقَالُوٓا اِنۡ هِیَ اِلَّا حَیَاتُنَا الدُّنۡیَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوۡثِیۡنَ ﴿۳۰﴾

و گویند،نیست این [زندگانی]جز زندگانی این دنیای ما و مرگز ما برخیزانده نشویم(۳۰)

وَلَوۡ تَرٰٓی اِذۡ وُقِفُوۡا عَلٰی رَبِّهِمۡ ؕ قَالَ اَلَیۡسَ هٰذَا بِالۡحَقِّ ؕ قَالُوۡا بَلٰی وَرَبِّنَا ؕ قَالَ فَذُوۡقُوا الۡعَذَابَ بِمَا كُنۡتُمۡ تَكۡفُرُوۡنَ ﴿۳۱﴾ ع

و کاش! میتوانستی بنگری چون روبروی پروردگارخود بازداشته شوند. [خدا] گوید، آیا این حق نیست؟ گویند، بلی سوگند به پروردگار ما [این حق است]. او گوید ، پس عذاب را بچشید چه شما انکار میکردید(۳۱)

قَدۡ خَسِرَ الَّذِیۡنَ كَذَّبُوۡا بِلِقَآءِ اللّٰهِ ؕ حَتّٰٓی اِذَا جَآءَتۡهُمُ السَّاعَةُ بَغۡتَةً قَالُوۡا یٰحَسۡرَتَنَا عَلٰی مَا فَرَّطۡنَا فِیۡهَا ۙ وَهُمۡ یَحۡمِلُوۡنَ اَوۡزَارَهُمۡ عَلٰی ظُهُوۡرِهِمۡ ؕ اَلَا سَآءَ مَا یَزِرُوۡنَ ﴿۳۲﴾

یقیناً زیان کردند آنها که بملاقات خداانکارکردند تا آنگاه که چون ساعت آنهارا ناگهان آمد گفتند: وانفسا! برآن کوتاهی که دراین میکردیم و آنهابارخود رابرپشت های‌خود بردارند. باش! چه زشت است آنچه بردارند(۳۲)

وَمَا الۡحَیٰوةُ الدُّنۡیَآ اِلَّا لَعِبٌ وَّلَهۡوٌ ؕ وَلَلدَّارُ الۡاٰخِرَةُ خَیۡرٌ لِّلَّذِیۡنَ یَتَّقُوۡنَ ؕ

و زندگانی دنیا بازی و سرگرمی محض برای تکمیل خواهشهای نفسانی طریقی است که از برتر

اَفَلَاتَعْقِلُوْنَ﴿۳۲﴾

هدف زندگانی بازدارد و خانه آخرت برای آنانکه تقویٰ پیش گیرند بهتر است. پس آیا عقل نمی کنند؟(۳۲)

قَدْنَعْلَمُ اِنَّهٗ لَيَحْزُنُكَ الَّذِىْ يَقُوْلُوْنَ فَاِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُوْنَكَ وَلٰكِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ﴿۳۳﴾

البته ماميدانيم آنچه ميگويند تو را اندوه گين مينمايد. پس در حقيقت آنهانه تنهابتوتكذيب كنند بلكه ستمكاران به آيتهاى خدا انكار كنند(۳۳)

وَلَقَدْكُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوْا عَلٰى مَا كُذِّبُوْا وَاُوْذُوْا حَتّٰٓى اَتٰـهُمْ نَصْرُنَا ۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ۚ وَلَقَدْ جَآءَكَ مِنْ نَّبَاِى الْمُرْسَلِيْنَ﴿۳۴﴾

و يقيناً رسولانى پيش ازتوهم تكذيب شدند. پس ايشان صبر كردند برآنچه تكذيب كرده و آزاريده شدند تا آنگاه كه ايشان رايارى ما رسيدوكلمات خدا را كسى‌تغييردهنده نيست و يقيناًتو را خبرهاى آن رسولان آمده است(۳۴)

وَاِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ اِعْرَاضُهُمْ فَاِنِ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَبْتَغِىَ نَفَقًا فِى الْاَرْضِ اَوْسُلَّمًا فِى السَّمَآءِ فَتَاْتِيَهُمْ بِاٰيَةٍ ؕ وَلَوْ

و اگراعراض كردن آنان تورا گران گذرد پس اگر ميتوانى تلاش كن سوراخى در زمين يا نردبانى‌درآسمان پس[بوسيله آن]

شَآءَ اللّٰهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدٰى فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ ﴿٣٦﴾

اِنَّمَا يَسْتَجِيْبُ الَّذِيْنَ يَسْمَعُوْنَ ؕ وَالْمَوْتٰى يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ ثُمَّ اِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ ﴿٣٧﴾

وَقَالُوْا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ قَادِرٌ عَلٰٓى اَنْ يُّنَزِّلَ اٰيَةً وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٨﴾

وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِى الْاَرْضِ وَلَا طٰٓئِرٍ يَّطِيْرُ بِجَنَاحَيْهِ اِلَّآ اُمَمٌ اَمْثَالُكُمْ ؕ مَا فَرَّطْنَا فِى الْكِتٰبِ مِنْ شَیْءٍ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمْ يُحْشَرُوْنَ ﴿٣٩﴾

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا صُمٌّ وَّبُكْمٌ فِى الظُّلُمٰتِ ؕ مَنْ يَّشَاِ اللّٰهُ يُضْلِلْهُ ؕ وَمَنْ يَّشَاْ يَجْعَلْهُ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٤٠﴾

آنانرا آیتی را بیآر. و اگر خدا دوست داشت حتماً جمع آنها را بر هدایت گرد میآورد. پس از ناآگاهان مباش(۳۶)

تنهاآنان لبیك گویندكه گوش فرا دهند و خدا مردگان را برخیزاند بازبسوی‌اوبرگردانده شوند(۳۷)

وگویندچراآیتی‌براوازپروردگار اوفرونفرستاده شد؟بگویقیناًخدا تواناست براینكه آیتی‌بزرگ فرو آردولی‌بیشترآنان ندانند(۳۸)

ونیست جنبندهٔ ی درزمین ونه پرندهٔ كه [درآسمان] با دو بال خود پروازكند مگر ملتهای مانند شما اند. ما در كتاب چیزی فرو نگذاشه ایم.منتهابسوی پروردگار خودمحشوركرده شوند(۳۹)

و كسانیكه به آیتهای ما تكذیب كردند درتاریكیها[سرگردان] كر و گنگ اند. خدا هركه راخواهد گمراه میگرداند وهركه را خواهد

قُلْ اَرَءَيْتَكُمْ اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ اَوْ اَتَتْكُمُ السَّاعَةُ اَغَيْرَ اللّٰهِ تَدْعُوْنَ ۚ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿۴۱﴾

بگو: آیا انگاشتید که اگر شما را عذاب خدا بیآید یا بیآید شما را ساعت سختی آیا خواهید خواند کسی را بغیر از خدا؟ اگر شما راستگویانید(۴۱)

بَلْ اِيَّاهُ تَدْعُوْنَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُوْنَ اِلَيْهِ اِنْ شَآءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُوْنَ ﴿۴۲﴾ ع

[نخیر] بلکه او را خواهیدخواند. آنگاه او اگر بخواهد دور کند آن [سختی] را که بسوی آن [او را برای‌یاری] میخوانید و فراموش کنید آنچه شرك میورزید(۴۲)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَآ اِلٰٓى اُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَاَخَذْنٰهُمْ بِالْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُوْنَ ﴿۴۳﴾

و یقینًابسوی بساملتها قبل از تو [رسولان]فرستادیم.پس آنانراگاه بسختی‌وگاه بتنگی‌گرفتیم تاباشد که تضرع کنند(۴۳)

فَلَوْلَآ اِذْ جَآءَهُمْ بَاْسُنَا تَضَرَّعُوْا وَلٰكِنْ قَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۴۴﴾

پس چرا هنگامیکه آنانرا سختی ما رسید به زاری نیفتادند.اما دل های آنان سفت شده بود و شیطان برای آنان مزین ساخت آنچه میکردند(۴۴)

فَلَمَّا نَسُوْا مَا ذُكِّرُوْا بِهٖ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ

پس هرگاه فراموش کردند آنچه

اَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى اِذَا فَرِحُوْا بِمَآ اُوْتُوْٓا اَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً فَاِذَا هُمْ مُّبْلِسُوْنَ ﴿٤٥﴾

را كه به آن بشدت تذكر داده شده بودند پس دربهاى هرچيز را بر آنها باز نموديم تا آن انتها كه چون آنهابه آنچه اعطا شده بودند فرحناك شدند ناگهان آنها را بگرفتيم پس فوراً آنها نوميد شدند(٤٥)

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٦﴾

پس ريشه قوميكه ستم ميكردند بركنده شد و ستايش مطلق براى پروردگار همه جهانهايست(٤٦)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَخَذَ اللّٰهُ سَمْعَكُمْ وَاَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلٰى قُلُوْبِكُمْ مَّنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَاْتِيْكُمْ بِهٖ اُنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُوْنَ ﴿٤٧﴾

بگوآياانگاشتيد.خدااگر برگيرد شنوائى شما و بينائى شما و بر دلهايتان مهرنهدكدام معبود است جزخداكه آن [نيرو] رابشما [باز] بيآرد. نگاه كن چطور آيتها را چرخانده بيان ميكنيم بازهم آنها روگردانى ميكنند(٤٧)

قُلْ اَرَءَيْتَكُمْ اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ بَغْتَةً اَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ اِلَّا الْقَوْمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٤٨﴾

بگو.آيا انگاشتيد. اگرعذاب خدا شمارا ناگهان بيآيد ياآشكارا آيا كسى [ديگر] هلاك جز قوم ستم گران كرده شود(٤٨)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ فَمَنْ اٰمَنَ وَاَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۴۹﴾

ومانمی فرستیم رسولان را مگر مژده دهندگان وبیمدهندگانند پس آنکه ایمان آورد واصلاح کندآنگاه نه آنان در بیم باشند و نه آنان اندوه خورند(۴۹)

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿۵۰﴾

وآنانکه آیات مارا تکذیب کردند به آنها عذاب میرسد بدانعلت که داشتند زشتکاریها میکردند(۵۰)

قُلْ لَّآ اَقُوْلُ لَكُمْ عِنْدِيْ خَزَآئِنُ اللّٰهِ وَلَآ اَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ اَقُوْلُ لَكُمْ اِنِّيْ مَلَكٌ ۚ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰٓى اِلَيَّ ؕ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ؕ اَفَلَا تَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۵۱﴾ ع

بگو:نمیگویم بشما نزدم گنجهای خدااست ونه غیب را دانم و نمی گویم به شما که من فرشتهٔ ی ام ـ پیروی نمیکنم جز آنچه را که به سوی من وحی کرده میشود. بگو آیا کور و بینا یکسانند؟ پس آیا تفکر نمی کنید؟(۵۱)

وَاَنْذِرْ بِهِ الَّذِيْنَ يَخَافُوْنَ اَنْ يُّحْشَرُوْٓا اِلٰى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ وَلِيٌّ وَّلَا شَفِيْعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ﴿۵۲﴾

و بوسیله این[قرآن] هشدار بده ایشان را که میترسند که بسوی پروردگارخودمحشورکرده شوند. آنانرا جز این [قرآن] نکسی وَلی است ونه شفاعت کننده ـ تا باشد که تقویٰ پیش گیرند(۵۲)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوٰةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

و طرد مکن آنان را که صبحگاهان و شامگاه پروردگارخود را در تلاش خوشنودی اومیخوانند.هیچ ازحساب آنان بر تونیست و نه ازحساب توبرآنانست.اگر [با این وجود] آنانرا طرد کنی پس از ستمکاران شوی(۵۲)

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓا أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّٰكِرِينَ ﴿٥٤﴾

و اینگونه بعضی از آنان را به بعضی‌آزمایش میکنیم تا میگویند. آیا[بس]آنانندازمیان ماکه خدا بر آنهامنت نهاده است؟آیاخداداناتر به سپاسداران نیست؟(٥٤)

وَإِذَا جَآءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٥﴾

وچون نزدتوآیندکسانیکه به آیات ما ایمان میآرند پس بگو سلام بر شما.پروردگارشمارحمت را[برای شما]برذات خودفرض نموده است [یعنی]کسی از شما که بدی از او به نادانی سرزند سپس توبه کند و اصلاح نماید آنگاه یقیناً او بسیار آمرزندهٔ بارهارحم کننده است(۵۵)

وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ وَلِتَسْتَبِيْنَ سَبِيْلُ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿۵۶﴾

و اینطور آیتها را تفصیل دهیم و [اینست] تا راه مجرمان آشکار گردد(۵۶)

قُلْ اِنِّيْ نُهِيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ قُلْ لَّآ اَتَّبِعُ اَهْوَآءَكُمْ ۙ قَدْ ضَلَلْتُ اِذًا وَّمَآ اَنَا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ ﴿۵۷﴾

بگو یقینًا نهی شده ام تا عبادت کنم آنهائی‌راکه جزخدامیخوانید. بگو هرگزتقلید از هوای نفسانی شما نکنم [الا]حتمأبیدرنگ گمراه میشوم و من از هدایت یافتگان نباشم(۵۷)

قُلْ اِنِّيْ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَكَذَّبْتُمْ بِهٖ ؕ مَا عِنْدِيْ مَا تَسْتَعْجِلُوْنَ بِهٖ ؕ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ ؕ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفٰصِلِيْنَ ﴿۵۸﴾

بگو.یقینًا من ازپروردگارخودبر دلیلی روشن استوارم و شما آن را رد کرده اید. نیست بدست من آنچه برای آن تعجیل کنید.داوری فقط بدست خدااست. او سراینده حق است و او بهترین داوران است(۵۸)

قُلْ لَّوْ اَنَّ عِنْدِيْ مَا تَسْتَعْجِلُوْنَ بِهٖ لَقُضِيَ الْاَمْرُ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿۵۹﴾

بگو اگر بدست من بود آنچه به آن تعجیل میکنید حتمًا کار میان من و شما گذرانیده میشد و خدا داناتر به ستمکاران است(۵۹)

وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ اِلَّا

و کلیدهای غیب نزد اوست. آنها

هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمٰتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَّلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾

راجزاوکسی نمیداند و او میداند آنچه دردشت و دریااست و برگی فرو نمیریزد مگر او آنرا میداند ودانه ای‌درتاریکیهای‌زمین [نهان] نیست و نه چیزی تر و نه خشک مگر در کتابی آشکار [مذکور] است(٦٠)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفّٰكُمْ بِالَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضٰى أَجَلٌ مُّسَمًّى ۚ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦١﴾ ع

و اواست آنکه شمارا در شب [بصورت خواب]وفات میدهدو می داندآنچه در روزکردید.سپس شما را درآن[بگاه روز]برمیخیزاند تا نهایت زمانی معیّن [شما] بپایان برده شود. سپس بازگشت شما به سوی اواست. سپس شمارا آگاه سازد به آنچه میکردید(٦١)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً ۚ حَتّٰى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦٢﴾

و او بربندگان خود باشأن جلالی غالب است و برشما نگهبانان می فرستد تا آن نهایت که چون به کسی‌ازشمامرگ برسدفرستادگان مااوراوفات میدهند و ایشان هیچ پهلوی را فرو نمیگذارند(٦٢)

ثُمَّ رُدُّوٓا اِلَى اللّٰهِ مَوْلٰىهُمُ الْحَقِّ ۭ اَلَا لَهُ الْحُكْمُ ۣ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحٰسِبِيْنَ ﴿٦٢﴾

سپس بسوی خدا که مولای حق ایشان است برگردانیده شوند. باش! فرمان از آن اوست و او زود ترین حساب گیرندگانست(٦٢)

قُلْ مَنْ يُّنَجِّيْكُمْ مِّنْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُوْنَهٗ تَضَرُّعًا وَّ خُفْيَةً ۚ لَئِنْ اَنْجٰنَا مِنْ هٰذِهٖ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿٦٣﴾

بگو کیست که شما را از تاریکی های دشت و دریا نجات میدهد - او را بزاری و پنهانی میخوانید که اگر مارا ازاین [سختی] نجات دهد حتمًا ماازسپاسگذاران شویم(٦٤)

قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ ﴿٦٤﴾

بگوخدا است که شما را از آن و ازهراندوهی نجات میدهد.بازهم شما شرک میآورید(٦٥)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰٓى اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِكُمْ اَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَّ يُذِيْقَ بَعْضَكُمْ بَاْسَ بَعْضٍ ۭ اُنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُوْنَ ﴿٦٥﴾

بگواو قدرتمنداست که عذاب را برشماازفوق شمایا اززیر پایهای شمابفرستدیا شمارا به شك مبتلا کرده گروه گروه بسازد و بعضی را از شما سختی ازجانب بعضی بچشاند. بنگر دلایل را چطور تغییرداده بیان کنیم تا باشد که بفهمند(٦٦)

وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ؕ قُلْ لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيْلٍ ؕ﴿۶۷﴾

و قوم تو آنرا تکذیب کرده اند درحالیکه آن حق است.بگومن بر شما نگهبان نیستم(۶۷)

لِكُلِّ نَبَاٍ مُّسْتَقَرٌّ ۫ وَّسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۶۸﴾

هرپیشگوئی‌رانهایت زمان وجای گاه معین است و زودبدانید(۶۸)

وَاِذَا رَاَيْتَ الَّذِيْنَ يَخُوْضُوْنَ فِيْۤ اٰيٰتِنَا فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِيْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖ ؕ وَاِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطٰنُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرٰى مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۶۹﴾

و چون بینی آنها راکه به آیتهای ماریشخندکنندپس اعراض کن از آنهاتا حرف بغیرازآن بزنندواگر شیطان از یاد تو ببرد پس بعداز بیادآمدن مرگز بامردم ستمگران منشین(۶۹)++

وَمَا عَلَى الَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَّلٰكِنْ ذِكْرٰى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ﴿۷۰﴾

و نیست چیزی ازحساب آنها بر ایشان که تقویٰ فراگیرند.اما این تذکر است تا آنان تقوی را فرا گیرند(۷۰)

وَذَرِ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنَهُمْ لَعِبًا وَّلَهْوًا وَّغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهٖۤ اَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ ۖ لَيْسَ لَهَا مِنْ

وبگذارید آنانرا که دین خود را بازی وهزل گرفته اند وزندگانی دنیا آنهارافریبداد و بوسیله این [قرآن]آنان راتذکربده مبادا کسی

++آیت ۶۹:منظوراین نیست که برای همیشه ازآنها قطع رابطه کنید بلکه نباید باآنها بنشینید تاآنگاه که از این عمل زشت خود داری نکنند.

دُوْنِ اللّٰهِ وَلِیٌّ وَّلَا شَفِیْعٌ ۚ وَاِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا یُؤْخَذْ مِنْهَا ؕ اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ اُبْسِلُوْا بِمَا كَسَبُوْا ۚ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِیْمٍ وَّعَذَابٌ اَلِیْمٌۢ بِمَا كَانُوْا یَكْفُرُوْنَ ﴿۷۱﴾

هلاك شودبدآنچه بدست آوردحال آنکه نه اورایاری‌است ونه شفاعت گری‌مگرخداواگربجای‌خودهر یك بدلی متقابل هم دهد از او گرفته نشود.همانهاندکه هلاك کرده شدند بدآنچه بدست آوردند و آنان را نوشیدنی از آب جوشان و عذابی دردناکست چه کفر میکردند(۷۱)

قُلْ اَنَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا یَنْفَعُنَا وَلَا یَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلٰٓی اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰىنَا اللّٰهُ كَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّیٰطِیْنُ فِی الْاَرْضِ حَیْرَانَ ۪ لَهٗٓ اَصْحٰبٌ یَّدْعُوْنَهٗٓ اِلَی الْهُدَی ائْتِنَا ؕ قُلْ اِنَّ هُدَی اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰی ؕ وَاُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِیْنَ ﴿۷۲﴾

بگوآیابخوانیم آنچه راجزخداکه نه مارا سودمیدهد ونه مارا زیان میزند و برپاشنه های خود باز گردیم پس ازآنکه خدا بما هدایت داد مانند آنکس که شیطانها او را فریب داده در زمین سرگردان ساخته اند؟او رایارانی باشند که به سوی هدایت فراخوانند که بیآ نزدما.بگو:همانا هدایت آنست که هدایت خدائی باشد و ما امرشده ایم که برای پروردگارهمه جهانها تسلیم شویم(۷۲)

وَاَنْ اَقِیْمُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّقُوْهُ ؕ وَهُوَ الَّذِیْٓ

و اینکه نماز را بپای دارید و او

اِلَيۡهِ تُحۡشَرُوۡنَ ﴿۷۳﴾

را تقوی اختیار کنید و او است آنکه بسوی او محشور کرده شوید(۷۳)

وَهُوَ الَّذِىۡ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضَ بِالۡحَقِّ ؕ وَيَوۡمَ يَقُوۡلُ كُنۡ فَيَكُوۡنُ ؕ قَوۡلُهُ الۡحَـقُّ ؕ وَلَهُ الۡمُلۡكُ يَوۡمَ يُنۡفَخُ فِى الصُّوۡرِ ؕ عٰلِمُ الۡغَيۡبِ وَالشَّهَادَةِ ؕ وَهُوَ الۡحَكِيۡمُ الۡخَبِيۡرُ ﴿۷۴﴾

و او است آنکه آسمانها و زمین را بحق آفرید و روزیکه گوید بأش آنگاه آن رو نهدو منتها بشود. سخن او حق است و روزی که در صور دمیده شود پادشاهی ازآن اواست.اونهان وعیان رادانا است و او صاحب حکمت مدام آگاه است(۷٤)

وَاِذۡ قَالَ اِبۡرٰهِيۡمُ لِاَبِيۡهِ اٰزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصۡنَامًا اٰلِهَةً ۚ اِنِّىۡۤ اَرٰٮكَ وَقَوۡمَكَ فِىۡ ضَلٰلٍ مُّبِيۡنٍ ﴿۷۵﴾

و [بیاد آر] هنگامیکه ابراهیم به پدر خود آزر گفت،آیا بتان را بمعبودیت گرفته ای؟براستی من تو و قوم تورا در گمراهی آشکار میبینم(۷۵)

وَكَذٰلِكَ نُرِىۡۤ اِبۡرٰهِيۡمَ مَلَـكُوۡتَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ وَلِيَكُوۡنَ مِنَ الۡمُوۡقِنِيۡنَ ﴿۷۶﴾

و اینگونه ما [حقیقت] پادشاهی آسمانهاوزمین را به ابراهیم نشان میدادیم تا او از یقین کنندگان باشد(۷٦)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيۡهِ الَّيۡلُ رَاٰ كَوۡكَبًا ۚ قَالَ

پس چون تاریکیشب اوراا حاطه

هٰذَا رَبِّيْ ۚ فَلَمَّآ اَفَلَ قَالَ لَآ اُحِبُّ الْاٰفِلِيْنَ ﴿۷۷﴾

کرد او ستاره ای دید و گفت: [گویی] این پروردگارم است. پس چون آن فرو رفت،گفت: من فرورفتگانرادوست ندارم(۷۷)+

فَلَمَّا رَاَ الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هٰذَا رَبِّيْ ۚ فَلَمَّآ اَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَّمْ يَهْدِنِيْ رَبِّيْ لَاَكُوْنَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّآلِّيْنَ ﴿۷۸﴾

پس چون اوماه تابان رادیدگفت: [گویی]این پروردگارم است پس وقتیآنهم فرونشت گفت،اگرپرور-ـ دگارم مرا هدایت نمیکرد حتماً ازگروه گمراهانان میشدم(۷۸)+

فَلَمَّا رَاَ الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هٰذَا رَبِّيْ هٰذَآ اَكْبَرُ ۚ فَلَمَّآ اَفَلَتْ قَالَ يٰقَوْمِ اِنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ ﴿۷۹﴾

پس چون اوبه خورشید درخشان نگاه کرد، گفت،این پروردگارم است. این بزرگتر است. چون آنهم فرورفت گفت، ای قوم من بیزارم ازآنچه شما شرک می آرید(۷۹)++

++درآیات ۷۷ الی ۷۹سخن از مشاجره حضرت ابراهیم با قوم خودشان گفته میشودکه گاه بگاه تا سه روز ادامه داشت. حضرت ابراهیم برای دروغ در آوردن قوم خویش ستارگان را ذکر کرد که شما آنها را معبود میسازید درحالیکه آنها فرومیروند. باز فراتر ازآن ذکر از ماه آورده گفت که برخی ازشمااینراپرستش میکنندباآنکه اینهم فرومیرود. پس درآخرخورشید را ذکرکردچه بسیاریازقومش خورشیدپرستان بودند وگفت اگرچه این بزرگتراست و این را برمقام [ص ۳۰۳]

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَّمَآ أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٠﴾

یقیناً من آورده ام روی خود را مدام متمایل بسوی آنکه آسمانها و زمین راآفرید ومن ازمشرکان نیستم(۸۰)

وَحَآجَّهُ قَوْمُهُ ۚ قَالَ أَتُحَآجُّوٓنِّي فِي اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنِ ۚ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَنْ يَّشَآءَ رَبِّي شَيْـًٔا ۗ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨١﴾

و قومش باااو محاجه میکرد.او گفت آیا درمورد خدا بمن محاجه میکنید درحالیکه او بمن هدایت داده است و من از[گزند]آنچیزها نمیترسم که با او شریك می گردانید جز اینکه خدا بخواهد چیزی.پروردگارم هرچیز را بعلم احاطه کرده است.آیا پند نمی پذیرید(۸۱)

وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللّٰهِ مَا لَمْ

وچطوربترسم ازآنچه شرك می آرید باآنکه خود نمیترسیدکه آن

بقیه صفحه ۳۰۲ ربوبیت آورده تعظیم میدهید اما بنگرید که اینهم فرو میرود لذا بجای خدا کسی دیگر را معبود قراردادن شما دروغی محض است. درباره این آیت برخی از مفسران این زمان داستانی شگفت انگیز بیان میکنند که حضرت ابراهیم را پدرش درغار زندانی کرده بود و چون ایشان از غار بیرون آمدند نخست بار ستاره را دیدند و باز ماه را دیدند و باز خورشید را دیدند و اول بار ایشان را معلوم شد که آنها فرورفتگانند. اما این داستان درست نیست.

يُنَزِّلْ بِهٖ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا ؕ فَاَيُّ الْفَرِيْقَيْنِ اَحَقُّ بِالْاَمْنِ ۚ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٢﴾

چیزهارا شریك خدا قرارمیدهید كه درحق آن هیچ دلیلی برشما فرونفرستاده است. پس كدام یك از دوگروه شایسته تراست برای ایمن شدن اگرشماعلم دارید(٨٢)

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَمْ يَلْبِسُوْۤا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿٨٣﴾

كسانیكه ایمان آوردند و ایمان خود را بستمكاری مبهم نساختند همانهاندكه برای ایشان امن است و ایشان هدایت یافتگانند(٨٣)

وَتِلْكَ حُجَّتُنَاۤ اٰتَيْنٰهَاۤ اِبْرٰهِيْمَ عَلٰى قَوْمِهٖ ؕ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مَّنْ نَّشَآءُ ؕ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿٨٤﴾

و این حجت ما بود كه آنرا به ابراهیم خلاف قومش داده بودیم. مامراتبیهركه رابخواهیم بالا می بریم یقینًا پروردگار تو صاحب حكمت صاحب علم دائمی است (٨٤)

وَوَهَبْنَا لَهٗۤ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ؕ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوْحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهٖ دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ وَاَيُّوْبَ وَيُوْسُفَ وَمُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٨٥﴾

و وی رااسحٰق و یعقوب دادیم همه را هدایت نمودیم و ازپیش نوح راهدایت داده بودیم و ازنژاد او داؤد و سلیمان و ایوب و یوسف و موسیٰ و هارون را و محسنان را همین گونه پاداش میدهیم(٨٥)

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾

و زکریا و یحییٰ و عیسٰی و الیاس را که همه از صالحان بودند(٨٦)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

و اسمٰعیل و الیسع ویونس و لوط و همه ایشانرا بر همه جهانها برتری دادیم(٨٧)

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۖ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٨﴾

وازپدران ایشان ونسلهای ایشان و برادران ایشان [هم بعضی را فضیلت دادیم و] برگزیدیم و ایشانرا به صراط مستقیم هدایت دادیم(٨٨)

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٩﴾

اینست آن هدایت خدا که او به آن هرکه ازبندگان خود بخواهد رهنمائی میکند و اگر شرك می آوردند حتمًا ضائع میشد ازایشان آنچه میکردند(٨٩)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۚ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٩٠﴾

ایشانند آنانکه ایشان را کتاب و حکمت ونبوت در دادیم. پس اگر این مردم از آن انکار کنند پس حتماً آنرا بقومی واگذاریم که به آن منکران نباشند(٩٠)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهُدٰىهُمُ اقْتَدِهْ ؕ قُلْ لَّآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا ؕ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْعٰلَمِيْنَ ﴿۹۱﴾

ایشانند که خدا آنانرا هدایت داد.پس ازهدایت ایشان اقتداکن. بگو من بابت این از شما مزدی نمیطلبم.این برای‌همه جهانهافقط پندی است(۹۱)

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖٓ اِذْ قَالُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ ؕ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِيْ جَآءَ بِهٖ مُوْسٰى نُوْرًا وَّهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُوْنَهٗ قَرَاطِيْسَ تُبْدُوْنَهَا وَتُخْفُوْنَ كَثِيْرًا ۚ وَعُلِّمْتُمْ مَّا لَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنْتُمْ وَلَآ اٰبَآؤُكُمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ ۙ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِيْ خَوْضِهِمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿۹۲﴾

و آنان قدر خدا را شایان قدر او نشناختندچون گفتند.خداچیزی‌را بربشری فرونفرستاد. بگو. که آن کتاب را نازلکرد که موسیٰ برای مردم نور و هدایت آورده بود؟ شماآنرااوراقی پراکنده ساختید. [کمی]از آنرا آشکار مینمودید و بیشتر از آنرا نهان میکردید در حالیکه شماراآموختیم آنچه را نمیدانستید شما و نه پدران شما. بگوخدا است [هرچیز برای من]. پس آنها را در یاوه گویهای خود بازی کنان برهان(۹۲)

وَهٰذَا كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى

و این کتابی خجسته است که آن را نازلکردیم تصدیق کننده آنکه پیش روی آنست و تامشدار دهی

وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾

به مادرقریه ها و آنها که پیرامون آن اند و آنانکه به آخرت ایمان دارند و آنانکه بر نمازخود نگه داری کنندگانند(۹۲)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ ۖ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾

و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بست یاگفت که بسوی من وحی فرستاده شد درحالیکه چیزی به سوی او وحی کرده نشد و آنکه گوید من کلامی شبیه به آن نازل کننده ام که خدا نازل کرده است. کاشکی مینگریستی آنگاه که ستمکاران در یورش سختیهای مرگ باشند و فرشتگان دست های خوددراز کرده [گویند] جانهای خود بیرون آرید.امروز به عذابی زبون عقوبت کرده شوید بدآنچه برخدا بناحق میگفتید و شمااز آیتهای اوتکبر میکردید(۹۳)

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ

و البته بسوی ما همانگونه فردًا فرد آمده اید که نخست بارشمارا آفریدیم و نعمتهای که بشما داده

طُهُوْرِكُمْ ۚ وَمَا نَرٰى مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ الَّذِيْنَ زَعَمْتُمْ اَنَّهُمْ فِيْكُمْ شُرَكٰٓؤُا ؕ لَقَدْ تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَّا كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ﴿۹۵﴾

بودیم را پشت سر نهاده اید و [چه شد که] با شما آن شفعیانتان را نمی بینیم که گمان میکردید که آنها درحق شما شریکان[خدا] اند.شما ازهم جدا شدید و ازشما ناپیداشد آنچه را شما[شریك]می پنداشتید(۹۵)

اِنَّ اللّٰهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰى ؕ يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ؕ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿۹۶﴾

یقیناًخدا شکافنده دانه و هسته است. او زنده رااز مرده بیرون میآرد و مرده را از زنده بیرون میآرد.اینست پروردگار شما پس کجابفریب برده میشوید(۹۶)

فَالِقُ الْاِصْبَاحِ ۚ وَجَعَلَ الَّيْلَ سَكَنًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ؕ ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ﴿۹۷﴾

او شکافنده صبحگاهان است. او شب را ساکن قرارداد وخورشید وماه [درگردش خود] تابع حساب اند.این تقدیر صاحب غلبه کامل مدام داناست(۹۷)++

وَهُوَ الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمُ النُّجُوْمَ لِتَهْتَدُوْا

واواست آنکه برایتان ستارگانرا

++آیت ۹۷:اینجا درمقابل گردش ماه و خورشید بجای زمین برای شب گفته میشود زیراکه مردم آنزمان زمین را ساکن میپنداشتند و در کلمه "سکنا" این معنا نیز شامل است که آن باعث آرامش است.

بِهَا فِي ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ؕ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿۹۸﴾

ساخت تا شما بوسیله آنها در تاریکی های دشت و دریا هدایت یابید.البته ماآیتهای را بصراحت بیان نموده ایم برای قومیکه دانشمند اند(۹۸)

وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْشَاَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَّ مُسْتَوْدَعٌ ؕ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّفْقَهُوْنَ ﴿۹۹﴾

واوست آنکه شماراازیکتن آفرید پس قرارگاه موقت و جایگاه حفاظت مدام [ساخت]. یقینًا ما آیتهای را برای قومی صاحب فهم وتدبربتفصیل بیانکرده ایم(۹۹)

وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً ۚ فَاَخْرَجْنَا بِهٖ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَاَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا ۚ وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَّ جَنّٰتٍ مِّنْ اَعْنَابٍ وَّالزَّيْتُوْنَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَّ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ ؕ اُنْظُرُوْٓا اِلٰى ثَمَرِهٖٓ اِذَآ اَثْمَرَ وَيَنْعِهٖ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكُمْ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۱۰۰﴾

واوست که آب را ازآسمان نازل کرد. پس به آن هر نوع روئیدنی را رویانیدیم.پس ازآن سبزه را بیرون آوردیم و از آن در می آوریم دانه های روی‌هم چیده و ازخرما ازخوشه های آن میوههای بهم پیوسته و فرورفته و باغهای انگوروزیتون وانار راکه [ازاین میوهها]بعضی‌مشابه وبعضی‌نامشابه است.بنگرید بسوی میوه هایش چون پرثمرشود وآن برسد.یقینًا

دراین آیتهای است برای قومیکه ایمان آورند(۱۰۰)

وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوْا لَهٗ بَنِيْنَ وَبَنٰتٍۭ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۭ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿۱۰۱﴾

ع ۱۲ ۶ ۱۸

وآنهاجنی‌را شریك خدا قرارداده اندحالانکه اوآنها را آفریده است و برای او بدون علم پسران و دختران تراشیده اند. او پاك است و بلندتر است از آنچه می سرایند(۱۰۱)

بَدِيْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ اَنّٰى يَكُوْنُ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَمْ تَكُنْ لَّهٗ صَاحِبَةٌ ۭ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۱۰۲﴾

او زمین و آسمان را ابداع کننده از عدم است.چگونه پسری برای او میتواند باشد درحالیکه او را زنی‌نیست و او هرچیز را آفریده است واوبهرچیزداناست(۱۰۲)

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوْهُ ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ﴿۱۰۳﴾

این است خداپروردگارشما. هیچ معبودی‌نیست جزاو. او آفریدگار هرچیزاست.پس اوراعبادت کنید و او برهرچیز نگهبانست(۱۰۳)

لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ ۡ وَهُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ ۚ وَهُوَ اللَّطِيْفُ الْخَبِيْرُ ﴿۱۰۴﴾

چشمان نتواند او را دریابد بلکه او به چشمان دررسد و او دقیق بین مدام آگاه است(۱۰۴)++

قَدْ جَآءَكُمْ بَصَآئِرُ مِنْ رَّبِّكُمْ ۚ فَمَنْ

یقیناً شمارا سخنان بصیرت بخش

اَبۡصَرَ فَلِنَفۡسِهٖ ۚ وَمَنۡ عَمِیَ فَعَلَیۡهَا ؕ وَمَاۤ اَنَا عَلَیۡکُمۡ بِحَفِیۡظٍ ﴿۱۰۵﴾

ازپروردگارخود آمده است. پس آنکه بیناشد آنگاه بنفع خود او است و آنکه کورماند پس خلاف خود او است و من برشمانگهبان نیستم(۱۰۵)

وَکَذٰلِکَ نُصَرِّفُ الۡاٰیٰتِ وَلِیَقُوۡلُوۡا دَرَسۡتَ وَلِنُبَیِّنَهٗ لِقَوۡمٍ یَّعۡلَمُوۡنَ ﴿۱۰۶﴾

واینگونه ما آیتهای پروردگار را گردانده بیان میکنیم تا بگویند که توخوب آموزش گرفتی و خوب آموزش دادی وتا به روشنی بیان کنیم برای قومیکه علم دارند(۱۰۶)

اِتَّبِعۡ مَاۤ اُوۡحِیَ اِلَیۡکَ مِنۡ رَّبِّکَ ۚ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ وَاَعۡرِضۡ عَنِ الۡمُشۡرِکِیۡنَ ﴿۱۰۷﴾

پیروی‌کن به آنچه که ازپروردگار توبرتونازلکرده شد.هیچ معبودی نیست جزاو و روی از مشرکان برگردان(۱۰۷)

وَلَوۡ شَآءَ اللّٰهُ مَاۤ اَشۡرَکُوۡا ؕ وَمَا جَعَلۡنٰکَ

و اگر خدا میخواست شرک نمی

++آیت۱۰٤ :مردم میپندارند که دید از کرهٔ چشم بیرون آمده چیزهای دور را میبینند حالانکه این آیت اینرا رد کرده و گفته است که روشنی خودش بچشم میرسد و همین موضوع بر اهل بصیرت خدای متعال صدق میکند. هیچکس را اختیار نیست که اوخود خدای متعال رابچشم دل ببینند. البته خدا هرگاه خودش خواهد بر بندگان نیکان خود ظاهرمیشود.

عَلَيۡهِمۡ حَفِيۡظًا ۚ وَمَآ اَنۡتَ عَلَيۡهِمۡ بِوَكِيۡلٍ ﴿۱۰۸﴾

ورزیدند و تو را برآنها محافظ مقررنداشته ایم و نه تو برآنها نگهبان ای(۱۰۸)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِيۡنَ يَدۡعُوۡنَ مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ فَيَسُبُّوا اللّٰهَ عَدۡوًاۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٍ ؕ كَذٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمۡ ۖ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمۡ مَّرۡجِعُهُمۡ فَيُنَبِّئُهُمۡ بِمَا كَانُوۡا يَعۡمَلُوۡنَ ﴿۱۰۹﴾

ودشنام ندمیدآنهاراکه آنهاجزخدا میخوانند الا دشمنی‌کنان بنادانی خدارادشنام دمند.اینگونه هرقوم رااعمال ایشان زیبانشانداده ایم. سپس بازگشت آنها بسوی پرور- - دگارخوداست.پس او آنهاراآگاه سازد به آنچه میکردند(۱۰۹)++

وَ اَقۡسَمُوۡا بِاللّٰهِ جَهۡدَ اَيۡمَانِهِمۡ لَئِنۡ جَآءَتۡهُمۡ اٰيَةٌ لَّيُؤۡمِنُنَّ بِهَا ؕ قُلۡ اِنَّمَا الۡاٰيٰتُ عِنۡدَ اللّٰهِ وَمَا يُشۡعِرُكُمۡ ۙ اَنَّهَاۤ اِذَا جَآءَتۡ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ ﴿۱۱۰﴾

وسوگندهای جدّی خدا یاد کرده گویندکه اگرآنهارا یکی آیت هم بیآیدحتماً به آن ایمان آورند.بگو آیتها تماماً فقد نزد خدا است.اما شماراچه چیزی حالی‌کند هنگامی

++آیت ۱۰۹ :در این آیة کریمه به عدالتمندی عظیم الشان تعلیم داده میشود که به معبودانی دروغین مخالفان دشنام ندهید زیراشما که میدانید که آنها دروغین اند اما مخالفان شما نمیدانند. بنابراین اگرآنان بنادانی به خدا فحش دادند آنگاه شما مسؤل اید. سپس این قاعدهٔ بیان میشود که به هرکس ایمان خودپسند میفتد. البته خداوند روزقیامت فیصل خواهدداد که کدام یك درست بود و کدام یك نادرست.البته کاردراین دنیا نیزگذرانیده میشود ولی دروغگویان نمیفهمند.

که آن [آیت] ها میآید آنها ایمان نمیآرند(۱۱۰)

وَنُقَلِّبُ اَفْـِٕدَتَهُمْ وَاَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوْا بِهٖٓ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّنَذَرُهُمْ فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿۱۱۱﴾ ع

و دلهای آنان و چشمان آنان را دگرگون میسازیم بطوریکه اوّل باربه این[رسول] ایمان نیآورده بودند و آنها را در سرکشی خود سرگردان رها مینمایم(۱۱۱)

ع ۱۳ ۱۰ ۱۹

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١٢﴾

و اگرنازل میکردیم فرشتگان را برآنها و مردگان باآنها تکلم می کردندوهرچیزرا روبروی‌آنهاگرد میاوردیم بازهم نبودند که ایمان میآوردندجزاینکه خدامیخواست ولی‌بیشترازآنان خود را بنادانی میزنند(۱۱۲)

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ۚ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٣﴾

واینگونه مابرای هرکدام پیغمبر شیطان های انسان و جن رادشمن قراردادیم. برخی از آنها بسوی برخی‌سخنان آراسته ای رافریب داده وحی‌میکنند و اگرپروردگار تو میخواست اینطور نمیکردند. پس آنها و آنچه برمیبافند را ترک کن(۱۱۳)

وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٤﴾

و تا دلهای آنانکه به آخرت ایمان نمیآورند، به سوی این [فریب] متمایل شوند و تا به آن دل بسپارند و تا آنها آنچه [اعمال زشت]که بدست آورنده اندبدست همیآرند(۱۱٤)

اَفَغَيۡرَ اللّٰهِ اَبۡتَغِيۡ حَكَمًا وَّهُوَ الَّذِيۡۤ اَنۡزَلَ اِلَيۡكُمُ الۡكِتٰبَ مُفَصَّلًا ؕ وَالَّذِيۡنَ اٰتَيۡنٰهُمُ الۡكِتٰبَ يَعۡلَمُوۡنَ اَنَّهٗ مُنَزَّلٌ مِّنۡ رَّبِّكَ بِالۡحَقِّ فَلَا تَكُوۡنَنَّ مِنَ الۡمُمۡتَرِيۡنَ ﴿۱۱۵﴾

پس آیاغیر از خدا راحکم کنندهٔ بخواهم باآنکه اواست آنکه کتاب را بابیان تفصیل تمام بسوی شما نازلکرد وآنانکه کتاب داده شدند میدانند که آن از پروردگار تو بحق نازلکرده شد. پس از شك کنندگان مباش(۱۱۵)

وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدۡقًا وَّعَدۡلًا ؕ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ ۚ وَهُوَ السَّمِيۡعُ الۡعَلِيۡمُ ﴿۱۱۶﴾

و سخن پروردگار تو از روی صداقت و عدالت بنهایت رسید. سخنان او را کسی تغییردهنده نیست و او بسیار شنوای صاحب علم دائمی است(۱۱۶)

وَاِنۡ تُطِعۡ اَكۡثَرَ مَنۡ فِي الۡاَرۡضِ يُضِلُّوۡكَ عَنۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ ؕ اِنۡ يَّتَّبِعُوۡنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنۡ هُمۡ اِلَّا يَخۡرُصُوۡنَ ﴿۱۱۷﴾

و اگر ازپی بیشتراز اهل زمین روی تورا از راه خدا گمراه سازند.آنهاپیروی‌نمیکنندجز گمان راو آنهافقط حدس میزنند(۱۱۷)

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعۡلَمُ مَنۡ يَّضِلُّ عَنۡ سَبِيۡلِهٖ ۚ وَهُوَ اَعۡلَمُ بِالۡمُهۡتَدِيۡنَ ﴿۱۱۸﴾

یقینًا پروردگار تو داناتر است به آنکس که از راه او گمراه است و او به هدایت یافتگان نیز داناتراست(۱۱۸)

فَكُلُوۡا مِمَّا ذُكِرَ اسۡمُ اللّٰهِ عَلَيۡهِ اِنۡ كُنۡتُمۡ

پس بخورید از آنچه بر آن نام

بِاٰيٰتِهٖ مُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٩﴾

خدا یاد شده است اگر به آیتهای او مؤمنانید(۱۱۹)

وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَاْكُلُوْا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ ؕ وَاِنَّ كَثِيْرًا لَّيُضِلُّوْنَ بِاَهْوَآئِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ؕ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ ﴿١٢٠﴾

و چیست شما را که نخورید از آنچه برآن نام خدا یادشده است درحالیکه او هرچه برشماحرام است را تفصیل داده است مگر آنچه بسوی‌آن[ازشدت گرسنگی) ناچارکرده شوید والبته بسیاران بلاعلم به هوای‌نفسانی‌خود [مردم را]گمراه سازندیقینًاپروردگارتو به تجاوزگران داناتراست(۱۲۰)

وَذَرُوْا ظَاهِرَ الْاِثْمِ وَبَاطِنَهٗ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْسِبُوْنَ الْاِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوْا يَقْتَرِفُوْنَ ﴿١٢١﴾

و عیان گناه و نهان آن [هردو]را ترك کنیدبراستی‌کسانیکه کسب گناه کنندحتمًاپاداش داده شوند به آن[کاربدی]که میکردند(۱۲۱)

وَلَا تَاْكُلُوْا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاِنَّهٗ لَفِسْقٌ ؕ وَاِنَّ الشَّيٰطِيْنَ لَيُوْحُوْنَ اِلٰٓى اَوْلِيٰٓئِهِمْ لِيُجَادِلُوْكُمْ ۚ وَاِنْ اَطَعْتُمُوْهُمْ اِنَّكُمْ لَمُشْرِكُوْنَ ﴿١٢٢﴾ ع

و نخورید ازآنچه بر آن نام خدا یاد نشود ویقینًا آن ناپاك است. و یقینًا شیطانهابسوی دوستان خود وحی میکنند تا بشما محاجه کنند و اگر از آنها پیروی کنید حتمًا شما مشرکان شوید(۱۲۲)

اَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَاَحْيَيْنٰهُ وَجَعَلْنَا لَهٗ نُوْرًا يَّمْشِيْ بِهٖ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَّثَلُهٗ فِي الظُّلُمٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ؕ كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكٰفِرِيْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۲۳﴾

آیاآنکه مرده بود باز ما او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم که به آن در مردم راه رود مانندآنست که مثلش اینست که در تاریکیها باشد که هیچگاه ازآن بیرون آینده نیست.اینطور کافران را زیبا نشانداده شود آن چه میکردند(۱۲۳)

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا فِيْ كُلِّ قَرْيَةٍ اَكٰبِرَ مُجْرِمِيْهَا لِيَمْكُرُوْا فِيْهَا ؕ وَمَا يَمْكُرُوْنَ اِلَّا بِاَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ﴿۱۲۴﴾

واینطورمادرهریك قریه ارشدان مجرمان آن را نهادیم تا در آن تزویرکنند و تزویرنکنند مگر به جانهای‌خود و درك نکنند(۱۲۴)

وَاِذَا جَآءَتْهُمْ اٰيَةٌ قَالُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ حَتّٰى نُؤْتٰى مِثْلَ مَآ اُوْتِيَ رُسُلُ اللّٰهِ ؔۘ اَللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهٗ ؕ سَيُصِيْبُ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا صَغَارٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَعَذَابٌ شَدِيْدٌ ۢ بِمَا كَانُوْا يَمْكُرُوْنَ ﴿۱۲۵﴾

وقف لازم

وچون آنان راآیتی بیآید گویند، هرگز ایمان نیآریم تا آنگاه که [نشانه ای] مثل آن داده شویم که [قبلاً] رسولان خدا داده شدند. خدا داناتر است که رسالت خود را کجا برگزیند و آنانکه جرم کردند یقینًا به آنها ازجانب خدا ذلت و عذابی سخت برسد، چه داشتند نیرنگ میکردند(۱۲۵)

فَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ اَنْ يَّهْدِيَهٗ يَشْرَحْ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ ۚ وَمَنْ يُّرِدْ اَنْ يُّضِلَّهٗ يَجْعَلْ صَدْرَهٗ ضَيِّقًا حَرَجًا كَاَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَآءِ ؕ كَذٰلِكَ يَجْعَلُ اللّٰهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۲۶﴾

پس آنکس که خدا بخواهد که او را هدایت کند سینه او را برای اسلام بازمیسازد وآنکه را خواهد که او راگمراه سازد سینه او را کاسته تنگ میگرداند گویی او زورکرده در[بلندی]آسمان بالامی رود.اینگونه خدا برآنها که ایمان نمیآرند پلیدی مینهد(۱۲۶)

وَهٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيْمًا ؕ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّذَّكَّرُوْنَ ﴿۱۲۷﴾

و این راه راست پروردگارتو است. یقینًا ما آیتها را برای قومیکه پند گیرند آشکارا بیان میکنیم(۱۲۷)

لَهُمْ دَارُ السَّلٰمِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۲۸﴾

برایشان نزد پروردگار ایشان خانۀ امن است و او وَلی ایشان است بعلت آنچه میکردند(۱۲۸)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيْعًا ۚ يٰمَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِّنَ الْاِنْسِ ۚ وَقَالَ اَوْلِيٰٓؤُهُمْ مِّنَ الْاِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَّبَلَغْنَآ اَجَلَنَا الَّذِيْٓ اَجَّلْتَ لَنَا ؕ قَالَ النَّارُ مَثْوٰىكُمْ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اِلَّا

و [بیادآور] روزیکه جمیع آنهارا محشورکند[وگوید]ای گروه جنها شماعوام الناس رااستثمارکردید و یاران آنهاازعوام الناس گویند پروردگاراابعضی ازماازبعضی بهره کشی کردیم وبه آن نهایت زمانی

مَاشَآءَاللهُ ۗ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيۡمٌ عَلِيۡمٌ ﴿١٢٩﴾

خود رسیدیم که برای ما معیّن داشتی.او گوید، جایگاه شماآتش است که مدت دراز درآن میمانید جزآنچه خدابخواهد. یقینًاپرورـ دگار تو صاحب حکمت صاحب علم دائمی است(۱۲۹)

وَكَذٰلِكَ نُوَلِّيۡ بَعۡضَ الظّٰلِمِيۡنَ بَعۡضًاۢ بِمَا كَانُوۡا يَكۡسِبُوۡنَ ﴿١٣٠﴾ ع

واینگونه مابعضی‌ستمکاران رابر بعضی مسلط مینمایم بعلت آنچه کسب میکنند(۱۳۰)

يٰمَعۡشَرَ الۡجِنِّ وَالۡاِنۡسِ اَلَمۡ يَاۡتِكُمۡ رُسُلٌ مِّنۡكُمۡ يَقُصُّوۡنَ عَلَيۡكُمۡ اٰيٰتِيۡ وَيُنۡذِرُوۡنَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هٰذَا ؕ قَالُوۡا شَهِدۡنَا عَلٰٓى اَنۡفُسِنَا وَغَرَّتۡهُمُ الۡحَيٰوةُ الدُّنۡيَا وَشَهِدُوۡا عَلٰٓى اَنۡفُسِهِمۡ اَنَّهُمۡ كَانُوۡا كٰفِرِيۡنَ ﴿١٣١﴾

ای گروه جنها و آدمیان آیا شما را رسولانی ازخودشما نیآمدند که آیتهای مرابرشمامیخواندند و شمارابه ملاقات امروزشما هشدار میدادند؟گویند، ماخلاف نفسهای خودگواهی دهیم وزندگی‌دنیاآنها رافریبدادوخلاف خودگواهی‌دهند که آنهاکافران بودند(۱۳۱)++

++آیت۱۳۱ :کلمات "معشر الجن" رامعنامخلوقی بغیرازانسان نیست بلکه این کلمات دال براعیانِ انسانها و ابرقدرتها و نیز مردم کوچك وملتهای کوچك میباشد. اگر این درست نیست دیگرچرارسولانی که بسوی جنهامیآمدندبعلت مؤمن شدن، آنانرا نویدازبهشت نمیدادند.هیچ جای دراحادیث ذکرازموجودی جنها دربهشت نیست.

ذٰلِكَ اَنْ لَّمْ يَكُنْ رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَّاَهْلُهَا غٰفِلُوْنَ ﴿۱۳۲﴾

اینست چه پروردگارتو هیچ قریهٔ را به ستم هلاك نمیکند حالیکه مردمش غافل باشند(۱۳۲)

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ؕ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۳۳﴾

و همه رادرجات است فراخور آن چه کردند وپروردگارتو به غفلت نیست ازآنچه میکنند (۱۳۳)

وَرَبُّكَ الْغَنِىُّ ذُو الرَّحْمَةِ ؕ اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْۢ بَعْدِكُمْ مَّا يَشَآءُ كَمَآ اَنْشَاَكُمْ مِّنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ اٰخَرِيْنَ ﴿۱۳۴﴾

و پروردگارتو بی نیاز و صاحب رحمت است.اگر بخواهد شمارا ببرد و برگزیند جانشین پس از شماآنکه را بخواهد بطوریکه شما را از نسل قومی دیگر پدید آورد(۱۳٤)

اِنَّ مَا تُوْعَدُوْنَ لَاٰتٍ ۙ وَّمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿۱۳۵﴾

یقینًا به آنچه مشدارداده میشوید حتمی‌الوقوع است وهرگز[مارا] عاجزکنندگان نیستید(۱۳۵)

قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّىْ عَامِلٌ ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۙ مَنْ تَكُوْنُ لَهٗ عَاقِبَةُ الدَّارِ ؕ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿۱۳۶﴾

بگو،ای قوم من‌ابرجای‌خود بکنید آنچه توانید.البته منهم کنندهٔ ام. پس زودبدانیدکه [بهترین]فرجام خانه برای کیست.یقینًاستمکاران پیروزمند نمیشوند(۱۳٦)

وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَاَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْاَنْعَامِ

و برای خدا گزیده اند سهمی از

نَصِيبًا فَقَالُوا هٰذَا لِلّٰهِ بِزَعْمِهِمْ وَهٰذَا لِشُرَكَآئِنَا ۚ فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللّٰهِ ۚ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلٰى شُرَكَآئِهِمْ ۗ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۱۳۷﴾

آن مزرعه و دامهای که خود او آفریده است.پس گویند بزعم خود که این برای خدااست واین برای شریکان مااست.پس آنچه برای شریکان آنها است به خدا نمیرسد و آنچه برای خدا است پس آن به شریکان آنها میرسد. چه زشت است آن فیصل که می دهند(۱۳۷)

وَكَذٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ ۖ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳۸﴾

واینگونه بسیاری را از مشرکان شریکان آنها کشتن اولاد خود زیبانشانداده اند تا آنهارا برباد دهند و دین آنهارا بر آنها مشتبه سازند و اگرخدا میخواست این طور نمیکردند پس بگذار آنها و آنچه را برمیبافند(۱۳۸)

وَقَالُوا هٰذِهِ أَنْعَامٌ وَّحَرْثٌ حِجْرٌ ۖ لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا افْتِرَآءً عَلَيْهِ ۚ

وگویند بزعم خود که این دامها و کشت ممنوع است.آنهاراکسی نخورد تامابخواهیم ودامهای‌است که سواری‌بر‌پشت آنهاحرام کرده شد و دامهای است که نام خدابر

سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٩﴾

آنها نميخوانند براو دروغ بسته. او آنها را حتمًا كيفردهد به آنچه بربافند(١٣٩)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا ۖ وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ ۚ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ ۚ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٤٠﴾

وگويند آنچه در شكمهای اين دام هاست به مردان مااختصاص دارد و بر زنان ماحرام است و اگر آن مرده باشد آنگاه آنها درآن بهم شريك اند. حتمًا[خدا] آنها را به بيان آنها كيفر دهد.يقينًااو صاحب حكمت صاحب علم دائمی است(١٤٠)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۚ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤١﴾

البته زيانكردندآنانكه اولاد خود راسفامتًا بدون علم كشتندوحرام كردند بر خدا دروغ بسته آنچه را خدا به آنان رزق داده بود. يقيناً آنها گمراه شدند و هدايت يافتگان نبودند(١٤١)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ

اواست كه باغهای داربست زده و بی داربست زده و درختان خرما ومزرعۀ كه ميوه آن گوناگونست و زيتون و آنار را مانندو مغاير

مُتَشَابِهًا وَّغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ؕ كُلُوْا مِنْ ثَمَرِهٖۤ اِذَاۤ اَثْمَرَ وَاٰتُوْا حَقَّهٗ يَوْمَ حَصَادِهٖ ۖ وَلَا تُسْرِفُوْا ؕ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ۙ﴿۱۴۲﴾

همدیگر رویانید.چون به بار آید میوه آن بخورید و روز درو آن حق او را بدهید و اسراف نکنید چه خدااسراف کنندگان رادوست ندارد(۱٤۲)

وَمِنَ الْاَنْعَامِ حَمُوْلَةً وَّفَرْشًا ؕ كُلُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ؕ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ۙ﴿۱۴۳﴾

و ازدامها باربرداروبرای‌سواری [آفرید]. بخورید از آنچه خدا به شما رزق داده است و قدم برقدم های شیطان ننهید.یقیناًاو دشمنی آشکارشما است(۱٤۳)

ثَمٰنِيَةَ اَزْوَاجٍ ۚ مِنَ الضَّاْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ ؕ قُلْ آٰلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنْثَيَيْنِ اَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيَيْنِ ؕ نَبِّـُٔوْنِيْ بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۙ﴿۱۴۴﴾

[خدا] هشت جفت [آفرید]. دو از گوسفند و دو از بز.بگو،آیااو دو نر را حرامکرد یا دو مادینه را یاآنچه را رحمهای‌دومادینه احاطه کرده است. مرا آگاه کنید بدانش اگر شما راستگویانید(۱٤٤)

وَمِنَ الْاِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ؕ قُلْ آٰلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنْثَيَيْنِ اَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيَيْنِ ؕ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ اِذْ وَصّٰىكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا ۚ

و دو از شتر و دو از گاو است. بگو،آیا او دونرراحرامکرد یادو ماده رایاآنچه را رحمهای دو ماده احاطه کرده است.آیا شما گواه بودید چون خدا شما را به آن

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۴۵﴾ ع

توصیه کرده بود؟ پس کیست ستم کارتر از آنکه برخدا دروغ بندد تا مردم رابدون علم گمراه سازد. یقینًا خداقوم ستمکاران راهدایت نمیدهد(۱۴۵)

قُلْ لَّاۤ اَجِدُ فِىْ مَاۤ اُوْحِىَ اِلَىَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَّطْعَمُهٗۤ اِلَّاۤ اَنْ يَّكُوْنَ مَيْتَةً اَوْ دَمًا مَّسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خِنْزِيْرٍ فَاِنَّهٗ رِجْسٌ اَوْ فِسْقًا اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۴۶﴾

بگودرآنچه بسوی من وحی شده است حرامی نمییابم برخورندهٔ که آن را بخورد مگر که مردار باشد یاخونی ریخته یا گوشت خوك چه آن ناپاك است یا پلیدی که برآن نام غیرازخدا خوانده شد. اما آنکه بدون تمایل و بدون تجاوزگری ناچار است آنگاه یقینًا خداآمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۱٤٦)

وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِىْ ظُفُرٍ ۚ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُوْمَهُمَاۤ اِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُوْرُهُمَاۤ اَوِ الْحَوَايَاۤ اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ؕ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِبَغْيِهِمْ ۖ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿۱۴۷﴾

و بر آنانکه یهود شدند هر کدام جانور ناخن دارحرامکرده بودیم و از گاؤ و گوسفند پیه هردو را برآنها حرام ساخته بودیم مگر آنچه برپشتهای آنهابرداشته یا به روده هایااستخوانهاآمیخته باشد.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ ۚ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٨﴾
سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا ۗ قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا ۖ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٩﴾

آنهارا این پاداش ازنافرمانی آنها داده بودیم وحتماً ماراستگویان ایم(۱٤۷)

پس اگر آنها از توتکذیب کنند پس بگوپروردگارشمارا رحمتی فراوانست و عقوبت او از قوم جرمکاران بازداشته نشود(۱٤۸)

کسانیکه شرك کردندحتماً گویند اگر خدا میخواست هرگز شرك نمیکردیم ونه پدرانما ونه چیزی را حرام میگرداندیم. همانگونه دروغ گفته بودند کسانیکه پیش ازآنها بودند تاآن انتهاکه عقوبت ماراچشیدند.بگو،آیاشمارادانشی است پس آنرا برای ما بیرون آورید.شمافقدگمانراپیروی کنید وشمافقط تخمین میزنید(۱٤۹)+

+آیت۱٤۹ :نخست توجه به این سؤال جلب کرده میشود که اینطورگفتن که اگر خدا اجازه شرك نمیداد ما و پدران ما،شرك نمیکردیم، قضیه راحل میکند یعنی آنان پیروی ازپدران خویش میکنند و نه از تعلیم خدا..سپس بلافاصله گفته میشود که اگرکتاب الهامی مبنی بر جواز شرك را دارید، آنرا ارائه دهید.

قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۚ فَلَوْ شَآءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿١٥٠﴾

بگو،پس حجت بکمال رسیده از آن خدا است پس اگر او می خواست حتمًا شمامه را هدایت میداد(١٥٠)

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ الَّذِيْنَ يَشْهَدُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ هٰذَا ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ﴿١٥١﴾ ع

بگو،آن گواهان خودرابخوانیدکه گواهی میدهندکه خداآن چیزهارا حرامکرده است.پس اگر گواهی دهند آنگاه توباآنهاگواهی نده و ازهوسهای آنها پیروی مکن که به آیتهای ما تکذیب کردند وآنها که به آخرت ایمان نمیآرند و آنها به پروردگارخود شریك قرار می دهند(١٥١)

قُلْ تَعَالَوْا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ اَلَّا تُشْرِكُوْا بِهٖ شَيْئًا وَّبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا ۚ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ ۭ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَّاهُمْ ۚ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ۭ

بگو،بیآیید تابخوانم آنچه پرور-دگارشما برشماحرامکرده است [یعنی] هرگز چیزی را به او شریك قرار ندهید و[لازماً] با والدین باحسن عمل رفتارکنید و ازبیم تنگی رزق، اولاد خود را نکشید.مائیم که بشما رزق می دهیم هم به آنهانیز و به فحشائیها

ذٰلِكُمْ وَصّٰىكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۵۲﴾

چه از آنها عیان است و چه نهان است نزدیك نرویدونكشیدجانی را كه خدا حرامكرده است مگر بحق.این[امر] است كه به آن خدا به شما توصیه كرده است تاباشد كه شما بخردیابید(۱۵۲)++

وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۚ وَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا ۚ وَاِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوْا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى ۚ وَبِعَهْدِ اللّٰهِ اَوْفُوْا ۭ ذٰلِكُمْ وَصّٰىكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿۱۵۳﴾

ونزدیك به دارائی یتیم جز به طریق شایسته ای مشوید تا بسن بلوغ خودبرسد و كیل و ترازو را بداد تمام بپیمایید.ما بكسی تكلیف نمیكنیم جز بگشایش او وگامیكه سخن گویید پس عدالت راپیش گیریدهرچند از نزدیكان باشد وبه عهدخدائی‌وفاكنید. این امری است كه او شمارا به آن توصیه میكندتاپندبگیرید(۱۵۳)

وَاَنَّ هٰذَا صِرَاطِيْ مُسْتَقِيْمًا فَاتَّبِعُوْهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيْلِهٖ ۭ

و [توصیه میكند] كه همین راه راست من است. پس اینرا دنبال كنید و از راههای متفرقه پیروی

++آیت۱۵۲ :قتل اولادآنگاه جرم شمارشود چون تولدبچگان ازبیم كمی رزق جلو گرفته شود، وگرنه این نوع جلوگیری از روی حفظ سلامت مجاز میباشد.

ذٰلِكُمْ وَصّٰكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۵۴﴾

نکنیدکه شمارا از راه او متلاشی کند. این امری است که شما را به آن تاکید مینماید تا باشد که تقویٰ را فراگیرید(۱۵٤)

ثُمَّ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ تَمَامًا عَلَى الَّذِيْٓ اَحْسَنَ وَتَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَّهُدًى وَّرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۵۵﴾

سپس موسی را کتاب دادیم که فراخور هر آنکس بود که احسان را بکار میگرفت و هرچیز را تفصیل بود وهدایت بود ورحمت بود تابلقاء پروردگارخود ایمان آورند(۱۵۵)

وَهٰذَا كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ فَاتَّبِعُوْهُ وَاتَّقُوْا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿۱۵۶﴾

و این کتاب خجسته ای است که ماآنرانازلکرده ایم.پس فرمان از این برید و تقوی را فراگیرید تا ترحم کرده شوید(۱۵٦)

اَنْ تَقُوْلُوْٓا اِنَّمَآ اُنْزِلَ الْكِتٰبُ عَلٰى طَآئِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا ۠ وَاِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغٰفِلِيْنَ ﴿۱۵۷﴾

مبادابگوییدکتاب پیش ازما فقط بر دوگروه بررگ نازل کرده شد حالیکه ما ازخواندن آنها نا آگاه بودیم (۱۵۷)

اَوْ تَقُوْلُوْا لَوْ اَنَّآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتٰبُ لَكُنَّآ اَهْدٰى مِنْهُمْ ۚ فَقَدْ جَآءَكُمْ

یابگویید.اگرکتاب برمانازلکرده میشد حتمًا بیشترازآنها هدایت میافتیم.پس اینك شما را دلیلی

بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِيْنَ يَصْدِفُوْنَ عَنْ اٰيٰتِنَا سُوْٓءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوْا يَصْدِفُوْنَ ﴿۱۵۸﴾

روشن ازپروردگارتان آمده است و[آن]هدایت است و رحمت است پس کیست ستمکارتر از آنکه به آیتهای خداتکذیب کند و روی از آنهابگرداند.کسانیکه ازآیتهای ما روگردانی‌میکنندحتمًاآنهارا عذاب سخت پاداش دهیم چه اعراض میکردند(۱۵۸)

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّآ اَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ اَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ اٰيٰتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ اٰيٰتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِيْٓ اِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوْٓا اِنَّا مُنْتَظِرُوْنَ ﴿۱۵۹﴾

آیا انتظار دارند جزاینکه آنانرا فرشتگان آیند یاپروردگارتوآید یاشماری ازنشانه های پروردگار توبرسد؟ [اما] روزیکه بعضی از نشانه های پروردگار تو برسد ایمانش سود نبخشد نفسی را که پیش از آن ایمان نیآورده بود یا درحالت ایمان خود نیکی کسب نکرده بود. بگو منتظر باشید البته مانیزمنتظرانیم(۱۵۹)

اِنَّ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِيْ شَيْءٍ اِنَّمَآ اَمْرُهُمْ اِلَى

یقینًاکسانیکه دین خودراپراکنده ساختندوگروه گروه شدند تورا هیچ بستگی‌به آنهانیست.کار آنان

اللّٰهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٦٠﴾

فقط به خدااست.سپس آنهارا آگاه سازدبه آنعمل که میکردند(۱۶۰)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

کسیکه شایسته کاری آورد پس او را ده باره مثل آنست و آنکه بدی آورد پس او فقط مثل آن پاداش داده شود و هرگزآنهاستم کرده نشوند(۱۶۱)

قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦٢﴾

بگو یقینًا پروردگارم مرا بسوی راه راست هدایت داد[آنچه را] دینی برقرار،ملت ابراهیم حنیف [برگزید] و او از مشرکان نه بود(۱۶۲)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٣﴾

بگوعبادت من و قربانی من و زندگی من و مرگ من تنها برای خدااست که پروردگارمه جهانها است(۱۶۳)

لَا شَرِيكَ لَهُ ۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٤﴾

اوراکسی‌شریك نیست و به این امرشده ام ومن اولین مسلمانان هستم(۱٦٤)

قُلْ أَغَيْرَ اللّٰهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ

بگوآیاجزخداپروردگاری‌بخواهم حالانکه او پروردگارهرچیزاست

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰی ۚ ثُمَّ اِلٰی رَبِّکُمْ مَّرْجِعُکُمْ فَیُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ فِیْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٦٥﴾

و نفسی [بدی] کسب نمیکند مگر خلاف خودو هیچ باربرباردیگری را برندارد. سپس بازگشت شما بسوی پروردگارشمااست.پس او شما را آگاه سازد به آنچه شما در آن اختلاف میکردید(١٦٥)

وَهُوَ الَّذِیْ جَعَلَکُمْ خَلٰٓئِفَ الْاَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجٰتٍ لِّیَبْلُوَکُمْ فِیْ مَآ اٰتٰکُمْ ؕ اِنَّ رَبَّکَ سَرِیْعُ الْعِقَابِ ۖ وَاِنَّهٗ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ﴿١٦٦﴾ ع

و اواست آنکه شمارا وارث زمین قرارداد وبعضی ازشمارا بربعضی در مراتب رفعت داد تا شمارا بیآزماید درآنچه شمارااعطا کرد و یقینًا او آمرزندهٔ بارمارحم کننده است(١٦٦)

# ۷-سورة الاعراف

این سورة باستثنای چند آیاتش درمکه نازل آمده بود وبابسم اللہ ۲۰۷ آیت دارد.

دو سورة قبلی ـ سورة البقرة و سورة آل عمران ـ با حروف مقطعات "الٓمٓ" شروع شده بودند. دراین سورة حرف "ص" بر"الٓمٓ" علاوه شده است. ازاین آگاهی پیدامیشودکه موضوعاتیکه درسورة هایقبلیمزبوراست برآنها اینك موضوعاتیدیگراضافه میشودکه تعلق به صادق بودن خدای متعال دارد.

دراین سورة حرف "ص" رامیتوان بمعنای صادق القول نیزگرفت. اما در آیة ـ۳ سینه مبارك آنحضرت ﷺ را ذکر از کلمه "صدر" یافت میشود. از این معلوم میشودکه آنحضرت ﷺ را درباره مضامین سورة های که با "الٓمٓ" شروع میشوند و اینکه آنها ازجانب خدای متعال مستند، یقین و علم کامل بود.

در این سورة نسبت به سورة های قبلی این موضوع اضافی بیان میشود که نه تنها آنهائیکه ایمان نیآوردند پرسیده شوند بلکه پیغمبران نیز پرسش شوند که تا چه حدی تکلیف خودشان را بجا آورده بودند.

دراین سورة باز ذکراز آدم میشود. او به امر خدا آفریده شد و گامی که خداوند روح خود را در او دمید سپس نوع بشر به اطاعت او فرمان شدند. اینجا ذکر از آنحضرت ﷺ به این معنا است که بزرگترین سجده بحضور خدا ایشان کرده بودند و بهمین نسبت جمیع نوع انسان به اطاعت ایشان فرمان شدند.در پایان سورة گذشته ذکر از این سجده آنحضرت ﷺ

بااین کلمات رفته است ـ "قُل اِنّ صَلاَتِی وَ نُسُکِی وَ مَحیَایَ وَ مَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِ العَالَمِین". پس کسیکه هرچیز او برای خدا واگذارگردد بحضور او بتعظیم خم شدن هرگز شرك نیست بلکه اطاعت از او اطاعت از خدا خواهد بود.

بعدها ذکر از آن جامَه ای است که بظاهر حضرت آدم بشکل برگها تن کرده بودند اما معنای آن جز جامه تقویٰ جامه دیگری نیست. به این نحو نسل انسان هشدارداده شد که بطوریکه یکبارشیطان آدم را لغزانیده بود او امروز نیز همچنان قومهای پیغمبران را نیرنگ میزند. معنای بیرون رفتن از بهشت عبارت از تجاوزکردن از اوامر شریعت میباشد. زیرا که بهشت همان در دایره شریعت واقع است و بیرون از آن جزجهنم چیزی نیست. امروز نیز نوع انسان بعلت تجاوزگری از حدود شریعت مبتلا به هر نوع جهنم از حیث بدنی و روحی گردانده شده اند. این موضوع که زینت حقیقی زینت تقوی است در این سورة بدین ترتیب بیان میشود که از رفتن به مسجد نایل به زینت نمیشوید تا آنگاه که زینت خود یعنی تقوی را باخود همراه نبرید.

در این سورة سخن از آن بلندترین مقام آنحضرت ﷺ گفته میشود که به هیچکدام پیغمبر دیگری نصیب نشده است.ایشان و یاران ایشان چنین معرفت به شناسائی اهل بهشت اعطا شدند که روز قیامت هرکدام روان را از روی رفعت معنوی خود بشناسند که آیا آن روان بهشتی است یا جهنمی.

پس از آن، ذکر شماری از پیغمبران گذشته میرود که ایشان نیز برای رهنمائی قومهای خویش فرستاده شده بودند و ایشان ببهای فداکاریهای

والای خود قومهای خود را سامان هدایت مهیا کرده بودند اما در مقابل همه ای رسولان بزرگترین مهیا کننده اسباب هدایت آنحضرت ﷺ میباشند.

سپس تفصیل به این امر داده میشود که پیغمبران پیشین نیز بر مراتبی بلندتر روحانی برگزیده شده بودند ولی فیض ایشان محدود بود و هیچکدام پیغمبر پیش از آنحضرت ﷺ بر رتبۀ فیض بخش جهانی برگزیده نشده بود.پس رسول الله ﷺ بعنوان سردار تمامی پیغمبران بنابر این برگزیده شدند که ایشان برخوردار به رساندن رحمت به همه جهانها بودند یعنی رحمت بودند برای‌خاوران وباختران و نیز برای عرب وعجم. همچنان رحمت بودند برای انسانهاوجمله جنبندگان وآفریدگان و سخن بدین امر بسیار در احادیث نیز یافت میشود.

قیامتهای که قراربود بوسیله آنحضرت ﷺ برپاکرده شوند نخستین آن در زندگانی ایشان برپا شده بود. ذکر از آن در آیة مبارکه "اقتربت الساعة وانشق القمر" یافت میشود و دومین قیامت قرار بود که در زمان "آخَرین" صورت بگیرد. آنگاه آن مردگان که پس ازاحیاء دوباره مردگان شدند مجدداً آنها را به حیاتی برخوردار کردن بود. و سپس قیامت دیگری آنست که قرار بود بر اشرارالناس واقع گردد. این قیامتها وابستگی عمیقی به بعثت آنحضرت ﷺ دارند.

☆ سُوْرَةُ الاَعْرَافِ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَتَان وَسَبْعُ اٰيَاتٍ وَّ اَرْبَعَةٌ وَّعِشْرُوْنَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحمکننده(۱)

الٓمٓصٓ ②

الف لام میم صاد [أَنَا اللّٰهُ أَعْلَمُ صَادِقُ الْقَوْلِ]- من خدا از همه داناتر و راست گفتار ام(۲)

كِتٰبٌ اُنْزِلَ اِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِيْ صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنْذِرَ بِهٖ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ③

[این]کتابی بزرگ است که به سوی تونازلکرده شد.پس درسینه تو ازآن احساس تنگیی نباشد تا به آن هشدار دهی و مومنان را تذکراست(۳)

اِتَّبِعُوْا مَآ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءَ ؕ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ④

پیروی کنید ازآنچه ازپروردگار شما به سویتان نازل کرده شد وبه ترك او ازخداوندان پیروی نکنید. بسیار کم است آن پند که شمامیگیرید(٤)

وَكَمْ مِّنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْنٰهَا فَجَآءَهَا بَاْسُنَا بَيَاتًا اَوْ هُمْ قَآئِلُوْنَ ⑤

چه بسا از قریه های است که آنها را هلاك ساختیم. پس عذاب ما آنهارا آمدشبگاه یاآنان به قیلوله بودند(۵)

فَمَا كَانَ دَعْوٰىهُمْ اِذْ جَآءَهُمْ بَاْسُنَآ اِلَّآ اَنْ قَالُوْٓا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ۝٦

پس فریادآنهانبودهنگامیکه عذاب ما آنهارا آمدجزاینکه گفتند.یقینًا ما ستمکاران بودیم(٦)

فَلَنَسْـَٔلَنَّ الَّذِيْنَ اُرْسِلَ اِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ الْمُرْسَلِيْنَ ۝٧

پس یقیناً ما خواهیم پرسید از آنان که پیغمبرانی بسوی آنها فرستاده شده بودند و البته از پیغمبران نیز خواهیم پرسید(۷)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَّمَا كُنَّا غَآئِبِيْنَ ۝٨

و وقایع تاریخی را البته برآنان بعلم خواهیم خواند و هیچگاه ما غایب نمانده ایم(۸)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذِ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۝٩

و آنروزفقط حق وزین گردد. پس وزن کرده های آنانکه وزین باشد پس آنان پیروزمندانند(۹)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَظْلِمُوْنَ ۝١٠

وآنکه وزن کرده هایش سبك آمد پس همانها اند که خویشتنان را زیان دادند چه به آیتهای ما بی عدالتی میکردند(۱۰)

وَلَقَدْ مَكَّنّٰكُمْ فِى الْاَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيْهَا مَعَايِشَ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ۝١١ ع

ویقینًاشمارا درزمین تمکّن دادیم و برای شما در آن امرار معاش نهادیم. کم است آن سپاس که می گذارید(۱۱)

وَلَقَدۡ خَلَقۡنَٰكُمۡ ثُمَّ صَوَّرۡنَٰكُمۡ ثُمَّ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ لَمۡ يَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿١٢﴾

ویقیناً ما شما را آفریدیم. سپس شما را صورت دادیم. سپس بفرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند جز ابلیس. او از سجده کنندگان نشد(۱۲)

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسۡجُدَ إِذۡ أَمَرۡتُكَۖ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ﴿١٣﴾

[خدا]گفت، چه مانعی تو شد که سجده نکردی چون بتو فرمان کردم. گفت، من بهتر از اویم. مرا از آتش خلق کردی و او را از گل خلق کردی(۱۳)

قَالَ فَٱهۡبِطۡ مِنۡهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَٱخۡرُجۡ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿١٤﴾

[خدا]گفت: از این خارج شو. پس توفیق نیابی درآن تکبر کنی. پس خارج شو یقیناً تو از خوار شدگان ای(۱٤)

قَالَ أَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿١٥﴾

او گفت. مرا فرصت بده تا روزیکه مردم برخیزانده شوند(۱۵)

قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿١٦﴾

[خدا]گفت، یقیناً تو از مهلت دادگان ای(۱٦)

قَالَ فَبِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ صِرَٰطَكَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ﴿١٧﴾

او گفت: پس چون مرا گمراه قرار دادی یقیناً من در کمین ایشان بر راه راست تو بنشینم(۱۷)++

ثُمَّ لَاٰتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ اَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَآئِلِهِمْ ؕ وَلَا تَجِدُ اَكْثَرَهُمْ شٰكِرِيْنَ ﴿۱۸﴾

سپس حتمًاآیم برآنان ازپیشروی آنان وپشتسرآنان و از راستهای آنان و از چپهای آنان وبیشتر آنها را سپاسگذارنیابی(۱۸)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُوْمًا مَّدْحُوْرًا ؕ لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَاَمْلَـَٔنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۹﴾

[خدا] گفت: بیرون شو از اینجا مذمت شده و رانده شده. البته آنکه ازآنها از توپیروی کندحتمًا جهنم راازجمیع شما پرکنم(۱۹)

وَيٰٓاٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُوْنَا مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۲۰﴾

و ای آدم تو و زوجت در بهشت مسکن گزینیدوبخورید ازهرکجا خواستید ونزدیك این درخت نه رویدکه ازستمکاران شوید(۲۰)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطٰنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَاوٗرِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْاٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَا مَلَكَيْنِ اَوْ تَكُوْنَا مِنَ الْخٰلِدِيْنَ ﴿۲۱﴾

پس شیطان آندو را وسوسه داد تا برای آندو آشکار سازد بعضی از عورتهای را که بر آندو پنهان کرده شدوگفت،پروردگارتان شما دوی را از این درخت فقط برای

++آیت ۱۷ :تا محافظت خصوصی از خدای متعال نباشد کسانیکه بر راه مستقیم گامزن اند نیز از نیرنگ شیطان محفوظ نیستند. درباره کسانیکه قرآن مجید مغضوب علیهم و ضالین گفته است ایشان نیز بر راه مستقیم گامزن بودند ولی از نیرنگ شیطان لغزانیده شدند.

این نهی‌کرده است مبادادوفرشته بشویدیا ازجاویدان بشوید(۲۱)

وَقَاسَمَهُمَآ اِنِّیۡ لَكُمَا لَمِنَ النّٰصِحِيۡنَ ﴿۲۲﴾

و [شیطان]برای‌آندو قسمها خورد که من فقط از اندرزگویان شما هستم(۲۲)

فَدَلّٰهُمَا بِغُرُوۡرٍ‌ ۚ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا سَوۡاٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفٰنِ عَلَيۡهِمَا مِنۡ وَّرَقِ الۡجَـنَّةِ‌ ؕ وَنَادٰٮهُمَا رَبُّهُمَاۤ اَلَمۡ اَنۡهَكُمَا عَنۡ تِلۡكُمَا الشَّجَرَةِ وَاَقُلْ لَّـكُمَاۤ اِنَّ الشَّيۡطٰنَ لَـكُمَا عَدُوٌّ مُّبِيۡنٌ ﴿۲۳﴾

پس آندورابفریب عشوه کرد.پس وقتیکه آندو از آن درخت به لب زدند پس عریانیهای ایشان بر آندو پدیدار شد و برگهای بهشت را برخود پوشاندن گرفتند و پروردگار ایشان به آندو نداکرد آیاشمارا ازین درخت نهی‌کرده و نه گفته بودم که یقینًا شیطان دشمنی آشکار شما است(۲۳)

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمۡنَاۤ اَنۡفُسَنَا ٜ وَاِنۡ لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُوۡنَنَّ مِنَ الۡخٰسِرِيۡنَ ﴿۲۴﴾

آندوگفتند.پروردگارا!بر جانهای خود ستم کردیم و اگر ما را نه بخشی و برما ترحم نکنی حتمًا از زیانکاران باشیم(۲۴)

قَالَ اهۡبِطُوۡا بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ‌ ۚ وَلَـكُمۡ فِى الۡاَرۡضِ مُسۡتَقَرٌّ وَّمَتَاعٌ اِلٰى

[خدا]گفت.همه [ازاینجا] بیرون روید[حالیکه]بعضی ازشما ببعضی دشمن باشند و شما را در زمین

حِيْنٍ ﴿۲۵﴾

تا زمانی قرارگاه و بهره ناچیزی کشیدن است(۲۵)

قَالَ فِيْهَا تَحْيَوْنَ وَفِيْهَا تَمُوْتُوْنَ وَمِنْهَا تُخْرَجُوْنَ ﴿۲۶﴾ ع

[خدا]گفت،شمادراین زیست کنید و در این بمیرید و ازاین بیرون آورده شوید(۲۶)

يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُّوَارِيْ سَوْاٰتِكُمْ وَرِيْشًا ۭ وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ۙ ذٰلِكَ خَيْرٌ ۭ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ﴿۲۷﴾

ای‌فرزندان آدم!یقیناً نازل کرده ایم برایشما لباسی که عورتهای شما را میپوشد و موجب زینت است ونسبت به لباس تقوی! آنکه بهترین است. این کمی ازآیتهای خدا است تا باشد که ایشان پند بپذیرند(۲۷)

يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ كَمَآ اَخْرَجَ اَبَوَيْكُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْاٰتِهِمَا ۭ اِنَّهٗ يَرٰىكُمْ هُوَ وَقَبِيْلُهٗ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۭ اِنَّا جَعَلْنَا الشَّيٰطِيْنَ اَوْلِيَآءَ لِلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۲۸﴾

ای‌فرزندان آدم!هرگزشیطان شما را به آزمایش نیفکند بطوریکه مادروپدر شما را از بهشت خارج گردانده بود.او لباس ایشانرا از ایشان برکنده بود تا عورتهای ایشان را برایشان آشکار سازد. یقینًااو و دارودستانش شمارا از جای بنگرندکه شماآنهارانتوانید بنگرید.یقینًا ماشیطانهارادوستان

آنهائی قراردادیم که ایمان نمی آرند(۲۸)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۖ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾

و هنگامیکه فحشائی کنند گویند ما پدران خود را برآن یافتیم و خدا ما را برای آن دستور داده است. بگو یقینًا خدا به فحشائی دستورنمیدهد.آیابرخدا میگویید آنچه نمیدانید(۲۹)

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۖ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٣٠﴾

بگو. پروردگارم به عدالتمندی امر کرده است نیز اینکه در هر مسجدی رویهای حودرا [بسوی خدا] راست نمایید و دین را برای او خالص کرده او را بخوانید. شما [پس از مرگ] برگردید بطوری که او شما را نخستین بار ابداع کرد(۳۰)

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٣١﴾

اوگروهی‌را هدایت داد و گروهی است که برآنها گمراهی لازم شد. همانا آنان خدا را ترک کرده شیطانهارا دوست گرفتند و گمان کنندآنهاهدایت یافتگانند(۳۱)

يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَّكُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا ۚ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿۳۱﴾ ع

ای فرزندان آدم در هرکدام مسجد زینت خود [لباس تقوی] اختیار کنیدو بخورید و بنوشیدو زیاده روی نکنید یقینًاخدا زیاد روی کنندگان رادوست ندارد(۳۲)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللّٰهِ الَّتِيْٓ اَخْرَجَ لِعِبَادِهٖ وَالطَّيِّبٰتِ مِنَ الرِّزْقِ ؕ قُلْ هِيَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿۳۲﴾

بگوکه آن زینت خدا را که او برای بندگان خود پدید آورد و پاکیزه های رزق را حرام کرده است؟بگوآنها دراین دنیا برای مومنان است و در روز قیامت که خالصًابرایشان است. اینگونه ما آیتهای‌خودرابروشنی بیان کنیم برای قومیکه دانشمند اند(۳۳)

قُلْ اِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْاِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَاَنْ تُشْرِكُوْا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا وَّاَنْ تَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۳۴﴾

بگو.پروردگارم فحشایهاچه عیان از آنها و چه نهان و گناه و بَغی بناحق واینکه باخدا شریك قرار دهیدآنچه را که بحق آن او دلیلی نازل نکرده است و اینکه برخدا سخنی گویید که نمیدانید، حرام قرار داده است(۳٤)

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ ۚ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا

و برای هر کدام امت نهایت

يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٥﴾

زمانی معیّن است. پس هرگاه نهایت زمانی ایشان برسدنتوانند تاخیر کنند لحظهٔ ی و نتوانند پیشی گیرند(۳۵)

يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِى ۙ فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٦﴾

ای فرزندان آدم!هرگاه شما را بیآیدرسولی‌ازخودشماکه آیتهای مرا برشما فروخواند آنگاه هرکه تقویٰ راپیش گیردواصلاح نماید پس نیست ایشانرابیمی‌ونه اندوه خورند(۳٦)+ +

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسْتَكْبَرُوا۟ عَنْهَآ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٣٧﴾

وکسانیکه به آیتهای‌ماتکذیب واز آنها سرباززدند همانها اهل جهنم اند و آنها مدت دراز در آن می مانند(۳۷)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ ۙ قَالُوٓا۟ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ

پس کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بندد یا به آیتهای او تکذیب کند همانها اند که آنهارا سهم آنان ازنوشته تقدیربرسد تا چون فرشتگان مانزد آنها بیایند

++آیت۳٦:خطاب عمومی‌به فرزندان آدم است که هرگاه آنانرا رسولان ما بیایند و آیتهای خدا را برآنان بخوانندآنگاه باید شما ازآنها روگردانی نکنید.

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا وَشَهِدُوْا عَلٰۤى اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا كٰفِرِيْنَ ﴿۳۸﴾

که آنانرا وفات دهند گویند، کجا اندآنچه ماراجزخدا میخواندید؟ [جوابًا] گویند.آنها همه از ما گم گشته اند و خلاف نفسهای خود گواهی دهند که آنها کافران بودند(۳۸)

قَالَ ادْخُلُوْا فِيْۤ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ فِي النَّارِ ؕ كُلَّمَا دَخَلَتْ اُمَّةٌ لَّعَنَتْ اُخْتَهَا ؕ حَتّٰۤى اِذَا ادَّارَكُوْا فِيْهَا جَمِيْعًا ۙ قَالَتْ اُخْرٰىهُمْ لِاُوْلٰىهُمْ رَبَّنَا هٰۤؤُلَآءِ اَضَلُّوْنَا فَاٰتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۬ؕ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَّلٰكِنْ لَّا تَعْلَمُوْنَ ﴿۳۹﴾

[خدا]گوید.بداخل آتش شوید با قوم های از جن و انس که پیش ازشما درگذشته اند. هرگاه امتی وارد [آتش] شوند برخواهر [دار ودسته]خود لعنت فرستند تا آن انتها که هرگاه همه در آن جمع شوند آخرین آنان درباره اولین خود گویند پروردگارا! همانها ماراگمراه کرده بودند.پس عذاب آتش رابرای آنها دوبرابربیافزا. اوگوید،هرکس را[عذاب]دوبرابر میرسد و اما شما نمیدانید(۳۹)

وَقَالَتْ اُوْلٰىهُمْ لِاُخْرٰىهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا

و[گروه] اولین ایشان به آخرین خودگویند:شمارابرماهیچ برتری نیست. پس عذاب آتش را بچشید

كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿٤٠﴾

بعلت آن گناه که میکردید(۴۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَاسْتَكْبَرُوْا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ اَبْوَابُ السَّمَآءِ وَلَا يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ حَتّٰى يَلِجَ الْجَمَلُ فِيْ سَمِّ الْخِيَاطِ ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٤١﴾

یقیناً کسانیکه به آیتهای ماتکذیب کردند و ازآنها تکبرنمودند برای آنان درب های آسمان گشوده نه شود و وارد بهشت نشوند تا آنگاه که شتری به چشمه سوزان برود و مجرمان را پاداش این گونه میدهیم(۴۱)

لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَّمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الظّٰلِمِيْنَ ﴿٤٢﴾

برای آنها جایگاهی است مهیا شده درجهنم و از فوق آنان پوشه های [ظلمت] لا به لا باشد و ستم کاران را پاداش اینگونه می دهیم(۴۲)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَآ ؗ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٤٣﴾

وکسانیکه ایمان آوردند و اعمال نیکوی‌بجاآوردند مانفسی‌رافراتر از گنجایش او تکلیف نمیکنیم. ایشان اهل بهشتند.ایشان درآن جاویداند(۴۳)

وَنَزَعْنَا مَا فِيْ صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ ۚ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ

و هر کینهٔ را از سینه های آنان برکشیم. زیر آنها نهرهای روان شود وایشان گویندستایش مطلق

الَّذِیْ هَدٰىنَا لِهٰذَا ۗ وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لَاۤ اَنْ هَدٰىنَا اللّٰهُ ۚ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ؕ وَنُوْدُوْۤا اَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ اُوْرِثْتُمُوْهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٤٤﴾

برای آن خدااست که مارا برای اینجا هدایت نمود حالیکه مرگز ما راه یافتگان نبودیم اگرخدا مارا هدایت نمیداد. یقینًا رسولان پروردگارما بحق آمده بودند و ندا کرده شوند که این آن بهشت است که شماوارث آن قرار داده شدید بعلت آنچه میکردید(٤٤)

وَنَادٰۤی اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ اَصْحٰبَ النَّارِ اَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُّمْ مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ؕ قَالُوْا نَعَمْ ۚ فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌۢ بَیْنَهُمْ اَنْ لَّعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی الظّٰلِمِیْنَ ﴿٤٥﴾

و بهشتیان به جهنمیان ندا زنند که یقینًاماصدق کرده یافتیم آنچه پروردگارما وعدهٔ داد.آیا شمانیز صدق کرده یافتیدبه آنچه پرور-دگارتان وعدهٔ داد؟ [جهنمیان] گویند.بلی.آنگاه منادیئی درمیان ایشان بانگ زندکه لعنت خدا باد برستمکاران(٤٥)

الَّذِیْنَ یَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَیَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ۚ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ كٰفِرُوْنَ ﴿٤٦﴾

آنانکه از راه خدا باز میدارند و آن را کج میخواهند و آنها به آخرت منکرانند(٤٦)

وَبَیْنَهُمَا حِجَابٌ ۚ وَعَلَی الْاَعْرَافِ رِجَالٌ یَّعْرِفُوْنَ كُلًّاۢ بِسِیْمٰىهُمْ ۚ وَنَادَوْا

و در میان ایشان پردهٔ حائل است و برجاهای مرتفع مردانی

اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اَنْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ قف لَمْ يَدْخُلُوْهَا وَهُمْ يَطْمَعُوْنَ ﴿۴۷﴾

اند که همه را به سیمایشان بشناسندو بهشتیان را نداکنند که درود بر شما.ایشان بداخل آن [بهشت] نشده اند حالانکه ایشان [به آن] آرزوخواهند داشت(۴۷)

وَ اِذَا صُرِفَتْ اَبْصَارُهُمْ تِلْقَآءَ اَصْحٰبِ النَّارِ ۙ قَالُوْا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۴۸﴾ ع

وچون دیدگان ایشان بسوی جهنمیان برگردانده شود گویند، ای پروردگارما! مارا با قوم ستم کاران نگردان(۴۸)

وَنَادٰٓى اَصْحٰبُ الْاَعْرَافِ رِجَالًا يَّعْرِفُوْنَهُمْ بِسِيْمٰهُمْ قَالُوْا مَآ اَغْنٰى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿۴۹﴾

و اهل جاهای مرتفع مخاطب شوند به مردانی که آنها را از سیمای ایشان بشناسند و گویند، نه گرد هم آیی شما بکار شما آمد و نه آنچه شما تکبر می ورزیدید(۴۹)

اَهٰٓؤُلَآءِ الَّذِيْنَ اَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ ؕ اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَآ اَنْتُمْ تَحْزَنُوْنَ ﴿۵۰﴾

آیا همانهایند که شما قسمها می خوردید که خدا برایشان ترحم نخواهدکرد؟[ای مومنان!]بداخل بهشت شوید.شمارا نه بیمی است و نه شما اندوهگین شوید(۵۰)

وَنَادٰٓى اَصْحٰبُ النَّارِ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اَنْ اَفِيْضُوْا عَلَيْنَا مِنَ الْمَآءِ اَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ ؕ

اهل آتش ندا زنند اهل بهشت را

قَالُوٓا اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿۵۱﴾

که کمی از آب و آنچه خدا بشما رزق در داده است بسوی ما نیز بریزید. گویند، یقینًا خدا این هر دو را بر کافران حرام نموده است(۵۱)

الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنَهُمْ لَهْوًا وَّ لَعِبًا وَّغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ نَنْسٰىهُمْ كَمَا نَسُوْا لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا ۙ وَمَا كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ﴿۵۲﴾

کسانیکه دین خود را ببازی و هزل گرفتند و زندگی دنیا آنها را فریبداد پس امروز ما ایشان را همانگونه فراموش نمایم که ملاقات اینروز خود را فراموش کرده بودند و چه به آیتهای ما انکار میکردند(۵۲)

وَلَقَدْ جِئْنٰهُمْ بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ عَلٰى عِلْمٍ هُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۵۳﴾

و یقینًا ما ایشان را کتابی آورده بودیم که آنرا بر مبنای علم تفصیل داده بودیم آن هدایت و رحمت بود آنانرا که ایمان میآرند(۵۳)

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا تَاْوِيْلَهٗ ۗ يَوْمَ يَاْتِيْ تَاْوِيْلُهٗ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ نَسُوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۚ فَهَلْ لَّنَا مِنْ شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوْا لَنَآ اَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ

آیاآنهافقط به تاویل آن انتظار دارند؟ روزیکه تاویل آن بیآید آنهائی که ازین پیش آن [کتاب] را فراموش کرده بودندگویند: رسولان پروردگار ما یقینًابحق

غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ؕ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۵۴﴾ ع

آمده بودند.پس آیامارا ازشفعیان هستند که برای ماشفاعت کنند یا ما برگردانده شویم تا عمل کنیم بغیرازآنکه میکردیم.یقیناً جانهای خود را زیان زدند و ناپیدا شد از آنها آنچه برمیبافتند(۵٤)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ قف يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا لا وَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرٰتٍ بِأَمْرِهِ ؕ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِينَ ﴿۵۵﴾

یقیناًپروردگارتان آن خدای‌است که آسمانهاوزمین را درشش زمان آفرید.سپس برعرش قرارگرفت او روز را با شب میپوشاند در حالیکه روز آنرا بشتاب میطلبد و خورشید و ماه و ستارگان [را آفریدکه]به امرش مسخرشده اند. باش!آفریدن وامرکردن برای او اختصاص دارد.بس تنها اوصاحب برکت ثابت شدکه پروردگار همه جهانها است(۵۵)++

++آیت۵۵: منظور از شش روز شش دور است و یك دور میلیونها ساله هم توان باشد. مفهوم "استوار برعرش" اینست که پس از آفرینش را تمام کرده خدا از آفریدگان خود بی تعلق نمیشود بلکه همچون یك پادشاه که قوم خویش را نگهبانی میکند خدا هم آفرینشهای خود را نگهبانی میکند.

اُدْعُوْا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّخُفْيَةً ؕ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ ۚ﴿۵۶﴾

پروردگارخودرا باتضرع ونهانی بخوانید یقینًا او تجاوزگران را دوست ندارد(۵۶)

وَلَا تُفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوْهُ خَوْفًا وَّطَمَعًا ؕ اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۵۷﴾

و در زمین پس از اصلاحش فساد نگسترید و او را با بیم و امید بخوانید.یقینًارحمت خدا نزدیك محسنان است(۵۷)

وَهُوَ الَّذِيْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ بُشْرًاۢ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهٖ ؕ حَتّٰۤى اِذَاۤ اَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَنْزَلْنَا بِهِ الْمَآءَ فَاَخْرَجْنَا بِهٖ مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ ؕ كَذٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتٰى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿۵۸﴾

و او است آنکه بادها را پیشرو رحمت خودمژده دهنده میفرستد تا آن انتها چون آن ابری سنگین را بر میدارد آنرا به دیاری مردهٔ میرانیم. پس آب را از آن نازل میکنیم. پس به آن هرنوع میوههای را درمیآوریم.همینگونه مامردگان را [زنده کرده] بیرون میآوریم تا شماپند بپذیرید(۵۸)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهٗ بِاِذْنِ رَبِّهٖ ۚ وَالَّذِيْ خَبُثَ لَا يَخْرُجُ اِلَّا نَكِدًا ؕ كَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّشْكُرُوْنَ ۚ﴿۵۹﴾

و سر زمین پاك را رستنی آن به اذن پروردگارش [پاك] بیرون آید و ازآنکه ناپاکست بیرون نمیآیدجزچیزی‌پست.این طور ما آیتهای خود را بیان کنیم برای

قومیکه سپاسگذارند(۵۹)

لَقَدۡ اَرۡسَلۡنَا نُوۡحًا اِلٰى قَوۡمِهٖ فَقَالَ يٰقَوۡمِ اعۡبُدُوا اللّٰهَ مَا لَـكُمۡ مِّنۡ اِلٰهٍ غَيۡرُهٗ ؕ اِنِّىۡۤ اَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيۡمٍ ﴿۶۰﴾

البته مانوح را نیزبسوی قومش فرستاده بودیم. پس او گفت: ای قوم من خدا را عبادت کنید که شمارا جز اوهیچ معبودی نیست. یقینًامن بر شما از عذاب روزی بزرگ میترسم(۶۰)

قَالَ الۡمَلَاُ مِنۡ قَوۡمِهٖۤ اِنَّا لَـنَرٰٮكَ فِىۡ ضَلٰلٍ مُّبِيۡنٍ ﴿۶۱﴾

سرداران قومش گفتند،ای نوح یقینًاما تو را در گمراهی آشکارا می بینیم(۶۱)

قَالَ يٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِىۡ ضَلٰلَةٌ وَّلٰكِنِّىۡ رَسُوۡلٌ مِّنۡ رَّبِّ الۡعٰلَمِيۡنَ ﴿۶۲﴾

[نوح]گفت:ای‌قوم من! گمراهی به من نیست بلکه از پروردگار همه جهانها رسولی هستم(۶۲)

اُبَلِّغُكُمۡ رِسٰلٰتِ رَبِّىۡ وَاَنۡصَحُ لَـكُمۡ وَاَعۡلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعۡلَمُوۡنَ ﴿۶۳﴾

پیامهای پروردگارخود را بشما ابلاغ مینمایم و شمارا نصیحت میکنم و می دانم ازخدا آنچه شما نمیدانید(۶۳)

اَوَعَجِبۡتُمۡ اَنۡ جَآءَكُمۡ ذِكۡرٌ مِّنۡ رَّبِّكُمۡ عَلٰى رَجُلٍ مِّنۡكُمۡ لِيُنۡذِرَكُمۡ وَلِتَتَّقُوۡا وَلَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُوۡنَ ﴿۶۴﴾

آیاتعجب میکنید که شما راپندی ازپروردگارشما برمردی از خود شما آمده تا شما را هشداردهد و تا تقوی را اختیار کنید و تا

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَٰهُ وَالَّذِينَ مَعَهُۥ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِنَآ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٥﴾

باشد که رحم کرده شوید(٦٤)
پس او را تکذیب کردند و ما او و آنانراکه با او درکشتی بودند نجات دادیم و آنانکه به آیتهای ماتکذیب کردند را غرق نمودیم. یقیناًآنها قومی کور بودند(٦٥)

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٦﴾

و بسوی عاد برادر آنان هود [ را فرستادیم] او گفت ای قوم من!خدا راعبادت کنید.شماراهیچ معبودی‌نیست جزاو.آیاشما تقوی را اختیار نمیکنید؟(٦٦)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَٰذِبِينَ ﴿٦٧﴾

آن سرداران از قومش که کفر کرده بودند گفتند: یقینًا ما ترا در سفاهت مینگریم و براستی ما میپنداریم که حتمًا تو از دروغ گویانی(٦٧)

قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَٰلَمِينَ ﴿٦٨﴾

[هود]گفت:ای‌قوم من! سفاهتی در من نیست بلکه من رسولی ام از پروردگارجهانها(٦٨)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٩﴾

پیغامهای پروردگارخود را بشما ابلاغ مینمایم و من برایشما

نصیحت کننده ای مورد اعتماد هستم(۶۹)

أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ ۚ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٠﴾

آیا تعجب میکنید که شما راپندی ازپروردگارتان برمردی ازخود شما آمده است تاشما را هشدار دهد و بیاد آورید چون او بعد از قوم نوح شمارا جانشین قرار داد و درآفرینش نسل شمافراخی داده شمارا افزود.پس بیاد آورید نعمتهای خدا را تا رستگار شوید(۷۰)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۖ فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧١﴾

گفتند:آیا نزدما آمدی تا خدا را یکتانه عبادت کنیم و رها کنیم آنها را که پدران ما عبادت می کردند؟ پس بیآر برای ما از آن چه مارا میترسانی اگر تو از راستگویانی(۷۱)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ

اوگفت یقینًا ناپاکی و غضب از پروردگارتان بر شما واجب شده است آیا درباره آن نامهای بمن ستیزه میکنید که شما و پدران

بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ۭ فَانْتَظِرُوْٓا اِنِّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿۷۲﴾

شمابرنهاده اید درحالیکه خدا در حق آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است.پس منتظر باشید. منهم با شما ازجمله منتظرانم(۷۲)

فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿۷۳﴾

پس ما او را وآنانکه با او بودند برحمت خودنجات دادیم و ریشه آنهاکه به آیتهای‌ما تکذیب کردند برکندیم و آنها ایمان آوردگان نه بودند(۷۳)

وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۭ قَدْ جَاۗءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ ۭ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْۗءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۷۴﴾

و بسوی‌ثمود برادرایشان صالح [را فرستادیم که]گفت:ای قوم من خدا راعبادت کنید.شمارا جز او هیچ معبودی نیست یقینًا شما را دلیلی‌آشکارازپروردگارتان آمده است.این ناقه خدابرای شماآیتی است.پس آنرابگذاریدکه درزمین خداچراکندوآنرانیآزاریدکه شما راعذابی‌دردناك فراگیرد(۷٤)++

++آیت۷٤:منظوراز ناقة الله آن ناقه حضرت صالح بود که سوار برآن قومش را پیغام رسالت ابلاغ میکردند. چون شماری ازسرداران بدبخت که عددشان را نه میگویند آن ناقه راپی‌کرده جلوتبلیغ رسالت را گرفتند مستوجب عذاب شدند.

وَاذْكُرُوٓا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ ٱلْجِبَالَ بُيُوتًا ۖ فَٱذْكُرُوٓا ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٥﴾

و یادکنیدچون اوشماراپس ازقوم عادجانشین برگزید و شما را در زمین آبادان کرد.شما در میادین آن قصرهابنا کنید وبرای ساختن خانه ها کوه هارا میتراشید.پس بیادآریدنعمتهای خدارا و مفسدانه درزمین تباهکاری نکنید(۷۵)

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ قَالُوٓا إِنَّا بِمَآ أُرْسِلَ بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٦﴾

آن سرداران ازقومش که تکبر کرده بودند به مستضعفان یعنی آنانکه ایمان آورده بودندگفتند آیا میدانیدکه صالح ازپروردگار خودپیغمبرشده است.آنان گفتند: یقیناًماباآن پیغام که اوفرستاده شد به آن ایمان میآریم(۷۶)

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا إِنَّا بِٱلَّذِىٓ ءَامَنتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٧٧﴾

آنانکه تکبر کردند گفتند:یقیناًما آنراکه به آن شماایمان آورده اید انکار میکنیم(۷۷)

فَعَقَرُوا ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَٰصَٰلِحُ ٱئْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٧٨﴾

پس آنها ناقه را پی کردند و از فرمان پروردگارخود نافرمانی کردندوگفتند.ای صالح!بیآر برای ما به آنچه مارا میترسانی اگرتو

از رسولانی(۷۸)

فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِيْ دَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿۷۹﴾

پس زلزلهٔ شدید آنها رابگرفت و در خانه های خود بروی زانوها افتاده ماندند(۷۹)

فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّيْ وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلٰكِنْ لَّا تُحِبُّوْنَ النّٰصِحِيْنَ ﴿۸۰﴾

پس او از آنها روی برگرداند و گفت:ای قوم من!یقینًامن پیغام پروردگارخود رابشمارسانیده ام و شمارا نصیحت کرده ام ولی شمانصیحت کنندگان را دوست ندارید(۸۰)

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖۤ اَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۸۱﴾

و لوط را[فرستادیم]چون بقوم خود گفت:آیاشما فحشائی آورید که به آن هیچیك از جهانیان پیشی نگرفت(۸۱)

اِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُوْنِ النِّسَآءِ ؕ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُوْنَ ﴿۸۲﴾

یقیناًشمازنان را ترك کرده نزد مردان ازروی شهوت میآیید بلکه شما قوم تجاوزگرانید(۸۲)

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖۤ اِلَّاۤ اَنْ قَالُوْۤا اَخْرِجُوْهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ ۚ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَّتَطَهَّرُوْنَ ﴿۸۳﴾

و جواب قومش نبود جز اینکه گفتند،آنهارااز شهر خودتبعید کنید. همانا آنها کسانی اند که خودشان را پارسا میدانند(۸۳)

فَأَنْجَيْنٰهُ وَأَهْلَهٗٓ إِلَّا امْرَأَتَهٗ ۖ كَانَتْ مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس او و اهلش رانجات داديم جز همسرش که آنزن از جمله باز ماندگان شد(۸٤)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٨٥﴾ ع

وبرآنهانوع باران بارانيديم.پس بنگر که عاقبت مجرمان چگونه بود(۸۵)

وَإِلٰى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۖ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۖ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيْزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوْا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۖ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٨٦﴾

وبسوی مدين برادرايشان شعيب را [فرستاديم]او گفت: ای قوم من خدا راعبادت کنيد. شماراجز اوهيچ معبودی نيست. شمارا از پروردگاتان نشانه ای‌روشن آمده است. پس کيل وترازو را کامل دهيد و مردم را ازکالايشان کم و کاست ندهيد و درزمين پس از اصلاح آن فسادنگستريد.اين در حق شمابهتراست اگرشمامومنان ايد(۸٦)

وَلَا تَقْعُدُوْا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوْعِدُوْنَ وَتَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِهٖ وَتَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ۚ وَاذْكُرُوْٓا إِذْ كُنْتُمْ

ونه نشينيدبرهربزرگراهی تهديد کنان و از راه خدا باز داشته آن کس راکه براو ايمان آورده باشد و شما آن [راه] را کج ميخواهيد

قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ ۖ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٧﴾

و بیادآورید چون شماکم بودید پس اوشماراتکثیرکرد و بنگرید که عاقبت فسادکاران چگونه بود(۸۷)

وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٨﴾

و اگرگروهی ازشما ایمان آورده اند بر آن [هدایت] که به آن من فرستاده شده ام و گروهی ایمان نمیآورند پس صبر کنید تاآنگاه که خدا میان ما فیصل دهد و او بهترین فیصل دهندگانست(۸۸)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۚ قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿٨٩﴾

آن سرداران از قوم او که تکبر کرده بودند گفتند: ای شعیب احتمًا ما تورا و آنانکه با تو ایمان آورده اند ازشهر بیرون کنیم یا باید درملت ماباز گردید. او گفت، آیا اگرچه ما ناپسند دارندگان هم باشیم؟(۸۹)

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا ۚ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا ۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۚ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٩٠﴾

یقینًا ما بر خدا دروغ بندیم اگر باز گردیم در ملت شما پس از آنکه خدا ما را ازآن نجات داده است. برای ما غیرممکن است که در آن بازگردیم مگرکه خدا پروردگار ما بخواهد. پروردگار ما هر چیز را بدانش فرا گرفته است. ما برخدا توکل میکنیم. ای پروردگارما! میان ما و میان قوم ما فیصل بده و تو بهترین فیصل دهندگانی(۹۰)

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ﴿٩١﴾

و آن سرداران ازقومش که کفر کرده بودند گفتند، اگر شما از شعیب فرمان بردید آنگاه حتمًا

شما زیان کارانید(۹۱)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جٰثِمِينَ ﴿٩٢﴾

آنگاه زلزلهٔ شدید آنهارا بگرفت و درخانه های خود به روی در افتادگان شدند(۹۲)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخٰسِرِينَ ﴿٩٣﴾

آنانکه شعیب را تکذیب کردند گویی هیچگاه درآن[میهن] اسکان نداشتند. آنهاکه شعیب را تکذیب کردندآنها زیانکاران بودند(۹۳)

فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسٰلٰتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ ۖ فَكَيْفَ ءَاسٰى عَلٰى قَوْمٍ كٰفِرِينَ ﴿٩٤﴾

پس[شعیب]ازآنهاروی‌برگرداندو گفت ای قوم من!یقیناً پیامهای پروردگارخود را به شما ابلاغ نموده ام و برای شما پند گفته ام. پس چگونه بر قوم کافران افسوس بخورم(۹٤)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٥﴾

و در هیچ قریه ای رسولی نه فرستادیم مگر که ساکنانش را [بکفرشان] گاه بتنگی و گاه بسختی بگرفتیم تا باشد که آنها زاری کنند(۹۵)

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتّٰى عَفَوا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ

سپس حالت سختی را به خیر و نعمت تبدیل نمودیم تا آن انتها

وَالسَّرَّآءُ فَاَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً وَّ هُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿۹۶﴾

که [آنرا]فروگذاشتندوگفتندالبته سختی و آسایش که به پدران ما نیز میرسید. پس ناگهان آنهارا بگرفتیم درحالیکه آنهاهیچ درك نمیکردند(۹۶)

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰٓى اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكٰتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاَخَذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۹۷﴾

واگر ساکنان قریه ها ایمان می آوردند وتقویٰ رااختیارمیکردند یقینًا درمای برکاتی را ازآسمان و زمین برآنها میگشودیم.اما آنها تکذیب کردند.پس ما آنها را بگرفتیم بپاداش آنچه کسب می کردند(۹۷)

اَفَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا بَيَاتًا وَّهُمْ نَآئِمُوْنَ ﴿۹۸﴾

پس آیا ساکنان قریه ها ازین ایمن شده اند که عذاب شبی ما آنهارا برسد حالیکه آنها خفتگان اند(۹۸)

اَوَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًى وَّهُمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿۹۹﴾

وآیاساکنان قریه ها ازین ایمن شده اند که عذاب چاشتگاهی ما آنها را برسددرحالیکه آنها بازی کنانند(۹۹)

اَفَاَمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ ۚ فَلَا يَاْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ

پس آیاازتدبیرخدا ایمن شده

اِلَّا الۡقَوۡمُ الۡخٰسِرُوۡنَ﴿۱۰۰﴾ ع

اند؟ پس ایمن شده خیال نکند از تدبیر خدا جز قوم زیان کاران(۱۰۰)

اَوَلَمۡ یَهۡدِ لِلَّذِیۡنَ یَرِثُوۡنَ الۡاَرۡضَ مِنۡۢ بَعۡدِ اَهۡلِهَاۤ اَنۡ لَّوۡ نَشَآءُ اَصَبۡنٰهُمۡ بِذُنُوۡبِهِمۡ ۚ وَنَطۡبَعُ عَلٰی قُلُوۡبِهِمۡ فَهُمۡ لَا یَسۡمَعُوۡنَ﴿۱۰۱﴾

آیا برای آنانکه این زمین را بعد از ساکنان آن ارث کرده اند رهنمائی‌نکردکه اگربخواهیم آنها را بپاداش گناهان آنهاکیفرکنیم و بر قلب های‌آنهامهرنهیم تا آنها نشنوند[ونفهمند](۱۰۱)

تِلۡکَ الۡقُرٰی نَقُصُّ عَلَیۡکَ مِنۡ اَنۡۢبَآئِهَا ۚ وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُمۡ بِالۡبَیِّنٰتِ ۚ فَمَا کَانُوۡا لِیُؤۡمِنُوۡا بِمَا کَذَّبُوۡا مِنۡ قَبۡلُ ؕ کَذٰلِکَ یَطۡبَعُ اللّٰهُ عَلٰی قُلُوۡبِ الۡکٰفِرِیۡنَ﴿۱۰۲﴾

این آن قریه هایست که اخبار بعضی از آنهارابرای توحکایت میکنیم و یقینًا آنانرارسولانشان بانشانه های‌آشکارآمده بودندولی نبودندکه ایمان می‌آوردند چه قبلًا [نیز به رسولان] تکذیب کرده بودند. این گونه خدا بر دلهای کافران مهر مینهد(۱۰۲)

وَمَا وَجَدۡنَا لِاَکۡثَرِهِمۡ مِّنۡ عَهۡدٍ ۚ وَاِنۡ وَّجَدۡنَاۤ اَکۡثَرَهُمۡ لَفٰسِقِیۡنَ﴿۱۰۳﴾

و بسیاری را از آنان پاس دهنده هیچ عهدی نیافتیم ویقینًابسیاری را از آنان زشتکاریافتیم(۱۰۳)

ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۡۢ بَعۡدِهِمۡ مُّوۡسٰی بِاٰیٰتِنَاۤ اِلٰی

باز پس از آنها موسی را با

فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَظَلَمُوْا بِهَا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿۱۰۴﴾

آیتهای خود بسوی فرعون و سرداران او مبعوث نمودیم.پس آنان به آن [آیت] ها بی انصافی کردند. پس بنگر فرجام فساد کاران چگونه بود(۱۰٤)

وَقَالَ مُوْسٰى يٰفِرْعَوْنُ اِنِّيْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۰۵﴾

وموسیٰ گفت:ای فرعون براستی من از پروردگار همه جهان ها رسولی ام(۱۰۵)

حَقِيْقٌ عَلٰٓى اَنْ لَّآ اَقُوْلَ عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ ؕ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَرْسِلْ مَعِيَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿۱۰۶﴾

واجب است بر من که برخدا جز حق سخنی‌نگویم.نشانه ای روشن از پروردگارتان برایشما آورده ام. پس بنی‌اسرائیل را با من بفرست(۱۰٦)

قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِاٰيَةٍ فَأْتِ بِهَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۱۰۷﴾

[فرعون]گفت:اگرنشانهٔ آورده ای پس آنرابیآراگرتوازراستگویان ای(۱۰۷)

فَاَلْقٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۰۸﴾

پس اوعصای‌خود را افکندید پس ناگاه آن علناًاژدهائی‌بود(۱۰۸)+

وَّنَزَعَ يَدَهٗ فَاِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿۱۰۹﴾ ع

و او دست خود را بیرون کشید پس ناگاه به بینندگان سفید دیده می شد(۱۰۹)++

قَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۱۰﴾

سرداران از قوم فرعون گفتند حتماً این جادوگرِ ماهری است(۱۱۰)

يُّرِيْدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ ۚ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ ﴿۱۱۱﴾

او میخواهد شما را از سرزمین شما بیرون کند[فرعون گفت]شما چه مشورت میدهید(۱۱۱)

قَالُوْٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَاَرْسِلْ فِى الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿۱۱۲﴾

گفتند، او و برادرش را فرصت بده و در شهرها گردآوردگان را بفرست(۱۱۲)

يَاْتُوْكَ بِكُلِّ سٰحِرٍ عَلِيْمٍ ﴿۱۱۳﴾

آنان هرنوعی جادوگر حرفه ای را نزد تو بیآرند(۱۱۳)

وَجَآءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوْٓا اِنَّ لَنَا لَاَجْرًا اِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِيْنَ ﴿۱۱۴﴾

و جادوگران بر فرعون آمده گفتند، یقیناً مارا پاداشی بزرگ است اگر ماغالب آئیم(۱۱۴)

قَالَ نَعَمْ وَاِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ﴿۱۱۵﴾

اوگفت، بلی! بعلاوه حتماً شما از جمله مقربان شوید(۱۱۵)

---

آیات ۱۰۸ـ ۱۰۹: این دو نشان از آن نه نشان است که حضرت موسیٰ و حضرت هارون علیهماالسلام را از جانب خدا اعطاشد. از دیگر آیتها مشخص میشود که چوب دستی بیقین ماری نشده بود بلکه دیدگان بینندگان دراثر تصرّف خدای متعال چوب دستی را ماری میدیدند. همینطور چگونگی دست حضرت موسیٰ بود که رنگش همان طبیعی بود اما بینندگان را بعنوان نشانه درخشان دیده میشد.

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٦﴾

گفتند:ای موسیٰ! [نخست] یا تو بیفکن یا اینکه ما افکندگان باشیم(۱۱۶)

قَالَ أَلْقُوا ۖ فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٧﴾

او گفت، شما بیفکنید. پس دمیکه افکندند چشمان مردم را جادویی کردند وآنانرا سخت ترساندند و تردستییبزرگ آوردند(۱۱۷)++

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٨﴾

وما بسوی موسی وحی فرستادیم که عصای‌خودرابیفکن.پس ناگهان آن فرومیبرد آن دروغ را که آنها بهم میبافتند(۱۱۸)++

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٩﴾

پس حق واقع شد و آنچه داشتند می کردند دروغ درآمد(۱۱۹)

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ ﴿١٢٠﴾

پس آنان آنجا مغلوب کرده شدند و خوارباز گشتند(۱۲۰)

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢١﴾

و جادو گران به حالت سجده افکنده شدند(۱۲۱)

++آیت۱۱۷ـ ۱۱۸ :اینجاحقیقت جادوافشاکرده شد.کلمات"سحرو اعین الناس" می گوید که چشمانشان راچگونگی مسمریزم سان فراگرفت باآنکه ریسمان از حالت اصلی‌خودتغییرنیافته بود.این عمل حضرت موسیٰ‌رانیزتحت تاثیری‌گذاشت اماچون خدافرمانکردکه چوبدستی‌رابیفکن پس تاثیرجادوشکست وازسربینندگان فرورفت.

قَالُوٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۲۲﴾

رَبِّ مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ﴿۱۲۳﴾

قَالَ فِرْعَوْنُ اٰمَنْتُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ ۚ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوْهُ فِي الْمَدِيْنَةِ لِتُخْرِجُوْا مِنْهَآ اَهْلَهَا ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۱۲۴﴾

گفتند. ما ایمان آوردیم به پروردگار همه جهانها ـ (۱۲۲)

پروردگارموسی و هارون(۱۲۳)

فرعون گفت:آیابراو ایمان آورده اید پیش ازآنکه من شمارااجازه میدادم؟یقیناً این دسیسهٔ ی است که درشهر به نیرنگ درست کرده اید تا ساکنان آنرا از آن بیرون رانید. پس شما به زودی بدانید(۱۲٤)

لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَاُصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۲۵﴾

قَالُوْٓا اِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ﴿۱۲۶﴾ ۚ

حتمًا دست و پاهایتان را از سمت مخالف میبرم سپس حتمًا جمیع شما را بدار میکشم(۱۲۵)

گفتند.یقینًا ما بسوی پروردگار خود بازگشتگانیم(۱۲٦)

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّآ اِلَّآ اَنْ اٰمَنَّا بِاٰيٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَا ؕ رَبَّنَآ اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّتَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ ﴿۱۲۷﴾ ع

و عیبی ازما نمیکنی مگر که ما به آیتهای پروردگارخود ایمان آوردیم چون ماراآمد.پروردگارا! صبر را بر ما بریز و ما را مسلمانان بمیران(۱۲۷)

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اَتَذَرُ

وسرداران از قوم فرعون گفتند.

مُوسٰى وَقَوْمَهٗ لِيُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَاٰلِهَتَكَ ؕ قَالَ سَنُقَتِّلُ اَبْنَآءَهُمْ وَنَسْتَحْيٖ نِسَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّا فَوْقَهُمْ قٰهِرُوْنَ ﴿۱۲۸﴾

آیا موسی و قومش را واگذاری تادرزمین فسادکنندوتو ومعبودان تو را ترک کنند. اوگفت،حتمًا ما پسران آنانرا کشته و زنان آنان را زنده نگهداریم و یقینًا ما بر آنها سخت زورمند ایم (۱۲۸)

قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ اسْتَعِيْنُوْا بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوْا ۚ اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ ۙ يُوْرِثُهَا مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ؕ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۲۹﴾

موسی‌بقوم خودگفت:یاری‌جویید ازخداوصبرکنید.یقینًازمین ازآن خدا است. او آنکه را از بندگان خود خواهد وارث آن میگرداند و فرجام نیکوبرای پرهیزکاران است(۱۲۹)

قَالُوْٓا اُوْذِيْنَا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَاْتِيَنَا وَمِنْۢ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ؕ قَالَ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۳۰﴾ ع

[قومش] گفتند، ما آزاریده شدیم پیش از آنکه نزدما میآمدی وهم پس از آنکه نزد ما آمدی. گفت نزدیک است که پروردگارتان دشمن شمارا نابودسازد و شمارا درزمین جانشین نمایدپس بنگرد چگونه عمل میکنید(۱۳۰)

وَلَقَدْ اَخَذْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِيْنَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرٰتِ لَعَلَّهُمْ

و یقینًا ما فرعونیان را با قحطی و زیان میوهها بگرفتیم تا آنها

| | |
|---|---|
| يَذَّكَّرُوْنَ﴿١٣١﴾ | پند بگیرند(١٣١) |
| فَإِذَا جَآءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوْا لَنَا هٰذِهٖ ۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَّطَّيَّرُوْا بِمُوْسٰى وَمَنْ مَّعَهٗ ؕ اَلَآ اِنَّمَا طٰٓئِرُهُمْ عِنْدَ اللّٰهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ﴿١٣٢﴾ | پس هنگامیکه آنهارا خوبی میآمد میگفتند. این ازآن ماست و اگر آنهارا بدی میآمد آن را نحوست موسیٰوآنانکه با اوبودند قرارمی دادند.باش‌امجوز از نحوست آنها نزد خدا است و اما بیشتر آنان نمیدانند(١٣٢) |
| وَقَالُوْا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهٖ مِنْ اٰيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا ۙ فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ﴿١٣٣﴾ | وگفتندهرچندآیتی‌میخواهی بیآر تا به آن مارامسحورکنی‌بازهم بر توایمان آرندگان نیستیم(١٣٣) |
| فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوْفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ اٰيٰتٍ مُّفَصَّلٰتٍ ۫ فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ﴿١٣٤﴾ | آنگاه بر آنها طوفان و ملخها و شپشهاوقورباغه هاوخون را آیتها جداگانهٔ ی فرستادیم. پس تکبر کردندوقومی مجرم بودند(١٣٤) |
| وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوْا يٰمُوْسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۚ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۚ﴿١٣٥﴾ | وهرگاه عذابی بر آنها واقع شد گفتند.ای موسیٰ!ازپروردگارخود برای ما دعاکن بنام آن وعدهٔ که نزدتواست.پس اگراین عذاب را ازما برطرف کردی‌حتمًاحرف تو را باورکنیم و بنی اسرائیل را |

فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ الرِّجۡزَ اِلٰٓى اَجَلٍ هُمۡ بٰلِغُوۡهُ اِذَا هُمۡ يَنۡكُثُوۡنَ ﴿١٣٦﴾

بتو بفرستيم(١٣٥)
پس وقتيکه عذاب را از آنها دور کرديم تا مدت معيّنى که آنانرا به آن رسيدن بود، ناگاه آنان پيمان شکنى کردند(١٣٦)

فَانۡتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَاَغۡرَقۡنٰهُمۡ فِى الۡيَمِّ بِاَنَّهُمۡ كَذَّبُوۡا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوۡا عَنۡهَا غٰفِلِيۡنَ ﴿١٣٧﴾

پس ازآنان انتقام گرفتيم و آنان را در دريا غرق ساختيم چه آنها به آيتهاى ما تکذيب کردند و از آنها غفلتکاران بودند(١٣٧)

وَاَوۡرَثۡنَا الۡقَوۡمَ الَّذِيۡنَ كَانُوۡا يُسۡتَضۡعَفُوۡنَ مَشَارِقَ الۡاَرۡضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِىۡ بٰرَكۡنَا فِيۡهَا ؕ وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ الۡحُسۡنٰى عَلٰى بَنِىۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ ۙ بِمَا صَبَرُوۡا ؕ وَدَمَّرۡنَا مَا كَانَ يَصۡنَعُ فِرۡعَوۡنُ وَقَوۡمُهٗ وَمَا كَانُوۡا يَعۡرِشُوۡنَ ﴿١٣٨﴾ الربع

و مردم که بينوايان شمرده شدند را وارث شرق ها وغربهاى آن زمين گردانديم که در آن برکت نهاده بوديم وسخنان زيباى پرور - دگارتو درحق بنى اسرائيل به پايان رسيد چه شکيبائى کردند وآنچه فرعون وقومش ميکردند و آن ساختمانها بلند که ميساختند را نابود ساختيم(١٣٨)

وَجٰوَزۡنَا بِبَنِىۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ الۡبَحۡرَ فَاَتَوۡا عَلٰى قَوۡمٍ يَّعۡكُفُوۡنَ عَلٰٓى اَصۡنَامٍ

و بنى اسرائيل را از دريا عبور داديم. پس آنان برقومى درآمدند که در محضر بتان خود [عبادت

لَهُمْ ۚ قَالُوْا يٰمُوْسَى اجْعَلْ لَّنَآ اِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ ؕ قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ ﴿۱۳۹﴾

گذاران نشته]بودند. آنان گفتند، ای موسیٰ برای ما معبودی بساز چنانکه آنانرا معبودهای است. او گفت،یقینًا شما یك قوم بیخردان اید(۱۳۹)

اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيْهِ وَبٰطِلٌ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۴۰﴾

یقینًاحالتی که درآن این مردم اند نابود شونده است و آن عمل که میکنند باطل است(۱۴۰)

قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغِيْكُمْ اِلٰهًا وَّ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۴۱﴾

[موسیٰ]گفت،آیا برایشما معبودی بغیرازخدابخواهم حالانکه اوشما رابرهمه جهانهافضیلت داد(۱۴۱)

وَاِذْ اَنْجَيْنٰكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ ۚ يُقَتِّلُوْنَ اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ ؕ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ﴿۱۴۲﴾ ع

و[یادکنید]وقتیکه ما شمارانجات دادیم از فرعونیان که شما را عذاب سخت میدادند.آنان پسران شمارا میکشتند و زنان شما را زنده نگه میداشتند و شمارادرآن از پروردگارشماآزمایشی بزرگ بود(۱۴۲)

وَوٰعَدْنَا مُوْسٰى ثَلٰثِيْنَ لَيْلَةً وَّاَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيْقَاتُ رَبِّهٖٓ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ۚ

وموسیٰ راوعدهٔ سی شب دادیم و آنها را با ده [شب علاوه کرده] تکمیل نمودیم. پس وقت معین

وَقَالَ مُوسٰى لِأَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٣﴾

پروردگارش چهل شب تمام شد،و موسیٰ به برادرخود هارون گفت در قومم جانشینم باش و اصلاح کن و راه فسادکاران را دنبال مکن(۱٤۳ )

وَلَمَّا جَاءَ مُوسٰى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرٰنِي وَلٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرٰنِي فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسٰى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٤﴾

وچون موسیٰ به وقت معین ما آمد و پروردگارش با او تکلم کرد.او گفت، ای پروردگارمن! بمن نمایش بده تا بسوی‌تو چشم افکنم. او گفت: هرگز به دیدن من تاب نداری.ولی بسوی کوه بنگر اگر آن بجای خود برقرارماند آنگاه میتوانی‌مرا ببینی. پس هنگامیکه پروردگارش برکوه تجلی نمود پس آنراریزه ریزه برد و موسی بیهوش افتاد.پس دمیکه به هوش آمدگفت،تو پاکی.توبه کنان بسوی تومیگرایم ومن نخستین مومنان ام(۱٤٤ )++

++آیت ۱٤٤ :حضرت موسی علیه السلام بعلت ساده دلی خود پنداشتندکه اگرخدا بخواهد ایشان میتوانندخداوند رادرصورت عینی ببینند. در پاسخ این [ص:۳۷۲]

قَالَ يٰمُوسٰىٓ اِنِّى اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسٰلٰتِىْ وَبِكَلَامِىْ ۖ فَخُذْ مَآ اٰتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿۱۴۵﴾

گفت:ای موسی تورا باپیغامات خود و با کلام خود برهمه مردم برگزیده ام. پس محکم بگیرآنچه رابه تو داده ام و ازسپاسگذاران باش(۱۴۵)

وَكَتَبْنَا لَهٗ فِى الْاَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَىْءٍ مَّوْعِظَةً وَّتَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَىْءٍ ۚ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّاْمُرْ قَوْمَكَ يَاْخُذُوْا بِاَحْسَنِهَا ۗ سَاُورِيْكُمْ دَارَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿۱۴۶﴾

ومرچیزی را برای او در تختیها به رشتهٔ تحریر داشتیم که پند آمیز و هرچیزی راتفصیلی بود. پس آنرابقوت بگیر وبقوم خود امر کن که به نیکوترهای آن [تعلیم] تمسك جویند. بزودی من خانه فاسقان بشمانشاندم(۱۴۶)

سَاَصْرِفُ عَنْ اٰيٰتِىَ الَّذِيْنَ يَتَكَبَّرُوْنَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ وَاِنْ يَّرَوْا كُلَّ اٰيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوْا بِهَا ۚ وَاِنْ يَّرَوْا سَبِيْلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا ۚ وَاِنْ يَّرَوْا سَبِيْلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا ۗ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

من[توجه]آنانراکه درزمین بناحق تکبرکنند ازآیتهای‌خود برگردانم واگرهرکدام آیتی‌رامشاهده کنند بازهم به آن ایمان نیآرند و اگر بینند راه هدایت را آنرا قبول نه کنند حالانکه اگر راه گمراهی را

بقیه آیت:۱۴۴ :درخواست خدا گفت.انسان که نتواند غرشی صایقه را تحمل کند دیگر چطور تاب آورد که چهره خدا را نگاه کند. پس چون صایقه بطورنشانه بر کوه نازل آمد حضرت موسی بیهوش افتاد وچون بهوشش آمدبحضورخداتوبه کرد.

كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ ﴿١٤٧﴾

ببينند آنرا قبولكنند.این بود چه به آيتهای ما تكذيب كردند و از آنهاغفلت كنندگان بودند(١٤٧)

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا وَلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ ۭ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٤٨﴾

وآنانكه به آيتهای ما و ملاقات آخرت تكذيب كردند اعمال آنها ضايع رفت. آنان پاداشی داده نشوند جزآنچه داشتند عمل می كردند(١٤٨)

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوْسٰى مِنْ بَعْدِهٖ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهٗ خُوَارٌ ۭ اَلَمْ يَرَوْا اَنَّهٗ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيْهِمْ سَبِيْلًا ۘ اِتَّخَذُوْهُ وَكَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ﴿١٤٩﴾

وقوم موسی بعداز او گوسالهٔ از زيورآلات خود را [به معبوديت] بگزيدندكه پيكری[بيجان] بود و آن ماغ گاؤميكشيد.آياندیدند كه آن نه به آنان حرفیزند و نه براه [راست] هدايت دهد. به آن تمسك جستندوستمگران بودند(١٤٩)

وَلَمَّا سُقِطَ فِيْٓ اَيْدِيْهِمْ وَرَاَوْا اَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوْا ۙ قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿١٥٠﴾

وچون دچارندامت شدندو ديدند كه گمراه شده اند گفتند اگر پروردگار ما بر ما ترحم نكند و ما را نه آمرزد يقينًا از زيان كاران ميشويم(١٥٠)

وَلَمَّا رَجَعَ مُوْسٰٓى اِلٰى قَوْمِهٖ غَضْبَانَ

وهنگاميكه موسیبسوی قوم خود

اَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُوْنِيْ مِنْۢ بَعْدِيْ اَعَجِلْتُمْ اَمْرَ رَبِّكُمْ وَاَلْقَى الْاَلْوَاحَ وَاَخَذَ بِرَاْسِ اَخِيْهِ يَجُرُّهٗۤ اِلَيْهِ قَالَ ابْنَ اُمَّ اِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُوْنِيْ وَكَادُوْا يَقْتُلُوْنَنِيْ فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْاَعْدَآءَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۵۱﴾

خشمناك وافسوس كنان برگشت گفت،بدا ازجانشینی که درغیاب من کردید آیا در مورد فرمان پروردگار خود شتاب کردید؟ و الواح را [بزیر] افکند و سر برادرخود را گرفته او رابسوی خودکشید.او گفت:ای پسر مادر! قوم مراناتوان شمردند و نزدیك بود مرا بکشند. پس مرا موجب شادمانی دشمنان نساز و نه مرا با قوم ستمکاران بگردان(۱۵۱)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِاَخِيْ وَاَدْخِلْنَا فِيْ رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿۱۵۲﴾ ع

[موسیٰ] گفت: ای پروردگارمن! بیامرز مرا و برادرم را و ما را بداخل رحمت خود بنماوتوترحم کننده ترین ترحمکنندگانی(۱۵۲

اِنَّ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِيْنَ ﴿۱۵۳﴾

یقیناًآنانکه گوساله را فراگرفتند آنان را غضب از پروردگار آنان و رسوائی درزندگی دنیااست و دروغ بهم بافندگان را اینگونه پاداش می دهیم(۱۵۳)

وَالَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّاٰتِ ثُمَّ تَابُوْا مِنْۢ

وکسانیکه بدیهاانجامدادندسپس

بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥٤﴾

توبه کردندوایمان آوردند البته پروردگار تو بازهم آمرزگاری بارها رحم کننده است(۱۵٤)

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٥﴾

و هنگامیکه خشم موسیٰ فرونشت الواح رابرداشت و در مندرجات آنها برای آنانکه از پروردگار خود می ترسند هدایت و رحمت بود(۱۵۵)

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِّنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ ۖ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ ۖ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٦﴾

و موسیٰ از قوم خود هفتاد مرد را برای وقت معین مابگزید.پس چون آنانرالرزه بگرفت [موسیٰ] گفت، ای پروردگارمن! اگر می خواستی از قبل آنها را هلاك می کردیو مرانیز.آیامارا هلاك کنی به آنکاری که سفیهان ما کردند! یقیناًاین ازجانب توآزمایشی است.تو به این[آزمایش ]هرکه را خواهی گمراه میکنی و هرکه را خواهی هدایت میدهی. تو مولای مائی.پس مارابیآمرزو برماترحم کن و تو بهترین آمرزندگان

مستی(۱۵۶)

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ إِنَّا هُدْنَآ إِلَيْكَ ۚ قَالَ عَذَابِيٓ أُصِيبُ بِهٖ مَنْ أَشَآءُ ۖ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِاٰيٰتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۵۷﴾

و بنویس برای ما خیر و نعمت در این دنیا و درآخرت. یقینًا ما بسوی تو [توبه کنان] آمده ایم. گفت:عذابم است که آنرامیرسانم به هرکه بخواهم درحالیکه رحمتم هر چیز را احاطه کرده است. پس آن [رحمت] را لازم گردانم برای آنانکه تقوی پیشگیرند و زکوٰت دهند و آنانکه به آیتهای ما ایمان میآرند(۱۵۷)

اَلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهٗ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَالْإِنْجِيلِ ۫ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهٰىهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلٰلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ اٰمَنُوا بِهٖ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا

کسانیکه پیروی میکنند از آن رسول امّی که او را نزدخود در تورات و انجیل نوشته میبابند. او ایشانرا به معروفات امر میکند و ایشانرا از منکرات نهی میکند و پاکیزهای را برایشان حلال قرارمیدهد وناپاکیزه های رابرایشان حرام میگرداندو بار آنان و طوق آنانراکه برآنان بود از آنان برمیدارد. پس آنانکه به

النُّوْرَ الَّذِیْٓ اُنْزِلَ مَعَهٗٓ ۙ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ع ﴿۱۵۸﴾

آن ایمان میآرند و او را گرامی دارند و او را یاری‌کنند و از پی آن نور روندکه با او نازلکرده شد همانها اند که موفق شدگان اند(۱۵۸)

ع ۱۹ ۹

قُلْ یٰٓاَیُّهَا النَّاسُ اِنِّیْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَیْكُمْ جَمِیْعَاْ الَّذِیْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ یُحْیٖ وَیُمِیْتُ ۠ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ الَّذِیْ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمٰتِهٖ وَاتَّبِعُوْهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿۱۵۹﴾

بگو.ای مردم براستی من بسوی همه شما رسول آن خدا ام که پادشاهی آسمانهاو زمین ازآن او است. نیست هیچ معبودی‌جز او. او زنده میکند و میمیراند.پس ایمان بیآرید به خدا و رسولش نبی امی آنکه به خدا و کلمات او ایمان دارد و او را پیروی کنید باشد که هدایت بیابید(۱۵۹)

وَمِنْ قَوْمِ مُوْسٰٓی اُمَّةٌ یَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ یَعْدِلُوْنَ ﴿۱۶۰﴾

و از قوم موسی عدهٔ بودند که باحق [بمردم] هدایت میکردند و به آن داد گری میکردند(۱۶۰)

وَقَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَیْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَمًا ؕ وَاَوْحَیْنَآ اِلٰی مُوْسٰٓی اِذِ اسْتَسْقٰهُ قَوْمُهٗٓ اَنِ اضْرِبْ بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۚ

وایشان را دوازده قبیله ـ قوم ها ـ منقسیم کردیم و بسوی موسی چون قومش از او آب خواست وحی‌فرستادیم که با عصای خود

فَانۢبَجَسَتۡ مِنۡهُ اثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنًا ؕ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشۡرَبَهُمۡ ؕ وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡهِمُ الۡغَمَامَ وَاَنۡزَلۡنَا عَلَيۡهِمُ الۡمَنَّ وَالسَّلۡوٰى ؕ كُلُوۡا مِنۡ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقۡنٰكُمۡ ؕ وَمَا ظَلَمُوۡنَا وَلٰكِنۡ كَانُوۡۤا اَنۡفُسَهُمۡ يَظۡلِمُوۡنَ ﴿۱۶۱﴾

بر سنگ ضربه بزن. آنگاه از آن دوازده چشمه جست زدوهمه مردم آبشخورخودراشناختند و برآنان سایه ابرکردیم وبرآنان ترنجین و بلدرچین نازل کردیم [وگفتیم] بخورید از آن پاکیزه های که بشما رزق داده ایم و ما ستم نه کردیم اماآنان برجانهای‌خودشان ستمکاران بودند(۱۶۱)

وَاِذۡ قِيۡلَ لَهُمُ اسۡكُنُوۡا هٰذِهِ الۡقَرۡيَةَ وَكُلُوۡا مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ وَقُوۡلُوۡا حِطَّةٌ وَّادۡخُلُوا الۡبَابَ سُجَّدًا نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطِيۡٓـٰٔتِكُمۡ ؕ سَنَزِيۡدُ الۡمُحۡسِنِيۡنَ ﴿۱۶۲﴾

وگامیکه به آنان گفته شدکه در این شهرمسکن گزینید و ازآن از هرجای‌خواستیدبخوریدوبگویید "حطةٌ" [ما رابیامرز] و اطاعت کنان وارد درب بزرگ شوید. ما خطاهای شمارابرایشما میآمرزیم ومحسنانرا حتمًا بیفزایم(۱۶۲)

فَبَدَّلَ الَّذِيۡنَ ظَلَمُوۡا مِنۡهُمۡ قَوۡلًا غَيۡرَ الَّذِىۡ قِيۡلَ لَهُمۡ فَاَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِجۡزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا كَانُوۡا يَظۡلِمُوۡنَ ﴿۱۶۳﴾ ع

پس آنانکه ازآنهاستمکردند سخن را بدل کردند جزآنچه برای آنها گفته شده بود.پس مابرآنهاعذابی ازآسمان نازل کردیم بعلت آنچه ستم میکردند(۱۶۳)

وَسْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٤﴾

و بپرس آنهارا از آن قریه که کناردریابودگامیکه درمورد سبت تجاوز میکردند چون روز سبت آنان ماهی های آنها آنانراگروه گروه میآمدند و روزیکه سبت نمیگرفتند آنان را نمیآمدند. این گونه آنان را آزمودیم بدآنچه داشتند فسق میآوردند(۱۶٤)

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٥﴾

و[بیادآور]چون گروهی از آنان گفتند چراقومی راازدرزگوییدکه خداملاك کننده آنان یا آنان را عذاب کننده عذابی سخت است. گفتند این معذرتی است بسوی پروردگارتان باشد که آنان تقویٰ اختیارکنند(۱٦٥)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٦﴾

پس چون آنرا که به آن توصیه کرده شدند بفراموشی سپردند، ما آنانکه نهی کننده بدیها بودند را نجات دادیم و ستمکاران را بعذابی سختتربگرفتیم چه زشت کاری همی‌کردند(۱٦٦)

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٧﴾

بازهم وقتیکه نافرمانی کردند آن امری راکه ازآن نهی شده بودند آنانرا گفتیم بوزینه های خوار شوید(۱٦۷)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٨﴾

و[بیادآری] وقتیکه پروردگار تو اعلام کرد که حتمًا تا روز قیامت کسانیرا برآنان مسلط میکند که آنانرا سخت عذاب خواهند کرد. یقینًا پروردگارتو زودِ عقوبت است باآنکه یقینًا او آمرزگاری بارمارحمکننده است(۱٦۸)

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٩﴾

و آنانرا در زمین قوم در قوم منشعب کردیم و در آنان نیکو کاران بودند و درآنان غیرازاین نیز بودند و ما آنان را بحالتهای نیکووحالتهای بد آزمودیم باشد آنان [بهدایت] برگردند(۱٦۹)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ

پس جانشینی کردند پس از آنان جانشینانی‌که کتابراارثانهٔ گرفته بودند.آنان بهره موقتی این دنیا رافراگرفته ومیگفتند.ما بخشوده

عَرَضٌ مِّثْلُهٗ يَأْخُذُوْهُ ؕ اَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيْثَاقُ الْكِتٰبِ اَنْ لَّا يَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوْا مَا فِيْهِ ؕ وَالدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۷۰﴾

شویم واگرآنهارا بهره ای مانند آن میآمد آنرا میگرفتند.آیاپیمان کتاب که بر آنان فرض بودگرفته نشدکه بر خدا جزحق لب بسخن نگشایند و آنچه درآن است را خوانده بودند و خانه عاقبت نیکوتر است برای آنانکه تقوی اختیارکنند. پس آیا عقل نمی کنند؟(۱۷۰)

وَالَّذِيْنَ يُمَسِّكُوْنَ بِالْكِتٰبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ؕ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ ﴿۱۷۱﴾

و آنانکه بکتاب تمسك جويند و نمازرابپای دارندیقینًا ما پاداش اصلاح کنندگان را ضائع نمی دهیم(۱۷۱)

وَاِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَاَنَّهٗ ظُلَّةٌ وَّظَنُّوْۤا اَنَّهٗ وَاقِعٌۢ بِهِمْ ۚ خُذُوْا مَاۤ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوْا مَا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۲﴾ ع

و چون کوه را بر آنان بلند کردیم گویی‌آن سایبانی بود و پنداشتند که آن برآنان فروآینده است. آنچه به شما درداده ایم را بقوت بگیرید وآنچه در آن است را فراگیرید تا تقوی را اختیار کنید(۱۷۲)

ع ۲۱ ۹ ۱۱

وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْۢ بَنِيْۤ اٰدَمَ مِنْ

و وقتیکه پروردگارتو گرفت از

ظُهُوْرِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ ۚ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ؕ قَالُوْا بَلٰى ۛۚ شَهِدْنَا ۛۚ اَنْ تَقُوْلُوْا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غٰفِلِيْنَ ﴿١٧٢﴾

بنی آدم ازصلب آنان [ماده تخلیق] نژاد آنان و آنان را بر نفسهایخودگواه ساخت[وپرسید] آیاپروردگارشمانیستم؟آنها گفتند بلی گواهی میدهیم. مبادا روز قیامت بگویید ما از این نا آگاه بودیم(۱۷۳ )++

اَوْ تَقُوْلُوْٓا اِنَّمَآ اَشْرَكَ اٰبَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْۢ بَعْدِهِمْ ۚ اَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿١٧٤﴾

یا گویید شرک که قبلاً پدران ما کرده بودند ومانسلی پس ازآنان بودیم.پس آیا مارا هلاك میکنی بدآنچه دروغگویانکردند(۱۷٤ )+

++آیت ۱۷۳ : چنانچه از بنی آدم حتّی قبل از آفرینش آنان نسبت به نسل ایشان فرمان بود که آنان بر هستی خدای متعال گواه باشند. پس نژادی که هنوز بدنیا نیآمده باشد چه طور ازآنان پیمانی‌گرفته شد؟منظور ازین فقط اینقدر است که ایمان بر هستی خدای متعال داخل در سرشت انسان است. پس آن تصور خدا که در تمامی دنیا یافت میشود این یك حادثهٔ اتفاقی نیست بلکه این مُرتسم در سرشت انسان است.

++آیت۱۷٤ :بلندکردن کوه راهرگزاین معنای‌نیست که کوه از بُن کنده برفراز آنهاراست شد.بلکه شماری کوه ها بر رهگذرها بطوری خمیدگی دارندکه رهگذران زیرآنهامیگذرند.اینجانیزهمین مفهوم است.اما خوفی که آنوقت آنان را فراگرفته بود از آن چگونگی ایشان استفاده کرده خداوند به آنان توصیه کرد که باید تعلیم تورات را بقوت بگیرند.

وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿۱۷۵﴾

واینگونه ماآیتهاراتفصیل دهیم تا باشدآنان[بحق]بازگردند(۱۷۵)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ الَّذِيْٓ اٰتَيْنٰهُ اٰيٰتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاَتْبَعَهُ الشَّيْطٰنُ فَكَانَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ﴿۱۷۶﴾

و بیانکن برای آنهاحکایت آنکس که ما او را نشانه های خود داده بودیم پس او از آنها سرپیچی کرد.پس شیطان او راتعقیب کرد و او از گمراهان شد(۱۷۶)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنٰهُ بِهَا وَلٰكِنَّهٗٓ اَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ ۚ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ الْكَلْبِ ۚ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ؕ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۚ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۱۷۷﴾

و اگر می خواستیم حتماً با آن [نشانه] ما او را رفعت میدادیم اما او بسوی زمین میل کرده هوای‌نفسانی خود را دنبال کرد. پس مثلش بمثل سگ است که اگر بر اوحمله کنید عوعوزبان کشد و اگر ترکش کنید بازهم عوعوزبان کشد.این است مثل قومی که آیات ما را تکذیب کردند.پس این داستان را برآنان حکایت کن باشد که آنان بتفکر بپردازند(۱۷۷)++

++آیت ۱۷۷ :فردی که در این آیت کریمه ذکر شده است مفسران او را بلعم باعور مینامند. این شخص طبعاً با چنین صفات روحانی متزیّن بود که آنها را[ص :۳۸٤]

سَآءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَاَنْفُسَهُمْ كَانُوْا يَظْلِمُوْنَ ﴿۱۷۸﴾

بسیار زشت است مثل قومیکه به آیات ماتکذیب کردند وبودند بر جانهای خودستم میکردند(۱۷۸)

مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيْ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿۱۷۹﴾

آنکه راخدا هدایت دهد پس او هدایت یافته است وآنکه راگمراه سازد همانها زیانکاراانند(۱۷۹)

وَلَقَدْ ذَرَاْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۖ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا ۫ وَلَهُمْ اَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا ۫ وَلَهُمْ اٰذَانٌ لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا ۭ اُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ ۭ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ﴿۱۸۰﴾

وبسیارکثیرازجن و انس رابرای جهنم آفریده ایم آنان دلهای‌دارند که به آن درنیابندوآنان چشمانی دارند که به آن نمی بیند و آنان گوشهای دارند که بدان نشنوند وآنان مانند دامهای اند بلکه آنان [ازآنهام]گمراهتر اند.همانهاغفلت کنندگانند(۱۸۰)

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا ۠ وَذَرُوا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اَسْمَآئِهٖ ۭ

همه نامهای زیبابرای خدا است پس او را به آن[نام]هابخوانیدو ترک کنید آنهارا که در نامهای او

بقیه آیت ۱۷۷ :بکارگرفته میتوانست به تقرب خدا برخوردار شود.ولی بدبختانه اوبسوی زمین میل کرد.پس مثل به سگی پیش آورده شد که خواه این را سنگ زنی یانزنی عوعوکرده ناتوان میشود.پس این کس نیز از راه راست برگشت زده برخلاف حق در هرزه سرائی فرورفت.

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٨١﴾

کج روی کنند. پس آنها پاداش داده شوند آنچه بودند میکردند(۱۸۱)

وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ يَعْدِلُوْنَ ﴿١٨٢﴾

و از آنانکه ما آفریده ایم گروه های اند که بحق هدایت مینمایند و به آن عدالت میکنند(۱۸۲)

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٨٣﴾

وآنانکه به آیتهای ماتکذیب کنند تدریجًاآنهارا ازجهتی بگیریم که که هیچ ندانند(۱۸۳)

وَاُمْلِيْ لَهُمْ ۗ اِنَّ كَيْدِيْ مَتِيْنٌ ﴿١٨٤﴾

و آنان را مهلت میدهم و تدبیرم بسیار برقرار است(۱۸٤)

اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا ٚ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۗ اِنْ هُوَ اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٨٥﴾

آیا تفکرنکنند که صاحب آنها را جنونی نیست. او فقط بیم دهندهٔ آشکارا است(۱۸۵)

اَوَلَمْ يَنْظُرُوْا فِيْ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ ۙ وَّاَنْ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ قَدِ اقْتَرَبَ اَجَلُهُمْ ۚ فَبِاَيِّ حَدِيْثٍۭ بَعْدَهٗ يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٨٦﴾

آیا نمینگرد در پادشاهی آسمانها و زمین و هرچه خداآفریده است و اینکه ممکن است که مدت معیّن آنهافرارسیده باشد. پس ازین بعد بکدام سخن ایمان آورند؟(۱۸٦)

مَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَا هَادِيَ لَهٗ ۗ وَيَذَرُهُمْ فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿١٨٧﴾

آنکس را خدا گمراه قراردهد او را کسی هدایت دهنده نیست و آنهارادرسرکشیهای خودسرگردان

رها میکند(۱۸۷)

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ اَيَّانَ مُرْسٰهَا ۖ قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّىْ ۚ لَا يُجَلِّيْهَا لِوَقْتِهَآ اِلَّا هُوَ ۘ ثَقُلَتْ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۖ لَا تَاْتِيْكُمْ اِلَّا بَغْتَةً ۖ يَسْـَٔلُوْنَكَ كَاَنَّكَ حَفِىٌّ عَنْهَا ۖ قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۸۷﴾

درباره قیامت از تومسئلت میکنند که چه وقت آن برپاکرده شود؟بگو علمش فقط نزدخدا است.نیست کسی جز او که آنرا بروقت خودجلوه گرنماید.آن در آسمانها و زمین گران است. شما را نمیآید مگر ناگهان. تو را می پرسند گویی تو از آن کاملًا می دانی. بگوعلمش فقط نزدخداست اما بیشتر مردم نمیدانند(۱۸۸)

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِىْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ۖ وَلَوْ كُنْتُ اَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ ۛ وَمَا مَسَّنِىَ السُّوْٓءُ ۛ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۱۸۸﴾

بگو من برای نفس خود نه سود را اختیار دارم و نه زیان را مگرآنچه خدا خواهد و اگر غیب را میدانستم البته از دارایی فراوان جمع میکردم وسختی به من نمیرسید. من فقط بیم دهندهٔ و مژده دهندهٔ ام قومی را که ایمان میآرند(۱۸۹)

هُوَ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ اِلَيْهَا ۚ فَلَمَّا

او است آنکه شماراازیک جان آفرید وساخت از وی جفتش را

تَغَشّٰهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهٖ ۚ فَلَمَّآ اَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ اٰتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ﴿۱۹۰﴾

تا بسوی او تسکین یابد.پس چون او وی را پوشاند پس وی باری سبك را برداشت پس به آن حرکت کرد.پس چون وی گرانبار شد هردو از خدا پروردگارخود دعا کردند که اگر مارا پسری سالم دهد حتمًا از سپاس گذاران شویم(۱۹۰)

فَلَمَّآ اٰتٰهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهٗ شُرَكَآءَ فِيْمَآ اٰتٰهُمَا ۚ فَتَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ﴿۱۹۱﴾

پس گامیکه[خدا]آندورا[پسری] سالم درداد،آندو در آن [اعطا] که اوآنانرادادشریکان او بگزیدند. پس خدا بالاتر آن است که شرك میورزند(۱۹۱)

اَيُشْرِكُوْنَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ ۖ﴿۱۹۲﴾

آیاشریك قرار میدهند آنچه مارا که چیزی نمیآفرینند حالیکه خودآنها آفریده میشوند؟(۱۹۲)

وَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ لَهُمْ نَصْرًا وَّلَآ اَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُوْنَ﴿۱۹۳﴾

وآنهایارایی به کمك کردن آنانرا ندارند ونه یارایی به یاریکردن خودشان را دارند(۱۹۳)

وَاِنْ تَدْعُوْهُمْ اِلَى الْهُدٰى لَا يَتَّبِعُوْكُمْ ؕ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ

واگرآنهارابسویهدایت بخوانید شمارا پیروی نکنند.یکسان است

اَدَعَوْتُمُوْهُمْ اَمْ اَنْتُمْ صَامِتُوْنَ﴿۱۹۴﴾

برای شما خواه آنان را بخوانید یا شما خاموشان مانید(١٩٤)

اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ عِبَادٌ اَمْثَالُكُمْ فَادْعُوْهُمْ فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ﴿۱۹۵﴾

یقینًاآنان را که جز خدا خوانید بندگانی همچون شمایند.پس آنها را پیوسته بخوانید باز باید شمارااجابت کنند اگرشما راست گویانید(١٩٥)

اَلَهُمْ اَرْجُلٌ يَّمْشُوْنَ بِهَآ اَمْ لَهُمْ اَيْدٍ يَّبْطِشُوْنَ بِهَآ اَمْ لَهُمْ اَعْيُنٌ يُّبْصِرُوْنَ بِهَآ اَمْ لَهُمْ اٰذَانٌ يَّسْمَعُوْنَ بِهَا قُلِ ادْعُوْا شُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ كِيْدُوْنِ فَلَا تُنْظِرُوْنِ﴿۱۹۶﴾

آیا آنان را پاهائی است که بدان راه روند یا آنان را دست هائی است که بدان بگیرند یا آنانرا چشمانی است که بدان ببینندیا آنانرا گوشهائی است که بدان بشنوند؟ بگو شریکان خود را بخوانید بعدماخلافم نیرنگ زنید و هرگز مجالم ندمید(١٩٦)

اِنَّ وَلِیِّـۧ اللّٰهُ الَّذِیْ نَزَّلَ الْكِتٰبَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصّٰلِحِيْنَ﴿۱۹۷﴾

یقینًایاورم آن خدااست که کتاب رانازلکرد و او [فقط]نیکوکاران را کفیل میباشد(١٩٧)

وَالَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَكُمْ وَلَآ اَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُوْنَ﴿۱۹۸﴾

وآنهاراکه جزاومیخوانیدنتوانند شمارایاری کنندونتوانندخودشان را یاری کنند(١٩٨)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۖ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٩﴾

واگرآنانرابسوی مدایت بخوانی نشنوندوبه آنهابنگر به تومیبینند بینند درحالیکه نمی بینند(١٩٩)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿٢٠٠﴾

عفوکن و به نیکوکاری امرکن و از بیخردان اعراض کن(٢٠٠)

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠١﴾

و اگر تورا وسوسه ای ازشیطان برانگیزد پس به خدا پناه بر. یقینًااوبسیارشنوای صاحب علم دائمی است(٢٠١)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾

یقینًا کسانیکه تقویٰ اختیارکنند هرگاه به ایشان وسوسه ای از شیطان برسد [خدا را] بسیار یادکنند پس ناگاه ایشان صاحب بصیرت میشوند(٢٠٢)

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٣﴾

و برادران[شیطانی] آنان آنها را درگمراهی میکشند.سپس کوتاهی نمی کنند(٢٠٣)

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۚ هَٰذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

و هرگاه به آنها آیتی نیآوری گویند چرا آن را نگزیدی. بگو من فقط از آن پیروی کنم که بسوی من از پروردگارم وحی

وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٢٠٤﴾

کرده میشود. این از پروردگارتان سخنانی بصیرت افروز و هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان میآرند(۲۰۴)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْاٰنُ فَاسْتَمِعُوْا لَهٗ وَاَنْصِتُوْا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿٢٠٥﴾

و هرگاه قرآن فروخوانده شود پس برای آن گوش بازدهید و ساکت باشید، باشد برشما رحم کرده شود(۲۰۵)

وَاذْكُرْ رَّبَّكَ فِيْ نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَّخِيْفَةً وَّدُوْنَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ وَلَا تَكُنْ مِّنَ الْغٰفِلِيْنَ ﴿٢٠٦﴾

ویادکن پروردگارخودرا صبح و شام دردل خود بزاری‌وترسان و بغیر از صدای بلند و از غافلان مباش(۲۰۶)

اِنَّ الَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِهٖ وَيُسَبِّحُوْنَهٗ وَلَهٗ يَسْجُدُوْنَ ﴿٢٠٧﴾ ۩ ع ٢٤

همانا آنانکه نزد پروردگارتو میمانند از عبادت او سرباز نمی زنند و او را تسبیح گویند و او را سجده کنند(۲۰۷)

# ۸ - سورة الانفال

**این سورة در مدینه نازل شد و با بسم الله ۷۶ آیت دارد.**

**در سورة گذشته الاعراف [آیت ۱۸۸ ] زمان ظهور آن ساعت که کافران پرسیده بودند دراین سورة ذکرازنخستین مظهر آن ساعت بتفصیل بیان کرده وگفته میشودکه آن ساعت براهل عرب بظهور رسیده و درنتیجه آن زمان کفر و شرك خاتمه خواهد یافت.**

**در پایان سورة گذشته این مشدار داده شد که حالاتی مشکلات انگیز صورت خواهد گرفت لذا بایستی اینك ازهمین الآن به حضور خدا فروتنی کنان و پنهان و عیان زاری کرده به دعاها بپرداز زیرا که همه ای مشکلات تنها از دعاهای تو دورخواهد شد.**

**بمحض آغاز این سورة مژده ای است که در نتیجه این مشکلات فقر مومنان دور کرده میشود. باز در ادامه ذکر مشکلات، نخست سخن از جنگ بدر گفته میشود. بطوریکه درپایان سورة قبلی توجه خصوصی به دعاها جلب کرده شد لذا ما می بینیم که برای مسلمانان پیروزی بدر نیز ناشی از ادعیه خصوصی آنحضرت ﷺ صورت گرفته بود و الا درمقابل آن ۳۱۳ یارکه باایشان دراین جهاد همراه بودند نیرو تهاجمی مشرکان مکه جزجنبهٔ روحانی از مرجهتی از آنجمله مرکبها و مهمات جنگی،تیراندازهای زبردست و برای برانگیختن احساسات جنگاوری ارتشیان چنین زنانی زبردست در سرودن ترانه هاکه براثرسرودن آنهاارتشیان راچگونگی جنون فرامیگرفت.**

برخوردار بودند. با اینهمه پیروزی را فقط آن دعامای آنحضرت ﷺ آوردند که ایشان درخیمه خود به چنین نهایت تضرع کرده بودند که درحالت زاری‌جامهٔ از شانه مبارك ایشان تکراراً فرومیفتاد و حضرت ابوبکرصدیق آنرا برجاش میآراستند. اوج این دعا این بود که آنحضرت ﷺ تکراراً بعرض رساندند. اللّهمّ اِن تَهلَك هذه اعصابة من اهل الاسلام لاتعبدفی‌الارض [مسلم. کتاب الجهاد] یعنی منظور از آفرینش جن و انس عبادت است و اگر این بندگان که ایشان رامن خالصانه به عبادت توتربیت کرده ام کشته شدند دیگر میچگاه جماعتی از عبادت گذاران خاص تو بوجود نخواهد آمد. پس درجنگ بدر تاج پیروزی را سزاوار فقط دعامای آنحضرت ﷺ بود.

بعلاوه مومنان فهمانیده شدند که مقیاس مهم جهت تفکیك کردن راستگویان و دروغگویان را از یکدیگر،تنها تقویٰ است. لذا اگرشما برای آینده نیز گمان دارید که بر ابرقدرتهای دنیا برتری بدست آورید باید بر تقویٰ استوار باشید.

در عین حال این نیز رسانده میشود که رسول الله ﷺ و رفیقان ایشان مرگز تا آن نهایت دست به قتال نمیشدند اگردر دین ایشان تلاش به تغییر دادن نمیشد. همیشه بزرگترین فتنه دردنیا بهمین علت بوجودمیآمده و در آینده هم خواهد آمد چون تلاش شود که دین مردم با شمشیرتغییرداده شود. البته دراینصورت دفاع تا آن نهایت مجاز است که این فتنه کلیةً از بین برود.

ضمناًاین امر نیزفهمانیده میشود که ثبات قدم را فراوانی یاد خدا لازم است. پس کسانیکه یاد خدا را طی جنگهای هولناك نیز بپا می دارند، مژده ای داده میشوند که شما اید که به رستگاری نایل شوید زیرا که مرنوع رستگاری بستگی به ذکرخدا دارد.

دوآیت آخیر این سورة حاکی است که اگر فشار از جانب دشمن افزایش یابد و از میهن خود ناچار به مهاجرت شوید پس این هجرت در راه خدا قابل قبول است وبپاداش این، ازجانب خدا پیروزی اعطا کرده و خداوند بعلاوه آمرزش در رزق مهاجران نیز برکت خواهد نهاد. این پیشگوئی همواره به شأن بلند تحقق میبافته است . آن برکت رزق که ذکرش در آغاز این سورة درصورت انفال شده است اینك آن برکت رزق را صورت های دیگرنیزبیان کرده گفته میشود که درنتیجه هجرت رزق مهاجران بسیار فراخی خواهد یافت.

☆ سُوْرَةُ الاَنْفَالِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ عَشَرَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾ | بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(۱) |
| يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ ؕ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُوْلِ ۚ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَيْنِكُمْ ۠ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗۤ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٢﴾ | تو را ازغنائم پرسند بگوغنایم ازآن خدا و رسول است پس به خدا تقوی اختیارکنید و میان خود اصلاح دهید و خدا و رسول او راپیروی کنیداگرشما مومنان اید(۲) |
| اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿٣﴾ | مومنان فقط آنانند که هرگاه خدا را ذکرشود دلهای ایشان میلرزد و هرگاه آیتهای او برایشان فرو خوانده شود برایمان ایشان می افزاید و برخدای خود توکل می کنند(۳) |
| الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿٤﴾ | آنانکه نماز را بپای دارند وانفاق کنند از آنچه به ایشان اعطاکرده ایم(٤) |
| اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا ؕ لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ | همانهامومنان حقیقی اند و برای ایشان نزد پروردگار ایشان |

كَرِيمٌ ۝٥

مراتبی بزرگ و آمرزش و رزقی کریمانهٔ است(۵)

كَمَآ أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيْتِكَ بِٱلْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ لَكَـٰرِهُونَ ۝٦

بطوریکه خدا تورا از خانه خود بحق بیرون آورده بود حالیکه یقینًا گروهی‌ازمومنان را ناخوش داشت(٦)

يُجَـٰدِلُونَكَ فِى ٱلْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ ۝٧

محاجه کنند بتو درباره حق پس از آنکه آشکار شده است گویی آنها به سوی مرگ کشانده شوند و آنها آن را مشاهده میکردند(۷)

وَإِذْ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحْدَى ٱلطَّآئِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَـٰتِهِۦ وَيَقْطَعَ دَابِرَ ٱلْكَـٰفِرِينَ ۝٨

و[بیادآورید]چون خدا بشماوعده یکی‌از دوگروه میدادکه آن برای شما است درحالیکه شما دوست داشتید آنکه گزند نارسان است برای شما باشد و خدا بر آن بود که حق را با سخنان خود ثابت نماید و ریشه کافران را برکند(۸)

لِيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُبْطِلَ ٱلْبَـٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ ۝٩

تا حق را ثابت نماید و باطل را خط بطلان کشد هرچند مجرمان را ناخوش دارد(۹)

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿١٠﴾

و[بیاد آرید]چون به پروردگار خود التجامیکردید.پس او برای شما قبول کرد[بدین وعده]که من شما را با یك هزار فرشته پشت سرهم آیندگان کمك خواهم کرد(۱۰)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ ۚ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١١﴾ ع

وخداآن را برایشما فقط مژدهٔ ساخته بود وتا بدان دلهایتان اطمینان یابد وگرنه هرنوع کمك فقط از نزد خدااست.یقینًا خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۱۱)

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١٢﴾

چون او ازجانب خود برشما آرامش داده خواب آسایش را بر شما می پوشاند و نازل میکرد برشما از آسمان آبی تابدان شما را خوب پاك سازد و آلودگی شیطان را از شما دورنماید و تا دلهای شما را تقویت دهد و تا به آن قدمهای شما ثابت بگرداند(۱۲)

اِذْ يُوْحِيْ رَبُّكَ اِلَى الْمَلٰٓئِكَةِ اَنِّيْ مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۭ سَاُلْقِيْ فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوْا فَوْقَ الْاَعْنَاقِ وَاضْرِبُوْا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿۱۳﴾

وقتیکه پروردگار تو بسوی فرشتگان وحی میکرد که من با شماام.پس آنان که ایمان آوردند را استوار بدارید و حتمًا در دل های آنها که کفرکردند من ترس خواهم افکند. پس گردنهای [آنها] بزنیدوهربندآنهارابزنید(۱۳)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَاۗقُّوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۚ وَمَنْ يُّشَاقِقِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿۱۴﴾

اینست چه آنها به خدا و رسول او سخت مخالفت کردند و هرکه بمخالفت خداورسول او برخیزد پس یقینًا خدا سخت عقوبت است(۱٤)

ذٰلِكُمْ فَذُوْقُوْهُ وَاَنَّ لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۵﴾

این [پاداش شما] است. پس آنرا بچشید و کافران را عذاب آتش است(۱۵)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوْهُمُ الْاَدْبَارَ ﴿۱۶﴾ۚ

ای کسانیکه ایمان آورده اید هر گاه به لشکری بزرگ آنها که کفر کردند مصادف شوید پس هرگز پشت به آنها نگردانید(۱٦)

وَمَنْ يُّوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهٗٓ اِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ اَوْ مُتَحَيِّزًا اِلٰى فِئَةٍ فَقَدْ بَاۗءَ

و آن روز هر که پشت خود به آنهابگرداند مگرآنکه برای تدبیر

بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَمَأْوٰىهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۷﴾

جنگی است یا برای پیوستن به گرومی [دیگر خود] بکوشد پس او با خشم خدا بازگردد و مأوی او جهنم است و چه زشت مأوی است(۱۷)

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى ۚ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ۚ إِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۸﴾

پس شما آنهارا نکشتید بلکه خدا آنها را کشت و [ای محمد] آنچه [سنگ ریزه هابسوی آنها] پرتاب کردی توپرتاب نکردی بلکه خدا پرتاب کرد و تا او مومنان را از جانب خود به آزمایشی‌نیکو مبتلا کند.یقیناًخداشنوای صاحب علم دائمی است(۱۸) ++

ذٰلِكُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكٰفِرِينَ ﴿۱۹﴾

این بود حال شما و این[هم حق]

++آیت۱۸ : این آیت حاکی از پیروزی درجنگ بدر است.بظاهر آن بدست اصحاب انجامداده شد. اماچون ایشان کافران رابقتل میرساندند درتحت تصرف خدا چنان میکردند.بظاهرعلت بزرگی جهت آن پیروزی این شد که آنحضرت صلی اللّٰه علیه وسلم سنگریزه هارا پرتاب کردند و درتاییدش وزیدن گردبادهای شدیداز جانب مسلمانان بسوی کافران شروع شد و راز قتل کافران از جانب خدا در این واقعه استثنائی پنهان است که چشمان کافران از گردبادهای شدید کورمانند گردید و قتل کردن آنها برای لشکرمسلمانان آسان شد و منظور از کمك فرشتگان نیز همین نکته است.

است که خدا سست کننده نیرنگ کافران است(۱۹)

اِنْ تَسْتَفْتِحُوْا فَقَدْ جَآءَكُمُ الْفَتْحُ ۚ وَاِنْ تَنْتَهُوْا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَاِنْ تَعُوْدُوْا نَعُدْ ۚ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَّلَوْ كَثُرَتْ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۲۰﴾ ع

[ای مومنان] اگر پیروزی می جستید پس یقیناً پیروزی شما را آمد و [ای منکران] اگر دست بردارید برایشما بهتراست و اگر [شرارترا] تکرارکنید ما[عذابرا] تکرار نمائیم و گروه شماهیچ بکارشمانیآید هرچندبسیار باشد و [بدانید] اینکه خدا با مومنان است(۲۰)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَاَنْتُمْ تَسْمَعُوْنَ ﴿۲۱﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید خدا و رسول او را اطاعت کنید و از او روگردانی نکنید حالیکه شماگوش میکنید(۲۱)

وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ قَالُوْا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿۲۲﴾

و همچون آنان نشویدکه گفتند گوش کردیم در حالی که آنها گوش فرا نمیدادند(۲۲)

اِنَّ شَرَّ الدَّوَآبِّ عِنْدَ اللّٰهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿۲۳﴾

یقینًا بدترین جنبنده ها نزد خدا آن کروگنگ اند که عقل نمی کنند(۲۳)

| | |
|---|---|
| وَلَوْ عَلِمَ اللّٰهُ فِيْهِمْ خَيْرًا لَّاَسْمَعَهُمْ ۖ وَلَوْ اَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَّهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٢٤﴾ | و اگرخدا درآنها نیکوئی میدید حتمًاآنهارامیشنواندو اگربه آنان میشنواند بازهم ازحق روگردانی کنان پشت برمیگرداندند(۲٤) |
| يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اسْتَجِيْبُوْا لِلّٰهِ وَلِلرَّسُوْلِ اِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيْكُمْ ۚ وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ يَحُوْلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهٖ وَاَنَّهٗۤ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٢٥﴾ | ای‌کسانیکه ایمان آورده اید خدا و رسول او رالبیك گوییدهرگاه شمارافراخواندتا او شمارا زنده نماید وبدانید که خدامیان انسان وقلبش حائل میشودواینکه یقینًا بسوی‌اوگردآورده شوید(۲۵)++ |
| وَاتَّقُوْا فِتْنَةً لَّا تُصِيْبَنَّ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْكُمْ خَآصَّةً ۚ وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿٢٦﴾ | وبترسید ازفتنهٔ ی که نرسد فقط به آنهائی ازشما که ستمکردند و بدانید که خدا سخت عقوبت است(۲٦) |
| وَاذْكُرُوْۤا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيْلٌ مُّسْتَضْعَفُوْنَ فِى الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّتَخَطَّفَكُمُ | و بیادآورید چون شماکم بودید و درزمین ناتوان شمرده میشدید |

++آیت ۲۵:درین آیت توضیح از زنده شدن مردگان بوضاحت موجود است. مسیحیان اشتباهاً از"احیاء موتی"مردگان را ظاهراً زنده کردن میپندارند. پس چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردگان معنوی را بسوی خود فراخواند که بیآیید تا شما را زنده کنم آنگاه این امر آشکار شد که آنها مردگان دفن در قبرها نبودند بلکه مردگان روحانی از اعراب بودند.

| | |
|---|---|
| النَّاسُ فَاٰوٰىكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهٖ وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ﴿٢٧﴾ | [و] میترسیدیدمبادامردم شما را بربایند پس او شمارا پناهداد و به یاری خود شما را تایید کردو شمارا ازپاکیزهها رزق داد باشد که شماسپاسگذارید(٢٧) |
| يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَخُوْنُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ وَتَخُوْنُوْۤا اَمٰنٰتِكُمْ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ﴿٢٨﴾ | ای‌کسانیکه ایمان آورده اید خدا و رسول راخیانت نکنید والاّ به امانت های‌خودنیزخیانت کننده شوید درحالیکه شما[این خیانت را] بدانید(٢٨) |
| وَاعْلَمُوْۤا اَنَّمَاۤ اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗۤ اَجْرٌ عَظِيْمٌ﴿٢٩﴾ ع | و بدانید که دارائیهائی شما و اولاد شما فقط آزمایشی است و یقینًا پاداشی بزرگ نزد خدا است(٢٩) |
| يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنْ تَتَّقُوا اللّٰهَ يَجْعَلْ لَّكُمْ فُرْقَانًا وَّيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ﴿٣٠﴾ | ای کسانیکه ایمان آورده اید اگر ازخدابترسیداوبرایشمانشانه ای ممتازقراردهد و زشتیهای شما را ازشمادورسازد و شمارا بیآمرزد و خدا را فضلی بزرگ است(٣٠) |
| وَاِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِيُثْبِتُوْكَ اَوْ يَقْتُلُوْكَ اَوْ يُخْرِجُوْكَ ؕ | و چون آنها که کفرکردند درباره توتوطئه میچیدندتا تو را پایبند |

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللهُ ۖ وَاللهُ خَيْرُ الْمَكِرِينَ ﴿٣١﴾

کنندیاتورا بکشند یا تورا تبعید کنند و آنهانیرنگ میکردند حالی که خداباطل کننده نیرنگ بود و خدابهترین [پاسخ دهنده] نیرنگ کنندگان است(۳۱)

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا قَالُوْا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَآءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هٰذَآ ۙ اِنْ هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٣٢﴾

وچون آیتهای‌مابرآنهافروخوانده شود گویندحتماً ماشنیدیم.اگرهم خواستیم حتماًمثل آن میگفتیم. این جزاساطیر پیشینیان چیزی نیست(۳۲)

وَاِذْ قَالُوا اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هٰذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَاَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَآءِ اَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣٣﴾

و[یادکن]چون میگفتندخدایا!اگر اینست حق ازجانب توپس باران سنگ را از آسمان بر ما ببار یا عذابی دردناك برمابیآر(۳۳)

وَمَا كَانَ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَاَنْتَ فِيْهِمْ ۖ وَمَا كَانَ اللهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ ﴿٣٤﴾

و نیست خدا عذابشان کند در حالیکه درمیان آنهاتوئی ونیست خدا آنها را عذاب کند درحالیکه آنها آمرزش میطلبند(۳۴)

وَمَا لَهُمْ اَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللهُ وَهُمْ يَصُدُّوْنَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوْٓا اَوْلِيَآءَهٗ ۖ اِنْ اَوْلِيَآؤُهٗٓ اِلَّا الْمُتَّقُوْنَ

و چیست آنها را که خدا آنان را عذاب نکندباآنکه بازمیدارند از مسحد حرام حالاتکه صاحبان آن

وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۵﴾

نیستند. صاحبان آن جز متقیان کسی نیست اما بیشتر آنان نمی دانند(۳۵)++

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ اِلَّا مُكَآءً وَّتَصْدِيَةً ۭ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿۳۶﴾

ونیست نمازآنان نزد خانه [کعبه] جزسوت کشیدن ودست زدن پس بچشید عذاب به آن سبب که کفر می کردید(۳٦)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۭ فَسَيُنْفِقُوْنَهَا ثُمَّ تَكُوْنُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُوْنَ ۛ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِلٰى جَهَنَّمَ يُحْشَرُوْنَ ﴿۳۷﴾

براستیآنانکه کفرکردند مالهای خود راانفاق میکنندتاازراه خدا بازدارند پس حتمًا آنان آنها را [بهمین منظور] انفاق همیکنند.باز آن [انفاق] برآنهاحسرتی بگردد. سپس مغلوب کرده شوندو آنانکه کفر کردند بسوی جهنم محشور کرده شوند(۳۷)

لِيَمِيْزَ اللّٰهُ الْخَبِيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيْثَ بَعْضَهٗ عَلٰى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهٗ جَمِيْعًا فَيَجْعَلَهٗ فِيْ جَهَنَّمَ ۭ اُولٰۗىِٕكَ

تاخدا ناپاك را ازپاك جدا سازد و ناپاك را رویهم بنهد. پس آن جمع را متراکم سازد پس آن را درجهنم بیفکند.همانها زیانکاران

آیت ۳۷:تسلط مشرکان بر مسجد فقط ظاهری بود.درحقیقت مستحقان آن مکان متبرکه چه قبل از تسلط و چه بعدها همان مومنان بوده اند.

هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿۳۸﴾ | اند(۳۸)

قُلْ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِنْ يَّنْتَهُوْا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ ۚ وَاِنْ يَّعُوْدُوْا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿۳۹﴾

بگو.آنانرا که کفر کردند اگر دست بردارند آنچه گذشته برای آنها بخشوده شود و اگر تکرار[جرم] کنند پس سنت پیشینیان [مانند آنها] گذشته است(۳۹)

وَقَاتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ كُلُّهٗ لِلّٰهِ ۚ فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۴۰﴾

و بجنگید به آنها تا آن انتها که فتنه باقی نماند و دین خالصانه برای خدا گردد. پس اگر دست بردارند آنگاه یقینًا خدا بسیار بیناست به آنچه میکنند(۴۰)++

وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰىكُمْ ۭ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ ﴿۴۱﴾

و اگر روی برتابند پس بدانید که خدا والی شماست.چه خوب والیوچه خوب یاوری است(۴۱)

++آیت ۴۰: این آیت/جهت مسئله ارتداد دلیلی استوار است. اینجا فتنه بمعنی کسی رااز دینش بزوربرگرداندن است. پس تا آنگاه که دین خالصاً برای خدا نگردد جهاد برخلاف اجبارکنندگان باهمان اسلحه روا است که با آن برای ارتداد مومنان کوشش میکنند. منظور از فتنه برآتش بریان کردن هم است.

وَاعْلَمُوٓا اَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَیْءٍ فَاَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُوْلِ وَلِذِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰكِیْنِ وَابْنِ السَّبِیْلِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَمَآ اَنْزَلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا یَوْمَ الْفُرْقَانِ یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعٰنِ وَاللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ (۴۲)

وبدانید هرچه مال غنیمت بدست آورید یك پنجم آن برای خدا [کارهای دین] و برای رسول و خویشان و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه است اگر شما ایمان دارید بر خدا و آنچه بر بنده خود روز فیصل دهنده نازل کردیم روزی که دو جمعیت روبروی هم قرارگرفتند وخدا بر هرچیزمدام قدرتمنداست(۴۲)

اِذْ اَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْیَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوٰی وَالرَّكْبُ اَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِی الْمِیْعٰدِ وَلٰكِنْ لِّیَقْضِیَ اللّٰهُ اَمْرًا كَانَ مَفْعُوْلًا لِّیَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَیِّنَةٍ وَّیَحْیٰی مَنْ حَیَّ عَنْ بَیِّنَةٍ وَاِنَّ اللّٰهَ لَسَمِیْعٌ عَلِیْمٌ (۴۳)

[یادکنید] روزیکه شما درکنار زیرین وادی بودید وآنها درکنار بالاتر و قافله پایینتراز شما دو بود واگر[به گروهی برای‌جنگ] باهم عهد میگذاردید بازهم در وعده گاه اختلاف میکردید و اما [اینطورشد] تا خدا آن کار را بگذراند که حتمی‌الوقوع بود تا آنکه را از روی دلیلی روشن جواز هلاکت باشد همان هلاك گردد وآنکه باید از دلیلی روشن

زنده ماند همان زنده بماندیقینًا خدابس شنوای‌صاحب علم دائمی است(٤٣)++

اِذۡ یُرِیۡکَهُمُ اللّٰهُ فِیۡ مَنَامِكَ قَلِیۡلًا ؕ وَلَوۡ اَرٰىکَهُمۡ کَثِیۡرًا لَّفَشِلۡتُمۡ وَلَتَنَازَعۡتُمۡ فِی الۡاَمۡرِ وَلٰکِنَّ اللّٰهَ سَلَّمَ ؕ اِنَّهٗ عَلِیۡمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوۡرِ ﴿٤٤﴾

وقتیکه خداآنهارا به تودرخوابت اندك نشان میداد و اگر تو را بسیارنشان میداد [ای مومنان!] حتمًامیترسیدید و دراین امرمهم اختلاف میکردید اما خدا از آن [شمارا]نگهداشت یقینًااو به راز سینه ها نیك داناست(٤٤)++

وَاِذۡ یُرِیۡکُمُوۡهُمۡ اِذِ الۡتَقَیۡتُمۡ فِیۡۤ اَعۡیُنِکُمۡ قَلِیۡلًا وَّیُقَلِّلُکُمۡ فِیۡۤ اَعۡیُنِهِمۡ لِیَقۡضِیَ اللّٰهُ اَمۡرًا کَانَ مَفۡعُوۡلًا ؕ وَاِلَی اللّٰهِ تُرۡجَعُ الۡاُمُوۡرُ ﴿٤٥﴾ ع

و هنگامیکه آنها را به شما چون رویا روی هم شدید اندك نشان میداد و شمارا در نگاه آنهااندك نشان میدادتاخداآنکاررابگذراند که حتمی‌الوقوع بودوهمه اموربه سوی اوبرگردانده شود(٤٥)++

++آیات ٤٣ـ ٤٥: پیش از جنگ بدر مسلمانان را برای جنگ خیال هم نبود بلکه ایشان رادرباره قافله تجاری اهل مکه خبررسیده بود و برای جلوگیری آن قافله رفته بودند چه اهل مکه برآن بودند که تمامی منافع سفر تجاری این قافله را برخلاف مسلمانان درجنگ بکاربرند. این یك تدبیرخصوصی از جانب خدا بود که او مسلمانان را با این وجود که درعدد کم بودند برای مقابله لشکری بزرگ همت قسمت کردوالا بسیاری از ضعیفان برای مقابله لشکری آنقدربزرگ حتّی[ص:٤٠٧]

| | |
|---|---|
| يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا لَقِيْتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوْا وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ﴿٤٦﴾ | ای کسانیکه ایمان آورده اید هرگاه با گروهی برخورد کنید پس پایداری نشان دهید و خدا را بسیار یاد کنید تا پیروزی را بدست آورید(٤٦) |
| وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَلَا تَنَازَعُوْا فَتَفْشَلُوْا وَتَذْهَبَ رِيْحُكُمْ وَاصْبِرُوْا ؕ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ﴿٤٧﴾ | وخداورسولش رااطاعت کنید و ازهم نزاع نکنید وگرنه ترسو شده و رعب شماز میان میرود. پس صبر کنید یقیناًخدا با صبر کنندگان است(٤٧) |
| وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَّ رِئَآءَ النَّاسِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطٌ﴿٤٨﴾ | و مشوید مانندآنانکه ازخانه های خود خرامان و به ریاء مردم در آمدند و از راه خدا بازمیداشتند و خدا احاطه کرده بود آنچه را انجام میدادند(٤٨) |
| وَاِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا | وچون[انسانی]شیطان [کردار] به |

++بقیه آیات ٤٣_٤٥:خانه ها بیرون نمیآمدند.

لیهلك من هلك عن بینة ـ اینجا سخنی عبارت از حکمت عمیقی عنوان میشود یعنی آنانکه دلیلی روشن راکه بینة نامدارد دارا باشند ایشان از برکت این دلیل حتماً پیروزمندند. بعکس آنها که فاقد دلیل باشند منتها هلاك میشوند. بحرحال جنگ ظاهری است یا جدال مسایل کسانیکه مجهز به بینة باشند حتماً برندگان اند و آنها که بی آنند منتها هلاك شوندگانند.

غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَاِنِّيْ جَارٌ لَّكُمْ ۚ فَلَمَّا تَرَآءَتِ الْفِئَتٰنِ نَكَصَ عَلٰى عَقِبَيْهِ وَقَالَ اِنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّنْكُمْ اِنِّيْٓ اَرٰى مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّيْٓ اَخَافُ اللّٰهَ ۭ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿۴۹﴾

آنها اعمال آنان مزین نشان داد وگفت،امروزهیچکدام از مردم بر شماغالب شونده نیست ومنم پناه دهنده شما. پس چون هردوگروه روبروی‌هم شدند او بر پاشنههای خودبرگشت وگفت من ازشمابری الذمه شدم.یقینًامن بینم آنچه شما نبینید.براستی من ازخدامیترسم و خدا سخت عقوبت است(۴۹)

اِذْ يَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هٰٓؤُلَآءِ دِيْنُهُمْ ۭ وَمَنْ يَّتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۵۰﴾

[بیادآرید]چون منافقان و آنانکه در دلهای آنها بیماریست میگفتند که آنهارادین آنها بفریب انداخته است حالیکه هر که به خدا توکل کند آنگاه یقینًا خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۵۰)

وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ يَتَوَفَّى الَّذِيْنَ كَفَرُوا ۙ الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ وَاَدْبَارَهُمْ ۚ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿۵۱﴾

واگرمیدیدی چون فرشتگان آنها که کفرکردند را وفات دهند و بر رویها آنها و پشتهای آنها ضربه زنند و[گویند] عذاب سوزنده را بچشید(۵۱)

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ

اینست بدانعلت که دستهایتان

بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿۵۲﴾

پیش فرستاد درحالیکه نیست خدا که ستمی اندکتر بربندگان کننده باشد(۵۲)

كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿۵۳﴾

مانند شیوه فرعونیان و آنانکه پیش از آنها بودند [شیوه شماهم همانطور است] آنها آیتهای خدا را انکار کردند پس خدا آنها را به گناهانشان بگرفت یقینًا خدا بسیار نیرومند سخت عقوبت است(۵۳)

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۵۴﴾

این بدانعلت است که خدا آن نعمت را که بر قومی ارزانی داشته باشد تغییردهنده نیست تاآن انتها که بحال خود تغییر دهند وبدانید که خدا بسیارشنوا صاحب علم دائمی است(۵٤)

كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ فَاَهْلَكْنٰهُمْ بِذُنُوْبِهِمْ وَاَغْرَقْنَا اٰلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ﴿۵۵﴾

مانندفرعونیان و آنانکه پیش از آنهابودند[شیوه شمانیز همانطور است]آنهابه آیات ما تکذیب کرده بودند پس ما آنهارابسبب گناهان آنها هلاك ساختیم و فرعونیان

راغرق کردیم وآنهاهمه ستمکاران بودند(۵۵)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَآبِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٦﴾

یقینًا بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند که کفرکردند و آنها ایمان نمیآرند(۵۶)

الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

[یعنی] آنان که با ایشان پیمان بستی سپس هربار پیمان خود را میشکنند و آنها نمیترسند(۵۷)

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

پس اگردرجنگ با آنان برخورد کنی پس با[فرجام]آنان پراکنده بساز آنهارا که پشت سرآنان اند تاباشدکه آنهاپند بگیرند(۵۸)

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَآئِنِينَ ﴿٥٩﴾

و اگر از قومی ترس خیانت داری پس به آنها معامله بمثل کن. هرگز خدا خیانتکاران را دوست ندارد(۵۹)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا ۚ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ﴿٦٠﴾

و کسانیکه کفرکردند هرگزگمان نکنند که پیشی گرفته اند.قطعًا آنها نتوانند بعجزبیآرند(۶۰)

وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ

وهرچه امکان دارید برای ایشان آماده کنید از نیرو و اسبان

وَعَدُوَّكُمْ وَاٰخَرِيْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ ۚ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ ۚ اَللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ شَيْءٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يُوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ۝

بسته[در امتداد خط مرز تا]به آن دشمن خدا و دشمن خود و علاوه برآنها دیگران را نیز بترسانید. نمیدانیدآنها را، خدااست که آنها رامیداند.آنچه ازچیزی براه خدا انفاق کنید تمامًا بسویتان پس داده شود و شما حق تلفی کرده نشوید(۶۱)

وَاِنْ جَنَحُوْا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ۗ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝۶۲

و اگر به صلح میل کنند پس تو نیز به صلح بگرا و برخدا توکل کن یقینًا او شنوای صاحب علم دائمی است(۶۲)

وَاِنْ يُّرِيْدُوْۤا اَنْ يَّخْدَعُوْكَ فَاِنَّ حَسْبَكَ اللّٰهُ ۗ هُوَ الَّذِيْۤ اَيَّدَكَ بِنَصْرِهٖ وَبِالْمُؤْمِنِيْنَ ۙ ۝۶۳

و اگر بخواهند بتو طفره زنند آنگاه یقینًا خدا برای تو بس است.اوست آنکه بانصرت خود و باමومنان، تو را کمک کرد(۶۳)

وَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ ۗ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا مَّاۤ اَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ اَلَّفَ بَيْنَهُمْ ۗ اِنَّهٗ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝

وقلبهای ایشان را پیوند داد.اگر هرچه در زمین است همه راهزینه میکردی نه بودی میان دلهایشان پیوندد‌می‌اماخدامیان آنان پیوند داد. یقیناً او صاحب غلبه کامل

صاحب حکمت است(٦٤)

يَآَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللّٰهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٦٤﴾

ای پیغامبر! خدا بس است ترا و آنانرا که ازمومنان تراپیروی نمایند(٦٥)

يَآَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ اِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ عِشْرُوْنَ صٰبِرُوْنَ يَغْلِبُوْا مِائَتَيْنِ ۚ وَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ مِّائَةٌ يَّغْلِبُوْٓا اَلْفًا مِّنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ ﴿٦٦﴾

ای پیغمبر! مومنان را بر قتال تحریض کن.اگرازشمابیست صبر کنندگانند آنان بر دویست چیره شوند و اگر از شما یکصد [صبر کنندگان]اندبریك هزار ازآنها که کفر کردند غالب آیند.چه آنان کسانیندکه درك نکنند(٦٦)++

اَلْئٰنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ اَنَّ فِيْكُمْ ضَعْفًا ۚ فَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَّغْلِبُوْا مِائَتَيْنِ ۚ وَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ اَلْفٌ يَّغْلِبُوْٓا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ مَعَ

اکنون خدا از[تکلیف]شماکاسته است چون او میداند که هنوز درشما ضعف است.پس اگراز شمایکصدصبر کنندگان باشندآنگاه به اذن خدا بردویست غلبه یابند

++آیت ٦٦:حضرت محمدصلی الله علیه وسلم فرمان شدند که مومنان را برجنگ تحریض کن.اگرچه ایشان کم عدد اند اما وعدهٔ خدای است که میتوانند بر عدد ده برابر خود غلبه یابند.مفهوم این نیست که تك نفرمیتواند برعدد ده برابر خود غلبه یابد بلکه یك عدد معین نقل شده است که اگر صد نفراند عین ممکن است بر هزار نفر غالب آیند.

| | |
|---|---|
| الصّٰبِرِيْنَ ﴿٦٧﴾ | واگرازشمايك هزار باشند بر دو هزار [نفردشمن] چيره شوند و يقيناًخداباصبر كنندگانست(٦٧)+ |
| مَا كَانَ لِنَبِيٍّ اَنْ يَّكُوْنَ لَهٗٓ اَسْرٰى حَتّٰى يُثْخِنَ فِى الْاَرْضِ ۭ تُرِيْدُوْنَ عَرَضَ الدُّنْيَا ۖ وَاللّٰهُ يُرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ۭ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٦٨﴾ | سزاوار پيغمبرى نيست كه او را اسيران [غلام] باشند تا آنگاه كه درزمين قتالى خونبار نكند. شما متاع دنيا را دوستداريد در حاليكه خدا را آخرت پسندآيد و خدا صاحب غلبه كامل صاحب حكمت است(٦٨) |
| لَوْلَا كِتٰبٌ مِّنَ اللّٰهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيْمَآ اَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٦٩﴾ | اگر[به شماسلوك آمرزش]ازپيش تقدير نشده بود حتماً شمارا به پاداش آنچه بدست آورديدعذابى خيلى بزرگ ميرسيد(٦٩) |
| فَكُلُوْا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلٰلًا طَيِّبًا ۖ وَّاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧٠﴾ ع | پس بخوريد حلال و پاكيزه را ازآنچه به غنيمت برديد وخدا را |

++آيت ٦٧: دراين آيت مذكور است كه سردست شما در حالت ناتوانى قرار داريد كه نه شمارا غذاى كامل ميسر است و نه مهمات جنگ. لذا يكصد نفرشما بر دويست نفر غالب آيند.اما چون رعب شمابرقرارشود آنگاه ازنسلهاى آينده بر هزار و ده هزار نفر هم ميتوانيد غلبه يابيد. جهت فتح بزرگ كه براى آيندگان پيشگوئى شد. بنيادش همان از دست مومنان اولى نهاده شده بود.

تقوی اختیار کنید و یقینًا خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است (۷۰)

يَٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِيٓ أَيْدِيكُم مِّنَ
الْأَسْرَىٰٓ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ
خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمْ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧١﴾

ای پیغمبر آنان از اسیران که در دست شما اند بگو اگر خدا در دلهای شما نیکی بداند شما را نیکوتر از آنچه بدهد که از شما گرفته شد و شما را بیآمرزد و خدا آمرزندهٔ بارها رحمکننده است(۷۱)

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ
مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿٧٢﴾

واگرآهنگ کنندبه خیانت توپس پیش ازین به خدا خیانت کرده بودند پس او آنها را بیچاره ساخت و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۷۲)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَٰهَدُوا
بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالَّذِينَ ءَاوَوا وَّنَصَرُوٓا أُولَٰٓئِكَ بَعْضُهُمْ
أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ
يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَيْءٍ

یقینًا کسانیکه ایمان آوردند و مهاجرت کردند و با مالهای خود و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند و آنانکه [مهاجران را] در منازل خود پناه دادند و یاری کردند همانهایندکه بعضیازایشان

حَتّٰى يُهَاجِرُوْا ۚ وَاِنِ اسْتَنْصَرُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ اِلَّا عَلٰى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيْثَاقٌ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۷۲﴾

به بعضی‌دوست اند وآنانکه ایمان آوردند اما مهاجرت نکردند شما را هیچ [جواز] از دوستی آنان نیست تا آنگاه که مهاجرت کنند و اگر در دین ازتو یاری جویند پس بر شما لازم است که یاری کنید مگر که خلاف قومی باشد که میان شما و میان آنها پیمانی است و خدا به آنچه عمل کنید عمیقاً بینا است(۷۳)

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۗ اِلَّا تَفْعَلُوْهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْاَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيْرٌ ﴿۷۳﴾

و کسانیکه کفر کردند بعضی از آنها دوستان بعضی اند اگر آن را بجا نه آورید[که آموزش داده شدید] در زمین فتنهٔ و فسادی بزرگ میباشد(۷٤)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ اٰوَوْا وَّ نَصَرُوْٓا اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا ۗ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿۷٤﴾

و کسانیکه ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند وآنانکه پناه دادند و یاری کردند همانهایند که مومنان واقعی هستند. ایشان را آمرزش و رزقی کریمانهٔ ی است(۷۵)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْۢ بَعْدُ وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا مَعَكُمْ فَاُولٰٓئِكَ مِنْكُمْ ؕ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٧٦﴾

وکسانیکه بعدها ایمان آوردند و مهاجرت کردندوباشماهمراه جهاد کردند ایشان از خود شمایند و [نسبت به]خویشاوندان درکتاب خدابعضی‌ازآنان ببعضی‌نزدیکتر اند.یقیناًخدا به هرچیزخوب دانا است(٧٦)

# ٩ -سورة التوبة

این سورة بلافاصله پس از سورة الانفال در مدینه نازل شد و ١٢٩ آیت دارد.

پایان سورة الانفال از وضعیت جنگها و ناشی از آنها پدید آمدن مشکلات و بعدها بدست آمدن نعمتها حاکی بود و تصویر بعدی آن وضعیت در آغاز این سورة توبه کشیده ذکر میشود که دشمنان حتماً مغلوب شده و وادار به عقدپیمانها با آنحضرت ﷺ و یاران ایشان خواهند شد.پس انصاف تقاضا دارد که تاآن نهایت که آنان استوار بر پیمانهای خودشان باشند باید از جانب مسلمانان هرگز پیمان شکنی بعمل نیآید.

ذکر ازعواقب عهد شکنی از سورة الفاتح شروع شده در تمام سورة های‌پیشین بنحوی گوناگون یافت میشود.آن ذکر در این سورة نیز موجود است.امابطوریکه دشمنان نقض پیمان کرده مجازات میشوند، مومنان هشدار داده میشوند که ایشان را بحرحال به پیمانهای خویش وفا کردن است.

دراین سورة این ذکرپیوسته یافت میشودکه پیروزی مسلمانان متکی بر برتری تجهیزات جنگی یا تزاید عددی نیست و نمیتواند باشد و در ادامه این سخن مثل ازجنگ حنین داده میشود. آنهنگام مسلمانان برکافران برخوردار به برتری عددی بودند و بر پایه آن برتری شماری از مسلمانان پنداشتند که کافران را چطور ممکن است که پیروز باشند درحالیکه قبلاً ما با این وجودکه کم عدد بودیم برجمعیتی بسیارکثیرآنان پیروزمند میشدیم. ایشان پند داده میشوند که وقیتکه شماکم عدد بودید فقط بعلت دعاهای

آنحضرت ﷺ پیروزمند میشدید. پس اینك گمان شما نسبت به برتری تعداد شکسته میشود. اما شما پس از این شکست بسیار خطرناك دوباره درنتیجه دعاماوصبروهمت همین رسول خداﷺ پیروزخواهید شد.

بعدها ذکر از ارزانی داشتن دارائیها میباشد. بعلت آن ارزانی منافقان ازروی‌حسادت حتّی برآنحضرت ﷺ نیزکه مستقیماً مسؤل ازجهت توزیع آن بودند.تهمت خیانتکاری زدند. حالانکه آنحضرت ﷺ آن مالها را نه برای خویشاوندان خود بلکه جهت بهبودی مهاجران، فقیران و تهیدستان و کسانی درگرداب مشکلات فراگرفته وکسانی غرق در تاوان بدهی ها، بکار میبردند. پس درضمن، آنها هشدار داده میشوند که اگر آنها بر این رسول امین ﷺ هم تهمت خیانتکاری زنند حتماً به هلاك افکنده شوند. حقیقت امر اینست که اینچنان افتراء کنندگان خودشان از امثال کسانی بی دیانت و خیانکاران میباشند.

در پایان این سورة آیتی عبارت از این است که این آن رسول است که خالصاً جهت بهبودی شما رنج میکشد.شما هرچه رنج در راه خدا میکشید بر او سخت میگذرد. آن سختی که برکفارمیگذرد هرگز بستگی به سختی قلب او را ندارد. قلب او بیگمان پر از مهر و رحمت همگانه و تمثلی زنده ازخدای رؤف الرحیم است.

☆ سُوْرَةُ التَّوْبَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّهِىَ مِائَةٌ وَّ تِسْعٌ وَّعِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةَ عَشَرَ رُكُوْعًا

بَرَآءَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖۤ اِلَى الَّذِيْنَ عٰهَدْتُّمْ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۟ؕ ①

[اعلام]بیزاری‌است ازجانب خدا ورسول او بسوی آن مشرکان که با آنها پیمان بسته اید(۱)

فَسِيْحُوْا فِى الْاَرْضِ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَّاعْلَمُوْۤا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى اللّٰهِ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ مُخْزِى الْكٰفِرِيْنَ ②

پس بگردید در زمین چهار ماه و بدانید نیستید شما که خدا را به عجز آرید واینکه خدا کافران را خوارکننده است(۲)

وَاَذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖۤ اِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ اللّٰهَ بَرِىْٓءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۙ۬ وَرَسُوْلُهٗ ؕ فَاِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوْۤا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى اللّٰهِ ؕ وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۙ ③

و ازخدا ورسول او درروز حج اکبراعلانی‌است که خداازکافران کلیةً بیزاراست و رسول اونیز. پس اگرتوبه کنید پس آن برای شمابهتراست و اگرروی برتابید بدانید نیستید شما که خدا را به عجزآرید وبه آنانکه کفرکردند به عذابی دردناک مژده بده(۳)

این امر لایق تذکر است که قبل از سورة التوبه بسم الله نیست. قرآن مجید را جمله ۱۱٤ سورة است وبسم الله فقط درآغاز۱۱۳ سورة مرقوم است. اما این اعجاز ازقرآن است که جای دیگردرسورة النمل درضمن نامه ازحضرت سلیمان بنام ملکه سبابسم الله الرحمن الرحیم کاملاًنوشته عدد بسم الله به عددسورة ها۱۱٤ میرسد.

إِلَّا الَّذِينَ عٰهَدْتُّمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَّلَمْ يُظٰهِرُوا عَلَيْكُمْ اَحَدًا فَاَتِمُّوٓا اِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ اِلٰى مُدَّتِهِمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٤﴾

مگر از مشرکان به آنانکه عقد پیمان کردید وسپس هرگزنقض پیمان نکردندوخلاف شمابه احدی پشتبانی‌نکردندپس پیمانشان را به آنان بپایان برید تا مدتی که به آنان [مقرر] دارید. یقینًا خدا دوستدار متقیان است(٤)

فَاِذَا انْسَلَخَ الْاَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ۚ فَاِنْ تَابُوا وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥﴾

پس چون ماههای‌حرام بگذرد آنگاه قتال کنید به مشرکان [عهد شکن] هرکجا آنها را بیابید و دستگیرشان کنید و محصورشان کنیدوبرایشان برهریك کمینگاه بنشینید.پس اگرتوبه کنند ونماز راب‌پای دارند و زکوت دهند پس راه آنها را ترك کنید. یقینًا خدا آمرزنده بارمارحمکننده است(٥)

وَاِنْ اَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاَجِرْهُ حَتّٰى يَسْمَعَ كَلٰمَ اللّٰهِ ثُمَّ اَبْلِغْهُ مَاْمَنَهُ ۚ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾ ع

واگراحدی ازمشرکان ازتوپناه طلبد پس او را پناه بده تا آنگاه که او کلام الهی را بشنود پس ازآن او را تا جای ایمن برسان. این [تخفیف] بدانعلت است که

آنهاقومی‌اندکه دانشی ندارند(٦)

كَيْفَ يَكُوْنُ لِلْمُشْرِكِيْنَ عَهْدٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ رَسُوْلِهٖٓ اِلَّا الَّذِيْنَ عٰهَدْتُّمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ فَمَا اسْتَقَامُوْا لَكُمْ فَاسْتَقِيْمُوْا لَهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِيْنَ ۝

چسان پیمان مشرکان جزبا آنان که در مسجدحرام پیمان بستید نزدخدا ورسولش درست میشود! پس تا آنگاه که آنها درحق شما [برعهد] ثابت مانند شما هم در حقشان ثابت بمانید. یقیناً خدا متقیان را دوستدارد(٧)

كَيْفَ وَاِنْ يَّظْهَرُوْا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوْا فِيْكُمْ اِلًّا وَّلَا ذِمَّةً ۗ يُرْضُوْنَكُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ وَتَاْبٰى قُلُوْبُهُمْ ۚ وَاَكْثَرُهُمْ فٰسِقُوْنَ ۝

چطور[عهدآنها مورداعتماد] است حالیکه اگربرشماغلبه یابند جهت شما پیمانی و تکلیفی را مراقبت نکنند. شمارابادهنهای‌خود خشنود سازندحالانکه دلهای آنها منکرند و اکثرآنها فاسقانند(٨)

اِشْتَرَوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيْلًا فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِهٖ ۗ اِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝

آنها ببدل آیتهای خدا بهائی ناقابل قبول کردند و از راه او بازداشتند یقیناًبسیارزشت است آن کار که میکنند(٩)

لَا يَرْقُبُوْنَ فِيْ مُؤْمِنٍ اِلًّا وَّلَا ذِمَّةً ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُوْنَ ۝

جهت مومنان هیچ پیمانی و تکلیفی را رعایت نکنند. همانها تجاوزگرانند(١٠)

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ الْآيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾

پس اگر توبه کنند ونماز راپای دارند و زکوت دهند آنگاه در دین برادران شمایند و ما آیتهای را تفصیل میدهیم برای قومی که دانشمندند(۱۱)

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ ۙ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿۱۲﴾

و اگر آنها سوگندهای خود را پس ازعهدخود بشکنند و در دین شماطعن زنند پس با پیشوایان کفرجنگ کنید. یقینًا سوگندهای آنان هیچ اعتبار ندارد[اینگونه] ممکن است آنها بازایستند(۱۲)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ أَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾

آیاشما باقومی جنگ نکنید که سوگند های‌خودرا شکستند و به تبعیدرسول آهنگ کردند وهمانها اندکه اوّل بارخلاف شما آغاز [تجاوزگری]کردند.آیا شماازآنها میترسیدحالانکه خدا سزاوارتر است که از او بترسید اگر شما مومنانید(۱۳)

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ

قتال کنید به آنها.خدا بدست شماعذابشان کند و آنها را رسوا

صُدُوْرَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٤﴾

کند وشمارا خلاف آنها یاری دهد وسینه های مومنان را درمان کند(١٤)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوْبِهِمْ ۗ وَيَتُوْبُ اللّٰهُ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿١٥﴾

وخشم از دلهای آنان دورسازد و خدا برهرکه خواهد توبه قبول کنان متمایل گردد و خدا بسیار دانای صاحب حکمت است(١٥)

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تُتْرَكُوْا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جٰهَدُوْا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلَا رَسُوْلِهٖ وَلَا الْمُؤْمِنِيْنَ وَلِيْجَةً ۗ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٦﴾ ع

آیاگمان کنیدکه همینطوررهاکرده شوید درحالیکه خدا هنوز آنان از شمارا که جهاد کردند وخدا و رسول او و مومنان را رها کرده کسی را دوست صمیمی نگرفتند [به آزمایش افکنده] بازنشناخته است و خدا مدام آگاه است به آنچه میکنید(١٦)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِيْنَ اَنْ يَّعْمُرُوْا مَسٰجِدَ اللّٰهِ شٰهِدِيْنَ عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ ۗ اُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ ۚ وَفِى النَّارِ هُمْ خٰلِدُوْنَ ﴿١٧﴾

مشرکان رانیست که مساجد خدا را آبادکنند باآنکه آنها برعلیه خویشتن گواه بکفراند.همانها اند که اعمالشان هدر رفت و آنها مدت دراز در آتش میمانند(١٧)

اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسٰجِدَ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ

مساجد خدا را آباد کند فقط آنکه

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰٓى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَّكُوْنُوْا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ ﴿١٨﴾

به خدا و روزآخرت ایمان آرد و نماز را بپای دارد و زکات دهد و نترسد جز از خدا. پس نزدیك است این مردم ازجمله هدایت یافتگان شوند(١٨)

اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجٰهَدَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۗ لَا يَسْتَوٗنَ عِنْدَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٩﴾

آیا شما به حاجیان آب دادن و مراقب بودن مسجدحرام را مانند آنکس قرار میدهید که به خدا و روزآخرت ایمان آورد و در راه خداجهاد کرد؟ آنان نتوانند نزد خدا یکسان باشند و خدا قومی ستمکار را هدایت نمیدهد(١٩)

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ۙ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿٢٠﴾

آنانکه ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با دارائی های خود و جانهای خود جهاد کردند نزد خدا در رتبه بلندترند و همانهایند که برتر شوندگان اند(٢٠)

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَّجَنّٰتٍ لَّهُمْ فِيْهَا نَعِيْمٌ مُّقِيْمٌ ۙ ﴿٢١﴾

پروردگارآنان ایشانرا از جانب خود برحمت خود و خوشنودی و باغهای مژده میدهد که درآنها

خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗۤ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٢﴾

ایشانرا نعمتهای پایدار است(٢١) ایشان درآنها جاویدانند یقینًا خدا است که نزد او اجری بزرگ است(٢٢)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْۤا اٰبَآءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ اَوْلِيَآءَ اِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْاِيْمَانِ ؕ وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٣﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید پدران خود و برادران خود را بدوستی فرانگیرید اگرآنان در مقابل ایمان کفررا دوست دارند وکسانی ازشما که آنها را دوست گیرندپس همانهاستمکارانند(٢٣)

قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَآؤُكُمْ وَاَبْنَآؤُكُمْ وَاِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَاَمْوَالُ ۨاقْتَرَفْتُمُوْهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ اَحَبَّ اِلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَجِهَادٍ فِيْ سَبِيْلِهٖ فَتَرَبَّصُوْا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهٖ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٤﴾ ع

بگواگرپدرانتان و فرزندانتان و همسرانتان وخویشانتان و آن مالها که آنها را کسب میکنید و تجارتی که از کسادیآن می ترسید و خانه های که آنها را دوستدارید برای شما از خدا و رسولش وجهاد در راه او گرامی ـ تر اند پس منتظر باشید تا آن گاه که خدا فرمان خود را بیآرد و خدا زشت کرداران را هدایت نمی دهد(٢٤)

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِيْ مَوَاطِنَ كَثِيْرَةٍ ۙ وَّيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَّضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُّدْبِرِيْنَ ۚ﴿٢٥﴾

یقینًا خدا شمارا دربسیار میدانها کمك داده است و[بویژه]در روز حنین چون شما را فزونی خود به تکبر واداشت اما آن هیچ بکار شما نیآمد و زمین باآنهمه فراخی برشما تنگ شد باز پشت کرده روی‌برتابیدید(٢٥)

ثُمَّ اَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَنْزَلَ جُنُوْدًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ؕ وَذٰلِكَ جَزَآءُ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٦﴾

سپس خدا آرامش خود را بر رسول خود و برمومنان نازلکرد و لشکرانی فروفرستاد که شما آنهارا نمیدیدید و کسانیکه کفر کردند را عذاب داد و کافران را همین پاداش است(٢٦)

ثُمَّ يَتُوْبُ اللّٰهُ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٧﴾

سپس خدا بر هرکه بخواهد توبه قبول کنان متمایل شود و خدا آمرزنده ی بارها رحم کننده است(٢٧)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنَّمَا الْمُشْرِكُوْنَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هٰذَا ۚ وَاِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ

ای کسانیکه ایمان آورده اید بیگمان مشرکان ناپاکند.پس آنها پس از این سال به مسجدحرام نزدیك نشوند واگر از فقر بیم

يُغۡنِيۡكُمُ اللّٰهُ مِنۡ فَضۡلِهٖۤ اِنۡ شَآءَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيۡمٌ حَكِيۡمٌ ﴿۲۸﴾

دارید پس خدا شمارابفضل خود توانگرسازدیقیناًخدا صاحب علم دائمیصاحب حکمت است(۲۸)+

قَاتِلُوا الَّذِيۡنَ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالۡيَوۡمِ الۡاٰخِرِ وَلَا يُحَرِّمُوۡنَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهٗ وَلَا يَدِيۡنُوۡنَ دِيۡنَ الۡحَقِّ مِنَ الَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الۡكِتٰبَ حَتّٰى يُعۡطُوا الۡجِزۡيَةَ عَنۡ يَّدٍ وَّهُمۡ صٰغِرُوۡنَ ﴿۲۹﴾ ع

قتال کنید آنان از اهل کتاب را که ایمان نمیآرند به خدا و نه به روز آخرت و نه حرام دانندآنچه راخدا ورسول اوحرام قرارداده است و راه دین حق را اختیار نکنند تا آنگاه که جزیه را با دست [ادا] کنند و بیچارگان گردند(۲۹)

+آیت۲۹۸:منظور از نجس بودن مشرکان نه نجاست بدنی بلکه نجاست اعتقاد آنان میباشد. پس باز داشتن مشرکان از برگذاری مراسم حج دال براینست که آنها نباید با حرکات مشرکانه خود رخصت به برگذاری مراسم حج داده شوند چه درزمان جاهلیت آنان گاهی لُخت وگاهی بابتان خود مراسم حج برگذارمیکردند. حضرت امام ابوحنیفه ودیگرفقیهان حنفی ورودمشرکان در مساجد مسلمانان حتّی در مسجد حرام نیزمجاز میگردانند. البته آنها مجاز نیستند تا با رسمهای مشرکانه خود حج یا عمره را بجا آرند. چنانچه نوشته است. "لِانّهٗ لَیسَ الْمُرادُ مِن اية (انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام) النهى عن دخول المسجد الحرام. و انما لمراد النهى ان يحج المشركون او يعتمروا كما كانوا يعملون فى الجاهلية ـ الفقه الاسلامى و ادلته". تاليف الدكتور وهبة الزحيلى. جلد٦ ـ صفحات ٤٣٤ و ٤٣٥ـ دارالفكر دمشق.

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ عُزَيْرُ ابْنُ اللّٰهِ وَقَالَتِ النَّصٰرَى الْمَسِيْحُ ابْنُ اللّٰهِ ۖ ذٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ ۚ يُضَاهِئُوْنَ قَوْلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلُ ۖ قٰتَلَهُمُ اللّٰهُ ۚ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿۳۰﴾

ویهود گفتند عزیر پسر خدا است و مسیحیان گفتند مسیح پسر خدا است.این گزاف دهن های آنانست. آنان هم آواز به سخن آنان می شوند که قبلاً کفر کرده بودند.خدا نابودشان کند کجا برگردانیده شوند(۳۰)

اِتَّخَذُوْٓا اَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ اَرْبَابًا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَالْمَسِيْحَ ابْنَ مَرْيَمَ ۚ وَمَآ اُمِرُوْٓا اِلَّا لِيَعْبُدُوْٓا اِلٰهًا وَّاحِدًا ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۖ سُبْحٰنَهٗ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿۳۱﴾

آنها علمای دین خود و راهبان خود را بغیر از خدا خدایانی برگزیده اندوهم مسیح ابن مریم را.حالانکه فرمان نشده بودند مگر که برای خدای یگانه عبادت کنند. هیچ معبودی نیست جز او.او منزه است از آنچه شرک میورزند(۳۱)

يُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّطْفِـُٔوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَيَاْبَى اللّٰهُ اِلَّآ اَنْ يُّتِمَّ نُوْرَهٗ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ﴿۳۲﴾

آنهاخواهند نورخدا را باباد دهن های خود خموش کنندو خدا [هر سخنی دیگر را] ردکند مگر که نور خود را بکمال برساند ولو کافران را ناخوش گذرد(۳۲)

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ

او است آنکه رسول خود را با

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهِ ۙ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ﴿٣٣﴾

هدایت و دین حق فرستاد تا آن رابرهرکدام دین غلبه دهدمرچند مشرکان را ناخوش دارد(٣٣)

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَاْكُلُوْنَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ وَالَّذِيْنَ يَكْنِزُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُوْنَهَا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۙ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣٤﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده ایدیقینًا ازعلماء دین و راهبان بسیاری اندکه مالهای مردم راباباطل مورد طعمه قرارمیدهند و ازراه خداباز میدارند و آنانکه طلا و نقره را اندوخته و در راه خدا انفاق نمی کنند آنهارا بعذابی دردناك مژده بده(٣٤)

يَّوْمَ يُحْمٰى عَلَيْهَا فِيْ نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوْبُهُمْ وَظُهُوْرُهُمْ ؕ هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ فَذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُوْنَ ﴿٣٥﴾

روزیکه شعله آتش جهنم بر آن [طلاء و نقره]هاافکنده شود.پس به آن پیشانیهای آنها وپهلوهای آنهاداغ کرده شود[وخطاب شود] اینست آنچه برای جانهای خود اندوخته بودید. پس [طعم] آنرا بچشید که شما میاندوختید(٣٥)

اِنَّ عِدَّةَ الشُّهُوْرِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

یقینًاعدد ماهها نزدخدا از روزی که او آسمانهاو زمین راآفرید در کتاب خدا دوازده ماه است.چهار

وَالْاَرْضَ مِنْهَآ اَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ؕ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ ۙ فَلَا تَظْلِمُوْا فِيْهِنَّ اَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِيْنَ كَآفَّةً كَمَا يُقَاتِلُوْنَكُمْ كَآفَّةً ؕ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٦﴾

از آنهاحرمت دارد.اینست دین برقرار.پس در این[ماه]ها برجان های‌خودستم نکنید و [در ماههای دیگر] همه باهم بامشرکان قتال کنید بطوریکه آنها همه باهم بشما قتال کنند و بدانید که خدا با متقیان است(٣٦)

اِنَّمَا النَّسِیْٓءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُحِلُّوْنَهٗ عَامًا وَّيُحَرِّمُوْنَهٗ عَامًا لِّيُوَاطِـُٔوْا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ فَيُحِلُّوْا مَا حَرَّمَ اللّٰهُ ؕ زُيِّنَ لَهُمْ سُوْٓءُ اَعْمَالِهِمْ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٧﴾ ع

یقینًانسئی درکفر افزایشی است، آنانکه کفرکردند به آن گمراهتر کرده شوند. آنها سالی آنراحلال میشمارند وسالی آنراحرام قرار میدهند تا شمار را وفق دهند به آنچه خداحرام قرارداده است. پس آنها حلال قرار میدهند آنچه را خدا حرام کرده است.زشتی اعمالشان به آنها زیبا نشان داده شد و خدا قوم کافران را هدایت نمیدهد(٣٧)++

++آیت ٣٧ :نسئی عبارت از این است که اعراب قبل از اسلام ماه های حرمتدار را بمیل خود پس و پیش میکردند تا انجام دهند کارها مثل جنگها وغیره که در این ماه ها حرام بود و بعداً بعضی از ماه های دیگر را حرمت دار قراردهند.

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَا لَكُمْ اِذَا قِيْلَ لَكُمُ انْفِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ ؕ اَرَضِيْتُمْ بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْاٰخِرَةِ ۚ فَمَا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا قَلِيْلٌ ﴿۳۸﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید چیست شماراکه چون به شماگفته شود که براه خدا[برای جهاد] در آیید سنگین شده به سوی زمین میگرایید. آیا به زندگی دنیا از آخرت خوشنودتر شدید؟ پس متاع دنیا در آخرت بس حقیر است(۳۸)

اِلَّا تَنْفِرُوْا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ وَّيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوْهُ شَيْئًا ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۳۹﴾

اگر[برای جهاد] بیرون نیآیید او شمارا بعذابی دردناك عذاب کند و ببدل شما قومی دیگر را بیآرد و نیستید شما به او هیچ گزندی برسانید و خدا بر هرچیز مدام قدرتمند است(۳۹)

اِلَّا تَنْصُرُوْهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ اِذْ اَخْرَجَهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ثَانِيَ اثْنَيْنِ اِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اِذْ يَقُوْلُ لِصَاحِبِهٖ لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا ۚ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلَيْهِ وَاَيَّدَهٗ بِجُنُوْدٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِيْنَ

اگرشما او[رسول]را یاری نکنید البته خدا که او را آنموقع هم یاری داد چون اَنانکه کفر کردند اوراتبعید کرده بودند حالیکه او یکی از دو بود چون آندو درغار بودند گامیکه او به همراهی‌خود گفت، غم مخور یقینًا خدا با ما

كَفَرُوا السُّفْلٰى ؕ وَكَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٤٠﴾

است.پس خداآرامش خودرابر آنان نازلکرد و اورا با لشکرهای کمك کرد که آنانرا ندیده اید و سخن آنانکه کفرکردند پست تر گردانید وتنها سخن خدااست که آن برتراست وخدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(٤٠)

اِنْفِرُوْا خِفَافًا وَّ ثِقَالًا وَّ جَاهِدُوْا بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤١﴾

کوچ کنید سبکبار و سنگینبار و با مالهای‌خویش وجانهای خویش در راه خدا جهاد کنید. این برای شما خیری است اگر شما بدانید(٤١)

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَّسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوْكَ وَلٰكِنْۢ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ؕ وَسَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ ۚ يُهْلِكُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿٤٢﴾ ع

اگر فاصله نزدیك بود و سفر آسان حتمًادنبال تو راه میفتادند اما رنج کشیدن برای آنها دور از کاراست و حتمًا به خدا قسمها خورند که اگر ما را توان بود یقینًا با شما بیرون می رفتیم و جانهای خود را به هلاك میدهند و البته خدا میداند که حتمًا آنها دروغگویانند(٤٢)

عَفَا اللّٰهُ عَنْكَ ۚ لِمَ اَذِنْتَ لَهُمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٤٣﴾

گذشت کند خدا از تو، چرا به آنها اجازه دادی تا آنگاه که برای تو عیان میشد آنانکه راست گفتند و دروغگویانرا بازمیشناختی(٤٣)

لَا يَسْتَاْذِنُكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اَنْ يُّجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٤﴾

آنانکه به خداوروز آخرت ایمان دارند اصلاًازتواجازه نمیخواهند که با مالهای خود و جانهای خود جهاد کنند و خدا متقیان راخوب میداند(٤٤)

اِنَّمَا يَسْتَاْذِنُكَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوْبُهُمْ فَهُمْ فِيْ رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُوْنَ ﴿٤٥﴾

رخصت از تو فقط آنها میطلبند که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند و در شك خود دو دلی میکنند(٤٥)

وَلَوْ اَرَادُوا الْخُرُوْجَ لَاَعَدُّوْا لَهٗ عُدَّةً وَّلٰكِنْ كَرِهَ اللّٰهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيْلَ اقْعُدُوْا مَعَ الْقٰعِدِيْنَ ﴿٤٦﴾

واگرقصدداشتند[جهاد را] بیرون روندحتمًا برای آن آمادهٔ میشدند ولی خدا خوش نداشت که آنها [برای‌این هدف عالی]برخیزند و آنهارا بازداشت و گفته شد که با بازنشتگان بنشینید(٤٦)

لَوْ خَرَجُوْا فِيْكُمْ مَّا زَادُوْكُمْ اِلَّا خَبَالًا وَّلَاْاَوْضَعُوْا خِلٰلَكُمْ يَبْغُوْنَكُمُ

و اگر آنها در شما [برای جهاد] بیرون میرفتند شما را جز

الْفِتْنَةَ ۚ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

اختلال حال چیزی نمیفزودند و مرکبها رامیان شماتند میدواندند برای شما فتنهٔ را خواسته و در شمانیز سخنان آنانرا بدقت گوش کنندگان اند وخدا به ستم کاران خوب آگاه است (٤٧)

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٤٨﴾

یقیناً قبلاً نیز آنهابرای شما فتنه میخواستند و امور را زیرورو کرده پیش تو آوردند تا آنگامکه حق آمد و امرخدا پدیدار شد و آنها[آنرا]ناخوش میداشتند(٤٨)

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ائْذَن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي ۚ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٤٩﴾

و از آنها است آنکه میگوید که مرا رخصت بده و مرابه فتنه نیفکن. باش! آنها درفتنه که فرو افتاده اند و یقینًا جهنم کافران را احاطه کننده است(٤٩)

إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۖ وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾

اگربتوخیرونعمت برسدآنها را خوش نداردواگربتوسختی‌برسد گویند ما که کارخود را از پیش بدست گرفته بودیم و روی بر تابیده میروند در حالیکه آنها

قُلْ لَّنْ يُّصِيْبَنَآ اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا ۚ هُوَ مَوْلٰنَا ۚ وَ عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿٥١﴾

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُوْنَ بِنَآ اِلَّآ اِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ اَنْ يُّصِيْبَكُمُ اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهٖٓ اَوْ بِاَيْدِيْنَا ۖ فَتَرَبَّصُوْٓا اِنَّا مَعَكُمْ مُّتَرَبِّصُوْنَ ﴿٥٢﴾

قُلْ اَنْفِقُوْا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَّنْ يُّتَقَبَّلَ مِنْكُمْ ۖ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿٥٣﴾

وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقٰتُهُمْ اِلَّآ اَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَبِرَسُوْلِهٖ وَلَا يَاْتُوْنَ الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُوْنَ اِلَّا وَهُمْ كٰرِهُوْنَ ﴿٥٤﴾

بسیار شادمانند (۵۰)

بگومارا هیچ گزندی نمیرسد جز آنچه خدا برای ما نوشته است. او مولای ماست. پس باید مومنان برخدا توکل کنند(۵۱)

بگوآیابرای ماجزیکی ازدوسخن نیکوراانتظاردارید؟درحالیکه ما برای شما انتظار داریم که خدا برشماعذاب بفرستد از نزد خود یابدست ما. پس منتظرباشیدیقینًا ما نیز با شما منتظرانیم(۵۲)

بگو انفاق کنید بدلخواه یا با کراهت هرگزازشما قبول کرده نشود. یقینًاشماقومی زشت کردار اید(۵۳)

ومحروم نکرد آنها را که قبول کرده شود از آنها مالهای آنان جزاینکه خدا و رسولش راانکار کرده بودند و اینکه به نماز نمی آمدند جز کسلناك و انفاق نمی کردندمگر درحالیکه آنها کراهت

داشتند(٥٤)

فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ ۗ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿٥٥﴾

پس مالهای آنان و اولاد آنان تو را شگفت نیآرد. خدا فقط اینرا میخواهد که آنها را بوسیله خودشان درزندگی دنیاعذاب کند وجانهای آنان بیرون رود در حالیکه آنها کافرانند(٥٥)

وَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ ۗ وَمَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَّفْرَقُوْنَ ﴿٥٦﴾

و قسمها خورند به خدا که یقینًا آنها از شما اند حالانکه از شما نیستندبلکه قومی ترسو اند(٥٦)

لَوْ يَجِدُوْنَ مَلْجَاً اَوْ مَغٰرٰتٍ اَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا اِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُوْنَ ﴿٥٧﴾

اگرپناهگاهی یا غاری یا گریز گاهی‌بیابندحتمأبسوی آن عدول کنندحالیکه آنان بشتافند(٥٧)

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّلْمِزُكَ فِي الصَّدَقٰتِ ۚ فَاِنْ اُعْطُوْا مِنْهَا رَضُوْا وَاِنْ لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَآ اِذَا هُمْ يَسْخَطُوْنَ ﴿٥٨﴾

و درآنهابعضی اندکه جهت صدقات به تو تهمت میزنند. پس اگر از آنهاداده شوندخوشنود میگردند واگر ازآنهاچیزی‌داده نشوند بی درنگ آنان قهرکنند(٥٨)

وَلَوْ اَنَّهُمْ رَضُوْا مَآ اٰتٰهُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ ۙ وَقَالُوْا حَسْبُنَا اللّٰهُ سَيُؤْتِيْنَا

وکاشکی آنها خوشنود میشدند به آنچه خدا و رسولش به آنهادرداد و میگفتند که خدا مارا بس است

اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَرَسُوْلُهٗۤ ۙ اِنَّاۤ اِلَى اللّٰهِ رٰغِبُوْنَ ۝٥٩ ع

وحتمًا خدا بفضل خودمارا[بسيار] اعطاكند نيز رسول او و يقينًا ما صميمانه بسوى خدا ميل مى كنيم(٥٩)

اِنَّمَا الصَّدَقٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَالْمَسٰكِيْنِ وَالْعٰمِلِيْنَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوْبُهُمْ وَفِى الرِّقَابِ وَالْغٰرِمِيْنَ وَفِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَابْنِ السَّبِيْلِ ؕ فَرِيْضَةً مِّنَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝٦٠

صدقات فقط براى ناداران و مساكين وكاركنان برآنهاوكسانى كه دلدارى آنان مطلوب است و آزادى گردنهاوغرامتداران وانفاق درراه خداو براى بهبودى درماند - گان راه [مخصوص]است اين از جانب خدا بفرض است و خدا صاحب علم دائمى صاحب حكمت است(٦٠)

وَمِنْهُمُ الَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ النَّبِىَّ وَيَقُوْلُوْنَ هُوَ اُذُنٌ ؕ قُلْ اُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ ؕ وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ رَسُوْلَ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝٦١

و درآنهابرخى اندكه به پيغمبر اذيت كنندوگويندا وسراپا گوش است.بگوسراپاگوش براى‌بهترى شمااست.او به خداايماندارد و مومنان راقبول كندورحمتى‌است براى‌آنان از شما كه ايمان آورده اندوآنانرا كه به رسول خدااذيت كنند عذابى درد ناك است(٦١)

يَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَكُمْ لِيُرْضُوْكُمْ ۚ وَاللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ اَحَقُّ اَنْ يُّرْضُوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٦٢﴾

برای شما قسمهای خدای خورند تا شما را خشنودسازنددرحالیکه خدا و رسول اوسزاوارتربودند که ایشانرا خشنود میکردنداگر مومنان بودند(۶۲)

اَلَمْ يَعْلَمُوْٓا اَنَّهٗ مَنْ يُّحَادِدِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاَنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيْهَا ؕ ذٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيْمُ ﴿٦٣﴾

آیانمیدانند هرکه به خدا ورسول اودشمنی ورزد پس برایش حتمًا آتش جهنم است که مدت دراز در آن بماند. این رسوائی بزرگ است(۶۳)

يَحْذَرُ الْمُنٰفِقُوْنَ اَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُوْرَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ ؕ قُلِ اسْتَهْزِءُوْا ۚ اِنَّ اللّٰهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُوْنَ ﴿٦٤﴾

منافقان اظهار ترس کنند مبادا جهت آنهاسورهٔ ی نازلکرده شود که آنان را به آن مطلع سازد که در دلهای آنان است. بگو بلاشك تمسخرکنید خدا که حتمًا آشکار کند ازآنچه شما بیمدارید(۶۴)

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ لَيَقُوْلُنَّ اِنَّمَا كُنَّا نَخُوْضُ وَنَلْعَبُ ؕ قُلْ اَبِاللّٰهِ وَاٰيٰتِهٖ وَرَسُوْلِهٖ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٦٥﴾

و اگراز آنان بپرسی حتماًگویند ما که تنها شوخی و خوش گذران میکردیم. بگو.آیا به خدا و آیت های او و رسول او استهزاء می کردید؟(۶۵)

لَا تَعْتَذِرُوْا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ ؕ اِنْ نَّعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً ۢ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿٦٦﴾

هيچ عذری نیاورید. یقینًا شما پس از ایمان خود کافر شدید. اگر گروهی از شما را عفو کنیم، میشود گروهی را عذاب نیز کنیم چه آنها جرم کارانند(٦٦)

اَلْمُنٰفِقُوْنَ وَالْمُنٰفِقٰتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۘ يَاْمُرُوْنَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوْفِ وَيَقْبِضُوْنَ اَيْدِيَهُمْ ؕ نَسُوا اللّٰهَ فَنَسِيَهُمْ ؕ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٦٧﴾

منافق مردان و منافق زنان از هم نسبت دارند. آنان به منکرات امر کنند و از معروفات بازدارند و مشت های خود را [از انفاق درراه خدا] گره کنند. آنها خدا را فراموش کردند پس او نیز آنها را فراموش کرد. یقینًا منافقان اند که آنها فاسقان اند(٦٧)

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ هِيَ حَسْبُهُمْ ۚ وَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٦٨﴾

خدا به منافق مردان و منافق زنان وعده آتش جهنم داده است. آنها درآن بمدت دراز بمانند. این برای آنان بسند است و خدا به آنها لعنت کرد و آنها را عذابی پایدار است(٦٨)

كَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَّاَكْثَرَ اَمْوَالًا وَّاَوْلَادًا ؕ فَاسْتَمْتَعُوْا

مانندآنانکه پیش از شما بودند. آنها فزونتر از شما در نیرو و

بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا ۚ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾

بیشتر در دارائیها و فرزندان بودند.پس آنها از سهم خودشان بهره ای‌برداشتند پس شما ازسهم خودبهره ای برداشتید همچون آنانکه پیش از شما از سهم خود بهره ای برداشتند.و شما هرزگی کردیدبطوریکه آنها هرزگی کرده بودند. همانهااند که اعمال ایشان دردنیا نیز در آخرت هدر رفت و همانهازیانکاران واقعی اند(٦٩)

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ ۚ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۖ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾

آیا به آنها نرسیدخبرآنانکه پیش از آنها بودند ـ قوم نوح و عاد و ثمود وقوم ابراهیم واهل مدین و شهرهای که زیر و روشدند.آنان رارسولان ایشان بانشانه های آشکارآمدند.پس نبود خدا که به آنها ستم میکرد بلکه خود برجان های‌خودشان ستم میکردند(٧٠)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

و مومن مردان و مومن زنان دوستدارهمدیگرند.آنان معروفات راامرکنند و ازمنکرات بازدارند

الزَّكٰوةَ وَيُطِيعُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ ؕ أُولٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۷۱﴾

و نماز را بپای دارند و زکوت دهند واطاعت کنندازخداورسول او.همانهایندکه برآنان خدا ترحم کند ویقیناًخدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۷۱)

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنّٰتِ عَدْنٍ ؕ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۷۲﴾

خدا به مومن مردان و مومن زنان وعده ای داده است به بهشتهای که در دامنه آنها نهرهای روانست، وایشان درآنها جاویدان اند و به خانه های بسیار پاکیزه دربهشتهای دائمی.البته خوشنودی خدا[ازاینهمه انعامها]بزرگترست همین پیروزی بزرگ است(۷۲)

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنٰفِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ؕ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۷۳﴾

ای پیغمبراجهاد کن با کافران و منافقان و بر آنها سخت بگیر و مأوی آنها جهنم است وچه بدجای گاه است(۷۳)

يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوا ؕ وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ اِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا ۚ وَمَا نَقَمُوٓا اِلَّآ

سوگندهای خدای یادکنند که آنها نگفتند حالانکه بیگمان آنهاکلمه کفرگفتند وپس ازاسلام خودشان کافرشدند.و قصد داشتند به آنچه

اَنْ اَغْنٰىهُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ فَاِنْ يَّتُوْبُوْا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ ۚ وَاِنْ يَّتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمْ فِى الْاَرْضِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿۷۴﴾

نایل نشدندوآنها[باءومنان] کین نداشتند جز برای اینکه خدا و رسولش آنانرابفضل خودثروتمند ساخت.پس اگر توبه کنند درحق ایشان نیکو است و اگر روی برتابندخدا آنانرادردنیا وآخرت عذابیدردناك دهدوآنانرادرزمین نه یاریی باشد و نه یاوری(۷۴)

وَمِنْهُمْ مَّنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰىنَا مِنْ فَضْلِهٖ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُوْنَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۷۵﴾

و شماری از آنانند که عهد خدای بستندکه اگراو مارا ازفضل خود دردهد حتمًا صدقات دهیم ویقینًا از نیکوکاران شویم(۷۵)

فَلَمَّآ اٰتٰىهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ بَخِلُوْا بِهٖ وَتَوَلَّوْا وَّهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿۷۶﴾

پس چون خدا ایشان را از فضل خود درداد به آن بخل کردند و از[قول خود]عدول کردند دراین حال که آنها اعراض کنندگان بودند(۷۶)

فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِىْ قُلُوْبِهِمْ اِلٰى يَوْمِ يَلْقَوْنَهٗ بِمَآ اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوْهُ وَبِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ﴿۷۷﴾

پس خدا در دلهای ایشان عقوبت نفاق نهاد تاآنروزکه با او ملاقات کنند به آن علت که خلاف کردند آنچه را با خدا عقد پیمان کردند

اَلَمْ يَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوٰىهُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿٧٨﴾

وبدآنعلت که دروغ میگفتند(٧٧) آیاندانندکه خدارازهای ایشان و دسیسه های‌ایشان راخوب میداند واینکه خدا به همه غیبها بس آگاه است(٧٨)

اَلَّذِيْنَ يَلْمِزُوْنَ الْمُطَّوِّعِيْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِى الصَّدَقٰتِ وَالَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ اِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُوْنَ مِنْهُمْ ؕ سَخِرَ اللّٰهُ مِنْهُمْ ۫ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٧٩﴾

کسانیکه در صدقات تهمت زنند بر آنان از مومنان که مشتاقانه نیکوکاری کنندگانند و برآنانکه جز زحمت خود چیزی ندارند، باز آنانرا بریشخند میگیرند حتمًاخدابسخریه آنهاپاسخ گوید وآنانرا عذابی‌دردناکست(٧٩)

اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ؕ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِيْنَ مَرَّةً فَلَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٨٠﴾ ع

آمرزش بطلب برای‌آنهایا آمرزش نه طلب برای آنها اگر برای آنها هفتاد بار آمرزش بطلبی بازهم هرگز خدا برای آنها نیآمرزد چه آنهاخدا و رسول را انکارکردند وخدا بدکرداران را هدایت نمی دهد(٨٠)

فَرِحَ الْمُخَلَّفُوْنَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلٰفَ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَكَرِهُوْٓا اَنْ يُّجَاهِدُوْا

بازگذاشتگان بر بازنشتن خود برخلاف،رسول خدا شاد شوند و

بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَقَالُوْا لَا تَنْفِرُوْا فِي الْحَرِّ ؕ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ اَشَدُّ حَرًّا ؕ لَوْ كَانُوْا يَفْقَهُوْنَ ﴿۸۱﴾

ناپسند داشتند تا به مالهای خود و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند وگفتند درگرما کوچ نکنید. بگو آتش جهنم در تپش فرونتر است کاشکی درك میکردند(۸۱)

فَلْيَضْحَكُوْا قَلِيْلًا وَّلْيَبْكُوْا كَثِيْرًا ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۸۲﴾

پس باید کم بخندند و زیاد بگریند. اینست مزد به آنچه کسب میکردند(۸۲)

فَاِنْ رَّجَعَكَ اللّٰهُ اِلٰى طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَاْذَنُوْكَ لِلْخُرُوْجِ فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوْا مَعِيَ اَبَدًا وَّلَنْ تُقَاتِلُوْا مَعِيَ عَدُوًّا ؕ اِنَّكُمْ رَضِيْتُمْ بِالْقُعُوْدِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخٰلِفِيْنَ ﴿۸۳﴾

پس اگرخدا تو را به گروهی از آنهابازبردو[برای جهاد]ازتوجواز خروج[باتو]بخواهندپس بگو [در آینده برای جهاد]ابداًبا من بیرون نخواهید رفت وقطعًا همراه من بادشمن قتال نخواهیدکرد. یقینًا شمانخستین بار به خانه نشینی خشنود شدید پس اکنون با باز نشتگان بنشینید(۸۳)

وَلَا تُصَلِّ عَلٰٓى اَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّاتَ اَبَدًا وَّلَا تَقُمْ عَلٰى قَبْرِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَمَاتُوْا وَهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿۸۴﴾

و برای کسی از آنها بمیرد ابداً نماز[جنازه] نخوان و بر قبرش [برای دعا] نیایست. یقیناً آنها به خدا و رسول اوانکارکردند و

مردند درحالیکه زشت کرداران بودند(۸٤)

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

و تو را مالهای آنهاو اولاد آنها شگفت نیآرد.خدا فقط این می خواهد که عذابشان کند در این دنیا به[وسیله] خودشان وجانهای آنها بیرون رود در حالیکه آنها کافرباشند(۸٥)

وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾

وهرگاه سورهٔ ی نازل کرده شود که به خداایمان آورید و همراه با رسول او جهادکنید ثروت مندان آنها ازتورخصت خواهند وگویند بگذارید که ما با باز نشتگان باشیم(۸٦)

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾

آنان براین امرخشنود شدند که با زنانی بازنشتگان شدند و بر دلهای آنها مهر نهاده شد.پس آنان فهم نکنند(۸۷)

لَٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۚ وَأُولَٰئِكَ

اما رسول وآنانکه با او ایمان آورده اندایشان با مالهای‌خود و باجانهای‌خود جهاد میکنند همانها

لَهُمُ الْخَيْرٰتُ ۡ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٨٨﴾

اند که [تمام] خیرها برای ایشان است وهمانهاپیروزمندانند(٨٨)

اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ ﴿٨٩﴾ ع

خدا برای ایشان بهشتهای آماده کرده است که در دامنه آنها نهرهائی روان است. ایشان درآن جاویدانند. این پیروزی بزرگ است(٨٩)

وَجَآءَ الْمُعَذِّرُوْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ لِیُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِیْنَ كَذَبُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ؕ سَیُصِیْبُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ ﴿٩٠﴾

وعذرخواستگان از بادیه نشینان [هم] آمدند تا بدیشان رخصت [بازنشستن]داده شود و [اینطور] آنانکه به خدا و رسول دروغ گفتند بازنشستند.حتمًا عذابی دردناك برسد به کسانی از آنها که کفرکردند(٩٠)

لَیْسَ عَلَى الضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضٰى وَلَا عَلَى الَّذِیْنَ لَا یَجِدُوْنَ مَا یُنْفِقُوْنَ حَرَجٌ اِذَا نَصَحُوْا لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ؕ مَا عَلَى الْمُحْسِنِیْنَ مِنْ سَبِیْلٍ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ﴿٩١﴾ لا

نیست باکی برناتوانان و بر مریضان و نه بر آنانکه چیزی ندارند تا انفاق کنند درصورتیکه مخلص خدا و رسول او باشند و بر محسان هیچ راه انتقاد نیست و خدا آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(٩١)

وَّلَا عَلَى الَّذِيْنَ اِذَا مَآ اَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَآ اَجِدُ مَآ اَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ ۖ تَوَلَّوْا وَّ اَعْيُنُهُمْ تَفِيْضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا اَلَّا يَجِدُوْا مَا يُنْفِقُوْنَ ﴿٩٢﴾

و نه[باکی است]برآنانکه هرگاه آیند نزد توتا آنان را[برای جهاد بر مرکبی]سوار کنی تو گوئی که نمی یابم چیزی که برآن شما راسوار کنم. ایشان برگشتند در حالیکه چشمان ایشان اشکبار بود ازاندوه که چیزی ندارند تا آنرا[درراه خدا]انفاق کنند(۹۲)

اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَسْتَاْذِنُوْنَكَ وَهُمْ اَغْنِيَآءُ ۚ رَضُوْا بِاَنْ يَّكُوْنُوْا مَعَ الْخَوَالِفِ ۙ وَطَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٩٣﴾

جواز گرفت فقط برخلاف آنان است که از تو رخصت میخواهند درحالیکه آنها توانگر اند. آنها راضی شدند به آنکه با زنانی باز نشتگان شوند و خدا بر دلهای آنان مهر نهاد پس آنها دانشی ندارند(۹۳)

يَعْتَذِرُوْنَ اِلَيْكُمْ اِذَا رَجَعْتُمْ اِلَيْهِمْ ۗ قُلْ لَّا تَعْتَذِرُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّاَنَا اللّٰهُ مِنْ اَخْبَارِكُمْ ۗ وَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهٗ ثُمَّ تُرَدُّوْنَ اِلٰى عٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٤﴾

هنگامیکه بسوی آنان برگردید برای شما عذرآرند.بگو عذر خواهی نکنید هرگز ما به شما باور کننده نیستیم. البته خدامارا به اخبار شماآگاه ساخته است و خدا به اعمال شمامینگرد نیز رسول او. پس شما بسوی دانای‌عیان ونهان برگردانده شوید.پس او شما را آگاه سازد به آنچه شما می کردید(۹٤)

سَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَكُمْ اِذَا انْقَلَبْتُمْ اِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوْا عَنْهُمْ ۗ فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمْ ۗ اِنَّهُمْ رِجْسٌ ۖ وَّمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٩٥﴾

حتمًا برای شما سوگندهای خدائی یاد کنند هنگامیکه بسوی آنان بازگردید تا شما ازآنهادرگذرید. پس [بلاشك]ازآنها درگذشت کنید بحرحال آنها ناپاك اند و مأوی آنها جهنم است بپاداش آنچه کسب میکردند(۹۵)

يَحْلِفُوْنَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۚ فَاِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يَرْضٰى عَنِ الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٩٦﴾

برای شما قسمها خورند تا ازآنها خشنود شوید. پس اگرشما ازآنها خوشنود شوید پس خداقطعًا از قوم زشتکاران خشنود نشود(۹٦)

اَلۡاَعۡرَابُ اَشَدُّ كُفۡرًا وَّنِفَاقًا وَّاَجۡدَرُ اَلَّا يَعۡلَمُوۡا حُدُوۡدَ مَاۤ اَنۡزَلَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُوۡلِهٖ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيۡمٌ حَكِيۡمٌ ﴿۹۷﴾

و بادیه نشینان در کفر و نفاق سخت تر اند و بیشتر متمایلند که آن حدها را که خدا بر رسول خود نازل کرده است نشناسند و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۹۷)

وَمِنَ الۡاَعۡرَابِ مَنۡ يَّتَّخِذُ مَا يُنۡفِقُ مَغۡرَمًا وَّيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَآٮِٕرَ ؕ عَلَيۡهِمۡ دَآٮِٕرَةُ السَّوۡءِ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيۡعٌ عَلِيۡمٌ ﴿۹۸﴾

و از بادیه نشینان چنین اند که آنچه را [در راه خدا] انفاق کنند غرامت گیرند وبرای شماحوادث روزگار را انتظار دارند.حوادث روزگاربرایآنانست وخدا شنوای صاحب علم دائمیاست(۹۸)

وَمِنَ الۡاَعۡرَابِ مَنۡ يُّؤۡمِنُ بِاللّٰهِ وَالۡيَوۡمِ الۡاٰخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنۡفِقُ قُرُبٰتٍ عِنۡدَ اللّٰهِ وَصَلَوٰتِ الرَّسُوۡلِ ؕ اَلَاۤ اِنَّهَا قُرۡبَةٌ لَّهُمۡ ؕ سَيُدۡخِلُهُمُ اللّٰهُ فِىۡ رَحۡمَتِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ ﴿۹۹﴾ ع

و برخی از بادیه نشینان اند که به خدا و روز آخرت ایمان دارند و آنچه انفاق کنند راموجب قربت هایخداو دعاهایرسول میگیرند. باش!یقینًااین برایایشان موجب قربت است.یقینًا خدا ایشان را در رحمت خود وارد کند. یقینًا خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است(۹۹)

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ ۙ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٠٠﴾

سبقتداران اولین از مهاجران و انصار و آنانکه با حسن عمل از ایشان پیروی کردندخدا ازآنان خشنود شد و آنان از او خشنود شدند و برای ایشان بهشتهای مهیا کرده است که در دامنه آنها نهرهای روان است. آنان در آنها جاودانان اند این پیروزی بزرگ است(١٠٠)

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ مُنٰفِقُوْنَ ؕ وَمِنْ اَهْلِ الْمَدِيْنَةِ ۛ مَرَدُوْا عَلَى النِّفَاقِ ۛ لَا تَعْلَمُهُمْ ؕ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ؕ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّوْنَ اِلٰى عَذَابٍ عَظِيْمٍ ۚ ﴿١٠١﴾

منافقة وعذابالمتقدمين القيامة

و برخی ازآن بادیه نشینان که پیرامون شماانـد منافقان اند و از اهل مدینه نیز.آنان برنفاق ثابت میمانند. تو آنها را نمی دانی ما آنهارا میدانیم. ما آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد.سپس بعذابی بزرگ برگردانده شوند(١٠١)

وَاٰخَرُوْنَ اعْتَرَفُوْا بِذُنُوْبِهِمْ خَلَطُوْا عَمَلًا صَالِحًا وَّاٰخَرَ سَيِّئًا ؕ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٠٢﴾

و برخی دیگرانند که به گناهان خود اعتراف کردند.آنان کرده هایی‌پسندیده رابادیگرناپسندیده قاطی کردند. بعید نیست خدا توبه پذیرفته برآنان باز گردد.

يقينًا خدا آمرزندهٔ بارها رحم كننده است(١٠٢)

خُذۡ مِنۡ اَمۡوَالِهِمۡ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيۡهِمۡ بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡ ؕ اِنَّ صَلٰوتَكَ سَكَنٌ لَّهُمۡ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيۡعٌ عَلِيۡمٌ ﴿١٠٣﴾

ازمالهای ایشان صدقه بگیر.بدین سان آنان را پاك كرده و آنانرا تزكیه كنی و برای آنان به دعا بپرداز. یقینًا دعای توبرای آنان آرامشی‌است وخدا شنوای صاحب علم دائمی است(١٠٣)

اَلَمۡ يَعۡلَمُوۡۤا اَنَّ اللّٰهَ هُوَ يَقۡبَلُ التَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهٖ وَيَاۡخُذُ الصَّدَقٰتِ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيۡمُ ﴿١٠٤﴾

آیا نمیدانند كه بس خدایست كه توبه بندگان خود راقبول میكندو صدقات را میپذیرد و اینكه بس خدا بسیارپذیرندهٔ توبه بارها رحمكننده است(١٠٤)

وَقُلِ اعۡمَلُوۡا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُوۡلُهٗ وَالۡمُؤۡمِنُوۡنَ ؕ وَسَتُرَدُّوۡنَ اِلٰى عٰلِمِ الۡغَيۡبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمۡ بِمَا كُنۡتُمۡ تَعۡمَلُوۡنَ ۚ ﴿١٠٥﴾

و بگوعمل بكنید پس خدا به اعمال شمامینگرد، هم رسول او، نیز مومنان، و [منتها] به سوی دانای نهان و عیان برگردانیده شوید. پس او شما را آگاه سازد به آنچه شما میكردید(١٠٥)

وَاٰخَرُوۡنَ مُرۡجَوۡنَ لِاَمۡرِ اللّٰهِ اِمَّا يُعَذِّبُهُمۡ وَاِمَّا يَتُوۡبُ عَلَيۡهِمۡ ؕ وَاللّٰهُ

و برخی دیگراند كه منتظر از فرمان خدا واگذارشده اند ـ

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

خواه عذابشان کند و خواه توبه قبول کرده بر آنان متمایل شود و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۰۶)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ ۚ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۖ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾

وآنانکه به آزاریدن و توسعه کفر و تفرقه انداختن میان مومنان وفراهمی کمین گاه برای آنکس که ازقبل با خدا و رسول او محاربه کند، مسجدی ساختند و هرآینه سوگند های یاد کنند که ما را قصد نبود جز خوبی حالانکه خدا گواهی میدهد که حتمًا آنها دروغ گویانند(۱۰۷)++

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾

ابداً درآن نایست.یقینًامسجدی که بنیاد آن از روز اوّل برتقوی نهاده شد سزا وارتراست که در آن [برای‌عبادت] بیایستی. درآن مردان اند که دوستدارند که پاك

++آیت ۱۰۷ :صدور فرمان واضح جهت خراب کردن مسجد ضرار بنا بر این بود که آن یك را مشرکان بعنوان پایگاه برای فعالیتهای مخفی برخلاف اسلام بکار می گرفتند و الا احترام مساجد بفرض است.

شوند و خدا پاکان را دوست دارد(۱۰۸)

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾

پس آیاآنکه ساختمان خود را بر تقوی وخشنودی[او]بنیادنهد بهتر است یاآنکه ساختمان خود را بر کنارهٔ ی سست و فرورفتنی بنیاد نهد؟ پس آن با آن در آتش جهنم بیفتدوخدابقوم ستمکاران هدایت نمیدهد(۱۰۹)

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾

ساختمان ایشان که آنان بناکرده اند پیوسته در دلهای آنان شك افکند جز آنکه دلهای آنان [از ترس خدا] پاره پاره گردد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۱۰)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ

یقیناًخدا ازمومنان جانهای‌ایشان ومالهای ایشانرا خریداری کرده است که [ببدل آن]برای ایشان بهشت است. ایشان در راه خدا قتال میکنند پس قتل میکنند و قتل کرده میشوند. این وعدهٔ که

مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

درتورات و انجیل و قرآن [بیان] است بر او حق است وکیست وفا دارتر ازخدا در وعدهٔ خود. پس خرسند شوید بر آن داد و ستد خود که با او انجام داده اید و همین پیروزی بزرگست(١١١)

التّٰٓئِبُونَ الْعٰبِدُونَ الْحٰمِدُونَ السّٰٓئِحُونَ الرّٰكِعُونَ السّٰجِدُونَ الْاٰمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّٰاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُونَ لِحُدُودِ اللّٰهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾

توبه کنندگان، عبادت گذاران، ستایش کنندگان، سیرکنندگان، به تعظیم[خدا]کمرخم کنندگان،سجده کنندگان،امرکنندگان به معروفات و نهی کنندگان از منکرات و نگه داران حدهای خدا [همه مومنانند] و مومنان را مژده بده(١١٢)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ اٰمَنُوٓا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓا أُولِي قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحٰبُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾

امکان پذیر نیست پیغمبر را و آنانکه ایمان آوردند که برای مشرکان استغفار کنند اگرچه نزدیکان باشند ازین بعد که برای ایشان روشن شده باشد که آنان جهنمیانند(١١٣)++

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ

واستغفارابراهیم برای پدرخود درخصوص آن وعدهٔ بود که او به

اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ تَبَرَّاَ مِنْهُ ؕ اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ لَاَوَّاهٌ حَلِيْمٌ ﴿١١٤﴾

او [پدر] داده بود. پس هرگاه او راآشکارشد که اودشمن خدا است ازاوبیزاری جست. یقینًا ابراهیم بسیارنرم دل وبردبادبود(١١٤)+

وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ اِذْ هَدٰىهُمْ حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَّا يَتَّقُوْنَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿١١٥﴾

و نیست خدا که قومی را پس از هدایت آنان گمراه سازد تا آنگاه که برای آنان آشکار نماید که از چه کار پرمیزکنند. یقیناً خدا به هرچیز دانا است(١١٥)

اِنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ؕ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿١١٦﴾

یقیناًخدااست که پادشاهیآسمانها و زمین ازآن اوست.او زنده کند ومیمیراند و شمارا جزخدا کسی دوست است و نه مددگار(١١٦)

لَقَدْ تَّابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ فِيْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ

یقیناًخداتوبه قبولکرده بر:پیغمبر ومهاجران وانصارمتمایل شد.آنان که دروقت تنگیاورا پیرویکردند

آیات١١٣ـ ١١٤ :هیچ پیغمبر یا مومنان را روا نیست که برای آنکس دعای مغفرت کنند که درحالت شرك بمیرد.تاآنجاکه استغفار حضرت ابراهیم برای پدرخود مربوط است چون ایشان به پدرخود قول داده بودند پس ایشان وعده خود را وفاکرده برایش دعای مغفرت کردند تا آنگاه که برایشان آشکار کرده شد که پدر ایشان دشمن خدا بود. سپس حضرت ابراهیم از استغفار برای پدر خویش توبه کردند.

مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿۱۱۷﴾

از این پس که نزدیك بود که دلهای‌گروهی از آنان زیغ گردد بازهم توبه آنانرا قبول کرد. یقیناًاوبرای ایشان بسیار مهربان بارها رحم کننده است (۱۱۷)

وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿۱۱۸﴾ ع ۱۴ ۸

وخدا بر آن سه تن [نیز مهربان شد] که بازگذاشته شدندتاآنگامکه زمین بر آنهاباوجودفراخی‌تنگ شدوجانهای‌آنان بر آنها تنگ آمد و پنداشتند که ازخدا هیچ پناه گاهی نیست جزبسوی او.باز او متمایل به پذیرفتن توبه برآنان بازگشت کرد تا آنان توبه کنند. یقیناً تنهاخداپذیرنده توبه بارها رحمکننده است(۱۱۸)++

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ

ای آنانکه ایمان آورده اید به خدا

++آیت ۱۱۸ :اینجا سخن از آن سه تن اصحاب گفته میشود که در غزوه تبوك عقب ماندند و چون سبب اینکار پرسیده شدند دروغ را به کار بستند. وگرنه خیلی منافقان نیز بهانه های بربافته بودند ولی آنها هرگز مجازات نشدند اما این سه تن مستوجب مجازات تحریم اجتماعی قرار گرفتند و سپس بفرمان خدا این مجازات به عفو منجر شد.[بقیه ص: ٤٥٧]

الصّٰدِقِيْنَ ﴿١١٩﴾

تقوی اختیار کنید و با صادقان باشید(١١٩)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِيْنَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ اَنْ يَّتَخَلَّفُوْا عَنْ رَّسُوْلِ اللّٰهِ وَلَا يَرْغَبُوْا بِاَنْفُسِهِمْ عَنْ نَّفْسِهٖ ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ لَا يُصِيْبُهُمْ ظَمَاٌ وَّلَا نَصَبٌ وَّلَا مَخْمَصَةٌ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا يَطَـُٔوْنَ مَوْطِئًا يَّغِيْظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُوْنَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا اِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهٖ عَمَلٌ صَالِحٌ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٢٠﴾

اهل مدینه را و آن بادیه نشینان که پیرامون آنانندسزاوارنبودکه رسول خدا رارهاکرده بازمی نشتند و نه اینکه جانهای خود را برجان او ترجیح میدادند [این قربانی‌نفسها لازم بود]چه واقعیت همین است که آنانرا در راه خدا تشنگی و سختی و گرسنگی نمی رسید و نه قدم نهندبررامی که قدم نهادن آنان کافران را به خشم میآرد ونه ازجانب دشمنان [هنگام قتال]به چیزی نایل میشوند مگر ببدل آن در حق آنان نیکوکاری نوشته میشود.یقیناً خدا پاداش مومنان را ضائع ندهد(١٢٠)

بقیه آیت ١١٨ :ضمناً این آیت یقین محکم از آنحضرت ﷺ بر هستی خدای متعال و روزقیامت را خاطرنشان میکند و اِلاّ آن منافقان که بهانه های بربافته آورده بودند بیشتر از آن سه تن سزاوار مجازات بودند اما ایشان ﷺ به آنها کیفر نکردند بلکه کار آنها را بر روز قیامت واگذاردند.

وَلَا يُنْفِقُوْنَ نَفَقَةً صَغِيْرَةً وَّلَا كَبِيْرَةً وَّلَا يَقْطَعُوْنَ وَادِيًا اِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٢١﴾

همينطور انفاق نميكنند چه كم چه زياد و نه وادی طی كنند مگر درحق آنان نوشته ميشود تا خدا ايشانرا پاداش دهد به نيكو ترين اعمال كه ميكردند(١٢١)

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُوْنَ لِيَنْفِرُوْا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوْا فِى الدِّيْنِ وَلِيُنْذِرُوْا قَوْمَهُمْ اِذَا رَجَعُوْٓا اِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُوْنَ ﴿١٢٢﴾ ع

ومومنان راغيرممكن است كه همه باهم بيرون روند. پس چرا نمی شود كه گروهی از هر فِرق ايشان بيرون روند تا دانش دين را فراگيرند و تا قوم خويش را مشدار دهند چون بسوی ايشان برگردند باشد كه آنان[از ملاك] حذركنند(١٢٢)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَاتِلُوا الَّذِيْنَ يَلُوْنَكُمْ مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوْا فِيْكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٢٣﴾

ای كسانيكه ايمان آورده ايدجنگ كنيد به آنان از نزديكان خود كه ازكافرانند و بايد در شما سختی بيابند و بدانيد كه خدا با متقيان است(١٢٣)

وَاِذَا مَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ اَيُّكُمْ زَادَتْهُ هٰذِهٖٓ اِيْمَانًا فَاَمَّا الَّذِيْنَ

و هرگاه سورهٔ ی نازلكرده ميشود پس بعضی ازآنها ميگويند كدام يكی ازشما است كه اين

اٰمَنُوْا فَزَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّ هُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ﴿١٢٤﴾

[سوره]اورا درایمان افزوده است پس آنانکه ایمان آورده اند این آنانرا در ایمان افزوده است و آنان [برای آینده] مژده های در میابند(١٢٤)

وَاَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا اِلٰى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوْا وَهُمْ كٰفِرُوْنَ﴿١٢٥﴾

واماکسانیکه دردلهای‌آنان بیماری است [این سوره] آنها را ناپاکی بر ناپاکیشان میفزاید و آنان می میرند درحالیکه کافرانند(١٢٥)

اَوَلَا يَرَوْنَ اَنَّهُمْ يُفْتَنُوْنَ فِيْ كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً اَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوْبُوْنَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُوْنَ﴿١٢٦﴾

آیانمینگرند که آنهاسالی یکباریا دوبارآزموده میشوندبازهم نه توبه میکنندونه آنهاپندمیپذیرند(١٢٦)

وَاِذَا مَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ ؕ هَلْ يَرٰىكُمْ مِّنْ اَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوْا ؕ صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ﴿١٢٧﴾

و هرگاه سورهٔ ی نازلکرده شود بعضی از آنان به بعضی مینگرند [گویی‌بکنایه گویند]آیاکسی شما را میبینند؟باز روی برگردانند و خدا دلهای آنانرا برگردانده چه آنان قومی اندکه نمیفهمند(١٢٧)

لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ

یقینًا شمارا رسولی از خود شما آمده است او را شاق است که شما رنج برید و برای [خوبی]

عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲۸﴾

شما آزمند است. برای مومنان بی نهایت مهربان بارها رحم کننده است(۱۲۸)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۱۲۹﴾

پس اگر سرپیچی کنند آنگاه بگوبرای من خدا بس است.جزاو هیچ معبودی نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش عظیم است(۱۲۹)

# ۱۰ - سورة یونس

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ۱۱۰ آیت دارد.

سورة البقرة و سورة آل عمران را مقطعات الٓمٓ است درحالیکه در این سورة بجای "میم" "را" است. لذا روشی از ترجمه قبلی را دنبال کرده میتوان ترجمه کرد که اَنَااَللّٰه أرٰی ـ منم خدا من میبینم.

موضوع این سورة آن ابتلا است که حضرت یونس علیه السلام را فراگرفت.لذااین سورة یونس نام داده شد.خداوند سرآغاز این سورة سوالی مطرح کردکه آیامردم را شگفت انگیزاست که وحی بریکتن ازخودشان فرو فرستاده شد؟پاسخ این سوال اینست که تعجب مردم مبنی برحالت نفسانی خودشان است.چون ایشان درکارهای‌دنیائی‌غرق شده اند.پس خداوند وحی رابرایشان نازل نمیکند و آنان این وضعیت خویشتن راواحد اندازه گیری قرارداده میپندارند که خدا نمیتواند وحی را بر هیچکدام از بندگان خود نازل کند.

بلافاصله پس از این، فرمان خدا حاکی است که آن خدا که جمله کاینات را آفرید وهریك اقدام را بخوبی تدبیر کرده است آیا او این کار را ضائع خواهد داد؟ بلندترین قله این تدبیردال براینست که چنین یك شفیع یعنی آنحضرت ﷺ ظهور میکند که به اذن خدا نه تنها بندگان نیکوکار از امت خود را شفاعت کند بلکه بندگان نیکوکار از امتهای پیشین را نیز شفاعت خواهد کرد.

ضمناًآنحضرت ﷺ رابه خورشید تشبیه داده ونقل میشود که روشنائی

خورشید نظام زندگی رافیض بخش است و برپایهٔ فیض آن، بدری کامل را بظهور آمدن است. آن بَدر طی تاریکیهای شب نیز فیض روشنائی از خورشید را پیوسته روی زمین خواهد رساند.

این امر شگفت انگیز است که در این عالم مادی نیز در روشنائی ماه برخی از رستنیها با چنین سرعت رشدونمو میکنند که صدا از نموکردن آنهاشنویده میشود.چنانچه دانشمندان میگویند که ازخیارها.بعلت سرعت رشدونموآنهاچنین صدای درمیآید که شنیده میشود. پس همان خدا است که هم روز را وسیله حیات قرارداد و هم شب را.

سورة یونس چنین قومی را ذکر میکند که کلیةً از آن عذاب نگهداشته شدند که به آن مشدار شده بودند و سورة بعد از این یعنی سورة مود چنین قومی را ذکر میکند که ناشی از انکار خود کلیةً ملاك کرده شدند.

## ☆ سُوْرَةُ یُوْنُسَ مَکِّیَّةٌ وَّهِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ عَشْرُ اٰیَاتٍ وَّ اَحَدَ عَشَرَ رُکُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓرٰ ۚ تِلْكَ اٰیٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِیْمِ ②

[أنَا اللّٰهُ أرٰی] منم خدا من می بینم.این آیتهای کتاب حکمتمند است(۲)

اَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا اَنْ اَوْحَیْنَآ اِلٰی رَجُلٍ مِّنْهُمْ اَنْ اَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْٓا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ قَالَ الْكٰفِرُوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ مُّبِیْنٌ ③

آیا مردم را شگفت آورد که به سوی مردی ازخود ایشان وحی فرستاده ایم که مردم راهشداربده و آنانکه ایمان آورده اند را مژده بده که قدم ایشان نزدپروزدگار ایشان برحق است.کافران گفتند یقینًااین جادوئی‌آشکارا است(۳)

اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یُدَبِّرُ الْاَمْرَ ؕ مَا مِنْ شَفِیْعٍ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ اِذْنِهٖ ؕ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ④

یقینًاپروردگار شما آن خدا است که آسمانهاو زمین را در شِش روز آفرید. سپس برعرش قرارگرفت. او هرکاری را تدبیرمیکند. نیست شفاعت کننده ای‌مگرپس ازاجازه او.اینست خدا پروردگارشما پس

او را عبادت کنید.پس آیا اندرز نمیگیرید؟(٤)

اِلَیۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِیۡعًا ؕ وَعۡدَ اللّٰهِ حَقًّا ؕ اِنَّهٗ یَبۡدَؤُا الۡخَلۡقَ ثُمَّ یُعِیۡدُهٗ لِیَجۡزِیَ الَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ بِالۡقِسۡطِ ؕ وَالَّذِیۡنَ كَفَرُوۡا لَهُمۡ شَرَابٌ مِّنۡ حَمِیۡمٍ وَّعَذَابٌ اَلِیۡمٌۢ بِمَا كَانُوۡا یَكۡفُرُوۡنَ ۝

بازگشت جمع شمابسوی اواست. این وعدهٔ خدا راست است.یقینًا او آفرینش راآغازمیکند باز آن را تکرار میکند تا آنان را که ایمان آوردند ونیکوکاریها کردند بدادپاداش دهد وآنانکه کفرکردند راآشامیدنیازآب جوشان وعذابی دردناك است چه داشتند کفر می کردند(٥)

هُوَ الَّذِیۡ جَعَلَ الشَّمۡسَ ضِیَآءً وَّالۡقَمَرَ نُوۡرًا وَّقَدَّرَهٗ مَنَازِلَ لِتَعۡلَمُوۡا عَدَدَ السِّنِیۡنَ وَالۡحِسَابَ ؕ مَا خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ اِلَّا بِالۡحَقِّ ۚ یُفَصِّلُ الۡاٰیٰتِ لِقَوۡمٍ یَّعۡلَمُوۡنَ ۝

او است آنکه خورشید را وسیله درخشش وماه را وسیله روشنی ساخت و برایش منازل مقرر داشت تا شما شمارسالها وحساب رافراگیرید.خدا این[همه] را فقط بحق آفریده است و آیتهارا برای قومیکه دانشمندند بصراحت بیان میکند(٦)

اِنَّ فِی اخۡتِلَافِ الَّیۡلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ فِی السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ لَاٰیٰتٍ لِّقَوۡمٍ

یقیناً در دگرگونی شب و روز و آنچه خدادرآسمانها وزمین آفریده

يَتَّقُوْنَ ۝٧

است آیتهای است برای قومیکه تقوی اختیار کنند(۷)

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا وَرَضُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاطْمَاَنُّوْا بِهَا وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنْ اٰيٰتِنَا غٰفِلُوْنَ ۝٨

یقیناً کسانیکه بملاقات ما توقع نه دارند و بر زندگی دنیا خشنود شدند و به همان اطمینان یافتند وکسانیکه آنها از آیتهای ما غافل اند(۸)

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ۝٩

همانهاندکه مأوی آنها آتش است بدآنچه کسب میکردند( ۹)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ يَهْدِيْهِمْ رَبُّهُمْ بِاِيْمَانِهِمْ ۚ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ فِيْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ۝١٠

مرآینه کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاریها انجام دادند آنان را پروردگار ایشان به[خاطر]ایمان ایشان هدایت خواهد داد. تحت ایشان در باغ هایی پر نعمت نهر های روان باشد(۱۰)

دَعْوٰىهُمْ فِيْهَا سُبْحٰنَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ ۚ وَاٰخِرُ دَعْوٰىهُمْ اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝١١

ع ۱۱/۱/۶

گفتارایشان در آنجا [اینست]"بار الها! توپاك هستی"وتحیّت ایشان در آنجا سلام است وپایان سخن ایشان این است که ستایش مطلق ازآن خدا است که پروردگار همه جهانها است(۱۱)

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ ۖ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾

و اگر خدا به شرارت مردم با همان تعجیل عقوبت میکرد که آنان برای خیر تعجیل میکنند حتمًا نهایت زمانی ایشان گذرانیده میشد اما ما آنانکه از ملاقات ما توقع ندارند را درسرکشی های خودسر گردان ترك میکنیم(۱۲)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرٍّ مَسَّهُ ۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾

وهرگاه آدمی راسختی برسد مارا برپهلوی خود[درازکشیده]یا نشته یاایستاده میخواندو چون سختی اش را از او دورسازیم به طوری بگذرد گویی هیچگاه مارا بسوی آن سختی که به او رسید نخوانده بوداینگونه تجاوزگران رااعمالی که انجام میدمند زیبا نشان داده میشود(۱۳)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ۙ وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾

ویقینًا ماپیش ازشمامردم بسا ازمنه راهلاك کرده بودیم چون آنهاستم کردنددرحالیکه ایشان رارسولان مابانشانه های روشن آمدند اما نه بودند که ایمان میآوردند. قوم

مجرمان را اینگونه پاداش می دهیم(۱٤)

ثُمَّ جَعَلْنٰكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي الْاَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ﴿١٥﴾

بازهم ما شما را پس از آنها در زمین جانشین قراردایم تابنگریم که چگونه عمل میکنید(۱۵)

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ ۙ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَآ اَوْ بَدِّلْهُ ؕ قُلْ مَا يَكُوْنُ لِيْٓ اَنْ اُبَدِّلَهٗ مِنْ تِلْقَآئِ نَفْسِيْ ۚ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰٓى اِلَيَّ ۚ اِنِّيْٓ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٦﴾

و هنگامیکه آیتهای آشکارا ما بر آنان فروخوانده میشود کسانیکه ملاقات مارا توقع ندارند گویند بغیراز این قرآنی دیگر بیآر یا همان را تبدیل کن. بگوبرای من ممکن نیست که آنراازجانب خود تبدیل کنم.من فقط ازآن پیروی میکنم که بسوی من وحی فرستاده میشود.اگر من از پروردگارخود نافرمانی کنم هماناازعذاب روزی بزرگ میترسم (١٦ )

قُلْ لَّوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهٗ عَلَيْكُمْ وَلَآ اَدْرٰىكُمْ بِهٖ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيْكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهٖ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿١٧﴾

بگو اگر خدا میخواست من این کلام را برشما فرونمیخواندم و نه[خدا]آنرا بشما مطلع میساخت. پس البته عمری ازاین پیش میان شما مانده ام پس آیا فهم نمی

کنید(١٧)++

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٨﴾

پس کیست ستمکارتر ازآنکس که برخدادروغ بست یا به آیتهای او تکذیبکرد.یقیناًمجرمان موفق نمی شوند(١٨)

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۚ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

وعبادت کنند بغیرازخدا آنهارا که نه ضررشان رسانند و نه سودشان دهندوگویند.آنها نزدخدا مارا شفاعت کنندگانند.بگو.آیا به خدا خبر میدهید آنچه را او در آسمانها و زمین نمیداند؟ او پاك است و بسیار بلندتر است از آن چه شما شرك میورزید(١٩)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٠﴾

و مردم جز یك امت بیش نبودند پس آنان اختلاف پیداکردندواگر ازجانب پروردگارتو فرمان[قضا

++آیت ١٧: مشرکان به رسول الله ﷺ تهمت میزدند که او قرآن رابدروغ به خدا نسبت داده است. در واژه ها "فقد لبثتُ فیکم عُمُراً" این تهمت را با قاطعیت رد کرده و گفته می شود که آن پیغمبر را که خودتان صدیق و امین می گفتید و قبل از دعویٰ پیغمبری تا چهل سالگی که او هیچگاه و به هیچکس دروغ نگفته بود اینك چطور ناگهان او دروغ گفتن را گرفت!

وَيَقُولُونَ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۖ فَقُلْ إِنَّمَا ٱلْغَيْبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿٢١﴾

وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً مِّنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِىٓ ءَايَاتِنَا ۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا ۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢٢﴾

هُوَ ٱلَّذِى يُسَيِّرُكُمْ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمْ فِى ٱلْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا۟ بِهَا جَآءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَآءَهُمُ ٱلْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ ۙ دَعَوُا۟

وقَدَر]پیشی‌نگرفته بودحتمًا جهت آنکار میانشان قضاوت کرده می شدکه درآن اختلاف میکردند(۲۰)

وگویند،چرابر او ازپروردگارش آیتی‌نازلکرده نمیشود؟ بگو غیب تنها ازآن خدا است. پس منتظر باشید. یقیناً من هم با شما از منتظرانم(۲۱)

ع ۲/۷

و چون ما مردم را پس از آن سختی که به آنان رسید رحمت خود بچشانیم ناگهان درباره آیت های‌مانیرنگ کردن میگیرند.بگو، خدا [جواباً] زودتر نیرنگ است. یقیناًآنچه نیرنگ کنیدفرستندگان مامینویسند(۲۲)

او است آنکه شما را در دشت و دریا حرکت میدمد تا آنکاه که چون شما درکشتیهامیباشیدوآنها با کمك بادهای خوشایند باآنان حرکت میکنندوبه آن آنان خرسند میشوندکه ناگاه بادی تند آنها را

اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ لَئِنْ اَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهٖ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿۲۳﴾

درمیگیرد و موج از هر سوی بر آنهامیآید و گمان برند که آنان در آن[موج]ها فراگرفته شدند[آنگاه] خدا را میخوانند دین رابرای او خالص کرده که اگر مارا ازآن نجات دهی یقینًا از سپاسگذاران میشویم(۲۳)

فَلَمَّآ اَنْجٰىهُمْ اِذَا هُمْ يَبْغُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ؕ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ ۙ مَّتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۫ ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۲۴﴾

پس چون اونجاتشان دهدبیدرنگ آنها درزمین بناحق تجاوز میکنند. ای‌مردم‌ایقینًا تجاوزگری شماتنها برخودشمااست.[شمارا] کمی بهرهٔ کشی از زندگی دنیا است سپس بازگشت شما بسوی مااست.پس شما را خبر کنیم به آنچه شما می کردید(۲٤)

اِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ مِمَّا يَاْكُلُ النَّاسُ وَالْاَنْعَامُ ؕ حَتّٰٓى اِذَآ اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ اَهْلُهَآ اَنَّهُمْ قٰدِرُوْنَ عَلَيْهَآ ۙ اَتٰىهَآ

البته مثل زندگی دنیا بمثل آن آبی است که ما آن را از آسمان نازل کردیم. پس روییدنی زمین باآن درآمیخت از آنچه میخورند مردم و چهارپایان تا آنگاه که چون زمین آرایش خود را فرا

اَمۡرُنَا لَیۡلًا اَوۡ نَهَارًا فَجَعَلۡنٰهَا حَصِیۡدًا کَاَنۡ لَّمۡ تَغۡنَ بِالۡاَمۡسِ ؕ کَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الۡاٰیٰتِ لِقَوۡمٍ یَّتَفَکَّرُوۡنَ ﴿۲۵﴾

گرفته زیبا میشود و ساکنانش گمان برندکه آنهابرآن اختیاری کامل دارند پس فرمان ما شبی یاروزی به آن میرسدوآنرابحالت درویدهٔ تبدیل میکنیم گویی تا دیروز آنرا هیچ وجودی نبود. اینگونه ما آیات را برای قومیکه تعقل کنندبتفصیل بیان کنیم(۲۵)

وَاللّٰهُ یَدۡعُوۡۤا اِلٰی دَارِ السَّلٰمِ ؕ وَیَهۡدِیۡ مَنۡ یَّشَآءُ اِلٰی صِرَاطٍ مُّسۡتَقِیۡمٍ ﴿۲۶﴾

وخداشمارابسوی‌خانه سلامتی می خواند و هرکه را میخواهد براه راست هدایت میکند(۲۶)

لِلَّذِیۡنَ اَحۡسَنُوا الۡحُسۡنٰی وَزِیَادَةٌ ؕ وَلَا یَرۡهَقُ وُجُوۡهَهُمۡ قَتَرٌ وَّلَا ذِلَّةٌ ؕ اُولٰٓئِكَ اَصۡحٰبُ الۡجَنَّةِ ۚ هُمۡ فِیۡهَا خٰلِدُوۡنَ ﴿۲۷﴾

آنانکه احسان کردند را پاداش نیکواست و از آن هم فزونتر و تیرگی و ذلت هرگز چهره های ایشانرافرانگیرد.همانهابهشتیانند ایشان درآن جاویدانند(۲۷)

وَالَّذِیۡنَ کَسَبُوا السَّیِّاٰتِ جَزَآءُ سَیِّئَةٍۭ بِمِثۡلِهَا ۙ وَتَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٌ ؕ مَا لَهُمۡ مِّنَ اللّٰهِ مِنۡ عَاصِمٍ ۚ کَاَنَّمَاۤ اُغۡشِیَتۡ وُجُوۡهُهُمۡ قِطَعًا مِّنَ الَّیۡلِ مُظۡلِمًا ؕ

وآنانکه بدیهاکسب کردندرا عوض هربدی‌مثل آنست وخواری آنهارا فراپوشد.آنهاراازخدامیچ نجات دهندهٔ نیست.گویی چهرمهاشان از پاره های شب تارپوشانده است.

أُولَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ۝٢٨

همانها اهل آتش اند. آنان درآن مدت درازخواهند ماند(۲۸)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ ۚ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ ۖ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُمْ مَّا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ۝٢٩

و[بیادآرید]روزیکه آنان جمیع را محشورکنیم.سپس به آنانکه شرک کردندگوئیم بایستید برجای‌خود و شریکانتان. پس میان ایشان جدائی نهیم و شریکان ایشان گویند که شما ما را پرستش نمیکردید(۲۹)

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَٰفِلِينَ ۝٣٠

پس خدامیان ما و میان شماگواه بس است.یقیناًماازپرستش کردن شما بیخبر بودیم(۳۰)

هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّآ أَسْلَفَتْ ۚ وَرُدُّوٓا إِلَى اللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ الْحَقِّ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝٣١ ع

درآنجا هرجان بداند آنچه پیش میفرستاد و آنان بسوی خدامالك حقیقی خود برگردانده شوند و آنچه فرا میبافتند از آنها ناپیدا گردد(۳۱)

ع ۳ ۸

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَٰرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ

بگوکیست که شمارا ازآسمان و زمین رزق اعطامیکند یاکیست که برگوشهاوچشمهااختیارداردو زنده را از مرده درآرد و مرده را از

مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُّدَبِّرُ الْاَمْرَ ؕ فَسَيَقُوْلُوْنَ اللّٰهُ ۚ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿۳۱﴾

زنده درآرد و کیست که نظام [کاینات] را بتدبیر اداره میکند آنگاه حتمًا گویند خدا.بگو چرا دیگرتقوی اختیار نمیکنید(۳۲)

فَذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۚ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ اِلَّا الضَّلٰلُ ۚۖ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ ﴿۳۲﴾

پس همین است خدا پروردگار حقیقی شما.پس بعدازحق چیست جزگمراهی. پس بکجا برگردانده می شوید(۳۳)

كَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِيْنَ فَسَقُوْۤا اَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۳۳﴾

اینگونه سخن پروردگارتو صدق میکندبرآنهاکه نافرمانی‌کردند که هرگزآنهاایمان نخواهندآورد(۳٤)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ ؕ قُلِ اللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿۳۵﴾

بپرس.آیاازشریکانتان کسی‌است که آفرینش را آغاز کند و تکرار کند؟ بگو. خدا است که آفرینش را آغاز کند و آن را تکرار کند. پس شما به کجا فریب داده می شوید؟(۳۵)

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّهْدِيْۤ اِلَى الْحَقِّ ؕ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِيْ لِلْحَقِّ ؕ اَفَمَنْ يَّهْدِيْۤ اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُّتَّبَعَ اَمَّنْ لَّا

بپرس آیاازشریکانتان کسی‌است که بسوی حق هدایت کند؟ پس آیاآنکه بسوی‌حق هدایت کند سزا وارتر است که پیروی کرده شود

يَهِدِّيٓ إِلَّآ أَن يُهۡدَىٰۖ فَمَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ٣٦

یا آنکه هدایت نمییابد مگرکه او هدایت داده شود؟ پس چه شدشما راچطورقضاوت کنید؟(۳۶)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكۡثَرُهُمۡ إِلَّا ظَنًّاۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٣٧

وبیشترآنها فقط گمان را پیروی می کنند [درحالیکه] گمان ازحق هیچ هم بی نیاز نمی سازد. یقینًا خدا خوب میداند آنچه را انجام میدهند(۳۷)

وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ أَن يُفۡتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٨

ونیست این قرآن که دور از خدا بوده بهم بافته شود و اما آن را تصدیق کنندهٔ است که پیش روی آنست و آن کتاب را تفصیل است که در آن شکی نیست ـ از جانب پروردگار جهانها است(۳۸)

أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣٩

آیا میگویند که او آنرا بهم بافته است؟بگو،پس سوره ای مثل آن بیآرید و [برای مدد] جزخدا هر که رامیتوانیدفراخوانید اگرشما راستگویانید(۳۹)

بَلۡ كَذَّبُواْ بِمَا لَمۡ يُحِيطُواْ بِعِلۡمِهِۦ وَلَمَّا يَأۡتِهِمۡ تَأۡوِيلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن

بلکه تکذیب کردند آنچه را که دانش آنرا فرانگرفتند و هنوز

قَبۡلِهِمۡ فَانۡظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظّٰلِمِيۡنَ ﴿۴۰﴾

تاویل آن بدیشان نرسیده است. همانگونه تکذیب کردند کسانیکه پیش از آنها بودند. پس نگاه کن فرجام ستمگران چگونه شد(۴۰)

وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يُّؤۡمِنُ بِهٖ وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ لَّا يُؤۡمِنُ بِهٖ ؕ وَرَبُّكَ اَعۡلَمُ بِالۡمُفۡسِدِيۡنَ ﴿۴۱﴾ ع

و کسانی اند ازآنانکه به آن ایمان میآرند و کسانی اند که به آن ایمان نمیآرند و پروردگار تو به فساد کاران داناتراست(۴۱)

وَاِنۡ كَذَّبُوۡكَ فَقُلۡ لِّىۡ عَمَلِىۡ وَلَـكُمۡ عَمَلُكُمۡ ۚ اَنۡتُمۡ بَرِيۡٓـئُوۡنَ مِمَّاۤ اَعۡمَلُ وَاَنَا بَرِىۡٓءٌ مِّمَّا تَعۡمَلُوۡنَ ﴿۴۲﴾

و اگر ازتو تکذیب کنند پس بگو عمل من برای من است وعمل شما برای شماست.شما برکنار اید از آنچه من عمل کنم ومن برکنارم از آنچه شماعمل کنید(۴۲)

وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يَّسۡتَمِعُوۡنَ اِلَيۡكَ ؕ اَفَاَنۡتَ تُسۡمِعُ الصُّمَّ وَلَوۡ كَانُوۡا لَا يَعۡقِلُوۡنَ ﴿۴۳﴾

وکسانیازآنهااند که به تو گوش فرا میدهند. پس آیا تو میتوانی به گنگان بشنوانی ولو خرد نه داشته باشند(۴۳)

وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يَّنۡظُرُ اِلَيۡكَ ؕ اَفَاَنۡتَ تَهۡدِى الۡعُمۡىَ وَلَوۡ كَانُوۡا لَا يُبۡصِرُوۡنَ ﴿۴۴﴾

و کسانی از آنها اند که بسوی تو مینگرند. پس آیا تو میتوانی کوران را هدایت دهی اگرچه بصیرت نداشته باشند(۴۴)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٥﴾

یقیناً خدا بر مردم هیچ هم ستم نمیکند و اما مردم خود بر جانهای خود ستم میکنند(۴۵)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۚ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٦﴾

و روزیکه او آنها را محشورکند [فکر کنند]گویی آنان[برزمین]جز ساعتی از روز مکث نکردند. آنان از همدیگر معرفی پیداکنند.البته خسارت دیدند آنانکه از ملاقات خدا انکار کردند و نتوانستند از جمله هدایت یافتگان باشند(۴۶)

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٧﴾

و اگرتورا بنمایانیم کمی به آن که آنهارا هشدار میدادیم یا تو را وفات دهیم بهر صورت بازگشت ایشان بسوی ما است.سپس خدا گواه است به آنچه میکنند(۴۷)+

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ

و هر کدام امت را رسولی است.

++آیت۴۷:ازین آیت پیدااست که لازم نیست که جمله پیشگویهای پیغمبری حتماً درحین حیات وی تحقق یابند البته بعضی از آنها در زندگانی وی صورت ظهور میگیرند.قرآنی که برآنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل آمد پیشگویهایی بیشمار و تاقیامت را ذکرمیآورد که ظهورآنها پس از رحلت ایشان شروع شد و تا امروز بظهور میآیند و تا قیامت صورت ظهور را خواهند گرفت.

رَسُوْلُهُمْ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا یُظْلَمُوْنَ ﴿۴۸﴾

پس گاهیکه رسول ایشان آمد کار میان آنان بدادگذرانیده شود و هرگزایشان ستمکرده نشوند(۴۸)

وَیَقُوْلُوْنَ مَتٰی هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ کُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ﴿۴۹﴾

وگویند،انجام این وعده تا به چند کشداگرشمارااستگویانید؟(۴۹)

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِیْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا اِلَّا مَاشَآءَ اللّٰهُ لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ اِذَاجَآءَ اَجَلُهُمْ فَلَا یَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا یَسْتَقْدِمُوْنَ ﴿۵۰﴾

بگو،برای نفس خودهم نه زیان را اختیاری دارم و نه سود را مگر آنچه خدا بخواهد. هرکدام امت را نهایت، زمانی معیّن است.چون آن نهایت زمانی ایشان برسد پس نمیتوانند ازآن لحظه ای تاخیر کنندونمیتوانندپیشی گیرند(۵۰)

قُلْ اَرَءَیْتُمْ اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُهٗ بَیَاتًا اَوْ نَهَارًا مَّاذَا یَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿۵۱﴾

بگو،مرا حالی کنید اگرشما را عذاب خدا شبگاه بیآیدیا در روز چطور مجرمان از آن بعجله فرار کنند؟(۵۱)

اَثُمَّ اِذَا مَا وَقَعَ اٰمَنْتُمْ بِهٖ آٰلْئٰنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿۵۲﴾

آیا سپس به آن ایمان آرید وقتی که واقع شود؟آیا الان [راه فرار است]وشما که بتعجیل آنرا می خواستید(۵۲)

ثُمَّ قِیْلَ لِلَّذِیْنَ ظَلَمُوْا ذُوْقُوْا عَذَابَ

سپس به کسانیکه ستمکردند گفته

الْخُلْدِ ۚ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿۵۳﴾

شود که [اکنون]عذاب را پیوسته بچشید. آیا پاداشی داده میشوید مگرآنچه کسب میکردید؟(۵۳)

وَيَسْتَنْۢبِئُوْنَكَ اَحَقٌّ هُوَ ۖ قُلْ اِىْ وَرَبِّىْٓ اِنَّهٗ لَحَقٌّ ۚ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿۵۴﴾

ومیپرسند از توآیا آن حق است؟ بگو،آری قسم به پروردگارم که یقینًا آن حق است و نیستید شما [آنرا] بعجز آرندگان(۵٤)

وَلَوْ اَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِى الْاَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهٖ ۗ وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ ۚ وَقُضِىَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿۵۵﴾

واگرچه بود نفسی راکه ستم کرد جمله آنچه در زمین است حتماً آنرا فدامیدادوچون بنگرندعذاب راندامت رانهان کنند و میان آنها قضاوت بدادشود وآنان ستم کرده نشوند(۵۵)

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اَلَآ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۵۶﴾

باش!یقینًا ازآن خدا است آنچه در آسمانها و در زمین است اما اکثرشان نمیدانند(۵٦)

هُوَ يُحْىٖ وَيُمِيْتُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿۵۷﴾

او زنده میکندومیمیراند و بسوی او برگردانده شوید(۵۷)

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُمْ مَّوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا فِى الصُّدُوْرِ ۙ وَهُدًى

ای‌مردم!شمارا آمد امرنصیحت از پروردگارتان، و درمانی برای آن [بیماری] که در سینه ها است و

وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٨﴾

برای مومنان هدایت و رحمتی است(٥٨)

قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٩﴾

بگو[این] بفضل خدا و برحمت او است. پس به این باید بسیار خرسند شوند.این نیکوتراست از آنچه میاندوزند(٥٩)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ مَّا اَنْزَلَ اللهُ لَكُمْ مِّنْ رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَامًا وَّ حَلٰلًا قُلْ آٰللهُ اَذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلَى اللهِ تَفْتَرُوْنَ ﴿٦٠﴾

بگو.آیا نمی آنگارید آنچه را که خدا برای شما رزق نازل کرد. پس خودتان از آن حرام و حلال گزیدید؟ بگو آیا خدا شما را مجاز گرداند یا بر خدا دروغ می بندید(٦٠)

وَمَا ظَنُّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٦١﴾

و چیست روز قیامت پنداشت آنانکه برخدابر بافند؟ یقینًا خدا را برمردم فضلی فراوانست. اما اکثرشان سپاس نمیگذارند(٦١)

وَمَا تَكُوْنُ فِيْ شَاْنٍ وَّمَا تَتْلُوْا مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَّلَا تَعْمَلُوْنَ مِنْ عَمَلٍ اِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُوْدًا اِذْ تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَّبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي

و تو درحالت خصوصی نمیباشیو نه درآن[حالت]قرآن رافروخوانی و [ای مومنان]هیچ کاری [نیکو] نمیکنید مگرمابرشماگواه هستیم چون درآن فرومیروید و پنهان

الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ وَلَآ اَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْبَرَ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٦٢﴾

نميماند از پروردگارتو به اندازه ذره ای هم درزمين و نه در آسمان و نه كوچكتر از آن و نه بزرگتر مگر در كتابى روشن [مرقوم] است(٦٢)

اَلَآ اِنَّ اَوْلِيَآءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦٣﴾

باش!يقيناً دوستان خداى اند كه نه ترس است ايشان را و نه ايشان غمگين شوند(٦٣)

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿٦٤﴾

آنانكه ايمان آوردند و داشتند تقوى را فرا ميگرفتند(٦٤)

لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ ؕ لَا تَبْدِيْلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٦٥﴾

ايشان را مژده است در زندگانى دنيا هم در آخرت. سخنان خدا تغيير ناپذير است. اين پيروزى است كه بسياربزرگست(٦٥)

وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ؕ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٦٦﴾

و گفتارشان تو را اندوهگين نه سازد.يقينًاعزت تمامتر ازآن خدا است. او است كه بسيار شنواى صاحب علم دايمى است(٦٦)

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ ؕ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ

باش!يقيناً ازآن خدا است آنكه در آسمانها و آنكه در زمين است وآنانكه بغيرازخدا ميخوانند [در

دُوْنِ اللّٰهِ شُرَكَآءَ ۗ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿٦٧﴾

واقع] از شریکان پیروی نمیکنند [بلکه]ازپی‌گمان خالی روند وتنها حدس زنند(٦٧)

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿٦٨﴾

اوست آنکه شب را برای شما قرار داد تا در آن آرامش یابید و روز را بینائی بخش.یقینًا درآن نشانه ها است قومی را که گوش فرادهند(٦٨)

قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ۗ هُوَ الْغَنِيُّ ۗ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ اِنْ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍۭ بِهٰذَا ۗ اَتَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٩﴾

گویند که خدا پسری برگزیده است. او بی نیاز است. ازآن او است آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین. نزد شما به آن[دعوی] هیچ دلیلی نیست.آیا جهت خدا حرف زنیدآنچه رانمیدانید؟(٦٩)

قُلْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُوْنَ ﴿٧٠﴾

بگو یقینًا کسانیکه برخدا دروغ بندند موفق نمیشوند(٧٠)

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيْقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيْدَ بِمَا كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ ﴿٧١﴾

دردنیاکمی بهره کشی است. سپس بازگشت ایشان بسوی ماست. سپس آنهارا عذاب سخت چشانیم چه آنها کفر میکردند(٧١)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ نُوْحٍ ۘ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖ

و بخوان بر آنان خبرنوح چون

يٰقَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَّقَامِىْ وَتَذْكِيْرِىْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمِعُوْٓا اَمْرَكُمْ وَشُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوْٓا اِلَىَّ وَلَا تُنْظِرُوْنِ ﴿۷۱﴾

او بقوم خودگفت ای‌قوم من! اگر بشما مَوضع من ونصیحت کردن من به آیات خداگران میگذرد پس برخداتوکل میکنم.پس جمع کنید توانائی‌خود و شریکان خودرا ـ باز ازآن پس که کارخود بر شما مبهم نماندبازبسوی من بگذرانید و مرا فرصتی ندهید(۷۲)

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ ؕ اِنْ اَجْرِىَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۙ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿۷۲﴾

پس اگرروی برگردانید آنگاه در مورد مزد سؤال از شما نمیکنم و مزدم جز خدا برکسی نیست و امر شده ام که از فرمان برداران باشم(۷۳)

فَكَذَّبُوْهُ فَنَجَّيْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ فِى الْفُلْكِ وَجَعَلْنٰهُمْ خَلٰٓئِفَ وَاَغْرَقْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِيْنَ ﴿۷۳﴾

پس او را تکذیب کردند. آنگاه ما او و آنانکه بااو درکشتی بودند را نجات دادیم و آنان را جانشین قراردادیم و آنها راکه آیات مارا تکذیب کردند غرق ساختیم پس بنگرعاقبت مشدار دادگان چگونه شد(۷۴)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهٖ رُسُلًا اِلٰى قَوْمِهِمْ

سپس بعدها رسولانی را بسوی

فَجَآءُوهُم بِالْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٥﴾

قوم های آنان مبعوث کردیم که آنانرا بانشانه های روشن آمدند پس نبودند تاایمان آورند برآنچه به آن قبلاً تکذیب کرده بودند. اینگونه بردلهای تجاوزگران مهر مینهیم(۷۵)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٧٦﴾

سپس موسیوهارون را بسوی فرعون وسردارانش باآیتهایخود مبعوث کردیم. آنگاه آنها تکبر کردند و قوم مجرمان بودند(۷۶)

فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾

پس چون آنان را حق از سوی ما آمدگفتند.یقینًااین جادوئی آشکار است(۷۷)

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَٰذَا ۖ وَلَا يُفْلِحُ السَّٰحِرُونَ ﴿٧٨﴾

موسیٰ گفت آیا جهت حق چون نزدشماآمداینگونه حرف میزنید؟ آیاآن جادوئی است حالیکه جادو گران موفق نمیشوند(۷۸)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَآءُ فِي الْأَرْضِ ۖ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٩﴾

گفتند.آیانزدما آمدی تا مارا ازآن [مسلك]برگردانیکه برآن پدران خود را یافتیم و بزرگی در زمین برایشمادوی باشدحالانکه نیستیم

ماکه برایشمادوی‌ایمان آریم(۷۹)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٨٠﴾

و فرعون گفت هرکدام جادوگری ماهر را نزدم بیآرید(۸۰)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٨١﴾

پس چون جادوگران آمدند موسی به آنهاگفت، بیفکنید آنچه شما را افکندن است(۸۱)

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٢﴾

پس چون افکندند[آنچه افکندنی بود] موسیٰ گفت آنچه آورده اید فریب محض است.حتمًاخداآن را باطل کندیقینًاخدا کار مفسدان را درست قرار نمیدهد(۸۲)

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٣﴾ ع

و خداحق را باکلمات خود راست میگرداندا گرچه مجرمانرانا‌پسند گذرد(۸۳)

فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ ۚ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٤﴾

پس برموسیٰ ایمان نیآوردند جز فرزندان[شماری]از قوم او ازین ترس که فرعون وسردارانش آنان را به آزمایش نیفکنند و یقینًا فرعون در زمین بسیار گردنکش بود ویقینًا ازبسیارتعدی کنندگان بود(۸٤)

وَقَالَ مُوسٰى يٰقَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوْٓا اِنْ كُنْتُمْ مُّسْلِمِيْنَ ﴿٨٥﴾

و موسیٰ گفت ای قوم من اگرشما بر خدا ایمان آورده اید پس[تنها] بر او توکل کنید اگر شما فرمان برداران [واقعی] هستید(٨٥)

فَقَالُوْا عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٨٦﴾

پس آنان گفتند. بر خدا توکل می کنیم.پروردگارا! مارا برای قومی ستمکار آزمایش قرارنده(٨٦)

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٨٧﴾

و مارابرحمت خود ازقوم کافران نجات بده(٨٧)

وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰى وَاَخِيْهِ اَنْ تَبَوَّاٰ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوْتًا وَّاجْعَلُوْا بُيُوْتَكُمْ قِبْلَةً وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨٨﴾

و ما به موسی و برادرش وحی فرستادیم که شمادوی برای قوم خود در مصر خانه های بسازید و خانه های خودراقبله رخ قراردهید و نماز را بپای دارید و مومنان را مژده بده(٨٨)++

وَقَالَ مُوْسٰى رَبَّنَآ اِنَّكَ اٰتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَاَهٗ زِيْنَةً وَّاَمْوَالًا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِكَ ۚ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰٓى اَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿٨٩﴾

و موسیٰ گفت پروردگارا! یقینًا تو فرعون و سردارانش را در زندگانیدنیازینت و مالها داده ای پروردگارا[آیا]برای اینکه از راه توبازدارند؟پروردگارا!مالهای آنها رانابودبساز و بر دلهایآنهاسخت

بگیر پس آنها ایمان نیآرند تاآنگاه که عذاب دردناك را ببینند(۸۹)

قَالَ قَدۡ اُجِيۡبَتۡ دَّعۡوَتُكُمَا فَاسۡتَقِيۡمَا وَلَا تَتَّبِعٰٓنِّ سَبِيۡلَ الَّذِيۡنَ لَا يَعۡلَمُوۡنَ ﴿۹۰﴾

او گفت. دعای شما دوی مستجاب شد. پس شما دوی استوار باشید و هرگز دنبال نکنید راه آنان را که نمی دانند(۹۰)

وَجٰوَزۡنَا بِبَنِىۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ الۡبَحۡرَ فَاَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ وَجُنُوۡدُهٗ بَغۡيًا وَّعَدۡوًا ؕ حَتّٰۤى اِذَاۤ اَدۡرَكَهُ الۡغَرَقُ ۙ قَالَ اٰمَنۡتُ اَنَّهٗ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا الَّذِىۡۤ اٰمَنَتۡ بِهٖ بَنُوۡۤا اِسۡرَآءِيۡلَ وَاَنَا مِنَ الۡمُسۡلِمِيۡنَ ﴿۹۱﴾

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم.پس فرعون و لشکرش از روی سرکشی و تجاوزگری آنان را تعقیب کردند تاآن نهایت که چون غرق او را درگرفت گفت. من ایمان میآریم که هیچ معبودی نیست مگرآنکه به اوبنی اسرائیل ایمان آوردندومن ازفرمانبرداران هستم(۹۱)

آٰلۡـٰٔنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنۡتَ مِنَ

آیاالان[ایمان]حالیکه قبلاًنافرمانی

++آیت ۸۸:این آیت حاکی از چنین سخنی است که آنحضرت ﷺ از خود نمی توانستند آنرا بپندارند و نه در بایبل مذکور است. پس این تهمت هم نسبت دروغ دارد که ایشان بدین امر آگاه در نتیجه شنیدن بیان از دانشمندان بائبل شده بودند. اما حالا وابستگان به باستان شناسی مساکن بنی اسرائیل مدفون زیر خاك را در مصر کشف کرده اند از آنچه این امر به اثبات میرسد که خانه های بنی اسرائیل در یك سمت یعنی برخ قبله ساخته شده بودند.

الْمُفْسِدِيْنَ ﴿۹۲﴾

میکردی و از مفسدان بودی(۹۲)

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيْكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُوْنَ لِمَنْ خَلْفَكَ اٰيَةً ؕ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ اٰيٰتِنَا لَغٰفِلُوْنَ ﴿۹۳﴾ ع

پس امروزتورا بابدنت نجات می دهیم تا برای پسینیان خود نشانهٔ ی[عبرت]قرارگیریومرآینه کثیر مردم از آیتهای ما اصلا غافلان اند(۹۳)++

وَلَقَدْ بَوَّاْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ مُبَوَّاَ صِدْقٍ وَّرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْا حَتّٰى جَآءَهُمُ الْعِلْمُ ؕ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۹۴﴾

والبته مابنی اسرائیل را جایگاه راستی مهیاکرده و ایشان را از پاکیزه ها رزق دادیم.پس ایشان اختلاف نکردند تاآنگاه که علم ایشان را آمد.یقیناً پروردگار تو فیصل دهد میان ایشان دراموریکه درآن اختلاف میکردند(۹۴)

فَاِنْ كُنْتَ فِيْ شَكٍّ مِّمَّآ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِيْنَ يَقْرَءُوْنَ الْكِتٰبَ مِنْ

پس اگرتو از آن در شکی که ما بسوی تونازلکرده ایم پس بپرس

++آیت ۹۳: این آیت هم به اثبات میرساند که قرآن مجید از جانب عالم الغیب نازل شد زیرا در زمان آنحضرت صلی الله علیه وسلم نعش فرعون را به کنایه هم ذکر نبود. اما درزمان حاضر وابستگان به باستان شناسی نعش آن فرعون را که درمقابل حضرت موسٰی آمده بود کشف کرده اند. ازاین نعش آشکارمیآیدکه فرعون را باوجود غرقش پیش از مرگش در آورده بودند و پس از این واقعه حدود شصت سال ارکار افتاده بستری شده بود.گویی جمعاً او نود سالگی عمر کرد. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود:[ Ian Wilson Exodus 1985 ]

قَبۡلِكَ لَقَدۡ جَآءَكَ الۡحَقُّ مِنۡ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوۡنَنَّ مِنَ الۡمُمۡتَرِيۡنَ ﴿٩٥﴾

آنانكه كتاب قبل از تو[فرستاده] رامیخوانند. یقینًاحق است که از پروردگارتو بسوی تو آمده است پس از دو دلان مباش(٩٥)

وَلَا تَكُوۡنَنَّ مِنَ الَّذِيۡنَ كَذَّبُوۡا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُوۡنَ مِنَ الۡخٰسِرِيۡنَ ﴿٩٦﴾

و مباش از آنانکه به آیتهای خدا تکذیب کردند وگرنه تو از سخت زیانکاران شوی(٩٦)

اِنَّ الَّذِيۡنَ حَقَّتۡ عَلَيۡهِمۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ ﴿٩٧﴾

یقیناً آنانکه فرمان پروردگارتو برآنان راست آمد ایمان نخواهند آورد(٩٧)

وَلَوۡ جَآءَتۡهُمۡ كُلُّ اٰيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الۡعَذَابَ الۡاَلِيۡمَ ﴿٩٨﴾

هرچند آنانراهرکدام آیتی بیآید تا آن نهایت که عذاب دردناك را رویت کنند(٩٨)

فَلَوۡلَا كَانَتۡ قَرۡيَةٌ اٰمَنَتۡ فَنَفَعَهَاۤ اِيۡمَانُهَاۤ اِلَّا قَوۡمَ يُوۡنُسَ ؕ لَمَّاۤ اٰمَنُوۡا كَشَفۡنَا عَنۡهُمۡ عَذَابَ الۡخِزۡىِ فِى الۡحَيٰوةِ الدُّنۡيَا وَمَتَّعۡنٰهُمۡ اِلٰى حِيۡنٍ ﴿٩٩﴾

پس چرانبودندساکنان هیچ قریه ای‌که ایمان میآوردند و ایمانشان آنانرا سود میداد جز قوم یونس. گامیکه ایشان ایمان آوردندعذابی رسواکنندۀ را از ایشان درحیات دنیا دورکردیم و تا مدتی ایشان را متنعم نمودیم(٩٩)

وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ لَاٰمَنَ مَنۡ فِى الۡاَرۡضِ

واگرپروردگارتومیخواست یقینًا

كُلُّهُمْ جَمِيْعًا ؕ اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتّٰى يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۱۰۰

هر که درزمین است همه آنها باهم ایمان میآوردند.پس آیا تو می توانی مردم را وادار کنی تا آن نهایت که ایمان آوردگان بباشند(۱۰۰)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ۝۱۰۱

و هیچ جان را ممکن نیست که بدون اذن خداایمان بیآرد و او بر [رویهای] آنانکه خرد را به کار نبرند پلیدی [دلهاشان] می افکند(۱۰۱)

قُلِ انْظُرُوْا مَاذَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَمَا تُغْنِى الْاٰيٰتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُوْنَ ۝۱۰۲

بگو، بنگرید هرچه در آسمانها و زمین است و نیست آیتها و هشدارها که به کار قومی آید که ایمان نمیآرند(۱۰۲)

فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ قُلْ فَانْتَظِرُوْٓا اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۝۱۰۳

پس آیاانتطاردارند جز روزگاری راماننداَنانکه پیش ازآنان بودند؟ بگوپس منتظرباشید البته منهم باشماازمنتظرانم(۱۰۳)

ثُمَّ نُنَجِّىْ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ ۚ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝۱۰۴ ع

سپس [بوقت عذاب] رسولان و آنانکه ایمان آورند را اینطور نجات میدهیم. واجب است برما

قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِى شَكٍّ مِّن دِينِى فَلَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٥﴾

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠٧﴾

وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهِۦ ۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٨﴾

که مومنان را نجات دهیم(۱۰۴)

بگو ای مردم! اگر شما از دینم در شك اید پس من پرستش نمی کنم آنان را که شما بغیراز خدا پرستش میکنید.اما من عبادت کنم آن خدا را که شمارا وفات میدهد و فرمان شده ام که از مومنان باشم(۱۰۵)

و همواره بحق[خدا] متمایل شده توجه خود را بر دین راست کن و از مشرکان مباش(۱۰۶)

و بغیراز خدا آن را نخوان که نه تو را سود میدهد و نه تورا ضرر میرساند.پس اگر اینکار کردی آنگاه حتمًا بی درنگ تو از ستم کاران میشوی(۱۰۷)

و اگرخدا به تو سختی رساند آنگاه نیست آنرا دور کننده مگر او و اگر بخواهد برای تو خیر ونعمت را.آنگاه کسی نیست فضل او را برگرداند. او آن[فضل] را

میرساند به هرکه از بندگان خود بخواهد و او بسیار آمرزنده و بارها رحم کننده است(١٠٨)

قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٍ ﴿١٠٩﴾

بگو: ای مردم! یقینًا شما را حق از پروردگارتان آمد. پس آن که هدایت یابد پس حتماً فقط برای نفس خود هدایت میيابد و آنکه گمراه گردد پس حتماًخلاف خود گمراه میگردد و من بر شما نگهبان نیستم (١٠٩)

وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ وَٱصۡبِرۡ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ﴿١١٠﴾

و پیروی کن آنچه را بر تو وحی فرستاده میشود و شکیبا باش تا آن نهایت که خدا فیصل دهد و او بهترین فیصل دهندگانست(١١٠)

# ١١ ـ سورة هود

این سورة مکی است و با بسم الله ١٢٤ آیت دارد.

این سورة به سورة قبلی بستگی دارد و آن بستگی ضمن شرح سورة قبلی تعریف شده است.این سورة رااین پهلوبسیارنمایانست که ازروی‌آیت ١١٣ "فاستقم کماامرت ومن تاب معك"چنین مسؤلیتی سنگین بعهده آنحضرت ﷺ گذاشته شد که ایشان فرمودند"شَیَّبَتنِی هُود"یعنی سورة هود که مرا پیر کرد. بعلاوه این سورة حاکی از ذکر آن قومهاست که بعلت انکار بهلاك رسانده شدند. سرگذشت آن مردم نیزآنحضرت ﷺ را بسیار رنجه کرد.

آیة ١٨ این سورة حاکی از آن یك گواهی است که درحق آنحضرت ﷺ قبل از ظهور ایشان ازجانب حضرت موسی‌علیه السلام داده شد و درعین حال ذکر ازآن گواه نیز میرود که بعد از آنحضرت ﷺ ظهور کننده است. در سورة البروج آن گواه بصورت کلمات"شاهد و مشهود" مذکور است یعنی زمانی خواهد بود که در آن شاهدی بزرگ در حق مشهودی بزرگ یعنی آنحضرت ﷺ گواهی به صداقت ایشان خواهد داد.

پس از این سورة یوسف آغاز میکند.این سورة عبارت از داستانی بهترین داستانهااست. لذا در پایان این سورة فرمان خدای متعال حاکی است که قصه های پیغمبران که برای آنحضرت ﷺ بیان میشود ازاین جهت است که دل ایشان استوارگردد و کنایه ای است به این امر که مقصود از بیان کردن سرگذشت مردم در سورة هود دال بر این نیست که ایشان رنج ببرند.

☆ سُوْرَةُ هُوْدٍ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ اَرْبَعٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ عَشَرَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓرٰ ۚ كِتٰبٌ اُحْكِمَتْ اٰيٰتُهٗ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ خَبِيْرٍ ﴿۲﴾

أَنَا اللّٰهُ أَرٰى منم خدا - من می بینم - [این]کتابی‌است که آیتهای آن محکم شده است. سپس از جانب صاحب حکمتی مدام آگاه خوب آشکارساخته شده است(۲)

اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ؕ اِنَّنِيْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ ﴿۳﴾

[مشداردهد]که بغیرازخدا هیچ را عبادت نکنید.یقینًا من شما را از جانب اوبیم دهنده ای مژده دهنده ای هستم(۳)

وَّاَنِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَّتَاعًا حَسَنًا اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّيُؤْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهٗ ؕ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ ﴿۴﴾

واینکه از پروردگارخود آمرزش بطلبید پس توبه کنان بسوی او فروتن شوید.اوشمارا‌تامدتی‌مقرر به بهترین سامان معیشت برخور دارسازد و هر صاحب فضیلت را شایان شأن او فضل اعطا کند و اگرشما روی برتابید آنگاه یقینًا

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝

من درباره شما از عذاب روزی بزرگ میترسم(٤)

بازگشت شما بسوی خداست و او بر هرچیز مدام قدرتمنداست(٥)

باش!یقیناًآنهاسینه های‌خودرا می گردانندتابتوانندازاوپنهان شوند. باش! وقتیکه آنها لباس خود را تن کنند او میداند آنچه را نهان کنند و آنچه راعیان کنند.یقیناً او از رازهای سینه ها دانا است(٦)

وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ؕ كُلٌّ فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ۝۷

ومیچ جنبندهٔ درزمین نیست مگر رزقش بر خدا است و او میداند آرامشگاه موقت آنرا و قرارگاه دایم آنرا هرچیز درکتابی آشکار است(۷)

وَهُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ وَّكَانَ عَرْشُهٗ عَلَى الْمَآءِ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ؕ وَلَئِنْ قُلْتَ اِنَّكُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُوْلَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اِنْ هٰذَاۤ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۝۸

و اوست آنکه آسمانهاو زمین را درشِش روز آفرید و تختش برآب بودتاشمارا آزمایش کندکه عملکرد کدام یکی از شما قشنگتر است. اگربگوئی که یقینًا شما پس از مرگ برخیزانده شویدحتمًا آنان که کافر شدند گویند. این فقط جادوئی آشکاراست(۸)++

وَلَئِنْ اَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِلٰۤى اُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ لَّيَقُوْلُنَّ مَا يَحْبِسُهٗ ؕ اَلَا يَوْمَ يَاْتِيْهِمْ لَيْسَ مَصْرُوْفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ

واگرعذاب راتامدتی کوتاه ازآنها به تاخیر اندازیم حتمًاگویند چه چیزآن را بازداشته است. باش! روزیکه آنها را بیآید محال است

++آیت ۸ :کان عرشه علی الماءِ را مفهوم این نیست که نعوذبالله روح خدا بر آب شنا میکرد بلکه مفهومش اینست که خدا بنیاد تمام زندگی را از آب نهاده است و زندگی روحانی نیز بر آن آب روحانی انحصار دارد که از آسمان بر پیغمبران نازل کرده میشود.

بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٩﴾ ع

که ازآنهابرگرداندشود و درگیرد آنهارا آن[مشدار]که به آن داشتند استهزأمیکردند(۹)

وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنٰهَا مِنْهُ ۚ اِنَّهٗ لَيَـُٔوْسٌ كَفُوْرٌ ﴿١٠﴾

واگرانسان راازجانب خودرحمت بچشانیم سپس آنراازاوبازگیریم یقینًا او سخت نومید و ناسپاس می گردد(۱۰)

وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ ذَهَبَ السَّيِّاٰتُ عَنِّيْ ؕ اِنَّهٗ لَفَرِحٌ فَخُوْرٌ ۙ ﴿١١﴾

واگرپس ازسختی که بدو رسید او را نعمت بچشانیم حتمًا گوید. رنجها از من دور شد.یقینًا او[بر امری‌کوچکترمم]شادمان و بسیار فیس کننده است(۱۱)

اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿١٢﴾

جزآنانکه صبرکردندونیکوکاریها بجاآوردند همانهاند که ایشان را آمرزش و پاداشی بسیار بزرگ است(۱۲)

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَضَآئِقٌ بِهٖ صَدْرُكَ اَنْ يَّقُوْلُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جَآءَ مَعَهٗ مَلَكٌ ؕ اِنَّمَآ اَنْتَ نَذِيْرٌ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

آیا برای توامکانداردکه کمی‌ازآن وحی راکه بسوی تو فرستاده می شود ترک کنی چه سینه تو به آن تنگ میشود که میگویند چرا نه گنجی بر او فرود فرستاده شد یا

وَّكِيۡلٌ ؕ﴿۱۳﴾

فرشته ای با اوفرودمیآمد. توفقط بیم دهندهٔ ای و خدا بر هر چیز نگهبان است(۱۳)

اَمۡ يَقُوۡلُوۡنَ افۡتَرٰىهُ ؕ قُلۡ فَاۡتُوۡا بِعَشۡرِ سُوَرٍ مِّثۡلِهٖ مُفۡتَرَيٰتٍ وَّادۡعُوۡا مَنِ اسۡتَطَعۡتُمۡ مِّنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ اِنۡ كُنۡتُمۡ صٰدِقِيۡنَ ﴿۱۴﴾

یامیگویندکه او بربافته است.پس بگو، ده سوره بربافته مثل آن بیآرید و هر که رابتوانید[بیاری خود] بخوانید جز خدا اگرشما راستگویانید(۱۴)

فَاِلَّمۡ يَسۡتَجِيۡبُوۡا لَـكُمۡ فَاعۡلَمُوۡۤا اَنَّمَاۤ اُنۡزِلَ بِعِلۡمِ اللّٰهِ وَاَنۡ لَّاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ فَهَلۡ اَنۡتُمۡ مُّسۡلِمُوۡنَ ﴿۱۵﴾

پس اگرشماراجوابی‌مثبت ندهند آنگاه بدانیدکه این فقط بعلم خدا نازلکرده شده است و این [هم بدانید] که جز او هیچ معبودی نیست. پس آیا شمافرمانبرداران میشوید[یاخیر]؟(۱۵)

مَنۡ كَانَ يُرِيۡدُ الۡحَيٰوةَ الدُّنۡيَا وَزِيۡنَتَهَا نُوَفِّ اِلَيۡهِمۡ اَعۡمَالَهُمۡ فِيۡهَا وَهُمۡ فِيۡهَا لَا يُبۡخَسُوۡنَ ﴿۱۶﴾

هرکه خواستار زندگی‌دنیاوزینت آنست آنهاراعوض اعمالشان تمام دراین[دنیا] میدهیم و آنان در آن حق کشی کرده نشوند(۱۶)

اُولٰٓـئِكَ الَّذِيۡنَ لَـيۡسَ لَهُمۡ فِى الۡاٰخِرَةِ اِلَّا النَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوۡا فِيۡهَا وَبٰطِلٌ مَّا

همانهاند که درآخرت نیست برای آنها جزآتش و هرچه دراین [دنیا] صنعت کردند هدر رود و باطل

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

گردد آنچه میکردند(۱۷)

اَفَمَنْ كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّهٖ وَيَتْلُوْهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهٖ كِتٰبُ مُوْسٰى اِمَامًا وَّرَحْمَةً ۭ اُولٰۗىِٕكَ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ ۭ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِهٖ مِنَ الْاَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهٗ ۚ فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۤ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٨﴾

پس آیا آنکه بر دلیلی روشن از پروردگار خوداست و از پی او یك گواه آینده است و ازپیش او کتاب موسیٰ پیشواورحمت است [آیامیتوانددروغگوی‌باشد؟]همان مردم [مخاطبان رسول موعود] به او ایمان خواهند آورد پس آنکه ازحزبها او راانکارکند پس وعده گاه اوجهنم است. پس درباره آن درشکی‌نباش.یقینًا همین حق است ازپروردگارتواماکثیرمردم ایمان نمی‌آرند(۱۸)

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ۭ اُولٰۗىِٕكَ يُعْرَضُوْنَ عَلٰى رَبِّهِمْ وَيَقُوْلُ الْاَشْهَادُ هٰٓؤُلَاۗءِ الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلٰى رَبِّهِمْ ۚ اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٩﴾

وکیست ستمکارتر ازآنکس که بر خدا دروغ بندد. همانهاند که به حضور پرورگارخودعرضه شوندو گواهان گواهی دهند که همانهاند که بر پروردگارخود دروغ بستند. باش! بر ستمکاران لعنت خدا است(۱۹)

الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

کسانیکه از راه خدا بازمیدارند

| | |
|---|---|
| وَيَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ۚ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿۲۰﴾ | وآن را کج میخواهند و آنهایند که به آخرت انکار کننده اند(۲۰) |
| اُولٰٓئِكَ لَمْ يَكُوْنُوْا مُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَآءَ ۘ يُضٰعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ۚ مَا كَانُوْا يَسْتَطِيْعُوْنَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوْا يُبْصِرُوْنَ ﴿۲۱﴾ | همانهاند که هیچگاه در زمین نه خواهند توانست[خدا داران را] بعجز آورند. گذشته از خدا آنان راکسیدوست نیست.عذاب برای آنان افزوده شود. آنان شنیدن را طاقت نیآورند و نتوانند ببینند (۲۱) |
| اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿۲۲﴾ | همانهاندکه خودشان رازیان زدند و هرچه دروغ می بستند از دست آنها در رفت(۲۲) |
| لَا جَرَمَ اَنَّهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ﴿۲۳﴾ | بیگمان در آخرت آنها زیانکار تران اند(۲۳) |
| اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَخْبَتُوْٓا اِلٰى رَبِّهِمْ ۙ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۲۴﴾ | یقیناًآنانکه ایمان آوردند و نیکو کاریهاکردند و بسوی پروردگار خود فروتن شدند همآنان اهل بهشت اند.ایشان در آن جاودان اند(۲۴) |
| مَثَلُ الْفَرِيْقَيْنِ كَالْاَعْمٰى وَالْاَصَمِّ وَالْبَصِيْرِ وَالسَّمِيْعِ ۚ هَلْ يَسْتَوِيٰنِ | مثل دوگروه مانند کور و کر و بینا و شنواست.آیا آندو در مثل |

مَثَلًا ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۵﴾ ع

یکسانند؟آیا پند نمیگیرید؟(۲۵)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖۤ ۫ اِنِّىْ لَـكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۲۶﴾ لا

و یقینًا نوح را بسوی قومش فرستادیم[او گفت] یقینًا من برای شما بیم دهندهٔ ی آشکارم(۲۶)

اَنْ لَّا تَعْبُدُوْۤا اِلَّا اللّٰهَ ؕ اِنِّىْۤ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ اَلِيْمٍ ﴿۲۷﴾

اینکه شما جز خدا کسی را عبادت نکنید. یقینًا من جهت شما از عذاب روزی دردناك میترسم(۲۷)

فَقَالَ الْمَلَاُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ مَا نَرٰٮكَ اِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرٰٮكَ اتَّبَعَكَ اِلَّا الَّذِيْنَ هُمْ اَرَاذِلُنَا بَادِىَ الرَّاْىِ ۚ وَمَا نَرٰى لَـكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍۢ بَلْ نَظُنُّكُمْ كٰذِبِيْنَ ﴿۲۸﴾

پس سرداران از قومش که کفر کرده بودند گفتند ما تو را بشری مانند خود بیش نبینیم. بعلاوه نمی بینیم ترا جز اینکه آنانکه از تو پیروی کرده اند آنها در نظر ظاهری درماندگان ما اند و نه هیچ برتری را برای تو بر خود ما میبینیم بلکه شما را دروغگویان میپنداریم(۲۸)

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّىْ وَاٰتٰٮنِىْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهٖ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ ؕ اَنُلْزِمُكُمُوْهَا وَاَنْتُمْ لَهَا كٰرِهُوْنَ ﴿۲۹﴾

گفت ای قوم من ابنگرید اگر من از پروردگار خود بر دلیلی روشن [استوار] ام و او ازجانب خود مرا رحمتی اعطا کرد و [این امر] بر شما پنهان ماند. آیا میتوانیم شما را بزور به آن واداریم باآنکه شما

وَيٰقَوْمِ لَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۖ اِنْ اَجْرِىَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَمَآ اَنَا بِطَارِدِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۖ اِنَّهُمْ مُّلٰقُوْا رَبِّهِمْ وَلٰكِنِّىْٓ اَرٰىكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُوْنَ ﴿۳۰﴾

آنرا ناپسند دارید؟(۲۹)

و ای قوم من!براین نمی طلبم از شمامالی را. مزدم بر کسی نیست جز خدا وآنانکه ایمان آورده اند راطرد کننده نیستم. یقیناً ایشان پروردگارخودرادیدارخواهندکرد امامن شما را قومی خود را به نادانی زده مینگرم(۳۰)

وَيٰقَوْمِ مَنْ يَّنْصُرُنِىْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ طَرَدْتُّهُمْ ۖ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿۳۱﴾

و ای قوم من! کِه مرا یاری کند ازخدا اگر آنانرا طرد کنم. پس آیا پند نمیگیرید؟(۳۱)

وَلَآ اَقُوْلُ لَكُمْ عِنْدِىْ خَزَآئِنُ اللّٰهِ وَلَآ اَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ اَقُوْلُ اِنِّىْ مَلَكٌ وَّلَآ اَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ تَزْدَرِىْٓ اَعْيُنُكُمْ لَنْ يُّؤْتِيَهُمُ اللّٰهُ خَيْرًا ۖ اَللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا فِىْٓ اَنْفُسِهِمْ ۚ اِنِّىْٓ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۳۲﴾

ونمیگوئم برایشما که نزد من گنج های‌خدااست و نه غیب را میدانم ونمیگوئم که من فرشتهٔ ی ام و [حتّی]نمیگویم کسانی را که چشمان شما فرومایه بیند خدا آنانرا به هیچ خیری برخوردار نکند. خدا داناتراست به آنچه در دلهای ایشان است.[اگر اینطور گویم] آنگاه یقیناًمن ازجمله ستم کاران باشم(۳۲)

| | |
|---|---|
| قَالُوا يٰنُوحُ قَدْ جٰدَلْتَنَا فَاَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣٢﴾ | گفتند: ای نوح بما جدال کردی و درجدال ازما فزونی یافتی. پس اینك برای ما بیاور به آنچه مارا تهدید میکردی اگر تو از راست گویانی(٣٢) |
| قَالَ اِنَّمَا يَأْتِيْكُمْ بِهِ اللّٰهُ اِنْ شَآءَ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٣٣﴾ | او گفت:تنهاخدااست که شمارا به آن بیآید اگربخواست و نیستید شما که[او را] بعجز آورید(٣٤) |
| وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِيْٓ اِنْ اَرَدْتُّ اَنْ اَنْصَحَ لَكُمْ اِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يُّغْوِيَكُمْ ؕ هُوَ رَبُّكُمْ ۫ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ؕ﴿٣٤﴾ | و نصیحتم بشما سودی ندهد اگر هم بخواهم شمارانصیحت کنم.اگر خواهد خداکه شماراگمراه کند.او پروردگار شمااست و به سوی او برگشت داده شوید(٣٥) |
| اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ؕ قُلْ اِنِ افْتَرَيْتُهٗ فَعَلَيَّ اِجْرَامِيْ وَاَنَا بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تُجْرِمُوْنَ ﴿٣٥﴾ ع | آیامیگویندکه اوآنرابربافته است بگواگرمن آنرابربافته ام پس نکبت جُرم من برخودم است و من از آن جرم بیزارم که شما می کنید(٣٦) |
| وَاُوْحِيَ اِلٰى نُوْحٍ اَنَّهٗ لَنْ يُّؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ اِلَّا مَنْ قَدْ اٰمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا | وبسوی نوح وحی فرستادیم که ایمان نمیآرد از قوم توجز آنکه ایمان آورده است پس به آنچه |

كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٧﴾

كنند دلگير نشو(٣٧)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٣٨﴾

و پيش چشمان ما و [طبق] وحى ماكشتى بساز وجهت آنها كه ستم كردند بمن حرفى نزن حتمًا آنها غرق شدگانند(٣٨)

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٩﴾

و او كشتى ميساخت و هرگاه سرداران قومش از آنجا گذر مى كردنداو رابادسخريه ميگرفتند. اوگفت،اگرشما از ما تمسخر مى كنيد پس يقينًاما از شما تمسخر خواهيم كرد همانگونه كه شما تمسخر ميكنيد(٣٩)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٤٠﴾

پس بزودى بدانيد كه كيست كه او راعذابى رسواكننده بيآيد و براو عذابى پايدارفرود آيد(٤٠)

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤١﴾

تا آن انتها كه چون فرمان ما در رسيدوچشمه هاجوشيدما[به نوح] گفتيم كه دراين [كشتى] هركدام جفت جفت[ازجانورانىبضرورت] واهل خود راجزجهت آنكه فرمان ماپيشى گرفته است وهركه ايمان

وَقَالَ ارْكَبُوْا فِيْهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖىهَا وَمُرْسٰىهَا ؕ اِنَّ رَبِّىْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۴۲﴾

آورده است سوار کن حالانکه با او ایمان نیآوردند جز کم(۴۱)++
و او گفت درآن سوارشوید ـ حرکت کردنش ولنگر انداختنش بنام خدا است.یقیناًپروردگارم خیلی آمرزندهٔ بارها رحم کننده است(۴۲)

وَهِىَ تَجْرِىْ بِهِمْ فِىْ مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادٰى نُوْحُ ۨابْنَهٗ وَكَانَ فِىْ مَعْزِلٍ يّٰبُنَىَّ ارْكَبْ مَّعَنَا وَلَا تَكُنْ مَّعَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۴۳﴾

وآن باآنان در موجها مانند کوهها حرکت میکرد و نوح پسرخود را درحالیکه او درجای جدا بود ندا کرد.ای پسرم! با ما سوار شو و با کافران نباش(۴۳)

قَالَ سَاٰوِىْۤ اِلٰى جَبَلٍ يَّعْصِمُنِىْ مِنَ الْمَآءِ ؕ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ ۚ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِيْنَ ﴿۴۴﴾

اوگفت،بزودی‌من به کوهی‌پناه می برم که مرا از آب مصؤن کند.او گفت،امروز ازامرخداکسی نجات دهنده نیست مگر آنکس را که او ترحم کند.آنگاه میان آندو موج حائل شد و او از غرق شدگان شد(۴۴)

---

++آیت۴۱:منظورجفت هرکدام جانورنیست والا کشتی‌برای جانوران کفایت نمیکرد مفهوم اینست که جفت جفت ازآن جانوران بگیرکه ضرورت انسان است.

وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ابْلَعِى مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقْلِعِى وَغِيضَ الْمَآءُ وَقُضِىَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِىِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّٰلِمِينَ ﴿٤٥﴾

وگفته شد:ای زمین آب خود را فروبر و ای آسمان بس کن و آب خشك شد وامرگذرانیده شد وآن [کشتی] بر[کوه] جودی ایستاد و گفته شد هلاك باد قوم ستم کاران را(٤٥)

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِى مِنْ أَهْلِى وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَٰكِمِينَ ﴿٤٦﴾

و نوح به پروردگارخود ندا کرد وگفت: ای‌پروردگارمن! پسرم از اهل من است و یقینًا وعده تو راست است و تو بهترین حکم کنندگانی (٤٦)

قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ ۖ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ ۖ إِنِّىٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَٰهِلِينَ ﴿٤٧﴾

[خدا]گفت.ای‌نوح!یقینًااو از اهل تو نیست.البته اوکرداری ناپاك بود.پس از من سوالی نکن که به آن ترادانشی نیست. یقیناًمن به توپند میدهم مبادا ازجمله جاهلان بشوی(٤٧)

قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ ۖ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِى وَتَرْحَمْنِىٓ أَكُن مِّنَ الْخَٰسِرِينَ ﴿٤٨﴾

او گفت:ای پروردگارمن!براستی من ازین امر به تو پناه میبرم که از تو سوالی‌کنم که به آن مرا دانشی نیست واگرمرا نیآمرزی

و بر من ترحم نکنی حتمًا ازجمله زیانکاران میشوم(۴۸)

قِيْلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكٰتٍ عَلَيْكَ وَعَلٰٓى اُمَمٍ مِّمَّنْ مَّعَكَ ؕ وَاُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۴۹﴾

خطاب شد:ای نوح اپائین شو با سلامتی از ما و برکتهای که برتو و آن قومهاست که با تو[سوار] اند و قومهایی دیگر نیز اند که حتماًبه آنان بهره مندسازیم سپس به آنهاز ماعذابی دردناك خواهد رسید(۴۹)

تِلْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَآ اِلَيْكَ ۚ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَآ اَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا ؕۛ فَاصْبِرْ ؕۛ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۵۰﴾

این ازخبرهای غیب است که بسوی تو وحی میفرستیم- پیش ازین نه تو و نه قوم تو این را [میدانستید].پس شکیباباش یقینًا عاقبت نیکوبرای‌متقیانست(۵۰)

وَاِلٰى عَادٍ اَخَاهُمْ هُوْدًا ؕ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿۵۱﴾

و بسوی عاد برادرشان هود را [فرستادیم] اوگفت:ای قوم من ! خدا را عبادت کنید شمارا کسی معبود نیست مگراو. شما فقط دروغ بافندگانید(۵۱)

يٰقَوْمِ لَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا ؕ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى الَّذِيْ فَطَرَنِيْ ؕ اَفَلَا

ای‌قوم من‌امن از شمابراین مزدی نمی طلبم مزدم نیست جزبرآنکه

تَعۡقِلُوۡنَ﴿۵۲﴾

مرا آفرید. پس آیا عقل نمی کنید؟(۵۲)

وَيٰقَوۡمِ اسۡتَغۡفِرُوۡا رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوۡبُوۡۤا اِلَيۡهِ يُرۡسِلِ السَّمَآءَ عَلَيۡكُمۡ مِّدۡرَارًا وَّيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً اِلٰى قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡا مُجۡرِمِيۡنَ﴿۵۳﴾

ای قوم من!از پروردگارخود استغفار طلبید. سپس توبه کرده بسوی او فروتنی کنید. او بر شما ابرهای بسیار بارنده خواهد فرستادوشماراتوانائی‌بر توانائی شمابیفزاید ومجرمانه پشت کرده نروید(۵۳)

قَالُوۡا يٰهُوۡدُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَّمَا نَحۡنُ بِتَارِكِىۡۤ اٰلِهَتِنَا عَنۡ قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِيۡنَ﴿۵۴﴾

آنهاگفتند: ای هود!نه دلیلی واضح نزد ما آورده ای و نه ما ازگفتار محض تو معبودان خود را ترك كنندگانيم و ما برای تو ايمان آرندگان نيستيم(۵٤)

اِنۡ نَّقُوۡلُ اِلَّا اعۡتَرٰٮكَ بَعۡضُ اٰلِهَتِنَا بِسُوۡٓءٍ‌ ؕ قَالَ اِنِّىۡۤ اُشۡهِدُ اللّٰهَ وَاشۡهَدُوۡۤا اَنِّىۡ بَرِىۡٓءٌ مِّمَّا تُشۡرِكُوۡنَ ۙ‏﴿۵۵﴾

ما نمیگوئیم جز اینکه بعضی از معبودان ما تورا بشومی گرفته اند.او گفت. یقینًا من خدا را گواه میگردانم وهم شما گواهی دهیدکه من بیزارم ازآنچه شریك قراردهید ـ (۵۵)

مِنۡ دُوۡنِهٖ‌ فَكِيۡدُوۡنِىۡ جَمِيۡعًا ثُمَّ لَا

[یعنی]جزاو.پس همه بهم خلافم

تُنظِرُونِ﴿٥٦﴾

نیرنگ زنید، سپس مرا فرصتی ندهید(٥٦)

اِنِّیْ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبِّیْ وَرَبِّکُمْ ؕ مَا مِنْ دَآبَّةٍ اِلَّا هُوَ اٰخِذٌۢ بِنَاصِیَتِهَا ؕ اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ﴿٥٧﴾

یقینًا من فقط برخدا توکل دارم که پروردگارمن و پروردگار شما است. نیست جنبندهٔ ی مگراو[آن را]به موی بالای پیشانیش گرفته است. یقینًا پروردگارم بر راه راست [یافتنی]است(٥٧)

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ اَبْلَغْتُکُمْ مَّآ اُرْسِلْتُ بِهٖٓ اِلَیْکُمْ ؕ وَیَسْتَخْلِفُ رَبِّیْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ ۚ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ شَیْـًٔا ؕ اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیْظٌ﴿٥٨﴾

پس اگر شما روی برتابید آنگاه من آن سخنان رابشما ابلاغ کرده ام که با آن بسوی شما فرستاده شدم وپروردگارم بجای‌شما قومی دیگرراجانشین قراردهدونیستید شما که او را هیچ هم گزندی برسانید. یقینًا پروردگارم برهر چیزنگهبان است(٥٨)

وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّیْنَا هُوْدًا وَّالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا ۚ وَنَجَّیْنٰهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِیْظٍ﴿٥٩﴾

و هنگامیکه فرمان ما فرارسید ما هود و آنانکه با او ایمان آورده بودند رابرحمتی‌ازما نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت نگه داشتیم(٥٩)

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْٓا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ﴿٦٠﴾

و ایناننداعاد ـ آنان آیتهای‌خدا را انکار و از رسولان او نافرمانی کردند و ازهرزورمندیی سرکش فرمان میبردند(٦٠)

وَاُتْبِعُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اَلَآ اِنَّ عَادًا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ ؕ اَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُوْدٍ ﴿٦١﴾

پس پی‌آنهاافکنده شدلعنت دراین دنیا و روزقیامت. باش!یقینًا عاد ازپروردگارخودانکارکردند.باش! هلاك بادعاد قوم لوط را(٦١)

وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ ؕ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ﴿٦٢﴾

و بسوی ثمود برادرایشان صالح را [فرستادیم]اوگفت،ای قوم من! خدا را عبادت کنید.نیست شمارا معبودی مگراو.او است که شمارا از زمین پدیدآورد و شمارا در آن آبادان کرد.پس از او استغفار بطلبید.پس توبه کنان بسوی او بگرایید.یقینًا پروردگارم قریب و اجابت کننده [دعا] است(٦٢)

قَالُوْا يٰصٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِيْنَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هٰذَآ اَتَنْهٰنَآ اَنْ نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا وَاِنَّنَا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ

گفتند:ای‌صالح پیش ازین تومیان ما مرجع امید بودی. آیا مارا از پرستش آن بازمیداری که آنرا پدران ما می پرستیدند و البته

مُرِيْبٍ﴿٦٣﴾

ما درشکی شورانگیزایم از آنچه بسوی آن ما را میخوانی(٦٣)

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ تَخْسِيْرٍ﴿٦٤﴾

او گفت.ای‌قوم من‌امرا حالی کنید اگرمن از پروردگارم بر دلیلی روشن[استوار] ام و او ازجانب خود مرا رحمت اعطاکرده است باز از او نافرمانی کنم آنگاه چه کس است مرا درمقابل خدا یاری دهد.پس شمامرادرچیزی‌نیفزایید جززیان(٦٤)

وَيٰقَوْمِ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ﴿٦٥﴾

و ای قوم من ! این ناقه [وقف درراه]خدا شمارا نشانه ای است. پس آنرا بگذارید که در زمین خدا چرا کند و آنرا هیچ گزندی نرسانید وگرنه عذابی زود رس شما را فرا گیرد(٦٥)

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ﴿٦٦﴾

بازهم آن راپی‌کردند.پس اوگفت سه روز درخانه های خود خوش گذرانی کنید این وعدهٔ است که دروغ درنمی‌آید(٦٦)

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ

پس چون فرمان ما فرارسید ما

اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ ؕ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ﴿۶۷﴾

صالح وکسانیکه بااوایمان آوردند را برحمت خودنجات دادیم و از رسوائی آن روز [حفظ نمودیم]. یقینًاپروردگارتو مدام قدرتمند صاحب غلبۀ کامل است(٦٧)

وَاَخَذَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿۶۸﴾ۙ

وکسانیکه ستم کردند را عذابی غرش کنان درگرفت وآنها درخانه های خود برویهای خود برافتاده ماندند(٦٨)

كَاَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا ؕ اَلَاۤ اِنَّ ثَمُوْدَاۡ كَفَرُوْا رَبَّهُمْ ؕ اَلَا بُعْدًا لِّثَمُوْدَ ﴿۶۹﴾ع

گویی هیچگاه درآنها زیست نمی کردند.باش!ثمودازپروردگارخود انکارکردند. باش! هلاك باد ثمود را(٦٩)

وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَاۤ اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى قَالُوْا سَلٰمًا ؕ قَالَ سَلٰمٌ فَمَا لَبِثَ اَنْ جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيْذٍ ﴿۷۰﴾

و همانا فرستادگان مانزدابراهیم بامژدۀ آمدند.گفتند. سلام. او نیز گفت.سلام.پس او درنگ نکرد که به گوسالۀ بریان آمد(٧٠)

فَلَمَّا رَاٰۤ اَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ اِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَاَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيْفَةً ؕ قَالُوْا لَا تَخَفْ اِنَّاۤ اُرْسِلْنَاۤ اِلٰى قَوْمِ لُوْطٍ ﴿۷۱﴾ؕ

پس چون او دیدکه دستهای‌ایشان [به غذا] نمیرسد ایشان را غریبه پنداشت وازایشان احساس ترس کرد.گفتند.نترس.حتمًامابسوی‌قوم

لوط فرستاده شده ایم(۷۱)

وَامۡرَاَتُهٗ قَآٮِٕمَةٌ فَضَحِكَتۡ فَبَشَّرۡنٰهَا بِاِسۡحٰقَ ۙ وَمِنۡ وَّرَآءِ اِسۡحٰقَ يَعۡقُوۡبَ ﴿۷۲﴾

و همسرش[درکنار]ایستاده بود. پس وی خنده کرد. آنگاه ما وی را به اسحاق مژده دادیم وپس ازاسحاق، یعقوب نیز(۷۲)

قَالَتۡ يٰوَيۡلَتٰٓى ءَاَلِدُ وَاَنَا عَجُوۡزٌ وَّهٰذَا بَعۡلِىۡ شَيۡخًا ؕ اِنَّ هٰذَا لَشَىۡءٌ عَجِيۡبٌ ﴿۷۳﴾

وی گفت،ای وای!آیا من بچه ای میزایم حالیکه من سالمندم و این شوهرم پیرمردی است.یقینًااین چیزی بسیارعجیب است(۷۳)

قَالُوۡۤا اَتَعۡجَبِيۡنَ مِنۡ اَمۡرِ اللّٰهِ رَحۡمَتُ اللّٰهِ وَبَرَكٰتُهٗ عَلَيۡكُمۡ اَهۡلَ الۡبَيۡتِ ؕ اِنَّهٗ حَمِيۡدٌ مَّجِيۡدٌ ﴿۷۴﴾

ایشان گفتند:آیاازامرخدا تعجب میکنی؟ ای اهلبیت برشما رحمت خداوبرکات اوباد.یقینًااو صاحب ستایش صاحب بزرگی است(۷۴)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنۡ اِبۡرٰهِيۡمَ الرَّوۡعُ وَجَآءَتۡهُ الۡبُشۡرٰى يُجَادِلُنَا فِىۡ قَوۡمِ لُوۡطٍ ﴿۷۵﴾

پس هنگامیکه خوف از ابراهیم دورشد و مژده به او رسید او جهت قوم لوط بما به مجادله پرداخت(۷۵)

اِنَّ اِبۡرٰهِيۡمَ لَحَلِيۡمٌ اَوَّاهٌ مُّنِيۡبٌ ﴿۷۶﴾

یقینًا ابراهیم خیلی بردبار، نرم دل و انابت کننده ای بود(۷۶)

يٰۤاِبۡرٰهِيۡمُ اَعۡرِضۡ عَنۡ هٰذَا ۚ اِنَّهٗ قَدۡ جَآءَ اَمۡرُ رَبِّكَ ۚ وَاِنَّهُمۡ اٰتِيۡهِمۡ عَذَابٌ غَيۡرُ

ای ابراهیم!ازاین[امر]اعراض کن. یقینًا فرمان پروردگارتو صادر

مَرْدُوْدٍ﴿۷۷﴾

شده است و حتمًا آنها را عذابی آید که برگردانده نشود(۷۷)

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوْطًا سِيْٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَّقَالَ هٰذَا يَوْمٌ عَصِيْبٌ﴿۷۸﴾

و هنگامیکه فرستادگان ما نزد لوط رسیدند او ازایشان ناخوش آمد و از ایشان دلگیر شدوگفت اینروزیبسیارسخت است(۷۸)+

وَجَآءَهٗ قَوْمُهٗ يُهْرَعُوْنَ اِلَيْهِ ؕ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ ؕ قَالَ يٰقَوْمِ هٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيْ هُنَّ اَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُوْنِ فِيْ ضَيْفِيْ ؕ اَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيْدٌ﴿۷۹﴾

وقوم او پرشتاب بسوی او آمدند درحالیکه قبلاًنیز بدیها میکردند. اوگفت.ای‌قوم من! اینان دخترانم اند.ایشان نزدشمانیزپاکیزه اند. پس خدارااتقوی‌اختیارکنید ومرا درمهمانهای من رسوانکنید.آیا در شمایکی‌هم خردمندنیست؟(۷۹)+

قَالُوْا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِيْ بَنٰتِكَ مِنْ حَقٍّ ۚ وَاِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيْدُ﴿۸۰﴾

گفتند البته تومیدانی که ما را در دختران توهیچ حقی‌نیست والبته تومیدانی‌آنچه مامیخواهیم(۸۰)+

قَالَ لَوْ اَنَّ لِيْ بِكُمْ قُوَّةً اَوْ اٰوِيْٓ اِلٰى رُكْنٍ شَدِيْدٍ﴿۸۱﴾

اوگفت:کاشکی مرا نیروی بود به مقابله شمایا توانستم بسوی تکیه گاهی استوارپناه برم(۸۱)

قَالُوْا يٰلُوْطُ اِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَّصِلُوْٓا اِلَيْكَ فَاَسْرِ بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ

گفتند.ای‌لوط یقینًا ما فرستادگان پروردگارتومستیم.هرگز آنها بتو

وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ اِلَّا امْرَاَتَكَ ۖ اِنَّهٗ مُصِيْبُهَا مَآ اَصَابَهُمْ ۖ اِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ۖ اَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيْبٍ ﴿۸۱﴾

نمیرسند.پس درپارۀ شب با اهل خود کوچ کن وکسیازشماپشتسر ننگردجزهمسرتو.حتماًاو را نیز برسدهمان سختیکه به آنهارسنده است وعدهگاه آنها صبحگاه است. آیا صبح نزدیك نیست؟(۸۲)

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيْلٍ ۙ مَّنْضُوْدٍ ﴿۸۲﴾

پس چون فرمان ما دررسید. آن [قریه] را زیرورو نمودیم و بر آنها سنگهای کلوخه روی هم چیده بارانیدیم(۸۳)

مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ ۖ وَمَا هِيَ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ بِبَعِيْدٍ ﴿۸۳﴾

که نزدپروردگار تو علامتگذارده بودند و این[سلوك] از ستمگران دور نیست(۸٤)

وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۖ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۖ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ اِنِّيْٓ

وبسوی مدین برادرایشان شعیب را[فرستادیم].اوگفت. ای قوم من خدا راعبادت کنید. برایشماکسی

++آیات ۷۸ـ ۸۰:این تفسیر از بعضی از مفسران که نعوذبالله حضرت لوط به قومش دختران خود راپیشنهاد کرد درست نیست.امر واقعی اینست که قوم لوط پس از تکذیب وی اینطورمیپنداشت که شاید او مردم را از بیرون به آن قریه آورده برخلاف آنها توطئه میچیند. لذا او قوم خود را برای شرم آوری گفت درصورتیکه دخترانم درخانه های شما متأهل اند باز چطور امکان پذیر است که من برخلاف شما توطئه بچینم.

اَرٰىكُمْ بِخَيْرٍ وَّاِنِّىٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيْطٍ ﴿۸۴﴾

معبود نیست مگر او. و کیل و میزان راکم ندهید. یقینًا من شما راثروتمندمیبابم و برشماازعذاب روزی فرا گیرنده میترسم(۸۵)

وَيٰقَوْمِ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿۸۵﴾

و ای قوم من کیل و میزان را بداد بتمام دهید و بمردم کالای ایشان کم ندهیدودرزمین مفسدانه آشوب نگسترانید(۸۶)

بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۚ وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ﴿۸۶﴾

آنچه ازخدا[درتجارت] باقی بماند برای شما خیرونعمت است اگر شما مومن اید و من برشمانگهبان نیستم(۸۷)

قَالُوْا يٰشُعَيْبُ اَصَلٰوتُكَ تَاْمُرُكَ اَنْ نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَآ اَوْ اَنْ نَّفْعَلَ فِىٓ اَمْوَالِنَا مَا نَشٰٓؤُا ۗ اِنَّكَ لَاَنْتَ الْحَلِيْمُ الرَّشِيْدُ ﴿۸۷﴾

گفتند: ای شعیب آیا نمازت تورا امر میکندکه ماترك کنیم آنچه را پدران ماپرستش میکردند یا این که جهت مالهای خود بر وفق میل خودکارنکنیم؟حتماًتو بس بردبار و خردمند ای!(۸۸)

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّىْ وَرَزَقَنِىْ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۗ وَمَآ

اوگفت ای قوم من[اقلاً]مراحالی کنید که اگر من ازپروردگارخود بر دلیلی آشکار هستم و او بمن

أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَآ أَنْهَٰكُمْ عَنْهُ ۚ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ وَمَا تَوْفِيقِيٓ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۸۹﴾

از خود رزقی پاکیزهٔ اعطامیکند [بازهم خواسته شما راانجام دهم] درحالیکه نمیخواهم که خلاف شما کنم جهت آنچه از آن شما را باز دارم - نمیخواهم مگر اصلاح هرچه بتوانم و مرا توان نیست مگربه [یاری]خدا.براو توکل می کنم و بسوی او انابت میکنم(۸۹)

وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍ ۚ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ ﴿۹۰﴾

و ای قوم من!دشمنی من شمارا واندارد برکاری که شمارا برسد [رنج] مانند آنچه بقوم نوح وقوم هود وقوم صالح رسیده بود وقوم لوط نیزازشما دورنیست(۹۰)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿۹۱﴾

وازپروردگارخودآمرزش بطلبید. بازتوبه کنان بسوی‌او روی‌بیآرید یقیناًپروردگارم بارها رحمکنندهٔ و بسیار دوستدار است.(۹۱)

قَالُوا يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًا ۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ ۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْنَا

آنهاگفتند:ای‌شعیب آنچه میگوئی اکثر آن سر ما نمیشود درحالیکه یقیناً ما تورا درمیان خودبسیار ناتوان میبینیم واگر قبیله تونبود

بِعَزِيزٍ ﴿٩٢﴾

حتمًا ما تو را سنگسار میکردیم و تو بر مقابل ما هیچ برتری نه داری(۹۲)

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَهْطِيْٓ اَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ ۖ وَاتَّخَذْتُمُوْهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ اِنَّ رَبِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ مُحِيْطٌ ﴿٩٣﴾

او گفت : ای قوم من آیا قبیله من نزد شما از خدا قدرتمندتر است و او را شما بی اعتنائی کرده پشت سرخود افکنده اید. یقینًا پروردگارم آنچه عمل کنید، را احاطه کرده است(۹۳)

وَيٰقَوْمِ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۙ مَنْ يَّاْتِيْهِ عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوْٓا اِنِّيْ مَعَكُمْ رَقِيْبٌ ﴿٩٤﴾

و ای قوم من‌ابکنید برجائی خود [آنچه میتوانید]و یقیناً من هم کنندهٔ ام [آنچه میتوانم] بزودی بدانید که را آن عذاب میآید که او را رسوا کند و کیست که او دروغگوی است و مراقبت کنید یقیناً من هم باشما مراقبت کننده ام(۹٤)

وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَاَخَذَتِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ

پس چون فرمان ما دررسید ما شعیب وکسانیکه بااوایمان آورده بودند.رابرحمت خودنجات دادیم و کسانی که ستمکردند را عذابی

جٰثِمِيْنَ ﴿٩٥﴾

باخروش مهیب درگرفت پس در خانه های خود بروی چانه ها فرو افتاده ماندند(٩٥)

كَاَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا ؕ اَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُوْدُ ﴿٩٦﴾

گویی‌که آنان هیچگاه درآنهانبوده اند. باش‌ابرای مدین آنگونه هلاك است که قوم ثمود هلاك شد(٩٦)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٩٧﴾

و یقینًا فرستادیم موسی را با آیتهای خود و دلیلی آشکار و ادله روشن(٩٧)

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَاتَّبَعُوْۤا اَمْرَ فِرْعَوْنَ ۚ وَمَاۤ اَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيْدٍ ﴿٩٨﴾

بسوی فرعون و سردارانش پس آنهاازفرعون فرمان بردندحالانکه فرمان فرعون درست نبود (٩٨)

يَقْدُمُ قَوْمَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَاَوْرَدَهُمُ النَّارَ ؕ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُوْدُ ﴿٩٩﴾

او روز قیامت قوم خود راپیشرو شود و آنها را وارد آتش کند و چه زشت است محل ورود که بر آن وارد کرده شود(٩٩)

وَاُتْبِعُوْا فِيْ هٰذِهٖ لَعْنَةً وَّيَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُوْدُ ﴿١٠٠﴾

وافکنده شد لعنت پی آنها در این دنیاوروز قیامت.چه زشت است عطاء که کرده شدند(١٠٠)

ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْقُرٰى نَقُصُّهٗ عَلَيْكَ مِنْهَا

این[خبر]ازاخبار قریه هاست که آنرابرای‌توحکایت میکنیم. بعضی

قَآئِمٌ وَّحَصِيدٌ ﴿١٠١﴾

ازآنها برقرار اندو بعضی درو کرده شدند(١٠١)

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ ظَلَمُوٓا اَنْفُسَهُمْ فَمَآ اَغْنَتْ عَنْهُمْ اٰلِهَتُهُمُ الَّتِى يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ شَىْءٍ لَّمَّا جَآءَ اَمْرُ رَبِّكَ ؕ وَمَا زَادُوْهُمْ غَيْرَ تَتْبِيْبٍ ﴿١٠٢﴾

وما آنهارا ستم نکردیم بلکه آنها برجانهای خود ستم میکردند پس هیچ بدردایشان نخوردندمعبودان ایشان که آنها را گذشته از خدا میخواندندچون فرمان پروردگار توآمد و آنها آنانرا جز هلاك در چیزی نیفزودند(١٠٢)

وَكَذٰلِكَ اَخْذُ رَبِّكَ اِذَآ اَخَذَ الْقُرٰى وَهِىَ ظَالِمَةٌ ؕ اِنَّ اَخْذَهٗٓ اَلِيْمٌ شَدِيْدٌ ﴿١٠٣﴾

و گرفت پروردگار تو همینطور است چون او قریه های رامی گیرد درحالتیکه آنها ستمکارند. یقیناگرفت اوالمناکی‌بسیارشدید است(١٠٣)

اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْاٰخِرَةِ ؕ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوْعٌ ۙ لَّهُ النَّاسُ وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُوْدٌ ﴿١٠٤﴾

یقینادراین امر آیتی بزرگ است برای‌آنکه ازعذاب آخرت میترسد این روزی‌است که برای آن مردم جمع کرده شدندواین روزی است که گواهی داده شد(١٠٤)

وَمَا نُؤَخِّرُهٗٓ اِلَّا لِاَجَلٍ مَّعْدُوْدٍ ؕ ﴿١٠٥﴾

و ماآنراجزشمرده به زمانی معین بتاخیر نمیاندازیم(١٠٥)

| | |
|---|---|
| يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَّسَعِيدٌ ﴿١٠٦﴾ | روزیکه آن بیآید هیچ جان بلا اذن او تکلم نکند. پس در آنها هم بدبختندوهم خوش بختند(۱۰۶ ) |
| فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَّشَهِيقٌ ﴿١٠٧﴾ | پس کسانیکه بدبختند آنگاه آنها درآتش اند. برای آنها درآن ناله کردن و فریاد زدن است(۱۰۷ ) |
| خٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٠٨﴾ | مادامیکه زمین و آسمان برقرار است ایشان درآن ماندگار اند مگر آنچه پروردگارتو بخواهد یقیناًپروردگارتوهرچه رابخواهد کنندهٔ است(۱۰۸ )++ |
| وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ۚ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ﴿١٠٩﴾ | و اماکسانیکه خوش بختند ایشان اهل بهشتند و درآن جاویدانند مادامیکه زمین و آسمان برقرار است مگرکه پروردگارتوبخواهد این عطای بلاانقطاع است(۱۰۹ ) |

++آیات ۱۰۸ـ ۱۰۹ : ازین دوآیت بظاهر چنین گمان شود که همچون بهشت جهنم نیزدائمی است ولی درآیتی که نسبت به جهنم است باگفتن "الا ما شاء ربك" سخن تمام کرده شد. درحالیکه آیت ۱۰۹ که حاکی از ذکر بهشت است گوید " عطاءً غیر مجذوذ "یعنی عطایی که بلاانقطاع است.ضمناً "خلود"برای مدت دراز گفته میشود. لازم نیست که معنی آن "همیشگی" باشد.

فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هٰٓؤُلَآءِ ۭ مَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا كَمَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُهُمْ مِّنْ قَبْلُ ۭ وَاِنَّا لَمُوَفُّوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوْصٍ ﴿۱۱۰﴾

پس درشك مباش از آنچه این مردم پرستش كنند.اینهاپرستش نكنند مگر بطوریكه پیش از این پدران ایشان پرستش میكردندو یقینًا ما به آنها سهم ایشان بی كم و كاست تمام خواهیم داد(۱۱۰)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ ۭ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۭ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿۱۱۱﴾

ویقینًامابموسیٰ كتاب داده بودیم پس دراین هم اختلاف كرده شد و اگراز پروردگارتوفرمانی پیشی نگرفته بود حتمًاكار میان ایشان گذرانیده میشدویقینًاآنها درشكی مضطرب كننده مستند(۱۱۱)

وَاِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ اَعْمَالَهُمْ ۭ اِنَّهٗ بِمَا يَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۱۱۲﴾

ویقینًا پروردگارتو همه آنها را عوض اعمال ایشان تمام دهد. حتمًا اوبخوبی آگاه است به آنچه انجام میدهند(۱۱۲)

فَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ۭ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۱۳﴾

پس استوار باش بطوریكه فرمان داده میشوی و آنانكه با تو توبه كنندگانند وقدم فراترازحدننهید. یقینًا او دقیقًا بینا است به آنچه عمل كنید(۱۱۳)

وَلَا تَرْكَنُوٓا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٤﴾

و بسوی آنها میل نکنیدکه ستم کردند وگرنه آتش شمارا نیز می گیرد وگذشته ازخداشمارا هرگز سرپرستان نیستند. سپس یاری کرده نشوید(۱۱٤)

وَأَقِمِ الصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ الَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّـَٔاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ﴿١١٥﴾

ونماز را هردو سر روز و هم در پارههای‌شب بپای‌دار.حتمًا نیکیها بدیها را می برد.این تذکراست متذکران را(۱۱۵)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٦﴾

پس صبرکن چه یقینًاخدا اجر محسنان را ضائع نمیدهد(۱۱٦)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٧﴾

پس چرادرقرنهای پیش از شما چنین خردمندان نبودند که در زمین ازفساد جلوگیری میکردند جزاندك از آنهاکه ماآنهارا نجات دادیم وکسانیکه ستم کردند ازپی آنچه رفتندکه بنابرآن [پیشینیان] سرکش قرار داده شدند و آنان مجرمان بودند(۱۱۷)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٨﴾

و نیست پروردگار توکه قریه هارا به ستم هلاك سازد درحالیکه

اماليان آنها به اصلاح پرداخته باشند(۱۱۸)

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلَا يَزَالُوْنَ مُخْتَلِفِيْنَ ﴿۱۱۹﴾

و اگر پروردگار تو میخواست مردم را یك امت میساخت ا.ا آنها پیوسته اختلاف کنندگان اند(۱۱۹)

اِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ ؕ وَ لِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ ؕ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَاَمْلَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۲۰﴾

مگر آنکه را پروردگارتو ترحم کند و او آنان را به این خاطر آفرید و این سخن پروردگارتو صدق کرد که حتمًا من جهنم را از جنهاو مردم پُرخواهم کرد(.۱۲)

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهٖ فُؤَادَكَ ۚ وَجَآءَكَ فِيْ هٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَّذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۱۲۱﴾

وآنجمله که ازخبرهای‌انبیاء برتو بیان کنیم آنچه است که دل تورا به آن ثبات دهیم وتوراآمده است دراین[اخبار]حق وپندی ومومنان را درس عبرت است(۱۲۱)

وَقُلْ لِّلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ ؕ اِنَّا عٰمِلُوْنَ ﴿۱۲۲﴾

و بگو به کسانیکه ایمان نیآورده اند بکنید آنچه بتوانید بر جای خود حتمًا ما هم کنندگانیم(۱۲۲)

وَانْتَظِرُوْا ۚ اِنَّا مُنْتَظِرُوْنَ ﴿۱۲۳﴾

پس منتظر باشید ما هم منتظران ایم(۱۲۳)

وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَيْهِ يُرْجَعُ الْاَمْرُ كُلُّهٗ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ؕ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۲۴﴾ ع

وغیب آسمانها و زمین ازآن خدا است و کار بتمامی آن بسوی او برگردانده میشود. پس او را عبادت کن و بر او توکل کن پروردگار تو از آن بغفلت نیست که عمل میکنید(۱۲۴)

# ۱۲ ـ سورة یوسف

این سورة در مکه نازل شد وبا بسم الله ۱۱۲ آیت دارد.

آغاز این سورة نیز بامقطعات "الٓر" است و دارای همان معنای است که قبلاً نقل شد.

بلافاصله دنبال این، ذکر از آن یکی ازبهترین قصص میرود که موجب بشاشت قلبی آنحضرت ﷺ میشود درمقابل آن یکی رنج آور که سورة هود حاکی از آن بود.اینجا لازم است که واژه قصص شرح مجمل داده شود. قصص را معنا قصه و داستانی محض نیست بلکه آن وقائع از ازمنه گذشته است که بدنبال پژوهش عیناً به واقعیت منجر میشوند.

آغاز این سورة با ذکر رویایی ازحضرت یوسف علیه السلام میشود که عبارت از آنهمه وقائع است که ایشان را بعدما پیش آمد وحضرت یعقوب علیه السلام از این رویاء تعبیر کردند که حضرت یوسف را از برادران خویش احتمال زیان و ضرر است.لذا ایشان توصیه کردند که او لب به این رویاء پیش برادران خویش نگشاید.

این سورة عبارت از آن علم تعبیر رویاء است که به حضرت یوسف علیه السلام ارزانی داشته شد.بعنوان مثال، آندو زندانیان که باایشان همراه بودند تعبیر از رویای آندو عیناً همانطور راست آمد که حضرت یوسف بیان کرده بودند. و بعدها آن زندانی که طبق تعبیر رویایش مژدهٔ نجات داده شده بود باعث شدکه پادشاه بواسطه او تعبیرآن رویای خود را ازحضرت یوسف بطلبد که نسبت به آن درباریانش اظهار داشتند که آن تحریك نفسانی است.

ضمناً تعبیر رویای پادشاه ازحضرت یوسف باعث شد که آن واقعهٔ بزرگ که طبق تعبیرخواب پادشاه منجربه گرسنگی و مرگ تهیدستان مصر وحومه اش میشد، پیش بینی شود و مردم از چنگ فقروفاقه نجات داده شوند و مواد غذائی ایشان برای هفت سال متوالی تهیه وتوزیع کرده شود و کار تدارکاتی اینهمه به حضرت یوسف واگذار کرده شد و منتها بدین علت والدین و برادران ایشان در پناه ایشان درآمدند و همه ایشان برای حضرت یوسف درحضور خدای متعال سجده کردند.

اینهمه چنین وقایع تاریخ است که آنحضرت ﷺ را برآنها از پیش هیچ علم واطلاعی نبود. بنابرهمین دلیل به ایشان گفته شد که آنوقت تو درایشان نبودی که اینهمه درجریان بود. این فقط خدای علیم وخبیر است که تو را از حقیقت این وقایع آگاه میسازد.

پایان این سورة باآیتی عبارت از این سخن داده میشود که نقل کردن این وقایع همچون حکایت کردن قصه ها یا داستانها عمومی نیست بلکه این وقائع در نهان خردمندان را بسیار عبرت انگیزاست و بیگمان تمامی سورة یوسف توجه راجلب بسوی بیشمار وقایع عبرت انگیز مینماید.

☆ سُوْرَةُ يُوْسُفَ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ اثْنَا عَشَرَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓرٰ ۚ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ﴿۲﴾

[أَنَا اللّٰهُ أَرٰى] منم خدا من می بینم. این آیتهای کتاب روشن است(۲)

اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿۳﴾

یقیناماآنرا قرآنی‌عربی‌نازل کرده ایم تاباشدکه شماعقل کنید(۳)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْاٰنَ ۖ وَاِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الْغٰفِلِيْنَ ﴿۴﴾

بوسیله این قرآن که برتو وحی فرستاده ایم ما از بهترین حقایق تاریخی به اثبات رسیده رابه تو بیان میکنیم والبته قبلاً [از این وقایع] از ناآگاهان بودی(٤)

اِذْ قَالَ يُوْسُفُ لِاَبِيْهِ يٰٓاَبَتِ اِنِّيْ رَاَيْتُ اَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَاَيْتُهُمْ لِيْ سٰجِدِيْنَ ﴿۵﴾

هنگامیکه یوسف به پدرخودگفت: ای پدرمن!براستی من [درخواب] یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم[و] آنها را برایم سجده کنان دیدم(۵)

قَالَ يٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰٓى

[پدر] گفت، ای پسر عزیزم! این

اِخۡوَتِكَ فَيَكِيۡدُوۡا لَكَ كَيۡدًا ؕ اِنَّ الشَّيۡطٰنَ لِلۡاِنۡسَانِ عَدُوٌّ مُّبِيۡنٌ ۝۶

رویاء را بر برادران خود بیان نکنی وگرنه آنان برخلاف تو نیرنگی‌زنند.یقینًا شیطان دشمنی آشکاراانسان است(۶)

وَكَذٰلِكَ يَجۡتَبِيۡكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنۡ تَاۡوِيۡلِ الۡاَحَادِيۡثِ وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهٗ عَلَيۡكَ وَعَلٰٓى اٰلِ يَعۡقُوۡبَ كَمَاۤ اَتَمَّهَا عَلٰٓى اَبَوَيۡكَ مِنۡ قَبۡلُ اِبۡرٰهِيۡمَ وَاِسۡحٰقَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ عَلِيۡمٌ حَكِيۡمٌ ۝۷

و اینگونه پروردگارت تو را برگزیند و تو را دانش ژرف اندیشی اموربیاموزدونعمت خود راتمام کند برتو و بر آل یعقوب چنانکه قبلاً آنرا برپدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرد یقینًا پروردگار تو صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۷)

لَقَدۡ كَانَ فِىۡ يُوۡسُفَ وَاِخۡوَتِهٖۤ اٰيٰتٌ لِّلسَّآئِلِيۡنَ ۝۸

یقینًادر[واقعه]یوسف وبرادرانش استفسارکنندگانرا آیتهایست(۸)

اِذۡ قَالُوۡا لَيُوۡسُفُ وَاَخُوۡهُ اَحَبُّ اِلٰٓى اَبِيۡنَا مِنَّا وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ ؕ اِنَّ اَبَانَا لَفِىۡ ضَلٰلٍ مُّبِيۡنِۚ ۝۹

چون گفتند که یوسف و برادرش پدرما را عزیزترازماانده حالانکه ماگروهی نیرومندتریم. حتمًا پدر ما در اشتباهی آشکار است(۹)

اقۡتُلُوۡا يُوۡسُفَ اَوِ اطۡرَحُوۡهُ اَرۡضًا يَّخۡلُ لَـكُمۡ وَجۡهُ اَبِيۡكُمۡ وَتَكُوۡنُوۡا مِنۡۢ بَعۡدِهٖ

یوسف رابکشید یااوراجای‌دیگر بیفکنید.[اینگونه] توجه پدرتان صرفًا برایشما میماند و ازآن پس

| | |
|---|---|
| قَوْمًا صٰلِحِيْنَ ⑩ | گروهی نیکوکاران بشوید(۱۰) |
| قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوْا يُوْسُفَ وَاَلْقُوْهُ فِيْ غَيٰبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِيْنَ ⑪ | گویندهٔ از آنها گفت یوسف را نکشید، بلکه او را درقعرچاه در جوارچراگاه بیفکنید.او رابرخی از کاروانیان برمیدارد اگر شما کنندگانید[اینطورکنید] (۱۱) |
| قَالُوْا يٰۤاَبَانَا مَا لَكَ لَا تَاْمَنَّا عَلٰى يُوْسُفَ وَاِنَّا لَهٗ لَنٰصِحُوْنَ ⑫ | گفتند، ای پدرما!چیست تو را که جهت یوسف مارا باور نمیکنی حالانکه ما برای او خیرخواهان هستیم(۱۲) |
| اَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَّرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ ⑬ | فردا او رابامابفرست تا باخوشی وفراخی بخورد وبیآشامد و بازی کند حالیکه یقینًا ما برای او نگه بانان ایم(۱۳) |
| قَالَ اِنِّيْ لَيَحْزُنُنِيْۤ اَنْ تَذْهَبُوْا بِهٖ وَاَخَافُ اَنْ يَّاْكُلَهُ الذِّئْبُ وَاَنْتُمْ عَنْهُ غٰفِلُوْنَ ⑭ | اوگفت، یقینًا این امر مرا بفکر میفکند که شمااوراببریدومیترسم مبادااو را گرگیبخورد درحالیکه شمااز اوغفلتکاران باشید(۱٤) |
| قَالُوْا لَئِنْ اَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّاۤ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ⑮ | گفتند.اگر او را گرگی بخورد در حالیکه ما گروهی نیرومندتریم یقینًاماآنگاه زیانمندان ایم(۱۵) |

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ ۚ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾

پس هنگامیکه او رابردند وبراین امر متفق شدندکه اورا درقعرچاه درجوار چراگاه بیفکنند آنگاه به سوی‌اووحی فرستادیم که[روزی] حتمًاآنها را ازین کردارشان آگاه سازی‌حالیکه آنان درك نخواهند کرد[که توچه کس هستی](١٦)

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾

و شبگاه گریه کنان نزد پدر خود آمدند(١٧)

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ ۖ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٧﴾

گفتند.ای پدرمان! براستی ما بهم مسابقه کرده بدور رفتیم ویوسف را نزد اثاث خودگذاردیم پس او راگرگی‌خورد و نیستی تو مارا باور کننده ولو ما راستگویان باشیم(١٨)

وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۚ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

و برپیراهن او خونی جعل کرده آوردند.[پدر]گفت بلکه نفسهایتان این امرسنگین را برایشماآسان ومعمولی‌ساخته است. پس[چه می توانم کنم جز]صبری‌نیکو و خدا است [که از او] یاری خواسته

وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ ۖ قَالَ يَٰبُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٌ ۚ وَأَسَرُّوهُ بِضَٰعَةً ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

[شود] برآنچه بیان میکنید(۱۹)
وکاروانی آمد پس سقّای خود را فرستادند.پس او دلوخود را فرو نهاد. او بانگ زد. مژده باد این پسری است و او را جهت مال تجاری‌پنهان کردندوخدا آگاه بود به آنچه میکردند(۲۰)

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ دَرَٰهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ ﴿٢١﴾

و او را ببهائی ناچیز به چند درهمها فروختند وجهت آن بی آز بودند(۲۱)

وَقَالَ ٱلَّذِى ٱشْتَرَىٰهُ مِن مِّصْرَ لِٱمْرَأَتِهِۦٓ أَكْرِمِى مَثْوَىٰهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا ۚ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ ۚ وَٱللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمْرِهِۦ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

وآنکس که او را در مصرخرید به زن خودگفت:او رامنزلی آبرومند بده.ممکن است ماراسودمند باشد یا ما او را فرزندی بگیریم و اینگونه یوسف را در زمین جای دادیم و[اینطورشد]تا او را دانش ژرف اندیشی ازامور بیآموزیم و خدا بر فرمان خود غالب است اما اکثر مردم فهم نمیکنند(۲۲)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣﴾

وچون به عمرتوانائی‌خودرسیدما او راحکمت ودانش اعطاکردیم و

مزدمحسنان اینگونه میدهیم(۲۳)

وَرَاوَدَتۡهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيۡتِهَا عَن نَّفۡسِهِۦ وَغَلَّقَتِ الۡأَبۡوَابَ وَقَالَتۡ هَيۡتَ لَكَ ۚ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ ۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَايَ ۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ الظَّٰلِمُونَ ﴿٢٤﴾

وآنزنکه اودرخانه اش بود او را برخلاف میلش بکام خودخواست و درها رابست وگفت بسویم بیآ. اوگفت.پناه برخدا.همانا پروردگار من اواست که جای‌باش مرا نیکو ساخت و یقینًا ستمکاران موفق نمی شوند(۲٤)

وَلَقَدۡ هَمَّتۡ بِهِۦ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوۡلَآ أَن رَّءَا بُرۡهَٰنَ رَبِّهِۦ ۚ كَذَٰلِكَ لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ السُّوٓءَ وَالۡفَحۡشَآءَ ۚ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا الۡمُخۡلَصِينَ ﴿٢٥﴾

و یقینًا آنزن برای او قصدکرد و یوسف نیز آنزن را قصد میکرد اگر ازپروردگارخود دلیلی قاطع را مشاهده نکرده بود. این بود تا مازشتی و فحشائی را از او دور داشته باشیم.یقینًا او از بندگان مخلصان ما بود(۲۵)++

++آیت۲۵: هَمَّ بِهَا را این معنای نیست که حضرت یوسف نیز به بدی آهنگ کرده بودند بلکه این کلمات راباید باکلمات "لولا ان رّابرهان ربه " بهم خواند تامعلوم گردد که مفهوم اصلی اینست که یوسف هم ببدی متمایل میشد اگر او قبل از این برهان خدای‌را ندیده بود. وبرهان حاکی از چنین برهان نیست که ایشان درعین آن حال مشاهده کرده باشند بطوریکه شماری از مفسران نقل کرده اند بلکه همان دم کودکی حضرت یوسف را براهین خدائی نشان داده شدند و پس از آن متمایل بودن ایشان به بدی خارج از موضوع و امکان بود.

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَّاَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ط قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ سُوْٓءًا اِلَّآ اَنْ يُّسْجَنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۲۶﴾

وهردوی‌بسوی درب شتافتند و آن زن پیراهن اورا ازپشت [کشیده] پاره کرد وآندوآقای آنزن را نزد درب یافتند. آن زن گفت:آنکه به اهل خانه تو بدی را قصد کند مجازات اوچیست جزاینکه شود زندانی یا عذابی دردناك(۲٦)

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِيْ عَنْ نَّفْسِيْ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ اَهْلِهَا ج اِنْ كَانَ قَمِيْصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿۲۷﴾

اوگفت:خودشست که به لغزاندن من از نفس خودم کوشیده بود و از اهل خانه آنزن یك گواه این گواهی داد که اگر پیراهنش از پیش پاره شده است آنگاه آنزن راست گفت و او از دروغگویان است(۲۷)

وَاِنْ كَانَ قَمِيْصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۲۸﴾

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده باشد آنگاه آنزن دروغ گفت و او از راستگویانست(۲۸)

فَلَمَّا رَاٰ قَمِيْصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ اِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ ط اِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيْمٌ ﴿۲۹﴾

پس هنگامیکه اوپیراهنش را از پشت پاره شده دیدگفت:یقیناً این خدعه ازخدعه های شمازنانست. البته خدعه شمازنان بسیار بزرگ

است(۲۹)

يُوسُفُ اَعۡرِضۡ عَنۡ هٰذَا ۜ وَاسۡتَغۡفِرِىۡ لِذَنۡۢبِكِ ۖ ۚ اِنَّكِ كُنۡتِ مِنَ الۡخٰطِـِٕيۡنَ ﴿۳۰﴾ ع

یوسف!ازاین امراعراض کن و [ای‌زن!]توگناهان خود رااستغفار بطلب.حتمًاتوازخطاکارانی(۳۰)

وَقَالَ نِسۡوَةٌ فِى الۡمَدِيۡنَةِ امۡرَاَتُ الۡعَزِيۡزِ تُرَاوِدُ فَتٰهَا عَنۡ نَّفۡسِهٖ ۚ قَدۡ شَغَفَهَا حُبًّا ؕ اِنَّا لَـنَرٰٮهَا فِىۡ ضَلٰلٍ مُّبِيۡنٍ ﴿۳۱﴾

و زنان شهر گفتند که زن سردار غلام خود را برخلاف میل او جهت نفسش میلغزاند.او[یوسف] ازروی محبت دل آنزن راشیفته کرده است. یقینًا ما آنزن را در گمراهی آشکار میبینیم(۳۱)

فَلَمَّا سَمِعَتۡ بِمَكۡرِهِنَّ اَرۡسَلَتۡ اِلَيۡهِنَّ وَاَعۡتَدَتۡ لَهُنَّ مُتَّكَاً وَّاٰتَتۡ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنۡهُنَّ سِكِّيۡنًا وَّقَالَتِ اخۡرُجۡ عَلَيۡهِنَّ ۚ فَلَمَّا رَاَيۡنَهٗۤ اَكۡبَرۡنَهٗ وَقَطَّعۡنَ اَيۡدِيَهُنَّ وَقُلۡنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا بَشَرًا ؕ اِنۡ هٰذَاۤ اِلَّا مَلَكٌ كَرِيۡمٌ ﴿۳۲﴾

چون آنزن به نیرنگهای آنزنان شنیدآنهارا دعوت کرد و برای ایشان پشتیها مهیا کرد و به هر کدام آنها کارد داد و[به یوسف] گفت روبروی آنها برو. پس چون آنها اورا دیدند او را بسیارعالی مرتبه یافتندودستهای‌خود را قطع کردندوگفتندکه پاکست خدا. این بشرنیست.این نیست مگر فرشتهٔ معزز(۳۲)++

++آیت۳۲: "قطعن ایدیهن" رااین معنای نیست که آن زنان مستغرق در [ص#۵۳۵]

قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ الَّذِیْ لُمْتُنَّنِیْ فِیْهِ ؕ وَلَقَدْ رَاوَدْتُّهٗ عَنْ نَّفْسِهٖ فَاسْتَعْصَمَ ؕ وَلَئِنْ لَّمْ یَفْعَلْ مَاۤ اٰمُرُهٗ لَیُسْجَنَنَّ وَلَیَكُوْنًا مِّنَ الصّٰغِرِیْنَ ﴿۳۲﴾

آنزن گفت:این آنکس است که جهت اومراملامت میکردید. یقینًا من بلغزاندن او ازنفسش کوشش کرده بودم اماا‌و نجات یافت و البته اگر نکند آنچه من او را فرمانکنم حتمًا او زندانی گردد و حتماً از جمله فرو مایگان خواهد شد(۳۲)

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَیَّ مِمَّا یَدْعُوْنَنِیْۤ اِلَیْهِ ۚ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّیْ كَیْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَیْهِنَّ وَاَكُنْ مِّنَ الْجٰهِلِیْنَ ﴿۳۴﴾

اوگفت.ای پروردگار من! زندان برایم محبوبترازآنست که بسوی آن مرا میخوانند واگرنیرنگ آنها ازمن دورنکنی‌من بسوی آنها میل کرده وازجاهلان خواهم شد(۳٤)

فَاسْتَجَابَ لَهٗ رَبُّهٗ فَصَرَفَ عَنْهُ كَیْدَهُنَّ ؕ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ﴿۳۵﴾

پس پروردگارش دعای او را مستجاب کرد و نیرنگ آنهارا از اوبرگرداند. یقینًااو بسیارشنوا صاحب علم دائمی‌است(۳۵)

ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَاَوُا الْاٰیٰتِ

بعدها آنچه علامات را دیدندکه بر

---

بقیه آیت۳۲:خوشگلی حضرت یوسف بردستان خود چاقو راندند بلکه این عبارت را بکی دیگر مفهوم اینست که آنان او را از دسترس خود بالاتر یافتند و واژه های"اکبرنه" هم همین موضوع را تایید میکنند.

لَيَسۡجُنُنَّهٗ حَتّٰى حِيۡنٍ۝٣٦

ایشان پدیدآمد که باید او را تا زمانی زندانی کنند(٣٦)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجۡنَ فَتَيٰنِ ؕ قَالَ اَحَدُهُمَاۤ اِنِّىۡۤ اَرٰٮنِىۡۤ اَعۡصِرُ خَمۡرًا ۚ وَقَالَ الۡاٰخَرُ اِنِّىۡۤ اَرٰٮنِىۡۤ اَحۡمِلُ فَوۡقَ رَاۡسِىۡ خُبۡزًا تَاۡكُلُ الطَّيۡرُ مِنۡهُ ؕ نَبِّئۡنَا بِتَاۡوِيۡلِهٖ ۚ اِنَّا نَرٰٮكَ مِنَ الۡمُحۡسِنِيۡنَ۝٣٧

و با او دو جوان نیز وارد زندان شدند.یکی از آندو گفت. براستی من خودمرا[بخواب]دیدم که جهت شراب می فشارم و دیگری گفت براستی من خودم را[درخواب] دیدم که برسرم نانهائی برداشته ام که ازآن پرندگان میخورند. ما را ازتعبیرآنها مطلع ساز.یقیناًما توراز محسنان میبینیم(٣٧)

قَالَ لَا يَاۡتِيۡكُمَا طَعَامٌ تُرۡزَقٰنِهٖۤ اِلَّا نَبَّاۡتُكُمَا بِتَاۡوِيۡلِهٖ قَبۡلَ اَنۡ يَّاۡتِيَكُمَا ؕ ذٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِىۡ رَبِّىۡ ؕ اِنِّىۡ تَرَكۡتُ مِلَّةَ قَوۡمٍ لَّا يُؤۡمِنُوۡنَ بِاللّٰهِ وَهُمۡ بِالۡاٰخِرَةِ هُمۡ كٰفِرُوۡنَ۝٣٨

او گفت که بشما طعامی که بشما داده میشودنمیرسد مگرمن پیش ازرسیدن آن نزد شما دوی تعبیر آنهارا برای شما دوی‌بیان میکنم. این [تعبیر] از آن [علم] است که پروردگارم مرا آموخته است یقیناً من مسلك آن قوم را ترك کرده ام که به خدا ایمان نمی آوردند و آنان آخرت را انکار میکردند(٣٨)

وَاتَّبَعۡتُ مِلَّةَ اٰبَآءِیۡۤ اِبۡرٰهِیۡمَ وَاِسۡحٰقَ وَیَعۡقُوۡبَ ؕ مَا كَانَ لَنَاۤ اَنۡ نُّشۡرِكَ بِاللّٰهِ مِنۡ شَیۡءٍ ؕ ذٰلِكَ مِنۡ فَضۡلِ اللّٰهِ عَلَیۡنَا وَعَلَی النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكۡثَرَ النَّاسِ لَا یَشۡكُرُوۡنَ ﴿۳۹﴾

و من ازپی دین پدران خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب رفته ام و مارا ممکن نبود که چیزی را به خدا شریك قرارمیدادیم. این از فضل خدابود که او بر ما و بر مردم [مومنان]کرد اما اکثر مردم سپاس نمیگویند(۳۹)

یٰصَاحِبَیِ السِّجۡنِ ءَاَرۡبَابٌ مُّتَفَرِّقُوۡنَ خَیۡرٌ اَمِ اللّٰهُ الۡوَاحِدُ الۡقَهَّارُ ؕ﴿۴۰﴾

او گفت ای دو رفیق زندانم ! آیا خدایانی مختلف بهترند یا خدای یکتا صاحب جبروت(۴۰)

مَا تَعۡبُدُوۡنَ مِنۡ دُوۡنِهٖۤ اِلَّاۤ اَسۡمَآءً سَمَّیۡتُمُوۡهَاۤ اَنۡتُمۡ وَاٰبَآؤُكُمۡ مَّاۤ اَنۡزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنۡ سُلۡطٰنٍ ؕ اِنِ الۡحُكۡمُ اِلَّا لِلّٰهِ ؕ اَمَرَ اَلَّا تَعۡبُدُوۡۤا اِلَّاۤ اِیَّاهُ ؕ ذٰلِكَ الدِّیۡنُ الۡقَیِّمُ وَلٰكِنَّ اَكۡثَرَ النَّاسِ لَا یَعۡلَمُوۡنَ ﴿۴۱﴾

گذشته از او بچیزی عبادت نمی کنید مگرآن نامهای را که شما و پدران شما[برای‌خدایان دروغین] نامگذاری‌کرده اند. خدا در تائید آنهاهیچ دلیلی‌استوارنازل نکرده است. حکم کردن تنها ازآن خدا است.او امر کرده است که جز خاص او کسی را عبادت نکنید. اینست دین قائم و قائم کننده اما اکثرمردم نمیدانند(۴۱)

یٰصَاحِبَیِ السِّجۡنِ اَمَّاۤ اَحَدُكُمَا فَیَسۡقِیۡ

ای‌دورفیق زندانم!یکی‌ازشما دوی

رَبَّهٗ خَمۡرًا ۚ وَاَمَّا الۡاٰخَرُ فَيُصۡلَبُ فَتَاۡكُلُ الطَّيۡرُ مِنۡ رَّاۡسِهٖ ؕ قُضِىَ الۡاَمۡرُ الَّذِىۡ فِيۡهِ تَسۡتَفۡتِيٰنِ ﴿۴۲﴾

به آقای خود شراب بنوشاند و اما دیگری بدار کشیده شود و پرندگان از سرش [پنجول زده] بخورند. آن امر که جهت آن استفهام می کردید گذرانیده شد(۴۲)

وَقَالَ لِلَّذِىۡ ظَنَّ اَنَّهٗ نَاجٍ مِّنۡهُمَا اذۡكُرۡنِىۡ عِنۡدَ رَبِّكَ ۖ فَاَنۡسٰهُ الشَّيۡطٰنُ ذِكۡرَ رَبِّهٖ فَلَبِثَ فِى السِّجۡنِ بِضۡعَ سِنِيۡنَ ﴿۴۳﴾

و او به آنکس که برای او از آن دوی گمان میرفت که نجات خواهد یافت گفت که نزد آقای خود از من ذکر کن. اما شیطان او را فراموش ساخت که به آقای خود ذکر میکرد. پس او چند سال در زندان ماند(۴۳)

وَقَالَ الۡمَلِكُ اِنِّىۡۤ اَرٰى سَبۡعَ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ يَّاۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٌ وَّسَبۡعَ سُنۡۢبُلٰتٍ خُضۡرٍ وَّاُخَرَ يٰبِسٰتٍ ؕ يٰۤاَيُّهَا الۡمَلَاُ اَفۡتُوۡنِىۡ فِىۡ رُءۡيَاىَ اِنۡ كُنۡتُمۡ لِلرُّءۡيَا تَعۡبُرُوۡنَ ﴿۴۴﴾

و پادشاه گفت. براستی من [در خواب] هفت گاؤ فربه می بینم که هفت تا لاغر آنهارا میخورند و هفت خوشه سرسبز می بینم و دیگر برخی خشك نیز است. ای سرداران! مرا ازتعبیر این خوابم حالی کنید اگر شما خوابها را تعبیر میکنید(۴۴)

قَالُوۡۤا اَضۡغَاثُ اَحۡلَامٍ ۚ وَمَا نَحۡنُ

آنان گفتند. این خوابهای پراگنده

بِتَاْوِيْلِ الْاَحْلَامِ بِعٰلِمِيْنَ ﴿٤٥﴾

وبی‌اساس است ومااز تعبیر خواب های پراگنده و بی اساس دانشی نداریم(٤٥)

وَقَالَ الَّذِيْ نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ اُمَّةٍ اَنَا اُنَبِّئُكُمْ بِتَاْوِيْلِهٖ فَاَرْسِلُوْنِ ﴿٤٦﴾

آنگاه آنکس که از آندو رهائی یافته بود و پس از مدت مدیده بیادش آمد گفت. من شما را به تعبیر آن آگاه میسازم. پس مرا [بسوی یوسف]بفرستید(٤٦)

يُوْسُفُ اَيُّهَا الصِّدِّيْقُ اَفْتِنَا فِيْ سَبْعِ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ يَّاْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَّسَبْعِ سُنْۢبُلٰتٍ خُضْرٍ وَّاُخَرَ يٰبِسٰتٍ ۙ لَّعَلِّيْ اَرْجِعُ اِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿٤٧﴾

یوسف ای‌درستکار‌امارا درمورد هفت گاؤفربه که آنهارا هفت لاغر میخورند و هفت خوشه سرسبز و دیگرخشك حالی کن تامن بسوی مردم برگردم و تا باشد که آنها [تعبیرآن را] بدانند(٤٧)

قَالَ تَزْرَعُوْنَ سَبْعَ سِنِيْنَ دَاَبًا ۚ فَمَا حَصَدْتُّمْ فَذَرُوْهُ فِيْ سُنْۢبُلِهٖٓ اِلَّا قَلِيْلًا مِّمَّا تَاْكُلُوْنَ ﴿٤٨﴾

اوگفت. شما هفت سال متوالی کشت میکنید.پس آنچه دروکنید را درخوشه ها بگذارید جز اندك که آنراخواهید خورد(٤٨)

ثُمَّ يَاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَّاْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ اِلَّا قَلِيْلًا مِّمَّا

سپس ازآن بعدشمارا هفت [سال] بسیارسخت آیدکه همه آنچه برای آنهاپیش فرستادید رابخورند جز

تُحۡصِنُوۡنَ ﴿۴۹﴾

آن اندك که[برای کشتن آینده] نگاه خواهید داشت(۴۹)

ثُمَّ يَأۡتِىۡ مِنۡۢ بَعۡدِ ذٰلِكَ عَامٌ فِيۡهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيۡهِ يَعۡصِرُوۡنَ ﴿۵۰﴾

سپس ازآن بعدسالی آید که درآن مردم خیلی‌سیراب کرده شوند و درآن آب میوه بفشرند(۵۰)

وَقَالَ الۡمَلِكُ ائۡتُوۡنِىۡ بِهٖ‌ ۚ فَلَمَّا جَآءَهُ الرَّسُوۡلُ قَالَ ارۡجِعۡ اِلٰى رَبِّكَ فَسۡـَٔلۡهُ مَا بَالُ النِّسۡوَةِ الّٰتِىۡ قَطَّعۡنَ اَيۡدِيَهُنَّ‌ ؕ اِنَّ رَبِّىۡ بِكَيۡدِهِنَّ عَلِيۡمٌ ﴿۵۱﴾

وپادشاه گفت.او را نزدم بیآرید. اماچون فرستاده نزد او آمد او گفت. توبسوی آقای‌خود برگرد و از او بپرس که قصهٔ آنزنهاچه بود که دستهای‌خودراقطع کرده بودند یقینًا پروردگارم از خدعه آنها به خوبی آگاه بود(۵۱)

قَالَ مَا خَطۡبُكُنَّ اِذۡ رَاوَدۡتُّنَّ يُوۡسُفَ عَنۡ نَّفۡسِهٖ‌ ؕ قُلۡنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا عَلِمۡنَا عَلَيۡهِ مِنۡ سُوۡٓءٍ‌ ؕ قَالَتِ امۡرَاَتُ الۡعَزِيۡزِ الۡـٰٔنَ حَصۡحَصَ الۡحَـقُّ اَنَا رَاوَدْتُّهٗ عَنۡ نَّفۡسِهٖ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الصّٰدِقِيۡنَ ﴿۵۲﴾

او[پادشاه پرسید.[ای زنان !] بگویید کارشماچه بود چون شما خواستید که یوسف راجهت نفس او بلغزانید. آنها گفتند:پاك است خدا.ماراازهیچ بدی برخلاف او آگهی نیست.زن عزیزگفت: اکنون چون حق پدید آمده است من [اقرارمینمایم که] تنها من او را جهت نفس اولغزانده بودم و البته

ذٰلِكَ لِيَعۡلَمَ اَنِّيۡ لَمۡ اَخُنۡهُ بِالۡغَيۡبِ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يَهۡدِيۡ كَيۡدَ الۡخَآئِنِيۡنَ ﴿۵۳﴾

اوبیگمان ازصادقان بود(۵۲)
این است تا او [پادشاه] بداند که من او را درغیب خیانتی نکردم ویقیناًخدا نیرنگ خیانتکاران را به هدف نمیرساند(۵۳)

وَمَآ أُبَرِّئُ نَفْسِيٓ ۚ إِنَّ ٱلنَّفْسَ لَأَمَّارَةٌۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيٓ ۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٤﴾

و مبرا قرارندهم نفس خودم را یقینًا نفس ببدی بسیارامر کننده است جزآنکه راپروردگارم ترحم کند. یقینًاپروردگار من آمرزندۀ بارها رحم کننده است(٥٤)

وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِي بِهِۦٓ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي ۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٥﴾

و پادشاه گفت، او را نزد من بیارید. من او را برای خودم برمیگزینم. پس چون او به او گفتگو کردگفت،یقیناًتو از امروز نزدما صاحب رتبه قابل اعتماد هستی(٥٥)

قَالَ ٱجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلْأَرْضِ ۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٦﴾

او گفت، مرا بر دارائی کشور بگمارید. یقینًا من نیك نگهبان، دانشمند هستم(٥٦)

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَآءُ ۚ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَآءُ ۖ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٥٧﴾

واینگونه یوسف رادرکشور رتبه دادیم.او در آن هرجا میل داشت رحل اقامت میافکند. ما رحمت خویش را به هرکه خواهیم می رسانیم وپاداش محسنان راضائع نمیدهیم(٥٧)

وَلَأَجْرُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

والبته پاداش آخرت نیکوتراست

وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۵۸﴾ ع ۷ ۸

برای آنانکه ایمان آوردند و تقوی را اختیار کردند(۵۸)

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ﴿۵۹﴾

و برادران یوسف آمدند پس بر او وارد شدند.آنگاه او آنان را شناخت در حالیکه آنان از او ناشناسان ماندند(۵۹)

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ ۚ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿۶۰﴾

و چون آنها را با اثاث آنها آماده کردگفت شماراازپدرتان برادری است او را نزدمن بیآرید.آیا نه دیدید که من کیل را تمام میدهم و من بهترین میزبانانم(۶۰)

فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿۶۱﴾

پس اگر او را نزدم نیآرید آن گاه برای شما نزدم کیلی نیست ونزدیکم نیآیید(۶۱)

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿۶۲﴾

آنهاگفتند.حتمًا جهت او بپدرش گریز زنیم و البته ما [هرچه خواهیم] انجام دهندگانیم (۶۲)

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۶۳﴾

وخدمتکاران خودراگفت سرمایهٔ آنان [که پرداخته اند]را در بار های ایشان بنهید تاوقتیکه بسوی خانواده خود بازگردند از این

امر قدردانی کنند تا باشدکه آنها برگردند(٦٣)

فَلَمَّا رَجَعُوٓا اِلٰٓى اَبِيهِمْ قَالُوا يٰٓاَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَاَرْسِلْ مَعَنَآ اَخَانَا نَكْتَلْ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُونَ ﴿٦٤﴾

پس چون بسوی پدرخودبرگشتند گفتند.ای پدرما! کیل از ما منع کرده شد. پس برادر مارا با ما بفرست تا کیل بدست آریم و یقینًا مانگهدارندگان اوئیم(٦٤)

قَالَ هَلْ اٰمَنُكُمْ عَلَيْهِ اِلَّا كَمَآ اَمِنْتُكُمْ عَلٰٓى اَخِيهِ مِنْ قَبْلُ ۖ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حٰفِظًا ۖ وَّهُوَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِينَ ﴿٦٥﴾

اوگفت.آیاجهت اوشمارا باورکنم جز آنگونهٔ که قبلًا جهت برادرش شمارا باور کرده بودم. پس تنها خدا بهترین نگهدارنده است و او ترحم کنندهٔ بالاترین ترحم کنندگان است(٦٥)

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ اِلَيْهِمْ ۖ قَالُوا يٰٓاَبَانَا مَا نَبْغِىْ ۖ هٰذِهٖ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ اِلَيْنَا ۚ وَنَمِيرُ اَهْلَنَا وَنَحْفَظُ اَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ۖ ذٰلِكَ كَيْلٌ يَّسِيرٌ ﴿٦٦﴾

و چون آنها بار خود را باز کردند یافتند که سرمایه ایشان بسویشان پس داده شده است. گفتند.ای پدر ما! [دیگر]چه می خواهیم اینست راس المال ماکه بماپس داده شده است. مابرای خانواده خودغله آورده وازبرادر خود نگهداری کرده و کیل به

بار شتری اضافه خواهیم آورد. این کیلی آسان است(٦٦)

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ ۖ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٧﴾

اوگفت،هرگز من او را با شما نه فرستم تاشمابمن عهدخدائی محکم ندهیدکه حتمًااو را نزد من [باز] میآرید مگر که شما فرا گرفته شوید. پس چون آنها به او عهد محکم خوددادنداوگفت،خداوکیل است بر آنچه ما می گوئیم(٦٧)

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ ۖ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٨﴾

وگفت:ای پسران!از یك در وارد نشوید بلکه از درهای متفاوت وارد شوید و نیستم من که شما را از[تقدیر]خدا هیچ هم بی نیاز سازم. فرمان فقط ازآن خدا است بر او توکل میکنم و پس باید همه توکل کنندگان بر او توکل کنند(٦٨)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۚ وَإِنَّهُ

و چون آنان از آنجا که پدر آنان فرمان کرده بود وارد شدند نبود اوکه آنانرا از [تقدیر] خدا هیچ بی‌نیازمیساخت جز اینکه آرزوی

لَذُوْ عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنٰهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٦٩﴾

و یقیناًاوصاحب دانش بود چه ما او را خوب آموخته بودیم اما بیشتر مردم نمیدانند(۶۹)

وَلَمَّا دَخَلُوْا عَلٰى يُوْسُفَ اٰوٰۤى اِلَيْهِ اَخَاهُ قَالَ اِنِّيْۤ اَنَا اَخُوْكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٧٠﴾

و چون بر یوسف وارد شدند او برادرخود را نزد خود جای داده گفت یقیناًمن برادرتوام.پس غم نخوربه آنچه میکرده اند(۷۰)

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِيْ رَحْلِ اَخِيْهِ ثُمَّ اَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَيَّتُهَا الْعِيْرُ اِنَّكُمْ لَسٰرِقُوْنَ ﴿٧١﴾

پس چون آنانرابابارایشان آماده کردآبخوررا[بی‌خواست]در رحل برادرخودنهاد.پس جارچی‌جارزد ای‌کاروانیان! یقیناً شما دزدان اید(۷۱)

قَالُوْا وَاَقْبَلُوْا عَلَيْهِمْ مَّاذَا تَفْقِدُوْنَ ﴿٧٢﴾

آنان بسوی ایشان روی کرده گفتند، شما چه گم میبابید(۷۲)

قَالُوْا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَآءَ بِهٖ حِمْلُ بَعِيْرٍ وَّاَنَا بِهٖ زَعِيْمٌ ﴿٧٣﴾

گفتند،پیمانهٔ کیل پادشاه را گم میابیم و هرکه آنرا بیآرد او را [غله]ببارشتری‌داده شود و من به آن ضامن ام(۷۳)++

++آیت۷۳:نهادن پیمانه در رحل قصداً نبود و الا اگر این تدبیر از حضرت یوسف بود خدا نمیگفت که او اینرا برای یوسف تدبیر کرد.

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْاَرْضِ وَمَا كُنَّا سٰرِقِينَ ﴿٧٤﴾

گفتند: سوگند به خدا میدانید که نیآمده ایم تا در زمین فساد کنیم و هرگز ما دزدنیستیم(۷٤)

قَالُوا فَمَا جَزَآؤُهٗٓ اِنْ كُنْتُمْ كٰذِبِينَ ﴿٧٥﴾

گفتند:پس عوض آن چیست اگر دروغگو باشید؟(۷۵)

قَالُوا جَزَآؤُهٗ مَنْ وُّجِدَ فِي رَحْلِهٖ فَهُوَ جَزَآؤُهٗ ؕ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ ﴿٧٦﴾

گفتند،عِوض آن او است که در رحلش آن[پیمانه]یافت شود ستم کارانرا پاداش اینطوردهیم(۷٦)

فَبَدَاَ بِاَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ اَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِّعَآءِ اَخِيهِ ؕ كَذٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ؕ مَا كَانَ لِيَاْخُذَ اَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ؕ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مَّنْ نَّشَآءُ ؕ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

پس[جارچی]پیش از باربرادرش ازبارهای‌آنها[بازرسی]آغازیدوآن [پیمانه]را ازباربرادرش درآورد. اینطور ما برای یوسف تدبیر کردیم. او را غیرممکن بود که برادرخود را درحکمرانی پادشاه نگهدارد مگرکه خداخواهد. هرکه را خواهیم به مراتب بلندتر می رسانیم وبالاتر هرکدام اهل علم یك صاحب علم است(۷۷)

قَالُوٓا اِنْ يَّسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ اَخٌ لَّهٗ مِنْ قَبْلُ ۚ فَاَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهٖ وَلَمْ

گفتند. اگر او سرقتی کرده است پس یك برادرش نیزپیش از این سرقتی کرده بود. آنگاه یوسف

يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٨﴾

آنرا در دل خود فروبرد و آنرا برآنها ابراز نکرده [در دل خود] گفت، شما بدتر اید از روی رتبه و خدا داناتر است به آنچه شما شرح میدهید(۷۸)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٩﴾

گفتند،ای صاحب اختیارابراستی پدرش خیلی پیراست. پس بجای او یکی از مارا بگیری. یقینًا ما تو را از محسنان می بینیم(۷۹)

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ ﴿٨٠﴾

او گفت من ازاین امر به خداپناه می برم که یکی را بگیرم بجای آنکه نزدش متاع خود را یافته ایم. آنگاه یقینًا ما از ستمکاران ایم(۸۰)

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۖ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ ۖ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨١﴾

پس چون آنهاازاو نومید شدند برای‌مشورت یکسو شدند.بزرگتر آنها گفت که آیانمیدانید که پدرتان ازشما عهدی موثق خدائی گرفته بود و پیش ازینهم درباره یوسف زیاده روی کرده اید پس هرگز این سرزمین را ترک نکنم

تا پدرم بمن فرمان دهد یا خدا تکلیفم را روشن سازد و او بهترین حکم کنندگان است(۸۱)

ارْجِعُوٓا اِلٰٓى اَبِيْكُمْ فَقُوْلُوْا يٰٓاَبَانَآ اِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ ۚ وَمَا شَهِدْنَآ اِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حٰفِظِيْنَ ﴿۸۲﴾

بسوی پدرتان بازگردیدوبگویید ای پدرما! پسر تو سرقتی کرده است و گواهی ندهیم جز آنچه بما دانشی است و هرگز ما بر غیب نگهبانان نیستیم(۸۲)

وَسْئَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِيْ كُنَّا فِيْهَا وَالْعِيْرَ الَّتِيْٓ اَقْبَلْنَا فِيْهَا ۭ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿۸۳﴾

وبپرس از [اهل] آن قریه که در آن بودیم و از آن کاروان که درآن ما آمده ایم ویقینًاما راست گویانیم(۸۳)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ۭ فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ ۭ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّاْتِيَنِيْ بِهِمْ جَمِيْعًا ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿۸۴﴾

او گفت[نخیر] بلکه نفسهایتان کاری سنگین رابرایتان سبك و معمولی‌ساخته است.پس صبرزیبا [بایدپیش گرفت]امکان دارد که خدا ایشان همه را نزدم بیآرد. یقینًااو صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۸٤)

وَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰٓاَسَفٰى عَلٰى يُوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنٰهُ مِنَ الْحُزْنِ

وروی‌خودرااز‌آنهابرگرداندوگفت وا افسوس بریوسف و چشمانش

فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٥﴾

اشکبار شد و او نهیفتنده اندوه بود(٨٥)+

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٦﴾

آنان گفتند،سوگندبه خدا پیوسته ازیوسف یاد خواهی کرد تا آن انتها که[براثراندوه]ازپابیفتی یا ازهلاك شدگان بشوی(٨٦)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٧﴾

اوگفت،من رنج و الم خویش را تنها بحضورخدا فریادمیزنم و از خدا میدانم آنچه شماندانید(٨٧)

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٨﴾

ای پسرانم! بروید و یوسف و برادرش راتلاش کنید و ازرحمت خداونومیدنشویدومانااز رحمت نومید نشودجزقوم کافران(٨٨)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ

پس گاهیکه براوواردشدندگفتند. ای صاحب اختیار!ماوخانواده ما

+آیت٨٥:چشمان سفیدشدن رامعنا چشمان کورشدن نیست بلکه اشکبار شدن است. حضرت امام رازی نوشته اند که ابیضت عیناه کنایه به کثرت گریه است. ضمناً مینویسد عند غلبة البكاء يكثر الماء فى العين فتصير العين كانها ابيضت من بياض ذلك الماء[تفسیرکبیر رازی].

واژه کظیم نیزمویّداین مفهوم است. زیرا که این از کظم مشتق است و به معنای احساسات اندوه را تحمل کردن است.بدین علت چشمان حضرت یعقوب اشکبار شد.

مُّزۡجٰىةٍ فَاَوۡفِ لَنَا الۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَا ؕ اِنَّ اللّٰهَ يَجۡزِى الۡمُتَصَدِّقِيۡنَ ﴿۸۹﴾

را تنگحالی رسیده و با متاعی ناقابل آمده ایم. پس مارا کیلی کامل بدهی وبرما صدقه کن یقینًا خدا تصدق کنندگان را پاداش میدهد(۸۹)

قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُمۡ مَّا فَعَلۡتُمۡ بِيُوۡسُفَ وَاَخِيۡهِ اِذۡ اَنۡتُمۡ جٰهِلُوۡنَ ﴿۹۰﴾

اوگفت، آیا میدانید آنچه شما به یوسف و برادرش کردید چون شما جاهل بودید(۹۰)

قَالُوۡۤا ءَاِنَّكَ لَاَنۡتَ يُوۡسُفُ ؕ قَالَ اَنَا يُوۡسُفُ وَهٰذَاۤ اَخِىۡ قَدۡ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيۡنَا ؕ اِنَّهٗ مَنۡ يَّتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيۡعُ اَجۡرَ الۡمُحۡسِنِيۡنَ ﴿۹۱﴾

گفتند.آیا واقعًا تویوسف ای؟ او گفت،من یوسف ام و این برادرم است یقینًا خدا برمامنت نهاده است.البته هرکه تقوی‌اختیارکند و صبرکند پس یقینًا خدا پاداش محسنان راضائع نمیدهد(۹۱)

قَالُوۡا تَاللّٰهِ لَقَدۡ اٰثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيۡنَا وَاِنۡ كُنَّا لَخٰطِـِٕيۡنَ ﴿۹۲﴾

گفتند.سوگند به خدایقینًاخدا تو را بر ما فضیلت داده است و بی گمان ما خطا کاران بودیم(۹۲)

قَالَ لَا تَثۡرِيۡبَ عَلَيۡكُمُ الۡيَوۡمَ ؕ يَغۡفِرُ اللّٰهُ لَكُمۡ وَهُوَ اَرۡحَمُ الرّٰحِمِيۡنَ ﴿۹۳﴾

اوگفت امروز بر شما هیچ ملامت نیست خدا شما را بیآمرزد و او بهترین ترحم کنندگان است(۹۳)

اِذۡهَبُوۡا بِقَمِيۡصِىۡ هٰذَا فَاَلۡقُوۡهُ عَلٰى وَجۡهِ

پیراهنم رابرید و آنرا روبروی

اَبِيْ يَأْتِ بَصِيْرًا ۚ وَاْتُوْنِيْ بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٩٤﴾ ع

پدرم بنهیدکه حقیقت براوآشکار گردد و همه خانواده خود را نزد من بیآرید(۹٤)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيْرُ قَالَ اَبُوْهُمْ اِنِّيْ لَاَجِدُ رِيْحَ يُوْسُفَ لَوْلَآ اَنْ تُفَنِّدُوْنِ ﴿٩٥﴾

پس گامیکه کاروان راهی شد پدر ایشان گفت:یقیناًمن بوی یوسف می یابم خواه مرا دیوانه بگردانید(۹۵)

قَالُوْا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِيْ ضَلٰلِكَ الْقَدِيْمِ ﴿٩٦﴾

گفتند:سوگند به خدا تو مبتلا به همان اشتباه قدیمی هستی(۹٦)

فَلَمَّآ اَنْ جَآءَ الْبَشِيْرُ اَلْقٰـىهُ عَلٰى وَجْهِهٖ فَارْتَدَّ بَصِيْرًا ۚ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ ۙ اِنِّيْٓ اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٩٧﴾

پس چون مژده دهنده آمد و او آن پیراهن را روبروی او نهاد پس حقیقت برای او آشکار شد. او گفت: آیا من بشما نمی گفتم که یقیناً من از خدا آنچه میدانم که شما نمی دانید(۹۷)

قَالُوْا يٰٓاَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَآ اِنَّا كُنَّا خٰطِئِيْنَ ﴿٩٨﴾

گفتند:ای پدرما! برای ما آمرزش گناهان مابطلب یقیناً ماخطاکار بودیم(۹۸)

قَالَ سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيْ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٩٩﴾

او گفت،حتماًبرایشماازپروردگار خود آمرزش میطلبم یقیناً او آمرزگاری بارها رحم کننده

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿١٠٠﴾

است(۹۹)

پس گاهیکه بریوسف وارد شدند او والدین خویش رانزدخودجای داد و گفت، اگرخدا خواهد ایمن وارد مصر شوید(۱۰۰)

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠١﴾

و والدین خود را با عزت بر تخت نشاندو همه برای او سجده کنان فرو افتادند و او گفت:ای پدر من! این بود تعبیر رویای قبلی من. پروردگارم آنراراست گرداند و بر من بسی منت نهاد چون از زندان بیرونم آورد و شمارا از صحرا آورد پس از آنکه شیطان بمیان من و برادرانم فساداند اخته بود.یقینًاپروردگار من برای هر که خواهد لطف کننده است.یقینًا او صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۰۱)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ

ای پروردگار من! یقیناً مرا بهرهٔ از امور سلطنت دادی و مرا دانش ژرف بینی امور آموختی.

وَالْاَرْضِ اَنْتَ وَلِيّ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ تَوَفَّنِيْ مُسْلِمًا وَّاَلْحِقْنِيْ بِالصّٰلِحِيْنَ ﴿۱۰۲﴾

ای آفریدگار آسمانها و زمین! توئی دوست من در دنیا و آخرت. مرا فرمانبردار بمیران و مرا بحلقه صالحان شامل بدار(۱۰۲)

ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ اَجْمَعُوْٓا اَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُوْنَ ﴿۱۰۳﴾

این از خبرهای غیب است که ما آنرا بسوی تو وحی کنیم وتو نزد آنها نبودی چون در کار خود به توفق هم رسیدند حالیکه دسیسه میکردند(۱۰۳)

وَمَآ اَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿۱۰۴﴾

و بیشتر مردم هرچند بخواهی ایمان نخواهند آورد(۱۰٤)

وَمَا تَسْئَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۰۵﴾

و تو از آنها درقبال این[خدمت] مزدی نمیخواهی. اینکه همه جهانها را نصیحت است(۱۰۵)

وَكَاَيِّنْ مِّنْ اٰيَةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَمُرُّوْنَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُوْنَ ﴿۱۰۶﴾

و چه بسا آیتهاست درآسمانها و زمین که برآنها میگذرند حالیکه آنها اعراض کنندگانند(۱۰٦)

وَمَا يُؤْمِنُ اَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ اِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُوْنَ ﴿۱۰۷﴾

و بیشتر ایشان برخدا ایمان نمی آرند مگر دراینحال که شرك میورزند(۱۰۷)

اَفَاَمِنُوْٓا اَنْ تَاْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ

پس آیا ایمن شده اند که ازعذاب

اللهِ اَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٨﴾

خدا آنها را [رنجی] فراگیرندهٔ آید یا ناگهان آنها را ساعت [انقلاب] آید و آنها ازآن بیخبر باشند؟(۱۰۸)

قُلْ هٰذِهٖ سَبِيْلِيْٓ اَدْعُوْٓا اِلَى اللهِ عَلٰى بَصِيْرَةٍ اَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِيْ وَسُبْحٰنَ اللهِ وَمَآ اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١٠٩﴾

بگواینست راه من. من بسوی‌خدا می خوانم.من بر بصیرت هستم و آنکه از من متابعت کرد هم و خداپاك است و من از مشركان نیستم(۱۰۹)

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوْحِيْٓ اِلَيْهِمْ مِّنْ اَهْلِ الْقُرٰى اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ اتَّقَوْا اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿١١٠﴾

و پیش از تو نفرستادیم کسی از ساکنان شهرها را جز مردانی که بسوی ایشان وحی مینمودیم.آیا درزمین سیر نکرده اند تا ببینند که فرجام آنها که از پیش ایشان بودند چگونه بود و البته خانه آخرت برای ایشان بهتر است که تقوی پیش گیرند. پس آیا عقل نمیکنید؟(۱۱۰)

حَتّٰىٓ اِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوْا جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ

تا آن نهایت که چون رسولانشان [از آنها] نومید شدند و [مردم] گمان کردند که آنها دروغ گفته

نَّشَآءُ ؕ وَلَا يُرَدُّ بَاْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿۱۱۱﴾

شدند نصرت ما در رسید.پس نجات داده شد هرکه را خواستیم و عذاب ما از قوم مجرمان باز داشته نمیشود (۱۱۱)++

لَقَدْ كَانَ فِيْ قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّاُولِي الْاَلْبَابِ ؕ مَا كَانَ حَدِيْثًا يُّفْتَرٰى وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۱۱۲﴾ ع ۱۲/۶

البته در بیان وقایع تاریخی آنها اهل خرد راعبرتی بزرگ است و این یك قصهٔ بربافته نیست بلکه تصدیق میکند آنرا که پیش روی آنست و هرچیز را تفصیل میدهد و هدایت و رحمت است قومی راکه ایمان میآرند(۱۱۲)

++آیت ۱۱۱ : کُذِبُوا را معنای است که به آنان دروغ گفته شد و اینجا بدین معنی است که آنان پنداشتند که پیغمبران به آنان دروغ گفته اند حتّی چون کمك خدا به پیغمبران رسید آنمردم فهمیدند که هرچه پیغمبران گفته بودند آن درست بود.

# ۱۳ -الرعد

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ٤٤ آیت دارد.

سرآغاز این سورة بعلاوه "الٓمٓ" حرف "ر" است و "الٓمٓرٰ" را معنا است "أَنَااللهُ أَعلَمُ" یعنی منم خدا داناتر از همه و من می بینم.

در این سورة پردهٔ از چنین رازهای کاینات برداشته شده است که قبلاً آنحضرت ﷺ را بر آنها هیچ علم نبود. در این سورة به این امر نیز کنایهٔ است که آن اخبار که پیش از این بر تو بیان شد آنها نیز از سوی خدای عالم الغیب است و شور دل را در آنها جای نیست.

سخن اساسی که از رازهای کاینات در اینجا ارائه داده شد آن حقیقت ازقوهٔ جاذبه یعنیGravityاست. فرمودکه زمین و آسمان تصادفاً ازخود بر مدارخود استوار نیست بلکه بمیان تمامی اجرام فلکی یك نیرو مخفی کار میکند که شماآنرا به چشمان نمیتوانیدببینید. ناشی از این نیرو تمامی اجرام فلکی برمدارخود بطوری قراردارند که گویی بر ستونها استوار اند. زبردستان علم فلکیات نیزقوهٔ جاذبه را همین معنامیکنند. برای تفصیل دادن این موضوع اینجا محل صحبت نیست.

موضوعی دیگر که در متن این سورة است عبارت از این است که چه گونه ای خدای متعال ناشی ازآب شفاف هرچیزی از زمین را زندگی داده است. آب دریائی آنقدر شور است که از آن جانوران زمینی و نباتات بجای حاصل کردن زندگی به کام مرگ کشیده میشوند. درضمن این سورة حاکی ازنظام وفرایندی است که طبق آن آب دریائی چطورتصفیه کرده بربلندی

های کوهها برده میشود و از آنجا باریده چطور طی بازگشتش بسوی دریا، زندگی را به هر سو پخش میکند. این نظام به برق آسمانی بستگی عمیقی دارد. این برق بعلت تبخیرشدن آب دریاها صورت حاصل میکند. آب نیز بدون غرش این برق نمیتواند بصورت قطره ها بر زمین ببارد. این غرشهای برق به گاه ها چنین هولناك است که درمورد بعضیها بجای زندگی بخشیدن موجب هلاك آنها میگردد. نظر به این فرموده شد که فرشتگان هنگام غرش برقها بحضور خداوند به لرزه میفتند. خداوند پیش از این فرمود که برای محافظت هرانسان پیشرویش وپشت سرش چنین نگهبانان مامور اند که وی را فقط فراخور تقدیر خدا و فرمان او، نگهداری میکنند. این یك موضوع علمی و بسیار دقیق است که اینجا گنجایش برای شرح آنرا نه دارد. ولی هرکدام که توفیق یابد میتواند در دریای معناهای آن غوطه ور شده دانه های حکمت را درآورد.

ضمناًاین سورة عبارت از این موضوع نیزاست که ما هرچیز را جفت جفت خلق کرده ایم. اعراب تا این حد میدانستند که خرما را جفت جفت است اما نسبت به دیگر اشجار و ثمرات ایشان را هرگز دانش نبود که آنها را نیز جفت جفت است. پس این موضوع جدیدی نقل میشود. دانشمندان امروزه این موضوع را به آن ژرفا پی برده اند که طبق بیان ایشان نه فقط زنده نباتات را جفت جفت است بلکه مالیکیولز و آتمز را نیز جفت جفت یافت میشود. درمقابل ماده Matterضدماده Anti-matter رانیزجفتی است. گویی که اگر کاینات بتمام آن جمع کرده شود پس مثبت ماده اش با منفی ماده اش آمیخته معدوم شود و فلسفهٔ از نیستی به هستی آمدن نیز با کمك

آن معناها که در این آیتها پنهان است حل میشود.

مضافاً برای اتمام حجت بر دشمنان آنحضرت ﷺ دلیلی زبردست داده میشود.این دلیل دال بر اینست که چطوراین پیغمبرعظیم الشان ﷺ و یاران ایشان میتوانندمغلوب شوند درصورتی که سرزمین ایشان پهن تر و سرزمین دشمنان تنگتر میشود. سپس آنحضرت ﷺ دلجوئی کرده میشوند که خواه شما فتح عظیم الشان اسلام را بچشمان خود ببینید یا نبینید منتها دین شما را در اکناف عالم پیروزمند خواهیم ساخت.

☆ سُوْرَةُ الرَّعْدِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَّ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

الٓمّٓرٰ ۚ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ ؕ وَالَّذِيْٓ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ②

اَللّٰهُ الَّذِيْ رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ؕ كُلٌّ يَّجْرِيْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوْقِنُوْنَ ③

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(۱)

أنَا اللّٰهُ أعْلَمُ وَ أرٰى - منم خدا داناتر از همه و میبینم. این آیت ها ازکتاب کامل است و آنچه از پروردگارتوبسوی تو نازل کرده آمد حق است اما بیشتر مردم ایمان نمیآرند(۲)

خدا است آنکه آسمانها را بر افراشت بدون ستونهای که آنها رابتوانیدببینید. سپس بر عرش قرارگرفت و خورشید و ماه را برخدمت گماشت.هرکدام تا مدت معیّن حرکت میکند.او هرامر را با تدبیرانجام میدهد.او آیتها را بوضوح بیان میکند تا باشد که شما ملاقات پروردگارخود را باورکنید(۳)

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا ۖ وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ ۖ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤﴾

و اوست آنکه زمین راگسترانید و در آن کوهها و نهرهائی نهاد و در آن از هر نوع میوه ها جفت جفت قرارداد. او روز را با شب میپوشاند.یقینًا درآن آیتهایست برای قومیکه تفکر کنند(٤)

وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٥﴾

ودر زمین قطعه هایی مجاور و باغهایی‌انگوروکشتزار و درخت های خرما هم، ازیك اصل چند رسته و ازیك اصل یك رسته [که همه]از یك آب سیراب کرده شود و ما در طعم برخی را بر برخی برتری دادیم یقینًا دراین آیتهای است قومی راکه عقل کنند(۵)

وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٦﴾

و اگر تو تعجب کنی آنگاه این قول ایشان عجبتراست که آیا چون خاك شویم حتماً ما در آفرینشی جدید آیم ؟همانهاند که به پروردگارخود انکار کردند و همانهاند که درگردن های آنها طوقهاباشد وهمانها اهل آتش اند.

آنها در آن مدت دراز بمانند(٦)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلٰتُ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلٰى ظُلْمِهِمْ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ⑦

و بدی را از تو بشتاب میخواهند پیش از خوبی درحالیکه قبل از آنان مثلهای [عبرتناك] گذشته است و یقینًا پروردگار تو برای مردم باوجود ستمکاری آنها بسیار آمرزنده است و یقینًا پروردگار تو سخت عقوبت است(٧)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَآ أُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ۗ إِنَّمَآ أَنْتَ مُنْذِرٌ وَّلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ⑧

وآنانکه کفر کردند گویند، چرا نه شد که براو از پروردگارش یك نشانه هم نازلکرده میشد. نیست مگر تو یك بیم دهندهٔ هستی، و هر کدام قوم را یك رهنما است(٨)

اَللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثٰى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۗ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهٗ بِمِقْدَارٍ ⑨

خدا میداند آنچه [حمل] هر مادهٔ بردارد و آنچه رحم کم کند و آنچه میفزاید و هرچیز نزد او به اندازه ای است(٩)

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ⑩

او دانای نهان و عیان است بسیار بزرگ متعال است(١٠)

سَوَآءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهٖ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِالَّيْلِ وَسَارِبٌ

یکسانست ازشما آنکه گفتار را پنهان کرد وآنکه آنرا آشکارکرد

بِالنَّهَارِ ﴿١١﴾

و آنکه درشب پنهان شونده و در روز [علنی] رونده است(١١)

لَهُ مُعَقِّبٰتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُوْنَهُ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ ؕ وَاِذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِقَوْمٍ سُوْٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهٗ ۚ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّالٍ ﴿١٢﴾

فرشتگان شب و روزاز پیش روی‌او و ازپشت سر او ازفرمان خدا او را پاسداری میکنند حتمًا خداتغییرنمیدهد حالت قومی را تا آن نهایت که تغییر ندهند آنچه درنفسهای‌آنانست. پس چون خدا اراده کند به قومی بد فرجام را پس برایش برگشت نیست و برای آنها گذشته از او هیچ کار سازی نیست (١٢)++

هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۚ ﴿١٣﴾

اوست آنکه شمارابابیم وامیدبرق [آسمانی]نشاندهد وابرهای وزین رابالا میبرد(١٣)

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهٖ وَالْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهٖ ۚ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيْبُ بِهَا مَنْ يَّشَآءُ وَهُمْ يُجَادِلُوْنَ فِي اللّٰهِ ۚ

و تسبیح گوید بانگ ابر به ستایش او و فرشتگان نیز از ترس او و اوبرقهای‌غریده را می

آیت١٢ : مِن اَمرِاللّٰه بظاهر از روی محاوره عربی باید بِاَمرِاللّٰه باشد یعنی با امر خدا. اما این اسلوب خاص دارای دو معنی است که از امرخدا برای نگهداشتن از تقدیرخدا. امرخدا ظاهر میشود.

وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴿١٤﴾

فرستد. پس بوسیله آنها هرکه را خواهدسختی میرساند درحالیکه آنها جهت خدا جدال کنند و او سخت عقوبت است(۱٤)

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿١٥﴾

ودعای راستین ازاوکرده میشود وآنان را که گذشته از خدا می خوانندبرایشان هیچهم استجابت نکنندجزاینکه آنهامانند کسی اند که دو دست خود را بسوی آب درازکند تاآن بدهنش برسد حالی که آن به او رسندهٔ نیست و دعای کافران نیست جز در گمراهی سرگردانی(۱۵)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿١٦﴾

السجدة

و خدا را سجده کند هرچه در آسمانهااست و زمین کام و ناکام وهم سایه هایشان بامگاه وشام گاه [بسجده افتاده است] (۱٦)

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ

بپرس کیست پروردگارآسمانهاو زمین؟ بگوخدااست. بگوپس آیا جز او معبودان را فراگرفته اید که برای‌خودشان هم سود و زیان

هَلْ يَسْتَوِى الْاَعْمٰى وَالْبَصِيرُ ۙ اَمْ هَلْ تَسْتَوِى الظُّلُمٰتُ وَالنُّورُ ۚ اَمْ جَعَلُوا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۱۷﴾

را اختیارندارند؟بپرس آیا کور وبینایکسانندیاآیاظلمتهاوروشنی یکسان است یاشریکان خدای که قرار داده اند آنها مانند آفرینش او آفریده اند تا این آفرینش برایشان مبهم شده است؟بگوخدا آفریدگار هرچیزاست و او یکتا صاحب جبروت است(۱۷)

اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ اَوْدِيَةٌۢ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا ؕ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَآءَ حِلْيَةٍ اَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُ ؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۚ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَآءً ۚ وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ ؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ ﴿۱۸﴾

او آب را از آسمان نازلکرد که وادیهابانداز ه خودجاری شد. پس سیل کف بالایی را برداشت و چیزی که بر آن افروزند آتش را بخواست زیورهایاکالاهای مانند آن، ازآن نیز کفی مانند اینست. اینگونه خدا حق و باطل رامثال میزند.پس آنچه کف است آنگاه دور میشود و اما آنچه مردم را سود رساند پس در زمین مکث میکند. بدینسان خدا مثلها را بیان میکند(۱۸)

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنٰى ؕ

برای آنانکه به دعوت خدا

وَالَّذِيْنَ لَمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَهٗ لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا وَّ مِثْلَهٗ مَعَهٗ لَافْتَدَوْا بِهٖ ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْحِسَابِ ۙ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩﴾ ع

لبیک گویند خوبی است.و آنانکه به دعوت او لبیک نگویندا گرچه آنچه در زمین است سراسر و برابرآن بعلاوه آن،ازآن آنهاباشد، حتمًا آنرا فدا داده خویشتن را نجات دهند.همانهاند که برای آنها حساب است بسیار بد و جایگاه آنها جهنم است و چه زشت جای گاه است(١٩)

اَفَمَنْ يَّعْلَمُ اَنَّمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ اَعْمٰى ؕ اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٢٠﴾ لا

پس آیا آنکه میداند که آنچه بر تواز پروردگارتونازل کرده شد حقّ است مانند آنکس است که او کور است؟یقینًا پند تنها اهل خرد میپذیرند(٢٠)

الَّذِيْنَ يُوْفُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَلَا يَنْقُضُوْنَ الْمِيْثَاقَ ﴿٢١﴾ لا

کسانیکه به عهدخدای وفا کنند و عهد موثق را نقض نکنند(٢١)

وَالَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ يُّوْصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُوْنَ سُوْٓءَ الْحِسَابِ ﴿٢٢﴾ ط

وکسانیکه پیوند کنند آنچه را خدا به پیوند آن فرمان کرده است و از پروردگارخود هراس دارند و از حساب بد ترسناك اند(٢٢)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾

و کسانیکه به طلب خوشنودی پروردگارخودصبر کردندونماز را بپای داشتند و انفاق کردند از آنچه ما بدیشان درداديم مخفی و علنی و بانیکیها بدیهارا دورکنند همانهاند که خانه آخرت برای ایشان است(۲۲)

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾

بهشتهای جاودان که بداخل آنها شوند ایشان و آنکه از پدرانشان و همسرانشان و نژادشان اصلاح کرد و فرشتگان از هر در بر ایشان وارد خواهند شد(۲۳)

سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾

سلام باد برشما بپاداش آنچه شکیبائی نشان دادید.پس چه قشنگ است خانه آخرت(۲۴)

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللّٰهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولٰٓئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾

وآنانکه عهدخدای راپس ازتوثیق آن بشکنندوببرندآنچه را که خدا به پیوند آن فرمان کرده است و در زمین فساد کنند همانهاند که برآنها لعنت است و برای آنها بسیار زشت خانهٔ است(۲۵)

اَللّٰهُ يَبۡسُطُ الرِّزۡقَ لِمَنۡ يَّشَآءُ وَيَقۡدِرُ ؕ وَفَرِحُوۡا بِالۡحَيٰوةِ الدُّنۡيَا ؕ وَمَا الۡحَيٰوةُ الدُّنۡيَا فِى الۡاٰخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ ﴿۲۷﴾

خدا برای هرکه خواهد رزق را فراخ گرداندوتنگ گرداند وآنان بر زندگی دنیا دلخوش شده اند و زندگی دنیا درآخرت [بخاطر] نباشد جز مایه عیش (۲۷)

وَيَقُوۡلُ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا لَوۡلَاۤ اُنۡزِلَ عَلَيۡهِ اٰيَةٌ مِّنۡ رَّبِّهٖ ؕ قُلۡ اِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنۡ يَّشَآءُ وَيَهۡدِىۡۤ اِلَيۡهِ مَنۡ اَنَابَ ۖۚ ﴿۲۸﴾

وکسانیکه کفرکردند گویند، چرا بر او از پروردگارش یك نشانه هم نازل نشد. بگو،هماناخداهرکه راخواهدگمراه میگرداندوهدایت میکنداو رابسوی خودکه فروتنی کند(۲۸)

اَلَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوۡبُهُمۡ بِذِكۡرِ اللّٰهِ ؕ اَلَا بِذِكۡرِ اللّٰهِ تَطۡمَئِنُّ الۡقُلُوۡبُ ؕ ﴿۲۹﴾

آنانکه ایمان آوردند و دلهای ایشان ازیادخداآرامش یابدباش! دلهاازیادخداآرامش مییابد(۲۹)

اَلَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوۡبٰى لَهُمۡ وَحُسۡنُ مَاٰبٍ ﴿۳۰﴾

آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند مقامگاه تمیز است برای ایشان و بسیار قشنگ بازگشت گاهی است(۳۰)

كَذٰلِكَ اَرۡسَلۡنٰكَ فِىۡۤ اُمَّةٍ قَدۡ خَلَتۡ مِنۡ قَبۡلِهَاۤ اُمَمٌ لِّتَتۡلُوَا۟ عَلَيۡهِمُ الَّذِىۡۤ اَوۡحَيۡنَاۤ اِلَيۡكَ وَهُمۡ يَكۡفُرُوۡنَ

اینطورما تورا درقومیفرستادیم که پیش ازآنهابساامتها درگذشته بودندتاتو آنرا برآنها فروخوانی

بِالرَّحۡمٰنِ ؕ قُلۡ هُوَ رَبِّیۡ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ عَلَیۡهِ تَوَکَّلۡتُ وَ اِلَیۡهِ مَتَابِ ﴿۳۱﴾

که ما به سوی تووحی کرده ایم حالیکه آنها از رحمان انکارکنند. بگو، او پروردگار من است.هیچ معبودی نیست مگراو.براو توکل میکنم وبسوی او روی فروتن می آورم(۳۱)

وَ لَوۡ اَنَّ قُرۡاٰنًا سُیِّرَتۡ بِهِ الۡجِبَالُ اَوۡ قُطِّعَتۡ بِهِ الۡاَرۡضُ اَوۡ کُلِّمَ بِهِ الۡمَوۡتٰی ؕ بَلۡ لِّلّٰهِ الۡاَمۡرُ جَمِیۡعًا ؕ اَفَلَمۡ یَایۡـَٔسِ الَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡۤا اَنۡ لَّوۡ یَشَآءُ اللّٰهُ لَهَدَی النَّاسَ جَمِیۡعًا ؕ وَ لَا یَزَالُ الَّذِیۡنَ کَفَرُوۡا تُصِیۡبُهُمۡ بِمَا صَنَعُوۡا قَارِعَةٌ اَوۡ تَحُلُّ قَرِیۡبًا مِّنۡ دَارِهِمۡ حَتّٰی یَاۡتِیَ وَعۡدُ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُخۡلِفُ الۡمِیۡعَادَ ﴿۳۲﴾ ع

واگرقرآن میبودکه کوهها بوسیله آن حرکت داده میشدند یا زمین بوسیله آن ازهم شکافته میشد یا مردگان بوسیله آن بتکلم آورده میشدند [بازهم دودلی داشتند] بلکه فیصل تماترازآن خدا است. پس آیاکسانیکه ایمان آورده اند ازین امرباخبرنشدندکه اگر خدا میخواست همه مردم را یکجا هدایت میداد؟و آنانکه کفرکردند آنهارا پیوسته آفت کوبی میرسد بعلت کرده هایشان یا آن [آفت] نزدیك خانه های آنهانازل آید تا آنگاهکه وعده خدابرسد.یقیناً خدا خُلف وعده نکند(۳۲)++ص:۵۷۰

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾

و یقینًا رسولان پیش از تو هم بباد سخریه گرفته شدند. پس من آنانکه کفر کردند را مهلت دادم سپس آنهارا بگرفتیم.پس عقوبت من چطور[عبرتناك] بود(٣٢)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٤﴾

پس آیا آنکه نگهبانست برهرکس به آنچه او کسب کرد [محاسب الحق نیست؟]وشریکان خداقرار داده اند.بگونامهاشان برخوانید یااوراخبردهیدبه آنچه اودرزمین نمیداندیااین فقط ازسخنان ریاء است؟واقعیت اینست آنانکه کفر کردند را نیرنگشان زیبا نشان داده شدو آنهااز[هدایت]بازداشته شوند و آنرا که خدا گمراه سازد پس او را کسی هدایت دهندهٔ نیست(٣٤)

آیت ٣٢:نیست تلاوت قرآن که کوهها ازآن حرکت کنند ونه زمین میشکافد مگر اینهمه فقط بفرمان خدا ممکن است. این سخن کنایه ای است به این امر نیزکه ناشی از گفته ای حضرت مسیح نه کوهها حرکت کردند ونه زمین میشکافت و نه مردگان زنده میشدند جزاینکه امر خدا کارفرما بود.

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَشَقُّ ۚ وَمَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ﴿۳۵﴾

آنانرا درزندگی دنیا عذاب است و عذاب آخرت سختتر است و کسی آنها را ازخدا نجات دهندهٔ نیست(۳۵)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِيْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ ؕ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ؕ اُكُلُهَا دَآئِمٌ وَّ ظِلُّهَا ؕ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا ۖ وَّ عُقْبَى الْكٰفِرِيْنَ النَّارُ ﴿۳۶﴾

مثل است آن بهشتی را که به متقیان وعده داده شد که دردامنهٔ آن نهرهای روانست. خوردنیهای آن برقرار است و هم سایه آن. این عاقبت است آنانرا که تقوی اختیار کردند و عاقبت کافران آتش است(۳۶)

وَالَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَفْرَحُوْنَ بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمِنَ الْاَحْزَابِ مَنْ يُّنْكِرُ بَعْضَهٗ ؕ قُلْ اِنَّمَآ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ وَلَآ اُشْرِكَ بِهٖ ؕ اِلَيْهِ اَدْعُوْا وَاِلَيْهِ مَاٰبِ ﴿۳۷﴾

وآنانکه بدیشان کتاب دادیم خرسند شوند به آنچه بسوی تو فروفرستاده شودوبعضی‌ازاحزاب اندکه ببعضی [بخشهای] آن انکار میکنند. بگو: من فقط[این] فرمان شده ام که خدا را عبادت کنم و با او شریك قرار ندهم. من به سوی او دعوت میکنم و برگشت من بسوی او است(۳۷)

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ؕ وَلَئِنِ

و بدینسان ما آنرا حکمی فصیح

اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ بَعْدَ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ مَالَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا وَاقٍ ﴿۳۸﴾

و بليغ نازلكرديم و اگر پس از آنكه دانشی به توآمد از پی هوای نفسانی آنها رفتی كسیبغيرازخدا تورا دوست و نجات دهندهٔ نيست(۳۸)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ اَزْوَاجًا وَّذُرِّيَّةً ؕ وَمَا كَانَ لِرَسُوْلٍ اَنْ يَّاْتِيَ بِاٰيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ لِكُلِّ اَجَلٍ كِتَابٌ ﴿۳۹﴾

و يقينًا ما رسولانی پيش از تو فرستاديم وبرای ايشان همسران و فرزندان قراردادیم ونیست ممكن رسولی را كه آيتی بدون اذن خدا بیآرد و هر يك زمان معين را نوشته ای است(۳۹)

يَمْحُوا اللّٰهُ مَا يَشَآءُ وَيُثْبِتُ ۚ وَعِنْدَهٗ اُمُّ الْكِتٰبِ ﴿۴۰﴾

خداهرچه راميخواهدمحوميسازد وثابت ميدارد و منبع همه نوشته ها نزد او است(۴۰)

وَاِنْ مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِيْ نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿۴۱﴾

واگربعضیازآن وعدهای انذاری راكه به آنها ميدهيم به تو نشان دهيم يا تورا وفات دهيم پس [در هرصورت]برتوفقط ابلاغ كردن و حساب كردن بر ماست(۴۱)

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا نَاْتِي الْاَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ اَطْرَافِهَا ؕ وَاللّٰهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ

آيا نه نگريستندكه ما زمين را ازكناره های آن ميكاهيم وخدا

لِحُكْمِهٖ ۚ وَهُوَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٤٢﴾

فیصل میکند و فرمان او را کسی بازدارندهٔ نیست و او زودِحساب است(٤٢)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلّٰهِ الْمَكْرُ جَمِيْعًا ۚ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۚ وَسَيَعْلَمُ الْكُفّٰرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٤٣﴾

ویقینًا کسانیکه قبل ازآنان بودند نیز نیرنگ کرده بودند حالانکه نیرنگ کلیةً بدست خدااست. او میداند آنچه هرجان کسب کند و منکران حتماً بدانند که فرجام [نیکو تر]خانه برای کیست(٤٣)

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ۢ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ۙ وَمَنْ عِنْدَهٗ عِلْمُ الْكِتٰبِ ﴿٤٤﴾

و گویند کسانیکه کفر کردند که تو فرستاده ای نیستی. بگو، میان من و میان شما گواه بس است خدا و آنکس که نزد او علم کتاب است(٤٤)

# ۱٤ -سورة ابراهیم

این سورة مکی است و بابسم الله ۵۳ آیت دارد. این سورة نیزبا همان حروف مقطعات ازسورة الرعد"الـر"شروع میشود و همان شرح شامل شرح این سورة نیزمیشود.

پایان سورة قبلی عبارت از این آیة است."وگویند کسانیکه کفرکردند که تو رسول نیستی.بگو.خدا میان من و شما گواه بس است و هم آنکه علم کتاب همراه دارد."

پس آغاز این سورة نیز با ذکر کتاب میشود و نزول کتاب را این حکمت بیان میشود که این برتو برای این نازل کرده میشود که مردم از تاریکیها به نور درآورده شوند.درضمن ذکراست که حضرت موسیعلیه السلام نیزکتاب بهمین منظور داده شدند. سپس تذکر ازآن هشدار ازحضرت موسی است که ایشان قوم خویش را دادند که شما و آنها که در زمین زندگی می کنند همگانه انکار کنید پس خدا از انکار شما بی نیازاست و اگر شماها او را ستایش نکنید او در ذات خود صاحب ستایش است.

پس از آن سخن از سایر پیغمبران و علت مخالفت از قومهای ایشان گفته میشود. انکار آنان بدانعلت بود که آنها پیغمبران را انسانی مانند خویش میپنداشتند که وحی پاك ازخدا نمیتواند بر ایشان نازل شود.

دراین سورة یك سخن جدید اینست که مبحث عقیده قتل مرتد برداشته میشود.حقیقت امر اینست که عقیده قتل مرتد عقیده اجتماعی از منکران پیغمبران بود. پس آنها هرکدام پیغمبر را مرتد انگاشته هشدار میدادند که

می بایستی او به دین ایشان برگردد و الا آنها بپاداش ارتدادش او را تبعیدخواهند کرد. لذا خداوند به رسولان خود وحی فرستاد آنانکه خوامان ملاکت شمااندخودشان ملاك کرده خواهند شد. تا آن انتها که آن مال و منال که خویشتن را به مالکیت آن گماشته اند شما وارث آنها میگردید.

در این سورة شرح فوق العاده ای از حرف "کلمة" داده میشود و معنای واژه"شجرة"نیز بروشنی بیان شده است. مثل شجره طیبه بمثل انسانهای پاك یعنی پیغمبران میباشد که ظاهراً اصل ایشان به زمین پیوست است ولی ایشان غذاروحانی خود ازآسمان میگیرند و ایشان را این غذا بی آنکه فصل بهاراست یاپاییز درهرحال اعطاء میشود. عیناًخلاف این، شجره خبیثه حاکی ازآن کسانست که به مخالفت پیغمبران میپردازند و مثل آنها بمثل آن درختان است که اصل آنها به ژرف زمین نه پیوسته و تندی بادها آنها را برکنده جابجا میپراکند.پس منتها مخالفان انبیاء که به دنبال تندی آرزوی نفس خویش موضع نیرنگ خود را گاه بگاه تغییرحال داده به مخالفت انبیاء برخیزند نیز به حالت نابودی کشیده شوند.

ضمناًآن دعا ازحضرت ابراهیم علیه السلام است که به خانه کعبه بستگی دارد. در این التجا کرده شد که به بومیان مجاورخانه کعبه از دُورا دُور انواعِ میوه ها ارزانی داشته شود و بعدها همینطور بظهور آمد. ایشان هم میوه های جسمانی ارزانی داشته شدند و هم میوه های روحانی و اجمالاً ذکر از این درسورة قریش نیز رفته است.بزرگترین میوه های روحانی در وجود مبارك آنحضرت ﷺ ظاهرشد. ایشان بصورت آن شجره طیّبه بظهور آمدند که نوع بشر را از میوه های آسمانی بفراوانی بهره مند ساخت.

در پایان این سورة فرموده شد که کفار خلاف اسلام یا رسولان هرچه نیرنگ زنند و حتّی کوه ها نیز از نیرنگ آنها بحرکت آیند بازهم نیستند که رسولان خدا را ناکام سازند.

اینجا مثل زدن ازکوه ها دال بر اینست که آنحضرت ﷺ نیز درصورت رسولی متشابه کوهی سرافراشته تر ازجمله رسولانی کوه مانند میباشند. پس پایان این سورة عبارت از این کلمات است که زمین و آسمان منکران رسول اللهﷺ دگرگون کرده شوند و ببدل آنها زمین و آسمان جدیدی بنا شود که در نتیجه آن آنهاگروه گروه بحضور خدای متعال صاحب غلبه کامل بیرون خواهند آمد.

☆ سُوْرَةُ اِبْرَاهِيْمَ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ سَبْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

الٓرٰ ۚ كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۙ بِاِذْنِ رَبِّهِمْ اِلٰى صِرَاطِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ②

[أناالله أرٰی آمنم خدا - من میبینم. این کتابی است که آن را بسوی توفروفرستاده ایم تامردم را به اذن پروردگار ایشان از تاریکیها بسوی نوربیرون آورده برآن راه بیندازی که راه صاحب غلبه کامل و صاحب ستایش است(٢)

اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَوَيْلٌ لِّلْكٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيْدِ ۙ③

یعنی[راه] آن خدا که هرچه در آسمانها وهرچه در زمین است از آن اواست وکافران را از عذابی شدید هلاك است(٣)

الَّذِيْنَ يَسْتَحِبُّوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْاٰخِرَةِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَيَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ؕ اُولٰٓئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ

[یعنی] کسانی را که زندگی دنیا را در مقابل آخرت زیاد دوست دارند و از راه خدا بازمیدارند و آنرا کج میخواهند آنها در

بَعِيدٍ ۝٤

گمراهی دور اند(٤) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهٖ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ۖ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٥

وهیچ پیغمبری رانفرستادیم مگر در زبان قوم وی تا برای ایشان روشن بیان کند.پس خدا هرکه را خواهد گمراه میسازد و هرکه را خواهد هدایت میدهد و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۵)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَآ اَنْ اَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۙ وَذَكِّرْهُمْ بِاَيّٰىمِ اللّٰهِ ۖ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ۝٦

و یقینًا ما موسیٰ را با آیتهای خود فرستادیم که قوم خودرااز تاریکیهابروشنیبیرون بیآروآنها رابه روزهای خدا تذکربده. یقینًا درآن برای همه صبورانی سپاس گذاران بسیار آیتهااست(٦)

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ اَنْجٰىكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُوْنَ اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ ۖ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ۝٧ ع

و[بیادآرید]هنگامیکه موسی بقوم خود گفت که یادکنیدنعمت خدا رابرخودتان چون او شمارا از فرعونیان نجات داد. آنها بشما بدترین عذاب میدادند وپسران شمارا میکشتند و زنان شمارانگه میداشتند و درآن شما را از

پروردگار خود آزمایشی بزرگ بود(۷)

وَاِذْ تَاَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيْدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِيْ لَشَدِيْدٌ۝٨

و هنگامیکه پروردگارتان اعلام کرد که اگرشما سپاسداری کنید حتمًا من به شما فزونتر میدهم و اگرناسپاسی کنید یقینًاعذاب من بسیار سخت است(۸)

وَقَالَ مُوْسٰى اِنْ تَكْفُرُوْٓا اَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا فَاِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيْدٌ۝٩

و موسیٰ گفت، اگر شما و هرچه در زمین است همه بهم ناسپاسی کنید پس خدا یقینًا بی نیازی صاحب ستایش است(۹)

اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَّ عَادٍ وَّ ثَمُوْدَ وَالَّذِيْنَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرَدُّوْٓا اَيْدِيَهُمْ فِيْٓ اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوْٓا اِنَّا كَفَرْنَا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ وَاِنَّا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ۝١٠

آیاشمارا خبرآنهانیامدکه پیش از شمابودند یعنی قوم نوح و عاد و ثمودوکسانیکه بعدازایشان بودند آنهارا جزخدا کسی نمیداند. آنها رارسولانشان بانشانه های آشکار آمدندپس آنها[تکبرکنان] دستهای خود را بر دهنهای خود نهادند و گفتند یقینًا ما به آنچه باآن شما فرستاده شدید انکار میکنیم و یقینًا ماجهت آنچه بسوی آن مارا

قَالَتْ رُسُلُهُمْ اَفِي اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ قَالُوٓا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ؕ تُرِيدُونَ اَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا فَاْتُونَا بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ⑪

میخوانید درشکی ناراحت کننده هستیم (۱۰)

رسولان آنها گفتند، آیاجهت خدا شك است که آفریدگار آسمانها و زمین است؟او شمارا میخواند تا گناهانتان رابرای شما بیآمرزد و شماراتانهایت زمانیمعین فرصت دهد.آنها گفتند، نیستید شما جز بشری مانندما.[آیا] میخواهید ما را باز دارید ازآنچه پدران ما پرستش میکردند.پس ماراحجتی غالب و آشکاربیآر(۱۱)

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ اِنْ نَّحْنُ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ؕ وَمَا كَانَ لَنَآ اَنْ نَّاْتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ⑫

رسولان ایشان بدیشان گفتند، یقیناًنیستیم ماجزبشریمانندشما اما خدا بر هرکه از بندگان خود بخواهد منت مینهد و ما را توان نیست حجتی غالب بیآریم جزبه اذن خدا و باید مومنان بر خدا توکل کنند(۱۲)

وَمَا لَنَآ اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنَا سُبُلَنَا ؕ وَلَنَصْبِرَنَّ عَلٰى مَآ اٰذَيْتُمُونَا ؕ

و چیست مارا که بر خدا توکل نکنیم حالانکه او[خودش]ما را به

وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ⑬ ع ٦/١٤

راههای مارهنمائی کرد و البته ما صبر کنیم بر آنچه بما اذیت کنید پس باید توکل کنندگان برخدا توکل کنند(١٣ )

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ اَرْضِنَآ اَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِيْ مِلَّتِنَا ۭ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظّٰلِمِيْنَ ⑭

وکسانیکه کفرکردند به رسولان خویش گفتند.حتمًا ما شما را از سرزمین خود تبعید کنیم یا باید درملت مابرگردید.پس پروردگار ایشان برایشان وحی فرستاد که یقینًا ستمکاران را به هلاك می رسانیم(١٤ )

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۭ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِيْ وَخَافَ وَعِيْدِ ⑮

ویقینًاشماراپس ازآنهادرسرزمین [آنها] آبادان نمائیم.این برای آن کس است که از مقامم بیمدارد و از هشدارم میترسد(١٥ )

وَاسْتَفْتَحُوْا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ⑯

وایشان[ازخدا]پیروزی‌خواستند وهردشمنی‌طغیانگرهلاك شد(١٦ )

مِّنْ وَّرَاۗىِٕهٖ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَّاۗءٍ صَدِيْدٍ ⑰

ورای آن برایش جهنم است و از آبی‌چرك زخم نوشانده شود(١٧)

يَّتَجَرَّعُهٗ وَلَا يَكَادُ يُسِيْغُهٗ وَيَاْتِيْهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۭ

او آنرا جرعه جرعه بنوشد و نتواند براحتی فروبرد و مرگ

وَمِنْ وَّرَآئِهٖ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿۱۸﴾

او را ازهر سوی بیآید و نتواند بمیرد و ورای آن عذابی بسیار سخت است(۱۸)

مَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ اَعْمَالُهُمْ كَرَمَادِ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُوْنَ مِمَّا كَسَبُوْا عَلٰى شَيْءٍ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ﴿۱۹﴾

مثل آنانکه پروردگار خود کفر کردند اینست که اعمال ایشان مانند آن خاکستراست که بر آن در روزطوفان بادی‌تند بوزد. بر هیچ از آنچه کسب کردند قدرت نیابند. همین است که گمراهی دور است(۱۹)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَاْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ ﴿۲۰﴾

آیا حالی نیستی که خدا آسمانها وزمین را بحق آفریده است اگر بخواهد شمارا میبرد و آفرینش جدیدی میآرد(۲۰)++

وَّمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ ﴿۲۱﴾

و این بر خدا هیچ مشکل نیست(۲۱)

وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ جَمِيْعًا فَقَالَ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ

و همه بهم برای‌خدا بیرون آیند. پس مستضعفان به مستکبران گویند. ما شمارا پیروی کنندگان

++آیت۲۰:اظهاراحتمالی است که اگرخدابخواهداومیتواندنوع بشرراکلیةً نابود سازدومخلوقی‌جدیدرا وارث زمین بگرداندواینکار خداراهیچ مشکل نیست.

مِنْ شَیْءٍ ۭ قَالُوْا لَوْ هَدٰىنَا اللّٰهُ لَهَدَيْنٰكُمْ ۭ سَوَاۗءٌ عَلَيْنَآ اَجَزِعْنَآ اَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيْصٍ ﴿٢٢﴾

بودیم پس آیا شمابکمی هم عذاب خدا را از ما دورکنندگانید؟آنها گویند.اگرخدا بماهدایت میداد حتمًاشمارا هدایت میدادیم برای ما یکسانست چه بیتاب باشیم چه صبرکنیم ما را هیچ راه گریز نیست(۲۲)

وَقَالَ الشَّيْطٰنُ لَمَّا قُضِيَ الْاَمْرُ اِنَّ اللّٰهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُّكُمْ فَاَخْلَفْتُكُمْ ۭ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ اِلَّآ اَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِيْ ۚ فَلَا تَلُوْمُوْنِيْ وَلُوْمُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ۭ مَآ اَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ ۭ اِنِّىْ كَفَرْتُ بِمَآ اَشْرَكْتُمُوْنِ مِنْ قَبْلُ ۭ اِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢٣﴾

وچون کارگذرانیده شود شیطان گویدیقینًا وعدهٔ ی که خدا به شماداد آن وعدهٔ درست بود در حالیکه وعدهٔ که من به شما دادم خُلف آن میکردم و مرا برشما غلبهٔ ی نبود جزآنکه شمارا فرا خواندم وشما مرا پذیرفتید. پس مراملامت نکنیدبلکه خودتان را ملامت کنید. امروز نه من فریاد رس شما ام و نه شما فریادرس منید. یقینًا من انکارکنم بدآنچه قبلاًمراشریك میگردانید.همانا! ستمکارانندکه برای آنها عذابی دردناك است(۲۳)

وَاُدْخِلَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ ؕ تَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ ﴿۲٤﴾

و آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته کردندوارد باغهای شوند که در دامنه آنها نهرهای روان است. ایشان درآنها به اذن خدا جاویدان شوند. تحفه آنان درآنها سلام[بهمدیگر]است(۲٤)

اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَّفَرْعُهَا فِى السَّمَآءِ ۙ﴿۲۵﴾

آیادیدیچگونه خدا مثل زد که کلمه پاك مانندردختی پاك است ـ اصل آن محکم پیوسته و شاخه اش در آسمان است(۲۵)

تُؤْتِىْٓ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍۢ بِاِذْنِ رَبِّهَا ؕ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۲٦﴾

مأکولاتش رابه اذن خداهرآن می دهد وخدابرای مردم مثلها میزند تا باشدکه آنهاپندبگیرند(۲٦)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيْثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيْثَةِ ۨاجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿۲۷﴾

ومثل کلمه ناپاك مانند درختی است که از روی زمین برکنده شود و برای آن [جای] قرار نیست(۲۷)

يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِى الْاٰخِرَةِ ۚ وَيُضِلُّ اللّٰهُ الظّٰلِمِيْنَ ۙۗ وَيَفْعَلُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ ؑ﴿۲۸﴾

خدا آنانکه ایمان آوردند را در زندگی دنیا و در آخرت بگفتار استوار ثابت میدارد و خدا ستم کاران را گمراه مینماید و خدا

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ بَدَّلُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا وَّاَحَلُّوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿۲۹﴾ جَهَنَّمَ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۗ وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿۳۰﴾

میکند آنچه بخواهد(۲۸)

آیانگاه کردی بسوی آنانکه نعمت خدارابکفربدل کردند وقوم خود را درخانه هلاك فرودادند(۲۹) یعنی جهنم که وارد آن شوند و چه زشت قرارگاه است(۳۰)

وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ اَنْدَادًا لِّيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِهٖ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوْا فَاِنَّ مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ ﴿۳۱﴾

و شریکان خدا گزیدند تااز راه اوگمراه سازند.بگو، بهرهٔ بکشید پس حتماً مسیر شما بسوی آتش است(۳۱)

قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خِلٰلٌ ﴿۳۲﴾

بگوبه آن بندگانم که ایمان آورده اند که نماز را بپای دارند و انفاق کنند نهان و عیان از آنچه اعطایشان کرده ایم پیش ازآنکه روزی فرارسد که در آن نه داد و ستد و نه دوستی است(۳۲)

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ ۚ

خدااست آنکه آسمانها و زمین را آفرید و آب را از آسمان فرو فرستاد.پس بوسیله آن برای شما از میوهها رزق درآورد و کشتیها را برای شمامسخرکرد تابفرمان

وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهٰرَ ۚ﴿٣٣﴾

او در دریا حرکت کنند و نهرها را برایشما مسخرکرد(۳۳)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ﴿٣٤﴾

و خورشید و ماه مدام گردش کنندگان را برایشمامسخرکرد و برای شما شب و روز را مسخر کرد(٣٤)

وَاٰتٰىكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَاَلْتُمُوْهُ ؕ وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا ؕ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ ۚ﴿٣٥﴾

ع ۱۷

وهرچه را از او درخواستید شما را داد واگرنعمتهای خدابشمرید نمیتوانیدآنهارابشمارآرید. یقینًا انسان بسیار ستمکنندهٔ ی بسیار ناسپاس است(۳۵)

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَّ اجْنُبْنِيْ وَبَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ ؕ﴿٣٦﴾

و آنگاه که ابراهیم گفت. پروردگارا!این شهررا جای ایمن بساز و مرا و فرزندانم را از این نگهدار که بتان را پرستش کنیم(٣٦)

رَبِّ اِنَّهُنَّ اَضْلَلْنَ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ ۚ فَمَنْ تَبِعَنِيْ فَاِنَّهٗ مِنِّيْ ۚ وَمَنْ عَصَانِيْ فَاِنَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٧﴾

پروردگارا!آنها بسیاری از مردم را گمراه ساخته اند. پس آنکه از من متابعت کردآنگاه حتمًااواز من است و آنکه از من نافرمانی کرد پس توبسیار آمرزندهٔ بارها

رَبَّنَآ اِنِّیٓ اَسۡکَنۡتُ مِنۡ ذُرِّیَّتِیۡ بِوَادٍ غَیۡرِ ذِیۡ زَرۡعٍ عِنۡدَ بَیۡتِکَ الۡمُحَرَّمِ ۙ رَبَّنَا لِیُقِیۡمُوا الصَّلٰوةَ فَاجۡعَلۡ اَفۡئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهۡوِیۡۤ اِلَیۡهِمۡ وَارۡزُقۡهُمۡ مِّنَ الثَّمَرٰتِ لَعَلَّهُمۡ یَشۡکُرُوۡنَ ﴿۳۸﴾

رحم کننده هستی(۳۷)

پروردگارا من بعضی از نژادم را دروادی لم یزرع نزدخانه مقدس تو مسکن داده ام ای پروردگار ماتاایشان نمازرابپای دارند. پس دلهای مردمرابسوی ایشان متمائل بسازو ایشان را از میوه ها رزق اعطاکن تاباشدایشان سپاسداری کنند.(۳۸)

رَبَّنَآ اِنَّکَ تَعۡلَمُ مَا نُخۡفِیۡ وَمَا نُعۡلِنُ ؕ وَمَا یَخۡفٰی عَلَی اللّٰهِ مِنۡ شَیۡءٍ فِی الۡاَرۡضِ وَلَا فِی السَّمَآءِ ﴿۳۹﴾

پروردگارا یقینًا تو میدانی آنچه مانهان کنیم وآنچه ماعیان نمائیم ویقینًابرخداچیزی‌نهان نیست در زمین ونه درآسمان(۳۹)

اَلۡحَمۡدُ لِلّٰهِ الَّذِیۡ وَهَبَ لِیۡ عَلَی الۡکِبَرِ اِسۡمٰعِیۡلَ وَاِسۡحٰقَ ؕ اِنَّ رَبِّیۡ لَسَمِیۡعُ الدُّعَآءِ ﴿۴۰﴾

ستایش مطلق ازآن خداست آنکه مرا سرکهولت اسمعیل واسحاق اعطاکرد.یقینًا پروردگارم بسیار شنوای دعا است(٤۰)

رَبِّ اجۡعَلۡنِیۡ مُقِیۡمَ الصَّلٰوةِ وَمِنۡ ذُرِّیَّتِیۡ ۖ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ﴿۴۱﴾

پروردگارا بسازمرابپای دارنده نمازونژادم را.پروردگارا دعائم را قبول بفرما(٤۱)

رَبَّنَا اغۡفِرۡ لِیۡ وَلِوَالِدَیَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِیۡنَ

پروردگارا بیآمرز مرا ووالدینم

يَوۡمَ يَقُوۡمُ الۡحِسَابُ ﴿٤٢﴾ ع ٦/٧ ١٨

را و مومنان را روزی که حساب برپا گردد(٤٢)

وَلَا تَحۡسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا يَعۡمَلُ الظّٰلِمُوۡنَ ؕ اِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٍ تَشۡخَصُ فِيۡهِ الۡاَبۡصَارُ ۙ﴿٤٣﴾

و هرگز خدا را ازآن امر غافل مپندار که ستمکاران انجام دهند. یقینًا او آنها را تا روزی فرصت دهد که دیدگان در آن خیره بماند(٤٣)

مُهۡطِعِيۡنَ مُقۡنِعِىۡ رُءُوۡسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ اِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡ ۚ وَاَفۡـِٕدَتُهُمۡ هَوَآءٌ ﴿٤٤﴾ ط

آنها هراسان و سرهای خود بالا کرده سرگردان شوند ونگاه آنها بسوی آنها برنگردد[یعنی چیزی دیده نشود] و دلهای آنها ویران گردد(٤٤)

وَاَنۡذِرِ النَّاسَ يَوۡمَ يَاۡتِيۡهِمُ الۡعَذَابُ فَيَقُوۡلُ الَّذِيۡنَ ظَلَمُوۡا رَبَّنَاۤ اَخِّرۡنَاۤ اِلٰٓى اَجَلٍ قَرِيۡبٍ ۙ نُّجِبۡ دَعۡوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ ؕ اَوَلَمۡ تَكُوۡنُوۡۤا اَقۡسَمۡتُمۡ مِّنۡ قَبۡلُ مَا لَـكُمۡ مِّنۡ زَوَالٍ ۙ﴿٤٥﴾

و هشدار بده مردم را از آن روز که به آنها عذاب فرارسد. پس کسانیکه ستم کردند گویند: ای پروردگار ما! مارا مدتی کوتاه مهلت بده. ما دعوت توراپذیرفته و ازرسولان تو متابعت خواهیم نمود.[خطاب شود] آیا شما پیش ازاین قسمهانمیخوردیدکه به شما هیچ زوال نیست(٤٥)

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ ٱلْأَمْثَالَ ﴿٤٦﴾

و شما در منازل آنهائی مسکن می داشتید که برجانهای خودستم کردندوشمارا این امرنیك روشن شده بودکه ما باآنهاچگونه رفتار کردیم ومثلهارا برایشمابروشنی بیانکرده ایم(٤٦)

وَقَدْ مَكَرُوا۟ مَكْرَهُمْ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ ٱلْجِبَالُ ﴿٤٧﴾

و بیگمان حیلۀ خود را [حتی المقدور] تدبیرکردند وحیله آنها نزدخدا است اگرچه حیله آنها بود که کوهها از آن از جای خود دور میشد(٤٧)

فَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِۦ رُسُلَهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٤٨﴾

پس مپندار که خداوعده خود را بارسولان خود خُلف کننده است. یقینًا خدا صاحب غلبه کامل و انتقام گیرنده است(٤٨)

يَوْمَ تُبَدَّلُ ٱلْأَرْضُ غَيْرَ ٱلْأَرْضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ وَبَرَزُوا۟ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ ﴿٤٩﴾

روزیکه زمین به زمین دیگری و هم آسمان بدل کرده شود و برای خدایکتای صاحب جبروت بیرون آیند(٤٩)

وَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي ٱلْأَصْفَادِ ﴿٥٠﴾

و مجرمان را آنروز به زنجیرها بسته خواهی دید(٥٠)

سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَّتَغْشٰى وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۙ﴿٥١﴾

جامه های آنها ازقطرانست وآتش چهرههای آنانرافرا گیرد(۵۱)

لِيَجْزِيَ اللّٰهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥٢﴾

تاخدا هرنفس راپاداش دهد به آن چه او کسب کرد.حتمًا خدا زود حساب است(۵۲)

هٰذَا بَلٰغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهٖ وَلِيَعْلَمُوٓا اَنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَّلِيَذَّكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٥٣﴾

این برای مردم پیامی آشکار است و برای اینکه بوسیله ان هشدار داده شوند و تا بدانند که تنها او معبود یگانه است و تا خردمندان پند بگیرند(۵۳)

# ۱۵ - سورة الحجر

این سورة مکی است و بابسم الله یکصدآیت دارد.

این سورة با"الر"میآغازد ومقطعات پس ازاین دیگرتکرار نشده است.

بعلت نشانه های جلالی و جمالی که در سورة گذشته مزبور است گامی دلهای کافران نیز مرعوب میشود وگاه بیگاه آنان حسرت میبرند کاشکی ما نیز ازآنجمله تسلیم شدگان بشویم. اما بعدما دوباره بحالت اصلی خود باز میگردند. آنها از شناختن حقیقت غلبه پیغمبران بوسیله این اتهام طفره میروند که شاید چشمان آنها جادو شده است.

خدای متعال بصراحت اعلام میکند که دشمن هرچه میتواند بگوید البته مائیم که این کتاب را نازل کرده ایم و در آتیه نیز ازآن نگهداری خواهیم کرد.

در آیتهای بعدی سخن از بروج گفته میشود که سورة البروج را بخاطر میآرد و پرده را از این موضوع که "ما این کلام را حفاظت خواهیم کرد" برمیدارد وحاکی ازاینست که خداوند درغلامیآنحضرت ﷺ چنین مردان را برانگیزد که همه وقت به نگهداری قرآن مواظب باشند. ضمناً بروج عبارت از این نکته نیز است که آن مجددان دین که پس از آنحضرت ﷺ بعنوان دوازده برج آمده بودند ایشان نیز ماموران بر همین کار بوده اند.

بطوریکه مضامین قرآن را پایان نیست برهمین منوال خداوند گاه به گاه بخاطربرآوردن نیازهای مادی انسان نیزچنین مخازن را ارزانی میدارد که پایان ناپذیرند.چنانچه نظام سوخت یکی از بزرگ ترین مثلهای این

قبیل است. یکوقت انسان را این فکر دامنگیر بود که اگر چوب تمام شود آنگاه چه میتوان کرد. گاهی این فکر فراگرفت که اگر مخازن زغال بپایان رسد چه کار توان کرد. بعدها این اندیشه تحت فشار گذاشت که اگر مخازن نفت تمام شد چه میشود.اما پیش ازاینکه مخازن نفت بپایان برسد خدای لم یزل توجه انسان را به نیرو دیگری که پایان ناپذیر است جلب نمودیعنی نیروی اتمی. اگرانسان قابل به استفاده بردن از این نیرو بشود و تدابیر لازم رابرضدتاثیرات منفی‌این بکارببرد.پس این نیروتاقیامت پایان نمییابد. پس مانند خزائن روحانی قرآن، برای بقای بشر مخازن مادی نیز بی پایان است.

سپس این ذکراست که بدنبال نازل آمدن این دو نوع مخزن که برای انسان تا قیامت ادامه خواهد داشت، شیطان نیز تردید ها خواهد انداخت و این سلسله تردیدها نیز تا قیامت انقطاع ناپذیراست.

ضمناً علاوه بر ذکرحضرت ابراهیم علیه السلام سخن از دیگر پیغمبران و قومهای ایشان نیز گفته میشود. بدین ترتیب مثل از قومهای اصحاب الایکه واصحاب الحجرآورده فهمانیده میشودکه خداوند درآینده نیز مخالفان پیغمبران را مدام به نابودی خواهد کشید.

ضمناً در این سورة سخن از مژده ای به حضرت ابراهیم علیه السلام جهت تولدیکی ازپسران ایشان نیزگفته میشود.اگرچه این پیشگوئی‌حضرت اسحاق وحضرت یعقوب راهم ذکر میکند.اماترجیحاًاین پیشگوئی بستگی‌به حضرت اسماعیل علیه السلام دارد که از نژاد روحانی و جسمانی ایشان تولد آنحضرت ﷺ تقدیر شده بود.

پس آنحضرت ﷺ این تسلّی داده شدند که از تمسخر مخالفان صرف نظر کن ما حساب را خودما با آنها تسویه کننده ایم. هرگاه دلت از سخنان آنها رنج کشد پس خدای خود را با صبوری پیوسته ستایش کن.

☆ سُوْرَةُ الْحِجْرِ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةُ اٰيَةٍ وَّسِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓرٰ ۚ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ وَقُرْاٰنٍ مُّبِيْنٍ ۝

أَنَااللّٰهُ أَرٰى [منم خدا - من می بینم این آیتهای کتاب و قرآنی آشکار است(۲)

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ③

ای بسا دوستدارند کسانیکه کفر کردندکاشکی مسلمانان بودند(٣)

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ④

واگذارآنهارابخورند و موقتًابهره کشی کنندوامیدهاآنانراغافل سازد پس بزودی آنها بدانند(٤)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ⑤

و ماهیچ شهری راهلاك نساختیم مگربرای‌آن کتابی معلوم بود(٥)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ⑥

وهیچ قومی نه نهایت زمانی‌خود را پیشی گیرد و نه پس افتد(٦)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ⑦

وگفتند.ای آنکه بر او این ذکر نازلکرده شدیقینًاتودیوانه ای(٧)

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ⑧

چرابافرشتگان نزدمانمیآیی اگر تو از راستگویانی(٨)

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ ⑨

مافرشتگان رافرونمیفرستیم مگر با حق و آنگاه آنها مهلت دادگان نباشند(٩)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ⑩

یقینًامااین ذکررا نازلکرده ایم و یقینًاماآنرانگهدارندگانیم(١٠)+

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ

و البته پیش از تو نیزدرگروهای

آیت١٠:وعدۀ حفاظت قرآن ابدی است.هرگاه به قرآن معنای دروغین نسبت داده شود خدا کسی وجود روحانی را برای اصلاح آن مبعوث مینماید.

الْاَوَّلِيْنَ ﴿١١﴾
وَمَا يَأْتِيْهِمْ مِّنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿١٢﴾
كَذٰلِكَ نَسْلُكُهٗ فِيْ قُلُوْبِ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٣﴾
لَا يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٤﴾
وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَآءِ فَظَلُّوْا فِيْهِ يَعْرُجُوْنَ ﴿١٥﴾
لَقَالُوْٓا اِنَّمَا سُكِّرَتْ اَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُوْرُوْنَ ﴿١٦﴾
وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَآءِ بُرُوْجًا وَّزَيَّنّٰهَا لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿١٧﴾
وَحَفِظْنٰهَا مِنْ كُلِّ شَيْطٰنٍ رَّجِيْمٍ ﴿١٨﴾

پیشین [رسولان] فرستادیم(١١)
و هیچ رسولی برآنها نمیآمد مگر با او تمسخر میکردند(١٢)
اینگونه ما این[بیباکی]رادر دلهای مجرمان داخل مینمائیم (١٣)
ایمان نمیآرند به این[رسول]حال آنکه عاقبت کارپیشینیان گذشته است(١٤)
واگر دری رابرآنها ازآسمان باز میکردم پس درآن بالارفتن را می گرفتند [تا نشانه ای از صداقت رسول را بچشمان خود مشاهده کنند](١٥)
البته بازهم میگفتند فقط چشمان مامدهوش کرده شد بلکه ما قومی سحر شدگانیم(١٦)
وهمانامادرآسمان منازل ستارگان ساختیم و آن [آسمان] را برای بینندگان مزین نمودیم(١٧)
و آنهارا از هرشیطانی رانده شده نگه داری کرده ایم(١٨)

| | |
|---|---|
| اِلَّا مَنِ اسۡتَرَقَ السَّمۡعَ فَاَتۡبَعَهٗ شِهَابٌ مُّبِیۡنٌ ﴿۱۹﴾ | مگرآنکه استراق سمع کند پس شعلهٔ آتش دنبالش میکند(۱۹) |
| وَالۡاَرۡضَ مَدَدۡنٰهَا وَاَلۡقَیۡنَا فِیۡهَا رَوَاسِیَ وَاَنۡۢبَتۡنَا فِیۡهَا مِنۡ کُلِّ شَیۡءٍ مَّوۡزُوۡنٍ ﴿۲۰﴾ | و زمین راگسترانیدیم و در آن کوهها نهادیم و درآن از هرچیزی موزون را رویانیدیم(۲۰) |
| وَجَعَلۡنَا لَکُمۡ فِیۡهَا مَعَایِشَ وَمَنۡ لَّسۡتُمۡ لَهٗ بِرٰزِقِیۡنَ ﴿۲۱﴾ | و درآن امرار معاش قرار دادیم برای شما و آنرا که شما رزق دهندگانش نیستید(۲۱) |
| وَاِنۡ مِّنۡ شَیۡءٍ اِلَّا عِنۡدَنَا خَزَآئِنُهٗ ۫ وَمَا نُنَزِّلُهٗۤ اِلَّا بِقَدَرٍ مَّعۡلُوۡمٍ ﴿۲۲﴾ | وهیچ چیزی‌نیست مگرگنجهایش نزدما است و آنرا نازل نمیکنیم مگر به اندازهٔ معیّن(۲۲) |
| وَاَرۡسَلۡنَا الرِّیٰحَ لَوَاقِحَ فَاَنۡزَلۡنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَسۡقَیۡنٰکُمُوۡهُ ۚ وَمَاۤ اَنۡتُمۡ لَهٗ بِخٰزِنِیۡنَ ﴿۲۳﴾ | و بادهای‌گرانبار رافرستادیم پس از آسمان آبی نازل کردیم پس آنرابه شمانوشانیدیم حالیکه شما به اندوختن آن قادرنبودید(۲۳) |
| وَاِنَّا لَنَحۡنُ نُحۡیٖ وَنُمِیۡتُ وَنَحۡنُ الۡوٰرِثُوۡنَ ﴿۲۴﴾ | و همانا ما هستیم که زنده میکنیم و میمیرانیم و ما هستیم که وارث [هر چیز] شویم(۲۴) |
| وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا الۡمُسۡتَقۡدِمِیۡنَ مِنۡکُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا الۡمُسۡتَاۡخِرِیۡنَ ﴿۲۵﴾ | و یقیناًدانسته ایم از شما سبقت داران را و البته دانسته ایم هم پس ماندگان را(۲۵) |

وَاِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۚ اِنَّهٗ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٦﴾

ویقیناً پروردگارتو آنهارا محشور کند. مرآینه اوبسیارصاحب حکمت صاحب علم دائمی است (٢٦)

ع ٢

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَاٍ مَّسْنُوْنٍ ﴿٢٧﴾

و یقیناً آدمی را از لجن بویناك از گل خشکیده با صدای جرنگ آفریدیم(٢٧)

وَالْجَآنَّ خَلَقْنٰهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُوْمِ ﴿٢٨﴾

و جنها را پیش از این از آتش باد سخت گرم آفریدیم (٢٨)++

وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَاٍ مَّسْنُوْنٍ ﴿٢٩﴾

وچون پروردگار تو به فرشتگان گفت، من برآنم که بشری از گلی خشك با صدای جرنگ از لجن پوسیده بیآفرینم(٢٩)++

فَاِذَا سَوَّيْتُهٗ وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِیْ فَقَعُوْا لَهٗ سٰجِدِيْنَ ﴿٣٠﴾

پس چون من آنرا بیآرایم و کلام خود را در او بدمم پس برای او سجده کنان بیفتید(٣٠)++

---

++آیات ٢٧_ ٣٠:در این آیتهادوامرعلی الخصوص لایق تدبر اند.

اوّل اینکه انسان ازگِل محض نه آفریده شدبلکه ازآن لجن است درجه عفونت پدید آمده بود و بازصورت گل خشکیده با صدای جرنگ را پذیرفت. این موضوعی است که به هیچ گوشه ای ذهن حضرت اقدس محمد ﷺ از خود نمیتوانست راه یابد و حتّی نکته آفرینش انسان از گِل خشکیده با صدای جرنگ در هیچکدام کتاب الهی دیگر یافت نمیشود و این مسئله را دانش پژوهندگان امروزه حل کرده اند. [ص# ٥٩٨

فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ اَجْمَعُوْنَ ﴿٣١﴾

پس فرشتگان همه ایشان بهم سجده کردند(٣٠١)

اِلَّآ اِبْلِيْسَ ؕ اَبٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ مَعَ السّٰجِدِيْنَ ﴿٣٢﴾

جزابلیس که سرباززدکه با سجده کنندگان باشد(٣٢)

قَالَ يٰٓاِبْلِيْسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السّٰجِدِيْنَ ﴿٣٣﴾

فرمود، ای ابلیس اچیست ترا که با سجده کنندگان نشدی(٣٣)

قَالَ لَمْ اَكُنْ لِّاَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهٗ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَاٍ مَّسْنُوْنٍ ﴿٣٤﴾

گفت نیستم من که برای بشری که او راازگلی خشك باصدایجرنگ ازلجن پوسیده آفریده ای سجده کنم(٣٤)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ ﴿٣٥﴾

فرمود: پس تو ازاین[مقام]بیرون شوکه یقینًاتورانده شده ای(٣٥)

وَّاِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ ﴿٣٦﴾

فرمود،یقیناًتاروزجزا برتو لعنت است(٣٦)

قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِيْٓ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ ﴿٣٧﴾

گفت، پروردگارا! مرا مهلت بده تا روزی که [آدمیان] برخیزانده

---

بقیه آیات ٢٧ـ٣٠:دوم اینکه جِن پیش ازاغاز آفرینش انسان آفریده شداز چنین باد که از آسمان وزد وگرمای سخت آتش سان بهمراه دارد. اینهم چنین امراست که فکرآنهم نمیتوانست از خود بخاطرآنحضرت صلی الله علیه وسلم خطور کند تا آن گاه که خدای عالم الغیب به آن امر مطلع نمیساخت. آفرینش اجنه از نارسموم عبارت از میکروبهااست و ازاین نکته این مسأله نیز حل شدکه لجن بویناك چطور بوجود آمد. لجن بویناك صورت حاصل نمیکند تا آنگاه که باکتری موجود نباشد.

شوند(۳۷)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿۳۸﴾

فرمود. یقینًا تو از مهلت دادگان ای(۳۸)

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿۳۹﴾

تا روز وقت معلوم(۳۹)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤۰﴾

گفت.پروردگارا چون مراگمراه قراردادی حتمًا برای آنها[گمراهی را]در زمین مزّین نشان دهم و همه آنها را گمراه سازم(٤۰)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤۱﴾

مگربندگان تو از آنها که مخلصان اند(٤۱)

قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤۲﴾

فرمود.[نشاندادن] این راه راست بر من است(٤۲)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤۳﴾

البته [آنانکه] بندگان من[اند] برآنان ترا هرگز غلبهٔ نباشد جزآنها ازگمراهان که ازپی تو روند(٤۳)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٤﴾

و یقینًا جهنم وعدهگاه همه آنها است(٤٤)

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٥﴾

آنرا هفت دراست.برای هرکدام دَر بخشی ازآنها مقرراست(٤٥)

ع ۱۹ ۳

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٦﴾

البته متقیان در باغها و چشمه سارها باشند(٤٦)

اُدْخُلُوْهَا بِسَلٰمٍ اٰمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾
بسلامتی ایمن وارد آنها شوند(٤٧)

وَنَزَعْنَا مَا فِيْ صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ﴿٤٨﴾
ومرچه کینه دردلهای ایشان است بر کنیم.برادروار روبروی همدیگر تخت نشین شوند(٤٨)

لَا يَمَسُّهُمْ فِيْهَا نَصَبٌ وَّمَا هُمْ مِّنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ ﴿٤٩﴾
ایشانرا در آنجا نه خستگی لمس کند و نه ایشان از آنجا بیرون رانده شوند(٤٩)

نَبِّئْ عِبَادِيْٓ اَنِّيْٓ اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٥٠﴾
بندگانم را خبر کن که یقینًا من آمرزگاری بارمارحمکننده ام(٥٠)

وَاَنَّ عَذَابِيْ هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيْمُ ﴿٥١﴾
و اینکه یقینًاعذابم نیز بسیاردرد ناك است(٥١)

وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ اِبْرٰهِيْمَ ﴿٥٢﴾
و بدیشان درباره مهمانان ابراهیم حالی کن(٥٢)

اِذْ دَخَلُوْا عَلَيْهِ فَقَالُوْا سَلٰمًا ؕ قَالَ اِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُوْنَ ﴿٥٣﴾
چون بر او داخل شدندپس سلام کردند اوگفت.ما که ازشما ترسان ایم(٥٣)

قَالُوْا لَا تَوْجَلْ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمٍ عَلِيْمٍ ﴿٥٤﴾
گفتند.نترس البته ما تو را به پسری دانا مژده میدهیم(٥٤)

قَالَ اَبَشَّرْتُمُوْنِيْ عَلٰٓى اَنْ مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُوْنَ ﴿٥٥﴾
گفت.آیا مرا مژده میدهید بااینکه مراپیری دررسیده است. پس مرا به چه مژده میدهید؟(٥٥)

قَالُوا بَشَّرْنٰكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْقٰنِطِيْنَ ﴿٥٦﴾

گفتند.الحق بتومژده داده ایم پس از نومیدان مباش(٥٦)

قَالَ وَمَنْ يَّقْنَطُ مِنْ رَّحْمَةِ رَبِّهٖٓ اِلَّا الضَّآلُّوْنَ ﴿٥٧﴾

او گفت، کیست جز گمراهان که از رحمت پروردگار خود نومید گردد(٥٧)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ اَيُّهَا الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٥٨﴾

گفت، ای فرستادگان! پس مقصود شما چیست؟(٥٨)

قَالُوْٓا اِنَّآ اُرْسِلْنَآ اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ ﴿٥٩﴾

گفتند، البته مابسوی قوم مجرمان فرستاده شده ایم(٥٩)

اِلَّآ اٰلَ لُوْطٍ اِنَّا لَمُنَجُّوْهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٦٠﴾

جز آل لوط. یقینًا ما همه ایشان را نجات دهیم(٦٠)

اِلَّا امْرَاَتَهٗ قَدَّرْنَآ اِنَّهَا لَمِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٦١﴾

جززنش که مابازشناخته ایم که حتمًااو ازپس ماندگان شود(٦١)

فَلَمَّا جَآءَ اٰلَ لُوْطِ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٦٢﴾

پس چون فرستادگان نزد قوم لوط آمدند(٦٢)

قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُوْنَ ﴿٦٣﴾

گفت،همانا! شما گروهی بیگانگان اید(٦٣)

قَالُوْا بَلْ جِئْنٰكَ بِمَا كَانُوْا فِيْهِ يَمْتَرُوْنَ ﴿٦٤﴾

گفتند،بلکه تورا[خبری] آورده ایم به آنچه آنان شك میکردند(٦٤)

وَاَتَيْنٰكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿٦٥﴾

و آمده ایم به تو بحق و یقینًا ما راستگویانیم(٦٥)

فَاَسْرِ بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ وَاتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ وَّامْضُوْا حَيْثُ تُؤْمَرُوْنَ ﴿٦٦﴾

پس بااهل خود در پارهٔ شب کوچ کن ودرپی آنان حرکت کن وهیچ کدام از شما دور زده نگاه نکند و به همان سوحرکت کنید که امر شده اید(٦٦)

وَقَضَيْنَآ اِلَيْهِ ذٰلِكَ الْاَمْرَ اَنَّ دَابِرَ هٰٓؤُلَآءِ مَقْطُوْعٌ مُّصْبِحِيْنَ ﴿٦٧﴾

و فرمان را به او رساندیم که آنها بامداد از بیخ کنده شوند(٦٧)

وَجَآءَ اَهْلُ الْمَدِيْنَةِ يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿٦٨﴾

ومردم شهرشادمان آمدند(٦٨)

قَالَ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ ضَيْفِيْ فَلَا تَفْضَحُوْنِ ﴿٦٩﴾

او گفت: ایشان مهمانان منند پس مرا رسوا نکنید(٦٩)

وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُوْنِ ﴿٧٠﴾

وازخدابترسیدومراخوارنکنید(٧٠)

قَالُوْٓا اَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧١﴾

گفتند.آیاترااز[مناسبات] جهانیان منع نکرده بودیم؟(٧١)

قَالَ هٰٓؤُلَآءِ بَنٰتِيْٓ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِيْنَ ﴿٧٢﴾

گفت،[توجه کنید] اینان دختران منند[ازاینان شرم کنید]اگرشما کنندگان اید(٧٢)

لَعَمْرُكَ اِنَّهُمْ لَفِيْ سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿٧٣﴾

[خداوند وحی کرده است]سوگند بجان تویقیناًآنها دربدمستی خود سرگردان اند(٧٣)

فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِيْنَ ﴿٧٤﴾

پس صبحگاه آنهارا عذابی غریده بگرفت(٧٤)

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٥﴾

پس آن شهر را زیرورو نمودیم و بر آنها سنگهایی کلوخه باران کردیم (۷۵)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٦﴾

یقینًا دراین [واقعه] پژوهندگان را آیتی بزرگست(۷٦)

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٧﴾

و البته آن [شهر]برجادهٔ بزرگ واقع است(۷۷)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

یقینًاپژوهندگان را در این نشانه ای بزرگ است(۷۸)

وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٩﴾

ویقینًااهل درختزارنیزستمکاران بودند(۷۹)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٨٠﴾

پس ماازآنهاانتقام گرفتیم و آندو برجادهٔ آشکار واقع است(۸۰)

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨١﴾

وهرآینه اهل حجرنیزازپیغمبران خود تکذیب کردند(۸۱)

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨٢﴾

و آنانرا آیتهای خود دادیم پس از آنها اعراض میکردند(۸۲)

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٣﴾

و آنان بیخطر در کوهها خانه ها می تراشیدند(۸۳)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٤﴾

پس آنها را نیز صبحگاه عذابی غریده بگرفت (۸٤)

فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٨٥﴾

آنگاه آنچه کسب میکردند بکار ایشان نیآمد(۸۵)

وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞۖ فَٱصۡفَحِ ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ ﴿٨٦﴾

و آسمانها و زمین وهرچه میان آندواست را فقط بحق آفریده ایم و ساعت حتماً میآید. پس گذشت کن با گذشتی نیکو(۸۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٨٧﴾

هرآینه پروردگارتو آفریدگاری با کمال و صاحب علم است(۸۷)

وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ ﴿٨٨﴾

و یقینًا هفت [آیه] بارها حفظ خوانده و قرآن بزرگی‌به تواعطا کرده ایم (۸۸)++

لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٩﴾

و نگشادیدگان خود راحریصانه بسوی‌آن مایه عیش که ببعضی از گروه های آنان داده ایم و بر آنها غم نخور و بال [مِهر]خود را بر مومنان فرودبیآر(۸۹)

---

++آیت ۸۸: چنین برآید که سبعاً مّن المَثانِی عبارت از آن هفت آیه از سورة الفاتحه است که معنای آنها بتکثیر درقرآن تکرارمیشود ومصدرحروف مقطعات نیز سورة فاتحه است. هیچکدام حرف از مقطعات نیست که خارج از آن سورة گرامی باشد. حالانکه علاوه بر آن در سورة فاتحه هفت حرف چنین است که بطور مقطعات به کار برده نشده است.

وَقُلۡ إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٩٠﴾

و بگو، همانا! من بیم دهنده ای آشکار ام(۹۰)

كَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَى ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ ﴿٩١﴾

مانند آن [عذاب]که برازهم منقسم شدگان فروفرستادیم (۹۱)

ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلۡقُرۡءَانَ عِضِينَ ﴿٩٢﴾

آنانکه قرآن راپاره پاره کردند(۹۲)

فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٩٣﴾

پس سوگند به پروردگارتوحتمًا ما از همه آنها بپرسم(۹۳)

عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٤﴾

درباره آنچه انجام میدادند(۹٤)

فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٩٥﴾

پس علنًابیانکن به آنچه امرشوی و از مشرکان اعراض کن(۹٥)

إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ ﴿٩٦﴾

یقینًامادرمقابل استهزاء کنندگان برای تو بس ایم(۹٦)

ٱلَّذِينَ يَجۡعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٩٧﴾

کسانیکه باخدامعبودی دیگرقرار داده اند پس بزودی بدانند(۹۷)

وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٨﴾

والبته میدانیم که دلتنگ شوی از آنچه میگویند(۹۸)

فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٩٩﴾

پس تسبیح کن باحمدپروردگار خودوازسجده کنندگان باش(۹۹)

وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ ﴿١٠٠﴾

وپروردگارخودرا عبادت کن تا آن انتها که به یقینت شود(۱۰۰)

# ١٦ -النحل

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ۱۲۹ آیت دارد.

در زمینه واژه"یقین "که درپایان سورة گذشته ذکرشد از آن یك معنی مرگ نیز گرفته میشود اما در مقام اول همان بمعنای یقین است. آغاز این سورة بااین سخن میشودکه آن امرکه بیقینت وعده شده بود بزودی میرسد. پس ای منکرانابطلب آن تعجیل نکنید وباید باورکنید که خداوند فرشتگان را از آسمان بر هرکه از بندگان خود بخواهد نازل میکند.

مضافاً سخن از آفرینش جانوران رفته و پیشگوئی میشود که خداوند چنین انواع سواریها پدید خواهد آورد که اینهنگام شمارا به آن هیچ دانشی نیست. این پیشگوئی در آنزمان درمورد آن سواریهای گوناگون کرده شد که در زمان کنونی ایجاد شده است.

برهمین منوال درمورد هرنوع جنبندگان گفته شد که حیاتی همه اینها متکی بر آن آب است که از آسمان فرومیبارد و از آن رستنیهای زمین می رستد و درختان و اثمار پدید میآیند. اما یك جنبه آب آنست که سایر جنبندگان وچارپایان ازآن بی‌خبراند. مثلاً چهارپایان علف میچرند بی آنکه پی از کُنه آن برده باشند. پس آن زندگی که پیغمبران خدا ناشی از آب روحانی نایل شوند و آن فیض را که ایشان دورترپخش میکنند این عمل را آنان پی نمی برند که قرآن آنها را بمثل چهارپایان تعریف کرده است و آنها "اَشرّ" گفته شدند یعنی حال آنها بدتر از چهارپان است.چهارپایان که فهم ندارند که این امر را پی برند اما اینها بظاهر دین را میفهمند بازهم محروم

از فیض آن هستند.

سپس سخن از بیشمار نعمتهای خداوند میرود. درعین حال ذکر از نعمتهای دریایی نیز بیان میشود. از آنجمله انواع ماهی است که آب شور از دریا مینوشد، از آن غذا میخورد و در آن زیست میکند. باینهمه در گوشتش به ذره ای هم طعم شوری نیست. درضمن این امر نیز مورد توجه قرار داده میشود که این نظام حیات که متکی بر آب است به آن کوهها وابستگی دارد که در زمین میخکوب محکم ایستاده اند.اگرچه این کوهها نبودند نظام تبخیرِآب شفاف از دریاها و باریدن آنهم نبود.

قرآن مجید از پهن شدن سایه ها بر زمین بدین رنگ حاکی است که گویی آنها به سجده فرورفته اند.اماجنبنده ها و فرشتگان نیز بحضور عظمت خداوند سجده میکنند. جنبنده های زمین بعلت دریافتن امرار معاش از زمین همواره در زبان حال بحضورخدا سجده میکنند و فرشتگان بعلت برخوردار بودن از دانش آب که از آسمان فرودمیآید سر به سجود میمانند.

آیة کریمه ٦٢ عبارت از این موضوعی شگفت انگیزاست که اگر خدا بعلت هریك ستمکاری آدمیان در مقام عقوبت برآید درآنصورت صف تمامی جنبندگان در زمین درهم پیچیده شود. حقیقت امر اینست که توجه انسان به این امر جلب کرده میشود که او باید فکرکند که اگرجبندگان نبودند بقای انسان نیزغیرممکن بود. بهمین علت بلافاصله فرمود که شمارا در دامها درس عبرت است.

ضمناًمثل از زنبور عسل زده عظمت وحی بیان میشود. درباره هیچکدام جانوری دیگر ذکر وحی شدن نیست. بظاهر زنبور عسل نیز مانند مگس

های دیگر است که بر کثافت نشوونما میابند. تفاوت تنها اینست که این از طریق وحی از هرنوع کثافت پاك شده است. این کندوی خود را نیز بر جاهای بلند و بالا مانند کوهها، درختان و داربستها وغیره درست میکند. این وحی شده است که آبِ هرنوع گل را بمکد. اگرچه کلمه ثمر بکار برده شد ولی این نیز دارای حکمتی دوگانه است. وقتیکه زنبور عسل گل را میمکد درنتیجه مکیدنش آن گل میوه میآرد و این زنبور آبِ هرکدام میوه را همان از گلها می مکد و منتهاعسلی که درست میکند آن دارای درمانی بزرگ است.

کلمات "یخرج من بطونها" به این امر کنایه ای است که عسل تنها از آب گلها تهیه نمیشود بلکه لعابی که از بطن زنبوردرمیآید زنبور آنرا با آب گل میآمیزد.باز زبانچه خودرا تکراراً در هوا درمیآرد و آن آمیزش را غلیظ کرده تبدیل به عسل نموده آنرا در حجره های کندو خود حفظ میکند.

سپس مثل از دو غلام داده میشود. یکی آنچنان احمق است که در کارش هیچ خیری نیست. دومین آنست که خدا او را رزق حسن معاشرت اعطاءکرده و او آن را به هر سوبنفع جامعه مردم پخش مینماید. این یکی نیز به زنبور عسل مشابهت دارد.مگسی غیراز زنبورعسل ازقبیل غلام اول است که درآن هیچ از جنبه ای سود نیست و زنبورعسل همچون غلامی است که به حسن معاشرت برخوردار است و او این ارزانی حسن را درجامعه مردم پخش مینماید.

سپس مثل انواع غلامان بر مردم بسته میشود. آنکس که به وحی خدا برخوردار نیست و خدا را گنگ می پندارد او خودش ابکم یعنی لال است. او دست به هرکاری زند معامله بزیان آنکار تمام کند- خسر الدنیا والآخرة.

دومین نوع غلامان پیغمبران خدا میباشند که به مردم تعلیم عدالت بهم میرسانند و مدام گام به صراط مستقیم می نهند. باید یادگرفت که در زمینه زنبورعسل نیزبهمین منوال گفته شد که راههای پروردگارخود را دنبال کن. پس رسولان را ازین جهت این بسیار فضیلت حاصل است که ایشان بر آن یك راه راست قدم مینهند که حتماً تا خدا میرساند.

بعلاوه، این سورة عبارت از ذکر پرندگان میباشد و اظهار میدارد که آن مرغان که در آسمان پرواز میکنند را نپندارید که اتفاقاًبالها اعطا شده آنهارا نیروی پرواز پیدا شد. تنهاپدیدآمدن بالها نمیتوانست مرغان را نیروی پرواز مهیا کند تا استخوانهای نرم وخالی و ساختگی خاص سینه و عضلاتی نیرومند در هر دو طرف سینه آنها ساخته نمیشد که همراه با اینقدر بار سنگین زمینه بلندپروازی فراهم میسازد. این پدیده ای حیرت انگیز است که اردکی وزین نیز میتواند پیوسته چندین هزار میل درحالت پرواز بماند.ترکیب درونی اش همچون قسمت جلوئی جت هواپیما است که هوا را منتشرمیسازد و ناشی از این ساختگی هوا آنرا تا حد اقل تحت فشار قرار میدهد.اردکی که این فشارهوا را بیشترتحمل میکند دیگران را طی پرواز پیشوائی‌میکند،چندی‌بعد،اردکی دیگر ازپشت سرآمده جایگزین آن میشود. درضمن، همین مرغان، مرغان آبی میشوند. آنهابه غرق روبرونمیشوند باآنکه بعلت سنگینی وزن خود باید به غرق فرو میرفتند. علت غرق ناپذیری این است که پرهای‌کوتاه بر تن آنها باد را درخود جمع میکنند. این باد قید در پرها آنها را از غرق نگهداری میکند. این کار امکان پذیر نیست تا وقتیکه پرها دارای چنین مواد روغنی نباشند که آنها را ازجذب آب جلوگیری کند.

مشاهده میشود که مرغان پرهای خود را از منقار خود میگذارند. این امر شگفت انگیز است که آنگاه خداوند از بدن آنها چنین مواد روغنی در میآرد که مالیدن آن بر پرهابسیارمهم است.اکنون سوال مطرح میشودکه چگونه آن مواد خود بخود بوجود آمد و چطور به منقار آنها رسید و چگونه در مرغان نیروی اِدراك پیدا شد که جلوگیری از فرورفتن آب در بدن خود ضروری است و الا در آب غرق میشوند؟

سپس ذکر از آن معجزه شگفت آور قرآن است که هر چیز را بتفصیل بیان میکند و از این جهت آن برتری که قرآن را بر کتابهای دیگر حاصل است همان فضیلت رسول الله ﷺ را بردیگر پیغمبران است.بهمین دلیل است که بطوریکه پیغمبران بر قومهای خویش شهید بودند رسول الله ﷺ بر همه ایشان شهید قرار داده شدند.

تعلیم قرآن بر هرچیز محیط است و مثلش درآیة ۹۱ موجود است که آن خود تمامی تعلیمات اخلاقی و روحانی را دربرگرفته و برآنها حاوی است. نخستین همه،سخن ازعدالت میرودکه بی آن هرگز اصلاح دردنیا امکان پذیر نیست. سپس ذکراز احسان است که انسان را مقامی بالاتر از عدالت فراهم میآرد. بالآخر ذکرازایتاء ذی القربی کرده موضوع را برانتهای بلندی اش رسانده است. متن این آیه حاکی است که ایشان به همدردی نوع انسان بطوری انفاق میکنند چنانکه مادر درحق فرزندان خود هزینه مینماید و در قبال این طمع هیچ خدمت یا مزدی به دلش راه نمییابد. این والاترین رتبه به آنحضورﷺ حاصل بود. ایشان پاك از تصور هر نوع عوض، نوع انسان را فیض میرساندند.

در آخرین رکوع این سورة حضرت ابراهیم علیه السلام که تك نفر بود بعنوان یك امت ارائه داده شد. زیرا که بوجود آمدن بسیاری امتها از وجود ایشان قرار شده بود و این موضوع رسالت آنحضرت ﷺ را فرا گرفته به بالاترین مرتبه خودمیرسد. پس آنحضرت ﷺ نیز وحی شدند که سنت ابراهیمی را فراگیر و مجملاً بیان شد که باحکمت و موعظه حسنه مردم را بسوی پروردگارخود بخوان. اما اینکار تقاضا دارد که انسان دست خود را به انتهای صبر محکم بند کند و واژه "لا تستعجل" عبارت از کنایه بهمین موضوع است. انقلاب روحانی آناً صورت وقوع حاصل نمیکند بلکه انتهای صبر را متقاضی میباشد و این نوع صبر بدون تقویٰ بدست نمیآید و از اینهم بیشتر به کسانی حاصل میشود که حسن عمل یعنی درعمل خود احسان را پیش میگیرند.

ضمناً یك جنبه از موضوع احسان در کلمات "یامربالعدل والاحسان" بیان شده است ویکی دیگررا آن شرح است که رسول اللہﷺ بیان فرمودند که معنای احسان اینست که گامیکه تو برای عبادت بپا شوی بطوری بپا شوگویی که خدا را می بینی و حد اقل تقاضای احسان اینست که برای عبادت در آن حالت احترام بپا شو گویی که خداوند تو را می نگرد.

☆ سُوْرَةُ النَّحلِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ تِسْعٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةَ عَشَرَ رُكُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعاوبلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

اَتٰۤى اَمْرُ اللّٰهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوْهُ ؕ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ②

فرمان خدا فرامیرسد پس برای آن تعجیل نکنید. او پاك و بالاتر است از آنچه شرك میورزند(٢)

يُنَزِّلُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِالرُّوْحِ مِنْ اَمْرِهٖ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖۤ اَنْ اَنْذِرُوْۤا اَنَّهٗ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنَا فَاتَّقُوْنِ ③

اوفرشتگان را با روح القدس با فرمان خودبرهرکه ازبندگان خود بخواهد فرومیفرستد که هشدار دهید که همانا هیچ معبودی نیست جزمن پس ازمن بترسید(٣)

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ؕ تَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ④

او آسمانهاوزمین را باحق آفرید. بسیار بالاتر است از آنچه شرك میورزند(٤)

خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ⑤

اوانسان را ازنطفه ای‌آفریداینك ناگاه اوستیزه گری‌آشکارشد(٥)

وَالْاَنْعَامَ خَلَقَهَا ۚ لَكُمْ فِيْهَا دِفْءٌ وَّمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ⑥

و چهارپایان را آفرید. شمارا در آنهااسباب بحصول گرمی و منافع است و هم از آنها میخورید(٦)

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ⑦

وشما را درآن زیبائی است چون شامگاه آنهارا بعدازچرا میآرید و وقتی برای چرا میبرید(۷)

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ⑧

و بارهای شمارا حمل کنند بسوی شهری که شمارانمیشد بلازحماتی طاقت فرسا تا آن برسید. هرآینه پروردگارشمابسیار مهربان بارها رحم کننده است(۸)

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۚ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ⑨

واسبان واسترها و الاغها [آفرید] که هم برآنهاسواری کنیدوهم مایه زینت شود و برایشما بوجودآرد آنچه را نمیدانید(۹)

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ ۚ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ⑩

ع ٧

وبرخدااست هدایت کردن[مردم] براه راست حالیکه از آن [راه]ها برخی کج است و اگر خدا می خواست حتمًا همه شمارا بهم هدایت میداد(۱۰)

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ⑪

اوست آنکه آب را برای شما از آسمان نازلکرد.ازآنست برایشما نوشیدنیوازآنست[رستن]درختان که درآنها[دامها] میچرانید(۱۱)

يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ الزَّرۡعَ وَالزَّيۡتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالۡاَعۡنَابَ وَمِن كُلِّ الثَّمَرٰتِ ؕ اِنَّ فِيۡ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوۡمٍ يَّتَفَكَّرُوۡنَ ﴿١١﴾

برایشما بدان کشت و زیتون و خرمه وانگورو هرنوع میوهها را میرویاند.یقینًا دراین آیتی است برای قومیکه میندیشند(١٢)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيۡلَ وَالنَّهَارَ ۙ وَالشَّمۡسَ وَالۡقَمَرَ ؕ وَالنُّجُوۡمُ مُسَخَّرٰتٌۢ بِاَمۡرِهٖ ؕ اِنَّ فِيۡ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوۡمٍ يَّعۡقِلُوۡنَ ﴿١٢﴾ۙ

و برایشماشب وروز وخورشید و ماه رامسخرکرد وستارگان نیز با امر او مسخرند. یقینًا در این آیتهای است برای قومیکه عقل کنند(١٣)

وَمَا ذَرَاَ لَكُمۡ فِى الۡاَرۡضِ مُخۡتَلِفًا اَلۡوَانُهٗ ؕ اِنَّ فِيۡ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوۡمٍ يَّذَّكَّرُوۡنَ ﴿١٣﴾

و او هرچه را درزمین از انواع مختلف برای شما آفرید[همه آنها درخدمت شما مسخراند]. یقینًا دراین آیتیاست قومی را که پند میپذیرند(١٤)

وَهُوَ الَّذِىۡ سَخَّرَ الۡبَحۡرَ لِتَاۡكُلُوۡا مِنۡهُ لَحۡمًا طَرِيًّا وَّتَسۡتَخۡرِجُوۡا مِنۡهُ حِلۡيَةً تَلۡبَسُوۡنَهَا ۚ وَتَرَى الۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيۡهِ وَلِتَبۡتَغُوۡا مِنۡ فَضۡلِهٖ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُوۡنَ ﴿١٤﴾

و اوست آنکه دریا را مسخر کرد تا ازآن گوشت تازه ای بخورید و ازآن مایه زینت درآرید که آنها را میپوشید و کشتیها را میبینی که در آن آب را شکافته حرکت کنند تاشما فضل او را تلاش کنید و تاشماسپاس گذارید(١٥)

| | |
|---|---|
| وَاَلْقٰى فِى الْاَرْضِ رَوَاسِىَ اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ وَاَنْهٰرًا وَّسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١٦﴾ | و نهاد درزمین کوهها را که شمارا امرار معاش مهیاسازد و نهرها و راههائی تاشماهدایت بیابید(۱٦) |
| وَعَلٰمٰتٍ ؕ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿١٧﴾ | و بسیار علامتها رهنمون دیگر و آنها از ستارگان نیز رهنمائی می گیرند(۱۷) |
| اَفَمَنْ يَّخْلُقُ كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿١٨﴾ | آیا آنکه میافریند نظیر آنست که نمیآفرینند؟پس چرا پند فرا نمی گیرید؟(۱۸) |
| وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٩﴾ | واگر نعمت خدا را بشمارید آنرا احاطه نمیکنید.یقینًاخداآمرزگار بارهارحمکننده است(۱۹) |
| وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ ﴿٢٠﴾ | و خدا میداند آنچه نهان کنید و آنچه عیان کنید(۲۰) |
| وَالَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَا يَخْلُقُوْنَ شَيْـًٔا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ ﴿٢١﴾ | وآنانرا که گذشته ازخدامیخوانند چیزی را نمیآفرینند حالیکه آنها خود آفریده میشوند(۲۱) |
| اَمْوَاتٌ غَيْرُ اَحْيَآءٍ ۚ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ۙ اَيَّانَ يُبْعَثُوْنَ ﴿٢٢﴾ ع | مردگانند نه زندگان و درك نکنند کی برخیزانده شوند(۲۲)++ |

++آیت۲۲:اینجا رد آن مشرکان است که ایمان داشتند به خدایان قلابی که همچون مردگان و فاقد آثار زندگی بودند.

اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ فَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ قُلُوْبُهُمْ مُّنْكِرَةٌ وَّهُمْ مُّسْتَكْبِرُوْنَ ﴿٢٢﴾

معبود شما معبودی یگانه است. پس آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آرند دلهای آنان انکارکننده است وآنان تکبر کنندگانند(٢٢)

لَا جَرَمَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ؕ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِيْنَ ﴿٢٣﴾

هیچ شکی نیست که یقینًا خدا میداند آنچه نهان کنندو آنچه عیان کنند. یقینًا او تکبر کنندگانرا دوست ندارد(٢٤)

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ مَّاذَآ اَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۙ قَالُوْٓا اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ۙ﴿٢٤﴾

و چون گفته شود چیست آنچه پروردگارتان نازل کرد گویند، اساطیر پیشینیانست(٢٥)

لِيَحْمِلُوْٓا اَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ۙ وَمِنْ اَوْزَارِ الَّذِيْنَ يُضِلُّوْنَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ؕ اَلَا سَآءَ مَا يَزِرُوْنَ ﴿٢٥﴾

[گویی میخواهند] که روز قیامت کلیه بارهای خویش رابردارند و هم بارهای آنهائی بردارند که آنها رابدون علم گمراه میکردند. باش! بسیار بداست آنچه بردارند(٢٦)

ع ٣ / ٩

قَدْ مَكَرَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَى اللّٰهُ بُنْيَانَهُمْ مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَاَتٰىهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٢٦﴾

البته پیشینیان ایشان نیزنیرنگ کرده بودند. آنگاه خدابناهای آنان رااز بنیادها خراب کرد وبرآنها بام ازبالای آنهافروافتاد وآنهارا عذاب ازسوی آمد که گمان نکردند(٢٧)

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَآقُّونَ فِيهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوٓءَ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٢٨﴾

سپس روز قیامت آنهارا رسوا کند و گوید، کجایند آن شریکانم که جهت آنها شما مخالفت میکردید؟ آنانکه دانش داده شدند گویند، امروز ذلت و سختی بر کافران است(۲۸)

الَّذِينَ تَتَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنْفُسِهِمْ ۖ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوٓءٍ ۚ بَلٰىٓ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌۢ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

آنانکه فرشتگان آنانراوفات دهند درحالیکه برخویشتن ستم میکنند پس صلح نهندکه هرگزمازشتکاری نمیکردیم.آری!یقیناًخداآگاه است به آنچه شمامیکردید(۲۹)

فَادْخُلُوٓا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِينَ فِيهَا ۚ فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٣٠﴾

پس بداخل درهای جهنم بشوید که درآن مدت متمادی ماندگارید. پس جایگاه متکبران بسیار زشت است(۳۰)

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَآ أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۚ قَالُوا خَيْرًا ۗ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۚ وَلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ ۚ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾

و کسانیکه تقوی اختیارکردند را گفته شود، چیست که پروردگار شما نازل کردگویند، سراپاخیر. کسانیراکه دراین دنیا نیکوکاری کردند خوبی [مقدر] است وخانه آخرت که بس نیکو است.و بهاچه

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ لَهُمْ فِيْهَا مَا يَشَآءُوْنَ ؕ كَذٰلِكَ يَجْزِي اللّٰهُ الْمُتَّقِيْنَ ۙ﴿۳۱﴾

عالی است خانه متقیان(۳۱) باغهای جاودانست که بداخل آنها شوند.در دامنه آنها نهرهای روان شود.برای ایشان درآنهااست آنچه بخواهند.خدا پاداش متقیان این گونه میدهد(۳۲)

الَّذِيْنَ تَتَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ طَيِّبِيْنَ ۙ يَقُوْلُوْنَ سَلٰمٌ عَلَيْكُمُ ۙ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۳۳﴾

کسانیکه فرشتگان ایشانرا وفات دهند[حالیکه]پاکند،گویندسلام بر شماواردبهشت شویدبدان عمل که میکردید(۳۳)

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ يَاْتِيَ اَمْرُ رَبِّكَ ؕ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿۳۴﴾

آیاآنهاانتظاردارندجزاینکه آنانرا فرشتگان آیندیافرمان پروردگار تو دررسد؟ بدینسان عمل کردند کسانیکه پیش ازآنهابودندخدا بر آنهاستم نکردبلکه خودبرخودشان ستم میکردند(۳٤)

فَاَصَابَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا عَمِلُوْا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿۳۵﴾ ع

پس آنهارا دررسیدزشتیهای اعمال خود وآنهارافراگرفت آنچه به آن تمسخر میکردند(۳۵)

وَقَالَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا لَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَآ

وگفتندآنانکه شرک کردنداگرخدا میخواست گذشته از اوچیزی را

اٰبَآؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ شَیْءٍ ؕ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿٣٦﴾

پرستش نمیکردیم ماونه پدرانما ونه خلاف میل او چیزی را حرام قرارمیدادیم.همینطورکردندآنانکه پیش از آنها بودند.پس آیاتکلیف رسولان است مگر آنکه آشکارا ابلاغ کنند؟(٣٦)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِیْ كُلِّ اُمَّةٍ رَّسُوْلًا اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوْتَ ۚ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللّٰهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلٰلَةُ ؕ فَسِيْرُوْا فِی الْاَرْضِ فَانْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٣٧﴾

و یقینًا در هرکدام امت رسولی فرستادیم که خدا را عبادت کنید وازبتان دوری‌گزینید. پس ازآنها اند که خدا آنهارا هدایت داد و از آنانند که گمراهی برآنهاواجب شد.پس درزمین بگردیدوبنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه شد(٣٧)

اِنْ تَحْرِصْ عَلٰى هُدٰىهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِیْ مَنْ يُّضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٣٨﴾

اگربرهدایت آنهاحرص زنی پس یقینًاخدا هدایت نمیدهد آنها را که گمراه میکنند و آنها را کسی از یاوران نیست(٣٨)

وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ ۙ لَا يَبْعَثُ اللّٰهُ مَنْ يَّمُوْتُ ؕ بَلٰى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٩﴾ۙ

و قسمهای خورند به خدا قسمهای جدّی خویش که هرکه بمیرد خدا او رابرنخیزاند.بلی!این وعدهٔ ی

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٤٠﴾

است که براو بفرض است و اما اکثر مردم نمیدانند(۳۹)
تاآن امررا برایشان آشکار سازد که درآن اختلاف میکنند و تا آنها که کفرکردندبدانند که آنها دروغ پردازانند(۴۰)

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤١﴾

گفتار مابرای چیزی مرگاه آن را بخواهیم فقط اینست که برای آن میگویم، باش. پس آن رومینهد و منتها میشود(۴۱)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

وآنانکه درراه خدامهاجرت کردند ازآن پس که ستم دیدند ایشان راجای نیکو دهیم دردنیا و البته مزد آخرت بزرگتراست کاشکی میدانستند(۴۲)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٣﴾

[این پاداش است برای] آنانکه صبرکردند وبر پروردگار خویش توکل میکنند(۴۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ

و پیش از تو کسی را نفرستادیم جز آن مردان که بسوی ایشان وحی میفرستادیم.پس ازاهل ذکر

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

بپرسید اگر شما نمیدانید(٤٤)

بِالْبَيِّنَٰتِ وَالزُّبُرِ ۗ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٥﴾

[وماایشانرا] با نشانه های آشکار وصحیفه های [فرستادیم] و بسوی تو نیز ذکر فروفرستاده ایم تا مردم راآشکارکنی‌آنچه بسوی‌آنها نازلکرده شده بود و تا آنها به تفکر بپردازند(٤٥)

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٦﴾

پس آیاکسانیکه برای‌بدیهانیرنگ زدندایمن شده اندکه خداآنهارادر زمین فروبردیاعذاب آنهارا بیآید از سوی که گمان هم نکنند(٤٦)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٧﴾

یاآنهارا در آمدورفت آنها بگیرد. پس نیستند آنهاکه [مقصود خدا را] بعجز آورند(٤٧)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ ۗ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٤٨﴾

یا آنها را جهت کاهش تدریجی بگیرد.پس پروردگارتوبسیارمهر نواز بارهارحم کننده است(٤٨)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ﴿٤٩﴾

آیاایشان مشاهده نکردند مرچه خدا آفریده است سایه های آن از چپ و راست تغییرمکان کرده برای خدا سجده میکنند و آنان

فروتنی کنندگانند(٤٩)

وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مِنْ دَآبَّةٍ وَّالْمَلٰٓئِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿٥٠﴾

وخدارا سجده کنندهرچه درآسمان ها و هرچه در زمین ازجنبندگان است وفرشتگان نیز و آنان تکبر نمیکنند(٥٠)

يَخَافُوْنَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ ﴿٥١﴾

میترسنداز پروردگارغالب خود و انجامدهندهمانکه امرشوند(٥١)

وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوْٓا اِلٰهَيْنِ اثْنَيْنِ ۚ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ فَاِيَّايَ فَارْهَبُوْنِ ﴿٥٢﴾

وخداگفت، دو تا معبود نگیرید. یقینًا فقط اومعبودی یگانه است. پس صرفًا از من بترسید(٥٢)

وَلَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَهُ الدِّيْنُ وَاصِبًا ۭ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَتَّقُوْنَ ﴿٥٣﴾

و ازآن اوست هرچه در آسمانهاو زمین است واطاعت ازاو واجب است پس آیا غیر از خدا همی ترسید(٥٣)

وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ثُمَّ اِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَاِلَيْهِ تَجْـَٔرُوْنَ ﴿٥٤﴾

و هرچه نعمت شمارا است پس از خدااست.پس چون شما را سختی دررسد آنگاه بسوی او زاری می کنید(٥٤)

ثُمَّ اِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿٥٥﴾

سپس هرگاه سختی را از شما دورسازدبیدرنگ گروهی ازشمابه خدای‌خودشریك قراردهند(٥٥)

لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٥٦﴾

تاناسپاسی کنند به آنچه ایشان را در داده ایم. پس بکمی بهره بکشید آنگاه [نتیجه اش را] حتماً خواهید دانست(٥٦)

وَيَجۡعَلُونَ لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡۗ تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ ﴿٥٧﴾

وسهمی گزینند از آنچه ایشان را رزق داده ایم برای آنچه را که نمیدانند. سوگند به خدا که حتمًا پرسیده شوید ازآنچه شما برمی بافتید(٥٧)

وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ ٱلۡبَنَٰتِ سُبۡحَٰنَهُۥ وَلَهُم مَّا يَشۡتَهُونَ ﴿٥٨﴾

وبرای خدا دختران ساخته اند. او پاك است. حالیکه برای خودشان است آنچه دوست دارند(٥٨)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ﴿٥٩﴾

و هرگاه کسی از آنها مژده ای از دختری داده شود صورتش از اندوه تیره میگردد و او خشم را فروبرنده است(٥٩)

يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ﴿٦٠﴾

متواری شود از مردم ازرنج آن مژده که بدو داده شد ـ آیا در مقابل خواری او[احسان خدارا] نگهدارد یا او را درخاك فروکند باش!بسیارزشت است آنچه آنها

لِلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ ۚ وَلِلّٰهِ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٦١﴾ ع

فیصل میدهند(٦٠)

برای آنانکه به آخرت ایمان نمی آرندمثل بسیارزشت است و والا ترین مثل برای خدا است و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(٦١)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَآبَّةٍ وَّلٰكِنْ يُّؤَخِّرُهُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ ﴿٦٢﴾

واگرخدا مردم رابعلت ستمگری ایشان مواخذه میکردهیچ جنبندهٔ را بر زمین باقی نمیگذاشت واما آنهارا تا مدتی معیّن فرصت دهد. پس هرآن نهایت زمانی آنها فرا رسد نه لحظه ای تاخیرکنند و نه پیشی گیرند(٦٢)

وَيَجْعَلُوْنَ لِلّٰهِ مَا يَكْرَهُوْنَ وَتَصِفُ اَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ اَنَّ لَهُمُ الْحُسْنٰى ؕ لَا جَرَمَ اَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَاَنَّهُمْ مُّفْرَطُوْنَ ﴿٦٣﴾

و برای خدا قرار دهند آنچه را خودشان دوست ندارند و زبان هایآنهادروغ سرایدکه[هرچیزی] نیکوبرای آنهااست. بیگمان برای آنها آتش است ویقینًاآنهابی‌یار و یاور رمانیده شوند(٦٣)

تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَآ اِلٰٓى اُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ

سوگند به خدا که یقینًاما بسوی قوم های پیش از تو [رسولان]

وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٦٤﴾

فرستادیم. پس شیطان آنهارا اعمالشان مزین نمود.پس امروز او دوست آنانست حالانکه آنها را عذابی دردناکست(٦٤)

وَمَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ اِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِى اخْتَلَفُوْا فِيْهِ ۙ وَهُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٦٥﴾

وکتاب را بسوی تو نفرستادیم مگراینکه برای آنها آشکارسازی آنراکه درآن اختلاف کنند و[برای اینکه]هدایت و رحمت است برای قومیکه ایمان آورند(٦٥)

وَاللّٰهُ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ؕ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿٦٦﴾ ع ٨ ١٤

وخدانازلکرد ازآسمان آبی را که بدان زمین را پس از مرگش زنده نمود.یقینًادر این نشانه ای بزرگ است قومی راکه گوش کنند(٦٦)

وَاِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً ؕ نُسْقِيْكُمْ مِّمَّا فِىْ بُطُوْنِهٖ مِنْۢ بَيْنِ فَرْثٍ وَّدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشّٰرِبِيْنَ ﴿٦٧﴾

و یقینًا شمارا در چهارپایان نیز نشانه ای بزرگ است. شمارا می نوشانیم ازآنچه درشکم های آنها است از میان سرگین و خون، شیری خالص که نوشندگان را خوش مزه است(٦٧)

وَمِنْ ثَمَرٰتِ النَّخِيْلِ وَالْاَعْنَابِ تَتَّخِذُوْنَ مِنْهُ سَكَرًا وَّرِزْقًا حَسَنًا ؕ اِنَّ فِىْ

و ازمیوههای خرماوانگور[هم می نوشانیم]ـ ازآن می و رزقی نیکو

ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾

میگیرید. یقینًا در این نشانه ای بزرگ است برای قومیکه عقل کنند(٦٨)

وَاَوْحٰى رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِيْ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوْتًا وَّ مِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُوْنَ ﴿٦٩﴾

و پروردگارتو بسوی زنبورعسل وحی‌کرد که درکوههاودر درختان و در[گیاه خزنده]آنچه رادارېست زنند خانه بساز(٦٩)

ثُمَّ كُلِيْ مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ فَاسْلُكِيْ سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ؕ يَخْرُجُ مِنْ بُطُوْنِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ فِيْهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٧٠﴾

سپس بخور ازمیوههای هرگونه و راه های پروردگارخود را فروتن بپو. ازشکمهای‌آنهاشربتی درمیآید که رنگهایش گونا گونست ومردم را در آن شفأ است. یقینًا در این آیتی بزرگ است برای قومیکه بیاندیشند(٧٠)

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفّٰكُمْ ۙ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ اِلٰٓى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ﴿٧١﴾ ع

و خدا شمارا آفرید سپس شمارا وفات دهد وکسی از شما است که به سن تهی وحواس باخته رسانده شود تا پس از دانستن هیچ نه داند یقینًا خدا صاحب علم دایمی مدام قدرتمند است(٧١)

وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ فِي

وخدا در رزق برخی از شما را

الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَآدِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧٢﴾

بر برخی فضیلت داده است.پس آنانکه برتری داده شدندنیستندکه مالهای‌خود را به زیردستان خود برگردانند که آنان درآن یکسان گردند.پس آیا نعمت خدا را(بعلم آن)انکار کنند؟(۷۲)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٣﴾

و خدا است بخاطر شما از جنس خودشماجفتهای‌ساخت وبرای‌شما ازجفتهای شما پسران و نوادگان درداد و از پاکیزه های رزق شما مهیاکرد.پس آیاباباطل ایمان آرند وبه نعمتهای‌خدا انکارکنند؟(۷۳)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٤﴾

و عبادت میکنند جزخدا آنچه را که جهت رزق آنها از آسمانها و زمین هیچ هم مالك نیست و آنان که استعداد هم ندارند(۷۴)

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

پس برای خدامثلها نه زنید.یقینًا خدامیداند و شمانمیدانید(۷۵)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا

خدا مثل میزند از بنده ای که در ملك کسی‌است وبرچیزی قدرت ندارد وازآنکه او راازجانب خود

فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَّ جَهْرًا ؕ هَلْ يَسْتَوٗنَ ؕ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ؕ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۷۶﴾

رزقی نیکوارزانی داریم پس او از آن هم نهان انفاق میکند و هم عیان.آیااین دو یکسانند؟ ستایش مطلق خاص خدا است اما اکثر ایشان نمیدانند(۷۶)

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ اَحَدُهُمَآ اَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلٰى شَیْءٍ وَّهُوَ كَلٌّ عَلٰى مَوْلٰهُ ۙ اَيْنَمَا يُوَجِّهْهُّ لَا يَاْتِ بِخَيْرٍ ؕ هَلْ يَسْتَوِیْ هُوَ ۙ وَمَنْ يَّاْمُرُ بِالْعَدْلِ ۙ وَهُوَ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿۷۷﴾ ع

هم خدامثل دوتن رامیزند.یکی از آندو گنگ است ـ برچیزی قدرت ندارد و او برارباباش باری است. او را هرسوبفرستدخیری نمیآرد آیا او و آنکه بدادامرکند و او بر راه راست است میتوانند یکسان باشند؟(۷۷)

وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَمَآ اَمْرُ السَّاعَةِ اِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۷۸﴾

و ازآن خدا است غیب آسمانها و زمین و امرقیامت همچون چشم بهم زدن است یازودترازآن. یقینًا خدا بر هر چیز مدام قدرتمند است(۷۸)

وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا ۙ وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۙ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۷۹﴾

وخدا شمارا ازشکمهای مادرانتان بیرون آورد که هیچ نمیدانستید و برای شماگوش و چشمان و دل ساخت تاشما شکر کنید(۷۹)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَٰتٍ فِى جَوِّ السَّمَآءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللّٰهُ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴿٨٠﴾

آیاپرندگان رادرجوّآسمان مسخر شده ندیدند؟ آنها راجزخدا کسی نگه نمیدار.یقینًادرآن اهل ایمان را آیتهای است(٨٠)

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ الْأَنْعَٰمِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَآ أَثَٰثًا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٍ﴿٨١﴾

و خدابرایشما درمنازلتان آرامش نهادوبرایشماازپوست چهارپایان [مانند] خانه ماساخت که آنها را روز کوچ خود و روز توقف خود سبك میيابيد و از پشم آنها و از كرك آنها و از موهای آنها اثاث تهيه كردن و تا زمانی بهره كشی است(٨١)

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَٰنًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴿٨٢﴾

و خدابرایشما ازآنچه او آفرید سایه افکنهای‌ساخت وبرایشما در کوهها پناه گاههای‌ساخت و برای شماجامه های‌مهیاکردکه شمارا از گرماحفظ میکندوجامه های‌ساخت که شماراازسختی‌جنگ حفظ کند. اینگونه او نعمتهای‌خودرا برشما بکمال میرساند تا شمافرمانبردار شوید(٨٢)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَٰغُ الْمُبِينُ ﴿٨٣﴾

پس اگر روی برتابند آنگاه برتو تنها آشکارا ابلاغ کردن بود(٨٣)

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَٰفِرُونَ ﴿٨٤﴾

آنها نعمت خدارا شناخته بازهم از آن انکار کنند و اکثرشان کافران اند(٨٤)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٥﴾

و روزیکه ما از هریك امت یك گواه مبعوث نمائیم سپس کسانی که کفرکردند اجازه داده نشوند [که هیچ حرف زنند] و نه آنها رسائی به آستانه داده شوند(٨٥)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٦﴾

وچون کسانیکه ستم کردند عذاب را بنگرند آنگاه آن از آنها کاسته نشود و نه آنها مهلت داده شوند(٨٦)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِن دُونِكَ ۖ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿٨٧﴾

وچون کسانیکه شرك ورزیدند شریکان [خیال بافته] خود را بنگرند گویند، ای پروردگارما! اینهائی اندشریکان ما که ما آنها راگذشته از تو میخواندیم. آنگاه آنهاسخن [خود آنها]را بسوی آنها خواهند افکند، یقینًا شما دروغ

گویان اید."(۸۷)

وَاَلْقَوْا اِلَى اللّٰهِ يَوْمَئِذِ ِالسَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٨٨﴾

پس آنروز آنها بسوی خدا طرح صلح نهند و هرچه بر میبافتند از آنها ناپیدا شود(۸۸)

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ زِدْنٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوْا يُفْسِدُوْنَ ﴿٨٩﴾

کسانیکه کفر کردند و از راه خدا باز داشتند آنهارا عذابی بر عذاب بیفزائیم چه فسادمیکردند(۸۹)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِيْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ اَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيْدًا عَلٰى هٰٓؤُلَآءِ ؕ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَّهُدًى وَّرَحْمَةً وَّبُشْرٰى لِلْمُسْلِمِيْنَ ﴿٩٠﴾ ع ١٢/٦/١٨

و روزیکه درهرقوم گواه ای بر آنان از خود ایشان برخیزانیم و تو را برهمه آنها گواه بیاوریم و بسوی تو کتابی نازل کرده ایم که هرامر راآشکارا بیان کننده و هدایت و رحمت و فرمانبرداران را مژدهٔ است(۹۰)

اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَاِيْتَآئِ ذِي الْقُرْبٰى وَيَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿٩١﴾

ویقیناً خدابعدالت واحسان وعطا کردن مانندعطاکردن به خویشاوندان امرمیکند و از فحشائی ومنکرات وسرکشی باز میداردتا شما نصیحت فراگیرید(۹۱)

وَاَوْفُوْا بِعَهْدِ اللّٰهِ اِذَا عٰهَدْتُّمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْاَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيْدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللّٰهَ

و عهدخدای راوفاکنید هرگاه عهد کنیدوسوگندهارا پس ازاستواری

عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩٢﴾

آنهانشکنید درحالیکه شماخدارا ضامن خود برگزیده اید و البته خدامیداندآنچه انجام دمید(۹۲)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۚ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾

و مانندآن زن نشوید که رشته تابیده خود راپس ازاستواری آن تکه تکه کرد.سوگندهای خود را میان خود بفریب میگیرید مبادا قومی ازقومی برترآید.یقینًا خدا بدان شمارا فقط آزمایش میکند و البته روزقیامت بر شما روشن تر سازد آنچه را که در آن شما اختلاف میکردید(۹۳)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾

وخدااگردوست داشت همه شمارا يك امت میساخت و اما او هرکه را خواهد گمراه میسازدوهرکه را خواهد هدایت میدهد و حتمًا شما پرسیده شوید از آنچه عمل می کردید(۹٤)

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۖ

و قسمهای‌خود را میانخود بفریب نگیریدمباداقدم شماپس ازاثبات آن بلغزد و[طعم] بدی را بچشید

وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٥﴾

بدانچه ازراه خدا بازمیداشتید و شمارا عذابی بزرگ باشد(۹۵)

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

و پیمان خدای را ببهایی ناقابل معاوضه نکنید.یقینًا آنچه نزدخدا است برای شما فقط آن نیکو است اگر شما میدانید(۹٦)

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾

آنچه نزدشمااست تمام میشود و آنچه نزدخدااست باقی میماند و حتماًمزددهیم آنانراکه صبرکردند مزد ایشان مطابق آن نیکو ترین عمل که انجام می دادند(۹۷)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾

هرکه نیکوکاریهاانجام دهد مرد است یا زن و او مومن است آن گاه یقینًا او را زنده نگهداریم به زندگی پاکیزه و حتمًا ایشان را پاداش دهیم پاداش ایشان به آن بهترین عمل که انجام می دادند(۹۸)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٩﴾

پس چون قرآن فروخوانیآنگاه به خداپناه ببر از شیطان رانده شده(۹۹)

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿١٠٠﴾

البته او را غلبهٔ ی برآنان نیست که ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند(١٠٠)

إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِيْنَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِيْنَ هُمْ بِهٖ مُشْرِكُوْنَ ﴿١٠١﴾ ع

غلبه او فقط برآنها است که او را دوست میگیرندوکسانیکه به او [خدا] شرك آوردگانند(١٠١)

ع ١٣ ١١ ١٩

وَإِذَا بَدَّلْنَا اٰيَةً مَّكَانَ اٰيَةٍ ۙ وَّاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوْا إِنَّمَا اَنْتَ مُفْتَرٍ ؕ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠٢﴾

و چون آیتی بجای آیتی تبدیل کنیم و خدا نیکوتر میداند آنچه نازل کند گویند،توفقط فرابافنده ای.حقیقت اینست که بیشتر از ایشان نمیدانند(١٠٢)

قُلْ نَزَّلَهُ رُوْحُ الْقُدُسِ مِنْ رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُسْلِمِيْنَ ﴿١٠٣﴾

بگو.روح القدس آنرا از جانب پروردگار تو بحق نازلکرده است تاآنانکه ایمان آورده اندرا ثبات دهد و مسلمانان را هدایت ومژده باشد(١٠٣)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ اَنَّهُمْ يَقُوْلُوْنَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ؕ لِسَانُ الَّذِيْ يُلْحِدُوْنَ إِلَيْهِ اَعْجَمِيٌّ وَّهٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٠٤﴾

و البته ما میدانیم آنها میگویند که او رافقط بشری آموخته است. زبان آنکه بدو این امربسته شود اعجمی است درحالیکه این [قرآن در] زبان عربی [رسا و] روشن

است(١٠٤)

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ۙ لَا يَهْدِيْهِمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٠٥﴾

همانا!آنانکه به آیتهای خدا ایمان نمیآورندخدا آنهاراهدایت نمیدهد و آنهارا عذابی دردناکست(١٠٥)

اِنَّمَا يَفْتَرِى الْكَذِبَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ﴿١٠٦﴾

دروغ تنها آنها بهم میبافند که به آیات خدا ایمان نمیآرند و همانها دروغ پردازانند(١٠٦)

مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهٖٓ اِلَّا مَنْ اُكْرِهَ وَقَلْبُهٗ مُطْمَئِنٌّۢ بِالْاِيْمَانِ وَلٰكِنْ مَّنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللّٰهِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٠٧﴾

هرکه پس ازایمان خود به خدا انکار ورزد مگر آنکه وادار کرده شود حال آنکه دلش مطمئن بر ایمان است[بری الذمه است]و اماکسانیکه سینه بکفر بازکردند پس بر آنها غضب از خدا است و برایشان عذابی بزرگست(١٠٧)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْاٰخِرَةِ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٠٨﴾

اینست چه آنها درمقابل آخرت زندگی دنیا را برگزیدندو اینکه خدا قوم کافران را هدایت نمی دهد(١٠٨)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ﴿١٠٩﴾

همانهاندکه خدابر دلهاشان وگوش هاشان وچشمانشان مهرنهاده است و همانهاغفلتکارانند(١٠٩)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١١٠﴾

لاجرم همانهاند که در آخرت آنها زیانکاراناند(١١٠)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ هَاجَرُوْا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوْا ثُمَّ جٰهَدُوْا وَصَبَرُوْٓا ۙ إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١١١﴾

سپس یقینًا پروردگارتو برای آنان که بعد ازاینکه به فتنه مبتلا کرده شدندهجرت کردند بازجهاد کردندوصبر کردندحتمًا پروردگار توپس ازاین فراخ آمرزش بارها رحم کننده است(١١١)

يَوْمَ تَأْتِيْ كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَّفْسِهَا وَتُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿١١٢﴾

روزیکه هرکس دردفاع جان خود جدل کننده آید وهرکس آنچه او عمل کرد تمام داده شود و آنان ستم کرده نشوند(١١٢)

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ اٰمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَّأْتِيْهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللّٰهِ فَأَذَاقَهَا اللّٰهُ لِبَاسَ الْجُوْعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ ﴿١١٣﴾

و خدا مثل شهری میزند که جای ایمن و آرام بود. آن را رزقش از هر سو فراوان میآمد. پس آن از نعمتهای‌خداناسپاسی‌کرد.پس خدا آنراجامهٔ گرسنگی و بیم پوشاند بعلت آن اعمال [ساکنان آن] که می کردند(١١٣)

وَلَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوْهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿١١٤﴾

ویقینًاایشانرارسولی‌ازخودشان آمد. پس او را تکذیب کردند.

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلٰلًا طَيِّبًا ۖ وَّاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ﴿١١٥﴾

اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيْرِ وَمَآ اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١١٦﴾

وَلَا تَقُوْلُوْا لِمَا تَصِفُ اَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هٰذَا حَلٰلٌ وَّ هٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوْا عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُوْنَ ﴿١١٧﴾

مَتَاعٌ قَلِيْلٌ ۖ وَّلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١١٨﴾

وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا

آنگاه عذاب آنهارادرگرفت حالی که آنها ستمکاران بودند(١١٤)

پس بخوریدحلال وپاکیزه های‌از آنچه خدابشمارزق داده است و به نعمت خداشکر کنیداگر شماعبادت راخاص اومیگذارید(١١٥)

اوبرشما حرام کرده است فقط مرداروخون وگوشت خوك و آن چیز را که برآن نامی بغیرازخدا برده شود. پس آنکه ناچار گردد وخواهشمند و تجاوزگرنیست آن گاه یقیناًخدافراخ آمرزش بارها رحمکننده است(١١٦)

و نگویید برای آنچه زبانهایتان دروغ ستایدکه این حلال است و این حرام است تابرخدا بر بافید هماناکسانیکه برخدابربافند موفق نمی شوند(١١٧)

بهرهٔ ی است ناچیز [که میگرند] و آنهاراعذابی دردناکست(١١٨)

وبرآنانکه یهود شدندحرام ساخته

عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿١١٩﴾

بودیم آنچه پیش ازاین برشما بیان کرده ایم و ما بر آنها ستم نکردیم بلکه آنها خود بر جانهای خود ستم می کردند(١١٩)

ثُمَّ اِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ عَمِلُوا السُّوْٓءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوْا مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوْٓا ۙ اِنَّ رَبَّكَ مِنْۢ بَعْدِهَا لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢٠﴾ ع

سپس یقیناًپروردگارتوبرای آنان که بنادانی بدی کردند،سپس توبه و اصلاح کردند یقیناً پروردگار تو بعد از آن فراخ آمرزش بارها رحمکننده است(١٢٠)

اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ كَانَ اُمَّةً قَانِتًا لِّلّٰهِ حَنِيْفًا ؕ وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١٢١﴾ ۙ

یقیناًابراهیم [خودش]یك امت بود که برای خدا فرمانبردار و مدام بسوی‌اومتمایل وازمشرکان نبود(١٢١)

شَاكِرًا لِّاَنْعُمِهٖ ؕ اِجْتَبٰىهُ وَهَدٰىهُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿١٢٢﴾

برای نعمتهای اوسپاسگذاربود ـ خدا او رابرگزید و اورا بصراط مستقیم هدایت کرد(١٢٢)

وَاٰتَيْنٰهُ فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً ؕ وَاِنَّهٗ فِى الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٢٣﴾ ؕ

و دردادیم خوبی او را در دنیا و در آخرت یقیناًاو ازشایسته کاران است(١٢٣)

ثُمَّ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ اَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا ؕ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١٢٤﴾

سپس بسوی تو وحی فرستادیم که ملت ابراهیم حنیف را پیروی

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٥﴾

ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۖ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٦﴾

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٧﴾

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٨﴾

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٩﴾ ع ۱٦ / ۲۲

کن و او از مشرکان نبود(۱۲٤)

یقیناً سبت بر آنان[آزمایش] قرار داده شد که در آن اختلاف کردند و یقیناً پروردگار تو روز قیامت بین آنها قضاوت کنددر امری که در آن اختلاف میکردند(۱۲۵)

بخوان بسوی راه خدا باحکمت و اندرزنیکو وستیزه کن با آنها با آن [دلیل] که نیکوتر است.یقیناً پروردگار تو داناترست به آنکه از راه اوگمراه گردد و هم داناتر به هدایت یافتگان است(۱۲٦)

و اگرعقوبت کنید آنگاه عقوبت کنیدمانندآنچه شماعقوبت شدید واگرصبرکنیدیقیناًاین برای صبر کنندگان نیکوتراست (۱۲۷)

وصبرکن وصبرتوفقط بخاطرخدا است وبرآنهاغم نخور و در تنگی نباش ازآنچه نیرنگ زنند(۱۲۸)

یقیناًخداباآنانست که تقویٰ کنند وآنانکه احسان کنندگانند(۱۲۹)

# ۱۷ - بنی اسرائیل

این سورة مکی است و با بسم الله ۱۱۲ آیت دارد.این سورة الاسراء نیز نامیده میشود.

آن موضوع ارتقاء روحانی آنحضرت ﷺ که در سورة گذشته جاری بود ذکرش در این سورة نیز ادامه دارد. ایشان را نشان داده شدکه آن سفرنبوتهاکه درفلسطین بپایان رسید سفر رسالت شما درآنجا تمام نشده بلکه ازآنجا بسوی بلندیهابیشتر سر به آغاز نهاده است. ضمن ذکر از نبوت حضرت موسیٰ علیه السلام توضیح داده شد که اگرچه ایشان نیز دارای رتبه ای بالاتر بودند اماحضرت محمد ﷺ به رتبه ای بالا ترین برخوردار شدند.

این سورة اکنون ذکر یهود را به این نحو نقل میکند که ایشان ناشی ازجرمهاازفلسطین میهن خودتبعیدکرده شدندوبندگانی‌سختگیرازجانب خدا بر ایشان مسلط گردیدند. این بندگان به کوچه های ایشان داخل شده پیش روی‌پرشتاب کرده تمامی شهررابه نابودی کشیدند.اماخداوند برایشان یك شانس دیگرفراهم میآردکه ایشان فلسطین رادرتحت تسلط خود درآورند بطوریکه شرایط کنونی زمان حاکی از آن حقیقت است. در عین حال این نیز واضح کرده شد که اگرآنان از روی توبه برسر مردم دست مهر نه نهادند درآنصورت نه بعلت جنگ با مسلمانان بلکه خدا خود آنان را از فلسطین بیرون رانده وبندگان نیکوکارخودرابه پادشاهی‌فلسطین برگزیند. بدیهی است که مسلمانان را بر فلسطین غلبه بدست نمیآید تا آن نهایت که دارای شرایطی مربوط به بندگان نیکوکار نباشند.

سپس سخن از آن بدیها میرود که یهودیان را بعلت سختدلی ایشان فراگرفته بود یعنی بخل، ول خرجی، زنا، قتل و غارتگری، مال یتیم را خوردن،عهدشکنی و تکبروغیره و مسلمانان توصیه شدند که از اختیار کردن این آعمال دوری گزینند.

ضمناً این سورة حاکی است که هنگامیکه تو از این قرآن عظیم تلاوت میکنی آنان فاقد فهمیدن آنند. آنان به شرك تا آن نهایت خوی گرفته اند که بمحض ذکرازیکتائی‌خداوند روی برگردانده بطوری پابفرارمینهندکه گویی آنهادر سخن توحید هیچ علاقه ای ندارند. پس ناشی از انکارخدا ایمان آنان به روز بازپسین نیز کلیةً برطرف میشود و قومیکه به روز آخرت ایمان نیآورند و جوابگویی خود قائل نیستند آنان درجرمکاری قدم خود را آزادانه و پیوسته جلوتر مینهند.

پس از آن اشاره به آن رویاء رسول ﷺ است در چه ایشان درحالت مکاشفه ای اوضاع فلسطین بنمایش گذارده شدند و باز ایشان دربلندهای روحانی بیشتر درآمدند.

سپس نسبت به شجره ملعون تعریف شد که منظور ازاین آن یهودیان اند که در پایان سورة الفاتحة ذکر شدند که آنان همواره موردغضب هم ازخدای متعال قرارگیرند و هم از بندگانش.مردمانیکه به غضب و انتقام عادت کنند مثل ایشان مانندآتش است که نشوونمارا نابودمیسازد. در مقابل این،بندگان فروتن خاصیت"طین"راهمراه دارندکه هرنوع نشوونما از وسیله ایشان میشود.پس این ذکردال براینست که یهودیان پیوسته تلاش کنند که کوششهای سودمند آنحضرت ﷺ را به نابودی کشند و گمان کنند که چطور

اینان که ازگل نشوونمامییابند بتوانند مارا مقابله کنند. اما نشوونما اینهمه دنیااین امر را اثبات میکند که هیچگاه آتش نمیتواند رشدونمو پدید آمده ازقدرت خدا را نابودسازد.کلیه باغستانهاوسبزه زارها به این دلیل گواهی بپا ایستاده اند.

پس از این آن آیتهای قرآن اند که با کلمات "اقم الصلوت" شروع می شوندومقام محمود رسول ﷺ را تذکرمیدهند. پس با این وجودکه مخالفان به مذمت ایشان تلاش کنندولی‌خدای‌متعال مدام ایشان رابه رتبه ای‌بالاتر ترفیع همی دهد.گویی‌که خداوند حین عمل ارتقاء روحانی ایشان را برمقام بالاترین به این رنگ ترفیع دادکه تدریجاًایشان به مقام محمود نایل شوند. البته این رتبه بی تلاش و بی هیچ بدست نمیرسد.برای این فرمان است "فتهجد به نافلة لك".برای این شبها برپابرخیز و مدام به دعاها بپرداز.

اینك این عمل به رسیدن مقام محمود همان در حیات رسول ﷺ شروع شد ودشمنان بچشم خوددیدند چون ایشان بظاهر مغلوب ازخاك مکه خارج شدند. درعین حال درآنزمان دراین سورة یك پیشگوئی نیزشد که تودوباره وارد این شهر شده و اعلام خواهی کرد "جاءَ الحق و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقا" ـ حق آمد و باطل فرار کرد و باطل را فرار مقدر بود. اینست چنانکه با آمدن نور تاریکی فرار میکند.

پس از آن آیت ۸٦ متعلق به روح است. گامیکه مردم از رسول اللہ ﷺ پرسیدند که روح چیست، خداوند پاسخداد که بگو نیست روح مگر امر پروردگارم.

مسیحیان به روح اللہ بودن حضرت عیسیٰ علیه السلام اعتقاد دارند و

مسلمانان نیزایشان راهمینطورلقب میکنند. اما این امرحضرت عیسٰی را در جای ویژه نمی نشاند. چنانکه هر کدام آفریده آفرینش خود را با امرخدا آغازکرد، بر همین منوال حضرت عیسٰی نیزبا امرخدا آفریده شدند.

درزمینه موضوع فوق درپایان این سورة شرح کشافی داده میشود که حضرت عیسٰی را بمحض این علت که ایشان بلانسبت پدری بدنیا آمدند بر مقام پسرخدا برگزیده شوند، ظلمی بسیاربزرگست. ستایش مطلق فقط ازآن خدا است. او را به هیچ پسری نیاز نیست ونه کسی در ملکش او را شریک است. هیچگاه اوچنین رفیق رانیازنداشت که گویی درحالت ناتوانی او را مددگار شود.

☆ سُوْرَةُ بَنِیْ اِسْرَاءِیْلَ مَکِّیَّةٌ وَّهِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّاثْنَتَا عَشْرَةَ اٰیَةً وَّ اثْنَا عَشَرَ رُکُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحم کننده(۱)

سُبْحٰنَ الَّذِیْٓ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِیْ بٰرَكْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِيَهٗ مِنْ اٰيٰتِنَا ؕ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٢﴾

پاك است آنکه بنده خودرا هنگام شب از مسجدحرام تا آن مسجد اقصی برد که حومه آنرا برکت داده ایم تا او را ازآیتهای خود نشاندهیم. یقینًا او بسیارشنوای بینااست(۲)++

وَاٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَجَعَلْنٰهُ هُدًى لِّبَنِیْٓ اِسْرَآءِيْلَ اَلَّا تَتَّخِذُوْا مِنْ دُوْنِیْ

و به موسیٰ کتاب دادیم و آنرا برای‌بنی‌اسرائیل هدایت نمودیم

++آیت ۲: قرآن مجید حاکی از دو سفر روحانی رسول الله ﷺاست ـ یکی را اسراء گویندو دومین معراج است. ضمن اسراء ایشان به دیدار فلسطین برده شدند که دال بر رفتن با جسم ظاهری نیست بلکه دیدار روحانی است. زیرا آنگاه که فردی برپا شد و پرسید که بفرمایید که فلان فلان ساختمان فلسطین چگونه است، درحدیث است که آنگاه آن ساختمان جلوی چشمان آنحضرت ﷺ پدیدار شد و ایشان آنرا رویت کرده پرسش آنکس را پاسخ گفتند. چنانچه در حدیث بخاری است:"لما کذبنی قریش قمت فی الحجرفجلّی الله لی بیت المقدس فطفقت اخبرهم عن آیاته و انا انظرالیه" ـ بخاری کتاب العفسیر سورة بنی اسرائیل.

وَكِيلًا ﴿٢﴾

که از من گذشته کارسازی نه گزینید(۲)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾

[ایشان]فرزندزادگان آنانندکه با نوح سوارکرده بودیم یقینًا او بندۀ سپاسگذار بود(٤)

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾

و درکتاب به بنی‌اسرائیل این سرنوشت اعلام کرده بودیم که حتمًا دوبار درزمین فساد کنید و سرکشی بزرگ کرده تسلط فرا گیرید(۵)++

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ ۚ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ﴿٥﴾

پس چون اولین آندو وعده فرا رسید برخلاف شماچنین بندگان خودرابرپاکردیم که سخت جنگ آوربودند.پس آنها درمیان شهرها غارت و خسارت کرده داخل شدند و این وعدۀ حتمی الوقوع بود(٦)++

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾

سپس برای شما سلطۀ را بر آنها بازگردانیدیم وشمارا با دارائیها و اولاد یاری دادیم و شما را گروهی بزرگتر ساختیم(۷)+++

اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ ۖ وَاِنْ اَسَاْتُمْ فَلَهَا ۚ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسُوْٓءٗا وُجُوْهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوْهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّلِيُتَبِّرُوْا مَا عَلَوْا تَتْبِيْرًا ۝٨

اگرنیکوکاری‌کنیدجهت خودتان نیکوکاری‌کنید واگربدی‌کنیدپس [آنهم]جهت خودتانست.پس چون وعدهٔ دومین برسد[حمله بردگان] چهره هایتانرا مأیوس سازند و بداخل مسجد شوند بطوریکه بار اوّل داخل شدندو بر هرچه غلبه یابندرا کاملاً نابود سازند(٨)++

عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يَّرْحَمَكُمْ ۚ وَاِنْ عُدْتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ حَصِيْرًا ۝٩

امکاندارد‌که پروردگارتان برشما ترحم کند واگر تکرار کنید ماهم تکرارکنیم وجهنم رابرای کافران فراگیرنده قرار داده ایم(٩)++

---

آیات٥ـ ٩: طبق تقدیر خداوند چون بنی اسرائیل در زشتکاریها خود غرق شدند نبوکدنصرپادشاه بابل برایشان چیره شد.هجوم آوردگان واردکوچه ها و خیابانها شدندوعملاًآنانرانیست ونابودکردندویابه مهاجرنشینی‌واداشتند.پس چون خداوند بنوبت اول وعده،بنی‌اسرائیل رابرفلسطین سلطه دادپس ترحم کرده درعدد و دارائی ایشان برکت نهادو توصیه کرد که اگرحسن سلوك رابکارگرفتید بنفع خود شماست و اگر زشتکاریها را تکرارکنید بزیانتان تمام شود.چون درزمان آخربر فلسطین چیره شوند علتش زشتکاریهای مسلمانان باشد و باز به آزمایش افکنده شوند.اگرآنان درمنطوق مفتوح دادورحمت راپیش گیرندغلبه ایشان بطول انجامد. بعکس هیچ قوم راباآنان یارائی‌مقابله نباشدکه ایشانراسرنگون سازدبلکه خداوند چنین اسباب راپدیدآورد که ابرقدرتها از یاری ایشان دست بکشند.

اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ یَهْدِیْ لِلَّتِیْ هِیَ اَقْوَمُ وَیُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِیْنَ الَّذِیْنَ یَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا کَبِیْرًا ﴿۱۰﴾

یقینًا این قرآن جهت آن [راه] هدایت میکند که استوارتر است وبه آن مومنان که نیکوکاری کنند مژده میدهد که ایشانرا پاداشی بسیار بزرگ است(۱۰)

وَّاَنَّ الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِیْمًا ﴿۱۱﴾

و اینکه کسانیکه به آخرت ایمان نمیآورندبرای آنهاعذابی دردناك آماده کرده ایم(۱۱)

وَیَدْعُ الْاِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَآءَهٗ بِالْخَیْرِ وَکَانَ الْاِنْسَانُ عَجُوْلًا ﴿۱۲﴾

وانسان بدی رامیخواهد بطوری که او خیر را میطلبد و انسان بسیار عجول است(۱۲)

وَجَعَلْنَا الَّیْلَ وَالنَّهَارَ اٰیَتَیْنِ فَمَحَوْنَآ اٰیَةَ الَّیْلِ وَجَعَلْنَآ اٰیَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّکُمْ وَلِتَعْلَمُوْا عَدَدَ السِّنِیْنَ وَالْحِسَابَ وَکُلَّ شَیْءٍ فَصَّلْنٰهُ تَفْصِیْلًا ﴿۱۳﴾

وشب و روز را دونشانه قرار دادیم پس نشانه شب رامحو می نمایم ونشانه روزرابصیرت بخش میگردانیم تافضل پروردگارخود راتلاش کنید و تا شمارسالها و حساب را بدانید و ما هر امری را تفصیل داده ایم (۱۳)

وَکُلَّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنٰهُ طٰٓئِرَهٗ فِیْ عُنُقِهٖ وَنُخْرِجُ لَهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ کِتٰبًا یَّلْقٰهُ

وهرانسانیرانامهٔ عملش درگردن او افکنده ایم وروزقیامت برایش کتابی درآوریم که آنرا گشوده

مَنْشُوْرًا﴿۱۴﴾

یابد(۱۴)++

اِقْرَاْ كِتٰبَكَ ؕ كَفٰى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيْبًا ﴿۱۵﴾ؕ

کتاب خود را بخوان.امروز نفس توبرای محاسبه تو بس است(۱۵)

مَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِىْ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ؕ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ؕ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِيْنَ حَتّٰى نَبْعَثَ رَسُوْلًا ﴿۱۶﴾

هرکه هدایت یابد پس فقط برای جان خود هدایت میابد و هرکه گمراه گردد خلاف آن [جانخود گمراه] است. و هیچ باربرداری بار دیگری را برندارد ونیستیم ماکه معذّب کنیم تا آنگاه که رسولی را برنیانگیزیم(۱۶)

وَاِذَاۤ اَرَدْنَاۤ اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيْهَا فَفَسَقُوْا فِيْهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنٰهَا تَدْمِيْرًا ﴿۱۷﴾

وهرگاه قصدکنیم که شهری‌راهلاک سازیم فرمان کنیم خوشحالان آن را[که خودخواهی کنند] .پس آنها درآن فسق وفجورکنندآنگاه قول برآنهاصدق میکند. پس ما آنها را نیست ونابود میسازیم(۱۷

وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْۢ بَعْدِ

وای‌بسا مردم را پس ازنوح هلاک

++آیت۱۴ :اینجا طائربمعنای پرنده ای نیست که درگردن هرکس افکنده شود بلکه بمعنای نامه عمل است که اگرچه بظاهر افکندهٔ ی نیست ولی روزقیامت آشکار گردد. این کلام رمزی است بطوریکه حافظ نیز سرود."گردان رابی‌خطرسرمیبرند" و اینجا گردان بمعنای شاعران نام دار و بزرگ و عالم اند.

نُوحٍ ؕ وَكَفٰى بِرَبِّكَ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًا ۢ بَصِيْرًا ﴿١٨﴾

کردیم و پروردگارتو به گناهان بندگان خودآگاهی بینااست(۱۸)

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهٗ فِيْهَا مَا نَشَآءُ لِمَنْ نُّرِيْدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهٗ جَهَنَّمَ ۚ يَصْلٰهَا مَذْمُوْمًا مَّدْحُوْرًا ﴿١٩﴾

هرکه زندگانی این دنیا میخواهد ما هرچه بخواهیم برای آنکه قصد کنیم برای اوعاجلانه درهمین دنیامیدهیم سپس برای او جهنم ساخته ایم که سخت نکوهیده و رانده وارد آن میگردد(۱۹)

وَمَنْ اَرَادَ الْاٰخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُوْرًا ﴿٢٠﴾

و هرکه آخرت را آهنگ کرد و برای‌آن سزاوارآن میکوشد و او مومنست پس همانهااندکه کوشش آنان لائق تشکراست(۲۰)

كُلًّا نُّمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ ؕ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا ﴿٢١﴾

ما ازعطای پروردگارتو اینان و آنان همه راکمك میکنیم وعطای پروردگارتوبازداشته نشود(۲۱)

اُنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ؕ وَلَلْاٰخِرَةُ اَكْبَرُ دَرَجٰتٍ وَّاَكْبَرُ تَفْضِيْلًا ﴿٢٢﴾

نگاه کن چگونه بعضی را از آنها بربعضی‌برتری دادیم و آخرت هم دردرجات بزرگتراست و هم در فضیلت دادن بزرگتر است(۲۲)

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوْمًا مَّخْذُوْلًا ﴿٢٣﴾

انبازی‌باخدانگزینیدوالانکوهیدهٔ بی‌یارویاورمیمانی(۲۳)

وَقَضٰی رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّآ اِیَّاهُ وَبِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا ۚ اِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَآ اَوْ كِلٰهُمَا فَلَا تَقُلْ لَّهُمَآ اُفٍّ وَّلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِیْمًا ﴿۲۴﴾

و پروردگارتوگذرانیده است که جز او هیچ راعبادت نکنیدوبه والدین احسان کنید.اگریکی از آندو یا هر دوی نزد تو به پیری برسند پس به آندوی نگو اف و نه آن دوی را سرزنش کن و با آندوی کریمانه گفتگوکن(۲۴)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّیٰنِیْ صَغِیْرًا ﴿۲۵﴾

وبرای آندو ازترحم بال فروتنی بگستران وبگو، پروردگارا! بر ایندو ترحم فرمابطوریکه ایشان در کودکی مرا پروریدند(۲۵)

رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا فِیْ نُفُوْسِكُمْ ۚ اِنْ تَكُوْنُوْا صٰلِحِیْنَ فَاِنَّهٗ كَانَ لِلْاَوَّابِیْنَ غَفُوْرًا ﴿۲۶﴾

پروردگارتان داناتراست آنچه دردلهایتانست.اگرشمانیکوکاران اید آنگاه یقینًا او بسیار توبه کنندگان را آمرزندۀ است(۲۶)

وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهٗ وَالْمِسْكِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِیْرًا ﴿۲۷﴾

و به خویشی حقش بده و هم به مسکین و به درمانده راه و ول خرجی مکن(۲۷)

اِنَّ الْمُبَذِّرِیْنَ كَانُوْٓا اِخْوَانَ الشَّیٰطِیْنِ ۚ وَكَانَ الشَّیْطٰنُ لِرَبِّهٖ كَفُوْرًا ﴿۲۸﴾

حتماً ولخرج کنندگان برادران شیطانها اند و شیطان ناسپاس پروردگار خود است(۲۸)

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَآءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿٢٩﴾

واگر تورا ازآنها اعراض کردنی است.به آرزوی رحمت پروردگار خود که برایش امید داری باز برای آنهاسخنی نرم بگو(۲۹)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٣٠﴾

و دست خود را به گردن خود بسته مدار و نه آنرا بگشا تمام گشاده که نکوهیدهٔ و حسرت زده بنشینی(۳۰)

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣١﴾

هرآینه پروردگار تو برای هر که بخواهد رزق را تنگ میگرداند و میگشاید. یقینًا او به بندگان خود آگاهی بینا است(۳۱)

ع ۳ / ۸ / ۳

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۖ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْـًٔا كَبِيرًا ﴿٣٢﴾

و اولاد خود را از بیم تنگدستی مکشید. این مائیم که هم به آنها رزق میدهیم وهم به شما.کشتن آنان خطای بزرگ است(۳۲)

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً ۖ وَسَآءَ سَبِيلًا ﴿٣٣﴾

و نزدیك زنا نروید. یقینًا آن فحشائی‌است وراهی بسیار زشت است (۳۳)

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

ونفسی که خدا آنراحرمت داده است بناحق نکشید و آنکه مظلوم

لِوَلِيِّهٖ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفْ فِّي الْقَتْلِ ؕ اِنَّهٗ كَانَ مَنْصُوْرًا ﴿٣٣﴾

کشته شودپس یقیناً ما وارث او راحقی[ازعوض]استوار داده ایم. پس او درموردقتل تجاوزنکند. یقینًا او مورد تائید گرفته شده است(۳۴)

وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۪ وَاَوْفُوْا بِالْعَهْدِ ۚ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔوْلًا ﴿٣٤﴾

و نزدیك به دارائی یتیم نروید جزبا آنطور که نیکوترست تا آن زمان که به سن بلوغ خود برسد و به عهد وفا کنید. هرآینه از عهد پرسیده شود(۳۵)

وَاَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيْمِ ؕ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ﴿٣٥﴾

و کیل راتمام دهید چون کیل کنیدبا ترازوی راست وزن کنید اینکار نیکو و انجامکار نیکوتر است(۳۶)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ ؕ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔوْلًا ﴿٣٦﴾

و دنبال نکن آنچه تو را به آن هیچ دانشی نیست.یقینًا گوش و چشم ودل - جهت هرکدام ازآنها پرسیده شود(۳۷)

وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا ۚ اِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُوْلًا ﴿٣٧﴾

و درزمین بزرگی‌کرده راه مرو. یقینًا هرگز نمیتوانی زمین را بشکافی و هرگز بلندی کوهها را

نمیرسی(۳۸)

كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهٗ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوْهًا ﴿٣٩﴾

اینهمه اموراست که زشتیآنهانزد پروردگارتوناپسند است(۳۹)

ذٰلِكَ مِمَّآ اَوْحٰٓى اِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ؕ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتُلْقٰى فِىْ جَهَنَّمَ مَلُوْمًا مَّدْحُوْرًا ﴿٤٠﴾

این ازآن سخنان پرحکمت است که پروردگارتوآنرابسویتووحی کرد و معبودی دیگر را با خدا مگزین وگرنه نکوهیده و رانده به جهنم افکنده میشوی(۴۰)

اَفَاَصْفٰىكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِيْنَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ اِنَاثًا ؕ اِنَّكُمْ لَتَقُوْلُوْنَ قَوْلًا عَظِيْمًا ﴿٤١﴾ ع

پس آیاپروردگارتان شمارا برای پسران برگزیدوخودازفرشتگان دختران گرفت؟حتمًاسخنیبزرگ است که شما میگوئید(۴۱)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِىْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِيَذَّكَّرُوْا ؕ وَمَا يَزِيْدُهُمْ اِلَّا نُفُوْرًا ﴿٤٢﴾

و یقینًا دراین قرآن [آیتهای را] تکراراًبیان کرده ایم تاپندگیرند باینهمه جزنفرت کنان فرارکردن بر آنها چیزی نمی افزاید(۴۲)

قُلْ لَّوْ كَانَ مَعَهٗٓ اٰلِهَةٌ كَمَا يَقُوْلُوْنَ اِذًا لَّابْتَغَوْا اِلٰى ذِى الْعَرْشِ سَبِيْلًا ﴿٤٣﴾

بگو، اگر با او خدایانی بودند آنگونه که میگویند آنگاه حتمًا راهیرابسویصاحب عرش تلاش میکردند(۴۳)

سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يَقُوْلُوْنَ عُلُوًّا كَبِيْرًا ﴿٤٤﴾

او پاکست و بسیار بلندتر است

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ ؕ وَاِنْ مِّنْ شَیْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ وَلٰكِنْ لَّا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيْحَهُمْ ؕ اِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا ﴿۴۵﴾

از آنچه میگویند(٤٤)

هفت آسمان وزمین و هرچه میان آنهاست اورا تسبیح میگویند و نیست چیزی مگر آن باحمد او تسبیح میگوید.اماشماتسبیح آنها را درک نمیکنید.یقینًا او بسیار بردباری آمرزنده است(٤٥)

وَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُوْرًا ۙ ﴿۴۶﴾

ومنگامیکه قرآن را تلاوت کنی ما میان شماو میان آنها که به آخرت ایمان نمیآورند پرده ای مخفی می نهیم (٤٦)

وَّجَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْۤ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ؕ وَاِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْاٰنِ وَحْدَهٗ وَلَّوْا عَلٰۤى اَدْبَارِهِمْ نُفُوْرًا ﴿۴۷﴾

و ما بر دلهای آنها نیز پردهٔ می افکنیم که نتوانندآنرادرك کنند ودرگوشهای‌آنهاسنگینی میافکنیم و منگامیکه تو در قرآن ذکر از پروردگارت میکنی که او یکتا است آنها از بیمیلی بر پشتهای خود بر میگردند(٤٧)

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُوْنَ بِهٖۤ اِذْ يَسْتَمِعُوْنَ اِلَيْكَ وَاِذْ هُمْ نَجْوٰۤى اِذْ

ما داناتریم به آنچه برای شنیدن آن تلاش کنندچون بسوی‌توگوش باز دهند و چون آنها نجوی کنند

يَقُوْلُ الظّٰلِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا﴿۴۸﴾

چون ستمکاران گویند شما فقط از پی آنکس میروید که جادو شده است(۴۸)

اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوْا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ سَبِيْلًا﴿۴۹﴾

نگاه کن برای تو چه مثلهای می زنند.پس گمراه شده اندونتوانند به راه راست برسند(۴۹)

وَقَالُوْٓا ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا وَّرُفَاتًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا﴿۵۰﴾

وگویند.آیاچون استخوانهای محض و ریزه ریزه شویم آیا واقعًا ما به آفرینشی نوین برخیزانده شویم؟(۵۰)

قُلْ كُوْنُوْا حِجَارَةً اَوْ حَدِيْدًا﴿۵۱﴾

بگو.سنگ شوید یا آهن(۵۱)

اَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِيْ صُدُوْرِكُمْ ۚ فَسَيَقُوْلُوْنَ مَنْ يُّعِيْدُنَا ؕ قُلِ الَّذِيْ فَطَرَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ فَسَيُنْغِضُوْنَ اِلَيْكَ رُءُوْسَهُمْ وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هُوَ ؕ قُلْ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ قَرِيْبًا﴿۵۲﴾

یاآفرینشی که به خاطرشما از آن هم[درسفتی]بزرگترآید.پس حتمًا گویند، که مارا بازگرداند؟بگو، همانکه باراوّل شمارا آفرید.آنگاه بسوی‌تو[روکرده]سرهای خود را جنبش دهندومیپرسند، آن تا چند بکشد؟بگو، امکان دارد که زود باشد(۵۲)

يَوْمَ يَدْعُوْكُمْ فَتَسْتَجِيْبُوْنَ بِحَمْدِهٖ وَتَظُنُّوْنَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا﴿۵۳﴾

روزیکه شما را بخواند پس شما با حمد او لبیک گویید و گمان

کنید که مکث نکردید جز مدتی اندك(۵۳)

وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا الَّتِى هِىَ اَحۡسَنُ ؕ اِنَّ الشَّيۡطٰنَ يَنۡزَغُ بَيۡنَهُمۡ ؕ اِنَّ الشَّيۡطٰنَ كَانَ لِلۡاِنۡسَانِ عَدُوًّا مُّبِيۡنًا ﴿۵۴﴾

وبگوبه بندگانم بگویند آن سخن که آن نیکوتراست.یقینًاشیطان میان ایشان ستیزه بر میانگیزد یقیناً شیطان انسان را دشمنی آشکاراست(۵٤)

رَبُّكُمۡ اَعۡلَمُ بِكُمۡ ؕ اِنۡ يَّشَاۡ يَرۡحَمۡكُمۡ اَوۡ اِنۡ يَّشَاۡ يُعَذِّبۡكُمۡ ؕ وَمَاۤ اَرۡسَلۡنٰكَ عَلَيۡهِمۡ وَكِيۡلًا ﴿۵۵﴾

پروردگارتان داناتر به شما است اگرخواهدبرشماترحم کند واگر خواهد بشماعذاب میدهد و تورا برآنهادار وغهٔ نفرستاده ایم(۵۵)

وَرَبُّكَ اَعۡلَمُ بِمَنۡ فِى السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ ؕ وَلَقَدۡ فَضَّلۡنَا بَعۡضَ النَّبِيّٖنَ عَلٰى بَعۡضٍ وَّاٰتَيۡنَا دَاوٗدَ زَبُوۡرًا ﴿۵۶﴾

و پروردگارتونیکوترمیداند آن راکه درآسمانهااست و درزمین و یقینًا ما بعضی از پیمبران را بر بعضی برتری داده ایم و داؤد را زبور دادیم(۵٦)

قُلِ ادۡعُوا الَّذِيۡنَ زَعَمۡتُمۡ مِّنۡ دُوۡنِهٖ فَلَا يَمۡلِكُوۡنَ كَشۡفَ الضُّرِّ عَنۡكُمۡ وَلَا تَحۡوِيۡلًا ﴿۵۷﴾

بگو.بخوانیدآنانرا که گذشته از اوچیزی گمان میکردید.پس [نگاه کنید]که نتوانندسختی را از شما دور کنند و نتوانند آنرا تبدیل کنند(۵۷)

أُولَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا ﴿٥٨﴾

آنهائی‌را که اینها میخوانند آنها که [خود] بسوی پروردگار خود وسیله ای تلاش کنند که کدامین آنها[ازروی‌وسیله]سزاوارتراست ورحمت اوراامیدداشته وازعذاب اوخواهند ترسید. یقینًا از عذاب پروردگارتوباید ترسید (۵۸)

وَإِن مِّن قَرۡيَةٍ إِلَّا نَحۡنُ مُهۡلِكُوهَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَوۡ مُعَذِّبُوهَا عَذَابٗا شَدِيدٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ﴿٥٩﴾

وهیچ شهری نیست مگر ما آنرا پیش از روزقیامت هلاك کنندهٔ یا آنراسخت عذاب دهندهٔ ایم. این در کتاب مرقوم است(۵۹)

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّا تَخۡوِيفٗا ﴿٦٠﴾

و چیزی ما را باز نداشت که آیتهای خود را بفرستیم مگرکه پیشینیان به آنهاانکارکرده بودند وثمود را ناقه آیتی‌بصیرت افروز دادیم پس آنها به آن ستمکردند و ماآیتها نمیفرستیم جز بتدریج ترساندن(۶۰)

وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ

و چون به توگفتیم که یقینًا پروردگار تومردم رااحاطه کرده است و آن رویاء که به تو نشان

وَنُخَوِّفُهُمْ ۙ فَمَا يَزِيدُهُمْ اِلَّا طُغْيَانًا كَبِيْرًا ﴿٦١﴾ ع

دادیم تنها آزمایشی برای مردم بودو آن درخت نیزکه در قرآن ملعون است و ما آنها را بتدریج میترسانیم. بازهم آن برآنها فقط سرکشی بزرگ میفزاید(٦١)

ع ٦ ٨ ٦

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ؕ قَالَ ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ﴿٦٢﴾ ج

و چون به فرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید پس همه ایشان سجده کردندجزابلیس.او گفت،آیاسجده کنم برای آنکس که او را از گل خلق کردی؟(٦٢)

قَالَ اَرَءَيْتَكَ هٰذَا الَّذِىْ كَرَّمْتَ عَلَىَّ ز لَئِنْ اَخَّرْتَنِ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَاَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهٗٓ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٦٣﴾

اوگفت، مراحالی‌کن، اینست آنکه را برمن برتری‌داده ای؟اگر مرا تاروزقیامت فرصت دهی‌حتمًانژاد اوجزاندك راهلاك سازم(٦٣)

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُوْرًا ﴿٦٤﴾

فرمود، برو پس هرکه از آنها از تو متابعت کند آنگاه حتمأپاداش جهنم پاداشی‌کامل شماست(٦٤)

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَاَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِى الْاَمْوَالِ

وهرکه از آنهارا توانستی بصدای خودبفریب و با سواران خود و باپیادگان خود بر آنها بتاز و در مالهاوفرزندان باآنهاشرکت کن و

وَالْاَوْلَادِ وَعِدْهُمْ ؕ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿٦٥﴾

آنانرا وعده مابده وشیطان آنانرا جزفریب هیچ وعدهٔ ی ندمد(۶۵)

اِنَّ عِبَادِىْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ ؕ وَكَفٰى بِرَبِّكَ وَكِيْلًا ﴿٦٦﴾

مرآینه بندگانم اندکه ترا بر آنان هیچ چیرگی نیست و پروردگار توبس کارسازی است(۶۶)

رَبُّكُمُ الَّذِىْ يُزْجِىْ لَكُمُ الْفُلْكَ فِى الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ ؕ اِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ﴿٦٧﴾

پروردگار توآنست که برای شما کشتیهارادردریامیراندتاشمافضل او را تلاش کنید.یقینًا او بر شما بارها رحمکننده است(۶۷)

وَاِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِى الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُوْنَ اِلَّاۤ اِيَّاهُ ۚ فَلَمَّا نَجّٰىكُمْ اِلَى الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ ؕ وَكَانَ الْاِنْسَانُ كَفُوْرًا ﴿٦٨﴾

وچون شماراددریاسختیمیرسد مر که را جزاو میخوانید ناپیدا میشود.پس چون او شمارا بسوی خشکی نجات دهد از او پهلوتهی کنیدوانسان ناسپاس است(۶۸)

اَفَاَمِنْتُمْ اَنْ يَّخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ اَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوْا لَكُمْ وَكِيْلًا ﴿٦٩﴾

پس آیاشماایمن شدید که او شما راجانب دشت به خاك فروبرد یا بر شما بادی تند ریگ افشان بفرستد و باز هیچ کارسازی برای خود نیابید(۶۹)

اَمْ اَمِنْتُمْ اَنْ يُّعِيْدَكُمْ فِيْهِ تَارَةً اُخْرٰى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيْحِ

یا ایمن شدید که باردیگر شمارا در آن[دریا]برگرداند و بادیتند

| | |
|---|---|
| فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٧٠﴾ | برشما بوزاند و شماراغرق سازد چه ناسپاسی میکردید سپس برای خود بر خلاف ما هیچ انتقام گیرندهٔ به آن نیابید(۷۰) |
| وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧١﴾ | ویقیناًمافرزندان آدم را احترام گذاشتیم وایشانرادردشت ودریا سواری دادیم وازپاکیزه ها رزق ایشان دادیم وآنانرابربسیاری‌از آفریده های‌خودبرتری‌دادیم(۷۱) |
| يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٢﴾ | [بخاطرداريد]روزیکه ما هرقومی رابه امام ایشان بخوانیم و هرکه کتابش بدست راست خود داده شود.پس آنان کتاب خودشان را بخوانند وباندازه رشته در درز هستهٔ هم ستم کرده نشوند(۷۲) |
| وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٣﴾ | و هرکه در این [دنیا]کور است پس اودرآخرت هم کور است و گمراهتر از راه است(۷۳)++ |
| وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا | ونزدیك بودجهت آنکه به توو‌حی |

++آیت۷۳:اعمی دال برکوری ازچشمان صوری نیست که روز قیامت نیز کور باشد بلکه منظور بیننده ای است که فاقد بصیرت معنوی است.

اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهٗ ۖ وَاِذًا لَّاتَّخَذُوْكَ خَلِيْلًا ﴿٧٣﴾

کردیم تو را به فتنه اندازند تا بربافی بر ما بغیر ازآن. اینحال بی درنگ حتماً آنها تو را دوست میگرفتند(٧٤)

وَلَوْلَآ اَنْ ثَبَّتْنٰكَ لَقَدْ كِدْتَّ تَرْكَنُ اِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيْلًا ﴿٧٤﴾

و اگر تورا ثبات نمیدادیم البته ممکن بود کمی به آنها مایل می شدی(٧٥)

اِذًا لَّاَذَقْنٰكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيْرًا ﴿٧٥﴾

آنگاه حتمًا تو را میچشاندیم دو برابر از[عذاب]این زندگی، هم دو برابر ازمرگ.سپس هیچ را در مقابل ما یاوری نمییافتی(٧٦)

وَاِنْ كَادُوْا لَيَسْتَفِزُّوْنَكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوْكَ مِنْهَا وَاِذًا لَّا يَلْبَثُوْنَ خِلٰفَكَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٧٦﴾

ونزدیك بود قدمهای تورا از سر زمین بلغزانندتاتوراازآن بیرون کنند وآنگاه آنهاهم پس ازتومکث نمیکردند جزاندك(٧٧)

سُنَّةَ مَنْ قَدْ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيْلًا ﴿٧٧﴾ ع ۸

این شیوه جهت آن رسولان ما است که پیش از تو فرستادیم و تو در شیوه ما تحولی نخواهی یافت(٧٨)

اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوْكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ الَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ ۖ اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ

بپا بدار نماز را هنگام برگشت خورشید تاتاریکی شب وقرآن

كَانَ مَشۡهُوۡدًا۞

خواندن بامگاهی را.یقینًا قرآن خواندن بامگاهی است که به آن گواهی داده میشود(۷۹)

وَمِنَ الَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهٖ نَافِلَةً لَّكَ ‌ۖ عَسٰۤى اَنۡ يَّبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحۡمُوۡدًا۞

و در پارهٔ شب با [تلاوت]این [قرآن] تهجد بخوان. این برای تو اضافه بر فرض است. بزودی پروردگارت تو را بمقام محمود مبعوث کند(۸۰)

وَقُلۡ رَّبِّ اَدۡخِلۡنِىۡ مُدۡخَلَ صِدۡقٍ وَّاَخۡرِجۡنِىۡ مُخۡرَجَ صِدۡقٍ وَّاجۡعَلۡ لِّىۡ مِنۡ لَّدُنۡكَ سُلۡطٰنًا نَّصِيۡرًا۞

و بگو، پروردگاراامرا بداخل آور که بداخل شدنم بر راستی باشد و بیرون آور که بیرون آمدنم برراستی باشد و مرااز نزد خود یاوری نیرومند عطا کن(۸۱)

وَقُلۡ جَآءَ الۡحَـقُّ وَزَهَقَ الۡبَاطِلُ‌ ؕ اِنَّ الۡبَاطِلَ كَانَ زَهُوۡقًا۞

و بگوحق آمد و باطل نابود شد یقینًاباطل نابودشدنی‌است(۸۲)

وَنُنَزِّلُ مِنَ الۡقُرۡاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحۡمَةٌ لِّلۡمُؤۡمِنِيۡنَ‌ ۙ وَلَا يَزِيۡدُ الظّٰلِمِيۡنَ اِلَّا خَسَارًا۞

و نازل کنیم آنچه از قرآن که آن درمان ومومنان رارحمت است و برکافران نیفزاید جززیان (۸۳)

وَاِذَاۤ اَنۡعَمۡنَا عَلَى الۡاِنۡسَانِ اَعۡرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهٖ‌ ۚ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ

و وقتیکه بر انسان انعام کنیم اعراض کند و به پهلوخود افتاده

يَـُٔوسًا﴿٨٤﴾

دورشودوچون او راگزندی‌برسد بسیارنومید میگردد(۸٤)

قُلْ كُلٌّ يَّعْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ ؕ فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى سَبِيْلًا﴿٨٥﴾

بگوهرکدام برنهادخودعمل کند. پس پروردگارتوداناتربه آنست که او راست تر راه است (۸۵)

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الرُّوْحِ ؕ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ وَمَآ اُوْتِيْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا﴿٨٦﴾

و درباره روح از تو مسٔلت کنند. بگو روح از امرپروردگارم است و شما ازعلم جز اندك هیچ داده نشدید(۸٦)

وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهٖ عَلَيْنَا وَكِيْلًا﴿٨٧﴾

واگرمیخواستیم حتمًابازمیبردیم آنچه را بر تو وحی کنیم. سپس برای خود خلاف ما به آن کار سازی نمی یافتی(۸۷)

اِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ؕ اِنَّ فَضْلَهٗ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيْرًا﴿٨٨﴾

جز رحمت پروردگارخود. یقینًا فضل اوبرتوبسیاربزرگست(۸۸)

قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا يَاْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيْرًا﴿٨٩﴾

بگواگرانس وجن همگی گردآیند براینکه قرآن مانند این بیآرند بازهم نتوانند مانند آنرا بیآرند اگرچه بعضی‌ازآنها پشتبان بعضی باشند(۸۹)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ

والبته ما درقرآن برای مردم از

كُلِّ مَثَلٍ ۫ فَاَبٰٓى اَكۡثَرُ النَّاسِ اِلَّا كُفُوۡرًا ﴿۹۰﴾

هرگونه مثلی‌رابرگردانیده بیان کرده ایم پس اکثر مردم فقط ناسپاسی‌کنان انکارکنند(۹۰)

وَقَالُوۡا لَنۡ نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتّٰى تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ الۡاَرۡضِ يَنۡۢبُوۡعًا ۙ﴿۹۱﴾

وگویندهرگزمابرتوایمان نیآریم تاآنگاه که برای ماازززمین چشمه ای بشکافی(۹۱)

اَوۡ تَكُوۡنَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنۡ نَّخِيۡلٍ وَّعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الۡاَنۡهٰرَ خِلٰلَهَا تَفۡجِيۡرًا ۙ﴿۹۲﴾

یا باغی ازخرماوانگور ازآن تو باشد و درمیان آن نهرهای حفر کنی(۹۲)

اَوۡ تُسۡقِطَ السَّمَآءَ كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا اَوۡ تَاۡتِىَ بِاللّٰهِ وَالۡمَلٰٓـئِكَةِ قَبِيۡلًا ۙ﴿۹۳﴾

یاآسمان را برما آنگونه که گمان کنی تکه تکه فرو بار یا خدا و فرشتگان را روبرو بیآر(۹۳)

اَوۡ يَكُوۡنَ لَكَ بَيۡتٌ مِّنۡ زُخۡرُفٍ اَوۡ تَرۡقٰى فِى السَّمَآءِ ؕ وَلَنۡ نُّؤۡمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتّٰى تُنَزِّلَ عَلَيۡنَا كِتٰبًا نَّقۡرَؤُهٗ ؕ قُلۡ سُبۡحَانَ رَبِّىۡ هَلۡ كُنۡتُ اِلَّا بَشَرًا رَّسُوۡلًا ﴿۹۴﴾ ع

یاخانه طلائی ازآن توباشدیا در آسمان بالاروی اما بالا رفتن تو را هم باورنکنیم تاآنگامکه کتابی برمانازل کنی که آنرا بخوانیم. بگو.پروردگارم [از این امور] پاك است. من ففط یك بشر رسول هستم(۹۴)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنۡ يُّؤۡمِنُوۡۤا اِذۡ جَآءَهُمُ الۡهُدٰٓى اِلَّاۤ اَنۡ قَالُوۡۤا اَبَعَثَ اللّٰهُ بَشَرًا

و به مردم چون هدایت ایشان را آمدچیزی بازنداشت که ایمان

رَّسُوْلًا ﴿٩٥﴾

قُلْ لَّوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلٰٓئِكَةٌ يَّمْشُوْنَ مُطْمَئِنِّيْنَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُوْلًا ﴿٩٦﴾

قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ط إِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهٖ خَبِيْرًا بَصِيْرًا ﴿٩٧﴾

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ج وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِهٖ ط وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلٰى وُجُوْهِهِمْ عُمْيًا وَّبُكْمًا وَّصُمًّا ط مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ط كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنٰهُمْ سَعِيْرًا ﴿٩٨﴾

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِأٰيٰتِنَا وَقَالُوْٓا ءَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَّرُفَاتًا ءَإِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا ﴿٩٩﴾

میآوردند مگر گفتند.آیاخدابشری راپیغمبربرانگیخته است؟(۹۵)

بگو.اگر در زمین فرشتگان با اطمینان راه میرفتندحتمًا ما بر ایشان از آسمان فرشته ای را پیغمبر فرود میفرستادیم(۹٦)

بگو.خدامیان من ومیان شماگواه بس است.یقیناًاو به بندگان خود آگاهی بینااست(۹۷)

و آنکس را که خدا هدایت دهد همان هدایت شده است وآنراکه او گمراه قراردهد آنگاه تو برای آنها از او گذشته یاران نمییابی وروزقیامت آنانرا بررویهای آنها کوروگنگ وکرمحشورکنیم مأوی آنهاجهنم است.زبانه آتش هرگاه فرونشیند برایشان بیفزایم(۹۸)

این پاداش آنهاست چه به آیت های ما انکار کردند و گفتند. آیا چون ما استخوانها وریزه ریزه شدیم آیاحتمًامابه آفرینشی نوین

برخیزانده شویم؟(۹۹)

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِىْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ قَادِرٌ عَلٰٓى اَنْ يَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيْهِ ۖ فَاَبَى الظّٰلِمُوْنَ اِلَّا كُفُوْرًا ﴿۱۰۰﴾

آیاحالی نشوند،خدای که آسمانها و زمین راآفرید قادربراین است که همانند آنهابیآفرینذوبرایشان نهایت زمانی مقرر داشته است که در آن شکی نیست پس ستم کاران فقط ناسپاسی کرده انکار کردند(۱۰۰)

قُلْ لَّوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُوْنَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّىْٓ اِذًا لَّاَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْاِنْفَاقِ ۖ وَكَانَ الْاِنْسَانُ قَتُوْرًا ﴿۱۰۱﴾ ع ۷

بگو،اگر شما مالك از گنجهای رحمت پروردگارم میبودید آنگاه هم حتمًا ازترس نفق [آنهارا] نگه میداشتید و یقینًاانسان خسیس است(۱۰۱)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسٰى تِسْعَ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ فَسْـَٔلْ بَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اِذْ جَآءَهُمْ فَقَالَ لَهٗ فِرْعَوْنُ اِنِّىْ لَاَظُنُّكَ يٰمُوْسٰى مَسْحُوْرًا ﴿۱۰۲﴾

و یقینًامابه موسی نه (۹)نشانه روشن دادیم.پس ازبنی‌اسرائیل بپرس که چون او ایشان را آمد آنگاه فرعون اوراگفت،ای‌موسیٰ! یقیناً من توراجادو شده ای تلقی میکنم(۱۰۲)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ اَنْزَلَ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ بَصَآئِرَ ۚ وَاِنِّىْ

اوگفت،حتماً تو دانسته ای که آن [نشان]های را که بصیرت افروز

لَاَظُنُّكَ يٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُوۡرًا ﴿١٠٣﴾

است کسی جز پروردگار آسمانها وزمین نازل نکرده است و ای فرعون ایقیناً من تورا انسانی هلاک شده می پندارم(۱۰۳)

فَاَرَادَ اَنۡ يَّسۡتَفِزَّهُمۡ مِّنَ الۡاَرۡضِ فَاَغۡرَقۡنٰهُ وَمَنۡ مَّعَهٗ جَمِيۡعًا ﴿١٠٤﴾

پس او خواست که ایشان را از زمین برکند آنگاه ما او و هرکه با او بود جمیع را بهم غرق ساختیم(۱۰٤)

وَّقُلۡنَا مِنۡۢ بَعۡدِهٖ لِبَنِىۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ اسۡكُنُوا الۡاَرۡضَ فَاِذَا جَآءَ وَعۡدُ الۡاٰخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيۡفًا ﴿١٠٥﴾

و ازآن پس به بنی اسرائیل گفتیم که درزمین سکونت کنید. پس گاهیکه وعده آخرت فرارسد بازشمارا گردخواهیم آورد(۱۰۵)

وَبِالۡحَـقِّ اَنۡزَلۡنٰهُ وَبِالۡحَـقِّ نَزَلَ‌ؕ وَمَاۤ اَرۡسَلۡنٰكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِيۡرًا ﴿١٠٦﴾

وماآنرا الحق نازلکردیم و الحق نازل آمد و تورا فقط مژده دهنده وبیم دهندهٔ فرستاده ایم(۱۰٦)

وَقُرۡاٰنًا فَرَقۡنٰهُ لِتَقۡرَاَهٗ عَلَى النَّاسِ عَلٰى مُكۡثٍ وَّنَزَّلۡنٰهُ تَنۡزِيۡلًا ﴿١٠٧﴾

و قرآن راجزوجز نازلکرده ایم تا آنرابرای مردم آهسته آهسته بخوانی و آن را با قدرتمندی و تدریجاً نازل کرده ایم(۱۰۷)

قُلۡ اٰمِنُوۡا بِهٖۤ اَوۡ لَا تُؤۡمِنُوۡا‌ ؕ اِنَّ الَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الۡعِلۡمَ مِنۡ قَبۡلِهٖۤ اِذَا يُتۡلٰى عَلَيۡهِمۡ

بگو بدان ایمان آورید یا ایمان نیآورید البته کسانیکه پیش ازین

يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿۱۰۸﴾

علم داده شدندچون برایشان فرو خوانده شود گریان بر رویها به سجده میفتادند(۱۰۸)

وَّ يَقُوْلُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَآ اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا ﴿۱۰۹﴾

ومیگفتند،پروردگارما پاك است. یقینًا وعده پروردگار ما حتمی الوقوع است (۱۰۹)

وَيَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُوْنَ وَيَزِيْدُهُمْ خُشُوْعًا ﴿۱۱۰﴾ السجدة

وگریان سجده کنان برویها می افتادند و این [قرآن] ایشان را در فروتنی میفزود(۱۱۰)

قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ ؕ اَيًّامَّا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۚ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ﴿۱۱۱﴾

بگو،خدا رابخوانید خواه رحمن راهرکدام رابخوانیدپس نامهای نیکوبتمام ازآن اوست ونمازخود را نه بلندبخوان ونه آنرا آهسته بخوان و راه میانهٔ ایندو راپیش بگیر(۱۱۱)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ وَلِىٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيْرًا ﴿۱۱۲﴾ ع ۱۲ ۱۱ ۱۲

وبگو،ستایش مطلق برای خدای است که پسری‌فرانگرفت و اورا درسلطنت شریکی نمیشود وهیچ گاه نیازنیست که اورا از جهت زبونی یاوری باشد وبزرگی او راسرشار بیان کن(۱۱۲)

# ۱۸ - سورةالکهف

این سورة در مکه در چهارمین یا پنجمین سال نبوت نازل شد و با بسم الله ۱۱۱ آیت دارد.

آغاز این سورة با آن مطلب سورة بنی اسرائیل شروع شد درجه بنده بودن حضرت عیسٰی علیه السلام بصراحت وجلال بیان شده ودرکلماتی ساده تراعلام شد که اینها اصلاً علمی ندارند که حضرت عیسٰی چطور متولد شدند و نه دیگر به این امر دانش دارند که خداوند از نظام زادوولد کلیةً پاك است و آنها برخدا دروغی بزرگ بسته اند و این ادعای آنها بی ارزش و بی اساس است.

ضمناًذکری ازمسیحیان ابتدائی را بمیان آورده اظهارشد که چطور ایشان خاك مسطح را برای‌حفاظت و اعتلای توحید خدای متعال ترك گفته منزلگاه منزوی در غارها برگزیدند.قبل از ذکراصحاب کهف آیتهای ابتدائی حاکی ازاینست که هرچه نعمتهای ظاهری بمردم ارزانی داشته شدجنبهٔ ی آزمایش ایشان را همراه دارد.اما زمانی بیآیدکه اینهمه ازآنان ربوده بسوی ایشان واگذار شود که بخاطرخدا زیبایش و آسودگی زمین مسطح را ترك کرده رحل اقامت در غارها افکندند.

پس از آن مثل از آن دو بهشتها یعنی باغها داده میشود که یك فرد بر مبنای آن باغ با دیگری بامناعت طبع حرف زد که من اینهمه ارزانی داشته شدم و تو درمقابلم تهی دست و فقیر هستی. اما در عین حال این هشدار هم اعلام شد که چون خشم شعله ور خداوند برنعمتهای شما فروبارد پس شما

راخاکسترخواهدساخت وبعبارت دیگرهمان موضوع"صعیداًجرزاً" تکرار شده است.

طی همین سورة ذکراز سفرحضرت موسٰی به همراهی حضرت عیسٰی علیه السلام یافت میشود درچه ایشان را منتهای حدما مربوط به امت ایشان نشان داده وآن مقام خاطرنشان شد که ماهی غذای روحانی از آنجا به دریا بازرفت و این سخن اشاره ای به آن دور مسیحیت قبل از اسلام میکند که ایشان وضعیت روحانی خویش را از دست داده بودند.

سپس آنحضرت ﷺ بصورت آن بزرگ تمثیل کرده میشوند که مردم ایشان راحضرت خضرنام دهند وشرح داده شدکه آن حکمت که به او داده شود بالاتر از دسترسی حضرت موسیٰ علیه السلام میباشد و آن صبوری که بدست آوردن کنه آن لازم است حضرت موسیٰ دارای آن نبودند و رسول الله ﷺ برحضرت موسیٰ علیه السلام به این فضیلت برخوردارانده که ایشان همراز حکمتهای خدای برگزیده شدند.

ضمناً ذکر از ذوالقرنین میرود که اشاره ای بسوی آنحضرت ﷺ میباشد که ایشان راپادشاهی دو زمان اعطا کرده شود ـ یکی از اولین و دومین از آخرین. ضمن این ذکر، صورت از سفر حضرت ذوالقرنین بتفصیل بیان میشودکه دارای‌بسیارکنایات است که اینجا گنجایش بیان آن را ندارد.اما این امر بحرحال قطعی است که امت حضرت محمد ﷺدرکشور های‌غربی‌که خورشیددرآب ناپالوده ای‌ازخیالات اهل آنها غروب کرده بچشم میخورد.گسترش خواهدیافت و سفرایشان بسوی خاورتا آن سرزمین است که ورای آن بین خورشید و زمین هیچ پرده ای نیست.

درپایان این سورة بیان قاطعی عبارت از قصه عروج و زوال مسیحیت میباشد.عروج ابتدائی مسیحیت ناشی‌ازکردار یکتاپرستان بظهور رسید و زوال آنوقت صورت گرفت که اعتقاد برخدای یگانه رو به زوال گذاشته تا به گرفتن هزاران اولیا را برمقام خدائی منجرشد. چنانکه راجع به سَنت های فرضی که عملاً امروزها به رتبه الوهیت برگزیده میشوند در پایان این سورة بصورت این کلمات ذکر میرود: "افحسب الذین کفروا ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء" یعنی کسانیکه رسول الله ﷺ راانکارکردند، می پندارندکه گذشته ازخدا بندگان او را اولیاء برگزیند؟

رسول الله ﷺ به عرفانی آشکار برخوردار بودند که این سورة مربوط به دجّال است. لذا ایشان توصیه فرمودند کسیکه ده آیت نخستین و ده آیت آخرین این سورة را تلاوت کند او از فتنه دجّال نگه داشته شود. بااین وجود که ایشان نیزیك بشربودند از زبان ایشان اعلام به این صورت بظهور آورده شد که من یك بشرام ولی پاك ازهرنوع شرك. پس اگرشما نیز میخواهید که به دیدارپروردگارخود برخوردار شوید باید ازآلودگی شرك پاك بشوید.اینجاپیشگوئی به این عنوان نیزشده است که وحی خدا جاری خواهدماند. بندگان پاك خداکه خویشتن را از شرك پاك بدارند خدا با ایشان نیز تکلم خواهدکرد.

☆ سُوْرَةُ الْکَهْفِ مَکِّیَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ اِحْدٰی عَشْرَةَ اٰیَةً وَّ اثْنَاعَشَرَ رُکُوْعًا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿۱﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْٓ اَنْزَلَ عَلٰی عَبْدِهِ الْکِتٰبَ وَلَمْ یَجْعَلْ لَّهٗ عِوَجًا ﴿۲﴾

ستایش مطلق برای خدا است آنکه کتاب را بر بندهٔ خود نازل کرد و درآن هیچ کجی نیست(۲)

قَیِّمًا لِّیُنْذِرَ بَاْسًا شَدِیْدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَیُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِیْنَ الَّذِیْنَ یَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ﴿۳﴾

محکم استوار و استواری دهنده است تا به عذابی سخت ازجانب اوبترساندومؤمنان که نیکوکاری کنند را مژده دهد که آنانرا پاداشی بسیارنیکواست(۳)

مّٰاکِثِیْنَ فِیْهِ اَبَدًا ﴿۴﴾

آنان درآن دایماً مکث کنندگان اند(۴)

وَّیُنْذِرَ الَّذِیْنَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ﴿۵﴾

و بترساند آنها را که گفتند.خدا پسری فراگرفته است(۵)

مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ وَّلَا لِاٰبَآئِهِمْ کَبُرَتْ کَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ اِنْ یَّقُوْلُوْنَ اِلَّا کَذِبًا ﴿۶﴾

آنانرا به آن هیچ دانشی نیست و نه به پدران ایشان.سخنی بزرگ است که اززبانشان درمیآید.آنان فقط دروغ میگویند(۶)

فَلَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَّفْسَکَ عَلٰٓی اٰثَارِهِمْ اِنْ لَّمْ یُؤْمِنُوْا بِهٰذَا الْحَدِیْثِ اَسَفًا ﴿۷﴾

پس آیاتودنبال آنها بباعث شدن اندوه جانخود را بازنده ای اگر

آنهابدین سخن ایمان نیآرند؟(۷)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٨﴾

یقیناًما هرچه روی زمین است را زینت آن ساخته ایم تا ما ایشان رابیآزمائیم که کدام یکی از آنها درعمل نیکوتراست(۸)

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٩﴾

و یقیناً ما آنچه روی آنست را دشتی خشکزار میگردانیم(۹)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿١٠﴾

آیاگمان کنیدکه اهل غارها و اهل نوشته ها از جمله نشانه های ما اعجوبهٔ بوده اند(۱۰)++

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١١﴾

چون جوانانی بغارپناهنده شدند پس گفتند:پروردگارامارااز نزد خود رحمتیاعطاکن ومارا درکار ما هدایت کن(۱۱)

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١٢﴾

پس مادرغارهاگوشهای ایشان را سالیانی چند [ از شنیدن سخنان

++آیت ۱۰ :اصحاب الرقیم بمعنای اهل نوشته های است.ایشان درکهف خود نوشته های پرارزش واگذارده بودند برآنچه اروپایان امروز پژوهش بسیار کرده اند. این آیة نیزاعجازی را همراه دارد.احتمالاًآنحضرت صلی الله علیه وسلم از اصحاب کهف که مطلع بودند ولی اصحاب کهف را اصحاب الرقیم گفتن کسی نمیتوانست چنین گوید جز خدای عالم الغیب.

ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ اَیُّ الْحِزْبَیْنِ اَحْصٰی لِمَا لَبِثُوْٓا اَمَدًا ﴿١٢﴾

بیرونی] باز داشتیم(١٢)++
سپس آنهارابرخیزاندیم تابدانیم کدام یکی از آندو گروه درستتر میشمارد که برای چه مدت درنگ کردند(١٣)

ع ١٣ ١٣

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ ۭ اِنَّهُمْ فِتْیَةٌ اٰمَنُوْا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنٰهُمْ هُدًی ﴿١٤﴾

ماخبرایشانرا برتوبراستی بیان میکنیم. یقینًا ایشان چند جوان بودند که به پروردگارخودایمان آورده بودند و ما ایشان را بر هدایت افزودیم(١٤)

وَّرَبَطْنَا عَلٰی قُلُوْبِهِمْ اِذْ قَامُوْا فَقَالُوْا رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَاْ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ اِذًا شَطَطًا ﴿١٥﴾

ودلهای آنانراتقویت دادیم وقتی که بپاشدند.پس گفتند،پروردگار ما پروردگارآسمانهاوزمین است. هرگزماگذشته ازاوکسی رامعبود نخوانیم وگرنه یقیناًما حرفی دورازاعتدال زنیم(١٥)

++آیت ١٢ : اینجا سِنِین بمعنای زمان الی نه سال است زیرا که سنین جمع سنة است که برای عددسه الی نه آورده میشود.اگرچه زمان کامل جهت مکث مسیحیان یکتا پرست در غارها برای نگهداری از ایمان خود بالغ بر کمی بیشتر از سه صد سال است اما عملاً ایشان بیش از نه سال درنگ نکردند. زیرا که درحین این زمان سه صد سالگی هنگامیکه مخالفت دشمنان فرو می رفت آنگاه ایشان از غارها در میآمدند.

هٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً ؕ لَوْلَا يَاْتُوْنَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍۭ بَيِّنٍ ؕ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ﴿۱۶﴾

اینانند قوم ما که جز اوخدایانی گزیده اند.چرادرحق آنهادلیلی غالب و روشن نمی‌آورند؟ پس کیست ستمکارتر از آنکس که بر خدا دروغ بهم بافد(۱۶)

وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗٓا اِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ﴿۱۷﴾

و چون شماازآنهاوآنهائی راکه جزخداعبادت میکنند کنار گرفته اید پس به سوی غار پناه گیرید. پروردگارشما رحمت خود را بر شمامیگستراند وکار شمارابرای شما آسان نماید(۱۷)

وَتَرَى الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَّزٰوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ وَاِذَا غَرَبَتْ تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِيْ فَجْوَةٍ مِّنْهُ ؕ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ ؕ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ﴿۱۸﴾ ع

وخورشیدرامنگام طلوع مینگری که از غار ایشان بسمت راست کنار کشیده و هنگام غروب راه بریده از سمت چپ ایشان می گذرد وایشان درآن درجای گشاد اند. این از آیات خدااست. هرکه راخداهدایت دهد او هدایت شده است و هرکه را گمراه گرداند آنگاه برایش دوستی هدایت کننده نمییابی(۱۸)

وَتَحۡسَبُهُمۡ اَيۡقَاظًا وَّ هُمۡ رُقُوۡدٌ ۖ وَّنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ الۡيَمِيۡنِ وَذَاتَ الشِّمَالِ ۖ وَكَلۡبُهُمۡ بَاسِطٌ ذِرَاعَيۡهِ بِالۡوَصِيۡدِ ؕ لَوِاطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ مِنۡهُمۡ فِرَارًا وَّلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبًا ﴿۱۸﴾

و تو ایشان را بیدار می پنداری حالیکه ایشان خوابند وما ایشان را به راست و چپ میگردانیم و سگ ایشان بازوهای خود را پهن کرده در آستانه میماند و اگر بر ایشان با دقت بنگری حتمًا پشت کرده از آنها رو به فرارنهی و از آنها پرهول شوی(۱۹ )++

وَكَذٰلِكَ بَعَثۡنٰهُمۡ لِيَتَسَآءَلُوۡا بَيۡنَهُمۡ ؕ قَالَ قَآئِلٌ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ ؕ قَالُوۡا لَبِثۡنَا يَوۡمًا اَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٍ ؕ قَالُوۡا رَبُّكُمۡ اَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ ؕ فَابۡعَثُوۡۤا اَحَدَكُمۡ

نصف القرآن باعتبار عدد الحروف بان التاء بعد الياء من

اینگونه ما ایشانرابیدارکردیم تااز همدیگرمسئلت کنند.گویندۀ ازآنان گفت، چقدردرنگ کردید؟ گفتند، روزی یا پارۀ ی ازآن درنگ کردیم.گفتند،پروردگارشما

++آیت۱۹:مفسران را ازاین بیان که "تو ایشان را بیدار میپنداری حالیکه آنان خفته اند" این استدلال است که آنان به خواب ظاهری رفته بودند و این پندار درست نیست. این بیان براین مطلب دلالت کند که آنان از حالات خارجی ناآگاه بودند لذا این زمان برای ایشان باخواب برابربود. اگرموضوع بخواب ظاهری نسبت داشت پس این سخن اینطورگفته نمیشدکه اگرتوآنان رابنگریازآنها بیمناک وپرهول شوی.کسیکه بخواب است نه کسیازاومیترسدونه پرهول میشود.بحقیقت آنان مردم زحمتکش بودندو هرگاه رومیان به غارهارفته به گرفتاری آنان تلاش میکردندسگی را برسرغار نشته میافتند که ازعوعوآن سگ اهل غارازحمله متوجه و پنهان میشدند.

بِوَرِقِكُمْ هٰذِهٖٓ اِلَى الْمَدِيْنَةِ فَلْيَنْظُرْ اَيُّهَآ اَزْكٰى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ اَحَدًا ﴿٢٠﴾

داناتر است که چقدر درنگ کردید. یکی ازشمارا با این سکه خودبسوی شهربفرستید.پس باید مشاهده کند که کدام یکی طعام پاکیزه تراست آنگاه شمارا ازآن طعام بیآردوبایدبه نرمی‌رفتارکند وبرشماکسی‌راآگاه نسازد(۲۰)

النصف الاول واللام الثانیة من النصف الاخیر

اِنَّهُمْ اِنْ يَّظْهَرُوْا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوْكُمْ اَوْ يُعِيْدُوْكُمْ فِيْ مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوْٓا اِذًا اَبَدًا ﴿٢١﴾

یقیناًآنها کسانی اندکه اگربرشما غلبه یابند شما را سنگسار کنند یا شمارا درملت خود برگردانند و آنگاه ابداً رستگار نخواهید شد(۲۱)

وَكَذٰلِكَ اَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوْٓا اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّاَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيْهَا ۚ اِذْ يَتَنَازَعُوْنَ بَيْنَهُمْ اَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوْا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا ۭ رَبُّهُمْ اَعْلَمُ بِهِمْ ۭ قَالَ الَّذِيْنَ غَلَبُوْا عَلٰٓى اَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَّسْجِدًا ﴿٢٢﴾

وبدین ترتیب مابر[احوال] آنان اطلاع دادیم تا[مردم] بدانند که وعده خداحتمی الوقوع است و اینکه ساعت [انقلاب] است که در آن شکی نیست.چون در کارخود بهمدیگرستیزه کردند.پس بعضی ازآنهاگفتند که بر آنان ساختمان یادگاری بنا کنید. پروردگار ایشان داناتر به [احوال] ایشان

است.پس آنانکه درامرخود چیره شدند گفتند، ما که یقینًا بر آنها مسجدی بناميکنیم(۲۲)

سَيَقُولُونَ ثَلٰثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۚ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَّثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ قُلْ رَّبِّيْٓ اَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا قَلِيْلٌ ۬ۗ فَلَا تُمَارِ فِيْهِمْ اِلَّا مِرَآءً ظَاهِرًا ۠ وَّلَا تَسْتَفْتِ فِيْهِمْ مِّنْهُمْ اَحَدًا ﴿۲۳﴾

حتمًا گویند، سه تن بودند و چهارمین ایشان سگ ایشان بود. وگویند پنج تن بودند و ششمین ایشان سگ ایشان بود و [گاهی] گویند هفت تن بودند و هشتمین ایشان سگ ایشان بود.بگو تنها پروردگارم به عدد ایشان داناتر است[و جز او ]ایشان را هیچ کس نمیداند.پس درباره ایشان نستیزجز گفتگوی سرسری و در مورد ایشان از کسی از آنان استفسار مکن(۲۳)++

++آیت۲۳: درباره عدداصحاب کهف روایاتی مختلف یافت میشود.اما هرجا ذکر از عدد ایشان میرود سخن ازسگ ایشان نیزگفته میشود. چرا مسیحیان سگ را دوستدارند علتش معلوم نیست زیرا دربایبل سخن از این جهت نرفته است. البته قرآن حاکی است که مسیحیان راستین سگ را به مدت دراز برای نگهبانی خود بکار میگرفتند. بنابر این دلبستگی داشتن به یك همراهی وفادار امرطبیعی است. نسبت به عددایشان به رسول الله ﷺ گفته شد که درمورد اصحاب کهف شرح کشافی بدست کسی نیست. پس درباره ایشان فقط صحبت سرسری کن.

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايْءٍ اِنِّي فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا ﴿۲۴﴾

و مگو برای چیزی که یقیناً من فردا آنرا کننده ای ام(۲٤)

اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ۫ وَاذْكُرْ رَّبَّكَ اِذَا نَسِيْتَ وَقُلْ عَسٰٓى اَنْ يَّهْدِيَنِ رَبِّيْ لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا ﴿۲۵﴾

جز اینکه خدا بخواهد و هرگاه فراموش کردی پروردگارخود را یاد کن و بگو بعید نیست که پروردگارم مرا به سخنی درست تر از این هدایت نماید(۲۵)

وَلَبِثُوْا فِيْ كَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِيْنَ وَازْدَادُوْا تِسْعًا ﴿۲۶﴾

وایشان درغارخودطی‌سه صدسال چندسال شمرده درنگ کردند و نه[سال برآن] را افزودند (۲٦)

قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوْا ۚ لَهٗ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ اَبْصِرْ بِهٖ وَاَسْمِعْ ۭ مَا لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ ۫ وَّلَا يُشْرِكُ فِيْ حُكْمِهٖٓ اَحَدًا ﴿۲۷﴾

بگوخدادا‌ناترست به آنچه درنگ کردند.غیب آسمانها و زمین ازآن او است ـ چه نیکوبینندهٔ و چه نیکو شنوندهٔ است.برای‌آنان فقط او دوست است و او درحکومت خودکسیرا شریك نمیسازد(۲۷)

وَاتْلُ مَآ اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۚ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ ۚ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ﴿۲۸﴾

و تلاوت کن آنچه از کتاب پروردگارتوبسوی‌تووحی‌میشود. کلمات او راتغییردهندهٔ ی نیست و توجز او پناهگاهی نخواهی یافت(۲۸)

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيْدُوْنَ وَجْهَهٗ وَلَا تَعْدُ عَيْنٰكَ عَنْهُمْ ۚ تُرِيْدُ زِيْنَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَلَا تُطِعْ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهٗ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ وَكَانَ اَمْرُهٗ فُرُطًا ﴿۲۸﴾

وخویشتن را با آنان شکیبا بدار که پروردگارخودرا صبح و شام خوامان خوشنودی او میخوانند و دیده های تو بدوستی زینت دنیاازایشان برنگردد و او را متابعت نکن که ما دل او را از یاد خود غافل کرده ایم وآنکه هوای نفسانیخودرامتابعت کرد و کارش ازحدگذشته است(۲۹)

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ ۗ فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۙ اِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ نَارًا ۙ اَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ؕ وَاِنْ يَّسْتَغِيْثُوْا يُغَاثُوْا بِمَآءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِى الْوُجُوْهَ ؕ بِئْسَ الشَّرَابُ ؕ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۳۰﴾

وبگوحق آنست که از پروردگار شماباشد.پس هرکه بخواهد ایمان آورد و هرکه بخواهد انکارکند. البته ما برای ستم کاران آتشی آماده کرده ایم که دیوارهایش آنها را احاطه کرده است واگر فریادکنند پس فریاد رسی شوند باآبی مانندمس گداخته که چهره های ایشان را بسوزاند. چه بد آشامیدنی و چه زشت آرامش گامی است(۳۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اِنَّا لَا

البته کسانیکه ایمان آوردند و

نُضِيعُ اَجْرَ مَنْ اَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣١﴾

نیکوکاری کردند هرگز ماپاداش آنکه نیکو کاری کند ضائع نمی گذاریم(۳۱)

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّيَلْبَسُوْنَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِيْنَ فِيْهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ ؕ نِعْمَ الثَّوَابُ ؕ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣٢﴾

همانهاند که برای ایشان باغهای جاودان است. زیر[قدمهای] آنها نهرهای‌روانست.ایشان درآنجا از دست بندهای‌طلائی آراسته شوند و جامه های سبز ابریشم نازك و دیبای کلفت تن کنند. ایشان در آنها برتختهای تکیه کننده باشند. بسیارنیکو پاداش است و بسیار نیکو آرامش گاهی است(۳۲)

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ اَعْنَابٍ وَّ حَفَفْنٰهُمَا بِنَخْلٍ وَّ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٣﴾

و برای ایشان مثل دومرد بیان کن که به یکی از آندو ما دو باغ انگور ساختیم و دَور آندو را با درختان خرما فراگرفتیم و میان آندوکشت زاری رویانیدیم(۳۳)

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ اٰتَتْ اُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِّنْهُ شَيْئًا ۙ وَّفَجَّرْنَا خِلٰلَهُمَا نَهَرًا ﴿٣٤﴾

هریك آندو باغ مأکولات خود را می داد و ازآن چیزی کم نمیکرد و میان آندو نهری جاری کرده بودیم(۳۴)

وَّكَانَ لَهٗ ثَمَرٌ ۚ فَقَالَ لِصَاحِبِهٖ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗٓ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَّاَعَزُّ نَفَرًا ﴿۳۵﴾

و او را[باغهای مملو از]میوهٔ بود. پس او به همراهی خود درحالیکه بااو گفتگو میکرد گفت:من بیشترم از تو در ثروت و نیرومندتر ام در گروه(۳۵)

وَدَخَلَ جَنَّتَهٗ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ ۚ قَالَ مَآ اَظُنُّ اَنْ تَبِيْدَ هٰذِهٖٓ اَبَدًا ﴿۳۶﴾

و او وارد باغ خود شد درحالی که او برای خویشتن ستمکار بود [و] گفت، گمان نمیکنم هیچگاه این نابود گردد(۳۶)

وَّمَآ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً ۙ وَّلَئِنْ رُّدِدْتُّ اِلٰى رَبِّيْ لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿۳۷﴾

وگمان نکنم که قیامت برپا گردد و اگر به سوی پروردگارخود برگردانده شوم حتمًا بازگشت گاهی از این هم نیکوترخواهم یافت(۳۷)

قَالَ لَهٗ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗٓ اَكَفَرْتَ بِالَّذِيْ خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوّٰىكَ رَجُلًا ﴿۳۸﴾

رفیقش حالیکه بدوگفتگو میکرد گفت.آیاکفر میکنی به آنکه تورا از گل وباز ازچکهٔ آب آفرید. سپس تورامردی فعال آراستید(۳۸)

لٰكِنَّا۠ هُوَ اللّٰهُ رَبِّيْ وَلَآ اُشْرِكُ بِرَبِّيْٓ اَحَدًا ﴿۳۹﴾

اما[میگویم] که پروردگارم همان خدا است و من به پروردگارخود کسی راشریك نمیآرم(۳۹)

وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ﴿٤٠﴾

و چراچون وارد باغ خود شدی نگفتی"هرچه خداخواهد و قدرت مطلقاً برای خدا است"اگر دیدی مرا که من در مال و اولاد از تو کمترم(٤٠)

فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ عَلَيۡهَا حُسۡبَانٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا ﴿٤١﴾

پس امید است که پروردگارم مرا باغی نیکوتر ازتو دردهد و برآن [باغ تو]آفتی محاسبه کرده از آسمان بفرستد پس آن دشتی خشکزار گردد(٤١)

أَوۡ يُصۡبِحَ مَآؤُهَا غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا ﴿٤٢﴾

یا آبش در زمین فرورود پس طاقت برای [باز] جستن آنرا نیآوری(٤٢)

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٤٣﴾

و میوه اش [باآفت] احاطه کرده شد پس او دو کف خود را میگردانید برآن هزینه که درآن کرده بود و آن [باغ]برداربست های‌خود فرو افتاده بود و او میگفت، ای کاشکی احدی را به پروردگارخود شریك قرار نمی دادم(٤٣)

وَلَمْ تَكُنْ لَّهٗ فِئَةٌ يَّنْصُرُوْنَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ﴿۴۴﴾

و برای اوگروهی نبودند که در مقابل خدااو را یاری میدادند و نتوانست که انتقام بکشد(٤٤)

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ ؕ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ عُقْبًا ﴿۴۵﴾ ع ۱۳ ۱۷

آنوقت اختیار ازآن خدا بود که حق است.او نیکو درپاداش است و نیکوبرای عاقبت است(٤٥)

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِيْمًا تَذْرُوْهُ الرِّيٰحُ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿۴۶﴾

وبرای ایشان مثل زندگانی این دنیا بیان کن که مانند آبی است که آن را از آسمان فروفرستادیم پس رستنی زمین به آن درهم آمیخت.پس آن شکسته وخُرد شد که بادآنرا میپراند و خدا بر هر چیز با کمال قدرتمند است(٤٦)

اَلْمَالُ وَالْبَنُوْنَ زِيْنَةُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَالْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ اَمَلًا ﴿۴۷﴾

مال واولاد زینت زندگی‌دنیائیند و نیکیها باقیمانده نزد پروردگار تو بهتراست برای ثوابی و بهتر است جهت آرزو.(٤٧)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْاَرْضَ بَارِزَةً ۙ وَّحَشَرْنٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ اَحَدًا ۚ ﴿۴۸﴾

وروزیکه کوهها را بحرکت آوریم ومیبینی‌زمین درون خود رابروز دهدوآنهارا[درآفت]گردآوریم پس احدی از آنهارا وا نگذاریم(٤٨)

وَعُرِضُوا عَلٰى رَبِّكَ صَفًّا ؕ لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا كَمَا خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍۭ ز بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَّجْعَلَ لَكُمْ مَّوْعِدًا ﴿٤٩﴾

و صف کشیده بر پروردگارتو عرضه شوند. یقیناً پیش ما آمدید بدانسان که شمارااوّل بارآفریده بودیم. بلکه شما گمان میکردیدکه برایشما هیچ وعده گاهی مقرر نخواهیم داشت(۴۹)

وَوُضِعَ الْكِتٰبُ فَتَرَى الْمُجْرِمِيْنَ مُشْفِقِيْنَ مِمَّا فِيْهِ وَيَقُوْلُوْنَ يٰوَيْلَتَنَا مَالِ هٰذَا الْكِتٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيْرَةً وَّلَا كَبِيْرَةً اِلَّآ اَحْصٰهَا ۚ وَوَجَدُوْا مَا عَمِلُوْا حَاضِرًا ؕ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ﴿٥٠﴾

و کتاب آورده شود.پس مجرمان را از آنچه در آن است بیمناك خواهی دید و گویند ای وای! این کتاب را چیست که چیزی نه کوچك و نه بزرگ را فرو می گذارد مگرهمه راشمارکرده است وهرچه عمل کردندحاضر خواهند یافت وپروردگارتو به کسی ستم نخواهد کرد(۵۰)

ع ٦ ۱۸

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ؕ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ ؕ اَفَتَتَّخِذُوْنَهٗ وَذُرِّيَّتَهٗٓ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِيْ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ ؕ بِئْسَ لِلظّٰلِمِيْنَ بَدَلًا ﴿٥١﴾

وچون به فرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید.پس سجده کردند همه جز ابلیس. او ازجنها بود.پس او از فرمان پروردگار خودروگردانی‌کرد.پس آیاگذشته از من او و نژادش را بدوستی

فراگیریدحالیکه آنها دشمن شما اند؟ معاوضه ستمکاران بسیار زشت است(۵۱)

مَآ اَشۡهَدۡتُّهُمۡ خَلۡقَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ وَلَا خَلۡقَ اَنۡفُسِهِمۡ وَمَا كُنۡتُ مُتَّخِذَ الۡمُضِلِّيۡنَ عَضُدًا ﴿۵۲﴾

من آنها را بر آفرینش آسمانها و زمین گواه نگرفتم و نه بر آفرینش خودشان و نیستم من که گمراه کنندگان را بازوئی خود بگزینم(۵۲)

وَيَوۡمَ يَقُوۡلُ نَادُوۡا شُرَكَآءِىَ الَّذِيۡنَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيۡبُوۡا لَهُمۡ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ مَّوۡبِقًا ﴿۵۳﴾

وروزیکه گوید.آنانراکه شریکان من گمان میکردید بخوانید. پس آنان آنها را بخوانند پس آنها جوابی به آنها ندمند و میان آنها هلاکتگاهی قرارخواهیم داد(۵۳)

وَرَاَ الۡمُجۡرِمُوۡنَ النَّارَ فَظَنُّوۡۤا اَنَّهُمۡ مُّوَاقِعُوۡهَا وَلَمۡ يَجِدُوۡا عَنۡهَا مَصۡرِفًا ﴿۵۴﴾ ع ۷/۴ ۱۹

و مجرمان به آتش بنگرند و گمان کنندکه آنهادرآن افتادگانند وهیچ بازگشتگاهی‌ازآن نخواهند یافت(۵۴)

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِىۡ هٰذَا الۡقُرۡاٰنِ لِلنَّاسِ مِنۡ كُلِّ مَثَلٍ‌ؕ وَكَانَ الۡاِنۡسَانُ اَكۡثَرَ شَىۡءٍ جَدَلًا ﴿۵۵﴾

والبته دراین قرآن برای مردم از هرکدام مثل را بیان کرده ایم و انسان بیشتر از هر چیز ستیزه کننده است(۵۵)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْٓا اِذْ جَآءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوْا رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٦﴾

وچه چیزی بازداشت مردم را چون ایشان را هدایت آمد که ایمان میآوردند و از پروردگار خود آمرزش میخواستندجزاینکه [میخواستند]روندپیشینیان آنان رانیزبیآیدیاآنانرا عذابی زودتر آینده بیآید(٥٦)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَمَآ اُنْذِرُوْا هُزُوًا ﴿٥٧﴾

ومارسولانرانفرستادیم مگرمژده دهنده وبیم دهنده و کسانیکه کفر کردندبدروغ جدال میکنند تاحق رابدان بلغزانند وآنها آیتهای من و از آنچه آنهابیم داده شدند را بباد سخریه گرفتند(٥٧)

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ ۗ اِنَّا جَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا اِذًا اَبَدًا ﴿٥٨﴾

وکیست ستمکارتراز آنکه به آیت های پروردگارخود تذکرداده شد بازهم از آنها روی برتابید و به فراموشی سپردآنچه را دو دست اوپیش فرستاد. یقینًا ما بردلهای ایشان پرده افکنده ایم تا آنرا درك نکنند و درگوش هایایشان سنگینیاست و اگرآنها را بسوی

هدایت بخوانی پس هرگزهدایت نخواهندیافت(۵۸)

وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ ؕ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ؕ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ مَوْئِلًا ﴿۵۹﴾

و پروردگارتوصاحب آمرزش و صاحب رحمت است. اگر او آنها را بمواخذه بگیرد بدآنچه انجام دهندحتماًعذاب را بر آنان زودتر بیآرد. اما برای آنها وعده گاهی است که از آن گریزگاهی نه خواهند یافت(۵۹)

وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا ﴿۶۰﴾ ع

و این قریه ها بودند که چون ستم کردند ما نابودشان ساختیم وبرای هلاکشان وعده گاهی قرار داده ایم(۶۰)

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ حَتّٰٓى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا ﴿۶۱﴾

وهنگامیکه موسی به [همراهی] حوان خود گفت، هرگز من دست برنمیدارم تاآنگاهکه محل اتصال دو دریا برسم اگرچه قرنها راه بروم(۶۱)++

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوْتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿۶۲﴾

پس چون آندو بمحل اتصال دو دریا رسیدند ماهی خود را[آنجا] فراموش کردند و آن در دریا رو

به راه نهاد(۶۲)++

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا ۡ لَقَدۡ لَقِيۡنَا مِنۡ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا﴿۶۳﴾

پس هنگامیکه آندو گذشتنداو به [همراهی] جوان خود گفت. غذای چاشت مارا بیآر.یقیناً مارا ازین سفر خستگی رسیده است(۶۳)

قَالَ اَرَءَيۡتَ اِذۡ اَوَيۡنَاۤ اِلَى الصَّخۡرَةِ فَاِنِّىۡ نَسِيۡتُ الۡحُوۡتَ ۡ وَمَاۤ اَنۡسٰنِيۡهُ اِلَّا الشَّيۡطٰنُ اَنۡ اَذۡكُرَهٗ ۚ وَاتَّخَذَ سَبِيۡلَهٗ فِى الۡبَحۡرِ ۖ عَجَبًا﴿۶۴﴾

او گفت.آیاحالی شدی وقتی ما بر سنگی‌پناه بردیم آنگاه من ماهی را فراموش کردم و آنرا از من فراموش نساخت جز شیطان که آنرا بخاطرمیداشتم و عجب آن راه خودرادردریا درگرفت(۶۴)

قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبۡغِ ۖ فَارۡتَدَّا عَلٰۤى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ۙ﴿۶۵﴾

او گفت.همین راکه مامیخواستیم. پس آندو ردپای خود را دنبال کرده برگشتند(۶۵)

++آیت۶۱ـ ۶۲:دراین آیات اشارهٔ ی به سوی یك مکاشفه حضرت موسٰی است درجه عیسٰی ظهورکننده درامت ایشان به همراه ایشان برسفرنشان داده میشود.

حوت بمعنای آموزش روحانی است که موجب غذای روحانی میگردد. مجمع البحرین عبارت از آن زمان است که امتهای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و حضرت موسٰی علیه السلام بهم متصل شوند یعنی امت حضرت موسٰی شامل ایمان آوردگان برحضرت عیسٰی تا بظهور رسیدن امت رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وسلم ادامه دهند.امامسیحیان بسیارجلوترازآنزمان حال وهوای خودراخراب و خرافاتی خواهند ساخت و از دست در رفتن ماهی را همین مفهوم است.

فَوَجَدَا عَبۡدٗا مِّنۡ عِبَادِنَآ ءَاتَيۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَعَلَّمۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلۡمٗا ﴿٦٦﴾

پس آندو [درآنجا]از بندگان ما بندهٔ یرایافتند که او را ازجانب خود رحمتی بسیار بزرگ داده بودیم و از نزد خود به او دانش آموخته بودیم(٦٦)

قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلۡ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمۡتَ رُشۡدٗا ﴿٦٧﴾

موسیٰ به اوگفت آیا من ازپی تو بروم براینکه بیآموزی مرااز آن هدایت که بتوآموخته شد(٦٧)

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ﴿٦٨﴾

اوگفت:یقینًا تو با من طاقت صبر نه خواهی آورد(٦٨)

وَكَيۡفَ تَصۡبِرُ عَلَىٰ مَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ خُبۡرٗا ﴿٦٩﴾

وچگونه صبرکنی برآنچه آنرا به تجربه فرانگرفته ای(٦٩)

قَالَ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرٗا وَلَآ أَعۡصِي لَكَ أَمۡرٗا ﴿٧٠﴾

اوگفت:انشأ الله حتمًا مرا شکیبا می یابی و در هیچ امر تو را نافرمانی نکنم(٧٠)

قَالَ فَإِنِ ٱتَّبَعۡتَنِي فَلَا تَسۡـَٔلۡنِي عَن شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ أُحۡدِثَ لَكَ مِنۡهُ ذِكۡرٗا ﴿٧١﴾

اوگفت:پس اگر درپی من آمدی آنگاه مراهیچ نپرسی تا[خودم] برای تو از آن درسخن آیم(٧١)

فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِي ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَاۖ قَالَ أَخَرَقۡتَهَا لِتُغۡرِقَ أَهۡلَهَا لَقَدۡ جِئۡتَ شَيۡـًٔا إِمۡرٗا ﴿٧٢﴾

پس آندو رهسپارشدند تا چون سوارکشتی شدند اوآنرا ترکاند. او گفت آنراترکاندی تااهل آنرا

غرق سازی؟ یقینًا چیزی زشت آورده ای(۷۲)

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿۷۳﴾

او گفت:آیانگفته بودم که یقینًا با من طاقت صبرنخواهی‌آورد(۷۳)

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِيْ بِمَا نَسِيْتُ وَلَا تُرْهِقْنِيْ مِنْ اَمْرِيْ عُسْرًا ﴿۷۴﴾

گفت، مرا مواخذه نکن به آنچه فراموش کردم و از کارم مرا سخت گرفته بیش از طاقتم تکلیف نده(۷٤)

فَانْطَلَقَا ۫ حَتّٰٓى اِذَا لَقِيَا غُلٰمًا فَقَتَلَهٗ ۙ قَالَ اَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً ۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ ۭ لَقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا ﴿۷۵﴾

پس رهسپارشدندتاچون باپسری روبروشدند آنگاه او آنرا کشت. او [موسیٰ] گفت، آیا یك جان پاك راکشتی بغیراز جانی [که او کشته باشد]؟یقینًا تو چیزی ناپسند آورده ای(۷۵)

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٦﴾

او گفت، آیا به تو نگفته بودم که یقیناً بهمراه من طاقت صبر نه خواهیآورد(٧٦)

قَالَ اِنْ سَاَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصٰحِبْنِيْ ۚ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَّدُنِّيْ عُذْرًا ﴿٧٧﴾

او گفت، اگر بعد ازین از چیزی از تو بپرسم پس مرا همراه نه گیر. یقیناً عذری از من بتو رسیده است(٧٧)

فَانْطَلَقَا ۫ حَتّٰۤى اِذَاۤ اَتَيَاۤ اَهْلَ قَرْيَةِ ِۨ اسْتَطْعَمَاۤ اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ يُّضَيِّفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِيْهَا جِدَارًا يُّرِيْدُ اَنْ يَّنْقَضَّ فَاَقَامَهٗ ؕ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ اَجْرًا ﴿٧٨﴾

پس آندو راهی شدند تاچون نزد اهل قریهٔ رسیدند از مردمش غذا درخواستند اماآنها ازین انکار کردند که آندو را مهمان کنند. آندو آنجا دیواری یافتند که می خواست منهدم شود.پس او آنرا استوارکرد.او [موسیٰ] گفت اگر میخواستی البته برای آن اجرت میگرفتی(٧٨)

قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِيْ وَبَيْنِكَ ۚ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاْوِيْلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٩﴾

اوگفت، اینك بین من و بین تو جدائی است.البته توراباحقیقت آن آگهی می دهم که برآن نه توانستی صبرکنی(٧٩)

اَمَّا السَّفِيْنَةُ فَكَانَتْ لِمَسٰكِيْنَ

باتوجه به کشتی پس آن برای

يَعْمَلُوْنَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُّ اَنْ اَعِيْبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِكٌ يَّأْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَصْبًا ﴿۸۰﴾

مساكين بود كه در دريا كار مى كردند. پس خواستم آنرا عيبدار سازم چه پادشاهى آنهارا تعقيب ميكرد كه هر كشتى را به غصب ميگرفت(۸۰)

وَاَمَّا الْغُلٰمُ فَكَانَ اَبَوٰهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِيْنَآ اَنْ يُّرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَّكُفْرًا ﴿۸۱﴾

وباتوجه به پسر پدرومادرش هر دوى مومن بودند. پس باك داشتيم كه مبادا سركشى و ناسپاسى كرده آندو را ببارطاقت فرسائى تكليف كند(۸۱)

فَاَرَدْنَآ اَنْ يُّبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكٰوةً وَّاَقْرَبَ رُحْمًا ﴿۸۲﴾

پس خواستم كه آندورا پروردگار ايشان درعوض [پسرى] پاكتر و ترحم كننده تر دردهد(۸۲)

وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلٰمَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهٗ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ اَبُوْهُمَا صَالِحًا ۚ فَاَرَادَ رَبُّكَ اَنْ يَّبْلُغَآ اَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا ۖ رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهٗ عَنْ اَمْرِيْ ؕ ذٰلِكَ تَاْوِيْلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿۸۳﴾ ع

و باتوجه به ديوار. پس آن ازآن دوپسر يتيم آن شهر بود و زير آن گنج آندو پنهان بود وپدرشان نيكوكار بود. پس پروردگار تو خواست كه آندو بسن بلوغ خود برسندوگنج خودرا(خود) بيرون آورند. اين ازپروردگارتو رحمتى بود واينكار بميل خود نكرده ام.

وَيَسْـَٔلُونَكَ عَن ذِى ٱلْقَرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُوا۟ عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٤﴾

اين حكمت آنست كه بر آن تو نه توانستى صبر كنى (٨٣)

ودرباره ذوالقرنين ازتواستفسار ميكنند.بگو،حتماًكمى‌ازذكرش را بر شما ميخوانم(٨٤)++

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِى ٱلْأَرْضِ وَءَاتَيْنَٰهُ مِن كُلِّ شَىْءٍ سَبَبًا ﴿٨٥﴾

يقينًاما درزمين او راجاه و مقام داده بوديم و او راوسائل هركار فراهم كرديم(٨٥)++

فَأَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٦﴾

پس اوراهى‌رادنبال كرد(٨٦)++

حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ ٱلشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِى عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا ۗ قُلْنَا يَٰذَا ٱلْقَرْنَيْنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٧﴾

تا چون او سمت غرب خورشيد رسيد آنگاه آنرا ديدكه در منبع لجن آلودغروب ميكردو درجوار آن قومى را يافت. ما گفتيم: اى ذوالقرنين خواه عذاب كن و خواه جهت ايشان خوش رفتارى فراگير(٨٧)++

++آيات ٨٤_ ٨٧:ذوالقرنين حقيقى آنحضرت صلى الله عليه وسلم اند. ايشان يك دوره امت حضرت موسٰى راديدند ودورۀ ى‌ديگراست كه خداوندبراى تجديدحيات امت ايشان كسى ازپيروكاران مطيع ايشان رابراى‌اينكاربرميانگيزد.بدين ترتيب هردوزمان به آنحضرت نسبت داده شود. اما امرى كه در اين زبان تصويرى بيان شده است مربوط به يك واقعۀ تاريخى‌است كه احتمالاً منظور از آن كوروش پادشاه ايران است و درباره وى سخن در بائبل نيز رفته است. [ص#٦٩٥]

قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهٗ ثُمَّ يُرَدُّ اِلٰى رَبِّهٖ فَيُعَذِّبُهٗ عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨٨﴾

او گفت: آنكه ستمكرد ما او را عذاب دهيم. سپس او بسوى پروردگار خود بازگردانده شود كه او وى را عذابى سختتر خواهد داد(٨٨)

وَاَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهٗ جَزَآءً الْحُسْنٰى ۚ وَسَنَقُوْلُ لَهٗ مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٩﴾

وهركه ايمان آورده و نيكوكارى كرد پس او را پاداشى نيكو است و برايش از فرمان خود به آسايش فيصل دهيم(٨٩)

ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٠﴾

پس راهئى ديگر را دنبال كرد(٩٠)

حَتّٰى اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَّهُمْ مِّنْ دُوْنِهَا سِتْرًا ﴿٩١﴾

تا چون او جاى مطلع خورشيد رسيد پس آنرا بر قومى طلوع كنان يافت كه ميان ايشان و وراى آن [خورشيد] مانعئى قرار نداده بوديم(٩١)

كَذٰلِكَ ؕ وَقَدْ اَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩٢﴾

همينطور شد، و ما هر تجربه او را احاطه كرده بوديم(٩٢)

---

بقيه ص#٦٩١:او داراى نيرو روحانى فوق العاده ويكتا پرست بود. اين آيتها حاكى ازسفرهاى خاورى و باخترى او ميباشد. نسبت به ساختن ديوار منظور ازين تنهايك ديوار نيست بلكه ديوارهاى مختلف است كه درزمان باستانى از جلوگرفتن حمله كنندگان برخلاف چنين ملتهاى كه طاقت بدفاع خودنميآوردند استواركرده ميشد. از آنجمله يك ديوار در روسيه است و ديوار چين نيزاست. يعنى حفاظت كردن از طريق ديوارها رسم آنزمان بود.

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٣﴾

پس راهی دیگر را دنبال کرد(٩٣)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٤﴾

تاچون درمیان دو دیوار رسید ورای آندو قومی دیگر را یافت که سخن را بمشکل درك می کردند(٩٤)++

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٥﴾

گفتند.ای‌ذوالقرنین یقینًا یاجوج ماجوج در زمین فساد کننده اند. آیا ما برای تو بر این خراجی مقرر کنیم تا میان ما و میان آنها سدّی بسازی(٩٥)++

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٦﴾

اوگفت، یارائی که پروردگارم جهت این مرا داد بهتراست. پس شمابمن[فقط]یاری‌ازنیروئی دهید تا میانتان و میان ایشان سدی بسازم(٩٦)++

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٧﴾

قطعات آهن برایم بیآرید تاچون میان دوکوه را [پرکرده] برابر ساخت گفت اکنون[آتش]بدمید.تا آن انتها که چون آن راآتش[سان] ساخت گفت، بیآرید مرا مس که بر آن بریزم(٩٧)++[ص#٦٩٧]

فَمَا اسْطَاعُوْٓا اَنْ يَّظْهَرُوْهُ وَمَا اسْتَطَاعُوْا لَهٗ نَقْبًا﴿۹۸﴾

پس نتوانستند که آن را بپرند و نتوانستندآنرانقب بیافکنند(۹۸)

قَالَ هٰذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَّبِّيْ ۚ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّيْ جَعَلَهٗ دَكَّآءَ ۚ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّيْ حَقًّا﴿۹۹﴾

اوگفت، این رحمت پروردگارم است. پس چون وعده پروردگارم فرارسدآنراریزه ریزه کند.یقینًا وعده پروردگارم حتمی الوقوع است(۹۹)++

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَّمُوْجُ فِيْ بَعْضٍ وَّنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَجَمَعْنٰهُمْ جَمْعًا﴿۱۰۰﴾

و آنروزبگذاریم که بعضی ازآنها بر بعضی موج زنندودرصوردمیده شودوهمه آنهارا جمع کنیم(۱۰۰)

وَّعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكٰفِرِيْنَ عَرْضًا﴿۱۰۱﴾

و آنروزجهنم را آشکارا روبروی کافران قراردهیم(۱۰۱)

---

آیات ٩٤ـ٩٧: دیواری که ذکرش در این آیتها میرود آن میان ترکیه و روسیه دیوار دربند است که بوسیله آن راه میان دریای اخضر و کوه قاف بسته شده بود. این دیوار را کوروش جهت جلوگیری کردن از حمله کنندگان اروپائی برخلاف ملتهای ضعیف استوارکرده بود. کوروش بعوض اینکار از آنان هیچ مزدی نخواسته بود بلکه فقط نیروئی کارگروآهن ومس طلبیده بود وکاربنائی نیز مطابق رهنمائی کوروش انجام داده میشد.

++آیت۹۹: در زمانیکه یاجوج و ماجوج را خروج در دنیا باشد آنگاه این دیورها بی معنی شده خواهد بود و از روی نوشته ها غلبه یاجوج و ماجوج برهمه دنیا بطوری صورت خواهد گرفت که طغیان دریائی موج به موج پیش میرود. پس درحقیقت غلبه جهانی آنان را درنتیجه غلبۀ دریایی آنان شروع شدن بود.

الَّذِيْنَ كَانَتْ اَعْيُنُهُمْ فِيْ غِطَآءٍ عَنْ ذِكْرِيْ وَكَانُوْا لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ سَمْعًا ﴿١٠٢﴾

آنانكه ديدگان آنها از يادم در پردهٔ بودند و طاقت شنوائی را نداشتند(١٠٢)

ع ١١ ١٩ ٢

اَفَحَسِبَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَنْ يَّتَّخِذُوْا عِبَادِيْ مِنْ دُوْنِيْ اَوْلِيَآءَ ط اِنَّا اَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ نُزُلًا ﴿١٠٣﴾

پس آیاآنهاكه كفركردندگمانكنند كه جزمن بندگانم را سرپرستان خود خواهند ساخت؟يقيناًماجهنم را برای كافران محل پذيرائی آماده كرده ايم(١٠٣)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْاَخْسَرِيْنَ اَعْمَالًا ط ﴿١٠٤﴾

بگوآياشمارا به زيانكارتران در اعمال آگهی دهيم(١٠٤)

اَلَّذِيْنَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ يُحْسِنُوْنَ صُنْعًا ﴿١٠٥﴾

كسانيكه همه كوششهای آنها در زندگی دنيا فرورفت وگمان كنند كه آنان هنرصنايع را به حدكمال ميرسانند(١٠٥)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهٖ فَحَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيْمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَزْنًا ﴿١٠٦﴾

همانهاند كه به آيتهای پروردگار خود و ديدار او انكار كردند. پس اعمال آنها هدررفت پس روز قيامت به آنها هيچ ارجی نه گذاريم(١٠٦)

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوْا وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَرُسُلِيْ هُزُوًا ﴿١٠٧﴾

اين است پاداش آنها جهنم چه كفركردند و آيتهای ما و رسولان

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

ع ١٢ ٩ ٢

ما را بباد سخريه گرفتند(١٠٧)

البته كسانيكه ايمان آوردند و نيكوكارى كردند جاى پذيرائى آنان بهشتهاى‌فردوس است(١٠٨)

درآن جاودانانندوهيچگاه جدائى ازآنهانخواهندخواست(١٠٩)

بگو.اگردرياها به [نوشتن]كلمات پروردگارم مركب گردد حتمًا درياها تمام شود قبل از اينكه كلمات پروردگارم بپايان برسد هرچندكمك بمانندآن(درياهازايد] بيآريم(١١٠)

بگو.من[فقط]بشرى ام مانند شما. وحى ميشودبسويم كه معبود شما معبودى يگانه است. هر كه ديدار پروردگار خود را ميخواهد پس بايد نيكوكارى كند و درعبادت پروردگارخود احدى را شريك قرار ندهد(١١١)

# ١٩ - سورة مریم

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ٩٩ آیت دارد. زمان نزولش چهارمین یا پنجمین سال قبل از هجرت حبشه است.

این سورة حاکی از تولدحضرت عیسیٰ علیه السلام است که بلا وجود پدر بدنیا آمدند وگفته میشود که این تولد برچنین معجزه ای متکی‌بود که مردم آن زمان نمیتوانستند آنرادرك کنند.ضمناً ذکرازاین امرضروریست که اهل تحقیق مسیحیان این امر را به قاطعیت اثبات کرده اند که از بطن دوشیزه ای بی آنکه او به مردی نزدیکی کرده باشد بچه ای توان متولد شد. در اوایل تصوربراین بودکه تنهاتولد دختر امکان پذیراست ولی از تحقیق آخیر به اثبات رسیده است که تولد پسر نیز امکان دارد.

تاجائیکه تولد معجزانه تعلق دارد آن به گاه ها به این رنگ و روی نیزبظهورمیرسدکه بچه ای درآن مرحله سن زن و شوهر متولد میشود که بظاهرایشان تولد را برای خود خارج از امکان میپندارند. همین صورت حضرت زکریا علیه السلام را پیش آمد. ایشان آزمند اولاد بودند. اما ایشان پیر فرتوت شده و سرایشان ازسفیدی موها برافروخته بود. همسر ایشان نه تنهاپیربلکه نازا هم بود. پس تولداعجازی را یك مثل اینست که با وجود این کم بودیها ایشان از اولاد بصورت حضرت یحییٰ برخوردارشدند. این آزمندی اولاد بخاطرایشان ناشی ازتفکربرحالات حضرت مریم خطور کرد. این امربلاذکرنباید بماند که وجود پاك حضرت مریم بود که تولد معجزانهٔ حضرت عیسیٰ علیه السلام بلا وجود پدری از آن مقدر شده بود.

سپس شرح ازآن جریان حوادث است که حضرت مریم علیها السلام فلسطین را ترک کرده بسوی خاور آن رفته بودند و شب و روز آنجا را در ذکرخداوند میگذراندند و حین این گوشه نشینی نخست بار بوسیله فرشته ای متمثل به رنگ و روی انسان ایشان را مژده پسری داد.

پس از فارغ شدن حضرت مریم بهمراه حضرت عیسیٰ به فلسطین باز شدند.آنگاه یهودیان سخت غوغابرپاکرده اینراولادی ناجایز تلقی کردند. آنگاه خداوند به حضرت مریم فرمان داد که بخاطرم روزه کری کلامی بگیر و این پسر[که آنگاه در گهواره ای بودیعنی دو یا سه سالگی داشت] خودش به آنها پاسخ خواهد داد. حضرت عیسیٰ جلوی علماء یهودیان چنان سخنانی پرمعرفت گفتند که خارج ازحیطهٔ فکری از بچه ناپاکی بود. این سخنان شامل پیشگویی ازپیغمبر بودن ایشان نیزبود. همزمان ایشان این پیش گوئی نیزکردند که خداوند ایشان را ازچاله های آنها جهت قتل ایشان نیز حفظ خواهدکرد. درضمن گفتند."وَالسَّلامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ اَمُوتُ وَ يَوْمَ اُبْعَثُ حَيًّا" یعنی درود بود بر من ازجانب خدا روزیکه بدنیا آمدم و هنگامیکه میمیرم وفات طبیعی میمیرم و درود است برمن ازخدا روزیکه برخیزانده شوم.

آیتی شبیه این درمورد حضرت یحییٰ علیه السلام نیز نازل آمد که حاکی است "سَلَامٌ عَلَيهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوْتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا" که درود براو روزیکه بدنیا آمد و درود بر او روزیکه بمیرد و درودبراو روزیکه برخیزانده شود. ازاین آیت استدلال مااین است که حضرت یحییٰ نیز بقتل نرسیدند.

سپس ضمن ذکرازحضرت ابراهیم علیه السلام سخن از اولاد معجزانهٔ ایشان نیز میرود. ایشان را درسن کهولت هم حضرت اسمٰعیل داده شدند وهم حضرت اسحاق و بعدها از نژادایشان حضرت یعقوب علیه السلام بظهور آمدند.

علاوه برآن ذکراز دیگر انبیاء میرود درچه صورتهای مختلف از ولادت روحانی بیان میشود و مثل رفع حضرت عیسٰی علیه السلام نیزبصورت رفع حضرت ادریس علیه السلام ارائه داده شد. ایشان همه آن بندگان نیکوکار خدا بودند که بعدها نژاد ایشان نتوانستند نیکوکاربمانند و نمازهای خود را ضائع دادند و خواهشهای نفسانی خود را دنبال کردند. پس برای ایشان هشدار است که حتماً آنان عوض کجی خواهند یافت.

دراین سورة صفت رحمانیت خدا را بتکثیرذکراست. رحمان را معنای است بی انتها رحمکننده و بلا استدعا اعطا کننده. موضوع این سورة عیناً به این صفت خداوند مطابقت دارد.

پایان این سورة حاکی از این است که پسری را به خدا نسبت دادن گناهی بزرگ است درنتیجه آنچه ممکن است که زمین و آسمان بشکافد و این امردال براینست که این مردم مبتلا به جنگهای چنان هولناك گردانده شوند که گویی آسمان بر ایشان ازهم پاشیده فروافتاده است.

بعکس در آخرین آیتهای این سورة ذکری از آن مردمان است که پرهیزکاری کرده نیکوکاری را فرامیگیرند. درنتیجه خدای رحمان در دل های ایشان محبت همدیگر پدید میآرد و نه کینه ای همدیگر که ذکر از آن قبلاً رفته است.

## ☆ سُوْرَةُ مَرْيَمَ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ تِسْعُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ۝١

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

كٓهٰيٰعٓصٓ ۝٢

أنتَ كَافٍ وَ هادٍ يَا عالِمٌ يَا صَادِقٌ

ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهٗ زَكَرِيَّا ۝٣

این ذکر از رحمت پروردگار تو است بربندهٔ او زکریا(٣)

اِذۡ نَادٰى رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِيًّا ۝٤

چون پروردگارش راصدای آهستهٔ خواند (٤)

قَالَ رَبِّ اِنِّىۡ وَهَنَ الۡعَظۡمُ مِنِّىۡ وَاشۡتَعَلَ الرَّاۡسُ شَيۡبًا وَّلَمۡ اَكُنۡۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا ۝٥

گفت، پروردگارا ! استخوانهایم سست و سرم از شدت پیری بر افروخته است بازهم پروردگارا! به خواندن توبدبخت نشدم(٥)

وَاِنِّىۡ خِفۡتُ الۡمَوَالِىَ مِنۡ وَّرَآءِىۡ وَكَانَتِ امۡرَاَتِىۡ عَاقِرًا فَهَبۡ لِىۡ مِنۡ لَّدُنۡكَ وَلِيًّا ۝٦

ویقینًامن پس از من از شریکانم بیمدارم حالیکه زنم نیز نازا است. پس مرا ازنزد خود وارثی عطاکن(٦)

يَّرِثُنِىۡ وَيَرِثُ مِنۡ اٰلِ يَعۡقُوۡبَ ‌ۖ وَاجۡعَلۡهُ رَبِّ رَضِيًّا ۝٧

که هم از من ارث بَرد و هم از آل یعقوب ارث بَرد و ای پروردگار من او راخیلی پسندیده بنما(٧)

يٰزَكَرِيَّآ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمِ ۣ اسْمُهٗ يَحْيٰى ۙ لَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٨﴾

ای زکریا! حتمًا ما ترا نوید به پسری میدهیم که نام او یحیٰی است. ما پیش ازاین کسی را همنام او ننموده ایم (٨)

قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَّكَانَتِ امْرَاَتِيْ عَاقِرًا وَّقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٩﴾

اوگفت، ای پروردگارمن پسری برایم چگونه امکان پذیر است حالیکه زنم نازا است و منهم به سن شدت پیری رسیده ام(٩)

قَالَ كَذٰلِكَ ۚ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَّقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْـًٔا ﴿١٠﴾

گفت، همینطور. پروردگارتو گفته است که اینکار بر من آسان است و یقینًا من پیش ازین تو را آفریده ام درحالیکه چیزی نبودی(١٠)

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْٓ اٰيَةً ۭ قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١١﴾

اوگفت : ای پروردگارمن برای من نشانهٔ قراربده. اوگفت نشانئی تواین است که بامردم سه شب متوالی سخن نگوئی(١١)

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ مِنَ الْمِحْرَابِ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا بُكْرَةً وَّعَشِيًّا ﴿١٢﴾

پس او برقوم خود از محراب بیرون آمد و بسوی ایشان اشاره نمود که صبح و شام تسبیح گوئید(١٢)

يٰيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۗ وَاٰتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٣﴾

ای یحیٰی کتاب را محکم بگیر و ما او را سرکودکی حکمت اعطا کرده بودیم(١٣)

وَّحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوةً ۗ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٤﴾

و او را از نزد خود مهر و پاك خوی بخشیدیم و او پرهیزکار بود(١٤)

وَّ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٥﴾

و برای والدین خودوظیفه شناس و هرگز سختگیر و گردنکش نه بود(١٥)

وَسَلٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوْتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٦﴾ ع

وسلام بر او روزیکه بدنیاآمد و روزیکه از دنیا برود و روزیکه زنده بر خیزانده شود (١٦)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ ۘ اِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٧﴾

و در[این]کتاب مریم رایاد کن چون او از اهل خود درمکانی به سوی شرق کناره گیری‌کرد(١٧)

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ۖ فَاَرْسَلْنَاۤ اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٨﴾

پس او میان خود و آنها پردهٔ ی اختیارکرد. پس ما به سوی او فرشتهٔ خود را فرستادیم و او برای او شباحت بشری متناسب الاعضاء اختیار کرد(١٨)

قَالَتْ اِنِّيْۤ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ

اوگفت من ازتو به رحمان پناه

كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٩﴾

میبرم اگر پرهیزکار ای(١٩)

قَالَ إِنَّمَآ أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمًا زَكِيًّا ﴿٢٠﴾

اوگفت،منم فرستادهٔ پروردگارتو تاتورا پسری پاك نهادبخشم(٢٠)

قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢١﴾

اوگفت،چطورپسری برایم امکان پذیراست حالیکه بشری‌مرا لمس هم نکرده ونه بدکاره ای ام(٢١)

قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُۥٓ ءَايَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢٢﴾

اوگفت،همینطور.پروردگارتوگفته که این کاربرای من آسانست و [ماآنرامیفرینیم] تا او را برای مردم نشانئی و ازمارحمتی قرار دهیم و تصمیم قطعی بر این کار رفته است(٢٢)

فَحَمَلَتْهُ فَٱنتَبَذَتْ بِهِۦ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٣﴾

پس به اوآبستن شد و باوبمکانی دوربه گوشهٔ عزلت افتاد(٢٣)

فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ قَالَتْ يَٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ﴿٢٤﴾

پس درد زایمان او را بسوی تنه درخت خرمابرد.اوگفت.ای کاش! من پیش از این مرده و از یاد رفته بودم(٢٤)

فَنَادَىٰهَا مِن تَحْتِهَآ أَلَّا تَحْزَنِى قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٥﴾

پس[خوانندهٔ]اوراازسمت زیرین صداکردکه غم نخور پروردگارت پائین تو چشمه ای جاری کرده

است(٢٥)

وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ﴿٢٦﴾

و تنه درخت خرما رابسوی خود بتکان که رطب تازهٔ را بر تو می ریزد(٢٦)

فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدٗا فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرۡتُ لِلرَّحۡمَٰنِ صَوۡمٗا فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ إِنسِيّٗا ﴿٢٧﴾

پس بخور و بنوش وچشمان خود را روشن دارپس اگردیدی احدی ازبشر پس بگوبراستی‌من برای رحمان روزه ای نذرکرده ام. پس امروزمن بکسی‌تکلم نمیکنم(٢٧)

فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا ﴿٢٨﴾

پس او را برداشت و نزد قومش آورد.آنان گفتند.ای مریم‌امرآینه توکاری زشت آورده ای(٢٨)

يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ أُمُّكِ بَغِيّٗا ﴿٢٩﴾

ای‌خواهرهارون پدرتوبد نبودونه مادرتوبدکاره بود(٢٩)++

فَأَشَارَتۡ إِلَيۡهِۖ قَالُواْ كَيۡفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا ﴿٣٠﴾

آنگاه او به آن [پسر] اشاره کرد. گفتند.چگونه ما تکلم کنم با آنکه هنوزکودکی‌در گهواره است(٣٠)

++آیت٢٩:اینجاحضرت مریم"اخت هارون" گفته شد.ولی درپایان سورهٔ آشکارشد که این هارون برادرحضرت موسی نبود.آنجااسم هارون برادرموسی به روشنی ذکر شده است وحضرت مریم بسیاربعدازایشان بودند.لذاقوم یا ایشان را طنزاً خواهر هارون گفتندیااحتمالاًهارون برادرایشان بود.بحرحال اوبرادرحضرت موسی نبود.

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ۖ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣١﴾

اوگفت، یقینًا من بندهٔ خدا هستم. اومرا کتاب داده و مرا پیغمبری برگزیده است(٣١)

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣٢﴾

و مرامبارك نموده هر کجا باشم و مرا بنمازوزکوت توصیه کرده است تادمیکه حیات دارم(٣٢)

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٣﴾

و به مادرم وظیفه شناس ام ومرا سختگیروسختدل نساخت(٣٣)

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٤﴾

ودروداست برمن روزیکه به دنیا آمدم وروزیکه میمیرم وروزیکه زنده کرده برخیزانده شوم(٣٤)

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٥﴾

اینست عیسیٰ پسرمریم.آن امر حق که درآن شك میکنند(٣٥)

مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ ۖ سُبْحَانَهُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٣٦﴾

نیست خداکه پسری‌بگیرد.اوپاك است.هر آن به امری آهنگ کند پس به آن تنهااین گوید.باش پس آن رونهد و منتها میشود(٣٦)

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٣٧﴾

ویقینًاخدا هم پروردگارمن است و هم پروردگار شما.پس او را عبادت کنید همین راه راست است(٣٧)

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْۢ بَيْنِهِمْ ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿٣٨﴾

پس گروهها ازهم اختلاف کردند. پس ملاکست آنهاراکه کفرکردند ازحضور در روزی بزرگ(٣٨)

اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصِرْ ۙ يَوْمَ يَاْتُوْنَنَا لٰكِنِ الظّٰلِمُوْنَ الْيَوْمَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٩﴾

چه خوب بشنوند و چه خوب ببینند روزیکه نزدمابیآیند. ولی ستمگران امروزدرگمراهیآشکار اند(٣٩)

وَاَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ اِذْ قُضِيَ الْاَمْرُ ۘ وَهُمْ فِيْ غَفْلَةٍ وَّهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٤٠﴾

و آنها را از روزحسرت بترسان روزیکه امرقضاوت شود.حال این است که آنها به غفلتند و ایمان نمیآرند(٤٠)

اِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْاَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَاِلَيْنَا يُرْجَعُوْنَ ﴿٤١﴾ ع

یقینًا ما زمین و هرچه برآنست را وارث شویم و بسوی ما بر گردانیده شوند(٤١)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِبْرٰهِيْمَ ۬ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيْقًا نَّبِيًّا ﴿٤٢﴾

و در[این] کتاب ابراهیم را یاد کن. یقینًا او پیغمبری راستگو بود(٤٢)

اِذْ قَالَ لِاَبِيْهِ يٰۤاَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِيْ عَنْكَ شَيْــًٔا ﴿٤٣﴾

چون او به پدرخود گفت،ای پدر من چراعبادت میکنی آنراکه نمی شنود و نمیبیند و نه هیچ هم به کار تو میآید(٤٣)

يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدْ جَآءَنِي مِنَ ٱلْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَٱتَّبِعْنِيٓ أَهْدِكَ صِرَٰطًا سَوِيًّا ﴿٤٤﴾

ای پدرم!یقیناًمرا آن دانشیآمده است که به تونیآمد.پس درپی من بیآ که تورا براه درستی هدایت کنم(٤٤)

يَٰٓأَبَتِ لَا تَعْبُدِ ٱلشَّيْطَٰنَ ۖ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا ﴿٤٥﴾

ای پدر من!شیطان را عبادت نکن یقیناً شیطان نافرمان رحمان است(٤٥)

يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَٰنِ وَلِيًّا ﴿٤٦﴾

ای پدرمن!من بیمدارم که بتو از رحمان عذابی برسد.آنگاه دوست شیطان شوی(٤٦)

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ۖ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ ۖ وَٱهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٧﴾

اوگفت.ای ابراهیم!آیاتو ازخدایان من روگردانی میکنی؟ اگر باز نیایستی حتماًترا اسنگسارکنم. مرا برای مدتی دراز تنها بگذار(٤٧)

قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيْكَ ۖ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّيٓ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٨﴾

اوگفت:سلام برتو.البته من برای تواز پروردگارم استغفارمیطلبم. یقیناًاوبرمن بس مهربانست(٤٨)

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدْعُوا۟ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٩﴾

وبرکنارمیشوم از شما و آنچه را جزخداخوانیدوپروردگارخودرا میخوانم.ممکن است که بخواندن پروردگارم بدبخت نمانم(٤٩)

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللهِ ۙ وَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ۭ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٥٠﴾

پس چون عزلت گزیدازآنها وآنچه راجزخداعبادت میکردند او رااسحاق ویعقوب اعطاکردیم و همه راپیغمبر برگزیدیم(٥٠)

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّنْ رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥١﴾ ع

و آنانرا رحمت خود بخشیدیم و ایشان را زبان صدق بلند شأن در دادیم(٥١)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مُوْسٰٓى ۡ اِنَّهٗ كَانَ مُخْلَصًا وَّكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ﴿٥٢﴾

و در[این]کتاب موسیٰ را یادکن. یقینًا او خالص گردانیده و نبی فرستاده ای بود(٥٢)

وَنَادَيْنٰهُ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ الْاَيْمَنِ وَقَرَّبْنٰهُ نَجِيًّا ﴿٥٣﴾

و او را از سوی راست طور ندا کردیم ونجواگفته او را نزدیك نمودیم(٥٣)

وَوَهَبْنَا لَهٗ مِنْ رَّحْمَتِنَآ اَخَاهُ هٰرُوْنَ نَبِيًّا ﴿٥٤﴾

و او را از رحمت خودبرادرش هارون پیغمبریعطاکردیم(٥٤)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِسْمٰعِيْلَ ۡ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ﴿٥٥﴾ ج

و در [این] کتاب اسمٰعیل را یاد کن یقینًا او راست وعده و نبی فرستادهٔ ی بود(٥٥)

وَكَانَ يَاْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ ۠ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا ﴿٥٦﴾

و اهل خود را بنماز و زکوت امر میکرد و نزد پروردگارخود خیلی پسندیده بود(٥٦)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِدْرِيْسَ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيْقًا نَّبِيًّا ﴿٥٧﴾

و در[این]کتاب ادریس را یادکن یقینًا او درست کاری پیغمبری بود(۵۷)

وَّرَفَعْنٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٨﴾

و او را به مقامی بلند ترفیع دادیم (۵۸)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ مِنْ ذُرِّيَّةِ اٰدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوْحٍ وَّمِنْ ذُرِّيَّةِ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْرَآءِيْلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوْا سُجَّدًا وَّبُكِيًّا ﴿٥٩﴾ سجدة

همانهاندکه خدابرایشان انعام داد که بودند از پیغمبران از اولاد آدم وازآنانکه با نوح سوارکردیم و از نژاد ابراهیم و اسرائیل و از آنانکه ما هدایت دادیم و بر گزیدیم. چون آیتهای رحمان بر ایشان تلاوت میشد سجده کنان و گریان فرو می افتادند(۵۹)

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿٦٠﴾

پس بعدازآنهاجانشینانی جانشین گردیدند که نماز را ضائع کردند و ازهوسهای‌نفسانی‌پیروی‌کردند. پس حتمًا عاقبت گمراهی را بر خورند(۶۰)

اِلَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُوْنَ شَيْئًا ﴿٦١﴾

جز آنکه توبه کرد و ایمان آورد و اعمال شایستهٔ انجامداد.پس همانها بداخل بهشت شوند و هیچ

هم ستم کرده نشوند(۶۱)

جَنّٰتِ عَدۡنِ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيًّا ﴿٦٢﴾

بهشتهای جاودانی که رحمان به بندگان خود ازغیب وعدهٔ داده است. حتمًا وعده او وفا کرده میشود(۶۲)

لَا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا سَلٰمًا ۖ وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٣﴾

نشنوند درآنها هیچ هرزه درائی جز سلام و برای ایشان درآن [بهشت] ها صبح و شام رزق ایشان [مهیا]است(۶۳)

تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي نُورِثُ مِنۡ عِبَادِنَا مَنۡ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٤﴾

اینست آن بهشت که ماازبندگان خود وارث آن او را گردانیم که پرهیزکار است(۶۴)

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَ ۖ لَهُۥ مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذٰلِكَ ۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٥﴾ ع

و [فرشتگان گویند ما] فرود نمیآیم مگر با فرمان پروردگار تو.ازآن او است هرچه روبروی ما است وهرچه پشتسرما.است و هرچه میان آنست و پروردگار توفراموش کننده نیست(۶۵)

رَبُّ ٱلسَّمٰوٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَادَتِهِۦ ۚ هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا ﴿٦٦﴾ ع

پروردگارآسمانهاوزمین و آنچه میان آندواست. پس او را عبادت کن و برعبادت او با صبوری

ع ۱۵ ۷

پایدار باش. آیا تو همنام او را می شناسی؟(٦٦)

وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٧﴾

وانسان گوید، آیا چون مُردم باز زنده کرده درآورده شوم؟(٦٧)

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٨﴾

آیاانسان بیادنمیآردکه ما او را قبلآمم خلق کردیم حالیکه او هیچ چیزی نبود(٦٨)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٩﴾

پس سوگندبه پروردگارتوحتمًاما محشورکنیم آنهاوشیطانهارا و از آن پس حتمًاآنهارابرزانوهاافتاده گردجهنم احضارنمائیم(٦٩)

ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا ﴿٧٠﴾

سپس حتماً برکشیم از هرکدام گروه آنرا از آنها که برخلاف رحمان سخت تربود(٧٠)

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧١﴾

سپس یقینًامائیم داناتربه آنها که سزاوارترندکه در جهنم سوزانده شوند(٧١)

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧٢﴾

و نیست هیچ کس از شما [ستم گران]جزاینکه واردآن شود. این برپروردگارتو به فرض تصویب شده است(٧٢)++[ص#٧١٥]

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٣﴾

سپس آنانکه پرهیزگاری کردند را نجات دهیم وستمکاران رابر زانوها فروافتاده بگذاریم(٧٣)

وَإِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَّاَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٤﴾

و چون آیتهای ما بر آنها فرو خوانده شود کسانیکه کفرکردند به کسانیکه ایمان آوردند گویند، کدام یکی از دوگروه بهتردرمقام و نیکوتر در مجلس است(٧٤)

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَحْسَنُ اَثَاثًا وَّرِءْيًا ﴿٧٥﴾

و چه بسانسلهای را پیش ازآنها هلاك ساختیم که برتردراثاث و خودنمائی بودند(٧٥)

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمٰنُ مَدًّا ۚ حَتّٰى إِذَا رَاَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّاَضْعَفُ

بگو.آنکس که در گمراهی است پس رحمان حتمًااو را مهلت دهد تاآن انتها که چون ببینند به آنچه وعدهٔ داده شوند خواه عذابست خواه ساعت قیامت آنگاه بدانند

++آیت ٧٢: "ان منکم واردها" را معنای این نیست که هرکس حتماً بداخل جهنم میشود.قرآن نسبت به پاك کرداران میفرماید که ایشان حتی صدای آهسته از جهنم نیزنخواهند شنید. پس اینجا جهنم عبارت از جهنم دنیائی است که نیکوکاران برای خداتحمل میکنند.به گاه به گنهکاران نیز قبل از مرگ اذیتی دردناك میرسد. آنهم یکنوع جهنم است که در این دنیا میرسد.

جُندًا﴿٧٦﴾

که کی بدتر در رتبه و نا توانتر درلشکر است(٧٦)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۗ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا﴿٧٧﴾

و خدا کسانیکه هدایت یافتند را در هدایت میفزاید و نیکیهائی باقیمانده نزد پروردگارتو بهتر است در پاداش و بهتراست در فرجام(٧٧)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا﴿٧٨﴾

پس آیانگریستی آنرا که به آیت های ما انکارکرد و گفت که حتمًا من مال و اولاد داده شوم(٧٨)

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا﴿٧٩﴾

آیابرغیب مطلع شده است یا عهدی از رحمان گرفت؟(٧٩)

كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا﴿٨٠﴾

باش! حتمًا نوشته داریم آنچه گوید و او را قبل ازعذاب مهلت دهیم(٨٠)

وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا﴿٨١﴾

و وارث شویم آنچه را میگویدو نزد ماتنهاخواهد آمد(٨١)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا﴿٨٢﴾

ومعبودانی جزخدا فراگرفته اند تا مایهٔ عزت آنها باشند(٨٢)

كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا﴿٨٣﴾ ع ١٧ ٨

باش!حتمًا آنها بعبادت آنان انکار کرده وبرخلاف آنهاباشند(٨٣)

اَلَمْ تَرَ اَنَّآ اَرْسَلْنَا الشَّيٰطِيْنَ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ تَؤُزُّهُمْ اَزًّا ۙ﴿٨٤﴾

آیاندیدی که ماشیطانها را خلاف کافران فرستیم که آنهارابطریق گوناگون برانگیزند(٨٤)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ۚ﴿٨٥﴾

پس تعجیل مکن برآنهایقیناً آنها را لمحه بلمحه میشماریم(٨٥)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِيْنَ اِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ۙ﴿٨٦﴾

روزیکه متقیان را بسوی رحمان جهت هیئت نمایندگان محشور کنیم (٨٦)

وَّنَسُوْقُ الْمُجْرِمِيْنَ اِلٰى جَهَنَّمَ وِرْدًا ۘ﴿٨٧﴾

وقف لازم

و مجرمان را بطور قومی وارد شونده بر آب بسوی جهنم سَوق دهیم(٨٧)

لَا يَمْلِكُوْنَ الشَّفَاعَةَ اِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ۘ﴿٨٨﴾

وقف لازم

شفاعتی‌راااختیارندارندجزآنکس که از رحمان عهدی گرفت(٨٨)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا ۭ﴿٨٩﴾

وگویند،خداپسری‌برگزید(٨٩)

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْـًٔا اِدًّا ۙ﴿٩٠﴾

یقینًا امری زشت آورده اید(٩٠)

تَكَادُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْاَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۙ﴿٩١﴾

نزدیك است آسمان ازآن بشکافد و زمین از هم بپاشد و کوه ها لرزان فروافتند(٩١)

اَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمٰنِ وَلَدًا ۚ﴿٩٢﴾

که برای رحمٰن پسری ادعا کرده اند(٩٢)

وَمَا يَنْۢبَغِيْ لِلرَّحْمٰنِ اَنْ يَّتَّخِذَ وَلَدًا ۭ﴿٩٣﴾

درحالیکه نشاید رحمان را که او

پسری بگزیند(۹۳)

اِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِلَّآ اٰتِي الرَّحْمٰنِ عَبْدًا ﴿٩٤﴾

نیست هرکدام ازآنانکه درآسمان ها و زمین است مگربرای رحمٰن مانند برده ای آینده است(۹٤)

لَقَدْ اَحْصٰىهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٥﴾

یقینًا او آنها رافراگرفته است و آنها را بخوبی شمرده است(۹۵)

وَكُلُّهُمْ اٰتِيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَرْدًا ﴿٩٦﴾

و هرکدام آنها روز قیامت در حضور او بفرد خواهد آمد(۹٦)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ﴿٩٧﴾

البته کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردندرحمٰن برایشان [اسباب] محبت فراهم آورد(۹۷)

فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِيْنَ وَتُنْذِرَ بِهٖ قَوْمًا لُّدًّا ﴿٩٨﴾

پس یقینًا ما اینرا بزبان تو آسان کرده ایم تابدان به متقیان مژده و قوم ستیزه گران را بدان بیم دهی(۹۸)

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ ۭ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٩﴾

وچه بسانسلهای را پیش از آنها هلاك کردیم.آیا کسی از آنها را احساس می کنی یاآنها را آوازی میشنوی؟(۹۹)

ع ٦ ١٦ ٩ النصف

# ٢٠ - سورة طٰهٰ

این سورة مکی است و با بسم الله ١٣٦ آیت دارد.

این سورة با مقطعات "طه" شروع میشود. این مقطعات در هیچکدام دیگر سورة بیان نشده است.معنای این مقطعات است ـ ای پاك رسول و هادی کامل.

سورة گذشته حاکی ازجنگهای هولناك بود.بدیهی است که این اخبار بر قلب آنحضرت ﷺ گران میگذشت. بنا براین خداوند به ایشان توصیه کرد که تو در نتیجه این غمناك نشو. این تنزیل است از آنکه او آفریدگار آسمانهاوزمین است و او رحمان است که برعرش قرارگرفت.

چون منشأ تمامی رسالتها رحمانیت است ومانند سورة گذشته دراین سورة نیزموضوع رحمانیت جریان دارد لذا یکبار دیگر ذکر از حضرت موسیٰ میرود که چطورخداوند ایشان را برپایۀ صفت رحمانیت رسول خود برگزید. آنهمه منت هائیکه برسرحضرت موسیٰ علیه السلام نهاده شد منشأ آنها رحمانیت بوده است.

این سورة حاکی است که چطورجادوگران به سجده افتادند و فرعون آنان راتهدید به مجازات سنگین کرد. اماکسانیکه جلوه رحمانیت را روئت کرده باشند ایشان مرعوب ازچنین تهدیدها نمیشوند.پس ایمان ایشان بر حضرت موسیٰ علیه السلام باوجود این تهدید بقوت خود برقرار ماند.

پس از این خداوند به رسول اللهﷺ خطاب کرد که ایشان از تو درمورد کوه ها مسئلت میکنند. درباره کوه ها که هیچوقت از آنحضرت ﷺ

مسئلت نشده بود.بدیهی است مشرکان جهت ابرقدرت ها.بلند همچون کوه ها میپرسیدند که چطورتودرمقابل آنان پیروزمند شوی. یك جانب دولت کسری وجانب دیگردولت قیصرمانندکوهاایستاده بودند. برای پاسخ این امرآموخته شدکه ابرقدرتهای متکبر به ایمان متمایل نمیشوند تاآنگاه که گردنکشی ایشان شکسته نشود وهمچون دشتی ریگزار نشوندکه کاملاًهموار وبی‌پستی وبلندی گردد. وقتیکه اینطور شودپس آنان به آن رسول پیروی کنند که در او هیچ کجی وجود ندارد.

آیت ردیف ١٠٩ نیزتکرار از صفت رحمان است وآیت ١١٠ نیزحاکی ازجلوه رحمان است که همه صداها درمقابل رعب وشان او فرومی نشیند گویی که همه آنها سرگوشی حرف زنند.

پس باز به ذکرحضرت آدم مراجعت کرده میشود. زیراکه منشأآفرینش ایشان نیزجلوه رحمانیت بود و نخستین بار چهار اصل اساسی ازشریعت ایشان تعریف شده است یعنی‌هرکدام حضرت آدم راقبول کند او نه گرسنه ای بماند و نه بی لباس و نه تشنه ای و نه در آفتاب بسوزد.

سپس رسول الله ﷺیکباردیگر تعلیم داده میشوند که درمقابل اذیت از دشمنان صبور باش و قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب خورشید و شبگاهان وهردوکنار روزباحمد پروردگارت او راتسبیح بگو.این آیه عبارت از همه نمازهای شب و روز است.

درپایان این سورة گفته میشودکه بگو.همه منتظراندکه ازاین زدوخورد چه نتیجه ای درمیآید.پس بزودی آشکارگردد که کی بر راه راست است و کیست که هدایت میابد.

☆سُوْرَةُ طٰهٰ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ سِتٌّ وَّ ثَلاَ ثُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَمَانِيَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(١)

طٰهٰ ﴿٢﴾
طَیّبٌ هَادِیّ - ای پاك [رسول] هادی کامل(٢)

مَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقٰٓى ﴿٣﴾
قرآن برتو نازل نکردیم تا رنج بری(٣)

اِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ﴿٤﴾
مگر تذکر است برای آنکس که میترسد(٤)

تَنْزِيْلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْاَرْضَ وَالسَّمٰوٰتِ الْعُلٰى ﴿٥﴾
فروفرستادن آں ازجانب اواست که زمین و آسمانهای افراشته را آفرید(٥)

اَلرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى ﴿٦﴾
رحمان - اوبرعرش مستقرشد(٦)

لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى ﴿٧﴾
ازآن اوست آنچه درآسمانهااست و آنچه در زمین است و آنچه میان آندو است وآنچه زیر زمین است(٧)

وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهٗ يَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفٰى ﴿٨﴾
و اگر حرف با صدای بلند زنی پس یقیناً او که پنهان و پنهان تر را میداند(٨)

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ؕ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ﴿٩﴾

خدا.جزاوکسی معبودنیست همه نام های نیکو به او اختصاص دارند(٩)

وَهَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ مُوْسٰى ﴿١٠﴾

و آیا سرگذشت موسیٰ به تو رسید؟(١٠)

اِذْ رَاٰ نَارًا فَقَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوْٓا اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّيْٓ اٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِقَبَسٍ اَوْ اَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١١﴾

چون او آتشی را دید پس به اهل خود گفت درنگ کنید من آتشی را دیده ام. امید است که از آن پارهٔ برایشمابیآرم یا نزدآن آتش رهنمائی بدست بیآرم(١١)++

فَلَمَّآ اَتٰىهَا نُوْدِيَ يٰمُوْسٰى ؕ ﴿١٢﴾

پس هنگامیکه او نزد آن رسید صدا شد.ای موسیٰ!(١٢)++

اِنِّيْٓ اَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۚ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ؕ ﴿١٣﴾

یقینًا من پروردگارتو ام. پس هردو کفش خود را درآر.یقینًاتو دروادیٔ مقدس ٘طوی ٘هستی(١٣)+

وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوْحٰى ﴿١٤﴾

و من تورا برگزیده ام.پس گوش فرابده بدآنچه وحی میشود(١٤)

++آیات١٠-١٣:حضرت موسیٰ چیزی آتش سان دیدند و به دو نوع امکان اظهار داشتندو امکان دومین که "او اجد علی النار هدی" یعنی ممکن است که از نزد آن آتش هدایتی بیآرم. راست درآمد. آن آتش چنین نبود که ایشان شعله ای از آن را بدست گرفته نزد خانواده خود بازآمده باشند.

| | |
|---|---|
| اِنَّنِىٓ اَنَا اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدْنِىۙ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِىْ ﴿١٥﴾ | یقیناً منم خدا.جز من کسی معبود نیست. پس مراعبادت کن وبرای یاد من نماز را بپای بدار(١٥) |
| اِنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ اَكَادُ اُخْفِيْهَا لِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۢ بِمَا تَسْعٰى ﴿١٦﴾ | یقیناًساعت آینده است.امکاندارد که آنراپنهانکنم تاهر نفس پاداش داده شودبرای‌آنچه میکوشد(١٦) |
| فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ فَتَرْدٰى ﴿١٧﴾ | پس تورا از[تکمیل تقاضا]آن باز نداردآنکس که برآن ایمان نیآرد و از هوای نفس خود پیروی کند وگرنه ملاك میشوی(١٧) |
| وَمَا تِلْكَ بِيَمِيْنِكَ يٰمُوْسٰى ﴿١٨﴾ | و این در دست راست تو چیست ای موسیٰ!(١٨) |
| قَالَ هِىَ عَصَاىَۚ اَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَاَهُشُّ بِهَا عَلٰى غَنَمِىْ وَلِىَ فِيْهَا مَاٰرِبُ اُخْرٰى ﴿١٩﴾ | اوگفت.این عصای منست که برآن تکیه زنم وبدان برای‌گوسفندان خودبرگهافرومیریزم و برای من درآن فواید دیگرنیزاست(١٩) |
| قَالَ اَلْقِهَا يٰمُوْسٰى ﴿٢٠﴾ | اوگفت.اینرا بنه ای‌موسیٰ(٢٠) |
| فَاَلْقٰهَا فَاِذَا هِىَ حَيَّةٌ تَسْعٰى ﴿٢١﴾ | پس او آنرا بنهادکه بناگاه گویی ماری حرکت کننده شد(٢١) |
| قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ وقفة سَنُعِيْدُهَا سِيْرَتَهَا الْاُوْلٰى ﴿٢٢﴾ | اوگفت.آنرابگیرومترس. ما آنرا بحالت قبلی خودبرگردانیم(٢٢) |

| | |
|---|---|
| وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾ | ودست خودرادرپهلوی‌خودبفشر، آن سفید[درخشان] بلاعیب درآید - [این] آیتی دیگراست(٢٢) |
| لِنُرِيَكَ مِنْ ءَايَٰتِنَا ٱلْكُبْرَى ﴿٢٣﴾ | تاتورا[درآتیه]ازآیتهای بزرگ ما نیزنشان دهیم (٢٣) |
| ٱذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ | بروبسوی فرعون که او سرکشی کرده است(٢٤) |
| قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِى صَدْرِى ﴿٢٥﴾ | اوگفت.پروردگارا!سینه مرابرای من بگشا(٢٥) |
| وَيَسِّرْ لِىٓ أَمْرِى ﴿٢٦﴾ | وکارم را برایم آسان بفرما(٢٦) |
| وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى ﴿٢٧﴾ | و گره زبانم را باز بفرما(٢٧) |
| يَفْقَهُوا۟ قَوْلِى ﴿٢٨﴾ | تا آنها سخنم را بفهمند(٢٨) |
| وَٱجْعَل لِّى وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِى ﴿٢٩﴾ | و ازخانواده ام نایبی برای من قرار ده(٢٩) |
| هَٰرُونَ أَخِى ﴿٣٠﴾ | هارون برادرم را(٣٠) |
| ٱشْدُدْ بِهِۦٓ أَزْرِى ﴿٣١﴾ | پشت مرا بدو محکم کن(٣١) |
| وَأَشْرِكْهُ فِىٓ أَمْرِى ﴿٣٢﴾ | و او را درکارم شریك کن(٣٢) |
| كَىْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ | تاتورابکثرت تسبیح گوئیم(٣٣) |
| وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ | و تورا بسیار یاد کنیم(٣٤) |
| إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ | یقینًاتو به حال مابیناهستی(٣٥) |
| قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ | او فرمود. ای موسیٰ!خواسته تو |

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰٓ ﴿٣٨﴾

إِذْ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ﴿٣٩﴾

أَنِ اقْذِفِيهِ فِى التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِى الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّى وَعَدُوٌّ لَّهُۥ ۚ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّى وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِىٓ ﴿٤٠﴾

إِذْ تَمْشِىٓ أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُۥ ۖ فَرَجَعْنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَٰكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِىٓ أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَٰمُوسَىٰ ﴿٤١﴾

برآورده شد(۳۷)

ویقیناً مایکباردیگرنیزبرتومنت نهاده بودیم(۳۸)

چون بسوی مادرتووحی کردیم آنچه وحی کرده میشود(۳۹)

که او رادرصندوق نهاده پس آنرا دردریابیفکن.پس دریاآنرابساحل افکند تا دشمن تو و دشمنش او را بگیرند و من محبت خود را بر تو بیفکندم و تاجلوی چشمان ما پرورریده شوی(۴۰)

[وبیادآور]چون خواهرت راه می رفت و میگفت.آیا بشما بگویم کی او را بپروراند.پس ماتو را به سوی مادرت برگرداندیم تا چشمانش روشن شده و محزون نگردد و تو تنی را کشتی آنگاه ماتورا از اندوه نجات دادیم و به آزمایشهای گونا گون آزمودیم. پس چندسال دراهل مدین بسر بردیسپس به حدواندازه [عمر

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤٢﴾

اِذْهَبْ اَنْتَ وَاَخُوكَ بِاٰيٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٣﴾

اِذْهَبَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى ﴿٤٤﴾

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى ﴿٤٥﴾

قَالَا رَبَّنَآ اِنَّنَا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَآ اَوْ اَنْ يَّطْغٰى ﴿٤٦﴾

قَالَ لَا تَخَافَآ اِنَّنِي مَعَكُمَآ اَسْمَعُ وَاَرٰى ﴿٤٧﴾

فَأْتِيٰهُ فَقُولَآ اِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَاَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيٓ اِسْرَآءِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنٰكَ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ وَالسَّلٰمُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى ﴿٤٨﴾

نبوت] رسیدی ای موسیٰ!(٤١)

و تورا برای خودبرگزیدم(٤٢)

تو و برادرت باآیتهای من بروید و دریادمن سست مشوید(٤٣)

شما دوی بسوی فرعون بروید که او سرکشی کرده است(٤٤)

پس با او بملایمت سخن گویید امکان دارد که پند بپذیرد یا بترسد(٤٥)

آندوی گفتند: ای پروردگارما! یقینًا ما میترسیم که مبادا برما تعدی کند و سرکشی کند(٤٦)

گفت، نترسید یقیناً من با شما دوی هستم ـ میشنوم و می بینم(٤٧)

پس هردونزد اوبروید و بگوئید که ما دو فرستاده پروردگار تو هستیم. پس بنی اسرائیل را با ما بفرست و بدیشان عذاب مکن. یقینًا ما ازپروردگارتو با نشانئی بزرگ آمده ایم و درود بر هر که از هدایت پیروی کند(٤٨)

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَآ أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٩﴾

هرآینه بسوی ما وحی شده است که یقیناًهرکه دروغ گوید و روی برتابد بر او عذاب است(٤٩)

قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمَا يٰمُوسَىٰ ﴿٥٠﴾

او گفت.پس پروردگارشما دوی کیست؟ ای موسیٰ!(٥٠)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِيٓ أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥١﴾

اوگفت.پروردگارما اوست که هر چیزراآفرینش آن اعطاکرد وپس ازآن برراه هدایت انداخت(٥١)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥٢﴾

اوگفت.پس تکلیف قوم های قبلی چیست؟(٥٢)

قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتٰبٍ ۖ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿٥٣﴾

اوگفت.علم آنهانزدپروردگارم در کتابی[محفوظ] است. پروردگارم نه لغزش میخورد و نه فراموش می کند(٥٣)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَّسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَّأَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً ۖ فَأَخْرَجْنَا بِهِۦٓ أَزْوٰجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿٥٤﴾

آنکه زمین رابرایشما گسترشی قرارداد و برایشما درآن راه های نهاد و ازآسمان آب نازلکرد. پس بدان جفت های از نباتاتی گونا گون در آوردیم(٥٤)

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعٰمَكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَأٰيٰتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ ﴿٥٥﴾ ع

بخورید و دامهای‌خودرابچرانید. یقینًا دراین برای اهل خرد آیت

مِنۡهَا خَلَقۡنٰكُمۡ وَفِيۡهَا نُعِيۡدُكُمۡ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً اُخۡرٰى ﴿٥٦﴾

های بزرگ است(۵۵)

آفریدیم شما رااز آن و در همان شمارابرگردانیم و ازهمان شمارا باردیگر بیرون آوریم(۵٦)++

وَلَقَدۡ اَرَيۡنٰهُ اٰيٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَاَبٰى ﴿٥٧﴾

و البته ما آیتهای خود را بتمامی آنها اورانشاندادیم اما او تکذیب کرد و ابا نمود(۵۷)

قَالَ اَجِئۡتَنَا لِتُخۡرِجَنَا مِنۡ اَرۡضِنَا بِسِحۡرِكَ يٰمُوۡسٰى ﴿٥٨﴾

اوگفت.آیانزدما آمدی تا ما را از سرزمین ما با جادوئی خود جلا کنیای موسیٰ!(۵۸)

فَلَنَاۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٍ مِّثۡلِهٖ فَاجۡعَلۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدًا لَّا نُخۡلِفُهٗ نَحۡنُ وَلَاۤ اَنۡتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٩﴾

پس البته ما هم پیش توجادوئی مثل آن میآوریم .پس بین ما و بین خود وعده گاهی بگذار که نه ما خلف آن کنیم و نه تو. این مقام [برای هر دو طرف] برابر است(۵۹)

++آیت٥٦: این آیه حاکی است که شما دراین خاك آفریده شدید و از این درآیید. دراینموردایرادی توان گرفت که کسانیکه امروزها سوار برموشکها وغیره در فضا میمیرند چطور این اصل برایشان اطلاق میشود؟ پاسخ اینست که انسان تا هر انتهای که میرود او هوا و غذای زمین را به همراه دارد و او هیچگاه نمیتواند رها و بی نیاز از آن بماند.

قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ الزِّيۡنَةِ وَاَنۡ يُّحۡشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٦٠﴾

اوگفت،وعده گاه شما روز جشن است و بدین [ترتیب] که مردم چاشتگاه گرد آورده شوند(٦٠)

فَتَوَلّٰى فِرۡعَوۡنُ فَجَمَعَ كَيۡدَهٗ ثُمَّ اَتٰى ﴿٦١﴾

پس فرعون روی برگردانده رفت و تزویرخود را تکمیل کرد پس باز آمد(٦١)

قَالَ لَهُمۡ مُّوۡسٰى وَيۡلَكُمۡ لَا تَفۡتَرُوۡا عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا فَيُسۡحِتَكُمۡ بِعَذَابٍ ۚ وَقَدۡ خَابَ مَنِ افۡتَرٰى ﴿٦٢﴾

موسی به آنهاگفت،وای برشمابر خدا دروغ برنبافید و الا او شما را بعذاب نابود سازد ویقینًا بی مراد است هرکه بربافد(٦٢)

فَتَنَازَعُوۡۤا اَمۡرَهُمۡ بَيۡنَهُمۡ وَاَسَرُّوا النَّجۡوٰى ﴿٦٣﴾

پس درکارخودبهم نزاع کرده و پنهانی دسیسه های محرمانه می کردند(٦٣)

قَالُوۡۤا اِنۡ هٰذٰنِ لَسٰحِرٰنِ يُرِيۡدٰنِ اَنۡ يُّخۡرِجٰكُمۡ مِّنۡ اَرۡضِكُمۡ بِسِحۡرِهِمَا وَيَذۡهَبَا بِطَرِيۡقَتِكُمُ الۡمُثۡلٰى ﴿٦٤﴾

گفتند:یقینًاایندوصرفًاجادوگران اند و هردو میخواهند که شمارا باجادو خود ازوطن شما جلاکنند و راه وروشی مثالی شمارا نابود سازند(٦٤)

فَاَجۡمِعُوۡا كَيۡدَكُمۡ ثُمَّ ائۡتُوۡا صَفًّا ۚ وَقَدۡ اَفۡلَحَ الۡيَوۡمَ مَنِ اسۡتَعۡلٰى ﴿٦٥﴾

پس تدابیرخود را جمع کنید و صف کشیده بیآئید ویقینًا امروز رستگارست آنکه برترآید(٦٥)

قَالُوْا يٰمُوْسٰٓى اِمَّآ اَنْ تُلْقِيَ وَاِمَّآ اَنْ تَّكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰى ﴿٦٦﴾

گفتند. ای موسیٰ آیا اوّل میفکنی و یا ما باشیم نخستین آنکه می افکند(٦٦)

قَالَ بَلْ اَلْقُوْا ۚ فَاِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ اِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنَّهَا تَسْعٰى ﴿٦٧﴾

او گفت، بلکه شما بیفکنید. پس ناگهان به او خیال بسته شد که ریسمانهای‌ایشان وچوبهای‌ایشان از سحر آنها میدود(٦٧)

فَاَوْجَسَ فِيْ نَفْسِهٖ خِيْفَةً مُّوْسٰى ﴿٦٨﴾

پس موسیٰ در دل خود احساس ترس کرد(٦٨)

قُلْنَا لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى ﴿٦٩﴾

گفتیم نترس یقینًا توئی که تو برترخواهی‌آمد(٦٩)

وَاَلْقِ مَا فِيْ يَمِيْنِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوْا ؕ اِنَّمَا صَنَعُوْا كَيْدُ سٰحِرٍ ؕ وَلَا يُفْلِحُ السّٰحِرُ حَيْثُ اَتٰى ﴿٧٠﴾

وبیفکن آنچه در دست راست تو است.آن فروبرَد آنچه را ساخته اند. فقط نیرنگ جادوگری را ساخته اند ونیرنگ جادوگری از هرسوهم آیدکامران نمیشود(٧٠)

فَاُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ هٰرُوْنَ وَمُوْسٰى ﴿٧١﴾

پس جادوگران به حالت سجده فرو افکنده شدند.آنان گفتند. ما به پروردگارموسیٰ‌وهارون ایمان آوردیم(٧١)

قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ ؕ اِنَّهٗ

اوگفت:آیا ایمان آوردید پیش از

لَكَبِيْرُكُمُ الَّذِىْ عَلَّمَكُمُ السِّحْرَۚ فَلَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَاُوصَلِّبَنَّكُمْ فِىْ جُذُوْعِ النَّخْلِ ۫ وَلَتَعْلَمُنَّ اَيُّنَا اَشَدُّ عَذَابًا وَّاَبْقٰى ﴿٧٢﴾

آنکه من به شما اجازه دهم؟یقینًا این بزرگتر خودشما است که شما راجادوئی آموخته است.پس من دستهایتان وپاهایتان را ازجهت مخالف میبرم وحتمًا شما را بر شاخه های خرما بدار میکشم و بفهمیدکه کدام یکی از ما سختتر و ثابت تر در عذاب است(٧٢)

قَالُوْا لَنْ نُّؤْثِرَكَ عَلٰى مَا جَآءَنَا مِنَ الْبَيِّنٰتِ وَالَّذِىْ فَطَرَنَا فَاقْضِ مَآ اَنْتَ قَاضٍ ؕ اِنَّمَا تَقْضِىْ هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ؕ﴿٧٣﴾

گفتند:هرگزتوراترجیح ندهیم بر آنچه از نشانهای روشن مارا آمد و او که ماراآفرید.پس فیصله بده آنچه را فیصله دهنده ای.تو می توانی فقط فیصله از زندگی این دنیا بدهی(٧٣)

اِنَّآ اٰمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَلَنَا خَطٰيٰنَا وَمَآ اَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ؕ وَاللّٰهُ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ﴿٧٤﴾

یقینًامابپروردگارما ایمان آورده ایم تااوخطاهای ما و آن جادوئی که برآن مارا ناچارکردی رابرای ما بیآمرزد و خدا بهتر و صاحب بقاء است(٧٤)

اِنَّهٗ مَنْ يَّاْتِ رَبَّهٗ مُجْرِمًا فَاِنَّ لَهٗ جَهَنَّمَ ؕ لَا يَمُوْتُ فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى ﴿٧٥﴾

یقینًاآنکه بحضور پروردگارخود جرمکار میآید.پس برای او جهنم

است. درآن اونه بمیرد و نه زنده بماند(٧٥)

وَمَنْ يَّأْتِهٖ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصّٰلِحٰتِ فَاُولٰٓئِكَ لَهُمُ الدَّرَجٰتُ الْعُلٰى ﴿٧٦﴾

وآنکه نزد او مؤمن آید درحالیکه شایسته کاری کرد پس همانهاند که برای ایشان درجاتی بلندتر است(٧٦)

جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا مَنْ تَزَكّٰى ﴿٧٧﴾ ع

بهشتهای جاودان که در دامنه آنها نهرهای روان است.ایشان درآنها جاویدان اند.این پاداش است آن کسرا که پاکیزگی فراگرفت(٧٧)

وَلَقَدْ اَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰٓى ۙ اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِىْ فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيْقًا فِى الْبَحْرِ يَبَسًا ۙ لَّا تَخٰفُ دَرَكًا وَّلَا تَخْشٰى ﴿٧٨﴾

ویقیناًوحیفرستادیم برموسی که ببربندگانم را هنگام شب و برای ایشان اختیارکن راهی دردریاکه خشك است. نه بیمداری دستگیر شدن را و نه هم میترسی(٧٨)

فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُوْدِهٖ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٩﴾

وتعقیب کرد فرعون باسپاه خود ایشان را پس آنها را چیزی از دریا فراگرفت آنچه آنهارا فرا گرفت(٧٩)

وَاَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهٗ وَمَا هَدٰى ﴿٨٠﴾

وفرعون قوم خودراگمراه ساخت و هدایت نکرد(٨٠)

يٰبَنِيٓ اِسۡرَآءِيۡلَ قَدۡ اَنۡجَيۡنٰكُمۡ مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوٰعَدۡنٰكُمۡ جَانِبَ الطُّوۡرِ الۡاَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ الۡمَنَّ وَالسَّلۡوٰى ﴿٨١﴾

وای فرزندان اسرائیل ماشما را ازدشمن شمانجات دادیم وسمت راست طور با شما پیمان بستیم وبر شماترنجین وبلدرچین نازل کردیم(٨١)

كُلُوۡا مِنۡ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقۡنٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡا فِيۡهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۡ ۚ وَمَنۡ يَّحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِيۡ فَقَدۡ هَوٰى ﴿٨٢﴾

بخورید ازپاکیزهها که ما شمارا رزق داده ایم ودرآن تجاوزگری نکنیدوالاّبر شماخشم من نازل می آید وبرهرکه خشم من نازل شود پس یقینًا او هلاك میگردد(٨٢)

وَاِنِّيۡ لَغَفَّارٌ لِّمَنۡ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهۡتَدٰى ﴿٨٣﴾

ویقینًا من بسیار آمرزنده ای ام برای آنکه توبه کند وایمان آورد ونیکوکاری کند.سپس برهدایت برقرارباشد(٨٣)

وَمَاۤ اَعۡجَلَكَ عَنۡ قَوۡمِكَ يٰمُوۡسٰى ﴿٨٤﴾

و ای موسیٰ چه تو را از قوم خود شتاباند؟(٨٤)

قَالَ هُمۡ اُولَاۤءِ عَلٰٓى اَثَرِيۡ وَعَجِلۡتُ اِلَيۡكَ رَبِّ لِتَرۡضٰى ﴿٨٥﴾

موسیٰ گفت.آنان نیزازپی من اند وپروردگاراابسوی توشتابیدم تا توخوشنودشوی(٨٥)

قَالَ فَاِنَّا قَدۡ فَتَنَّا قَوۡمَكَ مِنۡۢ بَعۡدِكَ وَاَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٦﴾

اوگفت. یقیناً ماپس از تو قومت را آزمودیم وسامری آنهاراگمراه

کرد(٨٦)

فَرَجَعَ مُوْسٰٓى اِلٰى قَوْمِهٖ غَضْبَانَ اَسِفًا ۚ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۚ اَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ اَمْ اَرَدْتُّمْ اَنْ يَّحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَخْلَفْتُمْ مَّوْعِدِيْ ﴿٨٧﴾

پس موسیٰ خشمناك و رنجیده خاطربسوی قومش بازگشت. او گفت.ای قوم من!آیاپروردگارتان شمارا وعدهٔ نیکوی نداده بود؟ پس آیامدت آن وعده برشماطول کشید یادرصدد برآمدید که غضب پروردگارتان برشمافرودآید پس شمااز عهد من تخلف کردید(٨٧)

قَالُوْا مَآ اَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلٰكِنَّا حُمِّلْنَآ اَوْزَارًا مِّنْ زِيْنَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنٰهَا فَكَذٰلِكَ اَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٨﴾

گفتند.ما تخلف از پیمان شما با اختیارخود نکردیم اماباری‌که از زیورآلات قوم بر دوش ما نهاده شدپس ما آنرا برانداختیم. پس اینطورسامری‌طرحی‌نهاد(٨٨)++

فَاَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهٗ خُوَارٌ فَقَالُوْا هٰذَآ اِلٰهُكُمْ وَاِلٰهُ مُوْسٰى

پس اوبرایشان گوسالهٔ درآورد که پیکری [بی‌جان] بود. آن ماغ گاوی میکشید.آنگاه آنان گفتندکه

++آیت٨٨: زیورآلاتی که قوم موسی بهمراه داشت وزین بود. پس سامری طمع افکند که آن زیورآلات آنان بدو بسپارند تا او برایشان گوساله ای درست کند که معبود ایشان باشد. ایشان آن زیورآلات را به سامری دادند و بهانه ای آوردند که بردوش ایشان باری بود که آنرا برانداخته اند.

فَنَسِيَ ﴿٨٩﴾

اینست معبودشما و معبودموسیٰ. پس ازاوفراموشکاری شد(٨٩)

اَفَلَا يَرَوْنَ اَلَّا يَرْجِعُ اِلَيْهِمْ قَوْلًا ۙ وَّلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا ﴿٩٠﴾

آیا نمینگرند که آن بهیچ سخن ایشان پاسخ نمیدهد و برای ایشان اختیار ندارد زیان را و نه سود را(٩٠)

ع ١٣ ١٣

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هٰرُوْنُ مِنْ قَبْلُ يٰقَوْمِ اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهٖ ۚ وَاِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُوْنِيْ وَاَطِيْعُوْٓا اَمْرِيْ ﴿٩١﴾

حالانکه پیش ازآن البته هارون به آنهاگفته بود.ای‌قوم من‌اجزاین نیست که شمافقط به آن آزموده شدیدویقینًا پروردگارتان بسیار بخشنده است. پس مرا متابعت کنیدو به فرمانم گردن نهید(٩١)

قَالُوْا لَنْ نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عٰكِفِيْنَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوْسٰى ﴿٩٢﴾

گفتند.جلوی‌این پیوسته نشتگان ایم تاموسیٰ‌بسوی‌ماباز گردد(٩٢)

قَالَ يٰهٰرُوْنُ مَا مَنَعَكَ اِذْ رَاَيْتَهُمْ ضَلُّوْٓا ۙ ﴿٩٣﴾

او گفت. ای هارون چه تو را [از مواخذه]بازداشت چون توآنها را گمراه دریافتی ـ (٩٣)

اَلَّا تَتَّبِعَنِ ۗ اَفَعَصَيْتَ اَمْرِيْ ﴿٩٤﴾

ـ که مراپیروی‌نکردی.پس آیا از فرمانم سرپیچی کردی؟(٩٤)

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَاْخُذْ بِلِحْيَتِيْ وَلَا بِرَاْسِيْ ۚ اِنِّيْ خَشِيْتُ اَنْ تَقُوْلَ فَرَّقْتَ

اوگفت.ای‌فرزندمادرم نگیر ریش مراونه موی سرم را. من ترسیدم

بَيْنَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِيْ ﴿٩٥﴾

مبادا بگویی چرا میان فرزندان اسرائیل تفرقهٔ افکندی و منتظر فرمان من نشدی(۹۵)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يٰسَامِرِيُّ ﴿٩٦﴾

اوگفت، ای سامری منظور تو چه است؟(۹۶)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوْا بِهٖ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ اَثَرِ الرَّسُوْلِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذٰلِكَ سَوَّلَتْ لِيْ نَفْسِيْ ﴿٩٧﴾

اوگفت،دریافتم آنچه راآنها در نه یافتند پس کمی از اثرپیغمبر بر گرفتم بازآنرا برانداختم و نفسم برایم اینطور آراستید(۹۷)++

قَالَ فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ فِي الْحَيٰوةِ اَنْ تَقُوْلَ لَا مِسَاسَ ۠ وَاِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهٗ ۚ وَانْظُرْ اِلٰٓى اِلٰهِكَ الَّذِيْ ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا ۭ لَنُحَرِّقَنَّهٗ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهٗ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٨﴾

اوگفت، پس دورشو! برای تو در طولعمراست که بگوئی، "هرگز لمس نکن"و یقیناًبرای تو وعده گاهی‌است که آن خلاف نه کرده خواهدشدونگاه کن معبودخود را که مدام برآن مقیم بودی‌حتمًا آن رامیسوزانیم وسپس خاکسترش را در دریا می پراکنیم (۹۸)++

++آیت۹۶:سامری این عذر آورد که درباره نبوت او احساس کرد که آن نیرنگی است و آنرا برافکند و نفسش اینکار را برایش آراستید.

++آیت۹۸: بمجازات اینکارسامری حضرت موسٰی بدو گفتند. اینك تو دراین حالت زنده بمان که پیوسته بگوئی."مرا هیچکس لمس نکند". معلوم میشود که [ص۷۳۷]

إِنَّمَآ إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٩﴾

یقیناًمعبودشمافقط خدای‌است که جزاوکسی معبودنیست.اوهرچیز رابدانش فراگرفته است(۹۹)

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿١٠٠﴾

اینگونه اخبار گذشته هارا بر تو بیان کنیم ویقیناًتورا ذکراز نزد خود اعطاکرده ایم(۱۰۰)

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُۥ يَحْمِلُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وِزْرًا ﴿١٠١﴾

هرکه ازین روی برتابدپس یقیناً روزقیامت باری سنگین بدوش گیرد(۱۰۱)

خَٰلِدِينَ فِيهِ ۖ وَسَآءَ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ حِمْلًا ﴿١٠٢﴾

آنهادراین حالت مدت درازبمانند و روزقیامت این برایشان باری بسیار زشت است(۱۰۲)

يَوْمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٣﴾

روزیکه درصور دمیده شود و گنه کارانراآنروزجمع کنیم [بکثرت] باچشمان آبی را(۱۰۳)++

يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٤﴾

آنهابهم آهسته حرف زنند که مکث

---

او مبروص بود وبعلت این مرض مردم را ازخود دورمیداشت. این امردر اروپا نیز تا قرن گذشته جریان داشت که پیسی ها را فرمان بود که زنگی بگردن کرده راه روندتامردم هردواطراف خیابان از پیسی بودن او متوجه شوند.

++آیت۱۰۳ :اینجا معنای زُرقًا مردم باچشمان آبی است. غالباً ذکر از ملتهای مسیحیی میرود که بسیارکثیراز ایشان با چشمان آبی اند.

نكرديد مگر ده [روز] (١٠٤)++

نَحۡنُ اَعۡلَمُ بِمَا يَقُوۡلُوۡنَ اِذۡ يَقُوۡلُ اَمۡثَلُهُمۡ طَرِيۡقَةً اِنۡ لَّبِثۡتُمۡ اِلَّا يَوۡمًا ﴿١٠٥﴾ ع ١٥ ١٤

مادانا تراىم به آنچه خواهند گفت چون راهى بهتر وگزيده تررا فرا گيرندهٔ ازآنها گويد. شما مكث نه كرديد جز روزى(١٠٥)

وَيَسۡـَٔلُوۡنَكَ عَنِ الۡجِبَالِ فَقُلۡ يَنۡسِفُهَا رَبِّىۡ نَسۡفًا ﴿١٠٦﴾ لا

ودرباره كوهها ازتوميپرسند. پس بگو،پروردگارم آنهارا ريزه ريزه خواهد ساخت(١٠٦)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفۡصَفًا ﴿١٠٧﴾ لا

پس آنها را دشت خشكزارى مى گذارد(١٠٧)

لَّا تَرٰى فِيۡهَا عِوَجًا وَّلَاۤ اَمۡتًا ﴿١٠٨﴾ ط

تودر آن نه كجى راخواهى ديد و نه نشيب و فراز را(١٠٨)

يَوۡمَئِذٍ يَّتَّبِعُوۡنَ الدَّاعِىَ لَا عِوَجَ لَهٗ‌ ۚ وَخَشَعَتِ الۡاَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ اِلَّا هَمۡسًا ﴿١٠٩﴾

آنروز آنها دعوت كنندهٔ اى را پيروى كنند كه او را هيچ كجى نيست و براى [احترام] رحمان صداها آرام شود پس فقط صداى آهسته خواهى شنيد(١٠٩)

يَوۡمَئِذٍ لَّا تَنۡفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا مَنۡ اَذِنَ لَهُ الرَّحۡمٰنُ وَرَضِىَ لَهٗ قَوۡلًا ﴿١١٠﴾

روزيكه شفاعت سودمند نگردد جز آنرا كه برايش رحمان مجاز گرداند و درحق او سخن گفتن را خوش آيد(١١٠)

حاشیه آیت ١٠٤ صفحه ٧٣٧:

ایشان روز قیامت غلبه بزرگی خویش را تا دیر از دور خواهند نگریست سرگوشی کنان که غلبه ایشان بیش از ده نبوده است یعنی از ده قرن یا هزار سال بیشتر نبود.. تاریخ مسیحیت حاکی از همین امر است که ایشان را غلبه هزار سالگی نصیب شده بود. پس از نخستین سه قرن رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وسلم غلبه مسیحیان اروپائی همان تا سه قرن مانده است و پس از آن غلبه ایشان رو به زوال گذاشت.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهٖ عِلْمًا ﴿١١١﴾

اومیداندآنچه است پیشروی آنها و پشتسرآنها حالیکه آنهانتوانند او را بدانش احاطه کنند(١١١)

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١٢﴾

وچهرهابرای‌حیّ‌وقیوم فروافتد و یقینًاخوارگرددآنکه بارستم را بدوش گرفت(١١٢)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخٰفُ ظُلْمًا وَّلَا هَضْمًا ﴿١١٣﴾

وهرکه شایسته کاری‌کندواومومن است آنگاه او را خوف ستمکاری و حق کُشی نخواهد بود(١١٣)

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا وَّصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ اَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٤﴾

واینطورماقرآن را گشاده زبان و رساناز‌لکردیم و هر نوع هشدار را درآن بیانکرده ایم تاباشد که تقوی‌فراگیرندیااوبرای‌آنهانشانه ای عبرتناك بظهورآورد(١١٤)

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۚ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يُّقْضٰى اِلَيْكَ وَحْيُهٗ ۖ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٥﴾

پس خدا پادشاه حق بسیار بلند شأن است و به [خواندن] قرآن تعجیل مکن پیش ازآنکه وحی آن بر تو بپایان برده شود و بگو، پروردگاراامرا در دانش تزاید بدهی(١١٥)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا اِلٰى اٰدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ

و یقیناً ما پیش از این از آدم

نَجِدۡ لَهٗ عَزۡمًا ﴿١١٦﴾

پیمانی گرفته بودیم پس او فراموش کرد اگرچه او را آهنگ کننده آن نیافتیم(١١٦)

وَاِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلٰٓـئِكَةِ اسۡجُدُوۡا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوۡۤا اِلَّاۤ اِبۡلِيۡسَ ؕ اَبٰى ﴿١١٧﴾

وچون بفرشتگان گفتیم که برای آدم سجده کنید.پس سجده کردند مگرابلیس ـ او سرباززد(١١٧)

فَقُلۡنَا يٰۤاٰدَمُ اِنَّ هٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا مِنَ الۡجَنَّةِ فَتَشۡقٰى ﴿١١٨﴾

پس گفتیم ای‌آدم!یقینًا این دشمن تو وبرای زوج تواست. پس شما دوی را از بهشت بیرون نسازد پس بدبخت شوی(١١٨)

اِنَّ لَكَ اَلَّا تَجُوۡعَ فِيۡهَا وَلَا تَعۡرٰى ﴿١١٩﴾

یقینًابرای تومقدراست که نه در آن گرسنه باشی‌ونه عریان(١١٩)

وَاَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُا فِيۡهَا وَلَا تَضۡحٰى ﴿١٢٠﴾

واینکه نه در آن تشنه باشی و نه زیر آفتاب بسوزی(١٢٠)

فَوَسۡوَسَ اِلَيۡهِ الشَّيۡطٰنُ قَالَ يٰۤاٰدَمُ هَلۡ اَدُلُّكَ عَلٰى شَجَرَةِ الۡخُلۡدِ وَمُلۡكٍ لَّا يَبۡلٰى ﴿١٢١﴾

پس شیطان بدو وسوسه انداخت و گفت آیا به تو آگاه سازم بر درختی جاودان و پادشاهی که هرگز پوسیده نگردد(١٢١)

فَاَكَلَا مِنۡهَا فَبَدَتۡ لَهُمَا سَوۡاٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفٰنِ عَلَيۡهِمَا مِنۡ وَّرَقِ الۡجَنَّةِ وَعَصٰۤى اٰدَمُ رَبَّهٗ فَغَوٰى ﴿١٢٢﴾

پس آندو کمی ازآن خوردند پس عورت های ایشان برآنان پدید آمد و شروع کردند از برگهای

ثُمَّ اجْتَبٰهُ رَبُّهٗ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدٰى ﴿١٢٢﴾

بهشت برخود بپوشانند پس آدم از پروردگار خود نافرمانی کرد و از راه دورشد(۱۲۲)

بازهم خدا او را برگزید و توبه قبولکرده براومایل شد و هدایت داد(۱۲۳)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيْعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ مِّنِّيْ هُدًى ۙ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقٰى ﴿١٢٤﴾

اوگفت،بیرون روید شمادو ازآن باهمگی همراهان. بعضی ازشما با بعضی دشمن شده اند.پس لازم است هرگاه شمارا ازمن هدایتی برسد پس هرکه از هدایت من پیروی نماید پس نه او گم راه گرددو نه تیره بخت گردد(۱۲۴)

وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِيْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِيْشَةً ضَنْكًا وَّنَحْشُرُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى ﴿١٢٥﴾

وآنکه از یادمن روی برتابدیقینًا زندگانی‌برایش تنگ وروزقیامت اوراکوربرخیزانیم(۱۲۵)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْٓ اَعْمٰى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيْرًا ﴿١٢٦﴾

گوید،پروردگاراچرامراکور در آوردی حالیکه بینابودم(۱۲۶)

قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا ۚ وَكَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ﴿١٢٧﴾

اوگوید،همینطوراست. تورا آیت های ماميآمدبازهم آنهارا فراموش میکردی. پس امروز همان طور

وَكَذٰلِكَ نَجْزِيْ مَنْ اَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ ؕ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَشَدُّ وَاَبْقٰى ﴿١٢٨﴾

اَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ يَمْشُوْنَ فِيْ مَسٰكِنِهِمْ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِي النُّهٰى ﴿١٢٩﴾ ع

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَّاَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٣٠﴾ؕ

فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوْبِهَا ۚ وَمِنْ اٰنَآئِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضٰى ﴿١٣١﴾

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهٖۤ اَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ

فراموش کرده شوی(۱۲۷)

وبدینسان ماپاداش میدهیم او را که اسرافکندوبه آیتهای پروردگار خودایمان نیآرد وعذاب آخرت سختتر و پایدارتراست(۱۲۸)

پس آیابرایشان هدایت نیآورد که ما بسامردمی‌از ازمنه پیش از آنهاکه در منازل آنان قدم میزنند راهلاك ساختیم؟یقیناًاهل خردرا دراین آیتهای بزرگ است(۱۲۹)

ع ۷ ۱۳ ۱۶

و اگرفرموده پروردگارتو پیشی نگرفته ونهایت زمانی معین نبود حتماً[عذاب]چسپیده میشد(۱۳۰)

پس صبرکن برآنچه میگویندو با حمدپروردگارخودتسبیح بگوقبل ازطلوع خورشید وقبل ازغروب آن و درپاره های‌شب و دراطراف روز تاتوخوشنودشوی(۱۳۱)

وديدگان خود را دوخته مگشا به سوی‌آنچه که به آن بعضی ازگروه های آنهارا بطور زینت زندگانی

لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيۡهِ ؕ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٌ وَّاَبۡقٰى ۝١٣٢

دنیابرخوردارنمودیم تاآنهارا در آن بیآزمائیم و رزق پروردگارتو نیکوتر و پایدارتراست(١٣٢)

وَاۡمُرۡ اَهۡلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَا ؕ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقًا ؕ نَحۡنُ نَرۡزُقُكَ ؕ وَالۡعَاقِبَةُ لِلتَّقۡوٰى ۝١٣٣

واهل خودرا بنمازامرکن و برآن استوارباش.ماازتوهیچ رزقی‌نمی خواهیم ماتو را رزق دهنده ایم و انجام نیکوبرای‌تقوی‌است(١٣٣)

وَقَالُوۡا لَوۡلَا يَاۡتِيۡنَا بِاٰيَةٍ مِّنۡ رَّبِّهٖ ؕ اَوَلَمۡ تَاۡتِهِمۡ بَيِّنَةُ مَا فِى الصُّحُفِ الۡاُوۡلٰى ۝١٣٤

وگویندچرااوبرای‌ماازپروردگار خودیك آیت هم نمیآرد.آیاآنها را نشانهٔ روشن نیآمد که در صحف قبلی موجود است؟(١٣٤)

وَلَوۡ اَنَّاۤ اَهۡلَكۡنٰهُمۡ بِعَذَابٍ مِّنۡ قَبۡلِهٖ لَقَالُوۡا رَبَّنَا لَوۡلَاۤ اَرۡسَلۡتَ اِلَيۡنَا رَسُوۡلًا فَنَتَّبِعَ اٰيٰتِكَ مِنۡ قَبۡلِ اَنۡ نَّذِلَّ وَنَخۡزٰى ۝١٣٥

واگرما آنهارا قبل ازاین بعذابی هلاك کرده بودیم حتمًامیگفتند. پروردگاراچرارسولی بسوی ما نفرستادی که از آیات تو پیروی میکردیم پیش از آنکه ذلیل و رسوا میشدیم (١٣٥)

قُلۡ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوۡا ۚ فَسَتَعۡلَمُوۡنَ مَنۡ اَصۡحٰبُ الصِّرَاطِ السَّوِىِّ وَمَنِ اهۡتَدٰى ۝١٣٦ ع

بگو.هرکدام منتظراست پس شما نیزمنتظرباشید.پس حتماً بدانید آنکه اهل راه راست است و آنکه هدایت را دریافت(١٣٦)

# ۲۱ -الانبیاء

این سورة مکی است و زمان نزولش چهارمین یا پنجمین سال نبوت است و با بسم الله ۱۱۳ آیت دارد.

آن حساب که ذکرش درپایان سورة گذشته رفت که مردم جوابگو شوند و این امر بر توآشکارگردد که تنها تو برهدایت استوار هستی، اینك ابتدای این سورة حاکی است که ساعت آن حساب فرارسیده است اما بیشتر مردم از این در حالت غفلت اند.

باز دراین سورة گفته میشودکه پیش از تونیزما رسولان را از مردان برمیگزیدیم وایشان دارای چنین جسم نبودند که بی غذا زنده بمانند. اینجا برالوهیت حضرت مسیح نیزخط بطلان کشیده میشود زیرا ایشان که در طول عمر غذا میخورده اند.

بلافاصله پس از ذکرفوق این امر بیان میشود که بیخردان معبودان خود را همان از زمین بربافته اند و به دنبال دلیلی بزرگ مبنی براین امر داده شد که دوخدا نمیتوانند وجود داشته باشند وگرنه هریك خدا بهمراه آفریدگان خودجداشده وزمین وآسمان دوگانه وازفساد دورنشدنی فرا گرفته شود. حالانکه نگاه به هرجای از کاینات برسد فقط یگانگی بچشم میخورد. لذافرموده شد که ماقبلاًنیزهرقدر رسولان را میفرستادیم بسوی ایشان وحی میکردیم که بغیر از خدا هیچ معبودی نیست.

آیت ۲۷ عبارت ازاین ادعای دروغین آنها است که خدا پسری برگزیده است. اما چون پسری برمقام معبود فرضی گرفته شود آنگاه تنها یك معبود

تعلق نمی گیرد بلکه مفروضاتی دیگر نیز شامل حال میگردد. بلافاصله پس از آن گفته شد که علاوه بر حضرت عیسیٰ علیه السلام بسیاری دیگر بندگان پاك خدا نیز شریکان خدا قرار داده شدند.

بلافاصله درمجاورت آیتی است که پرده ای را از اسرارکاینات بطوری برداشته است که بخاطرآدمی آنزمان اصلاًنمیتوانست خطورکند. این آیت حاکی از این امر است که تمامی کاینات در شکل چنین توپی دربسته بود که هیچ چیزی نمیتوانست ازآن بیرون رود.پس ما آنرا درهم ترکیدیم که بیدرنگ تمامی کاینات ازهم پاشید.سپس بوسیله آب هرچیزی زنده را پدید آوردیم وبلافاصله پس از آب، با "رَوَاسِی" نظام نزول آب را ذکر میشود. بدنبال این گفته میشودکه چطورآسمان از زمین واهل زمین نگهداری میکند. باز ذکر از گردش پیوسته ای از زمین و آسمان و اجرام فلکی میرود و حاکی از اینست چنانکه زمین و آسمان را دوام آوردن نیست در عین حال انسان نیز بی دوام است و ای رسول! هرچند مردم قبل از تو بوده اند هیچکدام از ایشان دوامی نداشت.

ضمناً ذکر از تمامی پیغمبران پیش از رسول الله ﷺ میرود که چطور خداوند به ایشان فیض رحمانیت رساندواین اصل اجتناب ناپذیر رامعرفی کرد که هرگاه اهل قریه ای یکبار بهلاك رسانده شوند دیگر هیچگاه بسوی آن بازنمیگردند. درزمان یاجوج وماجوج چون پژوهندگان علم ظاهراً ادعای به زنده کردن مردگان کنند حتی آنگاه هم بازگشت مردگان امکان پذیر نه خواهد شد.

این سورة حاکی از این امر است که زمین و آسمان درهم پیچیده شود

و درعین حال گفته میشودکه این وضعیت همیشه نمیماندبلکه ازهمین کاینات که معدوم شود یك کاینات جدیدی بوجود آورده خواهد شد. خدای متعال قدرتمند است به این امرکه آنرا تکرارکند.

درآخرین رکوع این سورة آنحضرت ﷺ را مظهر کامل خدای متعال که رحمان برای جمیع عالم است قرارداده خطاب شد تو رانیز برای همه جهانها بعنوان رحمت فرستاده ایم.

در آخرین آیت این سورة رسول الله ﷺ بعرض خداوند خود میرسانند که تومیان من و میان مخالفانم بدادفیصل بده.زیراکه ایشان نمایندهٔ از خدای رحمان هستند پس به همه جهانیان متنبه میسازند که خدای رحمان بنده خود را که مظهر او در جمیع عالم است هرگزتنهانمیگذارد.

سورة متعاقب الحج است که ثبوت کامل به این امر است که رسول الله ﷺ بعنوان رحمة للعالمین مبعوث شده بودند و تنها بیت الله جای است که در آنجا مردم از اکناف عالم برای برگزاری مراسم حج گرد می آیند.

☆ سُوْرَةُ الاَنْبِيَاءِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ ثَلاثَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ سَبْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِيْ غَفْلَةٍ مُّعْرِضُوْنَ ②

مردم را حساب ایشان فرارسیده است با این وجود آنها روی در غفلت بر گرداندگانند(٢)

مَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنْ رَّبِّهِمْ مُّحْدَثٍ اِلَّا اسْتَمَعُوْهُ وَهُمْ يَلْعَبُوْنَ ③

آنانرا هیچ ذکری جدیدی نمیآید مگر آنرا میشنوند گویی که آنها بازی میکنند(٣)

لَاهِيَةً قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاَسَرُّوا النَّجْوَى ۖ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ۖ هَلْ هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۚ اَفَتَاْتُوْنَ السِّحْرَ وَاَنْتُمْ تُبْصِرُوْنَ ④

[دراینحالکه]دلهایآنان غلفت گر است وسرگوشیهارا پنهان کردند آنانکه ستمکردند.آیا این بشری جز مثل شما است؟ پس آیا به سوی جادو میروید با آنکه آنرا میبینید؟(٤)

قٰلَ رَبِّيْ يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ۫ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ⑤

او گفت، پروردگارم میداند هر سخن را که در آسمانها و زمین است و او بسیار شنوای صاحب علم دائمی است(٥)

بَلْ قَالُوْٓا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍۭ بَلِ افْتَرٰىهُ بَلْ

بعکس گویند، این خواب های

هُوَ شَاعِرٌ ۚ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ﴿٦﴾

پراگنده بلکه او بهم بافته است. درحقیقت او شاعری است. پس باید مارانشانهٔ ای بزرگ رابیآرد آنگونه که پیشینیان [رسولان] فرستاده شدند(٦)

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾

هیچ قریه ای که قبل از آنها ما آنرا هلاك ساختیم ایمان نیآورده بود.پس آیااینهاایمان آرند؟(٧)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ ۖ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾

وقبل ازتونفرستادیم مگر مردان را که بسوی ایشان وحی می فرستادیم.پس ازاهل ذکربپرسید اگر شمانمیدانید(٨)

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٩﴾

و ماایشان راجسمی نساختیم که غذا نخورند و نه آنان جاودان بودند(٩)++

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿١٠﴾

سپس وعده ایشانرا راست کردیم پس ایشان و هرکس را خواستیم نحات دادیم وتجاوزگران راهلاك ساختیم(١٠)

++آیت۹: این آیت حاکی ازاین امر است که هیچ پیغمبری دردنیاوجود نداشت که بلا خوردن غذا زندگی میکرد.پس پیغمبری که غذا میخورد طول عمرغیرطبیعی داده نمیشود.

لَقَدۡ اَنۡزَلۡنَاۤ اِلَيۡكُمۡ كِتٰبًا فِيۡهِ ذِكۡرُكُمۡ ؕ اَفَلَا تَعۡقِلُوۡنَ ﴿۱۱﴾

البته مابسوی شما کتابی را فرو فرستادیم که در آن ذکر شما [موجود]است. پس آیا عقل نمی کنید؟(١١)

وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِنۡ قَرۡيَةٍ كَانَتۡ ظَالِمَةً وَّاَنۡشَاۡنَا بَعۡدَهَا قَوۡمًا اٰخَرِيۡنَ ﴿۱۲﴾

و ای بسا قریه ها راهلاك کردیم که ستمکاربودند و پس ازآنان قومی دیگر را پدید آوردیم(١٢)

فَلَمَّاۤ اَحَسُّوۡا بَاۡسَنَاۤ اِذَا هُمۡ مِّنۡهَا يَرۡكُضُوۡنَ ﴿۱۳﴾ؕ

پس همینکه عذاب مارا احساس کردند ناگهان آنها ازآن پا به فرار نهادند(١٣)

لَا تَرۡكُضُوۡا وَارۡجِعُوۡۤا اِلٰى مَاۤ اُتۡرِفۡتُمۡ فِيۡهِ وَمَسٰكِنِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡـَٔلُوۡنَ ﴿۱۴﴾

فرارنکنیدو برگردیدبسوی جائی که در آن نعمت و آسایش داده شدید و بسوی منازلتان تا اینکه شماپرسش کرده شوید(١٤)

قَالُوۡا يٰوَيۡلَنَاۤ اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيۡنَ ﴿۱۵﴾

گفتند دریغا! یقینًا ما ستمکاران بودیم (١٥)

فَمَا زَالَتۡ تِّلۡكَ دَعۡوٰٮهُمۡ حَتّٰى جَعَلۡنٰهُمۡ حَصِيۡدًا خٰمِدِيۡنَ ﴿۱۶﴾

پس پیوسته همین بودبانگ آنهاتا آن انتها که آنهاراویران ساختیم [همچون] مزرعهٔ درو شده (١٦)

وَمَا خَلَقۡنَا السَّمَآءَ وَالۡاَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لٰعِبِيۡنَ ﴿۱۷﴾

و آسمان و زمین و هرچه میان آندو است را بازی کنان بوجود

نیاآورده ایم(۱۷)

لَوْ اَرَدْنَآ اَنْ نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنٰهُ مِنْ لَّدُنَّآ ۖ اِنْ كُنَّا فٰعِلِيْنَ ﴿۱۸﴾

اگر خواسته بودیم که مایه بازی فراگیریم حتمًا آنرا از نزد خود میگرفتیم اگرما[اینکار] کنندگان بودیم(۱۸)

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهٗ فَاِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۭ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُوْنَ ﴿۱۹﴾

بلکه حق را بر باطل میزنیم که آنرا پایمال کند.پس بلافاصله آن نابود میشود و هلاك باد بر شما بدانچه اراجیفی میسازید(۱۹)

وَلَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَمَنْ عِنْدَهٗ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِهٖ وَلَا يَسْتَحْسِرُوْنَ ﴿۲۰﴾

و ازآن او است آنچه در آسمانها و زمین است و کسانیکه نزد او هستند از عبادت او تکبر نمیکنند و نه خسته میشوند(۲۰)

يُسَبِّحُوْنَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُوْنَ ﴿۲۱﴾

شب و روز تسبیح میگویند ـ کوتاهی نمیکنند(۲۱)

اَمِ اتَّخَذُوْٓا اٰلِهَةً مِّنَ الْاَرْضِ هُمْ يُنْشِرُوْنَ ﴿۲۲﴾

آیامعبودانیازمین برگزیده اند که آنها هم میآفرینند؟(۲۲)

لَوْ كَانَ فِيْهِمَآ اٰلِهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿۲۳﴾

اگر در ایندو [زمین وآسمان]جز خدا معبودانی بودندیقینًا ایندو نابود می شدند.پس پاکست خدا که پروردگار عرش است از آنچه

لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُوْنَ ﴿٢٣﴾

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً ۭ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ ۚ هٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَّعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِيْ ۭ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۙ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٢٤﴾

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِيْٓ اِلَيْهِ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدُوْنِ ﴿٢٥﴾

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ۭ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُوْنَ ﴿٢٦﴾ ۙ

لَا يَسْبِقُوْنَهٗ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهٖ يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُوْنَ ۙ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى وَهُمْ مِّنْ

بیان میکنند(۲۳)

اوپرسیده نشودازآنچه انجامدهد حالیکه آنهاپرسیده شوند(٢٤)

آیاجزاومعبودانی برگزیده اند؟ بگودلیل قطعی‌خودرابیآرید. این ذکرآنانست که بامن هستندوذکر آنانست که پیش از من بودند اما بیشتر ایشان بحق دانش ندارند و آنها روی گردانانند(۲۵)

وپیش از تو رسولی نفرستادیم مگر بسویش وحی میکردیم که براستی کسی معبود نیست مگر من پس مرا عبادت کنید(٦ ۲)

وگویندرحمٰن پسری فراگرفته است. او پاك است. بلکه ایشان بندگان گرامی هستند(۲۷)

ایشان درگفتارازفرمان اوپیشی نمی گیرند و بفرمان او عمل می کنند(۲۸)

او میداند آنچه پیشروی ایشان است و آنچه پشت سرایشان

خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿۲۹﴾

است و ایشان شفاعت نمیکنند جزبرای آنکه اوخوشنودباشد و ایشان از رعب او بیمناکند(۲۹)

وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّيْٓ اِلٰهٌ مِّنْ دُوْنِهٖ فَذٰلِكَ نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ ؕ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ ﴿۳۰﴾

و آنکس از آنها که گوید بغیر از او من معبودم پس همانست که او را پاداش جهنم دهیم.ستم کاران را عوض اینگونه میدهیم(۳۰)

ع ۲ ۱۹ ۲

اَوَلَمْ يَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَا ؕ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ؕ اَفَلَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۳۱﴾

آیا ندیدند آنانکه کفر کردند که آسمانها و زمین هردو بسته بود. پس آندوی راشکافته جداساختیم و هر کدام زنده چیز را از آب پدید آوردیم. پس آیا ایمان نیآرند؟(۳۱)

وَجَعَلْنَا فِي الْاَرْضِ رَوَاسِيَ اَنْ تَمِيْدَ بِهِمْ ۖ وَجَعَلْنَا فِيْهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿۳۲﴾

و درزمین کوهها نهادیم تا اسباب خوراکی‌ایشان فراهم سازندو در آن جاده های نهادیم تاآنهاهدایت یابند(۳۲)

وَجَعَلْنَا السَّمَآءَ سَقْفًا مَّحْفُوْظًا ۚ وَّهُمْ عَنْ اٰيٰتِهَا مُعْرِضُوْنَ ﴿۳۳﴾

وآسمان راسقفی محفوظ ساختیم و آنها از آیتهای او روی‌گردانان اند(۳۳)

وَهُوَ الَّذِيْ خَلَقَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ

واوست که شب وروز وخورشید

وَالْقَمَرَ ؕ كُلٌّ فِىْ فَلَكٍ يَّسْبَحُوْنَ ﴿۳۴﴾

و ماه راآفرید. همه درمدار[خود] روانند(۳٤)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ؕ اَفَا۠ئِنْ مِّتَّ فَهُمُ الْخٰلِدُوْنَ ﴿۳۵﴾

وبرای‌هیچ بشری‌قبل ازتوابدیت قرارندادیم.پس آیااگر تو بمیری آنها جاودان باش کنند؟(۳۵)++

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ؕ وَنَبْلُوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ؕ وَاِلَيْنَا تُرْجَعُوْنَ ﴿۳٦﴾

هرنفس چشنده طعم مرگ است و شمارا با شروخیرسخت آزمایش کنیم و به سوی ما برگردانده شوید(۳٦)

وَاِذَا رَاٰكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اِنْ يَّتَّخِذُوْنَكَ اِلَّا هُزُوًا ؕ اَهٰذَا الَّذِىْ يَذْكُرُ اٰلِهَتَكُمْ ۚ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمٰنِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿۳۷﴾

و وقتی آنانیکه کفرکردند ترا ببینندترابادسخریه میگیرند [و گویند]آیااینست آنکه ازمعبودان شماحرف میزند؟و همانهاند که به ذکر رحمٰن منکرانند(۳۷)

خُلِقَ الْاِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ؕ سَاُورِيْكُمْ اٰيٰتِىْ فَلَا تَسْتَعْجِلُوْنِ ﴿۳۸﴾

آدمی‌ازخمیره عجلت آفریده شد. حتمًانشانه های خودرابشما نشان دهم پس از من کار باعجله نه خواهید(۳۸)

++آیت ۳۵: اینجا رسول اللهﷺ خطاب شدند که ما پیش از تو به هیچکس هم خلاف معمول عمرطولانی ندادیم پس چطورممکن است که تو بمیری و عمردیگران خلاف معمول طول بکشد.اینجا وفات حضرت عیسٰی بطور حتمی به اثبات میرسد.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

گویند.انجام این وعده تابچندمی کشداگرشما راستگویانید(۳۸)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾

کاش آنانکه کفرکردند میدانستند [بیچاره شوند]چون آتش را نه توانندبازدارند از چهرهای خود ونه ازپشتهای‌خود ونه آنان یاری داده شوند(۴۰)

بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾

بلکه آن [ساعت]ایشانراناگهان آید و ایشان را متحیرسازد و طاقت نیآورند تاآنرابرگردانند و نه آنان مهلت داده شوند(۴۱)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾ ع

و یقیناً پیش ازتو هم به رسولان تمسخر شد.پس آنانراکه ازایشان سخریه کردندفراگرفت همان امر که بدان تمسخرمیکردند(۴۲)

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ ۗ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾

بگو.کیست که شب و روزشما را ازرحمٰن نگهداردبلکه آنها از ذکر پروردگارخود روگردانانند(۴۳)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا ۚ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا

آیاآنهارامعبودانی اند که بتوانند درمقابل ما ازآنها مدافعت کنند؟ آنهانتوانندیاری کنندخودشان را

يُصْحَبُونَ﴿٤٤﴾

و نه آنها ازما همراهی کرده شوند(٤٤)

بَلْ مَتَّعْنَا هٰٓؤُلَآءِ وَاٰبَآءَهُمْ حَتّٰى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ؕ اَفَلَا يَرَوْنَ اَنَّا نَاْتِى الْاَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ اَطْرَافِهَا ؕ اَفَهُمُ الْغٰلِبُوْنَ﴿٤٥﴾

بلکه ماآنهاو پدران آنها را بسیار بهرمندساختیم تاآن انتهاکه عمر برآنها درازشد.پس آیانمیبیند که مازمین را ازاطراف آن میکاهیم؟ پس آیاآنهاغالب آیندگانند؟(٤٥)

قُلْ اِنَّمَآ اُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْىِ ۖ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَآءَ اِذَا مَا يُنْذَرُوْنَ﴿٤٦﴾

بگو.من شمارابوحیاخطار میدهم وکران صدانمیشنوندچون اخطار داده شوند(٤٦)

وَلَئِنْ مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُوْلُنَّ يٰوَيْلَنَآ اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ﴿٤٧﴾

واگروزشی ازعذاب آنها را لمس کندحتمًا گویند.واحسرتا ایقینًا ما ستمکاران بودیم(٤٧)

وَنَضَعُ الْمَوَازِيْنَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا ؕ وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ اَتَيْنَا بِهَا ؕ وَكَفٰى بِنَا حٰسِبِيْنَ﴿٤٨﴾

وبرای روزقیامت ماترازوهای داد خواهیم گذاشت.پس کسی به ذرهٔ ستم کرده نشودو باندازهٔ خردلی هم باشد آنرا بیاوریم و ما برای حساب گرفتن بس هستیم(٤٨)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَّذِكْرًا لِّلْمُتَّقِيْنَ ۙ﴿٤٩﴾

و یقینًا به موسی و هارون فرقان و روشنائی و برای متقیان ذکر درداديم(٤٩)

| | |
|---|---|
| الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُوْنَ ﴿۵۰﴾ | [یعنی]آنانکه ترسند از پروردگار خود درتنهائی و ایشان ازساعت بیمناك اند(۵۰) |
| وَهٰذَا ذِكْرٌ مُّبٰرَكٌ اَنْزَلْنٰهُ ؕ اَفَاَنْتُمْ لَهٗ مُنْكِرُوْنَ ﴿۵۱﴾ ع | و این ذکری پربرکت است که ما آنرا فروفرستاده ایم پس آیا شما برای آن منکرانید؟(۵۱) |
| وَلَقَدْ اٰتَيْنَآ اِبْرٰهِيْمَ رُشْدَهٗ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهٖ عٰلِمِيْنَ ﴿۵۲﴾ ج | ویقیناًابراهیم را رشد او از قبل داده بودیم و ما درباره او خوب آگاه بودنیم(۵۲) |
| اِذْ قَالَ لِاَبِيْهِ وَقَوْمِهٖ مَا هٰذِهِ التَّمَاثِيْلُ الَّتِيْٓ اَنْتُمْ لَهَا عٰكِفُوْنَ ﴿۵۳﴾ | چون او به پدرخود و قومش گفت.این بتان چیستند که شما ملازم برای آنها شده اید؟(۵۳) |
| قَالُوْا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا لَهَا عٰبِدِيْنَ ﴿۵۴﴾ | گفتند.ماپدران خود را یافتیم که برای‌آنهاعبادتگذاران بودند(۵۴) |
| قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۵۵﴾ | اوگفت.یقیناًشماو پدران شما در گمراهی آشکار بودید(۵۵) |
| قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ اَمْ اَنْتَ مِنَ اللّٰعِبِيْنَ ﴿۵۶﴾ | گفتند.آیا مارا حق آورده ای یا تو از بازی کنندگانی؟(۵۶) |
| قَالَ بَلْ رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الَّذِيْ فَطَرَهُنَّ ۖ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكُمْ مِّنَ | او گفت، بلکه پروردگار شما پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را آفرید و من برایشما |

الشّٰهِدِيْنَ ﴿۵۷﴾ | برآن از گواهان هستم(۵۷)

وَتَاللّٰهِ لَاَكِيْدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تُوَلُّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿۵۸﴾ | و سوگند به خدا حتمًا به بتان شما تدبیرکننده ام چون پشت کرده رو گردانان شوید(۵۸)

فَجَعَلَهُمْ جُذٰذًا اِلَّا كَبِيْرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ ﴿۵۹﴾ | پس اوآنهاراخردکرد جزبزرگتر آنها را تا آنها بسویش رجوع کنند(۵۹)

قَالُوْا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَآ اِنَّهٗ لَمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۶۰﴾ | گفتند،کی اینکاربامعبودان ماکرده است.یقینًااوازستمکارانست(۶۰)

قَالُوْا سَمِعْنَا فَتًى يَّذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهٗٓ اِبْرٰهِيْمُ ﴿۶۱﴾ | گفتند:جوانی را شنیدیم که ذکر ازآنها میکرد.او را ابراهیم می گویند(۶۱)

قَالُوْا فَاْتُوْا بِهٖ عَلٰٓى اَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُوْنَ ﴿۶۲﴾ | گفتند، پس او را جلوی چشمان مردم بیآورید تاآنهاببینند(۶۲)

قَالُوْٓا ءَاَنْتَ فَعَلْتَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَا يٰٓاِبْرٰهِيْمُ ﴿۶۳﴾ | گفتند.آیا تو اینکار به معبودان ما کردی ای ابراهیم؟(۶۳)++

++آیت ۶۳:درباره این آیت گفته میشود که پس از کلمه "بَل فَعَلَهٗ" توقف شود تا این نتیجهٔ برآید که "کسی کرده است" بعکس نزدما اینرا قطعاً ضرورت نیست زیراکه حضرت ابراهیم خودش به همه گفته بودند که من با معبودانتان کاری کنندهٔ ام.لذااین دروغ نیست. سخنی غیرممکن را بطور ممکن معرفی کردن یك طرز استدلال است که به حضرت ابراهیم علی‌الخصوص اعطاء بود. هیچکدام از مخالفان ایشان این امر را باورنکردکه همه را زیان بت بزرگتر زده است واین (ص#۷۵۸)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ﴿٦٤﴾

[ابراهیم]گفت،بلکه این بزرگشان اینکارکرده است.پس بپرسید از آنها اگرمیتوانندحرف زنند(٦٤)

فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّٰلِمُونَ ﴿٦٥﴾

پس بسوی مردم خود برگشتند. آنگاه گفتندیقیناًشماخودتان ستم کارانید(٦٥)

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ﴿٦٦﴾

سپس سر به گریبان کرده شدند [وگفتند]البته میدانی‌که آنهاحرف نمیزنند(٦٦)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٧﴾

[ابراهیم]گفت، پس آیاعبادت می کنید گذشته ازخدا آنچه را نه به شماهیچ سودی‌میرساند و نه شما را ضرر میزنند(٦٧)

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

اف برشما و برآنچه را جز خدا عبادت میکنید. آیا عقل نمی کنید؟(٦٨)

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوٓا ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ﴿٦٩﴾

گفتند،بسوزانیداوراومعبودانتان را یاری کنید اگر شما کنندگان اید(٦٩)

---

بقیه آیت٦٣: امر را غیرممکن پنداشتن براین اعتقاد آنان خط بطلان میکشد که معبودان آنها توانا به یاریگری هستند.

قُلْنَا يٰنَارُ كُوْنِيْ بَرْدًا وَّسَلٰمًا عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ ﴿۷۰﴾

گفتیم: ای آتش سرد و سلامت باش بر ابراهیم(۷۰)++

وَاَرَادُوْا بِهٖ كَيْدًا فَجَعَلْنٰهُمُ الْاَخْسَرِيْنَ ﴿۷۱﴾

و قصدداشتند بر او نیرنگ زنند. پس ما آنها را زیان کارتران ساختیم(۷۱)

وَنَجَّيْنٰهُ وَلُوْطًا اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا لِلْعٰلَمِيْنَ ﴿۷۲﴾

و او و لوط را بسوی زمینی نجات دادیم که درآن برکت برای همه جهانها نهاده بودیم(۷۲)

وَوَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ ۭ وَيَعْقُوْبَ نَافِلَةً ۭ وَكُلًّا جَعَلْنَا صٰلِحِيْنَ ﴿۷۳﴾

و اورااسحٰق اعطاکردیم و بطور نوه یعقوب وهمه راپاك کرداران بوجود آورده بودیم(۷۳)

وَجَعَلْنٰهُمْ اَىِٕمَّةً يَّهْدُوْنَ بِاَمْرِنَا وَاَوْحَيْنَآ اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرٰتِ وَاِقَامَ الصَّلٰوةِ وَاِيْتَآءَ الزَّكٰوةِ ۚ وَكَانُوْا لَنَا عٰبِدِيْنَ ﴿۷۴﴾

وایشان راامامان برگذیدیم که به امر ما هدایت میکردند و بسوی ایشان برای‌گفتن سخنان نیکو و بپاداشتن نمازواداي زکات وحی میفرستادیم و آنان عبادتگذاران

---

++آیت۷۰: اینجا منظور از آتش میتوان هم آتش مخالفت و هم آتش حقیقی باشد. چنانچه در این زمان به حضرت مسیح موعود الهام شد که "مرا از آتش مترسانید چه آتش غلام ما بلکه غلام غلامان است"(اربعین شماره ۳ـ روحانی خزاین جلد ۱۷ـ صفحه ٤۲٦ـ مطبوع لندن).

سرد شدن آتش بدین معنایست که تبش آن موفق به هلاك کردن نشود بلکه آن آتش خود فرورود.

وَلُوطًا اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا وَّنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِيْ كَانَتْ تَّعْمَلُ الْخَبٰٓئِثَ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِيْنَ ﴿۷۵﴾ۙ

وَاَدْخَلْنٰهُ فِيْ رَحْمَتِنَا ؕ اِنَّهٗ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۷۶﴾ ع

وَنُوْحًا اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ ﴿۷۷﴾ ج

وَنَصَرْنٰهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿۷۸﴾

وَدَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ اِذْ يَحْكُمٰنِ فِي الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيْهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شٰهِدِيْنَ ﴿۷۹﴾ۙ

ما بودند(۷٤)

ولوط راحکمت و دانش دادیم و او را ازشهری نجات دادیم که کثافتکاریها میکرد. یقینًا آنها به بدی بزرگ فرو رفته زشتکاران بودند(۷۵)

واورابداخل رحمت خود کردیم یقینًااوازنیکوکاران بود(۷٦)

و[بیادآرید]نوح راچون قبلاً ندا کرده بود. پس برای او اجابت نمودیم پس او وخانواده اورا از آشفتگی بزرگ نجات دادیم(۷۷)

و او را یاری کردیم مقابل قومی که آیتهای مارا تکذیب میکردند. یقینًاآنهاقومی زشتکاربودند پس جمله آنها را غرق کردیم(۷۸)

و [بیادآورید] داؤد و سلیمان را چون آندوی جهت مزرعه ای داوری میکردند چون شبگاه در آن رمهٔ گوسفندان مردم چراکرده بودندویقیناًماداوری ایشانرا نگه

فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَّعِلْمًا ۖ وَّ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوٗدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۗ وَكُنَّا فٰعِلِيْنَ ﴿۷۹﴾

بانی میکردیم(۷۹)++
پس سلیمان را آن امر فهمانیدیم و هرکدام راحکمت و دانش در دادیم ومسخرکردیم باداؤدکوهها راتسبیح کنان ومرغانراومماانجام دهندگان[اینهمه]بودیم(۸۰)++

وَعَلَّمْنٰهُ صَنْعَةَ لَبُوْسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْۢ بَاْسِكُمْ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ ﴿۸۰﴾

و اورابرایشماصناعت زره سازی آموختیم تاشمارااز[گزند] جنگ هایتان حفظکند.پس آیاشماسپاس گذاران میشوید؟(۸۱)

وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيْحَ عَاصِفَةً تَجْرِيْ بِاَمْرِهٖۤ اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا ۗ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عٰلِمِيْنَ ﴿۸۱﴾

و[مسخرکردیم] برای سلیمان بادی تندکه بدستور او بسوی آن زمینی میوزید که در آن برکت نهاده بودیم و ما بهرچیزدانایان ایم(۸۲)++

---

++آیت ۷۹_ ۸۰: اینجامسخرکردن کوه ها بمعنای مطیع کردن مردمان کوهستانی رابرایحضرت سلیمان است.همچنین درارتش حضرت سلیمان سخن ازلشکر پرندگان میرود. اینهم کلام رمزی وعبارت ازدومعنایست ـ یکیکسانیکه به پرواز روحانی توانائی اعطاشوند و دومین آن سواران تندرو که مانند پرندگان بسرعت ازیکجا بجای دیگرمیرسیدند.تندروترین دسته لشکریان حضرت سلیمان نیزلشکر پرندگان قرارداده میشود.

++آیت ۸۲ :اینجامسخرکردن بادهابرای حضرت سلیمان بدین معنای‌است[ص:۷۶۲]

وَمِنَ الشَّيٰطِيْنِ مَنْ يَّغُوْصُوْنَ لَهٗ وَيَعْمَلُوْنَ عَمَلًا دُوْنَ ذٰلِكَ ۚ وَكُنَّا لَهُمْ حٰفِظِيْنَ ﴿۸۳﴾

و ازسرکشان بودندآنانکه بخاطر اوغوطه ورمیشدند وعلاوه برآنهم کارمیکردند و ما نگهبانان ایشان بودیم(۸۳)++

وَاَيُّوْبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗٓ اَنِّىْ مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿۸۴﴾

و ایوب، چون او پروردگار خود راخواندکه مراسخت رنج رسیده است و تو رحم کننده ترین رحم کنندگان مستی(۸٤)

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَكَشَفْنَا مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَّاٰتَيْنٰهُ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعٰبِدِيْنَ ﴿۸۵﴾

پس مادعایش رابرای اومستجاب نمودیم وبرای او هرچه از رنجی بود دور کردیم واوراخانواده او وباآنان مانندآنان [زاید]در دادیم که از جانب ما رحمت و عبادت گذاران را پند بود(۸۵)

وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِدْرِيْسَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿۸۶﴾

و اسمٰعیل و ادریس و ذی الکفل همه ازصبوران بودند(۸٦)

---

++بقیه آیت۸۲:که درمنطقه ساحلی فلسطین رخ بادها ماه بماه تغییر سمت میافت و کشتیهای دریائی متعلق به حضرت سلیمان با نیرو آن بادها بحرکت میآمد و باز بعد از یکماه بادها از سمت دیگرشروع بوزیدن میکرد.

++آیت ۸۳: اینجا منظور از جنها آفریده از آتش نیستند وگرنه از غوطه زدن آنها در دریاها آتش فرومیمرد. بلکه اینجا بمعنای آن قومهای گردن کشان است که حضرت سلیمان آنان را تسخیرکرده بودند و غوطه وران نیز شامل آنهابودند.

وَاَدْخَلْنٰهُمْ فِیْ رَحْمَتِنَا ۭ اِنَّهُمْ مِّنَ الصّٰلِحِیْنَ ﴿٨٧﴾

وآنانرا بداخل رحمت خودکردیم یقیناًآنان ازصالحان بودند(٨٧)

وَذَا النُّوْنِ اِذْ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمٰتِ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ ۖ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ ﴿٨٨﴾

وصاحب ماهی[رابخاطربیآر]چون اوخشمگین رفت وپنداشت که بر اوسخت نمیگیریم. پس درظلمات [فراگرفته]صداکردکه هیچ معبود نیست مگرتوئی - توپاك مستی. یقیناً من از ستمکارانم(٨٨)++

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ ۙ وَنَجَّیْنٰهُ مِنَ الْغَمِّ ۭ وَكَذٰلِكَ نُـْۨجِی الْمُؤْمِنِیْنَ ﴿٨٩﴾

پس مادعای او رامستجاب کردیم و او را ازاندوه نجات دادیم و مؤمنانرانجات اینطوردهیم(٨٩)

وَزَكَرِیَّآ اِذْ نَادٰی رَبَّهٗ رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَّاَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ ﴿٩٠﴾

وزکریا[بیادآر]چون اوپروردگار خودراخواند.پروردگاراامرا تنها مگذار.توبهترین وارثانی(٩٠)

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ ۡ وَوَهَبْنَا لَهٗ یَحْیٰی وَاَصْلَحْنَا لَهٗ زَوْجَهٗ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا

پس دعایش رامستجاب نمودیم و اورایحیی‌اعطاکردیم و بخاطرش

++آیت ٨٨:چون حضرت یونس دیدندکه پیشگوئیهای اخطاری ایشان پایان نپذیرفته است و درعین حال متوجه نشدند که خداوند بر اثر گریه و زاری پیش گوئیهای اخطاری را برمیگرداند لذا ایشان قهرکرده بسوی دریا دررفتند که آنجا ماهی بزرگ نخست ایشان را بلعید و باز بیرون انداخت. لب بدعای که ایشان درآن زمان ظلمتها گشودند این بود که ای خدا هیچ معبودی نیست جزتو- توپاك هستی یقیناً من از ستمکاران بودم.

يُسٰرِعُوْنَ فِي الْخَيْرٰتِ وَيَدْعُوْنَنَا رَغَبًا وَّرَهَبًا ۭ وَكَانُوْا لَنَا خٰشِعِيْنَ ﴿٩١﴾

زنش را سلامت بخشیدیم. یقینًا ایشان در نیکیها سبقت میجستند و مارا بامحبت و بیم میخواندند و برای ما فروتنان بودند(٩١)

وَالَّتِيْٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهَا مِنْ رُّوْحِنَا وَجَعَلْنٰهَا وَابْنَهَآ اٰيَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٢﴾

و آنزن را که فرج خود را نگه داری‌کرد.پس از امرخود در آن دمیدیم و او و پسرش را برای عالمیان نشانهٔ قراردادیم(٩٢)

اِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً ڮ وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْنِ ﴿٩٣﴾

یقینًا این امت شما است که امت واحده است و منم پروردگارشما پس مرا عبادت کنید(٩٣)

وَتَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ۭ كُلٌّ اِلَيْنَا رٰجِعُوْنَ ﴿٩٤﴾ ع

و[بعدًا]مسلك خود رامیان خود پاره پاره کردند.همگی بسوی ما مراجعت کنندگانند(٩٤)

ع ٦ ١٨ ٦

فَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهٖ ۚ وَاِنَّا لَهٗ كٰتِبُوْنَ ﴿٩٥﴾

پس هرکه از نیکیها بجا آورد و او مومن است پس از کوشش او ندیده نگرفته خواهد شد. یقینًا ما برای او نویسندگانیم (٩٥)

وَحَرٰمٌ عَلٰى قَرْيَةٍ اَهْلَكْنٰهَآ اَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٩٦﴾

و قطعی ممنوع است بر قریه ای که هلاکش کنیم که آنان باز نمی گردند(٩٦)++[ص:٧٦٥]

حَتّٰٓى اِذَا فُتِحَتۡ يَاۡجُوۡجُ وَمَاۡجُوۡجُ وَهُمۡ مِّنۡ كُلِّ حَدَبٍ يَّنۡسِلُوۡنَ ﴿۹۷﴾

حتّی گامیکه یاجوج و ماجوج گشوده شوند و آنها از هرکدام بلندی شتابان بیآیند- (۹۷)++

وَاقۡتَرَبَ الۡوَعۡدُ الۡحَـقُّ فَاِذَا هِىَ شَاخِصَةٌ اَبۡصَارُ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا ؕ يٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِىۡ غَفۡلَةٍ مِّنۡ هٰذَا بَلۡ كُنَّا ظٰلِمِيۡنَ ﴿۹۸﴾

ووعدهٔ حتمی‌الوقوع نزدیك شود وناگهان چشمان آنانکه کفرکردند حیرت زده بازمانند[وگویند]وای برماکه یقینًا ما از این درغفلت بودیم بلکه ستمکاران بودیم(۹۸)

اِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُوۡنَ مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ ؕ اَنۡتُمۡ لَهَا وٰرِدُوۡنَ ﴿۹۹﴾

یقیناًشما وآنچه راجزخداعبادت کنید سوخت جهنم و شما در آن واردانید(۹۹)

لَوۡ كَانَ هٰٓؤُلَۤاءِ اٰلِهَةً مَّا وَرَدُوۡهَا ؕ وَكُلٌّ فِيۡهَا خٰلِدُوۡنَ ﴿۱۰۰﴾

چنانچه خدایانی بودند هرگز در آن وارد نمیشدند و همه در آن مدت دراز خواهند ماند(۱۰۰)

لَهُمۡ فِيۡهَا زَفِيۡرٌ وَّهُمۡ فِيۡهَا لَا يَسۡمَعُوۡنَ ﴿۱۰۱﴾

برای آنهادرآن ناله کردن است و آنهادرآن هیچ نشنوند(۱۰۱)

---

++آیات ۹۶-۹۷:دراینجا منظور از واژه " قریةٌ " اهل قریة اند. قومیکه بهلاك رسانده شود بدنیا بازنمیگردد. "حتّی" بمعنای این نیست که در زمان یاجوج و ماجوج قومهای درگذشته برمیگردند بلکه بدین معنای است که درگذشتگان در زمان یاجوج و ماجوج نیزمجاز به برگشتن بدنیا نه خواهند شد. پس ظاهراً اینها چنین کرشمه ها بنمایش میگذارند گویی که مردگان را زنده میسازند اما میچگاه نمیتوانند مردگان حقیقی را زنده بنمایند.

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠٢﴾

یقیناًآنانکه برای‌آنان ازمافرمان خوبی‌پیشی گرفته است همانهاند که از آن دور داشته شوند(۱۰۲)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۖ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾

حسّ آنرا هم نشنوندوآنچه دلهای ایشان دوست میداشت در آن ایشان جاویدان باشند(۱۰۳)

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٤﴾

آشفتگی‌بزرگترهم آنانرا غمگین نسازدو فرشتگان باآنان ملاقات کرده[گویند]این آنروزشما است که شماوعدهٔ داده میشدید(۱۰۴)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٥﴾

روزیکه آسمانرا درهم پیچانیم بطوریکه طومارنوشته هارا درهم پیچاند.آنطورکه اولین آفرینش را آغازکرده بودیم آنرا تکرار مینمائیم. این وعده برما بفرض است. یقیناً ما کنندگانیم(۱۰۵)

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٦﴾

و البته درزبور نوشته بودیم پس ازذکرکه حتماًسرزمین موعود را بندگان نیکوکار من به ارث برند(۱۰۶)++

إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١٠٧﴾

یقیناً در این پیغامی مهم است

وَمَآ اَرۡسَلۡنٰكَ اِلَّا رَحۡمَةً لِّلۡعٰلَمِيۡنَ ﴿١٠٨﴾

قُلۡ اِنَّمَا يُوۡحٰٓى اِلَىَّ اَنَّمَآ اِلٰهُكُمۡ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ فَهَلۡ اَنۡتُمۡ مُّسۡلِمُوۡنَ ﴿١٠٩﴾

فَاِنۡ تَوَلَّوۡا فَقُلۡ اٰذَنۡتُكُمۡ عَلٰى سَوَآءٍ ؕ وَاِنۡ اَدۡرِىۡۤ اَقَرِيۡبٌ اَمۡ بَعِيۡدٌ مَّا تُوۡعَدُوۡنَ ﴿١١٠﴾

اِنَّهٗ يَعۡلَمُ الۡجَهۡرَ مِنَ الۡقَوۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡتُمُوۡنَ ﴿١١١﴾

وَاِنۡ اَدۡرِىۡ لَعَلَّهٗ فِتۡنَةٌ لَّكُمۡ وَمَتَاعٌ اِلٰى حِيۡنٍ ﴿١١٢﴾

قٰلَ رَبِّ احۡكُمۡ بِالۡحَقِّ ؕ وَرَبُّنَا الرَّحۡمٰنُ الۡمُسۡتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُوۡنَ ﴿١١٣﴾ ع

مردم راکه عبادتگذارانند(۱۰۷)

و تورا نفرستاده ایم مگر رحمتی برای همه جهانها(۱۰۸)

بگو.یقیناًبسویم وحی میشود که معبودتان معبودیکتایست پس آیا شمافرمانبرداران میشوید(۱۰۹)

بازاگر پشت کنندپس بگوشمارا یکسان مطلع ساخته ام و نمی دانم آیا دوراست یا نزدیك آنچه وعده داده میشوید(۱۱۰)

یقیناًاومیشنودصدای‌بلندرا و می دانند آنچه را کتمان کنید(۱۱۱)

و نمیدایم که شاید آن برای شما آزمایشی است و تا زمانی بهره کشی نافرجام است(۱۱۲)

او [رسول] گفت.پروردگاراالحکم کن بحق و پروردگارما آن رحمن است که یاری از اوخواسته شود برآن سخنان که میگویید(۱۱۳)

++آیت ۱۰٦ :اشاره بسوی پیشگوئی حضرت داؤد علیه السلام مذکور در زبور باب ۳۷ میباشد.

# ۲۲ - سورة الحج

این سوره مدنی است و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

نخستین آیت این سورة عبارت از هشداری مبنی بر زلزله قیامت است که به همه نوع انسان داده شودبخاطرنشان کردن اینکه اکنون رسولی‌بظهور آمده که همه نوع انسان رادعوت کرده که بحفاظت خدای‌رحمان درآیند ویك باردیگراخطاریه ای‌صادرمیشودکه درصورت عدم قبولیت این دعوت ازچنین جنگهای هولناك هشدارداده میشودکه گویی‌برروی‌زمین قیامت تاخت خواهد آورد. آنچنان هولناك که زنانی شیرده کودکان خودرا فراموش کنند وزنانی باردارباربخویش رابیفکنند.وضع مردم چنان باشدکه گویی‌سکاری‌اند.درحالی که ایشان نه سکاری‌بلکه ناشی ازعذاب خداحواس خود راخواهند باخت.

وضع قیامت بخیال میندازدکه وقتی‌همه نوع بشرهلاك شدند پس چگونه دوباره زنده کرده شوند؟پاسخ اینست،خدای‌که نخست بارشماراازگِل آفرید وباز دررحم مادر ازمراحلی مختلف گذراندقدرتمندبه دوباره زنده کردنست.

ضمناً فرمود یکی از مردم است که عبادت خدا را بطوری میگذارد که گویی برلبه حفره ای ایستاده است. تا آنگاه که خیری بدو میرسد خوشنود است و وقتیکه به آزمایش افکنده شود درحفره واژگون بیفتد. این آنکس است که در دنیا و آخرت هر دوی خسارت زده است.

سپس مجملاً ذکر ازپیروکاران کلیه ادیان میرود که خداوند میانشان روز قیامت قضاوت خواهد کرد.

پس از آن این امر تاکیدی از خدای متعال است که زوّار خانه کعبه را

ازجلونگیرید.بلافاصله دنبال این،ذکرازبیت الله وازآن امرمیرود که حاکی ازتاکیدخداوند جهت حضرت ابراهیم علیه الصلوة والسلام است که خانه ام رامدام برای‌حج کنندگان واعتکاف کنندگان تمیزوپاك بدار.این فرمان نه تنهابرای حضرت ابراهیم علیه السلام بلکه به پیروان خودایشان و به رسول الله ﷺ و پیروکاران ایشان تا قیامت تعلق دارد.

عطف به موضوع فوق به آنحضرت ﷺ فرمان میشودکه مردم را برای حج خانه کعبه دعوت عمومی بکن.دنبال این، ذکر از قربانیها و غیره میشود که آنهاشامل شعایرالله است. اگر به آنها بی احترامی کنید معادل با بی احترامی خانه کعبه شمرده شود.اما قربانیها که در راه خدا کنید قبول میشود فقط آنگاه که تقوی بهمراه باشد. زیرا که نه گوشت قربانی به خدا میرسد و نه خونش بلکه تنها تقویٰ از قربانی دهنده ای میرسد.

سپس موضوع ازجهادشمشیربروشنی بیان کرده گفته میشود که تنها آنان جهادشمشیررخصت داده شوندکه برخلاف آنان ازجانب دشمن باشمشیر تجاوزگری شود وآنان وادار به مهاجرت نشینی‌شوندبمحض اینعلت که آنان مدعی‌بودندکه خداپروردگارماست.سپس شرح به این موضوع عمده ای داده میشودکه اگررخصت دفاع داده نمیشد،نه تنهامساجد مسلمانان منهدم ساخته میشدبلکه معبدهای‌یهودومسیحیان وصومعه ها نیز به ویرانی کشیده میشد.

ضمناًسخن است ازهلاکت قومهای‌منکران ازپیغمبران قبلی و به دنبال این ذکراشاره بدین امرشودکه اگرانسان در زمین گردش کرده مدفن های‌آن ملتهای‌نابودراتلاش کندیقیناًازبدفرجام آنان مطلع شود.امروز زبردستان باستان شناسی‌اینکاررادنبالکرده مدفنهای‌بساقومهاقدیمی راکشف کرده اند.

آیة ۵۳این سورة حاکیازین فرمان است که اگر در آرزوهای پیغمبری خواهشیازدلش شامل هم گرددخدا آن خواهش را ازبین میبرد.اینجا شیطان بمعنایآن نامیشیطان ملعون نیست بلکه اشاره به آن یکی شیطان است که دررگهایانسان مانندخون میدود.آنحضرت ﷺ درمورد این شیطان فرمودند، "ولکن الله اعاننی علیه فاسلم(مسند احمد بن حنبل، مسندبنی هاشم"که خداوند بر خلاف اومراکمك کرده واومسلمان شده است". لذااین آیت کریمه هرگز دال براین معنانیست که هیچ شیطان واقعاًدردلهایپیغمبران فتنه ای برمیانگیزد. زیراکه درجایدیگر[الشعراء:۲۲۲ـ۲۲۳ ]صریحاً بیان شودکه نیست شیطان که حتینزدیك پیغمبران خدابتواندبرود.شیطان فقط بردروغگویان و زشت کرداران نازل میآید و این بیان هیچگاه به رسولان اطلاق نمیکند.

آخرین رکوع این سوره حاکی از این امر است که آنهائی را که این مردم شریکان خدامیگزینند توانا نیستندحتی اگرمگسی چیزی را ازجلوی آنها برباید آنرا از آن مگس باز بگیرند. امر واقعی اینست که بمحض داخل شدن چیزی به دهن یك مگس براثر لعاب دهنش و بعلاوه ناشی از دگرگونی های مواد شیمی آن چیز نمیتواند در وضع اصلی خود باقی بماند.

آخرین آیت این سورة حاکیازتوصیه نسبت به جهاد درراه خدامیباشد وشرح اش قبلاًداده شده است واینهم فرموده شد که حضرت ابراهیم علیه السلام ورسول الله ﷺ وپیروان ایشان را همان خدا مسلمان قرار داده است و او داناتر به این امر است که کدام یکی در پیشگاه او کاملاً تن در میدهد.

در پایان این سورة این اعلام تکرار میشود که این رسول یعنی رسول الله ﷺ برای همه جهانیان فرستاده شده اند.

☆ سُوْرَةُ الْحَجِّ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ عَشَرَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده (١)

يٰاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمْ ۚ اِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيْمٌ ②

ای‌مردم!پروردگار خود را تقوی فراگیرید. یقینًا زلزلهِ ساعت چیزی بسیار بزرگ است(٢)

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ اَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكٰرٰى وَمَا هُمْ بِسُكٰرٰى وَلٰكِنَّ عَذَابَ اللّٰهِ شَدِيْدٌ ③

روزیکه آنرابینی هر زنی شیرده فراموش کندآنرا که شیرمیداد و هرباردارباربارخودرا بیفکندو مردم را مدهوش میبینی درحالیکه آنها مدهوش نیستند بلکه عذاب خدا بسیار سخت است(٣)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطٰنٍ مَّرِيْدٍ ④

و از مردم است آنکه درموردخدا بیدانش جدل کند و هر شیطانی سرکش راپیروی کند(٤)

كُتِبَ عَلَيْهِ اَنَّهٗ مَنْ تَوَلَّاهُ فَاَنَّهٗ يُضِلُّهٗ وَيَهْدِيْهِ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيْرِ ⑤

براومقدرشدکه هرکه با اودوستی کند پس یقینًا او، او را نیز گمراه سازد و او را بسوی عذاب شعله ور ببرد(٥)

يٰاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِيْ رَيْبٍ مِّنَ

ای مردم!اگرشمااز رستاخیز در

الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٦﴾

شك اید پس یقینًا ما شمارا از خاك آفریده بودیم سپس از نطفه سپس ازخون بسته سپس از تکۀ گوشت از فرایند خاص آفرینش وفرایندعمومی آفرینش [بوجود آوردیم] تا[رازآفرینش را]برای شماآشکارکنیم وآنچه رابخواهیم تانهایت زمانیمعین دررحمهاقرار دهیم.سپس شمارا کودکی درآریم تاازآن پس بسن بلوغت خود برسید.آنگاه از شما آنکس است که وفات داده شود وازشما آنکس است که به سالی فرومایه ترین رسانده شودتا پس از[فراگرفتن] دانش هیچ نداند وزمین راخشك زارمیبایی.پس هرگاه باران برآن بباریم بحرکت آیدونموکند و از [نباتات] هرجفتی سبز و شاداب را میرویاند(٦)++

++آیت٦:دراین سورۀ نخستین سخن لایق تذکراینست که جمله مراحل ارتقاء نسبت به تخلیق انسان دراین بیان میشود ـ حتیّ دگرگونیهای که در شکم مادر[ص#۷۷۳]

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهٗ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَاَنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ۙ﴿۷﴾

این است چه یقینًا همان خدا حق است واینکه یقیناً او مردگان را زنده میکند واینکه یقیناً او برهر چیز مدام قدرتمند است(۷)

وَّاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُوْرِ ﴿۸﴾

واینکه قیامت حتماًآید.درآن هیچ شکی نیست واینکه یقیناً خدا بر خیزاندآنانراکه در قبوراند(۸)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِى اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ۙ﴿۹﴾

و از مردم است آنکه در مورد خدا بدون علم و بدون هدایت و بدون کتابی روشن کننده مجادله کند(۹)

ثَانِىَ عِطْفِهٖ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ لَهٗ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ وَّنُذِيْقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ

پهلوی خودرا[متکبرانه]میپیچاند تاازراه خداگمراه سازد.اوراهم

بقیه آیت٦:در جنین پدید میاید آنها نیز به ترتیب عیناً همانطور نقل است که زبردستان دانش درزمان کنونی دریافته اند. این آیت ثبوت حتمی به این امر است که آنحضرت ﷺ را شخصاً به این امورقبلاً هیچ دانشی نبود و هیچ وسیله ای نبود جزخدای عالم الغیب که بتواند ایشان را به این امور آگاه سازد.

ضمناًاین آیت حاکی از اینست که زمین را نیز برخاك خشکیدهٔ آن آب پاشیده احیا نموده بودیم. این دریافتی شگفت انگیز است که بگفته پژوهندگان دانش چون بر زمینی خشکزار بارانی میبارد واقعاً درآن علامات حیاتی پدید میآید. اینجا اصل اشارة بدین امراست که آبی که از آسمان بسوی آنحضرت ﷺ بارید آن یك زمین مرده ای یعنی قومی از جهت روحانی مرده را زنده نمود.

الْحَرِيْقِ ⑩

در این دنیا رسوائی است و هم روز قیامت او را عذاب آتش بچشانیم(١٠)

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدٰكَ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ⑪

اینست بدانعلت که دو دست تو پیش فرستاد و یقینًا خدا برای بندگان خود ستمکار نیست(١١)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ ۚ فَاِنْ اَصَابَهٗ خَيْرُ ِۨاطْمَاَنَّ بِهٖ ۚ وَاِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةُ ِۨانْقَلَبَ عَلٰى وَجْهِهٖ ۚ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةَ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِيْنُ ⑫

و از مردم است آنکس که خدا را عبادت برلبه [سرسری] کند. پس اگراوراخیربرسد به آن اطمینان میيابدواگر او را آزمایش برسد روی‌خودبرگرداند.اودنیاوآخرت رازیان کرد. این زیان آشکار است(١٢)

يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ⑬

او میخواند آنچه راجزخدا که نه ضررش میرساند و نه سودش می دهد و این گمراهی‌دوراست(١٣)

يَدْعُوْا لَمَنْ ضَرُّهٗۤ اَقْرَبُ مِنْ نَّفْعِهٖ ۗ لَبِئْسَ الْمَوْلٰى وَلَبِئْسَ الْعَشِيْرُ ⑭

اوآنراخواندکه ضررش نزدیکتر ازسودش است. چه بد سرپرست است و چه بد رفیق است(١٤)

اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا

براستی خداآنانکه ایمان آوردند ونیکوکاری‌کردندرا داخل بهشت

الْاَنْهٰرُ ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ﴿١٥﴾

های کند که در دامنهٔ آنها نهرهای روانست.یقینًاخدا میکند آنچه را دوست دارد(۱۵ )

مَنْ كَانَ يَظُنُّ اَنْ لَّنْ يَّنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ اِلَى السَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهٗ مَا يَغِيْظُ ﴿١٦﴾

آنکس که گمان میکند که خدا او [رسول] را در دنیاوآخرت کمك نمیکندپس[اگر میتواند]بایدراهی بسوی‌آسمان بگسترد.بازآن[کمك خدا]راببرد.بازبنگردکه آیا هیچ تدبیرش دور کننده آنچه است که [اورا] خشم میآرد(١٦ )

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ اٰيٰتٍۭ بَيِّنٰتٍ ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يُّرِيْدُ ﴿١٧﴾

و اینگونه ماآنراآیتهای آشکارا نازل کردیم و اینکه خدا هدایت میدهد آن را که میخواهد(۱۷ )

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَادُوْا وَالصّٰبِـِٕيْنَ وَالنَّصٰرٰى وَالْمَجُوْسَ وَالَّذِيْنَ اَشْرَكُوْٓا ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿١٨﴾

هماناآنانکه ایمان آوردندو آنانکه یهود شدند و صابی و مسیحی و مجوسی و کسانیکه شرك کردند یقینًا خدا روز قیامت میانشان قضاوت خواهدنمود. یقینًاخدا بر هرچیز گواه است( ۱۸ )

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

آیاندیدی که خدااست که سجده کند اورا آنکه درآسمانها است و

وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَآبُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَنْ يُّهِنِ اللّٰهُ فَمَالَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ ۚ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿١٩﴾

آنکه در زمین است وخورشید و ماه وستارگان و کوهها ودرختان وجنبندگان وبسیارکثیر از مردم حالانکه بیشتراندکه عذاب او بر آنهاحتمی الوقوع است وآنکه را خدارسواکندکسی نیست که اورا گرامی بداردیقیناًخدامیکندهرچه میخواهد(١٩)

هٰذٰنِ خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوْا فِيْ رَبِّهِمْ فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ ۖ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوْسِهِمُ الْحَمِيْمُ ﴿٢٠﴾

اینددو ستیزه گراند که درمورد پروردگارخودستیزه کردند.پس آنان که کفرکردندبرایشان جامه هایآتش بریده شود وبر سرشان آب جوشان انداخته شود(٢٠)

يُصْهَرُ بِهٖ مَا فِيْ بُطُوْنِهِمْ وَالْجُلُوْدُ ﴿٢١﴾

گداخته شودباآن مرچه درشکمای آنها و پوستهای آنها است(٢١)

وَلَهُمْ مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيْدٍ ﴿٢٢﴾

وبرایآنهاگرزهای آهن است(٢٢)

كُلَّمَآ اَرَادُوْٓا اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ اُعِيْدُوْا فِيْهَا ۗ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿٢٣﴾

هرگاه قصد کنند که از آن [آتش] از شدت اندوه بیرون روند در آن برگردانده شوند و [گفته شوند طعم] عذاب آتش را بچشید(٢٣)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٤﴾

یقینًا خدا آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند را به بهشتهای داخل کند که در دامنه آنها نهرهای روانست. در آنها از دستبندهای طلا و مروارید آراسته شوند و لباس ایشان در آنها ابریشم است(٢٤)

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَىٰ صِرَٰطِ الْحَمِيدِ ﴿٢٥﴾

و رهنمائی شوند بسوی گفتار پاکیزهٔ و رهنمائی شوند بسوی راه صاحب ستایش(٢٥)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً الْعَٰكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾

البته آنانکه کفر کردند و باز می دارند از راه خدا و آن مسجد حرام که آنرا یکسان قرارداديم برای مردم که درآن [بخاطر خدا] نشتگانند و بادیه نشینیان و آنکس که به ستم درآن کجی را بخواهد اورا عذابی دردناك بچشانیم(٢٦)

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَٰهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْـًٔا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَالْقَآئِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٧﴾

و وقتی ما برای ابراهیم جایگاه خانه کعبه ساختیم [گفتیم] هیچ را شریك من نگردان وخانهٔ ام را برای طواف کنندگان و بپای

ایستادگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاك بدار(۲۷)

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٨﴾

و اعلام بحج کن درمردم که آیند تو راپیادگان وبرآن سواری که [بعلت خستگی سفر]لاغراست.آن [سواری‌وکالا]هاازهریك راه گود و دور خواهند آمد(۲۸)

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۖ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٩﴾

تا منافع خود را مشاهده کنند و در روزهای معلوم نام خدا را [بلند]کنند جهت [احسانی] که او ایشان را رزق از دامهای چهارپا اعطاکرد. پس ازآنهابخورید و به بینوای نادارنیز بخورانید(۲۹)

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٠﴾

سپس بایدآلودگی[زشتیهای]خود را دور نمایند و نذرهای خود را وفا کنند و این خانهٔ باستانی راطواف کنند(۳۰)

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا

اینگونه [فرمان دادیم] و هر که شعایر خدا را عظمت گذارد پس این برای‌اونزدپروردگارش بهتر است. چهار پایان برایشماحلال

الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوْا قَوْلَ الزُّوْرِ ﴿٣١﴾

کرده شدندجزآنچه برشماخوانده شود. پس از پلیدی بتان احتراز نمائید و از گفتار دروغ اجتناب کنید(٣١)

حُنَفَآءَ لِلّٰهِ غَيْرَ مُشْرِكِيْنَ بِهٖ ؕ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَاَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ اَوْ تَهْوِيْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ مَكَانٍ سَحِيْقٍ ﴿٣٢﴾

مدام به خدا گرایندگان، هیچ را بااوشریك قرارندهندگان.و هرکه به خدا شرك ورزد پس گویی که اواز[بلندی]آسمان فروافتاد. پس یااوراپرندگان بربایندیابادااورا پرانیده درمکانی دوربیفکند(٣٢)

ذٰلِكَ ۗ وَمَنْ يُّعَظِّمْ شَعَآئِرَ اللّٰهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوْبِ ﴿٣٣﴾

این[لازم]است وهرکه به شعایر خدا عظمت گذارد پس یقینًا این علامت از تقویٰ دلهااست(٣٣)

لَكُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَآ اِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيْقِ ﴿٣٤﴾ ع

شمارا دراین [ قربانیها] مدتی معیّن بهره کشی است.سپس آنها را به خانۀ قدیم خدا رساندن است(٣٤)

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلٰى مَا رَزَقَهُمْ مِّنْۢ بَهِيْمَةِ الْاَنْعَامِ ؕ فَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَلَهٗٓ

وبرای‌هرامت طریق قربانی‌مقرر داشته ایم تانام خدارا بخوانند بر آنچه از دامهای چهارپا که به ایشان اعطاکرده ایم. پس معبود

اَسۡلِمُوۡا ؕ وَبَشِّرِ الۡمُخۡبِتِيۡنَ ۙ﴿۳۵﴾

شما معبود یگانهٔ است.پس برای اوتسلیم شویدو فروتنان را مژده بده(۳۵)

الَّذِيۡنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتۡ قُلُوۡبُهُمۡ وَالصّٰبِرِيۡنَ عَلٰى مَاۤ اَصَابَهُمۡ وَالۡمُقِيۡمِى الصَّلٰوةِ ۙ وَمِمَّا رَزَقۡنٰهُمۡ يُنۡفِقُوۡنَ ﴿۳۶﴾

آنانکه هرگاه ذکرخدا کرده شود دلهای ایشان رعب زده شود و صبرکنندبرآن سختی‌که به ایشان برسد و نمازرا بپای دارندگانند و انفاق میکنند ازآنچه به ایشان اعطاکرده ایم(۳٦)

وَالۡبُدۡنَ جَعَلۡنٰهَا لَـكُمۡ مِّنۡ شَعَآئِرِ اللّٰهِ لَـكُمۡ فِيۡهَا خَيۡرٌ ‌ۖ فَاذۡكُرُوا اسۡمَ اللّٰهِ عَلَيۡهَا صَوَآفَّ‌ ۚ فَاِذَا وَجَبَتۡ جُنُوۡبُهَا فَكُلُوۡا مِنۡهَا وَاَطۡعِمُوا الۡقَانِعَ وَالۡمُعۡتَرَّ‌ ؕ كَذٰلِكَ سَخَّرۡنٰهَا لَـكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُوۡنَ ﴿۳۷﴾

و شتران قربانی که آنهارا برای شما از شعایرخدا قرار داده ایم برای شما درآنهاخوبی است. پس برآنهادرصف آراسته نام خدا یاد کنید.پس هرگاه[پس ازذبح] پهلو های آنها بزمین قرارگیرد پس از آنها بخورید و به قناعت کننده و نیازمندهم بخورانید.اینگونه آنها را بخدمت شماگمارده ایم تاباشد که سپاسداری کنید(۳۷)

لَنۡ يَّنَالَ اللّٰهَ لُحُوۡمُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلٰـكِنۡ يَّنَالُهُ التَّقۡوٰى مِنۡكُمۡ‌ ؕ كَذٰلِكَ

هرگز به خدا نه گوشت آنها می رسد و نه خون آنهاولکن تقوای

سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ ؕ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۳۸﴾

شما به او میرسد.اینگونه آنها را برایشما رام کرده ایم تا خدا را بزرگ گردانید بنابراین که او شما را هدایت داد و محسنان را مژده بده(۳۸)

اِنَّ اللّٰهَ يُدٰفِعُ عَنِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُوْرٍ ﴿۳۹﴾ ع

براستی خدا دفاع کننده است از آنانکه ایمان آوردند.یقیناًخدا هر کدام که خیانتکاروناسپاس است رادوست ندارد(۳۹)

اُذِنَ لِلَّذِيْنَ يُقٰتَلُوْنَ بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوْا ؕ وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرُ ۙ﴿۴۰﴾

مجازگردانده شوند[برای قتال] آنانکه قتال کرده شوندچه ایشان ستمکرده شدندویقیناًخدابریاری ایشان کاملا قدرتمند است(۴۰)

الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّاۤ اَنْ يَّقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ؕ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَّصَلَوٰتٌ وَّ مَسٰجِدُ يُذْكَرُ فِيْهَا اسْمُ اللّٰهِ كَثِيْرًا ؕ وَلَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَّنْصُرُهٗ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِىٌّ عَزِيْزٌ ﴿۴۱﴾

[یعنی]کسانیکه ازخانه های خود بناحق بیرون کرده شدند محضًا برای اینکه گفتند خدا پروردگار ماست و اگرخدا مردم را دفاع بعضی آنانرا ببعضی [برانگیخته] نمیکرد یقیناًنابود کرده میشد رهبانخانه ها وکلیساها و معابد [یهود]ومساجد که نام خدا درآنها

بکثرت یادکرده میشود و یقینًا خدایاری دهنده او است که او را یاری‌دهد. یقینًاخدابسیارقدرتمند صاحب غلبه کامل است(٤١)

اَلَّذِیْنَ اِنْ مَّكَّنّٰهُمْ فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ وَاَمَرُوْا بِالْمَعْرُوْفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ؕ وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْرِ ﴿٤٢﴾

کسانیکه اگرایشان را در زمین مکنت دهیم نماز را بپای دارند و زکوت دهند و به معروفات امر کنندوازمنکرات نهی‌کنند وعاقبت هر کار بدست خدا است(٤٢)

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّعَادٌ وَّثَمُوْدُ ۙ﴿٤٣﴾

و اگر تکذیب کنند تورا پس قبل از آنها تکذیب کردند قوم نوح و عاد و ثمود(٤٣)

وَقَوْمُ اِبْرٰهِيْمَ وَقَوْمُ لُوْطٍ ۙ﴿٤٤﴾

و قوم ابراهیم و قوم لوط (٤٤)

وَّاَصْحٰبُ مَدْيَنَ ۚ وَكُذِّبَ مُوْسٰى فَاَمْلَيْتُ لِلْكٰفِرِيْنَ ثُمَّ اَخَذْتُهُمْ ۚ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿٤٥﴾

واصحاب مدین وموسی‌هم تکذیب شد.پس کافرانرا کمی‌فرصت دادم بازآنهارا بگرفتم. پس بنگرید که عقوبت من چگونه بود(٤٥)

فَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْنٰهَا وَهِىَ ظَالِمَةٌ فَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوْشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَّقَصْرٍ مَّشِيْدٍ ﴿٤٦﴾

پس چه بساشهرهای بودندکه آنها راهلاك کردیم حالیکه آنهاستمگر بودند.پس اکنون برسقفهای خود فروافتاده اندوچاههای معطل و

قصوری‌استوار اند[که نابودکرده شدند(٤٦)

اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَتَكُوْنَ لَهُمْ قُلُوْبٌ يَّعْقِلُوْنَ بِهَآ اَوْ اٰذَانٌ يَّسْمَعُوْنَ بِهَا ۚ فَاِنَّهَا لَا تَعْمَى الْاَبْصَارُ وَلٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوْبُ الَّتِيْ فِي الصُّدُوْرِ ﴿٤٧﴾

پس آیا در زمین گردش نمیکنند تاایشان را دلهای باشد که بدانها عقل رابکاربرند یاگوشهای باشد که بدانها شنوا گردند چه چشمان کور نشود بلکه دلهای کور شود که درسینه هااست(٤٧)

وَيَسْتَعْجِلُوْنَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُّخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهٗ ؕ وَاِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَاَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوْنَ ﴿٤٨﴾

وعذاب راازتوبتعجیل میخواهند درحالیکه خدا هرگزخلاف وعده خودنکندویقینًا روزی است نزد پروردگارت مانند هزارسال از روی‌آن شمارکه میشمارید(٤٨)

وَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ اَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ اَخَذْتُهَا ۚ وَاِلَيَّ الْمَصِيْرُ ﴿٤٩﴾ ع

و چه بسا شهرهای است که برای آنهامهلت دادیم درحالیکه ستمکار بودند.سپس آنها را برگرفتم و برگشت به سوی من است(٤٩)

قُلْ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَآ اَنَا لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٥٠﴾ ۚ

بگو.ای مردم من برایشما فقط هشدار دهندهٔ آشکارام(٥٠)

فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٥١﴾

پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند ایشان را آمرزش و

وَالَّذِيْنَ سَعَوْا فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعٰجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿٥١﴾

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ وَّلَا نَبِيٍّ اِلَّآ اِذَا تَمَنّٰٓى اَلْقَى الشَّيْطٰنُ فِيْٓ اُمْنِيَّتِهٖ ۚ فَيَنْسَخُ اللّٰهُ مَا يُلْقِى الشَّيْطٰنُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٢﴾

لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِى الشَّيْطٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّ الْقَاسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَفِيْ شِقَاقٍ بَعِيْدٍ ﴿٥٣﴾

وَّلِيَعْلَمَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوْا بِهٖ فَتُخْبِتَ لَهٗ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهَادِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٥٤﴾

رزقی گرامی است(۵۱)

و کسانیکه برای آیتهای ما سعی کنند که[آنهارا]بعجزآورند همانها اهل جهنمند(۵۲)

وپیش از تو هیچ رسولی و نبی نفرستادیم مگرهرگاه اوآرزوکرد شیطان[نفس]درآرزویش [آمیزش] نهاد.سپس خدانسخ کند شیطان آنچه مینهدسپس خداآیتهای خود رااستوارمینمایدوخداصاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۵۳)

[اینست]تا شیطان آنچه مینهد را برای آنانکه دردلهای آنان مرضی و دلهای آنان سفت است فتنه سازد. یقینًا ستمکاران در نفاق فرورفته اند(٥٤)

و[اینست] تا آنها که علم داده شدندبدانندکه این ازپروردگارت حق است و به آن ایمان آورند و دلهای ایشان برای آن بگراید ویقینًاخدا آنان که ایمان آوردند

رابسوی‌راه راست رهنمائی‌کننده است(۵۵)

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٦﴾

و پیوسته آنانکه کفرکردند ازآن در دودلی باشند تا آن انتها که به آنها قیامت ناگهانی آید یا عذاب روزی ناخرسند بیآید(۵٦)

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٧﴾

سلطنت آنروز ازآن خدا است او میان ایشان حکم کند.پس آنانکه ایمان آوردندو نیکوکاری کردند در بهشتهای پرنعمت باشند(۵۷)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٨﴾

وکسانیکه کفرکردند و به آیتهای ماتکذیب کردندهمانهاند که برای آنهاعذابی رسوا کنندهٔ است(۵۸)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٩﴾

وآنانکه هجرت کردند درراه خدا بازکشته شدند یامردندحتماً خدا ایشانرارزقی‌قشنگ دردهدو یقینًا خدابهترین رزق دهندگانست(۵۹

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٦٠﴾

یقینًا ایشان را بداخل جایگاه کند که از آن خوش آیند و یقینًا خدا صاحب علم دائمی بردبار است(٦۰)

ذٰلِكَ ۚ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللّٰهُ ۗ إِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦١﴾

همینطورشودو هر که عقوبت کند بمثل آنکه به اوعقوبت کرده شد بازهم برخلاف او سرکشی کرده شود یقینًاخدا اورا یاری دهنده است.یقینًاخداخیلی عفوکنندهٔ ی صاحب آمرزش است (٦١)

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَأَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦٢﴾

اینست چه یقیناًخدا شب را در روز داخل کند و روز را در شب داخل کندواینکه یقیناًخدا بسیار شنوای دقیقاً بینا است(٦٢)

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِۦ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٣﴾

اینست چه یقیناً همان خدا حق است و آنچه راجزاو میخوانند همان باطل است واینکه یقیناً خدا است که او صاحب بلندشان بسیار بزرگ است(٦٣)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۗ إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٤﴾ ۚ

آیاندیدی که خدا آب راازآسمان نازلکرد. پس زمین ازآن سرسبز میشود.یقینًاخدابسیارباریك بین مدام آگاه است(٦٤)

لَهُۥ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٥﴾ ع

ازآن اوست هرچه درآسمانهااست وهرچه درزمین ویقینًا خدا است

که او بی نیاز صاحب ستایش است(٦٥)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِيْ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ ؕ وَيُمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٦﴾

آیاندیدی که خدامرچه درزمین است را برایشما مسخرکردو هم کشتیهارا.آنهابفرمان او در دریا حرکت کنندوآسمان را نگهداشته است که بر زمین بیافتد مگر به اذن او.یقینًاخدابحق مردم بسیار مهربان بارهارحمکننده است(٦٦)

وَهُوَ الَّذِيْۤ اَحْيَاكُمْ ۟ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيْكُمْ ؕ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ ﴿٦٧﴾

واوست آنکه شمارا زنده کرد،باز شمارابمیراند سپس شما را زنده کند. یقینًا انسان بسیار ناسپاس است(٦٧)

لِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوْهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْاَمْرِ وَادْعُ اِلٰى رَبِّكَ ؕ اِنَّكَ لَعَلٰى هُدًى مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٦٨﴾

برای‌هرکدام ملت طریق قربانی قراردادیم که به آن طریق قربانی کنند.پس درین امربتونستیزند و بسوی‌پروردگارخودبخوان یقینًا توبراه راست هدایت هستی(٦٨)

وَاِنْ جٰدَلُوْكَ فَقُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿٦٩﴾

و اگر بتو محاجه کنند بگو.خدا داناتر به آنست که میکنید(٦٩)

اَللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كُنْتُمْ

خداروزقیامت قضاوت کندبین شما

فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ﴿٧٠﴾

درباره آنچه شمادرآن اختلاف می کنید(٧٠)

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ؕ اِنَّ ذٰلِكَ فِيْ كِتٰبٍ ؕ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ﴿٧١﴾

آیا نمیدانی که خدا میداند آنچه درآسمان و زمین است.یقینًا این [همه]دریك کتاب است.یقینًا این برخدا آسان است(٧١)

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا وَّمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهٖ عِلْمٌ ؕ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ نَّصِيْرٍ ﴿٧٢﴾

وعبادت کنندجزخداآنچه رابه آن اوهیچ دلیلی‌نازل نکردوآنچه را به آن آنانرادانشی نیست وستم کارانرا کسی‌مددگارنباشد(٧٢)

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ تَعْرِفُ فِيْ وُجُوْهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ ؕ يَكَادُوْنَ يَسْطُوْنَ بِالَّذِيْنَ يَتْلُوْنَ عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا ؕ قُلْ اَفَاُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذٰلِكُمْ ؕ اَلنَّارُ ؕ وَعَدَهَا اللّٰهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿٧٣﴾ ع

و هرگاه آیتهای روشن ما برآنها فروخوانده شوددرچهره های‌آنان که کفرکردندناپسندی‌رامیشناسی نزدیکست که آنهابتازند برآنانکه آیات مارابرآنان فروخوانند.بگو پس آیاشمارا‌خبردهیم به بدتر از این ـ آتش ـ خدا به آن وعدهٔ داده آنانرا که کفر کردند و چه زشت منزلگاهی‌است(٧٣)

ع ٩ ٨ ١٦

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوْا لَهٗ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَنْ

ای‌مردم‌ایك مثل زده میشود پس آنراگوش فرادهید.یقینًاآنانرا که

يَّخْلُقُوا ذُبَابًا وَّلَوِ اجْتَمَعُوا لَهٗ ۖ وَاِنْ يَّسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوْهُ مِنْهُ ۖ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوْبُ ﴿۷۴﴾

جز خدا خوانید نیآفرینند مکسی را اگرچه برای آن گردهم آیند واگر مگس چیزی را از آنها برباید نه توانند آنرا ازآن بازگیرند. ناتوان است طالب[فیض] و هم از آن که فیض طلب میشود (۷٤)

مَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ ۖ اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ ﴿۷۵﴾

آنها قدرخدا را سزاوار قدر او نه شناختند. یقیناً خدا بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل است (۷۵)

اَللّٰهُ يَصْطَفِيْ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا وَّمِنَ النَّاسِ ۖ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ﴿۷۶﴾

خدا برمیگزیند رسولانی را از فرشتگان و از آدمیان. یقیناً خدا مدام شنوای در نهایت بینا است(۷٦)++

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿۷۷﴾

او میداند آنچه پیشروی آنها است وآنچه پشت سرآنها است و امور بسوی خدا برگردانده شود(۷۷)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا ارْكَعُوْا وَاسْجُدُوْا وَاعْبُدُوْا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

ای آنانکه ایمان آورده اید رکوع کنیدو سجده کنیدو پروردگار خود

++آیت ۷٦ :این آیة سنت خدا را بعنوان قاعده بیان میکند که به منقطع بودن آن را هیچ ذکری نیست یعنی خداوند همیشه فرشتگان یا آدمیان را بر مقام رسالت برگزیده میفرستد.

تُفْلِحُونَ۝٧٨

وَجَاهِدُوا فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبٰىكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّيْنِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مِلَّةَ اَبِيْكُمْ اِبْرٰهِيْمَ ۚ هُوَ سَمّٰىكُمُ الْمُسْلِمِيْنَ ۙ مِنْ قَبْلُ وَفِيْ هٰذَا لِيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ شَهِيْدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاعْتَصِمُوْا بِاللّٰهِ ۚ هُوَ مَوْلٰىكُمْ ۚ فَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ۝٧٩

راعبادت کنیدونیکیها انجام دهید تا باشد که رستگاربشوید(۷۸)

و ازجهت خداجهادکنیدکه شایان جهاداوست. او شمارا برگزید و هیچ تنگی‌دردین برایشما نه نهاد. [همین]دین پدرشما ابراهیم بود. [خدا] نام شمامسلمان نهادقبلاًوهم دراین [قرآن] تا رسول بر شما نگهبان باشد و تا شما بر مردم نگهبانان باشید.پس نمازرا بپای دارید وزکات دهید وبه خداچنگ زنید.اوآقای شمااست و چه خوب آقا چه خوب یاوراست(۷۹)++

++آیت۷۹:دراین آیت نخستین سخن سزاوارتامل اینست که واژه"مسلم"برای هیچ کس انحصاری نیست.بسیارجلوترازظهوراسلام خداوندحضرت ابراهیم وملت ایشان را مسلم قرار داده بود.پس از آنحضرت ﷺ راشهیدیعنی نگهبان برمسلمانان و مسلمانان رابرملتهای دیگرنگهبان بودن راذکراست. بمعنای‌که حضرت محمدﷺ در زمان خودشهیدبودندبهمان معنامسلمانان درپیروی ایشان بردیگران شهید اند. ولی شهیدرامعنااین نیست که دیگران به اجبار مسلمانان مورد پسند خود ساخته شوند. زیرا که حضرت محمد ﷺ با این وجود که شهید بودند هیچگاه جنگ مهاجمی را نه جنگیدند و نه کسی را بزور به مسلمان شدن واداشتند.

# ۲۳ - المؤ منون

ازجمله سورة های که در مکه نازل شد این آخرین است و با بسم الله ۱۱۹ آیت دارد.

درپایان سورة گذشته ذکربود که پیروزی حقیقی منوط به بپاداشتن نمازوبرقراری زکوة ومتمسك شدن به خدااست.پس رستگاری مزبور درآنجا درآیتهای ابتدائی سورة مومنون شرح به این ترتیب داده میشودکه رستگار آن مومنانندکه آنان نه فقط نمازراپامیدارندوزکوت میدهندبلکه در ایشان بسیارکثیر صفات دیگر نیز یافت میشوند.این صفات از هر دو نوع است یعنی از کدام چیزها پرهیز میکنند و کدام نیکیها را بعمل میآرند.

سپس اینهم فرموده شد که اگرچه آب زندگانی از آسمان فرومیبارد و نظام نسبت به بارندگی اش موجود است اما اگرخدا بخواهد که برپایه یك علت نوع انسان را درس عبرت بیآموزد او براین امر توانا است که این آب آسمانی را ببرد. این فرایند را دو طریق است. اولین این که نظامی که تحت آن آب آسمانی تکراراً ازبلندیها به زمین باز گردانیده میشود.خداوند درآن تحولات بوجودمیآرد بطوریکه درآغاز آفرینش آب زمینی پیوسته تحت عمل تبخیربسوی آسمان صعودمیکرد وچون میبارید براثرحرارتی که درجوّ میانه وجود داشت مجدداً بسوی بلندی بازمیگشت. دومین صورت آنست که معمولاً مشاهده هم میشود که وقتی آب در ژرف زمین فرورود آنگاه از قعر چاه ها نیز پایین تر رفته ناپیدا میشود.

ضمناًدرپی موضوع آب ذکر ازآن کشتیهامیرود که بر سطح آب حرکت می

کنند و ازآنجمله سخن از کشتی‌حضرت نوح علیه السلام نیز گفته میشود. جریان داشتن کشتیها برسطح آب منوط به اذن خدا است. کشتیها هنگام بلندترین طغیان آب نیز برسطح آن روان میمانند وگاه گاه در صورت طوفان معمولی غرق میشوند.برهمین منوال وقتیکه قومها نسبت به آب آسمانی که بصورت آب روحانی نازل میشود بوسیله رفتارخود ابراز ناشکری نمایند خداوند ایشان را مانند آب دنیائی از این آب روحانی نیز محروم میگرداند و این امرنیزایشان را بهرهمند نمیسازد که رسولان پیوسته در آنها همچون بارانی پیوسته مبعوث میشوند.بلکه آنها برانکارهمه ایشان اصرار میورزند.

بعداً ذکر ازچنان منطقه کوهستانی است که چشمه سار و موجب تسکین قلب بود. همین وادی است که خداوند حضرت مسیح علیه السلام و مادر ایشان را از دشمنان نجات داده در آنجا برد. قرینه ها و علامات ابراز مینمایند که آن وادی کشمیر بود.

- آیت ۷۹ عبارت از این موضوع است که درمنازل ارتقائی نخست حس شنوائی اعطاء شده بود و پس حس بصری و سپس آن دل به انسان داده شد که به بصیرت عمیقی و قریحَه درك مضامین روحانی برخوردار است.

از این گذشته برخی چنین آیتهای است که موضوع آنها مشابه آن آیتهای است که مبحث تفصیلی برآنها قبلاً شده است. سپس آیتی است که موضوعی جدید را ارائه میدهد. چون انسانها روز قیامت پرسیده شوند که چند در زمین مکث کردید، ایشان گویند روزی یا پارهٔ ی ازآن مکث کردیم. خداوند فرماید بلکه از اینهم کمتر درآنجا مکث کردید. این کنایه ای به طول زمان پس از مرگ گرفته تا روز رستاخیز است. دنیا آنقدر دور دیده

شود گویی که در یک چشم بهم زدن سپری شد. این همان موضوعی است که انسان را هرروز تجربه میشود که ستارگانی که حجماًازنظام شمسیخورشید و ماه قیز بسیار بزرگتر اند از دور فقط بصورت نقطه های ریز بچشم میخورند.

آخرین آیت این سورة بعنوان دعای است که به آنحضرت ﷺ بدین کلماتی آموخته شد که بعرض پروردگار خود برسان که پروردگارالبیآمرز و ترحم فرما و تو بهترین ترحم کنندگان هستی.

☆ سُوْرَةُ "الْمُؤْمِنُوْنَ "مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ تِسْعَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ⦗۱⦘

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ ⦗۲⦘

یقینًامومنان موفق شدند(۲)

الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ صَلَاتِهِمْ خٰشِعُوْنَ ⦗۳⦘

آنانکه درنمازخود فروتنانند(۳)

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُوْنَ ⦗۴⦘

وآنانکه ازهرزه روگردانانند(٤)

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِلزَّكٰوةِ فٰعِلُوْنَ ⦗۵⦘

و آنانکه[حق] زکٰوت ادا کنندگان اند(۵)

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِفُرُوْجِهِمْ حٰفِظُوْنَ ⦗۶⦘

و آنانکه فرجهای خود را نگه داری کنندگانند(٦)

اِلَّا عَلٰٓى اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُوْمِيْنَ ⦗۷⦘

جز برهمسران خود یا آنها که دست راست ایشان مالك شد.پس یقینًا ایشان ناملامت شدگانند(۷)

فَمَنِ ابْتَغٰى وَرَآءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُوْنَ ⦗۸⦘

پس آنکه ماورای آن میخواهد همانها اند که تجاوزگرانند(۸)

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِاَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُوْنَ ⦗۹⦘

و آنانکه برای امانات و عهدهای خود رعایت کنندگانند(۹)

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَوٰتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ⦗۱۰⦘

وآنانکه برنمازهای خود نگهداران اند(۱۰)

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْوٰرِثُوْنَ ⦗۱۱⦘

همانهاندکه میراث بردگانند(۱۱)

الَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْفِرْدَوْسَ ۭ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ⑪

آنانکه به ارث برندجنت فردوس را و ایشان درآن جاودانند(۱۲)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ طِيْنٍ ۚ ⑫

و یقینًا ماانسان را از عصاره گل آفریدیم (۱۳)

ثُمَّ جَعَلْنٰهُ نُطْفَةً فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ۠ ⑬

سپس اورا دریك قرارگاه محفوظ نطفهٔ قراردادیم.(۱٤)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظٰمًا فَكَسَوْنَا الْعِظٰمَ لَحْمًا ۤ ثُمَّ اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا اٰخَرَ ۭ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِيْنَ ۭ ⑭

سپس نطفه راخونیبسته ساختیم. بازآن خون بسته راگوشتینرم و لِه ساختیم.بازآن گوشتینرم و له رااستخوانهاساختیم.بازاستخوان هاراگوشت پوشانیدیم. سپس آن رابه آفرینشی دیگر پدید آوردیم پس فقط همان خدا صاحب برکت اثبات شد که بهترین آفریدگاران است (۱۵)

ثُمَّ اِنَّكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ لَمَيِّتُوْنَ ۭ ⑮

سپس شما بعد از آن حتماًمردگان اید(۱٦)

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ تُبْعَثُوْنَ ⑯

سپس یقینًا شما روز قیامت برخیزانده شوید(۱۷)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآىِٕقَ ۤ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غٰفِلِيْنَ ⑰

ویقینًامامفت راه فوق شما آفریده ایم و ما از آفرینش غفلتکاران

نیستیم(۱۸)++

وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءًۢ بِقَدَرٍ فَاَسْكَنّٰهُ فِي الْاَرْضِ ۖ وَاِنَّا عَلٰى ذَهَابٍۢ بِهٖ لَقٰدِرُوْنَ ﴿١٩﴾

و آب را از آسمان به اندازه ای نازلکردیم پس آنرا در زمین جا گزین کردیم ویقینًامابر بردن آن هم قدرتمندایم(۱۹)

فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ ۘ لَكُمْ فِيْهَا فَوَاكِهُ كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٢٠﴾

پس بدان باغهای خرماوانگور را برایشماپدیدآوردیم.شماردر آنها میوههای فراوانست وازآن [میوه ها شما میخورید(۲۰)

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُوْرِ سَيْنَآءَ تَنْۢبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْاٰكِلِيْنَ ﴿٢١﴾

ودرختیرویانیدکه درطورسینادر میآیدکه برای خورندگان باروغن و خورشی میروید(۲۱)

وَاِنَّ لَكُمْ فِي الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۭ نُسْقِيْكُمْ مِّمَّا فِيْ بُطُوْنِهَا وَلَكُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٢٢﴾

ویقینًادردامهابرایشمادرسیاست. شمارامینوشانیم ازآن چه درشکم هایآنهااست وشمارا درآنها منافع فراوانست وازآنهامیخورید(۲۲)

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُوْنَ ﴿٢٣﴾

و برآنها و بر کشتیها سوار کرده میشوید(۲۳)

++آیت ۱۸ : اینجا ذکر از هفت راه آسمانی فوق انسانها رفته است.هفت عبارت از عددی است که بارها تکرار میشود ـ مثلاً روز شنبه که پس از هر هفت روز تکرار میشود.پس سبع طرایق را معنا بیشمار راه های آسمانی است.

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٢٤﴾

ويقينًا ما نوح را بسوى قومش فرستاديم پس اوگفت:اى قوم من! خدارا عبادت كنيد.براى شما جز او هيچ معبودى نيست.پس آيا تقوىٰ فرانميگيريد(٢٤)

فَقَالَ الْمَلَؤُا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۙ يُرِيْدُ اَنْ يَّتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً ۖۚ مَّا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِيْٓ اٰبَآئِنَا الْاَوَّلِيْنَ ۚ﴿٢٥﴾

پس آن سرداران كه ازقومش كفر كرده بودند گفتند، نيست او مگر بشرى مانندشما.او ميخواهد كه بر شمافضيلت بيابدو اگرخدا مى خواست البته فرشتگان را نازل ميكرد.ماجهت پدران پيشين خود كه اينطور نشنيديم(٢٥)

اِنْ هُوَ اِلَّا رَجُلٌۢ بِهٖ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوْا بِهٖ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿٢٦﴾

نيست اومگرآدمى كه اوراجنونى است. پس تا زمانى به [عاقبت] او انتظار بكشيد(٢٦)

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِيْ بِمَا كَذَّبُوْنِ ﴿٢٧﴾

اوگفت.پروردگارا مرا يارى كن چه مراتكذيب ميكنند(٢٧)

فَاَوْحَيْنَآ اِلَيْهِ اَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِاَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَاِذَا جَآءَ اَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّوْرُ ۙ فَاسْلُكْ فِيْهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

پس بسوى او وحى فرستاديم كه جلوى چشمان ما و طبق وحى ما كشتى بساز.پس چون فرمان ما آمد و چشمه ها بجوشدجفت جفت

وَاَهۡلَكَ اِلَّا مَنۡ سَبَقَ عَلَيۡهِ الۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡ ۚ وَلَا تُخَاطِبۡنِىۡ فِى الَّذِيۡنَ ظَلَمُوۡا ۚ اِنَّهُمۡ مُّغۡرَقُوۡنَ ﴿۲۸﴾

هر کدام [جانوران ضرورت] و خانوادهٔ خود را درآن بنشان جز آنکس از آنها که بر او فرمان ما پیشی گرفت و در [مورد] آنها که ستمکردندبماحرفی‌نزن. یقینًا آنها غرق شدگانند(۲۸)

فَاِذَا اسۡتَوَيۡتَ اَنۡتَ وَمَنۡ مَّعَكَ عَلَى الۡفُلۡكِ فَقُلِ الۡحَمۡدُ لِلّٰهِ الَّذِىۡ نَجّٰنَا مِنَ الۡقَوۡمِ الظّٰلِمِيۡنَ ﴿۲۹﴾

پس هرگاه توو آنانکه باتویند بر کشتی‌برقرارشدی‌پس بگوستایش مطلق برای‌خدا است آنکه مارا از قومی ستمکاران نجات داد(۲۹)

وَقُلۡ رَّبِّ اَنۡزِلۡنِىۡ مُنۡزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنۡتَ خَيۡرُ الۡمُنۡزِلِيۡنَ ﴿۳۰﴾

و بگو.پروردگارا! فرودآور مرا برجایگاهی فرود پر برکت و تو بهترین فرود آوردگانی(۳۰)

اِنَّ فِىۡ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ وَّاِنۡ كُنَّا لَمُبۡتَلِيۡنَ ﴿۳۱﴾

یقینًا در این آیتهای بزرگ است و یقینًا ما آزمایندگانیم(۳۱)

ثُمَّ اَنۡشَاۡنَا مِنۡۢ بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا اٰخَرِيۡنَ ۚ ﴿۳۲﴾

سپس بعد از آنهامردم زمان دیگر را بوجود آوردیم(۳۲)

فَاَرۡسَلۡنَا فِيۡهِمۡ رَسُوۡلًا مِّنۡهُمۡ اَنِ اعۡبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمۡ مِّنۡ اِلٰهٍ غَيۡرُهٗ ؕ اَفَلَا تَتَّقُوۡنَ ﴿۳۳﴾ ع

پس فرستادیم در آنها رسولی از خودایشان [او میگفت]که خدا را عبادتکنید ـ شمارا نیست معبودی مگر او پس آیا تقوی فرا نمی

گیرید؟(۳۳)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾

و آن سرداران قومش که کفرکرده وبه دیدارآخرت انکارکرده بودند و آنهارا درزندگانی دنیا آسودگی داده بودیم گفتند: این فقط بشری مانندشماست ـ میخورد ازآنچه از آن شمامیخوریدومیآشامد ازآنچه شما میآشامید(۳٤)

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾

واگراطاعت کنید از بشری‌همانند خود یقینًا آنگاه یقینًا شما زیان کاران اید(۳۵)

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾

آیاشمارا میترساندکه چون شما بمیریدوخاکی واستخوانها شوید یقینًا شما در آوردگانید؟(۳٦)

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾

دوراست بسیار دور بدآنچه وعده داده میشوید(۳۷)

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾

مارافقط زندگی این دنیااست ـ هم می میریم و هم زنده میمانیم و برخیزانده نشویم(۳۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾

یقینًااین فقط مردی است که بر خدا دروغ میبندد و ما برای او

ایمان آرندگان نیستیم(۳۹)

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٤٠﴾

او گفت: پروردگارا مرا یاری کن چه آنان مرا تکذیب کرده اند(۴۰)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ ﴿٤١﴾

[خدا] گفت، دیری نمی پاید حتمًا پشیمانان شوند(۴۱)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَٰهُمْ غُثَآءً ۚ فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّٰلِمِينَ ﴿٤٢﴾

پس صدایی غرش آنها را بحق در گرفت وآنهارا آشفال ساختیم پس ملاك باد بر قوم ستمکاران(۴۲)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ﴿٤٣﴾

سپس اهل زمان دیگر را بعد از آنها پدید آوردیم(۴۳)

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَـْٔخِرُونَ ﴿٤٤﴾

هیچکدام امت نتواند از نهایت زمانی معین خود پیشی گیرد و نتواند پس افتد(۴۴)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا ۖ كُلَّمَا جَآءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۚ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَٰهُمْ أَحَادِيثَ ۚ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٥﴾

سپس رسولان خود را پی در پی فرستادیم. هرگاه قومی را رسول آن آمد او را ردکردند. پس ما بعضی از آنها را پی بعضی آوردیم و آنها را داستان ها ساختیم. پس لعنت باد بر قومی که ایمان نمی آورند!(۴۵)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَٰرُونَ بِـَٔايَٰتِنَا

باز ازآن پس فرستادیم موسی و

وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٦﴾

برادرش هارون را با آیتهای خود و ادله روشن — (٤٦)

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَاۡئِهٖ فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا عَالِيْنَ ﴿٤٧﴾

بسوی فرعون و سردارانش پس آنها تکبر ورزیدند و آنها قومی سرکش بودند (٤٧)

فَقَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُوْنَ ﴿٤٨﴾

پس گفتند آیا به دو بشر مانند خود ما ایمان آوریم حالیکه قوم آندو بندگان ماانند؟ (٤٨)

فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوْا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ ﴿٤٩﴾

پس آندوی را تکذیب کردند و از جمله هلاك شدگان شدند (٤٩)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿٥٠﴾

ویقینًا موسیٰ را کتاب دادیم تا باشد آنها هدایت یابند (٥٠)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهٗٓ اٰيَةً وَّاٰوَيْنٰهُمَآ اِلٰى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَّمَعِيْنٍ ﴿٥١﴾

و پسر مریم و مادرش را آیتی قرار دادیم و آندو را بسوی جای بلند پناه دادیم که آرام بخش و چشمه سار بود (٥١)

يٰٓاَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا ۗ اِنِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٥٢﴾

ای رسولان ! بخورید از پاکیزه ها و اعمال نیکوی بجا آورید یقینًا من آگاه ام بدانچه عمل کنید (٥٢)

وَاِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوْنِ ﴿٥٣﴾

ویقینًا این امت شما یك امت است و من پروردگار شما هستم. پس از

من بترسيد(۵۳)

فَتَقَطَّعُوٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ؕ كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿۵۴﴾

پس امرخود رامیانخود پاره پاره پخش کردندوهریك گروه خرسند شدند بدآنچه نزدشان بود(۵٤)

فَذَرْهُمْ فِيْ غَمْرَتِهِمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿۵۵﴾

پس آنها را تا زمانی در جَهلشان بگذار(۵۵)

اَيَحْسَبُوْنَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهٖ مِنْ مَّالٍ وَّبَنِيْنَ ۙ﴿۵٦﴾

آیاگمان کنندکه آنچه ما به آن آنها را از دارائی و فرزندان کمك کنیم ـ(۵٦)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرٰتِ ؕ بَلْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ﴿۵۷﴾

ما خوبیها را برایشان میفزایم. نخیر بلکه آنها درك نمیکنند(۵۷)

اِنَّ الَّذِيْنَ هُمْ مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُوْنَ ۙ﴿۵۸﴾

براستیآنانکه از هیبت پروردگار خود ترسان اند(۵۸)

وَالَّذِيْنَ هُمْ بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُوْنَ ۙ﴿۵۹﴾

وآنانکه ایشان به آیات پروردگار خودایمان میآورند(۵۹)

وَالَّذِيْنَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُوْنَ ۙ﴿٦۰﴾

و کسانیکه ایشان به پروردگار خود شرك نمیورزند(٦۰)

وَالَّذِيْنَ يُؤْتُوْنَ مَآ اٰتَوْا وَّقُلُوْبُهُمْ وَجِلَةٌ اَنَّهُمْ اِلٰى رَبِّهِمْ رٰجِعُوْنَ ۙ﴿٦١﴾

و آنانکه هرچه انفاق کنند درحال انفاق میکنند که دل های ایشان میلرزد که یقینًا ایشان به سوی پروردگارخود بازگشت کنندگان

اند(٦١)

أُولَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ﴿٦٢﴾

همانهاندد رنیکو کاریها شتاب کنندو آنان برای آن سبقت جویندگان اند(٦٢)

وَلَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَلَدَيۡنَا كِتَٰبٞ يَنطِقُ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٦٣﴾

وهیچ جان رااتکلیف نمیکنیم جز طاقت او و نزدما کتابی است که الحق میگوید. لذا آنها ستمکرده نشوند(٦٣)

بَلۡ قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ ﴿٦٤﴾

بلکه دلهای ایشان از این بیخبر است و اعمال آنان بغیرازآنندکه آنان آنرا[بظاهر] کنندگانند(٦٤)

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذۡنَا مُتۡرَفِيهِم بِٱلۡعَذَابِ إِذَا هُمۡ يَجۡـَٔرُونَ ﴿٦٥﴾

تاچون خوشحالان آنها را بعذاب گیریم ناگهان آنهازاری کنند(٦٥)

لَا تَجۡـَٔرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٦﴾

امروز زاری نکنید. قطعًا شما از ما یاری داده نمیشوید(٦٦)

قَدۡ كَانَتۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ ﴿٦٧﴾

آیتهای من برشمافروخوانده میشد بازهم شما برپاشنه های خود بر می گشتید(٦٧)

مُسۡتَكۡبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرٗا تَهۡجُرُونَ ﴿٦٨﴾

کبرکنان هنگام شب تا دیرگاه به آن هرزه سرائی کرده مجلس می چیدید(٦٨)

اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَآءَهُمْ مَّا لَمْ يَاْتِ اٰبَآءَهُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦٩﴾

پس آیا بر این سخن فکرواندیشه نکردندیاآنهارا آمده است آنچه به پدران قبلی آنهانیآمده بود(٦٩)

اَمْ لَمْ يَعْرِفُوْا رَسُوْلَهُمْ فَهُمْ لَهٗ مُنْكِرُوْنَ ﴿٧٠﴾

یا آیارسول خود را نشناخته اند پس او را انکار میکنند؟(٧٠)

اَمْ يَقُوْلُوْنَ بِهٖ جِنَّةٌ ؕ بَلْ جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُوْنَ ﴿٧١﴾

یامیگویندکه اورا دیوانگی است نخیربلکه اوآنانرابحق آمده است باآنکه بیشترازآنهاحق را ناخوش دارندگانند(٧١)

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ اَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ ؕ بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٧٢﴾ؕ

و حق اگر هوای نفسانی آنها را پیروی کرده بودیقیناً آسمانها و زمین وهرچه درآنهااست فاسد می شدبلکه ماایشانرا با ذکرخودشان آمده ایم وآنها از ذکرخودشان رو گردانی میکنند(٧٢)

اَمْ تَسْئَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖۗ وَّهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ﴿٧٣﴾

آیا ازآنها مزدمیطلبی؟پس [گوش کنندکه]اعطای پروردگارتونیکوتر است و او بهترین رزق دهندگان است(٧٣)

وَاِنَّكَ لَتَدْعُوْهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٧٤﴾

و یقیناً تو آنها را براه راست می خوانی(٧٤)

وَاِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنٰكِبُوْنَ ﴿٧٥﴾

وبراستی آنانکه به آخرت ایمان نمیآرند از راه حق انحراف کنندگان اند(۷۵)

وَلَوْ رَحِمْنٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُّوْا فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿٧٦﴾

و اگر برآنها ترحم میکردیم و آن سختی که به آنهارسیده بودرادور مینمودیم حتمًا لجوجانه در سر کشی خودسرگردان میشدند(۷۶)

وَلَقَدْ اَخَذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوْا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُوْنَ ﴿٧٧﴾

والبته آنهارابعذاب درگرفتیم.پس نه زاری کردند برای پروردگار خود و نه فروتنی‌کردند(۷۷)

حَتّٰى اِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيْدٍ اِذَا هُمْ فِيْهِ مُبْلِسُوْنَ ﴿٧٨﴾ ع

تاچون درعذابی سخت را بر آنها گشودیم ناگهان آنها در این کاملاً نومید شدند(۷۸)

وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْشَاَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ؕ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٩﴾

واوست آنکه گوش وچشم ودلها برایشما آفرید. بسیار کم است آن سپاس که شما میگذارید(۷۹)

وَهُوَ الَّذِيْ ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٨٠﴾

اوست آنکه در زمین بذر شما افشاند و بسوی او محشور کرده شوید(۸۰)

وَهُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٨١﴾

و او است که زنده میکند و میراند و اختلاف شب و روز در

اختیار او است. پس آیا عقل نمی کنید؟(٨١)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْاَوَّلُوْنَ ﴿٨٢﴾

بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان میگفتند(٨٢)

قَالُوْٓا ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ ﴿٨٣﴾

میگفتند، آیا چون مردیم و خاك و استخوانها شدیم آیا ما حتمًا برانگیختگانیم؟(٨٣)

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَاٰبَآؤُنَا هٰذَا مِنْ قَبْلُ اِنْ هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨٤﴾

البته ما و قبلاً پدران ما هم این وعده داده شدیم. نیست این جز اساطیر پیشینیان (٨٤)

قُلْ لِّمَنِ الْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهَآ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٥﴾

بپرس زمین وهرچه درآنست ازآن کیست اگرشمامیدانید؟(٨٥)

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۭ قُلْ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٨٦﴾

آنهاگویند، ازآن خدا است. بگو پس آیا پند نمیگیرید؟(٨٦)

قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿٨٧﴾

بپرس کیست پروردگار هفت آسمان و عرش عظیم ؟(٨٧)

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۭ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٨٨﴾

آنهاگویند. ازآن خدااست. بگو پس آیا تقوی فرانمیگیرید؟(٨٨)

قُلْ مَنْۢ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ يُجِيْرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ

بپرس کیست که پادشاهی هرچیز بدست اوست و او پناه میدهد اما در مقابل او پناه داده نمیشود

تَعۡلَمُوۡنَ﴿۸۹﴾
[بگوئید] اگر شما میدانید(۸۹)

سَيَقُوۡلُوۡنَ لِلّٰهِ ؕ قُلۡ فَاَنّٰى تُسۡحَرُوۡنَ﴿۹۰﴾
آنهاگویند.ازآن خداست. بگو پس بکجافریب داده میشوید(۹۰)

بَلۡ اَتَيۡنٰهُمۡ بِالۡحَـقِّ وَاِنَّهُمۡ لَـكٰذِبُوۡنَ﴿۹۱﴾
حقیقت اینست که ما آنان را حق آوردیم و یقینًا آنها دروغگویان اند(۹۱)

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنۡ وَّلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهٗ مِنۡ اِلٰهٍ اِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعۡضُهُمۡ عَلٰى بَعۡضٍ ؕ سُبۡحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوۡنَ ۙ﴿۹۲﴾
خداهیچ پسری‌نگرفت و نه با او معبودی‌است چه درآنصورت حتماً هرکدام معبودجدامیشد باآنچه او خلق کرد و بعضی از آنها بربعضی هجوم می آوردند. پاکست خدا از آنچه بیان میکنند(۹۲)

عٰلِمِ الۡغَيۡبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعٰلٰى عَمَّا يُشۡرِكُوۡنَ﴿۹۳﴾ ع
دانای نهان و عیانست و بلندتر است ازآنچه شرك میورزند(۹۳)

ع ۵ ۱۵

قُلۡ رَّبِّ اِمَّا تُرِيَنِّىۡ مَا يُوۡعَدُوۡنَ ۙ﴿۹۴﴾
بگو.پروردگارا!اگر مرا بنمائی از آنچه بیم داده میشوند[این یك التجا است](۹۴)

رَبِّ فَلَا تَجۡعَلۡنِىۡ فِى الۡقَوۡمِ الظّٰلِمِيۡنَ﴿۹۵﴾
پروردگارا! مرا از قوم ستمگران قرار ندهی(۹۵)

وَاِنَّا عَلٰٓى اَنۡ نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمۡ لَقٰدِرُوۡنَ﴿۹۶﴾
و یقینًاما براین [کار]قدرتمندایم که بتونشان دهیم از آنچه آنها را

اِدۡفَعۡ بِالَّتِیۡ هِیَ اَحۡسَنُ السَّیِّئَةَ ؕ نَحۡنُ اَعۡلَمُ بِمَا یَصِفُوۡنَ ﴿۹۷﴾

می ترسانیم (۹٦)

دورکن بدی را به آن [طریق] که آن نیکوتر است. ما داناتریم به آنچه بیان میکنند(۹۷)

وَقُلۡ رَّبِّ اَعُوۡذُ بِكَ مِنۡ هَمَزٰتِ الشَّیٰطِیۡنِ ۙ﴿۹۸﴾

وبگو، پروردگارا!پناه میبرم بتو از وسوسه شیطانها(۹۸)

وَاَعُوۡذُ بِكَ رَبِّ اَنۡ یَّحۡضُرُوۡنِ ﴿۹۹﴾

و پناه میبرم بتو پروردگارم که آنها به من راه یابند (۹۹)

حَتّٰۤی اِذَا جَآءَ اَحَدَهُمُ الۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ارۡجِعُوۡنِ ۙ﴿۱۰۰﴾

تا آنگاه که چون مرگ بکسی از آنها بیآید گوید، پروردگارا! مرا برگردانی(۱۰۰)

لَعَلِّیۡۤ اَعۡمَلُ صَالِحًا فِیۡمَا تَرَكۡتُ كَلَّا ؕ اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا ؕ وَمِنۡ وَّرَآئِهِمۡ بَرۡزَخٌ اِلٰی یَوۡمِ یُبۡعَثُوۡنَ ﴿۱۰۱﴾

باشد که نیکوکاری انجام دهم در آن[دنیا]که ترك كرده ام.هرگز نه، این فقط حرفی است که او زننده آنست و پشت سرآنها سدی حائل است تا آنروز که برخیزانده شوند(۱۰۱)

فَاِذَا نُفِخَ فِی الصُّوۡرِ فَلَاۤ اَنۡسَابَ بَیۡنَهُمۡ یَوۡمَئِذٍ وَّلَا یَتَسَآءَلُوۡنَ ﴿۱۰۲﴾

پس چون درصوردمیده شود آن روز هیچ خویشی میانشان نیست و نه از همدیگر توانند مسئلت کنند(۱۰۲)

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٣﴾

پس آنکس که وزن کردهمایش وزین باشد همانهاند که موفق شوندگان اند(۱۰۳)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٤﴾

وآنکس که وزن کردهمایش سبک باشد پس همانهاندکه بجانهای‌خود ضرر زدند آنها درجهنم مدت دراز خواهند ماند(۱۰٤)

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

آتش چهرمهای ایشانرابریان کند. [از این اذیت] آنها در آن بطوری لبها درکشیده باشند که دندان نمایان گردیده است(۱۰۵)

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٦﴾

آیاآیتهای من برشما فروخوانده نمی شد؟ پس شما به آنها تکذیب میکردید(۱۰٦)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٧﴾

گویند:پروردگارا! بدبختی ما بر ماغلبه کرده بود و ماقومی گمراه بودیم(۱۰۷)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٨﴾

پروردگارا!مارا‌ازین بیرون بیآر پس اگر[این عمل را]تکرارکنیم یقینًا از ستمکاران بشویم(۱۰۸)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٩﴾

او گوید،دورشوید در آن و سخن

بمن نگوئید(١٠٩)

اِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰحِمِينَ ﴿١١٠﴾

یقیناً گروهی از بندگانم بودند که می گفتند، پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس ما را بیآمرز و بر ما ترحم کن و تو بهترین ترحم کنندگانی(١١٠)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتّٰٓى اَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١١﴾

پس شما ایشان را به استهزاء گرفتید تا آن انتها که [اعمال بد] شما را از یادم غافل کرد در حالیکه شما از آنان تمسخر همی کردید(١١١)

اِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓا اَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١١٢﴾

یقیناً امروز من ایشانرا پاداشی داده ام به آن صبرکه میکردند این که یقیناً تنها ایشان رستگاران اند(١١٢)

قٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْاَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٣﴾

[خدا]گوید.شما بتعداد سالها چند در زمین مکث کردید؟(١١٣)

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ الْعَآدِّينَ ﴿١١٤﴾

گویند.ما فقط روزی یا قسمتی از روزی [در آن] مکث کردیم پس بپرس از شمار کنندگان(١١٤)

قٰلَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيلًا لَّوْ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ

[خدا]گوید. مکث نکردیدجز اندك

تَعۡلَمُوۡنَ﴿۱۱۵﴾
اَفَحَسِبۡتُمۡ اَنَّمَا خَلَقۡنٰكُمۡ عَبَثًا وَّ اَنَّكُمۡ اِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُوۡنَ﴿۱۱۶﴾

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الۡمَلِكُ الۡحَقُّ ۚ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ رَبُّ الۡعَرۡشِ الۡكَرِيۡمِ﴿۱۱۷﴾

وَمَنۡ يَّدۡعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۙ لَا بُرۡهَانَ لَهٗ بِهٖ ۙ فَاِنَّمَا حِسَابُهٗ عِنۡدَ رَبِّهٖ ؕ اِنَّهٗ لَا يُفۡلِحُ الۡكٰفِرُوۡنَ﴿۱۱۸﴾

وَقُلۡ رَّبِّ اغۡفِرۡ وَارۡحَمۡ وَاَنۡتَ خَيۡرُ الرّٰحِمِيۡنَ﴿۱۱۹﴾ ع

ع ۲۶ ۶

کاشکی شما میدانستید(۱۱۵)
پس آیا گمان کردید که شما را محض عبثاً آفریدیم و اینکه شما به سوی ما بر گردانده نشوید(۱۱٦)
پس بسیار بلند مرتبت است پادشاه حق.هیچ معبودی نیست جز او پروردگار عرش گرامی(۱۱۷)
و هرکه باخدا معبودی دیگر را بخواند که دلیلی برایش پیش او نیست پس یقینًا حسابش نزد پروردگارش است. کافران قطعًا موفق نمیشوند(۱۱۸)
وبگو.پروردگارا ابیآمرز و ترحم فرما و تو بهترین ترحم کنندگان هستی(۱۱۹)

# ۲٤-النور

این سورة مدنی است و در پنجمین سال هجرت نازل آمد و با بسم اللّٰه ٦٥آیت دارد.

درآغاز سورة قبلی المومنون ازآنجمله علامات مومنان ازحفاظت فروج بویژگی ذکراست و اصولاًموضوع سورة نور نیز مربوط به همین موضوع است وسخن ازمجازات زانی و زانیه میرود.بعلاوه گفته میشود که زشتکاران تنهابارفیقان زشتکارخود وابستگی دارند درحالیکه مومنان به این امر بدقت توجه دارند که رفیقان ایشان نیکوکاران باشند.درضمن تاکید کرده میشود که آن بدبختها که تهمت بر زنان پاکدامن بزنند آنها مجازات سنگین کرده شوند.حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنهاکه درنهایت پاکدامن بودند در این سورة ذکر از آن تهمت و کیفر آنست که بعضی بدبختها بر ایشان زده بودند.

پس ازاین کسانیکه یك زندگی پاك راپیش میگیرند پندها داده میشوند که ایشان براین پندهاعمل کرده میتوانند ازخدا زندگی پاکتر را نایل آیند. از آنجمله پندها یکی اینست که بمحض ورود به خانه ها سلام کنید تا اهل خانه را به وضع غفلت بطوری نیابید که خیالات شما بلغزد. دومین مآل اندیشی اینست که مومنان و مومنات چشمان را فروبخوابانند و برهمدیگر نگاه آزادانه ای نیفکنند.

پس از اینهمه ذکر،آنحضرتﷺ بعنوان مظهر والای شان از نورخدای متعال ارائه داده میشوند. آن نور را اوصاف اساسی اینست که آن نه شرقی است و نه غربی بلکه آن هردو اطراف رایکسان منور میگرداند و همچون

چراغی است که ای بسا چراغها را روشن کند. بدنبال این ذکر از منازل اصحاب رضوان الله علیهم میرود که چطور رسول الله ﷺ با نور خود آنها را منور کرده بودند.

سپس مثل از کافران زده میشود که وضع دوگانه ای آنان را بیان میکند.یکی‌اینکه آنان تلاش کنند که عطش خودشان را در لذتهای زندگی غرق شده فرو نشانند و این تلاش منتها به حسرتها منجر میشود. بطوریکه یك تشنه سراب دشت زار را آب میپندارد اما چون او نزدش میرسد چیزی بدست نمی‌آرد جز اینکه خداوند این نیرنگ نفسش را مجازات کند. دومین اینکه در مقابل نور آنها را تاریکیهای لا به لا فراگیرند بطوریکه فوق دریای عمیق را ابرهای متراکم فراگیرد و درعین حال یکی غرق شونده دراین تاریکیهای لا به لا به غرق روبرو است و تاریکی آنقدر آکنده ای است که او نمیتواند حتّی دست خود راببیند.

ازآیت ٥٢ حاکی است که توصیف مومنان راستین عبارت است ازاین که چون ایشان بسوی خدا ورسول فراخوانده شوند پس براین ندا بیدرنگ لبیك میگویند. اینجا در کلمات قد افلح المومنون ذکر از فلاح مزبور هم رفته است یعنی همانهاند که رستگار میشوند.

این سورة دارای آیت استخلاف نیز است که حاکی از این موضوع است که بطوریکه پس از پیغمبران پیشین جا نشینان برگزیده شدند پس از رسول الله ﷺ نیز جانشینان ایشان با اذن خدا گمارده شوند اگرچه بظاهر از روی رای انسانی منتخب شوند. یکی علامت ایشان اینست که چون قوم درحین مخاطرات و فساد میپندارند که دشمن بر ایشان چیره میشود ما

مخاطرات ایشان را به امن تبدیل مینمائیم.

اطاعت کامل از مومنان را علامت اینست که ایشان از رسول الله ﷺ نه تنها اطاعت میکنند بلکه به ایشان در نهایت احترام میگذارند تا آن انتها که چون ایشان برای امور اجتماعی گرد آیند هرگز بلا رخصت رسول الله ﷺ از جلسه بیرون نمیروند و بیسوادان را آداب معاشرت آموخته فرموده میشود بطوریکه همدیگر را صدا کرده میخوانید رسول الله ﷺ را آنگونه صدا نکنید.

خداوند در آخرین آیت این سورة میفرماید که شما به هرچه مدعی باشید آن ادعای شما مخلصانه هم میتواند باشد و منافقانه هم. همان خدا میداند که شما برچه وضعی قرار دارید.

☆سُوْرَةُ النُّوْرِ مَدَنِيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَّسِتُّوْنَ اٰيَةً وَّتِسْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(۱)

سُوْرَةٌ اَنْزَلْنٰهَا وَفَرَضْنٰهَا وَاَنْزَلْنَا فِيْهَآ اٰيٰتٍ بَيِّنٰتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ②

سورتی بزرگ که ما آنرا نازل کرده ایم و آنرا فرض نمودیم و در آن آیتهای آشکارا نازل کرده ایم تا شما پند بگیرید(۲)

اَلزَّانِيَةُ وَالزَّانِيْ فَاجْلِدُوْا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَّلَا تَاْخُذْكُمْ بِهِمَا رَاْفَةٌ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۚ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ③

زناکار مرد است یا زناکاره زن پس هرکدام ازآندو رایکصد شلاقّ بزنید وبرای آندو جهت دین خدا به شمانرمی راه نیابد اگرشما به خدا و روزآخرت ایمان دارید و کیفرآندوراگروهی ازمومنان باید مشاهده کنند(۳)

اَلزَّانِيْ لَا يَنْكِحُ اِلَّا زَانِيَةً اَوْ مُشْرِكَةً ۙ وَّالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَآ اِلَّا زَانٍ اَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحُرِّمَ ذٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ ④

مردی زناکار [طبعاً] زن نمیگیرد جزرنی زناکاره یامشرکه و زنی زنا کاره [طبعاً] شوهر نمیکند جز مردی زنا کار یا مشرك و این [کار قبیح] برمومنان حرامکرده شد(٤)

وَالَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَاْتُوْا بِاَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ فَاجْلِدُوْهُمْ ثَمٰنِيْنَ جَلْدَةً وَّلَا تَقْبَلُوْا لَهُمْ شَهَادَةً اَبَدًا ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۙ﴿٥﴾

و کسانیکه به زنان پاکدامن تهمت میزنندسپس چهارگواه نمیآرندبه آنها هشتاد شلاق بزنید و گواهی آنها را ابداً قبول نکنید و همانها زشت کردارانند(۵)++

اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوْا ۚ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦﴾

مگرکسانیکه توبه کردند از این پس و اصلاح شوند پس یقینًا خدا صاحب آمرزش بارها رحمکننده است(٦)

وَالَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ اَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ شُهَدَآءُ اِلَّآ اَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ اَحَدِهِمْ اَرْبَعُ شَهٰدٰتٍۭ بِاللّٰهِ ۙ اِنَّهٗ لَمِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٧﴾

وآنانکه بهمسران خودتهمت زنند وآنهاراگواهان نباشندجزخویشتن پس گواهیهریك ازآنها چهار بار سوگند به خدا خوردن است که یقینًااوازراست گویانست(۷)

++آیت ۵:در این آیت ازتهمت زدن زنا جلوگیری میشود زیرا که برای این تهمت زنندگان دستور است که چهار گواه دیداری را معرفی کنند و الا مستوجب مجازات مذکور میشوند. این پیش بینی است تا تهمت زنندگان زنا از سوء نیت دلسرد شوند.

دومین نکتهٔ مهم اینست که چون این موضوع متعلق به همسرخود آنحضرت ﷺ بود ومردم شایعاتی بسیارکثیر میزدند و می شنیدند لذا آنحضرت کری زدند حرفی نزدند تا آن انتها که خدا خود بریت حضرت عائشه را برآنحضرت ﷺ به اثبات رساند و ازحدیث همین اثبات شده است.

وَالْخَامِسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٨﴾

وپنجمین بار این[گوید]که بر او لعنت خدا باد اگر از دروغگویان است(۸)

وَيَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ اَنْ تَشْهَدَ اَرْبَعَ شَهٰدٰتٍۢ بِاللّٰهِ ۙ اِنَّهٗ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٩﴾

واگرآنزن سوگندخداخورده چهار بار گواهی‌دهد که او [مرد] یقینًا ازدروغگویانست[گواهی اینگونه] عذاب را ازآنزن دور میکند(۹)

وَالْخَامِسَةَ اَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَآ اِنْ كَانَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٠﴾

و پنجمین بار اینکه خشم خدا بر او[زن]باد اگر او [مرد] از راست گویانست(۱۰)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ حَكِيْمٌ ﴿١١﴾ ع

واگرنبودفضل خدا و رحمت اوبر شما و اینکه خدا بسیار پذیرنده توبه و صاحب حکمتی فراوانست [حال شماها چطورمیشد؟](۱۱)

اِنَّ الَّذِيْنَ جَآءُوْ بِالْاِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ ۭ لَا تَحْسَبُوْهُ شَرًّا لَّكُمْ ۭ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۭ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْاِثْمِ ۚ وَالَّذِيْ تَوَلّٰى كِبْرَهٗ مِنْهُمْ لَهٗ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٢﴾

یقینًاآنانکه دروغ آوردند گروهی از خودشمایند.آنرا برای خود بد مپندارید بلکه آن برای شماخوب است.هر کدام از آنها آنچه گناه کسب کرد [وبالش]برای خود او است و هرکه از آنها نقش بزرگی آنرا ایفاکرد برایش عذابی‌بسیار

بزرگ است(۱۲)

لَوْلَآ اِذْ سَمِعْتُمُوْهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُوْنَ وَالْمُؤْمِنٰتُ بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا ۙ وَّقَالُوْا هٰذَآ اِفْكٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۳﴾

چرا چون این سخن را شنیدند مردان مومن وزنان مومن به مردم خود خوبی رانپنداشتندونه گفتند که این تهمتیآشکاراست(۱۳)

لَوْلَا جَآءُوْ عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ ۚ فَاِذْ لَمْ يَاْتُوْا بِالشُّهَدَآءِ فَاُولٰٓئِكَ عِنْدَ اللّٰهِ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ﴿۱٤﴾

چرا بر این چهارگواه نیآوردند؟ پس چون چهارگواه نیآوردند آن گاه همانها نزد خدای خود دروغ گویانند(۱٤)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِىْ مَآ اَفَضْتُمْ فِيْهِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿۱۵﴾

و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت برشما نبود یقینًا جهت آن[ فتنه] که در آن فرو رفته بودید شمارا عذابی بزرگ می رسید(۱۵)

اِذْ تَلَقَّوْنَهٗ بِاَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُوْلُوْنَ بِاَفْوَاهِكُمْ مَّا لَيْسَ لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ وَّتَحْسَبُوْنَهٗ هَيِّنًا ۖ وَّهُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيْمٌ ﴿۱٦﴾

هنگامیکه آن[دروغ] را بزبانهای خود میپراندید و لب خود را به آن سخن ترمیکردید که بدان شما را هیچ دانشی نبود وآنرا ناچیز شمردیدحالیکه نزدخداآن بسیار بزرگ بود(۱٦)

وَلَوْلَآ اِذْ سَمِعْتُمُوْهُ قُلْتُمْ مَّا يَكُوْنُ لَنَآ

چراآنگاه که آنرا شنیدید نگفتید

اَنْ نَّتَكَلَّمَ بِهٰذَا ۖ سُبْحٰنَكَ هٰذَا بُهْتَانٌ عَظِيْمٌ ﴿۱۷﴾

ما رانسزدکه به آن لب به سخن گشائیم.توپاك هستی[ای‌خدا] این تهمتی بسیاربزرگ است (۱۷)

يَعِظُكُمُ اللّٰهُ اَنْ تَعُوْدُوْا لِمِثْلِهٖٓ اَبَدًا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۱۸﴾

خدا شمارا نصیحت میکند مبادا هیچگاه[امری] مانند آنرا تکرار کنید اگر شما مومن هستید(۱۸)

وَيُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿۱۹﴾

و خداآیات را برایشما بروشنی بیان میکندوخداصاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۹)

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۙ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۲۰﴾

براستی کسانیکه دوست دارند که منتشرگرددفحشائی میان آنان که ایمان آوردندبرای آنهاعذابی درد ناکست دردنیا و درآخرت وخدا میداندحالیکه شمانمیدانید(۲۰)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۱﴾

النصف ع ۱۰ ۲ ۸

واگرنبودفضل خداورحمت او بر شماواینکه خدابسیارمهربان و بار ها رحمکننده است[حتمًافحشائی درشماگسترش میبافت] (۲۱)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۗ وَمَنْ يَّتَّبِعْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید قدم های شیطان رادنبال نکنید وهرکه قدمهای شیطان رادنبال کندپس

فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٢﴾

يقيناًاوبفحشائیومنکرات امر می کندواگرفضل خدا و رحمت او بر شمانبودهیچکدام ازشما ابداً پاك نمیشد.و اماخدا به هرکه میخواهد پاك میگرداندوخدابسیار شنوای مدام داناست(۲۲)

وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿٢٣﴾

و صاحب فضیلت وگشایش از شما سوگند دردین و دنیایاد نکنند که خویشان خودوبینوایان و هجرت کنندگان در راه خدا را چیزی نخواهند داد و باید عفوکنند و درگذرند. آیا نمیخواهید که خدا شمارابیامرزدوخداخیلی آمرزنده و بارها رحمکننده است(۲۳)

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٢٤﴾

همانا‌آنهاکه برزنان پاکدامن و بی خبرتهمت زنند،لعنت شدند دردنیا و آخرت و آنها را عذابی بزرگ است(۲٤)

يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٥﴾

آنروز[رایادکنید]چون زبانهاشان و دستهاشان و پاهاشان برخلاف ایشان گواهی دهند به آنچه بودند

يَوْمَئِذٍ يُّوَفِّيْهِمُ اللّٰهُ دِيْنَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَالْحَقُّ الْمُبِيْنُ ﴿٢٦﴾

انجام میدادند(۲۵)

آنروزخدا آنها را پاداششان بحق تمام دهد و بدانند که خدااست که او حقّ هویدایی است( ٢٦ )

اَلْخَبِيْثٰتُ لِلْخَبِيْثِيْنَ وَالْخَبِيْثُوْنَ لِلْخَبِيْثٰتِ ۚ وَالطَّيِّبٰتُ لِلطَّيِّبِيْنَ وَالطَّيِّبُوْنَ لِلطَّيِّبٰتِ ۚ اُولٰٓئِكَ مُبَرَّءُوْنَ مِمَّا يَقُوْلُوْنَ ؕ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٢٧﴾

زنان ناپاك برای مردان ناپاك و مردان ناپاك برای زنان ناپاکند و زنان پاك برای مردان پاك و مردان پاك برای زنان پاکند. ایشان ازآن [تهمتها] مبره اند که میگویند.برای ایشان آمرزش و رزقی معززاست(۲۷)+

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ بُيُوْتِكُمْ حَتّٰى تَسْتَاْنِسُوْا وَتُسَلِّمُوْا عَلٰٓى اَهْلِهَا ؕ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٨﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید داخل نشویدبه خانه هاجزبه خانه هایی‌خودتاآنگامکه رخصت گیرید و به اهل آنها سلام بگویید. این برایشما نیکواست تا باشد که نصیحت بگیرید(۲۸)

+آیت ۲۷: در اینجا بیان شده است که معمولاً مردان ناپاك با زنان ناپاك عقد ازدواج میبندند. اما این معمول است اصول نیست. حالت استثنایی را هم همراه دارد. همینطور مردان پاك با زنان پاك نکاح میکنند البته اینجا هم حالت استثنایی را نتوان نادیده گرفت.

فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۖ وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا ۖ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

پس اگر کسیرا درآنها نیابید پس داخل آنهانشویدتاآنگامکه برای شما اجازه داده شود و اگر برای شماگفته شود که برگردید پس برگردید این شمارا پاکیزه تر است وخدا آگاه به آنست که عمل میکنید(۲۹)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٣٠﴾

گناهی‌برشما نیست که داخل خانه های‌غیرمسکونی بشوید که درآنها اثاث شمااست وخدا میداند آنچه عیانکنید وآنچه کتمان کنید(۳۰)

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣١﴾

بگوبه مومنان دیدگان خودرا فرو گیرند و ازفرجهای خودنگهداری نمایند. این برای ایشان پاکتر است و خدا نیك آگاه است به آنچه میکنند(۳۱)

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ

و بگو به مومنات که چشمان خود را فروگیرند و از فرجهای خود نگهداری کنندوزینت خودراظاهر نکنند جزآنچه نمایان ازخوداست وباید مقنعه خودرابرگریبان خود

زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اٰبَآئِهِنَّ اَوْ اٰبَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ اَوْ اَبْنَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اَخَوٰتِهِنَّ اَوْ نِسَآئِهِنَّ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ اَوِ التّٰبِعِيْنَ غَيْرِ اُولِى الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِيْنَ لَمْ يَظْهَرُوْا عَلٰى عَوْرٰتِ النِّسَآءِ ۖ وَلَا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِيْنَتِهِنَّ ؕ وَتُوْبُوْٓا اِلَى اللّٰهِ جَمِيْعًا اَيُّهَ الْمُؤْمِنُوْنَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٣٢﴾

بگذارندوزینت خودراآشکارنکنند جزبرای شوهران خود یا پدران خود یا پدران شوهران خود یا پسران خود یا پسران شوهران خود یا برادران خود یا پسران برادران خود یاپسران خواهران خودیا زنان خود یا مردان زیر دست یاخدمتکارانخودازمردان که تمایلات جنسی ندارند یاطفلان که برعورتهای زنان ناآشناند و پاهای‌خودرانزندتا [بمردم]آشکار کرده شودآنچه اززینت های خود پنهان میکنندوای‌مومنان‌اجمع شما توبه کنان بسوی‌خدافروتنی کنید تاباشدکه شماموفق شوید(۳۲)

وَاَنْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ وَالصّٰلِحِيْنَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَآئِكُمْ ؕ اِنْ يَّكُوْنُوْا فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ؕ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٣٣﴾

و میانخود بیوگان و نیکو کاران از غلامان وکنیزکانخود تزویج نمائید. اگرآنهامستمند باشندخدا بفضل خود آنهارا بی نیاز میسازد وخدا گشایش بخشاء صاحب علم دائمی است (۳۳)

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ نِكَاحًا حَتّٰى يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ؕ وَالَّذِيْنَ يَبْتَغُوْنَ الْكِتٰبَ مِمَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوْهُمْ اِنْ عَلِمْتُمْ فِيْهِمْ خَيْرًا ۖۗ وَّاٰتُوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللّٰهِ الَّذِيْٓ اٰتٰىكُمْ ؕ وَلَا تُكْرِهُوْا فَتَيٰتِكُمْ عَلَى الْبِغَآءِ اِنْ اَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوْا عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ؕ وَمَنْ يُّكْرِهْهُّنَّ فَاِنَّ اللّٰهَ مِنْۢ بَعْدِ اِكْرَاهِهِنَّ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۳٤﴾

وکسانیکه بعقدازدواج راه نیابند باید عفت ورزند تاخدا آنانرا بفضل خود بی‌نیازسازد و آنان از بردگانتان که مکاتبت میخواهند پس اگر در آنان خیری دریابید باآنها مکاتبت کنید وازآن دارائی که خدابشمادرداده به آنهاهم بدهید و کنیزکان خود را به بدکاری وا دار نکنیداگربخواهندعفت ورزند تا برخوردارزندگانی دنیاشویدو هرکه به آنهاوادارکندپس یقیناًبعد از وادارکردن ایشان خدا صاحب آمرزش بارهارحمکننده است(۳٤)

وَلَقَدْ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكُمْ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ وَّمَثَلًا مِّنَ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿۳۵﴾ ع ۸ ۱۰

ویقیناًما بسوی شماآیتهای آشکار کننده ونمونهٔ ازآنانکه پیش ازشما بودند ومتقیان را نصیحت نازل کردیم(۳۵)

اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ مَثَلُ نُوْرِهٖ كَمِشْكٰوةٍ فِيْهَا مِصْبَاحٌ ؕ اَلْمِصْبَاحُ فِيْ زُجَاجَةٍ ؕ اَلزُّجَاجَةُ كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ

خدانورآسمانهاو زمین است. مثل آن نورمانندطاقچهٔ است که در آن چراغی باشدوآنچراغ درآبگینهٔ باشدوآن آب گینهٔ گویی ستارهٔ

دُرِّيٌّ يُّوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبٰرَكَةٍ زَيْتُوْنَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَّلَا غَرْبِيَّةٍ ۙ يَّكَادُ زَيْتُهَا يُضِيْٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ؕ نُوْرٌ عَلٰى نُوْرٍ ؕ يَهْدِى اللّٰهُ لِنُوْرِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيْمٌ ۙ ﴿٣٦﴾

تابان است آن [چراغ] از درختی خجستهٔ زیتون روشن کرده شود که نه شرقی‌ونه غربی‌باشد.نزدیك است که روغنش مشتعل گردد اگرچه آتش آنرالمس نکند.این نور بر نور است. خدا هرکه را بخواهد به نورخود هدایت میدهد وخدابرای مردم مثلهامیزندو خدا به هرچیز مدام آگاه است(٣٦)++

++آیت ٣٦: اینجا روغن زیتون را ذکر تمثیلی است. روغن زیتون چون افروخته شود نورمیفکند ولی دود نمیزند.

لاشرقية ولاغربية:مفهوم اینست که نور خدا نه برای شرق خاص است و نه برای غرب اختصاص دارد. رسول الله ﷺ نیز بمصداق این تمثیل شرق وغرب هردوی را رسولی تك اند و همین نوراست که بوساطت ایشان به اصحاب ایشان نیز دررسید. رسول الله ﷺ این نور خجستهٔ ی را فقط تادرذات گرامی خودمحدود نداشتند بلکه برای همگانی مشترك قراردادند بطوریکه در آیت بعدی مذکور است که آن نور در منازل اصحاب نیز میدرخشید.

مثل ستارگان برای این زده شد که نور آنها از دُورا دُور بچشم میخورد و به همین نسبت نور رسول الله ﷺ و اصحاب ایشان نیز از دورا دور دیده خواهد شد.

مشکوة آن طاقچهٔ محفوظ است که در آن چراغ نهاده شود. نور این چراغ از شیشه منعکس شده نه تنها آن مشکوة را درآنچه نور است روشن سازد بلکه به بیرون نیز منعکس شود.شیشهٔ ی‌که دَوروبر آن چراغ است آنرا دو منظور است [ص: ٨٢٦]

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٧﴾

در آن خانه های که خدا امر کرده که ترفیع داده شوند ودرآنها نام اویادکرده شود.صبح وشام درآنها او را تسبیح میگویند(۳۷)

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٨﴾

مردانیکه تجارت و دادوستد آنان را ازذکرخداو برپا کردن نماز و ادای زکوٰت غافل نمیکند.ایشان میترسندازروزیکه دلها و دیدگان در آن منقلب گردد(۳۸)

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

تا خدا بدیشان عوض دهد بهترین آن اعمال را که انجام میدادند و بفضل خود آنهارا میفزاید و خدا به هر که بخواهد رزقی بیحساب میدهد(۳۹)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤٠﴾

وآنانکه کفرکردند اعمالشان مانند سرابی است دردشت که تشنهٔ لب آنراآب پندارد تا چون نزدآن آید آنراهیچ نیابد و خدا را نزد آن بیابد.پس اوحسابش را به اوکامل

بقیه ۸۲۵: اول اینکه اگر گرداگرد چراغ شیشهٔ است دود از آن بیرون نمیاید. دوم اینکه نورش درخشنده تر بیرون آمده و گسترش مییابد.

اَوْ كَظُلُمٰتٍ فِيْ بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّغْشٰهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهٖ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهٖ سَحَابٌ ؕ ظُلُمٰتٌۢ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ ؕ اِذَاۤ اَخْرَجَ يَدَهٗ لَمْ يَكَدْ يَرٰىهَا ؕ وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهٗ نُوْرًا فَمَا لَهٗ مِنْ نُّوْرٍ ﴿٤١﴾ ع

بدهد و خدا زودحساب است(٤٠)
یا[اعمالشان]است مانند تاریکیها دردریای عمیق که آنرا موجی باز فوق آن موجی از آن فوق، ابری فرو پوشیده است ـ تاریکیهای که رویهم چینده است. چون او دست خودرا درآورد نمیشود آنرا ببیند وبرای کسیکه خدا نور قرارندهد پس بدو نور نصیب نمیشود(٤١)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ صٰٓفّٰتٍ ؕ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهٗ وَتَسْبِيْحَهٗ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٤٢﴾

آیا ننگریستی که خدااست که او را هرچه در آسمانها و زمین است تسبیح میگویدوهم پرندگان بال بازگشاده.هرکدام طریق عبادت و تسبیح خودرادانسته است و خدا نیک دانااست به آنچه میکنند(٤٢)

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿٤٣﴾

و پادشاهی آسمانها و زمین ازآن خدا است وبازگشت بسوی خدا است(٤٣)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِيْ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهٗ ثُمَّ يَجْعَلُهٗ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ

آیاندیدی که خدا ابر را میراند. سپس آنرابهم میپیوندد.سپس آن را لا به لا میگرداند.آنگاه می

يَخۡرُجُ مِنۡ خِلٰلِهٖ ۚ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنۡ جِبَالٍ فِيۡهَا مِنۡۢ بَرَدٍ فَيُصِيۡبُ بِهٖ مَنۡ يَّشَآءُ وَيَصۡرِفُهٗ عَنۡ مَّنۡ يَّشَآءُ ؕ يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهٖ يَذۡهَبُ بِالۡاَبۡصَارِ ﴿۴۴﴾

بینی که باران از خلال آن خارج میشود و از بلندیها یعنی ازآن کوهماکه درآنهاواقع است تگرگ نازل میکند.پس بر هر که بخواهد آنرا میرساندوازهرکه بخواهد آن را بازمیدارد.نزدیکست درخشش برق دیده های را ببرد(٤٤)

يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيۡلَ وَالنَّهَارَ ؕ اِنَّ فِىۡ ذٰلِكَ لَعِبۡرَةً لِّاُولِى الۡاَبۡصَارِ ﴿۴۵﴾

خدا شب و روز را میگرداند. یقینًا در این امراهل بصیرت رامایهٔ عبرت است(٤٥)

وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّنۡ مَّآءٍ ۚ فَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يَّمۡشِىۡ عَلٰى بَطۡنِهٖ ۚ وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يَّمۡشِىۡ عَلٰى رِجۡلَيۡنِ ۚ وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يَّمۡشِىۡ عَلٰۤى اَرۡبَعٍ ؕ يَخۡلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىۡءٍ قَدِيۡرٌ ﴿۴۶﴾

و خدا جنبندگانی هرگونهٔ را از آب آفرید.پس برخی ازآنها است که برشکم خودحرکت کندوبرخی ازآنها است که بردوپاحرکت کند و برخی ازآنهااست که برچهارپا حرکت کند خدا میافریند هرچه دوست دارد. حتماً خدابرهرچیز قدرتمند است(٤٦)

لَقَدۡ اَنۡزَلۡنَاۤ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ ؕ وَاللّٰهُ يَهۡدِىۡ مَنۡ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسۡتَقِيۡمٍ ﴿۴۷﴾

یقینًاما آیتهای روشن کننده نازل کرده ایم و خدا هرکه رابخواهد براه راست هدایت میکند(٤٧)

وَيَقُولُونَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٨﴾

ومیگویند به خدا و رسول ایمان آوردیم و اطاعت کردیم. بازهم گروهی‌ازآنهاپس ازاین روگردانی کنند و اینهامومنان نیستند(٤٨)

وَاِذَا دُعُوٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٩﴾

وهرگاه بسوی‌خداورسول خوانده شوندتامیانشان قضاوتکند ناگهان گروهی‌ازآنها اعراض میکنند(٤٩)

وَاِنْ يَّكُنْ لَّهُمُ الْحَقُّ يَاْتُوٓا اِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٥٠﴾

واگرایشانراحقی‌باشددم ازفرمان برداری او [رسول] زده بسوی او میآیند(٥٠)

اَفِىْ قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ اَمِ ارْتَابُوٓا اَمْ يَخَافُونَ اَنْ يَّحِيفَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهٗ بَلْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُونَ ﴿٥١﴾ ع

آیا در قلبهای ایشان بیماری است یا به شك افتاده اند یامیترسند مبادا خداورسولش برآنهاستم کند بلکه همانهاند که ستمکاراانند(٥١)

اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ اِذَا دُعُوٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اَنْ يَّقُولُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥٢﴾

گفتارمومنان هنگامیکه بسوی خدا ورسولش دعوت شوند تا میان ایشان قضاوت کند فقط اینست که شنیدیم و اطاعت کردیم وهمانها موفق شدگان اند(٥٢)

وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ وَيَخْشَ اللّٰهَ وَيَتَّقْهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿٥٣﴾

وهرکه خدا و رسول اورا اطاعت کند و ازخدا بترسد و اورا تقویٰ

فراگیرد پس همانها پیروزمندان اند(٥٣)

وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ اَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ ؕ قُلْ لَّا تُقْسِمُوْا ۚ طَاعَةٌ مَّعْرُوْفَةٌ ؕ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿٥٤﴾

وقسمهای جدی خودبه خداخوردند که اگر آنها را دستوربدهی حتمًا بیرون روند.بگو قسم نخورید فرمانبرداری بمعروف بس است. یقینًاخدا آگاه به آنست که انجام میدهید(٥٤)

قُلْ اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ ؕ وَاِنْ تُطِيْعُوْهُ تَهْتَدُوْا ؕ وَمَا عَلَى الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿٥٥﴾

بگواطاعت کنید ازخدا واطاعت کنید ازرسول پس اگر پهلوکنید آنگاه براوفقط آنست که اوتکلیف کرده شد و بر شما آنست که شما تکلیف کرده شدید و اگر او را اطاعت کنید هدایت میيابید و نیست بررسول جزرساندن پیغام را آشکارا(٥٥)

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِى ارْتَضٰى لَهُمْ

کسانی از شما که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند خدا وعده داده که یقینًاایشان راخلیفه در زمین برگزیند بطوریکه او خلیفهٔ برگزید کسانیرا که پیش

وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنًا ۭ يَعْبُدُوْنَنِيْ لَا يُشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْـًٔا ۭ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝۵۶

از ایشان بودند و حتمًا آن دین ایشان را برای ایشان استوار گرداند که برای ایشان پسندید و حتمًاایشانراپس از هراس ایشان به حالت ایمن تبدیل کند.ایشان مراعبادت کنندو چیزی را شریک من قرارندهند و هر که پس از آن ناسپاسی کندپس همانها نافرمانان اند(۵٦)++

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا

و نمازرا بپادارید و زکٰوت دهید

++آیت ۵٦:این آیت استخلاف گفته میشود درچه سخن از این موضوع می رود که خداوند سلسله خلافت را بطوریکه در زمان پیغمبران پیشین تشکیل داد پس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیز برگزیند و آن خلافت نور پیغمبر را برگرفته پیشروی کند. هربار خلیفۀ ی که درگذرد آنگاه جماعت مومنان به حالتی بیمناك روبرو گردد آنچه بفضل خدا از برکت خلافت به حالت امن تغییر یابد. پس علامت خلافت راستین اینست که آن جماعت مومنان را از حالت ناامنی بسوی امن در آورد. حضرت مسیح موعود علیه السلام نیز در "الوصیت "همین را فرمودند که پس از درگذشت پیغمبری یا خلیفۀ یعجالتاً همین احساس فراگیردکه اکنون دشمن این نور را فرونشاند اما در این آیت استخلاف وعدۀ ی حتمی است که دشمن هربار ناموفق گردد.

ظهور نبوت رامنظور برقراری توحید خداوندی است. همانگونه خواسته نهائیخلافت راستین نیز بپاکردن عقیده توحید است.

الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿٥٦﴾

و رسول را اطاعت کنید تا شما ترحم کرده شوید(۵۷)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مُعْجِزِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۚ وَمَاْوٰىهُمُ النَّارُ ۖ وَلَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿٥٨﴾

گمان نکن آنها که کفر کردند [مومنانرا]درزمین بعجز آرندگان اندحالیکه ماوی آنها جهنم است و البته چه زشت جایگاه است(۵۸)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِيَسْتَاْذِنْكُمُ الَّذِيْنَ مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ وَالَّذِيْنَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلٰثَ مَرّٰتٍ ۖ مِنْ قَبْلِ صَلٰوةِ الْفَجْرِ وَحِيْنَ تَضَعُوْنَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيْرَةِ وَمِنْۢ بَعْدِ صَلٰوةِ الْعِشَآءِ ۚ ثَلٰثُ عَوْرٰتٍ لَّكُمْ ۖ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌۢ بَعْدَهُنَّ ۖ طَوّٰفُوْنَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلٰى بَعْضٍ ۖ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ ۖ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٩﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید آنان که زیردست شماندوکسانی ازشما که به سن مردی نرسیده اند [قبل ازداخل به اطاق شما]سه هنگام از شما بایداجازه بگیرند - قبل از نماز فجر و هنگام ظهر که [برای استراحت]جامه های‌خودرا در می آرید و پس از نمازخفتن.این سه هنگام برای حجاب شما است.جز این [وقت]ها هیچ گناهی برشما و برآنهانیست[که بلااجازه آمد وشد کنید]برخی‌ازشما بربرخی اکثرًا آمدوشد کنند. اینطور خدا آیات خود را برایشما بوضوح بیان می کند و خدا صاحب علم دائمی

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۖ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦١﴾

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ

صاحب حکمت است(۵۹)

وهرگاه کودکان از شما به سن بلوغ برسند باید اجازه گیرند بدانگونه که اجازه میگرفتند کسانیکه پیش از آنها بودند. این گونه خداآیتهای‌خود رابرای شما بروشنی بیان کندوخداصاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۶۰)

وبازنشتگان اززنان که امید نکاح ندارندپس نیست گناهی برآنها که جامه های[زاید]خودرا کنارگذارند زینت رابنمایش نگذاردگان واگر عفت ورزندبرایشان نیکوتر است وخدابسیارشنوای دانااست(۶۱)

هیچ باکی نیست برکور و نه بر معلول و نه بربیمار و نه برخود شما که طعام صرف کنید از منازل خود یاازمنازل پدران خود یا از منازل مادران خود یا از منازل برادران خودیاازمنازل خواهران خود یا از منازل عموهای خود یا

اَخَوٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَعْمَامِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ عَمّٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخْوَالِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ خٰلٰتِكُمْ اَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَّفَاتِحَهٗٓ اَوْ صَدِيْقِكُمْ ؕ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَاْكُلُوْا جَمِيْعًا اَوْ اَشْتَاتًا ؕ فَاِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوْتًا فَسَلِّمُوْا عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبٰرَكَةً طَيِّبَةً ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٢﴾ ع ٨ ١٤

از منازل عمه های خودیاازمنازل دایی‌های خودیاازمنازل خاله های خودیاکلیدها آنچه در دست شما است یا[ازمنازل] دوستان خود. نیست گناهی برشماکه طعام بهم صرف کنید یا جداگانه.پس هرگاه به منازل درآئیدپس بمردم خود سلام گویید.[این]ازجانب خدا درودی پر برکت وپاکیزه است. اینگونه خدا آیات خودرا برای شما بوضوح بیان میکند تا باشد که بخرد یابید(٦٢)

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاِذَا كَانُوْا مَعَهٗ عَلٰٓى اَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوْا حَتّٰى يَسْتَاْذِنُوْهُ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَاْذِنُوْنَكَ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۚ فَاِذَا اسْتَاْذَنُوْكَ لِبَعْضِ شَاْنِهِمْ فَاْذَنْ لِّمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللّٰهَ ؕ اِنَّ

مومنان واقعی همانهاند که بر خدا و رسول او ایمان آورند وهرگاه بر امرجامع با اوگرد آیند نروند تا آنگاه که ازاو[رسول]رخصت نگیرند.همانا کسانیکه ازتواجازه میگیرندهمانهاندکه برخداورسول اوایمان میآرند.پس چون از تو برای بعض کارهای خود رخصت خواهندپس هرکه ازآنهارابخواهی

اللّٰهَ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ ﴿٦٣﴾

اجازه بده وبرای ایشان از خدا آمرزش بخواه. یقینًا خدا خیلی آمرزندۀ بارهارحمکننده است(٦٣

لَا تَجۡعَلُوۡا دُعَآءَ الرَّسُوۡلِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُمۡ بَعۡضًا ‌ؕ قَدۡ يَعۡلَمُ اللّٰهُ الَّذِيۡنَ يَتَسَلَّلُوۡنَ مِنۡكُمۡ لِوَاذًا‌ ۚ فَلۡيَحۡذَرِ الَّذِيۡنَ يُخَالِفُوۡنَ عَنۡ اَمۡرِهٖۤ اَنۡ تُصِيۡبَهُمۡ فِتۡنَةٌ اَوۡ يُصِيۡبَهُمۡ عَذَابٌ اَلِيۡمٌ ﴿٦٤﴾

خواندن رسول رامیان خودمانند خواندن همدیگرتلقی نکنید. البته خدا میداند آنها را که گریز زده ازمیان شمادرمیروند. پس آنها که ازفرمان اومخالفت میکنند باید حذر کنندمبادافتنۀ به آنهافرارسد یا عذابی دردناك به آنها اصابت کند(٦٤)

اَلَاۤ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ‌ ؕ قَدۡ يَعۡلَمُ مَاۤ اَنۡتُمۡ عَلَيۡهِ ؕ وَيَوۡمَ يُرۡجَعُوۡنَ اِلَيۡهِ فَيُنَبِّئُهُمۡ بِمَا عَمِلُوۡا‌ ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَىۡءٍ عَلِيۡمٌ ﴿٦٥﴾

باش!یقینًا ازآن خدااست هرچه در آسمانها و زمین است.یقینًااو میداند آن[چگونگی]که شما بر آن هستید و روزی که بسوی او برگردانده شوندآنگاه آنهارا خبر دهد به آنکارکه میکردند وخدا به هرچیزخوب دانا است(٦٥)

ع ٩ / ١٥

# ۲۵ - الفرقان

این سورة در آخیر دور مکه نازل شد و با بسم اللّه ۷۸ آیت دارد.

آغاز این سورة حاکی ازاین ذکر است که خداوند رسول اللّه ﷺ را آن فرقان یعنی میزان بزرگ اعطاکرد که راستیودروغ راباز میشناسد.این همان میزان است که ذکر ازآن بارها درسورة النور رفته است.اکنون دراین سورة آنرا مثلهای بیشتر آورده میشود.

ازآنجمله یکی اینست که صلاحیّت رسول اللّه ﷺ محدود نه تنها برای بازشناختن راستیودروغ میان مردم پیرامون خودبودبلکه برای بازشناختن راستی ودروغ میان مردم جهان ایشان را فرقان بزرگ بصورت قرآن اعطا شده بود.

دشمنان رسول اللّه ﷺ درپاسخ معجزات ایشان برای رسالت راستین این میزان برباقته ای را ارائه میدادند که این رسول را چیست که غذا می خورد و در بازارهاحرکت میکند؟چرا فرشته ای با وی فرودنفرستاده شد تا بهمراه ویبیم میداد؟بدینصورت آنهاپیمانه ای درست کرده بودندکه بررسول باید گنجی از آسمان نازل شود حالانکه بر رسول نه گنج ظاهری بلکه گنج لامتناهی عبارت از تعلیم وی نازل میآید.

ضمناً طبق خواسته آنها رسولی باید دارای باغستان باشد که هرچه و هرکجای درآن بخواهدبی زحمت بمیل خودبخورد.خداوند درپاسخ میفرماید که آن باغهاکه مابرای تو دربهشت آماده کرده ایم نسبت به آنها این بیخردان نمیتوانند تصور هم کنند و آن باغستان شامل آن کاخهای روحانی است که

علی الخصوص برای تو ساخته شد.

ضمناًدر ردّ دعوی کافران فرموده شد که هرچند رسولان قبل از این گذشته اند یکی ازایشان راخاطرنشان کنید که او مانند انسانها در کوچه ها حرکت نمیکرد واگرنمیتوانیدخاطرنشان کنید پس این عمل شما کلیةً انکار ازمقام رسالت است که گویی خدانمیتواندهیچکس رارسولیبرگزیند. نسبت به نزول فرشتگان برکافران بایدبدانند که فرشتگان حتماًبرآنها نازل شوند ولی با پیغام هلاك آنها و به چنین عذابی خبر دهند که دیگر ازآن نجات غیر ممکن است.

یکی این ایراد نیز گرفته میشود که چرا قرآن یکبار بهم نازل کرده نشد؟حقیقت امر اینست که قرآن را بهم نازل نکردن بسیارحکمتهای پوشیده همراه دارد. ازآنجمله یکی اینست که حال و هوای حومه آنزمان متقاضی بود که به ترتیبی که امراض ایشان بظهور رسد نزول آیتهای قرآن نیز عبارت از همان موضوع باشد. دومین اینکه هرآن قلب رسول الله ﷺ بوسیله نشانه های جدید استقامت عمیق تراعطاء شود و نه تنها یك نشانه رابلکه ایشان طی زمان نزول قرآن یك سلسله لامتناهی نشانه ها را رویت کنند. بعلاوه اگر رسول الله ﷺ آن قرآن را که نزولش بیست و سه سال امتداد داده شد بربافته بودند هرگز آن دارای چنین ترتیل و ترتیب نبود. آنکس که از نوشتن و خواندن بیسواد باشد چطور میتواند که بر بیست و سه سال آینده پیشی گیرد.

ضمناًحضرت مسیح موعودعلیه السلام به این حکمت نیزمتوجه ساختندکه طی تمامی بیست وسه سال رسول الله ﷺ باواوضاعی بسیارپرخطر مواجهه

شدند.حین هولناك ترین اوضاع از اصحاب خود پیشی گرفته و جان خود را به مخاطرات انداخته خلاف دشمن نبرد کردند.بوسیله زهر نیز تلاش شد که ایشان به هلاك رسانده شوند. اما تا آن نهایت که شریعت پایان داده نشد خدای متعال ایشان را زنده نگهداشت. پس قرآن کریم را رفته رفته نازل آمدن معجزه ای بسیار بزرگ است.

بهمین منوال علامات عبادالرحمن را بیان کرده پایان سورة حاکی از این امرشدکه بطوریکه آسمان را دوازده برج است همینطور پس از تو برای دفاع ازدین تودوازده مجددان ظهورخواهندکرد و ببعد آن بدر ظاهر شود که روشنی کامل از نور توخواهد یافت.

درهمین رکوع این سورة ازجمله صفات عبادالرحمن بامیانه روی،فروتنی و درقیام وسجود زندگی گذاردن ایشان مذکور است. آخرین آیت این سورة حاکی ازاینست که چراایشان زندگی را درقیام وسجود دعاکرده میگذارند زیرا که بغیر از وسیله دعا نتوان از خداوند زندگی یافت و هرکدام از دعا روی بگرداند و تعلق خدا را ببرد بیشمار مرض های هولناك او را فرا میگیرند و دیگر او نمیتواند ازآنها نجات بیابد.

☆ سُوْرَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْسَمْلَةِ ثَمَانٍ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

تَبٰرَكَ الَّذِیْ نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهٖ لِيَكُوْنَ لِلْعٰلَمِيْنَ نَذِيْرًا ②

صاحب برکت ثابت شد تنها آنکه فرقان رابربندهٔ خود نازل کرد تا مشدار دهندهٔ همه جهانها باشد(٢)

الَّذِیْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِی الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهٗ تَقْدِيْرًا ③

آنکه پادشاهی‌آسمانهاو زمین ازآن اوست و پسری برنگرفت و نه او را کسی شریك درپادشاهی است. او هرچیزرا آفریدوآنرا فراخور اندازهٔ مرتب درآورد(٣)

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً لَّا يَخْلُقُوْنَ شَيْـًٔا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ وَلَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَّلَا يَمْلِكُوْنَ مَوْتًا وَّلَا حَيٰوةً وَّلَا نُشُوْرًا ④

و آنها جز او معبودانی‌گرفته اند که هیچ چیزی رانمیآفرینند حال اینکه خودآفریده میشوند ودرحق خود نه به زیان دست دارند و نه به سود ونه مرگ دردستشان است ونه زندگی‌ونه حشرونشراست(٤)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اِنْ هٰذَاۤ اِلَّاۤ اِفْكُ ۨافْتَرٰىهُ وَاَعَانَهٗ عَلَيْهِ قَوْمٌ اٰخَرُوْنَ ۛ فَقَدْ جَآءُوْ ظُلْمًا وَّزُوْرًا ⑤

معانقة اعند المتأخرین

و آنها که کفر کردند گویند که نیست این مگردروغی که او بهم بافته است و دیگر مردم او را بر

این یاری‌کرده اند.پس یقینًا آنان با سراسر ستمی و دروغی آمده اند(٥)

وَقَالُوٓا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلٰى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَّاَصِيلًا ﴿٦﴾

و گویند که اساطیرپیشینیانست که آنها را رو نویسی کرده و صبح وشام آنها بر او فروخوانده میشود(٦)

قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧﴾

بگونازلکرد آنراآنکه راز آسمانها وزمین رامیداند.یقینًا او آمرزندهٔ بارها رحم کننده است(٧)

وَقَالُوا مَالِ هٰذَا الرَّسُولِ يَاْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْاَسْوَاقِ ۗ لَوْلَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا ﴿٨﴾

وگویند،این رسول راچیست که که غذامیخوردودربازارها میرود. چرافرشتهٔ براوفرونفرستاده شد تا با او بیم دهندهٔ میبود(٨)

اَوْ يُلْقٰى اِلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَّاْكُلُ مِنْهَا ۗ وَقَالَ الظّٰلِمُونَ اِنْ تَتَّبِعُونَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ﴿٩﴾

یاگنجی بر او نازلکرده میشدیا باغی اورا میبودکه ازآن میخورد. و ستمکاران گفتندکه شماپیروی نمیکنید جز مردی را که او را جادوئی شده است(٩)

اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿١٠﴾ ع

بنگرچه مثلهای برای تومیزنند پس گمراه گشته اند و هیچ راهی

را طاقت نیآورند(۱۰)

تَبَٰرَكَ ٱلَّذِىٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذَٰلِكَ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا ﴿١١﴾

صاحب برکت ثابت شد تنها آنکه اگرمیخواست چیزهای بهترازین برای‌تومیآفریدیعنی‌باغهای که در دامنهٔ آنهانهرهای‌جاری‌بودوکاخها پرعظمت برای تو بنامیکرد (۱۱)

بَلْ كَذَّبُوا۟ بِٱلسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١٢﴾

اما آنها بقیامت مکذب شده اند و ما برای‌آنکه تکذیب قیامت کند آتشی‌شعله ور مهیاکرده ایم(۱۲)

إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿١٣﴾

چون آنهاازجای‌دوربنگرند صدای خشم وخروش آنرابشنوند(۱۳)

وَإِذَآ أُلْقُوا۟ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا۟ هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٤﴾

وهنگامیکه در آن زنجیر کرده در تنگناافکنده شوند درآنجا هلاك را بخوانند(۱٤)

لَّا تَدْعُوا۟ ٱلْيَوْمَ ثُبُورًا وَٰحِدًا وَٱدْعُوا۟ ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٥﴾

امروز فقط یك هلاك را نخوانید بلکه بسیار هلاکت های را بخوانید(۱۵)

قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ ٱلْخُلْدِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ ۚ كَانَتْ لَهُمْ جَزَآءً وَمَصِيرًا ﴿١٦﴾

بپرس آیااین بهتراست یا بهشتی جاوید که به متقیان وعده شده است که آن برای ایشان پاداشی و بازگشت گاهی است(۱٦)

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَ ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْـُٔولًا ﴿١٧﴾

برای ایشان است در آن هرچه بخواهند [زیرا که ایشان درآن] جاودانانند.این بر پروردگار تو وعدهٔ ی به مسئولیت است(۱۷)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِى هَٰٓؤُلَآءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا۟ ٱلسَّبِيلَ ﴿١٨﴾

و[بیادآرید] روزیکه او آنان وآنها راکه جزخدا آنان عبادت میکردند را جمع کند.پس گوید، آیا شما بندگانم را گمراه کرده بودید یا آنهاخود از راه راست دورشده بودند؟(۱۸)

قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِى لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا۟ ٱلذِّكْرَ وَكَانُوا۟ قَوْمًۢا بُورًا ﴿١٩﴾

گویند،توپاك هستی.مارا نه سزد که فرود از تو آقایان میگزیدیم واماآنها و پدران ایشان را متنعم ساختی تا آن انتها که ذکر[تو]را فراموش کردند وقومی مستوجب هلاك شدند(۱۹)

فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا ۚ وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾

پس البته آنها رد کرده اند آنچه میگوئید. پس طاقت نیآورید به برگرداندن[عذاب]وکمك [گرفتن] را و هرکه از شما ستم کند او را عذابی بزرگ بچشانیم(۲۰)

وَمَآ اَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِنَ الۡمُرۡسَلِيۡنَ اِلَّاۤ اِنَّهُمۡ لَيَاۡكُلُوۡنَ الطَّعَامَ وَيَمۡشُوۡنَ فِى الۡاَسۡوَاقِ ؕ وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٍ فِتۡنَةً ؕ اَتَصۡبِرُوۡنَ ۚ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيۡرًا ﴿۲۱﴾ ع ۲ ۱۱ ۱۷

و هیچ رسولی را قبل ازتو نفرستادیم مگریقیناً ایشان غذا میخوردندو دربازارهاراه میرفتند و بعضی از شما را برای بعضی آزمایش قرار دادیم. آیا صبر می کنید؟ و پروردگارتو بسیار بینا است(۲۱)

وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ نَرٰى رَبَّنَا ؕ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيْرًا ﴿٢١﴾

و گفتند کسانیکه بملاقات ما امید نه دارندچرافرشتگان برما نازل کرده نشدند یاپروردگارخود را میدیدیم.البته خویشتن را والاتر شمرده و سرکشی بسیار بزرگ کرده اند(۲۲)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ لَا بُشْرٰى يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِيْنَ وَيَقُوْلُوْنَ حِجْرًا مَّحْجُوْرًا ﴿٢٢﴾

روزی که فرشتگان را ببینند آن روز مجرمان را بشارتی نباشد و گویند [بفرشتگان عذاب] دورا دوری بهتراست(۲۳)

وَقَدِمْنَآ اِلٰى مَا عَمِلُوْا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنٰهُ هَبَآءً مَّنْثُوْرًا ﴿٢٣﴾

ماپیشقدمی کنیم بسوی هرکاری که انجام دادند و آنرا ذره های پراکنده در هوا سازیم(۲٤)

اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَّاَحْسَنُ مَقِيْلًا ﴿٢٤﴾

اهل بهشت آنروز بهتر اند در مسکن و نیکوترند در آرامش گامی(۲۵)

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَآءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلٰٓئِكَةُ تَنْزِيْلًا ﴿٢٥﴾

و[بیادآرید]روزیکه آسمان بعلت [غرش]ابرها بشکافد و فرشتگان گروه گروه نازلکرده شوند(۲٦)

اَلْمُلْكُ يَوْمَئِذِ ۨالْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ ؕ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكٰفِرِيْنَ عَسِيْرًا ﴿٢٦﴾

آنروز پادشاهی ازآن رحمٰن است و آنروز کافران را بسی دشوار

باشد(٢٧)

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَٰلَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٨﴾

و[بيادآريد]روزيكه ستمكار دست خود را[باحسرت]گزيده وخواهد گفت، اى كاشكى راهى با رسول ميگرفتم(٢٨)

يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٩﴾

واى برمن!كاشكى فلان رادوست صميمى نميگرفتم (٢٩)

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا ﴿٣٠﴾

يقينًا مرا ازذكر[خدا]غافل نمود پس از آنكه مرا آمد و شيطان كه انسان رابى ياروياورترك كننده است(٣٠)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْءَانَ مَهْجُورًا ﴿٣١﴾

و رسول گفت، پروردگارا! يقينًا قوم من اين قرآن را متروك شمرده اند(٣١)++

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣٢﴾

و اينطور براى هركدام پيغمبر دشمنان از مجرمان ميسازيم و پروردگار تو هادى و ياور بس

---

++آيت٣١:اين آيت حتمأدرباره اصحاب نيست زيراكه درحيات رسول الله ﷺ بلكه تاسه قرن بعدازايشان تابعين وتبع تابعين نيزقرآن راترك نكرده بودند. لازماً اين يك پيشگويى‌است كه درزمان آينده پايان پذيرنده بودچون امت آنحضرت ﷺ قرآن را عملاً ترك كنند و رسول ﷺ در اينمورد بحضورخدا شكايت خواهند كرد.

است(٣٢)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْاٰنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً ۚ كَذٰلِكَ ۚ لِنُثَبِّتَ بِهٖ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنٰهُ تَرْتِيْلًا ﴿٣٢﴾

و گویند. آنها که کفر کردند چرا جمله قرآن یکباره براو نازلکرده نشد؟ همینطور [قرار بود نازل شود] تا بدان قلب تو را ثبات دهیم و آن را مستحکم و روان ساخته ایم(٣٣)

وَلَا يَاْتُوْنَكَ بِمَثَلٍ اِلَّا جِئْنٰكَ بِالْحَقِّ وَاَحْسَنَ تَفْسِيْرًا ﴿٣٤﴾

و هیچ دلیل به تو نمیآورند مگر ما [ به ردّ آن] برای تو حق و تفسیری نیکوتر میآوریم(٣٤)

اَلَّذِيْنَ يُحْشَرُوْنَ عَلٰى وُجُوْهِهِمْ اِلٰى جَهَنَّمَ ۙ اُولٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّاَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٣٥﴾

آنانکه جمع کرده بر روی های خود به جهنم برده شوند همانها زشتتر ازجهت مقام و گمراهتر در راه اند(٣٥)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَجَعَلْنَا مَعَهٗٓ اَخَاهُ هٰرُوْنَ وَزِيْرًا ﴿٣٦﴾

و یقینًا به موسٰی کتاب دادیم و برادرش هارون را با او وزیر قرار دادیم(٣٦)

فَقُلْنَا اذْهَبَآ اِلَى الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ؕ فَدَمَّرْنٰهُمْ تَدْمِيْرًا ﴿٣٧﴾

پس گفتیم شما دوی بسوی آن قوم بروید که آنها آیات مارا رد کرده اند. پس آنهارابسختی هلاك کردیم(٣٧)

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَٰهُمْ وَجَعَلْنَٰهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٨﴾

و قوم نوح چون پیغمبران ما را رد کردند آنها را غرق نمودیم و آنهارابرای مردم آیتی قراردادیم و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده ایم(٣٨)

وَعَادًا وَثَمُودَا۟ وَأَصْحَٰبَ الرَّسِّ وَقُرُونًۢا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٩﴾

وقوم عاد و ثمود و اهل رس و بسیارقومهای‌راکه میان آن[زمان] بودند.(٣٩)

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَٰلَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٤٠﴾

برای‌هرکدام مثلهای[عبرتناك]زده ایم و[منتها]همه را بسختی هلاك ساختیم(٤٠)

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿٤١﴾

و البته [مخالفان تو] بر شهری که بارانی شوم برآن باریده شد، [بارها] آمدند. پس آیا آن را نه نگریستند؟ حقیقت این است به رستاخیز امید ندارند(٤١)

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا الَّذِى بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٤٢﴾

و چون تو را ببینند تو را بباد سخریه میگیرند - آیا اینست آنکه را خدا رسولی برانگیخته است؟(٤٢)

إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَآ أَن صَبَرْنَا

نزدیك بود که ما را از معبودان

عَلَيۡهَا ؕ وَسَوۡفَ يَعۡلَمُوۡنَ حِيۡنَ يَرَوۡنَ الۡعَذَابَ مَنۡ اَضَلُّ سَبِيۡلًا ﴿۴۳﴾

خودگمراه میکرداگر برآنها صبر نمیکردیم وبزودی بفهمند چون عذاب راببینند کِی از راه گمراه تربود(۴۳)

اَرَءَيۡتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰٮهُ ؕ اَفَاَنۡتَ تَكُوۡنُ عَلَيۡهِ وَكِيۡلًا ۙ﴿۴۴﴾

آیانظرگماشتی به آنکس که هوای نفسانیخودرا معبودخودفراگرفت پس آیا تو میتوانی بر او وکیل باشی؟(۴۴)

اَمۡ تَحۡسَبُ اَنَّ اَكۡثَرَهُمۡ يَسۡمَعُوۡنَ اَوۡ يَعۡقِلُوۡنَ ؕ اِنۡ هُمۡ اِلَّا كَالۡاَنۡعَامِ بَلۡ هُمۡ اَضَلُّ سَبِيۡلًا ﴿۴۵﴾

آیا گمان میکنی که بیشتر ازآنها میشنوند یا بعقل میرسند؟یقینًا آنها فقط مانند چهارپایانند بلکه از آنها هم گمراهترند(۴۵)

اَلَمۡ تَرَ اِلٰى رَبِّكَ كَيۡفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوۡ شَآءَ لَجَعَلَهٗ سَاكِنًا ۚ ثُمَّ جَعَلۡنَا الشَّمۡسَ عَلَيۡهِ دَلِيۡلًا ۙ﴿۴۶﴾

آیا ندیدی بسوی پروردگارخود که سایه راچگونه میگستراند و اگرمیخواست حتمًاآنراساکن می گرداند سپس خورشید را بر آن نشان دهنده قرارداده ایم(۴۶)

ثُمَّ قَبَضۡنٰهُ اِلَيۡنَا قَبۡضًا يَّسِيۡرًا ﴿۴۷﴾

سپس آن[سایه]را کم کم بسوی خود جمع میکنیم(۴۷)

وَهُوَ الَّذِىۡ جَعَلَ لَـكُمُ الَّيۡلَ لِبَاسًا وَّالنَّوۡمَ سُبَاتًا وَّجَعَلَ النَّهَارَ نُشُوۡرًا ﴿۴۸﴾

و اوست آنکه شب را برای شما پوشاك وخواب راموجب آرامش

و روز را موجب گسترش قرار داد(٤٨)

وَهُوَ الَّذِيٓ أَرْسَلَ الرِّيٰحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِۦ ۚ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً طَهُورًا ﴿٤٩﴾

و اوست آنکه بادهارا مژده دهنده فرستاد پیش روی رحمت خود و آبی خالص را از آسمان نازل کردیم(٤٩)

لِّنُحْـِۧيَ بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُۥ مِمَّا خَلَقْنَآ أَنْعٰمًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٥٠﴾

تادیاری‌مردهٔ رابدان زنده کنیم و بنوشانیم آن[آب]آنهاراکه بکثرت دامها و مردم آفریده ایم(٥٠)

وَلَقَدْ صَرَّفْنٰهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا۟ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥١﴾

والبته آنرا میان ایشان گردانده بیانکرده ایم تا پند بگیرند اما بیشتر مردم فقط ناسپاسی کنان سرباز زدند(٥١)

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا ﴿٥٢﴾

و اگر میل داشتیم در هر قریهٔ بیم دهندهٔ میفرستادیم(٥٢)

فَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِينَ وَجٰهِدْهُم بِهِۦ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٣﴾

پس کافران را پیروی مکن و با این [قرآن] به آنها جهاد کن جهادی بزرگ(٥٣)

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا

واوست آنکه دو دریا را درهم بیآمیزد.این یك گوارای شیرین واین نمکی شوراست حالانکه او

بَرْزَخًا وَّحِجْرًا مَّحْجُوْرًا۝٥٤

میان آنها مانعی و جدائی قطعی نهاده است(٥٤)++

وَهُوَ الَّذِیْ خَلَقَ مِنَ الْمَآءِ بَشَرًا فَجَعَلَهٗ نَسَبًا وَّصِهْرًا ؕ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِیْرًا۝٥٥

واوست آنکه آدمی رااز آب آفرید وبرایش خویشی نَسَبی و خویشی ازدواج قرارداد و پروردگارتو صاحب قدرت دائمی است(٥٥)

وَیَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا یَنْفَعُهُمْ وَلَا یَضُرُّهُمْ ؕ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلٰی رَبِّهٖ ظَهِیْرًا۝٥٦

وپرستش میکنندجزخداآنهارا که نه آنانراسوددهندونه آنانرا زیان زنند و کافر درمقابل پروردگار خود [دیگران را]پشتبانی کننده است(٥٦)

وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِیْرًا۝٥٧

وتورانفرستادیم مگرمژده دهنده ای و بیم دهنده ای(٥٧)

قُلْ مَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَیْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَنْ شَآءَ اَنْ یَّتَّخِذَ اِلٰی رَبِّهٖ سَبِیْلًا۝٥٨

بگو،من برای این ازشماپاداشی نمیخواهم جزمرکه بخواهد راهی بسوی پروردگاه خود را پیش گیرد(٥٨)

++آیت ٥٤: دراین آیت سخن از دریای آرام و دریای اوقیانوس رفته است. آرام دریای آب شیرین است و اوقیانوس دریای نمکی و شوراست و بمیان ایندو سدّی است که نسبت به آن در آیتی دیگر ذکر رفته است که آن سدّ برداشته شود و ایندو دریا درهم پیوسته شوند.

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾

و بر آن زنده توکل کن که بی مرگست و با ستایش اوپاکیزگی او را بیان کن و خبر داشتن به گناهان بندگان خود او را بس است(٥٩)

معانقة عند المتقدمين

الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمٰنُ فَسْـَٔلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٦٠﴾

همانست که آسمانها و زمین و هرچه میان آندواست را درشش روزآفرید. سپس برعرش قرار گرفت. او رحمٰن است. پس برای او از کسی آگاه بپرس (٦٠)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمٰنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمٰنُ ۗ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۩ ﴿٦١﴾

السجدة ٧ ع ١٦/٣

وچون به آنها گفته شود که برای رحمٰن سجده کنیدگویند و رحمٰن چیست؟آیاسجده کنیم برای آنکه تو بمافرمان میدهی؟و [این امر] آنها را در نفرت زیاده کرد(٦١)

تَبٰرَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَّجَعَلَ فِيهَا سِرٰجًا وَّقَمَرًا مُّنِيرًا ﴿٦٢﴾

صاحب بسیاربرکت اثبات شدتنها آنکه درآسمان برجها نهاد و درآن چراغی روشن[خورشید]و قمری تابان قرار داد(٦٢)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَّذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٣﴾

و اوست آنکه شب و روز را از پس آینده همدیگرگرداند برای

آنکه دوست دارد نصیحت حاصل کند یا دوست دارد سپاسداری کند(٦٣)

وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ يَمْشُوْنَ عَلَى الْاَرْضِ هَوْنًا وَّاِذَا خَاطَبَهُمُ الْجٰهِلُوْنَ قَالُوْا سَلٰمًا ﴿٦٤﴾

وبندگان رحمٰن آنانند که برزمین فروتن راه روند و گویند سلام چون جاهلان به آنان مخاطب شوند(٦٤)

وَالَّذِيْنَ يَبِيْتُوْنَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَّقِيَامًا ﴿٦٥﴾

و آنانکه شبها را برای پروردگار خود سجده کنان و بپا ایستاده می گذرانند(٦٥)

وَالَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۖ اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٦﴾

و آنانکه میگویند پروردگارا! بر گردان از ما عذاب جهنم را یقینًا عذاب آن چسبنده است(٦٦)

اِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّمُقَامًا ﴿٦٧﴾

یقینًا آن خیلی بد است بطور آرامش و منزلگاه(٦٧)

وَالَّذِيْنَ اِذَآ اَنْفَقُوْا لَمْ يُسْرِفُوْا وَلَمْ يَقْتُرُوْا وَكَانَ بَيْنَ ذٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٨﴾

و آنانکه چون انفاق کنند نه اسراف کنند ونه بخل ورزندبلکه اعتدال میان این میباشد(٦٨)

وَالَّذِيْنَ لَا يَدْعُوْنَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَلَا يَقْتُلُوْنَ النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ

و آنانکه باخدا معبودی دیگر را نخوانند ونکشند نفسی راکه خدا [کشتن] آنرا حرام گردانده مگر

وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٩﴾

باحق وزنا نكنند و هركه اين كند كيفر گناه راخواهد ديد(٦٩)

يُضٰعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٧٠﴾

روز قيامت عذاب برايش افزوده شود و خوار در آن مدت دراز بماند(٧٠)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنٰتٍ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧١﴾

جز آنكه توبه كند و ايمان آرد و نيكوكارى كند پس همانها اندكه خدا بديهاى ايشان را به خوبيها تبديل كند و خدا بسيارآمرزندهٔ بارها رحم كننده است(٧١)

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ مَتَابًا ﴿٧٢﴾

و آنكه توبه كند وشايسته كارى كنديقيناًاوست كه توبه كنان به سوى خدا برميگردد(٧٢)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ ۙ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٣﴾

و آنانكه گواهى دروغ نميدهند و هرگاه گذركنند به هرزگيها كريم وارگذركنند(٧٣)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيٰتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٤﴾

وآنانكه چون به آيات پروردگار خود تذكرداده شوند كروكور بر آنها نمى افتند(٧٤)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

و آنهاكه ميگويند،پروردگارا! ما را از همسران ما و فرزندان ما

| | |
|---|---|
| إِمَامًا ﴿٧٥﴾ | روشنی چشمان عطا کن و ما را پیشوای متقیان بنما(٧٥) |
| أُولَٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَٰمًا ﴿٧٦﴾ | همانهاندکه داده شوند بالاخانه هائی بپاداش آنچه صبرکردند و ایشان در آنجا استقبال کرده و سلام رسانده شوند(٧٦) |
| خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٧﴾ | جاودانانند درآنها - چه قشنگ است منزلگاه و آرامشگاه (٧٧) |
| قُلْ مَا يَعْبَؤُا۟ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًۢا ﴿٧٨﴾ | بگوپروردگارم شمارا پروانکند اگردعای شمانبود.پس شماآنرارارد کردید.پس حتماً[وبالش برشما] چسبنده است(٧٨) |

# ٢٦-سورة الشعرا

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم الله ٢٢٨ آیت دارد.

آغاز این سورة نیز با مقطعات شده و حرف "ر" نخستین بار بطور حرف مقطعه نازل کرده میشود. این را میتوان معنای مختلف شد و مست. اما شماری از دانشمندان این مقطعات را شرح اینطور میدهند که منظور از "ط" طیب و "س" سمیع و از "م" علیم میباشد.

پایان سورة گذشته حاکی بودچون انسان ازدعاانکارکرده تعلق خود را باخدا میبرد، پس درنتیجه هرنوع مرض روحانی او را فرامیگیرد. در این سورة دنبال همین موضوع بعنوان مثال ذکرازآن اقوامیمیرود که بعلت انکاردعامستوجب این سلوك خداوندی شدند.پس از ذکر این ملتها تکرار مجدد از کلمه "اَلعَزِیزُالرَّحِیم دال براینست زیراکه خداوند رحیم است او آنانرا بارها فرصت میداد تا باشد که آنها بازگردند. این جریان عمل پی در پی ادامه داشت. آنان به مقابله حق میپرداختند و خداوند مجدداً با رحمت نوین خود بر آنان نازل میشد.

اینجا تکرار از واژه "اَلعَزِیز" حاکی از این امراست که دشمنان به هر نحوی تلاش کردند تاپیغمبران او را رسواکنند ولی خداوند نه گذاشت که آنها به آرزوی خود برسند و خدای عزیز پیغمبران خود راعزّت دائمی داد.

ضمناًآنحضرت ﷺ فرمان شدندکه ایشان خویشاوندان خودراازعقوبت بترسانند و بال وپرخود را برخویشاوندان روحانی خویش فروآرند.

اگرکافرانِ برکفرخود پافشاری کنند: پس اعلام کن که من ازکفرتان بیزارم

وتوگلم تنهابرخدااست که صاحب غلبه کامل،صاحب حکمت،بارماترحم کننده، بسیار شنوای دعاها و بسیار دانایست.

سپس چنین دلیلی‌آورده میشود از آنچه حتماً به اثبات میرسد که شیطانها بحرحال نمیتوانند برپیغمبران نازل شوند زیراکه ایشان نه"اَفَّاك" اند و نه"اَثِیم"یعنی پیغمبران نه دروغگویانند و نه گنهکاران و مردم که درجوار ایشان زیست میکنند همگان گواه بر راستگوئی ایشان میباشند.

کلامی که بر آنحضرت ﷺ نازل شد درعظمت آن این امر نیز شامل است که آن پراز حسن شعرگوئی سطح اعلائی است و بسیاری ازشاعران شعر گفتن را تحت تاثیر فصاحت و بلاغت شعری قرآن گرفته، ترك کردند. ولی از این بیان این گمان را تقویت دادن که رسول الله ﷺ نیزشاعری بلند مرتبه بودند از این جهت اشتباهی بزرگ است که یك شاعرکه در هرکدام وادی ولگردی میکند ولی قرآن آن چنان کتابی نیست که بی سبب در هر کدامین وادیها بگردد.

درعین حال خداوند آن شعرگویان را که ایمان آورده و نیکوکاری کرده وخدا را ذکر فراوان میکنند وچون ستم شوند انتقام میگیرند مبرًّا قرار داد. این کنایهٔ ی است بسوی آن مسلمان شاعران که از طریق شعرهای خود انتقام گرفتند از آن شاعران بدگوکه خلاف رسول الله ﷺ با شعرهای خود هجوم آورده بودند.

☆ سُوْرَةُ الشُّعَرَآءِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَتَان وَ ثَمَان وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ اَحَدَ عَشَرَ رُكُوْعًا

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝١ | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١) |
| طٰسٓمّٓ ۝٢ | طَيِّبٌ سَمِيْعٌ عَلِيمٌ - پاك - بسیارشنوا - بسیاردانا(٢) |
| تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ۝٣ | این آیتهای کتاب روشن است(٣) |
| لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ اَلَّا يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝٤ | آیاتوجان خودرامیبازی براینکه مومنان نمیشوند؟(٤) |
| اِنْ نَّشَاْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ اٰيَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خٰضِعِيْنَ ۝٥ | اگربخواهیم آیتی برآنهاازآسمان نازلکنیم پس برای آن گردنهای ایشان خاضع شود(٥) |
| وَمَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمٰنِ مُحْدَثٍ اِلَّا كَانُوْا عَنْهُ مُعْرِضِيْنَ ۝٦ | آنهاراپندیجدیداز رحمان نمیآید مگر از آن روگردانی میکنند(٦) |
| فَقَدْ كَذَّبُوْا فَسَيَاْتِيْهِمْ اَنْبٰٓؤُا مَا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ۝٧ | پس براستیآنها[هرآیتینورا] رد کردند.پس حتماًآنانرابیآیداخبار [از راست آمدن] آنچه که به آن تمسخر میکردند(٧) |
| اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى الْاَرْضِ كَمْ اَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ۝٨ | آیابسوی زمین ندیدند؟ ای بسا زوج ما بسیارنیکوی [از نباتات] درآن رویانیده ایم؟(٨) |

اِنَّ فِیۡ ذٰلِكَ لَاٰیَةً ؕ وَمَا كَانَ اَكۡثَرُهُمۡ مُّؤۡمِنِیۡنَ ﴿۹﴾

یقینًادراین آیتی بزرگ است در حالیکه بیشتر ایشان ایمان نمی آرند(۹)

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الۡعَزِیۡزُ الرَّحِیۡمُ ﴿۱۰﴾ ع

و یقینًا پروردگارتواست که او صاحب غلبه کامل بارهارحمکننده است(۱۰)

وَاِذۡ نَادٰی رَبُّكَ مُوۡسٰۤی اَنِ ائۡتِ الۡقَوۡمَ الظّٰلِمِیۡنَ ﴿۱۱﴾

وچون پروردگارتوبموسٰی ندازد که بسوی قومی ستمکاربرو(۱۱)

قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ ؕ اَلَا یَتَّقُوۡنَ ﴿۱۲﴾

قوم فرعون[بآن پیغام که،]"آیا تقوی فرانخواهندگرفت؟(۱۲)

قَالَ رَبِّ اِنِّیۡۤ اَخَافُ اَنۡ یُّكَذِّبُوۡنِ ﴿۱۳﴾ ؕ

اوگفت،پروردگارا براستی من می ترسم مبادامراتکذیب کنند(۱۳)

وَیَضِیۡقُ صَدۡرِیۡ وَلَا یَنۡطَلِقُ لِسَانِیۡ فَاَرۡسِلۡ اِلٰی هٰرُوۡنَ ﴿۱۴﴾

وسینه ام احساس تنگی دارد و سخن برزبان بخوبی نمیرود پس رسالت را به هارون بفرست(۱۴)

وَلَهُمۡ عَلَیَّ ذَنۡۢبٌ فَاَخَافُ اَنۡ یَّقۡتُلُوۡنِ ﴿۱۵﴾ ج

بعلاوه یکی گناه آنها بر گردنم نیز است و میترسم مبادا مرا بکشند(۱۵)

قَالَ كَلَّا ۚ فَاذۡهَبَا بِاٰیٰتِنَاۤ اِنَّا مَعَكُمۡ مُّسۡتَمِعُوۡنَ ﴿۱۶﴾

فرمود، هرگزنه. پس هردوی شما با آیات مابروید.یقینًا ما با شما هستیم ماخوب شنوندگانیم(۱۶)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٧﴾

پس هردوی نزد فرعون بروید و بگوئید، یقینًا ما رسول از پروردگار همه جهانها هستیم(١٧)

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ ﴿١٨﴾

[برای ابلاغ این پیغام] که بنی اسرائیل راباما بفرست(١٨)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَّلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٩﴾

[فرعون] گفت، آیا ترا درمیان خود بکودکی نپروریدیم و سالها ازعمرخودمیان مابسربردی(١٩)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿٢٠﴾

وکردی آن کار خود را که کردی و تو از ناسپاسان هستی(٢٠)

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَّأَنَا مِنَ الضَّآلِّينَ ﴿٢١﴾

[موسٰی]گفت،آنکارآنگاه کردم که از گم گشتگان راه بودم(٢١)

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَّجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٢﴾

هرگاه ازشما ترسیدم پس از شما فرار کردم. پس پروردگارم مرا حکمت داد ومراازپیغمبران قرار داد(٢٢)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَّ بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ ﴿٢٣﴾

و[آیا]اینست احسانی که منت آن رابرمن میگذاری‌که بنی‌اسرائیل را غلام گرفته ای؟(٢٣)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعٰلَمِينَ ﴿٢٤﴾

فرعون گفت وآن پروردگارجهان ها چیست؟(٢٤)

قَالَ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ؕ اِنْ كُنْتُمْ مُّوْقِنِيْنَ ﴿٢٥﴾

[موسیٰ] گفت، پروردگار آسمانها و زمین و هرچه میان آندو است اگرشما باورکنندگان اید(٢٥)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهٗۤ اَلَا تَسْتَمِعُوْنَ ﴿٢٦﴾

او گفت برای آنانکه پیرامونش بودند آیانمیشنوید؟(٢٦)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٢٧﴾

[موسیٰادامه داده]گفت،پروردگار شماوپروردگار پدران پیشینیان شما است(٢٧)

قَالَ اِنَّ رَسُوْلَكُمُ الَّذِيْۤ اُرْسِلَ اِلَيْكُمْ لَمَجْنُوْنٌ ﴿٢٨﴾

اوگفت،یقیناًاین رسول شما که بسوی شما فرستاده شد حتماً دیوانهٔ ی است (٢٨)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ؕ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٢٩﴾

[موسیٰ] گفت، پروردگار شرق و غرب و هرچه میان آندو است اگر شما عقل کنید(٢٩)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ اِلٰهًا غَيْرِيْ لَاَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُوْنِيْنَ ﴿٣٠﴾

[فرعون]گفت،اگر معبودی گرفتی جز من یقیناً ترا از زندانیان خواهم ساخت(٣٠)

قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣١﴾

[موسیٰ]گفت، آیا اگرچه تو را چیزی آشکار بیآرم؟(٣١)

قَالَ فَاْتِ بِهٖۤ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣٢﴾

[فرعون] گفت، پس بیآر اگر تو از راستگویانی(٣٢)

فَأَلْقٰى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾

پس موسٰی عصای خود را بنهاد که یکهو آن اژدهائی آشکار شد(٣٣)

وَّنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِينَ ﴿٣٤﴾

پس دست خود را برکشید پس ناگاه آن بینندگان را سفید دیده میشد(٣٤)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾

[فرعون]سرداران پیرامون خود را گفت،یقیناً این جادوگری ماهر است(٣٥)

يُّرِيدُ أَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٦﴾

میخواهد شمارا بزور جادوئی خود از سرزمین شما بیرون راند. پس چه مشورت میدهید؟(٣٦)

قَالُوٓا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَآئِنِ حٰشِرِينَ ﴿٣٧﴾

گفتند:کمی فرصت بده او و برادرش را و گردآوردگان را در شهرها بفرست(٣٧)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿٣٨﴾

جمله جادوگران حرفهٔ را نزد تو بیآرند(٣٨)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٩﴾

پس جادوگران درروزمعیّن بر وعده گاه جمع کرده شدند(٣٩)

وَّقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ ﴿٤٠﴾

وبه مردم گفته شدآیاگردخواهید آمد؟(٤٠)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ

تاماجادوگران رادنبال کنیم اگر

الْغٰلِبِيْنَ ﴿٤١﴾

آنها برترشوند(٤١)

فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالُوْا لِفِرْعَوْنَ اَئِنَّ لَنَا لَاَجْرًا اِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِيْنَ ﴿٤٢﴾

پس چون جادوگران آمدند به فرعون گفتند.آیامارا پاداشی است اگر برتر آیندگان باشیم؟(٤٢)

قَالَ نَعَمْ وَاِنَّكُمْ اِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ﴿٤٣﴾

[فرعون]گفت.بلی! و یقینًاشما آن گاه شامل مقربان بشوید(٤٣)

قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰى اَلْقُوْا مَآ اَنْتُمْ مُّلْقُوْنَ ﴿٤٤﴾

موسیٰ به آنهاگفت، هرچه[جادوئی] افکندگانید بیفکنید(٤٤)

فَاَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوْا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ اِنَّا لَنَحْنُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿٤٥﴾

پس ریسمانهای خود و چوبهای دستی خود را افکندند و گفتند، سوگند به اقبال فرعون یقینًا ما غالب آیندگان ایم(٤٥)

فَاَلْقٰى مُوْسٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَاْفِكُوْنَ ﴿٤٦﴾

پس موسیٰ عصای خودرا انداخت که ناگاه آن شروع کرد به فرو بردن آن دروغ راکه بهم بافته بودند (٤٦)

فَاُلْقِىَ السَّحَرَةُ سٰجِدِيْنَ ﴿٤٧﴾

پس جادوگران سجده کنان [بر زمین] افکنده شدند(٤٧)

قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٨﴾

آنان گفتند، ما ایمان آوردیم به پروردگار همه جهانها(٤٨)

رَبِّ مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ﴿٤٩﴾

پروردگار موسیٰ و هارون (٤٩)

قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ ۚ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمُ الَّذِىْ عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۚ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۬ؕ لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَاُوصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِيْنَ ۚ﴿۵۰﴾

[فرعون]گفت، آیا برای او ایمان آورده اید پیش از اینکه به شما اجازه میدادم؟ یقینًا آن بزرگ شماست که شمارا جادوئی آموخته بود پس بزودی بدانیدحتمًادستها تان وپاهاتان را از سمت مخالف ببرم و حتمًا همه شما را به دار کشم(۵۰)

قَالُوْا لَا ضَيْرَ ۫ اِنَّاۤ اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ۚ﴿۵۱﴾

گفتند:هیچ اشکالی ندارد ما که حتمًا به سوی پروردگار خود برگشتگانیم(۵۱)

اِنَّا نَطْمَعُ اَنْ يَّغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطٰيٰنَاۤ اَنْ كُنَّاۤ اَوَّلَ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ﴿۵۲﴾

یقینًاما امید داریم که پروردگار ماخطاهای مارابرای مابیآمرزد چه مااولین ایمان آوردگانیم(۵۲)

ع ۳ / ۱۸ / ۷

وَاَوْحَيْنَاۤ اِلٰى مُوْسٰۤى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِىْۤ اِنَّكُمْ مُّتَّبَعُوْنَ ﴿۵۳﴾

و بسوی موسیٰ وحی کردیم که بندگانم را شبگاه کوچ بده. همانا شما تعقیب کرده شوید(۵۳)

فَاَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ۚ﴿۵۴﴾

پس فرعون جمع کنندگان را در شهرها فرستاد(۵۴)

اِنَّ هٰۤؤُلَاۤءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيْلُوْنَ ۙ﴿۵۵﴾

[آنها اعلام کردندکه] همانا! اینها ناچیز واندک اند(۵۵)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ ﴿٥٦﴾

با این حال یقیناً آنها برای ما خشم آرندگانند(٥٦)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ ﴿٥٧﴾

والبته همه ماموا ظب ایم(٥٧)

فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٨﴾

پس بدرکردیم آنهارااز[سرزمین] بهشتها و چشمه سار(٥٨)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٩﴾

و گنجها و جایگاه معزز(٥٩)

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٦٠﴾

اینطور شد و بنی اسرائیل را وارث آنها قراردادیم(٦٠)

فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦١﴾

پس آنان بامگاه دنبال ایشان افتادند(٦١)

فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦٢﴾

پس هنگامیکه هردوگروه همدیگر را دیدند همراهان موسی گفتند یقینًا ما گیرافتاده ایم(٦٢)

قَالَ كَلَّآ ۖ إِنَّ مَعِىَ رَبِّى سَيَهْدِينِ ﴿٦٣﴾

اوگفت، هرگزنه. یقینًا پروردگارم بامن است و حتمًا مرا رهنمائی کند(٦٣)

فَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْبَحْرَ ۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَٱلطَّوْدِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٦٤﴾

پس بسوی موسی وحی کردیم که باعصای خود بردریا ضربت بزن. پس دریابشکافت.آنگاه هر بخشی همانند تپهٔ ای بزرگ بود (٦٤)+

+آیت٦٤:این آیت حاکی از عبورکردن دریاحضرت موسی از آنجا است[ص.٨٦٥]

| | |
|---|---|
| وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ ﴿٦٤﴾ | وگروه پسین را دراینجا[به گروه پیشین] نزدیك آوردیم(٦٥) |
| وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ | وموسیٰ و هرکه همراهش بود همه را نجات دادیم(٦٦) |
| ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿٦٦﴾ | سپس پسینیانراغرق کردیم(٦٧) |
| إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ | یقینًا در این آیتی بزرگ است در حالیکه بیشتر ایشان ایمان آرندگان نبودند(٦٨) |
| وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ | ویقینًا پروردگارتو حتمًا اوست که صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده است(٦٩) |
| وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ | وخبرابراهیم برآنان بخوان(٧٠) |
| إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ | چون او به پدرخودوقومش گفت، چه را عبادت میکنید؟(٧١) |
| قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾ | گفتند.بتان رامیپرستیم و بخاطر |

بقیه آیت٦٤: که محل اتصال رودخانه نیل و دریا است. گاهی آب سیل در رودخانه نیل از بالا باآن سرعت میآیدکه گویی دیوارآب میآید.همین طور دریاهم هنگام مدّ با موجهای سیل برانگیخته توسعه مییابد. پس خداوند حضرت موسی را آنوقت بحفاظت از محل اتصال رودخانه و دریا عبور داد که آبهای ایندو هنوز بهم نشده بودند و فرعون و لشکریانش که ایشانرا دنبال میکردند بعلت بهم شدن سیل رودخانه و دریا بغرق افکنده شدند.

[پرستش]آنهانشتگانیم(٧٢)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٣﴾

او گفت.آیا آنها شمارا گوش کنند چون میخوانید؟(٧٣)

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٤﴾

یا شمارا سود میرسانند یا ضرر می زنند؟(٧٤)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٥﴾

گفتند بلکه پدران خود را دیدیم همینطور عمل میکردند(٧٥)

قَالَ أَفَرَءَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٦﴾

او گفت.آیانگریستید آنچه راشما پرستش میکنید؟(٧٦)

أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٧﴾

شماوپدرانتان که قبلاً بودند(٧٧)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٨﴾

پس یقیناًاینهاجزپروردگارجهان ها دشمنان من اند(٧٨)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٩﴾

آنکه مراآفرید پس او مرارهبری میکند(٧٩)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٨٠﴾

و آنکه مرا می خوراند و می نوشاند(٨٠)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨١﴾

و چون مریض شوم آنگاه او مرا شفاء میدهد(٨١)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨٢﴾

و آنکه مرا میراننده سپس زنده خواهدکرد(٨٢)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ

و ازآنکه امیدوارم که روز جزا

الدِّيۡنِ﴿٨٣﴾ خطاهای مرا ببخشد(٨٣)

رَبِّ هَبۡ لِیۡ حُكۡمًا وَّ اَلۡحِقۡنِیۡ بِالصّٰلِحِیۡنَ﴿٨٤﴾ پروردگارا!مرا حکمت عطاکن و مرا شامل نیکوکاران بنما(٨٤)

وَاجۡعَلۡ لِّیۡ لِسَانَ صِدۡقٍ فِی الۡاٰخِرِیۡنَ﴿٨٥﴾ و برای من زبان راستی در آیندگان قراربده(٨٥)

وَاجۡعَلۡنِیۡ مِنۡ وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیۡمِ﴿٨٦﴾ و مرا از وارثان بهشت پرنعمت بگردان(٨٦)

وَاغۡفِرۡ لِاَبِیۡۤ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الضَّآلِّیۡنَ﴿٨٧﴾ و پدرم را بیامرز.یقینًا او از جمله گمراهان بود(٨٧)

وَلَا تُخۡزِنِیۡ یَوۡمَ یُبۡعَثُوۡنَ﴿٨٨﴾ و مرا خوار نکنی روزیکه مردم بر خیزانده شوند(٨٨)

یَوۡمَ لَا یَنۡفَعُ مَالٌ وَّلَا بَنُوۡنَ﴿٨٩﴾ روزیکه سودی نه بخشد هیچ دارائی و نه پسران(٨٩)

اِلَّا مَنۡ اَتَی اللّٰهَ بِقَلۡبٍ سَلِیۡمٍ﴿٩٠﴾ مگر آنکه خدا را سلیم الطبع بیآید(٩٠)

وَاُزۡلِفَتِ الۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِیۡنَ﴿٩١﴾ و بهشت نزدیك متقیان کرده شود(٩١)

وَبُرِّزَتِ الۡجَحِیۡمُ لِلۡغٰوِیۡنَ﴿٩٢﴾ و جهنم روبروی گمراهان آورده شود(٩٢)

وَقِیۡلَ لَهُمۡ اَیۡنَمَا كُنۡتُمۡ تَعۡبُدُوۡنَ﴿٩٣﴾ وبه آنها گفته شود کجااند آنهائی راکه شما پرستش میکردید(٩٣)

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۗ هَلْ يَنْصُرُوْنَكُمْ اَوْ يَنْتَصِرُوْنَ ﴿٩٤﴾

فرود از خدا.آیا به شما یاری می کنند یا انتقام میگیرند؟(٩٤)

فَكُبْكِبُوْا فِيْهَا هُمْ وَالْغَاوٗنَ ﴿٩٥﴾

پس بر روی افکنده شدند در آن آنها و سرکشان(٩٥)

وَجُنُوْدُ اِبْلِيْسَ اَجْمَعُوْنَ ﴿٩٦﴾

و جمله لشکرهای ابلیس(٩٦)

قَالُوْا وَهُمْ فِيْهَا يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٩٧﴾

گویند، درحالیکه آنها در آن بهم ستیزه کنند(٩٧)

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٩٨﴾

سوگند به خدا بیگمان ما در گمراهی آشکار بودیم(٩٨)

اِذْ نُسَوِّيْكُمْ بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٩﴾

وقتیکه شمارابا پروردگارهمه عالم ها یکسان قرارمیدادیم(٩٩)

وَمَآ اَضَلَّنَآ اِلَّا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿١٠٠﴾

و مارا کسی گمراه نکرد مگر مجرمان(١٠٠)

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِيْنَ ﴿١٠١﴾

پس برای ما کسی شفاعت کننده نیست (١٠١)

وَلَا صَدِيْقٍ حَمِيْمٍ ﴿١٠٢﴾

و نه دوست صمیمی(١٠٢)

فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٠٣﴾

پس کاشکی یکبارمارابرگشتی بود پس ازمومنان میشدیم(١٠٣)

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۗ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٠٤﴾

یقینًا در این آیتی بزرگ است و بیشتر ایشان ایمان آوردگان نیستند(١٠٤)

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٠٥﴾ ع ٣٦/٩

و یقینًا پروردگار تو است که او صاحب غلبه کامل بارهارحمکننده است(١٠٥)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوْحِ ِۨالْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٠٦﴾

قوم نوح هم رسولان را تکذیب کردند(١٠٦)

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ نُوْحٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٠٧﴾

هنگامیکه برادر ایشان نوح به آنها گفت آیا تقویٰ را پیشه نمی کنید؟(١٠٧)

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٠٨﴾

یقینًا من برای شما رسولی امین هستم(١٠٨)

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٠٩﴾

پس خدا را تقویٰ کنید و مرا اطاعت نمایید(١٠٩)

وَمَآ اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١١٠﴾

وهیچ مزدی ازشمابرای این نمی خواهم. مزدم فقط بر پروردگار همه جهانها است(١١٠)

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١١١﴾

پس خدا راتقویٰ فراگیرید و مرا اطاعت نمائید(١١١)

قَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْاَرْذَلُوْنَ ﴿١١٢﴾

گفتند:آیا ترا باور کنیم باآنکه محض فرومایگانی از تو متابعت کرده اند؟(١١٢)

قَالَ وَمَا عِلْمِيْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١١٣﴾

اوگفت، مرا چه دانشی است به

إِنۡ حِسَابُهُمۡ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ لَوۡ تَشۡعُرُونَ ﴿١١٤﴾

آنچه آنان میکردند(١١٣)

حساب ایشان فقط بر پروردگارم است کاشکی دریابید(١١٤)

وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٥﴾

ونیستم طردکنندهٔ مومنان(١١٥)

إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿١١٦﴾

من فقط بیم دهندهٔ آشکارا هستم(١١٦)

قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ ﴿١١٧﴾

گفتند،ای نوح! اگردست برنداری حتمًا از سنگسار شدگان می شوی(١١٧)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٨﴾

[نوح]گفت،پروردگارا! یقیناً قوم من مرا تکذیب کرده اند(١١٨)

فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٩﴾

پس میان من و میان ایشان آشکارا قضاوت کن و نجات بده مرا و آنانکه از مومنان با من هستند(١١٩)

فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ﴿١٢٠﴾

پس او و آنان که با او بودند را در کشتی پر نجات دادیم(١٢٠)

ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ﴿١٢١﴾

پس از آن بازماندگان را غرق نمودیم(١٢١)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

یقینًا در این آیتی بزرگ است و بیشتر از آنان ایمان آوردگان

نبودند(١٢٢)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٣﴾ ع ٦/١٨/١٠

و یقینًا پروردگارتو است که صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده است(١٢٣)

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٤﴾

عادیان [نیز] پیغمبران را رد کردند(١٢٤)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٥﴾

هنگامیکه برادر ایشان هود به آنها گفت آیا تقوىٰ فرا نمی گیرید(١٢٥)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٦﴾

یقینًا من برای شما رسولی امین هستم(١٢٦)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٧﴾

پس خدا را تقوىٰ فراگیرید و مرا اطاعت کنید(١٢٧)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٨﴾

مزدی بر این از شما نمیطلبم. مزدم تنهابرپروردگار همه جهانها است(١٢٨)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٩﴾

آیابرهرکدام تپه بیهدف یادگاری [بخودبالیده]بنا مکنید؟(١٢٩)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٣٠﴾

وصنایع [گوناگون] میسازید تا جاویدان باشید(١٣٠)

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣١﴾

ووقتیگرفت وگیرکنیدستمگرانه

| | |
|---|---|
| | گرفت و گیر میکنید(۱۳۱) |
| فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿۱۳۲﴾ | پس خدا راتقویٰ فراگیرید و مرا اطاعت کنید(۱۳۲) |
| وَاتَّقُوا الَّذِيْٓ اَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۱۳۳﴾ | و بترسید ازاو که شمارا با آن چیزهایاری‌کردکه میدانید(۱۳۳) |
| اَمَدَّكُمْ بِاَنْعَامٍ وَّبَنِيْنَ ﴿۱۳۴﴾ | شما را یاری داد با دامها و پسران(۱۳٤) |
| وَجَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿۱۳۵﴾ | و باغها و چشمه سار(۱۳۵) |
| اِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿۱۳۶﴾ | یقینًامن میترسم برشماازعذابی روز بزرگ (۱۳٦) |
| قَالُوْا سَوَآءٌ عَلَيْنَآ اَوَعَظْتَ اَمْ لَمْ تَكُنْ مِّنَ الْوٰعِظِيْنَ ﴿۱۳۷﴾ | گفتند، یکسان است بر ما خواه اندرز کنی یا از اندرز کنندگان نباشی(۱۳۷) |
| اِنْ هٰذَآ اِلَّا خُلُقُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿۱۳۸﴾ | این فقط خُلق پیشینیان است [که بما میآموزی](۱۳۸) |
| وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿۱۳۹﴾ | وما عذاب شدگان نیستیم(۱۳۹) |
| فَكَذَّبُوْهُ فَاَهْلَكْنٰهُمْ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۭ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۱٤۰﴾ | پس او را ردکردند پس آنها را هلاك نمودیم. یقینًا در این آیتی بزرگست اما بیشترشان مومنان نیستند(۱٤۰) |
| وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿۱٤۱﴾ ع ۷/۸ ۱۱ | و یقینًا پروردگارتو صاحب غلبه |

کامل و بارها رحم کنندهٔ است(۱٤۱)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤٢﴾

ثمودیان [نیز] پیغمبران را تکذیب کرد(۱٤۲)

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوهُمْ صٰلِحٌ اَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٣﴾

هنگامیکه برادر ایشان صالح به آنان گفت آیاتقویٰ راپیشه نمی کنید؟(۱٤۳)

اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِينٌ ﴿١٤٤﴾

براستی من برای شما رسولی امین هستم(۱٤٤)

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُونِ ﴿١٤٥﴾

پس خدا را تقویٰ اختیار کنید و مرا اطاعت کنید(۱٤٥)

وَمَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٤٦﴾

ومزدی بر این از شما نمیخواهم. مزدم تنهابرپروردگار همه جهانها است(۱٤٦)

اَتُتْرَكُونَ فِي مَا هٰهُنَا اٰمِنِينَ ﴿١٤٧﴾

آیا در اینجا ایمن رها کرده شوید؟(۱٤۷)

فِي جَنّٰتٍ وَّعُيُونٍ ﴿١٤٨﴾

در باغها و چشمه سار(۱٤۸)

وَّزُرُوعٍ وَّنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٩﴾

و کشتهاوخرماها که شکوفه های آنها پربار است(۱٤۹)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فٰرِهِينَ ﴿١٥٠﴾

و مهارت را بکار برده در کوهها خانه ها میتراشید(۱٥۰)

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿۱۵۱﴾

پس خدا را تقویٰ فراگیرید و مرا اطاعت کنید(۱۵۱)

وَلَا تُطِيْعُوْٓا اَمْرَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿۱۵۲﴾

و فرمان از تجاوز گران نه برید(۱۵۲)

الَّذِيْنَ يُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُوْنَ ﴿۱۵۳﴾

آنانکه در زمین فساد میکنند و به اصلاح نمیپردازند(۱۵۳)

قَالُوْٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ﴿۱۵۴﴾

گفتند. یقینًا تو فقط ازجمله آنان هستی که حواس ازجادوئی پرت کرده شوند(۱۵٤)

مَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۚ فَاْتِ بِاٰيَةٍ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۱۵۵﴾

نیستی توجزبشری همانندما. پس بیآرآیتی اگر تو از راستگویان هستی(۱۵۵)

قَالَ هٰذِهٖ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَّلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿۱۵٦﴾

او گفت.این ناقۀ است که برای آن نوبت آبخوردن است و شما را [هم] نوبت آب است در روز معیّن (۱۵٦)

وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿۱۵۷﴾

پس آنرابقصد سوئی دست نزنید وگرنه عذاب روزی بزرگ شما را فرا گیرد(۱۵۷)

فَعَقَرُوْهَا فَاَصْبَحُوْا نٰدِمِيْنَ ﴿۱۵۸﴾

پس آنرا پی کردند پس سخت پشیمان شدند(۱۵۸)

فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۗ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٥٩﴾

پس عذاب آنهارادرگرفت. یقیناً در این آیتی بزرگست و بیشترآنها ایمان آوردگان نبودند(۱۵۹)

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٦٠﴾ ع ٨ ١٩ ١٢

و یقینًا پروردگار تو صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده است(۱۶۰)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوْطِ ِۨالْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٦١﴾

قوم لوط [هم] رسولان را تکذیب کرده بودند(۱۶۱)

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ لُوْطٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٦٢﴾

چون برادر ایشان لوط به آنها گفت آیا شما تقویٰ اختیار نمی کنید؟(۱۶۲)

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٦٣﴾

براستی من برای شما رسولی امین هستم(۱۶۳)

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٦٤﴾

پس خدا راتقویٰ اختیار کنید و مرا اطاعت کنید(۱۶۴)

وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦٥﴾

و مزدی بر این از شما نمی خواهم. مزدم فقط بر پروردگار همه جهانها است(۱۶۵)

اَتَاْتُوْنَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦٦﴾

آیا در سراسرجهان نزد مردان میآیید؟(۱۶۶)

وَتَذَرُوْنَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ

و آنرا ترک میکنید که خدابرای

اَزْوَاجِكُمْ ۭ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ عٰدُوْنَ ﴿١٦٧﴾
شما از همسران شما آفرید؟بلکه شماقوم تجاوزگرانید(١٦٧)

قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ يٰلُوْطُ لَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِيْنَ ﴿١٦٨﴾
گفتند، ای‌لوط!اگرتوبازنیایستی حتمًاتو از[شهر] بیرون راندگان خواهی شد(١٦٨)

قَالَ اِنِّىْ لِعَمَلِكُمْ مِّنَ الْقَالِيْنَ ﴿١٦٩﴾
او گفت البته من از کردار شما بیزارم (١٦٩)

رَبِّ نَجِّنِىْ وَاَهْلِىْ مِمَّا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٧٠﴾
پروردگارا!من واهل مرا نجات بده از آنچه آنهامیکنند(١٧٠)

فَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗٓ اَجْمَعِيْنَ ﴿١٧١﴾
پس نجات دادیم او و اهلش همگانی را (١٧١)

اِلَّا عَجُوْزًا فِى الْغٰبِرِيْنَ ﴿١٧٢﴾
مگر پیر زنی که از باز ماندگان بود(١٧٢)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْاٰخَرِيْنَ ﴿١٧٣﴾
پس دیگرانرااهلاك کردیم(١٧٣)

وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا ۚ فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِيْنَ ﴿١٧٤﴾
و بارانی بر آنها بارانیدیم. پس بسیار بد بود بارانی برای بیم دادگان(١٧٤)

اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۭ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٧٥﴾
یقینًا در این آیتی بزرگ است و بیشتر ایشان مومنان نبوده اند(١٧٥)

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٧٦﴾
ع ٩ ١٦ ١٣
و یقینًا پروردگار تو است که

صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده است(١٧٦)

كَذَّبَ أَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾

اهل بیشه [هم] پیغمبران را تکذیب کردند(١٧٧)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٨﴾

چون شعیب به آنها گفت آیا تقوىٰ فرانمیگیرید؟(١٧٨)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٩﴾

یقینًا من برای شما رسولی امین هستم(١٧٩)

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٨٠﴾

پس خدا را تقوىٰ پیش گیرید و مرا اطاعت کنید(١٨٠)

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٨١﴾

و مزدی بر این از شما نمیخواهم. مزد من فقط بر پروردگار همه جهانها است(١٨١)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨٢﴾

کیل کامل دهید و از کم دهندگان نباشید(١٨٢)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٣﴾

و با ترازوی راست وزن کنید(١٨٣)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٤﴾

و بمردم کالاهای ایشان کم ندهید و مفسدانه در زمین نامنی را گسترش ندهید(١٨٤)

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٨٥﴾

وبترسید ازآنکه آفرید شمارا و

قَالُوْٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ﴿۱۸۶﴾

وَمَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَاِنْ نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿۱۸۷﴾

فَاَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۱۸۸﴾

قَالَ رَبِّيْٓ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۸۹﴾

فَكَذَّبُوْهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ ؕ اِنَّهٗ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿۱۹۰﴾

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ؕ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۱۹۱﴾

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿۱۹۲﴾ ع ۱۰ ۱٦ ۱٤

وَاِنَّهٗ لَتَنْزِيْلُ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۹۳﴾

نَزَلَ بِهِ الرُّوْحُ الْاَمِيْنُ ﴿۱۹۴﴾

آفرینش اوّلین را(۱۸۵)

گفتند، تو فقط از جادو حواس پرت شدگانی(۱۸٦)

ونیستی‌توجزبشری‌مانندماوتورا ازدروغگویان میپنداریم(۱۸۷)

پس بیفکن برما پارهٔ ی از آسمان اگرتو از راستگویانی(۱۸۸)

[شعیب]گفت،پروردگارم داناتربه آن کاراست که میکنید(۱۸۹)

پس او را ردکردند. آنگاه آنها را عذاب روز ابر مهلك سایه افکن فرا گرفت یقینًاآن عذاب روزی بزرگ بود(۱۹۰)

یقینًا در این آیتی بزرگست و بیش تر ایشان ایمان آوردگان نبوده اند(۱۹۱)

و یقینًاپروردگارتوصاحب غلبه کامل بارهارحمکننده است(۱۹۲)

و یقینًا این [کلام] نازل کرده از پروردگارهمه جهانهاست(۱۹۳)+

روح الامین باآن نازل آمد(۱۹٤)

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٥﴾
بر دل تو تا تو از بیم دهندگان شوی(١٩٥)++

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٩٦﴾
بزبان عربی‌آشکاراست(١٩٦)++

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٧﴾
و یقیناًاین درصحیفه های پیشین [مذکور]بود(١٩٧)++

أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٨﴾
آیا آنان را نشانه ای نیست که علمای بنی اسرائیل [هم] آن را می دانند(١٩٨)++

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٩﴾
و اگر آن را بر کسی ازعجمیان نازل میکردیم(١٩٩)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٠٠﴾
پس او آن را برآنها فرو می خواند نبودند که به آن ایمان می آوردند(٢٠٠)

كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠١﴾
اینطور آن[امر]را بداخل دلهای مجرمان کرده ایم(٢٠١)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠٢﴾
[که] به آن ایمان نیآرند تا آنگاه که عذابی دردناك را رویت کنند(٢٠٢)

---

++آیات ١٩٣_١٩٨ :قرآن کریم بوسیله حضرت جبرائیل علیه السلام نازلکرده شد که دومین نام ایشان الروح القدس نیز است و آن بر قلب آنحضرت ﷺ جاری کرده شد.

| | |
|---|---|
| فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٣﴾ | پس آن ایشان را ناگهان آید در حالی که آنان درك هم نه کنند(٢٠٣) |
| فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿٢٠٤﴾ | پس گویند، آیا ما مهلت دادگان ایم؟(٢٠٤) |
| أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٥﴾ | پس آیا عذاب ما را زود می خواهند(٢٠٥) |
| أَفَرَءَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٦﴾ | پس آیانگریستی اگرآنانرا چند سال بهره ای برسانیم(٢٠٦) |
| ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٧﴾ | سپس آنان را آید از آنچه بیم داده میشدند(٢٠٧) |
| مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٨﴾ | هیچ بکارایشان نیاید آنچه بهره موقتی‌که رسانده میشدند(٢٠٨) |
| وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ﴿٢٠٩﴾ | وهیچ شهری‌راهلاك نکردیم مگر برایش بیمدهندگان بودند(٢٠٩) |
| ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢١٠﴾ | [این]ذکربسیار[عبرتناك]است و هرگز ماستمگران نبودیم(٢١٠) |
| وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ ﴿٢١١﴾ | و شیطانها با این[وحی] نازل نه شدند(٢١١) |
| وَمَا يَنۢبَغِى لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١٢﴾ | و نه آنهارا سزاواراست و نه آنها [اینرا]استطاعت دارند(٢١٢) |

معانقه ٩ عند المتقدمين

| | |
|---|---|
| اِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُوْلُوْنَ ﴿۲۱۳﴾ | یقینًا آنها از شنیدن[کلام الهی] معزول شده اند(۲۱۳) |
| فَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَكُوْنَ مِنَ الْمُعَذَّبِيْنَ ﴿۲۱۴﴾ | پس باخدا هیچ معبودی دیگر را نخوان وگرنه از عذاب شدگان بشوی(۲۱٤) |
| وَاَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْاَقْرَبِيْنَ ﴿۲۱۵﴾ | وقبیله یعنی قرابتداران خود را بترسان(۲۱۵) |
| وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۲۱٦﴾ | و بال خود را فرودآر بر آنان از مومنان که تو را پیروی می کنند(۲۱٦) |
| فَاِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ اِنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿۲۱۷﴾ | پس اگرازتونافرمانی کنند پس بگو براستی من برکنارم از آن کار که میکنید(۲۱۷) |
| وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ ﴿۲۱۸﴾ | و توکل کن برصاحب غلبه کامل بارها رحم کننده(۲۱۸) |
| الَّذِيْ يَرٰىكَ حِيْنَ تَقُوْمُ ﴿۲۱۹﴾ | آنکه می بیند تو را چون بپا ایستی(۲۱۹) |
| وَتَقَلُّبَكَ فِي السّٰجِدِيْنَ ﴿۲۲۰﴾ | و بیقراری تو را در سجده کنندگان (۲۲۰) |
| اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿۲۲۱﴾ | یقینًا اوبسیارشنوای صاحب علم دائمی است(۲۲۱) |

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾

آیابتوخبرکنم برآنکه شیطانها بکثرت نازل میآیند(٢٢٢)

تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾

نازل میآیند بکثرت بر هرکدام دروغ پردازی گناهکار(٢٢٣)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

گوش[به سخنان آنها]فرامیدهند و ازآنهابیشتر دروغگویانند(٢٢٤)

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾

نسبت به شاعران، تنها گمراهان آنها را پیروی میکنند(٢٢٥)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾

آیا نمی بینی که آنها در هر وادی سرگردانند(٢٢٦)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾

و اینکه آنها میگویند آنچه عمل نمیکنند(٢٢٧)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

مگر آنان [از آنها] که ایمان آوردند و شایسته کاری کردندو خدا را زیاد ذکرکردند و انتقام گرفتند ازپس آنچه ستم شدند وکسانیکه ستم کردند خواهند دانست که به کدام بازگشتگاهی برگردند(٢٢٨)

ع ١١ ٣٦ ١٥

# ۲۷ النمل

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّه ۹٤آیة دارد.

آغازاین سورة با حروف مقطعات طسٓ میشود.خدای سبحان طیّب است و اوحضرت محمدرسول اللّٰه ﷺ رانیز طیّب بوجود آورد و بر طیّب شیاطین نازل نمیشوند. لذاحتماً این کلام ازچنین خدای طیّب است که بسیار صاحب حکمت است و او وحی طیّب و پرحکمت را بر بنده طیب خود فرستاد.

ضمناً ذکرازحضرتٰ موسٰی بازگوکرده گفته میشودخداوند بندگان پاك خود را بوسیله وحی متبارك مینماید. چنانکه آیت ۹ حاکی از این است که آن بندگان نیکوکارخدا که نورخدارا تلاش میکنندخداوندایشان راجلوه نور خود نشانداده بسوی برکات میخواند.

پس ازاین ذکر ازحضرت داؤد علیه السلام وحضرت سلیمان علیه السلام میرود که مشتمل بربسیارچنین اموراست که از مصطلحات قرآنی پرده ای برداشته وانسان را ازتاریکیهابروشنی درمیآرد. اما دراین موضوع بسیاری ازچنین آیاتی متشابه شامل است که از آن کسانیکه در دلهای ایشان کجی است به ژرفای موضوع نرسیده گمراهتر میشوند. ازآنجمله بیشتر از همه قابل توجه منطق الطیر است. منطق الطیر از روی قرآن زبان آنان است که همچون مرغان درآسمان پروازمیکنندیعنی درزبان آسمانی گفتگومیکنند.این خیال درست نیست که حضرت سلیمان علیه السلام به آن زبان دانا بودند که در آن مرغان بهم حرف میزنند. بسیاری آیتهای این سورة این سوء زن را ردمیکنند. بعنوان مثال به فرموده قرآن قوم نمل بهم حرف میزدند و حضرت

سلیمان آنرافهمیدند.اگرمنظورازنمل بجای قوم نمل به گفته بعضی ازمفسران مورچه های پنداشته شود بازهم مورچه که طیر یعنی پرنده ای نیست. پس حضرت سلیمان که منطق الطیراعطا شده بودندچطور زبان مورچه ها رادرک کردند.

بعلاوه گفته میشود که در ارتش حضرت سلیمان علیه السلام لشکر پرندگان نیزبودکه سردارآنان سراغ ملکه سباراگرفته به دربار وی رسید. چون او بازگشت علت ازعدم حضورخود رابیان کرد، ازآنچه چنین برمیآید که گویی او تمامی آن سخنان را که در دربار ملکه گفته شد، درک میکرد. جالب اینست که زبان درباریان و ملکه که زبان پرندگان نبود. ضمناً وقتیکه او نامهٔ حضرت سلیمان را به ملکه ارائه داد بازهم آن گفتگو که میان ملکه و درباریانش صورت گرفت آنهمه در زبان انسانی بود و آن پرنده توانست درک کند. مجملاً میتوان گفت که در این سورة همه قصه ها و اساطیر را نسبت به کلمات منطق الطیر ردّ کرده همین معنا مورد تایید قرار داده میشود که بندگان خدا در زبان آسمانی صحبت میکنند.

ضمناًملکه از روی سیاسی برتری حضرت سلیمان را قبول کرده بود اما هنوز درحقیقت دست از دین خود برداشته به دین توحید حضرت سلیمان داخل نشده بود.برای فهماندن این امرکاریگران حضرت سلیمان علیه السلام چنین فرشی رادر دربارایشان درست کردند که آن مانند شیشه میدرخشید و ایجاد احساس مینمود که آن نه فرش بلکه آب است. بنابراین ملکه سبابرای پرمیز از آب جامه را از ساقهای خود برداشت. آنگاه حضرت سلیمان بدو پند دادند که خورشید نیزکه مثل این منبع نور بچشم میخورد

درحقیقت فیض از نورخداحاصل میکند و آنانکه اینرامنبع نور می پندارند همینطور فریب میخورند که نگاه ملکه سبا فریب خورد. پس از این سخن ملکه به حقیقت امرحالی شد که هرسو فقط جلوه خدا است و باقی جلوه ها همگان فریب نظر است.

سپس پیوسته ذکر از آن پیغمبران میرود که چون ایشان پرچم توحید را بلند کردند، ملتهای مشرك بطوریکه قوم سباء مشرك بود تکراراً ایشان را ردکردند و اگرچه خداوند قوم سباء رابعلت هدایت یافتن ایشان بخشود امادیگران بعلت دنبال کردن راه شرك، هلاك کرده شدند.

سپس فرمود که موضوع توحیدخداوندی که سرچشمه حیات است همچون باران برانبیاء نازل میشود.لذا زندگی مادی هم متکی برآب آسمانی است و زندگی روحانی هم به انبیا از فیض آب آسمانی حاصل میشود.

درضمن سؤال برداشته شده است که آیاگذشته ازخدا هیچ هم خدای ساخته میتواندنظام باریدن آب شفاف را تنظیم کند؟ این موضوع بر این سخن بپایان رسانده شد که خداوند بمیان دریاها مانعی درست کرده است. این موضوعی است که همچون آب آسمانی بر رسول الله ﷺ نازل شد وگرنه در زمان ایشان هیچ نوع معلومات علمی یاجغرافیائی وجود نداشت. موضوعی که قرآن مجید درباره مانعی بمیان دریاها بیان کرده است در حقیقت دراین یك پیشگوئی پنهان بود که باید هنگام راست آمدن آن برای کاوشگران ایمان افروز اثبات میشد ـ یعنی خداوند دریاهای را که میان آنها مانعی ناقابل عبورساخته شد، بهم خواهد پیوست. درباره این موضوع پیشگوئی آشکار درآیتهای دیگر مزبوراست.

اکنون همان موضوع دعا را که پیوسته در چند سورة های گذشته جاری است بازگوکرده فرموده میشود که چون یك درمانده دعا میکند خدا آنرا مستجاب مینماید. امری شگفت انگیز اینست که این موضوع نیز تعلق به دریاها دارد.بطوریکه به گفته آیتهای دیگرچون بعضی مردم گرفتار در طغیان دریاها نومید میشوند و در نهایت وضع آشفتگی و بیقراری خدای متعال را میخوانند. او آنانرا از آن طغیان هولناك نجات داده به خشکی می رساند.ولیباوجود این نجات وقتیکه بعضیها مجدداً بسوی شرك بازمیگردند پس خداوند براین امرقدرتمنداست که آنانرادرخشکی فروبرد. این موضوع بتفصیل در آیتهای دیگر نیز بیان شده است و در عین حال درقرآن مجید ذکر از آنانکه در زمین فروبرده شدند نیزیافت میشود. بعنوان مثال امروز نیزدیده میشود که به گاه ها درصورت زلزله ها شهرهای بزرگ براثر انفجار زمین بخاك کرده میشوند.

در ادامه این موضوع فرموده شد که بایستی انسان فکر کند که کیست که در تاریکیهای دشت و دریا او را از هرنوع مخاطرات نجات میدهد؟ آیا معبودی دیگرجز خدااست؟ دنبال این فرمود. کیست که نخست بار تخلیق میکند و پس آن تخلیق را مدام تکرارمیکند؟ آیامعبودی دیگرهم جزخدا است؟این عبارت ازاین درس است که وقتیکه آنان می بینند که نخست بار هم همان خدای متعال میآفریند[وگرنه آغاز آفرینش را هیچ راهی نیست]و سپس روزانه همان عمل را پیوسته تکرار کرده هرآن در تمام دنیا از برکت آب زندگی گوناگون را ازخاك درمیآرد. دیگرچطور ممکن است که او به انجام این امرناتوان بماند که انسان را پس از مرگش بخواسته خود دوباره

زنده بنماید؟ اماچنانکه آنها را برآخرت هیچ دانشی نیست بنابراین بجهت دوباره زنده شدن خود مردد میمانند. خداوند رسول الله ﷺ را از روی این پس منظر خطاب کرده فرمود که مثل کافران و مشرکان همچون دو میّت است و صدای تو به مردگان نمیرسد. پس وقتیکه تو آنان را بسوی هدایت میخوانی صدای تو به این کران عقل نمیرسد. برهمین منوال کوران رانیز نور توهیچ بهره ای نمیرساند زیراکه برای‌دنبال کردن نوربایدچشمان نیز دارای نور باشند.

در آیت ۸۳ مشداری بزرگ است به آنهائی که زندگی را روی زمین ممچون جانوران میگذرانند که جنبنده ای زمینی به کیفرآنها گمارده خواهد شد.اینجابر"تکلمهم"مردومعنا اطلاق میشود. یکی معنااینست که آن جنبنده تکلم خواهد کرد یعنی در زبان حال باآنها تکلم خواهد کرد و معنای دیگر اینست که آن آنهاراگزیده و آنهابه مرضی بسیارهولناك گرفته خواهند شد. پس در این آیة کریمه کلمات "دابة الارض"حاکی ازآن موشهای است که هم دابة اند و هم روی زمین موجب گسترش مرض طاعون میباشند. آن کرمهای برپشت اینها سوار اند که از نیش زدن آنها طاعون گسترش میبابد.

کوه ها را مردم درزمان رسول الله ﷺ جامد میپنداشتند. ولی آیت ردیف ۸۹ حاکی ازاینست که آنهابااینکه محکم درزمین پیوست اند همچون ابرها مدام پرواز میکنند. دراینمورد هیچ استنباط نتوان کرد جزاینکه آنها نیزهمراه با زمین مانند ابرهاگردش میکنند.آخرین قسمت این آیت قطعی اثبات کردکه منرخدائی که این کوه ها را در زمین میخکوب کرده است چطورازآن تنقیدتوانکرد؟اینجااین اندیشه نیز ازاله کرده شد که این واقعه

روزقیامت صورت خواهدگرفت. روز قیامت که هیچ چشم این کوه ها را پرواز کنان نخواهد دید و اگر کوه ها آنروز پروازکنند این برخلاف ادعای اتقن کلّ شیءٍ خواهدبود. بنابراین چاره ای نیست جزاینکه انسان قبول کند که کوهها درزمین آنگونه گردش میکنند که ابرها درآسمان پروازکرده بچشم میخورند. این همه امور بیان میشود تا دانشمندان بخود ببندند که خدای متعال پروردگارایشان صانع بزرگ است.

درآخرین آیة این سورة این وعده داده میشود که نشانه های مذکور برای نوع انسان حتماً بظهور رسانده خواهند شد.آنها شامل هم نشانه های زمینی و هم نشانه های آسمانی میباشند و اهل علم در زمان آینده به این امر گواهی‌خواهندداد که چنانکه قرآن مجیدفرموده بودعیناًهمانطورصورت گرفته است.

☆ سُوْرَةُ النَّمْلِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَّ تِسْعُوْنَ اٰيَةً وَّ سَبْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ ②
طَيِّبٌ وَ سَمِيعٌ - پاك و بسیار شنوا - این آیات از قرآن و کتابی آشکار است(٢)

هُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ③
هدایت و مژده است مومنان را(٣)

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ④
آنانکه نمازراپای دارند و زکوٰت میدهند و آنانکه ایشان به آخرت یقین دارند(٤)

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُوْنَ ⑤
یقینًا کسانیکه به آخرت ایمان ندارند برای آنهااعمالشان مزین نشان داده ایم پس آنها سرگردان میشوند(٥)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ⑥
همانهاند که برایشان عذابی بد است و آنها در آخرت زیانکارتر اند(٦)

وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ ⑦
و یقینًا قرآن به تو ازنزد صاحب بسیارحکمت صاحب علم درداده

میشود(۷)

اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّىْٓ اٰنَسْتُ نَارًا ؕ سَاٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ﴿۸﴾

هنگامیکه موسیٰ به اهل خود گفت به راستی من آتشی میبینم. پس یا ازآنجابرایشماخبری میآرم یا برایشما پارهٔ آتش میآرم تا شما گرم شوید(۸)+

فَلَمَّا جَآءَهَا نُوْدِىَ اَنْۢ بُوْرِكَ مَنْ فِى النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا ؕ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۹﴾

پس چون نزدش آمد ندا داده شد که برکت داده شد آنکه دراین آتش است و آنکه پیرامون آنست و پاك است خدا پروردگار همه جهانها(۹)++

يٰمُوْسٰٓى اِنَّهٗٓ اَنَا اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۙ﴿۱۰﴾

ای موسیٰ ایقینًااین [خطاب کننده] منم خداصاحب غلبه کامل صاحب حکمت(۱۰)++

وَاَلْقِ عَصَاكَ ؕ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا

وعصای خودرابیفکن.پس چون او

++آیات ۸ـ ۱۰ :دراین سه آیت سخن از واقعه نازل شدن وحی بر حضرت موسی رفته است چون ایشان با خانواده خود از مدین مهاجرت کرده بسوی مصر بازمی گشتند.آنوقت زمستان بود وایشان به آتش نیازداشتند. ایشان برکوه طورشعلهٔ ی روشن آتش سان دیدند.اماچون ایشان آنجا رسیدند هیچ آتش نبود بلکه بخشی از درخت بطور فوق العاده روشن دیده میشد.آنگاه خداوند برایشان وحی فرستاد که آنچه را توآتش سان روشن می بینی آن آتش نیست بلکه نور من میدرخشد. این تمثیلی است.

جَآنٌّ وَّلّٰى مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يٰمُوْسٰى لَا تَخَفْ ۗ اِنِّىْ لَا يَخَافُ لَدَىَّ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿۱۱﴾

آن راحرکت کننده دید گویی آن ماری بود، پشت کرده برگشت و پشت سر نگاه نکرد. ای‌موسیٰ! نترس. همانا رسولان درقرب من نمیترسند(۱۱)

اِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًۢا بَعْدَ سُوْٓءٍ فَاِنِّىْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۲﴾

مگرآنکه ستم کرد سپس بدی را به نیکی تبدیل نمودپس یقینًا من بسیار آمرزندهٔ ی بارهارحمکنندهٔ ام(۱۲)

وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِىْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ ۗ فِىْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿۱۳﴾

و دست خود را بداخل گریبان خود کن آن بدون عیب درخشان بیرون آید.[ایندو]شامل نُه نشانه است بسوی‌فرعون وقومش البته آنها قومی زشت کرداراند(۱۳)

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۴﴾

پس چون آنها را آیتهای بینش بخش ما آمد گفتند،اینکه جادوئی آشکاراست(۱٤)

وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَآ اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿۱۵﴾

و ظلم و سرکشی کنان به آنها انکار کردند با آنکه دلهای ایشان آنهارا باورکرده بودند. پس بنگر فرجام مفسدان چگونه است(۱۵)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ عِلْمًا ۚ وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٦﴾

یقینًا داؤد و سلیمان را دانشی فراوان داده بودیم وهردو گفتند، ستایش مطلق برای خدااست آنکه ما را بربیشتر از بندگان مومن خود برتری داد(۱٦)

وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوٗدَ وَقَالَ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَاُوْتِيْنَا مِنْ كُلِّ شَىْءٍ ۗ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِيْنُ ﴿١٧﴾

وسلیمان وارث داؤد شد و گفت ، ای‌مردم‌امازبان پرندگان آموخته شده ایم و مارااز‌هرچیز ارزانی داده شد. یقینًااین فضلی آشکار است(۱۷)

وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُوْدُهٗ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿١٨﴾

وبرای‌سلیمان لشکریانش ازجنها و انسانها و پرندگان گردآورده شدندپس آنهاجداگانه صف آرایی شدند(۱۸)

حَتّٰٓى اِذَآ اَتَوْا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ ۙ قَالَتْ نَمْلَةٌ يّٰٓاَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوْا مَسٰكِنَكُمْ ۚ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُوْدُهٗ ۙ وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿١٩﴾

تا آنگاه که چون بر وادی نمله رسیدند زنی‌گروه نمل گفت:ای قوم نمل‌ادرخانه های خود بیآیید [تا] سلیمان و لشکریانش شمارا لِه نکنندحالیکه ایشانرا احساس هم نباشد(۱۹)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ

پس [سلیمان] از سخنش تبسم

اَوْزِعْنِيْٓ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَدْخِلْنِيْ بِرَحْمَتِكَ فِيْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۲۰﴾

نمودو گفت. پروردگارا توفیقم بده که شکرآن نعمت بجاآورم که بمن و والدینم ارزانی داشتی و این که نیکوکاری کنم که تو راخوش آید و مرا برحمت خود به داخل بندگان نیکوکار خود بنما(۲۰)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَالِيَ لَآ اَرَى الْهُدْهُدَ ۖ اَمْ كَانَ مِنَ الْغَآئِبِيْنَ ﴿۲۱﴾

و اوانسانی بلند خیال را ناپیدا یافت پس گفت مرا چیست که هدهد را نمی بینم یا او از غیبت کنندگان است(۲۱)++

لَاُعَذِّبَنَّهٗ عَذَابًا شَدِيْدًا اَوْ لَاَاذْبَحَنَّهٗٓ اَوْ لَيَاْتِيَنِّيْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿۲۲﴾

حتمًا او را سخت عذاب دهم یا او را بکشم یا باید [بدفاع خود] مرا دلیلی محکم بیآرد(۲۲)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ اَحَطْتُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَاٍۢ بِنَبَاٍ يَّقِيْنٍ ﴿۲۳﴾

پس[سلیمان]رادیری‌نپایید که او [هدهد]آمد و بمحض رسیدن گفت. آن امری رافراگرفته ام که تو آن را فرانگرفتی‌وتوراخبرحتمی از قوم سباآورده ام(۲۳)

اِنِّيْ وَجَدْتُّ امْرَاَةً تَمْلِكُهُمْ وَاُوْتِيَتْ

براستی من زنی را دیدم که بر

++آیت۲۱: "طیر" بمعای بلندخیال انسان است[غریب القرآن]. "هُدهُد" در عبرانی "هُدَد" اسم یکی ژنرال از ارتش حضرت سلیمان بود[جیوئش انسائیکلوپیدیا].

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٤﴾

آنها حکمرانی میکرد و او را هر چیز ارزانی داشته شد و وی را تختی بزرگ است(٢٤)

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٥﴾

و آن[زن] و قومش را جز خدا به خورشید سجده کنان دیدم و شیطان اعمال آنها را به آنها زیبا بنمایش گذارده است. پس آنهارا از راه راست بازداشته است پس آنها هدایت نمییابند(٢٥)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٦﴾

[شیطان آنهارا برانگیخته است] که آن خدا راسجده نکنندکه چیز های پوشیده درآسمانهاو زمین را درآورد و میداند آنچه نهان کنید و آنچه عیان کنید(٢٦)

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٧﴾

السجدة

خدا است که نیست معبودی جز او و او پروردگار عرش عظیم است(٢٧)

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٨﴾

[سلیمان]گفت، ما بررسی میکنیم آیا راست گفتی یا تو از دروغ گویانی(٢٨)

اذْهَبْ بِكِتَابِي هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ

این نامه من ببر و آنرا روبروی

تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُوْنَ ۝٢٩

ایشان بگذار سپس از آنها بگرد و بنگر که چه پاسخ میدهند(۲۹)

قَالَتْ يٰاَيُّهَا الْمَلَؤُا اِنِّيْٓ اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتٰبٌ كَرِيْمٌ ۝٣٠

[این نامه رادید و] ملکه گفت، ای سرداران! یقینًا نامه ای گرامی به سوی من فرستاده شد(۳۰)

اِنَّهٗ مِنْ سُلَيْمٰنَ وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝٣١

همانا آن از سلیمان است والبته اینست، بنام خدا بسیاربخشنده و بارها رحم کننده(۳۱)

اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ وَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ۝٣٢ ع

اینکه برعلیه من سرکشی نکنید و مرا فرمانبرداران بیآیید(۳۲)

قَالَتْ يٰاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُوْنِيْ فِيْٓ اَمْرِيْ ۚ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا حَتّٰى تَشْهَدُوْنِ ۝٣٣

[ملکه]گفت، ای سرداران! در کار من رای دهید. نیستم من امری را سپری کنم تا بمن رای دهید(۳۳)

قَالُوْا نَحْنُ اُولُوْا قُوَّةٍ وَّاُولُوْا بَاْسٍ شَدِيْدٍ ۙ وَّالْاَمْرُ اِلَيْكِ فَانْظُرِيْ مَاذَا تَاْمُرِيْنَ ۝٣٤

گفتند، ما دارندگان نیروئی وجنگ جویان سرسخت هستیم درحالی که امرکردن بتواست. پس بخود بیاندیش تا چه امرکنی(۳۴)

قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْٓا اَعِزَّةَ اَهْلِهَآ اَذِلَّةً ۚ وَكَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ ۝٣٥

ملکه گفت، براستی پادشاهان چون واردشهری شوند آنرا فاسدکرده وعزتمندان ازساکنان آنرا خوار گردانند و همینطور میکنند(۳۵)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٦﴾

والبته من هدیهٔ ی بسوی ایشان می فرستم.پس منتظر میشوم که فرستادگان با چه[جوابی]باز می گردند(٣٦)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٧﴾

پس وقتیکه[فرستاده] سلیمان را آمد او گفت، آیامیخواهید مرا با مال کمك کنید حالیکه آنچه خدا بمن درداده است خیلی بهتر از آنچه است که بشماداده شداماشما بهدیهٔ خودخرسندمیشوید(٣٧)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٨﴾

[ای‌فرستاده]بسوی‌ایشان بازگرد والبته مانزدایشان با لشکرهای میآیم که آنانرا طاقت [مقابله] آنها نباشد و آنها را از آن [شهر] خوار بیرون کنیم حالیکه آنها بیچارگانند(٣٨)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٩﴾

[سلیمان]گفت:ای‌سرداران!کیست از شماکه تخت او را مرا بیآرد پیش از اینکه مرا فرمانبرداران شده بیآیند(٣٩)

قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ

گفت عفریت ازجنها، من آنرا

تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِكَ ۚ وَاِنِّیْ عَلَیْهِ لَقَوِیٌّ اَمِیْنٌ ﴿٤٠﴾

نزدتو میآرم قبل از اینکه ازجای خود کوچ کنی و یقینًا من برآن توانای‌قابل اعتمادهستم(٤٠)++

قَالَ الَّذِیْ عِنْدَهٗ عِلْمٌ مِّنَ الْکِتٰبِ اَنَا اٰتِیْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ یَّرْتَدَّ اِلَیْكَ طَرْفُكَ ۭ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهٗ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّیْ ۫ لِیَبْلُوَنِیْٓ ءَاَشْکُرُ اَمْ اَکْفُرُ ۭ وَمَنْ شَکَرَ فَاِنَّمَا یَشْکُرُ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ کَفَرَ فَاِنَّ رَبِّیْ غَنِیٌّ کَرِیْمٌ ﴿٤١﴾

گفت آنکه اوراعلم کتاب بود،من آنرا نزد تو میآورم پیشترازاین که دسته نگاهبانان توبسوی تو بازگردند.پس هنگامیکه آنرا نزد خود نهاده یافت گفت،این محض ازفضل پروردگارم است تا مرا آزمایش کند آیا شکر می کنم یا ناشکری میکنم و هرکه شکرکند پس فقط برای نفس خودشکر می کند وهرکه ناشکری کند آنگاه یقینًاپروردگارم بی نیاز صاحب اکرام است(٤١)++

++آیت ٤٠ :عفریت جنی نیست که عرفاً جن گفته میشود سرداران جابر از قومهای کوهستانی نیز جن گفته میشوند و آنان تابع حضرت سلیمان بودند.

++آیت٤١ :درین آیت علم کتاب بمعنای علم بائبل نیست.آنحضرت ﷺ فرمودند علم رادونوع است،علم الادیان و علم الابدان که این یکی ازامثال آنست.عفریت دانش پژوهندهٔ ی بزرگ بودواوبزورعلم خودمیتوانست مشکلترین چیزی‌راکپیه کند. پس اوادعاکردکه اومیتواندانیکارمشکل راانجامدهدقبل ازینکه لشکریان توبرسند.

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤٢﴾

[سلیمان] گفت، تختش را برای وی معمولی بگردانید. ببینم آیا بحقیقت مییابد یاازجمله کسانی است که هدایت نمییابند(۴۲)++

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۚ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٣﴾

پس هنگامیکه او[ملکه] آمد از او پرسیده شدآیاتختش اینسانست؟ اوگفت، گویی این همانست و ما دانش همان قبل از این داده شده و تسلیم شدگان بودیم(۴۳)++

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٤﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا ۚ قَالَ

و [سلیمان]او رابازداشت ازآنچه را که فرود ازخدا عبادت میکرد. یقینًا او از قوم کافران بود(۴۴) بدوگفته شد که وارد کاخ شود. پس چون آنرادید آنرا آبیعمیق

++آیت۴۲:بنابر سخن عفریت حضرت سلیمان فرمان دادند که تخت ملکه را معمولی ساخته برایش بنمایش گذارده شود و قرار بر این نبود همان تخت ملکه فرا آورده شود بلکه مفهوم این بود که آن تخت کپیه کرده درست شود تا بر تختی که او غرور داشت بطور معمولی بنمایش گذارده شود.

++آیت ۴۳: در این آیت تمامی محتویات سخن آشکار میگردد. ملکه این طور نه پرسیده شد که آیا همین تخت تو است بلکه پرسیده شد که آیا تخت تو همین گونهٔ است. ضمناً جواب ملکه این نبود که این همان است بلکه گفت که این اینقدر متشابه آنست که گویی همان است.

اِنَّهٗ صَرۡحٌ مُّمَرَّدٌ مِّنۡ قَوَارِيۡرَ ۬ؕ قَالَتۡ رَبِّ اِنِّىۡ ظَلَمۡتُ نَفۡسِىۡ وَاَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمٰنَ لِلّٰهِ رَبِّ الۡعٰلَمِيۡنَ ﴿٤٥﴾

پنداشت وجامه راازدوساق خود برداشت.سلیمان گفت، یقیناً این کاخی‌است نشانده ای‌ازآبگینه ها [ملکه]گفت پروردگارا! یقینًا بر جانخودستمکردم.حالا با سلیمان برای خدا پروردگار همه جهانها تسلیم می شوم(٤٥)++

وَلَقَدۡ اَرۡسَلۡنَاۤ اِلٰى ثَمُوۡدَ اَخَاهُمۡ صٰلِحًا اَنِ اعۡبُدُوا اللّٰهَ فَاِذَا هُمۡ فَرِيۡقٰنِ يَخۡتَصِمُوۡنَ ﴿٤٦﴾

و همانا بسوی ثمود برادر ایشان صالح رافرستادیم[او گفت]خدارا عبادت کنید. پس ناگاه آنها دو گروه شده ستیزه کردند(٤٦)

قَالَ يٰقَوۡمِ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُوۡنَ بِالسَّيِّئَةِ قَبۡلَ الۡحَسَنَةِ ۚ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُوۡنَ اللّٰهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُوۡنَ ﴿٤٧﴾

اوگفت، ای قوم من!چراقبل از خوبی به بدی عجله میکنید؟چرا ازخدآمرزش نمیطلبیدتاشماترحم کرده شوید(٤٧)

++آیت ٤٥:ملکه اجازه داده شد که به کاخ وارد شود. فرش آن کاخ از آبگینه درست شده بود و از روی درخشندگی‌خود آب بچشم میخورد حالانکه فرش معمولی بود و آب هرگز آنجا وجود نداشت. ملکه آنرا آب پنداشت و جامه خود را بسوی بالا جمع کرد تا خست نشود. آنگاه حضرت سلیمان بدو برگفت که اینهم جوال نگاه است بدانگونه که خورشید را روشن دیده میپنداری که آن خودش منشاء نور است درحالیکه بحقیقت نور خدای در آن روشن همی شود. بنا بر این گفتار او بخرد یافت که ما خورشید را بنا حق پرستش میکردیم.

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ ۚ قَالَ طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ ۖ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٨﴾

گفتند، تو و به کسانی که با تو اند را بفال بد میگیریم. او گفت فال بدشمانزد خدااست بلکه شما قومی هستید که آزمایش کرده شوید(٤٨)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٩﴾

و نه تن در شهر بودندکه درسر زمین فساد میکردند و اصلاح نمی کردند (٤٩)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٥٠﴾

گفتند،بهم سوگند به خدا یاد کنید که حتمًا بر او و اهل خانه اش شبیخون زنیم سپس به سرپرست او گوئیم هرگز هلاك اهل خانه اش را مشاهده نکردیم ویقینًامارااستگویانیم(٥٠)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥١﴾

و آنها نیرنگی بزرگ زدند و ما هم [جوابًا]نیرنگ کردیم و آنها هیچ در نیافتند(٥١)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٢﴾

پس بنگر فرجام نیرنگ آنها چه گونه بود.یقینًاماآنها وقوم ایشان همگان را هلاك ساختیم(٥٢)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا ۗ إِنَّ فِي

پس این خانه های آنانند که

ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٥٣﴾

مخروبه شد به [علت] آن ستم گری آنها که میکردند. یقینًا دراین آیتی‌است برای قومیکه دانش را بکاربرند(۵۳)

وَاَنْجَيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿٥٤﴾

ونجات دادیم کسانی را که ایمان آوردندوتقویٰ‌راپیشه کردند(٥٤)

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖٓ اَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ وَاَنْتُمْ تُبْصِرُوْنَ ﴿٥٥﴾

ولوط را چون اوبقوم خود گفت. آیا مرتکب فحشائی میشوید حالیکه شماخوب درمییابید(۵۵)

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُوْنِ النِّسَآءِ ؕ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ ﴿٥٦﴾

آیاحتماً شمازنان را ترک کرده نزد مردان بشهوت میآیید؟بلکه شماقومی هستیدکه خودرابنادانی میزنید(٥٦)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوْٓا اَخْرِجُوْٓا اٰلَ لُوْطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ ۚ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَّتَطَهَّرُوْنَ ﴿٥٧﴾

پس جواب قومش هیچ نبود مگر این که گفتند که خاندان لوط را ازشهرخودبیرون کنید یقینًا آنها مردانی پاکی جویانند(۵۷)

فَاَنْجَيْنٰهُ وَاَهْلَهٗٓ اِلَّا امْرَاَتَهٗ ؗ قَدَّرْنٰهَا مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٥٨﴾

پس ما او را نجات دادیم و هم اهلش راجززنش که وی راازجمله بازماندگان شمردیم(۵۸)

وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا ۚ فَسَآءَ مَطَرُ

و برآنها یك بارانی بارانیدیم و

الْمُنْذَرِيْنَ ﴿٥٩﴾ ع ١٤ ١٩

چه زشت است بارانی برای هشدار دادگان(۵۹)

قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلٰمٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى ؕ آٰللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٠﴾

بگو ستایش مطلق ازآن خداست و درود باد برآن بندگانش که او ایشان را برگزید. آیا خدا بهتر است یا آنها که شریک قرارداده شوند(۶۰)

اَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً ۚ فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ ۚ مَا كَانَ لَكُمْ اَنْ تُنْۢبِتُوْا شَجَرَهَا ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَّعْدِلُوْنَ ؕ﴿۶۱﴾

یا[بگویید]کیست که آسمانها و زمین را آفرید و آب را برایشما از آسمان فروفرستاد و بدان باغ های‌رونق بخشاء رویانیدیم. شما را ممکن نبود که درختان آنهارا رشدونمو دهید. آیا هیچ معبودی است باخدا؟اینچنین نیست بلکه آنهاقومی بی انصاف اند(۶۱)

اَمَّنْ جَعَلَ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّجَعَلَ خِلٰلَهَآ اَنْهٰرًا وَّجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ؕ﴿۶۲﴾

یاکیست که زمین را قرارگاهی ساخت و درآن نهرهای جاری کرد و برای آن کوهها قرارداد و میان دودریا مانعی نهاد. آیا هیچ معبودی‌است باخدا؟[نخیر] بلکه بیشتر ایشان نمیدانند(۶۲)

اَمَّنْ يُّجِيْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ الْاَرْضِ ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ؕ﴿۶۳﴾

یاکیست که بیچاره رااجابت کند چون او رامیخواندوسختی‌رادور کندوشمارااوارث زمین میگرداند آیا هیچ معبودی است با خدا؟کم است آنچه پند میگیرند(۶۳)

اَمَّنْ يَّهْدِيْكُمْ فِيْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُّرْسِلُ الرِّيٰحَ بُشْرًاۢ بَيْنَ يَدَيْ

یاکیست که شمارادرتاریکی های بروبحر رهنمائی میکند و کیست

رَحۡمَتِهٖۗ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِؕ تَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشۡرِكُوۡنَؕ ﴿۶۴﴾

که پیشروی رحمت خودبادهای مژده رسان را میفرستد.آیا هیچ معبودی است باخدا؟بلندتر است خدا از آنچه شرك میورزند(٦٤)

اَمَّنۡ يَّبۡدَؤُا الۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيۡدُهٗ وَمَنۡ يَّرۡزُقُكُمۡ مِّنَ السَّمَآءِ وَالۡاَرۡضِؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِؕ قُلۡ هَاتُوۡا بُرۡهَانَكُمۡ اِنۡ كُنۡتُمۡ صٰدِقِيۡنَ ﴿۶۵﴾

یاکیست که آفرینش راابتداکند سپس آن را تکرارکند و کیست که شمارا در آسمان و زمین رزق درمیدهد. آیا هیچ معبودی است باخدا؟بگودلیل خود را بیآرید اگرشمارا ستگویانید(٦٥)

قُلۡ لَّا يَعۡلَمُ مَنۡ فِى السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ الۡغَيۡبَ اِلَّا اللّٰهُؕ وَمَا يَشۡعُرُوۡنَ اَيَّانَ يُبۡعَثُوۡنَ ﴿۶۶﴾

بگونمیداند آنکه درآسمانهاوزمین است غیب راجزخدا و نمییابند چه هنگام برخیزانده خواهند شد(٦٦)

بَلِ ادّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِى الۡاٰخِرَةِ‌ قف بَلۡ هُمۡ فِىۡ شَكٍّ مِّنۡهَا‌ قف بَلۡ هُمۡ مِّنۡهَا عَمُوۡنَ ﴿۶۷﴾ ع ۵ / ۸

بلکه دانش آنان درمورد آخرت بغایت رسیده است بلکه آنهاازآن درشکندبلکه آنها درمورد آن کور شده اند(٦٧)

وَقَالَ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡۤا ءَاِذَا كُنَّا تُرٰبًا وَّاٰبَآؤُنَاۤ اَئِنَّا لَمُخۡرَجُوۡنَ ﴿۶۸﴾

وآنانکه کفرکردندگفتند آیا چون ماخاك شویم و پدران ما آیا باز حتمًا بیرون آورده شویم؟(٦٨)

لَقَدْ وُعِدْنَا هٰذَا نَحْنُ وَاٰبَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ لا اِنْ هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦٩﴾

البته قبلاًهم ما و پدران ما این وعدهٔ داده شدیم. این فقط افسانه های پیشینیان است(٦٩)

قُلْ سِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ فَانْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٧٠﴾

بگو،بگردید درزمین وبنگرید که فرجام مجرمان چگونه بود(٧٠)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِىْ ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ ﴿٧١﴾

وبرآنهاغم نخورو ازآنچه نیرنگ زنند در تنگی مباش(٧١)

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٧٢﴾

و میگویند انجام این وعده تا بچندمیکشد اگر شما راستگویان اید(٧٢)

قُلْ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِىْ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿٧٣﴾

بگو نزدیك است بعضی از آن [امور]که بشتاب میخواهیددنبال شما درآمده است(٧٣)

وَاِنَّ رَبَّكَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٧٤﴾

و یقینًا پروردگار تورا بر مردم فضلی فراوان است واما بیشتر ایشان شکر نمی کنند(٧٤)

وَاِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٥﴾

وبراستی پروردگارتونیك میداند آنچه درسینه های خود کتمان کنند و آنچه عیان کنند(٧٥)

وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِى السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اِلَّا فِىْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٧٦﴾

وچیزی‌ازغایب درآسمان وزمین نیست مگردرکتابی‌آشکارموجود

است(٧٦)

اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَقُصُّ عَلٰى بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اَكْثَرَ الَّذِيْ هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٧٧﴾

یقینًا این قرآن بربنی اسرائیل اکثرآآن [سخنان] بیان میکند که آنان در آن اختلاف دارند(٧٧)+

وَاِنَّهٗ لَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٧٨﴾

و یقینًا آن مومنان را هدایت و رحمت است(٧٨)

اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهٖ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ﴿٧٩﴾ۚ

یقینًا پروردگارتو میان ایشان به حکمت خود قضاوت نماید و او صاحب غلبۀ کامل صاحب علم دائمی است(٧٩)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ۗ اِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِيْنِ ﴿٨٠﴾

پس توکل کن برخدا یقینًا تو برحقّ آشکار هستی(٨٠)

اِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ اِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٨١﴾

و هرگز تو صدا نه مردگان را بشنوانی و نه کران را بشنوانی وقتی پشت کرده برگردند(٨١)

وَمَآ اَنْتَ بِهٰدِى الْعُمْيِ عَنْ ضَلٰلَتِهِمْ ۗ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا مَنْ يُّؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ

و نیستی تو که کوران را از گمراهی آنها بهدایت بیاری. تو نمیشنوانی مگر به آنانکه به آیت

++آیت٧٧: درباره عجوبه های گذشته بایبل حاکی‌ازداستانهای شگفت انگیزاست. قرآن کریم حقیقت آنهارابیان کرده پردۀ ی راازداستانهابرداشته است درصورتیکه بنی اسرائیل آنهارا برظاهرتعبیرمیکردند.

مُّسْلِمُوْنَ ﴿۸۲﴾

های ما ایمان میآرند پس ایشان فرمانبردارانند(۸۲)

وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اَنَّ النَّاسَ كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا لَا يُوْقِنُوْنَ ﴿۸۳﴾

و هنگامیکه فرمان برآنها واجب گردد جنبندهٔ یازمین بیرون آریم که آنهارا بگزد [برای] این که مردم به آیتهای ما باور نمی کردند(۸۳)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُّكَذِّبُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿۸۴﴾

وروزیکه گردآریم ازهرکدام امت لشکری از آنها که آیتهای مارا تکذیب کردند. پس آنها جدا جدا صف آرائیکرده شوند(۸٤)

حَتّٰى اِذَا جَآءُوْ قَالَ اَكَذَّبْتُمْ بِاٰيٰتِيْ وَلَمْ تُحِيْطُوْا بِهَا عِلْمًا اَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۸۵﴾

تاآنگاه که چون [نزدخدا] بیآیند او گوید، آیا آیتهایم را تکذیب کردیدحالانکه به علم آنهارااحاطه نکرده بودید؟ یا چه بود که شما میکردید(۸۵)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوْا فَهُمْ لَا يَنْطِقُوْنَ ﴿۸۶﴾

وفرمان برآنهاصادرشود بعلت آن ستم که میکردند پس[جواباً]آنها حرفی نزنند(۸٦)

اَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا الَّيْلَ لِيَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ

آیاندیدی که ما ساختیم شب را تا درآن آرامش یابند و روز را

يُؤْمِنُونَ۝٨٧

روشنائی‌بخش. یقینًا دراین آیتی بزرگ است برای قومیکه ایمان آرند(۸۷)

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ۚ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ۝٨٨

و روزیکه در صور دمیده شود و هرچه در آسمانها است و هرچه در زمین است بترسد جز آنکه را خدا بخواهد و همگان نزد او خاضعانه بیآیند(۸۸)

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۚ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ۚ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ۝٨٩

و کوهها را میبینی.تو آنها را ساکت و جامد گمان کنی حالانکه مانندحرکت ابرها آنهاحرکت می کنند‌این صناعت آن خدااست که هرچیزرا استوار ساخت. یقینًا او مدام آگاه است به آن عمل که میکنید(۸۹)

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ۚ وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ۝٩٠

هرکه نیکی آورد پس پاداش او بهتر ازآن باشد و آنها آنروز از آشفتگی ایمن شوند(۹۰)

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ ۚ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ

و هرکه بدی آوردپس چهره های آنان درآتش واژگون افکنده شود آیا پاداش داده شوید جز آنچه

تَعۡمَلُوۡنَ﴿۹۱﴾

شما میکردید(۹۱)

اِنَّمَآ اُمِرۡتُ اَنۡ اَعۡبُدَ رَبَّ هٰذِهِ الۡبَلۡدَةِ الَّذِیۡ حَرَّمَهَا وَلَهٗ كُلُّ شَیۡءٍ وَّاُمِرۡتُ اَنۡ اَكُوۡنَ مِنَ الۡمُسۡلِمِيۡنَ﴿۹۲﴾

من فقط این فرمان شده ام که پروردگاراین شهر را عبادت کنم آنکه اینرا حرمت داد و هرچیز ازآن اوست و فرمان شده ام که از فرمانبرداران باشم(۹۲)

وَاَنۡ اَتۡلُوَا الۡقُرۡاٰنَ ۚ فَمَنِ اهۡتَدٰی فَاِنَّمَا يَهۡتَدِیۡ لِنَفۡسِهٖ ۚ وَمَنۡ ضَلَّ فَقُلۡ اِنَّمَآ اَنَا مِنَ الۡمُنۡذِرِيۡنَ﴿۹۳﴾

و اینکه قرآن را تلاوت کنم.پس هرکه هدایت یابد برای خود هدایت مییابدوهرکه گمراه گردد پس بگو من فقط از هشدار دهندگانم(۹۳)

وَقُلِ الۡحَمۡدُ لِلّٰهِ سَيُرِيۡكُمۡ اٰيٰتِهٖ فَتَعۡرِفُوۡنَهَا ؕ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُوۡنَ﴿۹۴﴾

ع ۷ ۱۱ ۳

و بگو ستایش مطلق برای خدا است. بزودی نشانه های خود را به شما نشان دهد. آنگاه آنها را بشناسید و پروردگار تو بغفلت نیست ازآنچه میکنید (۹۴)

# ۲۸ - سورة القصص

این سورة درمکه نازل شد و با بسم اللّه ۷۹ آیت دارد.

آغاز این سورة نیزبامقطعات طسٓمٓ شده است ازآنچه اثبات میشودکه موضوع طیّب،سمیع وعلیم که شرح آن قبلاًداده شده است،ادامه داده میشود.

چنانکه درسورة گذشته ذکر از نشانه های بزرگ صورت گیرنده در آینده رفته است، دراین سورة بیان کرده میشود که خدا علم به زمان گذشته نیزبهمان اندازه داردچنانکه علم ازآینده دارد.ضمناًعلمی که به آنحضرت ﷺ نسبت به حضرت موسٰی علیه السلام داده شد آن دارای بسیار معجزات است. مجملاً اینکه آبی که کودکی معصوم حضرت موسٰی را نتواست غرق کند همان آب موجب غرق فرعون و لشکریانش شد.

سپس این ذکر است که یهودیان این زمان از تو انکار کنان میگویند که اگرنشانه های مانند موسٰی برتو نازل شود ما انکار نخواهیم کرد. اما آنان این امر را فراموش میکنند که یهودیان آن نشانه های را که در زمان حضرت موسٰی ظاهر شدند هم رد کرده بودند و الا اینهمه نشانه ها را رویت کرده متمایل به بت پرستی نمی شدند. همه ای منکران خواه به زمان گذشته تعلق دارند یا به زمان رسول اللّٰہ ﷺ مربوط اند روش آنان عیناًکج مانند همدیگراست.آنان بظاهربرنشانه های‌پیشینیان ایمان میآرندوچون نشانه های امثال آنهاراجلوی چشمان خودفرود آمده رویت کنندبه آنها انکار میکنند.

ضمناً ذکر ازآن اهل کتاب میرود که هم قبلاً بر موسٰی علیه السلام ایمان آورده بودند وچون معجزات را بر رسول اللّٰہ ﷺ نازل آمده دیدند پس

برپایه پاکی‌خصلت خود برآنها هم ایمان آوردند.اینطورایشان به پاداش دوگانه حقدار شدند.

مجمل اینهمه مبحث اینطور است که انسان هدایت را بزور نمی تواند بدست آورد بلکه خداوند پاکدلان را خودش هدایت میدهد. بعلاوه اینهم گفته شدکه ذکرکثیرازهلاکت قومهای‌پیشین که یافت میشود اینطور نیست گویی که خداوند برآنها ستم روا داشت بلکه آنها هدف آن ستمگری خود درآمدند که بنادانی برجانهای خویش و بر رسولان زمان روا میداشتند.

سپس قرآن کریم میفرماید بطوریکه شب و روز بهم تبدیل میشوند تاریکیها نیزمدام برانسان مسلط کرده نمیشود. بوسیله کلامی فصیح و بلیغ و والا مرتبه متنبه کرده میشود که اگر شب برای همیشه مسلط میشد شما نمی توانستید درآن تاریکیها ببینید ولی بوسیله گوشهای شنوا میتوانستید گوش کنید. بعکس اگر روز برای همیشه مسلط کرده میشد آنگاه باید کران را نیز راه در روشنی روز دیده میشد. پس چرا نمی بینند؟

سپس ذکر از قارون میرود. او دارائی بیشمار اعطاء شده بود و مردم بنگاهی پرحسرت بسویش دیده میگفتند، ای کاش‌آنها نیزدارائی مثل آنرا بدست میآوردند. اما عاقبت او این شد که او با گنج های خود بخاک کرده شد. در ابتدای همین سوره هشدار داده شد که خداوند نه تنهابرغرق کردن در دریاها توانا است بلکه اگر او بخواهد بعضی متکبران را بهمراه دارائی های خودشان در زمین فرومیبرد. بعنوان مثال ما در زمان کنونی نیز می بینیم که چون زمین براثرزلزله ها میشکافد شهرهای پرجمعیت و ایجادهای بزرگ زمان، بی نام و نشان به خاک کرده میشوند.

پس ازاین آیتها یك آیت [۸۶] چنین است که برای اثبات کردن بر دشمنان کافی بود که این کلام خدا است و این بهرحال حتمی الوقوع است و آن اینست که ما تو را دوباره بداخل معاد یعنی مکه مینمائیم. پس آنان این معجزه راجلوی چشمان خود راست آمده دیدند. پیشگویهائی زمان گذشته و کنونی را بعد از این چه گنجایش تردید باقی میماند؟ درنهایت نتیجه اینست که هیچ چیزی به اثبات نمیرسد جز توحید خداوندی.ذکر از هلاکتهای گذشته به اثبات میرساند که هرچیز فناپذیر است ـ آن فنا خواه بعلت غضب الهی است خواه تحت قانون طبیعی.تنها جلوه خداجاودان است.

☆سُوْرَةُ الْقَصَصِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ ثَمَانُوْنَ اٰيَةً وَّ تِسْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

طٰسٓمّٓ ②

طَيِّبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - پاك - بسیارشنوا - بینهایت دانا(۲)

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ③

این آیتهای کتاب آشکار است(۳)

نَتْلُوْا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَاِ مُوْسٰى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ④

ماازخبرموسٰی وفرعون بر تو به حق میخوانیم برای قومیکه ایمان آرند(٤)

اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْاَرْضِ وَجَعَلَ اَهْلَهَا شِيَعًا يَّسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ اَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْيٖ نِسَآءَهُمْ ؕ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ⑤

همانا فرعون در زمین سرکشی کرد و ساکنان آنرا گروه گروه نمود.او ازآنها گروهی را بیچاره میساخت. پسران ایشان را می کشت و زنان ایشان را نگه میداشت. یقینًا او از فسادکاران بود(۵)

وَنُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا فِي الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَّنَجْعَلَهُمُ

و ما درصدد آمدیم که برآنهائی که درزمین ناتوان پنداشته شدند منت نهیم و ایشان را رهنماها

الْوٰرِثِيْنَ ﴿٦﴾

برگزینیم وایشان را وارث قرار دهیم(٦)

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَجُنُوْدَهُمَا مِنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَحْذَرُوْنَ ﴿٧﴾

و آنهارا درزمین قدرتمندسازیم و فرعون وهامان ولشکریان آندو را[ازبنی‌اسرائیل] نشان دهیم از آنچه بیمناك بودند(٧)

وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اُمِّ مُوْسٰٓى اَنْ اَرْضِعِيْهِ ۚ فَاِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَاَلْقِيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِيْ وَلَا تَحْزَنِيْ ۚ اِنَّا رَآدُّوْهُ اِلَيْكِ وَجَاعِلُوْهُ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٨﴾

وبسوی‌مادرموسٰی وحی‌فرستادیم که اوراشیربده.پس هرگاه درباره او ترسیدی پس او را در دریا بیفکن و نه در ترس باش و نه اندوه بخور.یقینًا او رابسوی تو بازگردانیم و او را از رسولان [رسولی] قراردهیم (٨)

فَالْتَقَطَهٗٓ اٰلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُوْنَ لَهُمْ عَدُوًّا وَّحَزَنًا ؕ اِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَجُنُوْدَهُمَا كَانُوْا خٰطِئِيْنَ ﴿٩﴾

پس خانواده فرعون [باذن خدا] او را برداشت تا برایشان دشمن و [موجب] اندوه گردد. یقینًا فرعون و هامان و لشکریان آندو خطاکاران بودند(٩)

وَقَالَتِ امْرَاَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّيْ وَلَكَ ؕ لَا تَقْتُلُوْهُ ۖ عَسٰٓى اَنْ يَّنْفَعَنَآ اَوْ

و زن فرعون گفت، این [مایهٔ] آسودگی دیدگان من و توخواهد بود.او را نکش. ممکن است ما را

نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠﴾

سودمندگردد یا ماا ورا به فرزندی بگزینیم درحالیکه آنهامیچ هم درك نمیکردند(۱۰)

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِى بِهِۦ لَوْلَآ أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١﴾

و دل مادرموسیٰ [ازتفکر]خلاصی یافت. نزدیك بود که این [راز] رافاش کنداگرقلبش رانه پیوسته بودیم [اینطور کردیم] تا او از مومنان شود(۱۱)

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِۦ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِۦ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾

و [مادر موسیٰ]به خواهرش گفت، دنبالش برو پس وی او را از دورمیدید درحالیکه آنها پی نمی بردند(۱۲)

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰٓ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُۥ لَكُمْ وَهُمْ لَهُۥ نَٰصِحُونَ ﴿١٣﴾

و ما همان از پیش زنان شیرده را بر او حرام کرده بودیم. پس [خواهرش] گفت. آیا شما را بر خانوادهٔ خبردهم که او را برای شماپرورراند و آنها خیرخواه او باشند(۱۳)

فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ

پس [اینگونه] او را به مادر خود باز گرداندیم تا چشمانش روشن گردد واندوهگین نشودوتابداند

اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٤﴾

که وعده خداحق است اما بیشتر مردم نمیدانند(۱٤)

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهٗ وَاسْتَوٰۤى اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٥﴾

وهنگامیکه به سن توانائی‌خود رسید و استوار گردید ما او را حکمت ودانش دردادیم ومحسنان را پاداش این گونه میدهیم(۱۵)

وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ عَلٰى حِيْنِ غَفْلَةٍ مِّنْ اَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيْهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلٰنِ ۖ هٰذَا مِنْ شِيْعَتِهٖ وَهٰذَا مِنْ عَدُوِّهٖ ۚ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِىْ مِنْ شِيْعَتِهٖ عَلَى الَّذِىْ مِنْ عَدُوِّهٖ ۙ فَوَكَزَهٗ مُوْسٰى فَقَضٰى عَلَيْهِ ۖ قَالَ هٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ ؕ اِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٦﴾

پس واردشهرشدوقتیکه مردمش بغفلت بودند. پس درآنجا دو مرد را دید که بهم ستیزه میکردند. این [یکی] از قبیله او بود و آن [دیگری]ازدشمنان اوبود. پس آن که از قبیله او بود برخلاف آنکه از دشمنانش بود او را بیاری خواست. پس موسیٰ او را مشتی زد و او را از پای‌درآورد.[موسیٰ دردلش]گفت.این از کارشیطان است.یقیناًاو دشمن گمراه کنندهٔ آشکار است(۱٦) ++

قَالَ رَبِّ اِنِّىْ ظَلَمْتُ نَفْسِىْ فَاغْفِرْ لِىْ فَغَفَرَ لَهٗ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿١٧﴾

[موسیٰ] گفت، پروردگارا!یقیناً من بر جان خود ستمکرده ام.پس مرابیآمرز. پس او را آمرزید.

یقینًااوبس آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۱۷ )++

قَالَ رَبِّ بِمَآ اَنۡعَمۡتَ عَلَیَّ فَلَنۡ اَکُوۡنَ ظَهِیۡرًا لِّلۡمُجۡرِمِیۡنَ ﴿۱۸﴾

او گفت چه برمن منت نهادی پس هرگز پشتبان مجرمان نخواهم شد(۱۸ )++

فَاَصۡبَحَ فِی الۡمَدِیۡنَةِ خَآئِفًا یَّتَرَقَّبُ فَاِذَا الَّذِی اسۡتَنۡصَرَهٗ بِالۡاَمۡسِ یَسۡتَصۡرِخُهٗ ؕ قَالَ لَهٗ مُوۡسٰۤی اِنَّكَ لَغَوِیٌّ مُّبِیۡنٌ ﴿۱۹﴾

پس بامگاه ترسان و به اطراف مراقب بوده بداخل شهرشد. پس ناگاه همان که دیروز او را به یاری خواسته بود از اویاری می جوید.موسیٰ بدو گفت یقینًا تو یک گمراه آشکارا هستی(۱۹ ) ++

فَلَمَّاۤ اَنۡ اَرَادَ اَنۡ یَّبۡطِشَ بِالَّذِیۡ هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا ۙ قَالَ یٰمُوۡسٰۤی اَتُرِیۡدُ اَنۡ تَقۡتُلَنِیۡ كَمَا قَتَلۡتَ نَفۡسًۢا بِالۡاَمۡسِ ٭ۖ اِنۡ تُرِیۡدُ اِلَّاۤ اَنۡ تَكُوۡنَ جَبَّارًا فِی الۡاَرۡضِ وَ مَا تُرِیۡدُ اَنۡ تَكُوۡنَ مِنَ الۡمُصۡلِحِیۡنَ ﴿۲۰﴾

پس هنگامیکه آهنگ کرد که دست فراز برد به آنکس که دشمن هر دوی بود او گفت: ای موسیٰ!آیا میخواهی مرابکشی آنگونهٔ که دیروزتنی راکشتی؟تونمیخواهی مگر درزمین زورکنی و دوست نداری که از اصلاح کنندگان باشی(۲۰ )++

وَ جَآءَ رَجُلٌ مِّنۡ اَقۡصَا الۡمَدِیۡنَةِ یَسۡعٰی ۫ قَالَ یٰمُوۡسٰۤی اِنَّ الۡمَلَاَ یَاۡتَمِرُوۡنَ بِكَ

مردی از انتهای شهرسعی کرده آمد و گفت. ای موسیٰ! یقینًا

لِيَقْتُلُوْكَ فَاخْرُجْ اِنِّىْ لَكَ مِنَ النّٰصِحِيْنَ ﴿۲۱﴾

سرداران خلاف تو بهم مشورت میکنند تاتورا بکشند. پس دررو. یقینًا من از خیر خواهان تو هستم(۲۱)++

فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَّتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِىْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۲۲﴾

پس او هراسان و به اطراف مراقب بوده از آنجاخارج شد. گفت، پروردگارمن!مرا از قومی ستمکار نجات بده(۲۲)++

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسٰى رَبِّىْٓ اَنْ يَّهْدِيَنِىْ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ﴿۲۳﴾

و هنگامیکه بسوی مدین رو آورد گفت،نزدیکست پروردگارم مرا براه راست هدایت کند(۲۳)++

++آیات ۱۶_۲۳:معلوم میشود حضرت موسیٰ درتاریکی صبحگاهی به خانه خود میآمدند. روزی ایشان در راه یك اسرائیلی را با یك نفراز فرعونیان دعوی کرده دید. چون او حضرت موسیٰ را بیاری خود خواست ایشان به مرد فرعونیان مشت زدند و او جان از دست داد.

روزدیگر در تاریکی صبحگاهی باز حضرتؑ موسیٰ گذرمیکردند که همان کس ستیزه گر از قوم ایشان با یك نفر دیگر از فرعونیان ستیزه شروع کرد و دمیکه حضرت موسیٰ قدم بیاری شخص از قوم خویش جلوبردند شخصی از فرعونیان فریاد زد که آیا هم بمن همانطور رفتارکنی که تو دیروز یکی از مارا کشته بودی. پس از بیان این دو رویداد در آیت مجاور این بیان شده است که سرداران فرعونیان برآن شدند که موسیٰ به مجازات قتل رسانده شود. آنگاه یك نفر که آگاه بود به حضرت موسیٰ از پیش متنبه ساخت و ایشان از آنجا بسوی مدین رهسپار شدند.

وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَآءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٤﴾

ووقتیکه بداخل آبگاه مدین شد آنجاگروهی ازمردم را دید[که به دامها]آب میدادند وجداازآنان دو زن را دیدکه[گوسفندان خود را] دور میراندند. موسیٰ گفت. شما دوی راچه کار است؟آندو گفتند. ما آب نمی دهیم تا چوپانها [آب داده]برنگردند وپدرماخیلی پیر است(۲٤)

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٥﴾

پس اوبرای‌آندو[دامهارا]آب داد. سپس بسمت سایهٔ برگشت و گفت، پروردگارا! یقیناًچیزی که از خیر نازل کنی من برای آن نیازمندم(۲۵)

فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَآءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّٰلِمِينَ ﴿٢٦﴾

پس یکی ازآندو [دختر] باکمال حیا قدم زده نزدش آمده گفت. پدرم تورا میخواند تا تراعوض آن بپردازدکه برای ما آب دادی. پس گامیکه نزداوآمدو سرگذشت رابرای‌اوبیان نموداوگفت نترس از قوم ستمکاران نجات یافته

ای(۲۶)

قَالَتْ اِحْدٰىهُمَا يٰۤاَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ ۫ اِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْاَمِيْنُ ﴿۲۷﴾

یکی‌ازآندو[دختر]گفت، ای پدرم! او رابرای خدمت استخدام کن. پس هر که را برای خدمت استخدام کنی بهترتر اوست که نیرومند امین باشد(۲۷)

قَالَ اِنِّيْۤ اُرِيْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى ابْنَتَيَّ هٰتَيْنِ عَلٰۤى اَنْ تَاْجُرَنِيْ ثَمٰنِيَ حِجَجٍ ۚ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۚ وَمَاۤ اُرِيْدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَيْكَ ؕ سَتَجِدُنِيْۤ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۲۸﴾

اوگفت [ای موسیٰ] یقینًا من می خواهم که یکی‌ازایندو دخترم را با تو بعقد ازدواج ببندم بر این شرط که هشت سال مراخدمت کنی.پس اگرده سال را تمام کنی پس از میل خودت است. نمی خواهم بر توسخت گیرم و انشا الله مرا از نیکوکاران خواهی یافت(۲۸)

قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ ؕ اَيَّمَا الْاَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُوْلُ وَكِيْلٌ ﴿۲۹﴾ ع

[موسیٰ]گفت،این میان من و میان تو قرار شد هر کدام از ایندو زمان راپایان برسانم پس خلاف من زیادتی نباید باشد و هرچه می گوئیم خدا بر آن وکیل است(۲۹)

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا ۖ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٣٠﴾

پس چون موسیٰ مدت معیّن را بپایان رساندبااهل خود رهسپار شد. او از جانب ٔطور ٔآتش سان دید.اوبه خانواده خودگفت درنگ کنید.یقیناًمن آتشی احساس کرده ام. امکان دارد که از آن برای شماخبربیآرم یا اخگری تا شما گرم شوید(٣٠)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣١﴾

پس وقتیکه به آن آمد ندا شد از کنار وادی پربرکت دریك بخش خجستهٔ از درخت که ای موسیٰ! همانا منم خدا پروردگار همه جهانها(٣١)

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣٢﴾

واینکه عصای‌خودرا بیفکن. پس چون آنرا دید که آن حرکت می کردگویی ماراست اوپشت کرده برگشت وپشت سرنگاه نکرد. ای موسیٰ!جلوبیآونترس یقیناًتو از ایمن شدگانی(٣٢)

اُسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ

دست خودرابداخل گریبان خود کن آن بی نقص روشن درآید و

جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذٰنِكَ بُرْهَانٰنِ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿۳۲﴾

بازو خود را [برای دوری] از ترس بسوی خود جمع کن پس این دو دلیل قاطع است از پروردگارتو بسوی فرعون و سردارانش. یقینًا آنها قومی زشت کرداربودند(۳۲)

قَالَ رَبِّ اِنِّىْ قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَاَخَافُ اَنْ يَّقْتُلُوْنِ ﴿۳۴﴾

[موسیٰ] گفت، پروردگارا! براستی من یك تن از آنهارا کشته ام. پس می ترسم مبادا مرا بکشند(۳٤)

وَاَخِىْ هٰرُوْنُ هُوَ اَفْصَحُ مِنِّىْ لِسَانًا فَاَرْسِلْهُ مَعِىَ رِدْاً يُّصَدِّقُنِىْٓ ۖ اِنِّىْٓ اَخَافُ اَنْ يُّكَذِّبُوْنِ ﴿۳۵﴾

و برادرم هارون در زبان از من زبان آورتراست. پس او را با من مددگار بفرست، او مرا تصدیق خواهد کرد. البته من [اینهم] بیم دارم مبادا مرا تکذیب کنند(۳۵)

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيْكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُوْنَ اِلَيْكُمَا ۚۛ بِاٰيٰتِنَآ ۚۛ اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُوْنَ ﴿۳۶﴾

معانقة عند المتأخرين

حتمًا ما بازوی تورا با برادر تو نیرومندسازیم وشمادوی رانشانه ای برتردهیم. پس آنها با [حضور] آیتهای ماتاشمادوی نمیرسند. شما دوی و آنانکه شما راپیروی کنند غالب آیندگانید(۳٦)

فَلَمَّا جَآءَهُمْ مُّوْسٰى بِاٰيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَّمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا

پس هنگامیکه موسی با آیتهای روشن ما آنانرا آمد گفتند اینکه

فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٧﴾

فقط جادوئی بهم بافته است و در پدران پیشین خود مانند آن نه شنیده بودیم(۳۷)

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٣٨﴾

و موسی گفت،پروردگارم داناتر است به آنکه ازجانب اوباهدایت آمدو کیست که خانه آخرت نصیب اوگردد. یقیناًستمکاران هیچگاه موفق نمیشوند(۳۸)

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٣٩﴾

وفرعون گفت، ای سرداران! من که برای‌شما جزخود کسی دیگر را معبود نمیدانم. پس ای هامان بخاطرم بر[آجر]گل آتش بیفروز پس برای من قصری بساز تا بر معبود موسی بنگرم والبته من او را از دروغگویان میپندارم(۳۹)

وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ ﴿٤٠﴾

و او ولشکریانش درزمین بناحق تکبرکردند و گمان کردند که آنها بسوی ما برگردانده نشوند(۴۰)

فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾

پس ما او و لشکریانش را فرو گرفتیم وآنهارا در دریاانداختیم پس بنگر فرجام ستمکاران چه

گونه بود(٤١)

وَجَعَلْنٰهُمْ اَئِمَّةً يَّدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿٤٢﴾

و آنها [فرعونيان] را پيشوايانى قرار داده بوديم كه بسوى آتش ميخواندند و روز قيامت يارى داده نشوند(٤٢)

وَاَتْبَعْنٰهُمْ فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِّنَ الْمَقْبُوْحِيْنَ ﴿٤٣﴾ ع ١٤/٧

و لعنت هم دراين دنيادنبالشان نهاديم و در روز قيامت ازحال افتادگان باشند(٤٣)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ مِنْ بَعْدِ مَآ اَهْلَكْنَا الْقُرُوْنَ الْاُوْلٰى بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤٤﴾

وهمانا موسىٰ را ازآن پس كه قوم هاى پيشين را هلاك كرده بوديم كتاب داديم. آن براى مردم بينش افروز و هدايت و رحمت بود تا آنها پند بگيرند(٤٤)

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ اِذْ قَضَيْنَآ اِلٰى مُوْسَى الْاَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٤٥﴾

وتوبجانب غرب[طور]نبودى چون بسوى موسى فرمان وحى كرديم و نه تو از گواهان بودى(٤٥)

وَلٰكِنَّآ اَنْشَاْنَا قُرُوْنًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِيْٓ اَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا ۙ وَلٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ ﴿٤٦﴾

وامابسيارقومهاى راسربلندكرديم حتّىٰ عمربرآنها درازشد. و تو در اهل مدين آيتهاى مارابر آنهافرو خواندۀ مقيم نبودى بلكه مائيم كه فرستنده رسولان بوديم(٤٦)

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَٰكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٧﴾

وتو کنار طور نبودی آنگاهکه ندا کردیم اماتویك رحمت هستی از پروردگارخود تا بیم دهی قومی را که قبل از تو آنها را هیچ بیم دهندهٔ نیآمد تا باشد که آنها پند بگیرند(٤٧)

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٨﴾

و مباداآنانرا سختی برسد بعلت آن چه دستهای ایشان پیش فرستاد پس بگویند پروردگارا! چرا نه فرستادی رسولی بسوی ما تا از آیتهای توپیروی میکردیم و از جمله مومنان میشدیم(٤٨)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ ۚ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ ۖ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وقفه وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ﴿٤٩﴾

پس هنگامیکه آنان را ازجانب ما حق آمد گفتند چرا او داده نشد مانند آنچه موسی داده شد. آیا به آن انکارنکردند که قبلاً به موسی داده شد؟گفته بودند ایندو جادو گران پشتیبان همدیگراند و گفته بودند حتماً ما به هرچیز انکار کنندگانیم(٤٩)

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ

بگو اگر شمارا ستگو یانید کتابی را

مِنْهُمَآ اَتَّبِعْهُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ۝٥٠

ازجانب خدا بیآریدکه آن ازاین دو [تورات وقرآن] بیشترهدایت دهنده باشد من آنراپیروی‌خواهم کرد(٥٠)

فَاِنْ لَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكَ فَاعْلَمْ اَنَّمَا يَتَّبِعُوْنَ اَهْوَآءَهُمْ ؕ وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰىهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ۝٥١

ع ٨ ٨

پس اگردعوت تو را قبول نکنند پس بدان که فقط ازهوای نفسانی خودپیروی میکنندوکیست گمراه ترازآنکه بغیراز هدایت خدا از هوای‌نفسانی‌خودپیروی‌کند یقینًا خداقومی ستمکار را هدایت نمی کند(٥١)

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ۝٥٢

ویقینًا ما سخن را برای ایشان به خوبی رسانده بودیم تا باشد که پندگیرند(٥٢)

اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِهٖ هُمْ بِهٖ يُؤْمِنُوْنَ۝٥٣

کسانیکه آنانراکتابی پیش ازاین داده بودیم[بسیاری‌از]ایشان به این[قرآن] ایمان دارند(٥٣)

وَاِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖٓ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّنَآ اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهٖ مُسْلِمِيْنَ۝٥٤

و هرگاه [قرآن] برایشان تلاوت شودگویندمابه این ایمان آوردیم یقینًا این از جانب پروردگار ما حق است. یقینًا ما پیش از این فرمان برداران بودیم(٥٤)

| | |
|---|---|
| أُولَٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا۟ وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٥﴾ | همانهاند که پاداش خود دو بار داده شوندچه صبر کردندوبدی را بانیکی دورمیکنند وانفاق میکنند از آنچه به ایشان ارزانی داشته ایم (۵۵) |
| وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٥٦﴾ | و هرگاه یاوه گوئی میشنوند از آن اعراض کنندومیگویندااعمال ما برای ما واعمال شما برایشما است. سلام برشما ما به نادانان رغبت نداریم(۵٦) |
| إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٥٧﴾ | یقینًا نتوانی هدایت کنی هر که را بخواهی و اما خدا هرکه را بخواهد هدایت میکند و او دانا تراست به آنها که لایق هدایت اند(۵۷) |
| وَقَالُوٓا۟ إِن نَّتَّبِعِ ٱلْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَآ ۚ أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰٓ إِلَيْهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٨﴾ | و گفتند اگر با تو هدایت را پیروی کنیم از وطن خود ربوده میشویم.آیاایشانرامسکن ندادیم درحرمی ایمن که بسوی آن میوه های هرگونه آورده میشود؟ [این] از نزد ما رزقی است.اما بیشتر |

ایشان نمی دانند(٥٨)

وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيْشَتَهَا ۚ فَتِلْكَ مَسٰكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِّنْۢ بَعْدِهِمْ اِلَّا قَلِيْلًا ؕ وَكُنَّا نَحْنُ الْوٰرِثِيْنَ ﴿٥٩﴾

وچه بساقریه های‌راهلاك ساختیم که برخوشحالی‌خود متکبر شده بودند.پس این نشیمنهای‌آنهااست که پس ازآنهاجزمدتی‌کم سکونت کرده نشدندو یقینًا تنها ما وارث شدیم(٥٩)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى حَتّٰى يَبْعَثَ فِيْۤ اُمِّهَا رَسُوْلًا يَّتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرٰۤى اِلَّا وَاَهْلُهَا ظٰلِمُوْنَ ﴿٦٠﴾

وپروردگار توهلاك نکند قریه های را تاآنگاهکه رسولی را در مادرآنها مبعوث کندکه آیتهای ما رابرآنهاتلاوت کندوماقریه های‌را هلاك نکنیم مگر ساکنان آنها ستم کارشده باشند(٦٠)

وَمَاۤ اُوْتِيْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَزِيْنَتُهَا ۚ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦١﴾

و هرچه بشماداده شد فقط اثاث زندگی دنیاوزینت آنست و آنچه نزدخدااست بهتروثابت تراست. پس آیا عقل نمیکنید؟(٦١)

اَفَمَنْ وَّعَدْنٰهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيْهِ كَمَنْ مَّتَّعْنٰهُ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِيْنَ ﴿٦٢﴾

پس آیاآنکه راوعدهٔ نیکوئی داده ایم و او یابنده آنست همانند آن است که اورابامتاع زندگی‌دنیا بهره مندساختیم سپس او درروز

قیامت [برای‌جوابگوئی] ازجمله احضار شدگان باشد؟(۶۲)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٣﴾

وروزیکه او آنها را فراخوانده و خواهدگفت.کجاستندآن شریکان من که آنها را شما [شریك] گمان میکردید؟(۶۳)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا ۖ تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٤﴾

کسانیکه بر آنها فرمان صدق کند خواهندگفت:پروردگارا! اینهائی اندکه آنانرا گمراه کردیم.ما آنان راگمراه کردیم بطوریکه خودما گمراه شدیم. [اکنون] ما ابراز بیزاری‌کرده بسوی‌تومیآیم.هرگز اینها عبادت ما نمیکردند(۶۴)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٥﴾

وگفته شوندکه شریکان خود را بخوانیدپس آنهاراخواهندخواند. پس آنها برای آنهاهیچ پاسخی نخواهندداد‌وآنهاعذاب را مشاهده خواهند کرد. کاشکی هدایت می یافتند(۶۵)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٦﴾

و روزیکه خدا به آنها نداکندو بپرسد. چه جواب به رسولان ما

دادید؟(۶۶)

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿٦٧﴾

پس اخبار آن روز بر آنها مشتبه گردد. پس آنها از همدیگر هم مسئلت نکنند.(۶۷)

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٨﴾

پس اماآنکس که توبه کردوایمان آورد و نیکوکاری کرد پس بعید نیست که او از جمله رستگاران باشد(۶۸)

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ سُبْحَٰنَ اللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٩﴾

و پروردگارتو هرچه خواهد می آفریندو[ازآن]اختیارمیکندوآنان راهیچ اختیاری نیست.پاك است خدا و بلندتر از آنچه شرك می ورزند(۶۹)

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٠﴾

و پروردگارتو میداند آنچه سینه های آنها پنهان کند و آنچه را عیان کند(۷۰)

وَهُوَ اللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧١﴾

و اوست خدا.نیست معبودی مگر او.ستایش مطلق دردنیا و آخرت ازآن اوست. حکم ازآن اوست و بسوی او بازگردانده شوید(۷۱)

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الَّيْلَ

بگو. مرا حالی کنید اگر خدا

سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَاْتِيْكُمْ بِضِيَآءٍ ؕ اَفَلَا تَسْمَعُوْنَ ﴿٧٢﴾

شب را بر شماتا روز قیامت دراز نمایدکدام معبوداست جزخدا که شمارا روشنی بیآرد.پس آیا گوش نمیکنید؟(۷۲)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَاْتِيْكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُوْنَ فِيْهِ ؕ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ﴿٧٣﴾

بگو.مرا حالی کنید اگر خداروز را بر شما تا روزقیامت دراز نماید کدام معبوداست جزخداکه شمارا شب آورد که در آن آرامش می یابید. آیا از بصیرت کار نمی گیرید؟(۷۳)

وَمِنْ رَّحْمَتِهٖ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٤﴾

و از رحمت خود شب و روز را برای شما برای این پدیدآورد تا در آن آرامش یابید و تا فضل او را تلاش کنید و تا شما سپاس بگذارید(۷٤)

وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ اَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِيْنَ كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ﴿٧٥﴾

وروزیکه آنهارافراخواند وگوید. کجااند آن شریکانم که شماآنهارا [شریکم]گمان میکردید؟(۷۵)

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا فَقُلْنَا هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوْٓا اَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ وَضَلَّ

و از هرکدام امت یك گواه بر انگیزم و بگوئیم که برهان تان بیآرید. آنگاه آنها بدانند که حق

عَنۡهُمۡ مَّا كَانُوۡا يَفۡتَرُوۡنَ ﴿۷۶﴾

تنهاازآن خدا است وهرچه بر می بافتندازآنها ناپیدا شود(۷۶)

اِنَّ قَارُوۡنَ كَانَ مِنۡ قَوۡمِ مُوۡسٰى فَبَغٰى عَلَيۡهِمۡ‌ ۖ وَاٰتَيۡنٰهُ مِنَ الۡـكُنُوۡزِ مَاۤ اِنَّ مَفَاتِحَهٗ لَتَنُوۡٓاُ بِالۡعُصۡبَةِ اُولِى الۡقُوَّةِ اِذۡ قَالَ لَهٗ قَوۡمُهٗ لَا تَفۡرَحۡ‌ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الۡفَرِحِيۡنَ ﴿۷۷﴾

یقینًا قارون از قوم موسی بود. پس اوبرخلاف ایشان [قوم خود] سرکشید و او را گنجهای دادیم که [وزن] کلیدهای آنها گروهی نیرومندراخسته میکرد. هنگامیکه قومش اورا گفت،خودخواه مباش یقینًاخدا خودخواهان را دوست ندارد(۷۷)

وَابۡتَغِ فِيۡمَاۤ اٰتٰٮكَ اللّٰهُ الدَّارَ الۡاٰخِرَةَ‌ وَلَا تَنۡسَ نَصِيۡبَكَ مِنَ الدُّنۡيَا‌ وَاَحۡسِنۡ كَمَاۤ اَحۡسَنَ اللّٰهُ اِلَيۡكَ‌ وَلَا تَبۡغِ الۡفَسَادَ فِى الۡاَرۡضِ‌ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الۡمُفۡسِدِيۡنَ ﴿۷۸﴾

و درآنچه خدا به توارزانی کرده است خانه آخرت را تلاش کن و ازدنیا[نیز]سهم خود را فراموش نکن واحسان کن بطوریکه خدا برتواحسانکرده است و درزمین فسادمجو.یقینًاخدا فسادکاران را دوست ندارد(۷۸)

قَالَ اِنَّمَاۤ اُوۡتِيۡتُهٗ عَلٰى عِلۡمٍ عِنۡدِىۡ‌ ؕ اَوَلَمۡ يَعۡلَمۡ اَنَّ اللّٰهَ قَدۡ اَهۡلَكَ مِنۡ قَبۡلِهٖ مِنَ الۡقُرُوۡنِ مَنۡ هُوَ اَشَدُّ مِنۡهُ قُوَّةً وَّاَكۡثَرُ

اوگفت،این داده شده ام فقط به علت آن دانشی که نزدم است. آیانمیداندکه یقینًاخداهلاك كرده است ازقبلش آن نسلهای را که

جَمْعًا ؕ وَلَا يُسْـَٔلُ عَنْ ذُنُوْبِهِمُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿۷۹﴾

آنهاسختراز او در نیرو وزیادتر درجمعیت بودند؟ و مجرمان از گناهان خودپرسیده نشوند(۷۹)

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ فِىْ زِيْنَتِهٖ ؕ قَالَ الَّذِيْنَ يُرِيْدُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا يٰلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآ اُوْتِىَ قَارُوْنُ ۙ اِنَّهٗ لَذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ﴿۸۰﴾

پس او درتزیین خودبرقوم خود بیرون آمد.آنهاکه زندگی دنیارا دوست داشتندگفتند.کاشکی برای ما هم بود مانند آنچه قارون داده شد. یقیناً او نصیب دار بزرگی است(۸۰)

وَقَالَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّمَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ۚ وَلَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا الصّٰبِرُوْنَ ﴿۸۱﴾

وآنانکه دانشی داده شدندگفتند، وای برشما.ثواب خداخیلی بهتر است برای آنکس که ایمان آورد ونیکوکاری کندامانیست جزصبر کنندگان که به آنها این [معرفت] داده شود(۸۱)

فَخَسَفْنَا بِهٖ وَبِدَارِهِ الْاَرْضَ ۗ فَمَا كَانَ لَهٗ مِنْ فِئَةٍ يَّنْصُرُوْنَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِيْنَ ﴿۸۲﴾

پس ما او وخانه او رابزمین فرو بردیم وبرای اوهیچ گروهی نبود جزخداکه او رایاری میکرد و او از انتقام گیرندگان نشد(۸۲)

وَاَصْبَحَ الَّذِيْنَ تَمَنَّوْا مَكَانَهٗ بِالْاَمْسِ يَقُوْلُوْنَ وَيْكَاَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

و کسانیکه تا دیروز مقام او را آرزو میکردند گفتند، دریغا!خدا

يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ ۚ لَوْلَآ اَنْ مَّنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا ؕ وَيْكَاَنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُوْنَ ﴿۸۳﴾ ع

برای هرکه از بندگان خود می خواهد رزق را فراخ میگرداند و تنگ میگرداندواگرخدابرما منت ننهاده بودمارا [نیز]فرو میبرد و دریغاا!کافران موفق نشوند(۸۳)

تِلْكَ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِيْنَ لَا يُرِيْدُوْنَ عُلُوًّا فِي الْاَرْضِ وَلَا فَسَادًا ؕ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۸۴﴾

این خانهٔ آخرت است که ما آنرا برای آن مردم میسازیم که در زمین نه خود ستائی میجویند و نه فساد و عاقبت براي متقیان است(۸۴)

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا ۚ وَمَنْ جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّاٰتِ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۸۵﴾

هرکه نیکوکاری آورد پس برای او[پاداش]نیکوتر ازآنست وآنکه بدی را آوردپس کسانیکه بدیها کردند پاداش داده نشوند جزآن چه میکردند(۸۵)

اِنَّ الَّذِيْ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لَرَآدُّكَ اِلٰى مَعَادٍ ؕ قُلْ رَّبِّيْٓ اَعْلَمُ مَنْ جَآءَ بِالْهُدٰى وَمَنْ هُوَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۸۶﴾

یقیناًآنکه قرآن رابرتوفرض کرد حتماًتورابسوی بازگشتگاهی باز گرداند. بگو. پروردگارم داناتر است آن که هدایت آورد و آنکه او در گمراهی آشکار است(۸۶)

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْٓا اَنْ يُّلْقٰٓى اِلَيْكَ الْكِتٰبُ

وتوهیچ خواهش نداشتیکه کتاب

اِلَّا رَحۡمَةً مِّنۡ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوۡنَنَّ ظَهِيۡرًا لِّلۡكٰفِرِيۡنَ ﴿۸۷﴾

بتوداده شودمگر از پروردگارتو رحمت است. پس پشتبان کافران مباش(۸۷)

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ اٰيٰتِ اللّٰهِ بَعۡدَ اِذۡ اُنۡزِلَتۡ اِلَيۡكَ وَادۡعُ اِلٰى رَبِّكَ وَلَا تَكُوۡنَنَّ مِنَ الۡمُشۡرِكِيۡنَ ﴿۸۸﴾

و تو را از[پیروی]آیات خدا باز ندارندپس ازآنگاه که برتو نازل شده باشد وبسوی پروردگارخود بخوان و ازمشرکان مباش(۸۸)

وَلَا تَدۡعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۘ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۟ كُلُّ شَىۡءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجۡهَهٗ ؕ لَهُ الۡحُكۡمُ وَاِلَيۡهِ تُرۡجَعُوۡنَ ﴿۸۹﴾

و باخدا هیچ معبودی دیگر را نخوان. هیچ معبودی نیست مگر او. هرچیزهلاك شدنی، است مگر جلوه او.حکم ازآن او است و به سوی اوبازگردانده شوید(۸۹)

# ۲۹ - العنکبوت

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ۷۰ آیت دارد.

بازاین سورة هم از"الم"شروع میشود درچه میتوان کنایهٔ ی باشد که خداموضوعات سورة البقره را مجدداً بیان مینماید. چنانکه درسورة البقره یهودرا ذکربودکه ایمان آوردن آنان برای‌خداتا آنگاه که به آزمایشهاجور در نیآمدند، قابل قبول نشد، اینك همان موضوع دراین سورة نیزبازگو کرده میشود.دراین زمان رسول اللهﷺ هم مانند پیشینیان فقط ادعای ایمان کافی نیست بلکه گذشتن از هرنوع آزمایش ها مانند ملتهای پیشین لازم است.

سپس خداوندمیفرمایدکه بعضیهاازجانب مادروپدرنیز روبرو باآزمایش های سخت میشوند. والدین بعلت مشرك بودن فرزندان خود را به شرك می خوانند. اما انسان باید بداند مادروپدرکه خداونددرحقشان به روش احسان تعلیم داده است.احسان خداونددرحق او بالاترازاحسان مادر و پدر است. لذا او شرك را در مقابل هیچ بهائی بخاطر مادروپدرخود قبول نکند.

بطوریکه درآغازسورة بقره ذکرازمنافقان کرده پرده ازبیماریهای درونی آنان برداشته شد.دراین سورة ذکر از منافقان جاری میشود و بیماری های روحانی گوناگون آنان تجزیه و تحلیل میشوند.

مدعیان ایمان ازین آزمایش نیز میگذرند که سردارانشان به آنها می گویند، دنبال مابیآیید واگر مسلك مانادرست هم باشد ما بار شمارا بدوش میگیریم.بلی!حتماًاینها هم بارخویش را و هم بار پیروان خویش را بعلت گمراه ساختن آنان بدوش خواهند گرفت و روز قیامت این امر قضاوت شود

که اینها چگونه دروغ برخدا میبستند.

سپس ذکر ازقومهای حضرت نوح،حضرت ابراهیم،حضرت لوط و بسیار قومهای دیگر رفته است که بعلت مخالفت از پیغبران خویش هلاك کرده شدند و علامات آنها تاحال در زمین باقی مانده است. باستان شناسان آثار بسیاری ازقومهای کهن را اکتشاف نموده اند و البته سراغ گرفتن از بسا قومها هنوز باقی است. حتی درباره کشتی نوح هم گفته میشود که باستان شناسان از آن نیزغافل نیستند و روزی حتماً آنرا کشف خواهند کرد.

سپس در آیة مرکزی ٤۲ که به عنوان سورة "إلعنکبوت" تعلق دارد فرموده میشود:کسانیکه معبودانیغیرازخدابرمیگزینند مثل آنان باعنکبوتی است که رشته ای پیچدار میبافد. استدلال مشرکان نیز همچنین پیچداراما درحقیقت بینهایت احمقانه است ومثل فراگرفته های آن نیز مانند آن مگس هایاحمق است که در تارعنکبوت بدام میافتند و آنها نمیدانند که هیچ دامی دیگرناتوان تر از تارعنکبوتی نیست.

درتارعنکبوت این تضاد است که اگرچه تاری که از لعابش درمیآید اینقدر محکم است که نخی با آن کلفتی و سنگینی.از آهن هم آنقدر محکم نیست بازهم آن دامی ناتوانتر اثبات میشود.پس برای دشمنان اعلام است که دامی محکم تر هم بسازند اما انجامش نیست مگر مانند تار عنکبوت که بظاهر محکم ولی درحقیقت بسیار ناتوان اثبات شده است.

درپایان خداوندجویندگان خودرا مژده ای میدهد.مسلك شمامرچه باشد هرکدام دین دارای آن راستی است که برآن فکرواندیشه کرده بخواسته خدا هدایت انسان بسوی راستیاسلام ممکن است.

☆ سُوْرَةُ العَنْكَبُوْتِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ البَسْمَلَةِ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ سَبْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓمّٓ ②

أنَا اللّٰہُ أعلَمُ منم خداداناترازهمه(۲)

اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوْٓا اَنْ يَّقُوْلُوْٓا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ③

آیا مردم پنداشتند که رها کرده شوند [بصرف]اینکه میگویند ما ایمان آوردیم و آنان آزمایش کرده نشوند(۳)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِيْنَ ④

ویقینًاآنهاکه پیش ازآنهابودند را آزمایش کردیم.پس یقینًاخدا باز شناسد آنهارا که راستگویانند و البته دروغ گویان را [نیز] باز بشناسد(٤)

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا ۭ سَاۗءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ⑤

آیاگمان کردندآنها که بدیها کنند برما سبقت گیرنده اند.چه زشت است آنچه قضاوت کنند(۵)

مَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَاۗءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَاٰتٍ ۭ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ⑥

آنکس که به دیدارخدا امیددارد پس یقیناً وقت معین خدا رسنده است و او بسیار شنوای صاحب علم دائمی است(٦)

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

پس هرکه جهادکند پس فقط بنفع خودش جهاد میکند. یقینًا خدا بی نیاز از همه جهانها است(۷)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

و کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند یقینًا بدیهای ایشان را از ایشان دورنمایم و حتمًا پاداش دهیم ایشان راطبق آن نیکوترین عمل که انجام می دادند(۸)

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ۖ وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۚ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

وانسان راتوصیه کردیم به مادرو پدرخوداحسان کندو[گفتیم] اگر باتوستیزه کنند که بامن آنچه را شریك آور که به آن تورا دانشی نیست پس آندو را پیروی نکن. بازگشت شما بسوی من است آن وقت شما را آگاه سازم به آنچه شما میکردید(۹)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿٩﴾

و کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند راحتمًابه نیکوکاران داخل کنیم (۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ

و از مردم آنانند که میگویند"به خداایمان آوردیم".پس آنگاه که

اللّٰهِ ۖ وَلَئِنْ جَآءَ نَصْرٌ مِّنْ رَّبِّكَ لَيَقُوْلُنَّ اِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ ۖ اَوَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِمَا فِيْ صُدُوْرِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۱﴾

دerraه خداآزارداده شوندآزمایش مردم را مانندعذاب خداقرار می دهندوپس چون یاری‌پروردگارتو فرارسدحتمًاگویند،یقینًامابا شما بودیم.آیاخدا داناتر به آن نیست که دردلهای‌همه جهانیانست؟(۱۱)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ ﴿۱۲﴾

و البته خدا خواهددانست آنانکه ایمان آوردند و یقینأهم منافقان را خواهددانست(۱۲)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّبِعُوْا سَبِيْلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطٰيٰكُمْ ۖ وَمَا هُمْ بِحٰمِلِيْنَ مِنْ خَطٰيٰهُمْ مِّنْ شَيْءٍ ۖ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿۱۳﴾

و کسانیکه کفر کردند گویند به آنانکه ایمان آوردندکه راه مارا پیرویکنیدماخطاهای‌شمارابدوش خواهیم گرفت درحالیکه نیستند آنها که هیچ هم ازخطاهای آنها به دوش گیرندگان باشند یقینًا آنها دروغگویانند(۱۳)

وَلَيَحْمِلُنَّ اَثْقَالَهُمْ وَاَثْقَالًا مَّعَ اَثْقَالِهِمْ ۫ وَلَيُسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَمَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿۱۴﴾ ع

ع ۱ ۱۴ ۱۳

و یقینًا بدوش کشند بارهای خود ـ شان را و با بارهای خودشان بارهای دیگرنیز و حتمًا پرسیده شوند درروزقیامت ازآنچه بودند برمیبافتند(۱۴)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَلَبِثَ فِيْهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ اِلَّا خَمْسِيْنَ عَامًا ؕ فَاَخَذَهُمُ الطُّوْفَانُ وَهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿١٥﴾

و يقينًا ما نوح را بسوى قومش فرستاده بوديم پس او در ايشان پنجاه كم هزار سال مكث كرد. پس طوفان آنها را فروگرفت و آنها ستمكاران بودند(١٥ )++

فَاَنْجَيْنٰهُ وَاَصْحٰبَ السَّفِيْنَةِ وَجَعَلْنٰهَآ اٰيَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦﴾

پس ما او و[بااو]سواران كشتى را نجات داديم و آن [كشتى] را نشانه اى براى همه جهانها قرار داديم(١٦ )

وَاِبْرٰهِيْمَ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ ؕ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١٧﴾

وابراهيم[رافرستاديم]چون بقوم خود گفت كه خدا راعبادت كنيد و او را تقوىٰ اختياركنيد.اين برايشما بهتراست. [و بهتربود] اگر شما ميدانستيد(١٧ )

اِنَّمَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْثَانًا وَّتَخْلُقُوْنَ اِفْكًا ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَا يَمْلِكُوْنَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوْا عِنْدَ اللّٰهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوْهُ وَاشْكُرُوْا لَهٗ ؕ

يقينًاشمابغيرازخدابتانرا عبادت ميكنيد و دروغ بهم ميبافيد.البته آنانراكه جزخداعبادت كنيدرزقى رابرايشمااختيارندارند.پس رزق را از نزد خدا بخواهيد و او را

++آيت١٤ :عمرحضرت نوح ٩٥٠ سال بيان ميشود ولى اين نه عمرظاهرى بلكه عمر شريعت ايشان است.

اِلَيۡهِ تُرۡجَعُوۡنَ ﴿۱۸﴾

عبادت کنید و او راسپاسگذارید بسوی‌او باز گردانده شوید(۱۸)

وَاِنۡ تُكَذِّبُوۡا فَقَدۡ كَذَّبَ اُمَمٌ مِّنۡ قَبۡلِكُمۡ ؕ وَمَا عَلَى الرَّسُوۡلِ اِلَّا الۡبَلٰغُ الۡمُبِيۡنُ ﴿۱۹﴾

واگرتکذیب کنیدپس یقیناً ملتها پیش ازشمانیزتکذیبکرده بودند و نیست بر پیغمبر جز رساندن [پیغام] آشکارا(۱۹)

اَوَلَمۡ يَرَوۡا كَيۡفَ يُبۡدِئُ اللّٰهُ الۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيۡدُهٗ ؕ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيۡرٌ ﴿۲۰﴾

آیا ندیدند که چطورخدا آفرینش را آغازمیکند. سپس آن را تکرار میکند. یقینًا این برخدا آسان است(۲۰)

قُلۡ سِيۡرُوۡا فِى الۡاَرۡضِ فَانۡظُرُوۡا كَيۡفَ بَدَاَ الۡخَلۡقَ ثُمَّ اللّٰهُ يُنۡشِئُ النَّشۡاَةَ الۡاٰخِرَةَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىۡءٍ قَدِيۡرٌ ۚ ﴿۲۱﴾

بگوسیرکنیددرزمین پس بنگرید که چطورخدا آفرینش را ابتداء کرد.بازخدا آنرابصورت پیدایش آخرت بربخیزاند.یقینًاخدابرهر چیز مدام قدرتمند است(۲۱)

يُعَذِّبُ مَنۡ يَّشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَنۡ يَّشَآءُ ۚ وَاِلَيۡهِ تُقۡلَبُوۡنَ ﴿۲۲﴾

هرکه راخواهدعذاب میدهد و هر که راخواهد رحم میکند و بسوی او بازگشت داده شوید(۲۲)

وَمَاۤ اَنۡتُمۡ بِمُعۡجِزِيۡنَ فِى الۡاَرۡضِ وَلَا فِى السَّمَآءِ ۖ وَمَا لَـكُمۡ مِّنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ مِنۡ وَّلِىٍّ

و نیستید شما در زمین و نه در آسمان عاجزکنندگان[خدا]وبرای شماجزخدا هیچ دوستی نیست و

وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿۲۲﴾

ع ۹ ۱۴

نه یاوری است(۲۲)

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَلِقَآئِهٖٓ اُولٰٓئِكَ يَئِسُوْا مِنْ رَّحْمَتِيْ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۲۳﴾

وکسانیکه به آیات خدا و ملاقات او راانکار کردند همانهاند که از رحمتم نومید شده اند و همانهاند که آنانرا عذابی دردناکست(۲۴)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوا اقْتُلُوْهُ اَوْ حَرِّقُوْهُ فَاَنْجٰهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۲۴﴾

پس جواب قومش نبودمگراینکه گفتند.اورابکشیدیااورابسوزانید پس خدا او راازآتش نجات داد. یقینًا درآن آیاتی‌است، آنمردم را که ایمان میآرند(۲۵)

وَقَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْثَانًا ۙ مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَّيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۫ وَّمَاْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿۲۵﴾

و اوگفت، شما که خدا را ترک کرده بتانراجهت محبت همدیگر در زندگانی دنیا برگزیده اید. سپس درروزقیامت بعضی از شما به بعضی‌انکارکنند وبعضی از شما بعضی رالعنت کنند و مأوی شما آتش باشدوشمارا هیچ ازیاوران نباشد(۲۶)

فَاٰمَنَ لَهٗ لُوْطٌ ۘ وَقَالَ اِنِّيْ مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّيْ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿۲۶﴾

پس لوط برای او[ابراهیم] ایمان آورد وگفت من بسوی‌پروردگارم مهاجرت کننده ام.یقینًااو صاحب

غلبه کامل صاحب حکمت است(۲۷)

وَوَهَبْنَا لَهٗۤ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَجَعَلْنَا فِيْ ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتٰبَ وَاٰتَيْنٰهُ اَجْرَهٗ فِي الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۲۸﴾

و او را اسحٰق ویعقوب بخشیدیم و درنژادش [هم انعام]نبوت و کتاب راقراردادیم واو رامزدش در این دنیا دادیم وهم درآخرت یقینًا او از صالحان است(۲۸)

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖۤ اِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ ۫ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۲۹﴾

و لوط چون به قوم خود گفت، یقینًا شما به فحشائی [پر شتاب] میآیید.احدیازجهانها شما را به آن سبقت نگرفته است(۲۹)

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُوْنَ السَّبِيْلَ ۙ وَتَاْتُوْنَ فِيْ نَادِيْكُمُ الْمُنْكَرَ ۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖۤ اِلَّاۤ اَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۳۰﴾

آیاشما برمردان [بشهوت] میآیید و راهزنی میکنید و درگردهمائی خودناپسندهامیآرید.پس جواب قومش نبود مگر اینکه گفتند عذاب خدا را نزد ما بیآر اگر تو از راستگویانی(۳۰)

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِيْ عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿۳۱﴾ ع

[لوط گفت]پروردگاراادر مقابل قوم فساد کاران مرا یاری کن(۳۱)

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَاۤ اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى ۙ

پس گامیکه فرستادگان مابامژده

قَالُوٓا اِنَّا مُهۡلِكُوٓا اَهۡلِ هٰذِهِ الۡقَرۡيَةِ ۚ اِنَّ اَهۡلَهَا كَانُوۡا ظٰلِمِيۡنَ ۚ ﴿۳۲﴾

بسوی ابراهیم آمدند گفتند.یقینًا ما اهل این قریه راهلاك کنندگان ایم.یقینًا ساکنان آن ستمکاران اند(۳۲)++

قَالَ اِنَّ فِيۡهَا لُوۡطًا ؕ قَالُوۡا نَحۡنُ اَعۡلَمُ بِمَنۡ فِيۡهَا ۖ لَـنُـنَجِّيَنَّهٗ وَاَهۡلَهٗۤ اِلَّا امۡرَاَتَهٗ ۖ كَانَتۡ مِنَ الۡغٰبِرِيۡنَ ﴿۳۳﴾

او گفت.یقینًادراین[شهر] لوط هم است. ایشان گفتند ما داناتریم به آنکه در آن است.یقینًا ما او و خانواده اش جز زنش را نجات دهیم.آنزن از جمله باز ماندگان است(۳۳)

وَلَمَّاۤ اَنۡ جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوۡطًا سِیۡٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعًا وَّقَالُوۡا لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ ۫ اِنَّا مُنَجُّوۡكَ وَاَهۡلَكَ اِلَّا امۡرَاَتَكَ كَانَتۡ مِنَ الۡغٰبِرِيۡنَ ﴿۳۴﴾

و گاهیکه فرستادگان مانزد لوط آمدند او ازایشان ناخوش آمد و بسبب ایشان طاقت اوتنگ شد. پس گفتند:ترس مداروواندوه گین مباش.ما تو و همه خانواده تو را نجات میدهیم جز زن تو که البته او از بازماندگانست(۳٤)

---

++آیت۳۲: فرشتگان که برای نابودی قوم لوط مامورشدند قبلاً برحضرت ابراهیم نیز نازل آمده بودند و چون حضرت ابراهیم رقیق القلب بودند لذا ایشان برای عفوآن قوم لوط در درگاه خدای متعال بسیاراصرار ورزیدند.

إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهْلِ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿٣٥﴾

یقینًا بر مردم این شهرعذابی از آسمان نازل کننده ایم چه آنها نافرمانی میکنند(۳۵)

وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَآ ءَايَةًۢ بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٦﴾

و البته از آن یك نشانهٔ روشن واگذاردیم برای آن مردم که عقل کنند(۳۶)

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱرْجُوا۟ ٱلْيَوْمَ ٱلْءَاخِرَ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٣٧﴾

وبسوی مدین برادرایشان شعیب [رافرستادیم]پس اوگفت، ای قوم من خدا را عبادت کنید و به روز آخرت امیدداشته باشیدو مفسدانه درزمین نا امنی نگسترانید(۳۷)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا۟ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٣٨﴾

پس اوراتکذیب کردند.پس زلزلهٔ آنها رافروگرفت پس درحالتی شدند که درمنازل خود به زانوها درافتاده بودند(۳۸)

وَعَادًا وَثَمُودَا۟ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمْ ۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُوا۟ مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٩﴾

وعادوثمودرا[نیززلزله گرفت] و این از[ویرانی]منازلشان بر شما روشن گردیده است و شیطان اعمالشان رابرایآنهازیبانشانداد و آنها را از راه[راست]بازداشت حالانکه بخوبیمیدیدند(۳۹)

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ ۖ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مُّوسٰى بِالْبَيِّنٰتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سٰبِقِينَ ﴿٤٠﴾

و قارون و فرعون [را هم کیفر گمراهی آنهادادیم] ویقینًا موسیٰ آنان را بانشانه های‌آشکار آمده بودبازهم آنهادرزمین خودخواهی کردندو[ازکیفرما]سبقتگیرندگان نبودند(٤٠)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا ۚ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤١﴾

پس ما هرکدام از آنها را بعلت گناهش بگرفتیم.پس ازآنهابود که برآن سنگریزه هابارانیدیم و از آنها بودکه آنرا غرّش هولناك فروگرفت و از آنها بود که آنرا بزمین فروبردیم و از آنهابود که آنرا غرق نمودیم و نبود خدا که برآنهاستم کندوامابرجانهای خود ستم میکردند(٤١)++

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَوْلِيَآءَ

مثل کسانیکه دوستان گذشته از

++آیت ٤١:دراین آیت سخن از این رفته است که با چه وسیله ها قوم های مخالف پیغمبران زمان خود بهلاك رسانده شدند. بربعضیها بادسنگریزه های بارانیدیم وبرخی ها را غرشی خوفناك فروگرفت و بعضیها ناشی از زلزله ها بخاك برده شدند و بعضیها بغرق افکنده شدند. معمولاً همین چهار طریق است که برای هلاك دشمنان پیغمبران بکار برده میشود.

كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ ۚ اِتَّخَذَتْ بَيْتًا ۖ وَاِنَّ اَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ ۘ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

خدا گرفته اند مانند مثل عنکبوت است. آن خانهٔ ی ساخت ویقینًا سست ترین خانه هاخانهٔ عنکبوت است کاشکی میدانستند(۴۲)

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهٖ مِنْ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٣﴾

یقینًاخدا میداند آنچه را جز او میخوانند و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۴۳)

وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۚ وَمَا يَعْقِلُهَا اِلَّا الْعٰلِمُونَ ﴿٤٤﴾

و این مثلهای است که ما برای مردم بیان میکنیم و آنها را درک نمیکند جزصاحبان علم (۴۴)

خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٥﴾

خداآسمانهاوزمین را بحق آفریده است یقینًا در این مومنان را آیتی بزرگ است(۴۵)

اُتْلُ مَآ اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتٰبِ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ ؕ اِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ ؕ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ اَكْبَرُ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُوْنَ ﴿۴۶﴾

فروخوان آنچه ازکتاب برتووحی شود ونماز رابپای دار.یقینًا نماز از فحشائی و ناپسندها بازمیدارد ویقینًاذکرخدابزرگتراست و خدا میداند آنچه میکنید(۴۶)

وَلَا تُجَادِلُوْٓا اَهْلَ الْكِتٰبِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ ۖ اِلَّا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْهُمْ وَقُوْلُوْٓا اٰمَنَّا بِالَّذِيْٓ اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَاُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاِلٰهُنَا وَاِلٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَّنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ﴿۴۷﴾

و با اهل کتاب مباحثه کن فقط به آن [طریق]که آن نیکوترست جز آنان از ایشان که ستمکردند. بگو ما ایمان آورده ایم به آنکه بسوی ما نازلکرده شدوبسوی شما نازل کرده شد و معبود ما و معبودشما یکتا است و ما برای او گردن نهادگانیم(۴۷)

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتٰبَ ؕ فَالَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ ۚ وَمِنْ هٰٓؤُلَآءِ مَنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ ؕ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَآ اِلَّا الْكٰفِرُوْنَ ﴿۴۸﴾

واینگونه ما کتاب را بسوی تو نازل کردیم. پس کسانیکه ایشان راکتاب دادیم به آن ایمان میآرند و از آنان [اهل کتاب هم]است آنکه به آن ایمان میارد و به آیات ما انکار نکند مگر کافران(۴۸)

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوْا مِنْ قَبْلِهٖ مِنْ كِتٰبٍ وَّلَا تَخُطُّهٗ بِيَمِيْنِكَ اِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿۴۹﴾

و پیش ازاین توهیچ کتابی نمی خواندی ونه آنرابدست راست

خود مینوشتی وگرنه ردکنندگان حتماً[از تو]به شك میفتادند(۴۹)

بَلْ هُوَ اٰيٰتٌۢ بَيِّنٰتٌ فِيْ صُدُوْرِ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ ؕ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَآ اِلَّا الظّٰلِمُوْنَ ﴿۵۰﴾

بلکه آن آیتهای آشکار است در سینه های آنانکه علم داده شدندو به آیتهای مافقط ستمگران انکار میکنند(۵۰)

وَقَالُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيٰتٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ قُلْ اِنَّمَا الْاٰيٰتُ عِنْدَ اللّٰهِ ؕ وَاِنَّمَآ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۵۱﴾

وگویند،چرابر او ازپروردگارش نشانهٔ نازل کرده نشد؟ بگو نشانه ها فقط نزدخدااست و من فقد بیم دهندهٔ ی آشکارام(۵۱)

اَوَلَمْ يَكْفِهِمْ اَنَّآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ يُتْلٰى عَلَيْهِمْ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَّذِكْرٰى لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۵۲﴾ ع

آیا این برایشان بس نیست که کتابی بر تو نازلکرده ایم که بر آنها فروخوانده میشود ویقینًا در این برای قومیکه ایمان آرند رحمت است و پند است(۵۲)

قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ شَهِيْدًا ۚ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوْا بِاللّٰهِ ۙ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿۵۳﴾

بگوخدا بین من و بین شما گواه بس است. او میداند آنچه در آسمانها و زمین است و کسانیکه بباطل ایمان آوردند و به خدا انکارکردند همانهاندکه زیانکاران اند(۵۳)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۚ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ ۚ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٤﴾

و آنها عذاب را از تو بتعجیل می خواهند و اگرنهایت زمانی مقرر نبود آنها را عذاب حتمًا میآمد و البته آن آنانرا ناگهان میآید در حالیکه آنها هیچ درك نکنند(۵٤)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۚ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٥﴾

آنها عذاب را از تو بتعجیل می خواهند و یقینًا جهنم کافرانْ را احاطه کننده است(۵۵)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٦﴾

روزیکه عذاب آنها را از فرازآنها و زیرپاهای آنهافروپوشد و[خدا] گوید، بچشید[طعم] آنچه شما می کردید(۵٦)

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٧﴾

ای بندگان من که ایمان آورده اید ونیکوکاری‌کردیدزمین من بسیار فراخ است.پس تنها مرا عبادت کنید(۵۷)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٨﴾

هرکس[طعم] مرگ راچشنده است. سپس به سوی ما برگردانده شوید(۵۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ

و کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند حتمًاایشانرا در بالا

تَحۡتِهَا الۡاَنۡهٰرُ خٰلِدِيۡنَ فِيۡهَا ؕ نِعۡمَ اَجۡرُ الۡعٰمِلِيۡنَ ﴿۵۹﴾

خانه های بهشت جا دهیم که در دامنه آنهانهرها روان باشد. ایشان درآن جاویدانند.عمل کنندگان را چه خوب پاداش است(۵۹)

الَّذِيۡنَ صَبَرُوۡا وَعَلٰى رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُوۡنَ ﴿۶۰﴾

کسانیکه صبرکرده و برپروردگار خود توکل میکردند(۶۰)

وَكَاَيِّنۡ مِّنۡ دَآبَّةٍ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ۖ اَللّٰهُ يَرۡزُقُهَا وَاِيَّاكُمۡ ۖ وَهُوَ السَّمِيۡعُ الۡعَلِيۡمُ ﴿۶۱﴾

و چه بسا جنبندگانند که رزق خود رابرنمیدارند.خدا است که هم به آنها رزق میدهد و هم به شما و او بسیار شنوای صاحب علم دائمی است(۶۱)

وَلَئِنۡ سَاَلۡتَهُمۡ مَّنۡ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضَ وَسَخَّرَ الشَّمۡسَ وَالۡقَمَرَ لَيَقُوۡلُنَّ اللّٰهُ ۚ فَاَنّٰى يُؤۡفَكُوۡنَ ﴿۶۲﴾

و اگر از آنها بپرسی کیست که آسمان ها و زمین را آفرید و خورشیدوماه رامسخرکرد؟ حتمًا گویند.خدا.پس کجا منحرف کرده میشوند(۶۲)

اَللّٰهُ يَبۡسُطُ الرِّزۡقَ لِمَنۡ يَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِهٖ وَيَقۡدِرُ لَهٗ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَىۡءٍ عَلِيۡمٌ ﴿۶۳﴾

خدا است که برای هرکه از بندگان خودمیخواهدرزق را فراخ گرداند و برای او [رزق] تنگ می گرداند. یقینًاخدا به هرچیزنیک دانا است(۶۳)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَّنْ نَّزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٤﴾

و اگر از آنها بپرسی کیست که آب را ازآسمان نازل کرد پس زمین را بدان پس ازمرگش زنده نمود؟ حتمًا گویند.خدا.بگوستایش مطلق برای خدا است امابیشتر آنها عقل نکنند(٦٤)

وَمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَّلَعِبٌ ۚ وَإِنَّ الدَّارَ الْأٰخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ۘ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾

و نیست این زندگی دنیا مگر بازی وبازیچه و البته خانه آخرت زندگی حقیقی است.کاشکی می دانستند(٦٥)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ فَلَمَّا نَجّٰهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٦﴾

پس وقتی سوارکشتی شوند دین را برای او خالص کرده خدا را خوانند. پس هرگاه آنهارا بسوی خشکی نجات دهد بیدرنگ آنها شرك میورزند(٦٦)

لِيَكْفُرُوا بِمَآ اٰتَيْنٰهُمْ ۚ وَلِيَتَمَتَّعُوا ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

تا ناشکری کنند بدانچه به آنها بخشیده ایم و تا موقتاً بهره کشی کنند. پس بزودی [نتیجه] آن را بدانند(٦٧)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا اٰمِنًا وَّيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ

آیاندیدند که ما حرمی جای‌ایمن ساخته ایم درحالیکه مردمان از

اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَكْفُرُوْنَ ﴿٦٨﴾

پیرامون آن ربوده میشوند. پس آیا به باطل ایمان بیآرند و نعمت خدا را انکاربکنند؟(۶۸)

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهٗ ؕ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٦٩﴾

و کیست ستمکارتر ازآنکه برخدا دروغ بهم بافد یا حق را تکذیب کندچون او را بیآید. آیا منزلگاه کافران درجهنم نیست؟(۶۹)

وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ؕ وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٧٠﴾ ع

وآنانکه درتلاش ماکوشندیقینًا ما ایشانرا براه خود هدایت کنیم و یقینًاخدابامحسنان است(۷۰)

# ۳۰-الروم

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ٦١ آیت دارد.

این سورة نیز بامقطعات الٓم شروع شده است. سورتهای شروع شده با مقطعات الٓم حاکی از این ذکر است که خدا داناتر است که چه شد و چه خواهد شد.

سورة قبلی درپایان خودمدعی بود که یقیناً خدا با احسان کنندگان است و بزرگترین احسان کنندگان آنحضرت ﷺ بودند. پس ایشان مژده ای دادٰه میشوند به پیروزیهای بیشتر که ذکر از آنها چندین بار در این سورة رفته است. نخست درقالب پیشگوئی بیان فرمود که مشرکان فارس [که به یکتا پرستی بحرحال مدعی که بودند] درمقابل دولت مسیحیان روم به پیروزی نایل آیند.برپایه راست آمدن آن پیشگوئی آنان کمی ازخاك آن کشور را بدست آوردند ومشرکان براساس این واقعه فال گرفتند که آنان در مقابل آنانکه باخدامنسوب اندپیروزی نهائی را هم بدست خواهند آورد. این سورة عبارت از این اعلام است که هرگز اینطور نخواهد شد. یقیناً رومیان خاك میهن ازدست داده ای خود را بازگیرند و آنوقت مسلمانان شادمان گردند برپایه این توقع که اکنون ایشان را نیز انشاء اللّٰه درمقابل بت پرستان پیروزی بزرگ بدست خواهد آمد.

این پیشگوئی از آنروزها است که مسلمانان هنوز بسیار ناتوان بودند وهیچکس نمیتوانست مدعی برای پیروزی بزرگ باشد.ضمناً دروعده مزبور این پیشگوئی نیز مضمر بود که مسلمانان درمقابل ابرقدرت مشرکان دولت

کسری نیز به پیروزی بزرگ نایل خواهند آمد. پس عیناً همینطور بظهور رسید. مردم مدرکی اینقدر مهم را مشاهده کرده نیز از هستی خداوند انکار همی کنند. پس ایشان یکبار دیگر بسوی این حقیقت متوجه ساخته شوند که آیاایشان درباره زمین وآسمان یانفسهای خویش تعقّل نمیکنند تا مدارک هستی خداوند را دروجود خودشان و درآفاق زمین وآسمان مشاهده کنند؟ باز ایشان به آثار ملتهای پیشین متوجه ساخته میشوند که اگر ایشان نیز مثل پیشینیان ازحال خود بی خبراند پس باید به عاقبت آنها بنگرند. آنها بزرگترین ملتهای دنیائی بودند و آنان زمین را درمقابل ملتهای موجود در زمان رسول الله ﷺ بیشترآبادان کردند واماچون آنانرارسولان خدا آمدند بعلت انکار ایشان با آن عظمتهای خود بخاك کرده شدند.

بعدها این موضوع بوسیله مثلهای گونا گون پیوسته جریان دارد که به هرکجا نگاه را بدوانید موضوع مرگ پس از زندگی و زندگی پس از مرگ تعمیم داده بچشم میخورد. اما افسوس که انسان بر این امر تأمل نمی کند که این همگان نظام را این مقصد نهائی نمیتواند باشد که تکراراً او بخاطر همین دنیا زنده کرده شود. آخرین مرحله زندگی همانست که درآن او بخاطر محاسبه درمحضرخداوند احضارکرده شود.

پس آنحضرت ﷺ یکبار دیگر به این امر نصیحت شوند که تو صبور باش. وعده خدابحرحال حق است و آنهائی که باور نمیکنند تو را از موضع خودت دور نیفکنند. اینجا صبر را مفهوم اینست که به نیکیها چنگ زنید و به هیچ ارزش قائل شده سخن حق را ترك نگویید.

☆ سُوْرَةُ الرُّوْمِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ سِتُّوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓمّٓ ②

أنَاألله أعلَمُ ـ منم خدا از همه داناتر(۲)

غُلِبَتِ الرُّوْمُ ③

رومیان مغلوب کرده شدند(۳)++

فِيْٓ اَدْنَى الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُوْنَ ④

در زمین نزدیك و آنها پس از مغلوب شدن خود بزودی غلبه خواهندیافت(٤)++

فِيْ بِضْعِ سِنِيْنَ ۬ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْۢ بَعْدُ ؕ وَيَوْمَئِذٍ يَّفْرَحُ الْمُؤْمِنُوْنَ ⑤

در سه الی نُه سال.فرمان از آن خدا است پیش از آن و پس ازآن و مومنان[نیزازپیروزیهای خود] آنروزبسیارخرسندشوند(۵)++

بِنَصْرِ اللّٰهِ ؕ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ⑥

بیاری خدا. او یاری میکند هرکه را بخواهد و اوصاحب غلبه کامل بارها رحمکننده است(٦)++

وَعْدَ اللّٰهِ ؕ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ⑦

وعدهٔ خدا است. خدا خلف وعده خود نمیکند اما بیشتر مردم نمی دانند(۷)++[حاشیه ص#۹۵۷]

يَعْلَمُوْنَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۖ وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُوْنَ ۝۸

آنها ظاهر زندگی دنیا را میدانند درحالیکه آنها از آخرت بیخبر اند(۸)

اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ ۝۹

آیا درخودشان تفکرنکنند که خدا آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است را فقط بحق و نهایت زمانی معیّن آفریده است و یقیناً بیشتر مردم بملاقات پروردگارخودشان منکران اند(۹)

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَثَارُوا الْاَرْضَ

آیا در زمین سیرنکنند تا بنگرند که فرجام آنها که قبل از آنان بودند چطور بود. آنان سخت تر از آنان درتوانائی بودند وزمین

++آیات ۳_۷:در این آیتهای ابتدایی از سورة الروم کلمات غلبت الروم را بدین معنای ذکر است که دولت روم حین جنگ با دولت آتش پرست کسریٰ از ایران در خاك نزدیکی به شکست روبرو شود. اما همان وقت این پیشگویی نیز فرموده شد که رومیان را فتح دوباره بر دولت کسریٰ حاصل شود و آن واقعه در مدت نه سال صورت خواهد گرفت.اینهم دلیلی فوق العاده بر راستی رسول اللّٰہ ﷺ است که این خبر ایشان راخدای متعال خود داد.

درهمان آیتهامنتهاپیشگویی مربوط به غلبه مسلمانان نیزاست و همان طور که مندرج است با شأن بزرگی پایان پذیرفت. این پیروزی نیز در بِضعِ سِنِین بموقع جنگ بدر بدست مسلمانان آمد.

وَعَمَرُوْهَآ اَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوْهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿١٠﴾

راخوب میکافتند و آبادان کردند آنرابیشتر ازآنچه آنها آنراآبادان کرده اند وآنانرا رسولان ایشان بانشانه های‌آشکارآمدند. پس نبود خداکه برآنهاستم میکرد واماخود برجانهای‌خودستم میکردند(۱۰)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِيْنَ اَسَآءُوا السُّوْٓآى اَنْ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿١١﴾ ع

سپس عاقبت آنها که بدی کردند بسیاربدشدچه به آیات خداتکذیب کردند و داشتند به آنها تمسخر میکردند(۱۱)

اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿١٢﴾

خدا است که آفرینش را آغاز می کندسپس آنرا تکرار میکند سپس بسوی او بازگرانده شوید(۱۲)

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿١٣﴾

وروزیکه قیامت برپاگرددمجرمان نومید شوند(۱۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَآئِهِمْ شُفَعٰٓؤُا وَكَانُوْا بِشُرَكَآئِهِمْ كٰفِرِيْنَ ﴿١٤﴾

و کسی از شریکانشان برای آنها شفاعت کننده نباشد و آنها [خود] شریکان خود را انکار خواهند کرد(۱٤)

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَّتَفَرَّقُوْنَ ﴿١٥﴾

و روزیکه قیامت برپاگردد آنروز [مردم]پراکنده شوند(۱۵)

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِيْ رَوْضَةٍ يُّحْبَرُوْنَ ﴿١٦﴾

پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردندپس ایشان در گلزاری شادان گردانیده شوند(۱۶)

وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَلِقَآئِ الْاٰخِرَةِ فَاُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُوْنَ ﴿١٧﴾

و آنانکه انکار کردند و تکذیب کردند به آیتهای ما و به ملاقات آخرت را،پس همانهاندکه درعذاب احضار شوند(۱۷)

فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُوْنَ وَحِيْنَ تُصْبِحُوْنَ ﴿١٨﴾

پس [درهرحال]پاکست خدا وقتی که وارد شام شوید و آنگاه که بامگاه کنید(۱۸)

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَّحِيْنَ تُظْهِرُوْنَ ﴿١٩﴾

و ستایش مطلق برای او است در آسمانها و زمین و شبگاه وهنگامی که ظهر میگذرانید(۱۹)

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۭ وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ﴿٢٠﴾

ع ۲ ۵

زنده را از مرده بیرون میآرد و مرده را از زنده بیرون میآرد و زمین را پس از مرگش باز زنده میگرداند و همینطور هم شما در آورده شوید(۲۰)

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَآ اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُوْنَ ﴿٢١﴾

و ازنشانهای اوست که شما را از گل آفرید. سپس [گویی] ناگهان شما بشر پراکنده می‌شدید(۲۱)

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْٓا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۲﴾

وازآیتهای‌اوست که زوج های شما را ازجنس شماآفریدتا بسویشان میل کرده آرامش یابید و محبت و رحمت را میان شما نهاد. یقینًا در این آیات است برای قومی که تفکر کنند(۲۲)

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّلْعٰلِمِيْنَ ﴿۲۳﴾

وازآیتهای‌اوست آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شما.یقینًا در این برای صاحبان علم آیتهای‌است(۲۳)++

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاۗؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿۲۴﴾

و از آیتهای اوست خواب شما هنگام شب وروز وجستن فضل او. یقینًادراین آیتهای است مردم را که گوش باز میدهند(۲٤)

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاۗءِ مَاۗءً فَيُحْيٖ بِهِ الْاَرْضَ

و از آیتهای اوست که شمارا در حالت ترس و امید برق نشاندهد وآب را ازابرنازل کند. پس بدان

++آیت۲۳:اینجااشاره ای است که در ابتدا فقط یك زبان بود و آن الهامی بود و بعدها درنتیجه منتشر شدن انسان در منطقه های مختلف با تبدیلی خاك. زبان نیز تغییر همیافت.برهمین منوال درابتداء رنگ انسان نیز یکسانی بود و بعدها آن نیز تحت تاثیر آب و هوا منطقه تبدیل همی شد.

بَعْدَ مَوْتِهَا ؕ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ ﴿۲۵﴾

زمین را پس ازمرگش زنده میکند.یقینًا در این آیتهای است برای‌مردمی که خردمندی را بکار برند(۲۵)

وَمِنْ اٰیٰتِهٖۤ اَنْ تَقُوْمَ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ بِاَمْرِهٖ ؕ ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً ۖۗ مِّنَ الْاَرْضِ ۖۗ اِذَآ اَنْتُمْ تَخْرُجُوْنَ ﴿۲۶﴾

و ازآیات اوست که آسمان وزمین با فرمان او استوار است. سپس گامیکه او شما را از زمین بانگ زند ناگهان شما درآیید(۲۶)

وَلَهٗ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ﴿۲۷﴾

و ازآن اوست هرچه در آسمانها و زمین است. همه فرمانبرداران اویند(۲۷)

وَهُوَ الَّذِیْ یَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیْدُهٗ وَهُوَ اَهْوَنُ عَلَیْهِ ؕ وَلَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلٰی فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ﴿۲۸﴾ ع الربع

و اوست آنکه آفرینش را آغاز کند سپس آنرا تکرار کند و این بر او آسانتر است و مثل او در آسمانها و زمین بلندتر است و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۲۸)

ضَرَبَ لَكُمْ مَّثَلًا مِّنْ اَنْفُسِكُمْ ؕ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ اَیْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَآءَ فِیْ مَا رَزَقْنٰكُمْ فَاَنْتُمْ فِیْهِ سَوَآءٌ

اوبرای شمامثل ازخودشمامیزند. آیااززیردستان شمادرآن شریکان اند که به شما رزق داده ایم پس شمادرآن هم سنگ شویدوبترسید

تَخَافُوْنَهُمْ كَخِيْفَتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ ؕ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٢٨﴾

ازآنها مانندترسیدنتان ازخویشان خود؟اینگونه ما آیتهای خود را تفصیل میدهیم برای مردمی که عقل کنند(۲۹)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ فَمَنْ يَّهْدِيْ مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ؕ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٣٠﴾

حقیقت اینست آنانکه ستم کردند بیدانش هوائی نفسانی خود را دنبال کردند. پس کِی هدایت دهد آنکه راخدا گمراه گرداند وآنهارا کسی از یاوران نباشد(۳۰)

فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا ؕ فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِيْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ؕ لَا تَبْدِيْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ ۙ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣١﴾

پس مدام حق گرابوده توجه خود را برای دین راست کن. این آن فطرت خدااست که برآن او مردم راآفرید ودرآفرینش خدا تغییری نیست.دین برقراروبرقرارکننده اینست.اماا کثرمردم ندانند(۳۱)+

مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ وَاتَّقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿٣٢﴾

انابت کنان بسویش[راه روید] او را تقویٰ اختیار کنید و نماز را

++آیت ۳۱: یعنی خداوند آدمیان رابرفطرت آفریده است و هریك انسان بر همان یك دین متولد میشود یعنی بافطرت پاك وتمیز وبازبزرگ شده درنتیجهٔ تاثرات گونا گون لغزش میخورد.براساس این آیت مثلاًخواه بچهٔ ی هندو، مسیحی،یهودی یامشرك است هنگام تولد او معصوم چشم بدنیا میگشاید.

بپادارید واز مشرکان نباشید(۳۲)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا ۖ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

[نباشید از]آنانکه دین خودرا پاره پاره کردندو گروه گروه شدند هر کدام گروه خرسند اند به آنچه نزد آنها است(۳۳)

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

و گاهیکه بمردم سختی لمس کند پروردگارخود را بسویش انابت کنان میخوانند. سپس گاهی که بدیشان رحمت خودبچشاندناگهان گروهی از آنها به پروردگار خود شرك میورزند(۳٤)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ ۚ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾

تاناشکری کنند به آنچه آنهارااداده ایم پس بهرهٔ موقتی بکشید. باز [فرجامش را]بزودی بدانید(۳۵)

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾

آیاما دلیلی قاطع برآنهانازلکرده ایم پس آن تکلم میکند جهت آنچه با او شریك قرارمیدمند؟(۳٦)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾

و هرگاه بمردم رحمت بچشانیم به آن میخرامند و اگربه آنها سختی برسدبدان[علت]که دستهایی آنها پیش فرستاد ناگهان آنها نومید

شوند(۳۷)

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۝۳۸

آیا ندیدند که خدا برای هرکه خواهدرزق فراخ میگرداندو تنگ میگرداند یقینًا در این امر آیت های است برای قومی که ایمان آرند(۳۸)

فَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰى حَقَّهٗ وَالْمِسْكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ ۭ ذٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ ۡ وَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۝۳۹

پس بده به خویشی حقش و به بینواودرمانده راه.این نیکواست برای آنانکه خوشنودی خدا را آرزو دارند و همانها موفق شدگان اند(۳۹)

وَمَآ اٰتَيْتُمْ مِّنْ رِّبًا لِّيَرْبُوَا۠ فِيْٓ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوْا عِنْدَ اللّٰهِ ۚ وَمَآ اٰتَيْتُمْ مِّنْ زَكٰوةٍ تُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ ۝۴۰

وآنچه از ربا دهید تا به اموال مردم داخل شده افزوده شود پس نزدخدا افزوده نمیشود و آنچه از زکٰوت به آرزوی خوشنودی خدا میدهید پس همانهاند که افزایش گیرندگانند(۴۰)

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيْكُمْ ۭ هَلْ مِنْ شُرَكَاۗىِٕكُمْ مَّنْ يَّفْعَلُ مِنْ ذٰلِكُمْ مِّنْ

خدااست آنکه شمارا آفرید. سپس به شما رزق بخشید.سپس شمارا می میراند باز شما را زنده کند. آیا از شریکان شما است آنکه

شَیۡءٍ ؕ سُبۡحٰنَهٗ وَتَعٰلٰی عَمَّا یُشۡرِکُوۡنَ ﴿۴۱﴾ ع

[هیچ کدام]از این[کار]ها چیزی هم انجام دهد؟ او پاک است و بالاتر است از آنچه شرک می آورند(۴۱)

ظَهَرَ الۡفَسَادُ فِی الۡبَرِّ وَالۡبَحۡرِ بِمَا کَسَبَتۡ اَیۡدِی النَّاسِ لِیُذِیۡقَهُمۡ بَعۡضَ الَّذِیۡ عَمِلُوۡا لَعَلَّهُمۡ یَرۡجِعُوۡنَ ﴿۴۲﴾

فسادغلبه یافت در دشت و دریا بسبب آن بدیها که مردم کسب کردند تا به آنها طعم بعضی از اعمالشان بچشاندتاباشدکه رجوع کنند(۴۲)

قُلۡ سِیۡرُوۡا فِی الۡاَرۡضِ فَانۡظُرُوۡا کَیۡفَ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِیۡنَ مِنۡ قَبۡلُ ؕ کَانَ اَکۡثَرُهُمۡ مُّشۡرِکِیۡنَ ﴿۴۳﴾

بگو درزمین بگردید پس بنگرید که فرجام آنها که قبلاًبودند چطور شد.بیشترشان مشرک بودند(۴۳)

فَاَقِمۡ وَجۡهَکَ لِلدِّیۡنِ الۡقَیِّمِ مِنۡ قَبۡلِ اَنۡ یَّاۡتِیَ یَوۡمٌ لَّا مَرَدَّ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ یَوۡمَئِذٍ یَّصَّدَّعُوۡنَ ﴿۴۴﴾

پس توجه خود را بسوی دین استوار راست کن پیش از آنکه روزی برسد که ازخدا برگشت آن ممکن نیست آن روز آنها پراکنده شوند(۴۴)

مَنۡ کَفَرَ فَعَلَیۡهِ کُفۡرُهٗ ۚ وَمَنۡ عَمِلَ صَالِحًا فَلِاَنۡفُسِهِمۡ یَمۡهَدُوۡنَ ﴿۴۵﴾ لا

هرکه کفرکندپس کفرش بر خود او است و آنانکه نیکوکاری کنند پس درحق جان خود اقدام بعمل آرند(۴۵)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٤٦﴾

تا بفضل خود عوض دهدبه آنانکه ایمان آوردند ونیکوکاری کردند. یقینًا او کافران را دوست نه دارد(٤٦)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٧﴾

و ازآیتهای اوست که بادها مژده دهندگانی را میفرستد تاشمارا از رحمت خود بچشاند و تا کشتیها بفرمان او حرکت کنندوتافضل او راتلاش کنیدوتاباشدکه شماسپاس بگذارید(٤٧)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا ۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٨﴾

والبته پیش ازتوهم رسولان را بسوی قوم های ایشان فرستادیم. پس ایشان نزد آنها با نشانه های آشکارآمدند.پس ماانتقام گرفتیم ازآنهاکه جُرم کردند. مدد مومنان بر ما بفرض بود(٤٨)

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۖ

خدااست آنکه میفرستد بادها ـ پس برمیانگیزدابری را ـ پس آن را درآسمان میگستراند بطوریکه دوستدارد و آنراقطعاتی میسازد ـ باز می بینی که ازخلالش باران

فَاِذَآ اَصَابَ بِهٖ مَنۡ يَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِهٖۤ اِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُوۡنَ ﴿۴۹﴾

درمیآید. پس گامیکه میرساند آن را به هرکه از بندگان خود می خواهد ناگهان ایشان شادمانی می کنند(۴۹)++

وَاِنۡ كَانُوۡا مِنۡ قَبۡلِ اَنۡ يُّنَزَّلَ عَلَيۡهِمۡ مِّنۡ قَبۡلِهٖ لَمُبۡلِسِيۡنَ ﴿۵۰﴾

حالانکه قبلاً پیش از اینکه[آب باران] بر آنان نازل کرده میشد نومید شده بودند(۵۰)++

فَانۡظُرۡ اِلٰٓى اٰثٰرِ رَحۡمَتِ اللّٰهِ كَيۡفَ يُحۡىِ الۡاَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا ؕ اِنَّ ذٰلِكَ لَمُحۡىِ الۡمَوۡتٰى ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىۡءٍ قَدِيۡرٌ ﴿۵۱﴾

پس آثار رحمت خدا را بنگر. چه گونه اوزمین رازنده میکند. یقینًا اوست [خدا] زنده کننده مردگان و او بر هر چیز مدام قدرتمند است(۵۱)++

وَلَئِنۡ اَرۡسَلۡنَا رِيۡحًا فَرَاَوۡهُ مُصۡفَرًّا لَّظَلُّوۡا مِنۡۢ بَعۡدِهٖ يَكۡفُرُوۡنَ ﴿۵۲﴾

واگربادی بفرستیم پس [درنتیجه این باد] آن [سبزه] را زردگون ببینند حتمًا بعد از آن ناسپاسی کردن میگیرند(۵۲)

فَاِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ الۡمَوۡتٰى وَلَا تُسۡمِعُ الصُّمَّ

پس نیستی‌توبشنوانی مردگان را

++آیات ۴۹_۵۱ :دراین آیتهاتبخیرشدن آبی صاف دریا وباز باکوه های بلند تصادف کرده جاری شدن آبی صاف رابسوی زمین های زیرین. و بدانعلت زنده شدن زمین مرده. را ذکرمیشود. اگراین نظام ازجانب خدا اجرانمیشد آنگاه هرگز امکان پذیر نبود که هیچ آثار زندگی در زمین یافت میشد.

الدُّعَآءَ اِذَا وَلَّوۡا مُدۡبِرِيۡنَ ﴿۵۳﴾

و نه به گوش رسانی دعوت کران را چون پشت کرده بروند(۵۳)

وَمَآ اَنۡتَ بِهٰدِ الۡعُمۡىِ عَنۡ ضَلٰلَتِهِمۡ‌ؕ اِنۡ تُسۡمِعُ اِلَّا مَنۡ يُّؤۡمِنُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمۡ مُّسۡلِمُوۡنَ ﴿۵۴﴾

ونتوانی‌تو رهنمائی‌کنی‌کوران را ازگمراهی‌آنها- تونتوانی‌بشنوانی جزآنراکه به آیتهای ما ایمان آرد. پس همانها فرمان بردارانند(۵۴)

ع ۱۳ ۸

اَللّٰهُ الَّذِىۡ خَلَقَكُمۡ مِّنۡ ضُعۡفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنۡۢ بَعۡدِ ضُعۡفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنۡۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ ضُعۡفًا وَّشَيۡبَةً‌ ؕ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ‌ ۚ وَهُوَ الۡعَلِيۡمُ الۡقَدِيۡرُ ﴿۵۵﴾

خدا است آنکه شما را از ناتوانی آفرید.بازبعدازناتوانی نیرومندی ساخت. سپس بعد از نیرومندی، ناتوانی‌وپیری‌ساخت.او میآفریند هرچه دوستدارد و او صاحب علم دائمی مدام قدرتمند است(۵۵)

وَيَوۡمَ تَقُوۡمُ السَّاعَةُ يُقۡسِمُ الۡمُجۡرِمُوۡنَ ۙ مَا لَبِثُوۡا غَيۡرَ سَاعَةٍ‌ ؕ كَذٰلِكَ كَانُوۡا يُؤۡفَكُوۡنَ ﴿۵۶﴾

وروزیکه قیامت برپاگرددمجرمان قسم خورند [دردنیا] فقط ساعتی درنگ کردند. همینطور [قبلاً‌هم] در جوال میشدند(۵۶)

وَقَالَ الَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الۡعِلۡمَ وَالۡاِيۡمَانَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِىۡ كِتٰبِ اللّٰهِ اِلٰى يَوۡمِ الۡبَعۡثِ‌ ؗ فَهٰذَا يَوۡمُ الۡبَعۡثِ وَلٰكِنَّكُمۡ كُنۡتُمۡ لَا تَعۡلَمُوۡنَ ﴿۵۷﴾

و کسانیکه دانش و ایمان داده شدند گویند یقینًا در کتاب خدا تا روزرستخیز مکث کردید. پس این روز رستخیز است اما شما نمیدانید(۵۷)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۵۸﴾

پس آنروز آنها که ستمکردند را معذرت آنها سودی نبخشد و نه عذر از آنها قبولکرده شود(۵۸)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَئِن جِئْتَهُم بِآيَةٍ لَّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿۵۹﴾

و البته در این قرآن هرگونه مثل را برای مردم بیان کرده ایم و اگر آنهارا هر کدام آیتی بیآری آنهاکه کفر کردند حتماًگویند شما فقط دروغگویانید(۵۹)

كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۶۰﴾

اینگونه خدا بردلهای آنها مهرنهد که دانشی ندارند(۶۰)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿۶۱﴾ ع

پس صبرکن. یقینًا وعدهٔ خدا حق است و کسانیکه یقین ندارند تو را سبُك نپندارند(۶۱)

# ۳۱ - سورة لقمان

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّه ۳۵ آیت دارد.

آغاز این سورة نیز با "الٓم" میشود و سورة البقرة نخستین سورة است که با الٓم شروع شده بود و اکنون مضامین آن سورة مبارکه در قالب جدید ارائه داده میشوند. بطوریکه در ابتدای سورة البقرة نزول الکتب را ذکر است در آغاز این سورة نیز ذکر از آن هدایت خداوندی میرود که مضمر در آن کتاب است. اما موضوع از این جهت افزایش پیدا میکند که آنجا کتاب را مطلب ابتدائی تقویٰ را درنظرگرفته به آن مردم هدایت دادن بود که راستی را دلیرانه راستی میگفتند. اما اینجا کتاب به هدایت ایشان نیز مدعی شده است که در حالت تقویٰ پیشرفته منتصب بر مقام محسنین مستند و از این پس هدایت را هرچند مراحل لامتناهی است. این سرچشمه هدایت پایان ناپذیر آنها را نیز آبیاری خواهد کرد.

در این سورة یکبار دیگر زور به این امر داده شده است که خدا بر بسیار قوه ها اختیار دارد که شما نمیتوانید آنهارا با چشم صوری ببینید. چنانکه شماقوهٔ ثقل رانمیتوانید بینید دیگرچطورباچشمان صوری آفریدگار اینگونه قوه های بیشمار را میتوانید بینید؟

حضرت لقمان علیه السلام میان مردم به حکمت بسیار معروف بودند. در این سورة پس از"الٓم" با واژه "الکتاب" کلمه "الحکیم" اضافه شده است از آنچه معلوم میگردد که اکنون سخنان حکمت به نسبت لقمان حکیم در قالب مختلف پیراسته میشود. ازآنجمله سخنان حکمت ایشان مهم ترین اینست که

ایشان به پسرخود نصیحت فرمودند که هیچگاه اوکسی را با خدا شریك قرار ندهد. باز وی را تعلیم احسان در حق والدین آموختند چه آندوی با آفریدگار جهانیان بدین معنای مشابهت اندك دارند که ظاهراً سبب زاد و ولد میشوند. درضمن تاکید به این امرکرده میشودکه اگر کوچك ترین خیال شرك به دل شما راه یابد به علم علیم وحکیم خدا خواهد بود.او به دانه های به اندازه خردلی که در زمین و سنگی خاره پنهان است نیز علم دارد و هم خبیراست. اینجا در واژه "خبیر" اشاره ای بدین سومعلوم میگردد که او به عاقبت تمامی پیش آمدهای آینده آدمی نیز مطلع است.

سپس فرمانی عمده تربپا داشتن نماز است.این نخستین فرمان ازجمله فرامین سورة البقرة میباشد.زندگی مؤمن سراسر متکی بر بپا داشتن نماز می باشد و توفیق امر بالمعروف و نهی عن المنکر تنها ناشی از بپا داشتن نماز بدست میآید. اما حال انسان اینست باآنکه او را توفیق نیکی ازجانب خدا بدست میآید او براثر فضیلت های معمولی خود بر دیگران تفاخر کرده خودستائی میکنند. پس او را تعلیم تواضع داده فرمان شد که باید بر زمین با فروتنی راه رود و صدای خود را فروکشید.

سپس انسان متوجه ساخته میشود به سپاسگذاری که عمده ترین موضوع این سورة کریمه میباشد.حضرت لقمان علیه السلام به پسرخود تکراراً توصیه به سپاسگذاری میکنند.پس حکمتی که حضرت لقمان اعطاء شدند عمده ترین نکته اش که از آن نصیحت ایشان را آغاز میشود شکر خدا است. نعمت های خدا را هرگز پایان نیست. او زمین و آسمان و نیروهای مخفی در آنها همگان را برای نشوونمای انسان رام کرده است تا آن انتها که

کهکشانها واقع برکناره های کاینات نیزحتماً بر نیروهای مخفی در انسان کم و بیش تاثیر میگذارند. ولی بازهم بعضیها هیچ دانش به این کاینات ندارند و با آنکه بی سواد اند بازهم نسبت به خدای متعال حرفهای بی هوا میزنند. آنان را نه کتابی است و نه هدایت که دارای تعلیم به پشتبانی شرک باشد.

ضمناً با گفتن "کتاب منیر"این وسوسه ازاله کرده میشودکه بت پرستان به اثبات تعلیم موهوم خودشان بعضی کتب امثال "ودا" ارائه میدهند. ولی "ودا" هیچ دلیلی به پشتبانی خود ندارد بلکه انسان را در بیشتر تاریکیها فرو میکند.

هیچ حساب را نمیشود که اسرار قدرت وحکمت خداوندی تعمیم یافته در کاینات را احاطه کند تا آن انتها که اگر تمامی دریاها گوهر شود و درختان قلم بازهم بیان از اسرار قدرتهای خداوند پایان نمیپذیرد اگرچه دریاها خشك شوند و درختان تمام گردند.

بدنبال آن چنین آیتی [۲۹ ] است که پرده را از رازهای آفرینش انسان عجب گونه برمیدارد. انسان متوجه ساخته میشود که اگر او در پیرامون آن جنین به تفکر بپردازد که در رحم مادر تشکیل میابد و اینکه او از کدام مراحل تخلیق میگذرد، آنگاه او میتواند علم به اسرارحکمتها مربوط به نخستین آفرینش خود تاحدی بدست آرد. لذا پژوهشگران علم محققاً بیان میکنند که بمحض از ابتدای آبستنی گرفته تا مرحله تکمیل جنین تمامی آن دگرگونیها درجنین پیوسته واقع میشوند که داستان ارتقائی را از آغاز زندگی گرفته بازگو میکنند.این موضوعی بسیار وسیع وعمیق است و تمامی زبردستان علم براین نکته بهم متفق هستند.این نخستین آفرینش انسان است

و به فرموده خدا بطوریکه شما ازکرمی حقیر پیشرفت کرده به منتهای صلاحیتهای بشری رسیدید برهمین منوال شما درآفرینش جدید خود تا روز قیامت آنقدر پیشرفت کرده خواهید داشت که انسان را درمقابل آن صورت تکمیل شده همان حیثیت باشد که در مقابل انسان آن حقیر کرم را بود که از آن زندگی را آغاز شد.

پایان این سورة حاکی از این اعلام است که ساعتی مزبور راعلم.چون انسان از مردگان درصورت انتهای تکمیل شده خود برخیزانده شود، تنها نزدخدا است.او میداندکه آن چه هنگام وچطور بظهورخواهد رسید و بعلاوه درپی همین موضوع ذکر ازآن دیگر امور نیز میرود که آنها را فقط خدا میداند و انسان درآن علم هرگزسهیم نیست و آن امور بدین ترتیب اند که آب از آسمان چه هنگام و چطورخواهد بارید؟ و چیست در رحمهای مادران که پرورده میشود؟ و انسان فردا چه بدست خواهد آورد؟ و محل مرگش کجا است؟

اینجا دور کردن یك شك لازم است. این زمان پیشرفته مدعی است که میتوان از کمك آلات و اسباب جدید مشخص کرد که در شکم مادر چیست تا آن انتها که این آگاهی نیز امکان پذیر است که آیا بچه صحت مند است یامریضی مادر زاد و آیا او دختر است یاپسر. ولی با این ادعای حتمی نمیشود بیقین گفت که آن بچه در شکم مادر معلول است یا نه. تنها برپایهٔ ی امکان غالب ذکرمیکنند. بلکه بارهااین پیشگوئی پزشکان نیزنادرست درآمد که بچه دختری است یاپسر. انسان این امر را بسیار مشاهده میکند که به گاه پزشکان ویژه گرزایمان دربچه نقصی مادر زاد را با تحقق بیان میکنند

اما چون آن بچه متولد میشود او سالم و بی عیب چشم بدنیا میگشاید. به گاه آنان بیقین میگویند آن دختری است یا پسر.اما تولد بعکس میشود.

☆ سُورَةُ لُقْمَانَ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَّثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّاَرْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(۱)

الٓمّٓ ﴿۲﴾

أناالله أعلَمُ ـ منم خدا داناتر از همه (۲)

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ﴿۳﴾

این آیتهای کتاب صاحب حکمت اند(۳)

هُدًى وَّرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِيْنَ ﴿۴﴾

محسنان را هدایت و رحمت است(٤)

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ﴿۵﴾

آنانکه نماز رابپای دارند وزکوٰت دهند و آنانکه آخرت را ایمان دارند(۵)

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿۶﴾

همانها برهدایت ازپروردگارخود اند وهمانها موفق خواهندشد(٦)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّشْتَرِيْ لَهْوَ الْحَدِيْثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّخِذَهَا هُزُوًا اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿۷﴾

و ازمردمندآنانکه به حرفهای پوچ معامله میکنند تا بیدانش از راه خدا گمراه سازند و آن را بباد سخریه بگیرند. همانهاند که برای ایشان عذابی خوار کننده ای است(۷)

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٨﴾

وچون آیتهای مابر او فروخوانده شود تکبرکنان پشت میکند گویی آنهارا گوش نکرده است گویی در گوشهاش سنگینی است.پس بدو به عذاب دردناکی مژده بده(۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ﴿٩﴾

یقینًا کسانیکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند برای ایشان بهشت های پرنعمت است(۹)

خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٠﴾

در آنها جاویدانند. وعدهٔ خدا حق است و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۱۰)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۖ وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۚ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾

آسمانها را آفرید بدون ستونهای که آنهارابببینیدو درزمین کوهها نهاد تا شماراغذامهیا سازند وهر کدام جنبندهٔ را در آن گستراند. و آب را از آسمان نازل کرد و هرکدام جفت نجیبی را در آن [زمین] پدید آوردیم(۱۱)

هَٰذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۚ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ

اینست آفرینش خدا. پس بمن نشان دهید چیست که آفریده اند آنانکه بغیرازاویندبلکه ستمکاران

مُّبِيْنٍ ﴿۱۲﴾ ع

در گمراهی آشکار اند(۱۲)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا لُقْمٰنَ الْحِكْمَةَ اَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ ؕ وَمَنْ يَّشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ﴿۱۳﴾

و یقینًا به لقمان حکمت دادیم که خدارا سپاس بگذار وهرکه سپاس بگذاردفقط برای‌جان خود سپاس میگذارد و هرکه ناسپاسی‌کندپس یقینًاخدابی‌نیازی صاحب ستایش مطلق است(۱۳)

وَاِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهٖ وَهُوَ يَعِظُهٗ يٰبُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ ؕ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ ﴿۱۴﴾

و چون لقمان به پسرخود گفت حینی که او را نصیحت میکرد ای پسر دلبندم! با خدا شرك نورز. یقینًا شرك ستمگری بزرگی است(۱٤)

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ ۚ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَّفِصٰلُهٗ فِيْ عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْكَ ؕ اِلَيَّ الْمَصِيْرُ ﴿۱۵﴾

و انسان را در مورد والدین خود با تاکید سفارش نمودیم. مادرش او را در ضعف بر ضعف برداشت و شیر باز گرفتنش در دو سال بود. این [سفارش کردیم] که سپاسداری کن بمن ووالدین خود بازگشت بسوی من است(۱۵)

وَاِنْ جَاهَدٰكَ عَلٰٓى اَنْ تُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ ۙ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي

و اگر آندو با تو محاجه کنند که آن را شریکم بگردان که به آن

الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَّاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

تو را دانشی نیست پس آندو را پیروی نکن درحالیکه دردنیا با آندو بمتعارف رفاقت کن و راه او را پیروی کن که بسویم انابت کرد.سپس بازگشت شمابسوی من است.آنگاه شمارا آگاه سازم به آنچه شما میکردید(۱۶ )

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٧﴾

[لقمان گفت] ای پسردلبندم!همانا چیزی اگر به اندازه دانه خردلی است ودرسنگی خاره یادرآسمانها یا در زمین هرکجا موجودباشد خدا حتمًا آنرا درآرد. یقینًا خدا بسیارباریك بین آگاه است(۱۷ )

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨﴾

ای پسردلبندم! نماز را بپای دار وبمعروفات امروازمنکرات نهی کن وصبرکن برآنچه بتودررسد.یقینًا این از امور مهم است(۱۸ )

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٩﴾

و بزرگی فروخته از مردم روی نه تاب و خرامان در زمین قدم برندار.براستی‌خداهرکدام متکبر و خودخواه را دوست ندارد(۱۹ )

وَاقْصِدْ فِیْ مَشْیِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِیْرِ ﴿۲۰﴾

و در رفتارخودمیانه روی اختیار کن و صدای خود را فروبدار. یقینًا ناپسند ترین صداها صدای خر است(۲۰)

اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلَیْكُمْ نِعَمَهٗ ظَاهِرَةً وَّبَاطِنَةً ۚ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یُّجَادِلُ فِی اللّٰهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًی وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِیْرٍ ﴿۲۱﴾

آیا ننگریستی که خدا هرچه در آسمانها وزمین است رابرایشما مسخرنمود و نعمتهای ظاهری و باطنی را برایشما به اتمام رساند و بعضی از مردم اند که درمورد خدابدون دانش یاهدایت یاکتابی روشن ستیزه میکنند(۲۱)

وَاِذَا قِیْلَ لَهُمُ اتَّبِعُوْا مَاۤ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَیْهِ اٰبَآءَنَا ۚ اَوَلَوْ كَانَ الشَّیْطٰنُ یَدْعُوْهُمْ اِلٰی عَذَابِ السَّعِیْرِ ﴿۲۲﴾

وچون برای آنهاگفته شود پیروی کنیدآنچه راخدا نازل کرده است، گویند بلکه آنرا پیروی کنیم که برآن پدران خود را یافتیم. آیا هرچند شیطان آنهارا بسوی آتشی شعله وربخواند[بازهم آنراپیروی کنند؟](۲۲)

وَمَنْ یُّسْلِمْ وَجْهَهٗۤ اِلَی اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰی ۗ وَاِلَی اللّٰهِ

و آنکه توجه خود را به خدا تسلیم نمایدواحسان کننده است پس گویی او به دست آویزی

عَاقِبَةُ الْأُمُوْرِ ۝٢٢

استوار چنگ زده است و منتها برگشت همه امور بسوی خدا است(۲۲)

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝٢٣

و هرکه کفر کند پس کفرش تورا اندومگین نسازد. بازگشت ایشان به سوی ماست. آنگاه آنهاراآگاه سازیم بدانچه میکردند.یقینًا خدا به اسرار سینه ها دانا است(۲۳)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝٢٤

آنانرا کمی بهرهمند سازیم. سپس ناچار آنانرا بسوی عذابی سخت ببریم (۲۴)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝٢٥

واگرازآنها بپرسی که کِی آسمانها و زمین راآفرید؟حتمًاگویند،خدا. بگو ستایش مطلق برای‌خدا است اما بیشترآنهانمیدانند(۲۵)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝٢٦

برای خدا است هرچه در آسمانها و زمین است.یقینًاخدا بی نیازی صاحب ستایش است(۲۶)

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ

و اگر هرچه درختان در زمین است قلمها باشد و دریا [مرکّب و] آنرا کمك کنندپس ازآن هفت

اَبۡحُرٍ مَّا نَفِدَتۡ كَلِمٰتُ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيۡزٌ حَكِيۡمٌ ﴿۲۸﴾

دریا[دیگر]کلمات خداتمام نشود. خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۲۸)

مَا خَلۡقُكُمۡ وَلَا بَعۡثُكُمۡ اِلَّا كَنَفۡسٍ وَّاحِدَةٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيۡعٌۢ بَصِيۡرٌ ﴿۲۹﴾

آفرینش شما و برخیزاندن شما نیست مگر مانندیکتن. یقینًا خدا بسیارشنوای بینا است(۲۹)

اَلَمۡ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُوۡلِجُ الَّيۡلَ فِى النَّهَارِ وَيُوۡلِجُ النَّهَارَ فِى الَّيۡلِ وَسَخَّرَ الشَّمۡسَ وَالۡقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَّجۡرِىۡۤ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّاَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعۡمَلُوۡنَ خَبِيۡرٌ ﴿۳۰﴾

آیا ننگریستی که خدا شب را به داخل روز میکند و روز را به داخل شب میکند وخورشید وماه رامسخرکرده است.هرکدام بسوی نهایت زمانی‌مقررخود روان است واینکه خدامدام آگاه است بدانچه انجام دمید(۳۰)

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الۡحَقُّ وَاَنَّ مَا يَدۡعُوۡنَ مِنۡ دُوۡنِهِ الۡبَاطِلُ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الۡعَلِىُّ الۡكَبِيۡرُ ﴿۳۱﴾ ع ۳ ۱۱ ۱۲

این بدانعلت است که یقینًاخدا حق است وآنچه راجزاومیخوانند باطل است ویقینًاخدا است که او والاشأن بسیار بزرگ است(۳۱)

اَلَمۡ تَرَ اَنَّ الۡـفُلۡكَ تَجۡرِىۡ فِى الۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمۡ مِّنۡ اٰيٰتِهٖ ؕ اِنَّ فِىۡ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّـكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوۡرٍ ﴿۳۲﴾

آیاننگریستی که کشتیها با نعمت خدا در دریاحرکت میکنندتا شما را از آیتهای‌خودنشان دهد.یقینًا دراین امربرای هرکدام صبرکنندهٔ

بسیار سپاسگذار آیتهایست (۳۲)

وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾

گامیکه موج آنهارا مانند سایه فرا گیرد دین رابرای‌اوخالص کرده خدا را میخوانند. پس چون آنها را بسوی خشکی نجات دهد آنگاه [برخی]ازآنهاراه میانه پیشگیرند وبه آیات ماستیزه نمیکند جز هر کدام که فریبکار وسخت ناسپاس است(۳۳)++

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿٣٤﴾

ای مردم! پروردگارخود را تقویٰ فراگیرید وبترسید از روزیکه نه پدربکارپسرآید و نه پسرهیچ هم بکارپدرآید.یقیناًوعده خدا راست است.پس نه زندگی‌شمارا بفریبد و نه شیطان فریبنده درباره خدا شمارابفریبد(۳٤)

++آیت۳۳:این آیت حاکی از این جنبهٔ ی روانی انسان است که چون در طغیان دریا فراگرفته شود آنگاه خواه کسی خدا ناشناس باشد یا مشرک فقط خدا را یاد کند و چون خدا وی را نجات دهد باز بسوی حالت قبلی خود برمیگردد مگر کسیکه راه میانه را پیش گیرنده است. او به خشکی نجات یافته هم خدا را فراموش نمیکند.

إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٥﴾ ع

یقینًا خدا است که علم قیامت نزد اوست و باران را فرومیفرستد و میداند آنچه در رحمها است و کسی نداند چه کسب کند فردا و کسی نداند درکدام زمین بمیرد. یقینًا خدا صاحب علم دائمی پیوسته آگاه است(۳۵)

ع ٤ ۱۳

# ۳۲-السجده

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ۳۱ آیت دارد.

مقطعات الم [اناالله اعلم] واقع درآغاز این سورة بستگی این سورة را با آخرین آیتهای سورة قبلی آشکار میسازد. آیتهای آخیرسورة قبلی حاکی ازاین موضوع بود که بسیارکثیرامور است که آنهارا جزخداوند کسی نمی داند و در انا اللّٰه اعلم عیناً همان موضوع تکرار میشود.

سپس مجدداً سخن از اسرار زمین و آسمان را گفته میشود که آنها را بغیر ازخدا هیچکس نمیداند. سپس چنین آیتی است که راز عمرکاینات را عجب گونه افشا میکند. خداوند میفرماید درمقابل روزی شمار کرده شما روزخدا برابر یکهزارسال است و روزهای یکسال انسانی را با هزار ضرب زده عددی که حاصل میشود ذکرش در این سورة رفته است. بعلاوه خداوند درآیتی دیگر[سورة المعارج۵]میفرماید که روزخدابرابرباپنجاه هزارسال است. پس اگر این روز را ضرب با روز یك هزار ساله طبق حساب زده شود حاصل آن تقریباً بیست بیلیون سال است و نزد پژوهندگان علم نیز عمر این کاینات هیجده الی‌بیست بیلیون سال است.بهمین نسبت خداوند اعلام فرمود که علم پنهان وآشکار فقط ازخدا است که هرچیز را بنحوی نیکوتر تخلیق نمود. امری شگفت انگیز اینست که این تخلیق بتمام از خاك معمولی انجام داده شد. پس ازاین باز نسبت به آفرینش ذکر از آن دیگر مراحل است که جنین در رحم مادر طی میکند.

سپس دوباره ذکر از شك مردم نسبت به مجدداً زندن شدن فرموده یك

این نکتهٔ جدید نقل میشود که هر انسان را فرشته مرگ جداگانه ای است که او عوامل و باریك در باریك خرابیهای وضع اش را درنظرگرفته نتیجه ای درست درمیآردکه روح آن بشربایدکی بازگرفته شود.اینجا باز موضوعی از آخرین آیتهای سورة گذشته در قالب جدیدی پیراسته میشود.

در رکوع آخیر این سورة با ذکر حضرت موسٰی علیه السلام موضوع "الٓم" را بازگو کرده فرموده میشود که درباره ملاقات او متردد مباش. بعضی مفسران این ملاقات را دال بر ملاقات خدا نمی گیرند بلکه به گفته ایشان این عبارت از ملاقات حضرت موسٰی علیه السلام با رسول الله ﷺ میباشد. اگرچه این معنای هم گرفته شود پیدا است که این آن ملاقات نیست که در روز قیامت با همگان رسولان بعمل خواهد آمد بلکه علی الخصوص ذکر از آن ملاقات میرود که درحین معراج باحضرت موسٰی علیه السلام صورت گرفت و حضرت موسٰی از جهت نمازها مشورت خویش را ارائه دادند.

درپایان این سورة رسول الله ﷺ فرموده شدند که از دشمنان و اذیت کنندگان اعراض ورزند.

☆ سُوْرَةُ السَّجْدَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

الٓمّٓ ②

أَنَا اللّٰهُ أَعلَمُ ـ منم خدا داناتر(۲)

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ③

فروفرستادن این کتاب کامل در این شکی نیست که از جانب پروردگارهمه جهانها است(۳)

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ۚ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اَتٰىهُمْ مِّنْ نَّذِيْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ④

آیا میگویند آنرا بربافته است؟ بلکه آن ازپروردگارتوحق است تا بیم دهی قومی را که هیچ بیم دهندهٔ ی پیش از توبسوی ایشان نیآمد تا باشد که آنها هدایت یابند(٤)

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا شَفِيْعٍ ۗ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ⑤

خدا است آنکه آسمانها و زمین و آن چه میان آندو است را در شش زمان آفرید.سپس برعرش برقرار شدوشما راجزاو نیست دوستی و نه شفاعت کننده ای. پس آیا پند نمیگیرید؟(۵)

يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ

فیصله را بتدبیر از آسمان بسوی

يَعۡرُجُ اِلَيۡهِ فِىۡ يَوۡمٍ كَانَ مِقۡدَارُهٗۤ اَلۡفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوۡنَ ﴿۶﴾

زمین نازل میکند.سپس درروزی بسوی او ببالامیرودکه مقدارش ازآن [حساب] که میشمارید هزار سال است(۶)

ذٰلِكَ عٰلِمُ الۡغَيۡبِ وَالشَّهَادَةِ الۡعَزِيۡزُ الرَّحِيۡمُ ۙ﴿۷﴾

اینست دانای نهان و عیان که صاحب غلبه کامل بارهارحمکننده است(۷)

الَّذِىۡۤ اَحۡسَنَ كُلَّ شَىۡءٍ خَلَقَهٗ وَبَدَاَ خَلۡقَ الۡاِنۡسَانِ مِنۡ طِيۡنٍ ۚ﴿۸﴾

آنکه هرچه را او آفریدنیکوترین ساخت و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد(۸)

ثُمَّ جَعَلَ نَسۡلَهٗ مِنۡ سُلٰلَةٍ مِّنۡ مَّآءٍ مَّهِيۡنٍ ۚ﴿۹﴾

سپس نژادش را از عصاره آبکی ساخت(۹)

ثُمَّ سَوّٰٮهُ وَنَفَخَ فِيۡهِ مِنۡ رُّوۡحِهٖ وَجَعَلَ لَـكُمُ السَّمۡعَ وَالۡاَبۡصَارَ وَالۡاَفۡـِٕدَةَ ؕ قَلِيۡلًا مَّا تَشۡكُرُوۡنَ ﴿۱۰﴾

سپس او را آراستید و روح خود را در او دمید وبرایشما شنوائی و بینائی و دلها قرارداد. کم است آن سپاسداری که مکنید(۱۰)

وَقَالُوۡۤا ءَاِذَا ضَلَلۡنَا فِى الۡاَرۡضِ ءَاِنَّا لَفِىۡ خَلۡقٍ جَدِيۡدٍ ؕ بَلۡ هُمۡ بِلِقَآئِ رَبِّهِمۡ كٰفِرُوۡنَ ﴿۱۱﴾

وگویند.آیاچون درخاک گم شویم آیاحتماًمادرآفرینش نوینی[مبتلا] شویم؟ حقیقت این است که آنها بملاقات خدا منکرانند(۱۱)

قُلۡ يَتَوَفّٰٮكُمۡ مَّلَكُ الۡمَوۡتِ الَّذِىۡ وُكِّلَ

بگو.آن فرشته مرگ که برشما

بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿۱۱﴾

مقرر است شما را وفات دهد و از آن پس بسوی خدا بازگردانده شوید(۱۱)

وَلَوْ تَرٰى اِذِ الْمُجْرِمُوْنَ نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ رَبَّنَآ اَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا اِنَّا مُوْقِنُوْنَ ﴿۱۲﴾

و اگر بزه کاران را بنگری چون پیشگاه پروردگارخود سر فرو کرده بایستندوگویند]پروردگارا! ما دیدیم و شنیدیم پس مارا بر گردان که نیکوکاری کنیم. یقیناً ما باورکنندگانیم(۱۲)

وَلَوْ شِئْنَا لَاٰتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدٰىهَا وَلٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّيْ لَاَمْلَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۳﴾

و اگرمیخواستیم به هرکدام نفس هدایت اورا[حسب حالش]میدادیم اما فرمانم صدور یافته که حتمًا جهنم را از جمله جنها و انسانها پُر مینمایم(۱۳)

فَذُوْقُوْا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا ۚ اِنَّا نَسِيْنٰكُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۴﴾

پس[عذاب را]بچشید چه ملاقات امروزخودرافراموش کرده بودید یقینًاما[هم] شما را فراموش کرده ایم پس عذاب دیرپا را بچشید بدآنچه شمامیکردید(۱۴)

اِنَّمَا يُؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِّرُوْا بِهَا خَرُّوْا سُجَّدًا وَّسَبَّحُوْا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا

یقینًا تنها آنان به آیات ما ایمان میآرند که هرگاه نسبت به آنها یاد

يَسْتَكْبِرُونَ ۩ ﴿١٦﴾

آوری شوند سجده کنان بزمین فرو میفتند و با حمد پروردگار خود او را تسبیح می گویند و ایشان تکبر نمیکنند(۱۶)

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿١٧﴾

پروردگارخود را با بیم و امید خوانده پهلوهای ایشان ازخواب گاه ها جدامیشود و انفاق کنند از آنچه بدیشان رزق داده ایم(۱۷)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

پس هیچکس نمیداند که برای ایشان چه روشنی چشمان پنهان داشته شد به[پاداش] آنچه عمل میکردند(۱۸)

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا ۚ لَّا يَسْتَوُونَ ﴿١٩﴾

وقف غفران

پس آیاکسیکه مومن است میشود مانندآنکه فاسق است. آنان یکسان نیستند(۱۹)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

نسبت به کسانیکه ایمان آوردند و نیکوکاری‌کردند پس مأوی ایشان بهشتی است [بطور] پذیرائی به آن عمل که بجا میآوردند(۲۰)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

و نسبت به آنانکه نافرمانی کنند پس مأوی آنها آتش است. هر گاه

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾

اراده کنند که ازآن خارج شوند درآن بازگردانده شوند و برای ایشان گفته شود که آن عذاب آتش رابچشید که به آن شماانکار میکردید(۲۱)

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٢﴾

و حتماً آنها را بچشانیم عذابی کوچك دون عذابی بزرگ تا باشد که آنها [بسوی هدایت] باز گردند(۲۲)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا ۚ إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٣﴾ ع

وکیست ستمکارتر ازآنکه به آیت های پروردگارخودتذکر داده شود بازهم ازآنهاروی بتابد.یقینًا ما از مجرمان انتقام کشنده ایم(۲۳)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ ۖ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٤﴾

و یقینًا به موسیٰ کتاب دادیم. پس درباره ملاقات او درشك مباش و آنرابرای بنی اسرائیل هدایت قرار داده بودیم(۲۴)++

++آیت۲۴:این آیت را یك معنااین میشودکه درباره ملاقات موسیٰ مردد مباش. غالباً این اشارهٔ است به واقعه معراج حینیکه آنحضورﷺ باحضرت موسیٰملاقات کردندو بعدهااین ملاقات بارهاتکرارشد.حین ذکرموسیٰذکرازملاقات خدابدانعلتست چنان که حضرت موسیٰراملاقات نصیب شدآنحضورﷺ رابیشترازآن رویت خداحاصل شد.

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اَئِمَّةً يَّهْدُوْنَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوْا ۖ وَكَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يُوْقِنُوْنَ ﴿۲۵﴾

پس چون صبوری نشاندادند ازآنها امامانی برگزیدیم که بفرمان ما هدایت میکردند و به آیتهای ما یقین داشتند(۲۵)

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۲۶﴾

یقینًاپروردگارتواست که قضاوت کند میانشان در روز قیامت در آن [امور] که در آنها اختلاف می انگیختند(۲۶

اَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ يَمْشُوْنَ فِيْ مَسٰكِنِهِمْ ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ ۗ اَفَلَا يَسْمَعُوْنَ ﴿۲۷﴾

آیاآنانرا هدایت ندادکه چه بسا از ملتهای پیش از آنهارا هلاك کردیم که درمساکن آنان گام میزنند. یقینًادراین بسیارنشانه های است. پس آیا گوش نمیکنند؟ (۲۷)

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا نَسُوْقُ الْمَآءَ اِلَى الْاَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا تَاْكُلُ مِنْهُ اَنْعَامُهُمْ وَاَنْفُسُهُمْ ۗ اَفَلَا يُبْصِرُوْنَ ﴿۲۸﴾ ربع

آیاندیدندکه آب رابسوی زمینی بایرسَوق میدهیم پس بدان سبزه در آوریم که از آن میخورند دام های آنان وهم خودآنان آیا نگاه نمیکنند؟(۲۸)

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْفَتْحُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿۲۹﴾

و میپرسند که این فتح تا به چند میکشداگر شماراستگویانید(۲۹)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا

بگو در روز فتح ایمان آوردن

اِيۡمَانُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنۡظَرُوۡنَ ﴿۳۰﴾

آنها که کفر کردندهیچ سودی ندهد و نه آنها مهلت داده شوند(۳۰)

فَاَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَانۡتَظِرۡ اِنَّهُمۡ مُّنۡتَظِرُوۡنَ ﴿۳۱﴾ ع

پس از آنها اعراض کن و منتظر [فرمان خدا] باش. البته آنها هم منتظر انند(۳۱)

ع ۳ ۸ ۱٦

# ۳۳-الاحزاب

این سورة در مدینه نازل آمد و با بسم اللّٰه ۷٤ آیت دارد.

بمحض آغاز این سورة موضوع از آخرین آیتهای سورة گذشته ارائه داده میشود عبارت از اینکه کافران و منافقان تلاش کنند تا تو را از مسلك تو دور کنند. پس باید از آنها اعراض کنی و آنها را پیروی نکن بلکه آنرا پیروی کن که وحی بسوی تو فرستاده میشود.

آیت کریمه ردیف ۵ حاکی از این اصل استواری است که انسان در یکوقت نمیتواند محبت با دو وجود جدا جداعیناً همسان داشته باشد. کنایه ای در این عبارت بدین جهت است که بر دل تو فقط محبت خدا غلبه دارد و محبت تو در دنیا نیز بر پایه آن محبت است که تو با خدا داری. لذا آن حدیث این موضوع را روشن تر میسازد درجه فرموده شد که اگر تو لقمه ای غذا را هم بخاطرخدای متعال به دهن همسرخود نهی آنهم به عبادت شمار خواهد رفت.

سپس ذکر از رسمی از اعراب است که همسران خود را مادر گفته از آنان اظهار بیزاری میکردند. این رسم بد را برکنده توجه به این امرجلب کرده میشود که تعلق مادرانه و پسرانه استوار برپایه آن دستورهای است که خدا معرفی کرده است. پس چطورشما میتوانید آنرا با دهن های خود عوض کنید. برهمین منوال اگریکی پسرخوانده شود او نمیتواند بر مقام فرزندی قرار گیرد. پسر آنست که خویشی صلبی را داشته باشد. پسر گفتن فقط اظهار الفت است و بیش از آن چیزی نیست.

مجدداً دنبال این موضوع گفته میشود که دل را فقط یك اولٰی یعنی محبوب تر است و باید مومنان را محبوب ترین همه رسول اللہ ﷺ باشند. ضمناً ذکر از دیگر قوم و خویشی ها به ترتیب میرود که ایشان از روی قرب شما برهمدیگرفضیلت دارند.

این سورة که دارای آیت خاتم النبیین نیز است و بعضی علماء که فاقد عرفان اند اینرا بدین معنا میگیرند که ایشان ﷺ آخرین نبی هستند و هیچگاه پس از ایشان هیچ پیغمبری نخواهد آمد. این عقیده اشتباهی را نیز رد مینماید با ذکر آن میثاق که از هرکدام پیغمبری گرفته میشد که اگر پس ازشماپیغمبری آید که سخنان شمارا تایید کننده باشد آنگاه بر امتهای شما بفرض است که آنان بجای انکار آن پیغمبر او را تایید کننده بشمار آیند. این سورة نسبت به رسول اللہ ﷺ گفت"ومنك"یعنی ما از تو نیز عهد گرفتیم. پس امت ایشان نیزتوصیه کرده میشود که کسی مدعی نبوت واجد آن شرایط که صددرصد پیروکار رسول اللہ ﷺ باشد و او از فیض محمدی به انعام نبوت برخوردار شود و فقط تعلیم ایشان ﷺ را بلا تغییر و تبدل ارائه دهنده است و برای اعتلای آن وارد جهاد شده است نه فقط اینکه مخالفت او برشما حرام است بلکه برشما لازم است که او را یاری دهید.

سپس معنای اساسی احزاب را رعایت کرده در این سورة ذکر ازجنگ خندق میرود درچه احزاب ازتمامی عرب برمدینه هجوم آورده بودند وبرای نجات مدنیان هیچ صورت ظاهری‌امکان پذیرنبود.آنگاه خداوند معجزه ای را درحق ایشان نشاندادکه بوسیله گردبادی هولناك مومنان را یاری کرد که ناشی ازآن چشمان کافران کورگشت و آنها درحالت آشفتگی پابفرارنهادند.

مرکبهای بسیارکه جابجابسته بودندهجوم آوردگان را مهلت نشد تا آنهارا باز کرده باخودبرند.پس مرکبهای خودرا با اثاثه دیگر واگذارده در رفتند و آن قلّت مواد غذائی که مسلمانان را روبرو بود نیزدورشد.

حالتی که یثرب قبل از این واقعه ای داشت اینجا ذکر از آن نیز می رود.آنقدرخوفناك مصیبت و تباهی ایشان را فراگرفته بود که چشمان ایشان ناشی ازخوف خیره شده بود و منافقان به مسلمانان مدینه میگفتند که اکنون شمارا هیچ جای پناه نیست. آنگاه مومنان بدیشان پاسخ میدادند که ایمان ماکه از قبل هم استوارترشده است چه ما آگاهی به این حمله احزاب از پیش داده شده بودیم و این اشاره ایشان بسوی سورة القمر آیت "سَيُهزَمُ الجَمعُ وَ يُوَلّونَ الدُّبُرَ" بود. پس مسلمانان وقت جنگ به عهد خود وفاکردند. بعضی بودند که آنهنگام شامل نبودند اما انتظار داشتند کاشکی ایشان را نیز مانند یاران رسول الله ﷺ شامل جنگ احزاب توفیق اثبات قدم و فداکاریها بدست آید.

در آیت ۳۸ این سورة خداوند به رسول الله ﷺ فرمان داد که ایشان با زن مطلقه پسرخوانده خویش عقد ازدواج بندند و این فرمان بر ایشان بسیار گران میگذشت و بعلاوه تا حدی این خوف نیز دامنگیر بود که منافقان بعلت این ازدواج ایراد خواهند گرفت. بنا براین ایشان درباره این ازدواج سخت مترددد بودند. اما عمل کردن بر فرمان خدا بحرحال الزامی بود.

پس از این چنین آیتی[۱ ٤ ] است که میشود آنرا قله این سوره خواند و آن به واقعه حضرت زید رضی اللّٰه عنه نیز بستگی دارد. این اعلام بدین

عنوان بود که درحقیقت رسول الله ﷺ نه پدر زید بودند و نه پدر کسی انسان مانند شماها بلکه ایشان خاتم النبیین هستند. یعنی ایشان را مقام ابوّت روحانی یعنی مقام پدری روحانی انبیاء اعطاء شده است.سیاق عبارت همین معنای را میپردازد حالانکه خاتم النبیین را بسیار معنا دیگر نیز است که همگان منطوق این آیت قرآن است و براساس هرکدام از آن معناها رسول الله ﷺ خاتم النبیین به اثبات میرسند. بعنوان مثال خاتم را یك معنٰی مصدّق است و از میان تمامی شریعتهای پیغمبران تنها یك شریعت حضرت محمد رسول الله ﷺ است که رسولان پیشین متعلق به هر زمان را تصدیق میکند. هیچکدام از کتب مذاهب دنیا نمیتواند آیتی با این شان بالا ارائه دهد.

ضمناً آیتی بعد از این تذکر به آن دعای حضرت زکریا علیه الصلوة والسلام است که خدای متعال پس از مژده به اعطای پسری بر ایشان وحی فرستاد که صبح و شام خدا را تسبیح بگو.

سپس در آیات ٤٦-٤٧ ذکراز شاهد،مبشرو نذیر بودن رسول الله ﷺ میرود.ایشان شاهد بودند هم بر صداقت رسولی بلند مرتبت پیش ازخود حضرت موسٰی علیه السلام و هم برغلام خود که ظهورش پس از ایشان قرار بود. مثال ایشان با خورشید داده میشود که همه جهانها را روشن میسازد و ماه نیز از او روشنی حاصل میکند. پس تقدیر شده است که ماه ای آنگاه که تاریکی شب جهان را فرا گرفته باشد روشنی خود رسول الله ﷺ را به فرزندان نوع انسان برساند. پس این دارای این پیشگوئی بود که در آتیه در زمان تاریکیها همینطور بظهورخواهد آمد.

ضمناً مومنان آداب تقویٰ آموخته میشوند و والاترین رتبه رسول الله ﷺ را رعایت کرده ایشان توصیه کرده میشوند که بحدِ نهایت احترامِ آنحضرت ﷺ بر ایشان بفرض است. گاهی رسول الله ﷺ خویشاوندان و یاران خود را بر منزل خود به مهمانی دعوت میکردند. اصحاب در این آیتها نصیحت میشوند که چون رسول الله ﷺ ایشان را به مهمانی دعوت کنند آن گاه اینرا یك دعوت معمولی پنداشته پیش از وقت بخانه ایشان ﷺ رسیده منتظرآشپزی نباشید. چون غذا آماده به صرف شود و شماخواسته شوید پس بروید و پس ازصرف آن رخصت گرفته برگردید و اگر حین صرف طعام به چیزی نیاز دارید آنگاه از پس پرده به امهات المومنین مطلع سازید. اینجا امهات المومنین در مقابل سایر زنان مسلمان علی الخصوص توصیه به پاکیزگی کرده میشوند. چه بلند رتبه ایشان تقاضا دارد که نباید رسول الله ﷺ بعلت کوچکترین لغزش ایشان سخنی تهمت آمیز را بشنوند.

بطوریکه منافقان بر رسول الله ﷺ تهمتهای بیمورد بربافته اذیت کردند بر همین منوال حضرت موسٰی علیه السلام نیز هدف بهتانهای بیمورد قرارداده میشدند. پس درپایان این سورة این موضوع مجدداً نقل میشود که رسول الله ﷺ را با رسولی پرجلال پیشین خود حضرت موسٰی علیه السلام مشابهت های فراوان است. بطوریکه حضرت موسٰی علیه السلام گفته شدند که بحرحال ایشان نزدخداوند"وجیه"هستند همانطور رسول الله ﷺ نیز تسلّی داده شدند که تو را هیچ زیانی ناشی از این بهتانها نمیرسدچه تو نزد خدا "وَجِيهًا فِی الدّنیاَ وَالاَخِرَة" هستی.

درپایان این سورة یکبار دیگر در دو آیت اشاره به حضرت موسٰی علیه

السلام کرده فرموده میشود که آن بار امانت که بدوش تو نهاده ایم سنگین تر از آن بار است که بر شانه حضرت موسٰی علیه السلام نهاده شده بود. تا آن انتها که کوه ها نیز از رعب این سنگینی بار ریزه ریزه میشوند. اما تو به برداشتن این بارسنگین قدم خود راجلوتر نهاده ای وخویشتن را درتحت بسیارستم قرار داده ای بی آنکه میپنداشتی که عاقبت این کار چطورخواهد شد.

☆ سُوْرَةُ الاَحْزَابِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ تِسْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝۱

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحم کننده(۱)

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللّٰهَ وَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۝۲

ای پیغمبر!خدارا تقویٰ اختیارکن و از پی کافران و منافقان نرو. یقینًاخداصاحب علم دائمی بسیار صاحب حکمت است(۲)

وَّاتَّبِعْ مَا يُوْحٰۤى اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ۝۳

وپیروی کن آنچه را بسوی تو از پروردگارتووحی‌فرستاده میشود. یقینًا خدا نیك آگاه است به آن کار که میکنید(۳)

وَّتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ۝۴

و برخداتوکل کن و خدا برای کارسازی بس است(٤)

مَا جَعَلَ اللّٰهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهٖ ۚ وَمَا جَعَلَ اَزْوَاجَكُمُ الّٰٓـِٔيْ تُظٰهِرُوْنَ مِنْهُنَّ اُمَّهٰتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ اَدْعِيَآءَكُمْ اَبْنَآءَكُمْ ؕ ذٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ ؕ وَاللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ ۝۵

خدا نه برای هیچکس در سینه او دو قلب قرارداد و نه آن همسران خودرا که ظهار میکنید مادرانتان گرداند ونه پسرخواندگان شمارا پسران شماساخت.این گفتارشما فراخی دهانهای شما است و خدا راست میگوید و اوست که براه

راست هدایت میکند(۵)

اُدْعُوهُمْ لِاٰبَآئِهِمْ هُوَ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ لَّمْ تَعْلَمُوٓا اٰبَآءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّيْنِ وَمَوَالِيْكُمْ ۗ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيْمَآ اَخْطَاْتُمْ بِهٖ ۙ وَلٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوْبُكُمْ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ⑥

آنانرا جهت پدران آنان بخوانید این نزدخدامنصفانه تراست واگر پدران ایشان رانمیدانید پس آنها در دین برادرانتان و دوستانتان اند و درمورد آن خطا که بدین [نسبت]کردید برشما باکی نیست وامامرچه دل هایتان بعمد کنند [گناه است]وخدابینهایت آمرزندهٔ بارهارحم کننده است(۶)

اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗٓ اُمَّهٰتُهُمْ ۗ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ اِلَّآ اَنْ تَفْعَلُوْٓا اِلٰٓى اَوْلِيٰٓئِكُمْ مَّعْرُوْفًا ۗ كَانَ ذٰلِكَ فِي الْكِتٰبِ مَسْطُوْرًا ⑦

نبی‌به مومنان ازجانهای ایشان هم اولیتراست و همسرانش مادران آنانند وخویشان رحمی در کتاب خدا بعضی از ایشان ببعضی اولی تر از [سایر] مومنان و مهاجران اند مگربسوی دوستان خود نیکو کاری [بعنوان احسان] کنید. این درکتاب مرقوم است(۷)

وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيّٖنَ مِيْثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُّوْحٍ وَّاِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى وَعِيْسَى

و چون از انبیاء پیمان ایشان گرفتیم و هم از تو و هم از نوح و ابراهیم و موسیٰ و عیسیٰ پسر

ابۡنِ مَرۡيَمَ ۖ وَاَخَذۡنَا مِنۡهُمۡ مِّيۡثَاقًا غَلِيۡظًا ۙ﴿۸﴾

مریم و از ایشان پیمانی محکم گرفتیم(۸)

لِّيَسۡـَٔلَ الصّٰدِقِيۡنَ عَنۡ صِدۡقِهِمۡ ۚ وَاَعَدَّ لِلۡكٰفِرِيۡنَ عَذَابًا اَلِيۡمًا ﴿۹﴾

تاراستگویان راازراستی ایشان سوال کند و برای کافران عذابی دردناك آماده کرده است(۹)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوا اذۡكُرُوۡا نِعۡمَةَ اللّٰهِ عَلَيۡكُمۡ اِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُوۡدٌ فَاَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيۡحًا وَّجُنُوۡدًا لَّمۡ تَرَوۡهَا ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعۡمَلُوۡنَ بَصِيۡرًا ۚ﴿۱۰﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید نعمت خدارابرخودیادکنیدچون لشکرها نزد شما آمده بودند.پس بادی تند و لشکرهائی راعلیه آنهافرستادیم که آنهارا نمیدیدید و خدا به آنچه عمل کنید بینا است(۱۰)

اِذۡ جَآءُوۡكُمۡ مِّنۡ فَوۡقِكُمۡ وَمِنۡ اَسۡفَلَ مِنۡكُمۡ وَاِذۡ زَاغَتِ الۡاَبۡصَارُ وَبَلَغَتِ الۡقُلُوۡبُ الۡحَنَاجِرَ وَتَظُنُّوۡنَ بِاللّٰهِ الظُّنُوۡنَا ﴿۱۱﴾

چون آنها ازفراز شما و از نشیب شما نزدشماآمدندوگاهیکه چشمان متحیرشد و دلها [تپیده] تا گلوها رسید وبه خدا گمانهای گونا گون میبردید(۱۱)

هُنَالِكَ ابۡتُلِىَ الۡمُؤۡمِنُوۡنَ وَزُلۡزِلُوۡا زِلۡزَالًا شَدِيۡدًا ﴿۱۲﴾

مومنان آنجا آزمایش شدند و لرزشی شدید [آزمایش] لرزانده شدند(۱۲)

وَاِذۡ يَقُوۡلُ الۡمُنٰفِقُوۡنَ وَالَّذِيۡنَ فِىۡ قُلُوۡبِهِمۡ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهٗۤ

وچون منافقان و آنانکه دردلهای آنها بیماری بودگفتند آن وعدهٔ که

إِلَّا غُرُورًا ﴿١٣﴾

خداو رسولش بمادادندفقط فریب بود(۱۳)

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۚ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٤﴾

و هنگامیکه گروهی از آنها گفت، ای یثربیان!شمارا امکان پایداری نیست پس بازگردیدوگروهی از آنها از پیغمبر اجازه طلبیده می گفتند که منازل ما نامحفوظ است حالآنکه آنهانامحفوظ نبودند. فقط درصددبفراربرآمده بودند(۱٤)

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٥﴾

واگربرآنهاازهرسوی هجوم آورده میشد سپس به فتنه خواسته می شدند حتماً آنرا[بعمل] میآوردند و درنگ نمیکردند جزاندك( ۱۵ )

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٦﴾

درحالیکه ازاین پیش باخدا عهد بسته بودندکه پشت نخواهند بر گرداند و عهد خدای پرسیده می شود(۱٦)

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٧﴾

بگو، فرار شما را هرگز سودی نبخشد اگر از مرگ یا قتل فرار کنیدودرآنصورت بهره مند نشوید جزاندك(۱۷)

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۸)

بگو،کیست شمارا از خدا نجات دهد اگراو درصدد رنج شما باشد یا برایشما رحمت را اراده کند و برای خودجز خدا یار و یاوری نیابند(۱۸)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۖ وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۹)

خدا خوب میشناسد از شما باز دارندگان[جهاد]را و آنهاکه گویند برادران خود رابسوی مابیآیید و برای نبرد نمیآیند جز اندك(۱۹)

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۚ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۲۰)

برضد شما بسیاربخل ورزند. پس چون[موقع]ترس برسدآنهارا می بینی به تومینگرندكه [از وحشت] دیدگانشان میگردد مانند آنکس که بیهوشی مرگ بر اوپوشانده باشد. پس گاهیکه ترس دور شود بزبانهای تیز شما را میآزارند بر خیر بخل ورزندگان. آنها کسانی اندکه ایمان نیآوردند. پس خدا اعمال آنان را ضائع کرد و این برخدا آسان است(۲۰)

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ۖ وَإِنْ

گمان کنند که لشکرماهنوز نرفته

يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ ۖ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢١﴾

اند و اگر لشکرها[باز]آیند آرزو کنندکاشکی درمیان بدویان دشت نشین بوده اخبارشمارا معلوم می کردند و اگر درمیان شما باشند جنگ نکنندجزاندك (۲۱)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢٢﴾

یقینًا شمارا در رسول خدا نیک نمونه ای است برای هرکه به خدا و روز آخرت امیددارد وخدا را زیاد یادکند(۲۲)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۚ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٣﴾

وچون مومنان لشکرها را دیدند گفتند همان است که خداورسولش بماوعدۀ داده بود و خدا و رسول او راست گفته بود و این فقط بر ایمان و فرمان برداری ایشان افزود(۲۳)

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٢٤﴾

مردانی از مومنان اند که هرچه عهد خدای بستند برآن راست پا شدند و از آنهااست آنکه نذرخود را انجامداد و کسی ازآنان است که انتظارمیکشد و[درروش خود] هیچ تغییری نداد(۲۴)

| | |
|---|---|
| لِّيَجْزِيَ اللّٰهُ الصّٰدِقِيْنَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِيْنَ اِنْ شَآءَ اَوْ يَتُوْبَ عَلَيْهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۚ﴿۲۵﴾ | تاخدا راستگو یانرا پاداش راستی ایشان بدهد و به منافقان اگر بخواهد عذاب دهد یا توبه قبول کنان بر آنها بگراید. یقینًا خدا بسیار آمرزندهٔ بارها رحم کننده است(۲۵) |
| وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوْا خَيْرًا ؕ وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ الْقِتَالَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا عَزِيْزًا ۚ﴿۲۶﴾ | و خدا آنها که کفرکردند را بخشم آنها [بطوری] ردکرد که به خیری نایل نشدند و خدا مومنان را در جنگ بس است ویقینًا خدا قدرت مند صاحب غلبه کامل است(۲۶) |
| وَاَنْزَلَ الَّذِيْنَ ظَاهَرُوْهُمْ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ صَيَاصِيْهِمْ وَقَذَفَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ وَتَاْسِرُوْنَ فَرِيْقًا ۚ﴿۲۷﴾ | و او آنانرا ازاهل کتاب که آنها راپشتبانی‌کردند ازقلعه های آنان فرودآوردودردلهای‌آنان رعب نهاد شما گروهی رامیکشتید و گروهی را به اسارت میگرفتید(۲۷)++ |
| وَاَوْرَثَكُمْ اَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ وَاَرْضًا لَّمْ تَطَئُوْهَا ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا ۚ﴿۲۸﴾ ع ۳ ۷ ۱۹ | وشمارا زمین های آنها ومنازل آنها و اموال آنها و زمینی که آن را [هنوز] نه تاختیدوارث نمود وخدابرهرچیز قادراست(۲۸)++ |

++آیت ۲۷:دراینجا سخن از خیانت یهود هنگام جنگ احزاب رفته [ص#۱۰۰٦]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ﴿٢٩﴾

ای نبی‌ابه همسران خودبگو اگر شما زندگی دنیا و زینت آنرا می خواهید پس بیآیید تا شما را متنعم سازم و شما را با روشی نیکو برمانم(۲۹)

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٣٠﴾

و اگرشما خدا و رسول او وخانه آخرت رامیخواهید پس یقینًاخدا برای نیکوکاران از شما پاداشی بزرگ آماده کرده است(۳۰)

يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿٣١﴾

ای همسران پیغمبر! هرکه از شما فحشائی آشکار را بیآورد برایش عذاب دو برابر است و این بر خدا آسان است(۳۱)

---

بقیه آیت۲۷:است.آنان بدفاع خود قلعه های استوار ساخته بودند اما وقتی که خدا درصدد نابودی آنها برآمد قلعه های ایشان هیچ بدردشان نخورد بلکه آنها را بدست خودشان نابود کردند.

++آیت ۲۸: این آیت عبارت از پیشگویی درباره فتوحات چنین مناطق است که مسلمانان هنوز قدم به آنجاها نه نهاده بودند. بحقیقت این پیشگویهای را یك سلسله طولانی است.

وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣٢﴾

و هرکه از شما به خدا و رسول اطاعت کرده و شایسته کاری کند وی را اجرش دو برابر بدهیم و برای او رزقی کریمانه آماده کرده ایم(۳۲)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٣﴾

ای‌همسران پیغمبر امرگز شما مانند یکی از زنان [سایر] نیستید اگر تقویٰ فراگیرید.پس سخن با ناز وعشوه مگوییدمبادا آنکس که در دلش بیماری‌است دچارطمع گردد پس سخن زیبندهٔ ی بگویید(۳۳)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٤﴾

و درخانه های‌خودبمانید و نمایش ندهید آرایش را مانند آرایش جاهلیت گذشته و نماز را بپای دارید و زکوٰت بدهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید.ای اهل بیت‌انیست مگر خدا دوست دارد که مرنوع آلودگی را از شما دور سازد و شما را به پاکیزگی حد کمال پاك سازد(۳٤)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ

و بخاطرسپارید آنچه از آیتهای

وَالْحِكْمَةِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيْفًا خَبِيْرًا ﴿٣٥﴾ ع

خداوحکمت درخانه های شماتلاوت کرده شود.هماناخدا بسیار باریک بین آگاه است(۳۵)

اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْقٰنِتِيْنَ وَالْقٰنِتٰتِ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقٰتِ وَالصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰبِرٰتِ وَالْخٰشِعِيْنَ وَالْخٰشِعٰتِ وَالْمُتَصَدِّقِيْنَ وَالْمُتَصَدِّقٰتِ وَالصَّآئِمِيْنَ وَالصّٰٓئِمٰتِ وَالْحٰفِظِيْنَ فُرُوْجَهُمْ وَالْحٰفِظٰتِ وَالذّٰكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَّالذّٰكِرٰتِ ۙ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٣٦﴾

یقینًا مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مومن و زنان مومن ومردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان صبرکننده وزنان صبرکننده و مردان فروتن وزنان فروتن ومردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه داروزنان روزه دار و مردان حفظ کننده فروج و زنان حفظ کننده فروج خودومردان ذکرزیاد کننده خدا و زنان ذکر زیاد کننده.[همه] را خدا آمرزش و پاداشی عظیم مهیا کرده است(۳٦)

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّلَا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَى اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ اَمْرًا اَنْ يَّكُوْنَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ اَمْرِهِمْ ۭ وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ

و نسزد مومن و مومنه را چون خداورسولش کاری راقضاوت کند که[بازهم]آنانرادرکارخود اختیار باشد و هرکه خدا و رسولش را

وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا ﴿٣٧﴾

نافرمانی کند پس یقیناً درگمراهی آشکار گم گشته است(۳۷)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِىٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخْفِى فِى نَفْسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَىٰهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَٰكَهَا لِكَىْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِىٓ أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا۟ مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٨﴾

وهنگامیکه میگفتی به آنکه بر او خدا انعام کردوهم توانعام کردی که همسرخود رانگهدار[طلاق نده] و خدا را تقویٰ کن و در دل خود آن امر را پنهان میکردی که خدا آشکار کنندهٔ آن بود و از مردم میترسیدی وخداسزاوارتراست که ازاوبترسی.پس گامیکه زید حاجت خود را از آن زن برآورد آنزن را بنکاح تو در آوردیم تا مومنان را نسبت به زنان پسر خواندگان خود تنگی نباشدچون آن[پسرخوانده]هاحاجت خود را از زنان برآورده باشند و فرمان خدا شدنی است(۳۸)

مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا ﴿٣٩﴾

پیغمبر را درآن امرکه خدا برای او واجب نمود هیچ تنگی نیست. این سنت خدا است که در آنان نیزبود که از پیش گذشته اند و

يقيناًامرخدابه ميزان دقيق تقدير ميشود(۳۹)++

الَّذِيْنَ يُبَلِّغُوْنَ رِسٰلٰتِ اللّٰهِ وَيَخْشَوْنَهٗ وَلَا يَخْشَوْنَ اَحَدًا اِلَّا اللّٰهَ ۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيْبًا ﴿٤٠﴾

[اين سنت خدا گذشته است در] آنانكه پيغام خدارا ميرساندند و از او ميترسيدند و نميترسيدند مگرازخدا وخدا راحساب گرفتن بس است(٤٠)+

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَآ اَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَّسُوْلَ اللّٰهِ وَخَاتَمَ النَّبِيّٖنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٤١﴾ ع ٦ ٢

محمد پدر كسى از مردان [مانند] شمانيست ولى او رسول خدا و خَاتَم جمله انبياء است و خدا به هرچيز خوب دانا است(٤١)++

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيْرًا ﴿٤٢﴾

اى‌كسانيكه ايمان آورده ايد خدا را ذكرفراوان كنيد(٤٢)

وَّسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ﴿٤٣﴾

و او را تسبيح بگوييد بامگاهان و شامگاهان(٤٣)

هُوَ الَّذِيْ يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلٰٓئِكَتُهٗ لِيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۗ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَحِيْمًا ﴿٤٤﴾

اوست آنكه ميفرستد رحمت را برشماوهم فرشتگانش تاشمارا از تاريكيها به روشنى بيرون آورد و به مومنان بارها رحم كنندهٔ است(٤٤)

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهٗ سَلٰمٌ ۚ وَاَعَدَّ لَهُمْ

خوش آمد ايشان روزيكه با او

أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٥﴾

ملاقات كنند سلام است و برای ایشان رزق گرامی آماده کرده است(٤٥)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٦﴾

ای پیغمبر ایقینًا ماتو را فرستاده ایم گواه و مژده دهنده و بیم دهندهٔ(٤٦)

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٧﴾

ودعوت کننده بسوی خداباذن او وخورشیدی منورکنندهٔ (٤٧)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٨﴾

و مژده بده مومنان را که [این] برای ایشان از خدا فضلی بزرگ است(٤٨)

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٩﴾

و اقتدای کافران و منافقان نکن و ایذارسانی آنهارا نادیده بگیر و توکل برخدا کن وخدا را کار سازی بس است(٤٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا ۖ فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٥٠﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید گاهی که بازنان مومنه عقدازدواج کنید سپس به آنها طلاق دهید پیشتر از اینکه به آنها نزدیکی‌کنید پس شمارا هیچ عدهٔ برآنهانیست که آنرابشماریدپس آنها را بهره مند

سازید و آنها را بروش نیکوی رها کنید(۵۰)

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّاۤ اَحْلَلْنَا لَكَ اَزْوَاجَكَ
الّٰتِيْۤ اٰتَيْتَ اُجُوْرَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
يَمِيْنُكَ مِمَّاۤ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلَيْكَ وَبَنٰتِ
عَمِّكَ وَبَنٰتِ عَمّٰتِكَ وَبَنٰتِ خَالِكَ
وَبَنٰتِ خٰلٰتِكَ الّٰتِيْ هَاجَرْنَ مَعَكَ ۫
وَامْرَاَةً مُّؤْمِنَةً اِنْ وَّهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ
اِنْ اَرَادَ النَّبِيُّ اَنْ يَّسْتَنْكِحَهَا ۗ خَالِصَةً لَّكَ
مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۭ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِيْۤ اَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ
اَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُوْنَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۭ
وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٥١﴾

ای پیغمبرابراستی ما برای تو حلال قرارداده ایم آن همسران توکه مهریه ایشان پرداختی و آن زنان زیر دست تو که خدا به تو غنیمت کرده است دختران عموی تودختران عمه هایت و دختران دایت و دختران خاله هایت که با تومهاجرت کرده اند و زنی مومنه که خویشتن رابرای‌پیغامبرعرضه نمایداگر پیغمبر بخواهد که باآن زن عقدازدواج بندد. این بغیراز مومنان برای تواختصاص دارد. حتمًامیدانیم آنچه برآن[مومن] ها فرض کردیم در مورد همسران ایشان وکنیزکان ایشان تا بر تو سخت نگذردوخدا بسیار آمرزنده بارهارحم کنندهٔ است(۵۱)

تُرْجِيْ مَنْ تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُـْٔوِيْۤ اِلَيْكَ مَنْ
تَشَآءُ ۭ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا

هرکه از آن [همسر]مارا میخواهی جدا کن وهرکه رامیخواهی‌باخود

جُنَاحَ عَلَيْكَ ذٰلِكَ اَدْنٰىٓ اَنْ تَقَرَّ اَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَآ اٰتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَلِيْمًا ﴿۵۲﴾

نگهدار. و زنی راکه جدا کردی اگر میخواهی او را بازگیری بر تو گناهی نیست. این نزدیکتر اینست که چشمان ایشان روشن گردد و رنجور نباشند و همه آنان خرسندشوندبدانچه به آنان بدهی وخدا میداند آنچه در دلهای شما است و خدا صاحب علم دائمی بسیار بردبار است (۵۲)

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَآءُ مِنْ بَعْدُ وَلَآ اَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ اَزْوَاجٍ وَّلَوْ اَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ اِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِيْنُكَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيْبًا ﴿۵۳﴾ ع

بعداًبرای‌تو[زاید]زنان روانیست و نه اینکه بجای ایشان همسرانی بدل کنی اگرچه زیبائی ایشان به تو شگفت آرد جزآنانکه زیردست تواند ویقیناًخدابرهرچیز مراقب است(۵۳)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتَ النَّبِيِّ اِلَّآ اَنْ يُّؤْذَنَ لَكُمْ اِلٰى طَعَامٍ غَيْرَ نٰظِرِيْنَ اِنٰىهُ وَلٰكِنْ اِذَا دُعِيْتُمْ فَادْخُلُوْا فَاِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوْا وَلَا مُسْتَاْنِسِيْنَ لِحَدِيْثٍ اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ

ای کسانیکه ایمان آورده اید به خانه های پیغمبرداخل نشویدجز اینکه شمارا بصرف طعام دعوت شود بغیر از اینکه آمادگی آن [طعام] را منتظران باشید وچون [بصرف طعام] خوانده شوید در

يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٤﴾

آیید وچون طعام راصرف کردید منتشر شوید[آنجانشته]جویندگان گفتگو نباشید یقینًا این امر به پیغمبر میآزارد اما [به اظهار آن] ازشماشرم دارد ولی خدا ازبیان حق شرم ندارد.هرگاه از ایشان [همسران پیغمبر] برای چیزی سوال کنید پس ایشان را از پس پرده سوال کنید.این پاکیزه تر برای دلهای شماو دلهای ایشان است و نه سزد شماراکه رسول خدا را بیآزارید و نه اینکه ابداً پس ازاوباهمسران اوعقد ازدواج بندید. یقینًا این نزد خدا امری بزرگ است(٥٤)

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٥﴾

اگرعیان کنیدچیزی را یا نهانش کنیدپس یقینًاخدا به هرچیز دانا است(٥٥)

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا

ایشان[همسران پیغمبر] را باکی نیست درمورد پدران خود و نه پسران خود و نه برادران خود و

مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ ۚ وَاتَّقِيْنَ اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ شَهِيْدًا ﴿۵۶﴾

نه برادرزادگان خود و نه خواهر زادگان خودونه زنان [مومن]خود ونه زیردستان خودو[ای همسران پیغمبر] خدا راتقویٰ کنید یقینًا خدا برهرچیزنگهبان است(۵٦)

اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ ؕ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا ﴿۵۷﴾

یقینًاخدا وفرشتگان او برپیغمبر درودمیفرستند.ای کسانیکه ایمان آورده اید شما نیز بر او درود و سلام بسیارگرم بفرستید(۵۷)++

اِنَّ الَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿۵۸﴾

یقینًاکسانیکه خدا و رسول او را میآزارند خدا به آنها لعنت کرده دردنیا وآخرت وبرای آنها عذابی رسواکننده مهیا کرده است(۵۸)

وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ

همانا!آنانکه به مومنان و مومنات

++آیت ۵۷:درباره این آیت حضرت اقدس مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند: "از این آیت پدید میآید که اعمال رسول اکرم آنچنان بودند که خدای متعال برای تحسین یا تحدید اوصاف ایشان هیچ کلمۀ ی به کار نبرد. کلمات میسر بودند اما خدا خودش آنها را به کار نبرد یعنی ستایش اعمال صالحه ایشان پهن تر از تحدید بود.این نوع آیت در شأن هیچکدام پیغمبر دیگر به کار نرفته است. در روان ایشان آن صدق و صفا بود و اعمال ایشان در نزد خدای متعال آنقدر پسندیده بود که او برای همیشه فرمان داد که در آتیه مردم بعنوان سپاس گذاری درود بفرستند. [گزارش رویداد جلسه سالیانه ۱۸۹۷ صفحه ۵۰ـ۵۱]

بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوْا فَقَدِ احْتَمَلُوْا بُهْتَانًا وَّ اِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٥٩﴾

آزار رسانند بدون آن [جرم] که آنان کسب کرده باشند براستی بهتان بزرگی وگناهی آشکاربدوش گرفتند(٥٩)

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّاَزْوَاجِكَ وَبَنٰتِكَ وَنِسَآءِ الْمُؤْمِنِيْنَ يُدْنِيْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ ؕ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ يُّعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٦٠﴾

ای پیغمبر! بگو به همسران خود ودختران خود و زنان مومنان که چادرهای خودرا برخود سرکنند. این نزدیکتراست که آنها شناخته شوند و آزاریده نشوند و خدا بسیار آمرزندهٔ بارها رحم کنندهٔ است(٦٠)++

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْمُرْجِفُوْنَ فِي الْمَدِيْنَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُوْنَكَ فِيْهَآ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٦١﴾

اگرمنافقان وآنانکه در دلهای آنها بیماری است و آنانیکه در مدینه شایعه میپراکنندبازنیایستندحتمًا توارابر [عقوبت] آنها برانگیزیم. سپس در این[شهرمدینه] تو را مجاورت نکنند جز اندك(٦١)++

مَّلْعُوْنِيْنَ ۚ اَيْنَمَا ثُقِفُوْٓا اُخِذُوْا وَقُتِّلُوْا

[این]راندگان هرکجا یافته شوند

++آیت٦٠: اینجا منظور از دستور حجاب این معلوم میشود که بوسیله حجاب زنان مسلمان در مقابل زنان غیر از مسلمان بازشناخته شوند وگرنه یهود از سوء نیت میتوانستند گویند که آنهانمیدانستندکه زنی‌اذیت شده مسلمان است.

تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾
سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٦٢﴾

گرفته وبسختی کشته شوند(٦٢)+ [این] سنت خدا در پیشینیان هم بود و در سنت خدا تحولی نمی یابی(٦٣)

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ ۚ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾

مردم تورا از قیامت میپرسند. بگو: علمش تنهانزدخدا است و چه چیزی تو رافهم دهد که شاید ساعت نزدیك باشد(٦٤)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾

یقیناً خداکافران را لعنت کرده و برای آنها آتشی شعله ور آماده کرده است(٦٥)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾

مدت دراز در آن مقیم شوند. [آنجا] نه سرپرستی و نه یاوری خواهند یافت(٦٦)

---

بقیه آیات٦١ـ٦٢:خداوند به رسول الله صلی الله علیه وسلم وعدهٔ ی داد که تو بر آنان غلبهٔ میبابی و آنان شهر تو را ترك گویند. آنگاه زیر لعنت خدا باشند و چنین حالات رخ دهد که هرکجا یافته شوند بمواخذه گرفته و قتل آنان مجاز گردانده شود.

دراینجا از فتنه پردازیهای بنو قریظه که آتش جنگ را تا مکه برافروختند ذکر خصوصی است. برای جلوگیری از این فتنه هیچ چارهٔ ی نبود جز اینکه آنها بجنگ آورده بقتل رسانده شوند.

يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوۡهُهُمۡ فِي النَّارِ يَقُوۡلُوۡنَ يٰلَيۡتَنَآ اَطَعۡنَا اللّٰهَ وَاَطَعۡنَا الرَّسُوۡلَا ﴿٦٧﴾

روزیکه چهره هایشان درجهنم واژ گون کرده شود، گویند: کاشکی خدارا اطاعت میکردیم و رسول را اطاعت میکردیم(٦٧)

وَقَالُوۡا رَبَّنَآ اِنَّآ اَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَاَضَلُّوۡنَا السَّبِيۡلَا ﴿٦٨﴾

و گویند: پروردگارا! یقینًا ما سرداران خود و بزرگان خود را اطاعت کردیم. پس آنها ما را گمراه کردند(٦٨)

رَبَّنَآ اٰتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ الۡعَذَابِ وَالۡعَنۡهُمۡ لَعۡنًا كَبِيۡرًا ﴿٦٩﴾ ع

پروردگارا!آنهارا عذاب دوبرابر بده و بر آنها لعنت کن لعنتی بزرگ(٦٩)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا لَا تَكُوۡنُوۡا كَالَّذِيۡنَ اٰذَوۡا مُوۡسٰى فَبَرَّاَهُ اللّٰهُ مِمَّا قَالُوۡا ؕ وَكَانَ عِنۡدَ اللّٰهِ وَجِيۡهًا ؕ ﴿٧٠﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید نشوید مانند آنانکه به موسٰی آزاریدند. پس خدا او را تبرئه کرد از آنچه گفتند و او نزد خدا بلند شأن بود(٧٠)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَقُوۡلُوۡا قَوۡلًا سَدِيۡدًا ۙ ﴿٧١﴾

ای کسانیکه ایمان آورده ایدخدا راتقوىٰ اختیارکنیدو لب به سخن راست و استوار بگشائید(٧١)

يُّصۡلِحۡ لَكُمۡ اَعۡمَالَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوۡبَكُمۡ ؕ وَمَنۡ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوۡلَهٗ فَقَدۡ

او اعمال شما را برایشما اصلاح نماید و گناهان شما را برایشما

فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۲﴾

بیآمرزد و هرکه خدا و رسولش را اطاعت کند پس یقیناًموافقیت بزرگ را موفق شده است(۷۲)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿۷۳﴾

یقیناًماامانت رابرآسمانهاو زمین وکوه ها عرضه داشتیم که خود داری کردندکه آنرا بدوش گیرند و ازآن بیمناك شدند درحالیکه انسان کامل آنرا برداشت.یقینًا او [برخویشتن] بسیار ستمگر و [از عواقب تکلیف] بی پروا بود(۷۳)++

لِيُعَذِّبَ اللّٰهُ الْمُنٰفِقِينَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكٰتِ وَيَتُوبَ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷٤﴾ ع

اینطور بود تا خدا منافقان و منافقات و مشرکان و مشرکات را عذاب دهد و تا خدا بر مومنان و مومنات توبه قبول کنان متمایل شود وخدابینهایت آمرزندۀ بارها رحمکننده است(۷٤)

++آیت ۷۳: دراین آیت کریمه ذکر از فضیلت آنحضرت ﷺ بر دیگرجمله پیغمبران آمده است زیرا امانتی که بصورت تعلیم قرآن نازل آینده بود پیش از آنحضرت ﷺ هیچ پیغمبری تاب نداشت که بار آنرا بدوش خود تحمل کند. پس منظور از امانت قرآن مجید است.

ظلوماً جهولا را بعضی مفسران اصلاً معنای نادرست نسبت میدهند. ظلوماً را مفهوم ستم بر دیگری نیست بلکه بر جان خویش ستمکنندهٔ ی است که باری اینقدرسنگین را برداشت. همینطور منظور از جهولاً جاهل مطلق نیست بلکه آنکس است که مسئولیتی با این بزرگی را پذیرفت و از عواقب آن بی پروا ماند. همه آن سلسله مظالم که برآنحضرت ﷺ روا داشته شد پس از شروع نزول قرآن رو به آغاز کرد.

# ۳٤- سورة سبا

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۵ آیت دارد.

ابتدای این سورة عبارت از این کلمات است که ستایش مطلق ازآن خدا است که آسمانها را مالك و زمین هم ترانه او را میسراید و در آخرت نیز ترانه از حَمد او سروده شود. اینجا کنایه ای آشکار بسوی رسول الله ﷺ است که غلامان راستین ایشان زمین وآسمان را مملوازستایش ونیایش خدا خواهندکرد.

سپس به تشریح کوه هاپرداخته مضافاً گفته میشود که کوه ها بمعنای ملتهای زحمت کش کوهستانی میباشند. بعنوان مثال کوه ها برای حضرت داؤد علیه السلام بظاهر مسخر نشده بودند بلکه قومهای زحمت کش ساکن بر کوه ها رام کرده شدند. پس کوه ها که ذکر از آنها درپایان سورة گذشته رفت شرح به آنها اینجا داده میشود.

سپس شرح به اوضاع آن اجنه است که برای حضرت داؤد و حضرت سلیمان مسخرکرده شدند وایشان کارهای طاقت فرساآز آنها میگرفتندوگفته شد که آنان اجنه در قالب انسان بودند و نه آن اجنه معروف که آفریده از شعله های آتش پنداشته میشوند.درباره این اجنه قرآن مجیدجای دیگر می فرماید که آنها در بند و زنجیر بودند حالانکه اجنه آتش را که در بند و زنجیر نتوان کرد و اینکه آنان غوطه خورده از دریا مرواریدها در می آوردند حالیکه جنی ساخته از آتش که نمیتواند در دریا غوطه خورد زیرا آتش که بداخل آب فرومی نشیند. اینهمه امور سپاسگذاری را برآل داؤد

بفرض مینمود.پس حضرت سلیمان علیه السلام که ازمیان آل داؤد از روی خویشی صلبی و روحانی ارشدیت داشتند حق سپاسگذاری را بجا آوردند. ولی چون ایشان آگاه کرده شدند که پسرایشان که جانشین تخت ایشان است همچون جسمی فاقد زندگی روحانی است ایشان روی به دعا آوردند که پروردگاراا‌صف سلطنت را در دوره اش بپیچان چه من به این سلطنت دنیائی هرگزعلاقه مند نیستم. پس عیناًهمینطوربظهورآمد. پس از درگذشت حضرت سلیمان چون پسرایشان تخت نشین گشت رفته رفته بر قوم های کومستانی معلوم گشت که پادشاهی بیخرد برایشان مسلط است آنان علیه او طغیان کردند و بدینسان سلطنت ظاهری حضرت سلیمان علیه السلام پاره پاره گردید.

چون سلطنت های بزرگ ازهم میپاشند آنگاه بجای اینکه اهل سلطنت بر اثر محبت همدیگر این دعا کنند که دلهای ما بهمدیگر نزدیکتر گردانده شود بعکس طعمه نفرتهاقرارگرفته به دعای دورشدن ازهمدیگرمیپردازند. آنگاه ایشان زیرپای غضب الهی له کرده اساطیر نابود شدگان ساخته می شوند. میان محل سکونت های ایشان آنقدر دوری افکنده میشود که دورادور بجای باغستان و گلزارها، بیشه ها و نیستان بچشم میخورد.

درپایان سورة گذشته آنحضرت ﷺ تعلیم صبوری داده شدند. اکنون مجدداً توصیه میشود که پیوسته صبور باش و قلب ایشان با این مژده ثبات داده شدکه سلطنت های پیشین که همچون قومهای کوچك بودند ولی خداوند تورا سلطنت باتعمیم روحانی برسراسرجهان درداده است.

ضمناً توجه مخالفان بدین امرجلب کرده میشود که آنان فردافرد یا دو

دو بپاایستاده در محضرخدا دعاکنند و از آن پس تعقل کرده دریابند که آن شهزاده علم وحکمت که قرآن حکیم اعطا شده است هرگز مجنون نیست.

سپس فرموده شد که براین امرتفکرکن چون آنان سخت آشفته خاطر بگردند و آن آشفتگی دور نشود و آنان ازجای نزدیك درگرفته شوند. جای نزدیك"حبل"جان است یعنی آنان از درون خودشان مبتلا به عذاب کرده شوند. درآیت مجاوراشاره به مکان دور عبارت از این امر است که اینگونه مردم را توبه کردن بسیار دوراست. چنانکه حدوث کردن پیش آمدها بر خودشان باعث نشد که ایشان توفیق توبه بدست آورند آنگاه چطور امکان پذیر است که آنان ازخوف عذاب آنچه را بسیار دورگمان میکنند توفیق به توبه حقیقی بدست آورند. میان اینچنین منکران و تکمیل خواهشات نفسانی آنها مانع همیشگی نهاده میشود همانگونه که به پیشینیان ایشان رفتار شده بود اما این تیره بختها مدام متردد میمانند.

☆ سُوْرَةُ سَبَاٍ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلا استدعا و بلا امتیاز] بسیار بخشنده بارها رحم کننده(۱)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ ؕ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ ②

ستایش مطلق برای آن خدا است که از آن اوست هرچه درآسمانها است و هرچه در زمین است و در آخرت هم ستایش مطلق ازآن اوست او بسیار صاحب حکمت مدام آگاه است(۲)

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا ؕ وَهُوَ الرَّحِيْمُ الْغَفُوْرُ ③

او میداندآنچه داخل زمین گردد و آنچه از آن خارج شود و آنچه از آسمان نازل شود و آنچه در آن بالا رود و او بارها رحم کنندهٔ صاحب آمرزش است(۳)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَاْتِيْنَا السَّاعَةُ ؕ قُلْ بَلٰى وَرَبِّيْ لَتَاْتِيَنَّكُمْ ۙ عٰلِمِ الْغَيْبِ ۚ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ وَلَآ اَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْبَرُ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ④

و کسانیکه کفر کردند میگویند ساعت بر ما نمیآید. بگو، آری ـ سوگند به پروردگارم که برغیب آگاه است حتمًابر شمامیآید ـ نشود پوشیده از او باندازه ذرهٔ در آسمانها و نه در زمین و نه

کوچکتر ازآن و نه بزرگتر مگر درکتابی‌آشکاراست(٤)

لِّيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝٥

تا[خدا]عوض دهد کسانیرا که ایمان آوردند و نیکوکاری انجام دادند.همانهاندکه برایشان آمرزش و رزقی کریمانه است (۵)

وَالَّذِينَ سَعَوْ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ۝٦

و آنانیکه میکوشند تا آیات مارا بیچاره سازند همانهاند که آنها را عذابی دردناك از عذابی لرزنده است(٦)

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقَّ ۙ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝٧

و آنانکه علم داده شدند بنگرند هرچه بسوی تو از پروردگار تو نازل کرده آمد آن حق است و بسوی راه صاحب غلبه کامل و صاحب ستایش هدایت میکند(۷)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۙ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝٨

و کسانیکه کفرکردند میگویند آیا شما را نشاندهیم مردی را که به شما خبر میدهد هنگامیکه ازهم پاشیده بکلی ذره ذره شدید حتمًا به آفرینش نوی [داخل]شوید(۸)

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ

آیابرخدا دروغی‌بهم بافته است

الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلٰلِ الْبَعِيْدِ ⑨

یااو رادیوانگی است؟در حقیقت آنها که به آخرت ایمان نمیآرند درعذاب وگمراهی دور سرگردان اند(۹)

اَفَلَمْ يَرَوْا اِلٰى مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ؕ اِنْ نَّشَاْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيْبٍ ⑩ ع

پس آیا بسوی آن [پدیده ها] نگاه نکردندکه درآسمان و زمین پیش روی ایشان [تجلی یافته] اند یا آنچه قبل از آنها بودند. اگر بخواهیم آنها را بزمین فروبریم یا پارهٔ ی از آسمان بر آنها فرو افکنیم.یقینًا دراین آیتی بزرگ است برای هر آن بندهٔ ی که توبه کند(۱۰)

ع ۷

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ مِنَّا فَضْلًا ؕ يٰجِبَالُ اَوِّبِيْ مَعَهٗ وَالطَّيْرَ ۚ وَاَلَنَّا لَهُ الْحَدِيْدَ ⑪

و یقینًا داؤد را ازجانب خود فضلیدردادیم[چون این اذن دادیم که] ای کوه ها! با او فروتنیکنید و ای مرغان [شماهم] و آهن را برایاونرم ساختیم(۱۱)++

اَنِ اعْمَلْ سٰبِغٰتٍ وَّقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا ؕ اِنِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ

[وگفتیم] که زره های کامل بقد جسم بسازوحلقه های[زره]را تنگ بدارونیکوکاریکنید.یقینًا من به

بَصِيرٌ ﴿١٢﴾ وَلِسُلَيْمَٰنَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ ۖ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٣﴾

هرچه عمل كنيدبينامستم(۱۲)++ و براى سليمان بادى را[مسخر كرديم] سفربامدادىآن [هم برابر سفر]يكماهه بود و سفر شامگاهى آن [هم برابرسفر] يكماهه بود و چشمه مس را براىاوجارىكرديم وازجنهاآن[قومهاى وحشى را رام كرديم] كه زير دست او بفرمان پروردگارش بزحمت كارميكردند وهركه ازآنهاازامرمامنحرف شود اوراعذاب جهنم بچشانيم(۱۳)++

++آيات۱۱-۱۲ : مسخركردن كوه ها را مفهوم رام كردن آن قومهاى زحمت كش كوهستانى است كه حضرت داؤد آنها را تسخيركرده بودند وكار هاى سنگين براى حضرت داؤد انجامدادند. غالباً منظور از طيور [پرندگان] آن مردم نيكوكارانند كه برايشان ايمان آورده و از نظرروحانى نسبت به طيور داده شدند.مضافاً نعمتى ديگر كه به حضرت داؤد اعطاء شد آن تخصص گداختن آهن و استفاده از آن بود. زره هاى دفاعى حين جنگ ساخته ازحلقه هاى آهن از زمان ايشان بكار برده شد.حضرت داؤد بدين امر نيز فرمان شدند كه زره ها نه با حلقه هاى بزرگ بلكه با حلقه هاى تنگ ساخته شوند. اگر زره ها قبل از حضرت داؤد ساخته هم ميشد آنگاه بحرحال زره ها باحلقه هاى تنگ در زمان ايشان ايجاد شده بود.

++آيت۱۳-۱٤ : بادها را تابع فرمان حضرت سليمان كردن بدين معنا نيست بطورى كه بعض مفسران قصه هاى بيان ميكنند كه ايشان بالونى ايجاد [بقيه ص# ۱۰۲۸ ]

يَعْمَلُوْنَ لَهٗ مَا يَشَآءُ مِنْ مَّحَارِيْبَ وَتَمَاثِيْلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُوْرٍ رّٰسِيٰتٍ ؕ اِعْمَلُوْٓا اٰلَ دَاوٗدَ شُكْرًا ؕ وَقَلِيْلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُوْرُ ﴿۱۴﴾

آنان هرچه اومیخواست برایش میساختند ـ قلعه های بزرگ و مجسمه هاولگنهای مانند استخرها وديگهای بزرگ یکجا نشانده. ای آل داؤداشکر کنید به سزاواری

گرده بودند بلکه اشاره به آن بادهای تند وز بر ساحل دریائی است که بعد از یکماه تغییر رخ میدادند و کشتیها را بانیرو آن بادها سریعاً حرکت کردن و سپس باز گشتن مطلب این آیت است.

حضرت داؤد برآهن قدرتِ تخصص داشتند درحالیکه حضرت سلیمان صنعت کان کندن برای فلز گرانبها یعنی مس و استفاده کردن از آن بنحوی گوناگون آموخته شده بودند.

جناتی که در اینجا مذکور اند سخن از آنها پیش از این حین ذکر در باب حضرت داؤد نیز رفته است. مفهوم این موضوع مردمان کوهستانی و زحمت کشانند. در آیت مجاور این ذکر است که آن مردمان چنان کارهای سنگین و طاقت فرسا انجام میدادند که برای ملتهای متمدن امکان پذیر نمیشد. برای تفصیل آنکارها نخست سخن از قلعه های بزرگ است، باز درباره مجسمه ها و استخرها، لگن های بزرگ و دیگها گفته شده است. این دیگها آنچنان بزرگ بودند که جابجا کردن آنها کاری طاقت فرسا بود و یکجا میماندند. غالباً در اینها غذای برای ارتش بزرگ ایشان آماده کرده میشد.

پس از یادآوری این نعمتها نه تنها حضرت داؤد بلکه آل ایشان نیز توصیه میشوند که سپاسگذار باشند. این نعمتها بازگرفته نمیشود تا آنگاه که سپاسگذاری کنید.سپس در زمان پسر حضرت سلیمان این نعمتها از دست رفت چه او نه دارای خصوصیت روحانی بود و نه استعداد دولتمداری را داشت.

شکرش واندك اند از بندگانم كه شكر میکنند (١٤)++ [حاشيه ص#١٠٢٨ ]

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٥﴾

پس هنگامیکه فرمان مرگ را بر اوگذرانیدیم کسی به آنهابر مرگ او آگاه نکرد مگر کرمی[پسرش ناخلف]که چوب دستی [سلطنت] او رامیخورد. پس چون آن [نظام سلطنت] بامنشین شد آنگاه برجن [کوهستانی]ما آشکارگشت اگر آنها غیب را میدانستند در عذابی رسوا کننده مکث نمیکردند(١٥ )

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ﴿١٦﴾

براستی برای [قوم] سبا درمسکن خود آیتی بزرگ بود. راست و چپ دوباغ بود.[ای قوم سبا] بخورید از رزق پروردگارخود و برای او سپاس گذارید [پایتخت سبا]شهرزیبائی بود و[آن شهررا] پروردگاریبس آمرزندهٔ بود(١٦ )

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ

پس [ازحق] اعراض کردند. پس سیل بندشکستهٔ [موجزن]بر آنها

خَمۡطٍ وَّاَثۡلٍ وَّشَيۡءٍ مِّنۡ سِدۡرٍ قَلِيۡلٍ ﴿١٧﴾

فرستادیم وهردو باغ را درچنین دو باغ تبدیل کردیم که هردو دارای میوه های بد مزه و درخت گز و کم کم سدربودند(۱۷ )

ذٰلِكَ جَزَيۡنٰهُمۡ بِمَا كَفَرُوۡا ؕ وَهَلۡ نُجٰزِيۡۤ اِلَّا الۡكَفُوۡرَ ﴿١٨﴾

این عِوض آنها بود چه ناسپاسی کردند وآیاجزناسپاسان بکسی [اینطور] کیفر میکنیم؟(۱۸ )

وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ الۡقُرَى الَّتِيۡ بٰرَكۡنَا فِيۡهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَّقَدَّرۡنَا فِيۡهَا السَّيۡرَ ؕ سِيۡرُوۡا فِيۡهَا لَيَالِيَ وَاَيَّامًا اٰمِنِيۡنَ ﴿١٩﴾

و میان ایشان و میان شهرهای که درآنها خیری فراوان نهاده بودیم شهرهای هویدا ساخته بودیم و راه پیمودن را درآنها[آسان و] ممکن کرده بودیم [مقصود این بود که] شبها و روزها در آنها ایمن راه بپیمایید(۱۹ )

فَقَالُوۡا رَبَّنَا بٰعِدۡ بَيۡنَ اَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوۡۤا اَنۡفُسَهُمۡ فَجَعَلۡنٰهُمۡ اَحَادِيۡثَ وَمَزَّقۡنٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ ؕ اِنَّ فِيۡ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوۡرٍ ﴿٢٠﴾

اما [چون ناسپاس شدند] گفتند: پروردگاراامیان سفرهای‌ما دوری بیفکن و بر خودشان ستم کردند. پس آنها را افسانه های ساختیم و آنها را پاره پاره نمودیم. یقینًا در این برای هریك صبرکننده و سپاس گذار آیتهای است(۲۰ )

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١﴾

ويقيناًابليس انديشه خود را بر آنها راست آورد.پس بدو پيروى كردند جزگروهى از مومنان(٢١)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢٢﴾

و او [ابليس] را برآنها هيچ غلبهٔ نبودمگر[خواستيم] تا بازشناسيم آنكه به آخرت ايمان ميآرد و آنكه از اين درشك است وپروردگار توبرهرچيز نگهبان است(٢٢)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ ۖ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ ﴿٢٣﴾

بگوبخوانيد آنهائى راكه جزخدا [چيزى]گمان كنيد.آنها باندازه ذرهٔ هم مالك نيستند در آسمانها و نه در زمين و نه براى آنها در آندو هيچ سهمى است و براى او هيچ از آنهاپشتبان نيست(٢٣)

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۚ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا الْحَقَّ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٤﴾

و در درگاه او شفاعت بكار نيآيد جزبراى آنكه اوبرايش اذن كرده باشد تاآنكاه كه چون آشفتگى از دلهاى آنها دور كرده شود[از شفاعت كنندگان خود] بپرسند[هم اكنون] پروردگار شما چه گفت؟ گويند،حقّ[گفت]و او بلند مرتبت

وبسیاربزرگ است(٢٤)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلِ اللّٰهُ ۙ وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلٰى هُدًى أَوْ فِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٥﴾

بپرس:کی شمارااز آسمانها و زمین رزق میدهد.بگو:خدا.یقینًا ما یا شماالبته یابرهدایت یادرگمراهی آشکارهستیم(٢٥)

قُلْ لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٦﴾

بگو:شما پرسیده نشوید از آنچه ماجرم کنیم و نه ماپرسیده شویم از آنچه شما میکنید(٢٦)

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ ۖ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٧﴾

بگو:خدا ما را جمع کند سپس میان ماباحق قضاوت نماید و او فیصل دهندهٔ آشکارا صاحب علم دائمی است(٢٧)

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَآءَ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٨﴾

بگو: مرانشان دهید آنهائی را که با او شریك بستید. هرگز چنین نیست بلکه همان خدا است که صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(٢٨)

وَمَآ أَرْسَلْنٰكَ إِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَّنَذِيرًا وَّلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾

و نفرستادیم تو را مگر مژده دهنده و بیم دهنده برای همه مردم اما بیشتر مردم نمیدانند(٢٩)

وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

و میگویند انجام این وعده تا

صٰدِقِيْنَ (۳۰)

بچند میکشد اگرشما راستگویان اید؟(۳۰)

قُلْ لَّكُمْ مِّيْعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَاْخِرُوْنَ عَنْهُ سَاعَةً وَّلَا تَسْتَقْدِمُوْنَ (۳۱) ع

بگو وعدمگاه شما روزی است که نه لحظهٔ ازآن عقب مانید و نه پیشی گیرید(۳۱)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ بِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَلَا بِالَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ ۭ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ مَوْقُوْفُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ښ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضِ الْقَوْلَ ۚ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا لَوْلَآ اَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِيْنَ (۳۲)

وکسانیکه کفر کردند میگویند: هرگز ایمان نیآریم براین قرآن و نه بر آن [پیشگوئیها] که پیش روی‌آنست وکاشکی‌میدیدی گامی که ستمکاران نزد خدا باز داشت شوند. برخی از آنها سخن را به برخی پس دهند و آنان که ناتوان پنداشته شدند برای آنان که تکبر میکردندگویندا گرشمانبودیدحتمًا ما ایمان آوردگان بودیم(۳۲)

قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْٓا اَنَحْنُ صَدَدْنٰكُمْ عَنِ الْهُدٰى بَعْدَ اِذْ جَاۗءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُّجْرِمِيْنَ (۳۳)

گویند آنانکه تکبر کردند به آنها که ناتوان پنداشته شدند آیا ما شمارا ازهدایت چون شماراآمد بازداشتیم؟بلکه شما خودتان بزه کاران بودید(۳۳)

وَقَالَ الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا لِلَّذِيْنَ

و گویند آنها که ناتوان پنداشته

اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُوْنَنَآ اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهٗٓ اَنْدَادًا ؕ وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ ؕ وَجَعَلْنَا الْاَغْلٰلَ فِیْٓ اَعْنَاقِ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا ؕ هَلْ یُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ ﴿۳٤﴾

شدند به آنها که تکبر کردند بلکه این فریبکاری شب وروزبودچون بماامر میکردید که به خدا انکار کنیم و برای اوانبازان قراردهیم و ندامت را پنهان سازند دمیکه عذاب رانگرندودرگردن های آنها که کفرکردندطوقهانهیم. آیا عوض داده شوند جز آنچه داشتند می کردند؟(۳٤)

وَمَآ اَرْسَلْنَا فِیْ قَرْیَةٍ مِّنْ نَّذِیْرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوْهَآ ۙ اِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿۳۵﴾

و در هیچ شهری بیم دهندهٔ نه فرستادیم مگر خوش حالان آن گفتند،همانااما به آنچیز منکرانیم که باآن شما فرستاده شدید(۳۵)

وَقَالُوْا نَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَّاَوْلَادًا ۙ وَّمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِیْنَ ﴿۳٦﴾

وگفتند، ما در مالهاواولاد بیشتر ایم وماعذاب شدگان نیستیم(۳٦)

قُلْ اِنَّ رَبِّیْ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَّشَآءُ وَیَقْدِرُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ ﴿۳۷﴾ ع

بگو:براستی پروردگارم رزق هر که را بخواهد فراخ گرداندوتنگ گرداند اما بیشتر مردم نمی دانند(۳۷)

وَمَآ اَمْوَالُكُمْ وَلَآ اَوْلَادُكُمْ بِالَّتِیْ تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفٰٓی اِلَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ

و نیستند مالهای شما و فرزندان شما آنکه شمارا نزدما برتبه قرب

صَالِحًا فَأُولَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ﴿٣٨﴾

بیآرند مگر آنکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس همانهاند که برای ایشان پاداش دوبرابراست به[علت]آن کارکه کردندو ایشان دربالاخانه هاایمن شدگانند(۳۸)

وَٱلَّذِينَ يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ﴿٣٩﴾

و کسانیکه آیتهای ما را به عجز آرندگان میکوشندهمانها در عذاب احضار شدگانند(۳۹)

قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥۚ وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٤٠﴾

بگویقینًا پروردگارم برای هرکه ازبندگانش بخواهد رزق را فراخ مینماید و[گاهی] برایش تنگ می نماید و آنچه ازچیزی انفاق کنید پس اوست که عِوضش میدهد و او بهترین رزق دمندگان است(٤۰)

وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ يَقُولُ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ﴿٤١﴾

وروزیکه جمیع آنهارامحشورکند سپس بفرشتگان گوید. آیا اینها شمارا عبادت میکردند؟(٤۱)++

قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِمۖ بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّۖ أَكۡثَرُهُم بِهِم مُّؤۡمِنُونَ ﴿٤٢﴾

گویند:توپاك هستی.توئی دوست ما نه آنها.بلکه آنها جنها را عبادت میکردندوبیشترآنهابه آنان ایمان آوردگان بودند(٤۲)+[ص٦ ۱۹۳]

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَّلَا ضَرًّا ۗ وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾

پس امروز سود و زیان همدیگر را دراختیارنداریدوگوئیم برای آنانکه ستمکردند، عذاب آن آتش بچشید که به آن انکار میکرده اید(۴۳)

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ ۚ وَقَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى ۚ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٤﴾

و چون آیتهای روشن ما بر آنها فروخوانده شودگویندنیست این مگر آدمی که میخواهد باز دارد شما را ازآنچه پدران شما عبادت میکردند و گویند نیست این جز دروغی که بهم بافته شد وکسانیکه کفرکردند برای‌حق چون نزدشان آمدگفتند.این فقط جادوئی آشکار است(٤٤)

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ ﴿٤٥﴾

ونداديم آنانراهيچ ازكتب كه آن را میآموختند و نه پیش ازتو بیم دهندهٔ ی‌بسویشان فرستادیم(٤٥)

++آیت٤١ـ٤٢: در این آیتها ذکر از آن مشرکان است که سرداران بزرگ خود را به خدایی برگزیده بودند. در اینجا منظور از جن همان سردارانند. مشرکان نام بعضی از فرشتگان را نیز میگفتند که آنان معبودان آنانند. این بر فرشتگان فقط تهمتی است و فرشتگان در روز قیامت از این تهمت اظهار بریت نمایند.

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٦﴾

وتكذيب كرده بودند آنها که پیش ازاینهابودندحالیکه اینهابه یکدهم آن نرسیده اندکه به آنها بخشیده بودیم. پس آنها[نیزچون]رسولانم را تکذیب کردند آنگاه گرفتم چه [سخت] بود(٤٦)

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٧﴾

بگوشمارافقط به یك امرنصیحت میکنم که بپای ایستید برای خدا دد دو ویك یك بازخوب فکر کنید که رفیق شمارا دیوانگی‌نیست.او فقط برای شما پیش از عذابی شدید بیم دهندهٔ است(٤٧)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٨﴾

بگوهرچه عوضی را ازشمامیطلبم پس آن بخاطرشمااست.عوض من فقط برخداست و او بر هر چیز گواه است(٤٨)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٤٩﴾

بگو. یقینًا پروردگارم باحق [بر باطل]ضربه میزند.او دانای نهانها است(٤٩)

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٥٠﴾

بگوحق رسیده است و باطل نه [چیزیرا] ابتدامیکند و نه [آنرا]

تکرار میکند(۵۰)

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِيٓ إِلَيَّ رَبِّيٓ ۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥١﴾

بگو،اگر گمراه شوم خلاف نفس خود گمراه شوم و اگر هدایت یابم پس بدانعلت است که خدا بسوی من وحی میکند.یقینًا او بسیار شنوای نزدیك است(۵۱)

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا۟ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥٢﴾

و کاشکی میدیدی چون بیمناك شوند.پس [بیم] زایل نگردد و از جای نزدیك [یعنی زودتر] گرفته شوند(۵۲)

وَقَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

وگویند، به این ایمان آوردیم و چسان آنان راازجای دور [ایمان را]بدست آوردن ممکن است(۵۳)

وَقَدْ كَفَرُوا۟ بِهِۦ مِن قَبْلُ ۖ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٤﴾

حالانکه از این پیش به آن انکار کردندوازمکانی دور درغیب تیر های بی هدف پرتاب میکنند(۵٤)

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ فِي شَكٍّ مُّرِيبٍۭ ﴿٥٥﴾

ع ۶ ۹ ۱۲

ومیان آنها و میان آرزوهای آنها جدائی افکنده شودبطوریکه قبلًابا امثال آنهاکرده شد.یقینًاآنهادچار شکی ناراحت کننده بودند(۵۵)

# ۳۵ـ سورة فاطر

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ٤٦ آیت دارد.

آغاز این سورة نیز مانند سورة قبلی با الحمد میشود. سورة گذشته از پادشاهی خداوند بر زمین و آسمان و مشغول ماندن تمامی کاینات در ذکر خدا با زبان حال، حاکی بود. اینجاچون خداوند نخست بار زمین و آسمان را پدید آورد توجه به حمد خدا جلب میشود زیرا که زمین و آسمان را بوجودآوردن بی هدف نمیتواند باشد.در عین حال قبل از وجود زمین و آسمان بسوی رحمانیت یك آفریدگار اشاره میشود .

آیت ردیف ۲ دال بر ذکر آن فرشتگان است که دو دو و سه سه و چهار چهار پر دارند.البته این را هرگز این مفهوم نیست که فرشتگان را بظاهر پَر است بلکه آن چهار والنسی [Valencies] اساسی ماده را ذکر است که در نتیجهٔ اش جمله پدیده های شیمیائی بوجود میآید. پژوهندگان علم علی الخصوص خدا پرستان توجه رابدین سوجلب میکنندکه درنتیجه عکس العمل شیمیائی ازدیگر ماده های چهار والِنسی کاربن آن زندگی بوجود آمده است که دانشمندان آنرا carbon based life مینامند. این آیة قرآن بیان میکند که فرشتگان دارای بیشتر از این بالها نیز وجود دارند که شما آنان را درحال کنونی نمیدانیدودرتحت تاثیر آنان تغییراتی بزرگ شیمیائی بظهورخواهند رسید که عجالةً انسان گمان هم از آنها نمیتواند بکند.

مجدداًاین سورة حاکی از ذکر آن دو دریا است که آب یکی شور و دومین آب شیرین و مطلوب دارد. اما صنعت خداوند شگفت انگیز است که

گوشت جانوران پرورده آب شور نیز شیرین میماند و گوشت پرورده های آب شیرین نیز شیرین میماند. این چه عجب پدیده ای است که گوشت ماهی ها پرورده آب شور کلیةً از تاثیر شوریدگی آب پاك میماند.

پس ازاین آیتهای[۱۷ -۱۸ ]میآید که نوع انسان را متنبه میسازدکه اگر شما به نعمتهای خداوند سپاسگذاری نکردید و به انکارش پافشار ماندید پس اگر خداوند بخواهد شما را بخاك فروبرده و بجای شما مخلوق جدیدی میآرد و این امر دور از شان کبریائی او نیست.

ضمناً توجه انسان بدین امر جلب کرده میشود که زندگی بر زمین در هر قالبی که باشد متکی بر آبی فروباریده از آسمان میباشد و میوه های متنوع از آن آب میروید. رنگهای آنها از هم جدا است. این مسأله اختلاف رنگها کنانه ای است به این امر که بطوریکه میوه های درآمده از خاك همرنگ دارای رنگهای متنوع میباشد بر همین منوال اگرچه آدمیان هم از نژاد یك آدم هستند ولی رنگهای ایشان و زبان های ایشان مختلف است و هیچ مشابهت ازهم بچشم کسی نمیخوردمگر به آن بینندگان که خدا ایشان را عرفان اعطاءکرده است.

کسانیکه با خدا انبازان قرار میدهند نمیتوانند آن چیزها راکه در زمین پدید میآیند بر مقام همتائی آن کردگار بگزینند تا چه رسد به اینکه تصور ایشان شریك او را در آن آسمانها تلاش کند که درباره آنهاایشان را هیچ هم دانشی نیست.

سپس آدمیان متنبه ساخته شدند که زمین و آسمان با نیروی خود بر مدارهای خود استوار نیستند بلکه اگردست تقدیرخداوند آنها را پیوسته

نگه نداشته باشد و آن اجرام های فلکی یکبار از مدار های مربوطه بلغزند پس زمین و آسمانها را قیامت فراگیرد و آنها دیگر هیچگاه دوباره بر هیچ مداری مستقرنخواهند شد.

☆ سُوْرَةُ فَاطِرٍ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ خَمْسَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا اُولِيْٓ اَجْنِحَةٍ مَّثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ؕ يَزِيْدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَآءُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢﴾

ستایش مطلق ازآن خدا است که آفریننده آسمانهای زمین است ـ فرشتگان را رسولانی دارندگان بالهای دوتاوسه تاو چهارتا [یعنی قوة ها] قراردهنده ـ میفزاید در آفرینش هرچه دوستدارد خدابر هرچیز مدام قدرتمند است(۲)

مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۚ وَمَا يُمْسِكْ ۙ فَلَا مُرْسِلَ لَهٗ مِنْۢ بَعْدِهٖ ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٣﴾

آنچه خدا برای مردم از رحمت بگشایدپس کسیآنرا جلوگیرنده نیست و آنچه را جلوگیرد سپس کسی آنرا جاری کننده نیست و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۳)

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ ؕ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ

ای مردمانعمت خدا را برخودتان یادکنید.آیا آفرینندهٔ ی است جز خدا که از زمین و آسمان رزق

السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ؕ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۖ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٤﴾

اعطا کند.هیچ معبودی‌نیست جزاو پس کجامنحرف کرده میشوید(٤)

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ ؕ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿٥﴾

و اگر تو را ردکنند پس رسولان پیش ازتونیزردکرده شدند و همه اموربسوی‌خدابر گردانده شود(٥

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۖ وَقفة وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ﴿٦﴾

ای‌مردم‌ایقیناًوعده خدا حق است. پس زندگی دنیاشمارا نفریبد و هیچ فریبکار شمارا درباره خدا گول نزند(٦)

اِنَّ الشَّيْطٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوْهُ عَدُوًّا ؕ اِنَّمَا يَدْعُوْا حِزْبَهٗ لِيَكُوْنُوْا مِنْ اَصْحٰبِ السَّعِيْرِ ؕ ﴿٧﴾

همانا شیطان دشمن شمااست پس اورادشمن فراگیرید. او فقط دار و دسته خود را میخواند تا از به آتش افکندگان شوند(٧)

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۖؕ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿٨﴾ ع

کسانیکه کفرکردندبرای‌آنهاعذابی سخت است وآنانکه ایمان آوردند ونیکوکاری‌کردندایشانرا آمرزش و پاداشی بسیار بزرگ است(٨)

اَفَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ فَرَاٰهُ حَسَنًا ؕ فَاِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ

پس آیاآنکه برایش زشتی‌عملش زیبا بنمایش گذارده شود و او آنرازیبا بنگرد [فریب خورده تر از او کسی است.]؟یقیناًخدامرکه

حَسَرٰتٍ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ⑨

راخواهدگمراه میگرداند و هرکه را خواهد هدایت میدهد.پس دل تو از آنها دریغ داشته ازدست نرود.یقیناًخدا خوب میداند آنچه میکنند(۹)

وَاللّٰهُ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ الرِّيٰحَ فَتُثِيْرُ سَحَابًا فَسُقْنٰهُ اِلٰى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيَيْنَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ كَذٰلِكَ النُّشُوْرُ ⑩

و خدااست آنکه بادهارافرستاد. پس آنهاابر رابرمیدارند. پس آن رابسوی‌شهری مرده سوق میدهیم و به[وسیله] آن زمین را پس از مرگش زنده مینمایم. همینطور دوباره برخیزیدن است(۱۰)

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيْعًا ۚ اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهٗ ۚ وَالَّذِيْنَ يَمْكُرُوْنَ السَّيِّاٰتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۚ وَمَكْرُ اُولٰٓئِكَ هُوَ يَبُوْرُ ⑪

هرکه خواهان عزت است پس عزت بتمام ازآن خدااست.کلمهٔ پاك بسوی او بالا میرود و نیکو کاری آن را ببالا میبرد و آنانکه نیرنگ زنندآنان را عذابی سخت است ونیرنگ آنهامدررود(۱۱)+

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ

و خدا شما را از گل آفرید سپس

++آیت ۱۱ :برخی از مردم نشت و برخاست خود را با کسانی نامور موجب بزرگی میپندارند.مومنان توصیه کرده میشوندکه بزرگی بدست خدااست و هرچندمخالفان دردنیا به تذلیل ایشان تلاش کنند آن ضائع خواهد رفت.

جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾

از نطفه و از آن پس شما را جفت های ساخت و هیچ ماده باردار نمیشود و نه او میزاید مگر بعلم او و هیچ سالخورده عمر دراز نمییابدونه ازعمراوکاسته میشود مگر آن درکتابی است.یقینًا این برخداآسانست (۱۲)

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۖ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا ۖ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾

و دو دریایکسان نیستند. این آب شیرین است آشامیدن آن خوش مزه و گوارا است و آن شور و تلخ است وازهرکدام گوشت تازهٔ میخورید و زیوری استخراج می کنید که آنهارا میپوشید و کشتی ها را مشاهده کنید که شکافنده در آن حرکت میکنند[این است] تا ازفضل اوتلاش کنیدو تا باشد که شما سپاس گذار شوید(۱۳)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ

شب را بداخل روز میکند و روز را بداخل شب میکند و خورشید وماه را مسخر کرده است. هریک بسوی مدت معین خودحرکت می

الْمُلْكُ ۚ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٤﴾

کند این خداپروردگارشمااست. پادشاهی ازآن او است.کسانیرا که جزاومیخوانید مالك پوست هسته خرمه هم نیستند(١٤)

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ ۖ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿١٥﴾ الثلثة

اگر آنها را بخوانیدخواندن شما را گوش نکنندواگربشنوند شما را پاسخ ندهند و روزبازپسین شرك شماراانکارکنندومانند آگاه کننده ای بزرگ کسی شمارا آگاه نسازد(١٥)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٦﴾

ای مردم! شما محتاج خدا اید و خدا است که او بی نیاز صاحب ستایش است(١٦)

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٧﴾

اگر بخواهد شما را نابود سازد و آفرینش نوی پدیدآرد(١٧)

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٨﴾

و این امر بر خدا هرگز دشوار نیست(١٨)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ

وهیچ باربرداری باردیگری را بدوش نگیرد و اگرسنگین باری بسوی بار خود بخواند چیزی از باراوبرداشته نشود هرچند از

رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ؕ وَمَنْ تَزَكّٰى فَاِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهٖ ؕ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿١٩﴾

خویشان باشد. تو فقط آنهارا می ترسانیکه ازپروردگارخود بنهان میترسند و نماز را بپای دارند و هرکه پاکیزگی اختیارکند برای نفس خودپاکیزگی اختیارکند و بازگشت بسوی خدا است(۱۹)

وَمَا يَسْتَوِى الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُمٰتُ وَلَا النُّوْرُ ۙ﴿٢١﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُوْرُ ۚ﴿٢٢﴾

ومساوی‌نیستند نابینا و بینا(۲۰) و نه تاریکیها و نه روشنی(۲۱) و نه سایه و نه آفتاب.(۲۲)

وَمَا يَسْتَوِى الْاَحْيَآءُ وَلَا الْاَمْوَاتُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَآ اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّنْ فِى الْقُبُوْرِ ﴿٢٣﴾

و نه زندگان و نه مردگان مساوی اند.یقینًاخدا هرکه را بخواهد می شنواند ونیستی توکه بسمع آنان برسانی که در قبرها هستند(۲۳)

اِنْ اَنْتَ اِلَّا نَذِيْرٌ ﴿٢٤﴾

تو فقط یك بیم دهنده هستی(۲٤)

اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا ؕ وَاِنْ مِّنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيْهَا نَذِيْرٌ ﴿٢٥﴾

یقینًا ما تو را باحق مژده دهنده و بیم دهنده فرستاده ایم وهیچ امتی نیست مگرحتمًا در آن بیم دهندهٔ ی گذشته است(۲۵)

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ

و اگر تورا ردکنند پس حتمًارد کرده بودند آنها که قبل از آنها بودند.ایشانرانیز رسولان ایشان

وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ ﴿٢٦﴾

بانشانه های روشن و صحیفه ها و با کتابی تابان آمده بودند(٢٦)

ثُمَّ اَخَذْتُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿٢٧﴾ ع

سپس بگرفتیم آنها را که کفر کردند. پس عقوبتم چقدر سخت بود(٢٧)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً ۚ فَاَخْرَجْنَا بِهٖ ثَمَرٰتٍ مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهَا ۭ وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌۢ بِيْضٌ وَّحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانُهَا وَغَرَابِيْبُ سُوْدٌ ﴿٢٨﴾

آیا ندیدی که خداآب را ازآسمان فرومیفرستد.پس بدان میوهها به رنگهای مختلف پدید میآریم و بعضی کوهها رگ سفید و بعضی رگ قرمز اند. رنگ آنها مختلف است و سیاه رگ هم هستند(٢٨)

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَآبِّ وَالْاَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ كَذٰلِكَ ۭ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ غَفُوْرٌ ﴿٢٩﴾

و ازمردم وجنبنده هاو چهارپایان نیز بعضی اند که رنگهای آنها مختلف است. یقیناً از خدا از بندگانش فقط صاحبان دانش می ترسند.یقینًاخداصاحب غلبه کامل آمرزگار است(٢٩)

اِنَّ الَّذِيْنَ يَتْلُوْنَ كِتٰبَ اللّٰهِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً يَّرْجُوْنَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُوْرَ ﴿٣٠﴾ لا

یقینًا آنانکه کتاب خدا میخوانند و نماز را بپای دارند وانفاق کنند نهان و عیان از آنچه ایشان را رزق داده ایم امیدوار تجارتی

لِيُوَفِّيَهُمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ؕ اِنَّهٗ غَفُوْرٌ شَكُوْرٌ ﴿۳۱﴾

اند که هیچگاه نابود نشود(۳۰) تاخدا آنانرامزدایشان کامل دهد و برایشان بفضل خود بیفزاید. یقینًااو بسیار آمرزگاری قدردان است(۳۱)

وَالَّذِیْۤ اَوْحَیْنَاۤ اِلَیْكَ مِنَ الْكِتٰبِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیْهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِعِبَادِهٖ لَخَبِیْرٌۢ بَصِیْرٌ ﴿۳۲﴾

و آنچه ازکتاب بسوی تو وحی کرده ایم همان حق است. تصدیق کننده آن است که پیشروی آن است. یقینًا خدا به بندگان خود بسیار آگاه و بینا است(۳۲)

ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتٰبَ الَّذِیْنَ اصْطَفَیْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۚ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ ۚ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ ۚ وَمِنْهُمْ سَابِقٌۢ بِالْخَیْرٰتِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِیْرُ ﴿۳۳﴾

سپس وارث کتاب قراردادیم آنانراکه ازبندگان خودبرگزیدیم پس برخی از ایشانند که برنفس خودسختگیرند و برخی ازایشان میانه رو اند وبرخی از ایشان به فرمان خدادرنیکیهاسبقت جوینده اند.همین است که آن فضل بزرگ است(۳۳)++

++آیت ۳۳:اینجا ذکر از سه نوع مومنان است (۱)آلایش گناه دارند و به اکراه و اجبار نفس خود را بر راه خدا میرانند (۲)میانه روها (۳) در نیکیها از همدیگر سبقت میجویند.

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا ۚ وَلِبَاسُهُمْ فِيْهَا حَرِيْرٌ ﴿٣٤﴾

بهشتهای جاودان است که داخل آنها شوند. درآنها از دستبندهای طلائی و مروارید آراسته شوند و لباس ایشان در آنها ابریشمی باشد(۳٤)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ؕ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرُ ۨ ﴿٣٥﴾

وگویندستایش مطلق برای خدا است که اندوه را از ما دور کرد. یقینًاپروردگارمابینهایت آمرزندهٔ قدردان است(۳۵)

الَّذِيْٓ اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ لَا يَمَسُّنَا فِيْهَا نَصَبٌ وَّلَا يَمَسُّنَا فِيْهَا لُغُوْبٌ ﴿٣٦﴾

آنکه ما را از فضل خود درجای با مرتبهٔ ویژه فرودآورد. مارا در آن نه سختی رسد و نه مارا درآن خستگی رسد(۳٦)

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۚ لَا يُقْضٰى عَلَيْهِمْ فَيَمُوْتُوْا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا ؕ كَذٰلِكَ نَجْزِيْ كُلَّ كَفُوْرٍ ۚ ﴿٣٧﴾

و آنانکه کفر کردند آنها را آتش جهنم است.نه برآنها گذرانده شود تابمیرندونه عذابشان ازآنهاکاسته شود. هریك ناسپاس را اینگونه پاداش میدهیم(۳۷)

وَهُمْ يَصْطَرِخُوْنَ فِيْهَا ۚ رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِيْ كُنَّا نَعْمَلُ ؕ

وآنها درآن ناله کنند. پروردگارا! مارا بیرون آر تا نیکوکاری کنیم غیراز آنکه میکردیم. آیا شما را

اَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيْهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيْرُ ؕ فَذُوْقُوْا فَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ نَّصِيْرٍ ﴿۳۸﴾

چندان عمر نداده بودیم طی آنچه پند گیرد آنکه پندگیرنده است؟ وهم شمارابیم دهنده آمده بود.پس بچشید و ستمکاران راکسی یاور نیست(۳۸)

اِنَّ اللّٰهَ عٰلِمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ اِنَّهٗ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۳۹﴾

یقینًاخدا دانای نهان آسمانها و زمین است.یقینًا او دانا است به آنچه در سینه هایست(۳۹)

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي الْاَرْضِ ؕ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهٗ ؕ وَلَا يَزِيْدُ الْكٰفِرِيْنَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ اِلَّا مَقْتًا ۚ وَلَا يَزِيْدُ الْكٰفِرِيْنَ كُفْرُهُمْ اِلَّا خَسَارًا ﴿۴۰﴾

اوست آنکه شما را در زمین جانشین قرارداد.پس هرکه انکار کند انکارش برخوذ او است و کافرانراکفرایشان نزدپروردگار ایشان چیزی نمیفزاید جز خشم (او) و نه کافران را کفر ایشان چیزی میفزاید جزخسارت(۴۰)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ اَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْاَرْضِ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ۚ اَمْ اٰتَيْنٰهُمْ كِتٰبًا فَهُمْ عَلٰى بَيِّنَتٍ مِّنْهُ ۚ بَلْ اِنْ يَّعِدُ الظّٰلِمُوْنَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا اِلَّا غُرُوْرًا ﴿۴۱﴾

بگو.آیاآن شریکان خودرا دیدید که جز خدا میخوانید؟ مرا نشان دهید آنچه در زمین آفریده اند یا آنهارا درآسمانها شراکت است یا آنهاراکتابی داده ایم پس آنها از روی آن بردلیلی روشن استوار

اند؟ نه چنین است بلکه بعضی‌از ستمکاران ببعضی فقط وعده های فریبنده میدهند(٤١)

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۚ وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٢﴾

یقینًا خدا آسمانهاوزمین را نگه داشته است مبادا بلغزند.اگر هر دو [یکباره] بلغزندازآن پس کسی نیست که آندو را نگهدارد. یقینًا او بسیار بردبار بسیار آمرزنده است(٤٢)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٣﴾

و بخداسوگندهای محکم خوردند که اگر آنانرا بیم دهندهٔ آیدحتمًا بیشترازهریك امت هدایت یابند. پس چون آنانرا بیم دهندهٔ آمد آنهارا نیفزود مگرنفرت(٤٣)

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٤﴾

[بعلت]تکبر و نیرنگ زشت [آنها] در زمین و نیرنگ زشت فقط صاحب آنرااحاطه میکند.پس آیا منتظرندجزسنت پیشینیان[که بر آنهاازجانب خدااجراشد]؟پس هر گز توسنت خدا را تغییری نمی یابی و هرگزسنت خدا را تحوّلی

نمییابی(٤٤)

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ؕ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُعْجِزَهٗ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ ؕ اِنَّهٗ كَانَ عَلِيْمًا قَدِيْرًا ﴿٤٥﴾

آیا در زمین نگشتند تا میدیدند که فرجام آنهاکه پیش ازآنهابودند چگونه شد باآنکه آنها سختتر از اینهادرنیروبودند؟ونیست چیزی درآسمانهاوزمین تااو رابعجزآرد. یقیناًاوصاحب علم دائمی قدرتمند است (٤٥)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوْا مَا تَرَكَ عَلٰى ظَهْرِهَا مِنْ دَآبَّةٍ وَّلٰكِنْ يُّؤَخِّرُهُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِعِبَادِهٖ بَصِيْرًا ﴿٤٦﴾ ع ۸ ۱۷

واگرخدامردم رامواخذه میکردبه آنچه کسب کردند هیچ جنبندهٔ را بر پشت آن[زمین]باقیﻧﻤﯿﮕﺬاشت. اما او آنهارا تانهایت زمانی معیّن مهلت دهد.پس چون نهایت زمانی آنان بپایان رسد [آشکارشود که] خدا ببندگان خودبینااست(٤٦)

++آیت٤٦:دراین آیت گناه به انسان نسبت داده شد ولی درنتیجه آن هلاکت جانوران بیان میشود. ازاین منظوراین نیست که گناه یکیکند کیفر دیگری برد. بلکه حقیقت اینست که مرگ جنبندگان بزیان انسان تمام شود زیرا که زندگانی انسان به جانوران وابستگی دارد. اگر جنبندگان از بین روند بقای انسان امکان پذیر نیست. دراینجا منظور از دابة هرنوع جانوری است که برزمین حرکت کند و حتّی به هر طریقی می جنبد.

# ۳٦-سورة یٰسٓ

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ۸٤ آیة دارد.

درپایان سورة گذشته ذکر ازآن قسمنامه کافران بود که اگر ایشانرا هیچ مشداردهنده ای میآمد ایشان بیشتراز همه ملت های پیشین بر هدایت او ایمان میآوردند. درابتدائی آیتهای سورة یٰسین خداوند به رسول ﷺ خطاب کرده میفرماید ما تو را بسوی قومی رسالت داده ایم که نزد پدران ایشان از مدت مدیدی هیچ بیم دهنده ای نیآمده بود. اما با این وجود درباره کثیر از ایشان این فرمان خداوند راست آمد که آنها ایمان نخواهند آورد. پس درپایان سورة گذشته بیان از مدعی بودن کافران به این امر که اگر آنان را بیم دهنده ای میآمد آنگاه حتماًآنان ایمان میآوردند رد کرده میشود.

سپس تمثیلی از دشمنان انبیاء آورده بیان میشود که حقیقت امر این است که این تکبر ایشان است که آنهارا ازقبولیت هدایت بازمیدارد. آنطور که بگردن کسی طوقی افکنده شود و در نتیجه گردنش کشیده میماند پس گردن یك متکبرنیزمانند اوسفت وکشیده میماند. لذا ایمان فقط آنکس میآرد که درونش خالی از تکبر است.

ذکری که از آیة ۱٤ شروع میشود مفسران درباره اش نظرهای متنوع داده اند.اما تفسیری که حضرت حکیم مولانا نورالدین خلیفة المسیح الاوّل رضی اللّٰه عنه دراین باب بیان کرده اند بدل راه مییابد و آن اینست که نخستین دو پیغمبر که حضرت موسٰی و عیسٰی علیهماالسلام بودند رسول اللّٰه ﷺ با تایید آندوی بر ایشان عزت نهادند. اماپس ازانکاری پیوسته کافران

شخص چهارمین از قریه ای دور بپا شد و او به کافران متنبه ساخت که آن وجودی بلندترین مرتبت که برای شما بیشمار سامان هدایت مهیا میسازد بی آنکه مزدی بطلبد بر او ایمان آورید.

در زمان نزول قرآن نزد کافران فقط خرما را بصورت نروماده جفتی بود و بخاطر کسی نمیتوانست خطور کند که خدای متعال نه تنها درختان میوه راجفت جفت آفریده است بلکه آیت ۳۷ مدعی است که هرچیزی از کاینات جفت جفت است و علم امروز پرده ای را از همین حقیقت برداشته است که حتّی ماده و اتم و ذرات اتم فرعی [sub-atomic]را نیز جفت جفت است. مجملاً موضوع جفت ها بسیار لامتناهی است و برای پی بردن موضوع توحید فهمیدن این مطلب الزامی است. همان آفریدگار کاینات بی نیاز از جفت است و الا تمامی مخلوق به جفت نیاز دارد.

ضمناً پس ازذکر فوق درآیتی موضوع احیاء نو را بازگو کرده آن مردگان که روز آخرت برانگیخته شوند نشان داده میشوند با این اظهار تعجب که کیست که او مارا دوباره زنده کرده است. در پاسخ این گفته می شود که براستی همگان رسولان خدا راست میگفتند.

آیت ۸۱ حاکی از در آوردن آتش از درختی سرسبزمیباشد. مردم می پندارند که چون درخت خشك میگردد فقط آنگاه آتش از آن در می آید. این موضوع هم درجای خود درست است. اما اینهم واقعیت است که از درختانی سرسبزنیزآتش میتوان درآید واینطور همی شود.لذا به گفته های زبردستان علم نباتات چون برگهای درخت نوع سدر براثربادهای تند بهم دیگربرخورد کنند آنگاه آنهاناشی ازتسلسل این عمل آتش میگیرند وجنگل های بزرگ

براثر این آتش نابود میشوند.

آخرین آیة این سورة بر ذکر بپاخاستن در روزبازپسین منجرمیشود درچه اعلام شده است که هرچیز کاینات را مالك تنها خدا است و ای فرزندان آدم! شما بسوی او بازمیگردید.

☆ سُوْرَةُ يٰسٓ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَّ ثَمَانُوْنَ اٰيَةً وَّ خَمْسَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

يٰسٓ ② | یَا سَیّد ـ ای سردار!(۲)

وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيْمِ ③ | سوگند به قرآن صاحب حکمت ما(۳)

اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ④ | یقینًا تواز رسولان هستی(٤)

عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ⑤ | [استوار] بر صراط مستقیم(۵)

تَنْزِيْلَ الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ ⑥ | [این]تنزیلِ صاحب غلبه کامل بارها رحم کننده است(٦)

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اُنْذِرَ اٰبَآؤُهُمْ فَهُمْ غٰفِلُوْنَ ⑦ | تاهشدار دهی قومی را که پدران ایشان هشدارداده نشدند پس آنها غافل هستند(۷)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰٓى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ⑧ | یقینًا این فرمان بر بیشتر آنها راست آمد. پس آنها ایمان نه

آورند(۸)

اِنَّا جَعَلْنَا فِيٓ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلٰلًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُوْنَ ۝٨

یقینًا درگردنهای آنها طوقهای افکنده ایم و آنها تاچانه هارسیده است پس آنها سر به بالا نگه داشتگانند(۹)++

وَجَعَلْنَا مِنْۢ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ سَدًّا وَّمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنٰهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُوْنَ ۝٩

و مانعی از پیشروی آنها و مانعی ازپشتسرآنها قرارداده ایم. پس آنها راپوشانیده ایم پس آنها نمی بینند(۱۰)++

وَسَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۝١٠

یکسانست برای‌ایشان خواه آنها را بترسانی‌خواه آنهارا نترسانی ایمان نیآرند(۱۱)

اِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ ۚ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَّاَجْرٍ كَرِيْمٍ ۝١١

توفقط میترسانی آنراکه نصیحت راپیروی کندو از رحمان درغیب میترسد.پس او را مژده آمرزش و پاداش کریمانه بده(۱۲)

اِنَّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتٰى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوْا وَاٰثَارَهُمْ ۗ وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنٰهُ فِيٓ

یقیناً ما مردگان را زنده نمایم و نوشته داریم آنچه پیش فرستندو

++ ایت ۹ـ ۱۰: ظاهرا بر کافران هیچ نوع طوق افکنده نمیشود و هم نه همه کافران کور میباشند. لذاحتماًاین کلام تمثیلی است وبدین معنای است که طوقهای که برآنان افکنده اند از نیکیها بازمیدارند وآنان فاقد ازبینائی معنوی اند.

| | | |
|---|---|---|
| اِمَامٍ مُّبِيْنٍ ﴿١٣﴾ | ع ١٣ ١٨ | هم آثارایشان را وهرچیز را در بزرگ راهی آشکار [زیرزمین] نگهداشته ایم(١٣) |
| وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلًا اَصْحٰبَ الْقَرْيَةِ ۘ اِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُوْنَ ﴿١٤﴾ | | و ایشانرامثل اصحاب قریه بیان کن چون آنها را رسولان [خدا] آمدند(١٤) |
| اِذْ اَرْسَلْنَآ اِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوْهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوْٓا اِنَّآ اِلَيْكُمْ مُّرْسَلُوْنَ ﴿١٥﴾ | | چون بسوی ایشان دو [رسول] فرستادیم.پس هردو را ردکردند. آنگاه آندو را با سوّمی تقویت دادیم پس گفتند یقینًا ما بسوی شما فرستادگانیم(١٥) |
| قَالُوْا مَآ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۙ وَمَآ اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ ۙ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُوْنَ ﴿١٦﴾ | | آنهاگفتند:نیستید شما مگر بشری مانند ما و رحمٰن چیزی نازل نکرده است. شما فقط دروغ می پردازید(١٦) |
| قَالُوْا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّآ اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُوْنَ ﴿١٧﴾ | | گفتند:پروردگارمامیداند که یقینًا مابسویشمافرستادگانیم(١٧) |
| وَمَا عَلَيْنَآ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿١٨﴾ | | نیست برماجزابلاغی آشکار(١٨) |
| قَالُوْٓا اِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ ۚ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهُوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٩﴾ | | گفتند:یقینًاماشمارا بفال بد می گیریم البته اگر باز نیایستادید حتمًا شمارا سنگسار کنیم وحتمًا |

شما را از ما عذابی دردناک برسد(۱۹)

قَالُوۡا طَآئِرُكُمۡ مَّعَكُمۡ ؕ اَئِنۡ ذُكِّرۡتُمۡ ؕ بَلۡ اَنۡتُمۡ قَوۡمٌ مُّسۡرِفُوۡنَ ﴿۲۰﴾

گفتند:بدشگونی شما با خود شما است. آیا اگرخوب تذکرداده شوید [بازهم انکار کنید]؟ امر واقعی اینست که شما قوم تجاوز گرانید(۲۰)

وَجَآءَ مِنۡ اَقۡصَا الۡمَدِيۡنَةِ رَجُلٌ يَّسۡعٰى قَالَ يٰقَوۡمِ اتَّبِعُوا الۡمُرۡسَلِيۡنَ ۙ﴿۲۱﴾

و مردی ازاقصای شهرسعی کرده آمد. او گفت: ای قوم من![این] فرستادگان را پیروی کنید(۲۱)

اتَّبِعُوۡا مَنۡ لَّا يَسۡـئَلُكُمۡ اَجۡرًا وَّهُمۡ مُّهۡتَدُوۡنَ ﴿۲۲﴾

ایشان را پیروی کنید که از شما هیچ مزدی نمیطلبند و ایشان هدایت یافته مستند(۲۲)

| | |
|---|---|
| وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٣﴾ | وچیست مرا که عبادت نکنم آنرا که مراآفرید و شما نیز بسوی او بازگشت داده شوید(۲۳) |
| ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا يُنقِذُونِ ﴿٢٤﴾ | آیاجزاو معبودانی بگیرم که اگر رحمٰن بزیان من قصد کند مرا شفاعت آنها هیچ کفایت نکند و نه مرا برمانند(۲٤) |
| إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٢٥﴾ | یقینًا من در آنصورت فوراً در گمراهی آشکار بشوم(۲۵) |
| إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ﴿٢٦﴾ | یقینًا من به پروردگار شما ایمان آورده ام.پس مرا گوش کنید(۲٦) |
| قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ﴿٢٧﴾ | گفته شدداخل بهشت باش.اوگفت: ای کاشکی قوم من میدانست(۲۷) |
| بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ﴿٢٨﴾ | بدان رفتارآمرزش که پروردگارم بمن کرد ومرا ازگرامی داشتگان قرارداد(۲۸) |
| وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ | و از آن پس لشکری بر قومش از آسمان نازل نکردیم و نه ما نازل کننده بودیم(۲۹) |
| إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ﴿٣٠﴾ | آن فقط صدای هولناك بود که به ناگاه آنها فرومرده [خاکستر |

شدند(۳۰)

يٰحَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ ۚ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۳۱﴾

وای بر بندگان! نمیآید رسولی آنان را مگر که بدو تمسخر میکنند(۳۱)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۳۲﴾

آیا ندیدند که چه بسا نسلهای از پیش آنهارا هلاك نمودیم که حتماً آنها بسوی آنان بازنمیگردند(۳۲)

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿۳۳﴾

ونیست مگر همه درحضورما احضار شدگان(۳۳)

وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ ۚ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿۳۴﴾

وزمین مرده برایشان آیتی است. آنرا زنده کردیم و از آن دانه بیرون آوردیم پس از آن می خورند(۳٤)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿۳۵﴾

و در آن باغهای خرما و انگور نهادیم و در آن چشمه های شگافتیم(۳۵)

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿۳۶﴾

تا بخورند از میوه [اعطاکرده] او و آنچه دست های ایشان کسب کرد. پس آیا شکر نمی کنند؟(۳٦)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا

پاکست آنکه آفرید جفتهای همه آنها از آنچه زمین میرویاند و از خودایشان و از آنچیزها که نمی

يَعۡلَمُونَ ﴿٣٧﴾

دانند (٣٧)

وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ﴿٣٨﴾

وشب هم ایشانرا آیتی است. روز را ازآن برمیکشیم. پس ناگاه آنها درتاریکیها فرومیروند(٣٨)

وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٩﴾

و خورشید بسوی منزلگاه خود حرکت میکند.این تقدیر [جاری کرده خدای] صاحب غلبه کامل صاحب دانش است(٣٩)++

وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٤٠﴾

و ماه را منازل مقررکرده ایم تا آن انتها که مانند شاخی کهنه از خرما می گردد(٤٠)++

لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٤١﴾

خورشیدرانمیشودکه به ماه برسد و نه شب را میشود که از روز پیشی گیردوهرکدام برمدار[خود] روان اند(٤١)++

++آیت ٣٩_٤١: این آیتهای کریمه درموردجرم های فلکی‌حاکی‌ازچنین سخنان است که آنحضرتﷺ راازخودحتّی‌تصورنیزممکن نبود. جریان بهم نرسیدن خورشید و ماه روزانه مشاهده میشوداماماه چراکوچك میشودوبازبزرگ میشود. این عمل به گردش بستگی دارد. بعلاوه این سخن گفته میشودکه خورشید نیزبسوی أجل مسمی حرکت میکند. این جمله را یك معنا اینست که یك وقت خورشید نیز به نهایت زمانی خود رسیده پایان خواهد پذیرفت ویك معنای دیگرکه پژوهندگان فلك امروزهادرآورده اند اینست که خورشید باجمیع جرم های‌خود به یکسوحرکت میکند [ص ١٠٦٤

وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤٢﴾

و برای ایشان آیتی است که ما نژاد ایشان را درکشتی پرسوار کردیم(۴۲)

وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٣﴾

و برای ایشان مثل آن [دیگر سواریها] پدید آوریم بر آنچه سوار خواهند شد(۴۳)

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ﴿٤٤﴾

و اگرما غرق آنها بخواهیم پس برای آنهانه فریاد رسی باشد و نه آنهانجات داده شوند(۴۴)

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٥﴾

جزرحمتی ازما وتا یکوقت برای بهره کشی موقتی(۴۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

وچون برای ایشان گفته شود که تقویٰفراگیریددرآن امورکه پیش روی شما است و آنچه پشت سر شمااست تا شما رحم کرده شوید [متوجه نمیشوند](۴۶)

---

بقیه آیت ۳۹_۴۱:یعنی تمامی کاینات بطورمجموع متحرك است وگرنه میبایستی سیاره ها بهم بخورند و باآنکه تمامی کاینات حرکت میکند فاصله ها میان جرم های فلکی تغییرناپذیراست. این پژوهش تازه ترین ازپژوهش های پژوهش گران فلکیات است از آنچه ضمناً این اثبات میشود که دیگرکایناتی نامشخص نیزاست که این همه از قدرت کشش آن بسوی آن متحرك میباشد.

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٧﴾

وایشانرا آیتی‌ازآیتهای پروردگار ایشان نمی‌آیدمگر از آن اعراض کنندگان میشوند(۴۷)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطْعَمَهُۥٓ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٤٨﴾

و هنگامیکه گفته شوند انفاق کنید از آنچه خدا بشما رزق عطا کرده است گویندآنانکه کفر کردند به کسانیکه ایمان آوردند آیا آنها را بخورانیم که اگرخدا دوستداشت خود به آنها میخوراند(۴۸)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤٩﴾

ومیگویندکه انجام این وعده تا بچند میکشد اگرشما راستگویان اید(۴۹)

مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٥٠﴾

آنان منتظرنیستندجزبرای‌صدای هولناك که آنهارا بگیرد درحالی که به مجادله مشغول باشند(۵۰)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَآ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥١﴾

پس نتوانند وصیت کنند و نه به خانواده خود برگردند(۵۱)

وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ ﴿٥٢﴾

و در صور دمیده شود پس ناگاه آنان از قبرها درآمده به سوی پروردگار خود بشتابند(۵۲)

قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۜ هَٰذَا

گویند:ای وای برما! کیست که

مَاوَعَدَالرَّحۡمٰنُ وَصَدَقَ الۡمُرۡسَلُوۡنَ ﴿٥٣﴾

مارا از آرامگاههای مابرخیزاند. همانست به آنچه رحمٰن وعدهٔ داد وفرستادگان راست میگفتند(۵۳)

اِنۡ كَانَتۡ اِلَّا صَيۡحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمۡ جَمِيۡعٌ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُوۡنَ ﴿٥٤﴾

این فقط صدای هولناك باشد. پس بیدرنگ همگان آنها درحضور ما عرضه کرده شوند(۵۴)

فَالۡيَوۡمَ لَا تُظۡلَمُ نَفۡسٌ شَيۡـًٔا وَّلَا تُجۡزَوۡنَ اِلَّا مَا كُنۡتُمۡ تَعۡمَلُوۡنَ ﴿٥٥﴾

پس امروز هیچ کس هیچ هم ستم کرده نشود و نه عوض داده شوید جز آنچه شما میکردید(۵۵)

اِنَّ اَصۡحٰبَ الۡجَـنَّةِ الۡيَوۡمَ فِىۡ شُغُلٍ فٰكِهُوۡنَ ﴿٥٦﴾

یقیناًاهل بهشت امروزازسرگرمی های گوناگون لذت برند(۵۶)

هُمۡ وَاَزۡوَاجُهُمۡ فِىۡ ظِلٰلٍ عَلَى الۡاَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔوۡنَ ﴿٥٧﴾

ایشان و زوجهای ایشان در سایه ها بر تختها تکیه زده باشند(۵۷)

لَهُمۡ فِيۡهَا فَاكِهَةٌ وَّلَهُمۡ مَّا يَدَّعُوۡنَ ﴿٥٨﴾

برای ایشان درآن میوهها باشد و آنان را باشدهرچه بخواهند(۵۸)

سَلٰمٌ قَوۡلًا مِّنۡ رَّبٍّ رَّحِيۡمٍ ﴿٥٩﴾

سلام گفته شود از ربّ رحیم(۵۹)

وَامۡتَازُوا الۡيَوۡمَ اَيُّهَا الۡمُجۡرِمُوۡنَ ﴿٦٠﴾

ای‌مجرمان!امروزجدا شوید(۶۰)

اَلَمۡ اَعۡهَدۡ اِلَيۡكُمۡ يٰبَنِىۡۤ اٰدَمَ اَنۡ لَّا تَعۡبُدُوا الشَّيۡطٰنَ ۚ اِنَّهٗ لَكُمۡ عَدُوٌّ

ای‌بنی‌آدم! آیا بشما تاکیداً پند نه داده بودیم که شیطان راپرستش

مُّبِينٌ ﴿٦١﴾

نکنید یقینًا او دشمنی آشکارشما است(۶۱)

وَّاَنِ اعْبُدُوْنِيْ ۚ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦٢﴾

و اینکه مرا عبادت کنید. این راه راست است(۶۲)

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيْرًا ۭ اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٣﴾

و البته او آفرینشی کثیر ازشما را گمراه ساخت. پس آیا خرد را بکار نمی بستید؟(۶۳)

هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿٦٤﴾

این همان جهنم است که شماوعدهٔ داده میشدید(۶۴)

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٦٥﴾

امروز بداخل آن شوید چه شما کفر میکردید(۶۵)

اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰٓى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ اَيْدِيْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٦٦﴾

امروز بر دهنهای آنها مهرنهیم و دست های آنهاباماتکلم کنندوپاهای آنهاگواهی دهند بدانچه کسب می کردند(۶۶)++

++آیت۶۶:توضیح انسان که روزقیامت خواسته شود آن تنهابروفق گواهی فرشتگان نمیباشدبلکه اعضای بدن انسان خود اقرارگناهان خود خواهند کرد. در این جمله. پاسخ به سؤالی مبنی برخیال شاعرانهٔ غالب نیز داده میشود. او گفته بود که ما بناحق مبنی بر نوشته های فرشتگان بمواخذه گرفته شویم آیا هنگام نوشتن ایشان کسی از جانب ما هم حضور داشت؟ خلاصه در آنروز آدمی از خود بمعاصی خود اقرار خواهد کرد. نظام قرآن مجید برعدالتمندی استوار است.آنروز هم گواهی ها و هم اقرار گناهان بهم حاضرخواهد بود.

| | |
|---|---|
| وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلٰٓى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُوْنَ ﴿٦٧﴾ | واگرخواسته بودیم چشمان آنها را مسخ میکردیم. آنگاه آنها به راه پیش می افتادند اما [راه را] چطور میدیدند؟(۶۷) |
| وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا وَّلَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٦٨﴾ ع ۱۷/۴ | و اگر ما میخواستیم آنها را در منازل خود از بین میبردیم. پس نمی توانستند راه بروند و نه باز می گشتند(۶۸) |
| وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٩﴾ | و آنکس که او را طول عمر دهیم درخِلقت او را کاهش میدهیم. پس آیا عقل نمی کنند؟(۶۹) |
| وَمَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْۢبَغِىْ لَهٗ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّقُرْاٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿٧٠﴾ | و او را شعر نیآموختیم و نه این برای او می شایست. این فقط پندی و قرآنی آشکار است(۷۰) |
| لِّيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَّيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧١﴾ | تابترساند آنرا که زنده است و فرمان بر کافران راست آید(۷۱) |
| اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَآ اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ﴿٧٢﴾ | آیا ندیدند که ما ازآنها که دست قدرت ماساخت برای ایشان چهار پایان آفریدیم .پس ایشان مالك آنها شده اند(۷۲) |
| وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا | و آنهارا برای ایشان رام نمودیم |

يَأْكُلُوْنَ ﴿۷۳﴾

پس بعضی‌ازآنهاسواری ایشان اند وازآنها[بعض را] میخورند(۷۳)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ۗ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ﴿۷٤﴾

و ایشان را در آنها منافع و نوشیدنی ها است. پس آیا شکر نمیکنند؟(۷٤)

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿۷۵﴾

و خدارا رهاکرده معبودان گرفته اند تاآنهایاری داده شوند(۷۵)

لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ ۙ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ﴿۷٦﴾

آنها نتوانند آنان را یاری دهند در حالیکه آنها برای [گواهی دادن خلاف] آنان لشکری احضار شدگانند(۷٦)

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿۷۷﴾

پس سخن آنها تو را اندوهگین نسازد.یقینًاما میدانیم آنچه پنهان کنند و آنچه عیان کنند(۷۷)

اَوَلَمْ يَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ﴿۷۸﴾

آیا انسان ندید که ما او را از نطفه ای آفریدیم؟ آنگاه چه انقلاب! که او ستیزه گری آشکار شد؟(۷۸)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَّنَسِيَ خَلْقَهٗ ۗ قَالَ مَنْ يُّحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيْمٌ ﴿۷۹﴾

و برای ما مثلهای زد و خلقت خود را فراموش ساخت.گفت کی استخوانها را زنده کند حالیکه

آنها پوسیده شوند(۷۹)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِيٓ اَنْشَاَهَآ اَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿۸۰﴾

بگوزنده کند آنها را آنکه آفرید آنها رانخست بار و او بهر کدام آفرینش خوب داناست(۸۰)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الشَّجَرِ الْاَخْضَرِ نَارًا فَاِذَآ اَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقِدُونَ ﴿۸۱﴾

آنکه برای شما از درخت سبز آتشی‌ساخت.پس شما از آنها بعض را به سوزاندن گرفتید(۸۱)

اَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى اَنْ يَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ بَلٰى ۚ وَهُوَ الْخَلّٰقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۲﴾

آیا آنکه آسمانها و زمین را آفرید براین قادر نیست که مانند آنها بیآفرینند؟ چرا نه درحالیکه او آفریننده بزرگ صاحب علم دائمی است(۸۲)

اِنَّمَآ اَمْرُهٗٓ اِذَآ اَرَادَ شَيْـًٔا اَنْ يَّقُولَ لَهٗ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۸۳﴾

فرمان او فقط اینست هرگاه چیزی را اراده کند که برایش میگوید،باش. پس آن رونهدومنتها میشود(۸۳)

فَسُبْحٰنَ الَّذِي بِيَدِهٖ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۴﴾

پس پاك است آنکه پادشاهی هر چیز بدست اوست وبسوی او باز گردانیده خواهید شد(۸۴)

# ۳۷- سورة الصافات

این سورة درمکه نازل آمد و با بسم الله ۱۸۳ آیت دارد.

قبل از آنکه شرح به آیتهای ابتدائی سورة الصافات داده شود این امر لازم به تذکراست که اینجاعمده ترین موضوع این است : گامیکه این پیش گوئیهاپایان بپذیرد لازماً اینهم اثبات شود که احیاء نوینی که به آن اعلام باقوت میشود هم صورت وقوع حاصل خواهدکرد.چنانکه درآیت۱۲ خداوند می فرماید .بپرس ازاینهاکه آیاشما درتخلیق خودمحکم ترايد یا آنچه ماراکه خدا خِلقت اعطاء کرده است؟ پس از این مسئلت برای کافران مبهوت کننده تراین اعلام است که خدای سبحان بحیثیت خالق بالاتر از نیروهای تخلیق شما است و قدرتمند است به این امرکه چون شما مردگان خاك شوید مجدداً شمارا زنده نماید و همزمان این هشدار نیز صدور یافت که چون شما مجدداً زنده کرده شوید آنگاه زبون نیزساخته خواهید شد. بعبارت دیگر کسانیکه منیع بودن تخلیق خود مدعی بودند برآنها اثبات گردد که تخلیق آنان که با هیچ هم حیثیت نیست و اَشَدّ خَلقاً یعنی محکم تر در آفرینش تنها ذات خدای متعال است.

اینك ما توجه را به آیتهای ابتدائی این سورة جلب مینمائیم. کلمات "والصافات صفاً"درحقیقت دال برآگاهی آن هواپیماهااست که انسان بسازد و آنهاصف به صف بر دشمنان حمله کنند و بسیارهشدار داده و جزوه های کثیر بر آنان بیافکنند که گردنها بنهید وگرنه نابود کرده میشوید.

سپس خدای متعال میفرمایدکه اینهارا چه حیثیت است که برپایۀ طاقت

ظاهری خود مدعی خدا بودن خود شده اند. خدا فقط، خدای یکتااست.

سپس فرمود که او پروردگار شرقها است. این آیت نیز دال بر یك پیشگوئی‌است و الاّ درآن زمان هیچکس بیش ازیك شرق به تصور" شرقها" قائل نبود که درزمان کنونی پیداشده است.این کنایه ای به آن روزگار است که انسان بوسیله آن ایجادات جدید وگوناگون که دارای نیروی پرواز فوق العادهٔ بلندتر بعنوان مثال موشك های اکتشافی، تلاش خواهد کرد که رازهای ملاء اعلی را معلوم کند.چنانکه درزمان کنونی تلاشها جریان دارد. ولی از هرسوبرآنهاسنگها پرتاپ شودیعنی مورد هدف نشانه احجارسماوی پرخطر قرارگرفته شوند و جز بدست آوردن کمی از رازهای آسمان نزدیك، هیچ هم موفق نشوند. اینهمه آن امور اند که برآنها تحولات زمان و ایجادات جدید گواه است که عیناً به گفته فوق واقعیت عینی حاصل کرده اند.

درابتدای این سورة چه ذکرازآن جنگها است که بدنبال فتوحات مادی میان قومها واقع شود لذا اینجا ذکر از قتال رسول الله ﷺ نیز میرود که خالصاًدر راه خدابود و درحین آن شمشیر بهدف ریختن خون دیگران کشیده نشده بود بلکه جماعت اصحاب را مانند قربانیها بکشتن دادن بود و این عمل بستگی به آن قربانی حضرت ابراهیم علیه السلام داشت که ایشان به قربانی پسرخودحضرت اسماعیل علیه السلام آماده شده بودند. این خیال مفسران که میشی دربته ای‌گیرافتاده بعوض قربانی‌حضرت اسماعیل رها شده بود در نهایت بی‌اساس است که ذکرش نه درقرآن است ونه درحدیث.میشی درمقابل حضرت اسماعیل چطوربزرگترتوان باشد؟حضرت اسماعیل بدان علت زنده نگهداشته شدند تادنیاآن منظره ذبح عظیم را مشاهده کند که قرار بود که در

زمان رسول الله ﷺ بحق خواهد رسید.

ازنسبت سورة الصافات تاجائیکه قبل ازاین ذکرازبسیارحمله های صف بسته رفته است قرآن مجید درپایان این سورة بیان می فرماید که درحقیقت صف بسته که لشکرهای ما است. دراین سورة هم ذکر از لشکرهای صف بسته رسول الله ﷺ میرود و هم ذکرازلشکرهای صف به صف آن فرشتگان میشود که درحمایت رسول الله ﷺ از آسمان فروفرستاده شدند. در بادی نظر این قتال کنندگان صف به صف ناتوان و بعکس دشمن ایشان بسیار نیرومند بود و باید شکست میخوردند، اما تقدیرخدائی برتر آمد و خدا و خدا داران برتر شدند.

☆ سُوْرَةُ الصَّافَّاتِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ مِائَةٌ وَّ ثَلاثٌ وَّ ثَمَانُوْنَ اٰيَةً وَّ خَمْسَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

وَالصّٰٓفّٰتِ صَفًّا ﴿٢﴾
سوگندبه[ارتش]صف بندی کنندگان صف درصف(۲)

فَالزّٰجِرٰتِ زَجْرًا ﴿٣﴾
پس به آنانکه ببانگ بلند سرزنش کنند(۳)

فَالتّٰلِيٰتِ ذِكْرًا ﴿٤﴾
پس ذکر بلند، کنندگان را(٤)

اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٥﴾
یقیناًمعبودشماحتماًیکتا است (۵)

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٦﴾
پروردگارآسمانهااست و پرورد- گار زمین است و هم آنچه را که میان آندواست وپروردگارمشرقها است(٦)

اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِزِيْنَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٧﴾
یقیناً ما آسمان نزدیك را با زینت ستارگان مزین ساخته ایم(۷)++

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطٰنٍ مَّارِدٍ ﴿٨﴾
و[این] ازهرکدام شیطانی رانده حفاظت است(۸)++

آیات۷- ۸: این آیات حاکی ازنظام ظاهری کاینات است که چگونه جوّ[ص#۱۰۷۵]

لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ﴿٩﴾

آنان نتوانند سخن ملاءاعلی را بشنوند و از هر سو سنگ پرتاب شوند ــ(۹)

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿١٠﴾

مردود شمرده و آنهارا عذابی پیوسته است(۱۰)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١١﴾

مگر آنکس که یك یا دو سخن برباید آنگاه شعلۀ فروزان او را هم دنبال کند(۱۱)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا ۚ إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ﴿١٢﴾

پس بپرس ازآنها آیا آنها محکمتر درآفریدن اند یا آنها [محکمتر در آفرینش اند]که ماآفریدیم؟ یقینًا

بقیه آیات ۷ـ ۸:زمین شهب ثاقب پیاپی سقوط کننده بسوی زمین را همان در جوّ سوزانده خاکستر میسازد و بدنبال این تا دورشعله ای کشان کشان دیده میشود. ضمناً اینهم گفته شد که انسان در زمانی تلاش خواهدکرد که اخبار کاینات رابدست آورد از آنچه در زمان نزول قرآن که گمانی هم نمیتوان بخاطرکسی خطور کرد. اما بسوی سواران موشکهای محفوظ از هرسو سنگها پرتاب کرده خواهد شدو آنها نتوانند بالاترازاین سماءالدنیابروند. آنها موفق به رسیدن فقط تا حد این آسمان نزدیکی بشوند.

بطور روحانی منظور از این آن شیطانها در قالب انسان اند که از سوء نیت وحی را کنجکاوی کننده و حدس زننده اند. شیطان نمیتواند نزدیك به نزول وحی برود اما شیطان انسانی همچون سامری توانست تا حدی حدس زند که چرا مردم بعلت وحی مرعوب میشوند.

ما آنها را از گلی چسپندهٔ آفریده ایم(۱۲)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٣﴾

درحقیقت تورا[آفرینش]خوشایند است و آنها تمسخر میکنند(۱۳)

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٤﴾

و هنگامیکه پند کرده شوند پند نمی گیرند(۱٤)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٥﴾

و چون آیتی را ببینند تمسخر میکنند(۱٥)

وَقَالُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٦﴾

و گویند، اینکه محض جادوئی آشکار است(۱٦)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٧﴾

آیاوقتی مردیم وخاك واستخوان شدیم آیا واقعًا ما برخیزاندگان ایم(۱۷)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٨﴾

و آیاهم پدران پیشین ما؟(۱۸)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٩﴾

بگو: بلی، درحالیکه شما خوار شدگانید(۱۹)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٢٠﴾

پس آن فقط یك سرزنشی است که ناگهان آنها چشم دوخته خواهند نگریست(۲۰)

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢١﴾

و گویند :وای بر ما! اینکه روز جزاء است(۲۱)

| | |
|---|---|
| هٰذَا يَوۡمُ الۡفَصۡلِ الَّذِىۡ كُنۡتُمۡ بِهٖ تُكَذِّبُوۡنَ (۲۲) | این آن روزفیصله است که به آن شما تکذیب میکردید(۲۲) |
| اُحۡشُرُوا الَّذِيۡنَ ظَلَمُوۡا وَاَزۡوَاجَهُمۡ وَمَا كَانُوۡا يَعۡبُدُوۡنَ (۲۳) | محشورکنیدکسانیراکه ستم کرده بودند و همراهان آنانرا و آنچه را که پرستش میکردند(۲۳) |
| مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ فَاهۡدُوۡهُمۡ اِلٰى صِرَاطِ الۡجَحِيۡمِ (۲٤) | دون ازخدا. پس آنها را بسوی راه جهنم بیفکنید(۲٤) |
| وَقِفُوۡهُمۡ اِنَّهُمۡ مَّسۡـُٔوۡلُوۡنَ (۲۵) | آنهارا نگهدارید.یقینًا آنها پرسش شدگانند(۲۵) |
| مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُوۡنَ (۲٦) | شمارا چیست که [امروز] بهمدیگر کمك نمیکنید؟(۲٦) |
| بَلۡ هُمُ الۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُوۡنَ (۲۷) | بلکه آنها امروز[هرجرم را] تسلیم کنندگانند(۲۷) |
| وَاَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلٰى بَعۡضٍ يَّتَسَآءَلُوۡنَ (۲۸) | وبعضی ازآنها بسوی بعضی سوال کنان متوجه شوند(۲۸) |
| قَالُوۡۤا اِنَّكُمۡ كُنۡتُمۡ تَاۡتُوۡنَنَا عَنِ الۡيَمِيۡنِ (۲۹) | گویند:شمابودید که نزدماازسمت راست ما[برای فریبکاری ازجهت دین] میآمدید(۲۹) |
| قَالُوۡا بَلۡ لَّمۡ تَكُوۡنُوۡا مُؤۡمِنِيۡنَ (۳۰) | پاسخ دهندبلکه شما هم از مومنان نبودید(۳۰) |
| وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيۡكُمۡ مِّنۡ سُلۡطٰنٍ | مارابرشماازدلیل برترینبودبلکه |

| | |
|---|---|
| بَلۡ كُنۡتُمۡ قَوۡمًا طٰغِيۡنَ ﴿٣١﴾ | شماخودقوم سرکشان بودید(۳۱) |
| فَحَقَّ عَلَيۡنَا قَوۡلُ رَبِّنَآ ۖ اِنَّا لَذَآئِقُوۡنَ ﴿٣٢﴾ | پس سخن پروردگارمابرما راست آمد. یقینًاماچشندگان [طعم عذاب] هستیم (۳۲) |
| فَاَغۡوَيۡنٰكُمۡ اِنَّا كُنَّا غٰوِيۡنَ ﴿٣٣﴾ | پس ماشمارا گمراه کردیم- یقینًا ما خود نیزگمراه بودیم(۳۳) |
| فَاِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٍ فِى الۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُوۡنَ ﴿٣٤﴾ | پس در آنروز آنها در عذاب بهم شریك باشند(۳٤) |
| اِنَّا كَذٰلِكَ نَفۡعَلُ بِالۡمُجۡرِمِيۡنَ ﴿٣٥﴾ | همانا ما بمجرمان همینطور رفتار می کنیم(۳۵) |
| اِنَّهُمۡ كَانُوۡۤا اِذَا قِيۡلَ لَهُمۡ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ۙ يَسۡتَكۡبِرُوۡنَ ۙ﴿٣٦﴾ | یقینًا آنهابودند هنگامیکه گفته می شدندکه جزخداکسی معبود نیست تکبر میکردند(۳٦) |
| وَيَقُوۡلُوۡنَ اَئِنَّا لَتَارِكُوۡۤا اٰلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجۡنُوۡنٍ ؕ﴿٣٧﴾ | و میگفتند: آیا ما بخاطر شاعری مجنون معبودان خود را ترك کنیم؟(۳۷) |
| بَلۡ جَآءَ بِالۡحَقِّ وَصَدَّقَ الۡمُرۡسَلِيۡنَ ﴿٣٨﴾ | حقیقت اینست که او بحق آمده بود وهمه رسولانراتصدیق کرده بود(۳۸) |
| اِنَّكُمۡ لَذَآئِقُوا الۡعَذَابِ الۡاَلِيۡمِ ۚ﴿٣٩﴾ | همانا شما حتمًا چشندگان عذاب درد ناك هستید(۳۹) |

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٠﴾

و پاداش داده نمیشود جز آنچه شما میکردید(۴۰)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤١﴾

بندگان مخلص خدا استثنائی اند(۴۱)

أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ ﴿٤٢﴾

همانهاند که برای ایشان رزقی مشخص است(۴۲)

فَوَاكِهُ ۖ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٣﴾

میوهها [متنوع] حالی که ایشان بسیاراحترام کرده شوند(۴۳)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٤﴾

درباغهای پرنعمتها(۴۴)

عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٥﴾

روبروی همدیگر بر تختها نشته(۴۵)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿٤٦﴾

جامی پُرآب ازچشمه های‌جاری‌بر ایشان بگردش آورده شود(۴۶)

بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٧﴾

درنهایت شفاف نوشندگان را سراسر لذت (۴۷)

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٨﴾

نه درآن[مشروب]نشئه باشدو نه آنان ازآن عقل رازایل کنند(۴۸)

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٩﴾

ونزد آنان زنان چشمان فروهشته. حدقه فراخ وزیبا باشند(۴۹)++

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ﴿٥٠﴾

[بسیاردرخشان]گوییآنهاتخم های ماکیانند فروپوشیده (۵۰)++

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥١﴾

پس بعضی از آنها ببعضی سوال کنان متوجه شوند(۵۱)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥٢﴾

گویندهٔ ازآنهاگوید: براستی مرا همدمی میبود.(۵۲)

يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٣﴾

میگفت:آیاتو از تصدیق کنندگان این [امر] هستی؟(۵۳)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٤﴾

آیا چون مرده و خاك و استخوان شویم حتماًعوض داده شویم(۵٤)

قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٥﴾

[گویندهٔ]گوید آیا مینگری؟(۵۵)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾

پس او با دقت نگاه کرد که او را درست در وسط جهنم یافت(٥٦)

قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿٥٧﴾

گفت: سوگند به خدا نزدیك بود مرانیز هلاك میکرد(۵۷)

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٨﴾

و اگرنعمت پروردگارم نبودحتمًا از جمله احضارشدگان بودم(۵۸)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٩﴾

پس آیاما میرندگان نبودیم؟(۵۹)

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ

جزنخستین مرگ ماومرگز عذاب

++آیات ۵۰ـ۵۱: این تمثیلات است وگرنه حوران را تخم های ماکیان فروپوشیده گفتن هیچ معنای نمیپردازد جزاینکه زوجهای روحانی ایشان نیز مانند تخم های ماکیان باطناً پاکیزه و شفاف خواهند بود.

بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿٦٠﴾

داده نشویم(۶۰)

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٦١﴾

یقینًا این موافقیت بزرگی است [برای آنکه ایمان آورد](۶۱)

لِمِثْلِ هٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعٰمِلُوْنَ ﴿٦٢﴾

پس بایدعملکنندگان برای[حصول رتبه] مثل این عمل کنند(۶۲)

اَذٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا اَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّوْمِ ﴿٦٣﴾

آیا این پذیرائی نیکوتر است یا درخت زقوم؟(۶۳)

اِنَّا جَعَلْنٰهَا فِتْنَةً لِّلظّٰلِمِيْنَ ﴿٦٤﴾

یقینًا اینرا برای ستمکاران آزمایش قرارداده ایم (۶۴)

اِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِيْٓ اَصْلِ الْجَحِيْمِ ﴿٦٥﴾

البته این درختی است که در قعر جهنم میروید(۶۵)

طَلْعُهَا كَاَنَّهٗ رُءُوْسُ الشَّيٰطِيْنِ ﴿٦٦﴾

شکوفه هایش مانندسرهای شیطان ها است(۶۶)

فَاِنَّهُمْ لَاٰكِلُوْنَ مِنْهَا فَمَالِئُوْنَ مِنْهَا الْبُطُوْنَ ﴿٦٧﴾

پس هرآینه آنها از آن خورندگان اند باز شکمها را از همان پر کنندگان اند(۶۷)

ثُمَّ اِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيْمٍ ﴿٦٨﴾

سپس یقیناً ایشان را برآن[طعام] نوشابه آمیخته به آب جوش است(۶۸)

ثُمَّ اِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَاِلَى الْجَحِيْمِ ﴿٦٩﴾

سپس یقیناً بازگشت ایشان بسوی جهنم است(۶۹)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٧٠﴾
یقیناًآنها پدران خویش را گمراه یافته بودند(۷۰)

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧١﴾
پس آنها بر نقش پای آنهائی نوانده میشوند(۷۱)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧٢﴾
ویقیناًپیش از آنها اکثر پیشینان نیز گمراه شده بودند(۷۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٣﴾
ویقیناًدرآنهابیم دهندگان فرستاده بودیم(۷۳)

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٤﴾
پس بنگر فرجام بیم دادگان چه طوربود؟(۷٤)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٥﴾
مگر بندگان مخلص خدا(۷۵)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٦﴾
و یقیناً نوح بما ندا کرد. پس ما چه خوب اجابت کننده ایم(۷٦)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٧﴾
و او وخانواده اش را از آشفتگی بزرگ نجات دادیم(۷۷)

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٨﴾
و همان نژاد او را باقیماندگان قرار دادیم(۷۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٩﴾
و یادباد نیکوی او را درآیندگان باقی گذاردیم (۷۹)

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾
درود بر نوح در همه جهانها(۸۰)

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨١﴾
و یقیناًما پاداش نیکوکاران همین

گونه میدهیم (۸۱)

إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٢﴾

یقینًا او از بندگان مومن ما بود(۸۲)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ ﴿٨٣﴾

سپس دیگرانرا غرق کردیم(۸۳)

وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِۦ لَإِبْرَٰهِيمَ ﴿٨٤﴾

و یقیناً از گروهش ابراهیم نیز بود(۸٤)

إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٥﴾

[یادکن]چون او نزد پروردگار خود بقلب سلیم آمد(۸۵)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٦﴾

چون او به پدرش وقومش گفت، چیست را پرستش میکنید؟(۸٦)

أَئِفْكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٧﴾

آیاجز خدا معبودانی سراپادروغین را دوستدارید؟(۸۷)

فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٨﴾

پس چه گمان به پروردگار جهانها کرده اید(۸۸)++

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِى ٱلنُّجُومِ ﴿٨٩﴾

پس او نگاهی به ستارگان انداخت(۸۹)++

فَقَالَ إِنِّى سَقِيمٌ ﴿٩٠﴾

پس گفت:یقیناًمن بیزارم(۹۰)++

فَتَوَلَّوْا۟ عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩١﴾

پس از او اعراض کنان پشت کرده رفتند(۹۱)++

فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩٢﴾

پس پنهانیبسویمعبودان آنهارفت و پرسید آیا نمیخورید؟(۹۲)++

| | |
|---|---|
| مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٣﴾ | چیست شما را که به نطق نمی آیید؟(۹۳) |
| فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٤﴾ | پس بدست راست ضربهٔ بزور نواخته بر آنها قصد مخفی کرد(۹٤) |
| فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٥﴾ | پس آنها [قومش] دوندگان بسوی او آمدند(۹۵) |
| قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٦﴾ | او گفت:آیا میپرستید آنچه را بدست [خود] میتراشید(۹٦) |
| وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ | درحالیکه خدا آفرید شمارا و هم آنچه را که میسازید(۹۷) |
| قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٨﴾ | گفتند:جای[آتش]برایش بناکنید. پس او را در آتش بیفکنید(۹۸) |
| فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٩﴾ | پس بدو درصدد نیرنگ [ظالمانه] شدند پس آنها را پست شدگان نمودیم(۹۹) |
| وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿١٠٠﴾ | واوگفت:یقیناًمن بسوی پروردگار خودرونده ام.حتماًاو مرارهنمائی کند(۱۰۰) |

++آیات ۸۸_۹۲:اینجاسقیم بمعنای بیمارنیست والاپس ازین گفتارانجام دادن کاری سنگین همچون شکستن بتان برای مریضی ممکن نبود.سقیم را معنا بیزار نیزاست. پس حضرت ابراهیم گفتند، من ازشماوبتان شمابیزارم وبه شکستن بتان قصدکردند.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّلِحِينَ ﴿۱۰۱﴾

پروردگارم! مرا [وارث] از نیکو کاران عطاکن(۱۰۱)

فَبَشَّرْنَهُ بِغُلَمٍ حَلِيمٍ ﴿۱۰۲﴾

پس او را مژدهٔ پسری بردبار دادیم(۱۰۲)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّبِرِينَ ﴿۱۰۳﴾

پس چون وی باالو به[سن]سعی و کاررسیدگفت،ای پسردلبندم!یقیناً من درخواب دیده ام که ترا ذبح میکنم. پس فکرکن چه نظر داری. او گفت:ای پدرم! آنچه امر شدی انجام بده.حتمًامرااگرخداخواهد ازصبرکنندگان میبابی(۱۰۳)++

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿۱۰۴﴾

پس چون هردوی‌تسلیم[رضا]شدند واوراروی‌پیشانی انداخت(۱۰۴)

---

++آیت۱۰۳ : دراینجاسخن ازآمادگی‌حضرت ابراهیم برای ذبح کردن فرزند خود حضرت اسماعیل به صوری، گفته میشود. حضرت ابراهیم خوابی نه فقط یکبار بلکه بارها میدیدند که ایشان فرزند خود را ذبح میکنند.اما بااین وجود که معنای‌ذبح ظاهری بخاطرایشان خطورکردبازهم ایشان لب بگرفتن جان فرزند خود نگشودند تاآنگاه که او به رضایت خود اظهار آمادگی نکرد. بطوریکه درکلمات "فلما بلغ معه السعی" ذکر است که چون به سن سعی و کارخود رسید و به انجام کارهای طاقت فرسا پرداخت. اما تعبیر این خواب این بود که وی در دشتی خشکزار رهاکرده شود.پس خدا ایشان را بعمل آوردن این خواب به صور، بازداشت و منتها مطلع ساخت که تو این خواب را از پیش تکمیل کرده ای.

وَنَادَيْنٰهُ اَنْ يّٰاِبْرٰهِيْمُ ﴿۱۰۵﴾

در عین حال او را ندا کردیم. ای ابراهیم!(۱۰۵)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا ۚ اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۱۰۶﴾

رویای خویش را راست آوردی یقیناً نیکوکاران رامااینطور مزد میدهیم(۱۰۶)

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْبَلٰٓؤُا الْمُبِيْنُ ﴿۱۰۷﴾

یقینًا این آزمایشی آشکار است(۱۰۷)

وَفَدَيْنٰهُ بِذِبْحٍ عَظِيْمٍ ﴿۱۰۸﴾

پس او را بعوض ذبح عظیمی حفظ نمودیم(۱۰۸)++

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى الْاٰخِرِيْنَ ﴿۱۰۹﴾

و یادباد نیکوی اورا در آیندگان باقی گذاشتیم(۱۰۹)

سَلٰمٌ عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ ﴿۱۱۰﴾

درود بر ابراهیم(۱۱۰)

كَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۱۱۱﴾

محسنان را پاداش اینطور می دهیم(۱۱۱)

اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۱۱۲﴾

یقینًا او از بندگان مومن ما بود(۱۱۲)

وَبَشَّرْنٰهُ بِاِسْحٰقَ نَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۱۱۳﴾

و او را برای اسحاق [بطور] پیغمبر نوید دادیم که از شایسته کاران بود(۱۱۳)

---

++آیت۱۰۸ : مقصود ذبح عظیم آنحضرتﷺ اند که بیشتراز همه انبیاء فداکاری کردند و ظهور ایشان متکی برنجات حضرت اسماعیل علیه السلام بود.

وَبٰرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلٰٓى اِسْحٰقَ ؕ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَّ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ مُبِيْنٌ ع ﴿١١٤﴾

و بر او و بر اسحاق برکت نهادیم و از نژاد آندو هم نیکی کنندگان بودند و هم برنفس خود آشکارا ستمکاران بودند(۱۱٤)

ع ۳۹/۷

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلٰى مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ج ﴿١١٥﴾

ویقینًا بر موسٰی و هارون منت نهادیم (۱۱۵)

وَنَجَّيْنٰهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ ج ﴿١١٦﴾

و آندو و قوم آندو را از اندوهی بزرگ نجات دادیم(۱۱٦)

وَنَصَرْنٰهُمْ فَكَانُوْا هُمُ الْغٰلِبِيْنَ ج ﴿١١٧﴾

وایشان را یاری دادیم و ایشان غالب آیندگان شدند(۱۱۷)

وَاٰتَيْنٰهُمَا الْكِتٰبَ الْمُسْتَبِيْنَ ج ﴿١١٨﴾

و آندو را کتابی روشنی بخش دادیم(۱۱۸)

وَهَدَيْنٰهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ج ﴿١١٩﴾

و آندو را براه راست هدایت نمودیم(۱۱۹)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْاٰخِرِيْنَ ۙ ﴿١٢٠﴾

و یادباد نیکوی آندو را در آیندگان باقی گذاردیم(۱۲۰)

سَلٰمٌ عَلٰى مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ﴿١٢١﴾

درود بر موسٰی و هارون(۱۲۱)

اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٢٢﴾

یقینًا ما پاداش نیکوکاران همین طور میدهیم(۱۲۲)

اِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٢٣﴾

یقینًا آندوی از بندگان مومن ما بودند(۱۲۳)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٤﴾ یقینًا الیاس نیز از رسولان بود(۱۲۴)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٥﴾ هنگامیکه به قوم خود گفت: آیا تقویٰ رااختیار نمیکنید؟(۱۲۵)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٦﴾ آیا 'بعل' را میخوانید و بهترین آفریدگاران راترك کنید؟(۱۲۶)

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٧﴾ خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما است(۱۲۷)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٨﴾ پس او را تکذیب کردند پس یقینًا آنها احضار شدگانند(۱۲۸)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٩﴾ جز بندگان مخلص خدا(۱۲۹)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٣٠﴾ و یادباد نیکوی او را در آیندگان باقی گذاردیم(۱۳۰)

سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣١﴾ درود بر الیاسین(۱۳۱)++

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٢﴾ یقینًا ما پاداش محسنان اینگونه

++آیت ۱۳۱ :اینجا الیاسین بجای الیاس گفته میشود. مفسران گویند که سه الیاس بودند. زیرا کمتر از سه کلمه الیاس تعلق نمیگیرد.اما در زبان عبری صیغه جمع برای احترام هم استفاده میشود.بعنوان مثال درکتب عبری اسم آنحضرت ﷺ نه "محمد" بلکه "محمدیم" نوشته شده است. بعلت اینکه ایلیا[الیاس]نیز فداکاری فوق العاده نشان دادند پس اسم ایشان درصیغه جمع نوشته شده است.

اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۱۳۲﴾

می دهیم(۱۳۲)

یقینًا او از بندگان مومن ما بود(۱۳۳)

وَاِنَّ لُوْطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿۱۳۳﴾

وهمانالوط ازرسولان بود(۱۳۴)

اِذْ نَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗٓ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۳۴﴾

هنگامیکه او و اهلش همگی را نجات دادیم(۱۳۵)

اِلَّا عَجُوْزًا فِى الْغٰبِرِيْنَ ﴿۱۳۵﴾

جزپیرزنی که از برجای ماندگان بود(۱۳۶)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْاٰخَرِيْنَ ﴿۱۳۶﴾

باز دیگران راهلاك نمودیم(۱۳۷)

وَاِنَّكُمْ لَتَمُرُّوْنَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِيْنَ ﴿۱۳۷﴾

و مسلمًا شما از [مدفن] آنها گذر میکنید صبحگاهان (۱۳۸)

وَبِالَّيْلِ ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۳۸﴾

و شبانگاه. پس آیا بخرد نمی یابید(۱۳۹)

وَاِنَّ يُوْنُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿۱۳۹﴾

و یقینًا یونس از رسولان بود(۱۴۰)

اِذْ اَبَقَ اِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُوْنِ ﴿۱۴۰﴾

چون او به سوی کشتی پر فرارکرد(۱۴۱)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِيْنَ ﴿۱۴۱﴾

پس او قرعه انداخت. پس او از بیرون افکندگان شد(۱۴۲)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوْتُ وَهُوَ مُلِيْمٌ ﴿۱۴۲﴾

پس ماهی او را بلعید درحالیکه او [خودرا] از ملامت کنندگان

بود(۱۴۳)

فَلَوْلَآ اَنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِيْنَ (۱۴۴)

پس اگر او از تسبیح کنندگان نبود(۱۴۴)

لَلَبِثَ فِيْ بَطْنِهٖٓ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ (۱۴۵)

یقینًا در شکم آن مکث میکرد تا روزی که [مردم] برخیزانده شوند(۱۴۵)

فَنَبَذْنٰهُ بِالْعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيْمٌ (۱۴۶)

پس او را بدشتی خشك و خالی افکندیم درحالیکه او سخت بیمار بود(۱۴۶)

وَاَنْۢبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّقْطِيْنٍ (۱۴۷)

وبوته ای کدوسان برای پوشاندن او رویانیدیم (۱۴۷)

وَاَرْسَلْنٰهُ اِلٰى مِائَةِ اَلْفٍ اَوْ يَزِيْدُوْنَ (۱۴۸)

و او را بسوی صدهزار نفر فرستادیم بلکه ایشان [درتعداد] افزایش میافتند(۱۴۸)

فَاٰمَنُوْا فَمَتَّعْنٰهُمْ اِلٰى حِيْنٍ (۱۴۹)

پس آنان ایمان آوردند پس آنان راتامدتی بهرهمندساختیم(۱۴۹)

فَاسْتَفْتِهِمْ اَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُوْنَ (۱۵۰)

پس از آنها بپرس آیا برای پروردگار دختران و برای ایشان پسرانند؟(۱۵۰)

اَمْ خَلَقْنَا الْمَلٰٓئِكَةَ اِنَاثًا وَّهُمْ شٰهِدُوْنَ (۱۵۱)

یافرشتگان را زنان آفریدیم و آنها بر آن گواه هستند(۱۵۱)

| | |
|---|---|
| اَلَآ اِنَّهُمْ مِّنْ اِفْكِهِمْ لَيَقُوْلُوْنَ ﴿١٥١﴾ | باش!یقینًا آنها از روی دروغ بربافته خودشان میگویند(۱۵۲) |
| وَلَدَ اللّٰهُ ۙ وَ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿١٥٢﴾ | [که]خدا راپسری است در حالیکه حتمًا آنها دروغ پردازانند(۱۵۳) |
| اَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِيْنَ ﴿١٥٣﴾ | آیا او دختران را بر پسران برگزیده است؟(۱۵٤) |
| مَا لَكُمْ ۗ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿١٥٤﴾ | شما را چیست؟چسان قضاوت می کنید؟(۱۵۵) |
| اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿١٥٥﴾ | پس آیا پند نمیگیرید؟(۱۵٦) |
| اَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٥٦﴾ | یا برای شمادلیلی غالب و روشن است؟(۱۵۷) |
| فَاْتُوْا بِكِتٰبِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٥٧﴾ | پس کتاب خود را بیآرید اگر شما راستگویانید(۱۵۸) |
| وَجَعَلُوْا بَيْنَهٗ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا ۗ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ اِنَّهُمْ لَمُحْضَرُوْنَ ﴿١٥٨﴾ | ومیان او و میان جنهانسبی قرار داده اند. درحالیکه جنهاحتمًا می دانند که آنها نیز احضار خواهند شد(۱۵۹) |
| سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿١٥٩﴾ | پاك است خدا از آنچه بیان می کنند(۱٦۰) |
| اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِيْنَ ﴿١٦٠﴾ | بندگان برگزیده خدا [از این سخنان] مستثنی اند(۱٦۱) |

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦٢﴾

پس یقینًا شما و آنچه را عبادت می کنید(۱۶۲)

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٣﴾

نتوانید شما که خلاف او [کسی را] گمراه کنید(۱۶۳)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٤﴾

مگر آنکه او بداخل جهنم شدنی است(۱۶٤)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٥﴾

و[فرشتگان گویند]برای هر کدام ما مقامی مشخص است(۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٦﴾

وحتماً ماصف درصف هستیم(۱۶۶)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٧﴾

ویقینًا ماتسبیح کنندگانیم(۱۶۷)

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٨﴾

و آنان[کافران]میگفتند(۱۶۸)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٩﴾

اگرمارامیچ ذکرپیشینان رسیده بود(۱۶۹)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٧٠﴾

یقینًا از بندگان مخلص خدا می شدیم(۱۷۰)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧١﴾

اما [اکنون چون] آن [خدا] را انکارکرده اندپس[فرجام را]حتماً خواهند دانست(۱۷۱)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٢﴾

و البته این فرمان ما درحق بندگان فرستاده ما پیشی گرفته است(۱۷۲)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُوْرُوْنَ ﴿١٧٣﴾ ص

یقینًا همانهاند که به ایشان نصرت داده شود(۱۷۳)

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿١٧٤﴾

ویقینًا لشکرماست که ایشان غالب شوندگان اند(۱۷٤)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿١٧٥﴾ لا

پس تامدتی ازآنهادوری کن(۱۷۵)

وَّاَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُوْنَ ﴿١٧٦﴾

و آنها را بنگر پس آنها هم حتماً بزودی بدانند(۱۷٦)

اَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿١٧٧﴾

پس آیا به عذاب ما عجله می کنند؟(۱۷۷)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَآءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِيْنَ ﴿١٧٨﴾

پس هنگامیکه آن به محوطه ایشان فرود آید آنگاه صبحگاه هشدار دادگان بسیار بد باشد(۱۷۸)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿١٧٩﴾ لا

بازبمدتی از آنها دوری کن(۱۷۹)

وَّاَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُوْنَ ﴿١٨٠﴾

و بنگر پس آنهاهم حتماً خواهند دید(۱۸۰)

سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿١٨١﴾ ج

پاکست پروردگار تو ربّ العزت از آنچه بیان میکنند(۱۸۱)

وَسَلٰمٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٨٢﴾ ج

و درود بر همه پیغمبران(۱۸۲)

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٨٣﴾ ع

ع ٤٤ ٩

وستایش مطلق برای خداپرورد ـ ـ گار همه جهانها است(۱۸۳)

# ۳۸-سورة صٓ

این سورة درمکه نازل شد و با بسم الله ۷۹ آیت دارد.

این سورة فقط بایك حرف مقطع "ص" شروع میشود. مفسران شرح میدهند که "ص" بمعنای "صادق القول" میباشد یعنی آن خدا که سخنانش حتماً به اتمام رسد و قرآن که مشتمل بر پندهای بزرگ شأن است بر این امر گواه قرار داده شد که انکار از قرآن تنها بعلت آن خود خواهی است که منشأ از مخالفت میگیرد.

در این سورة ذکر از آن مکاشفه حضرت داؤد علیه السلام میرود که خاطر نشان کننده آزمندی فطرت آدمی‌است که اگر او را برتری نودونه درصد هم داده شود او صددرصد آنرا میخواهد و برای ناتوانان و ناداران یك درصدهم وانمیگذارد. درسورة گذشته سخن ازجنگهای ابرقدرتهامیرود که آنها نیزبدنبال این هدف اند که حقوق حکومت همه کشورهای نادار و عقب مانده از ایشان ربوده و حکومت دنیا بی مشارکت دیگری افسار کرده شود. بعبارت دیگر این دعوی خدائی است. پس از آن نوع انسان به نسبت حضرت داؤدعلیه السلام توصیه کرده شوندکه ستیزه های میان خود را با عدالتمندی سپری کنید و نه ستمکاری و تجاوزگری.

این سورة حاکی از دوست داشتن حضرت سلیمان علیه السلام اسبان است. این واقعه را به اشتباه تفسیر کرده بعضی علماء بیان میکنند که یك مرتبه ایشان براسبان آهسته دست زده برساق هایشان دست نوازش می کشیدند که درحین این دلگرمی وقت نمازگذشت. آنگاه قهروغضب حضرت

سلیمان بعلت غفلتکاری خود تا به آن نهایت رسید که فرمان به کشتن اسبان صادرکردند. ولی این تفسیرخنده آور را آن یکی آیت رد میکند درچه ایشان میفرمایند که آنهارا نزدم بازآرید. از این معلوم میگردد که پیغمبران را مرکب های که برای جهاد در راه خدا بخشیده میشوند ایشان آنها را بسیار دوست دارندو میخواهند که آنها را بارهاببینند. رسول الله ﷺ نیز فرمودند که برای امت من در پیشانیهای آن اسبان تا قیامت برکت نهاده شد که برای جهاد آماده کرده شوند.

دراین سورة حضرت ایوب علیه السلام بعنوان مثال پیغمبری بلند مرتبت وصاحب شکیبائی معرفی میشوندو آن حقایق بیان میشود که در بائیبل در قالب اساطیری عجیب و غریب نقل شده است.

☆ سُوْرَةُ صٓ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ ثَمَانُوْنَ اٰيَةً وَّ خَمْسَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱) |
| صٓ وَالْقُرْاٰنِ ذِی الذِّكْرِ ② | صادق القول - راست گفتار - سوگند به قرآن صاحب ذکر(۲) |
| بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ عِزَّةٍ وَّشِقَاقٍ ③ | حقیقت اینست کسانیکه کفر کردند در تکبرو مخالفت فرورفته اند (۳) |
| كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَّلَاتَ حِيْنَ مَنَاصٍ ④ | چه بسا ملتهای از پیش آنها را بهلاك رساندیم.آنگاه[برای کمك] صدا کردند درحالیکه وقت نجات نبود(٤) |
| وَعَجِبُوْا اَنْ جَآءَهُمْ مُّنْذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكٰفِرُوْنَ هٰذَا سٰحِرٌ كَذَّابٌ ⑤ | و تعجب کردند که آنها را مشدار دهندهٔ از میان خودشان آمد و کافران گفتنداین جادوگری سخت دروغگو است(۵) |
| اَجَعَلَ الْاٰلِهَةَ اِلٰهًا وَّاحِدًا اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ⑥ | آیااوبسیارمعبودان را یکتامعبود ساخته است.همانا این چیزالبته تعجب انگیز است(٦) |

وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٧﴾

و اعیان از آنان رفتند[وگفتند] که بروید و برمعبودان خود صبر کنید. یقیناًاین [کار] آهنگ شده است(۷)

مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٨﴾

ما به این درمورد هیچ ملتی آیندهٔ هم نشنیده ایم. این حرف فقط اختراعی است(۸)

أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ۖ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٩﴾

آیا از میان ما ذکر[فقط] بر او نازل کرده شد؟ درحقیقت آنهااز ذکرم درشك اند ـ درحقیقت عذابم را نه چشیده اند(۹)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿١٠﴾

آیا گنجهای رحمت پروردگار تو صاحب غلبه کامل و فراخ عطا نزد آنان است؟ (۱۰)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١١﴾

یا آیا پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است برای آنان است؟ پس باید همه چاره های را منظم بکار بندند(۱۱)

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١٢﴾

[اینهم]ازاحزاب لشکری است که آنجا مغلوب کرده شوند(۱۲)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ

پیش ازآنهاقوم نوح وعادوفرعون

وَّفِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ ﴿١٣﴾

دارنده میخهاتکذیب کردند(۱۳)

وَثَمُوْدُ وَقَوْمُ لُوْطٍ وَّ اَصْحٰبُ لْئَيْكَةِ ۭ اُولٰٓئِكَ الْاَحْزَابُ ﴿١٤﴾

و ثمود و قوم لوط وساکنان بیشه ها همانهاند احزاب [مذکور](۱٤)

اِنْ كُلٌّ اِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٥﴾

نیست هیچکدام جزاینکه رسولان را تکذیب کردند و کیفرم برآنها حتمی الوقوع شد(۱۵)

وَمَا يَنْظُرُ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٦﴾

و آنهاانتظار ندارند جزیك بانگ هولناك را که درآن هیچ وقفهٔ ی نباشد(۱٦)

وَقَالُوْا رَبَّنَا عَجِّلْ لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾

وگفتند: پروردگارا! مارا بهره ما زودتر پیش ازروزحساب بده(۱۷)

اِصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوٗدَ ذَا الْاَيْدِ ۚ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ﴿١٨﴾

صبر کن بر آنچه میگویند و یاد کن بندهٔ ماداؤد را که دارای دسترسی بود.یقینًا او بسیارتوبه کاربود(۱۸)

اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهٗ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِشْرَاقِ ﴿١٩﴾

براستی ماکوه هارا با او مسخر کرده بودیم. آنها شامگاهان و صبحگاهان تسبیح میکردند(۱۹)

وَالطَّيْرَ مَحْشُوْرَةً ۭ كُلٌّ لَّهٗٓ اَوَّابٌ ﴿٢٠﴾

و پرندگان جمع کرده را [برایش مسخر کرده بودیم].همه درحضور او [خدا]فروتنان بودند(۲۰)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهٗ وَاٰتَيْنٰهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿٢١﴾

و پادشاهی او را تقویت دادیم و او را حکمت وکلامی داوری کننده بخشیدیم(۲۱)

وَهَلْ اَتٰىكَ نَبَؤُا الْخَصْمِ ۘ اِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢٢﴾

آیابه توخبرستیزندگان آمد چون از روی دیوار کاخ پریدند(۲۲)

اِذْ دَخَلُوْا عَلٰى دَاوٗدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوْا لَا تَخَفْ ۚ خَصْمٰنِ بَغٰى بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَآ اِلٰى سَوَآءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٣﴾

چون بر داؤد داخل شدند آنگاه او از آنها آشفته خاطرشد.گفتند، نترس ما دوستیزندگانیم که یکی بردیگری تجاوزمیکند.پس میان مابحق قضاوت کن و تجاوز نکن و ما را بسوی راه راست هدایت کن(۲۳)

اِنَّ هٰذَآ اَخِيْ ۠ لَهٗ تِسْعٌ وَّتِسْعُوْنَ نَعْجَةً وَّلِيَ نَعْجَةٌ وَّاحِدَةٌ ۠ فَقَالَ اَكْفِلْنِيْهَا وَعَزَّنِيْ فِي الْخِطَابِ ﴿٢٤﴾

همانا این برادرم است. وی را نودونُه میش اند وبرایم یك میش است پس گوید آنرا بمن واگذار کن و در مبحث مرا مغلوب می سازد(۲٤)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ اِلٰى نِعَاجِهٖ ۭ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْخُلَطَآءِ لَيَبْغِيْ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَقَلِيْلٌ مَّا هُمْ ۭ وَظَنَّ

او گفت البته با خواستن میش تو بسوی میش های خود بر تو ستم کرده است ویقینابسیارشریکانند که بعضی از آنها بربعضی ستم می

دَاوٗدُ اَنَّمَا فَتَنّٰهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهٗ وَخَرَّ رَاكِعًا وَّاَنَابَ ﴿٢٥﴾

کنندجز آنانکه ایمان آوردند و شایسته کاری کردندوکم اند مانند ایشان و داؤد پنداشت که ما اورا آزمایش کرده بودیم.پس وی از پروردگار خود آمرزش طلبید و فروتن به روی فرو افتاد و توبه کرد(۲۵)

فَغَفَرْنَا لَهٗ ذٰلِكَ ؕ وَاِنَّ لَهٗ عِنْدَنَا لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَاٰبٍ ﴿٢٦﴾

پس او را این[لغزش] آمرزیدیم و یقینًا برای او نزد ما قرب و مقام نیکوی بود(۲۶)

يٰدَاوٗدُ اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيْفَةً فِى الْاَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌۢ بِمَا نَسُوْا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾

ای داؤدایقینًا ما تو را در زمین خلیفه گماردیم. پس میان مردم بداد قضاوت کن وپیروی ازهوای نفس نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد. براستی کسانیکه از راه خداگمراه گردندآنانرا عذابی سخت است چه روز حساب را فراموش ساخته بودند(۲۷)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ؕ ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۚ فَوَيْلٌ

و آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است را بلامقصود نیافریده ایم. این گمان کسانی است که

لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ ﴿۲۸﴾

انکار کردند. پس هلاك باد از [عذاب] آتش بر آنان که کفر کردند(۲۸)

اَمْ نَجْعَلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۡ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِيْنَ كَالْفُجَّارِ ﴿۲۹﴾

آیاکسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند را مانند فسادکاران در زمین قراردهیم و متقیان را مانندبدکرداران بگردانیم؟(۲۹)

كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ مُبٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوْٓا اٰيٰتِهٖ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿۳۰﴾

کتابی بزرگ که مابسوی تو نازل کرده ایم بسیاربرکت داده شده است تا [مردم] در آیتهایش تدبر کنندوتاخردمندان پندگیرند(۳۰)

وَوَهَبْنَا لِدَاوٗدَ سُلَيْمٰنَ ؕ نِعْمَ الْعَبْدُ ؕ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ﴿۳۱﴾

و داؤد را سلیمان دادیم.چه نیکو بندهٔ بود.یقینًا او بسیار توبه کار بود(۳۱)

اِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصّٰفِنٰتُ الْجِيَادُ ﴿۳۲﴾

چون شامگاه بر او اسبهای تند رو عرضه نموده شد(۳۲)

فَقَالَ اِنِّيْٓ اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّيْ ۚ حَتّٰى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿۳۳﴾

پس اوگفت:یقینًا من دوستی مال را از روی یاد پروردگارم دوست دارم تا آنها در پرده پنهان شدند(۳۳)++

رُدُّوْهَا عَلَيَّ ؕ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوْقِ

[اوگفت]آنهاراوبرویم بازآورید.

وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٤﴾

پس [ازنظر لطف]برساقها و گردن های آنها [ازنوازش] دست کشیدن را شروع کرد(۳٤)++

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلٰى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٥﴾

والبته سلیمان راآزمودیم وجسمی [بی‌علم وحکمت]رابرتختش نهادیم سپس او [به سوی خدا] اِنابت کرد (۳۵)++

++آیات ۳۳ـ۳٤: کثیرمفسران از این آیت این معنای میگیرند که حضرت سلیمان را با دسته اسبان خویش آنقدر دوستی بودکه درتماشاآنها فرورفته ایشان نماز را قضا کردند و ازین کوتاهی قهرکرده ایشان جمیع آنهارا پی کرده و گردن های آنها را ازتن جداساختند. این توجیه بینهایت بیخردانهٔ است واینرابه قرآن نسبت دادن برخلاف وقارآنست. اگرنماز قضا شده بود آنگاه میبایستی پیش از این سخن از نماز خواندن میرفت. ضمنًا تماشا کردن اسبان بمیل خود ایشان بود باز تقصیراز اسبان بیچاره چه بود که گردن های آنها زده شد؟ امر واقعی اینست که چون آن دسته اسبان برای جهاد در راه خدا نگهداری شده بود لذا ایشان به اظهار دوستی دست به ساق ها و ران های آنهاکشیدند بطوریکه امروز هم یکی دوستدار اسب ها سلوك همینگونه میکند.

++آیت ۳۵: این آیت را مطلب اینست که وارث ایشان نه اوصاف روحانی داشت و نه شایستگی دولتمداری. لذا اوجسمی بی ارزش بود. منظور از "و القینا علی کرسیه" تخت نشینی وی است. درحق این آیت نیز برخی از علماء ستمگری کرده وحضرت سلیمان راگویی فاسق میگردانند. طبق بیان آنان زنی خوشگل که همسر ایشان نبود بر صندلی ایشان مسند نشین شد و ایشان بدو میل بدی پیداکردند و باز خیال گرفتند اینکه برایم از جانب خدا آزمایشی بود [بقیه ص# ۱۱۰۳]

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٦﴾

گفت پروردگارا مرا ببیامرز و مرا سلطنت اعطاکن که پس از من به کسی نشاید. یقیناً تو بسیار فراخ عطا هستی(۳٦)++

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٧﴾

پس مسخرنمودیم برای وی باد را که باامر او بنرمی میوزید به هرسوی که او میخواست(۳۷)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٨﴾

وشیطانهای را که ماهر هریك هنر بنائی و غوطه باز بودند(۳۸)

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٩﴾

و دیگران به زنجیرها بسته را(۳۹)

هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

این بدون حساب اعطای ما است. پس منت بگذاریانگه دار(٤۰)

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤١﴾ ع ۳ ۱٤ ۱۲

یقیناً او را درپیشگاه ما تقرب و مقام نیکوی بود(٤۱)

---

این داستان متشابه آن یکی است که مفسران درموردحضرت یوسف نیزبربافته اند.

++آیت۳٦: این آیت حاکی از نتیجه نهائی تمامی آیتهای گذشته میباشد. چون به ایشان مشخص شد که پسر ایشان نه دارای روحانیت است و نه هم دولت مدار است پس ایشان وی را نفریدند وبه حضورخداالتجاکردند که پس ازمن کسی را سلطنتی بابزرگی سلطنت من داده نشود. پس از وقائع تاریخ به اثبات میرسد که پس از حضرت سلیمان آن سلطنت پیوسته رو به زوال گذاشت.

وَاذْكُرْ عَبْدَنَآ اَيُّوبَ ۘ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗٓ اَنِّىْ مَسَّنِىَ الشَّيْطٰنُ بِنُصْبٍ وَّعَذَابٍ ﴿۴۲﴾

و بندهٔ ما ایوب را یاد کن چون پروردگارخود را خواند که یقینًا شیطان مرا رنج وعذاب رسانده است(۴۲)++

اُرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۚ هٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَّشَرَابٌ ﴿۴۳﴾

[گفتیم]مرکب خود رالگدبزن. آب خنك برای‌شستشوئی و آشامیدن [همین نزدیك] است(۴۳)++

وَوَهَبْنَا لَهٗٓ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرٰى لِاُولِى الْاَلْبَابِ ﴿۴۴﴾

و ما او را خانواده اش و مانند آنان بعلاوه آنان بعنوان رحمت ما و صاحبان خرد را ذکری درس آموز بخشیدیم(۴۴)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِّهٖ وَلَا تَحْنَثْ ۭ اِنَّا وَجَدْنٰهُ صَابِرًا ۭ نِعْمَ الْعَبْدُ ۭ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ﴿۴۵﴾

و دسته شاخهای خشك و تر درهم پیچیده را بدست خود بگیر و بدان بزن و سوگند را نقض نکن. یقینًامااو راشکیبایافتیم.چه نیکو بندهٔ ی بود. یقینًا اوتکراراًانابت کننده بود(۴۵)++

++آیات۴۲-۴۵:گزندی که شیطان به حضرت ایوب رسانید بسیاردردناك بود.طبق بائبل ایشان را شدیداً بیماری جلدی فراگرفته بود.بدانعلت عیال ایشان از آن بیماری کراهت داشته ایشان را بریشته آشغال افکنده ترك کردند. قرآن مجید ذکر از این نوع قضیه ای نیآورده است. [۱۱۰۵]

وَاذْكُرْ عِبٰدَنَآ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ اُولِى الْاَيْدِىْ وَالْاَبْصَارِ ﴿٤٥﴾

و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحٰق و یعقوب را که دارای دسترسی و صاحب بصیرت بودند(٤٦)

اِنَّآ اَخْلَصْنٰهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٧﴾

یقیناً ماایشانرا خالصانه بعلت ذکر ازخانه آخرت برگزیدیم(٤٧)

وَاِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْاَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

و یقیناً آنان نزدما ازبرگزیدگان و دارندگان خوبیهابودند(٤٨)

وَاذْكُرْ اِسْمٰعِيْلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْاَخْيَارِ ﴿٤٩﴾

واسمٰعیل و الیسع و ذوالکفل را یاد کن و هر کدام از خوبترینان

---

بقیه آیات ٤٢_ ٤٥: بنص قرآن خدای متعال حضرت ایوب را فرمان داد که دستهٔ ی شاخها زده مرکب خود را جلوبَرد و توصیه کرد که سوگند خود را نشکند. درباره این قصهٔ ی شگفت انگیز منقول میشود که در اینجا منظور اسب نیست بلکه زن است یعنی ایشان سوگند یاد کرده بودند که به همسرخود صد ضربه شاخ زنند بدانعلت خداوند فرمان داد که باجارو بزن و اگر این جارو صد ساقه داشته باشد سوگندپایان میپذیرد.اما این قصه بهم بافتهٔ ی است.آن زنان پیغمبران که نافرمانان بودند اسم همسرحضرت ایوب شامل آنها مذکور نیست. پس منظور از ضِغثاً شاخ زدن به مرکب است تا آن ایشان را به آبی برساند که با استعمال آن ایشان سلامت را بازیابند.

خدای متعال چون حضرت ایوب را سلامت باز بخشید آنگاه نه تنها اینکه خانواده ایشان بسبب عیادت بسوی ایشان بازگشتند بلکه خداوند مانند آنان یك جماعت فداکاران نیز ایشان را درداد.

بوده اند(۴۹)

هٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٥٠﴾

این ذکری بزرگ است و یقینًا برای متقیان بازگشتگاهی نیکو است(۵۰)

جَنّٰتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥١﴾

یعنی باغهای جاودان است. برای آنان درها خوب گشوده داشته شود(۵۱)

مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَّشَرَابٍ ﴿٥٢﴾

تکیه زده درآنجا میوههای فراوان و آشامیدنیهاخواهند طلبید(۵۲)

وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿٥٣﴾

و نزد ایشان زنان همسال چشم [باحیا] فروهشته باشند(۵۳)++

هٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٤﴾

اینست آنچه برای روز حساب وعده داده شوید(۵۴)

إِنَّ هٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَّفَادٍ ﴿٥٥﴾

یقینًا اینست رزق ما که آنرا هرگز پایان نیست(۵۵)

هٰذَا ۚ وَإِنَّ لِلطّٰغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿٥٦﴾

همینطور باشد و یقیناً بازگشتگاه برای سرکشان بسیاربداست(۵۶)

جَهَنَّمَ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۚ فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٧﴾

جهنم ـ بداخل آن شوند. پس چه زست بستری است(۵۷)

---

++آیت ۵۳: این کلام که نزدایشان زنانی چشمان فروهشته باشند، تمثیلی است و دال بر فروتنی و حیاء ایشان میباشد.

هٰذَا ۙ فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿۵۸﴾

این[حتمًا شدنی است].پس باید آنرا بچشند ـ آبی جوشان و یخ بسته(۵۸)

وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿۵۹﴾

و چیزهای دیگرهم شکل آن(۵۹)

هٰذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ ۖ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ ﴿۶۰﴾

این آن لشکری است که با شما داخل [آن] شونده اند.آنهارا هیچ خوش آمدنیست.مسلمًا آنها داخل آتش شوند(۶۰)

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۖ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا ۖ فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿۶۱﴾

آنها[به گروهی لعنت کننده]گویند: بلکه شما[ملعون] اید. شماراخوش آمد نیست.شمااین [همه] را برای ما پیش فرستادید. پس چه زشت قرارگاه است(۶۱)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿۶۲﴾

گویند:پروردگاراآنکه اینرابرای ماپیش فرستادبرایش عذابی در آتش دو برابر بیافزا(۶۲)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿۶۳﴾

وگویند:چیست مارا آنمردم را نمی بینیم که آنها را از شریران میشمردیم(۶۳)

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿۶۴﴾

آیا آنها را حقیرشمرده بودیم یا چشمان ما[ازشناسائی]آنان لغزش

خورد؟(٦٤)

اِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ اَهْلِ النَّارِ ﴿٦٥﴾ ع ٢٤ ١٢

حتمًا این مجادله اهل آتش واقعیت است(٦٥)

قُلْ اِنَّمَآ اَنَا مُنْذِرٌ ۖ وَّمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٦﴾

بگو، من فقط بیم دهندهٔ ی ام و هیچ معبودی نیست جز خدای یکتا صاحب جبروت(٦٦)

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيْزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٧﴾

پروردگار آسمانهاوزمین و هرچه میان آندو است - صاحب غلبه کامل - آمرزگار(٦٧)

قُلْ هُوَ نَبَؤٌا عَظِيْمٌ ﴿٦٨﴾

بگو: آن یك خبر بزرگی است(٦٨)

اَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُوْنَ ﴿٦٩﴾

شما ازآن اعراض کنندگانید(٦٩)

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَاِ الْاَعْلٰٓى اِذْ يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٧٠﴾

مراهیچ دانشی به ملای اعلی نبود چون آنها مجادله میکردند(٧٠)

اِنْ يُّوْحٰٓى اِلَيَّ اِلَّآ اَنَّمَآ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٧١﴾

بسوی من وحی میشود فقط اینکه من بیم دهندهٔ آشکارام(٧١)

اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ خَالِقٌۢ بَشَرًا مِّنْ طِيْنٍ ﴿٧٢﴾

چون پروردگارتوبفرشتگان گفت همانا من ازگل بشری آفریننده ام(٧٢)

فَاِذَا سَوَّيْتُهٗ وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِيْ فَقَعُوْا لَهٗ سٰجِدِيْنَ ﴿٧٣﴾

پس هرگاه آنرا کاملاً آراستیدم و کمی ازروح خود درآن دمیدم پس

برای او سجده کنید(۷۲)

فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ اَجْمَعُوْنَ﴿۷۳﴾

پس فرشتگان جمله ایشان سجده کردند(۷٤)

اِلَّآ اِبْلِيْسَ ؕ اِسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ﴿۷۴﴾

مگر ابلیس.او تکبر کرد و بوده از کافران(۷۵)

قَالَ يٰٓاِبْلِيْسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ ؕ اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِيْنَ﴿۷۵﴾

اوگفت:ای ابلیس!ترا چه بازداشت که سجده کنی آنرا که من به دو دست[قدرت]خودآفریده بودم. آیا تکبرکردید یا تو از صاحبان بلند مرتبه هستی(۷٦)

قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ؕ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ وَّخَلَقْتَهٗ مِنْ طِيْنٍ﴿۷۶﴾

گفت:من بهتر از اویم.مرا از آتش آفریدیو اوراازگل آفریدی(۷۷)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ﴿۷۷﴾

فرمود:پس از اینجا بیرون شو یقینًا تو رانده شده ای(۷۸)

وَّاِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِيْٓ اِلٰى يَوْمِ الدِّيْنِ﴿۷۸﴾

و یقینًا بر تو تا روز جزاء لعنت من است(۷۹)

قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِيْٓ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ﴿۷۹﴾

گفت: پروردگارا! پس مرا مهلت بده تا روزی که همه برخیزانده شوند(۸۰)

قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ﴿۸۰﴾

فرمود: پس یقینًا تو از مهلت دادگانی(۸۱)

| | |
|---|---|
| إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿۸۲﴾ | تا روز وقت معلوم(۸۲) |
| قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۳﴾ | گفت: سوگند به عزت توحتمًا همه اینها را گمراه کنم (۸۳)++ |
| إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۸۴﴾ | جز از آنها آن بندگان که مخلص تویند(۸۴)++ |
| قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿۸۵﴾ | فرمود:پس حق اینست که من فقط حق میگویم(۸۵) |
| لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۶﴾ | حتمًاجهنم را از تو و از همه آنها که از تو تقلید کنند پرخواهم کرد(۸۶) |
| قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۸۷﴾ | بگو من برای این هیچ مزدی از شما نمیخواهم و نه من از متکلف ما هستم(۸۷) |
| إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۸۸﴾ | این فقط تذکر بزرگی است برای همه جهانها(۸۸) |
| وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۹﴾ ع ۲۴ ۱۴ | و حتمًاحقیقت آن را پس از یک مدت خواهید دانست(۸۹) |

++آیات ۸۴ــ ۸۵:گامیکه خدای متعال شیطان رامردودکرد او ازروی خودنمایی از خداوند مهلتی‌خواست که بندگانی‌راکه برمن رجحان دادی اگربمن فرصت داده شود ایشان رامرنوع فریب داده از تومیربایم وآنان بجای تو ازمن پرستش کنند مگرآن بندگان که خاص توباشند.حتماًبرایشان من هیچ اختیاری نتوانم یابم.

# ۳۹- سورة الزُمر

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ۷٦ آیت دارد.

در پایان سورة قبلی ذکر ازآن بندگان شده بود که دین را خاص خدا قرار داده از پرستش شیطان انکار کرده سر به عبادت خدا سپردند. دراین سورة بمحض آغازش اعلام است که ای رسول! دین را خالصانه برای خدا قرارداده عبادت را خاص او بگذار. یقیناً خدا تنها دین خالص را قبول دارد.

سپس یك دلیل کافران رد کرده میشود.آنان بت پرستی را معمولاً این توجیه میکنند که خدایانی بربافته وسیله تقرب خدا میشوند.خداوند فرمود هرگز چنین نیست بلکه وسیله همان است که دینش مانند دین آنحضرت ﷺ خالص و پاك از آلودگی شرك باشد.

سپس این حقیقت بازگوکرده میشود که زندگی انسان را آغاز از یکتن شده بود. سپس چون انسان در رحم مادر بطورجنین مراحل ارتقائی طی میکرد آن جنین در سه تاریکی پنهان بود- نخستین تاریکی شکم مادر است که رحم را دربرگرفته است- دومین تاریکی از خود رحم است در آنچه جنین پرورده میشود و سومین تاریکی پلیسنتا[Placenta]یعنی پردهٔ ی دَور جنین که آن را درون رحم مادر دربرگرفته است.

باز به آنحضرت ﷺ اذن به این اعلام داده شد که مرا تنها همین فرمان است که عبادت خویش را خاص او بنمایم.سپس فرمود که بگو تنها خدا است که برای او دینم را خالصانه به عبادت او سپرده خواهم داشت. شما در جای خود بغیر از او هرکدام رامیخواهی عبادت کنید و بعلاوه بگو، آنانکه

اینطورکنند یقیناًمعامله بخسارت ایشان تمام گردد.چه آنان علاوه بر گمراهی خود، موجب شوند که نسلهای آینده خود را نیز بر اثر این کجی در ژرفای تاریکی بیفکنند.

ضمناً این نکته بیان شده است که آنکس که خدای متعال سینه او را برای ذکرخود فراخی ببخشد بهتراز او هیچکس نمیتواند باشد. پس بسیار تیره بختند کسانیکه از ذکر پروردگارخود تغافل میکنند.

آیت ۲٤ این سورة عبارت از این اعلام است که خدا برای تو سخنی دلپذیر بیان میکند که او بر توکتابی که بتکرارخوانده شود نازل کرده است درچه بعض چنین آیتهای اند که متشابهات و جفت جفت اند اما به شرح آنها آیتهای دیگرعیناً متشابه آنهانیز وجود دارندکه کاوشگران حق را برای درك کردن متشابهات کمك میکنند.این همان موضوع است که در کلمات یُفَسِّرُ بَعضُه' بعضاً بیان شده است. درجای دیگر فرمود آنانکه رَاسِخُونَ فِی العِلم یعنی در علم نافذ اند برای ایشان که هیچ آیت هم متشابه نمیماند بلکه بر ایشان هرچیز روشن است.

این سورة دارای آن آیت کریمه نیز است که بر حضرت مسیح موعود علیه السلام الهام شده بود وایشان این کلمات یعنی"اَلَیسَ اللّٰہ بِکَافٍ عَبدَہ' [آیا خدا برای بنده خود کافی نیست]رابرنگین ترسیم کرده برانگشترنشانده بودند. بهمین نسبت احمدیان انگشترهای مثل آن را بطور تبرّك و نیك فال بر انگشت میکنند.

آیت ٤۳ این سورة پردهٔ را از این راز مهم برمیدارد که خواب نیز یك نوع مرگ است درچه روح یا شعور بتکرار غرق می شود و طبق نظامی

مقررکرده ازخدای متعال درست بروقت معیّن با ته مغز برخوردکرده باز میگردد. زبردستان علم براین امر پژوهشگری کرده میگویند این واقعه در وقت معیّن شخصی درخواب را بتکرار پیش میآید. این وقت معین با ساعت اتمی نیز میتوان میزان کرد و در این مدت معیّن هیچ تفاوتی بچشم نخواهد خورد. اما چون خداوند جان را پس از غرق باز نمیگرداند این حالت را مرگ یا وفات میخوانند.

چنانکه اینجا ذکر ازاحضار شدن درمحضرخدا و جدا شدن از دنیابرای همیشه است پس برای آنانکه خوف ازجوابگوئی را دارند مژده ای است که خداوند مختار است که هرنوع گناه را بیآمرزد. او بسیار بخشنده و بارها رحم کننده است. پس بدرگاه او فروتن شوید و خویشتن را به او بسپارید پیش از اینکه آن عذابی شمارا درگیرد و قبل از توبه جان از تن دررود و حسرت برده اعلام کنید کاشکی انسان درپیشگاه خداوند جسورانه دست بگناه نمیزد.

نام این سوره "زمر" است و در دو آیت آخیرزُمر[گروه]در دو قسمت منقسم کرده شد. یکی گروه از آنان است که گروه درگروه به جهنم رانده شوند و یکی از آنان است که گروه درگروه به بهشت برده شوند.

☆ سُوْرَةُ الزُّمَرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَمَانِيَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ②

نازل آمدن این کتاب از خدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۲)

اِنَّآ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّيْنَ ③

یقینًا ما[این]کتاب را با حق نازل کرده ایم. پس دین را خاص او قرار داده خدا را عبادت کن(۳)

اَلَا لِلّٰهِ الدِّيْنُ الْخَالِصُ ۭ وَالَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَاۗءَ ۘ مَا نَعْبُدُهُمْ اِلَّا لِيُقَرِّبُوْنَآ اِلَى اللّٰهِ زُلْفٰى ۭ اِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِيْ مَا هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ڛ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ هُوَ كٰذِبٌ كَفَّارٌ ④

باش!دین خالص شایان خدا است و کسانیکه جز او دوستان گرفته اند[گویندکه] آنهارا پرستش نمی کنیم مگر برای اینکه مارا بسوی خدا نزدیك کرده به بلندتر رتبه تقرب برسانند. یقینًا خدا میان آنها قضاوت نماید در آن باره که آنها درآن اختلاف میکردند یقینًا خدا آنکه دروغگوی سخت ناسپاس است را هدایت نمی دهد(٤)

لَوْ اَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَّتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفٰى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۙ سُبْحٰنَهٗ ؕ هُوَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝

خدااگرمیخواست پسری بگیرد حتمًا از آنچه او آفریده هرچه را دوستداشت برمیگزید. او پاك است. او خدا یکتای صاحب جبروت است(۵)

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ يُكَوِّرُ الَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ؕ كُلٌّ يَّجْرِىْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ اَلَا هُوَ الْعَزِيْزُ الْغَفَّارُ ۝

او آسمانها و زمین را بحق آفرید. او پوشش شب را بر روز میفکند و پوشش روز را بر شب میفکند. اوخورشید و ماه را مسخر نمود. همگی به نهایت زمانی خودحرکت میکنند. هشدارا او صاحب غلبه کامل آمرزگار است(٦)

خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْاَنْعَامِ ثَمٰنِيَةَ اَزْوَاجٍ ؕ يَخْلُقُكُمْ فِىْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ خَلْقًا مِّنْۢ بَعْدِ خَلْقٍ فِىْ ظُلُمٰتٍ ثَلٰثٍ ؕ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ؕ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ ۝

شمارا از یکتن آفرید. سپس از خود آن جفت آنراساخت و برای شماهشت جفت ازچهارپایان نازل کرد. شمارا درشکمهای مادرانتان درسه تاریکی خَلقی پس از خَلقی میآفرینند.این خدا پروردگار شما است. پادشاهی ازآن اواست. هیچ معبودی نیست جزاو. پس بکجا برگردانده شوید(۷)+[ص۱۱۱٦

اِنْ تَكْفُرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ۗ وَلَا يَرْضٰى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۚ وَاِنْ تَشْكُرُوْا يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۗ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۗ اِنَّهٗ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝

اگر انکار کنید پس یقینًا خدا بی نیاز از شما است و کفر را برای بندگان خود دوست ندارد و اگر سپاس گویید آن را برایشما می پسندد. هیچ باربری بار دیگری را بدوش نگیرد. سپس بازگشت شما بسوی پروردگارتانست پس او شما را آگاه سازد به آنچه می کردید. یقیناً او به رازهای سینه ها خوب آگاه است(۸)

وَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهٗ مُنِيْبًا اِلَيْهِ ثُمَّ اِذَا خَوَّلَهٗ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ

ومرگاه به انسان گزندی برسد پروردگارخود را انابت کرده می

++آیت ۷: واژه اَنزَلَ اگرچه معنای نازل کردن را میپردازد ولی در اینجا بمعنای آفرینش چیزهای فائده مند فوق العاده استعمال میشود و نه بمعنای نازل شدن از آسمان به صور. همه دنیا میداند که چهارپایان مثل باران از آسمان فرودنمیآیند بلکه واژه نزول برای آنها بدانعلت بکار رفته است که آنها برای انسان سودی فراوان همراه دارند. همین واژه "نزول" برای آمد ثانی حضرت عیسٰی بکاربرده شد. بلکه این فوق همه در حق آن حضرت صلی الله علیه وسلم بکار برده شده است. بعنوان مثال قرآن فرمود قد انزل الله الیکم ذکراً رسولا(سورة الطلاق ۱۱_۱۲ ). تمامی علماء قبول دارند که آنحضرت(ص) با جسم صوری از آسمان نزول نکرده بودند. ایشان را باید که هم درعقیده خود درباره نزول حضرت عیسٰی نیز تجدید نظر کنند.

يَدْعُوٓا إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦ ۚ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۖ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ ﴿٩﴾

خواند. سپس چون ازجانب خود نعمت را به او عطا کند فراموش سازد آنچه را که قبلًا بسوی آن دعامیکرد وبرای خداشریك قرار دهد تا از راه اوگمراه سازد. بگو بهرهٔ ناقابل بکفرخود بگیر یقینًا تو از اهل آتش هستی(۹)

أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَآئِمًا يَحْذَرُ ٱلْءَاخِرَةَ وَيَرْجُوا۟ رَحْمَةَ رَبِّهِۦ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٠﴾ ع

آیاکسیکه درپاره های شب عبادت کننده است [گاهی] سجده کنان و [گاهی] بپا ایستاده، از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارخود را امید دارد [صاحب دانش نیست؟] بپرس آیا آنانکه دانش دارند و آنها که دانش ندارند یکسان اند؟ یقینًا فقط صاحبان خرد اندرز می گیرند(۱۰)

قُلْ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١١﴾

بگو:ای‌بندگان من که ایمان آورده اید!پروردگارخود را تقویٰ فرا گیرید.کسانیکه حسن عمل نشان دهند را در این دنیا هم خوبی است و زمین خدا فراخ است.

البته فقط صبرکنندگان پاداش خودشان کامل بدون حساب داده شوند(١١)

قُلْ إِنِّيٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١٢﴾

بگو براستی من امر شده ام که دین را مخلصانه برای او قرار داده خدا را عبادت کنم(١٢)

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٣﴾

و امر شده ام که من نخستین فرمان برداران باشم(١٣)

قُلْ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٤﴾

بگو،یقینًا من اگر پروردگار خود را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ میترسم(١٤)

قُلِ ٱللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُۥ دِينِي ﴿١٥﴾

بگو: من دین خود را مخلصانه برای او قرار داده خدا راعبادت میکنم(١٥)

فَٱعْبُدُوا۟ مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِۦ ۗ قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٦﴾

پس او را ترک کرده هرچه را می خواهی‌پرستش کنید.بگو براستی خسارت کاران [واقعی] آنانند که جانهای‌خود وخانواده خودرا روز قیامت خسارت دادند.هشدار! این خسارتی آشکار است(١٦)

لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن

برای آنها هم از بالای آنان سایه

| | |
|---|---|
| تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذٰلِكَ يُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهٖ عِبَادَهٗ ۚ يٰعِبَادِ فَاتَّقُوْنِ ﴿۱۷﴾ | آتش است و هم از زیر آنها سایه [آتش] است [یعنی آتش ازهرسو آنها را فرا گیرد].این است که به آن خدا بندگان خودرا میترساند. ای‌بندگانم! پس مرا تقویٰ اختیار کنید(۱۷) |
| وَالَّذِيْنَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوْتَ اَنْ يَّعْبُدُوْهَا وَاَنَابُوْٓا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرٰى ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿۱۸﴾ | و کسانیکه اجتناب کردند بتان را که عبادتشان کنند و بسوی‌خدا فروتنی کردند ایشان را مژدهٔ بزرگ است.پس بندگانم را مژده بده(۱۸) |
| الَّذِيْنَ يَسْتَمِعُوْنَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهٗ ۚ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰىهُمُ اللّٰهُ وَاُولٰٓئِكَ هُمْ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿۱۹﴾ | کسانیکه به سخن گوش بازدهند پس بهترین آنرا پیروی‌کنندهمانها اند که خدا ایشان را هدایت کرده است و همانهاند که صاحبان خردند(۱۹) |
| اَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۚ اَفَاَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِى النَّارِ ﴿۲۰﴾ | پس آیا آنکه فرمان عذاب بر او راست آمد [میتواند نجات یابد؟] پس آیاتواو را هم میتوانی نجات دهی که سراپا درآتش است؟(۲۰) |
| لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ | اماکسانیکه پروردگارخودراتقویٰ |

فَوۡقِهَا غُرَفٌ مَّبۡنِيَّةٌ ۙ تَجۡرِیۡ مِنۡ تَحۡتِهَا الۡاَنۡهٰرُ ۬ؕ وَعۡدَ اللّٰهِ ؕ لَا يُخۡلِفُ اللّٰهُ الۡمِيۡعَادَ ﴿۲۱﴾

پیش گیرند برای ایشان بالاخانه های است که فوق آنها بالاخانه های‌دیگربناشده باشد.دردامنه آنها نهرها روان است.[این]وعده خدا است.خدا خلف وعده نمیکند(۲۱)

اَلَمۡ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنۡزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهٗ يَنَابِيۡعَ فِى الۡاَرۡضِ ثُمَّ يُخۡرِجُ بِهٖ زَرۡعًا مُّخۡتَلِفًا اَلۡوَانُهٗ ثُمَّ يَهِيۡجُ فَتَرٰىهُ مُصۡفَرًّا ثُمَّ يَجۡعَلُهٗ حُطَامًا ؕ اِنَّ فِىۡ ذٰلِكَ لَذِكۡرٰى لِاُولِى الۡاَلۡبَابِ ﴿۲۲﴾ ع ۱۲/۱۶

آیاندیدی که خداآب را از آسمان نازلکرد ـ پس آنرا در زمین در صورت چشمه هاجاری کرد ـ سپس بدان مزرعه ای در میآرد ـ رنگش مختلف است ـ سپس[آن رسیده یانرسیده]خشك گردد. پس زرد شدن آنرامینگری.سپس آنراریزه ریزه میگرداند. یقینًا خرد مندان را دراین اندرزی‌بزرگست(۲۲)

اَفَمَنۡ شَرَحَ اللّٰهُ صَدۡرَهٗ لِلۡاِسۡلَامِ فَهُوَ عَلٰى نُوۡرٍ مِّنۡ رَّبِّهٖ ؕ فَوَيۡلٌ لِّلۡقٰسِيَةِ قُلُوۡبُهُمۡ مِّنۡ ذِكۡرِ اللّٰهِ ؕ اُولٰٓئِكَ فِىۡ ضَلٰلٍ مُّبِيۡنٍ ﴿۲۳﴾

پس آیا کسیکه سینه او را خدا برای اسلام بگشاید باز او بر نوری از پروردگارخود[استوار] است[میشود اوماننذکسانی عاری از یاد خدا باشد؟] پس هلاك باد بر کسانیکه دلهای آنها [عاری] از ذکر خدا سفت اند.آنها درگمراهی

آشکاراند(۲۳)

اَللّٰهُ نَزَّلَ اَحۡسَنَ الۡحَدِيۡثِ كِتٰبًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِىَ ۖ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ جُلُوۡدُ الَّذِيۡنَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ ۚ ثُمَّ تَلِيۡنُ جُلُوۡدُهُمۡ وَقُلُوۡبُهُمۡ اِلٰى ذِكۡرِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهۡدِىۡ بِهٖ مَنۡ يَّشَآءُ ؕ وَمَنۡ يُّضۡلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنۡ هَادٍ ﴿۲۴﴾

خدا نیکوترین بیان را کتابی متشابهٔ ی بارهاتکرارشونده نازل کرده است که از آن پوستهای ایشان که از پروردگار خود می ترسند بلرزه میفتد. سپس پوست های ایشان وقلبهای ایشان به ذکر خدا[متمایل]نرم شود.این هدایت خدا است که بدان هرکه را دوست دارد هدایت میدهد و آنکه را خدا گمراه گرداند پس او را هیچ هدایت دهندهٔ ینیست(۲۴)

اَفَمَنۡ يَّتَّقِىۡ بِوَجۡهِهٖ سُوۡٓءَ الۡعَذَابِ يَوۡمَ الۡقِيٰمَةِ ؕ وَقِيۡلَ لِلظّٰلِمِيۡنَ ذُوۡقُوۡا مَا كُنۡتُمۡ تَكۡسِبُوۡنَ ﴿۲۵﴾

پس آیاآنکه روزقیامت چهرهٔ خود را برای نجات ازسختی عذاب سپری قراردهد[تواندنجات یابد؟] و به ستمکاران گفته شود بچشید آنچه راکسب میکردید(۲۵)

كَذَّبَ الَّذِيۡنَ مِنۡ قَبۡلِهِمۡ فَاَتٰهُمُ الۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُوۡنَ ﴿۲۶﴾

کسانیکه ازپیش آنها بودند نیز تکذیب کرده بودند. پس عذاب آنهارا از آن جهت آمد که تصورهم نمیکردند(۲۶)

فَاَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْیَ فِی الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا ۚ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ ۘ لَوْ كَانُوْا یَعْلَمُوْنَ ﴿۲۷﴾

پس خداآنهارارسوائی چشاند در زندگانیدنیاوعذاب آخرت بزرگ تر است کاشکی میدانستند(۲۷)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِیْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ یَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۸﴾ ۚ

و البته در این قرآن از هر کدام مثل برای مردم بیان کرده ایم تا آنها پند بگیرند(۲۸)

قُرْاٰنًا عَرَبِیًّا غَیْرَ ذِیْ عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ یَتَّقُوْنَ ﴿۲۹﴾

این قرآن فصیح و بلیغ دارای هیچ کجی نیست تا آنها تقویٰ را فرا گیرند(۲۹)

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِیْهِ شُرَكَآءُ مُتَشٰكِسُوْنَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ ؕ هَلْ یَسْتَوِیٰنِ مَثَلًا ؕ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا یَعْلَمُوْنَ ﴿۳۰﴾

خدابیان میکند مثل چنین کس که وابسته به چندشریکان بهم مناقشه کنندگان است و مثل آن کس که کلیّة برای یك نفراست. آیاایندو یکسان حال اند؟ستایش مطلق از آنِ خدااست. امامرواقعی اینست که بیشتر ایشان نمیدانند(۳۰)

اِنَّكَ مَیِّتٌ وَّاِنَّهُمْ مَّیِّتُوْنَ ﴿۳۱﴾

یقینًا توهم میمیری ویقینًا آنها هم میمیرند(۳۱)

ثُمَّ اِنَّكُمْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُوْنَ ﴿۳۲﴾ ع

سپس یقینًا شما روزقیامت در حضور پروردگار خود با یکدیگر ستیزه خواهید کرد(۳۲)

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللّٰهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ اِذْ جَآءَهُ ۗ اَلَيْسَ فِىْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٣﴾

پس کیست ستمکارتر از آنکس که دروغ برخدا بندد و صدق را چون نزدش بیآید تکذیب کند. آیا برای کافران جایگاه درجهنم نیست؟(٣٣)

وَالَّذِىْ جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهٖۤ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿٣٤﴾

و کسیکه با صدق آید و [آنکه] به آن تصدیق نمایدهمانهاندکه پرهیز کارانند(٣٤)

لَهُمْ مَّا يَشَآءُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٣٥﴾

برای ایشان است نزد پروردگار ایشان هرچه بخواهند. شایسته کاران را این پاداش است( ٣٥)

لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ اَسْوَاَ الَّذِىْ عَمِلُوْا وَيَجْزِيَهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ الَّذِىْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٣٦﴾

تاخدا زشتیهای آن[اعمال]که می کردند را ازآنان دورسازد و آنان را بدهد پاداش ایشان به بهترین آن اعمال که میکردند(٣٦)

اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهٗ ۗ وَيُخَوِّفُوْنَكَ بِالَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ۗ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٧﴾

آیاخدابرای بنده خودبس نیست؟ و تورا میترسانند از آنانکه غیر از اویند و آنکه را خدا گمراه قراردهد پس او را هدایت دهنده ای نیست(٣٧)

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّضِلٍّ ۗ اَلَيْسَ

و آنکه را خدا هدایت دهد او را

اللّٰهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٨﴾

گمراه کنندهٔ ی نیست. آیا خدا صاحب غلبه کامل انتقام گیرندهٔ نیست؟(٣٨)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ ۚ قُلْ أَفَرَءَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كٰشِفٰتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكٰتُ رَحْمَتِهِ ۚ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ ۖ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٩﴾

و اگر از آنها بپرسی کی آسمانها و زمین را آفرید؟ حتمًا گویند خدا. پس بگو.آیا نگریستید که اگرخدا بخواهد مرا گزند رساند آنچه ها را بغیراز خدا میخوانید آیا آنها دورکننده زیان آن[گزند] اند؟واگر برای من برحمت اراده کندآیا آنهارحمت او را بازدارند ـگان اند؟ بگو خدا برای من بس است. توکل کنندگان براو توکل میکنند(٣٩)

قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾

بگو.ای قوم من! هرکاری که می خواهید برجای خود بکنید البته منهم کننده ای ام. پس بزودی بدانید(٤٠)

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٤١﴾

کِی را عذابی میرسد که او را خوار کند و بر او عذابی پایدار نازل میشود(٤١)

اِنَّآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۚ فَمَنِ اهْتَدٰى فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ﴿٤٢﴾

یقینًا ما کتاب را بر تو بحق برای[نفع] مردم نازلکرده ایم.پس هرکه هدایت یابد پس برای نفس اوست و آنکه گمراه شد پس فقط خلاف آن [نفس] گمراه شود و تو بر آنها نگهبان نیستی(٤٢)

اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا وَالَّتِيْ لَمْ تَمُتْ فِيْ مَنَامِهَا ۚ فَيُمْسِكُ الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٤٣﴾

خدا جانهارامنگام مرگشان قبض می کند وآنکه نمرده است را در خوابش [قبضکند]پس برآنکه مرگ گذرانیده شد او را نگه میدارد و دیگری را تازمان معیّن[پس] می فرستد.یقینًا در این آیتهای است برای قومیکه تفکر کنند(٤٣)

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُفَعَآءَ ۗ قُلْ اَوَلَوْ كَانُوْا لَا يَمْلِكُوْنَ شَيْـًٔا وَّلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٤٤﴾

آیاآنهاجزخداشفیمان گرفته اند؟ بگو. اگرچه آنهاچیزی را اختیار ندارند و عقل نمیکنند؟(٤٤)

قُلْ لِّلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيْعًا ۗ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٤٥﴾

بگو:شفاعت کاملًابدست خدااست. پادشامی آسمانها و زمین ازآن او است سپس بسوی او برگردانده شوید(٤٥)

وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ اشْمَاَزَّتْ قُلُوْبُ

و مرگاه خدای یگانه را ذکرشود

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٦﴾

دلهای آنها که به آخرت ایمان ندارند رنج برندوچون ذکرشود آنان را که غیراز اویند بیدرنگ شادمان میشوند(٤٦)

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ عٰلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٧﴾

بگو،ای‌خدا آفریدگارآسمانها و زمین دانای نهان وعیان! تو میان بندگان خود داوری کن درآن باره که درآن اختلاف میکنند(٤٧)

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٨﴾

و اگر بود همگی آنچه در زمین است ازآن آنها که ستمکردند و مانندآن بعلاوه آن حتماًآنرا برای نجات خویشتن از عذاب بد روز قیامت فدا میداند و برای ایشان ازجانب خدا پدید آید آنچه را گمان هم نمی کردند(٤٨)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٩﴾

و زشتیهای آنچه کسب کردند برای آنها پدیدار گردد و آنها را فراگیرد آنچه به آن تمسخر می کردند(٤٩)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنٰهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ

پس هرگاه انسان را گزندی می رسد ما را میخواند. سپس چون

عَلٰى عِلْمٍ ؕ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۵۰﴾

او را از جانب خود نعمت عطا کنیم گوید:این فقط بنابر دانشی داده شده ام. درحقیقت این فتنهٔ بزرگی است و اما بیشتر ایشان نمیدانند(۵۰)

قَدْ قَالَهَا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَاۤ اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۵۱﴾

البته آنانکه پیش از آنها بودند همین را گفته بودند. پس بکار ایشان نیآمد هرچه کسب می کردند(۵۱)

فَاَصَابَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا ؕ وَالَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ هٰۤؤُلَاۤءِ سَيُصِيْبُهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا ۙ وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿۵۲﴾

پس رسید به آنها بدیهای آنچه کسب کردندوکسانی از این مردم که ستم کردند را هم حتمًا برسد بدیهای آنچه بدست آوردند و آنها نتوانند[خدارا] بعجزآرند(۵۲)

اَوَلَمْ يَعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ؕ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۵۳﴾ ع

آیانمیدانندخدابرای هرکه خواهد رزق را فراخ نماید و تنگ می نماید. یقینًا دراین آیتهای است برای قومیکه ایمان میآرند(۵۳)

قُلْ يٰعِبَادِىَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰۤى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ

بگو.ای بندگان من که برجانهای خود تجاوز کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید. یقینًا خدا همه

الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾

گناهان را می آمرزد. یقینًا او بسیار آمرزندهٔ بارها رحمکننده است(٥٤)

وَأَنِيبُوٓا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٥﴾

و بسوی پروردگارخود انابت کنید و او را فرمانبردار شوید قبل از این که شمارا عذاب آید. سپس یاری داده نشوید(٥٥)

وَاتَّبِعُوٓا أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٦﴾

و پیروی کنید بهترین آنچه را که بسوی شمااز پروردگار شما نازل کرده شد پیش از آنکه عذاب شما را برسد درحالیکه شما درك هم نکنید(٥٦)

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّٰخِرِينَ ﴿٥٧﴾

مباداکسی گوید یا حسرتا! بر آن کوتاهی‌که درپهلوی[روبروی] خدا میکردم ومن که محض ازتمسخر کنندگان بودم(٥٧)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٨﴾

یابگوید،اگرخدامراهدایت میکرد حتمًا از متقیان میشدم(٥٨)

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٩﴾

یابگوید وقتی عذاب را بنگرد که اگر برایم یکبار بازگشتی باشد آنگاه ازنیکوکاران میشوم(٥٩)

بَلٰى قَدْ جَآءَتْكَ اٰيٰتِىْ فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٦٠﴾

بلی! البته ترا آیتهای من آمد و آنها را رد کردی و تکبر را بکار بردی و تو از کافران بودی(٦٠)

وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلَى اللّٰهِ وُجُوْهُهُمْ مُّسْوَدَّةٌ ۭ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٦١﴾

وروز قیامت کسانیکه برخدادروغ گفتند را خواهی دید که رویهای آنهاسیاه اند. آیا جایگاه تکبر کنندگان درجهنم نیست؟(٦١)

وَيُنَجِّى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ ۡ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوْٓءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦٢﴾

و خداکسانیکه تقویٰ فراگرفتند را نجات دهد با سربلندی ایشان، نه گزندی به ایشان برسد و نه ایشان اندومگین شوند(٦٢)

اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۡ وَّهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ﴿٦٣﴾

خدا آفریدگار هرچیز است و او بر هرچیزنگهبان است.(٦٣)

لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٦٤﴾ ع

کلیدهای آسمانها و زمین ازآن او است وکسانیکه به نشانه های خدا انکارکردند همانها اند که خسارت کاران اند(٦٤)

قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْٓنِّيْٓ اَعْبُدُ اَيُّهَا الْجٰهِلُوْنَ ﴿٦٥﴾

بگو، آیا مرا فرمان میدهید که غیر خدا را عبادت کنم؟ ای جاملان!(٦٥)

وَلَقَدْ اُوْحِيَ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ

و یقینًابسوی تو و بسوی آنها که

قَبۡلِكَ ۚ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٦٦﴾

از پیش تو بودند وحی کرده شد که اگر شرك کردی یقینًا عمل تو ضائع رود و حتمًا از خسارت کاران شوی(٦٦)

بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٦٧﴾

بلکه خدارا عبادت کن و از سپاس گذاران باش(٦٧)

وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٦٨﴾

و آنها قدر خدا را شایان قدر او نه شناختند و زمین روز قیامت کلیةً درمشت او باشد و آسمانهای پیچیده بدست راست او باشند. او پاك است و بلندتر از آنچه شرك ورزند(٦٨)++

وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ

و درصور دمیده شود و هرچه در آسمانهااست وهرچه درزمین است بیهوش افتدمگرآنکه راخداخواهد

++آیت ٦٨: دراین آیت نقشة قیامت کشیده شد: (١) در آنروز زمین کلیةً درقبضه خداباشد و(٢) تمامی آسمان یعنی کاینات پیچیده در دست راست او باشد. منظور از دست راست، دست قدرت است و نه دست راست صوری. موضوع پیچیدن کاینات در این زمان از روی پژوهش علمی کاملاًراست آمده است که زمین و آسمان بدان گونه داخل یك "بلیك هول فنا" کرده شوند گویی که آنها بهم پیچیده اند. در آیتهای دیگر به وضاحت بیشتر گفته میشود که منظور از تمثیل پیچیدن چه است.

اللهُ ۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٩﴾

سپس در آن دوباره دمیده شود. پس ناگهان آنان برپاایستاده می نگرند(٦٩)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتٰبُ وَجِايْٓءَ بِالنَّبِيّٖنَ وَالشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٧٠﴾

وزمین بنور پروردگارخود روشن گردد و نامه اعمال [روبرو] نهاده شود وپیغمبران وگواهی‌دهندگان احضارشوند ومیان ایشان قضاوت بحق کرده شود و ایشان ستم کرده نشوند(٧٠)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ ع

و هرتن آنچه عمل کرد کاملا داده شود و او داناتراست به آنچه می کنند(٧١)

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوٓا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتّٰىٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ اٰيٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا ۚ قَالُوا بَلٰى وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٧٢﴾

وکسانیکه کفرکردندگروه درگروه بسوی‌جهنم رانده شوند تاآن انتها که چون به آن برسنددرهایش گشوده شود و نگهبانانش به آنها گویند.آیا رسولان ازخودشما نزد شما نیآمده بودند که آیتهای پروردگارشمارا برشمامیخواندند و شمارا از ملاقات این روز شما مشدار میدادند؟ آنها گویند: بلی.

اما فرمان عذاب بر کافران راست آمد(٧٢)

قِيلَ ادْخُلُوٓا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِينَ فِيهَا ۚ فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٣﴾

گفته شود:به درهای جهنم وارد شوید که درآن مدت درازماندگان اید.پس چه زشت است جایگاه متکبران(٧٣)

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتّٰىٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خٰلِدِينَ ﴿٧٤﴾

و آنانکه خدا را تقویٰ کردند گروه درگروه ببهشت برده شوند حتّی چون به آن برسند درهای آن گشوده شودو نگهبانانش به ایشان گویند: درود برشما، خوشا بحال شما! پس جاودان به آن وارد شوید(٧٤)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعٰمِلِينَ ﴿٧٥﴾

وگویند:ستایش مطلق ازآن خدای است که ما را وعده خود وفا کرد و ما را وارث سرزمین [موعود] گرداند جا میسازیم در بهشت هر جا بخواهیم پس پاداش عمل کنندگان چه قشنگ است(٧٥)

وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ

و فرشتگان را بینی که پیرامون عرش را بدور گرفته باشند و

الْعَرْشِ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۚ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيْلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧٦﴾

باحمدپروردگارخودتسبیح گویند وقضاوت میان ایشان بداد شود و گفته شودستایش مطلق برای خدا پروردگارمه جهانها است(٧٦)

# ٤٠ -سورةالمومن

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ٨٦ آیت دارد.

حروف ابتدائی این سورة مقطعات حٰمٓ است و شش سورة بعدی نیز با همین مقطعات شروع کرده میشود.اینطور با این جمعاً هفت سورة است که با حٰمٓ شروع میشوند.خداوند داناتراست که این سورة ها را وابستگی که با سورة الفاتحة است آن چیست؟

درسورۂ گذشته فرزندان آدم توصیه شدند که از رحمت خدا نباید نومید شد.قنوط[نومیدی]اصلاًصفت شیطان است. آنکس که بر رحمت خدا از ته قلب توکل کند و ازگناهان خود توبه حقیقی کند آنگاه خداوند توانا است که همه گناهانش را بیآمرزد.

برهمین منوال در سورة گذشته فرشتگان حآفّین خوانده شدند که ایشان پیرامون عرش را احاطه کرده اند.اما دراین سورة علاوه کرده شدکه آمرزش شما وابستگی به دعاهای فرشتگان نیز دارد که عرش خدا را بدوش گرفته اند.خداوند هرجا موجود است و او هریك چیز کاینات را برداشته است. لذا اینجا ذکرازصفات تنزیه اومیباشدوعرش دال برصفای قلب آنحضرت ﷺ است.آن تختگاه خدای متعال است.فرشتگان برای تقویت قلب ایشان آنرا از هرچهارسوفراگرفته اند. ایشان برای بندگان گنهکاران خدا نیز دعا می کنند و بعلاوه برای نژاد ایشان نیز. پس یقیناً این دال برآن ادعیه برخاسته از عرش دل رسول الله ﷺ است که ایشان تا قیامت برای نیکو کاران خدا در آتیه و نژاد ایشان کرده اند.

دراین سورة ذکرازآن شهزاده است که چون فرعون درصددشدکه حضرت موسیٰ را بکشد، او ایمان آورده بود ولی آنرا پنهان داشت. اما چون جلوی او طوطئه ای بقتل حضرت موسیٰ چیده شد آنگاه او از اظهار ایمان خود نتوانست بازأیستد و بقوم خود هشداری بزرگ دادکه اگرموسیٰ دروغ گوی است او را ول کنید چه دروغگویان خود به خود هلاك میشوند. اماگر او بر راستی استوارباشد آنگاه او از آنچه ها شمارا میترساند بعضی از آنها شما را فراگیرد.

اینجا قومهارا برای همیشه نصیحتی است که کار مدعیان نبوت به خدا بسپارند. اگر ایشان دروغگو اند او خود ایشان را هلاك سازد و اگر ایشان درستکار باشند و شما بدیشان انکار کردید آنگاه از وعیدهای ایشان بعضی را برخودتان راست آمده خواهید دید. چون این اعلام به آن مدعیان نبوت هم بستگی دارد که بعد از رسول الله ﷺ به نبوت مدعی شده بودند لذا سرگذشتهای آن مدعیان حاکی است که کسانی ازآنهاکه دروغگوبودند هلاك کرده و بفراموشی سپرده شدند.

به نسبت نبوت حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر از مدعی بودن مردم به این امراست که پس از ایشان هیچ پیغمبری ظهور نخواهد کرد. اگر این سخن درست بوده آنگاه چطور رسول الله ﷺ بعد از حضرت یوسف به پیغمبری برگزیده شدند؟پس این ادعای محض از آن مردم است که از تقدیر خدائی هیچ دانشی ندارند. هرچیزی بسته توان شد مگر راه فضل خدا. ضمناً بدنبال اینکه خداوند دروغگویان را هلاك میسازد این آگاهی هم داده شد که او راستگویان راحتماًیاری میدهد. پس هرچه زور دارید بکار برید هیچگاه

شما نتوانید پیغمبران راستین خدا رابشکست روبروکنید.

آیت ٦٦ باردیگر به خالص کردن دین مورد تاکید قرار میدهد بدین جهت که جزخدای زنده دیگرهیچ معبودی نیست. پس دین را برای او خالص کرده فقط او را بخوانید.

☆ سُوْرَةُ الْمُؤْمِنِ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّثَمَانُوْنَ ايَةً وَّتِسْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

حٰمٓ ②

حمید، مجید ـ صاحب حمد صاحب تمجید(۲)

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ③

نازلکردن این کتاب از خدا صاحب غلبه کامل دانائی کامل است(۳)

غَافِرِ الذَّنْۢبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ④

آمرزنده گناهان و پذیرنده توبه ـ سخت کیفر ـ صاحب دَهش و وسعت است. هیچ معبودی نیست جز او. بازگشت بسوی اوست(٤)

مَا يُجَادِلُ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ اِلَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ⑤

در آیایتهای خدا ستیزه نکند جز آنهائیکه کفر کردند. پس آمد و رفت آنها آزادانه در کشور تو را فریب ندهد(۵)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّالْاَحْزَابُ مِنْۢ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ اُمَّةٍ

قوم نوح پیش از آنها و گروهای مختلف پس از آنها نیز تکذیب کرده بودند و هر قوم [نسبت] به

بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَٰدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٦﴾

رسول خود همت را به این اراده گمارده بودند که او را بگیرند و بدروغ [با او] مجادله کنند تا حق را بدان رد کنند. پس آنها را بگرفتم. پس [بنگرید که] عقوبت من چطوربود(٦)

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ النَّارِ ﴿٧﴾

و اینگونه فرمان پروردگارتو بر آنهائیکه کفرکردند راست میآید که آنها واردان آتش اند(٧)

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٨﴾

آنانکه عرش را بدوش گرفته اند و آنانکه پیرامون آنند با حمد پروردگارخودتسبیح میخوانند و بدو ایمان میآرند و آمرزش می طلبند برای آنانکه ایمان آوردند -پروردگارا! هرچیز را برحمت ودانش فراگرفته ای.پس کسانیکه توبه کردند و راه تو را پیروی کردند را بیآمرز و ایشان را از عذاب جهنم نگهدار(٨)

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ الَّتِي

پروردگارا! ایشان را به بهشت های دایم داخل کن آنکه را وعدهٔ

وَعَدْتَّهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ ؕ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۙ﴿۹﴾

داده بودی به ایشان و آنکه از پدران ایشان و همسران ایشان و فرزندان ایشان نیکوکاری کند. یقیناًتوصاحب غلبه کامل صاحب حکمت هستی(۹)

وَقِهِمُ السَّيِّاٰتِ ؕ وَمَنْ تَقِ السَّيِّاٰتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهٗ ؕ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿۱۰﴾ ع

وایشانرا از زشتیها نگهدار و هر که را آنروز از[نتائج]بدیها حفظ کردی پس یقیناً وی را رحمت کردی و همین موافقیت بزرگی است(۱۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللّٰهِ اَكْبَرُ مِنْ مَّقْتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ اِذْ تُدْعَوْنَ اِلَى الْاِيْمَانِ فَتَكْفُرُوْنَ ﴿۱۱﴾

همانا آنهاکه کفرکردندصداشوند که نفرت خدااز نفرت بهم شما بزرگ تراست.چون به ایمان خوانده می شدید آنگاه انکار میکردید(۱۱)

قَالُوْا رَبَّنَآ اَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوْبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوْجٍ مِّنْ سَبِيْلٍ ﴿۱۲﴾

گویند:پروردگارما!تو مارا دوبار میراندی ودوبارزنده کردی پس مابه گناهان خودا قرارمینمایم.پس آیاازین راه گریزاست؟(۱۲)++

++آیت۱۲ :بظاهرآدمی یکبار میرد. البته دوبار زنده شدنش بعقل میرسد.یکی این زندگی و دومین آن زندگی بعدی. در"اَمَتَّنَاالثنَتَین" منظور از نخستین مرگ عدم کلی است یعنی نخست بار مارا از عدم کلی بوجود آورده بودی.

ذٰلِكُمْ بِاَنَّهٗٓ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهٗ كَفَرْتُمْ ۚ وَاِنْ يُّشْرَكْ بِهٖ تُؤْمِنُوْا ۭ فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيْرِ ⑬

اینحال شما است چه هرگاه خدا به یگانگی خوانده میشد انکار میکردید و اگر بدو شریك آورده میشد باور میکردید .پس [اکنون] فیصله کلیةً دراختیارخدااست که بسیاربلندتر ،بسیاربزرگست(۱۳ )

هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَاۗءِ رِزْقًا ۭ وَمَا يَتَذَكَّرُ اِلَّا مَنْ يُّنِيْبُ ⑭

اوست که شمارا نشانه های خود نشان دهد و برایشما رزق را از آسمان نازل کند و پندنگیرد جز آنکه انابت کند(۱٤ )

فَادْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ⑮

پس خدا را بخوانید اطاعت را برای او اختصاص داده اگرچه کافران ناپسند دارند(۱۵ )

رَفِيْعُ الدَّرَجٰتِ ذُو الْعَرْشِ ۚ يُلْقِي الرُّوْحَ مِنْ اَمْرِهٖ عَلٰي مَنْ يَّشَاۗءُ مِنْ عِبَادِهٖ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ⑯

او صاحب درجاتی بلند پایه و صاحب عرش است.روح رابفرمان خودنازل کند بر هرکه از بندگان خود میخواهد تا به روز ملاقات مشدار دهد(۱٦ )

يَوْمَ هُمْ بٰرِزُوْنَ ڬ لَا يَخْفٰى عَلَي اللّٰهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۭ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۭ لِلّٰهِ

روزیکه ایشان بیرون آیند چیزی از[حال]ایشان برخدامخفی نباشد امروزپادشاهی‌ازآن کیست؟ برای

الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٧﴾

خدااست که یکتای‌صاحب جبروت است(۱۷)

اَلْيَوْمَ تُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ ؕ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿١٨﴾

امروز هرنفس مزد داده شود به آنچه کسب کرد.امروز ستمکاری نیست.یقیناً خدازودحسابست(۱۸)

وَاَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ اِذِ الْقُلُوْبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كٰظِمِيْنَ ؕ مَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ حَمِيْمٍ وَّلَا شَفِيْعٍ يُّطَاعُ ﴿١٩﴾

و آنها را از روز عقوبت نزدیک شده بترسان.گامیکه دلها از اندوه به گلوها برسد. ستمکاران را نه باشد دوست صمیمی و نه شفیعی که قبول کرده شود(۱۹)

يَعْلَمُ خَآئِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِى الصُّدُوْرُ ﴿٢٠﴾

اومیداندخیانت چشمان را وآنچه را سینه هاپنهان کنند(۲۰)

وَاللّٰهُ يَقْضِىْ بِالْحَقِّ ؕ وَالَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا يَقْضُوْنَ بِشَىْءٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٢١﴾ ع

وخداباحق قضاوت میکندوآنهائی راکه جزاوخوانندچیزی‌راقضاوت نکنند.یقیناًخدا است که او بسیار شنوای بیناست(۲۱)

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ كَانُوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ كَانُوْا هُمْ اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاٰثَارًا فِى الْاَرْضِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ

آیا در زمین گردش نکردند تا می دیدند که فرجام آنها چطورشد که از پیش آنها بودند.آنها باکمالتر از اینها درنیرو و نشانیهای وا گذارده در زمین بودند.پس خدا

بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ﴿٢٢﴾

آنها را به گناهان ایشان بگرفت و آنها راکسی از خدا نجات دهندهٔ نبود(٢٢)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَكَفَرُوْا فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ ۗ اِنَّهٗ قَوِيٌّ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿٢٣﴾

این بود چه آنان را رسولان ایشان با نشانه های آشکار میآمدند بازهم آنان انکار کردند. پس خدا آنها را بگرفت.یقینًا او بسیار نیرومند و سخت عقوبت است(٢٣)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢٤﴾

یقینًا موسیٰ را با نشانه های خود و دلیلی غالب و آشکار فرستادیم(٢٤)

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَقَارُوْنَ فَقَالُوْا سٰحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٥﴾

بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند اینکه جادوگری بسیار دروغ پرداز است(٢٥)

فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوْٓا اَبْنَآءَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ وَاسْتَحْيُوْا نِسَآءَهُمْ ۗ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٢٦﴾

پس گامیکه او ازجانب ما ایشان را بحق آمدگفتند:پسران ایشان را بکشید که با او ایمان آوردند و زنان ایشان را زنده نگهدارید ونیرنگ کافران نیست مگر بهدر رونده (٢٦)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِيْٓ اَقْتُلْ مُوْسٰى وَلْيَدْعُ رَبَّهٗ ۚ اِنِّيْٓ اَخَافُ اَنْ يُّبَدِّلَ دِيْنَكُمْ اَوْ اَنْ يُّظْهِرَ فِي الْاَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٧﴾

وفرعون گفت بگذارید من موسیٰ را بکشم و او باید پروردگارخود را بخواند.براستی من میترسم که دین شمارا عوض کند یا فساد را در زمین شیوع دهد(٢٧)

وَقَالَ مُوْسٰٓى اِنِّيْ عُذْتُ بِرَبِّيْ وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٨﴾ ع ٣ ٧ ٨

وموسیٰ گفت:یقیناً من به پروردگار خودوپروردگارشماپناه میبرم از هر تکبر کنندهٔ که به روزحساب ایمان نمیآرد(٢٨)

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ ۖ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ اِيْمَانَهٗٓ اَتَقْتُلُوْنَ رَجُلًا اَنْ يَّقُوْلَ رَبِّيَ اللّٰهُ وَقَدْ جَآءَكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ مِنْ رَّبِّكُمْ ۗ وَاِنْ يَّكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهٗ ۚ وَاِنْ يَّكُ صَادِقًا يُّصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِيْ يَعِدُكُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٩﴾

و گفت مردی مؤمن از فرعونیان که ایمان خودرا پنهان داشته بود آیامردی را برای این میکشید که اومیگوید،خدا پروردگارمن است و شمارا با نشانه های آشکار از پروردگار شما آمده است؟و اگر دروغگوباشد پس دروغش برخود او است و اگر راستگواست پارهٔ ازآن چیزها که شمارا میترساند شمارا میرسد.یقیناً خدا آنرا که او تجاوزگر و سخت دروغگو است هدایت نمیدهد(٢٩)++

يٰقَوۡمِ لَكُمُ الۡمُلۡكُ الۡيَوۡمَ ظٰهِرِيۡنَ فِى الۡاَرۡضِ فَمَنۡ يَّنۡصُرُنَا مِنۡۢ بَاۡسِ اللّٰهِ اِنۡ جَآءَنَا ؕ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَاۤ اُرِيۡكُمۡ اِلَّا مَاۤ اَرٰى وَمَاۤ اَهۡدِيۡكُمۡ اِلَّا سَبِيۡلَ الرَّشَادِ ﴿۳۰﴾

ای قوم من! امروز بدست شما چنین پادشاهی است که در زمین چیره می شویدپس کی مارایاری دهد ازگرفت عذاب خدا اگر ما را بیآید. فرعون گفت فقط آنچه بشما حالی کنم آنچه را حالی میشوم و شما را فقط براه هدایت رهنمائی میکنم(۳۰)

وَقَالَ الَّذِىۡۤ اٰمَنَ يٰقَوۡمِ اِنِّىۡۤ اَخَافُ عَلَيۡكُمۡ مِّثۡلَ يَوۡمِ الۡاَحۡزَابِ ۙ﴿۳۱﴾

و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من!یقیناً من میترسم بر شما [روزگاری] مانند روز احزاب نه آید(۳۱)

++آیت ۲۹:آن مرد مومن که ذکرش دراین آیت است او از خویش وندان و از سرداران بزرگ فرعون بود و مانند حضرت آسیه او نیز به حضرت موسیٰ ایمان آورده بود. اما ایمان خود را پنهان میداشت.

ازاین آیت میرسد هنگامیکه فرعون و سردارانش به قتل حضرت موسیٰ تصمیم میگرفتند او ایمان مخفی خود را علنی نمود و به آنها پند نمود که دست از اینکار بردارند ودلیلی آورد که اگر او دروغگوی است پس گزند دروغ برخود او میفتد. کسیکه به اونسبت دروغ داده شد او خودش آن دروغگوی را مواخذه کند. اما اگر او راستگوی درآمد آنگاه آفت های که او پیشگوئی میکند بعضی از آنها دنبال شما افتاده منجربه هلاك شماشوند.این علامت دایمی‌ازپیغمبران راستگویان است و ملت های که بسوی ایشان پیغمبران مبعوث میشوند برای ایشان پندی استوار است.

مِثْلَ دَاْبِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّ عَادٍ وَّ ثَمُوْدَ وَالَّذِيْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ؕ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ﴿۳۲﴾

مانند روش قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه پس ازآنان بودند وخدا برای بندگانخود ستم را قصد نه دارد(٣٢)

وَيٰقَوْمِ اِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿۳۳﴾ۙ

و ای‌قوم من!براستی من بیم دارم بر شما از روزیکه صدای بلند به همدیگر زده خواهد شد.(٣٣)

يَوْمَ تُوَلُّوْنَ مُدْبِرِيْنَ ۚ مَا لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿۳۴﴾

روزیکه پشت کرده پابفرارنهید شمارا ازخدانجات دهندۀ ی نباشد و هرکه را خدا گمراه قرار دهد پس کسی او را هدایت دهندۀ نیست(٣٤)

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوْسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا زِلْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُمْ بِهٖ ؕ حَتّٰٓى اِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَّبْعَثَ اللّٰهُ مِنْۢ بَعْدِهٖ رَسُوْلًا ؕ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابُ ﴿۳۵﴾ۚۖ

البته شما را یوسف هم پیش از این با نشانه های روشن آمده بود. پس شما مدام در شک ماندید از آنچه که با آن شمارا آمد تا آن انتها که چون او درگذشت گفتید که خدا بعد از او رسولی را مبعوث نخواهدکرد. اینگونه خدا گمراه میگرداند آنکس را که او تجاوز گری در شک فرو رونده

است(٣٥)

الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۭ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۭ كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰي كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٦﴾

کسانیکه درباره آیتهای خدا مجادله کنند بدون دلیل قاطعی که آنها را آید گناهی بزرگست نزد خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند. اینطور خدا بردل هرکدام متکبر زور گو مهر مینهد(٣٦)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰهَامٰنُ ابْنِ لِيْ صَرْحًا لَّعَلِّيْٓ اَبْلُغُ الْاَسْبَابَ ﴿٣٧﴾

و فرعون گفت: ای هامان برای من کاخی بنا کن تامن به آن راه ها برسم(٣٧)

اَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَاَطَّلِعَ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوْسٰى وَاِنِّىْ لَاَظُنُّهٗ كَاذِبًا ۭ وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوْۗءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيْلِ ۭ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ اِلَّا فِيْ تَبَابٍ ﴿٣٨﴾

راه های آسمانها تا بسوی خدای موسیٰ نگاه دزدکی کنم و براستی من حتمًا او را دروغگو گمان می کنم و اینگونه برای فرعون اعمال زشتش زیبانشان داده شد و از راه بازداشته شد و نبود نیرنگ فرعون جز غرق در بی مرادی(٣٨)

ع ١٠ ٩

وَقَالَ الَّذِيٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ﴿٣٩﴾ ج

و گفت آنکه ایمان آورده بود:ای قوم من!مرا پیروی کنید.شمارا راه هدایت نشان خواهم داد(٣٩)

يٰقَوْمِ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ۫ وَّاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٤٠﴾

ای قوم من!این زندگانی دنیا سر و سامان موقتی بیش نیست و یقینًا آن سرای آخرت است که شایان منزل گاه است(٤٠)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰٓى اِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤١﴾

هرکه زشتکاری کند پس پاداش داده نشود مگر مانندش و هرکه از مرد یا زن نیکوکاری‌کند و او مومن است پس همانهاوارد بهشت شوند. رزق در آن بدون حساب داده شوند(٤١)

وَيٰقَوْمِ مَا لِيٓ اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجٰوةِ وَتَدْعُوْنَنِيٓ اِلَى النَّارِ ﴿٤٢﴾ ط

و ای قوم من! مرا چیست که شما را بسوی نجات میخوانم حالی که شمامرابسوی‌آتش میخوانید(٤٢)

تَدْعُوْنَنِيْ لِاَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَاُشْرِكَ بِهٖ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ ۫ وَّاَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٣﴾

مرامیخوانید تا به خدا انکارکنم و آنچه راشریك او قراردهم که به آن مرا دانشی‌نیست و من شمارا بسوی‌صاحب غلبه کامل آمرزگار میخوانم(٤٣)

| | |
|---|---|
| لَا جَرَمَ اَنَّمَا تَدْعُوْنَنِيْٓ اِلَيْهِ لَيْسَ لَهٗ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْاٰخِرَةِ وَاَنَّ مَرَدَّنَآ اِلَى اللّٰهِ وَاَنَّ الْمُسْرِفِيْنَ هُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ﴿٤٤﴾ | بیگمان مرا میخوانید بسوی آنچه برای خواندن آن نه در دنیا جواز است و نه درآخرت و اینکه یقینًا بازگشت مابسوی خدا است واینکه یقینًاتجاوزگرانندکه اهل آتشند(٤٤) |
| فَسَتَذْكُرُوْنَ مَآ اَقُوْلُ لَكُمْ ۗ وَاُفَوِّضُ اَمْرِيْٓ اِلَى اللّٰهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيْرٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿٤٥﴾ | پس یقینًا یادخواهید کرد آنچه بشما میگویم وکارخودرا به خدا میسپارم. یقینًا خدا بندگان را نیك بینا است(٤٥) |
| فَوَقٰىهُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِ مَا مَكَرُوْا وَحَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوْٓءُ الْعَذَابِ ۚ ﴿٤٦﴾ | پس خدا او را نگهداشت از بدیهای آنچه نیرنگ میکردند و فرعونیان را عذاب بد احاطه کرد(٤٦) |
| اَلنَّارُ يُعْرَضُوْنَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَّعَشِيًّا ۚ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ ۗ اَدْخِلُوْٓا اٰلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٧﴾ | آتش - صبح و شام برآن عرضه می شوند وهنگامیکه قیامت برپاشود [گفته شود که] فرعونیان را به داخل عذاب سختترکنید(٤٧) |
| وَاِذْ يَتَحَآجُّوْنَ فِي النَّارِ فَيَقُوْلُ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا | و هنگامیکه درآتش بهم ستیزه کنند پس مستضعفان به مستکبران گویند.یقینًاماپیروان شما بودیم. |

فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا نَصِيْبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٨﴾

پس آیا شما میتوانید بخشی از عذاب را از ما دور سازید؟(٤٨)

قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُلٌّ فِيْهَآ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٩﴾

گویندکسانیکه تکبرکردند یقینًا ما همه درآن ایم. یقینًاخدابین بندگان حَکم کرده است(٤٩)

وَقَالَ الَّذِيْنَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوْا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٥٠﴾

و آنهائیکه درآتش باشند به نگه بانان جهنم گویند:پروردگارخود را دعا کنید که یك روز که کمی عذاب را از ما بکاهد(٥٠)

قَالُوْٓا اَوَلَمْ تَكُ تَاْتِيْكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوْا بَلٰى قَالُوْا فَادْعُوْا وَمَا دُعٰٓؤُا الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٥١﴾

گویند: آیا شما را رسولان شما بانشانه های روشن نمیآمده بودند. گویند،بلی.گویندپس دعاکنید. اما دعای‌کافران مگرپوچ است (٥١)

اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُوْمُ الْاَشْهَادُ ﴿٥٢﴾

یقینًا ما به رسولان خود و آنها که با ایشان ایمان آوردند را هم دراین دنیایاری دهیم و هم روزی که گواهان برپاخیزند(٥٢)++

++آیت٥٢: خداوند پیغمبران خود را حتماً یابندگان نصرت خود قرار میدهد. يَوْمَ يَقُوْمُ الْاَشْهَادُ را مطلب قیامت یعنی روز فیصله است ـ روزیکه برخلاف مجرمان گواهی های ناقابل تردید ارائه داده شود.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظّٰلِمِيْنَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْٓءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

آنروزستمکاران را عذر خواستن آنهاسودی‌نبخشدو برای آنها لعنت و برای آنها خانهٔ بد است(٥٢)

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْهُدٰى وَاَوْرَثْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ الْكِتٰبَ ﴿٥٣﴾

ویقینًا ما موسیٰ را هدایت دادیم و بنی اسرائیل را وارث کتاب نمودیم(٥٤)

هُدًى وَّذِكْرٰى لِاُولِى الْاَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

که خردمندان راهدایت و اندرزی بود(٥٥)

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿٥٥﴾

پس صبرکن.یقینًاوعده پروردگار توحق است و برای خطاهای خود استغفار کن و با حمد پروردگار خود تسبیح بخوان شامگاهان وبامگاهان(٥٦)++

اِنَّ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۙ اِنْ فِيْ صُدُوْرِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيْهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۭ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٥٦﴾

هماناکسانیکه درباره آیات خدا بدون آنکه دلیلی‌قاطع آنهارا آمده باشد ستیزه کنند نیست در دلهای ایشان جزخودخواهی‌آنچه را آنها نرسند. پس به خداپناه بر.یقینًااو بسیار شنوای بینا است(٥٧)

++آیت ٥٦:معنای "ذنب" نسبت به آنحضرت ﷺ بمعنای از یادرفتن و سهوی است و نه سرزدن گناه.

لَخَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝٥٨

آفرينش آسمانها و زمين يقينًا بزرگتر است ازآفرينش انسانها و اما بيشتر مردم نميدانند(٥٨)

وَمَا يَسْتَوِى الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَلَا الْمُسِىْٓءُ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَتَذَكَّرُوْنَ ۝٥٩

ونيستنديكسان نابينا و بينا نه هم آنانكه ايمان آوردند ونيكوكاريها كردند و زشت كاران [يكسان] اند. كم است پند آنچه شما مى پذيريد(٥٩)

اِنَّ السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۝٦٠

همانا ساعت حتمى الوقوع است. در اين شكى نيست و اما بيشتر مردم ايمان نمى‌آرند(٦٠)

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُوْنِىْٓ اَسْتَجِبْ لَكُمْ ۭ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِىْ سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دٰخِرِيْنَ ۝٦١ ع

وپروردگارشما گفت مرا بخوانيد شمارااجابت ميكنم.البته كسانيكه ازعبادت من كبر ورزندحتمًابذلت وخوارى بداخل جهنم گردند(٦١)

اَللّٰهُ الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ۝٦٢

خدا است آنكه براى شما شب را قرار داد تا در آن آرامش يابيد و روز را بينائى بخش. يقينًا خدا رابر مردم فضلى زياد است و اما بيشترمردم سپاس نگذارند(٦٢)

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ

اينست خداپروردگارشماآفريننده

لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۫ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٦٣﴾ وقف لازم

هر چیز.هیچ معبودی نیست جزاو. پس کجافریب داده میشوید(٦٣)

كَذٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِيْنَ كَانُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ ﴿٦٤﴾

همینطور فریب داده شوند کسانی که به آیات خدا انکار کنند(٦٤)

اَللّٰهُ الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّالسَّمَآءَ بِنَآءً وَّ صَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ ۭ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ ۚ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٥﴾

خدا است آنکه زمین را قرارگاه وآسمان را موجب بقاء[شما] قرار داد و شماراصورت داد وصورتهای شما را نیکوترساخت و شمارا از پاکیزه هارزق درداد. اینست خدا پروردگارشما.پس تنها همان خدا صاحب برکت ثابت شدکه پروردگار تمامی جهانها است(٦٥)

هُوَ الْحَىُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۭ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٦﴾

اوست زنده. نیست معبودی جز او. پس دین را برای او خالص نموده او رابخوانید.ستایش مطلق برای خدا پروردگار همه جهانها است(٦٦)

قُلْ اِنِّىْ نُهِيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَمَّا جَآءَنِىَ الْبَيِّنٰتُ مِنْ رَّبِّىْ ۡ وَاُمِرْتُ اَنْ اُسْلِمَ لِرَبِّ

بگو.براستی من نهی شده ام که عبادت کنم آنها را که جز خدا می خوانید گاهیکه مرااز پروردگارم نشانه های روشن آمده است و

الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٧﴾

امر شده ام که کاملًا فرمانبردار پروردگارهمه جهانهابشوم(٦٧)

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْۤا اَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُوْنُوْا شُيُوْخًا ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفّٰى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوْۤا اَجَلًا مُّسَمًّى وَّلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾

اوست آنکه شما را از گل باز از نطفه باز از خون بسته آفرید. سپس شماراکودکی بیرون میآرد. سپس [توفیق بخشد] تا بحد بلوغ خودبرسیدتا از آن پس به پیران سال باشیدوتابنهایت زمانی معیّن خودبرسید.و بعضی ازشما از قبل وفات داده شوند، و [این است] تا شما عقل کنید(٦٨)

هُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۚ فَاِذَا قَضٰۤى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿٦٩﴾ ع

اوست آنکه زنده کند هم می میراند.پس هرگاه به امری تصمیم گیرد پس برای آن فقط میگوید باش آنگاه آن رونهد و منتها می شود(٦٩)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْۤ اٰيٰتِ اللّٰهِ ؕ اَنّٰى يُصْرَفُوْنَ ﴿٧٠﴾

آیا ندیدی کسانی را که درآیات خدامحاجه میکنند.آنهاکجامنحرف کرده میشوند(٧٠)

الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِالْكِتٰبِ وَبِمَاۤ اَرْسَلْنَا بِهٖ رُسُلَنَا ۛ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿٧١﴾

کسانیکه انکارکردند بکتاب و به آن امورکه با آن رسولان خود را

میفرستادیم پس آنها بزودی خواهند دانست(٧١)

اِذِ الْاَغْلٰلُ فِیْٓ اَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلٰسِلُ یُسْحَبُوْنَ ﴿٧٢﴾

گامیکه در گردنهای ایشان طوق باشد و زنجیرها [باآنچه] کشیده شوند(٧٢)

فِی الْحَمِیْمِ ثُمَّ فِی النَّارِ یُسْجَرُوْنَ ﴿٧٣﴾

در آبی جوشان. سپس در آتش انداخته شوند(٧٣)

ثُمَّ قِیْلَ لَهُمْ اَیْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ ﴿٧٤﴾

سپس برایشان گفته شود:کجا اند که شما آنها را شریك قرار می دادید(٧٤)

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا بَلْ لَّمْ نَكُنْ نَّدْعُوْا مِنْ قَبْلُ شَیْـًٔا كَذٰلِكَ یُضِلُّ اللّٰهُ الْكٰفِرِیْنَ ﴿٧٥﴾

بغیرازخدا ـ گویند:از ما گم شده اند. بلکه ماکه پیش از این چیزی رانمیخواندیم.اینطورخدا کافران را گمراه قرارمیدمد(٧٥)

ذٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُوْنَ فِی الْاَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُوْنَ ﴿٧٦﴾

این است چه شما در زمین بناحق شادمانی میکردید و چه شما فیس میکردید(٧٦)

اُدْخُلُوْٓا اَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَكَبِّرِیْنَ ﴿٧٧﴾

داخل درهای‌جهنم شوید ـ درآن مدت دراز منزل کنندگانید.پس منزلگاه متکبران بسیار زشت است(٧٧)

فَاصۡبِرۡ اِنَّ وَعۡدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَاِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ الَّذِىۡ نَعِدُهُمۡ اَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيۡنَا يُرۡجَعُوۡنَ ﴿۷۸﴾

پس صبرکن. یقینًا وعده خدا حق است پس اگربرخی آنکه آنهارا اخطار میکردیم تورا نشاندهیم یا تو را وفات دهیم بحرحال بسوی ما برگردانده شوند(۷۸)

وَلَقَدۡ اَرۡسَلۡنَا رُسُلًا مِّنۡ قَبۡلِكَ مِنۡهُمۡ مَّنۡ قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَ ؕ وَمَا كَانَ لِرَسُوۡلٍ اَنۡ يَّاۡتِىَ بِاٰيَةٍ اِلَّا بِاِذۡنِ اللّٰهِ ۚ فَاِذَا جَآءَ اَمۡرُ اللّٰهِ قُضِىَ بِالۡحَـقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الۡمُبۡطِلُوۡنَ ﴿۷۹﴾ ع ٨ ١٠ ١٣

والبته پیش ازتوهم رسولانی را فرستادیم. بودند از ایشان آنانکه برتو ذکر کرده ایم و بودند از ایشان آنان که بر تو ذکر نکرده ایم و رسولی را ممکن نیست که بدون اذن خدا آیتی بیآرد. پس چون امرخدا آید قضاوت به داد کرده شودوتکذیب کنندگان آنگاه زیان کنند(۷۹)++

اَللّٰهُ الَّذِىۡ جَعَلَ لَـكُمُ الۡاَنۡعَامَ لِتَرۡكَبُوۡا مِنۡهَا وَمِنۡهَا تَاۡكُلُوۡنَ ﴿۸۰﴾

خدااست آنکه چهارپایان رابرای شماساخت تابعضیازآنهاراسواری

++آیت۷۹ : نخستین سخن در این آیت لایق تذکراینست که ازمیان بیشمار پیغمبران فقط برخی ازایشان بزبان رسول الله ﷺ ذکرشده اند. امااین کل تعداد پیغمبران نیست. بلکه از میان پیغمبران گوناگون تعدادی بعنوان نمونه ارائه شده اند.در حالیکه بطور نمونه اجتماعیایشان آنحضرتﷺ را ذکراست. درقرآن مجید با رسول الله ﷺ جمعاً۲۵ پیغمبران راطبق پیشگوئیمکاشفات ذکراست[مکاشفه باب ٤-۱۱].

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨١﴾

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨٢﴾

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٣﴾

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨٤﴾

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ

کنیدواز آنهابعضی رامیخورید(۸۰)

و شما را در آنها منافع است و تا برآنها[سوارشده]حاجتی دردلهای خود را برآورید و برکشتیها نیز برداشته میشوید(۸۱)

و شمارا آیتهای خود نشان میدهد پس شما کدامین آیتهای خدا را انکارخواهید کرد؟(۸۲)

پس آیادرزمین سَیرنمیکردند پس میدیدندکه فرجام آنهاکه ازپیش آنها بودند چطور شد؟ ایشان از اینهابیشتروباکمالتردرنیرومندی و واگذاردن آثار[عظمت] در زمین بودند. پس هیچ بدرد آنها نخورد آنچه کسب میکردند(۸۳)

پس هرگاه ایشان را پیغمبران ایشان بانشانه های آمدند شادمان ماندندبه همان دانش که نزدایشان بودوفراگرفت آنهارامان تمسخر که آنرا میکردند(۸۴)

پس چون عذاب مارادیدند. گفتند

وَكَفَرۡنَا بِمَا كُنَّا بِهٖ مُشۡرِكِيۡنَ ﴿٨٥﴾

ما ایمان آورده ایم به خدا که او یگانه است و انکار کرده ایم بر اساس آنچه با اوشرك ورزندگان بودیم(٨٥)

فَلَمۡ يَكُ يَنۡفَعُهُمۡ اِيۡمَانُهُمۡ لَمَّا رَاَوۡا بَاۡسَنَا ؕ سُنَّتَ اللّٰهِ الَّتِىۡ قَدۡ خَلَتۡ فِىۡ عِبَادِهٖ ۚ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الۡكٰفِرُوۡنَ ﴿٨٦﴾ ع

پس ایشان راایمان ایشان سودی نیآوردچون عذاب ماراديدند. این سنت خدا است که جهت بندگانش گذشته است و کافران آنوقت زیان کشیدند(٨٦)

# ٤١-حٰمٓ السجده

این سورة مکی است و با بسم الله ۵۵ آیت دارد.

پس از سورة المومن سورة حٰمٓ السجده است. ابتدای این سورة نیز با مقطعات حٰمٓ میشود. بمحض شروع این سورة ادعا میشود که قرآن مجید نازل شده است در آن زبان فصیح و بلیغ که آن موضوعات را به روشنی بیان کرده است. امامنکران در پاسخ میگویند که بر دلهای ما پردهٔ ی است، گوشهای ماسنگین و میان ما و شماحجابی حائل است و رسول الله ﷺ را مخاطب ساخته اعلام میکنندکه هرچه میتوانی بکن و ما هم باعزم در کارخود مشغول هستیم. اکنون نباید این امر بخیال افتاد که دشمنان انبیاءایشانرا بی آزار آزاد به انجام دادن هرکارمیگذارند.بلکه مفهوم اینست که توکارخود را ادامه بده و ماپیوسته سعیخواهیم کرد که تورا به شکست روبرو کنیم.

بعکس رسول الله ﷺ این پاسخ آموخته شدند که تو به آنها بگو که اگرچه منهم آدمی مثل شما هستم اما آن وحی که بر من فرستاده شد در نتیجه آن میان من و شما تفاوت زمین و آسمان بوجود آمده است.

دراین سورة برخیچنین آیتهای است که بعضیهابعلت عدم ادرک درمورد آنها ایراد میگیرند. بعنوان مثال نسبت به آیات ۱۱ تا۱۲ میپندارند که آن تمامی کاینات که درابتدای آفرینش همچون مه درجوّگسترش یافته بود ذکر از آن کرده میشود درحالیکه آفرینش زمین بسیار بعد از آن صورت گرفته است.

درحقیقت اینجا آن موضوع نقل میشود که نظام غذائی که در زمین موجود است آن در چهار دور به تکمیل رسانده شد و قرار دادن کوه ما در

این، نقش عمده ای را ایفاکرده است.سپس فرمودکه آسمان بالائی‌آن بصورت دودی بود. این دود بحقیقت درصورت چنین بخاراتی وجود داشت که بلندتر ازهفت آسمان درجوار زمین بود و آن بخارات چون تکراراً برزمین میبارید آنگاه دراثر شدت گرما دوباره بسوی بلندیهای آسمان بصورت دود بالا می رفت. مدت مدید این چگونگی زمین را فراگرفته بود و منتها آن آب برزمین باریده درصورت دریاها در روی زمین گسترش یافت که از آنجا بصورت بخارات بالا رفته و باکوهها برخوردکرده باز برزمین به باریدن گرفت. سپس هفت آسمان درجوار زمین در دو دور به تکمیل رسانده شدند و هر طبقه آسمان فرمان معین داده شد که آنرا فلان کار انجام دادن است.

امروز پژوهشگران علم. آسمانی درجوار زمین دارای هفت طبقه را ذکر کرده میگویند که هرکدام طبقه کار معینی را برعهده دارد و غیر ازآن بقای انسان بر زمین ممکن نبود و اینهمه طبقات آسمان برحفاظت زمین و اهل زمین مامور شده اند.

آن استقامت که به آن رسول الله ﷺ آموزش داده شدند تفصیل و پاداش بزرگ آن در دو بخش ذکر شده است. بخش اوّل عبارت از این مژده به همه ای مومنان است که اگرایشان درمقابل ستمکاریهای دشمن شکیبائی نشان دهند آنگاه خداوند برایشان فرشتگانی را نازل خواهد کرد که دلهای ایشان را تقویت بدهند و با ایشان همکلام شده تسلّی بدهند که ما هم در این دنیا با شمائیم و در آخرت نیز باشما خواهیم شد.

سپس در این آیتها که با کلماتی وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِّمَّنْ دعَا إِلَى اللّٰه شروع میشوندموضوع راجلوتربرده فرمودکه اگرشماعلاوه برحفاظت خود

توگل برخدا کرده با صبروحکمت در رساندن پیغام به ایشان شکیبائی نشان دادید آنگاه آنانکه دشمن سرسخت شمایند آنان یکوقت جان نثاران شما خواهند شد. اما این معجزه گذشته از همه باشأن والاتر در ذات گرامی آنحضرت ﷺ بظهور رسید که صبورترین صبرکنندگان بودند و ایشان ناشی از صبر به مَسِرَّت فراوان برخوردار بودند و واقعاً که در زندگی ایشان بسیار کثیر دشمنان جان ایشان تبدیل به جان نثاران ایشان گشتند.

پایان این سورة عبارت از این ذکراست که ما آنانرا که منکر از ملاقات خدا مستند نشانه های فراوان نشان خواهیم داد که مربوط به هم نشانه های بظهور رسیده برآفاق و هم به آن نظام زندگیحیرت انگیز باشند که خداوند در اجسام أیشان تنظیم کرده است. پس آنانکه توفیق نگاه کردن بر آفاق و درون خودش بدست آورند همانهاند که اعلام ایشان این خواهد بود. رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَابَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

☆ سُوْرَةُ حٰمٓ السَّجْدَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِىَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ سِتَّةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحم کننده(١)

حٰمٓ ②

حمید، مجید ـ صاحب حمد صاحب تمجید(٢)

تَنْزِيْلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ③

نازل کردن این از جانب رحمٰن [و] رحیم است(٣)

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ④

کتابی است که آیاتش بوضوح بیان شد[بصورت]قرآنی که فصیح و بلیغ است برای قومیکه بدانند(٤)

بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا فَاَعْرَضَ اَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ⑤

مژده دهنده است هم بیم دهنده. پس بیشتر ایشان روگردانی کردند و آنها گوش نکنند(٥)

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا فِيْٓ اَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ وَفِيْٓ اٰذَانِنَا وَقْرٌ وَّمِنْۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ اِنَّنَا عٰمِلُوْنَ ⑥

وگفتند.دلهای ما در پرده است از آنچه مارا بسوی آن میخوانی و گوش های ما سنگین است و در میان ما و درمیان شما پردهٔ ی است. پس هرچه میل داری بکن

البته ماهم برجای خود کنندگان ایم(٦)

قُلْ اِنَّمَآ اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰٓى اِلَيَّ اَنَّمَآ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَاسْتَقِيْمُوْٓا اِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوْهُ ؕ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِيْنَ ۙ﴿٧﴾

بگو من هم مانند شما فقط بشری هستم. بسوی من وحی میشود که معبودشمامعبودیگانهٔ است.پس در حضور او بااستواری بپاایستید و از او آمرزش بطلبید و هلاك باد بر مشرکان(٧)

الَّذِيْنَ لَا يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿٨﴾

کسانیکه زکات نمیدهند وهمانهاند که به آخرت منکرانند(٨)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۧ﴿٩﴾

ع ٩ ١٥

یقیناًکسانیکه ایمان آوردندونیکو کاری کردند پاداش ایشان بدون انقطاع است(٩)

قُلْ اَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُوْنَ بِالَّذِيْ خَلَقَ الْاَرْضَ فِيْ يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُوْنَ لَهٗٓ اَنْدَادًا ؕ ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۚ﴿١٠﴾

بگو.آیااو راانکارکنیدکه زمین را دردوزمان آفریدوبرایش شریکان قرار میدهید؟ اینست پروردگار همه جهانها(١٠)

وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبٰرَكَ فِيْهَا وَقَدَّرَ فِيْهَآ اَقْوَاتَهَا فِيْٓ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ ؕ سَوَآءً لِّلسَّآئِلِيْنَ ﴿١١﴾

و او در مناطق مُرتفع آن کوهها ساخت و درآنها برکت نهاد و در آنهاسامان خوردونوش ازخودآنها درچهار زمان مقرر داشت که[این

نیازما]طلبکارانرا یکسانست(١١)

ثُمَّ اسْتَوٰۤى اِلَى السَّمَآءِ وَهِىَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا ؕ قَالَتَاۤ اَتَيْنَا طَآئِعِيْنَ ﴿١٢﴾

سپس بسوی آسمان متوجه شد و آن دودی بود.پس او به آن و زمین گفت هر دوی بخوشی یا ناخوشی بیآیید. هردو گفتند ما بخوشی حاضرآمده ایم(١٢)

فَقَضٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ فِىْ يَوْمَيْنِ وَاَوْحٰى فِىْ كُلِّ سَمَآءٍ اَمْرَهَا ؕ وَزَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحَ ۖ وَحِفْظًا ؕ ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ﴿١٣﴾

پس او آنها را در دو زمان درهفت آسمان ساخت و قوانین هرآسمان را درآن وحی کرد و آسمان دنیا راباچراغهاواسباب نگهبانی مزین کردیم این تقدیر صاحب غلبه کامل صاحب دانش است(١٣)

فَاِنْ اَعْرَضُوْا فَقُلْ اَنْذَرْتُكُمْ صٰعِقَةً مِّثْلَ صٰعِقَةِ عَادٍ وَّثَمُوْدَ ؕ ﴿١٤﴾

پس اگر روی برتابند آنگاه بگو شمارا بعذابی مانند عذاب عاد و ثمود هشدار میدهم(١٤)

اِذْ جَآءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْۢ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا تَعْبُدُوْۤا اِلَّا اللّٰهَ ؕ قَالُوْا لَوْ شَآءَ رَبُّنَا لَاَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً فَاِنَّا بِمَاۤ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿١٥﴾

چون ایشان را پیش روی ایشان و در زمانی قبل ازایشان رسولان آمدند که عبادت نکنیدجزخدا را گفتند.اگرپروردگار ما میخواست البته فرشتگان را نازل میکرد. پس یقینًا ما با آن پیغام که

فرستاده شدید به آن انکار کنندگانیم(۱۵)

فَاَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوْا فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوْا مَنْ اَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۗ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِيْ خَلَقَهُمْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۗ وَكَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ﴿١٦﴾

پس نسبت به عاد آنهادر زمین بنا حق کبر ورزیدند و گفتند، کیست سختترازما درنیرو؟آیانمی بینند که خدای که آنهاراآفریدسختتراز آنهادرنیرو است و آنها به آیتهای مالجوجانه انکارمیکردند(۱٦)

فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا صَرْصَرًا فِيْٓ اَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيْقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۗ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَخْزٰى وَهُمْ لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿١٧﴾

پس ما بادی تند را در روزهائی شوم برآنهافرستادیم تا آنهارا در زندگی دنیاعذاب ذلت بچشانیم و البته عذاب آخرت رسوا تر است و آنها یاری نخواهند شد(۱۷)

وَاَمَّا ثَمُوْدُ فَهَدَيْنٰهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمٰى عَلَى الْهُدٰى فَاَخَذَتْهُمْ صٰعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُوْنِ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿١٨﴾

و باتوجه به ثمود پس به آنها هدایت دادیم اماآنها بر هدایت کوری راترجیح دادند.پس صاعقهٔ عذاب خوارکنندهٔ آنهارابگرفت به آنچه داشتندکسب میکردند(۱۸)

وَنَجَّيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿١٩﴾ ع ٢ ١٠ ١٦

و نجات دادیم ایشان را که ایمان آوردند و تقویٰ میکردند(۱۹)

وَيَوْمَ يُحْشَرُ اَعْدَآءُ اللّٰهِ اِلَى النَّارِ فَهُمْ

وروزیکه دشمنان خدا بسوی آتش

يُوْزَعُوْنَ ﴿٢٠﴾

حَتّٰى إِذَا مَا جَآءُوْهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُوْدُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢١﴾

وَقَالُوْا لِجُلُوْدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوْٓا أَنْطَقَنَا اللّٰهُ الَّذِيْٓ أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَّهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَّإِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٢٢﴾

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُوْنَ أَنْ يَّشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُوْدُكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللّٰهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٣﴾

وَذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِيْ ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدٰىكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٢٤﴾

احاطه کرده برده شوندوآنهاگروه گروه تقسیم کرده شوند(۲۰)

تا چون به آن برسندگوش های ایشان ودیدگان ایشان و پوست های ایشان برخلاف ایشان گواهی دهندبه آنعمل که میکردند(۲۱)++

وگویند به پوستهای‌خود چرا بر خلاف ماگواهی دادید.پاسخ دهند: آن خدا مارابتکلم آوردکه هرچیز را به تکلم آورد و اوست که شما را اوّل بارآفرید و بسوی او باز گردانیده شوید(۲۲)++

ونمیتوانستیدشما پنهان شوید[از این] که گواهی دهد برخلاف شما شنوایتان و نه چشمانتان و نه پوستهایتان ولی شما گمان کرده بودید که خدا نمیداند بیشتر را از آنچه میکنید(۲۳)++

و آن گمان شماکه به پروردگار خود گمان میکردید شما را هلاک کردوشمااززیانکاران شدید(۲۴)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ۖ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٥﴾

و اگر صبر کنند آتش جایگاه آنها است و اگر عذر آورند پس آنها از عذر پذیرفتگان نباشند(٢٥)

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٦﴾ ع ١٧

و برای آنان رفیقانی قراردادیم که آنها برای ایشان پیراسته آوردند آنچه پیشروی ایشان بود وآنچه پشت سر ایشان بود و بر ایشان همان فرمان راست آمد که در مورد قومهای بود که قبل از آنان از جن و آدمی گذشته بودند. یقیناًآنهازیانکاران بودند(٢٦)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٧﴾

وگفتندآنانکه کفرکردند این قرآن راگوش نکنید و درآن شلوق کنید تابدینسان برتری‌بیابید(٢٧)

++آیات ٢١-٢٣:در این آیتها از آنجمله گواهی های که روز قیامت برخلاف مجرمان فراهم شوند شگفت انگیز گواهی پوست تن است. درآن زمان که گواهی پوست تن بخاطرخطورنمیکردولی‌کارشناسان علم حیوانیت امروزبطورقطعی به اثبات رسانده اندکه شکل وشباهت بیرونی‌ودرونی‌انسان بیشتردرهریك مسام پوست مرتسم کرده شده است.حتّی اگرجانوری میلیونهاسال پیش اینطور زیرخاك باشد که مسام های پوستش سالم باشند.پس براساس یکی‌از آن مسامهاجانوری‌اصلاًمانندآن مجدداًتوان تخلیق کرد. عمل تخلیق انسان و میش ها از روی علم پیدایش [Genetic Engineering] و مسام های پوست تن نیز این گواهی قرآن را به اثبات میرساند.

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا ۙ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾

پس یقینًا ما کسانیکه کفرکردند راعذابی سخت بچشانیم وحتمًا به آنها پاداش دهیم بدترین آن عمل که میکردند(۲۸)

ذَٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ ۖ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ ۖ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٩﴾

این [امرحتمی] است که پاداش دشمنان خدا آتش است. برای ایشان درآن منزلگاهی دراز مدت است.این پاداش است چه به آیت های‌ما دانسته انکار میکردند(۲۹)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٣٠﴾

و کسانی که کفر کردند گویند، پروردگارا ! ما را از آن جنها و انسانها بنما که ما راگمراه کردند تاآندو را زیرپا های خود لِه کنیم تا ازخوار ترینها بشوند(۳۰)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣١﴾

همانا آنانکه گفتند خدا پروردگار مااست از آن پس پایداری کردند فرشتگان بر ایشان بکثرت نازل شوند که نترسید و اندوه گین نشوید و دلشاد شوید به بهشتی که شماوعده داده میشوید(۳۱)++

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي

ماهم درزندگی این دنیا دوستان

الْاٰخِرَةِ ۚ وَلَكُمْ فِيْهَا مَا تَشْتَهِيْٓ اَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيْهَا مَا تَدَّعُوْنَ ۝٣٢

شمایم و هم در آخرت و برایشما در آن مهیا است هرچه دل های شماآرزوکنند وبرایشما درآن مهیا است هرچه طلب کنید(۳۲)++

نُزُلًا مِّنْ غَفُوْرٍ رَّحِيْمٍ ۝٣٣ ع ۷ ۱۸

این ازجانب بینهایت آمرزنده بار هارحمکننده پذیرائیاست(۳۳)

وَمَنْ اَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَآ اِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَّقَالَ اِنَّنِيْ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ۝٣٤

و کیست نیکوتردرسخن از آنکس که بسوی خدابخواند ونیکوکاری کند و گوید، یقیناً من از فرمان برداران کامل هستم(۳٤)

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۗ اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِيْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهٗ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهٗ وَلِيٌّ حَمِيْمٌ ۝٣٥

و نتوان شدیکسان نیکی [با بدی] و نه بدی [با نیکی].دفاع کن با چیزی که نیکوترین است.پس ناگهان آنکس که بین او و تو عداوت است او مانند یك دوست صمیمی میشود(۳۵)

---

آیات ۳۱ـ۳۲:دراین آیات ذکراست که نزول وحی مدام جاریخواهد ماند و بر آن کسان نازل شود که بخاطر خدا راه استقامت پیش گیرند و هنگام آزمایشها ثابت مانند. درآنصورت فرشتگانی که بر ایشان نازل آیند، گویند که ما هم در این دنیا با شمائیم و هم در آن دنیا با شما باشیم و همه آرزوهای نیکو شما را بپایان بریم.

وَمَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا ۚ وَمَا يُلَقّٰهَآ اِلَّا ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ﴿٣٦﴾

و این رتبه داده نشود جزآنان را که صبرکنند واین رتبه داده نشود جزآنکه نصیبداربزرگی‌است(٣٦)

وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۭ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٣٧﴾

و اگر انگیزشی از شیطان تو را میانگیزد آنگاه به خدا پناه ببر. یقینًا او بسیارشنوای صاحب علم دائمی است(٣٧)

وَمِنْ اٰيٰتِهِ الَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۭ لَا تَسْجُدُوْا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ﴿٣٨﴾

و از آیتهای او است شب و روز و خورشید و ماه. سجده نکنید خورشید را و نه ماه را و خدا را سجده کنید که آنهارا آفرید اگر شماعبادترا خاص اوگذارید(٣٨)

فَاِنِ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَهٗ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُوْنَ ﴿٣٩﴾ السجدة

و اگرتکبر کنند پس[بدانند] آنانکه نزدپروردگارتوهستند شب و روز او را تسبیح میخوانند و ایشان خسته نمیشوند(٣٩)

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنَّكَ تَرَى الْاَرْضَ خَاشِعَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۭ اِنَّ الَّذِيْٓ اَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتٰى ۭ اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤٠﴾

و ازآیتهای اوست که زمین را افتاده میبینی.پس هرگاه آب را برآن نازل کنیم تکان خورد و نمو کند. یقینًا آنکه آنرا زنده کرد حتمًا مردگان را زنده کننده

است. یقینًا او بر هرچیزآنچه را خواهدمدام قدرتمند است(٤٠)++

اِنَّ الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا ؕ اَفَمَنْ يُّلْقٰى فِى النَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ يَّاْتِيْٓ اٰمِنًا يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اِعْمَلُوْا مَا شِئْتُمْ ۙ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٤١﴾

هرآینه کسانیکه در آیتهای ما انحراف ورزند بر ما مخفی نمی مانند.پس آیا روزقیامت آنکه به آتش افکنده شود بهتر است یا آنکه ایمن آید؟ بکنید هرچه میل دارید. یقیناً او در نهایت بینای آنست که میکنید(٤١)

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّهٗ لَكِتٰبٌ عَزِيْزٌ ۙ﴿٤٢﴾

یقیناً[کیفرشوند]آنانیکه به ذکر انکارکردند چون نزد ایشان آمد حالانکه یقیناً آن کتابی غالب و گرامی بود.(٤٢)

لَّا يَاْتِيْهِ الْبَاطِلُ مِنْۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ ؕ تَنْزِيْلٌ مِّنْ حَكِيْمٍ حَمِيْدٍ ﴿٤٣﴾

دروغ آنرا نمیآید از پیش رویش ونه پشت سرش.نازل کردن آن از

++ایت ٤٠: دراینجا سخن از زنده بودن زمین پس از باریدن باران رفته است. پس زندگی پس از مرگ نیز بهمین موضوع بستگی دارد. بعثت ثانی برای همه است ولی بحقیقت زندگی روحانی نصیب آنان میشود که از آبی از آسمان نازل شونده برخوردار باشند یعنی پیغمبران را پذیرفته و برتعلیمات ایشان عمل میکنند. آب آسمان بر هرجای زمین میبارد بازهم بر فایده صخره ها و زمینی بایر هیچ نمیفزاید و تنها آن خاک را حیات می بخشد که دارای مادهٔ حیاتی است.

صاحب حکمت صاحب ستایش است(٤٣)

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٤﴾

برای تو گفته نمیشود جز آنچه به رسولان پیش ازتوگفته شد. یقینًا پروردگارتوصاحب بسیار آمرزش هم عذابی‌دردناك دهنده است(٤٤)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۖ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۖ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٥﴾

و اگر ما آنرا قرآن اعجمی[غیر فصیح]ساخته بودیم یقینًامیگفتند که چرا آیتهاش روشن ساخته نشد، آیااعجمی وعربی [یکسان] اند؟بگو،آن برای ایشان که ایمان آورده اند هدایت و شفاء است و آنها که ایمان نیآرند در گوشهای ایشان سنگینی‌است وآن [هدایت] برآنهامخفی است. همانهاند که از جای‌دورخوانده شوند(٤٥)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٦﴾

و البته موسیٰ را نیزکتاب داده بودیم پس درآن اختلاف کرده شد و اگر فرمان پروردگارتو پیشی نگرفته بودیقیناً میان آنها قضاوت کرده میشد ویقیناً آنها از آن در

شکی ناراحت کننده اند.(٤٦)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٧﴾

هرکه شایسته کاری کندپس برای نفس اوست و هرکه بدی کند پس برجان اوست و پروردگار تو بر بندگان بیچاره خود به ذره ای هم ستم کننده نیست(٤٧)

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ ﴿٤٨﴾

علم ساعت بسوی او برگردانده شود وبعضی میوه ها ازغنچه های خود بیرون نمیآید و ماده ای بار دار نمیشود و نه هم میزاید مگر بعلم او و[یادکنید]روزیکه به آنها بانگ زند که کجا اند شریکانم؟ آنهاگویند: ما تو را آگاه میسازیم که کسی از ما گواه نیست(٤٨)

وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ ۖ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٤٩﴾

و ناپیداشود ازآنهاآنچه راکه قبلاً می‌خواندند و بفهمند که ایشان را هیچ گریزگاهی نیست(٤٩)

لَّا يَسْأَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ﴿٥٠﴾

انسان ازخواستن خوبتر فرونمی ماند.امااگر بدی او را برسد پس دل شکسته نومید میشود(٥٠)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِندَهُ لَلْحُسْنَىٰ ۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ

و اگر بدو رحمت خود بچشانیم پس از آنکه گزندی بدو رسید حتمًا گوید:این برای من است و گمان نمی کنم قیامت برپا گردد و اگرمم به سوی پروردگار خود بازگردانده شوم یقینًا برای من خوبی‌نزداوبالاتراست. پس یقینًا

عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥١﴾

آنهاکه کفرکردند را آگاه سازیم بآنچه میکردندوحتمًابه آنها عذاب شدیدی بچشانیم(۵۱)

وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَا بِجَانِبِهِۦ ۚ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٍ ﴿٥٢﴾

وهرگاه برانسان انعام کنیم روی بر تابدوکنارکشیده دور میشود و هرگاه بدوگزندی برسد آنگاه دعا های عریض را کننده است(۵۲)

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِۦ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

بگو.حالی کنیداگراوازجانب خدا باشدبازهم شمابه او انکارکردید [پس]کیست ستمکارتر از آنکه در مخالفت غرق است؟(۵۳)

سَنُرِيهِمْ ءَايَٰتِنَا فِى الْآفَاقِ وَفِىٓ أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٤﴾

حتمًا ما آیتهای خود را به آنها دراطراف جهان و در خود ایشان نشاندهیم تا بر آنها خوب آشکار گردد که آن حق است.آیااین به پروردگار تو بس نیست که او بر هرچیزنگهبان است(۵٤)

أَلَآ إِنَّهُمْ فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ مُّحِيطٌۢ ﴿٥٥﴾ ع

باش!حتماًآنهااز دیدار پروردگار خود در شك اند. باش!یقینًا او هرچیز رااحاطه کرده است(۵۵)

# ۴۲-الشوری

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم الله ۵۴ آیت دارد.

آخرین آیة سورة گذشته حاکی ازاین بود که چون نعمت نبوت نازل می شودآنگاه مردم از قبولی آن اعراض میورزند وچون بعلت انکار شری به آنهاتمسک کند برای دورشدن آن به دعاهای‌عریض میپردازند.پس آنان متنبه ساخته میشوند که خداوند آنانرا آن نشانه های خود نیز نشان خواهد داد که برآفاق ظهور میکنند و مظاهر بزرگی از قانون قدرت میباشند و هم آن نشانه های به نمایش گذارد که در درون هرکدام انسان بعنوان گواهی به هستی‌خدای متعال وجود دارند.

دراین سورة پس از مقطعات فرموده شد بطوریکه قبلاًوحی فرستاده شده بود و پیشینیان به آن پشت گردانده بودند بر همان منوال اکنون بر تو وحی بعنوان نعمتی بزرگ فرستاده میشود. اما دنیاداران این نعمت آسمانی را قبول نکنند زیرا که آنها آزمند به نعمتهای دنیا میباشند.

سپس درآیة کریمه ـ ۸ آنحضرت ﷺ بعنوان بیم دهنده ای کُلِّ عالم معرفی میشوند. چه مادر همه قریه ها یعنی مگّه جای را که خداوند مرکز تمامی دنیا برگزیده است اگر آن بیم داده شود آنگاه همه جهان بیم داده شد و کلمات وَمَنْ حَوْلَهَا همه محل سکونت های روی‌جهان را احاطه کرده است. سپس ذکر از يَوْمَ الْجَمْعِ است. مفهوم این کلمات اینست، بطوریکه مکه محل گردآئی همه نوع انسان برگزیده شد، یکی دیگر محل گردآئی روزآخرت است که آنگاه جمیع نوع انسان جمع کرده خواهند شد.

پس رسول الله ﷺ را مبعوث کرده سعی برآن بود که همه مردم بعنوان امت واحده ای جمع کرده شوند. اما خداوند میدانست که اهل دنیا این نعمت را رد کرده در وضع ازهم جداخواهند ماند چه نیست خداکه مردم را باجبار بر هدایت جمع کند و الا او همه مردم گیتی را یك امت میساخت.

وحی فرستادن را بر رسولان پیشین نیز همین مقصود بود که ایشان مردم را بهم گرد آورند.امامرگاه ایشان آمدند بدبختانه مردم از این نعمت انکار ورزیده انشقاقی فزونتر پیداکردند. علت اصلی تفرقه این بیان میشود که ایشان از همدیگر کینه داشتند. اکنون مسئله این است چرا قضیه ایشان باوجود نافرمانیهای پیوسته ایشان بپایان داده نمیشود؟پس جوابش اینست تا آنزمان که انسان را بر زمین سلسله آزمایش مقدر است قضیه ایشان پیش از سرآمد آنزمان در این دنیا طی کرده نمیشود. اگرچه موقتاً قضیه هرکدام ملت درمدت اجل مسمی آن دراین دنیا، طی کرده میشود اما چون اقوام دنیا متوالیاً جایگزین همدیگر میشوند لذا مجموعاًاین قضیه بشر هنگام اجل مسمی منتهائی، بپایان داده خواهد شد.

سپس رسول الله ﷺ توصیه میشوند که بعلت اختلاف و نافرمانیهای منکران هیچ جای تردیدنیست.هرگاه خدا امر را به همایش آنها بگذراند حتمًا آنهاراجمع خواهد کرد. یك پیشگوئی بزرگ نسبت به این همایش در سورة جمعه نیز موجود است.

مفسران فرقه شیعه آیت ۲۴این سورة را دور از سیاقش رفته این ترجمه میکنندکه گویی رسول الله ﷺ به این امر توصیه میشوند که بگویند. ای مردم! من هیچ اجری ازشما نمیطلبم جز اینکه اجرخویشانم رابپردازید.

البته این آیت را هرگز این مطلوب نیست. اجربرای خویشان طلبیدن در حقیقت اجر برای خودخواستن است. معنای این آیة اینست که من اجری نه برای‌خودم میخواهم و نه برای خویشانم ولی شماخویشاوندان خودتان را فراموش نکنیدوشمارابفرض است که به تکمیل نیازهای‌ایشان مزینه کنید. رسول الله ﷺ بوضاحت میفرمایند که صدقه به من و نژادم هرگز داده نشود.

این موضوع که برناداران و نیازمندان مزینه کنیدعلی الخصوص بر اقرباءخودسوالی‌رامطرح میکندکه چراخداوندخودش آذوقه ایشانرا مستقیماً نمیرساند؟پاسخ اینست که گشایش و تنگی رزق منوط به حکمتهای دیگر میباشد. گاهی مردم باافزایش رزق آزموده شوند وگاهی بتنگی رزق.آنانکه بگشایش رزق آزموده شوندسخن ازایشان رفته است وایشان با آنکه فراخی رزق دارندبخیال ناداران حتّی‌ازخویشان خود نیزنمیفتند.

سپس آیت۰ ۳ رازی حیرت انگیز را فاش میکند که در زمان رسول الله ﷺ هیچ انسان زمینی راتصورش هم نمیتوانست بشود. آسمانها درآن زمان مانند پلاستك امروزه با هفت لایۂ و ماه و ستارگان نشانده درآن مانند دانه های نگین بر لباس آراسته، پنداشته میشد. چه کس را گمان بود که همچون جنبندگان این زمین درآنجا نیز وجود دارند. نه تنها خبرحتمی به این امر داده شد که درآسمانها نیز مخلوقی وجود دارد بلکه موضوع در صورت "جمع" نقل کرده به بلندی آسمان بسته شد که حتماً در زمانی مخلوق زمینی و مخلوقی که برآسمان زندگی کنند،جمع کرده خواهند شد. آیااین همایش جسمانی است یامخابراتی علمش تنها به خدا است. اما زبردستان علم امروز تلاش میکنند که بیك نحوی ارتباط ایشان با بومیان آسمان برقرار گردد.

بعبارت دیگر ایشان وادار شده اند که بعلاوه زمین بر اجرام فلکی دیگرنیز به وجود داشتن جنبندگانی تعقّل کنند.

درهمین سورة که عنوانش نیز "الشوریٰ" است ذکر از همایشی دیگر نیز میرود یعنی برای مسلمانان شِعاری مقرر داشته شد که هرگاه اموری مهم درپیش آید پس باید گرد آمده بهم تعقّل کنند.

یکی دیگر آیه کوچك این سورة شماره۱۰۴ فوقیت تعلیم قرآن را بر همه تعلیمات اسبق به اثبات میرساند. فرموده میشود که اگر کسی مورد تجاوز گری قرارگرفته شود بایسی او درانتقام گرفتن معامله بمثل کند و بدنبال جوشش انتقام گیری تجاوزگری نکند. اما اگر او عفو را بطوری بکار برد که منجر به اصلاح شود آن عمل بسیار بهتر است. گاهی مردم ناشی از عفو بر بدی جسورتر میشوند. عفوکردن درست است اگر اصلاح بعمل آید.

آیت ۵۲ عبارت از انواع وحی است. بنص این آیة هیچکس را ممکن نیست که خدا بدو بغیراز وسیله وحی تکلم کند. گاهی این وحی ازپس پرده است یعنی متکلم دیده نمیشود اماقلب انسان آن کلام را بوضاحت در مییابد.گاهی فرستاده خدا در قالب فرشته أی نازل میشود و هرچه وحی برساند عیناً همان است که خدا بدو امرکرد. سپس خطاب به آنحضرت ﷺ کرده فرمود که ما وحی را برتو نیز بر همان منوال فرستاده و تورا به امرخودکلامی زندگی بخش اعطاء کرده ایم.

درپایان این سورة مجدداً این موضوع بازگو میشود که زمین و آسمان و هرچه میان آنها است بتمام از آن خدا است و همه امور برگشت بسوی خداوند داده شوند.

☆ سُوْرَةُ الشُّوْرٰی مَکِّیَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰیَةً وَّ خَمْسَةُ رُکُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱)

حٰمٓ ②

حمید مجید ـ صاحب حمد صاحب تمجید(۲)

عٓسٓقٓ ③

عَلِیم،سَمِیع،قَدِیر.بسیاردانا،بسیار شنوا،صاحب قدرت کامل(۳)

كَذٰلِكَ يُوْحِيْٓ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۙ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ④

اینطور وحی فرستد صاحب غلبه کامل صاحب حکمت بسوی تو و بسوی آنانکه پیش ازتوبودند(۴)

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ⑤

برای‌اوست هرچه درآسمانها است وهرچه درزمین است و او بلند مرتبت صاحب عظمت است(۵)

تَكَادُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلٰۗىِٕكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ اَلَآ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ⑥

نزدیك است آسمانها ازبالای‌خود بشکافندوفرشتگان باحمدپرورد ـ ـگارخودتسبیح خوانند وآمرزش طلبند برای‌آنها که در زمین اند. باش!یقینًا خدا آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۶)++

++آیت۶:چون آفتهای‌بزرگ آسمانی برانسان افتد.فرشتگان آسمانی نیز[ص ۱۱۸۰]

وَالَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءَ اللّٰهُ حَفِيْظٌ عَلَيْهِمْ ۖ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ﴿٧﴾

و خدا بر آنها نیز نگهبانست که جز او دوستان برگرفته اند و تو بر آنها وکیل نیستی(٧)

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۗ فَرِيْقٌ فِى الْجَنَّةِ وَفَرِيْقٌ فِى السَّعِيْرِ ﴿٨﴾

وبدینسان ماقرآن عربی رابسوی تووحی فرستادیم تا تو مادر شهر ما و آنکه پیرامون آنست را بترسانیوبترسانیاز روزگردائی که در آن شکی نیست. گروهی در جنت و گروهی در آتشی شعله ور باشند(٨)

وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلٰكِنْ يُّدْخِلُ مَنْ يَّشَآءُ فِىْ رَحْمَتِهٖ ۗ وَالظّٰلِمُوْنَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿٩﴾

وخدا اگرمیخواست حتماً آنهاهمه را یك ملت میساخت اما هرکه را میخواهد بداخل رحمت خود می نماید ونسبت به ستمکاران.نیست آنهارادوستی و نه یاریگری(٩)

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءَ ۚ فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِ الْمَوْتٰى ۖ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٠﴾ ع

آیاآنها دوستانی جزاوگرفته اند؟ پس خدااست که اوبهترین دوست است واوست که مردگان را زنده کند و او بر هرچیزی که بخواهد

بقیه آیت ٦:در حق بندگانی نیکوکاران خدا استغفار میکنند. فرشتگان در ذات خود بیگناه اند اما برای بندگان نیکوکار خدا استعفار میکنند.

قدرت دائمی دارد(۱۰)

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿١١﴾

و هرچیزی که درآن اختلاف پیدا کنید پس داوری آن بدست خدا است. این است خدا پروردگارم، بر او توکل کرده و بسوی او انابت میکنم(۱۱)

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا ۖ يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ ۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١٢﴾

اوآفریدگارآسمانهاو زمین از عدم است. او ساخت برای شما از خودتان جفتها و هم از چهارپایان جفتها. او دراین شمارا میافزاید. هیچ چیزی هم مثل او نیست و او بسیار شنوا بسیار بینا است(۱۲)++

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ

کلیدهای آسمانها و زمین درقبضه اوست.رزق را برای هرکه خواهد

++آیت۱۲ :درزمان آنحضرتﷺ ازجفت بودن جانوران وبعضی‌ازدرختان آگاهی بود امااین دانش نبودکه خداوندهرچیزراجفت جفت آفریده است.در زمان کنونی این امراثبات شده است که حتّی هرذرهٔ ی ماده نیز جفت جفت است. دوم اینجا رویانیدن انسان راذکراست ازآنچه معلوم میشود که آغاززندگی ازنباتات شده بود واین عیناًدرست است.اینجا واژه "ذَرَأَ" است. این موضوع در آیتهای دیگر بوضاحت بیشتر بیان شده است. بعنوان مثال در سورة نوح:۱۸ فرموده شد: اَنۡبَتَكُمۡ مِّنَ الۡاَرۡضِ نَبَاتًا.

شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٣﴾

فراخ میکند و هم تنگ میگرداند. یقینًا او به هر چیز نیك دانا است(۱۳)

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٤﴾

او همان احکامِ دین را برایشما اجرا کرده است که برای آنها به نوح هم اکیداً توصیه کرده بود وآنکه بسوی تووحی فرستاده ایم وآنچه به آن به ابراهیم وموسیٰ و عیسیٰ نیز اکیداً توصیه کرده بودیم که دین را با استواری بپا داریدو هیچ تفرقهٔ در آن نیفکنید. سنگین است برمشرکان آنچه به سوی آن آنهارا میخوانید.خدا هر که را میخواهد برای خود بر میگزیند و بسوی خود هدایت میدهد آنرا که انابت کند(۱۴)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ

و تفرقه نیفکندند مگر میان خود طغیان کرده پس از اینکه دانش آنان را آمده بود و اگر فرمان پروردگار توتانهایت زمانی معین جلونیفتاده بودحتمًاکار میان آنها

بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٥﴾

گذرانیده میشد و یقینًا آنها که پس ازآنها ارث کتاب داده شدند البته ازآن درشکی ناراحت کنندهٔ اند(١٥)

فَلِذٰلِكَ فَادْعُ ۚ وَاسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ ۚ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ ۖ اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَآ أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ۖ اللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۚ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

پس بنا بر این [آنها را] دعوت کن و پایداری‌کن بطوریکه فرمان شده ای ودنبال هوای نفسانی آنها نرو و بگو.من برآن ایمان میآریم که خداازسخنان کتاب نازل کرده است و امرشده ام که میان شما عدالتمندی کنم. پروردگار ما و پروردگار شماخدااست.اعمال ما برای‌ماواعمال شما برایشما است وبین ماوبین شماهیچ دعوی [کار گر] نیست.خدا مارا جمع خواهد کردوبازگشت بسوی اوست(١٦)

وَالَّذِيْنَ يُحَآجُّوْنَ فِي اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مَا اسْتُجِيْبَ لَهٗ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ﴿١٧﴾

وآنها که درمورد خدا محاجه کنند ازاین پس که آن قبول شده است دلیل آنها نزد پروردگار ایشان باطل است و برآنهاغضب و برای آنها عذابی سخت است(١٧)

| | |
|---|---|
| اَللّٰهُ الَّذِیٓ اَنۡزَلَ الۡكِتٰبَ بِالۡحَقِّ وَالۡمِيۡزَانَ ؕ وَمَا يُدۡرِيۡكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيۡبٌ ﴿۱۸﴾ | خدا او است آنکه کتاب را بحق و میزان فروفرستاد و چه تو را حالی کند که شاید آن ساعت قریب است(۱۸) |
| يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا الَّذِيۡنَ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ بِهَا ۚ وَالَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا مُشۡفِقُوۡنَ مِنۡهَا ۙ وَيَعۡلَمُوۡنَ اَنَّهَا الۡحَقُّ ؕ اَلَاۤ اِنَّ الَّذِيۡنَ يُمَارُوۡنَ فِى السَّاعَةِ لَفِىۡ ضَلٰلٍۢ بَعِيۡدٍ ﴿۱۹﴾ | آنها آنرا بتعجیل میخواهند که به آن ایمان نمیآرند و آنانکه ایمان آوردند از آن میترسند و میدانند که آن حق است. هشدارابراستی آنانکه درمورد ساعت محاجه کنند البته درگمراهیفرورفته اند(۱۹) |
| اَللّٰهُ لَطِيۡفٌۢ بِعِبَادِهٖ يَرۡزُقُ مَنۡ يَّشَآءُ ۚ وَهُوَ الۡقَوِىُّ الۡعَزِيۡزُ ﴿۲۰﴾ ع ۲ | خدا بر بندگان خود لطف کنندهٔ است. هرکه راخواهدرزق میدهدو اوبسیارتوانای صاحب غلبه کامل است(۲۰) |
| مَنۡ كَانَ يُرِيۡدُ حَرۡثَ الۡاٰخِرَةِ نَزِدۡ لَهٗ فِىۡ حَرۡثِهٖ ۚ وَمَنۡ كَانَ يُرِيۡدُ حَرۡثَ الدُّنۡيَا نُؤۡتِهٖ مِنۡهَا وَمَا لَهٗ فِى الۡاٰخِرَةِ مِنۡ نَّصِيۡبٍ ﴿۲۱﴾ | هرکه کشت آخرت رامیخواهد ما برایاو درکشتش میفزایم و هرکه کشت دنیائیرا میخواهد اورا از آن میدهیم وبرایش درآخرت هیچ بهرهٔ ی نیست(۲۱) |
| اَمۡ لَهُمۡ شُرَكٰٓؤُا شَرَعُوۡا لَهُمۡ مِّنَ الدِّيۡنِ مَا لَمۡ يَاۡذَنۡۢ بِهِ اللّٰهُ ؕ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ | آیابرای[حمایت]آنها شریکان اند که برای آنها چنین احکام اجراء |

الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

کرده اند که خدا به آن دستوری نداده بود؟و اگر طریق فیصله را دستور نبودحتماً کارمیان ایشان گذرانیده میشد.یقینًا ستمکاران راعذابی دردناکست (۲۲)

تَرَى الظّٰلِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فِي رَوْضٰتِ الْجَنّٰتِ ۖ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾

ستمگران رابیمناك میبینی‌ازآنچه کسب کردند حالانکه آن به آنها حتمی‌الوقوع است وآنانکه ایمان آوردندونیکوکاری‌کردنددرباغهای بهشت باشند. برای ایشان هرچه خواهندنزد پروردگارایشان[مهیا] است. همین است که آن فضل بزرگ است(۲۳)

ذٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللّٰهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۚ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٤﴾

اینست آنکه را خدا به آن بندگان خود مژده میداد که ایمان آورده و نیکوکاری‌کردند.بگو،من ازشما براین هیچ پاداشی‌نمیطلبم جزآن محبت که درخویشاوندان میباشد هرکه نیکی[ناپیدا]راپدیدارسازد مابرایش حُسن رادرآن زیاده می نمایم. یقینًاخدا بسیارآمرزندهٔ ی

پذیرنده سپاس است(۲٤)

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ۚ فَاِنْ يَّشَاِ اللّٰهُ يَخْتِمْ عَلٰى قَلْبِكَ ؕ وَيَمْحُ اللّٰهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ ؕ اِنَّهٗ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۲۵﴾

آیامیگویندبرخدا دروغ بهم بافته است؟پس خدا اگر میخواست بر دل تومهرمینهاد وخداباطل را می زداید و حق را باکلمات خود به اثبات میرساند. یقیناًاو به امور سینه هاخوب دانا است(۲۵)

وَهُوَ الَّذِىْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهٖ وَيَعْفُوْا عَنِ السَّيِّاٰتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ ۙ﴿۲٦﴾

و اوست آنکه توبه را از بندگان خود میپذیرد و از بدیها عفو می نماید و میداند آنچه میکنید(۲٦)

وَيَسْتَجِيْبُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَيَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ؕ وَالْكٰفِرُوْنَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ﴿۲۷﴾

و قبول کند دعای آنان را که ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و ایشانرابفضل خود میفزاید در حالیکه کافرانند که آنهارا عذابی سخت است(۲۷)

وَلَوْ بَسَطَ اللّٰهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهٖ لَبَغَوْا فِى الْاَرْضِ وَلٰكِنْ يُّنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ ؕ اِنَّهٗ بِعِبَادِهٖ خَبِيْرٌۢ بَصِيْرٌ ﴿۲۸﴾

و اگرخدا رزق بندگان خود را فراخ مینمود حتمًا در زمین یاغی گری میکردندواماهرچه میخواهد باندازهٔ ی فرومیفرستد.یقینًا او به بندگان خود بخوبی آگاه وبینا است(۲۸)++[ص#۱۱۸۷]

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٩﴾

و اوست آنکه باران نازل میکند ازین پس که نومیدشوند ورحمت خودرامیگستراند و او کارسازی صاحب ستایش است(۲۹)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٣٠﴾

وازآیتهای‌اوست آفرینش آسمانها وزمین وهرچه جنبنده هارادرآندو گسترانید و اوبرجمع کردن آنها هرگاه بخواهد قدرتمنداست(۳۰)

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣١﴾

و هرچه مصیبت بشما برسد پس بسبب آنست که دستهای‌شماکسب کرد حالانکه او از بیشتر امور عفو می نماید(۳۱)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣٢﴾

و نمیتوانید شما در زمین بعجز آرندگان باشید وبرای شماگذشته ازخدا هیچ سرپرست نیست و نه

++آیت ۲۸ :اگرخدا میخواست رزق را فراوان مینمود و هیچکس بینوا نمی ماند. اما او به توزیع رزق بعضیها را زیاده و به بعضیها کم درداد درحالیکه هردو طریق موجب آزمایش اند. برخی از مردم بعلت فراوانی رزق بی راه شوند وبعضیهابعلت ناداری‌رزق گمراه شوند بطوریکه آنحضرت ﷺ فرمودند که "کاد الفقر ان یکون کفرا" یعنی نزدیك است که تنگدستی به حالت کفر برساند.پس دراین آیت بسوی مرام اشتراکی نیز اشارهٔ است که منتها ناداری به انکار خدای متعال منجر میشود.

یاریگری(۳۲)

وَمِنْ اٰيٰتِهِ الْجَوَارِ فِى الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ ﴿٣٣﴾

وکشتیها رونده دردریا مانند کوه ها از آیتهای او است(۳۳)++

اِنْ يَّشَاْ يُسْكِنِ الرِّيْحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلٰى ظَهْرِهٖ ۭ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ﴿٣٤﴾

اگربخواهدبادراساکن گرداندپس آنهابرسطح آن[دریا] راکد بمانند یقیناً دراین هرصبرکننده وسپاس گذار را نشانه های است(۳۴)++

اَوْ يُوْبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوْا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيْرٍ ﴿٣٥﴾

یا هلاکشان سازد بدانچه[سواران آن کشتیها] کسب میکردند و او ازبیشترامورگذشت میکند(۳۵)

وَّيَعْلَمَ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِىْٓ اٰيٰتِنَا ۭ مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيْصٍ ﴿٣٦﴾

و بدانند آنانکه درآیتهای ما جدل کنند، برای آنها هیچ جای فرار نیست(۳۶)

فَمَآ اُوْتِيْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿٣٧﴾

پس هرچه به شما داده شد فقط اثاث موقتی برای زندگانی این دنیا است و هرچه نزدخدا است نیکوتروپایدارتراست برای آنان

---

++آیت۳۳_۳۴:اینجا از جمله نشانه های بزرگ خداوندسخن ازکشتیهای گفته می شودکه ماناندکوه هاسربه فلك کشیده در آب میروند. پیدااست که در زمان آنحضرت ﷺ کشتیهای معمولی با بادبان حرکت میکردند. پس لازماً این پشگویی برای آینده بود که در زمان کنونی به ظهور رسیده است.

که ایمان آوردند و بر پروردگار خودتوکل کنند(۳۷)

وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبٰٓئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَاِذَا مَا غَضِبُوْا هُمْ يَغْفِرُوْنَ ۚ ﴿٣٨﴾

و کسانیکه از گناهان بزرگ و فحشائی اجتناب کنند و چون غضبناك شوند ایشان عفو می نمایند(۳۸)

وَالَّذِيْنَ اسْتَجَابُوْا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۖ وَاَمْرُهُمْ شُوْرٰى بَيْنَهُمْ ۖ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۚ ﴿٣٩﴾

و آنانکه بدعوت خدا لبیك گویند و نماز را برپا کنند و کارهای ایشان بامشورت هم انجام گیرند و ازهرچه به ایشان داده ایم انفاق کنند(۳۹)

وَالَّذِيْنَ اِذَآ اَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُوْنَ ﴿٤٠﴾

و کسانیکه چون بر آنها ستم گردد انتقام گیرند(۴۰)

وَجَزٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۚ فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ ؕ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٤١﴾

و عوض بدی مثل آن بدی است که کرده شد.پس هرکه عفو کند و اصلاح آورد آنگاه پاداش او بر خدا است.یقینًا او ستمکاران را دوست ندارد(۴۱)

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيْلٍ ؕ ﴿٤٢﴾

والبته هرکه انتقام گیرد پس از ستم برخودش پس همانهاند که هیچ باکی بر آنها نیست(۴۲)

اِنَّمَا السَّبِيۡلُ عَلَى الَّذِيۡنَ يَظۡلِمُوۡنَ النَّاسَ وَيَبۡغُوۡنَ فِى الۡاَرۡضِ بِغَيۡرِ الۡحَقِّ‌ؕ اُولٰۤٮِٕكَ لَهُمۡ عَذَابٌ اَلِيۡمٌ ﴿۴۲﴾

یقینًا الزام فقط برآنانست که بر مردم ستم کنند و در زمین بناحق سرکشی آغالند. همانهاند که آنها را عذابی دردناکست(۴۳)

وَلَمَنۡ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنۡ عَزۡمِ الۡاُمُوۡرِ ﴿۴۳﴾

ومرکه صبرکند و بیآمرزد یقینًا این از کارهای پرهمت است(۴۴)

وَمَنۡ يُّضۡلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنۡ وَّلِىٍّ مِّنۡۢ بَعۡدِهٖ‌ؕ وَتَرَى الظّٰلِمِيۡنَ لَمَّا رَاَوُا الۡعَذَابَ يَقُوۡلُوۡنَ هَلۡ اِلٰى مَرَدٍّ مِّنۡ سَبِيۡلٍ‌ ﴿۴۴﴾

و هرکه راخدا گمراه گرداند پس او را از آن پس یاوری نیست، و ستم کاران را میبینی که هرگاه عذاب را رویت کنندگویندآیامیچ راهی به برگشت[آن]است؟(۴۵)

وَتَرٰٮهُمۡ يُعۡرَضُوۡنَ عَلَيۡهَا خٰشِعِيۡنَ مِنَ الذُّلِّ يَنۡظُرُوۡنَ مِنۡ طَرۡفٍ خَفِىٍّ‌ؕ وَقَالَ الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡۤا اِنَّ الۡخٰسِرِيۡنَ الَّذِيۡنَ خَسِرُوۡۤا اَنۡفُسَهُمۡ وَاَهۡلِيۡهِمۡ يَوۡمَ الۡقِيٰمَةِ‌ ؕ اَلَاۤ اِنَّ الظّٰلِمِيۡنَ فِىۡ عَذَابٍ مُّقِيۡمٍ‏ ﴿۴۵﴾

و آنهارا بنگری که برآن [عذاب] عرضه شوند سرنگونان ازذلت ـ آنها از نگاه دزدکی آن [عذاب] را مینگرند. کسانیکه ایمان آوردند گویند: مرآینه خسارتگران همانها اند که در روز قیامت خود را و خانواده خودرابخسارت افکندند. مشدارایقینًا ستم کاران درعذابی پایدار باشند(۴۶)

وَمَا كَانَ لَهُمۡ مِّنۡ اَوۡلِيَآءَ يَنۡصُرُوۡنَهُمۡ

و گذشته از خدا آنها را دوستان

مِّنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ ؕ وَمَنۡ يُّضۡلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنۡ سَبِيۡلٍ ؕ﴿۴۷﴾

نباشند که آنها رایاری دهندومرکه راخدا گمراه سازد پس برای او هیچ راهی نیست(۴۷)

اِسۡتَجِيۡبُوۡا لِرَبِّكُمۡ مِّنۡ قَبۡلِ اَنۡ يَّاۡتِىَ يَوۡمٌ لَّا مَرَدَّ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ ؕ مَا لَـكُمۡ مِّنۡ مَّلۡجَاٍ يَّوۡمَئِذٍ وَّمَا لَـكُمۡ مِّنۡ نَّكِيۡرٍ ﴿۴۸﴾

فرمان پروردگار خود را لبیك گویید پیشترازآنکه روزی برسد که آن را از جانب خدا برگشت نیست. آنروز شما را نه جای پناه است و نه شما را جای انکار است(۴۸)

فَاِنۡ اَعۡرَضُوۡا فَمَاۤ اَرۡسَلۡنٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيۡظًا ؕ اِنۡ عَلَيۡكَ اِلَّا الۡبَلٰغُ ؕ وَاِنَّاۤ اِذَاۤ اَذَقۡنَا الۡاِنۡسَانَ مِنَّا رَحۡمَةً فَرِحَ بِهَا ۚ وَاِنۡ تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةٌ ۢ بِمَا قَدَّمَتۡ اَيۡدِيۡهِمۡ فَاِنَّ الۡاِنۡسَانَ كَفُوۡرٌ ﴿۴۹﴾

پس اگرروی برتابندپس ما تو را بر آنها نگهبانی نفرستاده ایم. بر تو فقط ابلاغ کردن است و یقیناً هرگاه انسانراازجانب ما رحمت بچشانیم به آن شادمان میگردد واگرآنهاراگزندی برسد بدانعلت که دستهاشان پیش فرستاد پس یقیناًانسان ناسپاس میگردد(۴۹)

لِلّٰهِ مُلۡكُ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ ؕ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ ؕ يَهَبُ لِمَنۡ يَّشَآءُ اِنَاثًا وَّيَهَبُ لِمَنۡ يَّشَآءُ الذُّكُوۡرَ ۙ﴿۵۰﴾

سلطنت آسمانهاوزمین ازآن خدا است هرچه را بخواهد میافریند. هرکه را خواهد دختران میدهد و هرکه راخواهدپسران میدهد(۵۰)

اَوۡ یُزَوِّجُهُمۡ ذُکۡرَانًا وَّاِنَاثًا ۚ وَیَجۡعَلُ مَنۡ یَّشَآءُ عَقِیۡمًا ؕ اِنَّهٗ عَلِیۡمٌ قَدِیۡرٌ ﴿۵۱﴾

یا گاهی آنها را قاطی میکند - مادینه و نرینه - و هرکه را خواهد نازا میسازد. یقینًا او صاحب علم دائمی صاحب قدرت دائمی است(۵۱)

وَمَا کَانَ لِبَشَرٍ اَنۡ یُّکَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحۡیًا اَوۡ مِنۡ وَّرَآئِ حِجَابٍ اَوۡ یُرۡسِلَ رَسُوۡلًا فَیُوۡحِیَ بِاِذۡنِهٖ مَا یَشَآءُ ؕ اِنَّهٗ عَلِیٌّ حَکِیۡمٌ ﴿۵۲﴾

ونرسد بشری را که خدا با او تکلم کند جز بوحی یا از پشت پرده یا بفرستد پیغام رسانی که باذن او هر چه بخواهد وحی کند. یقینًا او بلند شان صاحب حکمت است(۵۲)

وَکَذٰلِکَ اَوۡحَیۡنَاۤ اِلَیۡکَ رُوۡحًا مِّنۡ اَمۡرِنَا ؕ مَا کُنۡتَ تَدۡرِیۡ مَا الۡکِتٰبُ وَلَا الۡاِیۡمَانُ وَلٰکِنۡ جَعَلۡنٰهُ نُوۡرًا نَّهۡدِیۡ بِهٖ مَنۡ نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا ؕ وَاِنَّکَ لَتَهۡدِیۡۤ اِلٰی صِرَاطٍ مُّسۡتَقِیۡمٍ ﴿۵۳﴾

و بدین ترتیب مابسوی تو ازامر خود کلامی زندگی بخش وحی فرستادیم. تو نمیدانستی کتاب چیست و ایمان چیست. اما ما آن را نور ساختیم که به[وسیله]آن هر که از بندگان خود بخواهیم هدایت دهیم و یقینًا تو مردم را براه راست هدایت میکنی(۵۳)

صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِیۡ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الۡاَرۡضِ ؕ اَلَاۤ اِلَی اللّٰهِ تَصِیۡرُ الۡاُمُوۡرُ ﴿۵۴﴾ ع ۵ ۱۰ ۶

راه آن خدا که هرچه در آسمانها و هرچه در زمین است ازآن او است. باش! همه امور بسوی خدا برمیگردد(۵۴)

# ۴۳- سورة الزُّخرف

این سورة درمکه نازل آمد و با بسم الله ۹۰آیت دارد.

بمحض آغازاین سورة تکراراز واژه "أمّ" است. درسورة گذشته ذکر از "أمّ القریٰ"بودبدین عنوان که مکه مادرهمه ای قریه هااست.دراین سورة ذکر از سورة الفاتحه است که این کلام عظیم الشان رابمنزله مادراست. بعبارت دیگرتمامی‌مضامین قرآن درآن بطوری‌جمع کرده شده اند که رحم مادر این مورد را احاطه میکند که انسان را قبل از پیدایش با آنهمه صفات تزیین نماید که برایش مقدر شده اند.

بازفرموده شد،چون شمادر دشت ودریامسافرت کنید آنگاه بیادآرید که همان خدا است که کشتیهایی روان در دریا یا جانورانی حرکت کننده در زمین که بر آنها سوارمیشوید، برایشما رام کرد.بسیاری از شما باشند که با حوادث روبروشده به آن مقاصدنرسندکه بخاطرآنهاعازم شده بودند.امابدانید که مقصدنهائی‌همانست که به آن رسیده دربارگاه خدائی‌حضورخواهید یافت.

نخستین آیت این سورة سخن از اهل کتاب میگوید و آیتهای ببعد از مشرکان. پس ازاین، ذکر از آن پیغمبران پیشین و علی الخصوص ایشان که به سوی قومهای مشرك رسالت داده شدند و انکار از ایشان ازجانب کافران و بعلت انکار، بدفرجام آن کافران، میرود.

قبلاًخدای سبحان ذکر از همایش همه ای نوع بشر را بریك دست، کرده میفرماید که اگر مارا اینطور کردن بود آنگاه برای همایش جمله آزمندگان دنیا فقط یك صورت بود که خانه های آنان را با زر و سیم و دیگر اسباب

عیش و نوش می انباشتیم. امااینکه محض اسباب عیش و نوش ظاهری و بی اساس و مال و منال فناپذیر و بهره کشی دنیائی بدست آنها میرسید. اما عاقبت نیکو فقط نصیب متقیان میشود.

اینجا یك علت از جمع نشدن مردم بر یك دست اینهم بیان میشود که چون رفیقان ایشان خدانشناس میباشند آنها به دام منکران خدا میافتند. ولی روز قیامت هرکه دردنیا تحت تاثیر رفیقی گمراه رفته باشد به آن رفیق خود با اظهار این حسرت خواهد گفت، کاشکی میان من و تو دوری شرق و غرب میبود و من به این مجازات نمیرسیدم.

دراین سورة آیت مهمی دیگراست که پردهٔ راازچگونگی نزول حضرت مسیح برمیدارد وبدنبال این ذکرمیگویدکه حضرت مسیح که یك مَثَل بودند وچون جلوی‌مشرکان ذکرازحضرت مسیح آورده میشد، مخاطب به رسول اللّٰہ ﷺ میگفتند،اگرقراراست که یکی غیراللّٰہ راپذیریم، بهتراست که بجای غیراللّٰہ از قومی دیگر کسی را از قوم خود به آن مقام برگزینیم.آنان این امر را درك نمیکردند که مسیح نه خدا بلکه بنده ای انعام شده خدا بود و برای آنها بعنوان مثلی بود از آنچه بسیار درس میتوان گرفت.

سپس دراین سورة پیشگوئی میشود که مسیح در آتیه نیز بعنوان مثل نازل خواهد شد با این علامت که ساعت برای انقلاب معظم فرارسیده است.

این سورة شأن معظم آنحضرت ﷺ رابیان میکند.ایشان بزرگترین عبادت کنندگان خدابودند.پس اگرخدا را پسری بود هرگز ایشان از عبادت او اعراض نمیکردند. پس انکار کردن ایشان از عبادت پسرفرضی خدا به اثبات میرساند که ایشان یقین کامل داشتند که خدا را هیچ پسری نیست.

☆ سُوْرَةُ الزُّخْرُفِ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُوْنَ ايَةً وَّسَبْعَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(۱) |
| حٰمٓ ② | حَمید مَجید - صاحب حمد، صاحب تمجید(۲) |
| وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ③ | سوگند به کتاب بیان کننده آشکار(۳) |
| اِنَّا جَعَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ④ | یقینًا ما اینرا قرآنی فصیح و بلیغ قرارداده ایم تا شما عقل کنید(٤) |
| وَاِنَّهٗ فِيْٓ اُمِّ الْكِتٰبِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيْمٌ ⑤ | و یقینًا آن [قرآن] در ام الکتاب است نزد ما بسیار بلند مرتبت و دارای حکمت است(۵) |
| اَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِيْنَ ⑥ | پس آیاازنصیحت کردن شمابرای این دوری گزینیم که شما قوم تجاوز گرانید؟(٦) |
| وَكَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيٍّ فِي الْاَوَّلِيْنَ ⑦ | و ای بسا پیغمبری در پیشنیان فرستاده بودیم(۷) |
| وَمَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ | و هیچ پیغمبری ایشان را نمیآمد |

معانقة عند المتقدمين

يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٨﴾

مگر به او مسخره میکردند(۸)

فَاَهْلَكْنَآ اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّمَضٰى مَثَلُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٩﴾

پس ما سختتر از آنها در چنگ آوری را هم هلاك كرديم و مثل پيشينيان گذشته است(۹)

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ﴿١٠﴾

و اگر بپرسی از آنها کیست که آسمانها و زمین را آفرید حتمًا گویند.آنها را صاحب غلبه کامل صاحب دانش آفریده است(۱۰)

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّجَعَلَ لَكُمْ فِيْهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١١﴾

آنکه زمین را برایشماگسترشی قرارداد و برایشما در آن راههای نهاد تا شما رهنمائی بیابید(۱۱)

وَالَّذِيْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً بِقَدَرٍ فَاَنْشَرْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ﴿١٢﴾

و آنکه آب را از آسمان باندازهٔ نازل کرد. پس شهری مردهٔ را بدان زنده نمودیم. همینطور شما بیرون آورده شوید(۱۲)

وَالَّذِيْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْفُلْكِ وَالْاَنْعَامِ مَا تَرْكَبُوْنَ ﴿١٣﴾

و آنکه زوج هرچیز را آفرید و برای شما کشتیهای گوناگون و چهارپایان بوجود آورد آنچه را سوارشوید(۱۳)

لِتَسْتَوٗا عَلٰى ظُهُوْرِهٖ ثُمَّ تَذْكُرُوْا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ اِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُوْلُوْا

تابرپشتهای آنهااستوار بنشینید. سپس نعمت های پروردگار خود

سُبْحٰنَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ ﴿۱۴﴾

رایادکنیدچون برآنهاقرار گیرید وبگوید پاك است آنكه این را برای مارام کرد حالیکه ما به رام کردن آن طاقت نمی‌آوردیم(۱۴)

وَاِنَّآ اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ ﴿۱۵﴾

و یقینًا ما بسوی پروردگار خود بازگشتگانیم(۱۵)

وَجَعَلُوْا لَهٗ مِنْ عِبَادِهٖ جُزْءًا ؕ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ مُّبِیْنٌ ﴿۱۶﴾ ؏

وآنهابعضی از بندگان او را برای او جزو قرار دادند یقینًاانسان ناسپاسی آشکاراست(۱۶)

اَمِ اتَّخَذَ مِمَّا یَخْلُقُ بَنٰتٍ وَّاَصْفٰكُمْ بِالْبَنِیْنَ ﴿۱۷﴾

آیا از آنچه او آفرید دخترانی گرفت در حالیکه برایشماپسران برگزید(۱۷)

وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهٗ مُسْوَدًّا وَّهُوَ كَظِیْمٌ ﴿۱۸﴾

وهرگاه کسی از آنها مژده داده شود به آنكه برای خدا مثل اعلیٰ میزندپس رویش سیاه می گردد حالیکه اوغم سخت را فرو برنده است(۱۸)

اَوَمَنْ یُّنَشَّؤُا فِی الْحِلْیَةِ وَهُوَ فِی الْخِصَامِ غَیْرُ مُبِیْنٍ ﴿۱۹﴾

آیاآنكه درزیورپرورش میابد و او درستیز نتواند سخن واضحتر بگوید [وی را نصیب خدا می گردانید]؟ [(۱۹)

وَجَعَلُوا الْمَلٰٓئِكَةَ الَّذِيْنَ هُمْ عِبٰدُ الرَّحْمٰنِ اِنَاثًا ؕ اَشَهِدُوْا خَلْقَهُمْ ؕ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْئَلُوْنَ ﴿۲۰﴾

و فرشتگان که بندگان رحمٰن اند رازنان [دیویهامندی] قرار دادند. آیا به آفرینش آنها گواه اند؟ یقینًاگواهی ایشان نوشته شده و پرسش خواهند شد(۲۰)

وَقَالُوْا لَوْ شَآءَ الرَّحْمٰنُ مَا عَبَدْنٰهُمْ ؕ مَا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۗ اِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿۲۱﴾ؕ

وگویندا گر رحمٰن میخواست ما آنها راپرستش نمیکردیم. ایشان را به آن هیچ دانشی‌نیست.آنها که فقط حدس میزنند(۲۱)

اَمْ اٰتَيْنٰهُمْ كِتٰبًا مِّنْ قَبْلِهٖ فَهُمْ بِهٖ مُسْتَمْسِكُوْنَ ﴿۲۲﴾

آیا قبلاما به آنها کتابی داده ایم پس‌آنها به آن چنگ زده اند؟(۲۲)

بَلْ قَالُوْٓا اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰٓى اُمَّةٍ وَّاِنَّا عَلٰٓى اٰثٰرِهِمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿۲۳﴾

بلکه میگویند البته ما پدران خود را برمسلکی یافتیم و یقینًا برنقش قدم آنان هدایت یافتگان ایم(۲۳)

وَكَذٰلِكَ مَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوْهَآ ۙ اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰٓى اُمَّةٍ وَّاِنَّا عَلٰٓى اٰثٰرِهِمْ مُّقْتَدُوْنَ ﴿۲۴﴾

و بهمین ترتیب از پیش تو در هیچ شهری بیم دهندهٔ نفرستادیم مگرخوشحالان آن گفتند که ما پدران خود را بر مسلکی یافته ایم و یقینًا ما از نقش قدم ایشان اقتداکنندگانیم(۲۴)

| | |
|---|---|
| قٰلَ اَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِاَهْدٰى مِمَّا وَجَدْتُّمْ عَلَيْهِ اٰبَآءَكُمْ ۗ قَالُوْٓا اِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿٢٥﴾ | او گفت: آیا [هم درآنصورت که] اگر شمارا بهتر ازآن چیزی بیآرم که برآن پدران خودرا یافته بودید؟ گفتند: یقیناً ماانکارمیکنیم به آنچه بدان تو فرستاده شدی(۲۵) |
| فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٢٦﴾ | پس ما از آنها انتقام گرفتیم. پس بنگر عاقبت مکذبان چطور بود(۲۶) |
| وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ لِاَبِيْهِ وَقَوْمِهٖٓ اِنَّنِيْ بَرَآءٌ مِّمَّا تَعْبُدُوْنَ ﴿٢٧﴾ | وچون ابراهیم به پدرخود و قومش گفت: یقیناً من بیزارم از آنچه شما عبادت میکنید(۲۷) |
| اِلَّا الَّذِيْ فَطَرَنِيْ فَاِنَّهٗ سَيَهْدِيْنِ ﴿٢٨﴾ | مگرآنکه مرا آفرید پس اوست که حتماً مرا هدایت دهد(۲۸) |
| وَجَعَلَهَا كَلِمَةًۢ بَاقِيَةً فِيْ عَقِبِهٖ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٢٩﴾ | و[خدا]آن[سخن] را نشانه بزرگی باقی مانده در اعقاب وی قرارداد تا باشد آنان رجوع کنند(۲۹) |
| بَلْ مَتَّعْتُ هٰٓؤُلَآءِ وَاٰبَآءَهُمْ حَتّٰى جَآءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُوْلٌ مُّبِيْنٌ ﴿٣٠﴾ | حقیقت اینست که آنها و پدران آنان را موقتاً متنعم نمودم تاآن انتها که ایشان را حق و رسولی بصراحت بیان کننده آمد(۳۰) |
| وَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ | و چون حق ایشان را آمد گفتند |

وَّاِنَّا بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿۳۱﴾

این جادوئی است و یقینًا ما آنرا انکار کنندگانیم (۳۱)

وَقَالُوْا لَوْلَا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ عَلٰی رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيْمٍ ﴿۳۲﴾

وگفتندچرا این قرآن بر شخص نامی از دوشهر بزرگ نازل کرده نشد(۳۲)

اَهُمْ يَقْسِمُوْنَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ؕ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيْشَتَهُمْ فِی الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا ؕ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُوْنَ ﴿۳۳﴾

آیا ایشان رحمت پروردگار تو را تقسیم کنند؟مائیم که امرار معاش ایشان رامیان ایشان در زندگانی دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی از ایشان را بربعضی در درجات برتری داده ایم تابعضی از آنها بعضی را تسخیر کنند و رحمت پروردگارتو نیکوتر ازآن است که جمع میکنند(۳۳)

وَلَوْلَآ اَنْ يَّكُوْنَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَّكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوْتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَّ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُوْنَ ﴿۳۴﴾

و اگراین احتمال نبود که همه مردم قومی یك نواخت خواهند شد حتمًا برای آنهاکه رحمٰن را انکارکنندسقوف خانه های ایشان و پله های که بر آنها بالاآیند را ازنقره میساختیم(۳۴)

وَلِبُيُوْتِهِمْ اَبْوَابًا وَّ سُرُرًا عَلَيْهَا

وهم درهای منازل ایشان و مسند

يَتَّكِـُٔوْنَ ﴿۳۵﴾ وَزُخْرُفًا ؕ وَاِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ؕ وَالْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۳۶﴾ ع

وَمَنْ يَّعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ﴿۳۷﴾

وَاِنَّهُمْ لَيَصُدُّوْنَهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿۳۸﴾

حَتّٰۤى اِذَا جَآءَنَا قَالَ يٰلَيْتَ بَيْنِىْ وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِيْنُ ﴿۳۹﴾

وَلَنْ يَّنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ اِذْ ظَّلَمْتُمْ اَنَّكُمْ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ ﴿۴۰﴾

اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ اَوْ تَهْدِى الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۴۱﴾

های راکه برآنهاتکیه میزنند(۳۵) و تزئین اعطا میکردیم. این همه فقط اثاث فنا پذیر زندگی دنیا است و آخرت نزد پروردگارتو برای متقیان است(۳۶)

و هرکه از یاد رحمٰن سرباززند برایش شیطانی بگماریم. پس او همنشین او گردد(۳۷)

و یقینًا آنها آنانرا از راه گمراه سازند درحالیکه گمان کنند که آنها هدایت یافتگانند(۳۸)

حتّیٰ‌چون نزد ما آید گوید [به همراهی خود] کاشکی میان من و میان تو دوری مشرق و مغرب میبود. پس چه زشت همنشین است(۳۹)

وچون ستم کرده ای امروز هرگز شمارا سودنیآرد اینکه همه شما در عذاب شریکانید(۴۰)

پس آیا کران را توانی شنواند یا هدایت توانی کرد کوران را

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُّنْتَقِمُونَ ﴿٤٢﴾

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٣﴾

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٤﴾

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٥﴾

وَسْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٦﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

و آن را که درگمراهی آشکار است(٤١)

پس اگر تو را ببریم بازهم یقیناً ما ازآنها انتقام گیرنده ایم(٤٢)

یا نشان دهیم تو را آنکه را به آنها وعدهٔ داده ایم پس یقینًا ما بر آنها کاملاً قدرتمندانیم(٤٣)

پس چنگ بزن آنرا که برتووحی فرستاده شود. یقینًا تو بر راه راست هستی(٤٤)

و یقینًا این برای تو و برای قوم تو ذکری بزرگ است و حتمًا شما پرسیده خواهید شد(٤٥)

و بپرس آنان را که قبل از تو از رسولان خود فرستاده بودیم آیا گذشته از رحمٰن خدایانی قرار داده بودیم تا عبادت کرده شوند؟(٤٦)

والبته ما موسٰی را بسوی فرعون و سردارانش با نشانه های خود فرستاده بودیم. پس اوگفت،یقینا

من از پروردگارجهانها رسولی مستم(۴۷)

فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِاٰيٰتِنَآ اِذَاهُمْ مِّنْهَا يَضْحَكُوْنَ۝۴۸

پس چون او آنان را با آیتهای ما آمد فوراً از آنها خنده کردن گرفتند(۴۸)

وَمَا نُرِيْهِمْ مِّنْ اٰيَةٍ اِلَّا هِيَ اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَا ۫ وَاَخَذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ۝۴۹

وآنهارامیچ آیتی نشان نمیدادیم مگرآن بزرگترازنظیر[آیت قبلی] خودمیبود وآنهارا بعذاب گرفتیم تاآنهارجوع کنند(۴۹)

وَقَالُوْا يٰاَيُّهَ السّٰحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۚ اِنَّنَا لَمُهْتَدُوْنَ۝۵۰

و گفتند.ای جادوگر! برای ما از پروردگارخویش بخواه برای آن چه او بشما وعدهٔ داده است.یقینًا ما هدایت یافتگان شویم(۵۰)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِذَا هُمْ يَنْكُثُوْنَ۝۵۱

پس چون عذاب را از آنها دور ساختیم بیدرنگ به عهد شکستن گرفتند(۵۱)

وَنَادٰى فِرْعَوْنُ فِيْ قَوْمِهٖ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَيْسَ لِيْ مُلْكُ مِصْرَ وَهٰذِهِ الْاَنْهٰرُ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِيْ ۚ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ۝۵۲

و فرعون در قوم خود اعلام کرد. ای‌قوم من آیا ازآن من نیستند کشور مصر و این نهرهای که به تصرف من جاری اند.پس آیا به بصیرت نمییابید؟(۵۲)

اَمۡ اَنَا خَيۡرٌ مِّنۡ هٰذَا الَّذِىۡ هُوَ مَهِيۡنٌ ۙ وَّلَا يَكَادُ يُبِيۡنُ ﴿۵۳﴾

حقیقاً من بهتر از آنکس مستم که بی توان است و نتواند سخن رسا مم بگوید(۵۳)

فَلَوۡلَاۤ اُلۡقِىَ عَلَيۡهِ اَسۡوِرَةٌ مِّنۡ ذَهَبٍ اَوۡ جَآءَ مَعَهُ الۡمَلٰٓـئِكَةُ مُقۡتَرِنِيۡنَ ﴿۵۴﴾

پس چرا بر او النگومای طلائی فرودفرستاده نشدند یا فرشتگان با او گروه گروه میآمدند؟(۵۴)

فَاسۡتَخَفَّ قَوۡمَهٗ فَاَطَاعُوۡهُ ؕ اِنَّهُمۡ كَانُوۡا قَوۡمًا فٰسِقِيۡنَ ﴿۵۵﴾

پس او به قوم خود هیچ ارجی نگذاشت پس آنها او را اقتداء کردند.بیگمان آنها قومی بدکردار بودند(۵۵)

فَلَمَّاۤ اٰسَفُوۡنَا انْتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَاَغۡرَقۡنٰهُمۡ اَجۡمَعِيۡنَ ۙ ﴿۵۶﴾

پس چون ما را بخشم آوردند ما از آنها انتقام گرفتیم. پس همه آنها را غرق کردیم(۵۶)

فَجَعَلۡنٰهُمۡ سَلَفًا وَّمَثَلًا لِّلۡاٰخِرِيۡنَ ﴿۵۷﴾ ع

پس ما آنها را قصه های گذشته و برای آیندگان سامان عبرت قرار دادیم(۵۷)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابۡنُ مَرۡيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوۡمُكَ مِنۡهُ يَصِدُّوۡنَ ﴿۵۸﴾

و مرگاه عیسٰی پسر مریم بعنوان مثلیآورده شود ناگهان قوم تو از آن غوغاکردن میگرند(۵۸)

وَقَالُوۡۤا ءَاٰلِهَتُنَا خَيۡرٌ اَمۡ هُوَ ؕ مَا ضَرَبُوۡهُ لَكَ اِلَّا جَدَلًا ؕ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ خَصِمُوۡنَ ﴿۵۹﴾

وگویند:آیا معبودان ما نیکوترند یا او. این حرف را برای تو فقط

به ستیزمیزنند. بلکه آنها قومی سخت ستیزه گر اند(٥٩)

اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿٦٠﴾

او فقط بندهٔ ی ما بود. ما بر او انعام کردیم و او را برای بنی اسرائیل مثلی [قابل تقلید] قرار دادیم(٦٠)

وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِي الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ ﴿٦١﴾

و اگر میخواستیم فرشتگان را ازخود شما برمیگزیدیم که در زمین جانشینی میکردند(٦١)

وَاِنَّهٗ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُوْنِ ۭ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦٢﴾

ویقیناًاوساعت انقلاب را شناخت خواهدبود.پس به آن[ساعت]هرگز شك نکنید و مرا پیروی کنید. این راه راست است(٦٢)

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ ۚ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿٦٣﴾

و شیطان شما را بازندارد. یقیناً او دشمنی آشکار شما است(٦٣)

وَلَمَّا جَآءَ عِيْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِاُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِيْ تَخْتَلِفُوْنَ فِيْهِ ۚ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿٦٤﴾

وچون عیسیٰ با ادله روشن آمد گفت، من شماراحکمت آورده ام وبرای این آمده ام که شمارا بعضی از آن سخنان بوضوح بیان کنم که در آن اختلاف دارید. پس خدارا تقوی اختیار کنید و مرا

اِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّیْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ؕ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیْمٌ ﴿٦٥﴾

اطاعت کنید(٦٤)

یقیناًخدای است که پروردگارمن و پروردگار شما است.پس او را عبادت کنید. این راه راست است(٦٥)

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْۢ بَیْنِهِمْ ۚ فَوَیْلٌ لِّلَّذِیْنَ ظَلَمُوْا مِنْ عَذَابِ یَوْمٍ اَلِیْمٍ ﴿٦٦﴾

پس گروههای ازمیان خودشان بهم اختلاف انگیختند پس آنهائی که اختلاف کردند را از عذاب روزی دردناك ملاك باد(٦٦)

هَلْ یَنْظُرُوْنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِیَهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا یَشْعُرُوْنَ ﴿٦٧﴾

آیا منتظراند مگر ساعت[قیامت] آنانرادرحالی‌ناگهان آیدکه ایشان احساس هم نداشته باشند(٦٧)

اَلْاَخِلَّآءُ یَوْمَئِذٍۭ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِیْنَ ﴿٦٨﴾

آنروزبعض دوستان صمیمی دشمن همدیگرگردند جز متقیان(٦٨)

یٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَیْكُمُ الْیَوْمَ وَلَآ اَنْتُمْ تَحْزَنُوْنَ ﴿٦٩﴾ۚ

ای بندگان من!امروزبرشما هیچ بیمی نباشد و نه شما اندومگین شوید(٦٩)

اَلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا بِاٰیٰتِنَا وَكَانُوْا مُسْلِمِیْنَ ﴿٧٠﴾ۚ

کسانیکه به آیات ما ایمان آوردند و فرمانبردار شدند(٧٠)

اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ اَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُوْنَ ﴿٧١﴾

شما و جفت های شما بداخل بهشت شوید. شما شادمان کرده

شوید(۷۱)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَّأَكْوَابٍ ۚ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ۚ وَأَنْتُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٧١﴾

وتشتهای طلائی و کوزه های بلورین برایشان بدورآورده شود و به هر چه دلها تمناکند و چشمان سرور یابد درآن مهیااست و شما در آن جاودانان اید(۷۲)

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِيٓ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

و این آن بهشتی است که وارث آن گزیده شدید بعلت آن اعمال که شما انجام میدادید(۷۳)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

شمارا درآن میوههای فراوانست که از آنهاخواهیدخورد(۷٤)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خٰلِدُونَ ﴿٧٤﴾

البته مجرمان در عذاب جهنم بمدت دراز خواهند ماند(۷۵)

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾

آن از آنها کاسته نشود و آنها درآن نومید مکث کنند(۷٦)

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظّٰلِمِينَ ﴿٧٦﴾

و ما برآنها ستم نکردیم و اما آنها خود ستمکاران بودند(۷۷)

وَنَادَوْا يٰمٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۖ قَالَ إِنَّكُمْ مّٰكِثُونَ ﴿٧٧﴾

و بانگ زنند ای مالك، پروردگار تومارامرگ دهد! اوگوید: براستی شما [درهمین جا] مکث کنندگان اید(۷۸)

لَقَدْ جِئْنٰكُمْ بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُوْنَ ﴿۷۹﴾

یقینًاما نزد شما بحق آمده بودیم اما بیشتراز شماحق را ناپسند دارندگان بودند(۷۹)

اَمْ اَبْرَمُوْٓا اَمْرًا فَاِنَّا مُبْرِمُوْنَ ﴿۸۰﴾

آیا آنها درصدد انجام کاری شده اند؟ پس یقینًاماهم درصدد [انجام کاری] شده ایم(۸۰)

اَمْ يَحْسَبُوْنَ اَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوٰىهُمْ ؕ بَلٰى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُوْنَ ﴿۸۱﴾

آیا گمان میورزند که ما هر راز ایشان ونجوایشان رانمیشنویم؟ بلی، رسولان ما نزد ایشان نویسندگانند(۸۱)

قُلْ اِنْ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ ۖ فَاَنَا اَوَّلُ الْعٰبِدِيْنَ ﴿۸۲﴾

بگو، رحمٰن را اگر پسری بود پس من از نخستین عبادتگذاران بودم(۸۲)

سُبْحٰنَ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿۸۳﴾

پاك است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش از آنچه آنها بیان میکنند(۸۳)

فَذَرْهُمْ يَخُوْضُوْا وَيَلْعَبُوْا حَتّٰى يُلٰقُوْا يَوْمَهُمُ الَّذِىْ يُوْعَدُوْنَ ﴿۸۴﴾

پس آنهارابگذار هی هرزه سرائی کنند وبازی‌کنند تا آن انتها که آنروزخود راببینند که وعده داده شدند(۸۴)

وَهُوَ الَّذِىْ فِى السَّمَآءِ اِلٰهٌ وَّفِى الْاَرْضِ

و اوست آنکه در آسمانها معبود

اِلٰهٌ ۗ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْعَلِيْمُ ﴿۸۵﴾

است و در زمین معبود است و او صاحب بسیارحکمت صاحب علم دایمی است(۸۵)

وَتَبٰرَكَ الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ وَعِنْدَهٗ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿۸۶﴾

وفقط آن یك صاحب بینهایت برکت ثابت شد که پادشاهی آسمانها و زمین و هرچه میان آندو است ازآن اوست و علم این ساعت مخصوص نزد او است و بسوی‌اوبازگردانیده شوید(۸۶)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهِ الشَّفَاعَةَ اِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿۸۷﴾

و آنهارا که جز او میخوانند هیچ اختیاربرای شفاعت ندارند جز آنانکه به[سخن]حق گواهی دهند و ایشان که علم دارند(۸۷)

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ فَاَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿۸۸﴾

واگرازآنهابپرسی‌کی‌آنهارا آفرید حتمًاگویند:خدا. پس کجا فریب داده میشوند؟(۸۸)

وَقِيْلِهٖ يٰرَبِّ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۸۹﴾

و[یادکن وقت این] گفتارش راکه پروردگارا!این مردم هرگز ایمان نیارند(۸۹)

وقف لازم

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلٰمٌ ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿۹۰﴾ ع

پس تو از اینها گذشت کن و بگو سلام. پس بزودی بدانند(۹۰)

ع ۷ ۲۲ ۱۳

# ٤٤-الدخان

این سورة مکی است و با بسم الله ٦٠ آیت دارد.

ابتدائی موضوع ازسورة الدخان اشارهٔ به موضوع سورة القدرمینماید آنچه از این ابتدائی آیات کریمه این سورة آشکار است که ما این کتاب را در چنین شبی تاریك نازل کرده ایم که بسیار بابرکت بود چه انوار ابدی را پس از این تاریکی ظهور کردن بود. حین این شب فیصل به هریك سخن حکمتمند داده خواهد شد.

درپایان سورة گذشته این موضوع جریان داشت که مخالفان را در بازی و بازیچه سرگردان بگذار و ازآنها اعراض کن. آنوقت فرارسیده است چون حق ازباطل تفکیك کرده شود. لذااین موضوع درآیتهای ابتدائی این سورة بیان میشود.

این سورة را "دخان" نام دادن عمده ترین علت اینست که هیچ بامداد رحمت را بعد از آن تاریکیها که درآنها آنان گرفتار اند، پدید آمدن نیست بلکه آن تاریکیها همچون دخان یعنی دود موجب افزایش عذابشان خواهد شد. اینجا میتوان کنایه ای بسوی دود اتمی هم شد که هیچ چیزی در سایه آن محفوظ نیست بلکه هرچیز طعمه هلاکتهای گوناگون قرارمیگیرد. لذا زبردستان علم جدید متنبه میسازند که هرنوع زندگی حتّی جرثومه ها یا میکروبها پنهان زیر خاك زمین نیز در سایه دود اتمی هلاك خواهند شد. خدای تعالی میفرماید چون اینطورشود آنگاه آنهاروی به خداآورده گویند، خدایاااین عذاب دردناك راواز ما دور بفرما.اینجا این پیشگوئی نیز میشود

که آن عذاب وقفه وقفه خواهد آمد. پس ازهلاکتهای یك جنگ جهانی تا زمانی فرصت داده شود و از آن گذشته جنگ جهانی دیگر با ویرانیهای مجدد خواهد آمد.

درباره سورة الدخان آنحضرت ﷺ را این علم داده شدکه پیشگوئی های این سورة را زمان ظهور وابستگی به ظهور دجال دارد.

☆ سُوْرَةُ الدُّخَانِ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّوْنَ اٰيَةً وَّثَلَاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحم کننده(۱)

حٰمٓ ②

حَمِید،مَجِید ـ صاحب حمد صاحب تمجید(۲)

وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ③

معانقة ۱۲ عند المتقدمين

سوگند به کتاب آشکار(۳)

اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ فِيْ لَيْلَةٍ مُّبٰرَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنْذِرِيْنَ ④

یقیناً ما اینرا درشبی خجسته ای نازل کردیم یقیناً ما بیم دهندگان بودیم(٤)

فِيْهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيْمٍ ⑤

درآن[شب]هرکدام امری پرحکمت فیصله داده شود(۵)

اَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا ۭ اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ ⑥

امری که ازجانب ما است. یقیناً ما هستیم فرستندگان رسولان(٦)

رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ۭ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ⑦

رحمتی از پروردگار تو. بیگمان اوست بسیار شنوای صاحب علم دائم(۷)

رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۘ اِنْ كُنْتُمْ مُّوْقِنِيْنَ ⑧

[ازجانب] پروردگار آسمانها و زمین و هرچه میان آندو است اگر شما باور کنندگانید(۸)

| | |
|---|---|
| لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِينَ ﴿٩﴾ | هیچ معبودی‌نیست جز او.او زنده کند ومیمیراند. پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما(۹) |
| بَلْ هُمْ فٖي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿١٠﴾ | حقیقت اینست که آنها درشك بازی میکنند(۱۰) |
| فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُبٖينٍ ﴿١١﴾ | پس منتظرباش روزی‌را که آسمان دودی آشکار را بیآرد(۱۱) |
| يَغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿١٢﴾ | مردم را فراگیرد. این عذابی دردناك باشد(۱۲) |
| رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ | پروردگارا! عذاب را از ما دور کن.یقینًا ما ایمان آرندگانیم(۱۳) |
| اَنّٰى لَهُمُ الذِّكْرٰى وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُولٌ مُبٖينٌ ﴿١٤﴾ | اینك پندشان از کجا درحالیکه ایشان را رسولی با ادله روشن آمده بود(۱٤) |
| ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٥﴾ وقف لازم | بازهم از او روی برتابیدند و گفتند، آموزش داده [بلکه] دیوانه است(۱۵) |
| اِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلٖيلًا اِنَّكُمْ عَآئِدُونَ ﴿١٦﴾ وقف لازم | البته ماعذاب رازمانی اندك دور کنیم.بهرصورت شما [همان سخنان را] اعاده کنندگانید(۱٦) |

یَوۡمَ نَبۡطِشُ الۡبَطۡشَةَ الۡكُبۡرٰى ۚ اِنَّا مُنۡتَقِمُوۡنَ ﴿۱۷﴾

روزیکه سخت گیریم [شمارا] سخت گرفتنی بزرگ حتمًا ماانتقام کشندگانیم(۱۷)

وَلَقَدۡ فَتَنَّا قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُوۡلٌ كَرِيۡمٌ ۙ﴿۱۸﴾

و یقینًا ماپیش از آنها قوم فرعون را آزمایش کرده بودیم حال آنکه آنهارارسولی گرامی آمده بود(۱۸)

اَنۡ اَدُّوۡۤا اِلَىَّ عِبَادَ اللّٰهِ ؕ اِنِّىۡ لَـكُمۡ رَسُوۡلٌ اَمِيۡنٌ ۙ﴿۱۹﴾

[گفت]اینکه بندگان خدا را بمن واگذارکنید.یقینًابرای شمارسولی امین ام(۱۹)

وَّاَنۡ لَّا تَعۡلُوۡا عَلَى اللّٰهِ ۚ اِنِّىۡۤ اٰتِيۡكُمۡ بِسُلۡطٰنٍ مُّبِيۡنٍ ۚ﴿۲۰﴾

و اینکه در مقابل خدا هرگز سر کشی نکنید.مرآینه من شمارادلیلی غالب آشکارا آورده ام(۲۰)

وَاِنِّىۡ عُذۡتُ بِرَبِّىۡ وَرَبِّكُمۡ اَنۡ تَرۡجُمُوۡنِ ﴿۲۱﴾

و یقیناً من به پروردگار خود و پروردگار شماپناه میبرم که مرا سنگسارکنید(۲۱)

وَاِنۡ لَّمۡ تُؤۡمِنُوۡا لِىۡ فَاعۡتَزِلُوۡنِ ﴿۲۲﴾

و اگر به من ایمان نمیآرید پس مرا تنها بگذارید(۲۲)

فَدَعَا رَبَّهٗۤ اَنَّ هٰٓؤُلَاۤءِ قَوۡمٌ مُّجۡرِمُوۡنَ ﴿۲۳﴾

پس اوپروردگارخویش را خواند که اینها قوم بزهکارانند(۲۳)

فَاَسۡرِ بِعِبَادِىۡ لَيۡلًا اِنَّكُمۡ مُّتَّبَعُوۡنَ ۙ﴿۲۴﴾

پس بابندگانم شبگاه کوچ کن. البته شماتعقیب کرده شوید(۲٤)

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا ۖ إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٥﴾

و دریا را ترک کن چون آن آرام است. یقینًا آنها لشکری اند که غرق کرده شوند(۲۵)

كَمْ تَرَكُوا مِن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٦﴾

آنها واگذاشتند بسا باغها و چشمه سارهائی را(۲۶)

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٧﴾

وکشتهاوجایگاههای ارجمند(۲۷)

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٨﴾

و نعمتی که درآن آسودگان بوده اند(۲۸)

كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٩﴾

همینطور شد و ما قومی دیگر را وارث آن گردانیدیم(۲۹)

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٣٠﴾

پس نه آسمان برآنها گریست و نه زمین ونه مهلت دادگان بودند(۳۰)

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣١﴾

و البته ما بنی‌اسرائیل را نجات دادیم ازعذابی‌خوارکننده(۳۱)

مِن فِرْعَوْنَ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣٢﴾

[که] از فرعون [بود]. یقینًا او از تجاوزگری کنندگان بسیارجباری بود(۳۲)

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾

ویقینًاما آن [بنی‌اسرائیلی] ما را براساس علم برجهانیان ترجیح داده بودیم(۳۳)

وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٤﴾

وآنان را بعضی از آن نشانه های

دادیم که در آنها آزمایشی آشکار بود(۳٤)

اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٥﴾

یقینًا این مردم میگویند(۳۵)

اِنْ هِیَ اِلَّا مَوْتَتُنَا الْاُوْلٰی وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِیْنَ ﴿٣٦﴾

نیست آن [دیگر]جز اولین مرگ ماومابرخیزاندگان نیستیم(۳٦)

فَأْتُوْا بِاٰبَآئِنَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٣٧﴾

پس بیآرید پدران ما را اگر شما راستگویانید(۳۷)

اَهُمْ خَيْرٌ اَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ۙ وَّالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ اَهْلَكْنٰهُمْ ۫ اِنَّهُمْ كَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿٣٨﴾

آیاآنهابهترند یاقوم تبع و آنانکه از پیش آنها بودند. ما آنها را هلاك کردیم. یقینًا آنها بزهکاران بودند(۳۸)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لٰعِبِيْنَ ﴿٣٩﴾

و آسمانها و زمین و هرچه میان آندوست را بازی کنان نه آفریده بودیم(۳۹)

مَا خَلَقْنٰهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٤٠﴾

و آندو را نیفریدیم مگر بحق و اما بیشترایشان نمیدانند(٤۰)

اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيْقَاتُهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٤١﴾

یقینًا روز فیصله همگی آنها را وعده گاهی است(٤۱)

يَوْمَ لَا يُغْنِیْ مَوْلًی عَنْ مَّوْلًی شَيْئًا وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٤٢﴾

روزیکه دوستی بکار هیچ دوست نه آید و نه آنها یاری کرده شوند(٤۲)

إِلَّا مَنْ رَّحِمَ اللّٰهُ ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿٤٣﴾

مگر برآنکه خدا رحم کند. یقینًا او صاحب غلبه کامل بارهارحم کننده است(٤٣)

ع ۱۳/۱۵

اِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّوْمِ ﴿٤٤﴾

یقینًا شجرزقوم(٤٤)

طَعَامُ الْاَثِيْمِ ﴿٤٥﴾

طعام بزهکار است(٤٥)

كَالْمُهْلِ ۚ يَغْلِيْ فِي الْبُطُوْنِ ﴿٤٦﴾

همچون مس گداخته در شکم می جوشد(٤٦)

كَغَلْيِ الْحَمِيْمِ ﴿٤٧﴾

مانند جوشیدن آب جوشان(٤٧)

خُذُوْهُ فَاعْتِلُوْهُ اِلٰى سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ﴿٤٨﴾

او را بگیرید و او را بکشید بسوی وسط جهنم(٤٨)

ثُمَّ صُبُّوْا فَوْقَ رَاْسِهٖ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيْمِ ﴿٤٩﴾

سپس برسرش کمی عذاب آب جوشان بریزید(٤٩)

ذُقْ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ ﴿٥٠﴾

بچش، یقینًا تو که صاحب بزرگی و ارجمند بودی(٥٠)

اِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهٖ تَمْتَرُوْنَ ﴿٥١﴾

همانا اینست آنچه [نسبت] به آن شما شك میکردید(٥١)

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اَمِيْنٍ ﴿٥٢﴾

یقینًا متقیان در جای ایمن باشند(٥٢)

فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿٥٣﴾

در باغها و چشمه سارها(٥٣)++

يَّلْبَسُوْنَ مِنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ﴿٥٤﴾

لباس سندس و استبرق تن کرده رو بروی هم تکیه زده نشسته

باشند(٥٤)++

كَذٰلِكَ ۗ وَزَوَّجْنٰهُمْ بِحُوْرٍ عِيْنٍ ؕ﴿۵۵﴾

همینطور بشود و ایشان را به دوشیزگان فراخ چشم هم جفت نمائیم(٥٥)

يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِيْنَ ۙ﴿۵۶﴾

ایشان در آن ایمن هرنوع میوهها طلب خواهند کرد(٥٦)

لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ الْاُوْلٰى ۚ وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ۙ﴿۵۷﴾

ودرآن نچشند مرگ جزمرگ اول و او آنهارا از عذاب جهنم حفظ نماید(٥٧)

فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكَ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿۵۸﴾

این بطور فضل از پروردگارتو است. یقینًا این پیروزی بزرگ است(٥٨)

فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۵۹﴾

پس ماآنرابرزبان تو آسان نموده ایم تا ایشان پند بگیرند(٥٩)

فَارْتَقِبْ اِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُوْنَ ﴿۶۰﴾ ع

ع ٣ ١٧ ١٦

پس منتظر باش یقینًا آنها نیز منتظر انند(٦٠)

---

++آیات ٥٣ـ٥٤: این تمثیل آن چیزها بیان شده است که مردم در دنیا دوست دارند وگرنه حالت اصلی آنها کسی نمیداند.

# ۴۵-سورة الجاثیه

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم الله ۳۸ آیت دارد.

در این سورة آیت ۱۴ چنین آیتی است که پرده را از راز های زمین و آسمان بنحوی برمیدارد که آیتی شبیه اش درهیچکدام کتب قبلی نازل نشده است. فرموده میشود.تمامی آنچه در زمین و آسمان است برای انسان مسخر شده است.پس کسانیکه فکرکنند بدانند که همگان اجرام سماوی بر انسان تاثیری میگذارند. گویی که انسان مائیکرویونیورس (Micro Universe) است و مجمل این کائنات پهناوراست.

پس، بعد از این ذکرکه قیامت حتماً برپاگردد فرمود، نشانه ای هیبتناك قیامت را رویت کرده و بدفرجام خویش را جلوی چشمان خود نگریسته آنهابه زانوهابرزمین خواهند افتاد.بعبارت دیگر ایشان درمقابل جلال خدای متعال به سجده بیفتند و آرزوکنندکاشکی ازاین عذاب بزرگ رهانیده شوند.

سپس فرمود که هرکدام امت فراخور کتاب شریعت خود قضاوت کرده شود.

درپایان این سورة توجه انسان یکبار دیگر بسوی این امر جلب کرده میشود که تمامی کاینات به زبان حال خدای متعال را ستایش میکند و اینکه کبریائی بتمام از آن اوست و او صاحب غلبه کامل و صاحب حکمت است.

☆ سُوْرَةُ الْجَاثِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَمَانٍ وَّ ثَلَاثُوْنَ اٰيَةً وَّ اَرْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعاو بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحم کننده(۱) |
| حٰمٓ ② | حَمِید مَجِید ـ صاحب حمد صاحب تمجید(۲) |
| تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ③ | نازلکردن این کتاب از خدای صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۳) |
| اِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ④ | یقیناًدرآسمانهاوزمین مومنان را بسیارآیت های است(۴) |
| وَفِيْ خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَآبَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ⑤ | و درآفرینش شما و هرچه جنبندهٔ او میگستراند آیتهای است برای قومیکه یقین دارند(۵) |
| وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ رِّزْقٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ⑥ | و دگرگون کردن شب و روز و آنچه خداازآسمان رزقی‌نازل کند وزمین رابدان پس ازمرگش زنده کند و رخ راجا بجاکرده وزاندن بادماآیتهای است برای قومیکه عقل کنند(۶) |
| تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ فَبِاَيِّ | این آیتهای خدا است که آنها را |

حَدِيثٍۭ بَعْدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤْمِنُونَ ⑦

بر تو با حق فرو خوانیم. پس اینها پس از خدا و آیتهای او به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟ (۷)

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ⑧

هلاك باد بر هر يك افترا كننده و دروغگویی بزرگ (۸)

يَسْمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ⑨

او آیتهای خدارا گوش میکندکه بر او خوانده میشود. بازهم کبرکنان اصرار میورزد که گویی او آنها را نشنیده است. پس او را بعذابی دردناك مژده بده (۹)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَٰتِنَا شَيْـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ⑩

وهرگاه اوبربعضی ازآیات مامطلع میگرددآنهارابباد سخریه میگیرد. همانها اند که برای آنها عذابی خوار كننده است (۱۰)

مِّن وَرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يُغْنِى عَنْهُم مَّا كَسَبُوا۟ شَيْـًٔا وَلَا مَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ⑪

[و]از ورای آنها جهنم است و هیچ هم به کاریشان نه آید آنچه کسب کردند و نه آنچه راجزخدا دوستانی گزیدند درحالیکه برای ایشان عذابی بزرگ است (۱۱)

هَٰذَا هُدًى ۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ⑫

ع ۱ ۱۲ ۱۷

این هدایتی بزرگ است و آنانکه به آیتهای پروردگارخود انکار

کردند برای آنها ازعذابی لرزندهٔ عذابی‌دردناك [مقدر] است(۱۲)

اَللّٰهُ الَّذِیْ سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْكُ فِیْهِ بِاَمْرِهٖ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۱۳﴾

خدا است آنکه دریا را برای شما مسخرکردتاباامراو درآن کشتیها روان شوند و تا فضل او را تلاش کنیدوتاشماسپاس بجاآرید(۱۳)

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا مِّنْهُ ؕ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۱۴﴾

و آنچه در آسمانها است وآنچه در زمین است از آن همگی را برای شمامسخرکرد.یقیناًدراین آیتهای است برای‌قومی‌که تفکرکنند(۱۴)

قُلْ لِّلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یَغْفِرُوْا لِلَّذِیْنَ لَا یَرْجُوْنَ اَیَّامَ اللّٰهِ لِیَجْزِیَ قَوْمًا بِمَا كَانُوْا یَكْسِبُوْنَ ﴿۱۵﴾

بگو به کسانیکه ایمان آوردند که به آنها که به روزهای خدا امید ندارند رفتارعفوکنند تا قومی را پاداش دهد مطابق آنچه کسب می کردند(۱۵)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَیْهَا ۫ ثُمَّ اِلٰی رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿۱۶﴾

هرکه نیکوکاری بجا آرد پس به نفع خود اوست و هرکه بدی کند پس خلاف خود اوست. بازشما به سوی پروردگارخود برگشت داده شوید(۱۶)

وَلَقَدْ اٰتَیْنَا بَنِیْۤ اِسْرَآءِیْلَ الْكِتٰبَ

ویقیناًبنی‌اسرائیل را کتاب

وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۷﴾

وحکمت ونبوت دردادیم وآنان را ازپاکیزه ها رزق بخشیدیم و آنها را بر همه عالمیان فضلیت اعطا کردیم (۱۷)++

وَاٰتَيْنٰهُمْ بَيِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ ۙ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۭ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۸﴾

وآنانرا‌تعلیمات آشکار ازشریعت اعطا کردیم. پس آنها اختلاف نه کردندمگرخلاف همدیگرسرکشی کرده پس از آنکه ایشان را علم آمد.یقیناًپروردگارتو روز قیامت درآن امور فیصله دهد که در آنها اختلاف میکردند(۱۸ )

ثُمَّ جَعَلْنٰكَ عَلٰى شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۹﴾

سپس تو را بریک امر شریعتی معظم استوار نمودیم. پس از پی آنان نرو و از هوای نفسانی آنها پیروی نکن که نادانانند(۱۹ )++

---

++آیت ۱۷ : منظور از فضیلت بنی اسرائیل بر عالمیان این است که ایشان را بر جهانهای مشخص آنزمان فضیلت حاصل بود. دنیا در بخش های مختلف آنقدر منقسم بود که بنی‌اسرائیل درباره آنهاهیچ اطلاعی‌نداشتند. بازهم هرچند جهانهای آنزمان بر بنی اسرائیل معلوم بود ما ایشان را بر همه آنها فضیلت دادیم.

++آیت ۱۹ :باز از آن پس به آنحضرت ﷺ شریعت اعطا شد.چون ایشان پیغمبر همه جهانی بودند شریعت ایشان ﷺ نیز همه جهانی بود.

إِنَّهُمْ لَنْ يُّغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا ؕ وَإِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٢٠﴾

یقیناً آنان درمقابل خدا هیچ هم بکارتو نیآیند و ستمگران یقیناً دوست همدیگر اندوخدادوست متقیان است(۲۰)

هٰذَا بَصَآئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿٢١﴾

این برای مردم بصیرت افروز سخنان است و هدایت و رحمت قومی را که یقین دارند(۲۱)

أَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ اجْتَرَحُوا السَّيِّاٰتِ أَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۙ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ؕ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ﴿٢٢﴾ ع ۲ ۱۰ ۱۸

آیا پنداشته اند آنانکه گناه های گوناگون کسب کنند که آنها را مانند آنان قراردهیم که ایمان آوردند و نیکوکاریها کردند [که گوئی]زیستن آنان و مردن آنان همسان باشد؟ بسیار زشت است آن قضاوت که میکنند(۲۲)

وَخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٢٣﴾

و خدا آسمانها و زمین را بحق آفرید تا هرجان پاداش داده شود فراخورآنچه او کسب کرد و آنها ستم کرده نشوند(۲۳)

أَفَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَأَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰى سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ

پس آیادیدیآنکس راکه هوایِنفس خویش را معبود خویش برگرفت وخدا او را بر مبنای علمی گمراه

وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشٰوَةً ؕ فَمَنْ يَّهْدِيْهِ مِنْۢ بَعْدِ اللّٰهِ ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٣﴾

نموده و بر شنوائی و بینائی او مهر نهاده و بر دیدگانش پردهٔ افکنده است؟ پس کیست پس از خدا که او را هدایت دهد؟ آیا بازهم پند نمیگیرید؟(۲۴)

وَقَالُوْا مَا هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَآ اِلَّا الدَّهْرُ ۚ وَمَا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۚ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّوْنَ ﴿٢٤﴾

و گویند. نیست آن [زندگی] جز زندگی دنیائی‌ما ـ ما هم میمیریم هم زنده شویم و نیست مارا ملاك کندجز روزگار حال آنکه آنها را به این هیچ هم دانشی نیست. آنها فقط حدس میزنند(۲۵)

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ اِلَّآ اَنْ قَالُوا ائْتُوْا بِاٰبَآئِنَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٢٥﴾

وهرگاه آیتهای روشن ما بر آنها خوانده شوددلیل آنان نیست جز اینکه گویند:پدران مارا بیآرید اگر شماراستگویانید(۲۶)

قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيْكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٦﴾ ع ۳ ۱۹

بگوخدا است که شما را زنده می کند.سپس شمارا میمیراند. سپس شمارا جمع کند بسوی روز قیامت که در آن هیچ شکی نیست و اما بیشترمردم نمیدانند(۲۷)

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَيَوْمَ

وازآن خدااست پادشاهی‌آسمانها

| | |
|---|---|
| تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَّخْسَرُ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿۲۸﴾ | و زمین و روزیکه قیامت برپا گردد دروغگویان آنروز زیان خواهند کشید(۲۸) |
| وَتَرٰى كُلَّ اُمَّةٍ جَاثِيَةً ۗ كُلُّ اُمَّةٍ تُدْعٰٓى اِلٰى كِتٰبِهَا ؕ اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۲۹﴾ | وهرکدام ملت را بزانو درآمده ببینی و هرامتی بسوی‌کتاب خود فراخوانده شود. امروز مزد داده شویدبدانچه شمامیکردید(۲۹) |
| هٰذَا كِتٰبُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ؕ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۳۰﴾ | این کتاب ماست که برخلاف شما بحق سخن گوید.یقیناًمامینوشتیم مرچه شما میکردید(۳۰) |
| فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِيْ رَحْمَتِهٖ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ ﴿۳۱﴾ | پس کسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری کردند پس ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود داخل کند. این پیروزی آشکار است(۳۱) |
| وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ اَفَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِيْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ ﴿۳۲﴾ | وباتوجه به آنهاکه انکارکردند. [گفته شوند] پس آیا آیتهای ما برشما فرو خوانده نمیشد؟ بازهم تکبرکردید و شماقوم بزمکاران شدید (۳۲) |
| وَاِذَا قِيْلَ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّالسَّاعَةُ لَا | و هنگامیکه گفته شود. وعده خدا |

رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾

حق است و ساعتی است که در آن هیچ شکی نیست گوئید.ما نمیدانیم ساعت چیست.ما [اینرا] فقط گمان میپنداریم و ما یقین آوردگان نیستیم(۳۲)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٣﴾

و برای آنان آشکار شود زشتی های آنچه میکردندو آنهارا احاطه کند بدانچه داشتند تمسخر می کردند(۳۴)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٣٤﴾

و گفته شود، ما امروز شما را فراموش میکنیم بطوریکه شما ملاقات امروز خود را فراموش کرده بودید و جایگاه شما جهنم است و شما را کسی از یاوران نیست(۳۵)

ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾

این بدانعلت است که شماآیتهای خدارابادسخریه گرفتیدوزندگی دنیا شمارافریبداد.پس امروز از آن[آتش] خارج کرده نشوند و نه عذر ایشان قبول کرده شود(۳۶)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ

پس ستایش مطلق ازآن خدا است

الْاَرْضِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝٣٧

که پروردگار آسمانها و پروردگار زمین است [همان که] پروردگار تمامی جهانها است (۳۷)

وَلَهُ الْكِبْرِيَآءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٣٨ ع

و از آن او است کبریائی در آسمانها و زمین و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است (۳۸)

# ٤٦ - الاحقاف

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ٣٦ آیت دارد.

بمحض آغاز این سورة اظهار از همان حقیقت مذکور در آخرین آیات سورة گذشته میشود که هر چه در زمین و آسمان و میان آندو است خدا را ستایش میکند. در ابتدای این سورة فرموده میشود که زمین و آسمان و هرچه در آندو است بر آن حق استوار اند که قبلاً ذکر شد.مجملاً بایدگفت که تمامی کاینات در حق کسی جز خدای حق گواهی نمیدهد. بلافاصله پس از این به مشرکان خطاب کرده میشود که زمین و آسمان و هرچه در آنها است آفرینش خدا است.شمارا باید آفرینشِ خدایانی برباقته خودتان نشان دهید. در حقیقت در این مضمر دلیل اینست که بر هرکدام آفریده ها مهرچاپی او نشانده شده است.

اگرچه دراین سورة ذکر از هلاکت قوم عاد میرود که بوسیله احقاف بیم داده شدند ولی این اسلوب قرآن را نباید ندیده گرفت که با تذکر سرگذشتهای پیشینیان اشاره به وقایع متشابه پسینیان نیز کرده میشود.

دراین سورة مجدداً کنایه ای به موضوع دخان یعنی دود شده است که هرگاه ابرها سایه افکنند آنان می پندارند که آسمان بر ایشان نعمت های میبارد. اما چون آن ابر ایشان را فرارسد آنگاه حالی شوند که آن همراه با چنین بادهای تشعشعی است که هرچیزی را هلاك سازند. پس ایشان آنقدر توفیق هم نتوانند بدست آورند که از مساکن خود بیرون آیند و چیزی جز منازلی ویران ایشان گواه بر وجود ایشان نباشد.ناگاساکی و هیروشیما در

ژاپن مصداق این امر میباشند.

آیه ۳٤ عبارت ازاین موضوع است که آیا آنان نمینگرند که خدا از آفرینش آسمان و زمین درمانده نمیشود. انسان آن زمان نمیتوانست ببینند ولی انسان امروز که به معلوم کردن رازها تلاش میکند میداند که زمین و آسمان تکراراً درعدم غرق میشوند و مجدداً در آفرینشی جدید درمیآیند و این فعل خداوندی که تکراراً زمین و آسمان را بحالت عدم برده بر سطح هستی در میآرد خاطرنشان میکند که هیچگاه او از عمل تخلیق دچارخستگی نمیشود. پس اینك انسان چطورخیال کند که چون او نابود شود خدا را توانائی نیست که او را دوباره بوجود آرد؟!

☆سُوْرَةُ الاَحْقَافِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ اَرْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحم کننده(۱)

حٰمٓ ②

حمید مجید ـ صاحب حمد صاحب تمجید[(۲)

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ③

نازل کردن این کتاب از خدای صاحب غلبه کامل، صاحب حکمت است(۳)

مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَمَّآ اُنْذِرُوْا مُعْرِضُوْنَ ④

آسمانها و زمین و هرچه میان آندو است را نه آفریدیم جز بحق و برای مدت معیّن، وآنهاکه کفرکردنداعراض کنند از آنچه هشدار داده شوند(٤)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْاَرْضِ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ؕ اِيْتُوْنِيْ بِكِتٰبٍ مِّنْ قَبْلِ هٰذَآ اَوْ اَثٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ⑤

بگو،آیا نگریستید آنچه را جز خدا میخوانید؟ مرانشاندهید چه چیز را در زمین آفریده اند؟یا برای ایشان درآسمانها مشارکتی است؟ برای من کتابی پیش از این یا نوشتهٔ ی علمی بیآرید اگر شما راستگویانید(۵)

وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ يَّدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيْبُ لَهٗٓ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَآئِهِمْ غٰفِلُوْنَ ﴿٦﴾

وکیست گمراهتر ازآنکه جز خدا آنهارا میخواند که نمیتوانند تا قیامت او راجوابی‌بدهند؟وآنهااز خوانده شدن خود بیخبراند(٦)

وَاِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوْا لَهُمْ اَعْدَآءً وَّكَانُوْا بِعِبَادَتِهِمْ كٰفِرِيْنَ ﴿٧﴾

وهنگامیکه مردم محشور کرده شوند آنها [که پرستش میشدند] به دشمنی آنهابرآیند و ازپرستش آنان انکار کنندگان شوند(٧)

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ ۙ هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٨﴾

و هنگامیکه آیات روشن ما برآنها خوانده میشود آنها که کفرکردند درباره حق چون نزدایشان آمد گویند، این جادوئی آشکار است(٨)

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ؕ قُلْ اِنِ افْتَرَيْتُهٗ فَلَا تَمْلِكُوْنَ لِيْ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ؕ هُوَ اَعْلَمُ بِمَا تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ ؕ كَفٰى بِهٖ شَهِيْدًاۢ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ؕ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٩﴾

آیا میگویند که او آنرا بربافته است؟بگو، اگرآنرا بربافته بودم آنگاه شما درمقابل خدا به نجاتم هیچ طاقت نمیآوردید. او داناتر به آنست که درآن مستغرق اید.او میان من و میان شما بس گواه است و او آمرزگاری بارها رحم کننده است(٩)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَآ اَدْرِیْ مَا یُفْعَلُ بِیْ وَلَا بِكُمْ ؕ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا یُوْحٰۤی اِلَیَّ وَمَاۤ اَنَا اِلَّا نَذِیْرٌ مُّبِیْنٌ ⑩

بگو من از رسولان آغازی نیستم و نمیدانم چه رفتار کرده شود بمن و یا به شما. من فقط آنرا پیروی کنم که بمن وحی فرستاده میشود و نیستم من جز بیم دهندۀ آشکار(١٠)

قُلْ اَرَءَیْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهٖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْۢ بَنِیْۤ اِسْرَآءِیْلَ عَلٰی مِثْلِهٖ فَاٰمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰلِمِیْنَ ⑪

بگو،آیا نگریستید [به آن نتیجۀ که] اگراو ازجانب خداباشدوشما او را انکار کنید حالانکه گواهی دهندۀ یازبنی‌اسرائیل بر[ظهور] مثیل خودگواهی داده بود،پس او که ایمان آورد و شماتکبر کردید.

++آیت١١ :اینجامنظور ازشاهد حضرت موسیٰ علیه السلام هستند ومنظور از ایمان آوردن ایشان ایمان آوردن برپیغمبری که درآینده ظهورکند یعنی حضرت محمد ﷺ هستند که درباره ظهور ایشان حضرت موسیٰ علیه السلام گواهی داده بودند. در استثناء ١٨ :١٨ مرقوم است:من برای‌ایشان ازمیان برادران خودایشان یك پیغمبر بپاکرده کلام خود را دردهن او افکنم و هرچه به او فرمان دهم همان را به ایشان خواهد گفت."

منظور از "وَاسْتَكْبَرْتُمْ" آن قوم بنی اسرائیل است که رسول الله ﷺ را انکار کردند.آنان فهمانیده شده اند که بنیان گذار ملت شما بر رسول الله ﷺ ایمان میداشت اما شما منکران او هستید.گویی که شیوه شما پیوسته انکارکردن است آنچه از تکبر منشأ میگیرد.

یقیناًخدابه قوم ستمکاران هدایت نمیدهد(١١)

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُوْنَآ اِلَيْهِ ۭ وَاِذْ لَمْ يَهْتَدُوْا بِهٖ فَسَيَقُوْلُوْنَ هٰذَآ اِفْكٌ قَدِيْمٌ ﴿١٢﴾

و آنها که کفرکردند گفتند به آنها که ایمان آوردند اگر این خوب بود بسوی آن بر ما سبقت نمی گرفتند و چون به آن هدایت نه یافتند گویند این یك دروغ باستانی است(١٢)

وَمِنْ قَبْلِهٖ كِتٰبُ مُوْسٰٓى اِمَامًا وَّرَحْمَةً ۭ وَهٰذَا كِتٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ڰ وَبُشْرٰى لِلْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٣﴾

و پیش از این کتاب موسیٰ رهنما و رحمتی بودو این کتاب تصدیق کنندۀ درزبان فصیح و بلیغ است تابیم دهد آنهائی راکه ستمکردند و نیکوکاران را مژدۀ است(١٣)

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿١٤﴾

همانا آنانکه گفتند، پروردگار ما خدا است سپس راه وفا پیمودند پس بر آنها نه بیم است و نه آنها اندوهناك شوند(١٤)

اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ جَزَاۗءًۢ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٥﴾

همانهااهل بهشتند درآن جاویدان اند.این پاداش است به آن عمل که داشتند میکردند(١٥)

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ اِحْسٰنًا ۭ

و انسان را اکیداً نصیحت کردیم

حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٦

که به والدین خویش احسان کند، مادرش او را بارنج برداشت و بارنج او را زاد و حملش و شیر گرفتنش سی ماه است تا آن انتها که چون به بلوغیه خود رسید و چهل ساله شد گفت، پروردگارا! توفیقم بده تاسپاسگذارم برای‌آن نعمت توکه برمن و بر والدینم ارزانی‌داشتی و اینکه نیکوکاری کنم که تو را خوش آید و نژادم را برای من اصلاح کن.یقینًا من بسوی تورجوع میکنم و یقینًا من از فرمانبرداران هستم(١٦)

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنۡهُمۡ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمۡ فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَعۡدَ ٱلصِّدۡقِ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ١٧

همانهاند که از ایشان نیکوترین ازآن اعمال که کردند را بپذیریم وازبدیهای‌ایشان عفونمایم.ایشان شامل امل بهشت هستند.[این] آن وعدهٔ راست است که داده می شدند(١٧)++(ص#١٢٣٦)

وَٱلَّذِي قَالَ لِوَٰلِدَيۡهِ أُفّٖ لَّكُمَآ

و آنکس که به والدین خود گفت، اف برشما.آیامرامیترسانیدکه من

اَتَعِدٰنِنِيْٓ اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْخَلَتِ الْقُرُوْنُ مِنْ قَبْلِيْ ۚ وَهُمَا يَسْتَغِيْثٰنِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ ۖ اِنَّ وَعْدَاللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَيَقُوْلُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٨﴾

بیرون آورده خواهم شد با آنکه پیش از من بساقومهادرگذشته اند و آندو به خدا فریادکنان[به پسر خود]گفتند:هلاك برتو،ایمان بیآر. یقینًا وعدهٔ خدا راست است.پس او گفت:اینهافقط اساطیرپیشینیان است(١٨)

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيْٓ اُمَمٍ قَدْخَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۗ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿١٩﴾

همانهاندکه برآنها آن فرمان [خدا] راست آمدکه بر ملتهای درگذشتهٔ پیش ازآنهاازجن و بشر [راست] آمده بود. یقینًا آنها خسارتکاران اند(١٩)

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ۚ وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٢٠﴾

وهرکدام رامراتب است از [روی]آنچه عملکردند و اینست تا [خدا]آنان راپاداش اعمال ایشان کامل دهد و ایشان ستمکرده نه شوند(٢٠)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ ۗ اَذْهَبْتُمْ طَيِّبٰتِكُمْ فِيْ حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

و [بیادآرید] روزی آنانکه کفر کردند روبروی آتش عرضه شوند.

+آیت ١٧ :اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا یعنی خداوند پاداش نیکو نه بمیزان کم نیکوکاری بلکه بمیزان بهترین بخش نیکوکاری خواهدداد.

وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا ۚ فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُوْنَ ﴿٢١﴾ ع

شماچیزهای پاك و پسندیده خود رادرزندگانی دنیاخودتمام کردید وبه آنها کامروا شدید.پس امروز عذاب رسوا کنندهٔ بپاداش داده شویدچه شمادر زمین بناحق تکبر میکردید و چه شما زشت کاری میکردید(٢١)

وَاذْكُرْ اَخَا عَادٍ ؕ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهٗ بِالْاَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ؕ اِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿٢٢﴾

وبرادرعاد رایادکن چون او بقوم خودنزدپشته های‌ریگ مشدار داد درحالیکه ازپیشرویش و ازپشت سرش مشدارهای [بسیار] گذشته بودکه جزخداقطعاًکسی را عبادت نکنید.براستی من برشما ازعذاب روزی بزرگ میترسم(٢٢)

قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا لِتَاْفِكَنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا ۚ فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٢٣﴾

گفتند:آیاآمدی نزد ما تا ما را از معبودان خود منحرف کنی؟ پس بیآر بدآنچه ما را میترسانی اگر تو از راستگویانی(٢٣)

قَالَ اِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ ۖ وَاُبَلِّغُكُمْ مَّآ اُرْسِلْتُ بِهٖ وَلٰكِنِّيْٓ اَرٰىكُمْ قَوْمًا

اوگفت:علم که فقط نزدخدااست. من بشماآنچه ابلاغ میکنم که باآن فرستاده شده ام و اما شما را

تَجۡهَلُوۡنَ ﴿٢٣﴾ قومی جاهل می بینم(٢٤)

فَلَمَّا رَاَوۡهُ عَارِضًا مُّسۡتَقۡبِلَ اَوۡدِيَتِهِمۡ ۙ قَالُوۡا هٰذَا عَارِضٌ مُّمۡطِرُنَا ؕ بَلۡ هُوَ مَا اسۡتَعۡجَلۡتُمۡ بِهٖ ؕ رِيۡحٌ فِيۡهَا عَذَابٌ اَلِيۡمٌ ۙ﴿٢٤﴾

پس چون آنرا ابری بسوی وادی های‌خود پیش آینده دیدند گفتند، این ابری است که بر ما بارش میبارد. نخیرابلکه اینست همانکه آنرابشتاب میخواستید.این بادی تند است که درآن عذابی دردناک است(٢٥)

تُدَمِّرُ كُلَّ شَىۡءٍۢ بِاَمۡرِ رَبِّهَا فَاَصۡبَحُوۡا لَا يُرٰٓى اِلَّا مَسٰكِنُهُمۡ ؕ كَذٰلِكَ نَجۡزِى الۡقَوۡمَ الۡمُجۡرِمِيۡنَ ﴿٢٥﴾

هر چیز را به فرمان پروردگار خودنابودسازد.پس[بطوری‌نابود] شدند که جزخانه های ایشان هیچ هم دیده نمیشد.اینگونه ما به قوم بزهکاران پاداش می دهیم(٢٦)

وَلَقَدۡ مَكَّنّٰهُمۡ فِيۡمَاۤ اِنۡ مَّكَّنّٰكُمۡ فِيۡهِ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعًا وَّ اَبۡصَارًا وَّ اَفۡـئِدَةً  ۖ فَمَاۤ اَغۡنٰى عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ وَلَاۤ اَبۡصَارُهُمۡ وَلَاۤ اَفۡـئِدَتُهُمۡ مِّنۡ شَىۡءٍ اِذۡ كَانُوۡا يَجۡحَدُوۡنَ ۙ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَحَاقَ بِهِمۡ مَّا كَانُوۡا بِهٖ يَسۡتَهۡزِءُوۡنَ ﴿٢٦﴾ ع

والبته به آنهاتمکُنی داده بودیم که آن تمکُن بشما نداده ایم و برای آنان گوشهاوچشمان ودلهاساختیم پس گوشهای ایشان و چشمان ایشان ودلهای‌ایشان هیچ هم بکار ایشان نیآمد چون به آیتهای خدا محاجه کردند و فراگرفت آنها را آنچه به آن تمسخر میکردند(٢٧)

وَلَقَدْ اَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرٰى وَصَرَّفْنَا الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٢٨﴾

و البته ما شهرهای پیرامون شمارا هلاك كرديم و آيتهای را بطريق گوناگون بيان كرده ايم تا شما رجوع كنيد(٢٨)

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قُرْبَانًا اٰلِهَةً ؕ بَلْ ضَلُّوْا عَنْهُمْ ۚ وَذٰلِكَ اِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٢٩﴾

پس چرا آنانرا ياری‌نكردندآنهارا كه بخاطرتقرب جزخدا معبودانی گرفته بودند؟بلكه آنها ازاينها گم گشتند.اين بود[نتيجه]دروغ اينها و آنچه فرا ميبافتند(٢٩)

وَاِذْ صَرَفْنَآ اِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُوْنَ الْقُرْاٰنَ ۚ فَلَمَّا حَضَرُوْهُ قَالُوْٓا اَنْصِتُوْا ۚ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا اِلٰى قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِيْنَ ﴿٣٠﴾

و چون گروهی از اجنه را بسوی توگردانديم كه قرآن راگوش می كردند.پس چون آنها نزدش آمدند گفتند،ساكت باشيد.پس آنگاه كه سخن پايان يافت بسوی‌قوم خود هشداردهندگان بازگشتند(٣٠)++

قَالُوْا يٰقَوْمَنَآ اِنَّا سَمِعْنَا كِتٰبًا اُنْزِلَ مِنْ

گفتند،ای قوم ماايقيناً ما كتابی گوش كرده ايم كه پس از موسی

+آيت ٣٠:اجنه مذكور نه اجنه تصوری بعرف عام بلكه سرداران قومی بزرگ بودند كه با شنيدن اخبار رسول الله ﷺ برآن شدند كه حضور يافته آگاهی پيداكنند و تصميم نهائی بگيرند. پس چون آنان بسوی قوم خويش بازگشتند نويد از صداقت آنحضرت ﷺ به سمع ايشان رساندند.

بَعْدِ مُوْسٰى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى طَرِيْقٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٣١﴾

نازلکرده شد تصدیق کننده برای آنچه پیش روی آن بود. آن بسوی حق و بسوی راه راست هدایت میکند(۳۱)++

يٰقَوْمَنَآ اَجِيْبُوْا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاٰمِنُوْا بِهٖ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣٢﴾

ای قوم ماادعوت کننده بسوی‌خدا را لبیك گویید و بر او ایمان بیآرید. او گناهانتان را برایشما آمرزیده و از عذاب دردناك حفظ خواهد کرد(۳۲)++

وَمَنْ لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللّٰهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْاَرْضِ وَلَيْسَ لَهٗ مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءُ ۭ اُولٰۗئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٣﴾

و هرکه دعوت کننده خدا رالبیك نگویدپس اونتواننددرزمین عاجز کننده بشود ودرمقابل خدابرایش دوستان نیستند همانهاند که در گمراهی آشکاراند(۳۳)

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

آیا مشاهده نکردند که خدای که آسمانهاوزمین راآفریدوازآفرینش

++آیت۳۱:اینجا آشکار کرده شدکه آن پیغمبرکه قراربود پس از حضرت موسیٰ یك شریعت کامل بیآرد ظهور کرده است.

++آیت۳۲:آنان هنگام برگشت درقوم خویش پس از بیان مذکورخود ایشان را توصیه کردندکه آن پیغمبری راستین است لذا بر او ایمان بیآرید که بنفع خود شماست و هشداردادند هرکه بفرستادهٔ ی‌خدانکارکند،نتواند او را زیان زند.

وَالْاَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى اَنْ يُّحْيِۦَ الْمَوْتٰى ۭ بَلٰٓى اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٣٤

آنها هیچ فروناماند بر این امر تواناست که مردگانرا زنده نماید بلی‌ایقینًااو برهرچیز مدام قدرت - مند است(٣٤)++

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ ۭ اَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ ۭ قَالُوْا بَلٰى وَرَبِّنَا ۭ قَالَ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ۝٣٥

و[بیاددارید] روزیکه عرضه شوند برآتش آنها که کفرکردندآیااین راست نبود؟گویند.بلی سوگند به پروردگار [این راست بود]. او گوید.پس عذاب را بچشید بدان علت که شما انکار میکردید(٣٥)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَّهُمْ ۭ كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوْعَدُوْنَ ۙ لَمْ يَلْبَثُوْٓا اِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۭ بَلٰغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ اِلَّا الْقَوْمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝٣٦

پس صبر کن آنگونه که رسولانی صاحب عزم صبر کردند و برای آنان تعجیل مکن.روزیکه مشاهده کنند آنچه راهشدار داده شوند [گمانکنند]گویی‌درنگ نکردندجز ساعتی از روز. پیغام ابلاغ شد. پس آیا کسی هلاك کرده میشود جز قوم فسادکاران(٣٦)

++آیت ٣٤:پس از اندرز مذکور توجه ایشان به آن صداقت دایمی جلب کرده شد که هرکدام پیغمبر قوم خود رابسوی آن میخواندیعنی ایشان باید به روز رستاخیز ایمان آرند که بدون این اعتقاد ایمان مکمل نمیشود.

# ٤٧ -سورة محمد

این سورة در مدینه نازل آمد و با بسم اللّٰه ٣٩ آیت دارد.

این سورة اگرچه از لحاظ داشتن شمار آیتها بسیار کوتاه است ولی عملاً عبارت از مجمل تمامی سورة های است بر همان منوال که رسول اللّٰه ﷺ مظهر تمامی رسولان هستند.

در آیة ١٩ این سورة فرموده میشود که برای قیامت روحانی بزرگ که آنحضور ﷺ مبعوث کرده شدند تمامی علامات ظهورش نمایان شده است. پس نصیحت گرفتن ایشان آنوقت که آن ساعت برپا گردد چه بدرد خواهد خورد.

☆ سُوْرَةُ مُحَمَّدٍ مَدَنِيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّثَلاثُوْنَ ايَةً وَّاَرْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتياز] بسيار بخشنده،بارهارحمكننده(١)

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَضَلَّ اَعْمَالَهُمْ ②

كسانيكه كفركردند و از راه خدا باز داشتند او اعمال ايشان را ضائع داد(٢)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاٰمَنُوْا بِمَا نُزِّلَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ ۙ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَاَصْلَحَ بَالَهُمْ ③

و كسانيكه ايمان آوردند و نيكو كارى كردندوايمان آوردندبرآنچه بر محمد نازل كرده شد و همان از پروردگار ايشان راستى كامل است عيبهاى ايشان را دور نمايد و احوال ايشان را اصلاح كند(٣)

ذٰلِكَ بِاَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَاَنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَّبِّهِمْ ۭ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ اَمْثَالَهُمْ ④

اينست زيرا آنها كه كفر كردند دروغ را پيروى كردند و آنانكه ايمان آوردند حق راواز پروردگار خود پيروى كردند. اينگونه خدا براى مردم مثلهاى آنان بيان مى كند(٤)

فَاِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَضَرْبَ

پس چون شماروبروى آنها شويد

الرِّقَابِ حَتّٰٓى اِذَآ اَثْخَنْتُمُوْهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَاِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَاِمَّا فِدَآءً حَتّٰى تَضَعَ الْحَرْبُ اَوْزَارَهَا ذٰلِكَ وَلَوْ يَشَآءُ اللّٰهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلٰكِنْ لِّيَبْلُوَا بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِيْنَ قُتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَنْ يُّضِلَّ اَعْمَالَهُمْ ۝

که کفر کردندپس گردنهای[آنها]را بزنید تا آنگامکه چون خون آنها را بکثرت ریختید پس محکم بند کنید. پس بعدًا یابا منت نهادن یا با فدیه گرفتن آزاد کردن است تا آن انتها که جنگ خلع سلاح کند. همینطوربایدشود واگر خدا میخواست ازآنها انتقام میگرفت امااومیخواهد که بعضی ازشما را ببعضیآزمایش کند و کسانیکه در راه خدا بسختی اذیت داده شدند پس او اعمال ایشان را ضائع نمیدهد(۵)++

++آیت۵: در این آیت مهم ترین پهلوهای جهاد در راه خدابیان شده است. نخست اینکه قومهائیکه برخلاف مومنان شمشیر بردارند آنها مغلوب ساخته حتماً محکم بند شوند تا آنگاه که جنگ پایان یابد. سپس یا آنان بعوض فدیه یا بلافدیه منت نهاده رها کرده شوند.

کسانیکه جنگهای دفاعی اسلام راتهاجمی و اجباریبخاطرمسلمان ساختن قرار میدهند این آیت شدیداً اعتقاد ایشان را رد میکند.این بهترین فرصت است که اسیران به اجبار مسلمان ساخته شوند. ولی تا چه برسد باینکه به اجبار مسلمان ساخته شوند فرمان اینست که اگر اسیران اسلام را هم قبول نکنند آزاد کرده شوند و اگر فدیه نگیرید آنصورت هم خوب است.

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٦﴾

اوآنانرا هدایت داده و به احوال ایشان اصلاح خواهد آورد(٦)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٧﴾

و ایشان را بداخل آن بهشت کند که آنرا او برای ایشان عالیتر ساخت(٧)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٨﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید اگر به خدایاری دهید او به شما یاری کندو قدمهای شمارااستوارسازد(٨)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

وکسانیکه کفرکردند بر آنها هلاك باد و[خدا]اعمال ایشان را ضائع داد(٩)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿١٠﴾

این بود چه آنها ناپسند داشتند آنچه راخدانازلکرد.پس او اعمال ایشان را ضائع داد(١٠)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ﴿١١﴾

پس آیادر زمین نگشتند تا می دیدند که عاقبت پیشینیان ایشان چطوربود.مابرآنها هلاکت افکندیم و برای این کافران نیز همانند آنها سلوك میشود(١١)

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ

این بدانعلت است که خدامولای آنان است که ایمان آوردند و

الْكٰفِرِيْنَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ ﴿١٢﴾

اینکه کافران اند که هیچ مولای آنها نیست(١٢)

ع ١٢ ٥

اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ؕ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَتَمَتَّعُوْنَ وَيَاْكُلُوْنَ كَمَا تَاْكُلُ الْاَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ﴿١٣﴾

یقینًا خدا کسانیکه ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند را وارد بهشتهای کندکه دردامنه آنها نهرها روانند و آنها که کفرکردند کام روایی کنند و بخورند آنطور که چهارپایان خورند و آتش جای گاه آنها است(١٣)

وَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ اَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِيْ اَخْرَجَتْكَ ۚ اَهْلَكْنٰهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٤﴾

و چه بساشهرهای بودند که قدرت مندتر بودند از شهر تو که تو را از آن بیرون کردند. ما آنها را بهلاك رساندیم و برای آنها کسی یاری دهندهٔ نبود(١٤)

اَفَمَنْ كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّهٖ كَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ وَاتَّبَعُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ ﴿١٥﴾

پس آیا کسیکه از پروردگارخود بر هدایت استوار است مانند آن است که زشتی اعمالش برای او مزین نشانداده شود وآنهاازهوای نفسانی خود پیروی کنند؟(١٥)

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِيْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ ؕ فِيْهَآ

مثل آن بهشت که بمتقیان وعده داده میشود [بدین ترتیب است

اَنۡهٰرٌ مِّنۡ مَّآءٍ غَيۡرِ اٰسِنٍ‌ۚ وَاَنۡهٰرٌ مِّنۡ لَّبَنٍ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ طَعۡمُهٗ‌ۚ وَاَنۡهٰرٌ مِّنۡ خَمۡرٍ لَّذَّةٍ لِّلشّٰرِبِيۡنَ ۚ وَاَنۡهٰرٌ مِّنۡ عَسَلٍ مُّصَفًّى‌ؕ وَلَهُمۡ فِيۡهَا مِنۡ كُلِّ الثَّمَرٰتِ وَمَغۡفِرَةٌ مِّنۡ رَّبِّهِمۡ‌ؕ كَمَنۡ هُوَ خَالِدٌ فِى النَّارِ وَسُقُوۡا مَآءً حَمِيۡمًا فَقَطَّعَ اَمۡعَآءَهُمۡ ﴿١٦﴾

که] درآن نهرهای‌آبی تغییرناپذیر و نهرهای شیری است که طعمش هرگز عوض نمیگردد و نهرهای بادهٔ است که نوشندگان را لذت بخش است ونهرهای‌عسل خالص است وبرای ایشان درآنها هرنوع میوهها‌و ازپروردگارخود آمرزش است.آیامیشودایشان مانندکسانی باشندکه بمدت درازدرآتش بمانند و آبی جوشان نوشانده شوند که روده های آنها را ببرد؟(١٦ )++

وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ يَّسۡتَمِعُ اِلَيۡكَ‌ۚ حَتّٰۤى اِذَا خَرَجُوۡا مِنۡ عِنۡدِكَ قَالُوۡا لِلَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الۡعِلۡمَ مَاذَا قَالَ اٰنِفًا‌ ۚ اُولٰٓـئِكَ الَّذِيۡنَ

وازآنانندکه[بظاهر]گوش بتودهند حتّی‌چون ازنزد توبیرون روندبه آنانکه علم داده شدند میگویند.هم اکنون اوچه گفته بود.همانهاند که

++آیت ١٦ :این آیت پی در پی تمثیلاتی بیان میکند وگرنه در این دنیا مادی نه آبی راکد از پوسیدگی محفوظ است ونه شیراز خرابی سالم است و نه هیچ شراب وجود دارد که بدون مستی فقط لذت دهد. بعلاوه اگرانسان رافقط این چیزهای میسرباشد اونمیتواند تنها براین چیزها اطمینان خاطرحاصل کند. پس بدیهی است که اینها تمثیلات است. کسانیکه این چیزها را در این دنیا نیکو می پندارند یا فواید را به اینها وابسته میابند مژدهٔ ی داده میشوند که ایشان در بهشت به بهترین چیزها بنفع خود برخوردار خواهند شد.

طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَاتَّبَعُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ ﴿١٧﴾

خدا بر دلهای ایشان مهر نهاده و هوای نفس خود را پیروی کردند(١٧)

وَالَّذِيْنَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَّاٰتٰهُمْ تَقْوٰىهُمْ ﴿١٨﴾

و کسانیکه هدایت یافتند خدا آنان را در هدایت افزود و آنان را تقوای ایشان درداد(١٨)

فَهَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۚ فَقَدْ جَآءَ اَشْرَاطُهَا ۚ فَاَنّٰى لَهُمْ اِذَا جَآءَتْهُمْ ذِكْرٰىهُمْ ﴿١٩﴾

پس آیا آنان فقط ساعت را انتظاردارندکه آنهارا ناگهان آید؟ پس یقینًاعلاماتش که آمده است. پس برای آنها کجا [بدردخورد] پندپذیرفتن آنها چون آن ایشان را بیآید؟(١٩)

فَاعْلَمْ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوٰىكُمْ ﴿٢٠﴾ ع

پس بدانکه یقینًا هیچ معبودی نیست جزخدا و درخواه آمرزش باش برای گناهان خود و برای مومنان و مومنات و خدا میداند جایگاه سفری شما را و هم مسکن گاه شمارا(٢٠)

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُوْرَةٌ ۚ فَاِذَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَّذُكِرَ فِيْهَا

و گویند کسانیکه ایمان آوردند چرا سورهٔ ی نازلکرده نشد؟ پس چون سورهٔ ی محکم فروفرستاده

الْقِتَالُ ۙ رَأَيْتَ الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ يَّنْظُرُوْنَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَأَوْلٰى لَهُمْ ۚ ﴿٢١﴾

شود و درآن ذکرقتال کرده شود. میبینی آنهارا که در دلهای ایشان مرض است بسوی تو مینگرند نگریستن آنکه بغشی مرگ مبتلا است.پس هلاك باد برآنها(۲۱)

طَاعَةٌ وَّ قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ ۗ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ ۗ فَلَوْ صَدَقُوا اللّٰهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۚ ﴿٢٢﴾

اطاعت وسخنی معروف بایدباشد. پس چون این امر استوار شده است پس اگر خدا را مخلص می ماندند حتماً برای ایشان نیکو بود(۲۲)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوْا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوْٓا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٣﴾

پس آیا شما را ممکن است که اگرمتولی شوید در زمین فساد کنید و رشتهٔ خویشی راببرید؟ [هرگزنه](۲۳)

أُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمٰٓى أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٤﴾

همانهاند که خداآنها را لعنت کرد و آنهاراکرساخت وچشمان ایشان را کورکرد(۲٤)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُوْنَ الْقُرْاٰنَ أَمْ عَلٰى قُلُوْبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٥﴾

پس آیا قرآن را تدبر نمیکنند یا بر دل هایشان قفلهاست؟(۲۵)

إِنَّ الَّذِيْنَ ارْتَدُّوْا عَلٰٓى أَدْبَارِهِمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى ۙ الشَّيْطٰنُ سَوَّلَ

یقیناًکسانیکه پشت کرده مرتد گشتند از این پس که هدایت بر

لَهُمْ ۖ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٦﴾

آنها روشن شده بود، شیطان [اعمالشانرا] برای آنان پیراسته نشان داد و امیدهای دروغین داد(٢٦)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٧﴾

اینست چه آنها به کسانیکه نازل کردهٔ خداراناپسند داشتند گفتند ما دربعضی سخنان شمارا اطاعت کنیم و خدا رازهای آنان راخوب میداند(٢٧)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٨﴾

پس چطور باشدچون فرشتگان به آنهاوفات دهند؟ ایشان برچهره های آنها و پشت های آنها ضربه زنند(٢٨)

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٩﴾ ع

اینست چه ایشان پیروی کردند آنچه راکه خدا را بخشم میآرد وخوشنودی اوراناخوش داشتند. پس او اعمال ایشان را نابود کرد(٢٩)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٣٠﴾

آیاگمان کردند کسانیکه در دلهای آنان مرض است که خدا کینه های آنهارا بیرون نیآرد؟(٣٠)++

وَلَوْ نَشَآءُ لَأَرَيْنَٰكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَٰهُمْ ۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ ٱلْقَوْلِ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣١﴾

واگربخواهیم یقینًا آنها را به تو نشان دهیم وحتماًآنهارااز سیمای آنان بشناسی و حتمًا آنها را از طرزگفتارآنهابشناسی وخدااعمال شمارا میداند(۳۱)++

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبْلُوَا۟ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣٢﴾

و حتمًا شما را آزمایش کنیم تا آنگاه که از شما جهادکنندگان و صبرکنندگان را باز شناسیم و احوالتان را آزمایش کنیم(۳۲)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّوا۟ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا۟ ٱللَّهَ شَيْـًٔا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٣٣﴾

همانا آنها که کفرکردندوازراه خدا باز داشتند و به مخالفت رسول برخاستندبا آنکه هدایت برایشان روشن شده بود نتوانند هیچ هم گزند به خدا برسانند و او اعمال آنان را ضائع دهد(۳۳)

ای کسانیکه ایمان آوردید اطاعت

++آیات ۳۰ـ۳۱:دراین آیتها منافقان متنبه ساخته شدند که اگر آنها می پندارند که بغض و کینه را در سینه های خود پنهان دارند و کسی به این امر آگاه نمیشود این صورت امکان پذیر نیست.درباره رسول الله ﷺ فرمود که توآن منافقان را از سیمای ایشان و از طرز گفتارایشان میشناسی. پس آنهامیتوانند از نگاه مردم ساده لوح پنهان باشند ولی حال ایشان بر آنحضرت ﷺ خوب روشن است.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوٓا۟ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٣﴾

کنیدخدا را واطاعت کنید رسول را و اعمال خود را ضایع نه دهید(٣٤)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٥﴾

یقیناًآنانکه کفرکردند و از راه خدا باز داشتند سپس مردند در شرایطی‌که آنهاکافران بودند پس هرگزخدا آنها را نمی‌آمرزد(٣٥)

فَلَا تَهِنُوا۟ وَتَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱلسَّلْمِ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٦﴾

پس ضعف نشان ندهید که بسوی صلح بخوانید درحالیکه شماغالب آیندگانیدوخداباشمااست وهرگز [پاداش]اعمالتان راکم ندهد(٣٦)

إِنَّمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِن تُؤْمِنُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَٰلَكُمْ ﴿٣٧﴾

زندگی دنیا فقط بازی و برای تکمیل آرزوهای نفسانی چنان وسیلهٔ است که هدف اعلای‌زندگی را بغفلت میفکند و اگرشما ایمان آریدوتقویٰ‌رافراگیرید او پاداش شما را بدهد و مالهای شما را از شما نخواهد(٣٧)

إِن يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا۟ وَيُخْرِجْ أَضْغَٰنَكُمْ ﴿٣٨﴾

اگرآن [اموال] را از شمابخواهد و اصرار ورزدحتماًبخل میکنید و کینه های شما را بیرون کند(٣٨)

هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ ۖ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِۦ ۚ وَٱللَّهُ ٱلْغَنِىُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ ۚ وَإِن تَتَوَلَّوْا۟ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا۟ أَمْثَٰلَكُم ﴿٣٩﴾

ع ٤ ١٠ ٨

ای‌اشمائی هستید که برای انفاق در راه خداخوانده میشوید و از شما کسی‌است که بخل میکند با آنکه هر که بخل کندیقینًابرخلاف نفس خودبخل کند وخدا بی نیاز است و شما نیازمند. و اگر پشت کنید او بجای شما قومی دیگر را تبدیل کند. سپس آنان مانند شما نخواهند بود(۳۹)

# ٤٨ - سورة الفتح

این سورة هنگام برگشتن از صلح حدیبیه نازل آمد و با بسم الله ٣٠ آیت دارد.

دنبال سورة محمد سورة الفتح است که حاکی از بلندترین مقام آنحضرت ﷺ میباشد. در آیت شماره ١١ این سورة مذکور است که رتبه آنحضور ﷺ تا آن انتها بلند است که ایشان کاملاً برای خدا شده بودند و بهمین دلیل آمد ایشان گویی که آمد خدای متعال قرارداده شد. بیعت کردن بر دست ایشان گویی بیعت کردن بر دست خدا بود. بطوریکه که فرموده شد " اِنَّمَا یُبَایِعُوْنَ اللّٰہ یَدُاللّٰہ فَوْقَ اَیدِیْہِم یعنی یقیناً کسانی که بیعت از تو میکنند ایشان بیعت از خدا میکنند. دست خدا است که بر دست ایشان است.

در آیت ١٩ خداوند مجدداً موضوع بیعت را بیان مینماید. درموقع صلح حدیبیه چون مومنان زیر سایه درختی بر دست آنحضرت ﷺ مجدداً بیعت میکردند درعین حال این وعده نیزداده شد که آن آزردگی که در دل اصحاب رضوان اللّٰه علیهم بعلت میسرنیآمدن برگذاری مراسم حج راه یافته بود آن پس از بیعت کلیةً دور شد و موجب آرامش قلبی گردید و آن امر که بظاهر جنبه شکست پنداشته میشد یعنی عدم ورود درمکه آن اساس پیروزی های آتیه به اثبات رسید درچه "فتح قریب" نیز شامل بود و هم آن پیروزیها که بعدها بدست آمدند.

درپایان مومنان وعده ای داده شدند که آن رویای که آنحضور ﷺ نشان

داده شدند یقیناًالحق به اتمام خواهدرسید واصحاب رضوان اللّه علیهم بر آن گواه قرار گیرند چون ایشان برای برگذاری مراسم حج وارد مکه خواهند شد و این چیرگی بر مکه علامت غلبه بر نوع انسان قرارخواهد گرفت.

پس از سورة محمد در این سورة نیز اسم مبارك آنحضورﷺ بیان شده است و با قطعیت ذکر از آن پیشگوئی حضرت موسیٰ علیه السلام است در چه بعثت آنحضرت ﷺ بااسم مبارك ایشان وتمامی صفات آن پیغمبر صاحب جلال ﷺ و یاران ایشان نقل شده است. سپس ذکر از یك پیشگوئی از انجیل نیز میرود. بعبارت دیگر پیشگوئی مربوط به بعثت آنحضرت ﷺ نه تنها درعهدنامه قدیم وجود دارد بلکه درعهدنامه جدید نیز ازجانب حضرت مسیح علیه السلام بعنوان مظهر شأن جلالی ایشان ﷺ بازگوکرده میشود و تشبیه این شأن با چنین مزرعه ای داده میشود که هیچکدام متکبر باوجود سوء قصد خودش نتواند موفق شود که آنرا زیرپای خود له کند و نه تنها یك برزگر بلکه بسیار چنین برزگران باشند که آن مزرعه را کشت خواهند کرد.

☆ سُوْرَةُ الفَتْحِ مَدَنِيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ اَرْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارمارحمکننده(١ ) |
| اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا ② | یقینًا ما تو را پیروزی دادیم پیروزیآشکار(٢ )+ |
| لِّيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْۢبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ③ | تاخدا تورا بیآمرزد از هرلغزشی گذشته تو و آنچه ببعد آید و نعمت خود را برتو بکمال رساند و تو را بر راه راست گامزن بدارد(٣ )++ |
| وَّيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيْزًا ④ | و خدا تو را یاری کند یاری با عزتمندی غالب (٤ )+ |

++آیات٢ـ ٤ :مومنان مژدهٔ داده شدند که ایشان پیروزیهای بزورگ بدست خواهند آورد.

درآیت ٣ کلمه ذنب به رسول الله ﷺ منسوب شده است و منظور ازآن گناه نیست یعنی این مطلب نیست که بطوریکه قبلاً تو گناه میکردی در آینده نیز گناه کن و منتها گناهان تو آمرزیده خواهد شد. مطلب اینست که بطوریکه قبلاً تو از گناه پاك بودی و تمام زندگی تو بر این امر گواه است خداوند برای زندگی آینده تو نیز قول حفاظت میدهد تا آن اتنها که اتمام نعمت بشود. اینجا منظور از نعمت نبوت است.

هُوَ الَّذِيٓ اَنۡزَلَ السَّكِيۡنَةَ فِيۡ قُلُوۡبِ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ لِيَزۡدَادُوۡٓا اِيۡمَانًا مَّعَ اِيۡمَانِهِمۡ ؕ وَلِلّٰهِ جُنُوۡدُ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيۡمًا حَكِيۡمًا ۙ﴿۵﴾

اوست آنکه در قلب های مومنان آرامش نازل کرد تا ایمان را با ایمان خود بیفزایند و ازآن خدا است لشکرهای آسمانها و زمین و خدا صاحب علم دایمی صاحب بسیار حکمت است(۵)

لِّيُدۡخِلَ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ وَالۡمُؤۡمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجۡرِىۡ مِنۡ تَحۡتِهَا الۡاَنۡهٰرُ خٰلِدِيۡنَ فِيۡهَا وَيُكَفِّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّاٰتِهِمۡ ؕ وَكَانَ ذٰلِكَ عِنۡدَ اللّٰهِ فَوۡزًا عَظِيۡمًا ۙ﴿۶﴾

تا مومنان و مومنات را بداخل بهشتهای کند که در دامنهٔ آنها نهر های روانست و در آنها جاودان باشند و زشتیهای آنانرا ازایشان دورنماید و این نزدخدا پیروزی بزرگ است(٦)

وَّيُعَذِّبَ الۡمُنٰفِقِيۡنَ وَالۡمُنٰفِقٰتِ وَالۡمُشۡرِكِيۡنَ وَالۡمُشۡرِكٰتِ الظَّآنِّيۡنَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوۡءِ ؕ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ السَّوۡءِ ۚ وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيۡهِمۡ وَلَعَنَهُمۡ وَاَعَدَّ لَهُمۡ جَهَنَّمَ ؕ وَسَآءَتۡ مَصِيۡرًا ﴿۷﴾

و تا عذاب دهد منافقان و منافقات ومشرکان و مشرکات راکه برخدا بدگمانی میبردند-گردش مصیبتها برخود آنها میفتد و خدا برآنها غضبناك شده وبرآنها لعنت کند و برای آنهاجهنم آماده کرده است وچه زشت جایگامی است(۷)

وَلِلّٰهِ جُنُوْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ⑧

و لشکرهای آسمانها و زمین ازآن خدااست وخدا صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۸)

اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ شَاهِدًا وَّ مُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ۙ ⑨

یقینًا ما تو را گواه و مژده دهندهٔ و بیم دهندهٔ فرستادیم (۹)

لِّتُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتُعَزِّرُوْهُ وَتُوَقِّرُوْهُ ؕ وَتُسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ⑩

تا شما بر خدا و رسولش ایمان آرید و او رایاری دهید و او را تعظیم گذارید و صبحگاه و شبگاه او را تسبیح گوئید(۱۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ يُبَايِعُوْنَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُوْنَ اللّٰهَ ؕ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيْهِمْ ۚ فَمَنْ نَّكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ اَوْفٰى بِمَا عٰهَدَ عَلَيْهُ اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا ⑪ ع

هرآینه کسانیکه تورا بیعت کنند آنهافقط به خدابیعت کنند. دست خدا فوق دستهای ایشان است. پس هرکه پیمان را بشکند پس بر خلاف جان خود پیمان میشکند و آنکه وفاکند به آنچه بر آن او با خدا عهد بست پس یقینًا خدا او را پاداشی بزرگ بدهد(۱۱)

سَيَقُوْلُ لَكَ الْمُخَلَّفُوْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ

باز گذشتگان از بادیه نشینان

شَغَلَتْنَآ اَمْوَالُنَا وَاَهْلُوْنَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا ۚ يَقُوْلُوْنَ بِاَلْسِنَتِهِمْ مَّا لَيْسَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ ؕ قُلْ فَمَنْ يَّمْلِكُ لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْئًا اِنْ اَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا اَوْ اَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ؕ بَلْ كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿۱۲﴾

حتمًا گويندكه مارا اموال ما و خانواده ما مشغول داشت. پس براى ماآمرزش بطلب. به زبانهاى خود ميگويند آنچه در دلهاى ايشان نيست.بگو، اگرخدادرصدد باشدكه شماراسود دهد يادرصدد باشد كه زيانى بزند بگو پس كِى براى شما درمقابل خدا به ذرهٔ ى هم اختيار دارد.حق اينست كه هر چه عمل كنيد خداآگاه است(١٢)

بَلْ ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَّنْقَلِبَ الرَّسُوْلُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ اِلٰٓى اَهْلِيْهِمْ اَبَدًا وَّزُيِّنَ ذٰلِكَ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ ۚ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُوْرًا ﴿۱۳﴾

بلكه شماگمان كرديد كه رسول و مومنان هرگزبسوى خانواده هاى خود برنگردند و اين دردلهاى شماآرايش داده شد و شما برخدا سوءِ ظنى را گمان كرديد و شما قومى هلاك شده ايد(١٣)

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ فَاِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ سَعِيْرًا ﴿۱۴﴾

و آنكه به خدا و رسولش ايمان نه آرد.پس يقينًامابراىكافران آتشى شعله ور تهيه كرده ايم(١٤)

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ يَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿۱۵﴾

و پادشاهی آسمانها و زمین ازآن خدااست.هرکه رابخواهدمیآمرزد و هرکه را بخواهد عذاب میدهد و خدا آمرزندهٔ بارها رحم کننده است(۱۵)

سَيَقُوْلُ الْمُخَلَّفُوْنَ اِذَا انْطَلَقْتُمْ اِلٰى مَغَانِمَ لِتَاْخُذُوْهَا ذَرُوْنَا نَتَّبِعْكُمْ ۚ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّبَدِّلُوْا كَلٰمَ اللّٰهِ ؕ قُلْ لَّنْ تَتَّبِعُوْنَا كَذٰلِكُمْ قَالَ اللّٰهُ مِنْ قَبْلُ ۚ فَسَيَقُوْلُوْنَ بَلْ تَحْسُدُوْنَنَا ؕ بَلْ كَانُوْا لَا يَفْقَهُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿۱۶﴾

هنگامیکه بسوی غنیمتها روید تا آنها را جمع کنید بازگذشتگان حتمًاگویند بگذاریدماراکه دنبال شما بیآیم - میخواهند که کلام خدا را تبدیل کنند. بگو، هرگز دنبال ما نیآیید. اینطور خدا از پیش گفته بود.پس گویند، شما از ما حسد میورزید. امرواقعی این است که اینها نمی فهمند جز اندك(۱۶)

قُلْ لِّلْمُخَلَّفِيْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ اِلٰى قَوْمٍ اُولِىْ بَاْسٍ شَدِيْدٍ تُقَاتِلُوْنَهُمْ اَوْ يُسْلِمُوْنَ ۚ فَاِنْ تُطِيْعُوْا يُؤْتِكُمُ اللّٰهُ اَجْرًا حَسَنًا ۚ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿۱۷﴾

بازگذشتگان ازبادیه نشینان را بگو: بزودی شما بسوی قومی خوانده شوید که خیلی جنگاور باشند.شما با آنان جنگ کنید یا ایشان مسلمان شوندپس اگر شما اطاعت کنیدخدا شمارا پاداش

نیکوی بدهد واگر روی برتابید بطوریکه قبلاًروی برتابیده بودید او شمارا به عذابی دردناك معذب نماید(١٧)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ حَرَجٌ ۗ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ ۚ وَمَنْ يَّتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٨﴾

نیست باکی‌برنابینا ونه برمعلول باکی‌است و نه بربیمارباکی است وکسیکه خداورسول او رااطاعت کند او وی را بداخل بهشتهای کند که دردامنه آنها نهرهای روان است وهرکه پشت کنداورا عذابی بسیاردردناك دهد(١٨)

ع ٢ / ٧ / ١٠ ۞ النصف

لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِذْ يُبَايِعُوْنَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَاَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ عَلَيْهِمْ وَاَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيْبًا ﴿١٩﴾

یقیناًخدا از مومنان خرسندشد چون ایشان زیردرخت باتوبیعت میکردند و او آنچه در دلهای ایشان بود را می دانست. پس او برایشان آرامش نازلکرد و آنان را پیروزی نزدیك درداد(١٩)

وَّمَغَانِمَ كَثِيْرَةً يَّاْخُذُوْنَهَا ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿٢٠﴾

و غنیمتهای فراوان که آنها را بدست میآوردند و خدا صاحب غلبه کامل بینهایت حکمت مندی است(٢٠)

وَعَدَكُمُ اللّٰهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ ۚ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢١﴾

و خدا شما را به غنیمت های فراوان وعده داده است که آنهارابدست آرید پس این را برای شماعجالتًا داده و دستهای دشمن را از شما بازداشته تا مومنان رانشانهٔ یباشد و شمارا براه راست هدایت دهد(۲۱)

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللّٰهُ بِهَا ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٢﴾

و [پیروزیهای] دیگرکه بدست نیآورده اید.خداآنهارااحاطه کرده است و خدا به هر چیز مدام قدرتمند است(۲۲)

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٣﴾

و اگرکسانیکه کفرکردند با شما قتال کنند حتمًا پشت دهند. باز هیچ دوست و یاوری نیابند(۲۳)

سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٤﴾

این سنت خدا است که قبلاً هم گذشت و تو سنت خدا را تبدیلی نمیابی(۲٤)

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا

و اوست آنکه در زمین مکه دست های آنانرا از شما بازداشت و دستهای شما را از آنان بازداشت پس از آنکه شما را پیروزمند

تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرًا ﴿٢٥﴾

ساخت و خدا بینا است به آنچه شما عمل کنید(٢٥)

هُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوْفًا اَنْ يَّبْلُغَ مَحِلَّهٗ ؕ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُوْنَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوْهُمْ اَنْ تَطَـُٔوْهُمْ فَتُصِيْبَكُمْ مِّنْهُمْ مَّعَرَّةٌۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوْا لَعَذَّبْنَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٢٦﴾

همانها اند که کفرکرده و شما را از مسجدحرام بازداشته بودند و هم قربانی را که بازداشته شد تا به جایگاه خود برسدواگرنبودند چنین مومن مردان و مومن زنان که آنانرانشناخته آنانرا زیرپا له میکردید.پس نادانسته ازآنها شما را زیانی میرسید. این بود تا خداهرکه رابخواهدبداخل رحمت خودکند.اگر رَك جدا شده بودند حتمًا ما به آنانکه ازآنها کفرکردند عذابی دردناك میدادیم(٢٦)

اِذْ جَعَلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى وَكَانُوْٓا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٢٧﴾

چون کسانیکه کفر کردند در دل های‌خودغیرت یعنی‌غیرت جاهلانه راگزیدند،پس خدا بررسول خود و بر مومنان آرامش خویش نازل کرد و ایشان را بر تقویٰ ثابت داشت و فقط آنان حقدار تر و اهل آن بودندوخدا دانای هرچیز

است (۲۷)

لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ۙ مُحَلِّقِيْنَ رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ ۙ لَا تَخَافُوْنَ ؕ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيْبًا ﴿۲۸﴾

یقیناً رویای رسول خود را راست گردانید که اگر خدا بخواهد حتماً شما ایمن، موهای سر خود تراشیده و کوتاه کرده بدون ترس داخل مسجد حرام خواهید شد. پس او میداند آنچه شما نمیدانید. پس اوبعلاوه این پیروزیی نزدیك را مقدر کرده است(۲۸)

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿۲۹﴾

اوست که رسول خود را باهدایت و دین حق فرستاد تا آن را برهر کدام[شعبه]دین غالب نماید وخدا را گواهی بس است(۲۹)++

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ ؕ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗٓ اَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ تَرٰىهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَّبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ

محمد رسول اللّٰه وکسانیکه با او اند درمقابل کفار سختتراند ـ به میان خود مهرآوراند. تو ایشان راركوع کنان سجده کنان میبینی

++آیت۲۹: اینجا پیشگوئی است که اسلام بر کلیه ادیان دنیا غلبه خواهدیافت. هنگام نزول این آیت غلبه ظاهری حتّی بر مکه نیز نصیب نشده بود. پس در آن زمان این پیشگوئی که اسلام بر تمامی ادیان جهان غلبه خواهد یافت حامل عظمتی بی مثل است.

اللّٰهِ وَرِضْوَانًا ۫ سِيْمَاهُمْ فِيْ وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثَرِ السُّجُوْدِ ؕ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ ۛۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيْلِ ۛ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْـَٔهٗ فَاٰزَرَهٗ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوٰى عَلٰى سُوْقِهٖ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ؕ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ۝۳۰

ایشان فضل خداوخوشنودی را جویانند. علامتشان براثر سجده ها درچهره های ایشانست واین مثل ایشان است که در تورات است و در انجیل علامت ایشان مانندمزرعهٔ ی است که غنچه های خود را درآرد.پس آنرا نیرومند سازد.پس آن فربه شود و برساقه خود استوار گردد، برزگران را شادمان سازد تا بعلت آنهاکافران را بخشم آرد. خدا به کسانی از آنهاکه ایمان آوردند ونیکوکاری کردند را وعدهٔ آمرزش و پاداش بزرگی داده است(۳۰) ++

++آیت۳۰: صفات آنحضرت ﷺ بیان شده در این آیت نه تنها تا در ذات گرامی ایشان محدود داشته شد بلکه بیدرنگ فرموده شد والذین معه یعنی این خوبیها بداخل آنان نیزسراعت کنند که با آنحضرت هستند.از آنجمله صفات عمده ترین در کلمات "أَشدّآءُ علی الکفار" بیان شده است. البته معنای این کلمات این نیست که ایشان بعلت سختدلی خود برکافران سختگیر باشند بلکه از جهت قبول نکردن تاثیر کافران "سخت" خوانده شده اند وگرنه دل های ایشان پراز رحمت باشند که بدانعلت بهمدیگربا رحمت و ملاطفت رفتار خواهندکرد. مقصودایشان ازجهاد نه کسب دارائی دنیا بلکه خوشنودی خدا خواهد بود. ایشان بحضورخدارکوع کنان

وسجده کنان فروتنی کرده و فضل او را طلب کنند. منظور ازفضل چنین دارائی دنیا است که خوشنودی خدای متعال رانیز همراه داشته باشد. این آن جنبه های مهم جهاد ایشان است که درباره ایشان در تورات نقل شده است.

نسبت به مسیح موعود که در آخرین دوره در امت آنحضرت ﷺ ظهورکند و قبول کنندگان ایشان، مثل در انجیل با چنین روئیدگی زده شدکه بتدریج رشدونموکند وبرساقهٔ ی خود استوار گردد و برزگرانش از رویت آن یعنی درخدمت دین سهیم شدگان بسیارخرسند شوند و در نتیجه منکران ایشان خشمناك ترگردند. البته خداوند به ایمان آوردگان راستین و طلبکاران آمرزش او، مژدهٔ ی پاداش بزرگی و آمرزش داده است.

# ٤٩ـ سورة الحجرات

این سورة پس از فتح مکه نازل شد و با بسم الله ۱۹ آیت دارد.

آن مراتب جلال وجمال آنحضرت ﷺ که سورة گذشته حاکی بود پس از آن اصحاب رضوان الله علیهم توصیه شدند که شما را نه سزد که جلوی آن رسول عظیم الشأن نگاه بالا کرده و نه هم صدا را بلند کرده سخن گویید. بدینسان درباره کسانیکه آنحضورﷺ را از دور صدا را بلند کرده از خانه بیرون میخواندند اظهار رنجش کرده شد.

سپس آیت ـ ۱۰ عبارت از بهترین طریق کار است که میبایستی دولت مداران کشورهای اسلامی درصورت اختلاف همدیگر درآتیه آنرا دنبال کنند. بدیهی است که در زمان آنحضرت ﷺ که دولت های اسلامی را مبارزه همدیگر خارج از موضوع بود. بنابراین در این سورة منشوری عظیم الشأن ارائه داده میشود که نه تنها برای کشورهای اسلامی اختصاص داده میشود بلکه کشورهای غیراسلامی نیز میتوانند درصورت مبارزه همدیگر آنرا اعمال کرده باهم صلح دهند. عمده ترین مطالب آن منشور بترتیب زیر است:

(۱) اگر دو کشور اسلامی بهم مبارزه کنند پس بر دیگر کشورهای اسلامی بفرض است که همه باهم آندو کشور مبارز را از پیکار بازدارند و هر کدام از آندو به نصیحت تسلیم نشود آنگاه کشورهای اسلامی همه بهم برخلاف آن کشوراسلامی عملیات نظامی رااعمال کنند.

(۲) پس چون آنها دست از مبارزه بکشند آنگاه میبایستی تلاش شود تا میان آندو صلح داده شود.

(۳) اماچون برای صلح کوشش کنید باید عدالتمندی کامل را رعایت کنید و با هردو فریق بداد رفتار کنید زیرا که نتیجه منتهائی همین است که خدا عدالتمندان را دوست دارد و هرکه را خدا دوستدارد هرگز او را به شکست روبرو نمیکند.

یکبار دیگر توجه به این امر جلب کرده میشود که اگرچه این خطاب به رخ مسلمانان است اماآن طریق کار که آموخته میشود برای همه نوع انسان سودمند است.

پس از آن علت اصلی تفرقه و انشقاق میان ملتهای مختلف بیان میشود و آن نژاد پرستی است. هرگاه قومی قوم دیگری را بباد سخریه میگیرد، خویشتن را جدا و بالاتر از دیگری شمرده این طور میکند.

ضمناًچنین متفرق خرابیهای معاشرتی نقل میشود که منشأ اختلافات اند.

ضمناً این مطلب را وضاحت میشود که چرا خداوند ملتهای را به رنگها و نژادهای مختلف منقسم کرده است؟این برای اظهاربرتری برهمدیگر نیست بلکه ازجهت شناسائی همدیگرسهولتی است. بعنوان مثال اگر گفته شود که فلان کس امریکائی است و فلان آلمانی است برای این گفته نمیشود که نژاد امریکائی را بردیگران فضیلت حاصل است بلکه فقط برای شناخت اینطور گفته میشود.

## ☆ سُوْرَةُ الْحُجُرَاتِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده ،بارهارحمکننده(١)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید از خدا و رسول او پیشقدمی نکنید وخدارا تقویٰ فراگیرید.یقیناً خدا شنوای صاحب علم دائمی است(٢)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَرْفَعُوْٓا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوْا لَهٗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ ﴿٣﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید صداهای خودرا ازصدای پیغمبربلندتر نکنید و او را باچنین صدای بلند نخوانید که بعضی از شما ببعضی دیگررامیخوانندمبادا اعمال شما ضائع شودوشمادرك هم نکنید(٣)

اِنَّ الَّذِيْنَ يَغُضُّوْنَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ لِلتَّقْوٰى ۭ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿٤﴾

یقیناً کسانیکه صداهای خود را در حضوررسول فرومیکشند همانهاند که خدا دلهای ایشانرا برای تقویٰ آزمایش کرده است و ایشان را آمرزش و پاداش بزرگی است(٤)

اِنَّ الَّذِيْنَ يُنَادُوْنَكَ مِنْ وَّرَاۗءِ الْحُجُرٰتِ

همانا آنانکه تو را از بیرون خانه

اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ۝٥

میخوانند بیشترشان نادانند(٥)

وَلَوْ اَنَّهُمْ صَبَرُوْا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ۝٦

و اگرآنهاصبرمیکردند تا آنگاهکه تو خود بر ایشان بیرون میآمدی یقینًا در حق ایشان بهتربودوخدا آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(٦)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوْۤا اَنْ تُصِيْبُوْا قَوْمًۢا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نٰدِمِيْنَ۝٧

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید اگر فاسقی شمارا خبری بیآرد پس رسیدگی‌کنید مبادا بنادانی قومی رازیان رسانده پس برکردارخود پشیمان شوید(٧)++

وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ فِيْكُمْ رَسُوْلَ اللّٰهِ ؕ لَوْ يُطِيْعُكُمْ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَيْكُمُ الْاِيْمَانَ وَزَيَّنَهٗ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَكَرَّهَ اِلَيْكُمُ

وبدانیدکه درشمارسول خدااست اگر او در بسیاری از امور شما راتقلید کند حتماً به سختی مبتلا شوید و اماخدا ایمان رانزد شما محبوب گردانید و آنرا در دلهای شما مزین ساخت و کفر وفساد و

+آیت ٧:در مدینه بسیار شایعه پراکنان آنچنان شایعات میپراکندند که آنها را درست پنداشته ناشی‌ازشك محض بعضی به قتل بعضی‌برانگیخته میشدند. چنانچه شتابکاری بسختی بازداشته شد.چه ازاین شایعات عین ممکن بود که بعضی از بیگناهان به تجاوز قرارگیرند و بعداً مومنان شرمسار شوند.

الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ ۭ اُولٰۗىِٕكَ هُمُ الرّٰشِدُوْنَ ۝۸

نافرمانی را نزدشما نفرت انگیز نمود. همانها اند که راه راست یافتگانند(۸)

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝۹

ازجانب خدا این بعنوان فضلی بزرگ و نعمتی است وخداصاحب علم دائمیصاحب حکمت است(۹)

وَاِنْ طَاۗىِٕفَتٰنِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اقْتَتَلُوْا فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا ۚ فَاِنْۢ بَغَتْ اِحْدٰىهُمَا عَلَى الْاُخْرٰى فَقَاتِلُوا الَّتِيْ تَبْغِيْ حَتّٰى تَفِيْۗءَ اِلٰٓى اَمْرِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ فَاۗءَتْ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوْا ۭ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۝۱۰

و اگر دو گروه از مومنان جنگ کنندپس میان ایشان صلح دهید. پس اگریکیازآنهابرخلاف دیگری تجاوزکند پس شما جنگ کنید با آنکه تجاوزمیکند تاآن انتها که به فرمان خدابرگردد و اگر برگردد پس میان آندو بداد صلح دهیدو انصاف کنید یقینًا خدا انصاف کنندگان را دوستدارد(۱۰)

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝۱۱ ع

یقیناًمومنان [بهم] برادر اندپس میان برادران خود صلح دهید و خدا را تقویٰ اختیارکنید تا شما رحم کرده شوید(۱۱)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ

ای کسانیکه ایمان آورده اید تمسخرنکنند قومی [ازشما]بقومی

قَوْمٍ عَسَىٰٓ اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِّنْ نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ اَنْ يَّكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوْٓا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِالْاَلْقَابِ ؕ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿١٢﴾

دیگر یحتمل که آنها بهتر از ایشان باشند، و نه زنان به زنان یحتمل که آنان بهتر از آنها باشند و از مردم خود عیبجویی نکنید و نه همدیگر را بالقبهای بد بخوانید. داغِ فسق بعد ازایمان چیزی بد است و آنکه توبه نکندپس همانها اند که ستم گرانند(١٢)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوْا كَثِيْرًا مِّنَ الظَّنِّ ۫ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَّلَا تَجَسَّسُوْا وَلَا يَغْتَبْ بَّعْضُكُمْ بَعْضًا ؕ اَيُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَّاْكُلَ لَحْمَ اَخِيْهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوْهُ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٣﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید از گمان کثیر پرهیز کنید. یقینًا بعضی گمانها گناه است ونه تجسس کنید و نه از هم دیگرغیبت کنید. آیا کسی‌ازشمادوست دارد که گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد؟ پس شما ازآن کراهت دارید. و خدا را تقوی فرا گیرید. یقینًا خدا بسیارتوبه پذیر بارها رحم کنندهٔ است(١٣)

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّاُنْثٰى وَجَعَلْنٰكُمْ شُعُوْبًا وَّقَبَآئِلَ

ای مردم! یقینًا ما شما را از نر و ماده آفریدیم وشماراخانواده هاو قبیله ها قرار دادیم تا همدیگر

لِتَعَارَفُوْا ۚ اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ ﴿١٤﴾

رابشناسید.یقینًانزدخدا گرامیتر اوست که متقی تر است. یقینًا خدا صاحب علم دائمی مدام آگاه است(١٤)

قَالَتِ الْاَعْرَابُ اٰمَنَّا ۚ قُلْ لَّمْ تُؤْمِنُوْا وَلٰكِنْ قُوْلُوْٓا اَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ ۚ وَاِنْ تُطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ اَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۚ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٥﴾

گویند بادیه نشینان که ما ایمان آوردیم.بگوشماایمان نیآورده اید و امابگویید مامسلمان شده ایم درحالی‌که ایمان هنوز بداخل دلهایتان نشده است، و اگر شما خدا و رسول او را پیروی کنید دراعمال شما هیچ هم تقلیل ندهد. یقینًا خدا بسیارآمرزنده بارها رحمکننده است(١٥)++

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ

یقیناًمومنان همانهاند که برخدا و

++آیت١٥ : دراین آیت کریمه از ایمان و اسلام تعریف ابتدائی کرده میشود که ایمان را از اسلام جدا میسازد. همه میتوانند مدعی شوند که در دل آنان ایمان است اما اینجا توضیح داده میشود که آنان حداکثر میتوانند بگویند که مسلمان شده اند. به بیان دیگر کسانیکه در دلهای ایشان اگر ایمان نباشد بازهم میتوانند خودشان را مسلمان بخوانند. بسیاری اند درمیان آنان که درحالت کفر میمیرند و بسیاری اند چنان که هنوز ایمان به دل ایشان داخل نشده است اما پس از قبول کردن اسلام ظاهری، منتها مومنان راستین هم خواهند شد.

وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوْا وَجٰهَدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ﴿١٦﴾

رسول او ایمان آوردند،سپس به شك مبتلا نشدند وبامالهای‌خود و جان های خود در راه خدا جهاد کردند، همانهااند که ایشان راست گویانند(١٦)

قُلْ اَتُعَلِّمُوْنَ اللّٰهَ بِدِيْنِكُمْ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿١٧﴾

بگو،آیابه خدادین خود میآموزید حالانکه خدامیداندآنچه درآسمانها است وآنچه در زمین است و خدا به مرچیز خوب دانا است(١٧)

يَمُنُّوْنَ عَلَيْكَ اَنْ اَسْلَمُوْا ؕ قُلْ لَّا تَمُنُّوْا عَلَيَّ اِسْلَامَكُمْ ۚ بَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ اَنْ هَدٰىكُمْ لِلْاِيْمَانِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٨﴾

منت مینهند برتو که مسلمان شده اند.بگو، اگرشما راستگویان اید اسلام خود را بر من منت ننهید بلکه خدااست که بر شما منت می گذارد که شما را به ایمان هدایت داد(١٨)

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٩﴾ ع ٢ ٨ ١٤

یقینًاخدا میداند نهان آسمانها و زمین را و خدابینا ا ست به آنچه میکنید(١٩)

# ۵۰ - سورة قٓ

این سورة حین دوره ابتدائی مکه نازل آمد و با بسم الله ٤٦ آیت دارد.

این سورة ازجمله حروف مقطعات با حرف "ق"شروع میشود.بنظرعلماء جیدحرف"ق" اختصار واژه "قدیر"میباشد و دنبال این نخستین کلمه "قرآن" آمده است که از"ق" شروع میشود. پس از آن،ذکر از منکران قدرت خداوند میرود که میگویند که خدا را این توانائی ازکجا است که چون ما مرده خاکستر شویم مجدداً مارا روز قیامت جمع کند. بنظر آنان این امر بسیار دور ازعقل است.خداوند میفرماید مامیدانم آنچه زمین ازآنهاکم میکند.اما با این وجود ما قدرتمندیم که ذراتی منتشر آنانرا جمع کنیم. توجه آنان بسوی وستعتهای آسمان جلب کرده گفته میشود که در این کاینات بزرگترحتّی یك نقض هم نتوانند خاطرنشان کنند پس چطور توانند انکار از قدرتهای آفریدگار این را کنند؟

سپس گفته میشود که آن وسوسه ها که در دلهای ایشان برمیخیزد ما از آنها کاملاً آگاه ایم زیرا ما که به انسان از رگ جانش هم نزدیکتر هستیم.

ضمناً این پیشگوئی فرموده شد که حتماً همه بهم برخیزانده شوید و با برانگیخته شدگان یك سَوق دهنده و گواهی نیزهمراه باشد.

در ذکرجهنم گفته میشود که بی دینان گروه در گروه درپی همدیگر هیزم جهنم میشوند. آنچنان جهنم که شکمش هیچگاه پرشدنی نیست. چون خداوند تمثیلاً ازآن بپرسدکه آیاشکمت پرشد آن در زبان حال پاسخ گوید که آیا دیگر اینچنین بدنصیبها نیز هستند؟ من برای آنها نیزجای دارم.

درعین حال بهشت نزدیك بهشتیان کرده شود.غَیْرَبَعِید را این مطلب هم میشود که این امرهرگز دور از قیاس نیست. پس آنحضرت ﷺ نصیحت شدند که از طعن و مرزه دهانی آنها را ندیده بگیر. پیشگوئیها که در قرآن فرموده شدند حتمی الوقوع اند. پس از طریق قرآن آنکس را نصیحت کن که از مجازات میترسد.

اینجا هرگز این مفهوم نیست که رسول الله ﷺ از جمیع مردم تنها آنان را نصیحت کنند که از مجازات خدائی میترسند. نصیحت که برای همه انسانها یکسانست اما بهره مند فقط آن میگردد که از مجازات خدائی ترس دارد.

☆ سُوْرَةُ قٓ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارها رحمکننده(١)

قٓ ۚ وَالْقُرْاٰنِ الْمَجِيْدِ ②

قَدیر - دارای قدرت کامل - سوگند به قرآن صاحب عزّت(٢)

بَلْ عَجِبُوْٓا اَنْ جَآءَهُمْ مُّنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُوْنَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيْبٌ ③

درحقیقت تعجب کردند که ایشان را مشداردهندهٔ ی ازخود ایشان آمده است. پس کافران میگویند این امری شگفت انگیزاست(٣)

ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ۚ ذٰلِكَ رَجْعٌۢ بَعِيْدٌ ④

آیاچون مردیم وخاك شدیم؟ این بازگشتی دوراست(٤)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ ۚ وَعِنْدَنَا كِتٰبٌ حَفِيْظٌ ⑤

ما نیك میدانیم آنچه زمین از آنها میکاهد و نزد ما کتابی نگه دارنده ای است(٥)

بَلْ كَذَّبُوْا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِيْٓ اَمْرٍ مَّرِيْجٍ ⑥

بلکه به حق تکذیب کردند چون آنان را آمد. پس آنها در امری درهم آمیخته هستند(٦)

اَفَلَمْ يَنْظُرُوْٓا اِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنٰهَا وَزَيَّنّٰهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوْجٍ ⑦

پس آیا فوق خود بسوی آسمان نظر نگماشتند که چطور ما آنرا

ساختیم و آنرا زینت دادیم و در آن هیچ شکافی نیست(٧)

وَالْاَرْضَ مَدَدْنٰهَا وَاَلْقَيْنَا فِيْهَا رَوَاسِيَ وَاَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍۢ بَهِيْجٍ ﴿٨﴾

وزمین راگسترشش دادیم وکوهها را درآن محکم نهادیم و ازهرنوع جفتهای شاداب را رویانیدیم(٨)

تَبْصِرَةً وَّذِكْرٰى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيْبٍ ﴿٩﴾

چشمان بازکننده و یادآوری‌است برای هرکدام بندهٔ ی که [به خدا] انابت کنندهٔ است (٩)

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبٰرَكًا فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ جَنّٰتٍ وَّحَبَّ الْحَصِيْدِ ﴿١٠﴾

و آبی پربرکتی‌را ازآسمان نازل کردیم.پس بدان باغهاودانه خرمن را رویانیدیم(١٠)

وَالنَّخْلَ بٰسِقٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيْدٌ ﴿١١﴾

و نخلهای بلند قامت را که آنها را خوشه های رویهم چیده اند(١١)

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَاَحْيَيْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ الْخُرُوْجُ ﴿١٢﴾

رزقی‌برای‌بندگان ـ و شهری مرده را به آن [باران] زنده نمودیم. بیرون آمدن چنین است(١٢)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّاَصْحٰبُ الرَّسِّ وَثَمُوْدُ ﴿١٣﴾

قبل از آنان تکذیب کرده بودند هم قوم نوح و اهل معادن و ثمود(١٣)

وَعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ وَاِخْوَانُ لُوْطٍ ﴿١٤﴾

و عاد و فرعون و برادران لوط(١٤)

وَّاَصۡحٰبُ الۡاَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٍ ؕ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيۡدِ ﴿۱۵﴾

و اهل بيشه هاو قوم تُبع. همه به رسولان تكذيبكردند.پس هشدارم برآنها راست آمد(١٥ )

اَفَعَيِيۡنَا بِالۡخَلۡقِ الۡاَوَّلِ ؕ بَلۡ هُمۡ فِىۡ لَبۡسٍ مِّنۡ خَلۡقٍ جَدِيۡدٍ ﴿۱۶﴾ ع

پس آيابه آفرينش اوّلين درمانده شديم؟ نخير.بلكه آنها ازآفرينشى جديدى در شكى مستعند(١٦ )

ع ١ ١٦ ١٥

وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا الۡاِنۡسَانَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهٖ نَفۡسُهٗ ۖۚ وَنَحۡنُ اَقۡرَبُ اِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ الۡوَرِيۡدِ ﴿۱۷﴾

ويقينًامااانسان را آفريديم و مى دانيم آنچه نفسش او را وسوسه كند وما بسويش نزديكتر از رگ جان اومستيم(١٧ )

اِذۡ يَتَلَقَّى الۡمُتَلَقِّيٰنِ عَنِ الۡيَمِيۡنِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيۡدٌ ﴿۱۸﴾

چون دو سخن گيرنده سخن مى گيرند ايشان راست و چپ مى نشينند(١٨ )+

مَا يَلۡفِظُ مِنۡ قَوۡلٍ اِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيۡبٌ عَتِيۡدٌ ﴿۱۹﴾

او سخنى نميگويد مگر نگهبانى نزدش آماده است(١٩ )++

وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ الۡمَوۡتِ بِالۡحَقِّ ؕ ذٰلِكَ مَا

و[چون]آيد غشى مرگ برحق.اين است همان كه تو از آن گريز مى

---

++آيات١٨_ ١٩ :اينجا به نگهبانان اعمال انسان اشاره است. فرشتگان بسمت راست انسان نشته نيكيهايش را مينويسند و بسمت چپ نشته بديهارا مينويسند. اين فرشتگان بچشم صورى ديده نميشوند بلكه اين كنايه اى است بسوى آن نظام شهادت كه خداوند مقرر داشته است.

كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿٢٠﴾

میکردی(۲۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۚ ذٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢١﴾

و درصور دمیده شود. این روز هشدار است(۲۱)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَّشَهِيدٌ ﴿٢٢﴾

و هرنفسی‌که بیآید بااو سَوق دهندهٔ ی و گواهی باشد(۲۲)

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴿٢٣﴾

یقیناًتودراینمورددرغفلت ماندی. پس ما پردهٔ تو را از تو برداشته ایم و امروز نگاه تو بسیار تیز است(۲۳)

وَقَالَ قَرِينُهُ هٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ﴿٢٤﴾

و همنشینش گوید، اینست آنچه نزدم آماده است(۲٤)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٢٥﴾

[ای سوق دهنده و گواه!] در جهنم بیفکنیدشمادوی هرسخت ناسپاس و عنادکننده [حق] را (۲۵)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٦﴾

بازدارندهٔ ازنیکوکاری،متجاوزی، به شك مبتلا کنندهٔ ی را(۲٦)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٧﴾

آنکه باخدا معبودی دیگر ساخته بود.پس شمادوی او را در عذابی سخت برانید(۲۷)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلٰكِنْ كَانَ

همنشین او گوید، پروردگارا! من

فِي ضَلٰلٍ بَعِيْدٍ ﴿٢٨﴾

او را به سرکشی نکشیدم و اما اوخود به گمراهی دور فرورفته بود(٢٨)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوْا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ اِلَيْكُمْ بِالْوَعِيْدِ ﴿٢٩﴾

[خدا] گوید. نزدم ستیزه نکنید و من به شما هشدار از پیش فرستاده ام(٢٩)

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَآ اَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿٣٠﴾ ع

فرمان نزدم عوض کرده نشود و من بربندگان بیچاره خود ستم کننده نیستم(٣٠)

يَوْمَ نَقُوْلُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَاْتِ وَتَقُوْلُ هَلْ مِنْ مَّزِيْدٍ ﴿٣١﴾

روزیکه ازجهنم بپرسیم. آیا پر شدی. آن پاسخ دهد. آیابیش هم است؟(٣١)

وَاُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِيْنَ غَيْرَ بَعِيْدٍ ﴿٣٢﴾

وبهشت نزدیك متقیان کرده شود هیچ دورنباشد(٣٢)

هٰذَا مَا تُوْعَدُوْنَ لِكُلِّ اَوَّابٍ حَفِيْظٍ ﴿٣٣﴾

اینست آنچه وعده داده شوید بخاطرهرکدام مراجعت کننده و نگهدارنده (٣٣)

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيْبِ ﴿٣٤﴾

آنکه ازرحمان به نهان میترسد و قلبیِ انابت کنندهٔ آورده است(٣٤)

ادْخُلُوْهَا بِسَلٰمٍ ۭ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُوْدِ ﴿٣٥﴾

ایمن بداخل آن شوید. این روز بی پایان است(٣٥)

لَهُمْ مَّا يَشَآءُوْنَ فِيْهَا وَلَدَيْنَا مَزِيْدٌ ﴿٣٦﴾

آنانرا است در آن هرچه بخواهند و نزد مابیشترهم است (٣٦)

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوْا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيْصٍ ﴿٣٧﴾

وچه بسیارقومهای‌پیش ازآنها را هلاك کردیم که آنها به سخت گرفتن سختتر ازاینها بودند.پس آنها درزمین غارها کنند[اما]آیا هیچ پناه گاهی‌بود؟(٣٧)

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَذِكْرٰى لِمَنْ كَانَ لَهٗ قَلْبٌ اَوْ اَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيْدٌ ﴿٣٨﴾

همانادراین البته یادآوری است برای آنکه اهل دل است یا گوش فرادهد و او بینا است(٣٨)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ وَّمَا مَسَّنَا مِنْ لُّغُوْبٍ ﴿٣٩﴾

ویقیناًماآسمانهاو زمین و هرچه میان آندو است را در شش زمان آفریدیم و هیچ خستگی بما لمس نکرد(٣٩)

فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوْبِ ﴿٤٠﴾

پس صبرکن برآنچه گویند و قبل از طلوع خورشیدوقبل از غروب با حمد پروردگار خویش تسبیح بگو(٤٠)

وَمِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُوْدِ ﴿٤١﴾

و در پاره ای شب نیز او را تسبیح بگو و هم پس از سجده ها(٤١)

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيْبٍ ﴿٤٢﴾

و گوش کن روزیکه ندا دهنده از جای نزدیك منادات کند(٤٢)

يَّوْمَ يَسْمَعُوْنَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ؕ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوْجِ ﴿٤٣﴾

روزیکه صدای مولناك الحق بشونند. آن روز بیرون آمدن است(٤٣)

اِنَّا نَحْنُ نُحْيٖ وَنُمِيْتُ وَاِلَيْنَا الْمَصِيْرُ ﴿٤٤﴾

یقیناًمائیم که زنده کنیم و می میرانیم و بازگشت بسوی ما است(٤٤)

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْاَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ؕ ذٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيْرٌ ﴿٤٥﴾

روزیکه زمین بالای ایشان از سرعت حرکت بشکافد.این رستا خیزی بر ما آسان است(٤٥)

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَقُوْلُوْنَ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ۫ فَذَكِّرْ بِالْقُرْاٰنِ مَنْ يَّخَافُ وَعِيْدِ ﴿٤٦﴾ ع ٣ ١٦ ١٧

ما داناتریم به آنچه میگویندو تو برآنهابه اجباراصلاح کننده نیستی پس بوسیله قرآن پیوسته اندرز کن او را که از هشدارم می ترسد(٤٦)

# ٥١-سورة الذّاريات

این سورة از جمله سورتهای ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم الله ٦١ آیت دارد.

بمحض آغازاین سورة پیشگوئیهای مذکور در سورة های گذشته بشمول بهشت و جهنم آنچنان بیقین بیانکرده میشوند بطوریکه مخاطبان قرآن بهم صحبت میکنند.

دراین سورة کریمه جنگهای در زمان آینده مجدداً بطورگواه قرارداده میشوند تا مردم این پیشگوئیها را بچشم خود بحق رسیده ببینند و پس در این امر هیچ جای تردید باقی نماند که رسولی که علم غایب بر او مکشوف کرده شد حتماً امور زندگی پس از مرگ نیز او را خدا دانای غیب گفت.

فرمود، سوگند به پاشندگان تخم- اینك این پیشگوئی ظامراً نیز حرف بحرف به حق رسیده است زیراکه واقعاً امروزها تخم ها بوسیله هواپیماها و هیلی کپترها پاشیده میشود و هواپیماها بارهای سنگین را برداشته پرواز میکنند و با وجود این سنگینیها سبك رو میباشند. بوسیله همین هوا پیماها هم ابرقدرتها غالب و هم ملتهای مغلوب و قهرزده اطلاعات را بدست میآرند. اینهمه را گواه گردانده این نتیجه ای درآورده شد که به آنچه شما وعده ای داده میشوید،حتمیالوقوع است و روزجزاء یعنی روز قضاوت هم در دنیا برای ملتهای دنیائی و هم روز قیامت برای همه نوع انسان بپا خواهد شد.

سپس آشکار نموده شد که این پاشندگان تخم و باربرداران بر زمین حرکت کنندگان نیستند بلکه در آسمان پرواز کنندگان اند. پس آن آسمان

گواه قرارداده شد که دارای راه های آنها است. چنانکه اگر نگاه افکنیم هرجا علامات راه های هواپیماها بچشم میخورند. پس نتیجه اینهمه به این امر منجر میشود که شماها به آخرت انکار کرده به گمراهی شدیدی مبتلا شده اید.اگراین سخنان بجای آنحضرت ﷺ ازجانب کسی حدس زننده می بود آنگاه کسانیکه اینگونه حرف را با حدس زده بودند همه بهلاك رسانده شدند اما این رسول راستین ﷺ برای همیشه باقی است.

این کلام مرقع فصاحت و بلاغت میباشد. پس از ذکر تخم پاشندگانی از آسمان توجه به اینسوجلب کرده میشود که تمامی اسباب رزق شما از آسمان فرومیآید اما درعین حال یکی آن نوع رزقی است که کنه اش را انسان نمی تواننددرك کند و فرشتگان نیز همان رزق داده میشوند. لذا ذکر از مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام میرود که فرشتگان بوده اند و در قالب انسان برایشان ظاهر آمده بودند. هنگامیکه حضرت ابراهیم علیه السلام جلوی ایشان آن بهترین رزق عرضه داشتندکه آذوقه انسان است آن مهمان فرشتگان از میل آن اجتناب ورزیدند چه رزق ایشان از نوع مختلف بود. دنبال ذکر از حضرت ابراهیم علیه السلام سخن از ای بسا پیغمبرانی گذشته نیز گفته میشود.

سپس چنین آیتی است که آسمان را مدام وسعت پذیر عنوان میکند درباره آنچه علم انسان در زمان آنحضرت ﷺ حتی تا حد خیال هم وجود نداشت. درزمان کنونی زبردستان فلکیات این حقیقت را ارائه داده اند که آسمان پیوسته وسعت پذیر میماند تا آن انتها که به اجل مسمّی یعنی به نهایت زمانی معین خود رسیده بسوی مرکزی بازخواهد گشت.

موضوع رزق را بنحوی ارائه داد که همه وجودهای انسانی و ملکوتی بحرحال یك نوعی رزق را نیازمندند. تنها یك ذات است که از هرنوع رزق بی نیاز است و آن ذات خدای است که رزق دهنده ای همگان میباشد.

☆ سُوْرَةُ الذّارِيَاتِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَّ سِتُّوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارها رحمکننده(۱) |
| وَالذّٰرِيٰتِ ذَرْوًا ② | سوگند به[تخم]پاشندگان(۲) |
| فَالْحٰمِلٰتِ وِقْرًا ③ | پس باربرندگان را(۳) |
| فَالْجٰرِيٰتِ يُسْرًا ④ | پس سبك رفتار روندگان را(٤) |
| فَالْمُقَسِّمٰتِ اَمْرًا ⑤ | پس پخش کنندگان امر مهم را(۵) |
| اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَصَادِقٌ ⑥ | حتماً راست است فقط آن چه وعدهٔ داده شوید(٦) |
| وَّاِنَّ الدِّيْنَ لَوَاقِعٌ ⑦ | و یقینًا روز جزاء حتم الوقوع است(۷) |
| وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ⑧ | سوگند به آسمان دارنده راهها(۸) |
| اِنَّكُمْ لَفِيْ قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ⑨ | یقینًاشما درامراختلاف مستید(۹) |
| يُّؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ ⑩ | پس از او همان برگردانده شود که برگردانده شود(۱۰) |
| قُتِلَ الْخَرّٰصُوْنَ ⑪ | حدس زنندگان ملاك شدند(۱۱) |
| الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ غَمْرَةٍ سَاهُوْنَ ⑫ | آنانکه در غفلت گمراه شده اند(۱۲) |
| يَسْئَلُوْنَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّيْنِ ⑬ | میپرسندروزجزاءکی باشد(۱۳) |

يَوۡمَ هُمۡ عَلَى النَّارِ يُفۡتَنُوۡنَ ﴿۱٤﴾

روزیکه آنها بر آتش گداخته شوند(١٤)

ذُوۡقُوۡا فِتۡنَتَكُمۡ ؕ هٰذَا الَّذِىۡ كُنۡتُمۡ بِهٖ تَسۡتَعۡجِلُوۡنَ ﴿۱۵﴾

طعم فتنه خود بچشید.این همان است که به آن شما تعجیل می کردید(١۵)

اِنَّ الۡمُتَّقِيۡنَ فِىۡ جَنّٰتٍ وَّعُيُوۡنٍ ۙ﴿۱٦﴾

یقیناًمتقیان میان باغها و چشمه سار باشند(١٦)

اٰخِذِيۡنَ مَاۤ اٰتٰٮهُمۡ رَبُّهُمۡ ؕ اِنَّهُمۡ كَانُوۡا قَبۡلَ ذٰلِكَ مُحۡسِنِيۡنَ ؕ﴿۱۷﴾

ایشان بگیرند آنچه پروردگار ایشان بدیشان در دهد. یقیناً ایشان از این پیش نیکوکاران بودند(١٧)

كَانُوۡا قَلِيۡلًا مِّنَ الَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُوۡنَ ﴿۱۸﴾

کم بود آنچه در شب می خوابیدند(١٨)

وَبِالۡاَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُوۡنَ ﴿۱۹﴾

و بامدادان هم استغفار می کردند(١٩)

وَفِىۡۤ اَمۡوَالِهِمۡ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَالۡمَحۡرُوۡمِ ﴿۲۰﴾

و در مالهای ایشان حقی بود سایلان را و نیازمندانی بی سؤال را (٢٠)

وَفِى الۡاَرۡضِ اٰيٰتٌ لِّلۡمُوۡقِنِيۡنَ ﴿۲۱﴾

و برای یقین دارندگان در زمین نشانه های است(٢١)

وَفِىۡۤ اَنۡفُسِكُمۡ ؕ اَفَلَا تُبۡصِرُوۡنَ ﴿۲۲﴾

و هم در نفسهای خود شما.پس آیا

نمینگرید؟(٢٢)

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٣﴾

و رزق شما در آسمان است و آنچه که وعده داده میشوید(٢٣)

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ ﴿٢٤﴾

پس سوگند به پروردگار آسمانها وزمین یقیناًآن راست است بمثل آنچه شما [بهم] تکلم میکنید(٢٤)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٥﴾

آیاخبرمهمامان گرامی ابراهیم به تو رسید(٢٥)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ﴿٢٦﴾

چون ایشان براو بداخل آمدند گفتند، سلام. او هم سلام گفت[ودر دلش گفت] مردم ناشناخته[بنظر میآیید](٢٦)

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٧﴾

پس بشتاب او بسوی اهل خانه خود رفت و گوساله ای فربه [وبریان] آورد(٢٧)

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٨﴾

پس آن رابه ایشان عرضه داشت [و] پرسید آیا نمیخورید؟(٢٨)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٢٩﴾

پس ازایشان خوف راحس کرد. آنان گفتند،نترس وبه اوبه پسری دانشمند مژدهٔ دادند(٢٩)

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ

آنگاه همسرش بانگ زده جلو آمد

وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿٣٠﴾

وسیلی توی چهره خود زد و گفت، [من] پیرزنی نازا هستم(۳۰)

قَالُوا كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣١﴾

گفتند: همینطور[شودکه]پروردگار تو گفته است. یقینًا او صاحب بسیارحکمت صاحب علم دائمی است(۳۱)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ اَيُّهَا الْمُرْسَلُوْنَ ﴿۳۲﴾
گفت: كار شما چيست اى فرستاد - گان؟(۳۲)

قَالُوْٓا اِنَّآ اُرْسِلْنَآ اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ ﴿۳۳﴾
گفتند:يقيناًمابسوى قوم بزهكاران فرستاده شده ايم(۳۳)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِيْنٍ ﴿۳۴﴾
تا بر آنها سنگريزه هاى گل بفرستيم(۳۴)

مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِيْنَ ﴿۳۵﴾
نزد پروردگارتو نشان زده براى تجاوزگران(۳۵)

فَاَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيْهَا مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۳۶﴾
پس درآن آنانكه مومنان بودند را بيرون آورديم(۳۶)

فَمَا وَجَدْنَا فِيْهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿۳۷﴾
پس در آن فقط يك خانه از فرمان برداران يافتيم(۳۷)

وَتَرَكْنَا فِيْهَآ اٰيَةً لِّلَّذِيْنَ يَخَافُوْنَ الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿۳۸﴾
و درآن نشانۀ [عبرت] واگذارديم براى آنهاكه ازعذابى دردناك مى ترسند(۳۸)

وَفِىْ مُوْسٰٓى اِذْ اَرْسَلْنٰهُ اِلٰى فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿۳۹﴾
و در[واقعه]موسىٰ[نيزآيتى بود] چون مااو رابادليلىروشن بسوى فرعون فرستاديم(۳۹)

فَتَوَلّٰى بِرُكْنِهٖ وَقَالَ سٰحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ ﴿۴۰﴾
پس او با معتمدين خود روى برگرداند وگفت يك جادوگراست ياديوانۀ(۴۰)

فَاَخَذۡنٰهُ وَجُنُوۡدَهٗ فَنَبَذۡنٰهُمۡ فِى الۡيَمِّ وَهُوَ مُلِيۡمٌ ﴿٤١﴾

پس او و لشکریانش را بگرفتیم وآنهارا در دریاافکندیم درحالیکه او ملامت شونده بود(٤١)

وَفِىۡ عَادٍ اِذۡ اَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ الرِّيۡحَ الۡعَقِيۡمَ ﴿٤٢﴾

و در عاد[نیزنشانهٔ ی‌بود]وقتی بر آنهابادی‌ویرانگرفرستادیم(٤٢)

مَا تَذَرُ مِنۡ شَىۡءٍ اَتَتۡ عَلَيۡهِ اِلَّا جَعَلَتۡهُ كَالرَّمِيۡمِ ﴿٤٣﴾

برآنچه گذرمیکردچیزی باقی نمی گذاشت مگر آن را مانند چیزی پوسیده میگردانید(٤٣)

وَفِىۡ ثَمُوۡدَ اِذۡ قِيۡلَ لَهُمۡ تَمَتَّعُوۡا حَتّٰى حِيۡنٍ ﴿٤٤﴾

و درثمود[هم نشانه ای بود] گاهی که به ایشان گفتیم بمدتی بهره برداری کنید(٤٤)

فَعَتَوۡا عَنۡ اَمۡرِ رَبِّهِمۡ فَاَخَذَتۡهُمُ الصّٰعِقَةُ وَهُمۡ يَنۡظُرُوۡنَ ﴿٤٥﴾

پس آنها از فرمان پروردگارخود سرباززدند وصاعقهٔ آنهارا بگرفت و آنها چشم دوخته ماندند(٤٥)

فَمَا اسۡتَطَاعُوۡا مِنۡ قِيَامٍ وَّمَا كَانُوۡا مُنۡتَصِرِيۡنَ ﴿٤٦﴾

پس نه طاقت ایستادن راداشتند و نه انتقام گیرندگان بودند(٤٦)

وَقَوۡمَ نُوۡحٍ مِّنۡ قَبۡلُ‌ؕ اِنَّهُمۡ كَانُوۡا قَوۡمًا فٰسِقِيۡنَ ﴿٤٧﴾ ع

وقوم نوح از این پیش [نشان عبرت بود].یقینًا آنها قومی فاسق بودند(٤٧)

وَالسَّمَآءَ بَنَيۡنٰهَا بِاَيۡىدٍ وَّاِنَّا لَمُوۡسِعُوۡنَ ﴿٤٨﴾

وآسمانرابه قدرت مخصوصی بنا کرده ایم ویقینًاماتوسعه دهندگان

ایم(۴۸)++

وَالْاَرْضَ فَرَشْنٰهَا فَنِعْمَ الْمٰهِدُوْنَ ۝۴۹

و زمین را هموار نمودیم و چه خوب گسترانندگانند(۴۹)

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ۝۵۰

و هرچیز را به زوج آفریدیم تا شما اندرز بگیرید(۵۰)

فَفِرُّوْٓا اِلَى اللّٰهِ ۭ اِنِّىْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۝۵۱ۚ

پس بسوی خدا شتابان بدوید. یقینًا من ازجانب او برای شما هشدار دهندهٔ آشکارهستم(۵۱)

وَلَا تَجْعَلُوْا مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۭ اِنِّىْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۝۵۲ۚ

وباخدامعبودی قرارندهید. یقینًا من ازجانب او برایشما هشدار دهندهٔ آشکار هستم(۵۲)

كَذٰلِكَ مَآ اَتَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ ۝۵۳ۚ

همینطوربسوی ایشان که پیش از آنها بودند رسولی نیآمد مگر می گفتند که اوجادوگری یادیوانهٔ ی است(۵۳)

آیت۴۸:بِاَیْدٍ به این امر دلالت میکند که خداوند آسمان را بنا کرده فوایدی بیشمار درآن نهاد. درعین حال اینهم فرمود که ماآینراهمیشه توسعه پذیرخواهیم داشت وعلی‌الخصوص این بخش بیان که ماآینراهمیشه توسعه پذیرخواهیم داشت کلامی بلند مرتبت واعجازی میباشدویك پیغمبرامی‌نمیتوانست ازجانب خود بیان کند.این امرپژوهندگان علم باکمك آلات جدیدبیانکرده اندکه این کیهان لمحه به لمحه توسعه پذیراست.درزمان رسول الله ﷺ این کاینات بهرکس جامدوراکد دیده میشد.

| | |
|---|---|
| اَتَوَاصَوْا بِهٖ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُوْنَ ﴿۵۳﴾ | آیابهمدیگربه این نصیحت میکنند بلکه آنهاقومی گردنکش اند(۵٤) |
| فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَآ اَنْتَ بِمَلُوْمٍ ﴿۵۴﴾ | پس از آنها روی برتاب.هرگزتو سزاوار ملامت نیستی(۵۵) |
| وَّذَكِّرْ فَاِنَّ الذِّكْرٰى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۵۵﴾ | و نصیحت کن یقینًا نصیحت به مومنان فایده میبخشد(۵٦) |
| وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُوْنِ ﴿۵۶﴾ | وجن و بشررا نیآفریدم مگر این که مرا عبادت کنند(۵۷)++ |
| مَآ اُرِيْدُ مِنْهُمْ مِّنْ رِّزْقٍ وَّمَآ اُرِيْدُ اَنْ يُّطْعِمُوْنِ ﴿۵۷﴾ | من رزقی ازآنهانمیخواهم ونه این رامیخواهم که مرا بخورانند(۵۸) |
| اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِيْنُ ﴿۵۸﴾ | یقینًا تنها خدا بسیاررزق دهندهٔ است. بسیار قدرتمند و صاحب صفاتی برقرار است(۵۹) |
| فَاِنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ذَنُوْبًا مِّثْلَ ذَنُوْبِ اَصْحٰبِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُوْنِ ﴿۵۹﴾ | پس یقیناً آنها که ستم کردند را پاداش ستم است مثل پاداشی که هم قبیل آنهارا بود.پس پاداش را ازمن بتعجیل طلب نکنند(٦۰) |

++آیت۵۷:منظور ازجن وانس مردم خاص و مردم عام، ملتهای بزرگ و قدرتمند و ملتهای کوچك وضعیف میباشند. مقصود ازآفرینش هردویعبادت خداونداست. اگر جن بمعنایجنی معروف گرفته شودآنگاه میبایستیآنهانیزپاداش عبادت خویش یعنی نویدبهشت داده شوند.ولی داخل شدن جن ها دربهشت هیچ جای تذکر نیست.

فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ يَّوْمِهِمُ الَّذِيْ يُوْعَدُوْنَ ﴿٦١﴾ ع

پس هلاکت است به آنها که کفر کردند در آن روز خود ایشان که وعدهٔ داده میشوند(۶۱)

# ۵۲ـ سورة الطور

این سورة از آنجمله سورة های است در ابتداء در مکه نازل آمد و با بسم اللہ۰ ۵ آیت دارد.

آغاز این سورة نیز با گواهی های آسمانی شده است. نخستین گواهی است گواهی طور که بر آن حضرت موسیٰ علیه السلام را خبری به رسولی با رتبه ای شامختر ازخودایشان یعنی آنحضرت ﷺ داده شد. سپس سوگند به کتابی یاد شد که بر صحیفه های گشوده و چرمی نوشته شده است. چون در زمان قدیم نوشتن برچرم رسمی بود برای اینست که آن کتاب نوشته بر چرم گفته میشود. در همان کتاب پیشگوئی بیت اللّٰه است آنچه مملو از متقیان و روحانیت خواهد بود. یکباردیگرگواه گردانده میشود آسمانی با سقف بلند و دریای طغیان کرده که بین آندو آبی مسخرکرده شد که تکیه گاه زندگی میباشد.

پس از تذکرگواهی های آسمانیخداوند هشدارمیدهد که روزی که آسمان سخت لرزه خورد و ابرقدرتهای مانند کوه ها برکنده و در همه دنیا پراکنده شوند، آنروز مکذبان را در همین دنیا هلاکت خواهد بود.

سپس مجرمان را وعید جهنم و متقیان را نوید بهشت داده میشود. پس خداوند آنحضرت ﷺ رابه نصیحت کردن پیوسته اشاره کرده گواهی میدهد که ای رسول!سخنان تونه مانند کاهن ها بی‌هوا است و نه تو مجنون هستی زیراکه کلام خودت و کلامی که بر تونازل میشود این دو امر مذکور را رد میکند. پس بخاطر ابلاغ کردن فرمان پروردگارخود صبور باش. تو جلوی

چشمان ما هستی یعنی هرآن در حفاظت ما قرارگرفته ای. و باستایش خدای خویش او را تسبیح بخوان خواه تو برای عبادت روز بپا شوی یا شبگامان برای عبادت بپاشوی. هنگامیکه ستارگان فرورونـد بازهم بعبادت پروردگار خویش مشغول باش.

☆ سُوْرَةُ الطُّوْرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحمکننده(۱) |
| وَالطُّوْرِ ② | و سوگند به طور(۲) |
| وَكِتٰبٍ مَّسْطُوْرٍ ③ | و به کتابی مسطور(۳) |
| فِيْ رَقٍّ مَّنْشُوْرٍ ④ | درصحیفه های گشوده پوست(٤) |
| وَّالْبَيْتِ الْمَعْمُوْرِ ⑤ | و سوگند به خانۀ آباد(۵) |
| وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوْعِ ⑥ | وسوگندبه سقفی بلندکرده(٦) |
| وَالْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ ⑦ | وسوگندبه دریای طغیان کرده(۷) |
| اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ⑧ | یقینًا عذاب پروردگارت حتمی الوقوع است(۸) |
| مَّا لَهٗ مِنْ دَافِعٍ ⑨ | کسیآنرادورکنندۀ نیست(۹) |
| يَّوْمَ تَمُوْرُ السَّمَآءُ مَوْرًا ⑩ | روزیکه آسمان سخت بلرزد(۱۰) |
| وَّتَسِيْرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ⑪ | وکوه ها بکثرت روان شوند(۱۱) |
| فَوَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ⑫ | پس هلاك باد در آن روز بر مکذبان(۱۲) |
| الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ خَوْضٍ يَّلْعَبُوْنَ ⑬ | آنهاکه درهرزگیها بازی کنند(۱۳) |
| يَوْمَ يُدَعُّوْنَ اِلٰى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ⑭ | روزی که بزور به جهنم رانده شوند(١٤) |

هٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٥﴾

همین آن آتش است که به آن تکذیب میکردید(۱۵)

أَفَسِحْرٌ هٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٦﴾

پس آیااین جادوئی است یاشما بصیرت را بکار نمیبردید(۱۶)

اِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

وارد آن شوید. پس صبرکنید یا صبر نکنیدشمارایکسانست. فقط عوض آن داده شویدکه شماعمل میکردید(۱۷)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٨﴾

یقینًا متقیان دربهشتها و نعمت ها باشند(۱۸)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾

شادمان بدآنچه پروردگار ایشان به آنان داد و پروردگار ایشان بدیشان از عذاب جهنم حفظ نماید(۱۹)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

بخورید و بیآشامید باخوشمزگی بعلت آنچه شما میکردید(۲۰)

مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢١﴾

برتختهائیدرصف کشیده تکیه زده باشند و ایشان را با زنان درشت و سیاه چشم جفت نمائیم(۲۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا

وکسانیکه ایمان آوردند و اولاد آنان نیزایشانرا با ایمان پیروی

اَلَتۡنٰهُمۡ مِّنۡ عَمَلِهِمۡ مِّنۡ شَیۡءٍ ؕ کُلُّ امۡرِیًٔ بِمَا کَسَبَ رَهِیۡنٌ ﴿۲۲﴾

کردند اولاد ایشان را هم به آنان ملحق نمائیم وآنان را از اعمال ایشان هیچ کم ندهیم.هرکس رهین بکسب کرده های خوداست(۲۲)

وَاَمۡدَدۡنٰهُمۡ بِفَاکِهَةٍ وَّ لَحۡمٍ مِّمَّا یَشۡتَهُوۡنَ ﴿۲۳﴾

و ایشان را یاری کنیم [و اعطا کنیم ایشانرا]نوعی میوه و نوعی گوشت از آنچه میل کنند(۲۳)

یَتَنَازَعُوۡنَ فِیۡهَا کَاۡسًا لَّا لَغۡوٌ فِیۡهَا وَلَا تَاۡثِیۡمٌ ﴿۲۴﴾

در آنجا جامهای همدیگر را [با عاطفه] بربایند.درآنها نه بیهودگی است و نه امرگناه است(۲٤)

وَیَطُوۡفُ عَلَیۡهِمۡ غِلۡمَانٌ لَّهُمۡ کَاَنَّهُمۡ لُؤۡلُؤٌ مَّکۡنُوۡنٌ ﴿۲۵﴾

وپسرانی خوردسال ایشان گویی آنان مرواریدهای نهفته اند گرد ایشان دور زنند(۲۵)++

وَاَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلٰی بَعۡضٍ یَّتَسَآءَلُوۡنَ ﴿۲۶﴾

وبعضی‌ازآنان بسوی‌بعضی احوال پرسی‌کنان روی‌آورند(۲٦)

قَالُوۡۤا اِنَّا کُنَّا قَبۡلُ فِیۡۤ اَهۡلِنَا مُشۡفِقِیۡنَ ﴿۲۷﴾

گویند:یقیناًماقبلاً درخانواده خود بیمناك می ماندیم(۲۷)

فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَیۡنَا وَ وَقٰنَا عَذَابَ السَّمُوۡمِ ﴿۲۸﴾

پس خدا برما منت نهاد و مارا از عذاب وزش های سوزاننده نجات

++آیت۲۵:تمثیلاًذکرازنعمتهای بهشت است که درآن خدمتکاران پسران خوردسال باشند که گویی"مرواریدهای نهفته" اند.این اثبات میکند که این کلام تمثیلی است.

داد(٢٨)

اِنَّا كُنَّا مِنۡ قَبۡلُ نَدۡعُوۡهُ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الۡبَرُّ الرَّحِيۡمُ ﴿۲۹﴾ ع

یقینًا ما از این پیش هم او را می خواندیم.یقینًا بس او نیکورفتار بارها رحم کننده است(٢٩)

فَذَكِّرۡ فَمَاۤ اَنۡتَ بِنِعۡمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَّلَا مَجۡنُوۡنٍ ؕ﴿۳۰﴾

پس توپیوسته نصیحت کن.بنعمت پروردگارت نه کاهن هستی و نه دیوانه(٣٠)

اَمۡ يَقُوۡلُوۡنَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهٖ رَيۡبَ الۡمَنُوۡنِ ﴿۳۱﴾

آیامیگویند.شاعری‌است که برای او گردش روزگار را انتظار داریم(٣١)

قُلۡ تَرَبَّصُوۡا فَاِنِّىۡ مَعَكُمۡ مِّنَ الۡمُتَرَبِّصِيۡنَ ؕ﴿۳۲﴾

بگومنتظرباشیدپس حتمًا منهم با شما ازجمله منتظرانم (٣٢)

اَمۡ تَاۡمُرُهُمۡ اَحۡلَامُهُمۡ بِهٰذَاۤ اَمۡ هُمۡ قَوۡمٌ طَاغُوۡنَ ۚ﴿۳۳﴾

آیاپراکندگی‌خاطرشان آنها را به این امرکند یا آنها قومی سرکش اند؟(٣٣)

اَمۡ يَقُوۡلُوۡنَ تَقَوَّلَهٗ ۚ بَلْ لَّا يُؤۡمِنُوۡنَ ۚ﴿۳۴﴾

آیاگویند.او این را ازخود دروغ بسته است.حقیقت اینست که آنها ایمان نخواهند آورد(٣٤)

فَلۡيَاۡتُوۡا بِحَدِيۡثٍ مِّثۡلِهٖۤ اِنۡ كَانُوۡا صٰدِقِيۡنَ ؕ﴿۳۵﴾

پس باید بیآرند مانند آن کلامی را اگر راستگویانند(٣٥)

اَمۡ خُلِقُوۡا مِنۡ غَيۡرِ شَىۡءٍ اَمۡ هُمُ

آیابدون چیزی[خودبخود] آفریده

الْخٰلِقُوْنَ ﴿۳۶﴾

شدند یا خودشان آفریدگاران اند(۳۶)

اَمْ خَلَقُوا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ۚ بَلْ لَّا يُوْقِنُوْنَ ﴿۳۷﴾

آیاآنها آسمانها و زمین را آفریده اند؟ حقیقت اینست که آنها باور نخواهند کرد(۳۷)

اَمْ عِنْدَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ اَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُوْنَ ﴿۳۸﴾

آیانزدشان گنجهای پروردگارتو است یا ایشان داروغه اند(۳۸)

اَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَّسْتَمِعُوْنَ فِيْهِ ۚ فَلْيَاْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿۳۹﴾

آیا آنانرا نردبانی است که در آن[بالا رفته]سخنان گوش کنند؟ پس باید شنوندۀ از ایشان دلیلی روشن بیآرد(۳۹)

اَمْ لَهُ الْبَنٰتُ وَلَكُمُ الْبَنُوْنَ ﴿۴۰﴾

آیابرای‌او[خدا] دختران و برای شما پسران اند؟(۴۰)

اَمْ تَسْـَٔلُهُمْ اَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُوْنَ ﴿۴۱﴾

آیا مزدی ازآنهامیخواهی که آنها ازغرامت سنگین بارانند؟(۴۱)

اَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُوْنَ ﴿۴۲﴾

یاغیب است نزدشان پس آنها [آن را] مینویسند(۴۲)

اَمْ يُرِيْدُوْنَ كَيْدًا ؕ فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا هُمُ الْمَكِيْدُوْنَ ﴿۴۳﴾

یامیخواهند نیرنگ زنند؟پس آنها که کفرکردند همانهاندکه نیرنگ برخلاف آنها زده شود(۴۳)

اَمْ لَهُمْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ ؕ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا

آیابرای ایشان معبودی است جز

يُشْرِكُوْنَ ﴿٤٤﴾

خدا؟پاك است خدا ازآنچه شرك میورزند(٤٤)

وَاِنْ يَّرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَآءِ سَاقِطًا يَّقُوْلُوْا سَحَابٌ مَّرْكُوْمٌ ﴿٤٥﴾

و اگر پارهٔ از آسمان سقوط کرده را ببینندگویند این ابری برهم نشته است(٤٥)

فَذَرْهُمْ حَتّٰى يُلٰقُوْا يَوْمَهُمُ الَّذِيْ فِيْهِ يُصْعَقُوْنَ ﴿٤٦﴾

پس آنهارا برهان تاآن انتها که به آن روزخود برخوردکنند که درآن صایقهٔ ی برآنها افکنده شود(٤٦)

يَوْمَ لَا يُغْنِيْ عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٤٧﴾

روزیکه هیچ حیله ایشان بکار ایشان نیآید و نه ایشان یاری داده شوند(٤٧)

وَاِنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا عَذَابًا دُوْنَ ذٰلِكَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٤٨﴾

و یقینًاکسانیکه ستمکاری کردند را عذاب بعلاوه آنست.اما اکثر ایشان نمیدانند(٤٨)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَاِنَّكَ بِاَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِيْنَ تَقُوْمُ ﴿٤٩﴾

وبرای فرمان پروردگارخود صبر کن. پس یقینًا تو جلوی چشمان ما هستی و با ستایش پروردگار خود تسبیح بگو، هنگامیکه بر می خیزی(٤٩)

وَمِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاِدْبَارَ النُّجُوْمِ ﴿٥٠﴾ ع ۲

و هم شب را برای او تسبیح بگو و هم پس از غروب ستارگان(۵۰)

# ۵۳ـ سورة النجم

این سورة بلافاصله پس از هجرت حبشه پنجمین سال نبوت نازل شد و بابسم الله۶۳آیت دارد.

نام این سورة النجم است و درپایان سورة قبلی نیز ذکر از "اِدْبَارَ اَلنُّجُوم" میرود. سپس موضوع بسوی شرقهای برگردانده میشود وپیشگوئی به شکستن آن ستارگان میشودکه مشرکان آنهاراپرستش میکرده اند و فرمود که رسول الله ﷺ این امر را از پیش خود برنبافته اند زیراکه هیچگاه ایشان به سخن بمیل نفس خویش نمیآیند.

قبلاً درپایان سورة "الذّاریات" خدای که ذُوالْقُوْةِ الْمَتِین خوانده شد و هم الرَّزّاق سخن ازهمان خدا گفته دراین سورة او بنام "شَدِیدُالْقُوی" و "ذُومِرَّة" ذکرمیشودیعنی‌خدای که صاحب صفاتی‌بسیار محکم و صاحب حکمتی بی مانند است.

سپس ذکر از واقعه معراج میرود. رسول الله ﷺ نزدیك پروردگار خویش شدند و خدای متعال برحمت خود بر ایشان فرود آمد و همچون وتری دوکمان شد. این آیتهای پیچیده اند که به شرح آنها بنحوی گوناگون تلاش شده است. یقیناًاین واقعه حاکی از هیچ آسمان ظاهری نیست بلکه ذکر از ماجرای فوق العاده ای است که بر قلب آنحضرت ﷺ گذشت. مکاشفه ای که نظیرش در زندگی هیچ کدام پیغمبر یافت نمیشود. قلب ایشان در محبت خدای متعال به رخ فلك بلند شد و خدا به محبت بنده خویش بر دلش فرود آمد. ضمناًمطلب از قَابَ قَوسَین اینست که آنحضرت ﷺ صورت آن وتری را

گرفتند که میان کمان خداوند و آنحضرت ﷺ مردوی را همان یك وتر بود. بعبارت دیگر تیری از کمان خداوند پرتاب شده همان بود که از کمان آنحضرت ﷺ پرتاب میشد. این تفسیرعیناً بنص این آیت قرآن مجید است وَمَارَمَیْتَ اِذْ رَمَیْتَ وَلَکِنَّ اَاللّٰهَ رَمٰی.

سپس معراج جسمانی بااین آیت بکلی نفی کرده میشود که مَاکَذَبَ اَلْفُوَادُ مَارَأی ـ یعنی دیدگان صوری‌خدارا دیدارنکردبلکه آن خدای را که چشمان قلب رسول اللہ ﷺ دید قلبش در بیان آن هیچ دروغ نگفت.

بدنبال فوق، ذکر از یك سدرة میرود که بعنوان نرده ای تقسیم کننده مرزهای میان خدا و بندگانش میباشد. درحقیقت قبلاً نیز میان اعراب رسمی بود وامروز نیزآن یافت میشود که هرگاه مرز مِلکی ازیك صاحب مِلك تمام میشودآنگاه برای بازشناسی مرز دو ملك میان آندو سدرهای خاردار افکنده میشود.پس هرگز درآسمان درخت سدره وجود نداشت که ورای آن آنحضرت ﷺ نمیتوانستندبروند.این تفسیربسیارخنده آوراست که بعض مفسران از قرون وسطی‌بوجودآورده بودند.مطلب فقط اینقدراست که آنحضور ﷺ تا آن مقام ارفع قرب خداوندی‌رسیدندکه ورای‌آن رسیدن هیچ بنده ای را امکان پذیر نبود چه پس از آن موضوع از صفات تنزیه خدا وندی را آغاز میشود.

سپس ذکرازخدایان فرضی کافران میرودکه آنانرابه اثبات وجودآنها هیچ دلیلی‌دردست نیست.آنان فقط حرفهای بی‌هوامیزنند.این منتهای‌دانش آنهاست اینجامنظورازشعرٰی‌همان النجم است که مشرکان آنراخداقرارداده بودند.

سپس مجملاً تذکری بعنوان عبرت از بدفرجام قومهای مشرك بعلت شرك ورزیدن ایشان در زمان گذشته میباشد.

☆ سُوْرَةُ النَّجْمِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثٌ وَّ سِتُّوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

وَالنَّجْمِ اِذَا هَوٰى ﴿٢﴾

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوٰى ﴿٣﴾

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰى ﴿٤﴾

اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُّوْحٰى ﴿٥﴾

عَلَّمَهٗ شَدِيْدُ الْقُوٰى ﴿٦﴾

ذُوْ مِرَّةٍ فَاسْتَوٰى ﴿٧﴾

وَهُوَ بِالْاُفُقِ الْاَعْلٰى ﴿٨﴾

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلّٰى ﴿٩﴾

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنٰى ﴿١٠﴾

فَاَوْحٰى اِلٰى عَبْدِهٖ مَا اَوْحٰى ﴿١١﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(١)

سوگندبه ثریاچون سقوط کند(٢)

نیست رفیق شما گمراه و نه نامراد است(٣)

و نه از هوای نفس خود کلام می کند(٤)

این فقط وحی است که فرو فرستاده میشود(٥)

صاحب سخت توانائیها او را آموخته است(٦)

که صاحب بسیار حکمت است. پس او برقرارشد(٧)

درحالیکه برافق بالاترین بود(٨)

سپس نزدیك شدباز فرودآمد(٩)

پس اومانند وتر دوکمان شد یا ازآن هم نزدیکتر(١٠)

پس اوبسوی‌بنده خودوحی‌فرستاد

هرچه وحی فرستاد(١١)

مَاكَذَبَ الْفُؤَادُ مَارَاٰى ﴿١٢﴾
دل دروغ نگفت آنچه دید(١٢)

اَفَتُمٰرُوْنَهٗ عَلٰى مَايَرٰى ﴿١٣﴾
پس آیا ستیزید با او برآنچه او دید؟(١٣)

وَلَقَدْ رَاٰهُ نَزْلَةً اُخْرٰى ﴿١٤﴾
حالانکه او آنرا درکیفیت دیگر نیز دیده است(١٤)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰى ﴿١٥﴾
نزدیك سدره برمنتهای حد(١٥)

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَاْوٰى ﴿١٦﴾
نزدیك آن بهشت پناه دهنده است(١٦)

اِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَايَغْشٰى ﴿١٧﴾
گاهیکه درخت سدره را پوشانید آنچه پوشانید(١٧)

مَازَاغَ الْبَصَرُ وَمَاطَغٰى ﴿١٨﴾
نگاه نه لغزید و نه از حد گذشت(١٨)

لَقَدْ رَاٰى مِنْ اٰيٰتِ رَبِّهِ الْكُبْرٰى ﴿١٩﴾
یقینًا او از آیات پروردگارخود بزرگتر را دید(١٩)

اَفَرَءَيْتُمُ اللّٰتَ وَالْعُزّٰى ﴿٢٠﴾
پس آیاتولات وعزّیرا دیدی(٢٠)

وَمَنٰوةَ الثَّالِثَةَ الْاُخْرٰى ﴿٢١﴾
ودیگرمنات سومین علاوه را(٢١)

اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْاُنْثٰى ﴿٢٢﴾
آیا شماراپسران و او را دختران اند(٢٢)

تِلْكَ اِذًا قِسْمَةٌ ضِيْزٰى ﴿٢٣﴾
آنگاه این تقسیمی نا درست است(٢٣)

إِنْ هِيَ إِلَّآ أَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنْتُمْ وَآبَآؤُكُمْ مَّآ أَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۖ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مِّنْ رَّبِّهِمُ الْهُدٰىٓ ﴿٢٤﴾

این فقط نامهایند که شما و پدران شما به آنها نامگذاری کرده اید ـ خدا برای آنها هیچ دلیلی نازل نکرد. آنها پیروی نکنند جز گمان و آنچه نفس تحریك کند و یقینًا ایشان را هدایت از پروردگار ایشان آمده است(۲٤)

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنّٰى ﴿٢٥﴾

آیا انسان را است هرچه تمنا کند؟(۲۵)

فَلِلّٰهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولٰى ﴿٢٦﴾

پس آخرت و ابتداء ازآن خدا است(۲٦)

وَكَمْ مِّنْ مَّلَكٍ فِي السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْـًٔا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللّٰهُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَرْضٰى ﴿٢٧﴾

و چه بسا فرشتگان در آسمانها و زمین اندکه شفاعت ایشان هیچ هم بکارنیایدمگرپس از آنکه خدا بهرکه خواهداجازه دهد وخوشنود گردد(۲۷)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثٰى ﴿٢٨﴾

البته آنهاکه به آخرت ایمان نمی آرند [ازآنانندکه] فرشتگان را با اصرارنامهای زنان میدهند(۲۸)

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا

درحالیکه درباره آنها ایشان را هیچ دانشی نیست.ایشان پیروی

الظَّنَّ ۚ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٩﴾

نمیکنندجزازگمان وگمان درمقابل حق هیچ هم بدرد نمیخورد(۲۹)

فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا ﴿٣٠﴾

پس روی برتاب ازآنکه از ذکر ما روی‌برتابدوجززندگی دنیا چیزی نمیخواهد(۳۰)

ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ ﴿٣١﴾

همین مبلغ کل ازعلم ایشانست. البته تنهاپروردگارتوبهترمیداند آنراکه ازراه او گمراه گشته است و او بهتر میداند آنراکه هدایت یافت(۳۱)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَٰٓـُٔوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿٣٢﴾

وازآن خداست هرچه درآسمانها است وهرچه درزمین است.برای اینست که اوآنانکه بدیهاکردند را عوض اعمال ایشان میدهدوآنانکه کارهای نیکوتر کردند را پاداشی نیکو میدهد(۳۲)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَٰحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۚ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ

آنانکه ازگناهان بزرگ وفحشائیها پرهیزکنند جز لمس خفیف یقینًا پروردگارتوفراخ دربخشش است. او شمارا نیکتر میداند از آنگاه که شما را از زمین نموکرد و از

فِيْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ ۚ فَلَا تُزَكُّوْٓا اَنْفُسَكُمْ ؕ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ﴿٣٣﴾ ع

وقتی شماجنین درشکمهای مادران خودبودید.پس بیهواخودتان را پاك قرارندهید.تنهااوست که بهتر میداند آنرا که متقی است(٣٣)

اَفَرَءَيْتَ الَّذِيْ تَوَلّٰى ۙ﴿٣٤﴾

آیادیدیآنراکه روی برتابید(٣٤)

وَاَعْطٰى قَلِيْلًا وَّاَكْدٰى ﴿٣٥﴾

و کمی داد و دست کشید(٣٥)

اَعِنْدَهٗ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرٰى ﴿٣٦﴾

آیااوراعلم نهانست پس او[نتائج] را می بیند؟(٣٦)

اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِيْ صُحُفِ مُوْسٰى ۙ﴿٣٧﴾

آیا او به آن خبر داده نشد که در صحف موسیٰ است؟(٣٧)

وَاِبْرٰهِيْمَ الَّذِيْ وَفّٰٓى ۙ﴿٣٨﴾

و [آنچه درصحف ] ابراهیم وفا کننده عهد است(٣٨)

اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۙ﴿٣٩﴾

اینکه هیچ باربری بار دیگری را بدوش نخواهد گرفت(٣٩)

وَاَنْ لَّيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى ﴿٤٠﴾

و اینکه انسان را چیزی نیست جز آنچه کوشیده باشد(٤٠)

وَاَنَّ سَعْيَهٗ سَوْفَ يُرٰى ﴿٤١﴾

و اینکه کوشش او حتمًا نگریده شود(٤١)

ثُمَّ يُجْزٰىهُ الْجَزَآءَ الْاَوْفٰى ۙ﴿٤٢﴾

سپس پاداش او کامل داده شود(٤٢)

وَاَنَّ اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ۙ﴿٤٣﴾

و اینکه منتها بسوی پروردگار تو

[رسیدن] است(٤٣)

وَاَنَّهٗ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى ﴿٤٤﴾

و اینکه اوست که میخنداند و می گریاند(٤٤)

وَاَنَّهٗ هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيَا ﴿٤٥﴾

و اینکه اوست که میمیراند و زنده میکند(٤٥)

وَاَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿٤٦﴾

واینکه اوست که جفت راآفرید یعنی نر و ماده را(٤٦)

مِنْ نُّطْفَةٍ اِذَا تُمْنٰى ﴿٤٧﴾

از نطفهٔ که انداخته میشود(٤٧)

وَاَنَّ عَلَيْهِ النَّشْاَةَ الْاُخْرٰى ﴿٤٨﴾

و اینکه برخیزاندن دوباره بر او است(٤٨)

وَاَنَّهٗ هُوَ اَغْنٰى وَاَقْنٰى ﴿٤٩﴾

و اینکه او است که توانگر سازد و گنج بخشد(٤٩)

وَاَنَّهٗ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ﴿٥٠﴾

و اینکه فقط او پروردگار شعریٰ [ستاره] است(٥٠)

وَاَنَّهٗٓ اَهْلَكَ عَادًا ۨالْاُوْلٰى ﴿٥١﴾

واینکه او است که عاد اولی را بهلاك رساند(٥١)

وَثَمُوْدَاْ فَمَآ اَبْقٰى ﴿٥٢﴾

و ثمود را. پس هیچ [از آنها] را باقی نگذاشت(٥٢)

وَقَوْمَ نُوْحٍ مِّنْ قَبْلُ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغٰى ﴿٥٣﴾

و از این پیش قوم نوح را. یقیناً همانها ستم کارتر و سرکش تر بودند(٥٣)

وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوٰى ﴿٥٤﴾
و او شهرهایی زیر و زبر شدگان را نیزفروافکند(٥٤)

فَغَشّٰهَا مَا غَشّٰى ﴿٥٥﴾
پس آنها را پوشانید آنچه هم پوشانید(٥٥)

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكَ تَتَمَارٰى ﴿٥٦﴾
پس جهت کدام نعمتهای‌پروردگار خود محاجه خواهی کرد(٥٦)

هٰذَا نَذِيْرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْاُوْلٰى ﴿٥٧﴾
این هشداری است از هشدارهای پیشین(٥٧)

اَزِفَتِ الْاٰزِفَةُ ﴿٥٨﴾
نزدیك شونده نزدیکترشد (٥٨)

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٩﴾
نیست دورکنندۀ آن جزخدا(٥٩)

اَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيْثِ تَعْجَبُوْنَ ﴿٦٠﴾
پس آیا بر این سخن تعجب می کنید؟(٦٠)

وَتَضْحَكُوْنَ وَلَا تَبْكُوْنَ ﴿٦١﴾
و میخندید و گریه نمیکنید(٦١)

وَاَنْتُمْ سٰمِدُوْنَ ﴿٦٢﴾
و شما غافلان اید(٦٢)

فَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ وَاعْبُدُوْا ﴿٦٣﴾ ۩
پس خدا را سجده کنید و عبادت بجا آرید(٦٣)

# ٥٤- سورة القمر

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ٥٦ آیت دارد.

سورة گذشته حاکی از فروافتادن "شِعرٰی" خدای دروغین مشرکان بود. بعبارت دیگر این پیشگوئی شده است که حتماً شرك باخدای برباقته خود نابود کرده خواهد شد.

اکنون بمحض آغاز سورة القمر این خبر داده میشود که آن ساعت فرا رسیده و ماه شکافته بر آن گواهی داده است. منظور از ماه دوره پادشاهی اعراب است و ماه را این تفسیرنیز از آنحضرت ﷺ مرویٰ است. اینك دور پادشاهی مشرکان برای همیشه خاتمه یافت و آن ساعت انقلاب فرارسیده که برپا شدن آن منوط به بعثت آنحضورﷺ بود.

پس از آن آیتی است از آنچه بطورحتمی به اثبات میرسد که مشرکان آن زمان شکافتن ماه را برای چند لمحات تماشا کرده بودند. مفسران دراین مورد نادرست یا درست تفاسیری بسیار کرده اند. اما از واقعیت این انکار نتوان کرد. زیراکه اگر مشرکان ظهور این واقعه راتماشا نکرده بودند آنگاه بلا فاصله از این انکار میکردند و مومنان نیز از ایمان خویش برمیگشتند چه اساس ایمان تماماً متکی بر صدق رسول اللّٰه ﷺ بود. باگفتن "سِحْرٌ مُستَمِرٌّ" مشرکان مکه گواهی دادند که این واقعه حتماً صورت گرفته ولی جادوئی است و محمد[ﷺ]این نوع جادوها را همیشه بنمایش میگذارد.

سپس مجدداً ذکر از قومهای مشرکان پیشین میرود که هرکدام رسول زمان خود رامجنون قرارمیدادند و درنتیجه کفر و گستاخگوئیهای لجوجانه

خودشان به هلاك رسانده شدند.

دراین سورة یك آیة بارها تکرار شده است که ما قرآن را برای نصیحت آسان قرار داده ایم یعنی برحالات قومهای پیشین بکمی هم رای کرده این امر راحت فهمیده میشود که بزرگ ترین تباهی در دنیا شرك گسترده است. اماکسی هست که پند فراگیرد؟مردم بسیارکثیرنه از پیشینیان پندگرفتند و نه از پسینیان پند میگیرند.

☆ سُوْرَةُ الْقَمَرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ②

ساعت به نزدیك رسید و ماه بشکافت(٢)

وَاِنْ يَّرَوْا اٰيَةً يُّعْرِضُوْا وَيَقُوْلُوْا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ③

و اگرآیتی راببینند، روی برتابند و گویند،جادوئی است که همواره بوده است(٣)

وَكَذَّبُوْا وَاتَّبَعُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ وَكُلُّ اَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ④

وتکذیب کردندوپی هوای نفسانی خودرفتند [شتاب کردند] حالانکه هر امر[بروقت خود] قرارگیرنده است (٤)

وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مِّنَ الْاَنْبَآءِ مَا فِيْهِ مُزْدَجَرٌ ⑤

والبته آنهارا بعض اخبار رسیده است درآنچه سخت زجروتوبیخ است(٥)

حِكْمَةٌ ۢ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ⑥

حکمتی‌باکمال بود.بازهم هشدارها هیچ به کار نیآمد(٦)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ۘ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ اِلٰى شَيْءٍ نُّكُرٍ ⑦

پس از آنها اعراض کن [آنان خواهند دید] روزیکه خوانندهٔ به

سوی چیزی بسیار ناپسند بخوانند(۷)

خُشَّعًا اَبۡصَارُهُمۡ يَخۡرُجُوۡنَ مِنَ الۡاَجۡدَاثِ كَاَنَّهُمۡ جَرَادٌ مُّنۡتَشِرٌ ۙ﴿۸﴾

چشمان آنها از ذلت فروخفته.آنان ازگورهادرآیند گویی که آنها ملخ های منتشر شده اند(۸)

مُّهۡطِعِيۡنَ اِلَى الدَّاعِ ؕ يَقُوۡلُ الۡكٰفِرُوۡنَ هٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٌ ﴿۹﴾

شتابندگان بسوی خوانندهٔ بروند. کافران گویندامروز روزی سخت است(۹)

كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوۡحٍ فَكَذَّبُوۡا عَبۡدَنَا وَقَالُوۡا مَجۡنُوۡنٌ وَّازۡدُجِرَ ﴿۱۰﴾

قبل از آنها قوم نوح تکذیب کرده بودند پس بندهٔ ی ما را تکذیب کرده بودند و گفتند دیوانهٔ است رانده شده(۱۰)

فَدَعَا رَبَّهٗۤ اَنِّىۡ مَغۡلُوۡبٌ فَانۡتَصِرۡ ﴿۱۱﴾

پس او پروردگارخود را خواند یقیناًمن مغلوب ام.پس مرا یاری کن(۱۱)

فَفَتَحۡنَاۤ اَبۡوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنۡهَمِرٍ ﴿۱۲﴾

پس مادرهای آسمان را بصورت آبی پیاپی باریده گشودیم (۱۲)

وَّفَجَّرۡنَا الۡاَرۡضَ عُيُوۡنًا فَالۡتَقَى الۡمَآءُ عَلٰٓى اَمۡرٍ قَدۡ قُدِرَ ﴿۱۳﴾

پس زمین را به صورت چشمه ها شکافتیم. پس آب بر امری بهم شد که مقدر شده بود(۱۳)++

وَحَمَلۡنٰهُ عَلٰى ذَاتِ اَلۡوَاحٍ وَّدُسُرٍ ۙ﴿۱۴﴾

واو[نوح]رابر [کشتی]دارای تخته ها و میخها سوار کردیم(۱۴)++

تَجْرِیْ بِاَعْیُنِنَا ۚ جَزَآءً لِّمَنْ کَانَ کُفِرَ ⑮
که جلوی چشمان ماحرکت میکرد بعنوان پاداشی برای آنکس که انکار شده بود(۱۵)++

وَلَقَدْ تَّرَکْنٰهَآ اٰیَةً فَهَلْ مِنْ مُّدَّکِرٍ ⑯
و یقینًا ما آنرا نشانه ای بزرگ واگذارده بودیم.پس کسی گیرنده پند است ؟(١٦)++

فَکَیْفَ کَانَ عَذَابِیْ وَنُذُرِ ⑰
پس عذابم و ترساندنم چگونه ای بود؟(۱۷)

وَلَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّکِرٍ ⑱
یقیناً ما قرآن را برای پند آسان ساخته ایم. پس کسی گیرنده پند

آیات ۱۳ـ ١٦ :سخن ازکشتی حضرت نوح گفته میشود که از تخته های چوب و میخها ساخته شده بود.گویی که در زمان حضرت نوح فرهنگ تا این حد پیش رفت کرده بود که ایشان بر استعمال آهن مهارت بدست آورده بودند و احتمالاً برای تراشیدن تخته های چوب ارّهٔ ها نیز میساختند.

درباره همین کشتیفرموده شدکه این نشانهٔ یاست که برای‌نصیحت گرفتگان ایمان افروز اثبات شود. از این امر این امکان نیز پیدا میشود که کشتی حضرت نوح برای آیندگان بعنوان نشانهٔ ی محفوظ شده باشد. با این وجود که مسیحیان را به این بیان قرآن آگاهی نیست بازهم کشتی حضرت نوح را در یك محلی بعنوان نشانهٔ ی محفوظ میپندارند و آن هرجا تلاش کرده میشود.بعضی افراد ازجانب جماعت احمدیه نیز به اینکارمامور اند که سراغ آنرا پیرو آیات قرآن بگیرند.طبق تحقیق اینجانب کشتی در قعردریای Dead sea محفوظ است و بروقت معیّن در آورده شود.

است؟(۱۸)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿١٩﴾

عاد هم تکذیب کرده بودند. پس چطوربودعذابم وترساندنم؟(۱۹)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿٢٠﴾

یقینًا ما بر آنها بادی تند در روز شومی پایدار فرستادیم(۲۰)

تَنزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ ﴿٢١﴾

که مردم را برمیکند گوئیکه آنها بن های برکنده نخلی بودند(۲۱)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٢٢﴾

پس عذابم و ترسانیدنم چگونه بود(۲۲)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٢٣﴾

و یقینًا ما قرآن را بخاطر پند آسان کردیم پس کسی گیرندهٔ پند است؟(۲۳)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٤﴾

ثمودهم هشداردهندگان راتکذیب کردند(۲٤)

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٥﴾

پس گفتند.آیا او را که بشری از خودما یکتن است پیروی کنیم؟ در آنصورت یقینًا ما در گمراهی و دیوانگی مبتلا شویم(۲۵)

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ﴿٢٦﴾

آیاازمیان ما ذکر براو نازلکرده شد؟ بلکه او خیلی دروغگوی خودستا است(۲٦)

| | |
|---|---|
| سَيَعْلَمُوْنَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْاَشِرُ ﴿٢٧﴾ | فردا یقینًا بدانند کیست سخت دروغ گوی خودستا(٢٧) |
| اِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٨﴾ | یقینًا ما به آزمایش آنان ناقهٔ ای را فرستنده ایم. پس [ای صالح!]تو مراقب آنها باش و شکیبائی کن(٢٨) |
| وَنَبِّئْهُمْ اَنَّ الْمَآءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ ۚ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٢٩﴾ | و ایشان را آگاه سازکه[وقت]آب بمیان ایشان قسمت شده است. در هرکدام نوبت آب حاضرشدن لازم است(٢٩) |
| فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطٰى فَعَقَرَ ﴿٣٠﴾ | پس آنها رفیق خودرافراخواندند. پس او [ناقه را] بگرفت و پی کرد(٣٠) |
| فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِيْ وَنُذُرِ ﴿٣١﴾ | پس عذابم و ترساندنم چگونه بود(٣١) |
| اِنَّآ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَكَانُوْا كَهَشِيْمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٣٢﴾ | همانا ما بر آنها تندری یکباره فرستادیم. پس همچون خرد و خاکشی خاربست زیر پا لهیده شدند(٣٢) |
| وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿٣٣﴾ | ویقینًا ماقرآن را بخاطر پند آسان کردیم. پس آیا کسی پندگیرنده |

است؟(۳۳)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٣٤﴾

قوم لوط نیز به مشدار دهندگان تکذیب کرده بودند(۳٤)

اِنَّآ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا اِلَّآ اٰلَ لُوطٍ نَجَّيْنٰهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٣٥﴾

البته مابرآنهاباران سنگریزه های فرستادیم جز آل لوط که ایشان را صبحگاه نجات دادیم(۳٥)

نِّعْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا كَذٰلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٦﴾

بطور نعمت از نزد ما. همین گونه پاداش میدهیم او را که سپاس داری کند(۳٦)

وَلَقَدْ اَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿٣٧﴾

و یقینًا او نیز آنها را از خشم ما مشدار داده بود.بازهم به مشدارها متردد ماندند(۳۷)

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَآ اَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٨﴾

وخواستند او را درباره مهمانان خود بلغزانند. پس ما چشمانشان را کور کردیم.پس طعم عذاب و ترساندنم را بچشید(۳۸)

وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣٩﴾

و همانا صبحگاه ایشان را عذابی برقرار فرارسید(۳۹)

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٤٠﴾

پس طعم عذابم و ترساندنم را بچشید(٤۰)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

ویقینًا ماقرآن را برای پند آسان

مُّدَّكِرٍ ﴿٤١﴾ | کردیم پس کسی پند گیرندهٔ است؟(٤١)

وَلَقَدۡ جَآءَ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ ٱلنُّذُرُ ﴿٤٢﴾ | و یقینًا به فرعونیان نیز بیم دهند گان آمدند(٤٢)

كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذۡنَٰهُمۡ أَخۡذَ عَزِيزٖ مُّقۡتَدِرٍ ﴿٤٣﴾ | آنها آیات ما همه آنها را انکار کردند. آنگاه ما آنها را گرفتیم که صاحب غلبه کامل قدرتمند می گیرد(٤٣)

أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ فِي ٱلزُّبُرِ ﴿٤٤﴾ | آیاکافران [درزمان] شما از آنان بهتر اند یا شما را در صحیفه ها رستگی نامه است؟(٤٤)

أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ﴿٤٥﴾ | آیا گویند، "ما گروهی انتقام گیرندگان ایم"؟(٤٥)++

سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ﴿٤٦﴾ | یقینًااین انبوهیکثیرهزیمت داده شوندوپشتها برگردانند(٤٦)++

بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٧﴾ | بلکه ایشان را به ساعت انقلاب وعده داده شد وآن ساعت سخت تروتلختر باشد(٤٧)

---

++ آیات ٤٥_ ٤٦:این آیات از آن آیتهای ابتدائی است که در مکه نازل شدند. در اینها گفته میشود که لشکری بزرگ کافران به مسلمانان پشت کرده پا بفرار خواهند نهاد.

اِنَّ الْمُجْرِمِيْنَ فِيْ ضَلٰلٍ وَّ سُعُرٍ ۟ﮄ

يقينًا بزهكاران در[حالت] گمراهى و ديوانگى باشند(٤٨)

يَوْمَ يُسْحَبُوْنَ فِي النَّارِ عَلٰى وُجُوْهِهِمْ ؕ ذُوْقُوْا مَسَّ سَقَرَ ۟

روزى كه برويهاى خود در آتش كشيده شوند. طعم دوزخ را بچشيد(٤٩)

اِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنٰهُ بِقَدَرٍ ۟

يقينًا ما هر چيز را باندازه اى آفريده ايم(٥٠)

وَمَآ اَمْرُنَآ اِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ۟

و فرمان ما نميآيد مگر يكهو مانند چشم بهم زدن (٥١)

وَلَقَدْ اَهْلَكْنَآ اَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ۟

و البته ما [قبلاً نيز] هم قبيلان شما راهلاك كرديم. پس كسى است كه اندرز را قبول كند؟(٥٢)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوْهُ فِي الزُّبُرِ ۟

و هركارى را كه انجام دهند در صحيفه ها است(٥٣)

وَكُلُّ صَغِيْرٍ وَّ كَبِيْرٍ مُّسْتَطَرٌ ۟

و هريك كوچك و بزرگ مسطور است(٥٤)

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ جَنّٰتٍ وَّ نَهَرٍ ۟ۙ

متقيان حتمًا درباغستانها و در حالت فراخى باشند(٥٥)

فِيْ مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيْكٍ مُّقْتَدِرٍ ۟ع

بر مَسند راستى در محضر يك پادشاه نيرومند(٥٦)

# ۵۵ـ سوره رحمٰن

این سورة حین دوره ابتدائی در مکه نازل شد و با بسم اللہ ۷۹ آیت دارد.

دراین سورة درباره انسان و قرآن دوکلمه جداگانه بکارگرفته شده است. برای قرآن هیچگاه کلمه"خلق" گفته نشده است و نسبت به انسان کلمه "خلق" گفته شده است.پس بعلت عدم تدبر براین نکته ای مهم بعض مسلمان از ازمنه وسطی قرآن را مخلوق و بعض غیراز مخلوق میپنداشته اند.بنابر این میان مسلمانان بسیار قتل و غارت رخداد.

این سورة حاکی ازمیزانی است که بسبب آن توازنی درسراسر آسمان به چشم میخورد. در امرحقیقت هریك رفعت متکی براین توازن میباشد. پس اگر بندگان مومن خدا نیز همیشه میزان را رعایت کرده و حرفی خلاف عدل نزنند درمقابل این عمل خداوند ایشان را رفعتهای بزرگ فراهم خواهد آورد.

ضمناًخطاب به جن و انس کرده این سخن بتکرار گفته میشود که شما دوی‌کدام یك نعمت خدای راانکارخواهیدکرد وبدنبال این تفاوتی درآفرینش جن و انس عنوان میشود که جن از شعله های آتش بوجود آورده شد.جن را شرح در زمان کنونی بطریق گوناگون داده میشود.اما اینجا شرح اینست که ویروس[Virus] و باکتری[Bacteria]نیزاجنه است که حین ابتدای آفرینش در نتیجه باریدن تشعشات رادیوئی بوجود آمدند و درزمان کنونی پژوهندگان علم همرأی هستندکه باکتری و ویروس نیرو رامستقیماً از آتش حاصل کرده

بوجود میآیند.

سپس نسبت به انسان چنین پیشگوئی میشود که پرده ای را از رازهای عمیق وحکمت آمیز مربوط به آفرینش برمیدارد.تخلیق انسان ازگل در کتب پیشین هم مذکور است .ولی خلق کردن انسان ازگلیخشکیده مانند سفال پختهٔ ی جرنگ کرده چنین تصوراست که در هیچکدام کتب پیش از قرآن مجید بیان نشده است. اینجاگنجایش بتفصیل آنرا ندارد ولی زبردستان علم میدانند که درحین تخلیق چنین مرحله ای نیزآمد که لازم شده بود که ماده های تخلیقی بصورت گلی با صدای جرنگ خشك کرده شود و سپس دریا دوباره آن ماده خشك را در موجهای خود دربرگرفت و انسان را چنین سفر پیش رفت شیمیائی رو به آغاز نهاد در آنچه این شیمی های مهم برای تخلیق انسان تکراراً بسوی دوره ابتدائی خود برنگشتند.

سپس این پیشگوئی کرده شد که خدای متعال خط فاصل میان دو دریا را از بین برده و آندو بهم متصل میگردند.

ضمناً آیت کریمه دیگری عبارت از چنین موضوعی است که در زمان وحی قرآن هیچکس آنراتصور هم نمیکرد. انسان طاقت نمیآورد که متریا دو متربلند هم بپرد تا چه برسد به اینکه هرکدام مردمان بزرگ و کوچك برای پریدن اقطارالسّمٰوت والارض تلاش کنند.این تلاش از رسیدن انسان به کره ماه آغاز کرده است و برای رسیدن کره های بلندتر تلاش درجریان است. اما پیشگوئی قرآن مجید اینست که انسان نمیواند بدون "سلطان" یعنی استدلالی بزرگ شأن مرزهای کاینات را بپرد و هرگاه او به پریدن آن با این کالبد تلاش کند براو مس گداخته ای باریده میشود. در این امر شکی

نیست که تا آنگاه که پژوهندگان علم هر نوع تدبیر امکان پذیر را برای دفاع از سنگباران اجرام فلکی اختیارنکنند نمیتوانند در موشکی سوار سفر فضائی را ادامه دهند.

پس ازبیان تمثیلی از جهنم باز بیان تمثیلی از بهشت شروع میشود. میبایستی خوانندگان هرگز این کلام را بر معنای ظاهری حمل نکنند. تمام این کلام تمثیلی است.این کلام را تفکر کرده اهل تفکر میتوانند هر آن دانه های مرواریدعرفان را بدست آورند و الاّ سرگردان وهیچ هم بدست نمیرسد جز تصور مادی بهشت که غرق درآن حل بسیاری مسایل را نخواهند یافت. پس نام خدا بسیار پربرکت است و برکات او را به شمار آوردن محال است. او ذوالجلال والاکرام است.

☆ سُوْرَةُ الرَّحْمٰنِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ سَبْعُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاَثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدابلااستدعا و بلاامتیاز بسیاربخشندهٔ بارها رحمکننده(۱)

اَلرَّحْمٰنُ ﴿٢﴾

بلا استدعا بلا امتیاز بسیار بخشنده(۲)

عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ ﴿٣﴾

او قرآن آموخت(۳)

خَلَقَ الْاِنْسَانَ ﴿٤﴾

انسان را آفرید(٤)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٥﴾

او را بیان آموخت(۵)

اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٦﴾

خورشید و ماه بحساب [مسخر اند(٦)

وَّالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدٰنِ ﴿٧﴾

و ستاره و درخت هر دو سجده کنند(۷)++[ص#۱۳۲۷]

وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيْزَانَ ﴿٨﴾

و آسمان را چه شأن است. او آن را رفعت داد و نمونه عدل قرار داد(۸)++ [ص#۱۳۲۷]

اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيْزَانِ ﴿٩﴾

تااینکه درمیزان تعدی نکنید(۹)

وَاَقِيْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيْزَانَ ﴿١٠﴾

و وزن رابداد برقرارنمایید و در وزن کردن کم نکنید(۱۰)

وَالْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ ﴿١١﴾

و زمین را چه شأن است!او آن را برای آفریدگان [تکیه گاه]

ساخت(١١)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾ | در آن است میوه های و خرما خوشه دار(١٢)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾ | و حبوبات دارای سبوس و گل و برگ خوشبو(١٣)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾ | پس[ای جن وانس]شما دوی کدام نعمت های پروردگارخود را انکار کنید(١٤)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾ | او انسان را از گلی خشکیده مانند سفال پختهٔ ی جرنگ کرده آفرید(١٥)

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ﴿١٥﴾ | و جن را از شعله های آتش آفرید(١٦)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾ | پس شمادوی کدام نعمتهای پرورد- گار خود را انکارکنید(١٧)

---

آیت ٧:منظور ازنجم میتوان آن ستاره باشدكه مربوط به علم حساب مذكور درآیت قبلی است وگیاهان نیزمیتوانندباشندچه سخن بعدی ازدرخت است. این كمال ازفصاحت و بلاغت قرآن است كه هریك آیت آن بهم مربوط است.

++آیت٨:پس ازآن سخن از رفعتهای آسمان گفته شود كه خلاصهٔ از موضوع در آیات قبلی است كه میزان بوسیله حساب برقرارکرده میشود و رفعتهای آسمان آنقدرمتوازن اند كه انسان میتواند طریق عدل وانصاف را فراگیرد.

| | |
|---|---|
| رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٨﴾ | اوپروردگار دومشرق وپروردگار دو مغرب است(١٨)++ |
| فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٩﴾ | پس [ای‌جن وانس] شما دوی کدام نعمت های پروردگارخود راانکار کنید(١٩) |
| مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿٢٠﴾ | اودودریارا بطوری درهم بیآمیزد که آندو بهم پیوسته یکجا خواهند شد(٢٠)++ |
| بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ﴿٢١﴾ | [عجالتًا]درمیان آندومانعئی است که نتوانندازآن تجاوزکنند(٢١)+ |
| فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٢﴾ | پس[ای جن و انس]شما دوی کدام نعمت های پروردگارخود راانکار کنید(٢٢)++ |
| يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٣﴾ | مروارید و مرجان از آندو در می آید(٢٣)++ |

++آیت١٨ :دراین آیة کریمه دومشرق ودومغرب راذکراست حالانکه درزمان آنحضرت ﷺ علم فقط ازیك مشرق ویك مغرب بود.درین آیة کوچکتردرباره اکتشافات مهمی درزمان آینده پیشگوئی شده است.

+آیات٢٠-٢٣:ذکرازآن دو دریااست که از هردوی مرواریدومرجان استخراج شود وآندو درهم آمیخته شود."یَلتَقِیَان"یعنی آندو درآینده یکجا کرده شوند.درزمان آن حضرتﷺ نه مردم میدانستند و نه هم به چنین پیشگوئی امکان بود.اینجامنظوردریای احمر و بحرالروم است که بوسیله نهرساویز بهم پیوسته شده اند.

| | |
|---|---|
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۲۴﴾ | پس[ای جن و انس] شما دوی کدام نعمتهای پروردگار خود را انکار کنید(۲۴) |
| وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَئٰتُ فِي الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ ﴿۲۵﴾ | و ازآن اواست[صنعت] کشتیهائی که کوه مانenddردریاسربرافراشته خوامند بود(۲۵) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۲۶﴾ | پس[ای جن و انس]شما دوی کدام نعمت های پروردگارخود راانکار کنید(۲۶) |
| كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿۲۷﴾ | مرکه برآنست فناپذیراست(۲۷) |
| وَّيَبْقٰى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلٰلِ وَالْاِكْرَامِ ﴿۲۸﴾ | درحالیکه فناناپذیر جاه و حشمت پروردگار تو که صاحب جلال و اکرام است، خواهد بود(۲۸) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۲۹﴾ | پس[ای جن وانس] شما دوی کدام نعمت های پروردگارخود راانکار کنید(۲۹) |
| يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَاْنٍ ﴿۳۰﴾ | مرچه درآسمانهاو زمین است تنها از او سوال کند. مرآن او در یك شأن نوینی است(۳۰) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۳۱﴾ | پس[ای جن و انس] شما دوی کدام نعمتهای پروردگارخود را انکار |

کنید(۳۱)

سَنَفۡرُغُ لَکُمۡ اَیُّهَ الثَّقَلٰنِ ﴿۳۲﴾

ای دوابر قدرت! حتمًا حساب شمارا کاملاً تسویه خواهیم کرد(۳۲)

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبٰنِ ﴿۳۳﴾

پس[ای جن و انس] شما دوی کدام نعمتهای پروردگارخود را انکار کنید(۳۳)

یٰمَعۡشَرَ الۡجِنِّ وَالۡاِنۡسِ اِنِ اسۡتَطَعۡتُمۡ اَنۡ تَنۡفُذُوۡا مِنۡ اَقۡطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ فَانۡفُذُوۡا ؕ لَا تَنۡفُذُوۡنَ اِلَّا بِسُلۡطٰنٍ ﴿۳۴﴾

ای گروه جن وانس! اگربتوانید از حدهای آسمانهاوزمین بیرون روید پس بروید - نتوانیدبیرون روید جز بایك استدلال محکم(۳۴)++

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبٰنِ ﴿۳۵﴾

پس[ای جن و انس]شما دوی کدام نعمتهای پروردگارخود را انکار کنید؟(۳۵)

++آیت ۳٤: ازروی "یامعشرالجن و الانس" درباره جِن که مخلوقی عجیب و غریب پنداشته میشددرآن زمان میتوانست گفت که آنهابرای‌بیرون رفتن از اقطارالسّموات والارض تلاش خواهندکرد.ولی‌برای"انس"که این کوشش خارج ازتصوربود.دراینجا علی‌الخصوص قابل فکراین امراست که نه تنها اقطار الارض بلکه اقطار السموات و الارض فرموده شد یعنی‌آنهاخواهندکوشیدکه جمیع کاینات رادریك جَست عبورکنند. منظور از"الابسلطن"اینست که اگرچه آنان بکوشند ولی فقط بااستدلالی استوار موفق خواهندشد. در زمان کنونی همینطور است. پژوهندگان علم براساس استدلال محکم خود اخبار از روشنی بیست بیلیون سالگی دور را بوسیله استدلال محکم خودمعلوم میکنند البته اینکاربرای ایشان بطور جسمانی امکان پذیر نیست.

يُرۡسَلُ عَلَيۡكُمَا شُوَاظٌ مِّنۡ نَّارٍ ۙ وَّنُحَاسٌ فَلَا تَنۡتَصِرٰنِ ﴿۳۶﴾

فرستاده شودبرشمادوی شعله های آتش و دودی.پس شمادوی‌نتوانید انتقام بگیرید(۳۶)++

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۳۷﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای پروردگارخود راانکارکنید؟(۳۷)

فَاِذَا انۡشَقَّتِ السَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةً كَالدِّهَانِ ﴿۳۸﴾

پس ناگهان آسمان بشکافدومانند چرمی سرخگون گردد(۳۸)

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۳۹﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای پروردگارخود راانکارکنید؟(۳۹)

فَيَوۡمَئِذٍ لَّا يُسۡـَٔلُ عَنۡ ذَنۡۢبِهٖۤ اِنۡسٌ وَّلَا جَآنٌّ ﴿۴۰﴾

پس آنروز انسان و نه جن از لغزش خودپرسیده نشود(۴۰)++

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۴۱﴾

پس شما دوی کدام نعمتهای پروردگارخود راانکارکنید(۴۱)

---

++ آیت ۳۶ :امروزهاچون خلانوردان سوار بر موشکها میکوشند تا «سماء و ارض» را عبور کنند برآنان همینطور که در این آیت فرموده شد شعله ها و یك نوع دود افکنده میشود.

++آیت ۴۰: در این آیت فرموده شد که آنروز جن و انس درباره لغزش های خود پرسش نشوند و منظور از این پرسش در روز قیامت نیست چه آنروز از هرکدام کوچك و بزرگ پرسش شود ولی در دنیا درصورت جنگهای جهانی نه ابرقدرتها از ملت های کم نیرومندسئوالی میکنند و نه ملتهای اشتراکی کوچك از ملتهای بزرگ سرمایه دارسوالی‌میکنند.این بخش پیشگوئی رابیشترروشن شدن هنوزباقی است.

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿۴۲﴾

مجرمان از سیمای خود شناخته شوند.پس از موهای پیشانی و از پاها گرفته شوند(۴۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۳﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگار خویش را انکار کنید؟(۴۳)

هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿۴۴﴾

اینست آن جهنم که مجرمان به آن انکار میکردند(۴۴)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ ﴿۴۵﴾

آنها میان آن و آب جوشانی سوزان گردش خواهند کرد(۴۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۶﴾

پس شما دوی به کدام نعمت های پروردگارخود انکارکنید؟(۴۶)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ﴿۴۷﴾

هرکه ازمقام پروردگارخود دربیم است او را دوبهشت است(۴۷)+

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۸﴾

پس[ای جن و انس] شمادوی کدام نعمتهای پروردگارخود را انکار کنید(۴۸)

---

++آیت ۴۷ :آنکه خدا راتقوی کند او را هم جنت دنیا و هم جنت آخرت داده شود. منظور از جنت دنیا غالباً آن جنت است که در آیة الا بذکر الله تطمئن القلوب مذکور است.

| | |
|---|---|
| ذَوَاتَآ اَفۡنَانٍ ﴿۴۹﴾ | هردو [بهشت] پرشاخ وبرگ(۴۹) |
| فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبٰنِ ﴿۵۰﴾ | پس شما دوی به کدام نعمت های پروردگارخودانکارکنید؟(۵۰) |
| فِیۡهِمَا عَیۡنٰنِ تَجۡرِیٰنِ ﴿۵۱﴾ | درآندو دوچشمه روان است(۵۱) |
| فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبٰنِ ﴿۵۲﴾ | پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید؟(۵۲) |
| فِیۡهِمَا مِنۡ کُلِّ فَاکِهَةٍ زَوۡجٰنِ ﴿۵۳﴾ | در آندو هر نوع میوه جفت جفت است(۵۳) |
| فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبٰنِ ﴿۵۴﴾ | پس شما دوی به کدام نعمت های پروردگارخودانکارکنید؟(۵۴) |
| مُتَّکِـِٕیۡنَ عَلٰی فُرُشٍۭ بَطَآئِنُهَا مِنۡ اِسۡتَبۡرَقٍ ؕ وَجَنَا الۡجَنَّتَیۡنِ دَانٍ ﴿۵۵﴾ | ایشان بر فرشهای تکیه زنند که آسترهای‌آنهااستبرق است و میوه های هردوبهشت رسیده ازسنگینی خم شده است(۵۵) |
| فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبٰنِ ﴿۵۶﴾ | پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخودانکارکنید؟(۵۶) |
| فِیۡهِنَّ قٰصِرٰتُ الطَّرۡفِ ۙ لَمۡ یَطۡمِثۡهُنَّ اِنۡسٌ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنٌّ ﴿۵۷﴾ | در آنها چنین زنان چشمان فرو مشته اند که آنهارا کسی از انس |

و نه جن پیش از این [بهشتی] ها لمس نکرده است(۵۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٨﴾

پس[ای‌انس وجن]شمادوی به کدام نعمت های پروردگار خود انکار کنید؟(۵۸)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٩﴾

گویی‌آنهایاقوت ومرجان اند(۵۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٠﴾

پس شما دوی به کدام نعمت های پروردگارخودانکارکنید(۶۰)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦١﴾

آیا عِوض احسان جز احسان است؟(۶۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٢﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید(۶۲)

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٣﴾

و بعلاوه این دو، دو بهشت دیگر است(۶۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٤﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید(۶٤)

مُدْهَامَّتَانِ ﴿٦٥﴾

هردوی سرسبز است(۶۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٦﴾

پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید؟(۶۶)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٧﴾

در آندو دو چشمه فوران کرده است(۶۷)

| | |
|---|---|
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٦٨﴾ | پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید؟(٦٨) |
| فِيْهِمَا فَاكِهَةٌ وَّنَخْلٌ وَّرُمَّانٌ ﴿٦٩﴾ | در آندو میوه ها[متنوع]و خرمای و اناری است(٦٩) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٧٠﴾ | پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید؟(٧٠) |
| فِيْهِنَّ خَيْرٰتٌ حِسَانٌ ﴿٧١﴾ | در آنها زنان نیکوسیرت و زیبا روی باشند(٧١) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٧٢﴾ | پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگار خود انکارکنید؟(٧٢) |
| حُوْرٌ مَّقْصُوْرٰتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٣﴾ | حورانیدرخانه هایکاخ نماغیراز سنگ وآجرساخته مسکن داده(٧٣) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٧٤﴾ | پس شمادوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید؟(٧٤) |
| لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٧٥﴾ | آنان را پیش از ایشان [بهشتیان] آدمی و نه جن لمس نکرد(٧٥) |
| فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٧٦﴾ | پس شما دوی به کدام نعمتهای پروردگارخود انکارکنید(٧٦) |
| مُتَّكِـِٕيْنَ عَلٰى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَّعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٧﴾ | ایشان بر قالیهای سبز و بساط های گرانبها تکیه زده باشند(٧٧) |

++آیت ٧٣:الخيمة: كلّ بيتٍ ليس من حجارة او ما يقوم مقامها [المنجد]

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿۷۸﴾

پس[ای جن و انس] شما دوی به کدام نعمت های پروردگارخود انکار کنید(۷۸)

تَبٰرَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِى الْجَلٰلِ وَالْاِكْرَامِ ﴿۷۹﴾ ع ۳ ۱۳

بسیار پر برکت است نام پروردگار تو که صاحب جلال و صاحب اکرام است(۷۹)

# ۵۶ـ سورة الواقعة

این سورة در آغاز دور مکی نازل شد و با بسم ۹۷ آیت دارد.

آغاز این سورة حاکی از این امر است که آن پیشگوئیها که سورة گذشته عنوان کرد حتمی الوقوع اند. این سورة علی‌الخصوص دارای آن اخبار از رستاخیز پس از مرگ است که بیگمان راست خواهند آمد.

سپس فداکاران دور اوّل اسلام و فداکاران دور دوّم اسلام مقایسه کرده میشوند و ازآن معلوم میگردد که از جمله فداکاران در دوره اوّل اسلام و در دوره دوم بسیارکثیر از ایشان نسبت به قربانیها بهم شباهت داشته و ایشان درجاتی همسان داده خواهند شد. اما فداکاران دور اوّل را بر فدا کاران دور دوّم از روی ایثار و قربانی در عدد و رتبه برتری حاصل خواهد بود. ولی حین دوره دوم نیزبعضیها باشند که به آن فضیلت رتبه برخوردار شوند که فداکاران دوره اوّل ارزانی شده بودند.

ضمناً سخن از تیره بختان هردو دور نیز گفته میشود که بنص قرآن جناح چپی قرارداده میشوندومنظور ازجناح چپی زشتکاران اند و آن صفات آنها نقل شده است که منجر به جهنمی شدن آنهاخواهد شد.

تمثیلاً این سورة ذکر هم از اهل بهشت میکند و هم از اهل جهنم و این امر خوب آشکار گردانده شده است که هنگام رستاخیز هرگز شما با این کالبد مادی برخیزانده نخواهیدشد بلکه مبدَّل به چنین خلقتی درآورده شوید که به آنچه شما تصور هم نمیتوانید کنید.

آیات ۶۱،۶۲ حاکی ازاین پیشگوئی است که شکلی که درآن خداوند

شما را روز رستاخیز درآرد شما را به آن هیچ دانشی نیست. اینك سوال اینست که بظاهر که علم آن داده میشود؟ واقعیت اینست که این مشدار است و نباید این کلمات را برظاهرحمل کرد.بلکه این تمثیلات است که به جقیقت آنها شمارا هیچ دانشی نیست.

سپس چنین چهار امر بیان شده است که حتماً تدبر کرده قلبی پاك از پالودگی حسادت قبول خواهدکرد که هیچکس قدرتمند به ساختن این چیزها نیست مگر خدای متعال:

ماده ای که از آن تخلیق انسان آغاز شد در آن چنین صفاتی پیچیده و باریك در باریك جمع کرده شد که آنها را ببعد بظهور آمدن بود- مثلاً چشم، گوش، بینی،گلو، عضو تولید صوت وغیره همه هدایت شده اند که هرکدام از آنها تاچه حدی میتواند رشدونمو کند و چه وقت آن عمل نشوونمو باید جلو گیری شود.اینك مثل دندان است که دندان شیر بعد از چند وقت نمومیکنند و باز یك مدت کارکرده، میریزند و کودکانی که در سن کودکی سلامت این دندان خود را نمیتوانند رعایت کنند بعلت این ریزش در مرحله بعدی نمو دندان از بدتاثیرش حفظ کرده میشوند. سپس دندان سن بلوغت را نوبت است که نگهداری آنهابرعهدۀ خود انسان است. چرااین دندان تاحدی رشد و نموکرده ازاین عمل بازمیایستند؟اینك چه چیزی‌است که آنهارااز رشدونمو بیشتر بازمیدارد؟ دل- ان - آ [DNA] انسان دارای برنامه ای کمپیوتری (Computerized system) است که دندان طبق آن برنامه تابع تقدیرخدائی عمل میکنند. زبردستان علم میگویند،بسرعتی‌که این دندان بگسلندکم و بیش بهمان سرعت رشد میکنند.اگر اینهافقط رشدمیکردندوسستم جلوگیری‌وجود

نداشت آنگاه امکان بود که دندان زیرین انسان مغزش را شکافته بسیار بالاتر میرفتند و برهمین منوال دندان بالائی بخش زیرین دهن را شکافته سینه انسان را از کار میانداختند. پس فرمود، آیا اینهمه استعدادهای جنینی را شماخودتان پدید آورده اید؟ پیدا است که هیچ جوابی ندارند.

ضمناً بظاهرانسان میپندارد که دانهٔ را درخاك او میکارد. ولی روییدن درختان وسبزیها و میوه هارا از زمین نیزفرایندی پیچیده است که آن خود بخود صورت نمیگیرد.

همینطور انسان را بر نظام آن آب که بعنوان تکیه گاه حیات از آسمان به زمین نازل میشود هیچ اختیاری نیست. بعلاوه موشکی شعله انگیز که انسان سوار برآن تلاش میکندکه برآسمان بالارود هم تابع تقدیرخدا کار می کند و اِلاَّ همان شعله موشکی میتواند آنانرا سوزانده خاکستر سازد بجای اینکه آنانرا بربلندیهابرساند. درمورد هوا پیماها و موشك های که در آسمان پروازمیکنند پیشگوئی مرویٰ از آنحضورﷺ موجود است که آن سواریها با آتش حرکت خواهند کرد. اما آن آتش سوارانی را که در آنها سوار باشند هیچ گزندی نخواهد رساند.

سپس "مواقع النجوم" را گواه گرداند. انسان آن زمان می پنداشت که نجوم دانه ها و سنگهای کوچك و درخشنده اند. ولی خدای متعال میفرماید که اگرشماها را دانش باشد که آن دانه های که کوچك بچشم میخورند چه چیزهای اند حتماً شما در شگفت میشوید. آن نجوم آنقدر بزرگ اند که این خورشید و ماه و زمین وغیره رادریك کنار یکی از آن نجوم توان جمع شد. پس فرموده شد که این یك گواهی بسیار بزرگ است که ما ارائه میدهیم.

دنبال این گواهیها فرمود که قرآن نیز کتابی چاپ شده است. بطوریکه ستارگان بعلت دور بودن از دیده های شما پوشیده اند بر همین منوال با اینکه ظاهراً شما قرآن را کتابی چاپ شده کوچك می بینید اما دیدگان شما مانند ستارگان واقع در دور، رفعت های آن را نیز نمیتوانند درك كنند. ضمناً فرمود، شما میتوانید بظاهر آنرا لمس کنید یعنی شما آنقدر نزدیك آن هستید که میتوانید آنرا لمس کنید ولی هیچکس نمیتواند مطالب آنرا لمس کند مگر آنکس که دلش را خداوند پاك سازد.

☆ سُورَةُ الْوَاقِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَّ تِسْعُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحم کننده(١)

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ②

وقتیواقع شونده واقع شود(٢)

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ③

ونیست رد کننده ای بوقوع آمدن آن را(٣)

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ④

[بعضیمارا]پائین آورنده و[بعضی ها] را بالابرنده(٤)

اِذَا رُجَّتِ الْاَرْضُ رَجًّا ⑤

چون زمین سخت لرزانده شود(٥

وَّ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ⑥

و کوهها ریزه ریزه برده شود(٦)

فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنْبَثًّا ⑦

پس آنها مانند گردی پراکنده شوند(٧)

وَّ كُنْتُمْ اَزْوَاجًا ثَلٰثَةً ⑧

و شما سه گروه شوید(٨)

فَاَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ مَآ اَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ ⑨

پس گروهیدست راست ـ کیستند گروهی دست راست؟(٩)

وَاَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ مَآ اَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ ⑩

و گروهی دست چپ ـ کیستند گروهی دست چپ؟(١٠)

وَالسّٰبِقُوْنَ السّٰبِقُوْنَ ⑪

و سبقت گیرندگان برهمه سبقت گیرندگان باشند(١١)

اُولٰٓئِكَ الْمُقَرَّبُوْنَ ⑫

همانها مقربان اند(١٢)

| | |
|---|---|
| فِي جَنّٰتِ النَّعِيمِ ﴿١٣﴾ | دربهشتهای پرنعمت(۱۳) |
| ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٤﴾ | گروهی بزرگ از پیشینیان(١٤) |
| وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٥﴾ | و گروهی اندك از پسینیان(١٥) |
| عَلٰى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٦﴾ | برتختهای پیراسته(١٦) |
| مُتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقٰبِلِينَ ﴿١٧﴾ | روبروی‌هم برآنهاتکیه زننده(١٧) |
| يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدٰنٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٨﴾ | پسرانی[خدمتکار] دوام بخشیده بر ایشان دور زنند(۱۸) |
| بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٩﴾ | باجامها وصراحیهاو کاسه های پر از آبی شفاف(۱۹) |
| لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ﴿٢٠﴾ | ایشان از[خوردن]آن نه به درد سر مبتلاکرده شوند و نه از خِرد بیرون روند(۲۰) |
| وَفٰكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢١﴾ | و با میوه های انواع، از آنچه بخواهند انتخاب کنند(۲۱) |
| وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ | وگوشت مرغی،ازآنچه میل داشته باشند(۲۲) |
| وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٣﴾ | و دوشیزگان فراخ چشمان(۲۳) |
| كَأَمْثٰلِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٤﴾ | همانندان مروارید نهفته(٢٤) |
| جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ | بپاداش آن عمل که میکردند(٢٥) |
| لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٦﴾ | درآنجا هیچ یاوه گوئی و سخن گناه نشنوند(٢٦) |

إِلَّا قِيۡلًا سَلٰمًا سَلٰمًا ﴿٢٧﴾

وَاَصۡحٰبُ الۡيَمِيۡنِ ۙ مَاۤ اَصۡحٰبُ الۡيَمِيۡنِ ﴿٢٨﴾

فِىۡ سِدۡرٍ مَّخۡضُوۡدٍ ﴿٢٩﴾

وَّطَلۡحٍ مَّنۡضُوۡدٍ ﴿٣٠﴾

وَّظِلٍّ مَّمۡدُوۡدٍ ﴿٣١﴾

وَّمَآءٍ مَّسۡكُوۡبٍ ﴿٣٢﴾

وَّفَاكِهَةٍ كَثِيۡرَةٍ ﴿٣٣﴾

لَّا مَقۡطُوۡعَةٍ وَّلَا مَمۡنُوۡعَةٍ ﴿٣٤﴾

وَّفُرُشٍ مَّرۡفُوۡعَةٍ ﴿٣٥﴾

اِنَّاۤ اَنۡشَاۡنٰهُنَّ اِنۡشَآءً ﴿٣٦﴾

فَجَعَلۡنٰهُنَّ اَبۡكَارًا ﴿٣٧﴾

عُرُبًا اَتۡرَابًا ﴿٣٨﴾

لِّاَصۡحٰبِ الۡيَمِيۡنِ ﴿٣٩﴾ ع

ثُلَّةٌ مِّنَ الۡاَوَّلِيۡنَ ﴿٤٠﴾

وَثُلَّةٌ مِّنَ الۡاٰخِرِيۡنَ ﴿٤١﴾

وَاَصۡحٰبُ الشِّمَالِ ۙ مَاۤ اَصۡحٰبُ الشِّمَالِ ﴿٤٢﴾

فِىۡ سَمُوۡمٍ وَّحَمِيۡمٍ ﴿٤٣﴾

جز گفتار سلام سلام (۲۷)

و گروهی دست راست ـ کیستند که گروهی دست راستند(۲۸)

در درختان سدر بدون خار(۲۹)

و[باغهای]موزروی‌هم انباشته(۳۰)

و سایه های به دورکشیده(۳۱)

و آبی باران(۳۲)

و میوه های فراوان(۳۳)

نه قطع و نه ممنوع شونده(۳٤)

ومسندهای افراشته(۳۵)

یقینًاما آن[زوج]هارانیکوی پدید آوردیم (۳٦)

پس آنهارابی ماننددنمودیم(۳۷)++

دلربایانی همسالان(۳۸)

برای اهل دست راست(۳۹)

جماعتی‌بزرگتراز‌پیشینیان(٤۰)

وجماعتی‌بزرگترازپسینیان(٤۱)

و اهل دست چپ.کیستند اهل دست چپ؟(٤۲)

دربادی‌سوزنده وآبی‌جوشان(٤۳)

---

++آیت۳۷: "ابکار" بمعنای "بی مانند"مراجع شود المنجد.

وَّظِلٍّ مِّن يَّحْمُومٍ ﴿٤٤﴾
لَّا بَارِدٍ وَّلَا كَرِيمٍ ﴿٤٥﴾
إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٦﴾
وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٧﴾
وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٨﴾
أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٩﴾
قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٥٠﴾
لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥١﴾
ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥٢﴾
لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٣﴾
فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٤﴾
فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٥﴾

و سایه های از دودی سیاه(٤٤)
نه خنك و نه مهربان است(٤٥)
یقینًا آنان قبلاً خوش گذرانان بودند(٤٦)
و بر گناه بزرگ داشتند اصرار میورزیدند(٤٧)
وداشتندمیگفتند.آیا چون بمیریم وخاك و استخوانها شویم آیا ما حتمًا برخیزانده شویم؟(٤٨)
آیاهم پدران پیشین ما(٤٩)
بگو.حتمًاپیشینیان وپسینیان(٥٠)
بسوی وعده گاه زمانی معین جمع کرده شوند(٥١)
سپس یقیناً شما ای گمراهان! مکذبان!(٥٢)
حتمًا از درختی زقوم خورنده اید(٥٣)
پس شکمها را از آن پرکننده اید(٥٤)
پس بر آن آبی جوشان نوشنده اید(٥٥)

فَشٰرِبُوْنَ شُرْبَ الْهِيْمِ ﴿٥٦﴾

وآب خورندگانیدنوشیدن شتران سخت تشنه ها(٥٦)

هٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّيْنِ ﴿٥٧﴾

اینست پذیرائی ایشان در روز جزاء(٥٧)

نَحْنُ خَلَقْنٰكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُوْنَ ﴿٥٨﴾

ما شمارا آفریده ایم پس چرا تصدیق نمیکنید(٥٨)

اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تُمْنُوْنَ ﴿٥٩﴾

حالی کنیدنطفهٔ که شما[دررحم] می افکنید(٥٩)

ءَاَنْتُمْ تَخْلُقُوْنَهٗۤ اَمْ نَحْنُ الْخٰلِقُوْنَ ﴿٦٠﴾

آیا شما آن را میآفرینید یا ما آفرینندگانیم(٦٠)

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِيْنَ ﴿٦١﴾

مامرگ را میان شمامقدرکرده ایم و نیستیم ما که ازاین بازداشته شویم(٦١)

عَلٰۤى اَنْ نُّبَدِّلَ اَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِيْ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٢﴾

که صورتهای شما را عوض کنیم و برخیزانیم شمارادرشکلی‌که شما آنرا نمیدانید(٦٢)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْاَةَ الْاُوْلٰى فَلَوْلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٦٣﴾

ویقیناًآفرینش نخستین را دانسته اید.پس چراپندنمیگیرید؟(٦٣)

اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تَحْرُثُوْنَ ﴿٦٤﴾

حالی کنید آنچه میکارید(٦٤)

ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُوْنَهٗۤ اَمْ نَحْنُ الزّٰرِعُوْنَ ﴿٦٥﴾

آیاشماآنرا امیرویانیدیاماارویانندگان ایم؟(٦٥)

لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنٰهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُوْنَ ﴿٦٦﴾

اگرخواستیم آنراریزه ریزه می نمودیم پس شما شکوه و شکایت کرده میماندید(٦٦)

اِنَّا لَمُغْرَمُوْنَ ﴿٦٧﴾

که یقینًاماغرامت زدگانیم(٦٧)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُوْمُوْنَ ﴿٦٨﴾

بلکه مامحروم شدگانیم(٦٨)

اَفَرَءَيْتُمُ الْمَآءَ الَّذِيْ تَشْرَبُوْنَ ﴿٦٩﴾

آیادیدید آبی راکه مینوشید(٦٩)

ءَاَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوْهُ مِنَ الْمُزْنِ اَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُوْنَ ﴿٧٠﴾

آیاشما آنرااز ابرها نازل آوردید یا ما نازل کنندگانیم؟(٧٠)

لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنٰهُ اُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُوْنَ ﴿٧١﴾

اگرخواستیم آنرا شور مینمودیم پس چراسپاس نمیگویید؟(٧١)

اَفَرَءَيْتُمُ النَّارَ الَّتِيْ تُوْرُوْنَ ﴿٧٢﴾

پس آیا نظرگماشتید به آن آتش که شما روشن کنید(٧٢)

ءَاَنْتُمْ اَنْشَاْتُمْ شَجَرَتَهَا اَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُوْنَ ﴿٧٣﴾

آیا شما درخت[نماشعله]آن را بالا برید یا ما بالابرندگانیم(٧٣)++

نَحْنُ جَعَلْنٰهَا تَذْكِرَةً وَّ مَتَاعًا لِّلْمُقْوِيْنَ ﴿٧٤﴾

ماآنراتذکر وبرای مسافران سود مند قرارداده ایم(٧٤)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ ﴿٧٥﴾

ع ٢ ٣٦ ١٥

پس نام پروردگارخودعالیشأن را تسبیح بگو(٧٥)

فَلَآ اُقْسِمُ بِمَوٰقِعِ النُّجُوْمِ ﴿٧٦﴾

پس یقینًا من هجوم ستارگان را گواه میآرم(٧٦)

++آیت٧٣:برای این معنا مراجعه شود تفسیرالرازی.

وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٧﴾
ویقیناً این گواهی بسیاربزرگست کاشکی میدانستید(۷۷)

إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٨﴾
یقیناً آن قرآنی ارجمنداست(۷۸)+

فِى كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٩﴾
[محفوظ]درکتابی پوشیده(۷۹)++

لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ ﴿٨٠﴾
نتواندکسی آنرالمس کند جز پاک شدگان(۸۰)++

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨١﴾
نازل کردن [آن] از پروردگار همه جهانها است(۸۱)

أَفَبِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ ﴿٨٢﴾
پس آیا شما به این کلام خوشامد گویانید؟(۸۲)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ﴿٨٣﴾
و روزی خود فراهم آرید بنا بر اینکه شما تکذیب میکنید؟(۸۳)

فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ ﴿٨٤﴾
پس چرا نشد گامیکه [جان] به حلقوم رسید(۸۴)

وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ ﴿٨٥﴾
درآنحال شما نگاه میدواندید [تا برای خویشتن کاری کنید](۸۵)

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ ﴿٨٦﴾
و ما به نسبت شما نزدیکتر به آن [جان بازنده]بودیم اما شماها دید

++آیت ۷۸-۸۰:قرآن کریم هم کتابی آشکار است و هم پنهان. ظاهراً مرکدام نیک و بد میتواند آنراتلاوت کند. ولی اسرار مخفی آن فقط بر آنان آشکار میشود که از جانب خدا پاک قرار داده شوند.

| | |
|---|---|
| | نداشتید(٨٦) |
| فَلَوْلَآ اِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِيْنِيْنَ ۝٨٧ | اگر شما مدیونان نیستید پس چرا نه ــ(٨٧) |
| تَرْجِعُوْنَهَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝٨٨ | اورا[ازچنگ مرگ] بازگردانديد. اگر شما راستگويانيد؟(٨٨) |
| فَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ۝٨٩ | پس اگراو[جان بازنده]ازمقربان است(٨٩) |
| فَرَوْحٌ وَّرَيْحَانٌ ۙ وَّجَنَّتُ نَعِيْمٍ ۝٩٠ | آنگاه[برايش]آرامش،محيطی معطر وبهشتی پرنعمت باشد(٩٠) |
| وَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنْ اَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ۝٩١ | واماگرازاهل دست راست است(٩١) |
| فَسَلٰمٌ لَّكَ مِنْ اَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ۝٩٢ | پس سلام باد بر تو آنكه از اهل دست راست ای(٩٢) |
| وَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِيْنَ الضَّآلِّيْنَ ۝٩٣ | واگرازمكذبانی گمراهانست(٩٣) |
| فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيْمٍ ۝٩٤ | پس آبی جوشان جای فرود آمدن [او] است(٩٤) |
| وَّتَصْلِيَةُ جَحِيْمٍ ۝٩٥ | ودرآتش جهنم گداختن است(٩٥) |
| اِنَّ هٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِيْنِ ۝٩٦ | يقيناً همين است كه يقين الحق است(٩٦) |
| فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ ۝٩٧ | ع ٣ ٢٢ ١٦ پس پروردگار بزرگ شان خود را تسبيح بگو(٩٧) |

# ۵۷ـ سورة الحدید

این سورة در مدینه نازل آمد و با بسم اللّه ۳۰ آیت دارد.

ابتدای این سورة با این اعلام میشود که زمین و آسمان و آنچه در آنها است همه خدا را تسبیح میگویند. اوّل هم خودش است و آخرهم خودش است. او ظاهر است و هم باطن است.یعنی جلوه هایش عیان است و هم نهان است. اما دیده ای که آنها را نتواند بنگرد برایش آنها همواره نهان میماند.

در یك آیت این سورة حیات دنیا را بعنوان مثال بیان کرده فرمود که این بازی وبازیچه ای محض است و هرگز باقی نمیماند. چون انسان به مرگ خویش نزدیکترشودحتماً قبول خواهد کردکه این فقط مایه عیش چند روزها بود.

ضمناًاین سورة دارای این آیة عالی رتبه است از آنچه به اثبات میرسد که خدای متعال این امر را برآنحضرت ﷺ روشن فرموده بود که بهشت و جهنم را تصور عینی درست نیست. پس در آیة ۲۲ فرمود که برای آمرزش خدائی وپیشروی بسوی بهشت او که وسعتش بر زمین و آسمان محیط است برهمدیگرسبقت جویندگان باشید.هنگامیکه آنحضرت ﷺ این آیت راتلاوت کردند یکی از اصحاب ایشان بپا شد و پرسید. یا رسول اللّه! اگر بهشت بر زمین و آسمان گسترش یافته است آنگاه جهنم کجا است؟ایشان فرمودند. آن هم همانجا است. یعنی در وسعتهای آن کاینات موجود است که درآن بهشت است ولی شما به این امر ادراك ندارید که این چطور ممکن است که جهنم و بهشت هردو یکجا قراردارند بی آنکه بهم تعلق هم داشته باشند. از این بیان

کاملاً به اثبات میرسدکه رسول الله ﷺرادرآن زمان یك تصورفلسفۀ نسبی[Relativity] عطاشده بود۔ یعنی یکجاموجودبوده ازتبدیلی حجم [Dimension] هیچ تعلقی میان دو چیز برقرارنمیشود.

سورة الحدید را مرکزی آیت آنست درچه این اعلام شد که ما آهن را نازل کردیم. معنای که به کلمه "نزول" مردم عموم بیان میکنند از روی آن آهن ازآسمان باریده است. حالانکه آن از قعر زمین استخراج میشود. لذا بر اساس این آیة حقیقت از معنای "نزول" معلوم میشود که چیزی که جنساً سودمندتر است قرآن مجید برای آن کلمه "نزول" بکار میبرد. برای دامها نیز بر همین منوال کلمه "نزول" بکاررفته است. نسبت به لباس نیزاین کلمه آمده است. بالاترازهمه درمورد آنحضرت ﷺ فرموده شد: قَدْاَنْزَلَ اللّٰہ اِلَیْکُمْ ذِکْرًا رَسُولاً(الطلاق ۱۱ ـ ۱۲ ) ـ یعنی یقیناً خداوند بسوی شما رسولی ذکر الٰهی مجسم رانازل کرده است. همه علماء بهم متفق هستند که ایشان ﷺ از آسمان به کالبد ظاهری خود نازل نشده بودند. لذا هیچ معنای به این کلمه نیست جز اینکه در مقابل همه ای رسولان بیشتر فیض رسان در حق انسان فقط آنحضرت ﷺ میباشند.

ضمناً در همین سورة ذکر از اصحاب رضوان اللّٰه علیهم میرود که نور ایشان هم پیشروی ایشان حرکت میکرد و هم دست راست ایشان۔ گویی که ایشان راه خویش را بوسیله آن نورخویش میدیدند.

☆ سُوْرَةُ الْحَدِيْدِ مَدَنِيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثُوْنَ ايَةً وَّ اَرْبَعَةُ رُكُوْعَاتٍ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾ | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده. بارها رحمکننده(۱) |
| سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢﴾ | خداراتسبیح میکندآنچه درآسمان ها و زمین است و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۲) |
| لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٣﴾ | پادشاهی آسمانها و زمین ازآن او است. او زنده میکند و میمیراند و به هرچیز مدام قادر است(۳) |
| هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٤﴾ | همان اوّل همان آخر همان عیان همان نهان است و او صاحب علم دائمی بهرچیزاست(٤) |
| هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا ۚ وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٥﴾ | اواست آنکه آسمانها و زمین را درشش زمان آفرید.سپس او بر عرش قرار گرفت.او میداند آنچه بداخل زمین میشود و آنچه ازآن خارج می شود و آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه در آن بالا میرود و او با شما است هرکجا باشید وخداپیوسته بینا است به |

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ۝٦

آنچه عمل کنید(٥)++
پادشاهی آسمانها و زمین ازآن او است و جمله امور بسوی خدا باز گردانیده شوند(٦)

يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ؕ وَهُوَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝٧

شب را بداخل روز میکند و روز را بداخل شب میکند و او به امور سینه ها مدام آگاه است(۷)

اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاَنْفِقُوْا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ ؕ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيْرٌ ۝٨

ایمان آرید بخداورسولش وانفاق کنید ازآنچه شمارا درآن جانشین ساخت.پس کسانیکه ایمان آوردند و انفاق کردند ایشان را اجری بزرگ است(۸)

---

قرارگرفتن خدابرعرش رامنظوراینست که خداوندپس ازتکمیل اموراز تمامی‌کاینات بیکارنه نشت بلکه برنگهبانی‌آن برعرش مستقرشد.تمامی‌کارهای‌دنیاکه بظاهرخود بخود انجام میشوندبرنگهبانی‌آنهابفرمان خدافرشتگانی بیشمارماموراند.
یعلم مایلج فی الارض ومایخرج منها - پیوسته هرآن چیزی به آسمان صعود میکند و چیزی فرود میآید. بعض بخارات وغیره است که آنهابسوی زمین برگردانیده میشود.امابرخی آنچنان تشعشعات رادیوئی ومغناطیسی اند که بربلندی رفته خارج ازحیطه کرهٔ زمین میگردند.همینطورشِهابهاوتشعشعات رادیوئی‌پیاپی‌برزمین میبارند. دراین مورد پژوهش پیوسته ادامه دارد و بااین وجود که علم بکمی بدست آمد بازهم پژوهندگان درباره بیشترتشعشعات فروآینده ازآسمان دست به علم آنها نیافته اند. درزمان آنحضرت ﷺ تصوراین علم هم نمیتوانست بخاطرکسی‌برسد.

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ ۚ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩﴾

و شماراچیست که ایمان به خدا نمیآرید و رسول شمارا میخواند تابه پروردگارخودایمان آرید در حالیکه او پیمانی موثق از شما گرفته است [بهتربود] اگر شما مومنان بودید(۹)

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَإِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾

اوست که بربندهٔ خودآیاتیآشکار فرومیفرستدتاشما را از تاریکیها به نور درآرد و یقینًا خدا برشما مهربان بارمارحمکننده است(۱۰)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ ۚ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا ۚ وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾ ع

وچیست شماراکه درراه خداانفاق نمیکنید درحالیکه میراث آسمانها و زمین ازآن خدا است. هیچکس ازشما نمیتواند مساوی او شود که پیش از فتح [درراه]خدا انفاق وقتالکرد. همانهاند که در درجات بلندتر از آنانند که ببعد [در راه خدا]انفاق و قتال کردند. خدا به همگی وعدهٔ ی نیکو داده است و خدا مدام آگاه است بآنچه عمل کنید(۱۱)

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضٰعِفَهُ لَهُ وَلَهُ اَجْرٌ کَرِیمٌ ﴿۱۱﴾

کیست که خدا را قرض حسنه بدهد.پس او آنرا برایش بیفزاید و او را پاداشی خیلی ارجمند است(۱۲)

یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنٰتِ یَسْعٰی نُورُهُمْ بَیْنَ اَیْدِیهِمْ وَبِاَیْمٰانِهِمْ بُشْرٰیکُمُ الْیَوْمَ جَنّٰتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِینَ فِیهَا ذٰلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ ﴿۱۲﴾

روزی که مومنان و مومنات را خواهی دید که نورایشان از پیش روی ایشان و از دست راست ایشان پرشتاب رود.مژده باد شما را امروزبهشتهای که در دامن آنها نهرهای روانست.ایشان در آنها جاودانانند و این پیروزی است که بسیار بزرگ است(۱۳)++

یَوْمَ یَقُولُ الْمُنٰفِقُونَ وَالْمُنٰفِقٰتُ لِلَّذِینَ اٰمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ قِیلَ ارْجِعُوا وَرَآءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِیهِ الرَّحْمَةُ وَظٰاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذٰابُ ﴿۱۳﴾

روزیکه منافق مردان ومنافق زنان به آنهاکه ایمان آوردندگویند. بمانگاه کنید تا از نور شما فیض بگیریم.خطاب شود.پشت سرخود برگردید و نور را تلاش کنید. آنگاه میانشان دیواری نهاده شود که آنرادری‌است. باطنش است که

++آیت ۱۳ :منظور از دست راست هدایت است و مومنان را نور درنتیجه هدایت حاصل میشود.

درآن رحمت است وظاهرش است
که ازپیش آن عذاب است(١٤ )

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿١٥﴾

آنهابه ایشان بانگ دهند.آیا ما با
شمانبودیم.ایشان گویند: بلی، و
اماشماخودتان خویشتن رابه فتنه
افکندید و انتظارکردید و به شك
مبتلاشدید و آرزوهاشمارافریب
داد تا آنگاه که فرمان خداآمد
حالیکه شیطان شمارا درباره خدا
بفریبی سخت مبتلا داشت(١٥ )

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ مَأْوَاكُمُ النَّارُ ۖ هِيَ مَوْلَاكُمْ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

پس امروز هیچ فدیهٔ ی نه ازشما
گرفته شود و نه ازآنها که کفر
کردند. مأوی شماآتش است. این
یار شما است و چه زشت جایگاه
است(١٦ )

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ ۙ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٧﴾

آیا برای کسانیکه ایمان آوردند
آن هنگام نرسیده که دلهای‌ایشان
ازذکر خدا و از[رعب]آن حق که
نازل آمده است فروتن شوند و
نباید باشندمانند آنها که ازپیش
ایشان کتاب داده شده بودند؟پس

زمان بر آنها طول کشید و دلهای ایشان سخت شد و بیشتراز آنها پیمان شکن بودند(۱۷)

اِعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۭ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿١٨﴾

بدانید که یقینًا خدا زمین را پس ازمرگش زنده میکند.البته ماآیات رابرایشما بوضوح بیان کرده ایم تا شما خرد را به کار برید(۱۸)

اِنَّ الْمُصَّدِّقِيْنَ وَالْمُصَّدِّقٰتِ وَاَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ اَجْرٌ كَرِيْمٌ ﴿١٩﴾

یقینًا مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده وکسانیکه به خداقرض حسنه داده اندآن برایشان افزوده شودویقینًاایشانرا پاداش گرامی است(۱۹)

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖٓ اُولٰۗىِٕكَ هُمُ الصِّدِّيْقُوْنَ ڰ وَالشُّهَدَاۗءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۭ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُوْرُهُمْ ۭ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿٢٠﴾ ع

و کسانیکه ایمان آوردند به خدا و رسولان او همانهاندکه نزد خدا صدیق و شهید اند. برای ایشان پاداش ایشان ونورایشان است و آنهاکه کفرکردند وآیتهای مارا رد کردند همانهاجهنمیانند(۲۰)

ع ۲ ۹ ۱۸

اِعْلَمُوْٓا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّزِيْنَةٌ وَّتَفَاخُرٌۢ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي

بدانیدکه زندگی دنیا فقط بازیچه وهوسبازی وخودآرائی و نازیدن با همدیگروسبقت جوئی است در

الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِؕ كَمَثَلِ غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهٗ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ حُطَامًاؕ وَفِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيْدٌۙ وَّمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌؕ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُوْرِ ﴿٢١﴾

اموال و اولاد.این همچون مثل بارانیاست که رستنی آن کافران راشگفت میآردسپس آن رشد و نمو میيابد. پس آنرا زردگون می بینی.سپس آن ریزه ریزه میگردد ودرآخرت عذابی سخت است وهم آمرزش خداوخوشنودیودنیافقط اسباب فریبکاری است(٢١)

سَابِقُوْٓا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِۙ اُعِدَّتْ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖؕ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُؕ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿٢٢﴾

وازهم پیشیگیرید بسوی آمرزش پروردگارخود وبهشتی که فراخی آن مانند فراخی آسمان و زمین است که برای آنها آماده کرده شده است که به خدا و رسول او ایمان میآرند. این فضل خدااست که آنراا عطاکندبه هر که میخواهد و خدا را فضلی عظیم است(٢٢)

مَآ اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِىْٓ اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِىْ كِتٰبٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّبْرَاَهَاؕ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ﴿٢٣﴾

هیچ سختیواردنمیآیددرزمین ونه در خود شما مگر آن در کتابی [نوشته] است ازاین پیش که ما آن راپدید آوریم.یقیناًاین خدارا بس آسان است(٢٣)

لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَآ اٰتٰىكُمْ ؕ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوْرِ ۙ﴿٢٤﴾

[این تقدیر خدااست]تاشماافسوس نه خورید برآنچه ازشمابرود و نه خودستاگردید بدآنچه بشما برسد وخدا دوست ندارد هرکدام را که خرامان خودستا است (٢٤)

الَّذِيْنَ يَبْخَلُوْنَ وَيَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ؕ وَمَنْ يَّتَوَلَّ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿٢٥﴾

و کسانیکه بخل ورزند و به مردم به بخل امرکنندوهرکه روی‌برتابد پس[اوبداندکه]یقینًا خدا بی نیاز صاحب بسیارستایش است(٢٥)

لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنٰتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَالْمِيْزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ وَاَنْزَلْنَا الْحَدِيْدَ فِيْهِ بَاْسٌ شَدِيْدٌ وَّمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَنْ يَّنْصُرُهٗ وَرُسُلَهٗ بِالْغَيْبِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ ﴿٢٦﴾ ع

یقینًاما رسولان را فرستادیم با ادله روشن وباایشان نازل کردیم کتاب و میزان عدل تا مردم بر عدالت استوار گردند و نازل کردیم آهن که درآن سامان جنگ شدیدوبرای‌مردم منافع است و تا خدابازشناسدآنراکه او ورسولان اورادرنهان یاری میدهد.یقینًاخدا بسیار قدرتمند صاحب غلبه کامل است(٢٦)

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا وَّاِبْرٰهِيْمَ وَجَعَلْنَا

و یقینًا ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در زادگان ایشان

فِيْ ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتٰبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ ۚ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿۲۷﴾

نبوت و کتاب نهاده بودیم. پس در آنها او هم بود که هدایت یافت درحالیکه بیشتر ایشان گمراهان بودند(۲۷)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَاٰتَيْنٰهُ الْاِنْجِيْلَ ۙ وَجَعَلْنَا فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ رَاْفَةً وَّرَحْمَةً ۭ وَرَهْبَانِيَّةَ ۨ ابْتَدَعُوْهَا مَا كَتَبْنٰهَا عَلَيْهِمْ اِلَّا ابْتِغَآءَ رِضْوَانِ اللّٰهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ۚ فَاٰتَيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْهُمْ اَجْرَهُمْ ۚ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿۲۸﴾

سپس ـ فرستادیم پی در پی بر نقش قدم ایشان رسولان خود را و دنبال ایشان عیسٰی ابن مریم را آوردیم و او را انجیل دادیم و دردلهای ایشان که او را پیروی کردند نرمی‌ومهربانی نهادیم وآن رهبانیت که آنان بدعت گذاردند مابرآنان فرض نکرده بودیم مگر [فرض کرده بودیم] که خوشنودی خدا [تلاش کنند] پس آنها حق رعایت آن را رعایت نکردند.پس ما از آنها آنانکه ایمان آوردند [و نیکوکاری‌کردند]را پاداش ایشان دادیم و بیشترآنها زشت کرداران بودند(۲۸)+(ص.۰ ۱۳۶ )

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَاٰمِنُوْا

ای کسانیکه ایمان آورده اید خدا را تقویٰ اختیار کنید و بررسول

بِرَسُوْلِهٖ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَّحْمَتِهٖ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ نُوْرًا تَمْشُوْنَ بِهٖ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۹﴾

او ایمان آورید.او شمارا برحمت خود دو برابر بهره اعطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به آن راه روید و شما را بیآمرزد و خدا آمرزگار بارها رحم کنندۂ است(۲۹)

لِّئَلَّا يَعْلَمَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَلَّا يَقْدِرُوْنَ عَلٰي شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿۳۰﴾ ع

تا اهل کتاب [اینطور] ندانندکه ایشان[مومنان]بر فضل خدا هیچ توانائی ندارند در حالیکه یقیناً فضل تماماً بدست خدا است. او آنرا بدهد هرکه رامیخواهد وخدا را فضلی عظیم است(۳۰)

++آیت ۲۸:اینجا علی الخصوص تذکر از آن رهبانیت است که میان کشیشهای مسیحیان مرد و زن بصورت بدعت مجرد ماندن رائج است . هرگز خدا را مقصود این نبود بلکه ایشان هدایت شده بودند که راه تقویٰ را پیش گیرند و مسیحیان دوره اول کما هو حقه بر این توصیه عمل کردند اما ببعد مبالغه کرده بدعت رهبانیت براه انداخته شد.

# ٥٨-سورة المجادله

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم الله ٢٣ آیت دارد.

سورة المجادله را مرکزی موضوع اینست که این رسم اعراب بی معنای است که ممسران خویش را بعلت رنجش مادرخوانده برخود مرام میسازند. مادر فقط آنست که زائیده باشد. سپس فرمود که درمقابل این بیهودگیها کفاره دمید و از اینها پرمیزکرده بسوی زنان خود متمایل شوید.

درسورة الحدید ذکر ازحدید است و برای بریدن و شکافتن همین حدید بکار میرود. اما این استعمال ظاهری آن است. اما درسورة المجادله بارها ذکر از يُحَآدُّونَ و حَآدَّ که رفته است منظور از آن بریدن و شکافتن همدیگر از راه روحانی است و این ذکر پیوسته رفته است که کسانیکه آنحضور ﷺ را زخم روحانی میزنند و تلاش میکنند که میان اصحاب رضوان الله علیهم جدا افکنند و دنبال این هدف دسیسه های محرمانه میکنند ایشان اقدام به هلاك خودشان مینمایند. فرمود هرکه خدا و رسولش را زخم طعنه ها بزنند آنها به بی مرادی روبرو خواهند شد و خدای متعال بر ذات خود فرض شمرده است که او و رسولانش حتماً غالب خواهند آمد.

☆ سُوْرَةُ الْمُجَادَلَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحمکننده(١)

قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّتِيْ تُجَادِلُكَ فِيْ زَوْجِهَا وَتَشْتَكِيْٓ اِلَى اللّٰهِ ۖ وَاللّٰهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ②

یقینًاخداشنیدسخن آنزن که بتو در مورد شوهرخود مبحث کرده و به خدا شکایت میکرد و خدا گفتگوی هر دوی شما را میشنید یقینًا خدا بسیار شنوای بینا است(٢)

اَلَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ مِنْكُمْ مِّنْ نِّسَاۗىِٕهِمْ مَّا هُنَّ اُمَّهٰتِهِمْ ۭ اِنْ اُمَّهٰتُهُمْ اِلَّا الّٰۗـِٔيْ وَلَدْنَهُمْ ۭ وَاِنَّهُمْ لَيَقُوْلُوْنَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُوْرًا ۭ وَاِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُوْرٌ ③

کسانی‌ازشماکه زنان خود را مادران اعلام کنندنیستند مادران ایشان مگر آنان که ایشان را زائیدند. و یقینًا ایشان البته سخنی ناپسند و دروغ گویند و یقینًا خدا بسیار عفو کننده ی بسیار آمرزنده است(٣)

وَالَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ مِنْ نِّسَاۗىِٕهِمْ ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا قَالُوْا فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَاۗسَّا ۭ ذٰلِكُمْ تُوْعَظُوْنَ بِهٖ ۭ

و آنها که زنان خود را مادران اعلام کنند سپس از آنچه گفتند بر گردندپس گردنی‌راآزاد کردن است پیش ازآنکه همدیگررالمس

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿٤﴾

کنند. این است که به آن شما پند داده میشوید و خدا به آنچه عمل کنید مدام آگاه است(٤)

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَآسَّا ۚ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّيْنَ مِسْكِيْنًا ؕ ذٰلِكَ لِتُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ؕ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ؕ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٥﴾

پس هرکه نیابد [که بندهٔ آزاد کند]پس روزه دو ماه متوالی گرفتن است قبل ازاینکه آندوی همدیگررا لمس کنند. پس آنکه [به این نیز] طاقت نیآرد آنگاه شصت بینوا تغذیه کردن است و اینست تاشمارا از خدا و رسول اوطمانینه حاصل شود و این حد های‌خدا است وکافران را عذابی بسیار دردناك است(٥)++

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَآدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ كُبِتُوْا كَمَا كُبِتَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍۭ بَيِّنٰتٍ ؕ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۚ ﴿٦﴾

یقینًا آنها که به خدا و رسولش مخالفت کنند باآنکه مانشانه های آشکار نازل کرده ایم هلاك کرده شوند بطوریکه هلاك کرده شدند کسانیکه قبل از آنها بودند و کافران را عذابی رسوا کننده است(٦)

---

++آیت ٥: ایمان بمعنای طمانینه مراجعه شود مفردات امام راغب(رح)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ۭ اَحْصٰىهُ اللّٰهُ وَنَسُوْهُ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝

روزیکه خداآنانرا جمعاًبرخیزاند پس به ایشان آگاه سازد به آنچه میکردند.خدااین[عمل] را بشمار آورده است درحالیکه اینها آن را فراموش کرده اند و خدا بر هرچیز گواه است(۷)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ مَا يَكُوْنُ مِنْ نَّجْوٰى ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ اَدْنٰى مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَ مَا كَانُوْا ۚ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝

آیاندیدی که خدامیداند آنچه در آسمانهاو زمین است. هیچ سه تن باهم رازنمیگویند مگرچهارمین ایشان اوست وهیچ پنجتن [باهم راز نگویند]مگر ششمین ایشان اوست ونه کمترازآن و نه بیشتر مگراوباایشانست هرکجا باشند. سپس روز قیامت او آنها راآگاه سازدآنچه انجامدادند. یقینًا خدا به هرچیز نیك دانا است(۸)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ نُهُوْا عَنِ النَّجْوٰى ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا نُهُوْا عَنْهُ وَيَتَنٰجَوْنَ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُوْلِ ۡ وَاِذَا جَآءُوْكَ حَيَّوْكَ بِمَا

آیاندیدی آنها را که از باهم راز گفتن بازداشته شدندبازهم آنچه راتکرار کردندکه ازآن بازداشته شدندوآنهابگناه وتعدیونافرمانی رسول باهم رازگوئی میکنند و

لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ ۙ وَيَقُوْلُوْنَ فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ بِمَا نَقُوْلُ ۭ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۚ فَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑨

هر گاه نزدتوآیند، سلام میگویند به آن طریق که خدا به آن بر تو سلام نفرستاد. و به دلشان گویند که چراخدا ما را عذاب نمیکند بدآنچه میگوئیم [درحقیقت]جهنم آنانرا بس است. آنها بداخل آن شوند. پس چه زشت جایگاه است(۹)+

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُوْلِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ۭ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ⑩

ای آنانکه ایمان آورده اید چون باهم رازگوییدپس به گناه وتعدّی و نافرمانی رسول باهم راز مگویید و به نیکی و تقویٰ باهم راز گویید و از خدا بترسید که بسوی‌اومحشورکرده شوید(۱۰)

اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطٰنِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيْسَ بِضَاۗرِّهِمْ شَيْـــًٔا اِلَّا بِاِذْنِ

باهم رازگفتن[به دسیسه] فقط از شیطانست تاآنانکه ایمان آوردند

+آیت ۹ :نجوی یعنی باهم راز گفتن گناهی نیست اگر منظور ظلم و برای مخالفت خدا و رسول دسیسهٔ ی نباشد. برای معرفی بیشتر از مردم این قبیل بیان شدکه چون آنها نزدرسول حاضرآیندآنگاه بظاهرسلام کنند ولی دردل بدگوئی میکنند و بازمیپندارندکه دراثراین بدگوئی‌هیچ عذابی‌برآنهانازل نیآمد.خداحال دلهای آنها میداندوحتماًآنهابداخل جهنم کرده شوند.

اللّٰهِ ۖ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ⑪

رنج کشند حالیکه او ایشان را هیچ هم زیان رسانندهٔ نیست جز باذن خدا.پس مومنان باید بر خدا توکل کنند(۱۱)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قِيْلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوْا فِي الْمَجٰلِسِ فَافْسَحُوْا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَاِذَا قِيْلَ انْشُزُوْا فَانْشُزُوْا يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ ۙ وَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ⑫

ای‌آنهاکه ایمان آورده اید هرگاه گفته شوید که در نشتگاه [برای دیگران]جا باز کنید پس جا باز کنیدخداشمارافراخی دهدوهرگاه گفته شود پاشوید پس پاشوید. خدامقام ایشان از شما که ایمان آوردندو[خصوصًا]آنانکه علم داده شدند را بالابرد وخدا آگاه است به آنچه عمل کنید(۱۲)++

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُوْلَ فَقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقَةً ۗ ذٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَاَطْهَرُ ۗ فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ⑬

ای کسانیکه ایمان آوردید هرگاه از رسول مشورت بخواهید پس پیشترازمشورت صدقه دهید. این امربرای شمابهتر و پاکتر است. پس اگرچیزی‌بدست نیآرید پس یقینًا خدا آمرزندهٔ ی بارها رحم کننده است(۱۳)

---

++ آیت ۱۲ : تَفَسَّحَ لَهُ = وَسَّعَ یعنی برای دیگری جای ساخت (المنجد)

ءَاَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَىْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقٰتٍ ؕ فَاِذْ لَمْ تَفْعَلُوْا وَتَابَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ؕ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۴﴾ ع

آیاترسیدیدکه قبل ازمشورتهای خودصدقه دهید؟پس اگرنتوانید اینطور کنید باآنکه خداتوبه شما راقبول کرده است آنگاه نماز را بپادارید و زکوٰت دهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید و خدا آگاه است بدآنچه عمل کنید(١٤)

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ؕ مَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ ۙ وَيَحْلِفُوْنَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۵﴾

آیابسوی آنهانگاه نکردی که آن مردم رابدوستی‌گرفتندکه خدابر آنها غضب کرده بود؟اینها نه از شمااند و نه ازآنانندوسوگندهای دروغ یاد کنند درحالیکه آنها می دانند(١٥)

اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا ؕ اِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۶﴾

خدابرایشان عذابی سخت آماده کرده است. یقینًا بسیار زشت است آنچه عمل کنند(١٦)

اِتَّخَذُوْۤا اَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿۱۷﴾

ایشان سوگندهای خود را سپری گرفته اند. پس از راه خدا باز داشتند پس آنهارا عذابی رسوا کننده است(١٧)

لَنْ تُغْنِىَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَاۤ

اموال ایشان و اولاد ایشان آنها

اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ؕ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ؕ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿١٨﴾

را درمقابل خداهیچ هم بی نیاز نسازد. همانها اهل آتش اند. آنها درآن مدت دراز بمانند(۱۸)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيَحْلِفُوْنَ لَهٗ كَمَا يَحْلِفُوْنَ لَكُمْ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ عَلٰى شَيْءٍ ؕ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ﴿١٩﴾

روزیکه خداآنانرا جمعاًبرانگیزد پس برای‌اوقسم خورند بطوریکه برای شماقسم میخورند و گمان کنندکه آنان برموضعی [استوار] اند.باش!همانهاند که دروغگویان اند(۱۹)

اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطٰنُ فَاَنْسٰهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ ؕ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطٰنِ ؕ اَلَآ اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطٰنِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٢٠﴾

شیطان بر آنها غالب آمد.پس او یادخدا را از آنها فراموش نمود. همانهاگروه شیطانند. باش! یقینًا گروه شیطانند که خسارتکاران هستند(۲۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَآدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗٓ اُولٰٓئِكَ فِي الْاَذَلِّيْنَ ﴿٢١﴾

یقینًاآنهاکه خدا و رسول او را مخالفت کنند همانها از پستتران اند(۲۱)

كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِيْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ ﴿٢٢﴾

خدا نوشته است حتمًا من و رسولانم غالب آیندگانیم. یقینًا خدا قدرتمند صاحب غلبه کامل است(۲۲)

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُّؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَآدُّوْنَ مَنْ حَآدَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَلَوْ كَانُوْٓا اٰبَآءَهُمْ اَوْ اَبْنَآءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيْرَتَهُمْ ؕ اُولٰٓئِكَ كَتَبَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَاَيَّدَهُمْ بِرُوْحٍ مِّنْهُ ؕ وَيُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ ؕ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ اللّٰهِ ؕ اَلَآ اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٢٢﴾ ع

هرگز شما چنین مردم نمییابی که به خدا و روزآخرت ایمان آورند ودوستیباآنهاکنندکه خداورسول او رادشمن اند هرچند [مخالفان] پدران إیشان یاپسران ایشان یا برادران ایشان یا هم قوم ایشان باشند. همانهاندکه خداایمان را در دلهایشان نگاشته و آنانرا به امرخودموردتایید قرارمیدهد و آنانرابداخل بهشت های‌نماید که دردامنۀ آنهانهرهاروانست.آنان درآنهاجاودانانند.خداازآنهاراضی شدوآنان ازخداراضی‌شدند.همانها گروه خدا اند. باش! تنها گروهٔ خدا موفق شدگانند(٢٢)++

++ آیت٢٢:درکلمات "ایّدهم بروح منه"ضمیر«هُم» بسوی اصحاب رسولﷺ میرود و فرموده میشودکه براصحاب روح القدس نازل میشد. پس ازاین رو مسیحیان را هیچ جای تفاخرنیست که روح القدس برحضرت مسیح نازل میشد چه روح القدس که بر غلامان محمد ﷺ نیزنازل میشدوایشان را یاری میداد.

# ۵۹-سورة الحشر

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّه ۲۵ آیت دارد.

سرآغاز این سورة ذکر از حشر است و در پایان این هم ذکر از حشر بزرگی میرود. نحستین حشرآنست که اول الحشر قرارداده شد و کیفرکه یهود داده شدند گویی که این حشر ایشان برپاشد و هرکدام بکیفر اعمال خود رسید. برای بعضیهاجلای وطن مقدرشد وبعضیها دستور داده شدند که خانه های خویش را بدستهای خود ویران کنند و بعضیها بقتل رسانده شدند. پس این نخستین حشراست درآنچه ذکراز مجازات رفت.حشری که در پایان این سورة تذکرداده شدحاکی ازاین موضوع است که آنهائی بمجازات رسانده میشوند که یادخدا را فراموش میسازند و سپس سیاه و سفید نفس خویش را نیز به خموشی میسپارند.اما ورای آنها کسانی اند که در مرحال خدا را یادمیکنند و درنظر دارند که چه نوع اعمال خود را پیش میفرستند. ایشان را پاداشی بزرگ است.

موضوع تسبیح که در سورة های پیشین گذشته است و در آغاز این سورة نیز یاد شده است اینك این موضوع درپایان این سورة به نقطۀ اوج خود رسیده است و آیتی که باکلمات "هُوَاللّٰهُ الَّذِی لآ اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ"شروع میشود حاکی از اسماء حسنٰی بلندمرتبت خدای متعال میباشد و کلمات لَـهُ الاَسماءُ الحُسنٰی عبارت از این بیان است که نه تنها این اسماء الحسنٰی بلکه جمله اسماء الحسنٰی ازآن اوست.

☆سُوْرَةُ الْحَشْرِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ ثَلاثَةُ رُكُوْعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ②

خدا را تسبیح گوید هرچه در آسمانها است و هرچه در زمین است و او صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۲)

هُوَ الَّذِيْٓ اَخْرَجَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِاَوَّلِ الْحَشْرِ ؕ مَا ظَنَنْتُمْ اَنْ يَّخْرُجُوْا وَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ مَّانِعَتُهُمْ حُصُوْنُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ فَاَتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوْا ۗ وَقَذَفَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُوْنَ بُيُوْتَهُمْ بِاَيْدِيْهِمْ وَاَيْدِي الْمُؤْمِنِيْنَ ۗ فَاعْتَبِرُوْا يٰٓاُولِي الْاَبْصَارِ ③

اوست آنکه آنهارا ازاهل کتاب که کفرکردند برای نخستین حشر از خانه های آنها در آورد.شما گمان نمیکردید که آنان بیرون خواهند رفت و آنها پنداشتند که قلعه های نظامی‌ایشان آنانرااز‌خدانگهداری خواهدکرد.پس خداآنهارا ازراهی آمد که هرگزگمان نمیکردند و در دلهای‌آنان ترس نهادوبدستهای خود و بدستهای مومنان خانه های خودرا ویران کردند.پس ای اهل بصیرت! عبرت گیرید(۳)++

++آیت ۳:کنایه ای بسوی تبعید بنو نضیراست.

وَلَوْلَآ اَنْ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٤﴾

واگرخدا برای آنان جلای وطن مقدرنکرده بود حتماً آنهارا عذاب در این دنیا میداد و برای ایشان درآخرت نیزعذاب آتش است(٤)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَآقُّوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۚ وَمَنْ يُّشَآقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿٥﴾

این بدانعلت است که آنها خدا و رسولش را بشدت مخالفت کردند و هر که به خدا مخالفت کند پس خدایقینًا سخت عقوبت است(۵)

مَا قَطَعْتُمْ مِّنْ لِّيْنَةٍ اَوْ تَرَكْتُمُوْهَا قَآئِمَةً عَلٰٓى اُصُوْلِهَا فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٦﴾

هرچه ازدرختان خرمارا بریدید یا آن را براصل های خود برقرار ترك کردید پس باذن خدابود و برای این بود که او فاسقان را رسوا کند(٦)

وَمَآ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ مِنْهُمْ فَمَآ اَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَّلَا رِكَابٍ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهٗ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ ۖ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٧﴾

و آنچه خدا از[مالهای]آنان به رسول خودغنیمت دادپس شما برآن اسبان دواندیدونه شتران. اماخدارسولان خودرا برهرکه می خواهد مسلط میکند و خدا برهر چیزمدام قدرتمند است(۷)

مَآ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ مِنْ اَهْلِ الْقُرٰى

خدا هرچه از [مالهای] ساکنان شهرها به رسول خود غنیمت داد

فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُوْلِ وَلِذِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنِ وَابْنِ السَّبِیْلِ کَیْ لَا یَکُوْنَ دُوْلَةً بَیْنَ الْاَغْنِیَآءِ مِنْکُمْ ؕ وَمَآ اٰتٰکُمُ الرَّسُوْلُ فَخُذُوْهُ ۚ وَمَا نَهٰکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوْا ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ شَدِیْدُ الْعِقَابِ ⁨٨⁩

پس برای خدا و رسول است و برای خویشان ویتیمان ومساکین و درماندگان راه است تاآن فقد طعمه گردشی میان ثروتمندان از شما نباشد و رسول هرچه به شما بدهد پس آنرا بگیرید و از آنچه بازدارد پس بازایستید و خدا را تقویٰ پیش گیرید. یقینًا خدا سخت عقوبت است(۸)

لِلْفُقَرَآءِ الْمُهٰجِرِیْنَ الَّذِیْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِیَارِهِمْ وَاَمْوَالِهِمْ یَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا وَّ یَنْصُرُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ؕ اُولٰٓئِکَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ۚ ⁨٩⁩

برای آن درویش مهاجرانست که از خانه های خود و دارائیهای خود محروم کرده شدند و تنها به فضل و خوشنودی خدا آرزوکنند و خدا و رسولش را یاری کنند. همانهاندکه راستگویانند(۹)++

وَالَّذِیْنَ تَبَوَّؤُ الدَّارَ وَالْاِیْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ یُحِبُّوْنَ مَنْ هَاجَرَ اِلَیْهِمْ وَلَا یَجِدُوْنَ فِیْ صُدُوْرِهِمْ حَاجَةً مِّمَّآ اُوْتُوْا وَیُؤْثِرُوْنَ عَلٰٓی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ؕ وَمَنْ یُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ

وکسانیکه خانه هاراقبل از ایشان آماده داشتند و ایمان را [درسینه ها]جا دادند و محبت داشتند به کسانیکه مهاجرت کرده بسوی ایشان آمدندودر سینه های‌خود ازآن هیچ هم طلب نداشتند که

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾

[مهاجران] داده شدند و [آنان را] بر خویشتن برگزیدند اگرچه خود ایشان را تنگدستی بود،پس هرکه ازخِسّت نفس خود بازداشته شود پس همانها موفق شدگان اند(۱۰)++

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾

و کسانیکه پس از ایشان آمدند گویند،پروردگارا! بیآمرز مارا و برادران مارا که در ایمان از ما پیشی گرفتندودردلهای ماکینهٔ آنان نگذارکه ایمان آوردند.پروردگارا بیگمان تو شفیق بارهارحم کننده ای(۱۱)++

++آیات ۹ـ۱۱ :این آیات حاکی ازایمان و بلند رتبه روحانی انصارومهاجران میباشد یکبار هیئت نمایندگان رافضیان از عراق خدمت حضرت امام زین العابدین آمدندو آنان برخلاف حضرت ابوبکر.حضرت عمروحضرت عثمان سخن گفتند.حضرت زین العابدین ازآنهاپرسیدند آیاشماازمهاجران هستید[مذکوردرآیت۹]آنها گفتند، نخیر. بازایشان پرسیدند.آیاشماازانصارهستید[مذکوردرآیت۱۰].آنها گفتند نخیر. ایشان فرمودند پس من گواهی میدهم که شما از آنان هم نیستید[آیت ۱۱]که درباره ایشان آمده است "والذین جاءو من بعدهم یقولون ربنااغفرلناولِاخوانناالذین سبقونا بالایمان(کشف الغمة فی معرفةالائمة.جزوثانی.صفحه ۲۹۰ـ الوالحسن علی بن عیسٰی بن ابی الفتح الاربلی ـ دارالکتاب الاسلامی بیثروت ـ ۱۴۰۱ هجرت)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَٰبِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا ۙ وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ ۖ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٢﴾

آیا بسوی آنان ندیدی که نفاق انداختند.آنان به برادران خود از اهل کتاب که کفرکردند گویند: اگرشما بیرون کرده شوید البته ماهم باشما خارج شویم و درباره شما قطعًا ازکسی پیروی نه کنیم واگرجنگ کرده شویدحتمًاشما رایاری دهیم، وخدا گواهی میدهد که یقینًا آنها دروغگویانند(١٢ )

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ ۚ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ ۚ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ﴿١٣﴾

اگرخارج کرده شوند آنها با آنان خارج نشوندواگرآنان جنگ کرده شوندهیچگاه به آنان کمك نکنندو اگرکمك کنندحتمًاپشتهابگردانند سپس یاری داده نشوند(١٣ )

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٤﴾

یقینًاشمادردلهای آنان بیمناکتراز خدا اید. اینست چه آنان قومی اند که هیچ نمیفهمند(١٤ )

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ ۚ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ ۚ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ

جنگ نکنند بشماجمعاً جز درشهر های خصاری یا از ورای دیوارها. جنگ آنهابمیان خودشان بسیار سخت است.توآنان را بهم پیوسته

| | |
|---|---|
| شَتّٰی ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا یَعْقِلُوْنَ ﴿۱۵﴾ؗ | میپنداری حالانکه دلهای آنها ازهم جدا است چه آنها قومی بیخرد اند(۱۵ )++ |
| كَمَثَلِ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِیْبًا ذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ ﴿۱۶﴾ؗ | [اینان] همچون آن مردم اند که بتازگی قبل از اینان طعم اعمال خود را چشیدند و برای ایشان عذابی دردناك است(۱٦ ) |
| كَمَثَلِ الشَّیْطٰنِ اِذْ قَالَ لِلْاِنْسَانِ اكْفُرْ ۚ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ اِنِّیْ بَرِیْٓءٌ مِّنْكَ اِنِّیْٓ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعٰلَمِیْنَ ﴿۱۷﴾ | همچون شیطان وقتی او به انسان گفت انکارکن.پس چون او انکار کردگفت،یقینًامن از تو بری‌الذمة هستم. همانامن از خدا پروردگار عالمیان میترسم(۱۷ ) |
| فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَآ اَنَّهُمَا فِی النَّارِ خَالِدَیْنِ فِیْهَا ؕ وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الظّٰلِمِیْنَ ﴿۱۸﴾ؑ | پس عاقبت مردواینطورشدکه مر دودرجهنم.مدت مدید درآن بمانند. ستمگرانرااین پاداش است(۱۸ ) |

آیت۱۵ :این پیشگوئی‌است درباره یهودیان که تاقیامت ادامه خواهدداشت. یهودیان راتاآنگاه که قلعه های‌محکم میسرنیآیدکه چگونگی‌این قلعه هامیتوان طبق حالات و زمان مختلف باشدوآنان به برتری خوداطمینان خاطرنداشته باشندهرگزبرخلاف متقابل خوددست بجنگ نمیزنند.ولی‌این چگونگی‌دال براین نیست که دلهای‌آنان بهم پیوسته است.بظاهرآنهادرمقابل دشمن یك دسته بنظرمیرسند ولی دلهای آنها مدام ازهم جدا است. دراین زمان کسانیراکه آنحضرت(ص] متشابه یهود قراردادند فرجام آنان نیز مثل یهودیان خواهد بود.

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۹﴾

ای‌آنانکه ایمان آوردیدخداراتقوا کنید.و باید هرنفس بنگرد هرچه بجهت فردا پیش فرستدیقیناً خدا آگاهست بآن عمل که میکنید(۱۹)

وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسٰهُمْ اَنْفُسَهُمْ ؕ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿۲۰﴾

و نشوید مانند آنها که خدا را فراموش کردند.پس او هم آنها را ازخودشان بغلفت انداخت. همانها بدکرداران اند(۲۰)

لَا يَسْتَوِيْٓ اَصْحٰبُ النَّارِ وَاَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ؕ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿۲۱﴾

اهل آتش و اهل بهشت نمیتوانند باهم برابرباشند.بهشتیان اند که پیروزمندانند(۲۱)

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ؕ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۲﴾

اگراین قرآن رابرکوهی نازل می کردیم حتماًآن ازترس خداخاضع و ریزه ریزه میشد و این مثلهای است که برای مردم بیان میکنیم تا ایشان تفکرکنند(۲۲)++

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ عٰلِمُ الْغَيْبِ

اوست خداآنکه جزاوهیچ معبودی نیست. اودانای نهان وعیانست.او

++آیت ۲۲:دراینجامنظور فقط کوه های زمینی نیست بلکه منظور شخصیت های ناموروداری مقام بلندبالاهستند بطوریکه درپایان آیت گفته شود که این مثل های زده میشود تا مردم براینها تدبرکنند.

وَالشَّهَادَةِ ۚ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿٢٢﴾

بلااستدعابخشنده بارها رحمکنندهٔ است(٢٢)

هُوَ اللّٰهُ الَّذِىْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۭ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٢٣﴾

اوست خداآنکه جزاوهیچ معبودی نیست.اوپادشاه است.اوپاك،سلام، امان دهنده، نگهبان،صاحب غلبه کامل ترمیم کننده کارهای‌شکسته، صاحب کبریائی است. پاك است خدا از آنچه شرك میورزند(٢٤)

هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۭ يُسَبِّحُ لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٤﴾

اوست خدا آنکه آفریننده، آغاز کننده آفرینش و مصوِّر است. همه نام های قشنگ ازآن اوست. او را تسبیح میگوید هرچه درآسمانهاو زمین است و اوصاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(٢٥)

# ٦۰-سورة الممتحنة

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم الله ١٤ آیت دارد.

در سورة قبلی ذکر از محشور کردن یهود رفته است و در این سورة مسلمانان متنبه ساخته میشوند آنهائی که خدا و رسول را دشمنی میکنند را هرگز بدوستی نگیرید. اگرچه بظاهر آنان دوست هم باشند دلهایشان پر از کینه است و هرآن به هلاك شما تزویر میکنند.

دنبال این، ذکر از اسوة حضرت ابراهیم علیه السلام میرود که دوستیها و دشمنیهایش تنها بخاطرخدا بود. لذا هیچکدام ازخویشاوندان، مادروپدر و فرزندان بدردشما نخورند.وابستگیهای خود را بخاطرخدا استوار کنید و بخاطرخداکسلید. اما در عین حال مومنان توصیه میشوند که آن دشمنان شما که در اذیت کردن پیشی نمیگیرند سزاوار شما نیست که به اذیت کردن آنان پیشی گیرید. تقاضای‌عدالتمندی اینست که تا آنگاه که آنان دردوستی بشماوفاکنند شماهم با آنان وفاکنید.

چون این سورة حاکی از آن زمان است که مسلمانان را علاوه بر یهود برخلاف دیگر مشرکان نیز برای قتال دفاعی رخصت داده شده بود بنابراین مسایلی ناشی از این قتال نیزدر نظرگرفته شد. بعنوان مثال اگر زنان کافران ایمان آورده مهاجرت کرده باشند باید ایمان ایشان کاملاً آزمایش شود و اگر واقعاًایشان بامیل خود ایمان آورده باشند درآنصورت نخستین وظیفه اینست که هرگزایشان بسوی کافران پس داده نشوند زیرا که هردوی ایشان برای همدیگرحَلال نمانده اند.البته سرپرستان آنان را بپردازید آنچه

ایشان مزینه کرده باشند.

سپس درپایان ذکر از آن پیمان بیعت میرود که میبایستی هم ازآن مومنات گرفته شود که ازسوی کافران مهاجرت نموده اند و هم از آن تمام مومنات که برای بیعت میل داشته باشند.

☆ سُوْرَةُ الْمُمْتَحِنَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّرُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیار بخشندهٔ بارمارحمکننده(۱)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَآءَ تُلْقُوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوْا بِمَا جَآءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ ۚ يُخْرِجُوْنَ الرَّسُوْلَ وَاِيَّاكُمْ اَنْ تُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ ۗ اِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِيْ سَبِيْلِيْ وَابْتِغَآءَ مَرْضَاتِيْ ۖ تُسِرُّوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ۖ وَاَنَا اَعْلَمُ بِمَآ اَخْفَيْتُمْ وَمَآ اَعْلَنْتُمْ ۗ وَمَنْ يَّفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ②

ای کسانیکه ایمان آورده اید دشمنم و دشمن خودتان را هرگز دوست نگیرید.شمابسویشان پیام های دوستی میفرستید درحالیکه آنها به آن حق انکارکرده اند که شماراآمد.آنها رسول و شمارا [از خانه ها]بیرون میکنندتنها براینکه شما به خدا پروردگارخود ایمان آورده اید.اگرشمادر راه من و به تلاش رضای من برای جهاد بیرون رفته محرمانه بسویشان پیغام های دوستی میفرستید درحالیکه من داناترام به آنچه پنهان کنید و آنچه عیان کنید[این اختفای شما بیفایده است] و هرکه از شما این طورعمل کند پس یقیناًاو از راه راست گمراه شد(۲)

إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَآءً وَيَبْسُطُوٓا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوٓءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٣﴾

اگر شمارا بیابند برای شما دشمنان باشند و دستهای خود و زبان های خود را ازسوء نیت بر شما دراز کنند و دوست دارند کاشکی انکار کنید(٣)

لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَآ أَوْلَادُكُمْ ۚ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

معانقة عند المتأخرين

هرگزخویشان شماو فرزندان شما روزقیامت بشماهیچ بهرهٔ نرسانند او میان شما جدائی افکند وخدا بینای آنست که شماعمل کنید(٤)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرٰهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُۥ ۚ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءٰٓؤُا مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّٰهِ ۖ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدٰوَةُ وَالْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتّٰى تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِن شَىْءٍ ۖ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٥﴾

شما را در ابراهیم و کسانیکه با او بودند اسوه حسنهٔ است چون به قوم خود گفتند که ما بیزاریم ازشما و ازآنچه شما بغیر از خدا عبادت میکنید.ما بشما انکار کرده ایم و میان ما و میان شماعداوت و کینه پدیدار شده است تاآنگاه که به خدای یگانه ایمان آورید مگرآن قول که ابراهیم برای پدر خویش داده بودکه حتمًامن برای تو دعای آمرزش کنم باآنکه من از جهت خدا درحق تو هیچ اختیاری

ندارم[زیراکه آن استثنائی بود].
پروردگارا! ماتنها برتو توکل می
کنیم و بسوی تو انابت میکنیم و
بازگشت ما به سوی تواست(۵)

رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَا ۚ إِنَّكَ أَنتَ الۡعَزِيزُ الۡحَكِيمُ ۝٦

پروردگارا!مارا برای آنها که کفر
کردند موجب آزمایش مگردان.
پروردگارا! مارا بیآمرز یقینًا تو
صاحب غلبه کامل صاحب بسیار
حکمت هستی(۶)

لَقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِيهِمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرۡجُوا اللَّهَ وَالۡيَوۡمَ الۡآخِرَ ۚ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الۡغَنِيُّ الۡحَمِيدُ ۝٧

یقینًا درایشان شمارا نمونهٔ نیکو
است یعنی برای اوکه خدا و روز
آخرت را امیددارد و هرکه روی
برتابد پس یقینًاخدا است که او
بی نیاز صاحب ستایش است(۷)

عَسَى اللَّهُ أَن يَجۡعَلَ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَ الَّذِينَ عَادَيۡتُم مِّنۡهُم مَّوَدَّةً ۚ وَاللَّهُ قَدِيرٌ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝٨

نزدیك است خدا بین شما و بین
آنهائی از آنان که شما دشمنی
داشتید محبت بیافکند وخدا مدام
قدرتمنداست و خداآمرزندهٔ بارها
رحم کننده است(۸)

لَا يَنۡهَىٰكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمۡ

خداشمارابازنمیدارد از آنانکه در
دین بشما قتال نکردند وشمارا از

يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّيْنِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوْا اِلَيْهِمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ﴿٩﴾

خانه هایتان بیرون نراندند که با آنان دوستی‌کنید و با ایشان بداد رفتارنمایید. یقینًا خدا دادگران را دوست دارد(۹)++

اِنَّمَا يَنْهٰىكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ قٰتَلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ وَاَخْرَجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظٰهَرُوْا عَلٰٓى اِخْرَاجِكُمْ اَنْ تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿١٠﴾

خدا شمارا فقط ازآنها باز میدارد که در امردین بشما قتال کردند و شمارا از دیارتان بیرون راندندو به اِخراج شمابه همدیگر پشتبانی کردند وهرکه آنانرا دوست گیرد پس همانها ستم کارانند(۱۰)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا جَآءَكُمُ الْمُؤْمِنٰتُ مُهٰجِرٰتٍ فَامْتَحِنُوْهُنَّ ۖ اَللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِهِنَّ ۚ فَاِنْ عَلِمْتُمُوْهُنَّ مُؤْمِنٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوْهُنَّ اِلَى الْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید چون زنان مومن مهاجرت کنان نزدشما بیآیندپس آنانراامتحان کنید.خدا ایمان آنانرابیشترمیداندپس اگر آنانرامومنات بازشناسیدپس آنان

آیت۹:این آیة کریمه تصورجنگهای تهاجمی راردمیکند وبازنمیدارد از رفتارنیکو با آنانکه بامسلمانان بعلت اختلاف دین جنگ نکردند ونه بیگناهان رااز منازل ایشان بیرون راندند.اشتباهاًبرخی‌ازآیتهای‌دیگراین استنباط کرده میشوددوستی باهرکدام غیرمسلم حرام است. اما از این آیت بدیهی است کسانیکه بعلت اختلاف دین با مسلمانان نه جنگ تهاجمی کردند و نه ایشان را بیگناه از خانه های ایشان بیرون کردندبا آنان نه فقط دوستی جایز است بلکه فرمان شده است که با ایشان حسن سلوك نشان داده شود.

لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَاٰتُوْهُمْ مَّآ اَنْفَقُوْا ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اَنْ تَنْكِحُوْهُنَّ اِذَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ ۚ وَلَا تُمْسِكُوْا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسْئَلُوْا مَآ اَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْئَلُوْا مَآ اَنْفَقُوْا ۚ ذٰلِكُمْ حُكْمُ اللّٰهِ ۚ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ⑪

رابسوی کافران پس نفرستید.نه ایشان برای آنها حلالند و نه آنها برایشان حلالندو[سرپرستان] هر چه به خرج دادند به آنهابدهید. و هیچ باکی برشمانیست که با آنان عقد ازداج بندید درصورتیکه آنها را مهریه ایشان بپردازید و کار نکاح زنان کافر را دراختیارخود نگیرید و بطلبید [ازآنها] هرچه هزینه کردید و بطلبند [از شما] هرچه آنهاهزینه کردند.این فرمان خدااست.او میان شما فیصل می دهد و خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۱۱)

وَاِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ اِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَاٰتُوا الَّذِيْنَ ذَهَبَتْ اَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَآ اَنْفَقُوْا ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اَنْتُمْ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ ⑫

و اگر برخی از زنان شما بسوی کافران ازدست شمابروند،بازشما عوض گرفته باشید آنگاه مومنان که زنان ایشان از دست رفته باشند را بپردازید طبق آنچه آنها هزینه کردند وبترسید از آن خدا که براوشماایمان آوردید(۱۲)

يَاَيُّهَا النَّبِىُّ اِذَا جَآءَكَ الْمُؤْمِنٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلٰٓى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ فِىْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۲﴾

ای‌پیغمبرچون مومنات نزد تو بیآیند که براین[امر] به تو بیعت کنند که هیچ را شریك خدا نه گردانند، و نه دزدی کنند و نه زنا کنند و نه اولاد خود را بکشند و نه تهمتی زنند که آن را پیش روی دست وپاهای خودبهم بافته باشند ونه در معروفات تورا نافرمانی کنند پس بیعت ایشان راقبول کن و برای ایشان از خدا آمرزش بطلب. یقیناً او آمرزنده ی بارها رحمکننده است(١٢)

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوْا مِنَ الْاٰخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ الْقُبُوْرِ ﴿۱۳﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید قومی را بدوستی نگزینید که خدا بر آنهاخشمناك شد.یقینًاآنهاازآخرت نومید شده اند بطوریکه کافران ازاهل قبورنومید شده اند(١٤)

ع ٢ ٨

# ٦١ - سورة الصّفّ

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۵ آیت دارد.

درپایان سورة گذشته سخن از پیمان بیعت رفته است. این عهد نامه نه تنهاازوظایف زنان حاکیاست بلکه مردان مومن نیزاز روی این پیمان بیعت برای پرهیزازبیماریهای روحانی عقدپیمان میبندند.پس هردویسرآغازسورة صف توصیه میشوندکه نسبت به پیمان بیعت خویش دو روی نکنید و نه اینکه دیگران رانصیحت کنید و خودتان برآن عمل نکنید.اگر شما بر پیمان بیعت مخلصانه برقرار باشید آنگاه خداوند قلب های شما را بطوری بهم پیوند زند که شما را درمقابل دشمن همچون دیواری سرب دار استوار نماید.

این سورة عبارت از آن پیشگوئی نسبت به آنحضرت ﷺ نیز است درچه حضرت عیسٰیعلیه السلام آنحضرت ﷺ را به دومین اسم ایشان یعنی احمد تذکر داده بودند که صفت جَمالی ایشان را مظهراست. ذکری که درتعلق نام احمد ببعدیافت میشوداثبات میکندکه یك مظهرجمال آنحضرت ﷺ در آخرین زمان بظهورخواهد آمد. آنزمان او و پیروانش توفیق بدست خواهند آورد که اسلام را بجای صفت جلالی بوسیله صفت جمالی ترویج بنمایند.این نقشه آشکار میسازد که این پیشگوئی مربوط به آینده بود.

چون پایان این سورة حاکیازپیشگوئیهاواین اعلام حضرت مسیح است کیست که مرا درراه خدایاریکند برهمین منوال لازم است که چون در زمان آخرمسیح محمدی این اعلام کند مسلمانان براین پیشگوئی ایمان آورده زیر پرچم او جمع شده اعلام کنند.ما در راه خدا یاوران مسیح محمدی هستیم.

☆ سُوْرَةُ الصَّفِّ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحمکننده(١)

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢﴾

برای خدا تسبیح میخواند هرچه در آسمانها است و هرچه در زمین است و او صاحب غلبه کامل صاحب بسیار حکمت است(٢)

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٣﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید چرا میگویید آنچه انجام نمیدهید(٣)

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٤﴾

گناهی بزرگ است نزد خدا که بگویید آنچه راانجام ندهید(٤)

اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهٖ صَفًّا كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ ﴿٥﴾

یقیناًخدادوستداردکسانیراکه در راه او صف بسته قتال کنندگویی که آنان دیواری سرب دار اند(٥)

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُوْنَنِيْ وَقَدْ تَّعْلَمُوْنَ اَنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ ۖ فَلَمَّا زَاغُوْٓا اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ ۖ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٦﴾

وچون موسٰیبقومش گفت:ای قوم من!چرا آزارم دهیدباآنکه میدانید که یقیناًمن بسوی شمارسول خدا هستم.پس وقتیکج شدند پس خدا دلهاشان را کج نمود وخدا قوم فاسقان را هدایت نمیدهد(٦)

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ ۖ فَلَمَّا جَآءَهُم بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷﴾

و هنگامیکه عیسٰی ابن مریم گفت، ای بنی‌اسرائیل‌ایقینًامن بسوی شمارسول خدا ام تصدیق کننده آنچه ازتورات که پیشرویم است و مژدهِ دهندهٔ ام به رسولی بزرگ که پس از من خواهد آمد. نامش احمد است.پس چون او با نشانه های روشن نزد ایشان آمدگفتند: این جادوئی آشکارا است(۷)++

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعٰىٓ إِلَى الْإِسْلٰمِ ۚ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ﴿۸﴾

وکیست ستمکارتر ازآنکه برخدا دروغ بنددحالیکه او بسوی اسلام خوانده شود وخدا قومی ستمکار را هدایت نمیدهد(۸)

يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوٰهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ ﴿۹﴾

میخواهند که نورخدا را با[فوت] دهنهای‌خویش خاموش کنندحالی که خدا نور خویش را بکمال رساننده است هرچند کافران را خوش نیآید(۹)++[ص#۰ ۱۳۹ ]

++آیات۷:این آیت عبارت ازپیشگوئی‌به ظهورشأن احمدیت آنحضرت ﷺ میباشد. ایشان طبق پیشگوئی حضرت موسٰی هم بنام محمد جلوه کردند و هم طبق پیشگوئی حضرت عیسٰی بنام احمد ظهور کردند.

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ﴿۱۰﴾

اوست که رسول خود راباهدایت ودین حق فرستاد تاآنرابرهرکدام [پخش]دین غالب گرداند اگرچه مشرکان را ناخوش آید(۱۰)++

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى تِجَارَةٍ تُنْجِيْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿۱۱﴾

ای کسانیکه ایمان آورده اید آیا شمارا بر تجارتی مطلع سازم که شما را از عذابی دردناك نجات دهد؟(۱۱)

تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ۭ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿۱۲﴾

شما به خدا و رسول او ایمان می آرید و با مالهای خود و جانهای خود در راه خدا جهاد میکنید.این برای شما بهتر است اگر شما بدانید(۱۲)++

++آیت۹:حضرت مسیح موعودمیفرمایند:دراین آیت بتصریح فهمانیده میشودکه مسیح موعوددرچهاردهمین قرن ظهورمیکندزیراکه اتمام نورراچهاردهمین شب مقرراست.

++آیت۱۰:این آیت بوضاحت بیان میکندکه آنحضرتﷺ رسولی برای همه جهانها هستند.ایشان فقط بسوی پیروکاران دین مخصوصی مبعوث نشده بودندبلکه بسوی پیروکاران هرکدام دینی که هرجا در تمامی جهانها ظهورکرد فرستاده شده اند وبر همگان غلبه خواهند یافت. حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند." این در قرآن شریف پیشگوئی عظیم الشأن است که نسبت به آن علماء و محققان متفق اند که این بردست مسیح موعود بپایان برده خواهد شد.

++آیت۱۲ : این اسلوب ترجمه از املاء ما مَنَّ به الرحمن گرفته شده است.

يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوۡبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنّٰتٍ تَجۡرِيۡ مِنۡ تَحۡتِهَا الۡاَنۡهٰرُ وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيۡ جَنّٰتِ عَدۡنٍ ؕ ذٰلِكَ الۡفَوۡزُ الۡعَظِيۡمُ ۙ﴿۱۳﴾

او گناهان شمارا درحق شمابیآمرزد وشمارا واردکند به بهشتهای‌که در دامنه آنها نهرهای روان است و خانه های پاکیزه که در بهشتی جاودانیست. این پیروزی بسیار بزرگ است(۱۳)

وَاُخۡرٰى تُحِبُّوۡنَهَا ؕ نَصۡرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتۡحٌ قَرِيۡبٌ ؕ وَبَشِّرِ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ ﴿۱۴﴾

و[مژده ای]دیگر است که آن را بسیاردوستدارید.یاریی از جانب خداوپیروزی‌نزدیك.پس بمومنان مژده بده(۱۴)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا كُوۡنُوۡۤا اَنۡصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيۡسَى ابۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيّٖنَ مَنۡ اَنۡصَارِيۡۤ اِلَى اللّٰهِ ؕ قَالَ الۡحَوَارِيُّوۡنَ نَحۡنُ اَنۡصَارُ اللّٰهِ فَاٰمَنَتۡ طَّآئِفَةٌ مِّنۡۢ بَنِيۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ وَكَفَرَتۡ طَّآئِفَةٌ ۚ فَاَيَّدۡنَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا عَلٰى عَدُوِّهِمۡ فَاَصۡبَحُوۡا ظٰهِرِيۡنَ ﴿۱۵﴾ ع

ای کسانیکه ایمان آورده اید یاران خدا باشید بطوریکه عیسی ابن مریم به حواریان گفت: کیستند که [برای رهنمائی کردن] بسوی‌خدا یارانم باشند؟حواریان گفتند: ما یاران خدا هستیم. پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی انکارکردند پس آنانکه ایمان آوردند را بر خلاف دشمنان ایشان یاری دادیم پس ایشان[بر آنها]غالب آمدند(۱۵)

# ۶۲-سورة الجمعة

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّٰه ۱۲ آیت دارد.

این سورة جامع تمامی پیشگوئیها مذکور در سورة گذشته است و هرکدام معنای کلمه "جمع" در این نقل شده است.یعنی آنحضرت ﷺ موجب شوند که اوّلین و آخرین امت خویش را جمع کنند و جلوه صفت جلالی و صفت جمالی خویش را نیزجمع کنند. این سورة حاکی از آن تجمع هفتگی مسلمانان نیز است که روزجمعه برگزارمیشود.

پایان این سورة حاکی ازاین پیشگوئی است که مسلمانان آینده بدنبال کسب مال و منال و مشغول در تجارتها آنحضورﷺ را تنها وابگذارند. درباره این آیة بعض علماء میگویند که در زمان آنحضرت ﷺ چنین میشد که گاهی آن اصحاب مخلص ایشان که حتّی حین جنگهای پرخطر نیز ایشان را تنها نمیگذاشتند چون اخبار از قافله های تجاری میشنیدند آنحضور ﷺ را تنها گذارده بسوی آن قافله های تجاری فرار میکردند. البته این بهتان بزرگی بر اصحاب آنحضورﷺ است بلکه این تذکر از آن مسلمانان در زمان آخرین است که عملاً دین خویش را بغفلت سپرده هیچ میل به پیغام آنحضور ﷺ نخواهند داشت.

☆ سُوْرَةُ الْجُمُعَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(١)

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ②

برای خدا تسبیح میخواند هرچه در آسمانها است و هرچه در زمین است. پادشاه است. پاك مطلق و صاحب غلبه کامل صاحب بسیار حکمت است(٢)

هُوَ الَّذِيْ بَعَثَ فِي الْاُمِّيّٖنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهٖ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوْا مِنْ قَبْلُ لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ③

اوست که درقومی بیسوادرسولی باعظمت را ازخودایشان مبعوث کردکه آیاتش را برایشان تلاوت میکند. آنانراپاك میسازد وآنانرا کتاب و حکمت میآموزد درحالیکه از این پیش در گمراهی آشکار بودند(٣)++

++آیت ٣: این سورة رتبه فوق العادهٔ آنحضرت ﷺ را عنوان میکند که ایشان ایمان آوردگان خود را تزکیه نفس قبل ازبیان علم کتاب وحکمت باتلاوت آیات میکردند. این معجزهٔ ی بزرگ از قرآن است که پیش از این در نخستین سورة البقرة آیت ١٣٠ آن دعای حضرت ابراهیم مذکور است که به بعثت آنحضرت ﷺ تعلق دارد.ایشان برای رسولی دعاکردند که آیات خدارافروخواند و باز ایشان را به علم کتاب وحکمت آگاه سازدودرنتیجه اش ایشان راتزکیه نفس کند[ص#١٣٩٤]

وَّاٰخَرِيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوْا بِهِمْ ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٤

و بسوی دیگران از ایشان[نیز مبعوث کرده است] که هنوز به ایشان ملحق نشده اند(٤)++

ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ۝٥

این فضل خدا است که آنرا به هرکه خواهد اعطا میکند و خدارا فضلی عظیم است(٥)++

بقیه آیت۳: درباره قبولیت این دعا درسه جا تذکراست ولی هرجا این نوشته است که آنحضورﷺ تزکیه نفس با تلاوت آیات بعمل میآوردند و آموختن کتاب و حکمت را ذکر بعد از این است. پس این اعجاز قرآن است که نزولش ۲۳سال طول کشید ولی هیچ جادرآیاتش تضادی یافت نمیشود.

++آیت٤ :درگروه"آخرین"مزبوردراین آیت نیزذکرازمبعوث شدن همان رسول است که درآیت گذشته بود(هُوَالَّذِی بَعَثَ فِی الْاُمِّیّٖنَ رَسُولاً).امادرپایان این آیت آن چهارصفت نیست که درپایان آیت۲بود بلکه فقط دوصفت عزیزوحکیم بازگو شده است. ازاین معلوم میشود رسولی که در آغاز این سورة مذکور است مجدداً خودش نمیآید بلکه کسی بطورظلش بدون شریعت جدیدی فرستاده شود. جالب اینست که درضمن حضرت عیسٰی علیه السلام نیزهمین دوصفت الهیبیان شد بطوریکه فرموده شد: بَل رَّفَعَهُ اللّٰهُ اِلَیهِ وَ کَانَ اللّٰهُ عَزِیزًا حَکِیمًا (النساء ـ ۱۵۹).

++آیت٥ :ازاین آیت اثبات میشود که سخن از نخستین بعثت آنحضورﷺ نیست والا گفتن "یُؤتِیهِ مَن یَشَآ"لازم نبود. منظوربعثت ثانیایشانست که درقالب یك نبی امتی ایشان صورت میگیرد و این امتیاز از فضل و احسان الهی است که خدا میدهد به هرکه بخواهد. این امر از حدیث بخاری نیز تایید میشود. چون هنگام تلاوت این آیة اصحاب پرسیدند من هم یا رسول اللّٰه. اینك سوال این نیست که ظهور کننده کیست بلکه پرسیده میشود که کیستند که بسوی ایشان او فرستاده [ص#۱۳۹۵]

مَثَلُ الَّذِيْنَ حُمِّلُوا التَّوْرٰىةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوْهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ اَسْفَارًا ؕ بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝

مثل آنان که به تورات تکلیف کرده شدندسپس آنرا[سزاوارش] برنداشتندمچون اولاقی است که بارکتابهارابرمیدارد. بسیارزشت است مثل آنها که آیتهای خدا را تکذیب کردندوخدا قوم ستمگران را هدایت نمیدهد(٦)

قُلْ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ هَادُوْۤا اِنْ زَعَمْتُمْ اَنَّكُمْ اَوْلِيَآءُ لِلّٰهِ مِنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝

بگو ای کسانیکه یهود شدید اگر گمان کنید که با ترك همه مردم تنهاشمادوستان خدااید پس مرگ را آرزوکنید اگرشما راستگویان اید(۷)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهٗۤ اَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ۝

و ابدًا به آن آرزو نکنند بدانعلت که دستهایآنان پیش فرستادوخدا ستمکاران را بخوبی میداند(۸)

قُلْ اِنَّ الْمَوْتَ الَّذِىْ تَفِرُّوْنَ مِنْهُ فَاِنَّهٗ

بگو، براستی آن مرگ که از آن

بقیه آیت ۵: خواهد شد. انحضرتﷺ دست بر شانه حضرت سلیمان فارسی نهاده فرمودند که ایمان اگر بر ثریا هم بالارود آنگاه از این مردمان یك رجل یا رجال آنرا از ثریا به زمین باز خواهند آورد. از این امر اثبات میشود که ذات گرامی آنحضرت ﷺ دوباره مبعوث نمیشود بلکه یك رجل درغلامی ایشان مبعوث شود که او اهل فارس یعنی از اهل عجم میباشد.

مُلٰقِيۡكُمۡ ثُمَّ تُرَدُّوۡنَ اِلٰى عٰلِمِ الۡغَيۡبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمۡ بِمَا كُنۡتُمۡ تَعۡمَلُوۡنَ ⑨

فرارکنید یقینًا آن به شما دررسد پس حتمًابسوی دانای نهان وعیان برگردانیده شوید. آنگاه او شما را آگاه سازد به آن عمل که می کردید(۹)

ع ۹ / ١١

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡۤا اِذَا نُوۡدِىَ لِلصَّلٰوةِ مِنۡ يَّوۡمِ الۡجُمُعَةِ فَاسۡعَوۡا اِلٰى ذِكۡرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الۡبَيۡعَ‌ؕ ذٰلِكُمۡ خَيۡرٌ لَّكُمۡ اِنۡ كُنۡتُمۡ تَعۡلَمُوۡنَ ⑩

ای‌آنانکه ایمان آوردیداگردر یك بخش از روز جمعه بنماز خوانده شویدپس بسوی‌ذکرخدابشتابیدو دادوستدراترك كنید.این شما را بهتراست اگرشما بدانید(۱۰)

فَاِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانۡتَشِرُوۡا فِى الۡاَرۡضِ وَابۡتَغُوۡا مِنۡ فَضۡلِ اللّٰهِ وَاذۡكُرُوا اللّٰهَ كَثِيۡرًا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُوۡنَ ⑪

پس هرگاه نماز اداکرده شود پس درزمین پراکنده شوید و از فضل خدا تلاش کنید و خدا را بسیار یاد کنیدتاشماموفق شوید(۱۱)

وَاِذَا رَاَوۡا تِجَارَةً اَوۡ لَهۡوَا۟ اۨنْفَضُّوۡۤا اِلَيۡهَا وَتَرَكُوۡكَ قَآئِمًا‌ؕ قُلۡ مَا عِنۡدَ اللّٰهِ خَيۡرٌ مِّنَ اللَّهۡوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ‌ؕ وَاللّٰهُ خَيۡرُ الرّٰزِقِيۡنَ ⑫

وهرگاه معاملهٔ تجاری یا بازیچه را ببینند بسوی آن میشتابند و تو را تنها میگذارند.بگوآنچه نزد خدا است نیکوتر از بازیچه و معاملهٔ تجاری است وخدا بهترین رزق دهندگان است(۱۲)

ع ۲ / ۱۲

# ۶۳-المنافقون

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّٰه ۱۲ آیت دارد.

آغاز این سورة عبارت از این موضوع است که بعض منافقان درزمان کنونی سوگندهایادمیکنند که حتماً تو رسول خدا هستی و خدا خوب میداند که واقعاً تو رسول خدا هستی اما در عین حال خدا اینهم میداند که منافقان دروغگویانند.برهمین منوال درزمان آخرین نیز بسیارکثیرمسلمانان نسبت به صداقت آنحضور قسم ها خواهندخورد اماخدا گواه باشد که آنان فقط قسم های زبانی خورند و خواسته های ایمان را انجام ندهند.

این سورت دارای سخن از آن ریئس المنافقین عبداللّٰه بن آبی سلول است که در زندگی آنحضرت ﷺ وجود داشت و حاکی از آن رویداد است که چطور او هنگام برگشتن از غزوه ای نسبت به آنحضرت ﷺ آشکارا دهن دریده شده بود تا آن انتها که برای‌خویشتن معززترین فرد مدینه مدعی شد. او نسبت به آنحضرت ﷺ در زبان گستاخانه گفت که مدینه رسیده او رسول اللّٰہ ﷺ را بیرون خواهد راند. البته آنچه تقدیر خداوندی نشان داد اصلاً به عکس بود. ایشان بزرگترین نمونه عفو را ابراز کرده و با آنکه قدرتمند بودند او را از مدینه بیرون نراندند و برایش تا دم مرگش استغفار میکرده اند تا آن انتها که خداوند ایشان را حکماً منع فرمود که در آتیه برقبرش ایستاده برایش طلب مغفرت نکن.

☆ سُوْرَةُ "الْمُنَافِقُوْنَ" مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیار بخشنده،بارها رحمکننده(١)

اِذَا جَآءَكَ الْمُنٰفِقُوْنَ قَالُوْا نَشْهَدُ اِنَّكَ لَرَسُوْلُ اللّٰهِ ۘ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّكَ لَرَسُوْلُهٗ ؕ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكٰذِبُوْنَ ۚ②

چون منافقان نزدتوآیند میگویند که گواهی دهیم که یقینًاتورسول خدا هستی و خدا میداند که تو رسولش هستی بازهم خدا گواهی میدهد که منافقان یقیناً دروغ گویانند(٢)++

اِتَّخَذُوْٓا اَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ اِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ③

آنهاقسمهای‌خودرا‌سپری میگیرند. پس آنها از راه خدا بازدارند. یقیناً زشت است آن عمل که آنان میکنند(٣)

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَطُبِعَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ ④

اینست چه آنان ایمان آورده باز انکارکردند.پس بردلهای آنها مهر نهاده شد. پس آنان درك نمی کنند(٤)

---

++آیت ٢: بعضی مردم با این وجود که شفاهاً به صداقت تصدیق میکنند که واقعاً درست است اما در دلهای آنان تکذیب میباشد.پس خداوند به آنحضرت ﷺ مطلع ساخت که سخنی راست میگویندولی دلهای آنان مکذب است.

وَاِذَا رَاَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ اَجْسَامُهُمْ ۖ وَاِنْ يَّقُوْلُوْا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ ۖ كَاَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ ۖ يَحْسَبُوْنَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ ۖ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ۖ قٰتَلَهُمُ اللّٰهُ ۚ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ۝

و چون آنانرا میبینی پیکرهای آنان توراخوش میآیندواگرحرفی زنندبه گفتارآنها گوش فرامیدهی. آنهامچون چوبهای‌خشك بهم تکیه داده اند.هرکدام تُندر برق را بر خودشان [غرش کرده] میپندارند. همانها دشمن اند پس از [شرّ] آنها حذرکن.برآنهالعنت خدا باد بکجا منحرف کرده میشوند(۵)

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُءُوْسَهُمْ وَرَاَيْتَهُمْ يَصُدُّوْنَ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُوْنَ ۝

و هرگاه گفته شوندکه بیآیید تا رسول خدابرایشما آمرزش بطلبد پس سر های‌خود را برمیتابند و آنانرا می بینی که آنان تکبرکرده [ازقبول حق] بازمیایستند(٦)

سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۖ لَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ۖ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ۝

برای‌آنها برابراست که برای آنها آمرزش بطلب یابرای‌آنها آمرزش نطلب.هرگزخداآنهارانیآمرزد.حتما خدابقوم فاسقان هدایت ندهد(۷)

هُمُ الَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ لَا تُنْفِقُوْا عَلٰى مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفَضُّوْا ۖ وَلِلّٰهِ

همانها اند که میگویند، انفاق نکنید بر آنان که نزد رسول خدا اندتامتلاشی‌شوند حالیکه گنجهای

خَزَآئِنُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَا يَفْقَهُوْنَ ﴿٨﴾

آسمانها و زمین ازآن خدااست و اما منافقان نمی فهمند(٨)

يَقُوْلُوْنَ لَئِنْ رَّجَعْنَآ اِلَى الْمَدِيْنَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْاَعَزُّ مِنْهَا الْاَذَلَّ ۭ وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُوْلِهٖ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٩﴾ ع

گویندا گربه مدینه بازگردیم حتمًا ارجمندترین از آنها پست‌ترین را از آن بیرون کند حالانکه عزت تمامًا ازآن خداورسولش ومومنان است اما منافقان نمیدانند(٩)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُلْهِكُمْ اَمْوَالُكُمْ وَلَآ اَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١٠﴾

ای‌کسانیکه ایمان آورده اید مال هایتان و فرزندانتان شمارا ازیاد خدا غافل نکنند و آنکه اینطور کند پس همانها زیانکاراانند(١٠)

وَاَنْفِقُوْا مِنْ مَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُوْلَ رَبِّ لَوْلَآ اَخَّرْتَنِيْٓ اِلٰٓى اَجَلٍ قَرِيْبٍ ۙ فَاَصَّدَّقَ وَاَكُنْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١١﴾

و انفاق کنید ازآنچه شمارا اعطا کرده ایم قبل ازآنکه احدی شمارا مرگ بیایدآنگاه گویدپروردگارا! کاشکی مرا تا مدتی کوتاه فرصت میدادی پس حتمًا صدقه میدادم و از جمله نیکوکاران میشدم(١١)

وَلَنْ يُّؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْسًا اِذَا جَآءَ اَجَلُهَا ۭ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٢﴾ ع

وهرگزخداجانی را که مدت معین او فرارسد فرصت نمیدهد و خدا مدام آگاه است به آن عمل که شما مکنید(١٢)

# ٦٤-سورة التغابن

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّٰه ۱۹ آیت دارد.

آغاز این سورة نیز مانند سورة الجمعة با کلمات يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَافِى السَّمٰوٰتِ وَمَافِى الأَرض میشود. این سورة نیز ذکر از تسبیح خدا کرده حاکی از این امر است که زمین و آسمان و هرچه میان آنها است خدا را تسبیح میگوید چنان تسبیح که بالاتر از همگان رسول اللّٰه ﷺ گفتند. پس چطور امکان پذیر است که هرکه به این مُسَبِّح اَعظم اهانت کند خدا او را مورد غضب خود قرار ندهد.

نسبت به آن "تجمع" زمان آخر که سورة جمعة حاکی از آنست این پیشگوئی نیز کرده شد که آن راستی و ناراستی را روز بازشناسایی است.

درآن زمان که دَور قربانی دارائیها است همه فداکاران دارائی مژده ای داده میشوند که هرچه از روی صفای قلب در راه خدا انفاق کنند خداوند آنرا قبول کرده پاداشی بزرگ میدهد.

☆ سُوْرَةُ التَّغَابُنِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(۱)

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ۫ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ②

برای خدا تسبیح میخواند هرچه در آسمانهااست و هرچه در زمین است. پادشاهیازآن اوست و ستایش مطلق ازآن اوست و او برهرچیز مدام قدرتمند است(۲)

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَّمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ③

اوست آنکه شماراآفرید. پس از شما هم کافرند و هم مومنندوخدا به آنچه انجام دهیدبینا است(۳)

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۚ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ④

او آسمانهاوزمین را بحق آفریده وشما راتصویرکرد. پس صورتهای شمارا زیباتر ساخت و بازگشت بسوی او است(٤)

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ⑤

او میداند آنچه درآسمانها است و زمین و میداند آنچه پنهان کنید و آنچه عیان کنید و خدا به امور سینه ها مدام آگاه است(۵)

اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ

آیاشمارا خبرآنهانرسید که ماقبل

قَبْلُ ۡ فَذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٦﴾

کفرکرده بودند پس عقوبت کار خود را چشیدند و آنها را عذابی دردناك است(٦)

ذٰلِكَ بِاَنَّهٗ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوْٓا اَبَشَرٌ يَّهْدُوْنَنَا ۡ فَكَفَرُوْا وَتَوَلَّوْا وَّاسْتَغْنَى اللّٰهُ ؕ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ﴿٧﴾

اینست چه آنهارا رسولان ایشان با نشانه های روشن میآمدند پس آنهامیگفتند.آیاآدمیان ماراهدایت میدهند؟ پس انکار کردند و روی برتابیدند و خدا [ازآنها] مستغنی شد و خدا بی نیاز صاحب بسیار ستایش است(٧)

زَعَمَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنْ لَّنْ يُّبْعَثُوْا ؕ قُلْ بَلٰى وَرَبِّيْ لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ؕ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ﴿٨﴾

کسانیکه کفر کردند پنداشتند که هرگزبرخیزانده نشوند.بگو بلی، سوگند به پروردگارم که حتمًا بر خیزانیده شوید سپس حتمًا آگاه کرده شویدبه آنچه انجام میدادید و خدا را این امر آسان است(٨)

فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالنُّوْرِ الَّذِيْٓ اَنْزَلْنَا ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿٩﴾

پس ایمان آرید به خدا و رسولش وبه آن نورکه ما نازلکردیم وخدا به آنچه انجام دهید مدام آگاه است(٩)

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِكَ يَوْمُ

روزیکه شمارابرای روز تجمع

التَّغَابُنِ ۗ وَمَنْ يُّؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُّكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۗ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ⑩

جمع کند. آن روز برد و باخت است و هرکه به خدا ایمان آرد و نیکوکاری کند او زشتیهایش را از او دورنماید واو را واردبهشت های کند که در دامنه آنها نهرهای روانست.ایشان درآنهاجاودانانند. این پیروزی بزرگ است (۱۰)

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑪ ع

و کسانیکه کفرکردند و به آیتهای ما تکذیب کردند همانهااهل آتشند و در آن مدت دراز میمانند و چه زشت باز گشتگاهی است(۱۱)

مَآ اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يُّؤْمِنْ بِاللّٰهِ يَهْدِ قَلْبَهٗ ۗ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيْمٌ ⑫

هیچ گزندی نمیرسدجزباذن خدا و هرکه به خدا ایمان آرد او دل او را هدایت میدهد و خدا به هر چیز مدام دانا است(۱۲)

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِنَّمَا عَلٰى رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ⑬

واطاعت کنیدخداراواطاعت کنید رسول را.پس اگرروی برتابید آنگاه بررسول فقط ابلاغ کردن آشکارااست(۱۳)

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۗ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ⑬

خدا است که جز او هیچ معبود نیست.پس مومنان را باید برخدا

يَآاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ ۚ وَاِنْ تَعْفُوْا وَتَصْفَحُوْا وَتَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۵﴾

توكل كنند(١٤ )
ای كسانيكه ايمان آورده ايد يقينًا از همسران شما و فرزندان شما بعض دشمن شمايند. پس از آنها حذر كنيد و اگر عفو كنيد و گذشت كنيد و بيامرزيد پس يقينًا خدا آمرزندهٔ ی بارها رحم كننده است(١٥ )

اِنَّمَآ اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۭ وَاللّٰهُ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿۱٦﴾

دارائيهای شما و فرزندان شما فقط آزمايش است و خدا است كه نزدش پاداشی بزرگست(١٦ )++

فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاَنْفِقُوْا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ ۭ وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿۱۷﴾

پس خدارا تقوٰی فراگيريدتاحدی كه ميتوانيدوگوش كنيدو اطاعت نماييدوانفاق كنيدكه برای جانهای شما نيكو است و هركه از خِسّت نفس بازداشته شد پس همانهاندكه رستگارانند(١٧ )

اِنْ تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ شَكُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿۱۸﴾ ۙ

اگر به خدا قرضهٔ حسنه دهيد او آنرا برای شما ميفزايد و شما را ميآمرزد و خدا قدرشناس بردبار است(١٨ )

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ⑲ ع

مدام دانا است نهان را و عیان را صاحب غلبه کامل صاحب حکمت است(۱۹)

++آیت ١٦ :سخن از آن فتنه اولاد که در این آیت گفته میشود دال بر این معنای نیست که زنان و فرزندان فتنه را علناً پدید خواهند آورد بلکه کنایه به این امر است که انسان از روی زنان و فرزندان به آزمایش افکنده میشود و اگر او در این آزمایش دست به موفقیت نه یابد آنگاه اومبتلا به مشکلات میشود.

# ٦٥-سورة الطلاق

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم الله ۱۳ آیت دارد.

این سورة از آغازگرفته تا پایان درمورد طلاق مسایلی‌گوناگون بیان مینماید. سورة گذشته را به این سورة نسبت اینست که این آنحضرت ﷺ را بعنوان آن نوری ارائه میدهد که از تاریکیها بسوی نور درمیآرد و همین نور است که در زمان "آخرین" نیز یکبار دیگر آنمردم امت که درتاریکیها سرگردان باشند را از آن تاریکیها درخواهد آورد.این موضوع دال بر این است که از فسق وفجور درآورده بداخل زندگی پاك و منزه خواهد نمود و این موضوعی بااهمیت است.آن عبارت ازتاریکیهای‌اعتقادات و هم تاریکیهای اعمال میباشد. لذا در سورة الطلاق نسبت به آنحضور ﷺ فرموده شدکه این رسول سراپا ذکری است و نوربسبب ذکراعطا میشود و بسبب ذکرخداوند ایشان را فضیلتی بزرگ داد و ایشان سراپا نور شدند و ایشان غلامان راستین خویش را نیز بسوی نور درآوردند.

این سورة دارای چنین آیتی است که پرده ای را از رازهای زمین و آسمان بنحوی شگفت انگیز برمیدارد. چنانکه ذات گرامی و پاك آنحضور ﷺ از تاریکی ها به نور درمیآرد همچنان کلامی که برایشان نازلکرده شد پردۀ ی را از تاریکیها و رازهای کاینات برمیدارد.مرجا در قرآن بارها ذکر از هفت آسمان رفت در عین حال این هم فرموده شد که با آنهامفت زمین نیز بوجود آورده شده است. اما این امر را خدا نیك میداند که چطور نزول وحی بر ساکنان این هفت زمین بعمل آمد و آنان از کدام تاریکیها نجات

داده شدند. تا حال پژوهندگان علم را به این موضوع هیچ دسترس نیست اما بطوریکه بارها به اثبات رسیده است علوم قرآن همچون "کوثر" لامتناهی است و پژوهندگان علم در آینده حتماً بر این علوم تا حدی دست خواهند یافت.

☆ سُوْرَةُ الطَّلَاقِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلا ثَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارها رحمکننده(۱)

يٰۤاَيُّهَا النَّبِىُّ اِذَا طَلَّقۡتُمُ النِّسَآءَ فَطَلِّقُوۡهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَاَحۡصُوا الۡعِدَّةَ‌ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمۡ‌ ۚ لَا تُخۡرِجُوۡهُنَّ مِنۡۢ بُيُوۡتِهِنَّ وَلَا يَخۡرُجۡنَ اِلَّاۤ اَنۡ يَّاۡتِيۡنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ‌ ؕ وَتِلۡكَ حُدُوۡدُ اللّٰهِ‌ ؕ وَمَنۡ يَّتَعَدَّ حُدُوۡدَ اللّٰهِ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهٗ‌ ؕ لَا تَدۡرِىۡ لَعَلَّ اللّٰهَ يُحۡدِثُ بَعۡدَ ذٰلِكَ اَمۡرًا ②

ای پیغمبر امرگاه شما [مردم] به زنان خود طلاق دهید پس بمدت عدّه طلاقشان دهیدوعدّه راشمار کنید وازخدابترسیدکه پروردگار شمااست. آنان راازخانه های‌آنان بیرون نکنید ونه خودشان بیرون روند مگر اینکه فحشائی آشکارا بیآرند. این حدهای خدا است و هرکه از حدهای خدا تجاوز کند یقینًا او برجان خود ستمکرد. تو نمیدانی‌شایدخدا ازآن پس فرمان تازهٔ ی را معرفی نماید(۲)

فَاِذَا بَلَغۡنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمۡسِكُوۡهُنَّ بِمَعۡرُوۡفٍ اَوۡ فَارِقُوۡهُنَّ بِمَعۡرُوۡفٍ وَّاَشۡهِدُوۡا ذَوَىۡ عَدۡلٍ مِّنۡكُمۡ وَاَقِيۡمُوا الشَّهَادَةَ لِلّٰهِ‌ ؕ ذٰلِكُمۡ يُوۡعَظُ بِهٖ مَنۡ كَانَ

پس چون ایشان به پایان مدت معین خود برسند آنگاه آنان را بمعروف نگاهداریدیابمعروف جدا کنید و دوگواه عادل از خودتان بگزینید و گواهی را برای خدا

يُؤۡمِنُ بِاللّٰهِ وَالۡيَوۡمِ الۡاٰخِرِ ۙ وَمَنۡ يَّتَّقِ اللّٰهَ يَجۡعَلۡ لَّهٗ مَخۡرَجًا ۙ﴿٣﴾

استوارکنید. این آن امری است که بدان توصیه شود هرکه به خدا و روزآخرت ایمان میآردوآنکه از خدا بترسد او برایش راه نجات قرارمیدهد(٣)

وَّيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُ ؕ وَمَنۡ يَّتَوَكَّلۡ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسۡبُهٗ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمۡرِهٖ ؕ قَدۡ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَىۡءٍ قَدۡرًا ﴿٤﴾

و او را رزق از راهی اعطاکند که اونتواند بپندارد و آنکه توکل بر خدا کند پس اوبرایش بس است. یقینًاخدا امرخود رابپایان میبرد خدا برای هرچیز سرنوشت قرار داده است (٤)

وَالّٰٓـىِٕۡ يَئِسۡنَ مِنَ الۡمَحِيۡضِ مِنۡ نِّسَآٮِٕكُمۡ اِنِ ارۡتَبۡتُمۡ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلٰثَةُ اَشۡهُرٍ ۙ وَّالّٰٓـىِٕۡ لَمۡ يَحِضۡنَ ؕ وَاُولَاتُ الۡاَحۡمَالِ اَجَلُهُنَّ اَنۡ يَّضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّ ؕ وَمَنۡ يَّتَّقِ اللّٰهَ يَجۡعَلۡ لَّهٗ مِنۡ اَمۡرِهٖ يُسۡرًا ﴿٥﴾

و آنهائی از زنان شما که ازعادت ماهانه نومید شده انداگرشماردد ایدپس عدّهٔ آنان سه ماه است وهم برای آنانکه عادت ماهانه ندیدند۔ و آنها که باردار اند عدّهٔ آنان است اینکه وضع حمل خودکنند و هر که تقوای خدا پیش گیرد خدا بفرمان خود در کار او آسایش قرارمیدهد(٥)

ذٰلِكَ اَمۡرُ اللّٰهِ اَنۡزَلَهٗۤ اِلَيۡكُمۡ ؕ وَمَنۡ يَّتَّقِ

این فرمان خدااست که اوبسوی

اللّٰهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُعْظِمْ لَهٗٓ اَجْرًا ۝٦

شما نازلکرد و آنکس که از خدا بترسد او زشتیهایش را از او دور مینماید و پاداش را برایش بزرگ میکند(٦)

اَسْكِنُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُّجْدِكُمْ وَلَا تُضَآرُّوْهُنَّ لِتُضَيِّقُوْا عَلَيْهِنَّ ؕ وَاِنْ كُنَّ اُولَاتِ حَمْلٍ فَاَنْفِقُوْا عَلَيْهِنَّ حَتّٰى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَاِنْ اَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ ۚ وَاْتَمِرُوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوْفٍ ۚ وَاِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهٗٓ اُخْرٰى ۝٧

آنانرا سکونت دهیددرجائیکه خود شمااز حیث دارائی خود سکونت داریدوآنانرا نه آزارید تا[عرصه] برآنان تنگ گردانید واگر ایشان باردار باشند پس بر آنان خرج کنیدتاآنگاه که بارخود را بنهند. پس اگر برای شماشیردهند آنگاه مزدشان به آنها بپردازید و میان خودبمعروف بسازید و اگر[توافق کردن] بر شما دشوارباشد آنگاه برایش[پدر]یکی‌دیگر[زنی‌شیرده] شیردهد(۷)

لِيُنْفِقْ ذُوْ سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهٖ ؕ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهٗ فَلْيُنْفِقْ مِمَّآ اٰتٰىهُ اللّٰهُ ؕ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا مَآ اٰتٰىهَا ؕ سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُّسْرًا ۝٨ ع ۱۷

توانگرباید از سعت خود هزینه کند وآنکه رزقش براو تنگ کرده شد پس باید هزینه کند از آنچه خدا به او داده است.خداهیچکس راتکلیف نمیکند جزآنچه به او در

داده است - خدا پس از تنگی، گشایش را قرار دهنده است(۸)

وَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ اَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهٖ فَحَاسَبْنٰهَا حِسَابًا شَدِيْدًا ۙ وَّعَذَّبْنٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا ⑨

وچه بسا قریه های راکه از فرمان پروردگارخود و رسولان او سر باز زدند پس ما آنها را بسختی مجازات کردیم وآنهاراعذابی رنج آور دادیم(۹)

فَذَاقَتْ وَبَالَ اَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ اَمْرِهَا خُسْرًا ⑩

پس عقوبت کارخود را چشیدند و فرجام کارهای ایشان بسیار زیان آور بود(۱۰)

اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا ۙ فَاتَّقُوا اللّٰهَ يٰۤاُولِى الْاَلْبَابِ ۛ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۛ قَدْ اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكُمْ ذِكْرًا ۙ ⑪

خدابرای آنهاعذابی‌سخت آماده کرده است. ای خردمندان که ایمان آورده اید خداراتقوی پیش گیرید - خدا بسوی شما ذکری بزرگ نازلکرده است(۱۱)++

رَّسُوْلًا يَّتْلُوْا عَلَيْكُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ مُبَيِّنٰتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ؕ وَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُّدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ

بطور رسولی که آیتهای روشن خدا را بر شما تلاوت میکند تا کسانیکه ایمان آوردند و اعمال شایستهٔ انجام دادند راازتاریکیها به روشنی بیرون آرد و آنکه به خدا ایمان آرد و کارهای شایستهٔ

اَبَدًا ؕ قَدۡ اَحۡسَنَ اللّٰهُ لَهٗ رِزۡقًا ﴿۱۱﴾

انجامدهد او را به داخل بهشتهای نمایدکه دردامنه آنها نهرهای روان است.آنان درآنها همیشه جاویدان اند. یقینًا خدا برای او[که نیکو کاری کند] رزقی نیکو مهیاکرده است(۱۲ )++

اَللّٰهُ الَّذِیۡ خَلَقَ سَبۡعَ سَمٰوٰتٍ وَّ مِنَ الۡاَرۡضِ مِثۡلَهُنَّ ؕ یَتَنَزَّلُ الۡاَمۡرُ بَیۡنَهُنَّ لِتَعۡلَمُوۡۤا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیۡءٍ قَدِیۡرٌ ۬ۙ وَّ اَنَّ اللّٰهَ قَدۡ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیۡءٍ عِلۡمًا ﴿۱۳﴾

خدا است آنکه هفت آسمان را آفرید و از زمینها نیز مانندآنها. فرمان [او] میان آنها بسیار نازل میشود تا بدانیدکه خدابرهرچیز که بخواهد مدام قدرتمند است و اینکه خدا هرچیز را بعلم احاطه کرده است(۱۳ )

++ آیات ۱۱_ ۱۲ : از این آیات کاملاً به اثبات میرسد که منظور از نزول این نیست که انسان با جسم مادی خود از آسمان فرود میآید بلکه معنای نزول اعطا شدن بهترین نعمتها از جانب خدای متعال است. آنحضرت ﷺ را از این رو ذکری مجسم بیان کرده فضیلت ایشان برتمامی پیغمبران دیگربه اثبات رسانده شده است.

# ٦٦-سورة التحريم

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّه ۱۳ آیت دارد.

آن رازهای بزرگ که سورة گذشته حاکی از آنها بود و آنها در آن کتاب مکشوف کرده شد که برآنحضورﷺ نازل آمد اکنون این سورة رازهای کوچك رانیزخاطرنشان میسازد. بعبارت دیگرهم رازهای بزرگ بر آنحضرت ﷺ از جانب عالم الغیب مکشوف کرده شد و رازهای کوچك نیز از جانب عالم الغیب مکشوف کرده شد. پس از روی این معنا این سورة را با سورة قبلی این نسبت است که مَالِهٰذَا الکِتَابِ لاَیُغَادِرُصَغِیرَةً اِلاّ اَحصٰهَا یعنی این کتاب عجیبی است که هم کوچکترین راز را و هم بزرگترین راز را احاطه کرده است.

در این سورة تذکر از توبة النصوح داده غلامان رسول توصیه شدند که اگرایشان باصفای باطن توبه کنندآنگاه خدا براین امرقدرتمنداست که تمامی گناهان کوچك و بزرگ ایشان را عفونماید. علامت از قبول شدن این توبه این بیان شد که توبه کنندگان رو به اصلاح مینهند و روز بروز تواناتر بر ترك گناه میشوند و خدا تمامی زشتیها را از ایشان دور مینماید. این دَور ترك بدی درحقیقت ناشی از آن نور بدست آید که ایشان داده خواهند شد مثلاًچنانکه راه رونده ای در تاریکیها از روشنائی درمییابد که او با چه نوعی از مخاطرات روبروی است. پس منظور از نُورُهُم یَسعٰی بَینَ اَیدِیهِم اینست که آن نور مدام ایشان را رهنمائی خواهد کرد. در کلمات بِاَیمَانِهِم اشاره بدین امر معلوم میشودکه دارندگان آن بدیها که جناح چپ خوانده

میشوند به هیچ نوری برخوردار نشوند. نور فقط ایشان ارزانی داشته شوند که همواره درمقابل هربدی، نیکی رابرمیگزینند. همانهاستند که برای استواری نیکی، نوری اعطاء کرده شوند که ایشان رااستقامت بخشد.

در پایان این سورة مثل از آن دو زن تیره بختان زده میشود که بظاهر بداخل اهل پیغمبران بودند ولی عملاً در انجام وظیفه خودشان خیانت می کردند. دنبال این ذکر از دو زن بسیار پاکدامنان میرود که یکی از آندو بااینکه همسر دشمنی سفّاك و ستمگر به خدا بود بازهم از ایمان خویش نگه داری کردو دومین حضرت مریم علیهاالسلام بودندکه خداوندایشان را وجود اعجازی در صورت حضرت مسیح علیه السلام اعطاء کرد که بنابر هیچ تحریك نفسانی نبود. سپس در آیت آخرین این سورة فرموده شد که خدای متعال در وجودی پاك و درست کردار پدیدآینده در امت محمدی نیز اعجاز خواهد کرد که با این وجود که او هیچ تمایل به مناصبی بلندتر روحانی نخواهد داشت بلکه پیکر فروتنی باشد اما خداوند در او روح خویش را خواهد دمید که درنتیجه آن او یك پیکر روحانی بخشیده شود که مشابه حضرت عیسٰی علیه السلام خواهد بود. چنانکه فرمود فَنَفَخنَافِیهِ مِن رُّوحِنَا یعنی خداوند روح خود را در مرد مومن خواهد دمید.

☆ سُوْرَةُ التَّحْرِيْمِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعاوبلاامتیاز] بسیار بخشنده،بارهارحم کننده(۱)

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ اَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ ۚ تَبْتَغِيْ مَرْضَاتَ اَزْوَاجِكَ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ②

ای پیغمبر!چرا حرام میسازی آنچه را خدا برای توحلال کرده است. تو خوشنودی همسران خود می خواهی وخداآمرزندهٔ بارها ترحم کنندهٔ است(۲)++

قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَيْمَانِكُمْ ۚ وَاللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ ۚ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ③

خدابرایشما تحلیل کردن قسمهای [لغو]شما لازم کرده است و خدا مولای شما است و او صاحب علم صاحب دانش است(۳)++

++آیت ۲: این بحث لازم نیست که همسران را چه چیزی ناپسند بود که رسول خدا بخاطر آنان برخود حرام شمرد و هرچه بود خدا آنرا حلال قرارداد.گویی ارشاد اینست که چیزهای که خداوند بوضوح حرام یا حلال کرد بندهٔ نباید آنرا عوض کند.مردم میتوانند بمیل خود موجب پسند و ناپسند خود حرام وحلال برگزینندچه آنها برای دیگران نمونه نیستند ولی آنحضرت ﷺ علی‌الخصوص فرمان شدند چه عمل ایشان برای امت خویش اسوهٔ ی است.

++آیت۳:اینجاشکستن قسم بدین معنای نیست که قسمی که جدّاً بخاطروعده کسی خورده شود آنهم تحلیل کرده شود. بلکه آن قسمها که برای تعویض حرام و حلال واجب کرده خداخورده شود میبایستی آنهاراتحلیل کنید بلکه فدیه هم بپردازید.

وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِيُّ اِلٰى بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِيْثًا ۚ فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَاَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهٗ وَاَعْرَضَ عَنْۢ بَعْضٍ ۚ فَلَمَّا نَبَّاَهَا بِهٖ قَالَتْ مَنْ اَنْۢبَاَكَ هٰذَا ۗ قَالَ نَبَّاَنِيَ الْعَلِيْمُ الْخَبِيْرُ ﴿٤﴾

وگامیکه پیغمبر ببعضی از همسران خودسخنی به راز گفت. پس گاهی که او به آن[دیگری‌را] خبرداد و خدا آن [جریان را] بر او[نبی] مکشوفِ ساخت او پارهٔ ی از آن را[به همسرش] آگاه ساخت و از [گفتن]پارهٔ ی ازآن خود داری کرد. پس گامیکه او بدو [همسر خود] به آن خبرداد وی گفت، این خبر به تو کِی داد. او پاسخ داد علیم وخبیر مراخبرداده است(٤)

اِنْ تَتُوْبَاۤ اِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوْبُكُمَا ۚ وَاِنْ تَظٰهَرَا عَلَيْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰىهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِيْنَ ۚ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيْرٌ ﴿٥﴾

اگرشمادوی توبه کنان بسوی خدا روی آورید [همین شایسته تر است] چه یقینًادلهای شما دوی [به این خطا] متمایل شده بود و اگر شما دوی همدیگررا برخلاف او پشتبانی‌کنیدآنگاه بدانیدکه یقینًا خدا یاور او است و جبرائیل و [هرکدام] شایسته کار از مومنان و علاوه برآن فرشتگان او را پشتبانی‌میکنند(٥)++[ص#١٨ ١٤ ١٤

عَسٰى رَبُّهٗٓ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ يُّبْدِلَهٗٓ اَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُنَّ مُسْلِمٰتٍ مُّؤْمِنٰتٍ قٰنِتٰتٍ تٰٓئِبٰتٍ عٰبِدٰتٍ سٰٓئِحٰتٍ ثَيِّبٰتٍ وَّاَبْكَارًا۝٦

نزدیك است اگر او شما دوی را طلاق دهد پروردگارش همسران نیکوتر از شما برایش عوض کند که مسلمان، مومن، تمکین کننده، توبه کننده، عبادت گذار، روزه گیرنده بیوه یا باکره باشند(٦)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُوْٓا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْكُمْ نَارًا وَّقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُوْنَ اللّٰهَ مَآ اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ۝٧

ای کسانیکه ایمان آورده اید جانهای خود واهل خود را ازآتش نگه دارید که سوخت آن انسانها وسنگها است و بر آن فرشتگانی خشمگین،سخت گیر [مامور] اند. ایشان به خدا نافرمانی نکنند ازآنچه او آنان را فرمان کند و بجای آورند آنچه فرمان شوند(٧)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ۝٨ ع

ای کسانیکه کفرکردید امروز عذر نیآورید یقینًا فقط عوض آن داده شوید که شمامیکردید(٨)

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا تُوْبُوْٓا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً

ای کسانیکه ایمان آورده اید با

++آیت ۵:این آیت نامهای آندو ام المومنین نگفته است که سخنی به راز رسول را افشاکرده بودند. پس امری را که خداوند مخفی داشته است به بنده ای نمیسزد که بخیالش بیفتد.

نَّصُوحًا ؕ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ يَوْمَ لَا يُخْزِى اللّٰهُ النَّبِىَّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ ۚ نُوْرُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا ۚ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٩﴾

توبه خالص بسوی خداروی بیآرید. بعیدنیست که پروردگار شما بدی هایتان راازشمادورنماید وشمارا بداخل بهشتهای کند که در دامنۀ آنهانهرهای روانست،روزیکه خدا، رسول وایشان که با او ایمان آوردند را رسوانکند. نور ایشان پیشروی ایشان و بدست راست ایشان میدود. ایشان گویند که پروردگاراانورمارابرای‌ما بکمال برسان و مارا بیآمرز،یقیناًتو بر هرامر مدام قدرتمند ای(۹)

يٰۤاَيُّهَا النَّبِىُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ؕ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٠﴾

ای‌پیغمبر اباکفارومنافقان جهادکن و خلاف آنهاسختی‌کن وماوی آنها جهنم است وجایگاهی‌بسیارزشت است(۱۰)++

++آیت۱۰ : جهادی که نه از تحریك نفسانی بلکه بخاطرخدا باشد آنگاه با دشمن قتال بسختی کرده شود هرچند قلب نرم هم باشد. از آیتی دیگر معلوم میشود که فایده سختی اینست، کسانی از دشمنان که شامل قتال نباشند آنان نیز در ترس میشوند و در نتیجه به مسلمانان قتال ناحق نخواهند کرد. بطوریکه فرمود : فَشَرِّد بِهِم مَن خَلفَهُم [الانفال:۸:۵۸]

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوْحٍ وَّامْرَاَتَ لُوْطٍ ؕ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتٰهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَّقِيْلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِيْنَ ﴿١١﴾

خدا برای آنهاکه کفرکردند مثل زن نوح و زن لوط آورده است. آندو تحت فرمان دو بنده نیکو کاران ما بودند.پس ایندو با آندو خیانتکردند. پس آندو نتوانستند آندو زن را ازگرفت خدا حفظ نمایند و گفته شد که هردوی با واردان دیگرواردآتش شوید(۱۱ )

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوا امْرَاَتَ فِرْعَوْنَ ۘ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِيْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهٖ وَنَجِّنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٢﴾

و خدا برای کسانیکه ایمان آوردند مثل همسرفرعون آورده است چون اوگفت: ای پروردگار من! برای من نزدخودخانهٔ ی دربهشت بساز و مرا ازفرعون و از عملش نجات بده و مرا از قوم ستمکاران برهان(۱۲ )

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرٰنَ الَّتِيْٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهِ مِنْ رُّوْحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهٖ وَكَانَتْ مِنَ الْقٰنِتِيْنَ ﴿١٣﴾ ع

و مریم دختر عمران[رامثل زده است]آنکه فرج خودرانگهداشت. پس ما از روح خود کمی در آن [کودك]دمیدیم و[مادر] او کلمات پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و او از فرمانبردان

بود(۱۳ )++

++ آیت ۱۳ :در آیتی دیگر مبنی بر همین موضوع فرموده شود فَنَفَخنَا فِیهَا مِن رُّوحِنَا (الانبیاء:۹۲). در اینجا منظور از کلمه "فِیهِ" اینست که مومنانی که بطور روحانی از حالت مریمی بگذرند در ایشان نیز روح دمیده شود بعبارت دیگر تمثیلاًایشان عیسٰی زمان خود برگزیده خواهند شد.

# ٦٧ - سورة الملك

این سورة در مكه نازل شد و با بسم اللّٰه ۳۱ آیت دارد.

این سورة با آیت تَبَارَكَ الَّذِی بِيَدِهِ المُلك شروع میشود. خدای متعال مالك كل است وهرچه رابخواهد برآن تواناست.پس موضوعی شگفت انگیز كه در سورة گذشته عنوان شد این كنایه ای بسوی آن معلوم میشود.زیراكه از این پس موضوع پدید آوردن زندگی از مرگ شروع میشود و این اعلام امت محمدی را مژده ای بزرگست كه بطوریكه خداوند قدرتمند بر درآوردن زندگان از مردگان صوری أست همانگونه او توانا است كه مردگان روحانی را نیز دوباره زنده كند.

بلافاصله دنبال آن فرمود تمامی كاینات را درنظرآورده تجسم كنید. آن گواه بریكتائی آفریدگار یگانهٔ میباشد و هیچ نقصی درآن بچشم نمیخورد. اگر این كاینات بخودی خود بوجود آمده بود میبایستی دریك محلی آثار رخنه ای بچشم میخورد. اگر این كاینات راگذشته از خدای متعال شریكش بربافته ای تخلیق كرده بود یقیناً دستوراتی اجرا كرده اش با دستورات خدای یگانه مصادف میشد. پس از این رو تمامی نوع انسان دعوت تفكر داده شدند كه براسرار كاینات بارها نظربگمارند. منتها نگاه ایشان درمانده ای حسرت زده بسوی ایشان برمیگردد بی آنكه هیچ شكافیدر هیچ جای آن دریافته باشند.

این سورة حاكی از چنان مرغان روحانی است كه در فضای وسیع و بسیط آسمان به شرف بلند پروازی نایل میآیند. بطوریكه خدای متعال

مرغان صوری را نیروی پرواز بخشیده و میان زمین و آسمان مسخر نموده است برهمین منوال اوبندگان مومن خودرا قوه پرواز اعطاء میکند. برعکس جانورانی که بر روی خودشان واژگون راه میروند هیچ رفعت ظاهری و روحانی بدست نمیآرند.

در آخرین آیة این سورة فرموده شد. آب زندگی که از آسمان فرومیبارد و پیوسته از آن استفاده میکنید آیا گاهی تدبر کردید که اگر آن در نتیجه فقدان بارندگی سالهای متوالی از دسترس شما در قعر زمین فرورود آنگاه شما آب زلال را از کجا خواهید آورد؟ پس همچون آب صوری آب روحانی نیز از فضل خاص خدا در دسترس انسان میماند.

☆ سُوْرَةُ الْمُلْكِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده (۱)

تَبٰرَكَ الَّذِىْ بِيَدِهِ الْمُلْكُ ۡ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرُ ۨ ۙ②

بس فقط آن یك پربركت ثابت شد كه پادشاهی درقبضه قدرت او است و او برهرچیزمدام قدرتمند است(۲)

الَّذِىْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْغَفُوْرُ ۙ③

آنكه مرگ وزندگی‌راآفرید تا شما را بیآزماید كه كدام یك ازشما نیكوتردر عمل است و او صاحب غلبه كامل آمرزگار است(۳)

الَّذِىْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا ؕ مَا تَرٰى فِىْ خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفٰوُتٍ ؕ فَارْجِعِ الْبَصَرَ ۙ هَلْ تَرٰى مِنْ فُطُوْرٍ ④

آنكه هفت آسمان را طبقه به طبقه آفرید. درآفرینش رحمٰن هیچ تفاوت نمی بینی. نگاه را بگردان پس آیا شكافی رامیبینی؟(٤)++

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَّهُوَ حَسِيْرٌ ⑤

بازهم دوباره نگاه بگردان. نگاه ناكام بسوی تو بازگردد و آن خسته است(۵)

++آیت٤:به انسان اعلام میشود هرچه میتواند بركاینات تفكركند اما بعلت اینكه این تخلیق خدای یكتا است دراین هیچ تفاوتی در نخواهد یافت.

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيٰطِينِ وَاَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٦﴾

ويقيناًآسمان نزديك راباچراغ ها مزين ساخته ايم و وسيلهٔ راندن شياطين قرارداده ايم و براى آنها عذاب آتش شعله ور آماده كرده ايم(٦).

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧﴾

وبراى كسانيكه به پروردگار خود انكار كردند عذاب جهنم أست و چه زشت بازگشتگاهى است(٧)

اِذَآ اُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَّهِيَ تَفُورُ ﴿٨﴾

چون در آن افكنده شوند صداى خروشيدنش رابشنوندوآن بجوش آمده خواهد بود(٨)

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۖ كُلَّمَآ اُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَاَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٩﴾

نزديك است كه ازخشم بشكافد. هرگاه گروهى در آن افكنده شود، نگهبانانش بپرسند آياشمارا بيم دهنده نيآمده بود؟(٩)

قَالُوا بَلٰى قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ ۙ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ ۚ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ كَبِيرٍ ﴿١٠﴾

گويند: بلى، يقيناً مارا بيم دهندهٔ آمده بودولى ما[او را]ردكرديم و گفتيم،خداچيزى رانازل نكرده تو فقط درگمراهى‌بزرگ هستى(١٠)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ

وگويند.اگرماگوش فراميداديم و عقل ميكرديم ما شامل اهل آتش

اَصۡحٰبِ السَّعِيۡرِ (١١)

فَاعۡتَرَفُوۡا بِذَنۡۢبِهِمۡ‌ۚ فَسُحۡقًا لِّاَصۡحٰبِ السَّعِيۡرِ (١٢)

اِنَّ الَّذِيۡنَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ بِالۡغَيۡبِ لَهُمۡ مَّغۡفِرَةٌ وَّاَجۡرٌ كَبِيۡرٌ (١٣)

وَاَسِرُّوۡا قَوۡلَـكُمۡ اَوِ اجۡهَرُوۡا بِهٖ‌ؕ اِنَّهٗ عَلِيۡمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوۡرِ (١٤)

اَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ‌ؕ وَهُوَ اللَّطِيۡفُ الۡخَبِيۡرُ (١٥) ع

هُوَ الَّذِىۡ جَعَلَ لَـكُمُ الۡاَرۡضَ ذَلُوۡلًا فَامۡشُوۡا فِىۡ مَنَاكِبِهَا وَكُلُوۡا مِنۡ رِّزۡقِهٖ‌ؕ وَاِلَيۡهِ النُّشُوۡرُ (١٦)

ءَاَمِنۡتُمۡ مَّنۡ فِى السَّمَآءِ اَنۡ يَّخۡسِفَ بِكُمُ الۡاَرۡضَ فَاِذَا هِىَ تَمُوۡرُۙ (١٧)

اَمۡ اَمِنۡتُمۡ مَّنۡ فِى السَّمَآءِ اَنۡ يُّرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبًا‌ؕ فَسَتَعۡلَمُوۡنَ كَيۡفَ

نمیشدیم(١١)

پس بگناه خود اعتراف کردند. پس هلاك باد اهل آتش را(١٢)

یقیناً کسانیکه از پروردگارخود درغیب میترسندایشانرا آمرزش و پاداشی بزرگ است(١٣)

و سخن خود را پنهان کنید یا آن را عیان کنید یقینًا او به امور سینه ها مدام آگاه است (١٤)

آیاآنکه خلق کرد نمیداند؟حالانکه اودقیق بین مدام آگاه است (١٥)

اوست آنکه زمین را مطیع شما ساخت .پس بر راه های او بروید و از رزق او بخورید و بسوی او برخیزاندن است(١٦)

آیاایمن اید ازآنکه درآسمان است تا شما را در زمین فروبرد پس بناگاه آن بلرزد(١٧)

آیاشماایمن اید از آنکه درآسمان است که ازآسمان برشمابادی تند سنگریزه افشان بفرستد؟ آنگاه

نَذِيْرِ ⑱

بدانید که بیم دادن من چگونه بود(۱۸)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ⑲

وبراستی تکذیب کرده بودند آنها که پیش ازآنان بودند.پس عقوبت من چه سخت بود؟(۱۹)

اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صٰٓفّٰتٍ وَّ يَقْبِضْنَ ؕ مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا الرَّحْمٰنُ ؕ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍۢ بَصِيْرٌ ⑳

وقف لازم وقف غفران وقف منزل

آیاپرندگان راپرپهن کرده وجمع کرده فرازخود ندیدند؟ آنها را هیچ نگهدارندۀ نیست جز رحمان. یقیناًاو هرچیزرا بدقت بینا است(۲۰)++

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُوْنِ الرَّحْمٰنِ ؕ اِنِ الْكٰفِرُوْنَ اِلَّا فِيْ غُرُوْرٍ ۚ ㉑

یا کیستند اینهائی که بعنوان لشکر شما در مقابل خدا شما را یاری دهند؟کافران فقط در فریبی بزرگ هستند(۲۱)

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ يَرْزُقُكُمْ اِنْ اَمْسَكَ

یاکیستند اینهائی که شما را رزق

++آیت۲۰:نسبت به پرواز کردن پرندگان در آسمان و مسخرشدن آنها در هوامعنای دقیق همراه دارد. ساخت مرغان خصوصاًبرمبنای چنین اس اساس است تا بتوانند درهوا پرواز کنند. این فقط حادثهٔ ی نیست. سرعت پرواز بعضی از مرغان شکارچی تاحد دویست میل درساعت میرسد وبعلت ساخت آنها این سرعت موجب هیچ گزندی به آنها نمیشود. زیرا که باد به بیخ و سرآنها خورده به چهارسو پخش میگردد و با همین سرعت پرواز کنان آنها مرغان دیگر را شکار هم میکنند.

رِزْقَهٗ ۚ بَلْ لَّجُّوْا فِىْ عُتُوٍّ وَّنُفُوْرٍ ﴿٢٢﴾

دهند اگر او رزق خود را بازدارد بلکه اینها در سرکشی و نفرت پایداری میکنند(٢٢)

اَفَمَنْ يَّمْشِىْ مُكِبًّا عَلٰى وَجْهِهٖٓ اَهْدٰٓى اَمَّنْ يَّمْشِىْ سَوِيًّا عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٢٣﴾

پس آیا آنکس که در جهالت خود سرگشته راه رود هدایت کرده تر است یاآنکه راست برراه مستقیم میرود؟(٢٣)

قُلْ هُوَ الَّذِىْٓ اَنْشَاَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ﴿٢٤﴾

بگواوست آنکه شماراپدیدآورد و برایشماگوشها و چشمها و دلهای ساخت.کمتراست آنچه سپاس می گوید(٢٤)

قُلْ هُوَ الَّذِىْ ذَرَاَكُمْ فِى الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٢٥﴾

بگو.اوست آنکه شما را در زمین تخم پاشی کرد و بسوی او جمع کرده شوید(٢٥)

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٢٦﴾

و میگویند، انجام این وعده تا بچندمیکشد اگر شما راستگویان اید؟(٢٦)

قُلْ اِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ ۠ وَاِنَّمَآ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٢٧﴾

بگو علم کامل فقط نزد خدا است و من فقط بیم دهندهٔ آشکارم(٢٧)

فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِيْۗـــَٔتْ وُجُوْهُ الَّذِيْنَ

پس هرگاه آنهاآنرانزدیك بینند چهره های کسانیکه کفرکردندزشت

كَفَرُوْا وَقِيْلَ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تَدَّعُوْنَ ﴿٢٨﴾

گردد و خطاب شودهمانست آنکه را طلب میکردید(٢٨)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَنْ مَّعِيَ اَوْ رَحِمَنَا ۙ فَمَنْ يُّجِيْرُ الْكٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٢٩﴾

بگو.حالی‌کنید اگرخدا هلاك کند مرا و آنانرا که بامن اند یا ما را ترحم کند پس کیست که کافران راازعذابی‌دردناك نجات دهد(٢٩)

قُلْ هُوَ الرَّحْمٰنُ اٰمَنَّا بِهٖ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۚ فَسَتَعْلَمُوْنَ مَنْ هُوَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٠﴾

بگو، همان رحمٰن است. ما بر او ایمان آوردیم و بر او توکل کردیم. پس بزودی شما بدانید کیست که درگمراهی آشکار مبتلا است؟(٣٠)

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَّاْتِيْكُمْ بِمَآءٍ مَّعِيْنٍ ﴿٣١﴾ ع

بگوحالی‌کنید که اگر آب شما در زمین فرو رود آنگاه کیست که شمارا آبی چشمه ها بیآورد؟(٣١)

# ۶۸-سورة القلم

این سورة در صدر دوره مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۵۳ آیت دارد.

این آخرین سورة است که با حروف مقطعات شروع میشود. این با حرف "ن" شروع میشود که یك معنا اش دوات است و نویسندگان با قلم همگان محتاج دوات میباشند.دوره تمامی پیشرفتهای انسان از پادشاهی قلم شروع میشود. اگر هنر تحریر از پیشرفتهای انسان برداشته شود آنگاه او بسوی جهالت برگردد و دیگر هرگز پیشرفت علمی نصیب او نخواهد شد.

دومین منظور از این آن پیغمبران خدای اند که "ذوالنون" خوانده میشوند. بعنوان مثال حضرت یونس علیه السلام که ذکر از ایشان نیز در همین سورة بدین ترتیب رفته است که آن چه واقعه ای‌گذشته بود که درنتیجه آن بعلت وارد نه آمدن عذاب خدا بر قوم خویش به آنچه آنان مشدار داده شده بودند. ایشان دل خود گرفته باین نیت قریه خودش را ترك کردند که آینده هیچگاه نخواهند توانست روی به قوم خویش بیآرند. آنگاه خداوند ایشان را این درس عبرت آموخت که گاهی عذاب ناشی از توبه برگشت نیز داده میشود وخداوند بدیشان این دعا نیز آموخت "لَآ اِلٰـهَ اِلَّآ اَنتَ سُبحَانَكَ اِنِّی کُنتُ مِنَ الظّٰلِمِین [سورة الانبیاء ۸۸]" یعنی تو از هر ناتوانی پاك هستی یقیناً من ستمگر بودم که آزمند عذاب برقومی توبه کننده شده بودم.

در این سورة حرف "ن" بتکرار ذکر کرده میشود که به مضامین این سورة کاملاً مطابقت دارد و هیچ جای هم موضوع سورة و این حرف ازهم ناجور درآمده بچشم نمیخورد.

☆ سُوْرَةُ الْقَلَمِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰیَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِیۡمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(۱)

نٓ وَالۡقَلَمِ وَمَا یَسۡطُرُوۡنَ ②

نٓ سوگند بقلم و آنچه را می نویسند(۲)

مَاۤ اَنۡتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ بِمَجۡنُوۡنٍ ③

که توبنعمت پروردگارخوددیوانه نیستی(۳)

وَاِنَّ لَكَ لَاَجۡرًا غَیۡرَ مَمۡنُوۡنٍ ④

و یقینًا تو را مزدی لامتناهی است(٤)

وَاِنَّكَ لَعَلٰی خُلُقٍ عَظِیۡمٍ ⑤

و یقینًا توبرخلقی بزرگ استوار هستی(۵)

فَسَتُبۡصِرُ وَیُبۡصِرُوۡنَ ⑥

پس هم توببینیوهم آنهاببینند(٦)

بِاَیِّیكُمُ الۡمَفۡتُوۡنُ ⑦

که از شما مفتون است(۷)

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعۡلَمُ بِمَنۡ ضَلَّ عَنۡ سَبِیۡلِهٖ ۪ وَهُوَ اَعۡلَمُ بِالۡمُهۡتَدِیۡنَ ⑧

یقینًاپروردگارتو داناتر به آنست که از راهش گمراه گشته و او به هدایت یافتگان نیزداناترست(۸)

فَلَا تُطِعِ الۡمُكَذِّبِیۡنَ ⑨

پس درپی مکذبان نرو(۹)

وَدُّوۡا لَوۡ تُدۡهِنُ فَیُدۡهِنُوۡنَ ⑩

آنهامیخواهند تو مداهنه کنی پس آنهام مداهنه کنند(۱۰)

وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِیۡنٍ ⑪

وهرکدام پیوسته سوگندخورنده

ای پست رااطاعت نکن(١١)

هَمَّازٍ مَّشَّآءٍۭ بِنَمِيمٍۙ ﴿١٢﴾

(که)سخت عیبجو،سخن چینی کنان بسیار راه رونده است(١٢)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اَثِيمٍۙ ﴿١٣﴾

(که)بازدارنده ازخیر و تجاوزگر، سخت گناه کار است(١٣)

عُتُلٍّۭ بَعْدَ ذٰلِكَ زَنِيمٍۙ ﴿١٤﴾

شدیدًا سختگیر و علاوه بر آن حرام زادهٔ است(١٤)

اَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَّبَنِيْنَؕ ﴿١٥﴾

تنهابرای این[تکبر کند]که او ثروت مند و دارای فرزندان است؟(١٥)

اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا قَالَ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٦﴾

هنگامیکه آیتهای مابر او تلاوت شود میگوید اساطیر پیشینیان است(١٦)

سَنَسِمُهٗ عَلَى الْخُرْطُوْمِ ﴿١٧﴾

یقینًا بر بینی اش داغ نهیم(١٧)

اِنَّا بَلَوْنٰهُمْ كَمَا بَلَوْنَآ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ ۚ اِذْ اَقْسَمُوْا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِيْنَۙ ﴿١٨﴾

یقینًا ما آنهارا آزمایش کردیم آن طورکه باغداران را آزمایش کرده بودیم چون آنها قسم خوردند که حتمًا سپیده دم آنرا دروکنند(١٨)

وَلَا يَسْتَثْنُوْنَ ﴿١٩﴾

و استثناء نمیکردند[انشا اللّٰه نمی گفتند](١٩)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّنْ رَّبِّكَ وَهُمْ

پس ازپروردگارتو برآن [باغ] آفتی دَور زنندهٔ دَور زد درحالیکه

نَآئِمُوْنَ ﴿٢٠﴾

ایشان خواب بودند(٢٠)

فَاَصْبَحَتْ كَالصَّرِيْمِ ﴿٢١﴾

پس آن [باغ] همچون بریده شده گردید(٢١)

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِيْنَ ﴿٢٢﴾

پس فجربهمدیگرندازدند(٢٢)

اَنِ اغْدُوْا عَلٰى حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰرِمِيْنَ ﴿٢٣﴾

که بامداد سرکِشتی خود بروید اگر شما دروندگانید(٢٣)

فَانْطَلَقُوْا وَهُمْ يَتَخَافَتُوْنَ ﴿٢٤﴾

پس آنان روانهٔ شدند و بهمدیگر سرگوشی حرف میزدند(٢٤)

اَنْ لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِّسْكِيْنٌ ﴿٢٥﴾

که امروزهیچ مستمندی برخلاف میل شما بداخل نیآید(٢٥)

وَّغَدَوْا عَلٰى حَرْدٍ قٰدِرِيْنَ ﴿٢٦﴾

وصبحگاه رفتندبقصدندادن چیزی بکسی(٢٦)

فَلَمَّا رَاَوْهَا قَالُوْٓا اِنَّا لَضَآلُّوْنَ ﴿٢٧﴾

پس چون آن [باغی] را روئت کردند گفتند،یقینًاما تباه ونابود شدیم(٢٧)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُوْمُوْنَ ﴿٢٨﴾

بلکه مامحروم شدگانیم.(٢٨)

قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُوْنَ ﴿٢٩﴾

نیکوترین آنان گفت، آیا شما را نگفته بودم که چرا تسبیح نمی گویید(٢٩)

قَالُوْا سُبْحٰنَ رَبِّنَآ اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿٣٠﴾

گفتند.پاکست پروردگارما یقیناً ما ستمگران بودیم(٣٠)

| | |
|---|---|
| فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَّتَلَاوَمُوْنَ ﴿٣١﴾ | پس بر همدیگر ملامت کنان رفتند(٣١) |
| قَالُوْا يٰوَيْلَنَآ اِنَّا كُنَّا طٰغِيْنَ ﴿٣٢﴾ | گفتند.وای برمابیگمان ما سرکش بودیم(٣٢) |
| عَسٰى رَبُّنَآ اَنْ يُّبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَآ اِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا رٰغِبُوْنَ ﴿٣٣﴾ | بعید نیست خدا برای ما نیکوتر از آنهابدل کند.یقینًا ما بسوی خدا میل کنندگانیم(٣٣) |
| كَذٰلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٤﴾ | عذاب همینطور میباشد و البته عذاب آخرت بزرگترست. کاشکی میدانستند(٣٤) |
| اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿٣٥﴾ | یقینًامتقیانرانزدپروردگارایشان بهشتهای پر نعمت است.(٣٥) |
| اَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِيْنَ كَالْمُجْرِمِيْنَ ﴿٣٦﴾ | آیا ما فرمان برداران را مانند مجرمان بگزینیم؟(٣٦) |
| مَا لَكُمْ ۫ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٧﴾ | چیست شمارا؟ چطور قضاوت می کنید؟(٣٧) |
| اَمْ لَكُمْ كِتٰبٌ فِيْهِ تَدْرُسُوْنَ ﴿٣٨﴾ | آیا شما را کتابی است که در آن می خوانید(٣٨) |
| اِنَّ لَكُمْ فِيْهِ لَمَا تَخَيَّرُوْنَ ﴿٣٩﴾ | یقینًا شمارا درآنست آنچه را دوست دارید(٣٩) |
| اَمْ لَكُمْ اَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ اِلٰى يَوْمِ | آیادرحق شمابرماسوگندهای است |

اَلْقِيٰمَةِ ۙ اِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُوْنَ ۚ﴿۴۰﴾

که[مارا] تا قیامت پایبند کند که یقینًا اختیار شما است هرچه فیصل دهید؟(۴۰)

سَلْهُمْ اَيُّهُمْ بِذٰلِكَ زَعِيْمٌ ۛۚ﴿۴۱﴾

بپرس از آنان کدامی از آنان به این امر ضامن است؟(۴۱)

اَمْ لَهُمْ شُرَكَآءُ ۛۚ فَلْيَاْتُوْا بِشُرَكَآئِهِمْ اِنْ كَانُوْا صٰدِقِيْنَ ﴿۴۲﴾

آیا درحق ایشان شریکانند؟پس باید شریکان خود را بیآرند اگر راست گویان اند(۴۲)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَّيُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ۙ﴿۴۳﴾

روزیکه باآشفتگیمواجه کردنست وبسجده کردن خوانده شوند پس طاقت نخواهندآورد(۴۳)

خَاشِعَةً اَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ؕ وَقَدْ كَانُوْا يُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ وَهُمْ سٰلِمُوْنَ ﴿۴۴﴾

دیدگان آنهافروهِشته باشد و ذلت آنهارا فراگیرد و یقیناً به سجده ها فرا خوانده میشدند در حالیکه آنان تندرستان بودند(۴۴)

فَذَرْنِيْ وَمَنْ يُّكَذِّبُ بِهٰذَا الْحَدِيْثِ ؕ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ ۙ﴿۴۵﴾

پس تو بگذار مرا و آنکه به این بیان تکذیب کند.ماآنانرا تدریجًا بطوری بگیریم که متوجه هم نشوند(۴۵)

وَاُمْلِيْ لَهُمْ ؕ اِنَّ كَيْدِيْ مَتِيْنٌ ﴿۴۶﴾

و من به آنها مهلت میدهم. تدبیرم بیگمان بسیار برقراراست(۴۶)

| | |
|---|---|
| اَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ اَجۡرًا فَهُمۡ مِّنۡ مَّغۡرَمٍ مُّثۡقَلُوۡنَ ﴿٤٧﴾ | آیا تو از ایشان مزدی میخواهی که ازغرامت گرانبارانند؟(٤٧) |
| اَمۡ عِنۡدَهُمُ الۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُوۡنَ ﴿٤٨﴾ | آیاآنانرا علم نهان است که آنان [آن را] مینویسند؟(٤٨) |
| فَاصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنۡ كَصَاحِبِ الۡحُوۡتِ ۘ اِذۡ نَادٰى وَهُوَ مَكۡظُوۡمٌ ﴿٤٩﴾ | پس برای فرمان پروردگارخود صبرکن و همچون صاحب ماهی مباش چون او ندا کرد و او پُر اندوه بود(٤٩) |
| لَوۡلَاۤ اَنۡ تَدٰرَكَهٗ نِعۡمَةٌ مِّنۡ رَّبِّهٖ لَنُبِذَ بِالۡعَرَآءِ وَهُوَ مَذۡمُوۡمٌ ﴿٥٠﴾ | اگرنعمت پروردگارش او را در نمیرسیدحتمًا او را بدشتی لخت و لم یزرع درحالی میفکندیم که اوملامت زده بود(٥٠) |
| فَاجۡتَبٰهُ رَبُّهٗ فَجَعَلَهٗ مِنَ الصّٰلِحِيۡنَ ﴿٥١﴾ | پس پروردگارش او را برگزید و او را از نیکوکاران شمرد(٥١) |
| وَاِنۡ يَّكَادُ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا لَيُزۡلِقُوۡنَكَ بِاَبۡصَارِهِمۡ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكۡرَ وَيَقُوۡلُوۡنَ اِنَّهٗ لَمَجۡنُوۡنٌ ﴿٥٢﴾ | و بعید نیست از آنانکه کفرکردند چون ذکر را بشنوندیقیناً تو را با [قهر]چشمان خود بلغزانند و گویند یقینًااو دیوانهٔ است(٥٢) |
| وَمَا هُوَ اِلَّا ذِكۡرٌ لِّلۡعٰلَمِيۡنَ ﴿٥٣﴾ ع | حالانکه نیست آن جز نصیحت برای همه جهانها(٥٣) |

# ٦۹-سورة الحاقه

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ۵۳ آیت دارد.

سورة القلم عبارت از این موضوع بود که وقتی ما مکذبان پیغمبران خود را فرصت میدهیم آن برای اینست تا پیمانه گناهان آنها لبریزشود و سپس هیچکس نمیتواند آنهارا از گرفت خدای متعال برهاند.

این سورة نیز حاکی از حالت آن قومهای است که از جانب خدا بارها فرصت داده شدند اما وقتیکه پیمانه گناهان ایشان لبالب شد آنگاه ساعت مواخذه آنها دررسید.

عذابی که خداوند به آنحضرت ﷺ اشاره فرمود که ایشان از آن نوع انسان را بترسانند آن از جمله ادیان بستگی تنها به پیروان دین مخصوصی ندارد بلکه هرکدام متنبه بحیثیت انسان ساخته میشود. گامیکه آن واقعه واقع شود انسان از روی دیدگاه دنیائی نیزخواهد پنداشت گویی که زمین و آسمان شگافته شده اند. هنگام بعثت ثانی انسان نیز این هشدار مجدداً راست خواهد آمد که نه او را تعلق زمینی نجات بخشد و نه تعلق آسمانی و منتها به جهنم افکنده شود.

سپس خداوند یك گواهی بزرگ را ارائه میدهد هم به تکمیل آن امور که تاحدی بچشم انسان میخورد و هم به آن امورکه نگاه انسان به آنها نمی رسد یعنی اینکه سخنان رسول اللّٰه ﷺ کلمات رسولی امین گرامی است و آنها نه کلام شاعری سرگشته است ونه کلامی بیهوا از کاهنی است. بلکه این تنزیلی از پروردگار همه جهانهایست.

درآخرین آیة این سورة چنین پیمانه ای نسبت به سنجیدن راستی آنحضرت ﷺ ارائه داده میشود که دشمن نمیتواند ردّش کند. دشمن متنبه ساخته میشود که از نظر شما که آن رسول ﷺ این کتاب مقدس را از خود بربافته است حالانکه اگر او برخدا کوچکترین دروغی را هم بهم بافته بود آنگاه یقیناً خدا او و سلسله اش را بهلاکت میکشید. اگر خدا اینطور فیصل میداد هیچکدام ازشماها نمیتوانست او رانجات دهد.بعبارت دیگرخداوند در مقابل همه نیروهای شما او را یاری داده نجات میدهد. یقیناً این بر رسالت خدای وی گواهی کشافی است. یعنی این کلام خداوند "كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَ رُسُلِی[المجادلة۲۲ ]" در حق او آشکارا راست آمده است.

☆ سُوْرَةُ الْحَآقَّةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیار بخشنده،بارهارحم کننده(١)

اَلۡحَآقَّةُ ②

حتمی الوقوع (٢)

مَا الۡحَآقَّةُ ③

حتمی الوقوع چیست؟(٣)

وَمَاۤ اَدۡرٰىكَ مَا الۡحَآقَّةُ ④

تو را چه چیزی بفهماند حتمی الوقوع چیست؟(٤)

كَذَّبَتۡ ثَمُوۡدُ وَعَادٌۢ بِالۡقَارِعَةِ ⑤

ثمود و عاد به آفتی هولناك انکار کرده بودند(٥)

فَاَمَّا ثَمُوۡدُ فَاُهۡلِكُوۡا بِالطَّاغِيَةِ ⑥

پس باتوجه به ثمود پس آنها با آفتی سرکش هلاك کرده شدند(٦)

وَاَمَّا عَادٌ فَاُهۡلِكُوۡا بِرِيۡحٍ صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٍ ⑦

و باتوجه به عاد آنها هلاك کرده شدند با بادی تندوز که پیوسته از حد درگذرنده بود(٧)

سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ سَبۡعَ لَيَالٍ وَّثَمٰنِيَةَ اَيَّامٍ ۙ حُسُوۡمًا ۙ فَتَرَى الۡقَوۡمَ فِيۡهَا صَرۡعٰى ۙ كَاَنَّهُمۡ اَعۡجَازُ نَخۡلٍ خَاوِيَةٍ ⑧

[خدا] آنرا هفت شب و هشت روز متوالی برآنها مسلط نمود[که آنها را] بریده از میان میبرد. پس قوم را درآن بخاك افتاده دیدی آنها همچون ساقهٔ درخت خرما توخالی بودند(٨)

| | |
|---|---|
| فَهَلۡ تَرٰی لَهُمۡ مِّنۡۢ بَاقِيَةٍ ﴿۹﴾ | پس آیااز آنهاباز مانده میبینی؟(۹) |
| وَجَآءَ فِرۡعَوۡنُ وَمَنۡ قَبۡلَهٗ وَالۡمُؤۡتَفِكٰتُ بِالۡخَاطِئَةِ ﴿۱۰﴾ | و آمد فرعون و آنها که قبل از او بودندو شهرهائی بعلت گناه کاریها زیرورو شده(۱۰) |
| فَعَصَوۡا رَسُوۡلَ رَبِّهِمۡ فَاَخَذَهُمۡ اَخۡذَةً رَّابِيَةً ﴿۱۱﴾ | پس آنان رسولِ پروردگار خود را نافرمانی کردند. پس خداآنها را به گرفتی سختتر بگرفت(۱۱) |
| اِنَّا لَمَّا طَغَا الۡمَآءُ حَمَلۡنٰكُمۡ فِی الۡجَارِيَةِ ﴿۱۲﴾ | یقینًا ما شما را گامیکه آب طغیان کرد در کشتی برداشتیم(۱۲) |
| لِنَجۡعَلَهَا لَكُمۡ تَذۡكِرَةً وَّتَعِيَهَاۤ اُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ﴿۱۳﴾ | تا آنرا برای شما یادآوریی قرار دهیم و گوش های فرا گیرنده آن را فرا گیرد(۱۳) |
| فَاِذَا نُفِخَ فِی الصُّوۡرِ نَفۡخَةٌ وَّاحِدَةٌ ﴿۱۴﴾ | پس گامیکه ناگهان درصور دمیدگی پرزور دمیده شود(۱۴) |
| وَّحُمِلَتِ الۡاَرۡضُ وَالۡجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَّاحِدَةً ﴿۱۵﴾ | و زمین و کوهها برداشته و یکهو از هم پاشیده شوند(۱۵) |
| فَيَوۡمَئِذٍ وَّقَعَتِ الۡوَاقِعَةُ ﴿۱۶﴾ | پس آنروز حتمی الوقوع حتماً صورت وقوع حاصل کند(۱۶) |
| وَانۡشَقَّتِ السَّمَآءُ فَهِیَ يَوۡمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ﴿۱۷﴾ | و آسمان بشکافد پس آنروز آن واهی باشد(۱۷)++[ص#۱۴۴۱] |
| وَّالۡمَلَكُ عَلٰۤی اَرۡجَآئِهَا ؕ وَيَحۡمِلُ | و فرشتگان براطراف آن باشند و |

عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمٰنِيَةٌ ﴿۱۸﴾

آنروزفوق آنان عرش پروردگار تورا هشت[صفات]بردارند(۱۸)+

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُوْنَ لَا تَخْفٰى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿۱۹﴾

آنروزشماعرضه داشته شوید. هیچ راز داری ازشما پنهان نماند(۱۹)

فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ ۙ فَيَقُوْلُ هَآؤُمُ اقْرَءُوْا كِتٰبِيَهْ ﴿۲۰﴾

پس آنکس که نامه اعمالش بدست راستش داده شود پس گوید، بیآیید بگیرید نامهٔ اعمالم را و بخوانید(۲۰)++

---

++آیت ۱۷ :این آیة مربوط به رویدادهای زمینی است زیراکه در روز قیامت آسمان راشکافتن ماانندپارچه خارج ازموضوع است.آنروزکه نه این زمین است ونه آسمان.

++آیت۱۸ :کسی را ازاین آیت گمان نگذردکه فرشتگان را نیرو همچون نیروی مادی دردست است و عرش را بوسیله آن برداشته اند.عرش که مانند چیزی مادی نیست که برای برداشتن آن نیروی مادی را نیازدارد. واقعیت این است که فقط خدا بتنهائی هرچیز را برداشته است یعنی هرچیز به او تکیه زده است.

حضرت مسیح موعود میفرمایند، عرش نام از مقام تنزّه و تقدیس خدای متعال است ودال برحالت وراء تر بودن او میباشد. چهار صفت الهی مذکور در سورة الفاتحة یعنی ربّ، رحمٰن، رحیم و مالك یوم الدین موسوم به چهار فرشته میشوند. این چهار صفت عرش او را برداشته اند. بعبارت دیگر در این دنیا وجود مخفی او را بوسیله این چهار صفت میتوان معلوم کرد و این معرفت در عالم آخرت دو برابر افزایش خواهد یافت. گویی که بجای چهار فرشته هشت فرشته خواهند شد.

++آیت ۲۰: هَاؤُمَ : هَا كَلِمَةً فِی مَعَنی الاخذِ. وَ يُقَالُ هَاؤُمَ وَ هَاؤُمُوا (مفردات امام راغب رح] هَاؤُمَ را معنا است بگیرید.

| | |
|---|---|
| اِنِّیْ ظَنَنْتُ اَنِّیْ مُلٰقٍ حِسَابِیَهْ ﴿۲۱﴾ | یقیناًمن امید داشتم که حساب خود را روبرو بیننده ام(۲۱) |
| فَهُوَ فِیْ عِیْشَةٍ رَّاضِیَةٍ ﴿۲۲﴾ | پس او درزندگی خوش وپسندیدهٔ باشد(۲۲) |
| فِیْ جَنَّةٍ عَالِیَةٍ ﴿۲۳﴾ | در بهشتی بلند و بالا(۲۳) |
| قُطُوْفُهَا دَانِیَةٌ ﴿۲۴﴾ | خوشه هایش به نزدیك باشد(۲٤) |
| كُلُوْا وَاشْرَبُوْا هَنِیْٓـًٔا بِمَآ اَسْلَفْتُمْ فِی الْاَیَّامِ الْخَالِیَةِ ﴿۲۵﴾ | با مزه خوش بخورید و بیآشامید به بدل آن اعمال که در روزهای گذشته بجامیآوردید(۲۵) |
| وَاَمَّا مَنْ اُوْتِیَ كِتٰبَهٗ بِشِمَالِهٖ فَیَقُوْلُ یٰلَیْتَنِیْ لَمْ اُوْتَ كِتٰبِیَهْ ﴿۲۶﴾ | و اماآنکه نامهٔ اعمالش در دست چپش داده شود او گوید، کاشکی نامه اعمال داده نمی شدم(۲۶) |
| وَلَمْ اَدْرِ مَا حِسَابِیَهْ ﴿۲۷﴾ | ونمیفهمیدم حسابم چیست(۲۷) |
| یٰلَیْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِیَةَ ﴿۲۸﴾ | ای کاش!آن[ساعت] قضیه را تصفیه کننده بود(۲۸) |
| مَآ اَغْنٰی عَنِّیْ مَالِیَهْ ﴿۲۹﴾ | مالم هیچ بکارم نیآمد(۲۹) |
| هَلَكَ عَنِّیْ سُلْطٰنِیَهْ ﴿۳۰﴾ | غلبه من از من برباد رفت(۳۰) |
| خُذُوْهُ فَغُلُّوْهُ ﴿۳۱﴾ | اورابگیریدوطوقش کنید(۳۱) |
| ثُمَّ الْجَحِیْمَ صَلُّوْهُ ﴿۳۲﴾ | بازاورابداخل جهنم افکنید(۳۲) |
| ثُمَّ فِیْ سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُوْنَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوْهُ ﴿۳۳﴾ | بازاورادرزنجیری که طولش هفتاد ذراع است منتهااورابکشید(۳۳) |

| | |
|---|---|
| اِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ الْعَظِيْمِ ﴿۳۴﴾ | یقینًا او به خدای صاحب عظمت ایمان نمی‌آورد(۳۴) |
| وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ ﴿۳۵﴾ | ونه به تغذیه کردن مسکین تشویق مینمود(۳۵) |
| فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هٰهُنَا حَمِيْمٌ ﴿۳۶﴾ | پس امروزاینجااو را هیچ دوست صمیمی نباشد(۳۶) |
| وَّلَا طَعَامٌ اِلَّا مِنْ غِسْلِيْنٍ ﴿۳۷﴾ | و نه غذایی است جز از آب غسل زخمها(۳۷) |
| لَّا يَاْكُلُهٗٓ اِلَّا الْخَاطِئُوْنَ ﴿۳۸﴾ ع | نمیخورد آنرا جز خطاکاران(۳۸) |
| فَلَآ اُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُوْنَ ﴿۳۹﴾ | پس باش،من قسم میخورم به آنچه شما میبینید(۳۹) |
| وَمَا لَا تُبْصِرُوْنَ ﴿۴۰﴾ | و آنچه را شما نمی بینید(۴۰) |
| اِنَّهٗ لَقَوْلُ رَسُوْلٍ كَرِيْمٍ ﴿۴۱﴾ | یقیناً این سخن رسولی صاحب عزت است(۴۱) |
| وَّمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ط قَلِيْلًا مَّا تُؤْمِنُوْنَ ﴿۴۲﴾ | وگفتارشاعری نیست. بسیارکم است آن ایمان که میآرید(۴۲) |
| وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ط قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ﴿۴۳﴾ | و نه حرف کاهنی‌است.بسیارکم است پندی آنچه میپذیرید(۴۳) |
| تَنْزِيْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۴۴﴾ | تنزیلی‌ازپروردگارجهانهاست(۴۴) |
| وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْاَقَاوِيْلِ ﴿۴۵﴾ | و اگر بعض سخنان را بدروغ بر ما میبست(۴۵)++ |

لَاَخَذۡنَا مِنۡهُ بِالۡيَمِيۡنِ ﴿٤٦﴾
حتمًا او را از دست راست می گرفتیم(٤٦)++

ثُمَّ لَقَطَعۡنَا مِنۡهُ الۡوَتِيۡنَ ﴿٤٧﴾
سپس حتمًا رگ جان او را قطع میکردیم(٤٧)++

فَمَا مِنۡكُمۡ مِّنۡ اَحَدٍ عَنۡهُ حٰجِزِيۡنَ ﴿٤٨﴾
پس هیچکس از شما[مارا] از او باز دارندهٔ ی نبود(٤٨)++

وَاِنَّهٗ لَتَذۡكِرَةٌ لِّلۡمُتَّقِيۡنَ ﴿٤٩﴾
و یقینًا این متقیان را پندی بزرگ است(٤٩)

وَاِنَّا لَنَعۡلَمُ اَنَّ مِنۡكُمۡ مُّكَذِّبِيۡنَ ﴿٥٠﴾
و یقینًا ما میدانیم که میان شما تکذیب کنندگان نیزاند(٥٠)

وَاِنَّهٗ لَحَسۡرَةٌ عَلَى الۡكٰفِرِيۡنَ ﴿٥١﴾
و یقیناً این بر کافران حسرتی بزرگست(٥١)

وَاِنَّهٗ لَحَقُّ الۡيَقِيۡنِ ﴿٥٢﴾
ویقیناًآن حق الیقین است(٥٢)

فَسَبِّحۡ بِاسۡمِ رَبِّكَ الۡعَظِيۡمِ ﴿٥٣﴾ ع
پس نام پروردگارخود صاحب عظمت را تسبیح بگو(٥٣)

ع ۲ ۱۵ ٦

++آیات٤٥ـ ٤٨:دراین أیتها رد به این سوء تفاهم است که وحی را بدروغ به خدا نسبت دهنده رانیروی‌دنیائی‌میتواندنجات دهد.درحقیقت باآنکه مدعیان دروغین را نیروی دنیائی پشتبانی میکند بازهم آنهاوپشتبانان آنهابه نابودی‌کشیده میشوند. پس این دلیل به صداقت آنحضرت ﷺ استواروبزرگی است.چه تمامی سرزمین عرب پس ازدعوی پیغمبری‌بمخالفت ایشان برخاسته بودند. این آیت عبارت ازاین نکته باریك است که اگر تمامی اعراب بجای مخالفت به حمایت ایشان برمیخاستند اگر ادعای ایشان بادروغ آمیخته بود هرگزنجات از نابودی ممکن نبود.

# ۷۰-المعارج

این سورة درمکه نازل شد و با بسمِ اللّٰه ٤٥ آیت دارد.

همان درنخستین آیه این سورة خدای متعال به چنین عذابی هشدار داده است که کافران نمیتوانند جلوی آنرا بگیرند.

باز خداوند "ذیالمعارج" قرارداده میشود یعنی بلندی او را بر آسمانی طبقه به طبقه تدبرکرده میتوان تاحدی درك کرد وگرنه بلندیهای او را هیچکس نمیتواندپی برد.آن بلندی که دراینجامذکوراست برآن چنین گواهی علمی یافت میشود که ذکرش در آیت خَمسِینَ اَلفَ سَنَةٍ این سورة رفته است یعنی فرشتگان بسویش در پنجاه هزار سال عروج میکنند. اینك در پنجاه هزار عروج کردن را میتوان دو معنا کرد۔

اوّل بظاهر پنجاه هزار سال و اگر این معنا گرفته شود در اینصورت نیز بیگمان پس از پنجاه هزار سال چنین تبدیلی آب و هوا پدید میآید که سراسر زمین با برفی توده شده فراگرفته میشود و تخلیق را آغاز از نو میشود.

دوم اینکه اینجا مِمَّاتَعَدُّونَ فرموده نشده است. اگرآیتی دیگر از قرآن که درآن ذکر از هزارسال رفته است با این آیت بهم خوانده شود این مطلب درمیآید که اگرهزار سال طبق شمارش شمامردم شمارکرده شود یك روز خداوند معادل آن هزار سال میباشد و اگر هریك روز با تعداد روزهای یك سال ضرب داده شود آنگاه عددی که در میآید آن مدت روزهای خدا را تعیین مینماید. پس از روی این حساب اگر پنجاه هزار سال را با روزهای خدا

ضرب داده شود آنگاه عدد هیجده الی بیست بیلیون سال درمیآید و این نزد پژوهندگان علم عمر کاینات است.

۱۸,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳٦۵ X ۵۰۰۰۰ X ۱۰۰۰]

یعنی هرکدام کاینات به این عمر رسیده در نیستی غرق میشود و پس از آن وجودش از نیستی دوباره آفریده میشود.

این مدت آنقدر طولانی است که انسان اینرا دورادور میپندارد. اما گامیکه عذاب واقع شود پس آن ساعت بسیار نزدیك دیده خواهد شد. آن چنین عذابی است که انسان تلاش کند که نزدیکان و جان و مال ومنال و هرچیزی دیگر را درمقابل آن فدا داده از آن نجات بدست آرد اما این امکان پذیر نخواهد شد. بلی! اگر قبل از این عذاب مومنان دارای این صفات باشند که ایشان بر نماز پایدارند و آنرا بتفکر ادا میکنند و علاوه بر این برای نگهداری از پاکیزگی خویش آن شرایط را تکمیل میکنند که بر ایشان واجب گردانده شد آنگاه ایشان آن خوش بختان هستند که از عذاب نجات داده خواهند شد.

باز آیة ٤۲ به این امر هشدار میدهد که خدا از شما بی نیاز است. پس اگر شما دست از فسق و فجور برنمیدارید آنگاه خدا بر این امر توانا است که بجای شما مخلوقی دیگر را بیآرد. پس این سورة، با تذکر عذابی که خبر از واقع شدن آن داده شد، پایان میپذیرد.

☆ سُوْرَةُ الْمَعَارِجِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسٌ وَّ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحم کننده (۱)

سَاَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَّاقِعٍ ②

پرسندهٔ ی درباره عذابی حتمی الوقوع پرسیده است(۲)

لِّلْكٰفِرِيْنَ لَيْسَ لَهٗ دَافِعٌ ③

نیست آنرا برای کافران دور کننده ای(۳)

مِّنَ اللّٰهِ ذِى الْمَعَارِجِ ④

ازجانب خدای صاحب همه بلندیها است(٤)

تَعْرُجُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوْحُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ خَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ ⑤

فرشتگان و ارواح بسوی‌او بالا میروند در روزی که شمار آن پنجاه هزار سال است(۵)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيْلًا ⑥

پس صبرکن صبری نیکو(٦)

اِنَّهُمْ يَرَوْنَهٗ بَعِيْدًا ⑦

البته آنهاآنرا به دور مینگرند(۷)

وَّنَرٰىهُ قَرِيْبًا ⑧

وماآنرابنزدیك مینگریم (۸)

يَوْمَ تَكُوْنُ السَّمَآءُ كَالْمُهْلِ ⑨

روزیکه آسمان همچون مس گداخته ای بشود(۹)

وَتَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ⑩

و کوهها همچون پشم زده ای بشوند(۱۰)

وَلَا يَسْئَلُ حَمِيْمٌ حَمِيْمًا ⑪

و هیچ دوست صمیمی از دوست

صمیمی [احوال] نپرسد(۱۱)

يُبَصَّرُوْنَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِىْ مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيْهِ ﴿۱۲﴾

آنان بدیشان بنمایش گذارده شوند. مجرم آرزوکندکاشکی از عذاب آنروز نجات یابد فدا داده پسران خود را(۱۲)

وَصَاحِبَتِهٖ وَاَخِيْهِ ﴿۱۳﴾

و همسرخود و برادرخود را(۱۳)

وَفَصِيْلَتِهِ الَّتِىْ تُـْٔوِيْهِ ﴿۱۴﴾

و قبیله خویش را که او را پناه میداد(۱٤)

وَمَنْ فِى الْاَرْضِ جَمِيْعًا ثُمَّ يُنْجِيْهِ ﴿۱۵﴾

وهرکه در زمین است جمیع را. باز آن[فدیه]اورانجات دهد(۱۵)

كَلَّا اِنَّهَا لَظٰى ﴿۱٦﴾

آگاه باش!یقینًا آن زبانه آتش بی دود است(۱٦)

نَزَّاعَةً لِّلشَّوٰى ﴿۱۷﴾

برکَننده‌ٔ پوست است(۱۷)

تَدْعُوْا مَنْ اَدْبَرَ وَتَوَلّٰى ﴿۱۸﴾

آن فرا میخواند آنرا که پشت برگرداند و روی برتابید(۱۸)

وَجَمَعَ فَاَوْعٰى ﴿۱۹﴾

وجمع کردپس احتکار نمود(۱۹)

اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوْعًا ﴿۲۰﴾

یقینًا انسان سخت حریص آفریده شد(۲۰)

اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوْعًا ﴿۲۱﴾

هرگاه او را شرّی برخورد کند سخت ناله کننده است(۲۱)

وَّاِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوْعًا ﴿۲۲﴾

و هرگاه به او نعمت برسد سخت

بخل كنندهٔ ميشود(٢٢)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٢٣﴾

جز نمازگذاران(٢٣)

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٤﴾

آنانكه برنمازخودبرقراراند(٢٤)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ﴿٢٥﴾

آنانكه در مالهاى ايشان حقى معيّن است(٢٥)

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٦﴾

براى سؤال كننده و بينوا(٢٦)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٧﴾

و آنانكه به روز جزاء تصديق كنند(٢٧)

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

و آنانكه از عذاب پروردگارخود ميترسند(٢٨)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٩﴾

يقيناًعذاب پروردگارايشان است كه از آن درامان نتوان شد(٢٩)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٣٠﴾

آنانكه فرجهاى‌خودرانگهدارندگان اند(٣٠)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣١﴾

جزهمسران خودياآنهائى كه دست راست ايشان مالك شد.پس يقيناً آنان مورد ملامت نيستند(٣١)

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣٢﴾

پس آنكه خواست [چيزى] جزآن پس همانها تجاوزگران اند(٣٢)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٣٣﴾

وآنانكه به امانات خود و پيمان هاى‌خود رعايت كنندگانند(٣٣)

وَالَّذِيْنَ هُمْ بِشَهٰدٰتِهِمْ قَآئِمُوْنَ ﴿۳۴﴾
وآنانکه برگواهی‌های‌خود استوار اند(۳۴)

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ﴿۳۵﴾
وآنانکه برنمازهای خود نگهداران اند(۳۵)

اُولٰٓئِكَ فِيْ جَنّٰتٍ مُّكْرَمُوْنَ ﴿۳۶﴾
همانها در بهشتها احترام شدگان اند(۳۶)

فَمَالِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا قِبَلَكَ مُهْطِعِيْنَ ﴿۳۷﴾
پس چه شده بود آنها را که کفر کردند که به تو پرشتاب می آمدند(۳۷)

عَنِ الْيَمِيْنِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِيْنَ ﴿۳۸﴾
از سمت راست و از سمت چپ گروه در گروه(۳۸)

اَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ اَنْ يُّدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيْمٍ ﴿۳۹﴾
آیاهرکدام از ایشان امید دارد که به داخل بهشتی پرنعمت کرده شود(۳۹)

كَلَّا ؕ اِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُوْنَ ﴿۴۰﴾
هرگزنه.یقینًا ما ایشان را آفریده ایم ازآنچه میدانند(۴۰)

فَلَآ اُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشٰرِقِ وَالْمَغٰرِبِ اِنَّا لَقٰدِرُوْنَ ﴿۴۱﴾
پس باش.امن به پروردگارخاوران وباختران قسم میخورم بیقین ما حتمًا توانا هستیم(۴۱)++

عَلٰٓى اَنْ نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ ۙ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِيْنَ ﴿۴۲﴾
براینکه(بجای‌آنان)نیکوترازآنان بدل کنیم و پیشی گرفتن بر ما

غیر ممکن است(۴۲)++

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتّٰى يُلٰقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِىْ يُوْعَدُوْنَ ﴿۴۳﴾

پس بگذار آنها را غرق به هرزه گوئی و بازی کنان تاآن انتهاکه آنروزخود را ببینند که وعدهٔ داده شدند(۴۳)

يَوْمَ يَخْرُجُوْنَ مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا كَاَنَّهُمْ اِلٰى نُصُبٍ يُّوْفِضُوْنَ ﴿۴۴﴾

روزیکه از مدفنهای خود سریعًا بیرون آیند گویی آنان بسوی قربانگاه ها پرشتاب میروند(۴۴)

خَاشِعَةً اَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِىْ كَانُوْا يُوْعَدُوْنَ ﴿۴۵﴾ ع ۲ ۹ ۸

چشمان ایشان فروهشته و خواری آنها را فراگرفته باشد. این روزی است که به آن وعدهٔ داده می شدند(۴۵)

---

آیات ۴۱ـ۴۲: دراین آیات کریمه نیز پروردگارخاوران و باختران گواه قرارداده میشود یعنی پیشگوئی است که زمانی میرسد که خاوران و باختران درمصطلحاتی گوناگون به کارگرفته شود مثلاً خاورمیانه. خاوردور.خاور نزدیك وغیره. اینجا دومین سخن شگفت انگیز اینست که خداوند توانا براین امراست که اگربخواهد در این دنیا مخلوقی بهتر از آدمیان بیآرد.

# ۷۱-سورة نوح

این سورة از آن جمله سورة های ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۲۹ آیت دارد.

پایان سورة گذشته حاکی بود که مابراین امر توانا مستیم که مخلوقی بهتر از شما را پدیدآریم. اینک سورة نوح عبارت از این موضوع است که حین عذاب برقوم نوح، نسبتاًبرسطح کمتر،همین صورت بود که همه ای آن قوم به غرق افکنده شد جزچند نفر که در کشتی حضرت نوح پناهنده شده بودند و سپس زادگان آن سرنشینان کشتی که با حضرت نوح علیه السلام سوار شده بودند خوبتر بوجود آورده شدند.

درآیة ۵ باز سخن از نهایت زمانی معین کرده خدای متعال گفته میشود که چون آن دررسد،پس نیستیدشماکه آنرادورکننده باشید.این اعاده موضوع از سورة گذشته است.

سپس ذکر از گریه و زاری حضرت نوح علیه السلام و ابلاغ کردن پیغام میرود.فرمودکه تنهارساندن پیغام کفایت نمیکند بلکه پیغمبری برای فهماندن آن پیغام جان خویش را بدست هلاك میسپارد. آن فرستاده خدا هیچ وسیله ای را وا نمیگذارد تا هرکدام کوچك و بزرگ قوم بتواند آن پیغام را درك کند - گاهی با زاری و گاهی پنهان تا متکبران قوم صداقت را روبروی مردم قبول کرده احساس شرمساری نکنند. گاهی علناً تا عوام الناس نیز مستقیماً از پیغام پیغمبر حالی گردند و الا سرداران ایشان که آن پیغام را پیچ داده ارائه خواهند داد. بازگاهی او توجه مردم به این طمع جلب میکند که ببینید!

اگر شما ایمان بیآرید آنگاه از باران رحمت آسمانی بسیار برخوردار خواهید شد و گاهی او مردم را در ترس میفاکند که اگر ایمان نیآرید آنگاه از آسمان بجای باران رحمت بارانی هلاك کننده فرودمیآید و در آنصورت زمین هم نتواند به کمك شما برآید بلکه از آنهم هلاکت فواره خواهد زد. آنگاه پس از اتمام حجت منتها صف ایشان پیچانده و پی قومی جدید ریخته شد.

پس آن دعای حضرت نوح علیه السلام که خدا از کافران هیچکس را باقی نگذارد بنا بر این امر بود که خداوند ایشان را این دانش داده بود که اگر اکنون آنها زنده نگهداشته شوند آنگاه فقط زاد و ولد فاسقان و فاجران ادامه خواهد داشت و از نثراد آنها زایش مومنان منقطع شده است. پس وقتیکه جماعتهای برگزیده خدائی این نوع اتمام حجت را بپایان رسانده باشند آنگاه این حق ایشان است که برای مخالفان خویش دست دعا به نابودی آنها بلند کنند.

بعلاوه این سورة عبارت از این موضوع نیز است که حضرت نوح علیه السلام توجه قوم خویش را جلب کرده گفته بودند که چرا شما یك هستی باوقار خدای متعال را قبول نمیکنید؟ اوست که شما را کم کم جلو انداخته به پایه تکمیل رسانده است. همین امر از بلندیهای طبقه به طبقه آسمان به اثبات میرسد. این موضوع از سطح ادراك آن قوم بالاتر بود. ایشان نه از زمان گذشته خودشان حالی بودندکه چطورایشان طبقه به طبقه بوجود آمدند و نه از زمان آینده خویش آگاه بودند و نه ایشان از طبقه در طبقه بودن آسمان راعلمیداشتند. غالباً این یك پیشگوئی است که چون در زمان آینده

"کشتی نوح"جدیدی ساخته خواهد شد آنگاه مردم آنزمان درباره اینهمه امور آگاه شده خواهند بود. بازهم اگر آنان دست از ترویج شرک برندارند بااینکه هر نوع اتمام حجت برایشان بپایان رسانده شده باشد منتها این دعا فَسَحّقهُم تَسحِيقًا و وَلاَ تَذَرعَلَی الاَرضِ مِنَ الکَافِرِینَ شَرِیراً بر آنان راست خواهد آمد.

☆ سُوْرَةُ نُوْحٍ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَانِ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾ | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشتده.بارهارحمکننده(۱) |
| اِنَّآ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖٓ اَنْ اَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢﴾ | یقینًا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را بترسان پیش از آنکه عذابی دردناك به ایشان برسد(۲) |
| قَالَ يٰقَوْمِ اِنِّيْ لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٣﴾ | او گفت:ای قوم من!یقینًا من برایشما آشکارا بیم دهندهٔ ام(۳) |
| اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿٤﴾ | که خدا را عبادت کنید و از او بترسید و از من اطاعت کنید(٤) |
| يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ اِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ اِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ ۘ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٥﴾ | اوگناهان شمارا برایشما میآمرزد و شما را تا نهایت زمانی معین فرصت دهد. یقینًا چون نهایت زمانی معین از خدا برسد آن دور کرده نمیشود. کاشکی شما می دانستید(۵) |
| قَالَ رَبِّ اِنِّيْ دَعَوْتُ قَوْمِيْ لَيْلًا وَّنَهَارًا ﴿٦﴾ | او گفت: پروردگارا! یقینًا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم(٦) |

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِيْٓ اِلَّا فِرَارًا⑦

پس دعوت من بر ایشان هیچ نیفزود جز فرارکردن(۷)

وَاِنِّيْ كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوْٓا اَصَابِعَهُمْ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَاَصَرُّوْا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا⑧

وبراستی‌هرگاه من آنهارا خواندم تا توآنها را بیآمرزی سرانگشتان خود را به گوشهای خود نهادند و جامه های را برخود پوشاندند و اصرار کردند و با تحقیر کبر کردند(۸)

ثُمَّ اِنِّيْ دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا⑨

سپس البته من آنانرا باصدای بلند دعوت کردم(۹)

ثُمَّ اِنِّيْٓ اَعْلَنْتُ لَهُمْ وَاَسْرَرْتُ لَهُمْ اِسْرَارًا⑩

سپس یقینًامن بخاطر آنان اعلام هم کردم و برای آنان اخفاء هم کردم(۱۰)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا⑪

پس گفتم ازپروردگارخودآمزرش بطلبید. یقینًا او بسیار آمرزندهٔ است(۱۱)

يُّرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا⑫

او ازآسمان بارانی‌پیوسته بارندهٔ را برشما بفرستد(۱۲)

وَّيُمْدِدْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِيْنَ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ جَنّٰتٍ وَّيَجْعَلْ لَّكُمْ اَنْهٰرًا⑬

وشمارا بادارائیهاوفرزندان کمك كند و برایشما بهشتهای بسازد و برای شما نهرهای قراردهد(۱۳)

| | |
|---|---|
| مَا لَكُمْ لَا تَرْجُوْنَ لِلّٰهِ وَقَارًا ﴿١٤﴾ | چیست شمارا که ازخدا به وقار امید ندارید(۱٤ )++ |
| وَقَدْ خَلَقَكُمْ اَطْوَارًا ﴿١٥﴾ | درحالیکه او شما را بر اطواری مختلف خلق کرده است(۱۵ )++ |
| اَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا ﴿١٦﴾ | آیا ننگریستید چگونه خدا هفت آسمان را طبقه بر طبقه خلق کرد(۱٦ )++ |
| وَّ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيْهِنَّ نُوْرًا وَّ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٧﴾ | و ماه را در آنها نوری قرار داد و خورشید را چراغی روشن قرار داد(۱۷ )++ |
| وَاللّٰهُ اَنْۢبَتَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٨﴾ | و خدا شمارا از زمین مانندنباتی رویانید(۱۸ )++ |
| ثُمَّ يُعِيْدُكُمْ فِيْهَا وَيُخْرِجُكُمْ اِخْرَاجًا ﴿١٩﴾ | بازشمارا در آن عودت دهد و شما را برنگ جدیدی درآورد(۱۹ )++ |
| وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ بِسَاطًا ﴿٢٠﴾ | وخدا زمین رابرای شماگسترشی قرارداد(۲۰ ) |

++آیات۱٤ـ۱۹ :این آیات حاکی ازاین موضوع است که آفرینش انسان درجه بدرجه از مختلف ادوارارتقاء گذشته صورت گرفته است .کسانیکه میپندارند که خداوند هرچیزرا یکهودرحالت کنونی‌پدیدارساخت آنان ازصاحب وقاربودن خداوند انکار میکنند چه یك هستی‌صاحب وقارمیچگاه کاری را پرشتاب انجام نمیدهد. آن هرچیز را درجه بدرجه ترقی داده بلندترمیسازد.خدای‌متعال برهمین منوال [ص#۱٤۵۸]

لِّتَسْلُكُوْا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿۲۱﴾
تا بر راههای گشاده اش بروید(۲۱)

قَالَ نُوْحٌ رَّبِّ اِنَّهُمْ عَصَوْنِيْ وَاتَّبَعُوْا مَنْ لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهٗ وَوَلَدُهٗٓ اِلَّا خَسَارًا ﴿۲۲﴾
نوح گفت، پروردگارا یقینًا آنها مرا نافرمانی کرده اند و آنرا پیروی کردند که دارائیش و اولادش بر او هیچ نیفزود جز خسارت(۲۲)

وَمَكَرُوْا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿۲۳﴾
و نیرنگی بزرگ را نیرنگ کرده اند(۲۳)

وَقَالُوْا لَا تَذَرُنَّ اٰلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَّلَا سُوَاعًا ۙ وَّلَا يَغُوْثَ وَيَعُوْقَ وَنَسْرًا ﴿۲۴﴾
و گفتند:هرگز معبودان خود را ترک نکنید و نه ودّا و سواع را ترک کنید و نه یغوث و یعوق و نسر را(۲٤)

وَقَدْ اَضَلُّوْا كَثِيْرًا ۚ وَلَا تَزِدِ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا ضَلٰلًا ﴿۲۵﴾
درحالیکه آنها بسیار کثیران را گمراه کرده اند و تو برکافران نیفزا جز گمراهی(۲۵)

---

بقیه آیات ١٤_١٩ :آسمانها را طبقه به طبقه بوجود آورد.

در پایان این آیات فرمود «انبتکم من الارض نباتا» ـ این فقط مصطلاحی نیست بلکه حقیقت است که آفرینش انسان چنین دور را طی کرد که آن فقط بصورت نبات بود ودرآیاتی دیگراین موضوع بدین صورت عنوان میشود که«لم یکن شیئاًمذکورا» یعنیانسان درتخلیق خودازچنین حالت نیزگذشت که هیچ هم قابل ذکرنبود. دراین کلام اشارهٔ لطیفیبدین سمت است که چون تخلیق انسان از دورهٔ نباتی میگذشت آنگاه او حواس برای شنیدن یا شنواندن صدا را نداشت و سکوت کامل حیات نباتی را فراگرفته بود.

مِّمَّا خَطِيٓـَٔتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا ۙ فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ أَنْصَارًا ﴿٢٦﴾

پس ازروی خطاکاریهای خودغرق کرده شدند پس بداخل آتش کرده شدند وآنها خدا را رهاکرده برای خود هیچ را یاورنیافتند(۲٦)

وَقَالَ نُوْحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ دَيَّارًا ﴿٢٧﴾

ونوح گفت.پروردگاراکسی کافر راروی زمین آبادنگذار(۲۷)++

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوْا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوْٓا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٨﴾

یقینًا اگرتوآنهاراترک کنی‌بندگان تو را گمراه سازند و نزایند جز ناسپاسی بدکار را(۲۸)++

رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَّلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۭ وَلَا تَزِدِ الظّٰلِمِيْنَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٩﴾ ع

پروردگاراابیآمرزمراووالدینم را وآنکه مومن بداخل خانه ام شود و مومنان و مومنات را و نیفزای بر کافران جزنابودی(۲۹)

آیات ۲۷ـ ۲۸:این لعن حضرت نوح برقوم خود بدینعلت بود که خداوند ایشان را متنبه ساخته بود که اینك این قوم ونسلهای آینده اش هیچگاه ایمان نمیآرند. حضرت نوح را این علم ازخود نمیتوانست باشد.حتماًایشان این علم را از خدا فراگرفتند وبرمبنای آن برقوم خویش لعن کرده بودند.

# ۷۲ -سورةالجن

این سورة درمکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۲۹ آیت دارد.

این سورة را تعلق بقرار معلوم با سورة نوح اینست که در این سورة نیز به قوم مژده ای داده میشود که اگرشما پیغام حق را قبول کنید، آب رحمت کثیر بر شما نازل شود و اگر به آن انکار کنید پس بعذابی مدام سرکش مبتلا کرده شوید. سیلی که سورة نوح حاکی از آنست نیز پیوسته سرکش بود.

اکنون مابرموضوعات این سورة نگاه عمومی میفکنیم درچه موضوعاتی عمده نسبت به اجنه آغاز نهاده است. علماء بالعموم خیال میکنند که منظور از اجنه مخلوقی نادیدنی و آفریده از آتش بوده است حالانکه از حدیث های مستند به اثبات میرسد که وقتی آنحضور با یك هیئت نمایندگان که بدین معنااجنه بودند که ایشان سرداران قوم خویش بودند ملاقات کردند آنان آتش را روشن کردند تا غذای خویش را آماده کنند. پس بدیهی است هرگز اینجا سخن از هیچ نوع جن فرضی نرفته است.

ضمناً از آنجمله موضوعات عمده که ایشان تذکر دادند یکی اینست که بعض احمقان از میان ما سخنان شگفت انگیز را به خدا نسبت میدادند. مضافاًاین عقیده نیزمیان مامتداول شده بود که اکنون خدا هیچ پیغمبری را مبعوث نخواهد کرد. ایشان به این اعتقاد انکار کردند زیرا که ایشان پیغمبری بزرگ را حضوراً زیارت کرده بودند.

سپس سخن از مساجد میرود که آنها خالصاً برای خدا بنا کرده میشوند.

عبادت غیرازخدا درآنها روانیست. باز ذکر ازعبادت آنحضورﷺ رفته است. ایشان را حین عبادت تفکراتی گوناگون فرامیگرفت تا توجه ایشان بهم زده شوداماباواین وجود ایشان کلیةً توجه خویش راخالصانه برای خدا اختصاص میدادند. آدمی هرروز مشاهده میکند که حالت شادمانی و غمناکی اش اکثراً میتواند توجه او را حین عبادت بهم زند.

اینجا یکبار دیگر این امر تکرار میشود که عذابی را که شما دورادور می پندارید هیچکس نمیتواند بگوید که آن دور است یا نزدیك. وقتی عذاب برسد درآنصورت هرچندانسان آنرادوربپنداردحتماًآن نزدیك دیده میشود.

آنحضرت ﷺ را غیب فراوان اعطاء شده بود. ایشان در ذات گرامی خود دانای غیب نبودند.عملاً خداوند فرستادگان خویش راباآنکه ذاتاً ایشان دانا بر غیب نمیباشند پیوسته علم غیب اعطاء مینماید و غیبی که به ایشان درداده میشود لازماًبحق میرسد.همانطورفرشتگانی که با وحی رسالت نازل میشوند ایشان از پیشروی و پشت سر از آن وحی نگهداری کنان حرکت میکنند تاشیاطین در آن نتوانند هیچ نوع اختلال وتبدیلی بعمل آرند. دنبال پیغمبران بزرگ بسیاررسولان تابع ایشان نیزبظهور میآیند که عملاً برحفاظت معنوی آن وحی که بر پیغمرانی بزرگ فرستاده شود مامور میشوند.

☆ سُوْرَةُ الْجِنِّ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارها رحم کننده(۱)

قُلْ اُوْحِيَ اِلَيَّ اَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوْٓا اِنَّا سَمِعْنَا قُرْاٰنًا عَجَبًا ②

بگوبسوی من وحی شده است که گروهی‌ازجنهاسخن رابدقت گوش کرده پس گفتند یقینًا ما قرآنی عجیب را گوش کرده ایم(۲)++

يَّهْدِيْٓ اِلَى الرُّشْدِ فَاٰمَنَّا بِهٖ ۭ وَلَنْ نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ اَحَدًا ③

که بسوی‌خوشبختی‌هدایت میکند. پس ما به آن ایمان آورده ایم و هرگزماهیچ را به پروردگار خود شریك قرار ندهیم (۳)++

وَّاَنَّهٗ تَعٰلٰى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا ④

واینکه شأن پروردگارما بلنداست او نگرفت همسری‌و نه پسری(٤)

وَّاَنَّهٗ كَانَ يَقُوْلُ سَفِيْهُنَا عَلَى اللّٰهِ شَطَطًا ⑤

واینکه نادانی از ما ستمکارانه بر خداحرف میزد(۵)++

وَّاَنَّا ظَنَنَّآ اَنْ لَّنْ تَقُوْلَ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ⑥

و اینکه یقینًا ما میپنداشتیم که هیچکس ازانس وجن برخدادروغ نگوید(٦)++

وَّاَنَّهٗ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِنْسِ يَعُوْذُوْنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوْهُمْ رَهَقًا ⑦

واینکه از تودهٔ مردم اشخاصی بودند که به مردانی از مهتران

وَّاَنَّهُمْ ظَنُّوْا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَّبْعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا ۙ﴿۸﴾

پناه میبردند پس ایشان آنهارا در زشتکاری وجهالت افزودند(۷)++

و اینکه آنها گمان کردند آنگونه که شما گمان کردید که خدا هیچ کس را مبعوث نخواهدکرد(۸)++

وَّاَنَّا لَمَسْنَا السَّمَآءَ فَوَجَدْنٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيْدًا وَّشُهُبًا ۙ﴿۹﴾

و اینکه ماآسمان راجستجوکردیم پس آنرا پر ازنگهبانان سختگیر وشعله های آتش یافتیم(۹)++

وَّاَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ؕ فَمَنْ يَّسْتَمِعِ الْاٰنَ يَجِدْ لَهٗ شِهَابًا رَّصَدًا ۙ﴿۱۰﴾

وحتماًمابخاطر شنیدن بر رصدگاه های آن مینشتیم. پس هر که حالا به شنیدن بکوشد او شعلۀ آتش را درکمین خودبیابد(۱۰)++

++آیات ۲-۱۰ : دراین آیات دوامرعلی‌الخصوص قابل وضاحت است. اجنه ای که درخدمت آنحضورﷺ رسیدند آنان سرداران بزرگ از قوم خویش بودندوآن اجنه فرضی نبودندکه تولیدتوهمات هستند.آنان بخاطرپختن غذاآنجاآتش راروشن کردند واصحاب درآنجازغال خموش شده وآثارآمادگی‌غذارانیزمشاهده کردند. درباره آنان غالب خیال اینست که آنان هیئت نمایندگان بنی‌اسرائیل مقیم در افغانستان و از سرداران واعیان قوم خویش یعنی‌جن بودند.آنان ذکرازبعثت آنحضورﷺ راشنیده درصدد برآمدندکه حضوراًاین امر راارزیابی کنند. آنان بدنبال بحث طولانی‌نه فقط آنحضورﷺ راراستگوتسلیم کردندبلکه ازاین اعتقاددروغین هم منکرشدندکه حالا خداهیچکس رابه پیغمبری مبعوث نخواهدکرد چنانکه بعض بیخردان از آنان معتقد بودند.سپس آنان بازگشتندوتمامی افغانستان آنزمان را به آغوش اسلام درآورند.

وَّاَنَّا لَا نَدْرِیْٓ اَشَرٌّ اُرِيْدَ بِمَنْ فِی الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۙ﴿۱۱﴾

وبراستی ما نمیدانستیم آیا برای هرکه درزمین است بدی خواسته شد یا پروردگارآنان درحق آنان درصدد خوبی برآمده است(۱۱)

وَّاَنَّا مِنَّا الصّٰلِحُوْنَ وَمِنَّا دُوْنَ ذٰلِكَ ۭ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا ۙ﴿۱۲﴾

ویقینًا میان ما بعض نیکان بودند و میان ما غیر ازآن نیزبودند. ما درمسلك های‌گوناگون قرارگرفته بودیم(۱۲)

وَّاَنَّا ظَنَنَّآ اَنْ لَّنْ نُّعْجِزَ اللّٰهَ فِی الْاَرْضِ وَلَنْ نُّعْجِزَهٗ هَرَبًا ۙ﴿۱۳﴾

و البته ما یقین کرده بودیم که هرگزمانتوانیم خدا را در زمین بعجزآوریم وگریزان نیز نتوانیم او را مات کنیم(۱۳)

وَّاَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدٰٓى اٰمَنَّا بِهٖ ۭ فَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِرَبِّهٖ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَّلَا رَهَقًا ۙ﴿۱۴﴾

وهماناوقتی ما هدایت را شنیدیم به آن ایمان آوردیم. پس هرکه به پروردگارخودایمان آردپس او از زیان و ستم نمی ترسد(۱٤)

وَّاَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُوْنَ وَمِنَّا الْقٰسِطُوْنَ ۭ فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰۗئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿۱۵﴾

و البته در ما هم فرمانبرداران اند و هم ستمکاراننند. پس هرکه فرمانبردار شد پس همانهاند که هدایت راتلاش کردند(۱۵)

وَاَمَّا الْقٰسِطُوْنَ فَكَانُوْا لِجَهَنَّمَ

و کسانیکه ستمکار بودند همانها

| | |
|---|---|
| حَطَبًا ﴿١٦﴾ | سوخت آتش شدند(١٦) |
| وَّ اَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوْا عَلَى الطَّرِيْقَةِ لَاَسْقَيْنٰهُمْ مَّآءً غَدَقًا ﴿١٧﴾ | و اگر بر مسلك درست استقامت نشان ميدادند يقينًا آنها را آبى فراوان مينوشانديم(١٧) |
| لِّنَفْتِنَهُمْ فِيْهِ ۚ وَمَنْ يُّعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهٖ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٨﴾ | تا ايشان را درآن آزمايش كنيم و هركه ازيادخدا روگردانى كندوى رابعذابى سخت بيفكند(١٨) |
| وَّ اَنَّ الْمَسٰجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوْا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا ﴿١٩﴾ | ويقيناًمساجدبراى خدا است. پس احدى راباخداشريك نخوانيد(١٩) |
| وَّ اَنَّهٗ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللّٰهِ يَدْعُوْهُ كَادُوْا يَكُوْنُوْنَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿٢٠﴾ | ويقينًاچون بنده خدااو راخوانده بپاشد نزديك اندكه گرد هم آمده بر او بتازند(٢٠)++ |
| قُلْ اِنَّمَآ اَدْعُوْا رَبِّيْ وَلَآ اُشْرِكُ بِهٖٓ اَحَدًا ﴿٢١﴾ | بگو،من فقط پروردگارخود را ميخوانم و هيچ را با او شريك قرار نميدهم(٢١) |
| قُلْ اِنِّيْ لَآ اَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا رَشَدًا ﴿٢٢﴾ | بگو براستى من برايشما مالك زيان و سود نيستم(٢٢) |
| قُلْ اِنِّيْ لَنْ يُّجِيْرَنِيْ مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ ۙ وَّلَنْ اَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ﴿٢٣﴾ | بگوابدًاهيچكس مرادرمقابل خدا نتواند پناه دهد و هرگز من از او گذشته هيچ پناه گاهى نيابم(٢٣) |
| اِلَّا بَلٰغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسٰلٰتِهٖ ۭ وَمَنْ يَّعْصِ | كار من فقط سخنان خدا و پيغام |

اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ﴿۲۴﴾

او رساندن است و هر که خدا و رسول او را نافرمانی کند پس یقینًا برایش آتش جهنم است. آنان درآن مدت متمادی بمانند(۲۴)

حَتّٰٓى اِذَا رَاَوْا مَا يُوْعَدُوْنَ فَسَيَعْلَمُوْنَ مَنْ اَضْعَفُ نَاصِرًا وَّاَقَلُّ عَدَدًا ﴿۲۵﴾

تا آن انتها که چون آنان مشاهده کنند از آنچه هشدار داده میشدند آنگاه بدانندکیست ضعیفترمددگار و کمتر به عدد(۲۵)

قُلْ اِنْ اَدْرِيْٓ اَقَرِيْبٌ مَّا تُوْعَدُوْنَ اَمْ يَجْعَلُ لَهٗ رَبِّيْٓ اَمَدًا ﴿۲۶﴾

بگو،نمیدانم آیا از آنچه هشدار داده میشوید نزدیك است یا پروردگارم مدت آنرا به طول انجامد(۲۶)

عٰلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى غَيْبِهٖٓ اَحَدًا ﴿۲۷﴾

او دانایی‌غیب است واحدی رابر غیب خود غلبه نمیدهد(۲۷)

اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى مِنْ رَّسُوْلٍ فَاِنَّهٗ يَسْلُكُ مِنْۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا ﴿۲۸﴾

جز رسولی برگزیده خود را.پس یقینًااوپیشرویش[رسول] و پشت سرش نگهبانی کنان می رود(۲۸)

لِّيَعْلَمَ اَنْ قَدْ اَبْلَغُوْا رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَاَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿۲۹﴾

ع ۲ ۹ ۱۲

تابداندکه آنان پیغام پروردگار خودراابلاغ کرده اندو هرچه نزد آنانست رااوفراگرفته و شمار هر چیزی را تمامًا شمرده است(۲۹)

# ۷۳ -المزمل

این سورة در ابتدای دور مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۲۱ آیت دارد.

آن چگونگی عبادت از آنحضرت ﷺ که در سورة گذشته عنوان شده بود تفصیلش همان در آغاز این سورة یافت میشود و مجملاً بدینصورت است که ایشان شبگاه بپا شده بیشتر وقت آنرا زاری کنان میگذراندند. هیچ طریقی برای فرونشاندن خواهشهای نفس بهتر از این نیست که انسان شبگاهان بپا شده بوسیله عبادت خدا آنها را زیرپا له کند.

در این سورة یکبار دیگر مماثلت آنحضورﷺ با حضرت موسٰی علیه السلام بیان کرده میشود که ایشان ﷺ نیز رسولی صاحب جلال بودند که شریعتی آوردند. پس مُخاطبان رسول اللّٰه ﷺ هشدار داده میشوند که رسولی بزرگتر درجلال از حضرت موسٰی علیه السلام ظهور کرده است. اگر شما به مخالفت او برخیزید هیچ نتیجه ای بدست نیآرید جز اینکه به غرق هلاکتها افکنده شوید چنانکه درمقابل موسیٰ علیه السلام جابری بسیاربزرگ به تکذیب پیغام ایشان برآمده بود و منتها به نابودی کشانده شد.

☆ سُوْرَةُ الْمُزَّمِّلِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَانِ

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(١)

يٰۤاَيُّهَا الۡمُزَّمِّلُ ②

ای! که خود را به جامه قشنگ پیچیده ای(٢)

قُمِ الَّيۡلَ اِلَّا قَلِيۡلًا ③

شب را بپای خیزمگرکم(٣)

نِّصۡفَهٗۤ اَوِ انۡقُصۡ مِنۡهُ قَلِيۡلًا ④

نصف آن یا کمی از آن بکاه (٤)

اَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ الۡقُرۡاٰنَ تَرۡتِيۡلًا ⑤

یا بیفزا بر آن و قرآن را خوب روشن تر بسرا(٥)

اِنَّا سَنُلۡقِىۡ عَلَيۡكَ قَوۡلًا ثَقِيۡلًا ⑥

یقینًا ما فرمانی سنگین بر تو نازل کنیم (٦)

اِنَّ نَاشِئَةَ الَّيۡلِ هِىَ اَشَدُّ وَطۡـًٔا وَّاَقۡوَمُ قِيۡلًا ⑦

یقینًا بپاخاستن هنگام شب عاملی قدرتمندتر برای رام کردن نفس و پایدارتر از جهت گفتار است(٧)

اِنَّ لَكَ فِى النَّهَارِ سَبۡحًا طَوِيۡلًا ⑧

یقینًابرای تو در روزکاری طویل است(٨)

وَاذۡكُرِ اسۡمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلۡ اِلَيۡهِ تَبۡتِيۡلًا ⑨

پس نام پروردگار خود را ذکر کن و با انقطاعی کامل بسوی او جدا باش(٩)

رَبُّ الۡمَشۡرِقِ وَالۡمَغۡرِبِ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

اوپروردگارشرق وغرب است.

فَاتَّخِذْهُ وَكِيْلًا ⑩ | هیچ معبودی نیست جز او. پس او را کارساز بگیر(۱۰)

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيْلًا ⑪ | و صبرکن برآنچه میگویند و آنهارا با روشی نیکو ترک کن(۱۱)

وَذَرْنِيْ وَالْمُكَذِّبِيْنَ اُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيْلًا ⑫ | و بگذار [تنها] من و مکذبان پروردگان نعمت را و به آنهاکمی مهلت بده(۱۲)

اِنَّ لَدَيْنَآ اَنْكَالًا وَّجَحِيْمًا ⑬ | یقینًانزدماگوناگون سامان عبرت و جهنم است(۱۳)

وَّطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَّعَذَابًا اَلِيْمًا ⑭ | وغذائی گلوگیر و عذابی دردناک است(۱٤)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيْبًا مَّهِيْلًا ⑮ | روزیکه زمین وکوه هابلرزه آیندو کوه ها توده های ریگ گردد(۱۵)

اِنَّآ اَرْسَلْنَآ اِلَيْكُمْ رَسُوْلًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ اَرْسَلْنَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُوْلًا ⑯ | یقینًامابسویشمارسولی فرستادیم که بر شما گواه است بطوریکه ما رسولی به سوی فرعون فرستاده بودیم(۱٦)

فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ فَاَخَذْنٰهُ اَخْذًا وَّبِيْلًا ⑰ | پس فرعون آن رسول رانافرمانی کرد. پس او را به مواخذهٔ سخت گرفتیم(۱۷)

فَكَيْفَ تَتَّقُوْنَ اِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَّجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيْبًا ﴿۱۸﴾

پس اگر کفرکنید پس چگونه از آن روز نجات یابید که کودکانرا پیر نماید(۱۸)

السَّمَآءُ مُنْفَطِرٌ بِهٖ ؕ كَانَ وَعْدُهٗ مَفْعُوْلًا ﴿۱۹﴾

آسمان با[هیبت] آن از هم بپاشد. وعده او حتمی الوقوع است(۱۹)

اِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ ۚ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ﴿۲۰﴾ ع

یقیناًاین تذکری است. پس هر که بخواهدراهی‌بسوی‌پروردگارخود را بگیرد(۲۰)

اِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ اَنَّكَ تَقُوْمُ اَدْنٰى مِنْ ثُلُثَيِ الَّيْلِ وَنِصْفَهٗ وَثُلُثَهٗ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِيْنَ مَعَكَ ؕ وَاللّٰهُ يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ؕ عَلِمَ اَنْ لَّنْ تُحْصُوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْاٰنِ ؕ عَلِمَ اَنْ سَيَكُوْنُ مِنْكُمْ مَّرْضٰى ۙ وَاٰخَرُوْنَ يَضْرِبُوْنَ فِى الْاَرْضِ يَبْتَغُوْنَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ ۙ وَاٰخَرُوْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۖ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۙ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ؕ وَمَا تُقَدِّمُوْا

البته پروردگارت میداند که تو نزدیك دوثلث شب یا نصف آن یا ثلث آن بپامیایستی وهم گروهی از ایشان که با تو هستند و خدا شب و روز را کم و بیش میکند. او میداند که شما نمیتوانید آنرا مراقبت کنید. پس اوبرحمت خود بر شما گرایش کرد. پس هرچه امکان پذیر است از قرآن قرائت کنید.اومیداندکه ازشمامریض هم میباشندوهم دیگران که در زمین خواهان فضل خدا مسافرت می کنند و بعض دیگران که در راه

لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا وَّ اَعْظَمَ اَجْرًا ؕ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۱﴾ ع

خداقتال خواهند کرد.پس هرچه امکان پذیراست از آن قرائت کنیدو نماز رابپای داریدو زکٰوت بدهید و خدا راقرضه حسنه بدهید وهرچه از نیکی بخاطر خود پیش بفرستید آن را در درگاه خدا نیکوترو به پاداش بزرگتربیابید — و ازخدا آمرزش بطلبید.یقینًا اوآمرزگاری‌بارهارحمکننده(۲۱)

# ۷٤ -سورة المدثر

این سورة درصدر دوره مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ۵۷ آیت دارد.

بطوریکه درسورة قبلی آنحضور مُزَّمِل قرار داده شدند یعنی خویشتن را کاملاً در پتوی پیچیده- در این سورة نیز همه موضوع ادامه دارد و شرح به این امر است که آن کدام جامه های است که پیغمبر آنها را محکم با خود می گیرد و آنهارا پاك همی نماید. قطعاً اینجا ذکرازجامه ای ظاهری نیست بلکه ذکرازاصحاب رضوان اللّٰه علیهم میرود و علی الخصوص آن اصحاب که نزد رسول میماندند وتحت تاثیرهمنشینی پاك آنحضورﷺ پیوسته پاك میشدند و از رُجزیعنی پلیدی دور میشدند درحالیکه پیش از آن کثیر از ایشان بودند که دوری گزیدن از رُجز برای ایشان امکان پذیر نبود.

ضمناًرُجز را منظور مشرکان مکه نیز میتوانند باشند و فرمان است کاملاًانقطاع روابط به آنها بعمل آورده شود.

در این سورة ذکر از آن نوزده فرشته میرود که به کیفر مجرمان هیچ نوعی نرمی را نشان نخواهند داد. اینجا عدد ۱۹ کنایه ای به چنین استعداد های انسان میکند که ناشی از اشتباه در استفاده این استعدادها میتوان او مستوجب جهنم قرارداده شود. هرکدام عضو ازسرتا پای بدن انسان که اگر آنهارا آنطور که حق هریك عضو است بکار گرفته شود آنگاه انسان میتواند از گناهان و لغزشهای مصؤن بماند و غالباًشماراین اعضاء نوزده است. اما شمارهرچه است این سورة بر این امر روشنائی میفکند.لشکرهای خداوند بیشمار اند و نبایدبرعدد نوزده توقف کرده پنداشت که فقط نوزده فرشته

هستند. فرشتگانی مربوط به عذاب خدای نیز بیشمار اند و بعقوبت انسان فراخورحالش مامور کرده میشوند.

در این سورة پیشگوئی از قمری کرده میشود که خورشید را پیروی کرده ظهور خواهد کرد. این کلام نیز بسیار معناخیز میباشد. همین موضوع در سورة الشمس نیز مذکور است.

☆ سُوْرَةُ الْمُدَّثِّرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَّ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتياز] بسياربخشنده، بارهارحم كننده(١)

يٰۤاَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ②

ای جامهٔ را برخود كشيده(٢)

قُمْ فَاَنْذِرْ ③

بپاخيز پس هشدار بده(٣)

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ④

وپروردگارخود رابزرگ بدار(٤)

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ⑤

ولباس[يعنی‌دوستان]خودرابسيار پاك بنما(٥)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ⑥

و از هر نوع ناپاكی كاملاً دور باش(٦)

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ⑦

و منت نگذار تا زيادترگيری(٧)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ⑧

و برای پروردگارخود صبركن(٨)

فَاِذَا نُقِرَ فِی النَّاقُوْرِ ⑨

پس گاهيكه درصوردميده شود(٩)

فَذٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَّوْمٌ عَسِيْرٌ ⑩

پس آن روزی است كه خيلی سخت باشد(١٠)

عَلَى الْكٰفِرِيْنَ غَيْرُ يَسِيْرٍ ⑪

بركافران آسان نباشد(١١)

ذَرْنِیْ وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيْدًا ⑫

من و آن را كه من آفريده ام تنها بگذار(١٢)

وَّجَعَلْتُ لَهٗ مَالًا مَّمْدُوْدًا ⑬

و برای او مالی فراوان قرار دادم(١٣)

وَّبَنِيْنَ شُهُوْدًا ﴿١٤﴾
وفرزندان جلوی نگاه حاضر(١٤)

وَّمَهَّدْتُّ لَهٗ تَمْهِيْدًا ﴿١٥﴾
و من برایش [زمین را] گهواره پرورش قرار دادم (١٥)

ثُمَّ يَطْمَعُ اَنْ اَزِيْدَ ﴿١٦﴾
بازهم طمع دارد که بیفزایم(١٦)

كَلَّا ؕ اِنَّهٗ كَانَ لِاٰيٰتِنَا عَنِيْدًا ﴿١٧﴾
هرگز نه، یقینًا او به آیتهای ما دشمن بود(١٧)

سَاُرْهِقُهٗ صَعُوْدًا ﴿١٨﴾
یقینًااو را بعذابی مبتلا سازم که مدام افزایش مییابد(١٨)

اِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٩﴾
یقیناً او خوب فکر کرد و اندازهٔ برد(١٩)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾
مرگ براوچگونه اندازه برد(٢٠)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢١﴾
بازهم مرگ بر او چگونه اندازه برد(٢١)

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢٢﴾
سپس نگاه دواند(٢٢)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٣﴾
باز ترش رویی کرد و چهره را درهم کشید(٢٣)

ثُمَّ اَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٤﴾
بازهم رویبرتابیدوتکبرکرد(٢٤)

فَقَالَ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ يُّؤْثَرُ ﴿٢٥﴾
پس گفت:این جادوئی محض است که پیروی کرده میشود(٢٥)

اِنْ هٰذَآ اِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٦﴾
نیست این جز گفتار بشر(٢٦)

سَاُصْلِيْهِ سَقَرَ ﴿٢٧﴾
البته او را به جهنم افکنم(٢٧)

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَاسَقَرُ ﴿٢٨﴾

لَاتُبْقِىْ وَلَاتَذَرُ ﴿٢٩﴾

لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٣٠﴾
عَلَيْهَاتِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣١﴾
وَمَا جَعَلْنَآ اَصْحٰبَ النَّارِ اِلَّا
مَلٰٓئِكَةً وَّمَاجَعَلْنَاعِدَّتَهُمْ اِلَّافِتْنَةً
لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا
الْكِتٰبَ وَيَزْدَادَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِيْمَانًاوَّلَا
يَرْتَابَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ
وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَلِيَقُوْلَ الَّذِيْنَ فِىْ
قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْكٰفِرُوْنَ مَاذَآ اَرَادَ
اللّٰهُ بِهٰذَامَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ
يَّشَآءُ وَيَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ وَمَايَعْلَمُ جُنُوْدَ
رَبِّكَ اِلَّاهُوَ وَمَاهِىَ اِلَّاذِكْرٰى
لِلْبَشَرِ ﴿٣٢﴾

و چه ترا حالی کند جهنم چه است(٢٨)

نه چیزی باقی گذارد و نه رها کند(٢٩)

چهره را میسوزاند(٣٠)

بر آن نوزده [نگهبان] است(٣١)

وماکسیرا جز فرشتگان نگهبانان جهنم قرار ندادیم و تعدادشان را مقرر نداشته ایم جز به آزمایش آنها که کفر کردند تا یقین کنند آنانکه کتاب داده شدند و آنانکه ایمان آوردند در ایمان بیفزایند و کسانیکه کتاب داده شدند و مومنان مردّد نباشند و آنهائیکه در دلهای ایشان بیماری است و کافران گویند:خدا را به این مثل چه ارادهٔ است.اینگونه خدا هر که رامیخواهد گمراه میگرداند و هر که رامیخواهد هدایت میدهد و لشکر های پروردگارت راکسی نمیداند جز خودش و این برای

کَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿۳۲﴾
وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ﴿۳۳﴾
وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿۳٤﴾
إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ ﴿۳٥﴾
نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿۳٦﴾
لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿۳۷﴾
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿۳۸﴾
إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿۳۹﴾
فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤۰﴾
عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤۱﴾
مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿٤۲﴾
قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤۳﴾
وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾
وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾
وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

معانقة عند المتقدمين

انسان فقط اندرزی است(۳۲)
باش! قسم به ماه (۳۳)
وبه شب چون پشت گرداند(۳٤)
و به صبح چون روشن گردد(۳٥)
یقیناًآن یکی‌ازاموربزرگست(۳٦)
آدمی را بیم کننده(۳۷)
تاهرکه از شمادوستدارد قدم پیش نهد یا عقب بماند(۳۸)
هر تن رهین است به آنچه کسب کند(۳۹)
جز آنهائی که بطرف راستند(٤۰)
دربهشتهاباشند.ازهم بپرسند(٤۱)
درباره مجرمان(٤۲)
شما را چه چیزی بداخل جهنم کرد؟(٤۳)
گویند:ماازنمازیان نبودیم(٤٤)
و ما به مسکین غذا نمیدادیم(٤٥)
وباسرگرمان هرزه گوئیهاسرگرم میشدیم(٤٦)
و ما به روز جزاء انکار می کردیم(٤۷)

| | |
|---|---|
| حَتّٰىٓ اَتٰىنَا الْيَقِيْنُ ﴿٤٨﴾ | حتىّ مرگ بما دررسید(٤٨) |
| فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشّٰفِعِيْنَ ﴿٤٩﴾ | پس شفاعت شفیعان ایشان را هیچ سودی نبخشد(٤٩) |
| فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِيْنَ ﴿٥٠﴾ | پس چیست ایشان را که از تذکر روگردانی کرده میروند(٥٠) |
| كَاَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥١﴾ | گوی‌آنهاخرهای رَم کرده اند(٥١) |
| فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥٢﴾ | که ازشیری[ترسیده]پابفرار نهاده اند(٥٢) |
| بَلْ يُرِيْدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ اَنْ يُّؤْتٰى صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ﴿٥٣﴾ | بلکه هرکدام از آنها میخواهد که [برای ترویج موضع خود] صحیفه های بتکثیر انتشار یافته داده شود(٥٣) |
| كَلَّا ۗ بَلْ لَّا يَخَافُوْنَ الْاٰخِرَةَ ﴿٥٤﴾ | هرگز نه بلکه از آخرت نمی ترسند(٥٤) |
| كَلَّآ اِنَّهٗ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٥﴾ | باش!یقینًا این تذکری‌است(٥٥) |
| فَمَنْ شَآءَ ذَكَرَهٗ ﴿٥٦﴾ | پس هر که بخواهد آنرا یاد بدارد(٥٦) |
| وَمَا يَذْكُرُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ۗ هُوَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٧﴾ ع | و آنان پند نمیپذیرند مگرکه خدا بخواهد و همان اهل تقوٰی و هم اهل آمرزش است(٥٧) |

# ۷۵ - سورة القیامة

این سورة در ابتدائی دور مکی نازل شد و با بسم اللّٰه ۱ ٤آیت دارد.

سورة گذشته حاکی ازاقرارجهنمیان است که آنها بدانعلت عقوبت جهنم کرده شدندکه آنان به روز بازپسین انکار میکردند.ناشی ازانکار آخرت جرم های بی پایان پدید میآید وسراسر دنیا پرازفساد میگردد. پس سرآغاز این سورة همان روز قیامت گواه قرارداده میشود و هم آن نفس را که تکراراً خویشتن را ملامت میکند. اگر انسان از این ملامت استفاد کند او میتواند که از هزار نوع گناهان ایمن شود.

علت به انکار قیامت از جانب منکران این بیان میشود که آنان میپندارند که وقتی ظاهراً تمامی اعضای بدن ایشان پراکنده شود پس چطورخداوند آنها را گرد میآرد. این فکر آنان بعلت سراز مطلبی درنیآوردن است. قرآن بارها این مطلب را بوضاحت ارائه داده است که نه بدنهای ظاهری بلکه بدنهای روحانی شما گردآورده خواهند شد. اما دشمن بر این موضع خود پا فشاری نمود تابتواند بارسول زمان خودتمسخرکندوانکار آخرت را فراخور دانش خویش دلیل عقلانی فراهم آورد.

اموری که در آیت فَاِذَا بَرِقَ الۡبَصَرُ وَ خَسَفَ الۡقَمَرُ وَ جُمِعَ الشُّمسُ وَالۡقَمَرُ مذکور است را به قیامت نسبت دادن درست نیست. این امور نه از واقعات قیامت بلکه اینها علاماتی دال بر نزدیك بودن قیامت است.زیرا روز قیامت که این نظام عالم بکلی فناخواهد شد. آنگاه نه خورشیدباشد ونه ماه ونه نظام محوریآنهاونه گرفتگیآنهاونه هم کسی روئت کننده آنهاوجودخواهدداشت.

فَـاِذَا بَـرِقَ البَصَرُ یعنی وقتیکه چشمان خیره شود ـ مطلبش اینست که درآن روزگارعذابهای هولناك بردنیا نازل خواهد شد.

ضمناً از این فرمایش که آنگاه مکذب را هیچ گریزگاهی نباشد آشکار میگردد که آن نشانه ها به اثبات رساندن صداقت یك موعود خدای بظهور خواهد آمد تا بر منکران اتمام حجت بعمل آید.

گرفتگی خورشیدوماه کی جمع خواهد شد؟ طبق فرمایش آنحضور ﷺ تفصیلش بدین ترتیب است.درتاریخ های‌معیّن همان دریکماه که نامش رمضان است گرفتگی خورشید و ماه صورت خواهد گرفت و طبق فرمایش آنحضور ﷺ این واقعه علامت ازصداقت مهدی ایشان ﷺ میباشد.پس این واقعه بظهور رسیده است.یك پیشگوئی عبارت از این موضوع حضرت مسیح ناصری علیه السلام نیز نموده بودند.

دنبال این، ذکر از یك معجزه دیگر از آنحضرت ﷺ میرود. قرآن کریم کتابی اینقدر بزرگ طی بیست و سه سال نازل شد و حین نزول، ناشی از این اندیشه خود که مبادا فراموشش نکنند ایشان ﷺ زبان خود را زود حرکت میدادند. اما خدای متعال ایشان را اطمینان داد که ما هستیم که این قرآن را نازل کرده ایم و همان ما برجمع آوری کردن آن قدرتمند هستیم. پس قرآن کریم که مدت نزول آن بریك امّی بطول بیست وسه سال انجامید بسلامت جمع آوری کرده شد. حضرت مسیح موعود علیه السلام این امر را معجزه ای بزرگ قرار داده میفرمایند که طی این مدت بیست و سه سالگی دشمنان برآنحضرت ﷺ ازهرسوحمله کرده تلاش کردند که ایشان را ملاك کنند.اگرآنها همان پس از نزول بخش قرآن نعوذباللّٰه موفق میشدندکه ایشان

ﷺ را بهلاك برسانند درآنصورت این ادعای که قرآن کتابی کامل است نعوذبالله اصلاً دروغ و بی معنٰی درمیآمد.

درپایان این سورة پس از بیان کردن مراحلی از آفرینش انسان فرموده شد که او مدام رو به ترقی است. پس چطور امکان پذیر است که بالآخر او در محضر خدا حاضر و مسؤل اعمال خویش قرار داده نشود؟

☆ سُوْرَةُالْقِيَامَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(۱)

لَآ اُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ ②
باش!سوگند به روزقیامت یاد می کنم(۲)

وَلَآ اُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ③
وباش!نفسی بسیار ملامت کنندۀ را گواه میگردانم(۳)

اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَلَّنْ نَّجْمَعَ عِظَامَهٗ ④
آیاانسان گمان میکند که هرگز ما استخوانهایش راجمع نکنیم(٤)

بَلٰى قٰدِرِيْنَ عَلٰٓى اَنْ نُّسَوِّيَ بَنَانَهٗ ⑤
باش!ماقشنگ قادر به این امر ایم که هر بند او را درست کنیم(۵)

بَلْ يُرِيْدُ الْاِنْسَانُ لِيَفْجُرَ اَمَامَهٗ ⑥
حقیقت اینست که انسان دوست دارد که پیشروی او گناه کرده باشد(٦)

يَسْئَلُ اَيَّانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ ⑦
او میپرسد که انجام روز قیامت تا بچند میکشد(۷)

فَاِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ⑧
پس وقتی چشم خیره گردد(۸)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ⑨
و ماه گرفتگی باشد(۹)

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ⑩
ماه وخورشید [در گرفتگی] جمع کرده شوند(۱۰)

| | |
|---|---|
| يَقُولُ الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ اَيْنَ الْمَفَرُّ ﴿١١﴾ | آنروز انسان گوید گریزگاهی کجا است!(١١) |
| كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١٢﴾ | باش! هیچ پناه گاهی نیست(١٢) |
| اِلٰى رَبِّكَ يَوْمَئِذِ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٣﴾ | پناهگاه آنروز بسوی پروردگار تو است(١٣) |
| يُنَبَّؤُا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاَخَّرَ ﴿١٤﴾ | آنروز انسان آگاه کرده شود به آنچه اوجلوفرستاد و آنچه او باز گذاشت(١٤) |
| بَلِ الْاِنْسَانُ عَلٰى نَفْسِهٖ بَصِيْرَةٌ ﴿١٥﴾ | حقیقت اینست که انسان بر نفس خویش دارای بینش است(١٥) |
| وَّلَوْ اَلْقٰى مَعَاذِيْرَهٗ ﴿١٦﴾ | هرچند عذرهای بزرگ خود بیآرد(١٦) |
| لَا تُحَرِّكْ بِهٖ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهٖ ﴿١٧﴾ | به [وقت قِرائت] آن زبان خود را برای این زودحرکت نده تا به [خواندن] آن بشتابی(١٧) |
| اِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهٗ وَقُرْاٰنَهٗ ﴿١٨﴾ | جمع آوری کردن قرآن و تلاوت آن بر ما است(١٨) |
| فَاِذَا قَرَاْنٰهُ فَاتَّبِعْ قُرْاٰنَهٗ ﴿١٩﴾ | پس هرگاه ما آنرا خوانده باشیم پس قرائت آنراپیروی کن(١٩) |
| ثُمَّ اِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهٗ ﴿٢٠﴾ | سپس یقینًا بیانش هم بر ما است(٢٠) |

| | |
|---|---|
| كَلَّا بَلْ تُحِبُّوْنَ الْعَاجِلَةَ ﴿۲۱﴾ | هشدار! بلکه شما دنیا را دوست دارید(۲۱) |
| وَتَذَرُوْنَ الْاٰخِرَةَ ﴿۲۲﴾ | وآخرت را نادیده میگیرید(۲۲) |
| وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿۲۳﴾ | درآن روز بعضی چهره ها زیبا و تروتازه باشند(۲۳) |
| اِلٰى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿۲۴﴾ | بسوی پروردگار خود چشم به راه(۲۴) |
| وَوُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿۲۵﴾ | و آنروز بعض چهره ها کریه باشند(۲۵) |
| تَظُنُّ اَنْ يُّفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿۲۶﴾ | یقین کنند که سلوکی پشت شکن کرده شوند(۲۶) |
| كَلَّآ اِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿۲۷﴾ | هشدار! هنگامیکه جان به حنجره رسیده باشد(۲۷) |
| وَقِيْلَ مَنْ ٚ رَاقٍ ﴿۲۸﴾ | وگفته شود کیست افسونگر(۲۸) |
| وَّظَنَّ اَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿۲۹﴾ | وحدس زند اینك [وقت] جدائی است(۲۹) |
| وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿۳۰﴾ | و ساق بساق برخورد(۳۰) |
| اِلٰى رَبِّكَ يَوْمَئِذِ الْمَسَاقُ ﴿۳۱﴾ ع | آنروز بسوی پروردگار تو راندن است(۳۱) |
| فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلّٰى ﴿۳۲﴾ | پس او نه تصدیق کرد و نه نماز خواند(۳۲) |

| | |
|---|---|
| وَلٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿٣٢﴾ | بلکه تکذیب کرد و روی برتابید(۳۲) |
| ثُمَّ ذَهَبَ اِلٰٓى اَهْلِهٖ يَتَمَطّٰى ﴿٣٣﴾ | سپس خرامندهٔ بسوی اهل خود رفت(۳٤) |
| اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى ﴿٣٤﴾ | مرگ برِ تو باز مرگ برتو(۳۵) |
| ثُمَّ اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى ﴿٣٥﴾ | بازهم مرگ بر تو باز مرگ برتو(۳٦) |
| اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَنْ يُّتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾ | آیا انسان گمان کند بی‌لجام ترک کرده شود؟(۳۷) |
| اَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُّمْنٰى ﴿٣٧﴾ | آیا او قطره ای منی نبود که انداخته میشود(۳۸) |
| ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوّٰى ﴿٣٨﴾ | سپس اوخونی بسته گردید. پس او وی را آفرید پس وی راتوازن اعطاء کرد(۳۹) |
| فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿٣٩﴾ | پس از آن دوجفت ساخت یعنی نروماده (٤۰) |
| اَلَيْسَ ذٰلِكَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى اَنْ يُّحْيِۦَ الْمَوْتٰى ﴿٤٠﴾ ع | آیا آن بر این توانا نیست که مردگان را زنده نماید؟(٤۱) |

# ۷٦ - سورة الدهر

این سورة حین دور ابتدائی مکی نازل شد و با بسم اللّٰه ۳۲ آیت دارد.

در این سورة توجه انسان به آغازش جلب کرده گفته میشود بر او چنین روزگارنیزگذشته است که او چیزی لایق ذکر هرگزنبود. حالانکه انسان از زمانی که بوجود آمد لایق ذکربوده است. پس اینجاسخن ازحالتهای ابتدائی انسان گفته اشاره میشود که او از چنین روزگار ابتدائی و ارتقائی گذشته است که او چیزی لایق ذکر هرگز نبود. بقرار معلوم این آن روزگار است که قوة گویائی هنوز حتّی به مرغان نیز اعطاء نشده بود و یك خاموشی کامل سراسر زمین را فراگرفته بود. انسان از آن پدید آورده شد و سپس او سمیعاً بصیراً ساخته شد ـ هم شنوا و هم بینا. پس خدای که خاك زمین را قوهٔ شنوائی و گویائی بخشید او قدرتمند بر این امر نیز است که او را دوباره بیفریند و حساب شنوائی و بینائی را از او بگیرد.

سپس سخن از صفات خصوصی از بهشتیان گفته میشود که ایشان احسان برکسی بدینعلت نمیکنندکه بپاداش آن بر دارائی ایشان افزوده شود. هرگاه ایشان حسن عمل را برکسی نشان دهنداعلام ایشان اینست که ما اینکار فقط به دنبال خوشنودی خداوند میکنیم و ما ببدل این از شما پاداش و سپاس را تمنا هرگز نداریم.

☆ سُوْرَةُ الدَّهْرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَان وَ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیار بخشنده.بارها رحمکننده(۱)

هَلْ اَتٰى عَلَى الْاِنْسَانِ حِيْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْـًٔا مَّذْكُوْرًا ②

آیابرانسان ازروزگارلمحه ای‌آمد که او هیچ هم قابل ذکرنبود(۲)

اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيْهِ فَجَعَلْنٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ③

یقینًامانسان را آفریدیم از نطفۀ مرکب که آنرا ما به شکلهای گونا گون درمیآریم.پس او را شنوایی بینایی ساختیم(۳)

اِنَّا هَدَيْنٰهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُوْرًا ④

یقینًامااو را به راه راست هدایت دادیم.خواه سپاسگذارباشد خواه ناسپاسی کننده(٤)

اِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ سَلٰسِلَاۡ وَ اَغْلٰلًا وَّ سَعِيْرًا ⑤

یقینًامابرای کافران زنجیرها و طوقها و آتشی شعله ور مهیا کرده ایم(۵)

اِنَّ الْاَبْرَارَ يَشْرَبُوْنَ مِنْ كَاْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوْرًا ⑥

البته نیکان جام هائی خورند که در آن آمیختگی کافور باشد(٦)

عَيْنًا يَّشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ يُفَجِّرُوْنَهَا تَفْجِيْرًا ⑦

چشمۀ ی که بندگان خدا از آن بیآشامند. آنرا شکافته خوب باز کنند(۷)

يُوْفُوْنَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُوْنَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهٗ مُسْتَطِيْرًا ﴿٨﴾

ایشان نذرها را وفا میکنند و می ترسنداز روزی که شرّش پراکنده است(٨)

وَيُطْعِمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهٖ مِسْكِيْنًا وَّيَتِيْمًا وَّاَسِيْرًا ﴿٩﴾

وطعام را باوجود دوست داشتنش مسکینان ویتیمان و اسیران را تغذیه میکنند(٩)

اِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَآءً وَّلَا شُكُوْرًا ﴿١٠﴾

ما شما را فقط برای خوشنودی خدا میخورانیم و هیچ پاداشی و سپاسی ازشما نمیخواهیم(١٠)

اِنَّا نَخَافُ مِنْ رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوْسًا قَمْطَرِيْرًا ﴿١١﴾

یقینًاماميترسيم ازپروردگارخود روزی را که ترشروی وحشت ناك باشد(١١)

فَوَقٰهُمُ اللّٰهُ شَرَّ ذٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقّٰهُمْ نَضْرَةً وَّسُرُوْرًا ﴿١٢﴾

پس خدا ایشان را از شرّآنروز نجات داد و ایشانرا تروتازگی و سرور درداد.(١٢)

وَجَزٰىهُمْ بِمَا صَبَرُوْا جَنَّةً وَّحَرِيْرًا ﴿١٣﴾

و ایشانراپاداشی دادبدانعلت که صبر کردند بهشتی و یك نوع ابریشم(١٣)

مُّتَّكِـِٕيْنَ فِيْهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ لَا يَرَوْنَ فِيْهَا شَمْسًا وَّلَا زَمْهَرِيْرًا ﴿١٤﴾

ایشان در آن بر تختها تکیه زده باشند. ایشان نبینند درآن آفتابی سخت و نه سرمای سخت (١٤)

وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا ﴿١٥﴾

و سایه های آن بر ایشان نزدیک آمده وخوشه های آن بطرف پائین خمیده شود(١٥)

وَيُطَافُ عَلَيۡهِم بِـَٔانِيَةٖ مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠ ﴿١٦﴾

وبدَورآورده شود برآنان جام های از نقرهٔ و جام های که از بلور باشد(١٦)

قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا ﴿١٧﴾

بلورها از نقرهٔ که آنان آنها را با زبردستیترکیبکرده باشند(١٧)

قرء حفص بغير الالف في الوصل فيهما ووقف على الاول بالالف وعلى الثاني بغير الالف

وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ﴿١٨﴾

و ایشان در آن جامهای نوشانده شوندکه آمیزش زنجبیل دارد(١٨

عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا ﴿١٩﴾

چشمهٔ ی در آن باشد که سلسبیل خوانده شود(١٩)

وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا ﴿٢٠﴾

و پسرانی جاودان برایشان دور زنند چون ایشان را بنگری آنان را مرواریدهای پراکنده خواهی پنداشت(٢٠)

وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ﴿٢١﴾

و وقتی بنگری سپس آنجا نعمتی و ملکی بزرگ خواهی دید(٢١)

عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضۡرٞ وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن

برایشان جامه های ابریشمی نازک و دیبای ستبرباشدوبادستبندهای نقرهٔ مزین کرده شوندوپروردگار

فِضَّةٍ ج وَسَقٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُوْرًا ﴿٢١﴾
ایشان شرابی پاك به ایشان بنوشاند(٢٢)

اِنَّ هٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً وَّكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُوْرًا ع ﴿٢٢﴾
یقینًا اینست پاداش شما و از کوشش های شما سپاسگذاری شود(٢٣)

ع ١ ٢٣ ١٩

اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ تَنْزِيْلًا ج ﴿٢٣﴾
یقینًا ما هستیم که قرآن را بر تو با تدریجی شکوهمند نازل کرده ایم(٢٤)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ اٰثِمًا اَوْ كَفُوْرًا ج ﴿٢٤﴾
پس برای[عمل بر]فرمان پروردگارخود شکیبا باش و در آنها هیچ گنهکار و ناسپاس را پیروی نکن(٢٥)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ج ﴿٢٥﴾
و نام پروردگار خود را صبح و شام ذکر کن (٢٦)

وَمِنَ الَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهٗ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيْلًا ﴿٢٦﴾
و پارهٔ از شب برای او سجده کنان باش و بطول شب او را تسبیح بگو(٢٧)

اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّوْنَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُوْنَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيْلًا ﴿٢٧﴾
یقینًااینمردم دنیا را دوستدارند و ورای خودشان روزی سنگین را نادیده میگیرند(٢٨)

نَحْنُ خَلَقْنٰهُمْ وَشَدَدْنَآ اَسْرَهُمْ ج
مایشان را آفریده ایم واندامهای

وَاِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَآ اَمْثَالَهُمْ تَبْدِيْلًا ﴿۲۹﴾

ایشان را نیرومند ساختیم و هرگاه بخواهیم صورتهای ایشان را یکسره تبدیل نمائیم(۲۹)

اِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ ۚ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ﴿۳۰﴾

یقینًا این تذکری بزرگ است پس هرکه بخواهد راهی بسوی پروردگار خود را بگزیند(۳۰)

وَمَا تَشَآءُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿۳۱﴾

و شما نمیتوانید بخواهید مگر آنچه خدا بخواهد. یقینًا خدا صاحب علم دائمی صاحب حکمت است(۳۱)

يُّدْخِلُ مَنْ يَّشَآءُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۭ وَالظّٰلِمِيْنَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿۳۲﴾

ع ۲ ۹ ۲۰

هرکه را میخواهد بداخل رحمت خودمینماید ونسبت به ستمکاران، او برای آنها عذابی دردناک مهیا کرده است(۳۲)

# ۷۷ - سورة المرسلات

این سورة در مکه نازل شد و با بسم الله ۵۱ آیت دارد.

بمحض آغاز این سورة آن رویدادهای استقبالی که به زمان آخرین وابستگی دارد عنوان شده است و ذکرازپیشرفت علمی آنزمان بعنوان گواه قرار داده گفته میشود که آن خدای که به امور غیب مطلع ساخته است او توانا به این امر نیز است که هر نوع انقلاب را برپا نماید. بدنبال این موضوع سخن ازچنین پروازکنندگان میرودکه درابتداآهسته آهسته به پرواز آمده و شکل طوفانی تندوز را اختیار میکنند. در زمان کنونی هوا پیماهای که باسرعت بسیار پرواز میکنند نیزباهمین حالت همراه اند.آنها کم کم به حرکت کردن گرفته و ببعد باسرعتی بسیار پرواز میکنند. درزمان جنگ با دشمن بوسیله این هواپیماها جزوه هایی افشانده میشود و این عمل از افشانده جزوه هابمنزله این اعلام است که اگر شماها با ما باشید ما مددگار شما خواهیم بود و الا هیچکس نتواند شمارا از چنگ ما نجات دهد.

سپس فرمود وقتی ستارگان در آسمان تیره شوند و انسان تدبیر کند که بر آسمان بالا رود. اینجا تیره شدن ستارگان دال بر این امر معلوم میشود که وقتی دوره اصحاب رضوان الله علیهم بگذرد و آن نور که امت آنحضور ﷺ بعد از ایشان بوسیله اصحاب همچون ستارگان بدست میآورد آنهم تیره خواهد شد.

سپس فرمود. وقتی ریشه های ابرقدرتهای کوه مانند. برکنده شود و همه ای رسولان برانگیخته شوند. درباره این آیت علماء به پیدا کردن این سوء

تفاهم تلاش میکنند که این منظره مربوط به قیامت است. اما بدیهی است که روز قیامت که هیچ کوهی برکنده نشود و رسولان نیز نه برای قیامت بلکه برای‌این دنیامبعوث میشوند.پس پیدااست که مطلب اینست که طبق پیش گوئی قرآن ازبرکت غلامی و اطاعت آنحضرت ﷺچنین پیغمبری ظهورکندکه ظهورش دال بر ظهور کردن همه ای رسولان گذشته خواهد بود یعنی از کوششهای آن وجود والای شان امت هرکدام پیغمبرگذشته بداخل امت آنحضورﷺ خواهند شد.

جنگهای مذکور را یکی علامت اینست که آنها دارای تشکیلاتی سه گانه یعنی نیروزمینی، نیروهوائی ونیرودریائی میباشد ودراین جنگهاچنین شعله های از آسمان می بارد که ممچون قلعه های خواهد بود و چنین بنظر خورد که آن شعله ها شترانی زرد رنگ است. این دو آیت به اثبات میرساند که این کلام تمثیلی است زیراکه در زمان آنحضرت ﷺجنگهای را با اینچنین کیفیت تصور هم وجود نداشت. بنابراین این یك پیشگوئی است از جانب آن علیم و خبیر که به حالات آیندگان نیزمدام آگاه است.

☆ سُوْرَةُ الْمُرْسَلاتِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ خَمْسُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَانِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحم کننده(۱)

وَالْمُرْسَلٰتِ عُرْفًا ② سوگندبه فرستادگان ازپی‌هم(۲)

فَالْعٰصِفٰتِ عَصْفًا ③ باز بسرعت بسیارتندروندگان(۳)

وَّالنّٰشِرٰتِ نَشْرًا ④ و [پیغام را] خوب منتشر کنندگان(٤)

فَالْفٰرِقٰتِ فَرْقًا ⑤ پس خوب تشخیص داده جدا کنندگان(٥)

فَالْمُلْقِيٰتِ ذِكْرًا ⑥ پس هشدار داده [صحیفه ها] افکندگان (٦)

عُذْرًا اَوْ نُذْرًا ⑦ بعنوان حجتی یا تنبیه ای (۷)

اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَوَاقِعٌ ⑧ یقیناً از آنچه بیم داده شوی‌حتمی الوقوع است(۸)

فَاِذَا النُّجُوْمُ طُمِسَتْ ⑨ پس زمانی که ستارگان بی نور شوند(۹)

وَاِذَا السَّمَآءُ فُرِجَتْ ⑩ و زمانیکه به آسمان شکافهای [گوناگون] داده شود(۱۰)

وَاِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ⑪ و زمانیکه کوه ها از بیخ برکنده شوند(۱۱)

| | |
|---|---|
| وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ ﴿١٢﴾ | و زمانیکه رسولان بوقت معین آورده شوند(۱۲) |
| لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ﴿١٣﴾ | برای کدام روز وقت ایشان مقرر شده بود؟(۱۳) |
| لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾ | برای روز قضاوت نهایی(۱٤) |
| وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٥﴾ | و تو را چه چیزی حالی کند که روز قضاوت نهایی چیست؟(۱۵) |
| وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٦﴾ | آنروز مکذبان را هلاك است(۱٦) |
| أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ | آیاپیشینیانرا اهلاك نکردیم؟(۱۷) |
| ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٨﴾ | پس پسینیان را دنبال آنان می آریم(۱۸) |
| كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٩﴾ | به مجرمان رفتار اینطور می کنیم(۱۹) |
| وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٠﴾ | مکذبان راآنروزهلاك است(۲۰) |
| أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿٢١﴾ | آیا شمارا از آبی حقیر خلق نکردیم؟(۲۱) |
| فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٢٢﴾ | پس آیا آنرا در آرامشگاهی ایمن ننهادیم؟(۲۲) |
| إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢٣﴾ | تا اندازهٔ ی معلوم(۲۳) |
| فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿٢٤﴾ | پس[آنرا] ترکیب کردیم.پس ما چه خوب ترکیب کنندگانیم(۲٤) |

| | |
|---|---|
| وَيۡلٌ يَّوۡمَئِذٍ لِّلۡمُكَذِّبِيۡنَ ﴿٢٥﴾ | مكذبان را آنروز هلاك است(٢٥) |
| اَلَمۡ نَجۡعَلِ الۡاَرۡضَ كِفَاتًا ﴿٢٦﴾ | آیا زمین را فرا گیرنده قرار نه دادیم(٢٦) |
| اَحۡيَآءً وَّاَمۡوَاتًا ﴿٢٧﴾ | زنده ها و مرده ها را(٢٧) |
| وَّجَعَلۡنَا فِيۡهَا رَوَاسِىَ شٰمِخٰتٍ وَّاَسۡقَيۡنٰكُمۡ مَّآءً فُرَاتًا ﴿٢٨﴾ | ودرآن کوههای بلندنهادیم وشمارا باآبی‌گواراسیراب کردیم(٢٨) |
| وَيۡلٌ يَّوۡمَئِذٍ لِّلۡمُكَذِّبِيۡنَ ﴿٢٩﴾ | مكذبان را آنروز هلاك است(٢٩) |
| اِنۡطَلِقُوۡۤا اِلٰى مَا كُنۡتُمۡ بِهٖ تُكَذِّبُوۡنَ ﴿٣٠﴾ | بروید بسوی آنچه که شما آنرا تکذیب میکردید(٣٠) |
| اِنۡطَلِقُوۡۤا اِلٰى ظِلٍّ ذِىۡ ثَلٰثِ شُعَبٍ ﴿٣١﴾ | برویدبسوی سایهٔ سه شاخه (٣١) |
| لَّا ظَلِيۡلٍ وَّلَا يُغۡنِىۡ مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣٢﴾ | نه آرامش بخشد و نه از شعله های آتش نجات دهد(٣٢) |
| اِنَّهَا تَرۡمِىۡ بِشَرَرٍ كَالۡقَصۡرِ ﴿٣٣﴾ | یقینًا آن شعله های به کاخ مانننده پرتاب کند(٣٣) |
| كَاَنَّهٗ جِمٰلَتٌ صُفۡرٌ ﴿٣٤﴾ | گوی‌آن [شعله ها] بماننده شترهای زرد رنگ است(٣٤) |
| وَيۡلٌ يَّوۡمَئِذٍ لِّلۡمُكَذِّبِيۡنَ ﴿٣٥﴾ | مكذبان را آنروز هلاك است(٣٥) |
| هٰذَا يَوۡمُ لَا يَنۡطِقُوۡنَ ﴿٣٦﴾ | اینست آنروز که گنگ شوند(٣٦) |
| وَلَا يُؤۡذَنُ لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُوۡنَ ﴿٣٧﴾ | و آنها را رخصت داده نشود که عذر بیآرند(٣٧) |
| وَيۡلٌ يَّوۡمَئِذٍ لِّلۡمُكَذِّبِيۡنَ ﴿٣٨﴾ | مكذبان را آنروز هلاك است(٣٨) |

هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۚ جَمَعْنٰكُمْ وَالْاَوَّلِيْنَ ﴿٣٨﴾

فَاِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيْدُوْنِ ﴿٣٩﴾

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٠﴾ ع

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ ظِلٰلٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿٤١﴾

وَّفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُوْنَ ﴿٤٢﴾

كُلُوْا وَاشْرَبُوْا هَنِيْٓـًٔا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٤٣﴾

اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٤٤﴾

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٥﴾

كُلُوْا وَتَمَتَّعُوْا قَلِيْلًا اِنَّكُمْ مُّجْرِمُوْنَ ﴿٤٦﴾

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٧﴾

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ ارْكَعُوْا لَا يَرْكَعُوْنَ ﴿٤٨﴾

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٩﴾

فَبِاَيِّ حَدِيْثٍ بَعْدَهٗ يُؤْمِنُوْنَ ﴿٥٠﴾

اینروز قضاوتست [برای آنچه] شما وپیشینیان راجمع کردیم(٣٩)

پس اگر شمارا هیچ تدبیری است پس بکارم بندید(٤٠)

مکذبانِ را آنروز هلاك است(٤١)

یقینًا متقیان باشند درسایه ها و چشمه سارها(٤٢)

ومیوهها که آنهارادوستدارند(٤٣)

بخوریدوبیآشامیدخوشمزه بعوض آن عمل که میکردید(٤٤)

یقینًامانیکوکاران را پاداش این طور میدهیم (٤٥)

مکذبان را آنروز هلاك است(٤٦)

بخورید و کمی بهره بکشید یقینًا شما گنهکارهستید(٤٧)

مکذبان را آنروزهلاك است(٤٨)

چون گفته شوند کمر بتعظیم خم کنید کمر خم نمیکنند(٤٩)

مکذبان را آنروز هلاك است(٥٠)

پس بعد از این به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟(٥١)

# ۷۸ -سورة النّبا

این سورة حین دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم اللّه ٤۱ آیت دارد.

در سورة قبلی المرسلات یك سوال اساسی از جانب کافران مطرح شده بود که انجام یوم الفصل تا بچند میکشد تا درست و نادرست را جدا افکند. در پاسخ این پرسش در سورة النّبا این "نَبإ عظیم" یعنی خبری بزرگ داده میشود که آن "یوم الفصل" رسیده است. در همین سورة فرموده شد که "یوم الفصل" وعده ای نابرگشتنی و حتمی الوقوع بود.

سپس این سورة خجسته حاکی از صورتهای گوناگون از یوم الفصل است. نخست خدای متعال مجدداً ذکر از آن نظام مینماید که آب را از آسمان میباراند و غذا را از زمین درمیآرد. پس توجه به این امر جلب کرده میشود که نوع انسان از این نظام بهره برداری نمیکنند و نه تفکر میکنند که آب زلال آسمانی که درحقیقت آب هدایت روحانی است. بعلت کفراز این آب آفتهای که بر آنها افتاده و یاخواهد افتاد ذکر از آنها دراین سورة یافت میشود.

درپایان این سورة اعلام خطر مهمی شده است که اگر انسان زندگی رابرهمین منوال بغفلت بگذراند پس انجام کاراین حسرتی دردناك را اظهار خواهد نمود که کاشکی من همان از پیش به خاك فرو میرفتم و باز ازخاك در صورت انسان برخیزانده نمیشدم.

☆ سُوْرَةُ النَّبا مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحمکننده(۱) |
| عَمَّ يَتَسَآءَلُوْنَ ② | درباره چه ازهمدیگر میپرسند(۲) |
| عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ ③ | درباره خبری بسیاربزرگ(۳) |
| الَّذِيْ هُمْ فِيْهِ مُخْتَلِفُوْنَ ④ | [این] همان [خبر]است که آنها در موردش بهم اختلاف دارند(٤) |
| كَلَّا سَيَعْلَمُوْنَ ⑤ | باش!حتمًاآنهابدانند(۵) |
| ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُوْنَ ⑥ | بازهم باش!حتمًا آنهابدانند(٦) |
| اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهٰدًا ⑦ | آیازمین رابستری قرارنداﻳﻢ؟(۷) |
| وَّالْجِبَالَ اَوْتَادًا ⑧ | و کوهها را میخهاپیوسته(۸) |
| وَّخَلَقْنٰكُمْ اَزْوَاجًا ⑨ | و شما را جفتهایی آفریدیم(۹) |
| وَّجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ⑩ | و خواب شما را موجب آرامش قرار دادیم(۱۰) |
| وَّجَعَلْنَا الَّيْلَ لِبَاسًا ⑪ | وشب رالباسی قراردادیم(۱۱) |
| وَّجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ⑫ | و روز را برای امرار معاش کردن قرار دادیم(۱۲) |
| وَّبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ⑬ | و هفت آسمان محکم را فراز شما بنا کردیم(۱۳)++ |

++آیت۱۳ : بعلت تکثیراستعمال آسمان محذوف است و الا شامل موضوع است.

وَّجَعَلۡنَا سِرَاجًا وَّهَّاجًا ﴿۱۴﴾

و چراغی بسیار درخشنده نهادیم(۱۴)

وَّاَنۡزَلۡنَا مِنَ الۡمُعۡصِرٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ﴿۱۵﴾

و از ابرهای پرآب بارانی تند و ریز بارانیدیم(۱۵)

لِّنُخۡرِجَ بِهٖ حَبًّا وَّنَبَاتًا ﴿۱۶﴾

تا بدان برویانیم حبوبات و نباتات را(۱۶)

وَّجَنّٰتٍ اَلۡفَافًا ﴿۱۷﴾

و باغهای پردرخت(۱۷)

اِنَّ يَوۡمَ الۡفَصۡلِ كَانَ مِيۡقَاتًا ﴿۱۸﴾

یقیناً روز قضاوت را وقتی معین است(۱۸)

يَّوۡمَ يُنۡفَخُ فِى الصُّوۡرِ فَتَاۡتُوۡنَ اَفۡوَاجًا ﴿۱۹﴾

روزیکه در صور دمیده شود و شما فوج در فوج بیآیید(۱۹)

وَّفُتِحَتِ السَّمَآءُ فَكَانَتۡ اَبۡوَابًا ﴿۲۰﴾

وآسمان گشوده شود پس دارای دربهای گردد(۲۰)

وَّسُيِّرَتِ الۡجِبَالُ فَكَانَتۡ سَرَابًا ﴿۲۱﴾

و کوهها بحرکت آورده شوند و بسوی نشیب متحرك گردند(۲۱)

اِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ مِرۡصَادًا ﴿۲۲﴾

یقیناً دوزخ درکمین است(۲۲)

لِّلطّٰغِيۡنَ مَاٰبًا ﴿۲۳﴾

سرکشان را بازگشتگاه(۲۳)

لّٰبِثِيۡنَ فِيۡهَاۤ اَحۡقَابًا ﴿۲۴﴾

آنها در آن قرنها مکث کنند(۲۴)

لَا يَذُوۡقُوۡنَ فِيۡهَا بَرۡدًا وَّلَا شَرَابًا ﴿۲۵﴾

هرگزنچشند در آن چیزی خنك و نه نوشابه ای(۲۵)

اِلَّا حَمِيۡمًا وَّغَسَّاقًا ﴿۲۶﴾

جز آبی جوشان و چرکابه ای

جراحتها(٢٦)

جَزَآءً وِّفَاقًا ﴿٢٧﴾

این پاداشی مناسب به اعمال است(٢٧)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٨﴾

یقینًا آنها به محاسبهٔ امید نداشتند(٢٨)

وَّكَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا كِذَّابًا ﴿٢٩﴾

و به آیتهای ما بشدت تکذیب کردند(٢٩)

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنٰهُ كِتٰبًا ﴿٣٠﴾

و ما هرچیزی را به کتابی نگه داشته ایم(٣٠)

فَذُوقُوا فَلَنْ نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣١﴾ ع

پس بچشید.پس ما شمارا نیفزایم جز درعذاب(٣١)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣٢﴾

البته متقیان را کامرانی بزرگ است(٣٢)

حَدَآئِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٣﴾

باغهاو درختان انگور(٣٣)

وَّكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٤﴾

و دخترانی همسال(٣٤)

وَّكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٥﴾

و جامهای لبریز(٣٥)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَّلَا كِذّٰبًا ﴿٣٦﴾

و نشنوند درآن هرزه گوئی و نه دروغی را(٣٦)

جَزَآءً مِّنْ رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ﴿٣٧﴾

این پاداشی است از پروردگار تو کاملا سنجیده(٣٧)

رَّبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

ازپروردگارآسمانها وزمین وآنچه

| | |
|---|---|
| الرَّحۡمٰنِ لَا يَمۡلِكُوۡنَ مِنۡهُ خِطَابًا ﴿۳۸﴾ | میان آندو است یعنی از رحمان است - اختیار ندارند با اوسخن گویند(۳۸) |
| يَوۡمَ يَقُوۡمُ الرُّوۡحُ وَالۡمَلٰٓٮِٕكَةُ صَفًّا ۙ لَّا يَتَكَلَّمُوۡنَ اِلَّا مَنۡ اَذِنَ لَهُ الرَّحۡمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿۳۹﴾ | روزیکه روح القدس و فرشتگان صف کشیده بپا ایستاده باشند و لب به سخن نگشایند مگر آنکه را رحمٰن اجازه دهد و سخنی درست گوید(۳۹)++ |
| ذٰلِكَ الۡيَوۡمُ الۡحَقُّ ۚ فَمَنۡ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ مَاٰبًا ﴿۴۰﴾ | آن روز الحق است. پس هرکه دوست دارد بازگشتگاهی بسوی خدا بگزیند(۴۰) |
| اِنَّاۤ اَنۡذَرۡنٰكُمۡ عَذَابًا قَرِيۡبًا ۖۚ يَّوۡمَ يَنۡظُرُ الۡمَرۡءُ مَا قَدَّمَتۡ يَدٰهُ وَيَقُوۡلُ الۡكٰفِرُ يٰلَيۡتَنِىۡ كُنۡتُ تُرٰبًا ﴿۴۱﴾ ع ۲ | یقینًاماشمارادرباره عذابی‌نزدیک هشدار داده ایم. روزیکه هرکس روبروی خود ببیند هرچه دودست او پیش فرستاد و کافر گوید، کاشکی خاکی میشدم(۴۱) |

++آیت ۳۹: روز قیامت هیچکس مجاز نیست که شفاعت کند مگر به اجازه خدا. ناشی از ترس خدا خموشی کامل فراگرفته باشد و هرکه حرف زند فقط درست حرف زند. هیچکس جرعت نداشته باشد که درحضور خدا دروغ گوید.

# ۷۹ - النازعات

این سورة در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم اللّٰه ٤۷ آیت دارد.

طبق اسلوب قرآن یکبار دیگر تذکر از عذابهای دنیائی و کارزارها داده میشود و بوضاحت کشافی ذکر از چنین جنگهایست که درآنها ناوگانی زیر آب بکارگرفته شوند. والنَازعَاتِ غَرقاً رایك معنااینست که آن رزمنده ها زیر آب رفته برای این حمله کنندکه دشمن را غرق نمایند و بر هرکدام پیروزی خویش شادمان میشوند و بدینسان این مسابقه دَوجنگ وجدال در تلاش برتری برهمدیگرتمام میشود و هردوجانب دشمن همدیگر نیرنگ های بزرگ را خلاف همدیگر میزنند.

والسَّابِحَاتِ سَبحاً را معنا شناورانند خواه آنها زیرآب شناکنند یا برسطح آب. و بعض وقت ناوگانی زیر آب وقتی پیروزی بدست آورند روی سطح آب برمیآیند.

خلاصه ازهیبت این جنگهاچنین لرزه براندام افتد که قلب ازآن میتپد و چشمان بسته شود. پس از این تاراجگری دنیا وجدان انسان این سوال را مطرح میکند که آیا ما دوباره از مردگان زندگان شویم باآنکه استخوان های ماپوسیده خاکسترگردد؟ فرمود.یقیناًهمینطورخواهد بودوصدای‌مشدار دمنده چون رعد صدا کندکه ناگهان ایشان خویشتن را درمَحشرخواهندیافت.

سپس ذکر ازحضرت موسٰی علیه السلام شروع میشود. ایشان بسوی فرعون فرستاده شدند که او مدعی به مقام خدایی شده بود و به آخرت شدیداً انکارمیکرد. چون حضرت موسٰی بدو پیغام حق دادند جواباً او منم

زده گفت که خدای متعال تو منم. بدنبال این فیسش خدای متعال او را بنحوی بگرفت که مایهٔ عبرت برای اوّلین و آخرین قرار گرفت. اوّلین که لشکریانش را بغرق فرو رفته تماشا کردند و آخرین کالبدی بغرق رفته و نجات یافته را. خداوند او را بعنوان درس عبرت از مرگ ظاهری درچنین حالتی نجات داد که او تا عمر طولانی مبتلا به زدوخورد زندگی و مرگ جان خویش را در حالی باخت که جسدش مومیائی کرده بعنوان مایه عبرت برای آیندگان نگه داشته شد.

سپس این سورة با ذکر این پرسش پایان میپذیرد که ظهور آمدن آن ساعت قیامت تا بچند میکشد؟فرمود.چون آن ظهور کند آنگاه خوب آشکار گردد که منتها برگشت همه چیزها بسوی پروردگارش است و ای رسول!تو فقط او را میتوانی بترسانی که از این ساعت هیبت دارد. روزیکه آنها آنرابببینند پس زندگی دنیارا چنین احساس کنند که ازچند لمحه بیش نبود.

☆ سُوْرَةُ النَّازِعَاتِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِىَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَّ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعَان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارمارحم کننده(۱)

وَالنّٰزِعٰتِ غَرْقًا ﴿۲﴾

سوگندبه آنها که فرورفته برکشند [یابرای بغرق بردن بگشند](۲)

وَّالنّٰشِطٰتِ نَشْطًا ﴿۳﴾

و به بسیار شادمانی کنندگان(۳)

وَّالسّٰبِحٰتِ سَبْحًا ﴿۴﴾

و به تشنگ شنا کنندگان(٤)

فَالسّٰبِقٰتِ سَبْقًا ﴿۵﴾

پس به از همدیگر پیشی گرفته گان(۵)

فَالْمُدَبِّرٰتِ اَمْرًا ﴿۶﴾

وقف لازم

پس به کارهای مهم را تدبیر کنندگان(٦)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿۷﴾

روزیکه لرزنده سخت بلرزد(۷)

تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۸﴾

بدنبالش آید دنبالش آینده(۸)

قُلُوْبٌ يَّوْمَئِذٍ وَّاجِفَةٌ ﴿۹﴾

دلها آنروز سخت بتپد(۹)

اَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿۱۰﴾

وقف لازم

چشمان آنها فرومشته باشد(۱۰)

يَقُوْلُوْنَ ءَاِنَّا لَمَرْدُوْدُوْنَ فِى الْحَافِرَةِ ﴿۱۱﴾

گویند:آیایقیناً ما به حالت اوّلین خود بازگردانده شویم؟(۱۱)

ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً ﴿۱۲﴾

آیا باآنکه استخوان های پوسیده شدیم(۱۲)

قَالُوْا تِلْكَ اِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿۱۳﴾

وقف لازم

گویند: آنگاه این برگشت بسیار

زیان آور باشد(١٣)

فَاِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَّاحِدَةٌ ﴿١٤﴾

پس[گوش کنید] این فقط[صدای] سرزنشی بزرگست(١٤)

فَاِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٥﴾

پس ناگاه آنها در میدانی وسیع باشند(١٥)

هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ مُوْسٰى ﴿١٦﴾

آیا به تو خبر موسٰی آمد؟(١٦)

اِذْ نَادٰىهُ رَبُّهٗ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٧﴾

وقتی او را پروردگارش در وادی مقدس طویٰ ندا کرد(١٧)

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿١٨﴾

برو بسوی فرعون که او گردنکش است(١٨)

فَقُلْ هَلْ لَّكَ اِلٰٓى اَنْ تَزَكّٰى ﴿١٩﴾

پس بگو: آیا برای تو ممکن است که پاکیزگی اختیارکنی؟(١٩)

وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ﴿٢٠﴾

و ترا بسوی پروردگارت هدایت کنم تا تو بترسی(٢٠)

فَاَرٰىهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ﴿٢١﴾

پس اوراآیتیبزرگ نشانداد(٢١)

فَكَذَّبَ وَعَصٰى ﴿٢٢﴾

پس او تکذیب کرد و نافرمانی کرد(٢٢)

ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ﴿٢٣﴾

سپس رویبرتابیده تند رفت(٢٣)

فَحَشَرَ فَنَادٰى ﴿٢٤﴾

پس او [مردم را]جمع کرد و ندا زد(٢٤)

فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ﴿٢٥﴾

پس گفت:منم پروردگار متعال

شما(۲۵)

فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ﴿۲۶﴾

پس خدا او را به کیفری عبرتناک دنیا و آخرت بگرفت(۲۶)

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ﴿۲۷﴾

یقیناً در این برای او که میترسد عبرتی بزرگ است(۲۷)

ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ ۚ بَنٰهَا ﴿۲۸﴾

آیاتخلیق شماسخترست یاآسمانی که او آنرا بناکرده است(۲۸)++

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰىهَا ﴿۲۹﴾

او افراشتگی اش را بلندکرد پس آن را آراستید(۲۹)

وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا ﴿۳۰﴾

پس شبش راپوشاند وبامدادش را بیرون آورد(۳۰)

وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا ﴿۳۱﴾

و بعدِ آن زمین را هموار ساخت(۳۱)++

اَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰىهَا ﴿۳۲﴾

ازآن آبش وعلفش رادر آورد(۳۲)

وَالْجِبَالَ اَرْسٰىهَا ﴿۳۳﴾

و محکم نمود کوه ها را (۳۳)

++آیت۲۸: خداوند آسمان راخلق کرد.این تخلیق آنقدر حیرت انگیز ومبنی برچنین قدرتی بزرگست که در مقابلش تخلیق انسانی را هیچ هم ارزش نیست اگرچه او موشک های سازد یا هواپیما و ناوگانی زیر آب.همینطور تخلیق خود انسان دارای چنین هنرمندی است که هرچند برآن تدبر کرده شود منظره های لامتناهی از هنرمندیها و قدرتهای خداوندی آشکارتر میشود.

++آیت ۳۲: برای این معنای مرعٰی مراجعه شود مفردات امام راغب رحمت اللّٰه علیه.

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿۳۴﴾
بطورسامان معیشت برای شما و برای دامهای شما(۳٤)++

فَإِذَا جَآءَتِ الطَّآمَّةُ الْكُبْرٰى ﴿۳۵﴾
پس وقتی آفتی بزرگ بیآید(۲۵)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعٰى ﴿۳٦﴾
آنروزانسان بیادآوردآنچه کوشش کرد(۳٦)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرٰى ﴿۳۷﴾
و جهنم بروز داده شود برای کسیکه میبیند(۳۷)

فَأَمَّا مَن طَغٰى ﴿۳۸﴾
پس اما آنکه سرکشی کرد(۳۸)

وَءَاثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿۳۹﴾
و زندگی دنیا را برگزید(۳۹)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِىَ الْمَأْوٰى ﴿٤۰﴾
آنگاه حتمًا همان جهنم ماوی او است(٤۰)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى ﴿٤۱﴾
واما آنکه از مرتبه پروردگارخود ترسانست و خود را از اغراض نفسانی باز میدارد(٤۱)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِىَ الْمَأْوٰى ﴿٤۲﴾
پس یقینًا جایگاهش بهشت است(٤۲)

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسٰهَا ﴿٤۳﴾
درباره قیامت ازتومسئلت میکنند که برپا شدن آن تا بچند می کشد(٤۳)

++آیت ۳٤: اینجا ذکر است که کوه ها در زمین میخکوب کرده برقرار اند. این بدینعلت است که مرارمعیشت انسانها و جانوران به این کوه ها وابسته است.

فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَىٰهَآ ﴿٤٤﴾

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ﴿٤٥﴾

إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَىٰهَا ﴿٤٦﴾

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَىٰهَا ﴿٤٧﴾

ع ۲

پس ازذکرش تودرچه خیالی(٤٤)

آن بسوی پروردگارت منتهی می شود (٤٥)

توفقط هشدار دهندۂ مستی او را که از این ترسان است(٤٦)

روزی که آنرابنگرند[فکرکنندکه] گویی [دردنیا]درنگ نکردند جز شامگاهی یاصبحگاهی اش را(٤٧)

# ۳۰-سورة عَبَسَ

این سورة در ابتدای دوره مکی نازل شد و با بسم اللّٰه ۴۳ آیت دارد.

این سورة نیزحاکی ازیکنفرمتکبراست که درزمان آنحضورﷺ وجود داشت. اوبرای پرسشی درخدمت ایشان ﷺ آمد. چنانکه آنحضور ﷺهمواره آرزوداشتند که بنحوی کسی هدایت بیابد پس باوجود تکبرش ایشان باکمال شفقت بسویش متوجه شدند تاآن انتهاکه حین آن ملاقات مومن نابینای دنبال پرسش سوال حاضرآمدولیآنحضورﷺحائل بودنش راپسند نفرمودند.بازهم بی میلیخویش رابنحوی اظهارفرمودند که فقط آنکس که مباحثه میکرد می توانست بنگرد ولی آن مومن نابینای که بی توجه بود نیز دلگِران نشد. دنبال این سخن خداونداین نصیحت میفرماید،هرکدام که باصفای دل وشوق نزد تو بیآید را هیچگاه با غفلتکاری رفتارنکن و هرگزهرکدام متکبری که دنبال جستجو میآید هرچند از اعیان هم باشد را برناتوانان و فروماندگان برترنشمار.

ضمناً ذکرازعظمت و شأن قرآن مجید شروع میشود که چطور آن کتاب پرده ای را ازرازهای مربوط به تخلیق ابتدائی کاینات برمیدارد و حوادثی بزرگ که در پایان این کائنات و روز قیامت رخدهد نیز بروشنی بیان می شود.

☆ سُوْرَةُ عَبَس مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثٌ وَّ اَرْبَعُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(۱)

عَبَسَ وَتَوَلّٰىٓ ② | او اخم کرد و روی برتابید(۲)

اَنْ جَآءَهُ الْاَعْمٰى ③ | برای اینکه نزد او نابینایی آمد(۳)

وَمَا يُدْرِيْكَ لَعَلَّهٗ يَزَّكّٰىٓ ④ | و ترا چه حالی کند که ممکن بود او پاکی فرا میگیرفت(٤)

اَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرٰى ⑤ | یابه نصیحت فکرکرده نصیحت او را سود میداد(۵)

اَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى ⑥ | اما آنکه بی پروا است (٦)

فَاَنْتَ لَهٗ تَصَدّٰى ⑦ | پس تو برایش متوجه ای(۷)

وَمَا عَلَيْكَ اَلَّا يَزَّكّٰى ⑧ | حالانکه تکلیف تو نیست اگر او پاکیزگی فرانگیرد(۸)++

وَاَمَّا مَنْ جَآءَكَ يَسْعٰى ⑨ | واما آنکه کوشان نزد تو آمد(۹)

وَهُوَ يَخْشٰى ⑩ | و او [از خدا] میترسید(۱۰)

فَاَنْتَ عَنْهُ تَلَهّٰى ⑪ | پس تو از او غافل شدی(۱۱)

كَلَّآ اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ⑫ | باش!یقیناًاین پندی‌بزرگست(۱۲)

فَمَنْ شَآءَ ذَكَرَهٗ ⑬ | پس هرکه خواهدیادش بدارد(۱۳)

وقف لازم

++آیت۸:غریب القران

فِيْ صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿۱۴﴾
در صحیفه های گرامی است(۱۴)

مَّرْفُوْعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿۱۵﴾
بلندپایه ای پاك نگهداشته(۱۵)

بِاَيْدِيْ سَفَرَةٍ ﴿۱۶﴾
بدست نویسندگان اند(۱۶)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿۱۷﴾
که بسیارگرامی،نیکوکارانند(۱۷)

قُتِلَ الْاِنْسَانُ مَآ اَكْفَرَهٗ ﴿۱۸﴾
مرگ بر انسان! چقدر ناسپاس است(۱۸)

مِنْ اَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ ﴿۱۹﴾
او ویرا از چه چیز آفرید؟(۱۹)

مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهٗ فَقَدَّرَهٗ ﴿۲۰﴾
ازنطفه ای ـ او را آفرید پس او را متناسب کرد(۲۰)

ثُمَّ السَّبِيْلَ يَسَّرَهٗ ﴿۲۱﴾
سپس مسیر را برایش آسان نمود(۲۱)

ثُمَّ اَمَاتَهٗ فَاَقْبَرَهٗ ﴿۲۲﴾
سپس او را میراند و او را به داخل قبر کرد (۲۲)++

ثُمَّ اِذَا شَآءَ اَنْشَرَهٗ ﴿۲۳﴾
سپس هرگاه بخواهد او را بر انگیزد(۲۳)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ اَمَرَهٗ ﴿۲۴﴾
باش،ابجای نیآورده آنچه او بدو امر کرده بود(۲۴)

فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ اِلٰى طَعَامِهٖٓ ﴿۲۵﴾
پس انسان به طعامش بنگرد(۲۵)

++آیت۲۲: لازم نیست که برای هرکس قبری درست شود.بسیارمردم غرق میشوند یا طعمه جانوران وحشی میشوند. پس اینجا مراد از قبر زمانی پیش از آخرین بعثت است. بعبارت دیگر بر هرکدام انسان زمانی قبرسان خواهد آمد.

أَنَّا صَبَبْنَا الْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٦﴾

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٧﴾

فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٨﴾

وَّعِنَبًا وَّقَضْبًا ﴿٢٩﴾

وَّزَيْتُونًا وَّنَخْلًا ﴿٣٠﴾

وَّحَدَآئِقَ غُلْبًا ﴿٣١﴾

وَّفَاكِهَةً وَّأَبًّا ﴿٣٢﴾

مَّتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾

فَإِذَا جَآءَتِ الصَّآخَّةُ ﴿٣٤﴾

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٥﴾

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٦﴾

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٧﴾

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٨﴾

وُجُوهٌ يَّوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٩﴾

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٤٠﴾

وَوُجُوهٌ يَّوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤١﴾

یقیناً ما خوب آب بارانیدیم(۲٦)

سپس زمین را خوب شکافتیم(۲۷)

پس رویاندیم درآن حبوبات(۲۸)

و انگور و سبزی جات(۲۹)

و زیتون و خرما(۳۰)

و باغهای پردرخت(۳۱)

و میوه ها و علف را(۳۲)

که برای شما و برای دامهای شما سامان بهره مندی است(۳۳)

پس وقتی صدای غرش بیاید(۳٤)

روزیکه فرارکند انسان از برادر خویش(۳۵)

و از مادرش و پدرش(۳٦)

و ازهمسرش وازفرزندانش(۳۷)

آنروز هر کدام از آنها را حالی است که او را[ازهمگان] بی نیاز سازد(۳۸)

و آنروز چهرههای است که روشن باشد(۳۹)

خندان و شادمان(٤۰)

و آنروزچهرههائی است که خاك

آلودند(۴۱)

تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ تیرگی آنها را فراپوشاند(۴۲)

أُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾ همانهاندناسپاس بدکار(۴۳)

# ۸۱ - سورة التكوير

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ۳۰ آیت دارد.

قرآن کریم یکباردیگرخبرمیدهد به حوادث بزرگ از دنیا و برساعت قیامت گواه قرارگیرنده وگواه قرارداده میشودخورشیدوقتیآن فروپوشانده شود. بعبارت دیگردشمنان آنحضورﷺ نگذارند که نور ایشان به بهبود نوع انسان برسد و تبلیغاتی کراهت انگیز آنها پابمیان خواهد گذاشت. هنگامیکه دشمن نور اصحاب رضوان اللّٰه علیهم را نیز تاریك سازد.چنانکه ستارگان پس ازخورشید تاحدی برایروشنیبکارمیآیند. رتبه اصحاب نیز آنچنان بود ولی نور ایشان هم از میان برده شود. این روزگاری است که کوههای بزرگ و بلندحرکت داده شوندیعنی کشتیهای دریایی بلندوبالاوهواپیماهایی بزرگ برای حمل کالا بکارگرفته شوندو شترماده ها در مقابل آنهابیکارگرفته، ترك کرده شود. این روزگاری است که باغهای وحش ساخته شود. بدیهی است که درزمان آنحضرت ﷺ این وضعی وجودنداشت و باغهای وحش در زمان کنونی که جانورانی بزرگ هیکل دریایی بوسیله هواپیماهای بزرگ به این باغها انتقال داده میشوند به آدمی آنزمان که اندیشه پذیرهم نبود.

سپس غالباً توجه به جنگهای دریائی جلب کرده میشود. آنزمان کشتی رانی دراوقیانوسها فراوان شده و ناشی از آن مردمان دورا دور بهم پیوسته شوند. بعبارت دیگر نه تنهاجانوران گرد آورده شوند بلکه آدمیان نیزبهم پیوسته خواهندشد.آن روزگاریاست که دارای حکمرانی قانون باشد وانسان حتیبکیفرفرزندان خویش نیز مجاز نباشد. هرچندبظاهرحکمرانیبرسراسر

دنیا از قانون باشد بازهم هیچکدام قانون نتواند که فسق وفجور را بعلت انکارازقانون خدائی ازهیچکدام کشوردوربنماید.این روزگاری باشد که در آن کتب و مجلات بفراوانی طبع و نشر کرده شود و پژوهندگان راز های آسمانی گویی که پوست آسمان را برکنند. آنروز دورخ که هم عبارت از دوزخ جنگها و هم از غضب آسمانی است، مشتعل ساخته شود. با این وجود کسانیکه برتعلیم خداوندعمل کنند و براین کرداربرقرارباشند، بهشت برای ایشان نزدیك کرده شود وهرکس دریابد آنچه او برای خویشتن پیش فرستاده باشد.

درآیات ١٦ و ١٧ گواه قرارداده میشوند آن کشتیها که عملیات محرمانه انجامداده به توقفگاه های مخفیخود برگردند.این امرمجدداً بیان میشود بدینعلت که اینجا سخن ازچنین حملات شیطانی است که از طریق خیالات بخاطر انسان خطور کرده وبرنفسش هجوم برده باز ناپیدا میشود. سپس آن شبی گواه قرار داده میشود که آخرین دَمش را میگَشد و علامات بامداد پدیدار شده و منتها این شب تارحتماً منتج به بامداد اسلام خواهد شد.

☆ سُوْرَةُ التَّكْوِيْرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(۱)

اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ②
چون خورشید درهم پیچیده شود(۲)

وَاِذَا النُّجُوْمُ انْكَدَرَتْ ③
وچون ستارگان تیره گردد(۳)

وَاِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ④
و چون کوهها بحرکت آورده شوند(٤)

وَاِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ⑤
وچون ناقه های باردار ده ماهه بدون نگهبانی رهانیده شوند(۵)

وَاِذَا الْوُحُوْشُ حُشِرَتْ ⑥
وچون وحشیهاجمعکرده شوند(٦)

وَاِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ⑦
وچون دریاهاشکافته شوند(۷)

وَاِذَا النُّفُوْسُ زُوِّجَتْ ⑧
وچون نفوس بهم پیوسته شوند(۸)

وَاِذَا الْمَوْءٗدَةُ سُئِلَتْ ⑨
و چون زنده درگور شده [درباره خویشتن] پرسیده شود (۹)++

بِاَيِّ ذَنْۢبٍ قُتِلَتْ ⑩
به چه گناهی کشته شد(۱۰)++

++آیات ۹-۱۰: ذکر از دولتهای متمدن آینده است که از اقتدار والدین بر فرزندان خویش انکارخواهندکرد. این آیت در معنای وسیعترخود بدین شان والای راست آمده است که اگر به اثبات رسد که والدین درحق فرزندان خود تجاوز کرده اند تا چه برسد باینکه آنان قتل کرده شوند دولتها آن بچگان را به تحویل خودشان میگیرند.

وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١١﴾
و چون صحیفه ها نشر کرده شود(۱۱)

وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ ﴿١٢﴾
و چون پوست آسمان کنده شود(۱۲)

وَإِذَا ٱلْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٣﴾
وچون جهنم برافروخته شود(۱۳)

وَإِذَا ٱلْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٤﴾
وچون بهشت نزدیك کرده شود(١٤)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ أَحْضَرَتْ ﴿١٥﴾
هرکس بداندآنچه آورده باشد(۱۵)

فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ ﴿١٦﴾
پس باش!قسم خورم آنهاراکه کار راپنهانی‌انجامداده برگردند(١٦)

ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ ﴿١٧﴾
کشتیهارا که وقت پنهان شدن [یا در جای پنهان شدن] پنهان شوند(۱۷)

وَٱلَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٨﴾
و شب چون بیآید و پشت کند(۱۸)++

وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٩﴾
و صبح چون نفس کشد (۱۹)

إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٢٠﴾
یقینًا این کلام پیغامبری ارجمند است(۲۰)

ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢١﴾
(که)قدرتمنداست.نزدصاحب عرش بسیار بزرگوار است(۲۱)

++آیت ۱۸ :عَسعَسَ اللَّیل: أيْ أقبَلَ و أدبَرَ شب آمدوپشت کرد[مفردات امام راغب]

مُّطَاعٍ ثَمَّ اَمِيْنٍ ﴿۲۲﴾

بسیارواجب اطاعت سپس امین است(۲۲)

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُوْنٍ ﴿۲۳﴾

و رفیق شما هرگز دیوانه نیست(۲۳)

وَلَقَدْ رَاٰهُ بِالْاُفُقِ الْمُبِيْنِ ﴿۲۴﴾

و یقینًا او درافقی روشن او را دیده است(۲۴)++

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِيْنٍ ﴿۲۵﴾

و بر [بیان] غیب هیچ بخل نمی کند(۲۵)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطٰنٍ رَّجِيْمٍ ﴿۲۶﴾

و این کلام شیطانی راندهٔ نیست(۲۶)

فَاَيْنَ تَذْهَبُوْنَ ﴿۲۷﴾

پس کجا میروید؟(۲۷)

اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿۲۸﴾

این نیست جز نصحیتی بزرگ برای همه جهانها(۲۸)

لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّسْتَقِيْمَ ﴿۲۹﴾

برای آنکس از شما که استقامت نشان دهد(۲۹)

وَمَا تَشَآءُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۳۰﴾

ونمیتوانیدبخواهیدجز آنچه خدا پروردگارهمه جهانهابخواهد(۳۰)

++آیت۲۴:یعنی رسول الله ﷺ هیچ سخن را از خود برنبافته اند بلکه واقعاً ایشان جبرائیل را برافقی روشن دیده بودند.

# ۸۲ -سورة الانفطار

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۲۰ آیت دارد.

درابتدائی این سورة نیزسخن ازستارگان، نه از بی نور شدن آنها بلکه فروریختن آنها. گفته میشود، که انسان درتاریکیهای شب از نور ستارگان کاملاً بی بهره ساخته شود. سپس سخن از دریا گفته این امر تکرار کرده میشود که نه تنها در دریاها کشتی رانی فراوان گردد و برای کشف راز ها آنها شکافته شوند بلکه از زمین نیز باستان شناسان مدفن های فرهنگ قدیم را برخواهند کند.آنروز به انسان معلوم شود که پیشینیانش چه چیزی برای خویشتن پیش میفرستاده اند و پسینیانش چه چیز را برای خویشتن پیش خواهند فرستاد.

باز در پایان این سورة دنبال موضوع آخرت در آیتی این مطلب نقل میشود که مِلك دنیا مربوط به صاحبان موقتی اش نیست بلکه مالك حقیقی فقط خدای متعال است که روز یوم الدین هرکدام مِلك بسوی او برگردد و هرکدام وجود غیر از او از مِلك محروم کرده خواهد شد.

☆ سُوْرَةُ الْاِنْفِطَارِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

اِذَا السَّمَآءُ انْفَطَرَتْ ②

چون آسمان ازهم بپاشد(۲)

وَاِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ③

وچون ستارگان فروریزند(۳)

وَاِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ④

وچون دریاهاشکافته شوند(٤)

وَاِذَا الْقُبُوْرُ بُعْثِرَتْ ⑤

وچون قبرهابازکرده شوند(۵)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ ⑥

هرجان بداندآنچه اوپیش فرستاد و او پس گذاشت(٦)

يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيْمِ ⑦

ای انسان چیست که ترا درمورد ربِّ کریم خود فریب داد(۷)

الَّذِيْ خَلَقَكَ فَسَوّٰىكَ فَعَدَلَكَ ⑧

اوکه ترا آفرید،پس ترامرتب کرد پس ترا میانه حالی بخشید(۸)

فِيْۤ اَيِّ صُوْرَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ⑨

ترا ترکیب کرد درهر صورتی که او میل کرد(۹)

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُوْنَ بِالدِّيْنِ ⑩

باش!به جزاء انکارمیکنید؟(۱۰)

وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحٰفِظِيْنَ ⑪

درحالیکه یقیناً بر شما نگهبانان هستند(۱۱)

كِرَامًا كَاتِبِيْنَ ⑫

نویسندگانی ارجمند(۱۲)

يَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ ⑬

آنان میدانندآنچه انجامدمید(۱۳)

| | |
|---|---|
| إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٤﴾ | یقیناً نیکان در آسایش باشند(۱٤) |
| وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٥﴾ | و یقیناً زشتکاران در جهنم باشند(۱٥) |
| يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٦﴾ | روزجزاء بداخل آن شوند(۱٦) |
| وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٧﴾ | وآنان ازآن بیحضورنباشند(۱۷) |
| وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٨﴾ | و چه ترا حالی کند که روز جزاء چیست(۱۸) |
| ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٩﴾ | بازهم چه تراحالی کند که روز جزاء چیست(۱۹) |
| يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۖ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ﴿٢٠﴾ | روزیکه جانی برای جانی دیگر هیچ اختیارنداردو آنروزفرمان ازآن خدا است(۲۰) |

# ٨٣ -سورة المطفّفين

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه ٣٧ آیت دارد.

دراین سورة توجه انسان یکباردیگر بسوی "میزان" جلب کرده میشود که شمافقط آنگاه میتوانید به موفقیت نایل باشید که بر میزان استوارشوید. باش! این درست نیست که وقت گرفتن به کمال وتمام گرفته و برای توزیع پیمانه ای دیگراختیارکنید.اینجاوضع تجارت این زمان نیز تجزیه و تحلیل میشود.هرگاه ملتهای بزرگ وثروتمند با ملتهای ضعیف و نادار معامله میکنند حتماً این معامله منجربزیان ملتهای ضعیف میشود. فرموده میشودکه اینهائی بتفکر نمیپردازندکه روزحساب بزرگ اینهاگردآورده شوند وآنروز دادوستد دنیائی نیز محاسبه شود.این آن یوم الدین است که ذکر از آن در سورة گذشته رفته است.

درآیتهای بعدی ذکراز یوم الدین آورده متنبه ساخته میشود که منکران یوم الدین هم درازمنه پیشین هلاك کرده شدند وهم در زمان آخرین به فرجام بد خویش خواهند رسید.

سپس توجه به مقایسه ای میان أهل بهشت و دوزخ جلب کرده متنبه ساخته میشود که ایشان را که آنها در دنیا تمسخرکنان، هَوکرده و چشم برهم زده، تذلیل کنان،کافرقرار میدادند،آنروزایشان نیز به آنهاخندان بپرسند که بگویید که اکنون حال شما چطوراست؟

☆ سُوْرَةُ الْمُطَفِّفِيْنَ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَّ ثَلَاثُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾
بنام خدا [بلااستدعاوبلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ ﴿۲﴾
هلاك بردركيل بی‌عدالتمندان (۲)

الَّذِيْنَ اِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ ﴿۳﴾
آنهائیکه چون از مردم کیل کنند تمام بگیرند(۳)

وَاِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وَّزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ ﴿۴﴾
و چون برای آنان کیل کنند یا بپیمایند کم میکنند(٤)

اَلَا يَظُنُّ اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ ﴿۵﴾
آیا آنها فکرنمیکنند که حتمًا آنها برانگیخته شوند(۵)

لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿۶﴾
برای[احضار] روزی بزرگتر(٦)

يَّوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۷﴾
روزیکه تمام مردم درمحضر پروردگار همه جهانها بپاخواهند ایسناد(۷)

كَلَّآ اِنَّ كِتٰبَ الْفُجَّارِ لَفِيْ سِجِّيْنٍ ﴿۸﴾
آگاه باش! یقینًا نامه اعمال بدکاران در سجین است(۸)

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا سِجِّيْنٌ ﴿۹﴾
و چه چیزی ترا حالی کند که سجین چیست؟(۹)

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ﴿۱۰﴾
کتابی مرقوم است(۱۰)

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿۱۱﴾
آنروز مکذبان را هلاك است(۱۱)

| | |
|---|---|
| الَّذِيْنَ يُكَذِّبُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ﴿۱۲﴾ | آنها که روز جزاء را تکذیب کنند(۱۲) |
| وَمَا يُكَذِّبُ بِهٖٓ اِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ اَثِيْمٍ ﴿۱۳﴾ | وتکذیب نمیکندبه آن جز هرگناه کاری تجاوزگر(۱۳) |
| اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا قَالَ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿۱۴﴾ | هرگاه آیتهای ما بر او خوانده شود گوید،این اساطیر پیشینیان است(۱٤) |
| كَلَّا بَلْ ۜ رَانَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۱۵﴾ | باش!درحقیقت بردلهای آنان زنگ زد آنچه داشتند کسب میکرده اند(۱۵) |
| كَلَّآ اِنَّهُمْ عَنْ رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوْبُوْنَ ﴿۱۶﴾ | باش!یقیناً آنروزآنها از پروردگار خود در حجاب باشند(۱٦) |
| ثُمَّ اِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيْمِ ﴿۱۷﴾ | سپس یقینًا آنها واردان جهنم اند(۱۷) |
| ثُمَّ يُقَالُ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿۱۸﴾ | سپس گفته شود: این همانست که شما به آن تکذیب میکردید(۱۸) |
| كَلَّآ اِنَّ كِتٰبَ الْاَبْرَارِ لَفِيْ عِلِّيِّيْنَ ﴿۱۹﴾ | باش! یقینًا نامه اعمال نیکان در علیین باشد(۱۹) |
| وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا عِلِّيُّوْنَ ﴿۲۰﴾ | و چه ترا بفهماند که علیین چیست(۲۰) |
| كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ﴿۲۱﴾ | کتابی مرقوم است(۲۱) |

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٢﴾

آنرا مقربان خواهند دید(۲۲)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٣﴾

یقیناً نیکان در آسایش باشند(۲۳)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٤﴾

بر تختهای[نشته]نظاره کنان(۲٤)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٥﴾

تودرسیمای‌ایشان تروتازگی خیر ونعمت راخواهی شناخت(۲۵)

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٦﴾

شرابی خالص سربمُهر نوشانده شوند(۲٦)

خِتَامُهُ مِسْكٌ ۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٧﴾

مُهرش ازمشك است.پس باید در اینمورد شایقان [مسابقه] بیشتر از همدیگرشایق باشند(۲۷)

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٨﴾

و آمیختگی اش از تسنیم باشد(۲۸)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٩﴾

چشمه ای است که مقربان از آن بخورند(۲۹)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٣٠﴾

البته کسانیکه جرم کردند داشتند با آنانکه ایمان آوردند استهزاء می کردند(۳۰)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣١﴾

و هرگاه از نزد آنان گذرمیکردند غمزه میکردند(۳۱)

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣٢﴾

و هنگامیکه بسوی خانواده خود باز میگشتند یاوه گویان باز می

گشتند(۳۲)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوٓا إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ﴿۳۳﴾

و چون ایشان را میدیدند، می گفتند:براستی آنها حتمًا گمراهان اند(۳۳)

وَمَآ أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَٰفِظِينَ ﴿۳۴﴾

درحالیکه آنها برایشان نگهبانان نفرستاده شده بودند(۳٤)

فَٱلْيَوْمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ ٱلْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿۳۵﴾

پس کسانیکه ایمان آوردند امروز بر کافران بخندند(۳۵)

عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ﴿۳۶﴾

بر تخت های [نشته] نظاره کنان باشند(۳٦)

هَلْ ثُوِّبَ ٱلْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۳۷﴾ ع ۳۷ ۸

آیاکافران عوض کامل داده شدند به آنچه داشتندعمل میکردند(۳۷)

# ٨٤ -سورة انشقاق

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ٢٦ آیات دارد.

دنبال اسلوب سورة های قبلی یکبار دیگر دگرگونیهایی بزرگ دنیائی گواه بر آخرت قرارداده میشوند. مجدداً سخن از منفجر شدن آسمان گفته میشود و این مصطلح را یك معنا اینست که آفتهای گوناگون نازل خواهد شد.

سپس سخن ازگسترانیدن زمین گفته میشود. بظاهر که این زمین در دنیا گسترانیده بچشم نمیخورد اما در زمان نزول قرآن بقرارعلم انسان دنیا نصف بود و نصف دنیا معناً پس از کشف سرزمینهای امریکه وغیره گسترش داده شد و همین روزگار است که زمین رازهای مخفی اش را بیرون افکند که گویی تهی گردد. این زمان پیشرفت علمی پس از دریافت امریکه رو به آغاز مینهد.

ضمناً این پیشگوئی است که زمانیکه روز تبدیل به تاریکیها خواهد بود و سپس شب فراخواهد گرفت و ماه اسلام مجدداً طلوع خواهد کرد آنروز شما آخرین پایه های پیشرفت خویش را درجه بدرجه طی کرده خواهید داشت.

## ☆ سُوْرَةُ الاِنْشِقَاقِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتٌّ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیار بخشندهٔ بارهارحمکننده(۱) |
| اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ ② | هنگامیکه آسمان بشکافد(۲) |
| وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ③ | وگوش به پروردگارخودفرادهد و همین بر آن لازم شده است(۳) |
| وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ ④ | وزمین پهن کرده شود(٤) |
| وَاَلْقَتْ مَا فِيْهَا وَتَخَلَّتْ ⑤ | و براندازد آنچه در آنست وخالی گردد(۵) |
| وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ⑥ | و گوش به پروردگارخودفرادهد و همین برآن لازم شده است(٦) |
| يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلٰقِيْهِ ⑦ | ای انسان! یقینًا ترا بسوی پروردگار خودبسیارکوشش کردن است.پس [روزی] با او ملاقات کننده ای(۷) |
| فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ ⑧ | پس آنکه نامه اعمالش بدست راستش داده شود(۸) |
| فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَّسِيْرًا ⑨ | پس بزودی بحسابی آسان محاسبه کرده شود(۹) |
| وَّيَنْقَلِبُ اِلٰۤى اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ⑩ | و شادمان بسوی خانواده خویش باز گردد(۱۰) |

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ﴿١١﴾

و اما آنکه نامه اعمالش از پشت سرش داده شود (١١)

فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا ﴿١٢﴾

پس حتمًا او[برای خویشتن] هلاك بخواند(١٢)

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٣﴾

و بداخل آتشی شعله ورشود(١٣)

إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿١٤﴾

البته او میان اهل خود شادمان بود(١٤)

إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ﴿١٥﴾

براستی او گمان میکرد که هرگز بر گشت کنندهٔ نیست(١٥)++

معانقة ٣٢ عندالمتأخرين

بَلَىٰٓ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا ﴿١٦﴾

بلی‌ایقینًا پروردگارش اورا بیننده است(١٦)

فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلشَّفَقِ ﴿١٧﴾

پس باش‌امن شَفق را گواه قرار می دهم(١٧)++

وَٱلَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٨﴾

و شب را و آنچه او جمع می کند(١٨)++

وَٱلْقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ﴿١٩﴾

وماه راچون آن پرنورگردد(١٩)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿٢٠﴾

یقینًا شما درجه بدرجه پیشرفت کنید(٢٠)++

---

++آیات ١٧ـ٢٠: اینجا"فلا" بدین معنای نیست که من قسم نیمخورم بلکه این انکار از خیالی است که متداول شده باشد. خداوند شفق را گواه قرارمیدهد وسپس چون شب آغازتاریکی نهدآنوقت نیزخداانسان راکاملاًازنور بی‌بهره [ص#١٥٣١]

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢١﴾

پس چه مورد است که آنها ایمان نمی آرند(۲۱)

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢٢﴾

و چون قرآن برایشان قرائت شود سجده نمیکنند(۲۲)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿٢٣﴾

بلکه آنها که کفرکردند تکذیب می کنند(۲۳)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٤﴾

و خدا داناتر است به آنچه جمع می کنند(۲٤)

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾

پس آنها را به عذابی دردناك مژده بده(۲۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٦﴾

جز ایشان که ایمان آوردند و اعمال نیکوی انجام دادندایشان را پاداشی بی پایان است(۲٦)

---

بقیه آیات:۱۷ -۲۰: نمیسازد بلکه ماه را برای انعکاس روشنائی خورشید مامور مینماید وماه نیزبلافاصله بانورکامل نمیدرخشد یعنی ناگهان بصورت بدری درنمی آید بلکه کم کم پیشرفت میکند. برهمین منوال آن تجدید کننده دین که ظهورش در قرن چهاردهم قرار است نیز طبق فرایند طبقاً عن طبقاً پس از پیشرفت تدریجی بعنوان بدر کامل ظهور خواهد کرد.

++آیت ۱۵ : لن یَّحُور أی لن یبعث [مفردات امام راغب رح]

# ۸۵-سورة البروج

این سورة درمکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۲۳ آیت دارد.

این سورة را نسبت به سوره گذشته اینست که در آن ذکر از مجدداً طلوع کردن ماه اسلام بود. ظهور این واقعه تا بچند میکشد و آنرا منظور چیست؟پس باید دانست که آسمان را دوازده برج است و بعبارت دیگر این پیشگوئی پس از دوازده قرن راست خواهد آمد. بطوریکه ماه گواهی درحق خورشید میدهد برهمین منوال یك گواه استقبالی درحق مشهودی بلند شان خویش یعنی‌آنحضرت ﷺ باشمول پیروان راستین خویش گواهی‌خواهدداد. هرگزایشان مبادرت به جرمکاری نکنندمگراینکه برظهورکننده ایمان خواهند آورد. امابا این وجود ایشان مجازات سنگین و ظالمانه کرده شوند. تا آن انتها که ایشان درآتش سوزانده وبینندگان راحت این حالت ایشان را تماشا خواهند کرد. این سلوك طبق این پیشگوئی با احمدیان نیز روا داشته میشود.

درپایان این سورة بدین امرشدیداً هشدار داده میشود که قومهای پیشین نیزوقتی‌اینگونه عمل ستمکارانه راپیش گرفته بودند پس ستمکاری های آنان خودشان را فراگرفته بود. پس سوگند به قرآن که درلوح محفوظ است که شماهانیزبکیفرجرمهای خویش رسانده خواهید شد.

☆ سُوْرَةُ الْبُرُوْجِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَلَاثٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحم کننده(۱)

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ②

سوگندبه آسمان دارای برجها(۲)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ③

و سوگند به روزی که وعدهٔ داده شد(۳)

وَشَاهِدٍ وَّمَشْهُوْدٍ ④

وبه گواهی‌دهنده و گواهی شده(٤)

قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاُخْدُوْدِ ⑤

هلاك شوند اهل حفره ما(۵)++

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُوْدِ ⑥

اهل آن آتش که با سوخت فراوانست(٦)++

اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ⑦

چون آنها گرداگردش نشته باشند(۷)++

وَّهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ شُهُوْدٌ ⑧

و آنها برآنچه بمومنان میکردند گواه باشند(۸)++

++آیات ۵-۸: این آیات حاکی از پیشگوئی هلاکت آنمردمان است که در حفره ای آتش برافروختندومومنان را درآن افکنده سوزاندند وبرکنارنشسته تماشامیکردند. در این واقعه این پیشگوئی مضمراست که درآینده نیز واقعه ای همانندش در زمان موعود بوقوع خواهد آمد. پس حتماً اطلاقش برآن احمدیان میشود که درباره ایشان تلاش شد که با خانه های خود زنده سوزانده شوند و کلمه قعود حاکی است آتش زنندگان برکنار نشته تماشا میکردند و هیچ اقدامی‌علیه ستمگران کرده نشد.پس این پیشگوئی راست آمدچنانکه آشوبگران زیرسرپرستی پلیس تلاش[ص# ۱۵۲۵]

وَمَا نَقَمُوْا مِنْهُمْ اِلَّآ اَنْ يُّؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ۙ﴿۹﴾

و ازایشان انتقاد نکردند جزآنکه ایشان به خدای ایمان آوردند که صاحب غلبه کامل لایق بینهایت ستایش است(۹)

الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۭ﴿۱۰﴾

آن ذات که پادشاهی آسمانها و زمین مِلك اوست و خدا بر هر چیزگواه است(۱۰)

اِنَّ الَّذِيْنَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوْبُوْا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيْقِ ۭ﴿۱۱﴾

یقیناًکسانیکه مومنان و مومنات را آزاریدندسپس توبه نکردندپس برای آنهاعذاب جهنم است و آنها را عذاب آتش است(۱۱)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ڛ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيْرُ ۭ﴿۱۲﴾

یقیناًکسانیکه ایمان آوردندونیکو کاری کردند ایشان را بهشت های است که دردامنه آنهانهرهای روان است.این پیروزی بسیار بزرگ است(۱۲)

اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيْدٌ ۭ﴿۱۳﴾

یقیناً گرفت پروردگارت خیلی سخت است(۱۳)

اِنَّهٗ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيْدُ ﴿۱۴﴾ۚ

یقیناً او هم آغاز میکند و هم تکرار میکند(۱٤)

وَهُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ ۙ﴿۱۵﴾

بااین وجود او بسیارآمرزگاری

بسیاردوستدار است(۱۵ )

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۶)
صاحب عرش صاحب بزرگی است(۱٦ )

فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۷)
او کننده ای است هرچه را می خواهد(۱۷ )

هَلْ أَتٰىكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۸)
آیا ترا رسیدخبرلشکرهای(۱۸ )

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۹)
فرعون و ثمود(۱۹ )

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۲۰)
بلکه کسانیکه کفرکردند درتکذیب [مشغول]میمانند(۲۰ )

وَّاللّٰهُ مِن وَّرَآئِهِم مُّحِيطٌ (۲۱)
درحالیکه خدا از پیش و پشت سرشان احاطه کرده است(۲۱ )

بَلْ هُوَ قُرْاٰنٌ مَّجِيدٌ (۲۲)
بلکه آن قرآنی بزرگ است(۲۲ )

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۳)
که درلوح محفوظ است(۲۳ )

---

بقیه آیات ۵-۸ ص#۱۵۳۳: کردند تا احمدیان را زنده بسوزانند و خیلی بار موفق شدند و گاهی نا موفق هم شدند.

# ۸٦ -سوره الطارق

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّٰه میجده آیت دارد.

در این سورة ادامه به همان موضوع سورة البروج داده پیشگوئی میشود که خدای متعال دراین شب تارنگهبانانی ازآسمان مامور میکند که به بندگان مظلوم اویاری خواهندکرد. چراانسان بدین امرفکرنمیکند که او فقد وجودی جست زننده وحرف بیهوا زننده ای است؟ پس منتهاحتماًاو بمواخذه اعمال خودگرفته خواهد شد. پیروان حقیقی آنحضورﷺ در این زمان را هدایت است که بگذاریدکه شریران به شرارتهای خود مشغول باشند دیری نمیپاید که منتها آنهاگرفتار شوند. پس منتظر باشید و کمی فرصت بدهید.

☆ سُوْرَةُ الطَّارِقِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝١ بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحم کننده(۱)

وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ ۝٢ وسوگند به آسمان و شبگاه ظهور کننده(۲)++

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الطَّارِقُ ۝٣ وترا چه حالی کند که شبگاه ظهور کننده چیست(۳)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ ۝٤ ستارهٔ بسیاردرخشان (٤)

اِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝٥ هیچکدام نفس نیست که بر او نگهبانی نباشد(۵)

فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۝٦ پس انسان باید بنگرد که از چه او آفریده شد(٦)

خُلِقَ مِنْ مَّآءٍ دَافِقٍ ۝٧ او از آبی جست زنندهٔ آفریده شد(۷)

يَّخْرُجُ مِنْۢ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَآئِبِ ۝٨ که از میان کمر و استخوانهای سینه خارج میشود(۸)

اِنَّهٗ عَلٰى رَجْعِهٖ لَقَادِرٌ ۝٩ یقیناً او بر بازگرداندن آن حتماً

++آیت۲:بمحض آغاز این سورة گواهی به ظهور کننده ای هنگام شب داده میشود. در آیاتی ببعد این توضیح یافت میشود که او اَلنَّجمُ الثَاقب باشد. بقرار معلوم النجم الثاقب دال بر این است که شعله های آتش از آسمان فرو خواهد بارید.

قدرتمند است(۹)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَآئِرُ ﴿١٠﴾

روزی که رازها آشکار ساخته شود(۱۰)

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَّلَا نَاصِرٍ ﴿١١﴾

پس او را نه هیچ توانایی باشد و نه کسی یاریگر(۱۱)

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١٢﴾

و سوگند به آسمان دارای باران پی در پی(۱۲)++

وَالْاَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٣﴾

و سوگند به زمین که روییدنیها میرویاند(۱۳)

اِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٤﴾

یقینًا آن کلامی فیصله کنندهٔ ی است(۱٤)

وَّمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٥﴾

و هرگز آن هرزه سرائی نیست(۱۵)

اِنَّهُمْ يَكِيْدُوْنَ كَيْدًا ﴿١٦﴾

یقینًا آنها نیرنگی خواهند زد(۱٦)

وَّاَكِيْدُ كَيْدًا ﴿١٧﴾

ومن هم تدبیری خواهم کرد (۱۷)

فَمَهِّلِ الْكٰفِرِيْنَ اَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٨﴾ ع

پس کافران را مهلت بده و آنها را یك مدت فرصت بده(۱۸)

---

++آیت ۱۲ : اَلرَّجعُ = اَلمَطَرُ بَعدَالمَطَر _ باران پس از باران

++آیت ۱۳ : الصَّدع : نَبَاتَ الارض - روییدنی زمین [الاقرب]

# ۸۷ -سورة الاعلیٰ

این سورة مکی‌است و با بسم اللّٰه بیست آیت دارد.

سرآغاز این سورة این مژده ای داده میشود که همان نام خدا و نام اهل خدا غالب میآید. پس توصیه بدین امر است که پیوسته نصیحت کنید. پس منتها نصیحت بهرهمند میشود اگرچه ظاهراً در آغاز بی نتیجه بچشم خورد. سپس به انسان گفته میشود که شما از نصیحت بهره مند نمیشوید زیرا که شماها دنیا را برزندگی اخروی برگزیده اید درصورتیکه تنها آخرت خانه بهبود و بقاء است.

☆ سُوْرَةُ الاَعْلٰی مَکِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝١
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده بارهارحمکننده(۱)

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى ۝٢
پروردگار بزرگ و بالا خود را تسبیح بگو(۲)

الَّذِىْ خَلَقَ فَسَوّٰى ۝٣
آنکه آفرید و مرتب کرد(۳)

وَالَّذِىْ قَدَّرَ فَهَدٰى ۝٤
و آنکه [عناصر] را ترکیب کرده پس هدایت داد(٤)

وَالَّذِىْٓ اَخْرَجَ الْمَرْعٰى ۝٥
وآنکه برایزندگیعلف درآورد(۵)

فَجَعَلَهٗ غُثَآءً اَحْوٰى ۝٦
پس آنرا[برایناسپاسان]خاشاکی پوسیده درآورد(٦)

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰٓى ۝٧
پس حتمًا تو را قرائت میآموزیم پس فراموش نخواهی کرد(۷)

اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ؕ اِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفٰى ۝٨
جزآنچه خدا بخواهد. یقینًااو می داند عیان را و آنچه پنهانست(۸)

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۝٩
و برای تو آسایش مهیا سازیم(۹)

++آیت ۵: برای این معنا مراجع شود مفردات امام راغب رح.

++آیت ۷-۸: آن نسیان که اینجا مذکور است بدین معنانیست که نعوذبالله قرآن از آنحضور ﷺ فراموش میشد بلکه نسیان بدین معنا است که گاه بگاه هنگام نماز موقتاً کلمه ای بخاطر نمیآید و برای این فرمان است که مقتدیان در نماز هنگام چنین حالت میتوانند به کلمه ای درست آگاه سازند.

فَذَكِّرْ إِنْ نَّفَعَتِ الذِّكْرٰى ﴿١٠﴾ پس حتماً تذکر بده. یقیناً تذکر سودمند است(۱۰)

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَّخْشٰى ﴿١١﴾ حتمًا پندفراگیردآنکه بترسد(۱۱)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١٢﴾ و دوری جوید از آن کسیکه تیره بخت است(۱۲)

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ﴿١٣﴾ آنکه بداخل آتش بزرگ شود(۱۳)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيٰى ﴿١٤﴾ سپس نمیرد در آن و نه زنده بماند(۱٤)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى ﴿١٥﴾ یقینًا موفق شد آنکه پاك شد(۱۵)

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّٰى ﴿١٦﴾ و نام پروردگارخود را یاد کرد و نماز خواند(۱٦)

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿١٧﴾ حقیقتاً شما زندگی دنیا را برتر می شمارید(۱۷)

وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَّأَبْقٰى ﴿١٨﴾ باآنکه آخرت نیکوترو برقرارتر است(۱۸)

إِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولٰى ﴿١٩﴾ یقینًا این [سخن] ها در صحیفه های پیشین نیز است(۱۹)

صُحُفِ إِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى ﴿٢٠﴾ ع درصحف ابراهیم وموسیٰ(۲۰)

++آیات ۱۹ -۲۰:اینجا درباره قرآن فرموده میشود که بهترین تعلم از هرکدام صحیفه های پیشین در آن جمع شده است. بهترین تعلیم از صحف ابراهیم علیه السلام نیز موجود است و هم از صحف موسیٰ علیه السلام.

# ۸۸ - سورة الغاشیه

این سورة مکی است و با بسم الله ۲۷ آیت دارد.

دراین سورة سخن از عذابهای پیوسته و فراگیرنده رفته است و آنروز چهره ها سخت خوفزده و گرفتار سختی و خسته خاطر باشند. آنان بداخل آتش شعله ورگردند و غذای آنان نیست جز گیاهی شور و خاردار که نتواند آنان را فربه نماید و نه گرسنگی آنان را دور سازد. این تمثیلی است اشاره به میوه ای ازگیاهی شوروخاردار که بظاهر شیرین ولی منتها خورندگان را موجب رنج میشود.

سپس تمامی سورة جمله رویدادهای زندگی اخروی را بیان کرده منتها سخن از آن حساب میگوید برای آنچه انسان را در محضر او حاضر شدن است.

درپایان سورة مقتدیان در نماز در پیروی سنت از آنحضرت ﷺ بصدای بلند این دعا میخوانند که پروردگاراالحساب از ما آسان بگیر.

☆ سُورَةُ الْغَاشِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعٌ وَّ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾ — بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارها رحم کننده(١)

هَلْ اَتٰكَ حَدِيْثُ الْغَاشِيَةِ ﴿٢﴾ — آیا تو را خبر [از ساعت] مدهوش کننده رسید؟(٢)

وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٣﴾ — چهره هائی آنروز سخت خوف زده باشند(٣)

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٤﴾ — [یعنی قبلاً در کارهائی دنیائی] سخت مشقت کننده، خسته خاطر(٤)

تَصْلٰى نَارًا حَامِيَةً ﴿٥﴾ — به آتشی شعله ور داخل شوند(٥)

تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ ﴿٦﴾ — ازچشمهٔ یبنهایت جوشش وگرمی رسیده نوشانده شوند(٦)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ اِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ ﴿٧﴾ — برای آنها هیچ طعامی نیست جز گیاهی شور و خاردار(٧)

لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِيْ مِنْ جُوْعٍ ﴿٨﴾ — نه چاق کند و نه از گرسنگی نجات دهد(٨)

وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿٩﴾ — چهره هائی آنروزتروتازه اند(٩)

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿١٠﴾ — برای کوشش خودخوشنودند(١٠)

فِيْ جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١١﴾ — دربهشتهای عالی(١١)

---

++ایت ٣: برای این معنی خاشعةً مراجع شود تاج العروس.

| | |
|---|---|
| لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ﴿١١﴾ | در آن هیچ یاوهٔ ی نشنوی(۱۱) |
| فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾ | درآن چشمهٔ یجاری است(۱۲) |
| فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾ | درآن تختهای بلند است(۱۳) |
| وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ | وجامهای باشایستگی چیده(۱۴) |
| وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ | وبالشهای‌ردیف هم قرارداده(۱۵) |
| وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾ | وفرشهای [پربها]گسترده(۱۶) |
| أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ | آیا نمینگرند بسوی شتر، چطور آفریده شد؟(۱۷) |
| وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ | و بسوی‌آسمان،چگونه برافراشته شد؟(۱۸) |
| وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ | وبسوی‌کوهها‌چگونه محکم نشانده شدند(۱۹) |
| وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ | و بسوی زمین چطور گسترده شد(۲۰) |
| فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ | پس تذکر بده تو فقط تذکر دهنده هستی(۲۱) |
| لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ﴿٢٢﴾ | هرگزتوبرآنهانگهبان نیستی(۲۲) |
| إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ | مگر آنکه روی برتابد و انکار کند(۲۳) |
| فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ | پس خدا او را بعذابی بزرگتر معذب کند(۲۴) |

| | |
|---|---|
| اِنَّ اِلَيْنَآ اِيَابَهُمْ ۙ ۝٢٦ | يقينًا بر گشت آنها بسوى ما است(۲٦) |
| ثُمَّ اِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۝٢٧ ع | سپس يقينًا حساب گرفتن هم بر ما است(۲۷) |

# ۸۹ -سورة الفجر

این سورة دردوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۳۱ آیت دارد.

نام این سورة الفجراست و فجر، ده شب و باز جفت و طاق که جمعاً سیزده است را بر طلوع فجرگواه ساخته میشود. این عدد سیزده کنایه ای بسوی دوره ابتدائی مکی میباشد که پس از آن قرار بود که فجر مجرت طلوع کند.

نسبت به این سورة شرح های دیگر نیز ارائه داده شده است که از آنجمله یکی نسبت به آن فجر اشاره میکند که طلوع آن در زمان آخر قرار داشت، ولی اشاره ای به فجراوّلین بطورحتم یافت میشود. پس ذکر همان را بس میدانم.

در بقیه آیت های این سورة تکراراً تحریص به خدمت نوع انسان کرده فرموده شد، هرکه به آزادی ملتهای نادار و مظلوم تلاش کند برایش مژده ای است که او پاداشی بزرگ خواهد یافت. بزرگترین مژده در آخرین آیت اینست که او جان خویش را درحالتیخواهد داد که خداوند به روانش بدین گفتار بسوی خویش بخواند که ای آن نفس که نسبت بمن کاملاً مطمئن شده بودی و نه تنها راضی بلکه مرضیه نیز بودی یعنی رضایم را نیز شامل حال خود داشتی اکنون بداخل بندگانم باش و بداخل آن بهشت باش که بهشت بندگانم است.

☆ سُوْرَةُ الْفَجْرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ ثَلاثُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

وَالۡفَجۡرِ ②

و سوگند به صبح (۲)++

وَلَيَالٍ عَشۡرٍ ③

و به ده شب (۳)++

وَّالشَّفۡعِ وَالۡوَتۡرِ ④

و به جفت و طاق(٤)++

وَالَّيۡلِ اِذَا يَسۡرِ ⑤

و به شب چون حرکت کند(۵)++

هَلۡ فِىۡ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِىۡ حِجۡرٍ ⑥

آیا در آن برای خردمند قسمی است؟(٦)++

اَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ⑦

آیاندیدیپروردگارتو با عاد چه کار کرد؟(۷)

---

++آیات۲ -٦:این آیات برایخردمندان حاکیازاین مطلب است که پس ازدعوینبوت زندگی آنحضور ﷺ در مکه تا سیزده سال ادامه داشت. ده سال آخیراین زمان که عبارت ازتاریکیسختیهابود وبدنبال این بشارتیبه ظهورصبحگاه داده شد.روزگاری بود که کافران مکه پیوسته درستمگری خودبرآنحضورﷺ سختترمیشدندتاآنگاه که سحرگاه هجرت برایایشان پدیدارشد.

بعض مفسرین این موضوع رااینطور شرح میدهندکه والشَّفعِ وَالوَتریعنیجفت وطاق دال براولین سه قرن است یعنیزمان اصحاب.تابعین وتبع تابعین ـ و سپس ده شب یعنی زمان تاریکی هزارسالگی فیج واوج است.بعدهاطبق فرمان آنحضوریك نبیامتیبلا شریعت میآید.این زمان تا آغاز چهاردهمین قرن میباشد و در این زمان مسیح موعود ظهورکرد.

| | |
|---|---|
| اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٨﴾ | [ازقوم عادبه]ارم که دارای ستون های بزرگ بودند(۸) |
| الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٩﴾ | آنانکه هیچگاه در شهرها بنائی مثل آنها بنا نشده است(۹) |
| وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿١٠﴾ | وبه ثمود کسانیکه در وادی سنگها تراشیدند(۱۰) |
| وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١١﴾ | و بافرعون که دارای ساز و برگ بود(۱۱) |
| الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿١٢﴾ | اینهائی بودند که در کشورما سرکشی کردند(۱۲) |
| فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٣﴾ | پس درآنها دامن بفساد زدند(۱۳) |
| فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٤﴾ | پس خدا تازیانهٔ عذاب را برآنها فرو ریخت(۱٤) |
| إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٥﴾ | حتماًپروردگارتودرکمین بود(۱۵) |
| فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٦﴾ | پس حال انسان اینست که چون پروردگارش او را آزمایش کرده وسربلندش میکند و او را نعمت میدهد آنگاه میگوید پروردگارم مرا گرامی شمرده است(۱٦) |
| وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ | و اماچون او را به سختی میفکند و رزقش را بر او تنگ میگرداند |

| | |
|---|---|
| فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَانَنِ ﴿١٧﴾ | آنگاه میگوید: پروردگارم مرا خوار کرد(۱۷) |
| كَلَّا ۖ بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٨﴾ | باش! شما کسانی هستید که یتیم را گرامی نمیشمارید(۱۸) |
| وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٩﴾ | و نه همدیگر را بتغذیه مسکین تشویق مینمایید(۱۹) |
| وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿٢٠﴾ | وارث را تماماً مورد طعمهٔ قرار میدهید(۲۰) |
| وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢١﴾ | و مال را با دوستی فراوان دوست میدارید(۲۱) |
| كَلَّآ إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢٢﴾ | باش! گاهیکه زمین ازهم پاشیده ریزه ریزه کرده شود(۲۲) |
| وَجَآءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٣﴾ | و پروردگارتو بیآید و فرشتگان [همراه] صفی صفی باشند(۲۳) |
| وَجِاْيٓءَ يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿٢٤﴾ | وجهنم آنروز آورده شود. آن روز انسان پندمیپذیردولی پند گرفتن برایش کجا ممکن است (۲٤) |
| يَقُولُ يَٰلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٥﴾ | گوید: ای کاشکی برای حیاتی خود چیزی پیش میفرستادم(۲۵) |
| فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ | پس آنروزعذاب کسی ندهد مانند عذاب دادن او(۲٦) |

| | |
|---|---|
| وَّلَا يُوْثِقُ وَثَاقَهٗٓ اَحَدٌ ﴿٢٧﴾ | وکسی‌نتواندبال و پرش راببندد بطوری که او محکم میبندد(۲۷) |
| يَآ اَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٨﴾ | ای نفس آرمیده(۲۸) |
| ارْجِعِيْٓ اِلٰى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٩﴾ | برگرد بسوی پروردگارخود در حالیکه تو از او خوشنودی و او از تو خوشنود است(۲۹) |
| فَادْخُلِيْ فِيْ عِبٰدِيْ ﴿٣٠﴾ | پس شامل بندگانم باش(۳۰) |
| وَادْخُلِيْ جَنَّتِيْ ﴿٣١﴾ | و به بهشتم وارد شو(۳۱) |

++آیات ۲۸-۳۱: در این آیتها مژده ای است برای آن مومنان که پیش از مرگ از خدای متعال گفته شوند که ای نفس مطمئنه! بمحضر پروردگار خود حاضر بیآیید در حالیکه شما از او راضی و او از شما راضی باشد. سپس با فرمودن فادخلی فی عبادی این امر روشن کرده میشود که اگرچه بظاهراز استعمال صیغه تانیث نفس یعنی روح مونث گردانده میشود ولی روح نه مذکراست و نه مونث و آن راخطاب کرده گفته میشود که بداخل بندگانم باش و درآن بهشتم که برای بندگان خاص خود قرارداده ام.

# ۹۰-سوره البلد

این سورة در دوره ابتدائی مکی نازل شد و با بسم الله ۲۱ آیت دارد.

مجدداً ذکر از همان شهر مکه که شب هایش در سورة گذشته گواه قرار داده شد،شروع میشود.خدای‌متعال خطاب به آنحضورﷺ کرده میفرماید که من این شهر را گواه میسازم تا آنوقت که تو در آن هستی و وقتی تو را از این شهر بیرون کنند این شهر ایمن نخواهد ماند.

سپس نسلهای آینده را گواه قرار داده گفته میشود که برای انسان مرارتی پیوسته مقدرشده است. وقتی او نور نبوت بخشیده میشود آنگاه روبروی او دو درب گشوده میشود - پیشروی دینی و دنیائی. اما انسان بجای اینکه راه مشقت را اختیار کرده بسوی بلندیهای دین و دنیا بالا رود، راه آسان و سرازیر را اختیار کرده بسوی تنزل فرو میرود. اینجا مطلب بالا رفتن توضیح داده میشود.منظور بالا رفتن بر کوهی صوری نیست بلکه وقتیکه گرسنگی قومهای فرومانده را فراگیرد و قومها ببندگی گرفته شوند آنان که در این هنگام برای آزادی این ملتها تلاش کنند و آنمردم روبرو به گرسنگی و ستم دیده و خوار را بپا خیزانده استوار نمایند همانهاند که بسوی بلندیها بالا میروند. اما این یك چنین هدفی است که بزودی بدست آینده نیست و راه صبوری را پیموده باید به فراگرفتن صبر نصیحت کرد و پیوسته رحمت را بکار گرفته باید نصیحت بسوی رحمت کرده شود.

☆ سُوْرَةُ الْبَلَدِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اِحْدٰى وَ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① — بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارها رحم کننده(۱)

لَآ اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ② — باش!من سوگند به این شهر می خورم(۲)

وَاَنْتَ حِلٌّۢ بِهٰذَا الْبَلَدِ ③ — حالیکه[روزی]تودراین شهر فرود آینده ای(۳)

وَوَالِدٍ وَّمَا وَلَدَ ④ — و به پدر وآنچه او بدنیا آورد(٤)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَبَدٍ ⑤ — یقینًا ماانسان را آفریدیم تا او پیوسته در مشقت بسر برد(۵)

اَيَحْسَبُ اَنْ لَّنْ يَّقْدِرَ عَلَيْهِ اَحَدٌ ⑥ — آیامیپنداردکه کسی بر او غلبه نخواهد یافت؟(٦)

يَقُوْلُ اَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا ⑦ — میگوید: من مالی فراوان را نابود ساختم(۷)

اَيَحْسَبُ اَنْ لَّمْ يَرَهٗ اَحَدٌ ⑧ — آیا میپندارد کسی او را ندیده است(۸)

اَلَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ عَيْنَيْنِ ⑨ — آیانساختیم برایش دو دیده؟(۹)

وَلِسَانًا وَّشَفَتَيْنِ ⑩ — و زبان و دو لب؟(۱۰)

وَهَدَيْنٰهُ النَّجْدَيْنِ ⑪ — و او را بسوی دو راه مرتفع هدایت دادیم(۱۱)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿۱۲﴾

پس او بر عَقَبَه[گردنه] نرفت.(۱۲)

وَمَآ أَدْرٰىكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿۱۳﴾

ترا چه بفهماند عقبه چیست؟(۱۳)

فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿۱۴﴾

آزاد کردن بندهٔ است(۱٤)

أَوْ إِطْعٰمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿۱۵﴾

یا تغذیه کردن در روز گرسنگی عام(۱۵)

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿۱٦﴾

یتیمی دارای قرابت(۱٦)

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿۱۷﴾

یا بینوائی خاك نشین را(۱۷)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿۱۸﴾

سپس او از آنان باشد که ایمان آوردندوبرصبراستوار همدیگر را به صبر نصیحت کنند و بر ترحم استوارهمدیگررابه ترحم نصیحت کنند(۱۸)

أُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ ﴿۱۹﴾

ایشان جناح راست اند(۱۹)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِـَٔايٰتِنَا هُمْ أَصْحٰبُ الْمَشْـَٔمَةِ ﴿۲۰﴾

و کسانیکه به آیات ما انکار کردند ایشان جناح چپ اند.(۲۰)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌ ﴿۲۱﴾

برای آنها آتشی بسته [مقدر] است(۲۱)

ع ۱ ۲۱ ۱۵

# ۹۱ -سورة الشمس

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم اللّه ۱٦ آیت دارد.

دراین سورة یکبار دیگراین پیشگوئی میشود که خورشیداسلام بار دیگرطلوع خواهد کرد وماه فیض را ازروشنی خورشیدکسب کرده باز خواهد درخشید. سپس باز شبی تار فرامیگیرد. بعبارت دیگر هیچ صبحی نیست که پس از آن تاریکیهای غفلتکاری دوباره نوع انسان را فرانمیگیرد.

سپس اعلامی بزرگ اینست که هر نفس را خداوند با عدل آفریده است و او را به تمیزدادن بدوخوب الهام فرموده است. آنکه استعداهای خود را رشد داد او موفق خواهد شد و آنکه استعدادهای خود را بخاك سپرد او هلاك خواهد شد.

سپس ذکر از قوم ثمود و ناقه رسول ایشان رفته است. این امر اشاره بدینسو معلوم میشود که ناقه ای که برآن سوارحضرت صالح علیه السلام پیغام حق میرساندند چون قوم ایشان آن ناقه را پی کردند اینکار آنها به نابودی بزرگ آنها منجر شد. پس دشمنان انبیاء هرگاه رسانه های ابلاغ ایشان را میبرند عاقبت آنها به نابودی کشیده میشوند.

☆ سُوْرَةُ الشَّمْسِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتَّ عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

وَالشَّمْسِ وَضُحٰهَا ②

سوگند به خورشید و آفتابش(۲)

وَالْقَمَرِ اِذَا تَلٰهَا ③

وسوگندِ ماه که ازپیآن میآید(۳)

وَالنَّهَارِ اِذَا جَلّٰهَا ④

وسوگندبه روزچون آن[خورشید] را خوب درخشان گرداند(٤)

وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰهَا ⑤

و سوگند به شب هنگامیکه آنرا به تاریکی بکشد(۵)

وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنٰهَا ⑥

و سوگند به آسمان و بطوری او آن را بنا کرد(٦)

وَالْاَرْضِ وَمَا طَحٰهَا ⑦

و سوگند به زمین و بطوری او آن را گسترانید(۷)

وَنَفْسٍ وَّمَا سَوّٰىهَا ⑧

و به نفس و بطوری او آن را آراستید(۸)

فَاَلْهَمَهَا فُجُوْرَهَا وَتَقْوٰىهَا ⑨

پس به[استعدادش به جدا افکندن] زشتکاریهایش و پرمیزکاریهایش که در او بودیعت نهاده شد(۹)

قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّٰىهَا ⑩

بیگمان برد آنکه آن [تقویٰ] را افزود(۱۰)

| | |
|---|---|
| وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّىٰهَا ﴿١١﴾ | و البته باخت او که آن را در خاك فروبرد(١١) |
| كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَىٰهَآ ﴿١٢﴾ | ثمود بعلت سرکشی خود تکذیب کردند(١٢) |
| إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشْقَىٰهَا ﴿١٣﴾ | چون بدبخت ترآنهابرخاست(١٣) |
| فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقْيَٰهَا ﴿١٤﴾ | آنگاه رسول خدا به آنها گفت. این ناقهٔ خدا وآبشخورآنرا [باید مراقبت کنید](١٤) |
| فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمْ فَسَوَّىٰهَا ﴿١٥﴾ | اما آنها او[رسول] را رد کردند و آن [ناقهٔ]را پی کردند. پس خدا بسبب گناهان آنان آنهارا پی‌درپی ضربه زد و آن [شهر] را هموار نمود(١٥) |
| وَلَا يَخَافُ عُقْبَٰهَا ﴿١٦﴾ | ع ١٦ ١ ١٦ حالیکه او برای عاقبت آن هیچ پروای نمیکرد.(١٦) |

# ۹۲ -سورة اللّیل

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ۲۲آیات دارد.

پس از سورة الشمس سورة اللّیل میآید بطوریکه پس از روز شب میآید و این شب دنیائی نیست بلکه این تمامی سورة جنبه روحانی شب را بنحوی زیباارائه میدهد و در عین حال این مژده ای نیز است که چون شب فرارسد پس دنبالش روز هم حتماًمیآید. فرمود، چنانکه شب و روز را تاثیر جدا جدا است پس کوششهای انسان نیز یا همچون شب تاریك اند و یا مانند روز روشن. پاداش انسان فراخور اعمال و اعتقادات او داده میشود.پس کسانیکه تقویٰ را پیش گرفته بخشنودی خدابرای بهبود ناداران هزینه میکنند و سخن نیکوی را چون نزد ایشان میرسد مورد تایید خود قرار میدهند پس خدا نیز مسیر ایشان را آسان میسازد.بعکس آنکه بخل ورزد و از عاقبت آن بی پروا باشد و به سخن نیکو هرگاه نزدش میرسد تکذیب کند پس ما هم مسیرش را دشوار میسازیم.

درپایان به شخصی زشتکردار که دارای صفات فوق باشد از آتشی شعله ور هشدار داده میشود. پس او بداخل این خواهد شد و آنکس از این آتش نجات داده شود که دارائی خویش را در راه نیکوکاری هزینه کرده تقویٰ را پیش گرفت.

☆ سُوْرَةُ الَّيْلِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَانِ وَ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى ﴿٢﴾

وسوگندبه شب چون فراگیرد(۲)

وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ﴿٣﴾

و سوگند به روز چون آشکار گردد(۳)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰٓى ﴿٤﴾

و به آنکه او نروماده را آفرید(٤)

اِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ﴿٥﴾

یقینًاکوشش شماجداجدااست(۵)

فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى ﴿٦﴾

پس آنکه [درراه حق] داد و تقویٰ پیشه کرد(٦)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ﴿٧﴾

و به بهترین نیکی تصدیق کرد(۷)

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْيُسْرٰى ﴿٨﴾

پس اورا گشایش دردهیم(۸)

وَاَمَّا مَنْۢ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ﴿٩﴾

و اما آنکه بخل کرد و بی نیازی جست(۹)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ﴿١٠﴾

وبه بهترین نیکی‌تکذیب کرد(۱۰)

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْعُسْرٰى ﴿١١﴾

پس حتمًااورا به عسرت نهیم(۱۱)

وَمَا يُغْنِيْ عَنْهُ مَالُهٗٓ اِذَا تَرَدّٰى ﴿١٢﴾

و دارائیش هیچ بکارش نیآید چون تباه شود(۱۲)

اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ﴿١٣﴾

یقینًا هدایت دادن برما به فرض است(۱۳)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٤﴾

یقیناً عاقبت و آغاز نیز بدست ما است(١٤)

فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٥﴾ ج

پس شما را از آتشی شعله ور می ترسانم(١٥)

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٦﴾ لا

کسی بداخل آن نشود جز سخت تیره بخت(١٦)

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾ ط

آنکه تکذیب کرد و روی گرداند(١٧)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٨﴾ لا

حالیکه نجات داده شود آنکه بیشتر پرهیزکاری کرد(١٨)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٩﴾ ج

آنکه دارائی خود میدهد تا پاک گردد(١٩)

وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ ﴿٢٠﴾ لا

و نزدش از جانب احدی منت نیست که [برای آن ازجانب او] پاداش داده شود(٢٠)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿٢١﴾ ج

مگر به تلاش خشنودی پروردگار بلندو برترخود [هزینه کند](٢١)

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿٢٢﴾ ع

ع ٢٢ ١٧ وحتماً اوخوشنودشود(٢٢)

# ۹۳ -سورة الضُّحیٰ

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۱۲ آیت دارد.

مجدداً در این سورة مژده ای از روزی داده میشود که خوب روشن شده باشد و باز از شبی که بدنبال آن خواهد آمد.خطاب به آنحضورﷺ کرده فرموده میشود که خدا هنگام سخت تاریکیها و مشکلات تو را تنها نخواهد گذاشت و هرکدام ساعت بعدی تو از ساعت قبلی خوبتر خواهد شد و سپس این مژده ای است که خداوند اعطای خود را برتو ارزانی خواهدداشت. پس به یتیمان باسلوك زیبا رفتار کن و به گدائی نهیب نده و نعوذ باللّٰه بعلت این ترس که گویی نعمتهای نزد تو تمام نشود از نوع انسان پنهان ندار. بیشتر تو در راه خدا انفاق کنی خداوند بیشتر آنرا افزایش همیدهد.

☆ سُوْرَةُ الضُّحٰی مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارهارحمکننده(۱)

وَالضُّحٰى ②

وسوگند به روزچون خوب روشن گردد(۲)

وَالَّيْلِ اِذَا سَجٰى ③

وسوگندبه شب چون خوب تاریک شود(۳)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلٰى ④

پروردگارت تو را نه ترك كرد و نه نفرت یافت(٤)

وَلَلْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاُوْلٰى ⑤

ویقیناًآخرت برای تو نیکوتر از [هرحالت] قبلی است(۵)++

وَلَسَوْفَ يُعْطِيْكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى ⑥

وحتماًپروردگارت توراإعطاء کند پس توخوشنود شوی(٦)

اَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيْمًا فَاٰوٰى ⑦

آیا تو را یتیم نیافت؟ پس پناه داد(۷)

وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدٰى ⑧

وتورا[درتلاش هدایت]سرگردان یافت و هدایت داد(۸)++

++آیت۵: آن آخرت که بهتر بودنش از اولی اینجا ذکرشده است منظور ازاین هر لمحۀ ی آینده از زندگانی آنحضورﷺ است که از هر لمحه پیشین خوبتر بود چه ایشان هر آن بسوی خدا به سفر مشغول ماندند.

| | |
|---|---|
| وَوَجَدَكَ عَآئِلًا فَأَغۡنَىٰ ⑨ | و تو را عیالمند یافت و [برای کفالت] غنی نمود(۹)++ |
| فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ⑩ | پس با توجه به یتیم هرگز بر او سختی نکن(۱۰) |
| وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ ⑪ | و با توجه به سایل پس او را سرزنش نکن(۱۱) |
| وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ ⑫ ع | و با توجه به نعمت پروردگار خود پس آنرا بیان کن(۱۲)++ |

++آیات ۸-۹: در این آیات واژه ضالاً به گمراهی دلالت نمیکند بلکه عبارت از این معنا است، هر که وجود خویش را در عشق و محبت خدا گم کرد. و ایشان عائلاً بعلت بزرگی و وسعت امت ایشان خوانده شدند. هیچکدام پیغمبر امت به این وسعت نصیب نشد که به نصیب آنحضور ﷺ شده است.

++آیت۱۲: احادیث آنحضور ﷺ بتکثیر نقل میکندکه ایشان هیچگاه احسانات و فضل خدا راکه بر وجود پاك ایشان ارزانی داشته شد پنهان نداشتند بلکه کاملاً آشکار میکردند. آن برتربهائی روحانی که خداوند برایشان نازل کرد اگر فرمان خدا نبود ایشان آنرا در وجود خویش پنهان میداشتند. بیان کردن آن فضل دنیائی که برایشان ارزانی داشته شد لازم بود برای اینکه حاجتمندان حاجت خویش را از آنحضور ﷺ بخواهندوحاجت های ایشان برآورده شود و رفتاراحسان باآنان مانند رفتاری است که بااهل وعیال کرده میشود و انسان بعوض آن هیچ نوع تشکر را نمیخواهد.

# ۹٤ -سورة الم نشرح

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه نه آیت دارد.

در این سورة پس از بیان صفات نیکوی آنحضور ﷺ فرموده شد که آیا ما سینه تو را کاملاً باز نکردیم و آن بار امانت که تو بدوش گرفته بودی خدا وند تو را به ادای آن توفیق نبخشید و ذکرت را بلند ننمود؟ پس این صداقت استوار را بخاطر بسپار که پس از هرکدام مشکل آسایشی پدید میآید. همین اصل است ازجهت دنیا و هم از لحاظ معنویت. پس هرگاه از مشغولیات روز فرصت پیدا کنی پس شبگاه در حضور پروردگارت بپاخیز و از محبت او آرامش قلبی بیاب.

## سُوْرَةُ اَلَمْ نَشْرَحْ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① — بنام خدا[ بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندۀ بارهارحم کننده(۱)

اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ② — آیا سینه تو را برای تو فراخ نه نمودیم؟(۲)

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ③ — و بار تو را از تو دور نه نمودیم؟(۳)

الَّذِيٓ اَنْقَضَ ظَهْرَكَ ④ — آنچه پشت تو را شکسته بود(٤)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ⑤ — وذکرتورابرایتوبلندنمودیم(۵)

فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ⑥ — پس یقینًا با سختی آسایشی است(٦)

اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ⑦ — یقینًاباسختی آسایشی است(۷)

فَاِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ⑧ — پس هرگاه فراغت داشتی پس کمر همت ببند(۸)

وَاِلٰى رَبِّكَ فَارْغَبْ ⑨ — و به پروردگار خود رغبت کن(۹)

ع ۱ ۹ ۱۹

# ۹۵ -سورة التّین

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه نه آیت دارد.

سورة التّین بدنبال سورة الانشراح، شرح به این امر است که فَاِنَّ مَعَ العُسرِ یُسراً ٥ اِنَّ مَعَ العُسرِ یُسرًا ٥

در این سورة خبراز ارتقاء لامتناهی داده میشود. اینجا تِین و زیتون را گواه قرار داده میشود یعنی آدم و نوح علیهماالسلام و طور سینین یعنی آن کوه حضرت موسٰی علیه السلام را که خداوند برآن متجلی شد و سپس آن بلد الامین را که آماجِ گاه آنحضورﷺ بود.همراه با این پیشرفت تدریجی این اعلام نیز کرده شد که بر همین منوال ما انسان را از حالت های ادنٰی ترقی داده به منزلگاه نهائی ارتقاء رسانیدہ ایم. اما آنکس که از روی تیره بختی ازاین استفاده نکند ما او را با برگشتگان بحالت پست ترین به درجه پست ترین همه برمیگردانیم. بعبارت دیگرذکرازپیشرفت لامتناهی و وارنگ می شود. اما کسانیکه ایمان آورده نیکوکاری کنند پیشرفت روحانی ایشان لامتناهی است. پس هرکه از این پس هم در امر دین به آنحضورﷺ تکذیب کند پس خداوند برایش بهترین فیصل دهندگان است.

## سُوْرَةُ التِّيْنِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① — بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندۀ بارهارحم کننده(۱)

وَالتِّيْنِ وَالزَّيْتُوْنِ ② — سوگند به انجیر و زیتون(۲)

وَطُوْرِ سِيْنِيْنَ ③ — و به طور سینین(۳)

وَهٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ ④ — و این شهر ایمن(٤)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْۤ اَحْسَنِ تَقْوِيْمٍ ⑤ — یقینًا انسان را در بهترین حالت ارتقائی آفریده ایم(۵)++

ثُمَّ رَدَدْنٰهُ اَسْفَلَ سٰفِلِيْنَ ⑥ — سپس او را پست ترازپست ترین ها گردانیدیم(٦)++

اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَلَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ⑦ — جزکسانیکه ایمان آوردند واعمال نیکو انجام دادند پس برایشان اجر لامتناهی است(۷)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّيْنِ ⑧ — پس کیست که پس از این تو را درباره دین تکذیب کند؟(۸)

اَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَحْكَمِ الْحٰكِمِيْنَ ⑨ ع ۹/۲۰ — آیاخدا قضاوت کنندۀ بهترین قضاوت کنندگان نیست؟(۹)

---

++آیت۵:برای این معنای تقویم مراجع شود مفردات امام راغب و المجد.

++آیات۵-٦: دراین آیات ذکراز ارتقاء انسان است که پیوسته ادامه دارد و چطور او از حالت های دون بالابرده برمقام بلندترین نشانده شد. تقویم را لُغوی معنی اینست که چیزی رادرست کرده پیوسته خوبترساختن.سپس فرموده شد که باز ما

او را بهمان حالت دون تر برگردانیدیم که پیشرفتش را آغاز کرده بودیم. منظور از این فقط فاسقان و ناسپاسگذاران خدا هستند که آنها بظاهرآدمی ولی از جمله زشت ترین آفریدگان میباشندجزمومنان که طبق این سورة به ترقیات لامتناهی مژده ای داده میشوند.

به اثبات این دلیل که انسان با این وجود که بهترین آفریدگان است میتواند مخلوقی زشت ترین هم در آید این حدیث آنحضور ﷺ بس است که دربدترین زمان آینده علماء آنمردم "شَرٌّمَن تَحتَ اَدِیمِ السَّمَآء" یعنی زیر پرده آسمان بدترین مخلوق خواهند بود.[مشکوٰة، کتاب العلم]

# ۹۶-سورة العلق

این نخستین سورة قرآن است که در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۲۰ آیت دارد.

ابتدای نزول وحی با این سورة شد درچه خداوند به آنحضورﷺ بنام آن پروردگارخود به قرائت فرمان میدهد که هرچیز را خلعت آفرینش بخشیده است ومجدداً اقراء فرموده اعلام نمود که بامعززترین نام پروردگار خویش قرائت کن که او تمامی رازهای پیشرفت انسان را در قلم نهاده است و اگر به انسان قلم و هنر تحریر اعطاء نمیشد پس پیشرفت هیچ نوع امکان پذیر نبود.

سپس هرکدام که مانع در راه عبادت ایجاد کند هشدار داده میشود و او از این فرجام بیم داده میشود که اگر او از این کار خودداری نکند پس ما او را از موهای پیشانی خطا کارش میگیریم آنگاه او هرکدام یاریگر خویش را خواهد بخواند در صورتیکه نزد ما هم سخت کیفر دهنده فرشتگان جهنم هستند.

☆ سُوْرَةُ العَلَقِ مَكِّيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ عِشْرُوْنَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده.بارماررحمکننده(۱۰)

اِقۡرَاۡ بِاسۡمِ رَبِّكَ الَّذِىۡ خَلَقَۚ ②

بخوان بنام پروردگار خود آنکه آفرید(۲)

خَلَقَ الۡاِنۡسَانَ مِنۡ عَلَقٍۚ ③

او انسان را از خون بسته آفرید(۳)

اِقۡرَاۡ وَرَبُّكَ الۡاَكۡرَمُۙ ④

بخوان و پروردگار تو از همه عزتمندتر است(٤)

الَّذِىۡ عَلَّمَ بِالۡقَلَمِۙ ⑤

آنکه باقلم آموخت(۵)

عَلَّمَ الۡاِنۡسَانَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡؕ ⑥

آموخت انسان را آنچه او نمی دانست(٦)

كَلَّاۤ اِنَّ الۡاِنۡسَانَ لَيَطۡغٰٓىۙ ⑦

آگاه باش! یقینًا انسان سرکشی می کند(۷)

اَنۡ رَّاٰهُ اسۡتَغۡنٰىؕ ⑧

براینکه خود را غنی میپندارد(۸)

اِنَّ اِلٰى رَبِّكَ الرُّجۡعٰىؕ ⑨

یقینًا بازگشت بسوی پروردگار تو است(۹)

اَرَءَيۡتَ الَّذِىۡ يَنۡهٰىۙ ⑩

آیا نگریستی او را که باز می دارد؟(۱۰)++

عَبۡدًا اِذَا صَلّٰىؕ ⑪

بندهٔ ی بزرگ را وقتی او نماز

میخواند(۱۱)++

اَرَءَيْتَ اِنْ كَانَ عَلَى الْهُدٰٓى ﴿۱۲﴾
آیا نگریستی که اگر او بر هدایت است؟(۱۲)

اَوْ اَمَرَ بِالتَّقْوٰى ﴿۱۳﴾
یا به تقویٰ امر کند؟(۱۳)

اَرَءَيْتَ اِنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿۱۴﴾
آیا تو نگریستی اگر او[ازنماز بازدارنده بازهم] تکذیب کند و پشت گرداند؟(۱٤)

اَلَمْ يَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰهَ يَرٰى ﴿۱۵﴾
آیا او نمیداند که یقینًا خدا می بیند؟(۱۵)

كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ ۙ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿۱٦﴾
باش!اگردست برندارد یقینًا او را بموهای پیشانی میکَشیم(۱٦)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿۱۷﴾
موهای پیشانی دروغگوی خطا کار(۱۷)

فَلْيَدْعُ نَادِيَهٗ ﴿۱۸﴾
پس باید او اهل انجمن را بخواند(۱۸)

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿۱۹﴾
مافرشتگان جهنم رابخوانیم(۱۹)

كَلَّا ۗ لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿۲۰﴾ ع
باش!هرگز او را پیروی نکن و سجده کن وقرب راتلاش کن(۲۰)

++آیات ۱۰-۱۱ :این آیات ابتدائی زمان اسلام را ذکر میکنند که چطور بدبختان آنحضورؐ را از خواندن نماز بازداشته برایشان ستم میکردند.

# ۹۷ -سوره القدر

این سورة درمکه نازل شد و با بسم اللّٰه شش آیت دارد.

این سورة حاکی از این مژده ای است که آن وحی که با قرآن آغاز کرده شد میتواند هر نوعی از شبهای تاریك را روشن سازد. پس اینجا سخن از تاریکترین شب در زمان آنحضورﷺ گفته میشود درچه فساد بحرو برّ را فراگیرد. اما در نتیجه دعاهای آن فانی فی اللّٰه در شبهای تار بامدادی درخشنده پدیدار شد یا بعبارت دیگر قرآنی نازل آمد که نورش تا قیامت ماندگار است. منظور از "هِیَ حَتّی مَطلَعِ الفَجر اینست که نزول وحی ادامه خواهد داشت تا آنگاه که صبحگاه کاملاً آشکار شود. سپس این اعلام فرمود که از جدوجهد یك نفر به طول عمرش بهتر این یك ساعت لیلة القدر است اگر به نصیب کسی بشود.

## سُوْرَةُ الْقَدْرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾
بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحمکننده (١)

اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿٢﴾
یقیناً ما اینرا درشب قدر نازل کرده ایم (٢)

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٣﴾
و ترا چه حالی کند که شب قدر چه است (٣)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ ﴿٤﴾
شبقدر بهتر است از هزار ماه (٤)

تَنَزَّلُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوْحُ فِيْهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ ﴿٥﴾
فرشتگان و روح القدس در آن به اذن پروردگارایشان بتکثیرنازل می شوند در مورد هرچیز (٥)

سَلٰمٌ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٦﴾
سلام است. این [سلسله] ادامه دارد تا فجر طلوع کند (٦)

# ۹۸ - البیّنة

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّٰه نه آیت دارد.

سورة قبلی حاکی از این مطلب بود که وحی طی لیلة القدر نازل شده هرچیز را همچون صبحگاهی آشکار، بروشنی بیان خواهدکرد. اینك این سورة عبارت از این موضوع است که ما بر همین منوال به رسولان پیشین نیز نسبتاً به اندازه ای کوچك لیلة القدر داده بودیم و الاّ ایشان تاریکیهای آن ازمنه را تنها از کوششهای خود نمیتوانستند به صبحگاهان تبدیل کنند.

سپس نسبت به آنحضورؐ فرموده میشود که آنجمله کتب که بر پیغمبران پیشین نازل شده بود خلاصه آنها درتعلیم توشامل شده است ومجمل تعلیمات ایشان این بود که دین خدا را بخاطرش خالص نموده او را عبادت کنید و نماز را بپادارید و زکوٰة دهید. این چنین دینی است که مدام برقرار و نوع انسان را نیز بر راه مستقیم استوار خواهد نمود.

سپس به کافران و مومنان از عاقبت بد و خوب مطلع ساخته گفته میشود که چون دین قَیّم آید آنگاه هرکس آزاد است خواه آنرا پیروی کرده به عاقبت نیکوی برخوردار شود خواه از آن انکار کرده به فرجام بد برسد.

☆ سُوْرَةُ الْبَيِّنَةِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتياز] بسياربخشندهٔ بارهارحمكننده(۱)

لَمْ يَكُنِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ وَالْمُشْرِكِيْنَ مُنْفَكِّيْنَ حَتّٰى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ②

كسانى از اهل كتاب و مشركان كه كفر كردند هرگز دست نمى برداشتند باآنكه ادلّه روشن نيز آنان را آمده بود(۲)

رَسُوْلٌ مِّنَ اللّٰهِ يَتْلُوْا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ③

رسول خدا صحيفه هاى پاك را فروميخواند(۳)

فِيْهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ④

در آنها تعاليم استوار و استوار كننده بود(٤)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ ⑤

و تفرقه نيفكندند كسانيكه كتاب داده شدند مگر از اين پس كه دليلى روشن ايشان را آمده بود(۵)

وَمَآ اُمِرُوْٓا اِلَّا لِيَعْبُدُوا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۙ حُنَفَآءَ وَيُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوا الزَّكٰوةَ وَذٰلِكَ دِيْنُ الْقَيِّمَةِ ⑥

وايشان فرمان نشدندجزآنكه خدا راعبادت كنند دين راخالصًا براى او قرارداده مدام بسوى او فروتن ونمازرابپاى دارندوزكٰوت دهند و همين دين از تعليمات استوار و

استوار کننده میباشد(٦)

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

براستی کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کفر کردند در آتش جهنم باشند،و درآن مدت دراز می مانند. همانها اند که بدترین آفریدگان مستند(۷)

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٨﴾

یقیناًکسانیکه ایمان آوردند و صالحات بجا آوردند همانها اند که بهترین آفریدگان مستند(۸)

جَزَآؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِىَ رَبَّهُۥ ﴿٩﴾

پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بهشتهای جاودان است که دردامنۀ آنهانهرهای روان است که درآنها جاودانانند. خدا از ایشان خوشنودشد وایشان ازاوخوشنود شدند.این برای آنکس است که از پروردگارخود میترسد(۹)

# ۹۹-الزلزال

این سورة در مکه نازل آمد و با بسم الله نَه آیت دارد.

این سورة عبارت از آن تغییرات است که در آخرین زمان صورت میگیرد و انسان بپندارد که او پیروزی بزرگ بر قانون قدرت بدست آورده است در حالیکه آنزمان زمین هرچه رازهای خویش را بیرون افکند آن فقد بفرمان پروردگارتوباشد.درآنروزساعتی است که مردم پاداش دنیائی نیزداده شوند و آنگاه آنان ببینند که پیشرفتهای دنیائی هیچ هم به کار ایشان نیآمد جز اینکه بجنگ وجدال گرفتارپریشان حال شدند.پس آنروزمرانسان به کوچك ترین نیکی نیز پاداش خواهد یافت و هم برای کوچکترین بدی.

در آغاز این سورة مذکور است که زمین بارهای خویش را بیرون افکند و دنباله این درپایان فرموده میشودکه نه تنها ازنیکی و بدی سنگین محاسبه شود بلکه کسی نیکی را باندازه ذره ای نیز انجام داده باشد او پاداش آنرا درمییابد و همچنین برای بدی باندازه ذره ای نیز مجازات کرده میشود.

سُوْرَةُ الزِّلْزَالِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿۲﴾

هنگامیکه زمین از زلزله لرزانده شود(۲)

وَاَخْرَجَتِ الْاَرْضُ اَثْقَالَهَا ﴿۳﴾

و زمین دفینه های خود را بیرون افکند(۳)

وَقَالَ الْاِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿۴﴾

و انسان گوید آنرا چیست(٤)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ اَخْبَارَهَا ﴿۵﴾

آنروز اخبارخود را بیان کند(۵)

بِاَنَّ رَبَّكَ اَوْحٰى لَهَا ﴿۶﴾

چه پروردگارتو او را وحی میفرستد(٦)

يَوْمَئِذٍ يَّصْدُرُ النَّاسُ اَشْتَاتًا ۙ لِّيُرَوْا اَعْمَالَهُمْ ﴿۷﴾

آنروز مردمان پریشان حال بیرون آیند تا اعمال خود نشان داده شوند(۷)

فَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَّرَهٗ ﴿۸﴾

پس هرکه باندازه ذرهٔ ی نیکی کند آنرا ببیند(۸)

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَّرَهٗ ﴿۹﴾ ع

و هرکه باندازه ذرهٔ ی بدی کند آنرا ببیند(۹)

# ۱۰۰ -سورة عادیات

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ۱۲ آیت دارد.

پس از تذکرآن جنگها که بخاطرتسلط دنیائی جنگیده میشوند اینك ذکر ازآن جنگهای است که آنحضورﷺ و اصحاب ایشان رضوان اللّٰه علیهم بدفاع خودجنگیده بودند. این جنگهاازهرجهت مختلف ازجنگهای بنفع دنیائی و نیکوتر درفرجام اند. آن اسبان تندرو گواه قرار داده میشوند که بشتاب نفس زده بردشمن بطوری‌حمله میکنندکه ازنعلهای آنهاشعله درمیآید وحمله ور صبحگاه میشوندوشبیخون نمیزنند. این علامت از بلندترین دلاوران است و الا برای‌جنگهای دنیائی روش ملتها همین است که آنها برهمدیگرحمله ور پنهانی میشوند.

سپس فرموده میشود که انسان به پروردگار خویش سخت ناسپاسی می کند وخودش بر این امرگواه است. او در دوستی مالها بسیار سخت است و این کنایه ای به اینسواست که جنگهائی دنیائی بخاطر مال و منال جنگیده میشود. پس آیا او نمیداند که چون دفینه های دنیا درآورده شود و هرچه راز درسینه های انسان است آشکارساخته شود وخداوند در آنروز از حالات ایشان خوب آگاه باشد.

سُوْرَةُ الْعَادِيَاتِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ①

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

وَالْعٰدِيٰتِ ضَبْحًا ②

و سوگند به اسبان تیزرو با صدای سینه (۲)

فَالْمُوْرِيٰتِ قَدْحًا ③

پس به جرقه های برانگیخته شعله های درآوردگان(۳)

فَالْمُغِيْرٰتِ صُبْحًا ④

پس سوگند به سپیده دم تاخت و تاز کنندگان(٤)

فَاَثَرْنَ بِهٖ نَقْعًا ⑤

پس به آن غبار برانگیختگان(۵)

فَوَسَطْنَ بِهٖ جَمْعًا ⑥

پس با آن [غبار] وسط هجوم میرسند(٦)

اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَكَنُوْدٌ ⑦

یقینًا انسان در حق پروردگار خود بسیار ناسپاس است(۷)

وَاِنَّهٗ عَلٰى ذٰلِكَ لَشَهِيْدٌ ⑧

و یقینًا بر این امر گواه است(۸)

وَاِنَّهٗ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ ⑨

و یقینًا او برای دوستی مال سرسختر است(۹)

اَفَلَا يَعْلَمُ اِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُوْرِ ⑩

پس آیانمیداندوقتیآنچه درمدفنها است برانگیخته شود؟(۱۰)++

وَحُصِّلَ مَافِي الصُّدُوْرِ ﴿١١﴾ — و آشکار کرده شود آنچه درسینه ها است(۱۱)++

اِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيْرٌ ﴿١٢﴾ ع — یقینًا پروردگار ایشان آنروز به آنها کاملاً آگاه است(۱۲)

++آیات ۱۰-۱۱: این آیات دارای پیشگوئیها از پیشرفتهای در آخرین زمان است. منظور از بُعثِرَ مَافِیالقُبُور اینست که حالاتی از قومهای بخاک سپرده مکشوف شود. این آیت حاکی از پیشگوئی درباره پیشرفت فوق العادهٔ ی از علم باستان شناسی میباشد که در زمان کنونی جلوی چشمان ما راست میآید.زبردستان باستان شناسی حالات قومهای هزاران ساله پیشین را از آثار ایشان از طریق حیرت انگیز مکشوف مینمایند.

حُصِّلَ مَا فِی الصّدُور روان شناسی این زمان حاکی از این امر است که یك بیمار روانی رو به صحت نمیشود تا آنگاه که حالات دلش معلوم کرده نشود. پزشك با تزریق نیم بیهوشی از این مریض میپرسد و از این طریق تمامی رازهای سینه اش در آورده میشود.

# ۱۰۱ -سورة القارعة

این سورة در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ۱۲ آیت دارد.

این سورة مجدداًحاکی از همان تنبیه است که درسورة گذشته مذکوربود که گاه و بیگاه برای بیدارکردن انسان صدای هولناك درش رامیکوبد. این صدای درش را کوبنده چیست؟ بازهم بنگرید که این صدا چیست؟ چون انسان ناشی از جنگهای هولناك همچون ملخا پراکنده شود و کوهها نیز همچون پشم زده ریزه ریزه برده شوند. اینجا منظور از کوهها ابرقدرتهای دنیائی اند و حتماً ذکر از قیامت اخروی نیست زیرا آنگاه که هیچ کوهی ریزه ریزه برده نمیشود. آنروز قومهای که با سازوبرگ سنگین مجهز باشند آنان پیروزمندمیشوند و آنانکه نسبتاًتجهیزات سبك داشته باشند به"حاویه" جنگ افکنده شوند و آن آتشی شعله ور است.

## سُوْرَةُ الْقَارِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ اٰيَةً وَّ رُكُوْعٌ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ⑴ | بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندۀ بارهارحم کننده(۱) |
| اَلْقَارِعَةُ ⑵ | صدای‌کوبنده[ازخواب غفلت] (۲) |
| مَا الْقَارِعَةُ ⑶ | چیست صدای کوبنده؟(۳) |
| وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الْقَارِعَةُ ⑷ | چه ترادانا‌کند کوبندۀ چیست(٤) |
| يَوْمَ يَكُوْنُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوْثِ ⑸ | روزی که مردمان مانند ملخا پراکنده گردند(۵) |
| وَتَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوْشِ ⑹ | و کوهها مانند پشم زده شوند(٦) |
| فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ ⑺ | و اما کسیکه وزن کرده هایش سنگین آید(۷) |
| فَهُوَ فِيْ عِيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ⑻ | پس او در زندگی پسندیده باشد(۸) |
| وَاَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ ⑼ | و اما کسیکه وزن کرده هایش سبك باشد(۹) |
| فَاُمُّهٗ هَاوِيَةٌ ⑽ | پس مادرش هاویۀ باشد(۱۰) |
| وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا هِيَهْ ⑾ | چه ترادانا‌کندکه آن چیست؟(۱۱) |
| نَارٌ حَامِيَةٌ ⑿ ع ۱ ۱۲ ۲٦ | آتشی زبانه دار(۱۲)++ |

++آیت ۱۲ : مطالب این سورة به این دنیا نیز اطلاق میکند. هنگام جنگها ملتهای که ازروی تجهیزات جنگی سنگین ترباشند پیروزمند میشوند و بوسیله پیروزیهای

خویش سامان عیش و نوش بدست میآرند و ملتهای که از روی تجهیزات ضعیفتر باشند منتهادرآتش جنگ سوزانده میشوند.

اگر این موضوع را به قیامت ببندیم منظور اینست که کسانیکه وزن کرده های اعمال ایشان سنگین باشد ایشان از لذت بهشت بهرهمند شوند و کسانیکه وزن کرده های ایشان سبك باشد طعم از آتش جهنم بچشند.

# ۱۰۲ -سورة التكاثر

این سورة مکی است و با بسم الله نه آیت دارد.

در این سورة انسان متنبه کرده میشود که او در نتیجه دوستی مال و منال تا قبرها خواهد رسید. در این سورة از یکسو ابرقدرتها هشدار داده میشوند که این مسابقه منتها منجر به نابودی میشود. در عین حال حالت بعض ملتهای ضعیف نیز بیان میشود که آنها بدنبال مال ومنال دنیائی از دیدن قبرها نیز خود داری نخواهند کرد. نسبت به این امر انسان از مردو جهت هشدار داده میشود - هم ملتهای گرفتار در فعالتهای دنیائی و هم ملتهای مذهبی دچار به توهمات گوناگون که سرانجام شماها علم آن آتش را میپرورید که برایشما برافروخته شده است و پس شما آنرا جلوی چشمان خود تماشا کنید و سپس چون در آن افکنده شوید آنگاه پرسیده شوید که اینك بگوید که در نتیجه طلب کورکورانه از نعمتهای دنیائی چه چیزی بدست آوردی؟

## سُوْرَةُ التَّكَاثُرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ تِسْعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ⓵
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارها رحمکننده(۱)

اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ⓶
شما را سبقت جستن بهم بغفلت انداخت(۲)

حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ⓷
حتّی به مقبره ها نیز دیدن کردید(۳)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ⓸
آگاه باشید! حتمًا شما خواهید دانست(٤)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ⓹
بازهم آگاه باشید! حتمًا شما خواهید دانست(۵)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ⓺
آگاه باشید!اگر شما بحد علم یقین بدانید(٦)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ⓻
حتمًاجهنم را خواهید دید(۷)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ⓼
سپس حتمًا آنرا بحد یقین رأی العین خواهید دید(۸)

ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ ⓽ ع ۱ ۹ ۲۷
سپس حتماًآنروزازنعمتها پرسش شوید(۹)

# ۱۰۳ -سورة العصر

این سورة ابتدائی است که در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه چهار آیت دارد.

این سورة عبارت از این بیان است که آن انواع انسانها که ذکر از آنها در سورة های گذشته رفته است و آزمندی دنیا که از آن هشدار داده شد ناشی از آن چنین روزگاری برسد که همگان بر آن گواه باشند که انسان دچار خسارت است جز آنانکه ایمان آوردند و نیکوکاری کردند و بر حق استوار برای حق نصیحت کردند و بر صبر برقرار به صبوری اندرز دادند.

## سُوْرَةُ الْعَصْرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندۀ بارها رحمکننده(١)

وَالْعَصْرِ ﴿٢﴾
سوگند به زمان (٢)

اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ خُسْرٍ ﴿٣﴾
یقینًا انسان در خسارتی بزرگ است(٣)

اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۙ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٤﴾ ع ١ / ٢٨
جزکسانیکه ایمان آوردند و نیکو کاری بجاآوردند و برحق استوار بحق نصیحت کردند و بر صبر برقرار به صبر سفارش کردند(٤)

# ۱۰٤ -سورة الهمزة

این سورة مکی است و با بسم اللّه ده آیت دارد.

سورة الهمزة دنبال سورة العصر میآید.از آنجمله هشدارها که به قومهای آزمندسیم وزرتاحال داده شداین سورة دارای‌بزرگترین هشدار است.فرموده میشود.آیا بزرگ انسان این زمان میپندارد که مال ومنال به آن فراوانی نزدش جمع شده است و او بیدریغ آنرابدفاع خویش مزینه میکند که او را بردنیابرتری‌ابدی‌بدست آمده است؟باش!او درچنین آتشی افکنده شودکه در صورت ذره های‌کوچکترین بسته باشدوتوراچه معلوم که آن کدام آتش است؟

سؤال مطرح میشود که آتش چطور به ذره های کوچك توان بسته شد. حتماًاین حاکی‌ازآن آتش است که دراتم بسته میشود و کلمات حُطَم و اتم بهم شباهت صوتی‌دارند.این آن آتش است که بردلهاحمله بردوبرای‌حمله بردن در چنین ستونها بسته شود که کشیده درازتر میشوند.

اینهمه سورة بفهم انسان نمیتواندبرسد تا آنگاه که حالات دوره اتمی بر اوآشکارنگردد.آن مواد اتمی‌که این آتش درآن بسته شده است قبل ازانفجار شکل عَمَدٍ مُمَدَّدَة رامیگیردیعنی‌بعلت فشاردرونی‌گستردن میگرد وآتشش قبل از سوزاندن جسم، به دل آدمی حمله کرده وحرکت قلب بسته میشود.تمامی پژوهشگران علم بر این امرگواه هستند که صورت هنگام انفجار اتم بم همین طورمیباشد.قبل ازاینکه موادآتشی‌برسدتشعشاتی‌نیرومدحرکت قلبرامیبندد.

معنای دیگراینست که یك آتش در ذرات جسم انسان نیزمخفی است و چون آن آشکار شود بردل انسان حمله برده آنرا ازکارخواهد انداخت.

سُوْرَةُ الْهُمَزَةِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ عَشْرُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتياز] بسيار بخشندهٔ بارها رحم كننده(١)

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿٢﴾

هلاك بر هر سخن چين و عيب كننده(٢)

الَّذِيْ جَمَعَ مَالًا وَّعَدَّدَهٗ ﴿٣﴾

آنكه مال را جمع كرد و آنرا شمار ميكرد(٣)

يَحْسَبُ اَنَّ مَالَهٗٓ اَخْلَدَهٗ ﴿٤﴾

پنداشت كه مال او را جاودان نگه دارد(٤)

كَلَّا لَيُنْۢبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٥﴾

آگاه باش! حتمًا او فرو حطمه افكنده شود(٥)

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٦﴾

و چه ترا حالى كند كه حطمه چيست؟(٦)

نَارُ اللّٰهِ الْمُوْقَدَةُ ﴿٧﴾

آن آتش خدا است برافروخته(٧)

الَّتِيْ تَطَّلِعُ عَلَى الْاَفْـِٕدَةِ ﴿٨﴾

كه بر دلها چيره شود(٨)

اِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤْصَدَةٌ ﴿٩﴾

يقيناآن برخلاف آنهااز همه طرف بسته شده است(٩)

فِيْ عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ﴿١٠﴾

ع ١٠/٢٩ در ستونهاى كه كشيده دراز كرده شده است(١٠)

# ۱۰۵ - سورة فیل

این سورة ابتدائی و مکی است و با بسم اللّٰه ٦ آیت دارد.

پیشرفت ملتهای دنیائی منتها به این نقطه عروج بپایان میرسد که تمامی ابرقدرتها درپی نابودی اسلام خواهند افتاد. قرآن واقعه ای از زمان گذشته را بیان کرده میفرماید که قبل از این نیز ملتهای بزرگ با جاه و حشمت تلاش کرده بودند که اُمّ القرٰی یعنی مکه را نابود سازند. آنان اصحاب فیل یعنی دارای فیل های بزرگ بودند. اماقبل ازاینکه سوار برآن فیل ها به مکه برسند بر آنها آن ابابیل ها که در چاه های سنگ خاره های دریائی آشیانه درست میکنندچنین سنگریزه های پرتاب کردند که جرثومه مرض آبله همراه داشت و آن مرض مهلك و خوفناك در سراسر ارتش حمله کنندگان گسترش یافت و بلافاصله آنها پشته های جسدها همچون کاهی خورده شدند و جسدهای آنها را پرندگانی مردارخوار بسختی بزمین میزدند. پس اگر کسی در آتیه هم از روی فیس نیرومندی آهنگ به ببحرمتی یا نابودی اسلام و مکه کرد پس او نیز بر همین منوال به نابودی کشیده خواهد شد.

## سُوْرَةُ الْفِيْلِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِىَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱) |
| اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِيْلِ ② | آیا نمیدانی که پروردگارتو به دارندگان فیل چه رفتار کرد؟(۲) |
| اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِيْ تَضْلِيْلٍ ③ | آیا او نیرنگ آنها را بی نتیجه نه ساخت؟(۳) |
| وَّاَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيْلَ ④ | و پرندگان را گروه درگروه بر آنها[نه] فرستاد؟(٤) |
| تَرْمِيْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيْلٍ ⑤ | آنهاسنگهای ازسجیل برآنهاپرتاب میکردند(۵) |
| فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّاْكُوْلٍ ⑥ | ع ۱/۶/۳۰ پس او آنها را مانند کاهی خورده گردانید(٦) |

# ۱۰۶ -سورة القریش

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ۵ آیت دارد.

بلافاصله پس از سورة الفیل در این سورة این مژده ای داده میشود که بطوری که اهل مکه پیش از واقعه مذکور در سورة الفیل در صورت قافله ها تجاری طی زمستان و تابستان سفر میکرده اند و ما ایشان را از طریق هر نوعی میوه ها از گرسنگی و خوف امن میبخشیدیم این سلسله آینده نیز ادامه خواهد داشت.

## سُوْرَةُ قُرَيْشٍ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾
بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

لِاِيْلٰفِ قُرَيْشٍ ﴿۲﴾
برای بهم ربط دادن قریش(۲)

اٖلٰفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَآءِ وَالصَّيْفِ ﴿۳﴾
[بلی]برای افزایش ربط همدیگر آنان سفرهای زمستانی وتابستانی است(۳)

فَلْيَعْبُدُوْا رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ ﴿۴﴾
پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند(٤)

الَّذِيْٓ اَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوْعٍ وَّاٰمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ ﴿۵﴾
آنکه آنانرا [به نجات] از گرسنگی غذا داد و از ترس ایشانرا ایمن ساخت(۵)

ع ۱ ۵ ۳۱

# ۱۰۷ -سورة الماعون

این سورة ابتدائی و مکی است و با بسم اللّٰه ۸ آیت دارد.

بقرار معلوم این سورة را تعلق با سورة قبلی اینست که چون خداوند به مسلمانان نعمتهای فراوان اعطاء کند ایشان از خرج در راه او راه گریز پیدانخواهند کرد و درعبادتی که پروردگارکعبه بدیشان آموخته است تظاهر را بکار نگیرند وگرنه نمازهای ایشان موجب هلاك ایشان بشود زیرا که چنین نمازها از روی تظاهر است و بر همین منوال خرج ایشان نیز از روی تظاهر باشد. ایشان هزینه های بزرگ را برای اشتهار یافتن کنند درحالیکه به نیازمندان از دادن چیزهای معمولی نیز خود داری خواهند نمود.

سُوْرَةُ الْمَاعُوْنِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِیَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ ثَمَانِیْ اٰیَاتٍ وَّ رُکُوْعٌ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿۱﴾ | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشنده،بارها رحم کننده(۱) |
| اَرَءَيْتَ الَّذِیْ يُكَذِّبُ بِالدِّيْنِ ﴿۲﴾ | آیا آنکس را دیدی که به دین تکذیب میکند؟(۲) |
| فَذٰلِكَ الَّذِیْ يَدُعُّ الْيَتِيْمَ ﴿۳﴾ | پس همین است آنکه یتیم را طرد میکند(۳) |
| وَلَا يَحُضُّ عَلٰی طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ ﴿۴﴾ | و به طعام مسکین تشویق نمی نماید(٤) |
| فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ ﴿۵﴾ | پس هلاك است بر آن نماز گذاران(۵) |
| الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُوْنَ ﴿۶﴾ | که ازنمازخودغافل اند(٦) |
| الَّذِيْنَ هُمْ يُرَآءُوْنَ ﴿۷﴾ | آنانکه تظاهر میکنند(۷) |
| وَيَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ ﴿۸﴾ ع | وکالای مورد استفاده روزانهٔ را نیز[از مردم]باز میدارند(۸) |

ع ۱ ۸ ۳۲

# ۱۰۸ -سورة الکوثر

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ٤ آیت دارد.

بلافاصله پس از سورة الماعون به آنحضورﷺ مژده ای به چنین کوثر داده شده است که هیچگاه پایان پذیرنمیباشد. یکی این معنا است که آن دارائی که ایشان در راه خدا انفاق کنند اگر ایشان آنها را هزینه بیدریغ هم کنند بازهم خدای متعال پیوسته مالهای بیشتر اعطاء کند و بزرگترین مژده ها این است که به ایشان قرآن اعطاء کرده شد که مطالب آن همچون گنجی پایان نپذیر تا قیامت به سود نوع انسان ادامه خواهد داشت و هیچکس نتواند این موضوع را فراگیرنده باشد.

سپس این فرموده شد که تو بعنوان تشکر برای این انعام بزرگ عبادت کن و قربانی بده. یقیناً دشمن تو ابتر است و فیض تومرگزپایان پذیرنده نیست.

## سُوْرَةُ الْكَوْثَرِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندۀ بارهارحم کننده(۱)

اِنَّآ اَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ② یقینًاما تورا کوثرعطاکردیم (۲)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ③ پس برای پروردگارخود عبادت کن و قربانی بده(۳)

اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ ④ ع ۱ ۳۲ یقینًادشمن توابترخواهد ماند(٤)

++آیت ٤ :کافران مکه به آنحضورﷺ طعنه ابتر بودن میزدند یعنی آنکس که هیچ فرزند نرینه ای نداشته باشد. اینجا بدیشان ﷺ مژده ای داده میشود که آنان که بداشتن فرزندان نرینه مدعی هستند فرزندان آنان نیزفرزندان روحانی بودن تو را موجب سربلندی و خوشبختی خودشان دانسته و وابستگی خویش را با والدین بدبخت خود خواهند برید. چنانکه نسبت به عکرمه فرزند ابوجهل روایت است که پس از قبول اسلام یکی مسلمان او را طعنه به فرزند بودن ابوجهل زد و عکرمه در حضور آنحضرت ﷺ شکایت کرد و ایشان به آن مسلمان نهی کردند که در آتیه به عکرمه فرزند ابوجهل گفته نشود[اسدالغابته ـ زیرکلمه عکرمه] بعبارت دیگر ابوجهل خودش بحالت ابتر جان باخت و نژادش از روی معنویت بسوی آنحضرت ﷺ نسبت داده شد.

# ۱۰۹ -سورة الکافرون

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ۷ آیت دارد.

در این سورة مجدداً کافران متنبه ساخته میشوند هیچگاه نه من از دین شماپیروی کننده ام ونه شما از دینم پیروی کنندگانید، پس شما دین خویش را دنبال کنید و من از دین خودم پیروی خواهم کرد.

## سُوْرَةُ الْكَافِرُوْنِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ ② بگو، ای کافران(۲)

لَآ اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ ③ من عبادت نکنم آنچه را شما عبادت کنید(۳)

وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ④ و نه شما عبادت کنندگان هستید آنکه را من عبادت میکنم(٤)

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ⑤ و منهم عبادت کننده نیستم آنچه را که شما عبادت میکنید(۵)

وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ⑥ و شما هم عبادت کننده نیستید آنکه را من عبادت میکنم(٦)

لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ⑦ دین شما برایشما است و دین من برای من است(۷)

# ۱۱۰ -سورة النصر

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّٰه ٤آیت دارد.

در این سورة نیز دومین شکل کوثر بیان میشود یعنی بطوریکه انعامات قرآن ناتمام شدنی است بر همین منوال فتوحات اسلام نیز مبنی بر سلسله لامتناهی است و حتماً آنزمان فرارسد که مردم فوج در فوج بداخل اسلام خواهند شد. آنزمان برای برگذاری جشن شادمانی نیست بلکه باید استغفار کرد.زیرا که بعلت آن پیروزیها نباید تکبر بدل راه یابد بلکه فروتنی را بکار گرفته باید بر این یقین استوار باش که اینهمه فقط ناشی از فضل خدا است. پس آنهنگام باید بیشتراز معمول به استغفارمشغول شد و ستایش خدا را باید بیشتر فراگرفت.

سُوْرَةُ النَّصْرِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ اَرْبَعُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾ | بنام خدا[بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(١) |
| اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ﴿٢﴾ | هنگامیکه مدد خدا و پیروزی بیآید(٢) |
| وَرَاَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا ﴿٣﴾ | و مردم راخواهی دید که گروه در گروه بداخل دین خدا شوند(٣) |
| فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ ؕ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا ﴿٤﴾ ع | پس تسبیح بگو با ستایش پروردگار خود و از او آمرزش بخواه یقینًا او توبه را بارها قبول کننده است(٤) |

# ۱۱۱ -سورة اللهب

این سورة درابتدا در مکه نازل شد و با بسم اللّٰه ٦ آیت دارد.

ابولهب اسم عموی آنحضورﷺ بود که او مرجاخلاف ایشان ﷺ آتش نفرت برمیافروخت و همسرش نیز او را در اینکار یاریگر بود. فرموده شد که هردو دستش بریده شود. بعبارت دیگر هرکدام هم خواه به جناحِ راست تعلق دارد یا به جناحِ چپ هرگاه برخلاف اسلام شعله های آتش برافروزد هیچ هم بدست نیآرد جز ذلت و رسوائی. آن ملتها که سوخت آتش جنگ وی را مهیا سازند و کمك کنند آنان هم چیزی بدست نیآرند جز اینکه به دار کشیده شوند.

سُوْرَةُ اللَّهَبِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

| | |
|---|---|
| بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① | بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱) |
| تَبَّتْ يَدَآ اَبِىْ لَهَبٍ وَّتَبَّ ② | دو دست ابولهب هلاك شد و او نیز هلاك گردید(۲) |
| مَآ اَغْنٰى عَنْهُ مَالُهٗ وَمَا كَسَبَ ③ | مال او و آنچه کسب کرد هیچ هم بکارش نیآمد(۳) |
| سَيَصْلٰى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ④ | یقینًا او بداخل آتشی شعله ور شود(٤) |
| وَّامْرَاَتُهٗ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ⑤ | و زنش هم که سوخت فراوان را برداشته باشد(۵) |
| فِىْ جِيْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ⑥ ع ۱ ٦ ۳٦ | در گردنش رسنی از لیف خرما باشد(٦) |

# ۱۱۲ -سورة الاخلاص

این سورة مکی است و با بسم اللّٰه ۵ آیت دارد.

این یك بسیار کوچك سورة است اما در این وعده ای از پیروزیهای بزرگ اسلام برخلاف مسیحیت داده شده است و این خبر داده میشود که نه خدا را پدری بود و نه او را فرزندی باشد. با این یك جمله مجمل ساختمان مسیحیت بتمام منهدم میشود. اگر خدا را پدری نیست آنگاه در او صفات تولد کردن فرزندی از کجا آمد؟ عیسٰی علیه السلام که فرزند فرضی خدا گفته میشوند چرا ایشان از پدر سهم صفاتش نگرفتند؟ اگر پدر پسر را تولد کرده بود آنگاه چرا پسر را فرزندان دیگر تولد نشدند؟ سپس گفته شد که خدا را کسی کفو نیست. بنا بر این اینگونه یاوه گوئیها هیچ نتیجه ای ندارد جز گستاخگوئی نسبت به خدا جَلَّ شانه.

## سُوْرَةُ الاِخْلاصِ مَكِّيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ خَمْسُ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿١﴾

بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارهارحم کننده(۱)

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ﴿٢﴾

بگو خدا یکتا است(۲)

اَللّٰهُ الصَّمَدُ ﴿٣﴾

خدا بی نیاز است(۳)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ ﴿٤﴾

نه او تولد کرد و نه تولد شد(٤)

وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ ﴿٥﴾ ع ۱ ۵ ۳۷

و هیچگاه او را احدی همتا نبوده است(۵)

# ۱۱۳ - سورة الفلق

این سورة مدنی است و با بسم اللّه ٦ آیت دارد.

دراین سورة هشدار داده میشود که در نتیجه هرکدام تخلیق بعلاوه خیر، شر نیز پدید میآید. پس از شرّ آنها به خدا پناه ببرید و از شرّ آن شب تار هم پناه به خدا ببرید که مجدداً دنیا را فراگیرنده است و از شرّ آن قومها نیز به خدا پناه برید که انسان را از انسان و ملتها را از ملتها شکافته جدا میسازند. بعبارت دیگر اصل اخلاقی ایشان اینست که برای حکومت کردن میان قومها افتراق پیدا کرده شود[Divide & Rule]. اینهمه خلاصه حکومت امپراتوری است که هدفش بردنیا تسلط یافتن بود. در عین حال یقیناً اسلام پیشروی خواهد کرد و الاّ اگر قرار باشد که اسلام نابود شود درآنصورت حسادت که بوجود نمیآید. موضوع حسادت حاکی است که اسلام را یقیناً پیشروی کردن است و هرگاه آن پیشروی کند دشمن حسادت خواهد داشت.

## سُوْرَةُ الْفَلَقِ مَدَنِيَّةٌ وَّ هِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سِتُّ اٰيَاتٍ وَّ رُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ⓵ — بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندۀ بارهارحمکننده (۱)

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ⓶ — بگوپناه میبرم به پروردگار [که چیزهارا] شکافته [چیزهای نوین] خلق کننده است(۲)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ⓷ — از شرّ هرچه او آفریده است(۳)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ⓸ — و از شر تاریك کننده چون او فراگرفته باشد(٤)

وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ ⓹ — و از شرّ آنها که در گرهها میدمند(۵)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ⓺ — ع ۱/٦/۲۸ — و ازشرّحسود چون حسدکند(٦)

++آیت ۵: این آیت را یك معنی این کرده میشود که از طریق افسون در گره های مناسبات همدیگرمیدمند.ولی درحقیقت این یك پیشگوئی بزرگ نسبت به آن قومهای است که اقتدارایشان متکی بر این اصل اخلاقی باشدکه برای حکومت کردن بر ملتهای خواسته خود میان ایشان تفرقه انداخته آنانرا ناتوان سازند و خودشان برمقام حاکمیت برآیند[Divide & Rule] و علی الخصوص اروپائیها هرجا بنا بر همین اصل حکومت کرده اند.

# ۱۱٤ ـ سورة الناس

این سورة در مدینه نازل شد و با بسم اللّٰه ۷ آیت دارد.

این سورة مجمل آنجمله کوششهای یهودیان و مسیحیان را ارائه میدهد که علامات ایشان این باشد که مدعی از ربوبیت نوع انسان شده بر مقام مالکیت از اقتصادیات مردم برآیند و بر این منوال مدعی از مقام ملوکانه هم باشند.بعبارت دیگراختیارات سیاسی مردم را نیز در قبضه خود بگیرند و گویی که برمقام معبودیت برآیند و هرکه آنانرا پرستش کند او را بهره مند سازند و هرکه آنانرا انکار کند او را خوار سازند.

خطرناکترین جنگ ابزار ایشان این باشد که آنان همچون کسی باشند که خَنَّاس است یعنی به دلها تردید انداخته پنهان شوند. در آنزمان حالت اخلاقی ابرقدرتها یعنی ملتهای سرمایه دار و اشتراکی یکسان خواهد بود. منتها هرکه درمقابل این امور پناه به خدا برد خداوند او را نجات میدهد.

## سُوْرَةُ النَّاسِ مَدَنِيَّةٌ وَّهِيَ مَعَ الْبَسْمَلَةِ سَبْعُ اٰيَاتٍ وَّرُكُوْعٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ① بنام خدا [بلااستدعا و بلاامتیاز] بسیاربخشندهٔ بارمارحم کننده(۱)

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ② بگو پناه میبرم به پروردگار مردم (۲)

مَلِكِ النَّاسِ ③ پادشاه مردم(۳)

اِلٰهِ النَّاسِ ④ معبود مردم(٤)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ⑤ و از شرّبتکثیر وسوسه کنندهٔ که وسوسه کرده کنار میرود(۵)

الَّذِيْ يُوَسْوِسُ فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ ⑥ آنکه در دلهای همه انسانها وسوسه میکند(٦)

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ⑦ ع ۱/۷/۳۹ خواه آن ازجنها [ارشدان] باشد یا از عوام الناس (۷)

++آیات۵_ ۷: این آیات حاکی از این پیشگوئی میباشند که در زمان آخرین یهودیان و مسیحیان در دلهای دیگران تردید خواهند انداخت. الجنة و الناس را یك معنٰی اینست که هم در دل ارشدان و هم در دل عوام الناس وسوسه کرده شود. پس بعلت آن وسوسه که شیطان به دل ملتهای سرمایه دار و ملتهای اشتراکی انداخت هردو بسوی عقیده خدا نشناسی رفتند. دومین معنٰی اینست که یهود و مسیحیان هردو وسوسه میکنند و در یقین آنمردم که برآنها حکومت میکنند تردید انداخته آنانرا ناتوان میسازند.

# دعای ختم القرآن

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی بِالْقُرْاٰنِ العَظِیمِ وَاجْعَلهُ لِی اِمَاماً وَّ نُوْرًا وَّ هُدًی وَّ رَحْمَةً اللّٰهُمَّ ذَكِّرْنِی مِنهُ مَا نَسِیتُ وَ عَلِّمنِی مِنهُ مَا جَهِلتُ وَارزُقْنِی تِلَاوَتَهٗ اٰنَاءَ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَاجعَلهُ لِی حُجَّةً یَّارَبَّ العَالَمِینَ

پروردگارا! از برکت قرآن بزرگ بر من رحم بفرما و آنرا برایم امام و نور و هدایت و رحمت بنما.پروردگارا! هرچه از آن فراموش کنم بخاطرم بیآرو مرا آنچه از آن بلد نیستم بیآموز و هنگام شب و هنگام روز مرا توفیق تلاوت آن اعطاء کن و ای پروردگار جهانها! آنرا حجتی بنفع من بگردان ـ آمین